



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق یقیناً

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

۱۵

علم مفاهیم شناسی
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصغرنانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد پانزدهم - حرف ش
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۲۵	پادشاه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۷	شاعران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۶	شاکران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۶۰	شامات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۶۷	شایستگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۶۸	شایعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۰۶	شب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۷۵	شب قدر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۰۳	شبهه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۰۶	شتر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۰۰	شجاعت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۱۶	شجره ملعونه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۱۸	شخصیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۰۸	شخم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۱۰	شر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۲۹	شرابخوار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۳۲	شرح صدر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۵۶	شرک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۲۰	شرکت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۲۶	شطرنج از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

۱۴۲۷	شعائر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۳۹	شعار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۴۲	شعر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۵۱	شعور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۵۰۴	شعیب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۶۸۴	شغل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۶۸۹	شفا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۶۹۱	شفع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۶۹۶	شفق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۶۹۸	شفاوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۷۴۹	شک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۸۵۰	شکر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۹۶۵	شکست از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۱۶۹	شکم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۱۷۷	شکنجه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۲۲۷	شکوفه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۲۲۹	شناخت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۳۴۵	شنبه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۳۵۹	شنوائی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۳۹۹	شورا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۴۰۱	شوهر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۴۱۸	شهاب آسمانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۴۲۰	شهادت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۴۷۴	شهر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۴۹۱	شهوت پرستی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۴۹۷	شهود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شیاطین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ۲۵۰۰

شیشه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ۲۹۴۵

شیعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ۲۹۴۷

درباره مرکز ۲۹۵۵

مشخصات کتاب

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد پانزدهم - حرف ش / رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د ۵۷۷۴ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است . که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف، هدف، فایده،

پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: (۱) مبانی تفسیر؛ (۲) قواعد تفسیر؛ (۳) منابع تفسیر؛ (۴) شرایط مفسر؛ (۵) سنجه‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ (۶) روش‌های تفسیری؛ (۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می‌باشد. زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبان‌شناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک و متودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را بر اساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن بر اساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متأسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این زمینه مراکز

قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصور است اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن را در منظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مینا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن و صدها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانی که خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است

و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتنای عرفان الهی و بحر موج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادب‌بنی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآوردند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلامی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فرو بسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهاى معرفتى او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه هاى درونى آدمى است. ثانياً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به ديگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمى به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایى لفظى را که نمایانگر آن معنى باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتى است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. يعنى علامتى است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه اى بیش نیست و فقط هنگام رویاروى با ديگران بکار می رود. اما آدمى مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته هاى خود را به مکانهاى دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروى نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علايم ديگر نیز وضع کرده که همان خط یا علايم مکتوب یا الفباست. علايمى به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علايم مکتوب یا خط یا وجود کتبى دلالت بر حفظ، يعنى اصوات معين ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبى دال بر وجود لفظى است ، همانطور که وجود لفظى دال بر معنای ذهنى است و معنای ذهنى دال بر شیء خارجى.

وجود کتبى (علايم کتبى یا خطى) - وجود لفظى

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مباحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر خواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانی که

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند و یا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکین اصفهانی

پادشاه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پادشاه

آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۳

۳ یوسف (ع) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش ، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد .

فلما جهّزهم بجهّازهم جعل السقايه في رحل أخيه

<سقايه> به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. <ال> تعریف در آن می رساند که ظرف ویژه ای بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۵

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا\$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

كذلك كدنا ليوسف

<كذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱

۱ برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند .

قالوا إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

آگاهی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۴

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی

(از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتَنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبکَنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکَنّ...> ؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مرادده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۲

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغب

چنان چه <ذلک لیعلم...> کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه <ذلک> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملک> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلک لیعلم...> ؛ یعنی، بیرون رفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهران به او خیانتی نکردم.

ابلاغ تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۶

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا

فی سبع بقرت .. لعلی أرجع إلی الناس

ارزش آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۸

۸ جام پنهان شده در محموله بنیامین ، ظرفی قیمتی و با ارزش بود .

جعل السقایه .. أذن مؤذن أيتها العیر إنکم لسرقون

از این که بر فرزندان یعقوب اطلاق شده که سارقید نه سرقت کردید و اینکه مؤذن مسأله را علنی اعلام می نماید و آن را تکرار می کند، همچنین از اینکه یوسف(ع) می توانست سارق جام را برده خویش سازد، معلوم می شود که آن جام، ظرفی با ارزش و قیمتی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۶

۶ پیمانه مفقود شده در بارگاه یوسف ، دارای ارزشی فراوان

نفقد صواع الملك و لمن جاء به حمل بعیر

از این که برای یابنده پیمانه دربار یک بار شتر غله تعیین شد که طبعاً در زمان قحطی و جیره بندی ارزش فراوانی داشت ، معلوم می شود پیمانه مذکور ظرفی قیمتی و ارزشمند بوده است.

استیدان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۱

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیها الصدیق أفتنا

اطمینان پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۲

۲ پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف (ع) از رؤیای شگفتش

، اطمینان یافت .

و قال الملك ائتونی به

از اینکه پادشاه مصر پس از شنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش ، یوسف(ع) را احضار می کند ، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف(ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است.

اطمینان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۵

۵ ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أُتْبِئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسَلُونِ

ترکیب <أنا أُتْبِئُكُمْ> دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف(ع) از تعبیر رؤیاهاست.

اعتماد پادشاه مصر به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۵

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما کَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدِينَا مَكِينٌ أَمِينٌ

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کَلَّمَهُ> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنک...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنک الیوم...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

اقرار معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

<ال>

در <الأحلام> عهد ذکری است و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن...> ؛ یعنی: تأویل آن گونه از رؤیایها را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

۳ معبران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا .. ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

مفاد جمله <و ما نحن...> این است که این گونه رؤیایها ، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

اوامر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۴

۴ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد .

وقال الملك ائتونی به .. قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید ، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (ائتونی به) احضار اجباری نبوده است ؛ بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

اهداف ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۶،۷

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت .. لعلى أرجع إلى الناس

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع)

ع) جهت تعبیر خواب

لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ

بازجویی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱،۲،۳

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبكنّ

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه .. قال ما خطبكنّ

بینش پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

بینش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۸

۸ ساقی ، احتمال می داد دربار مانع رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم شود .

لَعَلِّي أَرْجِعَ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ

پادشاه ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۴

۱۴ روی عن أبي عبدالله(ع) إنه

قال: معنى <عذابا من فوقكم> السلطان الجائر <و من تحت أرجلكم> السفله و من لاخير فيه .. <و يذيق بعضكم بأس بعض> قال: سوء الجوار.

امام صادق(ع) فرمود: معنای <عذابا من فوقكم>، سلطان ستمگر و معنای <و من تحت أرجلكم>، زیردستان و افراد بی خیر و معنای <و يذيق بعضكم بأس بعض>، بدرفتاری همسایگان است.

پادشاه مصر و اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶

۶ پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملك إني أرى .. يأبها الملاء أفتوني

<ملاء> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

پادشاه مصر و امینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین امین

پادشاه مصر و بردگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۲

۱۲ الغای حکم بردگی یوسف (ع) به دست پادشاه مصر*

اثنونی به أستخلصه .. قال إنك اليوم لدینا مکین امین

جمله <استخلصه لِنَفْسِي> و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف(ع) در ادامه داستان او ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

پادشاه مصر و بی گناهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فَأَنْسِيهِ الشَّيْطَانَ ذَكَرَ رَبَّهُ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بضع سنين

<لبث> به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریع جمله <لبث ...> بر جمله قبل معلوم می شود ؛ یعنی ، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه ، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

پادشاه مصر و خواسته های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض . . . و كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ

پادشاه مصر و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱،۲،۴

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبكنّ

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبكنّ إذ رُودتنّ يوسُف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از

یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتَنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبکَنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکَنّ...> ؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

پادشاه مصر و عفیفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

پادشاه مصر و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

پادشاه مصر و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتَنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

پادشاه مصر و معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳

۶ پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملك إني أرى .. يأبها الملاء أفتونی

<ملاء> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

۷ پادشاه مصر درباره توان خواب گزاران دربار بر تعبیر رؤیایش ، تردید داشت .

أفتونی فی رءیی إن كنتم للرءیا تعبرون

برداشت فوق ، از <إن> شرطیه در جمله <إن كنتم ..> استفاده می شود.

پادشاه مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملك ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۳،۴

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه .. قال ما خطبكنّ

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبكنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین

<ما خطبکنّ...> ؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظوم آن داستانی است که تقاضای کام

روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مرادده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱،۲

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه .. و قال الملك ائتونى به أستخلصه لنفسى

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتونى به أستخلصه لنفسى

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <استخلصه> (بر گرفته شده از لسان العرب). بنابراین <استخلصه لنفسى> ؛ یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱،۴

۱ هفت گاو چاق در رؤیای پادشاه ، نمودی از هفت سال آبادانی مصر و فراوانی محصول بود .

قال تزرعون سبع سنين دأباً

<هفت سال با جدیت زراعت کنید> گویای هفت سال آبادانی است و ظاهر این است که یوسف(ع) این معنا را از <سبع بقرات سمان> استفاده کرده بود.

۴ خوشه های سبز و خشک در رؤیای ملک ،

پیامدار لزوم زراعت محصولات خوشه دار در طی هفت سال آبادانی

فما حصدم فذروه فی سنبله

جمله <تزرعون...> هر چند جمله ای خبری است، ولی به قرینه <فذروه...> در مقام انشا بوده و مراد از آن معنای دستوری است. بنابراین <تزرعون...> یعنی، هفت سال با جدیت تمام به زراعت پردازید. مراد یوسف(ع) از زراعت - به قرینه <فذروه فی سنبله> کشت حبوبات خوشه دار است و یوسف(ع) کشت آن را از <سبع سنبلات خضر...> استفاده کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۱،۶

۱ وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

<شداد> (جمع شدید) از مصدر <شده> (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از <سبع شداد> هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه <ذلک> هفت سال آبادانی می باشد.

۶ گاو های لاغر در رؤیا، نشانه پیشامد سختی ها و دشواریهاست و تعداد آنها حاکی از تعداد سالهاست .

یا کلهن سبع عجاف .. ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۱

۱ یوسف (ع) فرا رسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی، به مردم و حکومت مصر بشارت داد .

ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس

فعل <یغاث> ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و

محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول <یغاث الناس> یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم ۱ یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملك ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه ، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی ، مصر و اطراف آن (کنعانو ...) را فرا گرفت .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر ، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

جایزه یابنده آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۵،۷

۵ یک بار شتر غلّه ، جایزه تعیین شده از جانب یوسف (ع) برای آورنده جام شاهی

و لمن جاء به حمل بعیر

۷ یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعیم> یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کار گزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

جنس آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۲۰

۲۰ > عن أبي عبدالله (ع) في قوله: <صواع الملك> قال: كان قدحاً من ذهب و قال: كان صواع يوسف إذ كيل به قال: لعن الله الخوان لا تخونوا به بصوت حسن ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <صواع الملك> فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هر گاه با آن پیمان می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمان خیانت نکنید.

حکمت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملك ائتوني به أستخلصه لنفسي فلما كلمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

خواسته های پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶

۶ پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملك إني أرى . . . يأیها الملاء أفتونی

<ملاء> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که

از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و

دانشمندان محسوب می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملك ائتونی به

خواسته های ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۷

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُبئکم بتأویله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> ؛ یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۵

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

درخواست تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۵

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر

دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۵۸، ۳، ۲

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک ، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

ینی أری سبع بقرت سمان .. و آخر یابست

<سمین> و <سمینه> (مفرد سِمان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمیز <سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است ؛ یعنی: یا کلهن سبع بقرات عجاف.

۳ ملک مصر ، رؤیای شگفت خویش را به طور مکرر دیده بود .

ینی أری سبع بقرت سمان

ظاهر آن بود که ملک در بیان رؤیای خویش، فعل ماضی <رأیت> (در خواب دیدم) به کار می برد. آوردن فعل مضارع <أری> (در خواب می بینم) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد ؛ یعنی، چندین شب چنین دیده ام، به گونه ای که گمان دارم دوباره نیز خواهم دید.

۵ گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک ، در یک رؤیای پادشاه بودند نه هر کدام در رؤیایی جداگانه .

ینی أری سبع بقرت .. و سبع سنبلت خضر

برداشت فوق، از تکرار نشدن <أری> در بیان دیدن خوشه های سبز و خشک استفاده می شود ؛ زیرا اگر پادشاه خوشه ها را در غیر رؤیایی

که در آن گاوها را مشاهده کرده بود می دید، ظاهر آن بود که فعل <أری> در <سبع سنبلات..> تکرار می شد. مفرد آوردن <رؤیای> در جمله <أفتونی فی رؤیای> نیز حکایت از این معنا دارد.

۸ پادشاه مصر، از رؤیای خویش دریافت که آن رؤیا علاوه بر حکایت از حادثه ای غیر منتظره گویای توصیه و دستورالعملی نیز هست.

أفتونی فی رءیی إن كنتم للرءیا تعبرون

<افتاء> (مصدر أفتونی) به معنای بیان کردن حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۴

۴ ساقی دربار، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد.

إنی أری سبع بقرت .. أفتنا فی سبع بقرت ... و أخر یابست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۵،۶،۷،۳،۲

۲ رؤیای پادشاه مصر دربردارنده رمزهایی گویای پیشامدهایی شیرین و تلخ طی یک دوره پانزده ساله

قال تزرعون سبع سنین دأباً

جمله <تزرعون سبع سنین دأباً> (هفت سال با جدیت زراعت کنید) گویای هفت سال آبادانی و جمله <ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد> در آیه بعد گویای هفت سال قحطی و خشکسالی است و جمله <ثم یأتی من بعد ذلک عام ..> گویای سالی پر باران پس از هفت سال قحطی می باشد. بنابراین رؤیای پادشاه، بیانگر حوادثی از یک دوره پانزده ساله بود.

۳ رؤیای پادشاه مصر گویای برنامه و دستورالعملی برای مصون ماندن از مشکلات و حوادث تلخ و دشوار آینده

قال تزرعون سبع سنین دأباً فما حصدتم فذروه فی سنبله

ظاهر

این است که یوسف(ع) حقایق و دستورالعملهایی را که در بیان رؤیای پادشاه یادآور شده بود، از آن رؤیا استفاده کرده باشد. بنابراین آن رؤیا در ضمن حکایت از دوره پانزده ساله، گویای دستورالعمل نیز بوده است.

۵ لزوم جدیت و تلاش بسیار برای زراعت در هفت سال نخست، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

سبع بقرت سمان .. قال تزرعون سبع سنين دأباً

<دأب> مصدر و به معنای تلاش کردن است و <دأباً> در آیه شریفه در موضع اسم فاعل (دائین) قرار گرفته و حال برای فاعل <تزرعون> می باشد؛ از این رو دلالت بر تلاش فراوان دارد. به نظر می رسد یوسف(ع) از چاق بودن گاوها چنین استنباط کرد که: باید با تلاش فراوان و به دست آوردن محصولات، انبارها را از مواد غذایی و غلات پر کنند.

۶ خوشه های خشک در رؤیای پادشاه، پیامدار لزوم ذخیره سازی محصولات کشت و درو شده به همراه خوشه های آن

و أخر يابست .. فما حصدتم فذروه في سنبله

از آن جا که دستور فوق (فذروه فی سنبله) با این قسمت از رؤیای پادشاه که خوشه های خشک را دیده بود، تناسب دارد؛ زیرا خوشه های خشک آماده برای ذخیره شدن است، می توان گفت: یوسف(ع) از عبارت <أخر يابسات> دستور فوق را استنباط کرده بود.

۷ لزوم صرفه جویی در مصرف محصولات هفت ساله، پیامی نهفته در رؤیای ملک

فما حصدتم فذروه في سنبله إلا قليلاً مما تأكلون

<حصاد> (مصدر حصدتم) به معنای درو کردن است و <ذروا> فعل امر و به معنای <رها سازید> می باشد. <من> در <مما> بیانیه

و <إلا قليلاً> استثنا از <ما> در <ما حصدم...> است، بنابراین مفاد جمله <فما حصدم...> چنین می شود: آنچه را درو می کنید در خوشه ها رها کنید (آنها را نکوبید و دانه ها را از خوشه ها جدا نسازید) مگر مقدار اندکی که به مصرف خوراکی می رسانید. تنها این مقدار از برداشت را بکوبید و از خوشه ها جدا سازید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۲،۳،۵

۲ رؤیای پادشاه ، گویای تأخر سال های قحطی از هفت سال آبادانی بود .

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

به نظر می رسد یوسف(ع) از اینکه در رؤیای پادشاه گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداخته اند، دریافت که سالهای قحطی پس از سالهای آبادانی رخ خواهد داد. تقدم ذکری گاوهای چاق بر گاوهای لاغر در بیان رؤیا نیز می تواند دلیل دیگری برای یوسف(ع) در این تعبیر باشد.

۳ استفاده از ارزاق ذخیره شده در سال های آبادانی طی هفت سال خشکسالی ، از پیام های نهفته در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد یا کلن ما قدمتم لهنّ

ضمیر در <یا کلن> و <لهنّ> به <سبع شداد> باز می گردد و مراد از <ما قدمتم لهنّ> (آنچه برای آن سالها پیش فرستاده اید) ارزاق ذخیره شده در سالهای آبادانی است. بنابراین <یا کلن...> ؛ یعنی، سالهای قحطی ذخایری را که در سالهای آبادانی تهیه دیده اید، می خورند.

۵ لزوم مصرف نکردن همه ذخایر غذایی در سالیان قحطی ، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

یا کلن ما قدمتم لهنّ إلا قليلاً مما تحصنون

فعل مضارع <یا کلهنّ> در

نقل رؤیای پادشاه (آیه ۴۶) گویای این نکته بود که گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداختند، ولی آنها را به تمامی نخوردند و گرنه فعل ماضی <أَكَلَهُنَّ> به کار می برد. به نظر می رسد یوسف(ع) از نکته یاد شده دریافته بود که باید مقداری از غلات باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۲

۲ خواب پادشاه ، گویای آمدن سالی پر برکت پس از سال های قحطی

أفتنا .. ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس

یوسف(ع) از آن جایی که گاوهای لاغر در رؤیای پادشاه هفت رأس بودند ، دریافت که پس از گذشت هفت سال ، قحطی پایان می پذیرد و پایان پذیرفتن قحطی به این است که باران فرو ریزد ، گیاهان رشد کند و میوه جات فراوان گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۴

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتوني به أستخلصه لنفسي فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

زلیخا و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر ، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد .

و إنه لمن الصّٰدقین

ساقی پادشاه مصر و عجز معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۳

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادّٰکر بعد أمّه

<ادّٰکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <ادّٰکر> شده است . <أمّه> در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است .

ساقی پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۶،۷،۴،۳،۲

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) ، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

و قال الذی نجا منهما وادّٰکر بعد أمّه

نکره آوردن <أمّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد . جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲ ، مؤید این معناست .

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادّٰکر بعد أمّه

<اذکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر>

بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <اذکر> شده است. <أُمَّه> در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار ، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

۶ ساقی پادشاه مصر ، با بیان دانش یوسف (ع) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

تفریح جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أُنبئکم بتأویله> می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیها الصدیق أفتنا

۲ ساقی دربار ، یوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب <صدیق> او را مخاطب قرار داد .

یوسف أیها الصدیق

۳ ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف (ع) ، راستی و درستی تعبیر او را

از رؤیای خویش بازگو کرد .

یوسف أیها الصدیق

۴ ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

إنی أری سبع بقرت .. أفتنا فی سبع بقرت ... و آخر یابست

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت .. لعلى أرجع إلی الناس

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلى أرجع إلی الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۵

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاءه الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکرى است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف (ع) فرستاده شده بود.

شگفتی رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۴ - ۱،۲،۴

۱ پادشاه مصر ، پس از

گذشت سالیانی از زندانی شدن یوسف (ع)، رؤیایی شگفت دید .

و قال الملك إني أرى سبع بقرت سمان .. إن كنتم للرءيا تعبرون

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک ، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

إني أرى سبع بقرت سمان .. و آخر يابست

<سمین> و <سمینه> (مفرد سَمَان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز <سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است ؛ یعنی: یا کلهن سبع بقرات عجاف.

۴ پادشاه مصر ، رؤیای خویش (گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک) را رؤیایی شگفت ارزیابی کرد .

يأبها الملاً أفتونى فى رءىى إن كنتم للرءيا تعبرون

مطرح کردن رؤیا برای گروهی از معتبران و اظهار تردید در توانایی آنان برای تعبیر آن رؤیا ، گویای این مطلب است که ملک خواب خویش را امری شگفت تلقی کرده بود.

شیطان و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۹

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسىه الشيطان ذكر ربه

ظلم پادشاه قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۹ - ۷۸

۷- در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است .

و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبًا

<وراء> به هر مکان مستور و پوشیده ای

گر چه روبه رو باشد، اطلاق می گردد. (قاموس) بنابراین، سلطان غاصب، یا پشت سر مساکین و در تعقیب کشتی داران بوده است و یا در پیش روی آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع)، پادشاهی، کلیه کشتی های سالم را در آن منطقه، مصادره می کرد.

و کان وراءهم ملک يأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از <کلّ سفینه> به قرینه <أن أعيبها> <کلّ سفینه صالحه> بوده است.

عجز معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۲،۳

۲ خواب گزاران دربار، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند.

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

<ال> در <الأحلام> عهد ذکری است و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن...> / یعنی: تأویل آن گونه از رؤیایها را که همانند بافه های چند رشته است، نمی دانیم.

۳ معبران دربار، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند.

قالوا .. ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

مفاد جمله <و ما نحن...> این است که این گونه رؤیایها، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

عدالت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۲

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع)، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

عقیده پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۹

۹ پادشاه مصر و درباریان او در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، به وجود خداوند و منزه بودنش اعتقاد داشتند .

قلن حش لله

غارتگری پادشاه قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أما السفینه . . . فأردت أن أعیبها ... يأخذ کلّ سفینه غصبًا

فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۸

۸ ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف (ع) (یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

<انساء> (مصدر أنساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در <أنساه> و <ربه> به <الذی> - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله <فأنساه...> چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف(ع)

را نزد پادشاه یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۲

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) ، مدتی مدید یوسف (

ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

نکره آوردن <أمّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲ ، مؤید این معناست.

فضایل پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹،۱۰

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

فواید آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۳

۳ جام شاهی ، وسیله پیمانانه کردن غلات برای تعیین سهمیه افراد در دوران قحطی هفت ساله مصر

جعل السقایه فی رحل أخیه . . . نفقد صواع الملک

تعبیر کردن از جام گمشده به <سقایه> (جام) و <صواع> (پیمانانه) گویای این است که پیمانانه مورد استفاده برای تعیین سهمیه افراد، همان ظرفی بود که پیش از سپردن آن به یوسف(ع) برای نوشیدن آب و مانند آن مورد استفاده پادشاه قرار می گرفته بود.

کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق ، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن كنتم

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند.

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی، که از جمله های قبل استفاده می شود، برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱،۶

۱ فرزندان یعقوب، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند.

قالوا فما جزؤه .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) : كانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه . . .

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد. . . پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود].<

گفتگوی یوسف(ع) با پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۴،۵

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با

یکدیگر، درباره رؤیای پادشاه، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور، به گفت و گو پرداختند.

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و.. بوده است.

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد.

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنک...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنک الیوم...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۸، ۱۶، ۱۳

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله، منصوب کند.

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق پردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار؛

یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

۳ یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> تعلیل برای <اجعلنی..> است.

۱۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) :... ان یوسف (ع) ... لما دفعته الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض ... ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: .. هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...> .

۱۸ > عن أبی عبدالله (ع) أنه قال لقوم مّمن ینظرون الزّهد و یدعون الناس أن یكونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التقشّف ... أخبرونی این أتم عن ... یوسف النبی (ع) حیث قال لملک مصر : < اجعلنی علی خزائن الأرض ... > فكان من أمره الذی کان أن اختار مملکة الملک و ما حولها إلی الیمن ... فلم نجد أحداً عاب ذلك علیه ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند ... فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و

اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد ...>

گم شدن آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۹

۹ > عن أبي عبدالله عليه السلام ... قال : إنهم سرقوا يوسف من أبيه إلا- تری أنه قال لهم حين قالوا : ماذا تفقدون ؟ قالوا :
نفقد صواع الملك ، و لم يقولوا : سرقتم صواع الملك ، إنما عنى أنكم سرقتم يوسف من أبيه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در پاسخ سؤال مردی که از <اینکم لسارقون> پرسیده بود] فرمود: آنان یوسف را از پدرش سرقت کرده بودند. آیا توجه نمی کنی که هنگامی که برادران یوسف گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ او و کارگزارانش به آنان گفتند: <پیمانۀ پادشاه را گم کرده ایم> و نگفتند: پیمانۀ پادشاه را دزدیدید. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱

۱ گم شدن جام آبخوری پادشاه ، دلیل ارائه شده به فرزندان یعقوب برای متوقف ساختن و بازجویی از آنان

ماذا تفقدون. قالوا نفقد صواع الملك

<صواع> به معنای پیمانۀ است.

محدوده اختیارات پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) ، در اختیار پادشاه بود .

كان ليأخذ أخاه في دين الملك

مدیریت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه قال إنك الیوم لدینا مکین أمين

مشاور مخصوص پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۲،۴

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <استخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <استخلصه لنفسی> یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

معبّران پادشاه مصر

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۱

۱ خواب گزاران دربار ، رؤیای شگفت پادشاه مصر را رؤیایی آشفته و دارای رشته های گوناگون و نامشخص ، قلمداد کردند

قالوا أضغث أحلم

<ضغث> (مفرد أضغاث) به دسته و بافه ای از گیاه گفته می شود. خواب گزاران با تشبیه رؤیای پادشاه به دسته ها و بافه های متعدد، به این معنا اشاره دارند که: رؤیای وی دارای رشته ها و اجزایی چند است، به گونه ای که کشف ارتباط آنها با یکدیگر و تفسیر مجموعه آن، دشوار و یا ناممکن است.

مکان کشف آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۳

۳ یوسف (ع) در بازرسی بار بنیامین ، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد .

ثم استخرجها من وعاء أخيه

ضمیر مفعولی در <استخرجها> به <صواع> و یا <سقایه> باز می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل <استخرج> (بیرون آورد) به جای <وجد> (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

ملاقات پادشاه مصر با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۸

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی خواهد داشت .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می

شود. <آمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت بپرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا-داری) کنایه از این است که: دستورات نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

منشأ فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۹

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

نجات ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۱

۱ یکی از دو هم بند زندانی یوسف (ع) ، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

و قال الذی نجا منهما

نقش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملک ائتونی به

ویژگیهای آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ > عن أبي عبد الله (ع) في قوله : < صواع الملك > قال : كان قدحاً من ذهب و قال : كان صواع يوسف إذ كيل به قال :
لعن الله الخوان لا تخونوا به بصوت حسن ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <صواع الملك> فرمود:

جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمانه می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمانه خیانت نکنید.

همسر پادشاه مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۴

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذلك ليعلم أنى لم أخنه بالغيب

بر این مبنا که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> به <ملك> باز گردد ، از جمله <ذلك ليعلم ..> معلوم می شود که همسر ملك نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

همسر پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۴

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذلك ليعلم أنى لم أخنه بالغيب

بر این مبنا که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> به <ملك> باز گردد ، از جمله <ذلك ليعلم ..> معلوم می شود که همسر ملك نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

یوسف(ع) و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۲

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذكرنى عند ربك

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه

بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۷، ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۱۷

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملك ائتونی به

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربك فسنله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۱۴ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۶ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، خداوند را حقیقتی آگاه به امور انسان ها معرفی کرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۷ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فسنله ما بال النسوه .. إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۸ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۳، ۱۲، ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی

نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلك ليعلم أنى لم أخنه بالغيب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> به <ملك> باز گردد.

۱۲ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلك ليعلم .. أن الله لا يهدى كيد الخائنين

چنان چه گذشت عبارت <أن الله لا يهدى .. > عطف بر <أنى ... > است ؛ یعنی: <ذلك ليعلم أن الله ... >. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

۱۳ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلك ليعلم .. أن الله لا يهدى كيد الخائنين

یوسف(ع) و رد دعوت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱

۱ یوسف (ع) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلى ربك .. ذلك ليعلم

در اینکه جمله <ذلك ليعلم .. > تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله ... > عطف بر <أنى لم أخنه ... > باشد ؛ یعنی: <ذلك ليعلم ... أن الله لا يهدى ... >. این معنا محتمل نیست که

سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است بر نمی آید.

یوسف (ع) و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱

۱ یوسف (ع) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶

۶ یوسف (ع) بیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فستله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

یوسف (ع) و همسر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، در صدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

پادشاه مصر

{پادشاه مصر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۳

۱۳ یوسف)

ع) در زمان قحطی مصر، پادشاه آن دیار نبود.

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۳

۳ یوسف (ع) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد.

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقايه في رحل أخيه

<سقایه> به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. <ال> تعریف در آن می رساند که ظرف ویژه ای بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۵

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین، جویا\$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود.

كذلك كدنا ليوسف

<كذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱

۱ برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در اثاثیه بنیامین، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند.

قالوا إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

آگاهی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع

(و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکَنّ إذ رُودتَنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبکَنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکَنّ...> ؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظوم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراد آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۲

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلك لیعلم أنى لم أخنه بالغب

چنان چه <ذلك لیعلم...> کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه <ذلك> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملک> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلك لیعلم...> ؛ یعنی، بیرون رفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهان به او خیانتی نکردم.

ابلاغ تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۶

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت ..

لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ

ارزش آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۸

۸ جام پنهان شده در محموله بنیامین ، ظرفی قیمتی و با ارزش بود .

جَعَلَ السَّقَايَةَ .. أَذْنُ مَوْذَنٍ أَيُّهَا الْعَبْرُ إِنَّكُمْ لَسَرِقُونَ

از این که بر فرزندان یعقوب اطلاق شده که سارقید نه سرقت کردید و اینکه مؤذن مسأله را علنی اعلام می نماید و آن را تکرار می کند، همچنین از اینکه یوسف(ع) می توانست سارق جام را برده خویش سازد، معلوم می شود که آن جام، ظرفی با ارزش و قیمتی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۶

۶ پیمانۀ مفقود شده در بارگاه یوسف ، دارای ارزشی فراوان

نَفَقَدَ صَوَاعَ الْمَلِكِ وَ لَمَنْ جَاءَ بِهِ حَمَلٌ بَعِيرٌ

از این که برای یابنده پیمانۀ دربار یک بار شتر غله تعیین شد که طبعاً در زمان قحطی و جیره بندی ارزش فراوانی داشت ، معلوم می شود پیمانۀ مذکور ظرفی قیمتی و ارزشمند بوده است.

استیزان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۱

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فَأَرْسَلُونِ . يَوْسُفَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا

اطمینان پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۲

۲ پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف (ع) از رؤیای شگفتش ، اطمینان یافت .

و قال

از اینکه پادشاه مصر پس از شنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش ، یوسف(ع) را احضار می کند ، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف(ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است.

اطمینان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۵

۵ ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أُبئکم بتأویله فأرسلون

ترکیب <أنا أُبئکم> دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف(ع) از تعبیر رؤیاهاست.

اعتماد پادشاه مصر به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۵

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنک...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنک الیوم...> ، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

اقرار معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۲،۳

۲ خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأويل الأحلم بعلمين

<ال> در <الأحلام> عهد ذکری است

و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن...> ؛ یعنی: تأویل آن گونه از رؤیایها را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

۳ معبران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا .. ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

مفاد جمله <و ما نحن...> این است که این گونه رؤیایها ، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

اوامر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۴

۴ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد .

و قال الملك ائتونی به .. قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید ، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (ائتونی به) احضار اجباری نبوده است ؛ بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

اهداف ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۶،۷

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت .. لعلی أرجع إلى الناس

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلی

أرجع إلى الناس

بازجویی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱،۲،۳

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکتنّ

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه .. قال ما خطبکتنّ

بینش پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

بینش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۸

۸ ساقی ، احتمال می داد دربار مانع رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم شود .

لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ

پادشاه مصر و اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶

۶ پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار

خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملك إني أرى .. يأبها الملاً أفتونی

<ملاً> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

پادشاه مصر و امینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین امین

پادشاه مصر و بردگی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۲

۱۲ الغای حکم بردگی یوسف (ع) به دست پادشاه مصر *

اثنونی به أستخلصه .. قال إنك اليوم لدینا مکین امین

جمله <أستخلصه لنفسی> و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف (ع) در ادامه داستان او ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

پادشاه مصر و بی گناهی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

<لبث> به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق، از تفریع جمله <لبث...> بر جمله قبل معلوم می شود؛
یعنی، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

پادشاه مصر و خواسته های یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض ... و كذلك مکننا لیوسف فی الأرض

پادشاه مصر و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱،۲،۴

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکَنّ

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبکَنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکَنّ ...> ؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف (ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف (ع) آگاهی یافته بود.

پادشاه مصر و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

پادشاه مصر و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

پادشاه مصر و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکّن إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

پادشاه مصر و معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶،۷

۶ پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملك إني أرى .. يأيها الملاء أفتوني

<ملاء> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

۷ پادشاه مصر درباره توان خواب گزاران دربار بر تعبیر رؤیایش ، تردید داشت .

أفتوني في رأيي إن كنتم للرءيا تعبرون

برداشت

فوق ، از <إن> شرطیه در جمله <إن کنتم ..> استفاده می شود.

پادشاه مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملك ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۳،۴

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه .. قال ما خطبکّن

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکّن إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشتمال برای <خطبکّن> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکّن ...> ؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف (ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف (ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱،۲

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه .

.. و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت.

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لنفسی> یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱،۴

۱ هفت گاو چاق در رؤیای پادشاه، نمودی از هفت سال آبادانی مصر و فراوانی محصول بود.

قال تزرعون سبع سنین دأبًا

<هفت سال با جدیت زراعت کنید> گویای هفت سال آبادانی است و ظاهر این است که یوسف(ع) این معنا را از <سبع بقرات سمان> استفاده کرده بود.

۴ خوشه های سبز و خشک در رؤیای ملک، پیامدار لزوم زراعت محصولات خوشه دار در طی هفت سال آبادانی

فما حصدم فذروه فی سنبله

جمله <تزرعون...> هر چند جمله ای خبری است، ولی به قرینه <فذروه...> در مقام انشا بوده و مراد از آن معنای دستوری است. بنابراین <تزرعون...> یعنی، هفت سال با جدیت تمام به زراعت پردازید. مراد یوسف(ع) از زراعت - به قرینه <فذروه فی سنبله> کشت حبوبات خوشه دار است و یوسف(ع) کشت آن را از <سبع سنبلات خضر...> استفاده کرده بود.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۱،۶

۱ وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

<شداد> (جمع شدید) از مصدر <شده> (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از <سبع شداد> هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه <ذلک> هفت سال آبادانی می باشد.

۶ گاو های لاغر در رؤیا، نشانه پیشامد سختی ها و دشواریهاست و تعداد آنها حاکی از تعداد سالهاست .

یا کلهنّ سبع عجاف .. ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۱

۱ یوسف (ع) فرا رسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی، به مردم و حکومت مصر بشارت داد .

ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس

فعل <یغاث> ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول <یغاث الناس> یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم / یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه ، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی ، مصر و اطراف آن (کنعانو ...) را فرا گرفت .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر ، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

جایزه یابنده آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۵،۷

۵ یک بار شتر غله ، جایزه تعیین شده از جانب یوسف (ع) برای آورنده جام شاهی

و لمن جاء به حمل بعیر

۷ یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعیم> یوسف (ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

جنس آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۲۰

۲۰ > عن أبی عبدالله (ع) فی قوله : < صواع الملك > قال : کان قدحاً من ذهب و قال : کان صواع یوسف إذ کیل به قال :

لعن الله الخَوَّانَ لا تخونوا به بصوت حسن

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <صواع الملك> فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمان می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمان خیانت نکنید.

حکمت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

خواسته های پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶

۶ پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملك إنی أری .. یا یها الملاً أفتونی

<ملاً> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملك ائتونی به

خواسته های ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع)

بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُبئکم بتأویله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۵

۵ ساقی دربار، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

درخواست تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۵

۵ ساقی دربار، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۵،۸،۳،۲

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

ینی

أری سبع بقرت سمان .. و آخر یابست

<سمین> و <سمینه> (مفرد سمان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمیز <سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است ؛ یعنی: یا کلهن سبع بقرات عجاف.

۳ ملک مصر ، رؤیای شگفت خویش را به طور مکرر دیده بود .

ینی أری سبع بقرت سمان

ظاهر آن بود که ملک در بیان رؤیای خویش، فعل ماضی <رأیت> (در خواب دیدم) به کار می برد. آوردن فعل مضارع <أری> (در خواب می بینم) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد ؛ یعنی، چندین شب چنین دیده ام، به گونه ای که گمان دارم دوباره نیز خواهم دید.

۵ گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک ، در یک رؤیای پادشاه بودند نه هر کدام در رؤیایی جداگانه .

ینی أری سبع بقرت .. و سبع سنبلت خضر

برداشت فوق، از تکرار نشدن <أری> در بیان دیدن خوشه های سبز و خشک استفاده می شود ؛ زیرا اگر پادشاه خوشه ها را در غیر رؤیایی که در آن گاوها را مشاهده کرده بود می دید، ظاهر آن بود که فعل <أری> در <سبع سنبلات..> تکرار می شد. مفرد آوردن <رؤیای> در جمله <أفتونی فی رؤیای> نیز حکایت از این معنا دارد.

۸ پادشاه مصر ، از رؤیای خویش دریافت که آن رؤیا علاوه بر حکایت از حادثه ای غیر منتظره گویای توصیه و دستورالعملی نیز هست .

أفتونی فی رعیی إن کتتم للرءیا تعبرون

<افتاء> (مصدر أفتونی) به معنای بیان کردن حکم است.

جلد - نام سوره - سوره -

۴ ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

إني أرى سبع بقرت .. أفتنا في سبع بقرت ... و آخر يابست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ رؤیای پادشاه مصر در بردارنده رمزهایی گویای پیشامدهایی شیرین و تلخ طی یک دوره پانزده ساله

قال تزرعون سبع سنين دأباً

جمله <تزرعون سبع سنين دأباً> (هفت سال با جدیت زراعت کنید) گویای هفت سال آبادانی و جمله <ثم يأتي من بعد ذلك سبع شداد> در آیه بعد گویای هفت سال قحطی و خشکسالی است و جمله <ثم يأتي من بعد ذلك عام ..> گویای سالی پر باران پس از هفت سال قحطی می باشد. بنابراین رؤیای پادشاه، بیانگر حوادثی از یک دوره پانزده ساله بود.

۳ رؤیای پادشاه مصر گویای برنامه و دستورالعملی برای مصون ماندن از مشکلات و حوادث تلخ و دشوار آینده

قال تزرعون سبع سنين دأباً فما حصدتم فذروه في سنبله

ظاهر این است که یوسف(ع) حقایق و دستورالعملهایی را که در بیان رؤیای پادشاه یادآور شده بود ، از آن رؤیا استفاده کرده باشد. بنابراین آن رؤیا در ضمن حکایت از دوره پانزده ساله ، گویای دستورالعمل نیز بوده است.

۵ لزوم جدیت و تلاش بسیار برای زراعت در هفت سال نخست ، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

سبع بقرت سمان .. قال تزرعون سبع سنين دأباً

<دأب> مصدر و به معنای تلاش کردن است و <دأباً> در آیه شریفه در موضع اسم فاعل (دائین) قرار

گرفته و حال برای فاعل <تزرعون> می باشد؛ از این رو دلالت بر تلاش فراوان دارد. به نظر می رسد یوسف(ع) از چاق بودن گاوها چنین استنباط کرد که: باید با تلاش فراوان و به دست آوردن محصولات، انبارها را از مواد غذایی و غلات پر کنند.

۶ خوشه های خشک در رؤیای پادشاه، پیامدار لزوم ذخیره سازی محصولات کشت و درو شده به همراه خوشه های آن

و آخر یابست .. . فما حصدم فذروه فی سنبله

از آن جا که دستور فوق (فذروه فی سنبله) با این قسمت از رؤیای پادشاه که خوشه های خشک را دیده بود، تناسب دارد؛ زیرا خوشه های خشک آماده برای ذخیره شدن است، می توان گفت: یوسف(ع) از عبارت <آخر یابسات> دستور فوق را استنباط کرده بود.

۷ لزوم صرفه جویی در مصرف محصولات هفت ساله، پیامی نهفته در رؤیای ملک

فما حصدم فذروه فی سنبله إلا قليلاً مما تأكلون

<حصاد> (مصدر حصدم) به معنای درو کردن است و <ذروا> فعل امر و به معنای <رها سازید> می باشد. <من> در <مما> بیانیه و <إلا قليلاً> استثنا از <ما> در <ما حصدم...> است، بنابراین مفاد جمله <فما حصدم...> چنین می شود: آنچه را درو می کنید در خوشه ها رها کنید (آنها را نکوبید و دانه ها را از خوشه ها جدا نسازید) مگر مقدار اندکی که به مصرف خوراکی می رسانید. تنها این مقدار از برداشت را بکوبید و از خوشه ها جدا سازید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۲،۳،۵

۲ رؤیای پادشاه،

گویای تأخر سال های قحطی از هفت سال آبادانی بود .

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

به نظر می رسد یوسف(ع) از اینکه در رؤیای پادشاه گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداخته اند، دریافت که سالهای قحطی پس از سالهای آبادانی رخ خواهد داد. تقدم ذکری گاوهای چاق بر گاوهای لاغر در بیان رؤیا نیز می تواند دلیل دیگری برای یوسف(ع) در این تعبیر باشد.

۳ استفاده از ارزاق ذخیره شده در سال های آبادانی طی هفت سال خشکسالی ، از پیام های نهفته در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد یا کلن ما قدمتم لهنّ

ضمیر در <یا کلن> و <لهنّ> به <سبع شداد> باز می گردد و مراد از <ما قدمتم لهنّ> (آنچه برای آن سالها پیش فرستاده اید) ارزاق ذخیره شده در سالهای آبادانی است. بنابراین <یا کلن ...> ؛ یعنی، سالهای قحطی ذخایری را که در سالهای آبادانی تهیه دیده اید، می خورند.

۵ لزوم مصرف نکردن همه ذخایر غذایی در سالیان قحطی ، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

یا کلن ما قدمتم لهنّ إلا قليلاً مما تحصنون

فعل مضارع <یا کلهنّ> در نقل رؤیای پادشاه (آیه ۴۶) گویای این نکته بود که گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداختند، ولی آنها را به تمامی نخوردند و گرنه فعل ماضی <اکلهنّ> به کار می برد. به نظر می رسد یوسف(ع) از نکته یاد شده دریافته بود که باید مقداری از غلات باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۲

۲ خواب پادشاه ، گویای آمدن سالی پر برکت پس از سال های قحطی

أفتنا .. ثم یأتی

من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس

یوسف(ع) از آن جایی که گاوهای لاغر در رؤیای پادشاه هفت رأس بودند ، دریافت که پس از گذشت هفت سال ، قحطی پایان می پذیرد و پایان پذیرفتن قحطی به این است که باران فرو ریزد ، گیاهان رشد کند و میوه جات فراوان گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۴

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ، ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

زلیخا و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۸

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر ، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد .

و إنه لمن الصدقین

ساقی پادشاه مصر و عجز معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۳

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <ادّکر> شده است. <أمّه> در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

ساقی پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۴،۶،۷،۳،۲

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) ، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

نکره آوردن <أمّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲ ، مؤید این معناست.

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <ادّکر> شده است. <أمّه> در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار ، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

أنا أنبئکم بتأویله فأرسلون

۶ ساقی پادشاه مصر ، با بیان دانش یوسف (ع) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أنبئکم بتأویله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أنبئکم بتأویله> می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای

یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُبَيِّنُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسَلُون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیها الصدیق أفتنا

۲ ساقی دربار ، یوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب < صدیق > او را مخاطب قرار داد .

یوسف أیها الصدیق

۳ ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف (ع) ، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد .

یوسف أیها الصدیق

۴ ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

إنی أری سبع بقرت .. أفتنا فی سبع بقرت ... و آخر یابست

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت

سَمانُ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعَ عَجَافٍ وَ سَبْعَ سَنَبِلَتٍ خَضِرٍ وَ آخِرُ يَابِسَتٍ

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أَفْتَنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ .. لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۵

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاءه الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکر است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف (ع) فرستاده شده بود.

شگفتی رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۱،۲،۴

۱ پادشاه مصر ، پس از گذشت سالیانی از زندانی شدن یوسف (ع) ، رؤیایی شگفت دید .

و قال الملك إني أرى سبع بقرة سمان .. إن كنتم للرءيا تعبرون

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک ، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

إني أرى سبع بقرة سمان .. و آخر يابست

<سمين> و <سمينه> (مفرد سِمان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز

<سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است ؛ یعنی: یا کلهن سبع بقرات عجاف.

۴ پادشاه مصر ، رؤیای خویش (گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک) را رؤیایی شگفت ارزیابی کرد .

يأبها الملاً أفتونی فی رءیى إن کنتم للراءیا تعبرون

مطرح کردن رؤیا برای گروهی از معبران و اظهار تردید در توانایی آنان برای تعبیر آن رؤیا ، گویای این مطلب است که ملک خواب خویش را امری شگفت تلقی کرده بود.

شیطان و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۹

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یاد آور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

عجز معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۲،۳

۲ خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

<ال> در <الأحلام> عهد ذکری است و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن ...> ؛ یعنی: تأویل آن گونه از رؤیایها را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

۳ معبران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا .. ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

مفاد جمله <و ما نحن ...> این است که این گونه رؤیایها ، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

عدالت پادشاه مصر

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۲

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

عقیده پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۹

۹ پادشاه مصر و درباریان او در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، به وجود خداوند و منزّه بودنش اعتقاد داشتند .

قلن حش لله

فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۸

۸ ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف (ع) (یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

<انساء> (مصدر أنسأه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در <أنسأه> و <ربه> به <الذی> - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله <فأنسأه...> چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف(ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۲

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان)، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود.

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

نکره آوردن <أمّه>

می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین > در آیه ۴۲، مؤید این معناست.

فضایل پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹،۱۰

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود.

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف، دوستدار پاکدامنان، دانشمندان و درستکاران امین بود.

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

فواید آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۳

۳ جام شاهی، وسیله پیمانہ کردن غلات برای تعیین سهمیه افراد در دوران قحطی هفت ساله مصر

جعل السقايه فی رحل أخيه .. نفقد صواع الملك

تعبیر کردن از جام گمشده به <سقایه> (جام) و <صواع> (پیمانہ) گویای این است که پیمانہ مورد استفاده برای تعیین سهمیه افراد، همان ظرفی بود که پیش از سپردن آن به یوسف (ع) برای نوشیدن آب و مانند آن مورد استفاده پادشاه قرار می گرفته بود.

کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱،۲

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق، وی را مجازات خواهند کرد.

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن كنتم

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۶، ۱

۱ فرزندان یعقوب ، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) : كانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد . . . پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود].<

گفتگوی یوسف(ع) با پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۵، ۴

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال

الملك ائتونی به أستخلصه لِنفسی فلما کَلَمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند / ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما کَلَمه قال إنک الیوم لدینا مکین آمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کَلَمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنک...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنک الیوم...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۸، ۱۶، ۳، ۱

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبارهای غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق پردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار / یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

۳ یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور

غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> تعلیل برای <اجعلنی...> است.

۱۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) :... ان یوسف (ع) . . . لما دفعته الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: . . . هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...> .

۱۸ > عن أبی عبدالله (ع) أنه قال لقوم مّمن ینظرون الزّهد و یدعون الناس أن یكونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التقشّف . . . أخبرونی این أتم عن . . . یوسف النبی (ع) حیث قال لملک مصر : < اجعلنی علی خزائن الأرض . . . > فکان من أمره الذی کان أن اختار مملکه الملک و ما حولها إلی الیمن . . . فلم نجد أحداً عاب ذلك علیه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند . . . فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد ...> .

گم

شدن آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۹

۹ > عن أبي عبدالله عليه السلام... قال: إنهم سرقوا يوسف من أبيه إلا- تری أنه قال لهم حين قالوا: ماذا تفقدون؟ قالوا: نفقد صواع الملك، و لم يقولوا: سرقتم صواع الملك، إنما عنى أنكم سرقتم يوسف من أبيه ۷

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در پاسخ سؤال مردی که از <إنکم لسارقون> پرسیده بود [فرمود: آنان یوسف را از پدرش سرقت کرده بودند. آیا توجه نمی کنی که هنگامی که برادران یوسف گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ او و کارگزارانش به آنان گفتند: <پیمانہ پادشاه را گم کرده ایم> و نگفتند: پیمانہ پادشاه را دزدیدید. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱

۱ گم شدن جام آبخوری پادشاه، دلیل ارائه شده به فرزندان یعقوب برای متوقف ساختن و بازجویی از آنان

ماذا تفقدون. قالوا نفقد صواع الملك

<صواع> به معنای پیمانہ است.

محدوده اختیارات پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع)، در اختیار پادشاه بود.

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

مدیریت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

مشاور مخصوص پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۲،۴

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <استخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <استخلصه لنفسی> یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

معبّران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۱

۱ خواب گزاران دربار ، رؤیای شگفت پادشاه مصر را

رؤیایی آشفته و دارای رشته های گوناگون و نامشخص ، قلمداد کردند .

قالوا أضغث أحلم

<ضغث> (مفرد أضغاث) به دسته و بافه ای از گیاه گفته می شود. خواب گزاران با تشبیه رؤیای پادشاه به دسته ها و بافه های متعدد، به این معنا اشاره دارند که: رؤیای وی دارای رشته ها و اجزایی چند است، به گونه ای که کشف ارتباط آنها با یکدیگر و تفسیر مجموعه آن، دشوار و یا ناممکن است.

مکان کشف آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۳

۳ یوسف (ع) در بازرسی بار بنیامین ، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد .

ثم استخرجها من وعاء أخيه

ضمیر مفعولی در <استخرجها> به <صواع> و یا <سقایه> باز می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل <استخرج> (بیرون آورد) به جای <وجد> (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

ملاقات پادشاه مصر با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۸

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <آمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت پرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد

ما منزلی والا داری) کنایه از این است که: دستورات نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

منشأ فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۹

۹ شیطان، عامل فراموشی ساقی از یاد آور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

نجات ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۱

۱ یکی از دو هم بند زندانی یوسف (ع)، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد.

و قال الذی نجا منهما

نقش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد.

و قال الملک ائتونی به

ویژگیهای آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۲۰

۲۰ > عن أبي عبد الله (ع) في قوله : < صواع الملك > قال : كان قدحاً من ذهب و قال : كان صواع يوسف إذ كيل به قال : لعن الله الخوان لا تخونوا به بصوت حسن ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <صواع الملك> فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمانہ می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت

کند خیانت کنندگان را، در پیمانہ خیانت نکنید.

همسر پادشاه مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۴

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذَلِكْ لِيَعْلَمَ أَنِي لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ

بر این مبنا که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> به <ملك> باز گردد ، از جمله <ذَلِكْ لِيَعْلَمَ ..> معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

همسر پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۴

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذَلِكْ لِيَعْلَمَ أَنِي لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ

بر این مبنا که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> به <ملك> باز گردد ، از جمله <ذَلِكْ لِيَعْلَمَ ..> معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

یوسف(ع) و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۲

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذكرني عند ربك

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به

دادخواهی وی امید داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملك ائتونی به

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلى ربك فسنله ما بال النسوة التي قطعن أیدیهنّ

۱۴ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۶ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، خداوند را حقیقتی آگاه به امور انسان ها معرفی کرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۷ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فسنله ما بال النسوة .. إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۸ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۳، ۱۲، ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و

<لم أئخه > به <ملك > باز گردد.

۱۲ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلك لیعلم . . . أن الله لایهدی کید الخائنین

چنان چه گذشت عبارت <أن الله لایهدی . . . > عطف بر <أنی . . . > است ؛ یعنی: <ذلك لیعلم أن الله . . . >. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

۱۳ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلك لیعلم . . . أن الله لایهدی کید الخائنین

یوسف(ع) و رد دعوت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱

۱ یوسف (ع) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلی ربک . . . ذلك لیعلم

در اینکه جمله <ذلك لیعلم . . . > تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله . . . > عطف بر <أنی لم أئخه . . . > باشد ؛ یعنی: <ذلك لیعلم . . . أن الله لایهدی . . . >. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا

که در سلک مشرکان است برنمی آید.

یوسف (ع) و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱

۱ یوسف (ع) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶

۶ یوسف (ع) بیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فستله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

یوسف (ع) و همسر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

پادشاهان

آثار سلطه پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۳،۴

۳ - ویرانی شهرها، تباهی جامعه و ذلت عزتمندان، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَہَ أَهْلِهَا أُذَہَ

- تأکید بلقیس بر استمرار شیوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خویش

قالت إِنَّ الملوک . . و كذلك يفعلون

افساد پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۳،۴

۳ - ویرانی شهرها، تباهی جامعه و ذلت عزّتمندان، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إِنَّ الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها و جعلوا أعزّه أهلها أذلّه

۴ - تأکید بلقیس بر استمرار شیوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خویش

قالت إِنَّ الملوک . . و كذلك يفعلون

دنیاطلبی پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - تنها پادشاهان و دنیامداران، فریفته مال و مکنت دنیابیند، نه مردان الهی و خداجوی.

بل أنتم بهدیّتکم تفرحون

ملکه سبا و پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۵ - ۳

۳ - اطلاع ملکه سبا از خصلت شاهان و فریفتگی آنان در برابر هدایا

و إني مرسله إليهم بهديّه فناظره بيم يرجع المرسلون

نقش پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۹

۹ - سلاطین و اشراف ، تشکیل دهنده جبهه اصلی مخالفت با پیامبران الهی

إلى فرعون و ملایه . . . إذا هم منها یضحکون

ویژگیهای پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۵ - ۳

۳ - اطلاع ملکه سبا از خصلت شاهان و فریفتگی آنان در برابر هدایا

و إني مرسله إليهم بهديّه فناظره بيم يرجع المرسلون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - تنها پادشاهان و دنیامداران ، فریفته مال و مکنت دنیايند ، نه مردان الهی و خداجوی .

بل أنتم بهدیتکم تفرحون

پادشاهی

پادشاهی بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۰ - ۳

۳ - بهشت ، نعمت چشم گیر و سلطنت بزرگ و گسترده است .

نعميًا و ملکا کبيرًا

حکومت پادشاهی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ مصر در زمان وزارت يوسف (ع) دارای حکومت پادشاهی بود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

ویژگیهای پادشاهی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۰ - ۵،۶

۵ - > عن الصادق (ع) : > و ملکا کبيرًا < لایزول و لایفنی ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که [مراد از] <ملکا کبيرًا> ملکی است که از بین نمی رود و فانی نمی شود .

٦ - > عباس بن يزيد قال : قلت لأبي عبد الله (ع) . . . أخبرني عن قول الله عزوجل > و إذا رأيت ثم رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً < ما هذا الملك الذي كتبه الله حتى سماه كبيراً ؟ قال : فقال لي : إذا أدخل الله أهل الجنة ، الجنة أرسل رسولاً إلى ولي من أوليائه فيجد الحجة على بابه ، فيقول له : قف حتى نستأذن لك فما يصل إليه رسول ربه إلا يأذن ، فهو قوله عزوجل > و إذا رأيت

ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مَلَكًا كَبِيرًا > ;

عباس بن یزید گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: ... مراد از سخن خداوند عزوجل >و إذا رأيت ثم رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً< آنگاه کن که این کدام ملک است که خداوند آن را بزرگ قرار داده است تا جائی که خود آن را >ملک كبير< (بزرگ) نامیده است؟ حضرت به من فرمود: زمانی که خداوند اهل بهشت را وارد بهشت می کند پیکری را به سوی دوستی از اولیاء خود می فرستد، آن پیکر نگهبانانی را بر در خانه او (ولی خدا) مشاهده می کند؛ نگهبان به پیکر خدا می گوید: بایست تا برای تو اذن ورود بخواهم. پیکر پروردگار آن بهشتی به وی دسترسی پیدا نمی کند مگر با اجازه و اذن [او] و این سخن خدای عزوجل است >و إذا رأيت ثم رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً<.

شاعران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شاعران

بی منطقی شاعران گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۲

۲ - توسن سرگشته کلام شاعران خیال پرداز ، رها شده در هر وادی بی حاصل

ألم تر أنهم في كل واد يهيمون

مقصود از برداشت یاد شده این است که شاعران گزافه گوی و بی ملاک، در هر زمینه ای بی تأمل شعر می ساریند؛ زیبا را زشت و زشت را زیبا می کنند؛ حق را باطل و باطل را حق جلوه می دهند و ...

تحریر شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۱

۱ - شاعران ، ترسیم گر حیرت و سرگردانی خویش

ألم

تر آنهم فی کلّ واد یهیمون

<هیمن> (مصدر <یهیمون>) به معنای حیرت و سرگردانی است.

تزیین باطل شاعران گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۲

۲ - توسن سرگشته کلام شاعران خیال پرداز ، رها شده در هر وادی بی حاصل

الم تر آنهم فی کلّ واد یهیمون

مقصود از برداشت یاد شده این است که شاعران گزافه گوی و بی ملاک، در هر زمینه ای بی تأمل شعر می ساریند؛ زیبا را زشت و زشت را زیبا می کنند؛ حق را باطل و باطل را حق جلوه می دهند و ...

تشویق شاعران مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۲

۱۲ - تشویق شاعران مسلمان از سوی خداوند به مقابله به مثل کردن با شاعران کفرپیشه هجوگو

و انتصروا من بعد ما ظلموا

تنزیه شاعران مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۳

۳ - ساحت شاعران مؤمن ، مبرا از خیال پردازی ، گزافه گویی و گفتار بدون عمل

و الشعراء.. فی کلّ واد یهیمون... یقولون ما لایفعلون . إلا الذین ءامنوا

حامی شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۲

۲ - ویژگی شاعران خیال پرداز ، هواداری گمراهان و فاسدان از آنان است .

و الشعراء يتبعهم الغاوان

خیال پردازی شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۲

۲ - توسن سرگشته کلام شاعران خیال پرداز ،

رها شده در هر وادی بی حاصل

ألم تر أنهم في كل واد يهيمون

مقصود از برداشت یاد شده این است که شاعران گزافه گوی و بی ملاک، در هر زمینه ای بی تأمل شعر می ساریند؛ زیبا را زشت و زشت را زیبا می کنند؛ حق را باطل و باطل را حق جلوه می دهند و... .

شاعران مؤمن و خیال پردازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۳

۳ - ساحت شاعران مؤمن ، مبرّا از خیال پردازی ، گزافه گویی و گفتار بدون عمل

و الشعراء.. في كل واد يهيمون... يقولون ما لا يفعلون . إلا الذين ءامنوا

شاعران مؤمن و سخن بی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۳

۳ - ساحت شاعران مؤمن ، مبرّا از خیال پردازی ، گزافه گویی و گفتار بدون عمل

و الشعراء.. في كل واد يهيمون... يقولون ما لا يفعلون . إلا الذين ءامنوا

علاقمندان به شاعران گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۴

۴ - گمراهان ، دوستدارِ مطالب سست ، بی بنیاد و خیال انگیز

و الشعراء يتبعهم الغاوان . ألم تر أنهم في كل واد يهيمون

از ارتباط دو آیه استفاده می شود که گمراهان، در پی شاعرانی بی اصالت و وهم گرا هستند.

عمل شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۶ - ۱

۱ - گفتار بدون عمل ، از ویژگی های شاعران گزافه گوی منحرف

و الشعراء .

.. فى كلّ واد يهيمون . و أنّهم يقولون ما لا يفعلون

فضائل شاعران ذاكر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۲

۲ - ارجمندی شاعران مؤمن و نيك كردار پيوند خورده با ياد خدا ، در پيشگاه پروردگار

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. . إلا الذين ءامنوا... و ذكروا الله كثيرا

فضائل شاعران صالح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۲

۲ - ارجمندی شاعران مؤمن و نيك كردار پيوند خورده با ياد خدا ، در پيشگاه پروردگار

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. . إلا الذين ءامنوا... و ذكروا الله كثيرا

فضائل شاعران مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۲

۲ - ارجمندی شاعران مؤمن و نيك كردار پيوند خورده با ياد خدا ، در پيشگاه پروردگار

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. . إلا الذين ءامنوا... و ذكروا الله كثيرا

مراد از شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۵،۶،۷

۵ - > عن أبى جعفر (ع) فى قول الله عزوجل الشعرا يتبعهم الغاوان < قال : ... هم قوم تفقهوا لغير الدين فضلوا و أضلوا ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزوجل >الشعراء يتبعهم الغاؤون< روایت شده که فرمود: .. آنان گروهی هستند که فقه را برای غیر دین آموخته اند؛ هم خود گمراه گشته اند و هم دیگران را گمراه کرده اند.<

۶- > و سئل الصادق (ع) عن قول الله عزوجل > و

الشعراء يتبعهم الغاوون < قال : هم القصاص ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجل <والشعراء.. > سؤال شد، آن حضرت فرمود: آنان قصه سرایان هستند.<

۷ - < عن أبي عبدالله (ع) [في قوله] > و الشعراء يتبعهم الغاوون < قال هم قوم تعلموا و تفقهوا بغير علم فضلوا و أضلوا ;

از امام صادق(ع) [درباره قول خدا] <والشعراء يتبعهم الغاوون> روایت شده که فرمود: آنان گروهی اند که علم و فقه را [به طور سطحی] آموخته اند، بدون این که دانش و بصیرت لازم را داشته باشند. پس خود گمراه شده و دیگران را هم گمراه کرده اند.<

نقش شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۱

۱ - شاعران ، ترسیم گر حیرت و سرگردانی خویش

الم تر أنهم في كل واد يهيمون

<هيمنان> (مصدر <يهيمون>) به معنای حیرت و سرگردانی است.

نقش شاعران گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۶

۶ - شاعران منحرف ، هم داستان شیطان و سرایندگان القائنات شیطانی

تنزل على كل أفاك ... و الشعراء يتبعهم... في كل واد يهيمون

آمدن نام شعرای منحرف، در پی آیاتی که بیانگر نزول شیاطین بر قلب دروغ پردازان گنه پیشه است؛ نوعی ارتباط میان شاعران منحرف و شیاطین را افاده می کند.

ویژگیهای شاعران گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - گفتار بدون عمل ، از ویژگی های شاعران گزافه گوی منحرف

و الشعراء .. فی کلّ واد یهیمون

. و أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ

شاكران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{شاكران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۱۲، ۱۰

۱۰ خداوند، آگاهتر از هر کس به سپاسگزاران نعمتهای خویش است.

أليس الله بأعلم بالشكرين

۱۲ مؤمنان با ایمان خویش به پیامبر(ص) و آیین الهی سپاسگزار نعمت هدایت هستند.

أهؤلاء من الله عليهم .. أليس الله بأعلم بالشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۹

۹ خداوند از موسی (ع) خواست تا در برابر نعمت رسالت و شایستگی شنیدن سخن خدا، وی را سپاس گوید و از شاكران شود .

اصطفيتك على الناس برسلتى و بكلمى .. و كن من الشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۳

۱۳ آدم (ع) و حوا در پیشگاه خداوند ملتزم شدند که در صورت دارا شدن فرزندی سالم و شایسته همواره از سپاسگزاران وی باشند .

دعوا لله ربهما لئن آتيتنا صلحاً لنكونن من الشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۲

۲ صابرانِ دارای اعمال صالح ، همواره و در هر حال خداوند را فراموش نکرده و به درگاه او شاکرند .

لئن أذقنا الإنسن منا رحمه . . . إنّه لیئوس کفور. إلاّ الذین صبروا

در برداشت فوق ، این احتمال منظور شده است که <کفور> از کفران (ناسپاسی) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۸

۱۸ یوسف (ع)

، معتقد به توحید افعالی ، و انسانی قدرشناس و سپاسگزار در برابر نعمت های الهی

قد جعلها ربی حقاً و قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۲،۱۴

۲ - انسان ها در برابر هدایت الهی دو دسته اند : سپاس گزار و هدایت یافته و یا ناسپاس و هدایت ناپذیر .

إمّا شاکراً و إمّا کفوفاً

۱۴ - > عن جابر بن عبدالله قال قال رسول الله (ص) : كل مولود يولد على الفطرة حتى يعبر عنه لسانه ، فإذا عبر عنه لسانه إمّا شاکراً و إمّا کفوفاً ... ;

از جابر بن عبدالله [انصاری] روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: هر نوزادی بر فطرت [توحید] متولد می شود، تا زمانی که زبان او بتواند افکار و عقاید او را تعبیر و ابراز کند. در این هنگام یا شاکر است [و پذیرای توحید] یا ناسپاس است [و پذیرای کفر].<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۸

۸ - رزمندگان مجاهد ، سپاسگزار خداوند و پذیرای ربوبیت او هستند .

و العدیت .. إن الإنسن لربّه لکنود

تمجید مجاهدان از یک سو و نکوهش ناسپاسان از سویی دیگر، بیانگر آن است که مجاهدان ناسپاس نیستند.

اجابت دعای شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۴

۴- دعای شکر گزاران تائب و تسلیم در برابر حق ، مورد استجابت خداوند *

قال ربّ أوزعنی أن أشکر .. نتقبل عنهم أحسن ما

از ارتباط این آیه با آیه پیشین، چنین استفاده می شود که <تتقبل> پاسخی است برای دعا و التجای انسان به رشد رسیده ای که می گوید: <ربّ أوزعنی أن أشکر..>.

ازدیاد نعمت شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۲۱

اقلیت شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۸

۸ همواره سپاسگزاران و شاکران رزق و فضل خداوند ، در اقلیتند .

إن الله لذو فضل على الناس و لكن أكثرهم لا يشكرون

برگزیدگی شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۶

۱۶- صبرپیشگی و شکرگزاری ، دارای ارزشی والا و صبرپیشگان و شکر گزاران ، مردمانی برجسته و نخبه

إن فی ذلك لآیت لكل صبار شکور

پاداش شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۸

۱۸ وعده خداوند به اعطای پاداش به سپاسگزاران نعمت های الهی

و سيجزى الله الشاكرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۱۲

۱۲ علم و آگاهی گسترده خداوند ، تضمین کننده پاداش دهی او به بندگان مؤمن و شاکر خویش

إن شکرتم و ءامتم و کان الله شاکراً علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۴

۴ - سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکر گزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

کذلک نجزی من شکر

تشخیص شاکران

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۶

۱۶ - آسودگی ها و نعمت ها ، عرصه شناخت سپاس گزاران و ناسپاسان

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْبٌ... ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً... بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که هر نعمتی، اقتضای شکر و سپاس گزاری دارد. بنابراین آزمایش بودن نعمت های الهی، می تواند در ارتباط با همین مسأله باشد.

شاكران و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ تنها قدرشناسان و شکرگزاران بهره مند از بیان های گوناگون آیات الهی هستند .

كذَلِكَ نَصْرَفُ الْأَيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ

بدیهی است تبیین آیات به صورتهای گوناگون برای همگان است. بنابراین تقیید آن به <لقوم یشکرون> حاکی از این است که تنها شاكران از آن بهره می گیرند.

شاكران و ایام الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۴

۱۴- ایام الله و رویداد های آن ، دربردارنده نشانه ها و آیات الهی برای مردمان صبرپیشه و شکر گزار

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

مشارالیه <ذلك>، <ذکر> و متعلق <ذکر>، <ایام الله> است و این حکایت از آن دارد که <ایام الله> حاوی آیات خداوندی است.

شاكران و قصه قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، دربردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکرگزار است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

شکرگزاری شاکران

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۷

۷ آفرینش شب و روز ، تنها برای انسان های برخوردار از روح سپاس گزاری ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الیل .. لمن أراد أن یدّکر أو أراد شکورًا

عفو شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۵

۵- عفو و اغماض خداوند ، از خطا ها و لغزش های شکر گزاران تائب و تسلیم به درگاه پروردگار

و تتجاوز عن سیئاتهم

فضایل شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ تنها قدرشناسان و شکر گزاران بهره مند از بیان های گوناگون آیات الهی هستند .

کذلک نصرف الأیت لقوم یشکرون

بدیهی است تبیین آیات به صورتهای گوناگون برای همگان است. بنابراین تقیید آن به <لقوم یشکرون> حاکی از این است

که تنها شاکران از آن بهره می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۶

۱۶- صبرپیشگی و شکر گزاری ، دارای ارزشی والا و صبرپیشگان و شکر گزاران ، مردمانی برجسته و نخبه

إن فی ذلک لآیت لکلّ صّبار شکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۶

۶ - انسان های صبور و شاکر ، بهره مند از فهم و درک نشانه های قدرت الهی در حرکت و سکون کشتی ها

و من ءایته ... إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

با توجه به این که لام در <لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ> لام انتفاع

است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۸

۸- انسان های خردمند و روی آورده به خدا، با روحیه شکر و توبه و تسلیم، دارای ارج و منزلت

و بلغ أربعين سنة قال ربّ أوزعنی أن أشکر .. إئی تبت إلیک و إئی من المسلمین .

<بلغ أربعين> اشاره به رسیدن به سن خردمندی است و <أولئک> بیانگر نوعی تعظیم و ارجمندی است که با تعبیر <نتقبّل> و <نتجاوز> و <فی أصحاب الجنّه> تأکید شده است.

قلت شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ تنها اندکی از مردمان شکر گزار نعمتهای خداوند هستند.

قلیلا ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۹

۹ تنها گروهی از انسانها سپاسگزار خداوند بوده و از تزویر و فریب ابلیس رهایی می یابند.

و لاتجد أكثرهم شکرین

کمی شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۷

۷ - جامعه بشری، دارای اقلیتی شاکر و سپاسگزار خداوند

و لکن اکثرهم لایشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - بسیاری از مردم ، کم شکرگزاری می کنند .

و قلیل من عبادی الشکور

<شکور> صیغه مبالغه است و دلالت بر کثرت می کند. بنابراین، معنای عبارت <و قلیل من...> چنین می شود: کم هستند از بندگان من که زیاد سپاس گذاری کنند.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۲

۱۲ - شاکران و سپاس گزاران نعمت ها و احسان های خداوند ، گروهی اندک و در اقلیت اند .

و لکنّ اکثر الناس لا یشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۱۱

۱۱ - انسان های شاکر ، اندک اند و انسان های ناسپاس بسیار .

إِذَا شَكَرُوا وَإِنَّمَا كَفُورًا

طبق باور برخی از مفسران، آمدن <شاکر> به صورت اسم فاعل و <کفوراً> به صورت صیغه مبالغه، می تواند گویای این حقیقت باشد که انسان هایی که به صورت کامل سپاس گزار نعمت هدایت باشند، در اقلیت بوده و افراد ناسپاس بسیاراند.

مقام شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۱۹

۱۹ شاکران ، دارای مقامی والاتر از تقوایپیشگان

فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكِرُونَ

اگر <لعلّ>، بیان و غایت <فَاتَّقُوا اللَّهَ> باشد، شکر، هدف و غایت تقوایپیشگی خواهد بود.

مقامات شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۹

۹ - گناهان بزرگ ، مانع پدید آمدن زمینه های سپاسگزاری به درگاه خدا و رسیدن به منزلت شاکران

ثم عفونا عنكم من بعد ذلك لعلكم تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۴

۴ - رسیدن به مرتبه و منزلت شاكران ، از وظايف اساسی انسان و هدف از خلقت اوست .

ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون

به نظر می رسد سپاسگزاری - که به عنوان هدف از <بعثناكم> بیان شده - در برابر

خصوص حیات دوباره نباشد، بلکه به عنوان هدف برای اصل حیات و زندگی مطرح باشد؛ یعنی، خداوند صاعقه زدگان بنی اسرائیل را حیات بخشید و هدف آن بود که در حیات دنیوی سپاسگزار باشند و به منزلت شاکران نایل شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ شکر گزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صراطك المستقيم... لاتجد أكثرهم شكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۱۶

۱۶ شاکران نعمت های خدا، دارای مقامی بس والا در پیشگاه او

و کن من الشکرین

فرمان خداوند به پیامبری بزرگ چون موسی مبنی بر اینکه از شاکران باشد، حکایت از مقام بلند شاکران دارد.

نجات شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۴

۴ - سنت الهی بر اعطای پاداش عالی، به شکر گزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

كذلك نجزي من شكر

وعده به شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم، صلاح و شکر

وعد الصدق الذي كانوا يوعدون

شامات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شامات

آبادانی شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۳

۳ - سرزمین شامات در عصر سبایان ، آباد و بابرکت بود و مراکز گوناگونی برای زیست انسان ها داشت .

و بین القرى التى برکنا فیها

امنیت در

شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۷

۷ - منطقه بین یمن (محل زندگی قوم سبا) تا شامات در عصر سبایان ، در امنیت کامل بود .

سیروا فیها . . . ءامنین

امنیت شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۸

۸ - مردم سبا ، می توانستند از یمن تا شام را در هر وقت که بخواهند (شب یا روز) با امنیت کامل سفر کنند .

و قدّرنا فیها السیر سیروا فیها لیالی و آیامًا ءامنین

برکت شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۳

۳ - سرزمین شامات در عصر سبایان ، آباد و بابرکت بود و مراکز گوناگونی برای زیست انسان ها داشت .

و بین القرى التى برکنا فیها

بنی اسرائیل در سرزمین شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۱،۴،۹

۱- دستور خداوند به بنی اسرائیل ، پس از هلاک فرعونیان مبنی بر انتخاب سرزمین مورد نظرشان (شام یا مصر) برای سکنی

گزیدن

و قلنا من بعده لبني إسرائيل اسكنوا الأرض

۴- تسلط و حاکمیت بنی اسرائیل با اذن الهی بر سرزمین مصر (یا شام) پس از هلاکت فرعون *

اسکنوا الأرض

برداشت فوق بدان احتمال است که مراد از <اسکنوا> استقرار و حاکمیت یافتن باشد که تا آن روز بنی اسرائیل فاقد آن بودند و مراد از <الأرض> سرزمین شام [و یا مصر] باشد.

۹- وعده خداوند به بنی اسرائیل جهت گردآوری

آنان در سرزمین فلسطین ، پس از فرا رسیدن دومین موعد فساد آنان در آن سرزمین

جئنا بکم لفیفاً

برداشت فوق بدان احتمال است که <وعد الأخره> اشاره ای باشد به آن دو موعدی که خداوند در آغاز این سوره (آیه ۴) برای بنی اسرائیل پیش بینی کرده و به آنان هشدار داده است.

تاریخ شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۳،۴،۵

۳ - سرزمین شامات در عصر سبایان ، آباد و بابرکت بود و مراکز گوناگونی برای زیست انسان ها داشت .

و بین القرى التی برکنا فیها

۴ - بین منزل گاه های راه یمن تا شام در عصر قوم سبأ ، تناسب یکسانی وجود داشت .

و جعلنا بینهم و بین القرى التی برکنا فیها قرى ظهره و قدّرنا فیها السیر

مراد از تقدیر سیر در آیه بالا، این است که در بین راه، منزل گاه هایی وجود داشت و یا قریه ها و شهرها به گونه ای قرار گرفته بود که فاصله هر کدام با دیگری در تمام راه یکسان بود.

۵ - بین مردم شام و یمن در دوران قوم سبأ ، ارتباط های گوناگونی وجود داشت .

و جعلنا بینهم و بین القرى التی برکنا فیها ... و قدّرنا فیها السیر سیروا فیها

راههای شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۲

۲ - اتصال سرزمین سبایان به سرزمین شامات از طریق وجود شهرها و روستاها نعمتی برای آنان بود .

لقد کان لسیا فی مسکنهم ءایه جئتان ... و جعلنا بینهم و بین القرى

آیه در ادامه قصه قوم سبأ و ذکر نعمت هایی است که خداوند به آنان اعطا کرده بود و از آنان خواسته بود که در قبال آنها شکرگزاری کنند.

راههای شامات در دوران قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۴، ۱

۱ - در فاصله بین سرزمین سبا و سرزمین شام، مراکز و اماکنی نزدیک به هم وجود داشت که از یکدیگر قابل مشاهده بودند

و جعلنا بینهم و بین القرى التي برکنا فیها قرى ظهره

مراد از <القرى التي برکنا فیها> طبق گفته نوع مفسران، سرزمین شام است. گفتنی است که مراد از <قرى ظاهره> مراکزى نزدیک به هم است که امکان مشاهده محلی از محل دیگر وجود داشته است.

۴ - بین منزل گاه های راه یمن تا شام در عصر قوم سبأ، تناسب یکسانی وجود داشت .

و جعلنا بینهم و بین القرى التي برکنا فیها قرى ظهره و قدرنا فیها السیر

مراد از تقدیر سیر در آیه بالا، این است که در بین راه، منزل گاه هایی وجود داشت و یا قریه ها و شهرها به گونه ای قرار گرفته بود که فاصله هر کدام با دیگری در تمام راه یکسان بود.

روابط اهل شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۵

۵ - بین مردم شام و یمن در دوران قوم سبا، ارتباط های گوناگونی وجود داشت .

و جعلنا بینهم و بین القرى التي برکنا فیها .. و قدرنا فیها السیر سیروا فیها

شامات در دوران قوم سبا

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۳،۴،۷

۳ - سرزمین شامات در عصر سبایان ، آباد و بابرکت بود و مراکز گوناگونی برای زیست انسان ها داشت .

و بین القرى التی برکنا فیها

۴ - بین منزل گاه های راه یمن تا شام در عصر قوم سبأ ، تناسب یکسانی وجود داشت .

و جعلنا بینهم و بین القرى التی برکنا فیها قرى ظهره و قدرنا فیها السیر

مراد از تقدیر سیر در آیه بالا این است که در بین راه، منزل گاه هایی وجود داشت و یا قریه ها و شهرها به گونه ای قرار گرفته بود که فاصله هر کدام با دیگری در تمام راه یکسان بود.

۷ - منطقه بین یمن (محل زندگی قوم سبا) تا شامات در عصر سبایان ، در امنیت کامل بود .

سیروا فیها . . . ءامنین

منشأ آبادانی شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۶

۶ - برکت و آبادانی سرزمین شامات ، از ناحیه خداوند بود .

القرى التی برکنا فیها

منشأ برکت شامات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۶

۶ - برکت و آبادانی سرزمین شامات ، از ناحیه خداوند بود .

القرى التی برکنا فیها

شایستگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار شایستگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۷

۷ لیاقت و شایستگی برخی انسان ها ، موجب گزینش آنان به رسالت و پیامبری از سوی خدا

قال یموسیٰ اِنِّیْ اصْطَفِیْتُکَ عَلَی النَّاسِ بِرِسَالَتِیْ

شایستگی انبیا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸۱ - ۴

۴ - رسولان الهی ، شایسته سلام و تحیت

و سلم علی المرسلین

شایستگی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۶ - ۷۸

۷ نیکوکاران مستعد دریافت رحمت الهی هستند .

إن رحمت الله قریب من المحسنین

۸ دعا و نیایش محسنان به درگاه خدا مایه به فعلیت رسیدن استعداد آنان برای دستیابی به رحمت خاص الهی است .

و ادعوه .. إن رحمت الله قریب من المحسنین

شایستگی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۹

۹ خداوند از موسی (ع) خواست تا در برابر نعمت رسالت و شایستگی شنیدن سخن خدا ، وی را سپاس گوید و از شاگردان شود .

اصطفیتک علی الناس برسلتی و بکلمی .. و کن من الشکرین

شایعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{شایعه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ تأثیر شایعات مشرکان و منافقان بر برخی مسلمانان، به هنگام دعوت رسول خدا (ص) برای شرکت در غزوه حمراءالاسد
یا بدر صغرا

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ .. ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ

چون شیطان و مشرکان و منافقان در صدد ترسانیدن و بازداشتن همه مؤمنان بوده اند (اِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ)،
ولی از <يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ> استفاده می شود که تنها دوستانش را می ترساند. بنابراین <يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ>، حاکی از فعلیت و
تحقق این ترس در عده

ای از مؤمنان است.

۱۱ هشدار خداوند به مؤمنان در برابر خطر شایعات دشمنان دین ، جاسوسان آنان و منافقان

إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ .. أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّيْطَانَ يَلْمِزُ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا جَاءَهُمْ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّيْطَانَ يَلْمِزُ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا جَاءَهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّيْطَانَ يَلْمِزُ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا جَاءَهُمْ مِنْ يَمَانِهِمْ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّيْطَانَ يَلْمِزُ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا جَاءَهُمْ مِنْ شَمَالِهِمْ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّيْطَانَ يَلْمِزُ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا جَاءَهُمْ مِنْ حَيْثُ مَا جَاءُوا أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّيْطَانَ يَلْمِزُ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا جَاءَهُمْ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّيْطَانَ يَلْمِزُ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا جَاءَهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّيْطَانَ يَلْمِزُ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا جَاءَهُمْ مِنْ يَمَانِهِمْ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّيْطَانَ يَلْمِزُ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا جَاءَهُمْ مِنْ شَمَالِهِمْ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّيْطَانَ يَلْمِزُ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا جَاءَهُمْ مِنْ حَيْثُ مَا جَاءُوا

۱۵ لزوم مقابله با تبلیغات دشمن و جلوگیری از تأثیر آن

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ يَوْمَ الْيَوْمِ لَا تَخَافُوا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

قرآن با بیان تبلیغات سوء دشمنان با جمله <فلا تخافوهم و خافون>، در صدد خنثی سازی توطئه های دشمن برآمد تا به مؤمنان نیز پیامورد که باید همواره به مقابله با تبلیغات سوء دشمن برخیزند.

آثار اجتماعی شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۴،۵

۴ - جامعه اسلامی صدر اسلام ، در برابر شایعات آسیب پذیر بود .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا

۵ - شایعات و پخش خبر های دروغ ، از میان برنده اعتماد متقابل و حسن ظن افراد جامعه نسبت به یکدیگر

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُبِينٌ

آثار شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۴

۴ تزلزل روحیه برخی از پیکارگران احد ، بر اثر شایعه قتل پیامبر (ص)

و ما محمد إلا رسول .. افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ شایعه پراکنانی که در صدد تضعیف روحیه مجاهدان اسلام هستند ، شتابگران در کفرند . *

ولا

يُحزَنُكَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ

به مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث و آیات قبل، جمله <الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ> می تواند اشاره به کسانی باشد که با تبلیغات سوء و شایعات ترس آفرین، در صدد بازداشتن مؤمنان از جهاد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۳ - ۱۶، ۱۴

۱۴ شایعات و اخبار گمراه کننده، تأثیر گذار در اقشار وسیعی از جامعه و زمینه ساز گمراهی آنان

اذاغوا به... لو لا فضل الله عليكم و رحمته لاتبعتم الشيطان الا قليلا

۱۶ تنها عده خیلی از مردم تحت تأثیر شایعات و اخبار گمراه کننده قرار نمی گیرند.

اذاغوا به... لو لا فضل الله عليكم و رحمته لاتبعتم الشيطان الا قليلا

آثار شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۳

۳ - ادامه شایعه پراکنی، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (ص) و در نتیجه، آواره شدن همراه با لعن بود.

لئن لم ينته... و المرجفون... لتغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها الا قليلا. م

آثار شایعه علیه مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۹

۹ - شایعه و وارونه جلوه دادن حقایق در جامعه اسلامی، هر چند در آغاز موجب نگرانی و احساس خطر می شود ولی در نهایت با افشا شدن انگیزه شایعه سازان، به نفع مسلمانان تمام خواهد شد.

إن الذين جاءوا بالإفك عصبة منكم لا تحسبوه شراً لكم بل هو خير لكم

آواره

سازی شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۳

۳ - ادامه شایعه پراکنی ، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (ص) و در نتیجه ، آواره شدن همراه با لعن بود .

لئن لم ینته .. و المرجفون ... لئغریئک بهم ثم لایجاورونک فیها إلا قلیلاً . م

آواره سازی شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۹

۱۹ - در صورتی که منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان ، در مدینه ، به کار های خلاف خود ادامه می دادند ، چنان مورد قهر پیامبر (ص) قرار می گرفتند که مجبور به ترک مدینه می شدند .

لئغریئک بهم ثم لایجاورونک فیها إلا قلیلاً

< لایجاورونک فیها إلا قلیلاً > کنایه از آوارگی و در به دری است. لازم به ذکر است که < قلیلاً > صفت مفعول مطلق محذوف (جوار) است.

اجتناب از شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۷ - ۱

۱ - پرهیز از تأثیر پذیری در برابر شایعه ها و دامن زدن به آنها و نیز اجتناب از تهمت زدن به دیگران و بازی با حیثیت آنان ، اندرزی الهی به مؤمنان

یعظکم الله أن تعودوا لمثله أبداً إن كنتم مؤمنین

استقامت در برابر شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پرهیز از تأثیرپذیری در برابر شایعه ها و دامن زدن به آنها و نیز اجتناب از تهمت زدن به دیگران

و بازی با حیثیت آنان ، اندرزی الهی به مؤمنان

يعظكم الله أن تعودوا لمثله أبداً إن كنتم مؤمنين

اظهار تعجب از شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۸

۸ - مسلمانان ، موظف اند در برابر شایعه ها و تهمت های بی دلیل جنسی علیه دیگر مسلمانان ، اظهار شگفتی کرده و آنها را بهتانی بزرگ بشمارند .

و لولا إذ سمعتموه قلتم .. سبحنك هذا بهتن عظيم

جمله <سبحانك> و یا <سبحان الله> در دو مورد به کار می رود: ۱ آن گاه که سخن شگفت آوری شنیده شود. ۲ آن گاه که سخنی بسیار زشت و ناروا شنیده شود و شنونده بخواهد از آن اظهار تنفر و انزجار کند و واکنشی منفی از خود نشان دهد. برداشت یاد شده براساس کاربرد اول است.

افساد شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۹

۱۹ - در صورتی که منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان ، در مدینه ، به کار های خلاف خود ادامه می دادند ، چنان مورد قهر پیامبر (ص) قرار می گرفتند که مجبور به ترک مدینه می شدند .

لنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً

<لا يجاورونك فيها إلا قليلاً> کنایه از آوارگی و در به دری است. لازم به ذکر است که <قليلًا> صفت مفعول مطلق محذوف (جوار) است.

افشای انگیزه شایعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۹

، هر چند در آغاز موجب نگرانی و احساس خطر می شود ولی در نهایت با افشا شدن انگیزه شایعه سازان ، به نفع مسلمانان تمام خواهد شد .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تحسبوه شرًّا لكم بل هو خير لكم

تکذیب شایعه علیه خانواده محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۲

۲ - مؤمنان صدر اسلام ، وظیفه دار تکذیب شایعه های بی اساس بدخواهان علیه پیامبر (ص) و خانواده آن حضرت

لولا إذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خیرًا و قالوا هذا إفك مبين

تکذیب شایعه علیه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۲

۲ - مؤمنان صدر اسلام ، وظیفه دار تکذیب شایعه های بی اساس بدخواهان علیه پیامبر (ص) و خانواده آن حضرت

لولا إذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خیرًا و قالوا هذا إفك مبين

تکذیب شایعه علیه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۳

۳ - مؤمنان ، وظیفه دار تکذیب صریح شایعه ها و تهمت های جنسی بی اساس علیه دیگر مؤمنان

لولا إذ سمعتموه ... و قالوا هذا إفك مبين

تهدید شایعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ - تهدید شدن شایعه سازان و افترا زندگان ، به این که خداوند بر سخنان پنهانی و راز های درونی آنان آگاه است .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ . . . وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ

ما يكون لنا أن نتكلم بهذا ..

برداشت یاد شده از ارتباط این آیه با آیات قبل که درباره شایعه و ماجرای <افک> بود به دست آمده است.

سرزنش استماع شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۸

۸ رغبت به شنیدن دروغ ها و شایعات ، پذیرش احکام تحریف شده ، حرامخواری و رشوه گیری ، بسی زشت و نارواست .

سمعون للكذب اكلون للسحت

شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۵

۵ - در مدینه ، در عصر پیامبر ، افرادی شایعه پراکن وجود داشت .

لئن لم ينته .. المرجفون

<رَجَفَ> (مصدر ثلاثی مجرد <مرجفون>) به معنای <اضطراب شدید> است (مفردات راغب). در آیه، به تناسب معنای لغوی، منظور از آن کسانی اند که با پخش سخنان بیهوده، آرامش مردم را سلب می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۵

۵ - شایعه پراکنان در مدینه ، در صورت ادامه شایعه پراکنی ، محکوم به قتل بودند .

لئن لم ينته .. و المرجفون في المدينة ... أينما ثقفوا أخذوا و قتلوا تقتيلاً

شایعه پراکنی فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تلاش خطاکاران فاسد ، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كَلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ . يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرَهُمْ كَذِبُونَ

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می تواند به < کَلِّ أَفَّاكٍ > باز گردد و

<السمع> نیز مصدر به معنای مفعول باشد، یعنی، <يلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أنّ أكثرهم كاذبون فيما يلقونه> این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند.

شایعه پراکنی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۳ - ۳

۳ - تلاش خطاکاران فاسد، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كُلُّ أَفَّاكٍ أَثِيمٌ . يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرَهُمْ كَذِبُونَ

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می تواند به <كُلُّ أَفَّاكٍ> باز گردد و <السمع> نیز مصدر به معنای مفعول باشد، یعنی، <يلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أنّ أكثرهم كاذبون فيما يلقونه> این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند.

شایعه در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۲

۲ شایعه پراکنانی که مردم را از جهاد می ترسانند، شیطانند .

قال لهم الناس إنّ الناس قد جمعوا لكم .. إنّما ذلكم الشيطان يخوف أولياءه

بنابر اینکه <ذلكم>، اشاره به همان مردمی باشد که مؤمنان را از جنگ می ترسانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۸

۸ کارآمد نبودن تبلیغات سوء و جنگ روانی، در بازداشتن مؤمنان از شرکت در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ ..

فانقلبوا بنعمه من الله وفضل

زیرا در عین تبلیغات سوء دشمن، مؤمنان برای شرکت در نبرد حرکت کردند.

شایعه در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۴

۴ - تأثیرپذیری مسلمانان عصر بعثت در برابر شایعه ها

إذ تلقونه بألسنتكم و تقولون بأفواهكم ما ليس لكم به علم

شایعه دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۲

۱۲ اعتنا و رغبت فراوان منافقان و یهود به شنیدن گفته ها و شایعه های دروغین ، علی رغم آگاهی به دروغ بودن آن

سمعون للكذب

چون شنیدن سخنانی که دروغ بودن آن برای شنونده معلوم نباشد، صفت مذمومی نیست، لذا مراد این است که آنان با توجه و آگاهی به دروغ بودن سخنان به شنیدن آنها رغبت داشتند.

شایعه دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۲،۴،۸

۲ نفوذ عوامل دشمن در بین مسلمانان و ایجاد جنگ روانی برای تضعیف روحیه آنان ، پس از جنگ احد

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَاصْحَوْهُمْ

برخی برآنند که مراد از <النَّاس> در <قَالَ لَهُمُ النَّاسُ>، منافقانی هستند که برای دشمنان دین جاسوسی می کردند. برخی دیگر گفته اند منظور افرادی از دشمن هستند که در بین مسلمانان ایجاد رعب می کردند.

۴ وجود افرادی در میان مسلمانان که در صدد شایعه پراکنی و ترساندن آنها از مشرکان بودند .

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ

۸ اظهار توکل و اعتماد به خداوند ، عكس العمل مؤمنان

در برابر شایعه حمله دشمن ، پس از نبرد احد

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ . . . وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۱،۱۵

۱۱ هشدار خداوند به مؤمنان در برابر خطر شایعات دشمنان دین ، جاسوسان آنان و منافقان

إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ . . . أَنْتُمْ ذُلُّكُمْ الشَّيْطَانِ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ

۱۵ لزوم مقابله با تبلیغات دشمن و جلوگیری از تأثیر آن

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ . . . أَنْتُمْ ذُلُّكُمْ الشَّيْطَانِ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ

قرآن با بیان تبلیغات سوء دشمنان با جمله <فلا تخافوهم و خافون>، در صدد خنثی سازی توطئه های دشمن برآمد تا به مؤمنان نیز پیامورد که باید همواره به مقابله با تبلیغات سوء دشمن برخیزند.

شایعه سازی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۷

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود ، فلسفه بازداشتن پیامبر (ص) از اندوه بر کفرورزی آنان

لَا يَحْزَنُكَ الَّذِينَ يَسْرَعُونَ . . . سَمْعُونَ لِلْكَذِبِ سَمْعُونَ لِقَوْمِ آخِرِينَ

شایعه سازی منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۲

۲ - هم دستی و تشکل تنی چند از منافقان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه خانواده پیامبر (ص)

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ

بیشتر مفسران بر این باورند که گروه بهتان زننده (عصبه منکم) از منافقان بودند.

شایعه سازی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود ، فلسفه بازداشتن پیامبر (ص) از اندوه بر کفرورزی آنان

لايحرزنك الذين يسرعون .. سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخريين

شایعه علیه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱

۱ - هم دستی و تشکل تنی چند از مردمان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه پیامبر (ص) و برخی از مؤمنان

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ

<عصبه> در لغت به معنای گروهی متشکل و پشتیبان هم است که از ده نفر تا چهل نفر باشند. آمدن فعل <مجیء> به صورت جمع نیز، مؤید این است که تهمت زندگان به شکل دسته جمعی، به کار تهمت و شایعه سازی می پرداختند. گفتنی است آیه شریفه براساس تاریخ و شأن نزول آن در باره خانواده پیامبر(ص) نازل شده است که مورد اتهام تنی چند از بدخواهان قرار گرفته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۱

۱ - مسلمانان عصر بعثت ، پذیرای شایعه های ناروای بدخواهان علیه خاندان پیامبر (ص) و منتشر کننده آنها ، بدون توجه به پیامد های ناروا و درستی و نادرستی آنها

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ

شایعه علیه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱

مردمان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه پیامبر (ص) و برخی از مؤمنان

إِنَّ الدِّينَ جَاءَ بِالْإِفْكَ عَصَبَهُ مِنْكُمْ

<عصبه> در لغت به معنای گروهی متشکل و پشتیبان هم است که از ده نفر تا چهل نفر باشند. آمدن فعل <مجیء> به صورت جمع نیز، مؤید این است که تهمت زندگان به شکل دسته جمعی، به کار تهمت و شایعه سازی می پرداختند. گفتنی است آیه شریفه براساس تاریخ و شأن نزول آن در باره خانواده پیامبر(ص) نازل شده است که مورد اتهام تنی چند از بدخواهان قرار گرفته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۸

۸ - پذیرش و انتشار شایعه های ناروا علیه مؤمنان و جامعه اسلامی ، بدون توجه به درستی و نادرستی و پیامد های آنها ، امری خطیر و گناهی بزرگ در پیشگاه خداوند

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَ تَقُولُونَ ... تَحْسِبُونَهُ هَيِّئًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ

شایعه علیه همسر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۲

۲ - هم دستی و تشکل تنی چند از منافقان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه خانواده پیامبر (ص)

إِنَّ الدِّينَ جَاءَ بِالْإِفْكَ عَصَبَهُ مِنْكُمْ

بیشتر مفسران بر این باورند که گروه بهتان زننده (عصبه منکم) از منافقان بودند.

شایعه مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۱

۱ - مسلمانان عصر بعثت ، پذیرای شایعه های ناروای بدخواهان علیه خاندان پیامبر (ص)

ص) و منتشر کننده آنها، بدون توجه به پیامد های ناروا و درستی و نادرستی آنها

إِذْ تَلَقُّونَهُ بِالرَّسْمِ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ

شایعه مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۰

۱۰ تأثیر شایعات مشرکان و منافقان بر برخی مسلمانان، به هنگام دعوت رسول خدا (ص) برای شرکت در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ... ذَلِكَمُ الشَّيْطَانُ يَخُوفُ أَوْلِيَاءَهُ

چون شیطان و مشرکان و منافقان در صدد ترسانیدن و بازداشتن همه مؤمنان بوده اند (إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ)، ولی از <يَخُوفُ أَوْلِيَاءَهُ> استفاده می شود که تنها دوستانش را می ترساند. بنابراین <يَخُوفُ أَوْلِيَاءَهُ>، حاکی از فعلیت و تحقق این ترس در عده ای از مؤمنان است.

شایعه منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۱، ۱۰

۱۰ تأثیر شایعات مشرکان و منافقان بر برخی مسلمانان، به هنگام دعوت رسول خدا (ص) برای شرکت در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ... ذَلِكَمُ الشَّيْطَانُ يَخُوفُ أَوْلِيَاءَهُ

چون شیطان و مشرکان و منافقان در صدد ترسانیدن و بازداشتن همه مؤمنان بوده اند (إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ)، ولی از <يَخُوفُ أَوْلِيَاءَهُ> استفاده می شود که تنها دوستانش را می ترساند. بنابراین <يَخُوفُ أَوْلِيَاءَهُ>، حاکی از فعلیت و تحقق این ترس در عده ای از مؤمنان است.

۱۱ هشدار خداوند به مؤمنان در برابر خطر شایعات

دشمنان دین ، جاسوسان آنان و منافقان

انّ النَّاسَ قد جمعوا لکم .. انّما ذلکم الشَّیطان یخوّف اولیاءه

عذاب شایعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۶

۶ - ترویج کنندگان شایعات و تهمت پردازی های ناروا جدا از فضل و رحمت خداوند مستحق عذاب الهی اند .

و لولا فضل الله علیکم و رحمته ... لمسکم فی ما أفضتم فیہ عذاب عظیم

علاقمندان شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۳، ۱۲

۱۲ اعتنا و رغبت فراوان منافقان و یهود به شنیدن گفته ها و شایعه های دروغین ، علی رغم آگاهی به دروغ بودن آن

سمعون للكذب

چون شنیدن سخنانی که دروغ بودن آن برای شنونده معلوم نباشد، صفت مذمومی نیست، لذا مراد این است که آنان با توجه و آگاهی به دروغ بودن سخنان به شنیدن آنها رغبت داشتند.

۱۳ رغبت منافقان و یهودیان به شنیدن شایعات و دروغ های بافته شده علیه رسول خدا (ص)

سمعون للكذب

مخاطب قرار دادن پیامبر (لایحزنک) و توصیف شتابگران در کفر به گوش سپاران دروغ، می رساند که مراد از <کذب> دروغها و شایعاتی بوده است که علیه پیامبر(ص) ساخته شده بود.

فرجام شایعه علیه مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۹

۹ - شایعه و وارونه جلوه دادن حقایق در جامعه اسلامی ، هر چند در آغاز موجب نگرانی و احساس خطر می شود ؛ ولی در نهایت با افشا شدن انگیزه شایعه سازان ،

به نفع مسلمانان تمام خواهد شد .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

قتل شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۵

۵ - شایعه پراکنان در مدینه ، در صورت ادامه شایعه پراکنی ، محکوم به قتل بودند .

لئن لم ينته .. و المرجفون في المدينة ... أينما ثقفوا أخذوا و قتلوا تفتيلاً

قتل شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۲ - ۴

۴ - فرمان مهدورالدم بودن منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان در مدینه ، ادامه اجرای سنت تغییر ناپذیر الهی بوده است .

أينما ثقفوا أخذوا و قتلوا .. سنه الله ... ولن تجد لسنة الله تبديلاً

کیفر شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ - شایعه پراکنی و برهم زدن آرامش روانی مردم ، کیفری سخت دارد .

و المرجفون في المدينة لنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً

گناه شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۸

۸- پذیرش و انتشار شایعه های ناروا علیه مؤمنان و جامعه اسلامی ، بدون توجه به درستی و نادرستی و پیامد های آنها ، امری
خطیر و گناهی بزرگ در پیشگاه خداوند

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَ تَقُولُونَ .. تَحْسِبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ

مبارزه با شایعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶

۹ - اظهار تنفر و نشان دادن واکنش منفی ، وظیفه مسلمانان در برابر شایعه ها و تهمت های بی دلیل جنسی علیه دیگر مسلمانان

و لولا إذ سمعتموه قلتم ما يكون لنا أن نتكلم بهذا سبحانه هذا بهتن عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۵

۱۵ لزوم مقابله با تبلیغات دشمن و جلوگیری از تأثیر آن

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ .. اِنَّمَا ذٰلِكُمُ الشَّيْطٰنُ يَخُوْفُ اولياءه فلا تخافوهم و خافون

قرآن با بیان تبلیغات سوء دشمنان با جمله <فلا تخافوهم و خافون>، در صدد خنثی سازی توطئه های دشمن برآمد تا به مؤمنان نیز پیاموزد که باید همواره به مقابله با تبلیغات سوء دشمن برخیزند.

مبارزه محمد(ص) با شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۳

۳ - ادامه شایعه پراکنی ، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (ص) و در نتیجه ، آواره شدن همراه با لعن بود .

لئن لم ينته .. و المرجفون ... لئنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً . م

محرومیت شایعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۶

۶ - ترویج کنندگان شایعات و تهمت پردازی های ناروا جدا از فضل و رحمت خداوند مستحق عذاب الهی اند .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته .. لمسكم في ما أفضتم فيه عذاب عظیم

موانع تأثیر شایعه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۳

۱۵ فضل و رحمت الهی ، مانع از تأثیر اخبار و شایعات گمراه کننده در میان مسلمانان

لو لا فضل الله علیکم و رحمته لاتبعتم الشیطان الا قليلا

موانع شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۷ - ۲

۲ - ایمان ، بازدارنده انسان از دامن زدن به شایعه ها و تهمت های ناروا علیه یکدیگر

يعظکم الله أن تعودوا لمثله أبداً إن كنتم مؤمنين

پیام و مفهوم جمله <إن كنتم مؤمنين؛ اگر مؤمن هستید> در آیه شریفه - که مربوط به ماجرای <افک> است این می باشد که: اگر ایمان راستین در فردی وجود داشته باشد او هرگز دست به شایعه ها و تهمت های ناروا علیه کسی نخواهد زد.

نقش شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ - شایعه پراکنان ، برهمزنان آرامش جامعه و آسیب رسان به آن اند .

لئن لم ينته المنافقون و... المرجفون فی المدینه لنغرینک بهم

هشدار به شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۶

۶ - هشدار شدید خداوند ، به شایعه پراکنان مدینه ، برای پایان دادن به کار شایعه پراکنی .

لئن لم ينته... المرجفون فی المدینه لنغرینک بهم

شایعه پراکنان

آواره سازی شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۳

۳ - ادامه شایعه پراکنی ، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (ص) و در نتیجه ، آواره

شدن همراه با لعن بود .

لئن لم ينته .. و المرجفون ... لنغريتك بهم ثم لايجاورونك فيها إلا قليلاً . م

آواره سازی شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۹

۱۹ - در صورتی که منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان ، در مدینه ، به کار های خلاف خود ادامه می دادند ، چنان مورد قهر پیامبر (ص) قرار می گرفتند که مجبور به ترک مدینه می شدند .

لنغريتك بهم ثم لايجاورونك فيها إلا قليلاً

<لايجاورونك فيها إلا قليلاً> کنایه از آوارگی و در به دری است. لازم به ذکر است که <قليلاً> صفت مفعول مطلق محذوف (جوار) است.

افساد شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۹

۱۹ - در صورتی که منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان ، در مدینه ، به کار های خلاف خود ادامه می دادند ، چنان مورد قهر پیامبر (ص) قرار می گرفتند که مجبور به ترک مدینه می شدند .

لنغريتك بهم ثم لايجاورونك فيها إلا قليلاً

<لايجاورونك فيها إلا قليلاً> کنایه از آوارگی و در به دری است. لازم به ذکر است که <قليلاً> صفت مفعول مطلق محذوف (جوار) است.

شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۵

۵- در مدینه ، در عصر پیامبر ، افرادی شایعه پراکن وجود داشت .

لئن لم ینته .. المرصفون

<رَجَفَ> (مصدر ثلاثی مجرد <مرصفون>) به معنای <اضطراب شدید> است (مفردات راغب).

در آیه، به تناسب معنای لغوی، منظور از آن کسانی اند که با پخش سخنان بیهوده، آرامش مردم را سلب می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۵

۵ - شایعه پراکنان در مدینه ، در صورت ادامه شایعه پراکنی ، محکوم به قتل بودند .

لئن لم ینته .. و المرجفون فی المدینه ... اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا تفتیلاً

قتل شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۵

۵ - شایعه پراکنان در مدینه ، در صورت ادامه شایعه پراکنی ، محکوم به قتل بودند .

لئن لم ینته .. و المرجفون فی المدینه ... اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا تفتیلاً

قتل شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۲ - ۴

۴ - فرمان مهدورالدم بودن منافقان و بیماردلان و شایعه پراکنان در مدینه ، ادامه اجرای سنت تغییر ناپذیر الهی بوده است .

اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا .. سنّه الله ... ولن تجد لسنة الله تبديلاً

مبارزه محمد(ص) با شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۳

۳ - ادامه شایعه پراکنی ، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (ص) و در نتیجه ، آواره شدن همراه با لعن بود .

لئن لم ینته .. و المرجفون ... لنغرینک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً . م

نقش شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ - شایعه پراکنان ، برهمزنان آرامش جامعه و آسیب رسان به آن اند .

لئن لم ينته المنفقون و .. المرجفون في المدينة لئغرينك بهم

هشدار به شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۶

۶ - هشدار شدید خداوند ، به شایعه پراکنان مدینه ، برای پایان دادن به کار شایعه پراکنی .

لئن لم ينته .. المرجفون في المدينة لئغرينك بهم

شایعه پراکنی

آثار شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۳

۳ - ادامه شایعه پراکنی ، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (ص) و در نتیجه ، آواره شدن همراه با لعن بود .

لئن لم ينته .. و المرجفون ... لئغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً . م

اجتناب از شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۷ - ۱

۱ - پرهیز از تأثیرپذیری در برابر شایعه ها و دامن زدن به آنها و نیز اجتناب از تهمت زدن به دیگران و بازی با حیثیت آنان ،

اندرزی الهی به مؤمنان

يعظكم الله أن تعودوا لمثله أبداً إن كنتم مؤمنين

شایعه پراکنی فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۳ - ۳

۳ - تلاش خطاکاران فاسد ، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كُلُّ أَفَّاكٍ أَثِيمٌ . يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرَهُمْ كَذِبُونَ

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می

تواند به <كَلِّ أَفَّاكٌ> باز گردد و <السمع> نیز مصدر به معنای مفعول باشد، یعنی، <يلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أنّ أكثرهم كاذبون فيما يلقونه> این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند.

شایعه پراکنی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۳ - ۳

۳ - تلاش خطاکاران فاسد، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كَلِّ أَفَّاكٌ أَثِيمٌ . يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرَهُمْ كَذِبُونَ

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می تواند به <كَلِّ أَفَّاكٌ> باز گردد و <السمع> نیز مصدر به معنای مفعول باشد، یعنی، <يلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أنّ أكثرهم كاذبون فيما يلقونه> این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند.

کیفر شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ - شایعه پراکنی و برهم زدن آرامش روانی مردم، کیفری سخت دارد.

و المرجفون في المدينة لغيرئك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً

گناه شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۸

۸ - پذیرش و انتشار شایعه های ناروا علیه مؤمنان و جامعه اسلامی، بدون توجه به درستی و نادرستی و پیامد های آنها، امری خطیر و گناهی بزرگ در پیشگاه خداوند

إذ تلقونه بألسنتكم

و تقولون .. تحسبونه هيئاً و هو عند الله عظيم

موانع شايعه پراكنى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۷ - ۲

۲ - ايمان ، بازدارنده انسان از دامن زدن به شايعه ها و تهمت هاى ناروا عليه يكدیگر

يعظكم الله أن تعودوا لمثله أبداً إن كنتم مؤمنين

پيام و مفهوم جمله <إن كنتم مؤمنين؛ اگر مؤمن هستيد> در آيه شريفه - كه مربوط به ماجراى <افك> است اين مى باشد كه: اگر ايمان راستين در فردى وجود داشته باشد او هرگز دست به شايعه ها و تهمت هاى ناروا عليه كسى نخواهد زد.

شايعه سازان

افشاى انگيزه شايعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۹

۹ - شايعه و وارونه جلوه دادن حقايق در جامعه اسلامى ، هر چند در آغاز موجب نگرانى و احساس خطر مى شود؛ ولى در نهايت با افشا شدن انگيزه شايعه سازان ، به نفع مسلمانان تمام خواهد شد .

إنّ الذين جاءو بالافك عصبه منكم لا تحسبوه شرّاً لكم بل هو خير لكم

تهدید شايعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۲۲

۲۲ - تهدید شدن شايعه سازان و افترا زندگان ، به اين كه خداوند بر سخنان پنهانى و رازهاى درونى آنان آگاه است .

إنّ الذين جاءو بالافك ... و لولا إذ سمعتموه قلتم ما يكون لنا أن نتكلم بهذا ..

برداشت ياد شده از ارتباط اين آيه با آيات قبل كه درباره شايعه و ماجراى <افك> بود

به دست آمده است.

عذاب شایعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۶

۶ - ترویج کنندگان شایعات و تهمت پردازی های ناروا جدا از فضل و رحمت خداوند مستحق عذاب الهی اند .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته .. لمسکم فی ما أفضتم فيه عذاب عظیم

محرومیت شایعه سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۶

۶ - ترویج کنندگان شایعات و تهمت پردازی های ناروا جدا از فضل و رحمت خداوند مستحق عذاب الهی اند .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته .. لمسکم فی ما أفضتم فيه عذاب عظیم

شب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{شب}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۰ - ۳،۴

۳ نظم شب و روز ، از آیات الهی

انّ فی ... و اختلاف الیل و النهار لایات

۴ آفرینش آسمان ها و زمین و گردش شب و روز ، دربردارنده نشانه های فراوان بر یکتایی خدا در مالکیت و فرمانروایی بر هستی

و لله ملک السموات .. انّ فی خلق السموات ... لایات

جمله <انّ فی . . . >، می تواند بیانگر دلیلی برای یکتایی خداوند در فرمانروایی و مالکیت باشد که در آیه قبل (و لله ملک السموات ...) مطرح شد.

آثار تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۷ - ۳

۳ - ماهیت شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات و نقش آن در

گرد هم آمدن جانداران ، شگفت و با عظمت است .

و الیل و ما وسق

آثار تعقل در باره شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۴

۴ - اندیشیدن درباره ماهیت شب و ویژگی های آن ، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عمّ يتساءلون .. و جعلنا الیل لباسًا

آثار جایگزینی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۲،۳

۲ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الیل و النهار خلفه

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذی جعل) بیانگر قصر می باشد. ۲- آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است.

۳ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، از نشانه های قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الیل و النهار خلفه

آثار خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۶

۶ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی برای انسان ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل . . . لمن أراد أن یدکر أو أراد شکورًا

<شکور> مصدر و مرادف واژه <شکر> است.

آثار گردش شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- آمد و شد شب و روز و به وجود آمدن فصل های مختلف ، عامل پیدایش موجودات زنده و جریان مستمر مرگ و حیات در زمین

یحی و یمیت و له اختلاف الیل و النهار

ذکر <اختلاف شب و روز> پس از بیان مرگ و حیات می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱۴

۱۴ - آمدن روز از پی شب ، گواه امکان آمدن رستاخیز از پی مرگ *

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأَيَاتٍ

یکی از آیاتی که از تعاقب شب و روز می توان استفاده کرد، روشنی پس از تاریکی، حیات پس از مرگ و حرکت پس از سکون است و این نشان می دهد که خدای توانا بر آوردن روز از پی شب، قادر است که حیات را دوباره از پی مرگ پدید آورد.

آثار نزول روح(اسم خاص) در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۴

۴ - نزول ملائکه و روح در شب قدر ، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . تنزل الملائکه و الروح فیها

آثار نزول قرآن در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۷

۷ - نزول قرآن در شب قدر ، نشان سلامتی معارف آن از هر عیب و نقص است .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ . . . سَلَّمَ هِيَ

آثار نزول ملائكة در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۴

۴ - نزول ملائکه و روح در شب قدر ، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . تنزل الملائکه و الروح فیها

آثار نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۵ - ۱۵

۱۵ اطعام مردم و نماز شب ، موجب برگزیده شدن ابراهیم (ع) به عنوان خلیل ، از سوی خداوند

و اتخذ الله إبرهیم خلیلاً

رسول خدا(ص): ما اتخذ الله ابراهیم خلیلاً الا لاطعامه الطعام و صلوته باللیل و الناس نیام.

علل الشرایع، ص ۳۵، ح ۴، ب ۳۲، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۵، ح ۵۸۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۱۵

۱۵ > عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله عزوجل : < إن الحسنات یدهبن السیئات > قال : صلاه المؤمن باللیل تذهب بما عمل من ذنب بالنهار ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا که فرموده: <إن الحسنات یدهبن السیئات> روایت شده است که فرمود: نماز مؤمن در شب هر گناهی را که در روز انجام داده از بین می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۱۳

۱۳- مقام ارجمند حاصل آمده از نماز شب ، جایگاهی مورد ستایش و تمجید همگان

عسى أن يبعثك ربك مقاماً محموداً

به صورت مطلق آورده شدن <مقاماً محموداً> می تواند مشعر به این باشد که: مقام محمود، جایگاهی است مورد تمجید همه خلایق.

آداب نماز شب

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۹

۹- لزوم درخواست توفیق و خلوص و صداقت کامل از خداوند در نوافل شب

و من الیل فتهجد به .. و قل رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

از اینکه خداوند، در پی توصیه پیامبر(ص) به تهجد، از او خواسته است که برای اخلاص در هر کاری به درگاه او دعا کند، می تواند مشعر به معنای فوق باشد.

آرامش در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۹

۹ قرار دادن شب برای آرامش انسان ها و روشنایی روز برای تلاش آنان ، از نشانه های توحید ربوبی است .

هو الذی جعل لکم الیل .. ان فی ذلک لآیت لقوم یسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۵،۶

۵ گردش شب و روز و آرامش در شب و تلاش روزانه ، در راستای تأمین نیاز ها و منافع انسان ها و هماهنگی با آنها است .

و هو الذی جعل لکم الیل لباساً و النوم سباتاً و جعل النهار نشوراً

برداشت فوق، از لام <لکم> که برای انتفاع است به دست می آید.

۶ گردش شب و روز و آرامش در شب و روز پر تلاش ، نشانه ربوبیت خداوند

الم تر الی ربک .. و هو الذی جعل لکم الیل لباساً و النوم سباتاً و جعل النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۵

خسته آدمیان ، از حکمت های الهی در پدید آوردن آن

جعلنا الیل لیسکنوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۲، ۱

۱ - خداوند ، شب را به منظور آرامش و آرمیدن انسان ها آفریده است .

اللّٰه الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه

۲ - شب ، زمانی مناسب برای آرمیدن و آرامش یافتن

اللّٰه الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۲ - ۳

۳ - آرامش موجودات در شب ، نعمتی بزرگ و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الیل إذا سجی

<آرامش یافتن> (یکی از معانی ذکر شده برای <سَجَوْ>) در آیه شریفه به شب اسناد یافته است. این اسناد یا حقیقی است؛ یعنی، با سیطره کامل تاریکی، گویا شب از پیشروی باز ایستاده است و یا اسناد مجازی است و شب آرام به معنای بی تحرّک بودن موجودات در شب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۹

۹ خداوند شب را زمان مناسب برای خواب و آرامش و روز را برای تلاش و کار قرار داده است.

هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

اگر چه خواب و بیداری اختصاصی به شب و روز ندارد، ولی اینکه ظرف <توفی> شب است و ظرف <جرحتم> روز است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ - ۲،۵

۲ خداوند شب را هنگام آرامش و روز را زمان تلاش

و کار قرار داده است.

فالق الإصباح و جعل الليل سكنا

ذکر صبح قبل از بیان سکون بودن شب، اشاره ای لطیف به تفاوت روز و شب دارد، که در حقیقت روز نقطه مقابل شب و برای کار و تلاش قرار داده شده است.

۵ شکافته شدن صبح، آرامش شب و نظم و حساب خورشید و ماه، بر اساس برنامه ریزی خداوند عزیز و داناست.

فالق الإصباح .. ذلك تقدير العزيز العليم

آسایش در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۱۵، ۱۰

۱۰ - خداوند، شب را برای آسایش و استراحت قرار داده است.

من إله غير الله يأتيكم بليل تسكنون فيه

۱۵ - روشنایی روز و آسایش یافتن در تاریکی شب، از نعمت های بزرگ و درخور شکر و سپاس الهی

قل أرى إيتم إن جعل الله عليكم الليل سرمداً.. إن جعل الله عليكم النهار سرمداً.

توحید ربوبی و برشمرنده نعمت های الهی و شکرگزاری از آنها است. ذیل آیه بعد (لعلکم تشکرون) مؤید این مطلب است.

آغاز خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۴

۴ - فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است.

و الأرض بعد ذلك دحيها

فعل <دحاها> دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید <بعد ذلك>، نشانگر آن است که گسترش زمین و

آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

احكام نماز شب

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۲

۲- نماز شب ، تکلیفی واجب بر پیامبر (ص) علاوه بر سایر واجبات

و من الیل فتهجد به نافله لک

با توجه به معنای لغوی <نافله> که به معنای زیادت بر واجب است؛ (مفردات راغب) و نیز لام اختصاص <لک> نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۶

۶- برگزاری نماز شب ، اختصاص به ساعتی مشخص ندارد .

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ

<ناشئه الليل>، به معنای هر ساعتی از شب نیز آمده است (قاموس المحيط).

اخلاص در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۲

۲- ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر ، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی أشدَّ وطًا و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <أشدَّ> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطیء> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسد> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

ارزش نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۷

۷ نماز ، بهترین عبادت در سحرگاهان و ارزشمندترین عمل در شب زنده داری

و الذین یبیتون لربهم سجداً و قیماً

برداشت فوق،

از اختصاص به ذکر یافتن نماز از میان دیگر اعمال عبادی به دست می آید.

استراحت در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۵

۵ - شب ، بهترین زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومکم سباتاً . و جعلنا الیل لباساً

استفاده از شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲ - ۲،۶

۲- رام و مسخر بودن خورشید ، ماه ، شب و روز از نعمت های الهی و در جهت بهره برداری انسان است .

و سخر لکم الیل و النهار و الشمس و القمر

۶- بهره بردن آدمی از شب ، روز ، ماه و خورشید متفاوت با بهره بردن او از ستارگان است .

سخر لکم .. الشمس ... و النجوم مسخرت بأمره

با توجه به اینکه خداوند در رابطه با تسخیر شب، روز، ماه و خورشید لفظ <سخر لکم> را به کار برد، ولی برای تسخیر ستارگان لفظ <مسخرات بأمره> را بدون لفظ <لکم> آورد، مطلب فوق به دست می آید.

انشقاق تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۳ - ۳

۳- قدرت خداوند بر شکافتن تاریکی شب به وسیله سپیده صبح ، دلیل توانمندی او بر خنثی ساختن تهدید های پوشیده و توطئه های سری و شبانه دشمن

قل أعوذ برّب الفلق .. و من شرّ غاسق إذا وقب

آیات بعد، قرینه بر این است که مراد از خطرهای شبانه، برنامه ریزی های کاملاً محرمانه دشمن در شب است.

اهمیت تلاوت قرآن در شب

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - نماز و خواندن قرآن ، از بهترین اعمال مراسم در شب زنده داری و عبادت شبانه

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. فاقراءوا ما تیسّر من القرآن

۱۳ - شب هنگام ، زمان مناسب برای نماز و قرائت قرآن

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. فاقراءوا ما تیسّر من القرآن

اهمیت حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - تذکر به اهمیت و نقش گردش شب و روز در حیات انسان ، نمودی از بیان تفصیلی آیات توسط خداوند

و جعلنا الیل و النهار آیتین .. و کلّ شیء فضلنه تفصیلاً

یکی از مصادیق <کلّ شیء..> به قرینه جمله <و جعلنا الیل و النهار آیتین> می تواند گردش شب و روز باشد.

اهمیت دعا در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۸

۸ - دعا و نیایش در تاریکی شب ، امری بایسته و پسندیده است .

تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفاً و طمعاً

اهمیت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۸ - ۴

۴- تحوّل روز به شب و شب به روز ، تحوّل بزرگ در نظام جهان

و الیل إذا عسعس . و الصبح إذا تنفس

اهمیت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۳،۶،۸

۳- برنامه ها و تقدیر های الهی در شب قدر ، متوجه امور

فیها یفرق کلّ امر حکیم

برداشت بالا- بدان احتمال که مراد از <حکیم>، امور مهم و زیربنایی باشد؛ بویژه با توجه به ماده حکمت که به معنای استحکام و استواری آمده است.

۶- شب قدر ، شب سرنوشت

فیها یفرق کلّ امر حکیم

با این که در معنای آیه شریفه، احتمال های مختلفی رخ می نماید؛ اما پیام مشترک همه آنها مطلب یاد شده است. به علاوه که ارتباط این آیه با وصف <مبارکه> در آیه قبل، مؤید آن است.

۸- نزول قرآن در شب قدر ، خود نمودی از تقدیر امور مهم در آن شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ .. فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

تطبیق کلی <فیها یفرق کلّ امر حکیم> بر <إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ>، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۳،۶

۳- تقدیر و تدبیر تمامی زوایا و ابعاد هستی در شب قدر ، امری مهم و تنها از سوی خدا امکان پذیر است .

فیها یفرق کلّ امر حکیم . أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا

برداشت یاد شده با توجه به سه نکته زیر است: الف) <أَمْرًا> حال برای تفریق مستفاد از آیه قبل فرض شده است؛ ب) تنوین <أَمْرًا> دال بر عظمت و تفخیم است؛ ج) <مِنْ عِنْدِنَا> در سیاق آیه، نوعی حصر را افاده می کند.

۶- شب قدر ، شب نزول کتاب های آسمانی پیشین بر پیامبران *

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ .. إِنَّا كُنَّا مَرْسَلِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت <إِنَّا كُنَّا..> به مجموع <إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ> نظر داشته باشد؛ یعنی، ما قرآن

را در شب قدر، نازل کردیم و این امر در مورد کتاب های آسمانی پیشین نیز تحقق یافته است.

اهمیت گردش شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۵

۵ گردش شب و روز و آرامش در شب و تلاش روزانه ، در راستای تأمین نیازها و منافع انسان ها و هماهنگی با آنها است .

و هو الذی جعل لکم الیل لباساً و النوم سباتاً و جعل النهار نشوراً

برداشت فوق، از لام <لکم> که برای انتفاع است به دست می آید.

اهمیت مناجات در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۸

۸ - دعا و نیایش در تاریکی شب ، امری بایسته و پسندیده است .

تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفاً و طمعاً

اهمیت نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲۲

۲۲ - > عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال : قلت له : < آناء اللیل ساجداً و قائماً . . . > قال : یعنی صلاه اللیل . . . ;

زراره می گوید: از امام باقر(ع) پرسیدم: مراد از <آناء اللیل ساجداً و قائماً> چیست؟ فرمود: مراد نماز شب است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۷ - ۲۲

۲۲ - > عن أبي الحسن (ع) في قوله عز وجل : < و رهبانيه ابتدعوها ما كتبناها عليهم إلا ابتغاء رضوان الله > قال : صلاه

از امام رضا(ع) درباره سخن خداوند عزوجلّ که فرموده: <..إلا ابتغاء رضوان الله> روایت شده که مراد نماز شب است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۱۰

۱۰ - < عن أبي جعفر و أبي عبدالله (عليهما السلام) إنهما قالا : هي القيام في آخر الليل إلى صلاة الليل ;

از امام باقر و امام صادق(عليهما السلام) روایت شده که فرموده اند: [مراد از] آن [<ناشئه الليل>] برخاستن در آخر شب برای نماز شب است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۲، ۱۳

۱۲ - نماز و خواندن قرآن ، از بهترین اعمال مراسم در شب زنده داری و عبادت شبانه

تقوم أدنى من ثلثي الليل .. فاقراءوا ما تيسر من القرآن

۱۳ - شب هنگام ، زمان مناسب برای نماز و قرائت قرآن

تقوم أدنى من ثلثي الليل .. فاقراءوا ما تيسر من القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۶

۶ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر اقامه نماز در سپیده دم و پسین گاه

و اذکر اسم ربک بکره و أصیلاً

مقصود از ذکر در این آیه بنابر نظر مفسران ممکن است نماز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۲، ۷، ۱۲، ۱۳

۲ - اقامه نماز در پاره ای از شب ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و من الیل فاسجد له

مقصود از <سجده> چنان که مفسران گفته اند ممکن است

نماز باشد.

۷- فرمان خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر گزاردن نماز شب

و سَبَّحَهُ لَيْلاً طَوِيلاً

یکی از معانی <تسبیح>، نماز است (قاموس المحيط و لسان العرب). بر این اساس مقصود از آن در این آیه، ممکن است نماز شب باشد.

۱۲- > روی عن الرضا (ع) أنه سأله احمد بن محمد عن هذه الآية و قال : ما ذلك التسبيح ، قال : صلاة الليل ؛

از ایشان روایت شده است که احمد بن محمد [بزنطی] درباره آیه <و من الليل فاسجد له و سبَّحَهُ لَيْلاً طَوِيلاً> سؤال کرد و گفت: این تسبیح چیست؟ آن حضرت فرمود: نماز شب است.<

۱۳- > و عنه (ع) أنه قال في قوله عزَّوجلَّ < و من الليل فاسجد له و سبَّحَهُ لَيْلاً طَوِيلاً > قال : أمره أن يصلي في ساعات من الليل ففعل (ص) ... ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که آن حضرت درباره سخن خدای عزَّوجلَّ <و من الليل فاسجد له و سبَّحَهُ لَيْلاً طَوِيلاً> فرمود: خداوند به [رسولش] دستور داده که در ساعاتی از شب، نماز گزارد. سپس آن حضرت این مأموریت را انجام داد...<

اهمیت وضوح ستارگان در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۱ - ۸۶ - ۳

۳- آشکار شدن ستارگان در آسمان به هنگام شب ، امری مهم و اعجاب آور است .

و السماء و الطارق

سوگند خداوند؛ بیانگر اهمیت اموری است که بر آن سوگند یاد شده است. ارتباط دو سوگند با هم، به ارتباط ستاره و آسمان نظر دارد.

برکت شب قدر

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۱،۲

۱- نزول قرآن از سوی خداوند ، در شبی مبارک و ارجمند (شب قدر)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ

۲- < شب قدر > ، شبی مبارک و دارای خیر پایدار

لیلہ مبارکہ

با توجه به این که مفسران < لیلہ مبارکہ > را شب قدر دانسته اند برداشت یاد شده به دست می آید.

پوشش روز با شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۴

۴ - خداوند ، شب را چون پرده ای بر روز و روز را بر شب می نهد .

يَكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ

< تکویر > (مصدر < یکوّر >) در اصل به معنای پیچیدن دایرهوار است (مصباح المنیر) ؛ ولی به کارگیری < علی > نشان می دهد که < تکویر > در این آیه، به معنای < وضع الشیء علی الشیء > است.

پوشش شب با روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۴

۴ - خداوند ، شب را چون پرده ای بر روز و روز را بر شب می نهد .

يَكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ

< تکویر > (مصدر < یکوّر >) در اصل به معنای پیچیدن دایرهوار است (مصباح المنیر) ؛ ولی به کارگیری < علی > نشان می دهد که < تکویر > در این آیه، به معنای < وضع الشیء علی الشیء > است.

پیدایش تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۴

۴ - پیدایش مراحل گوناگون در طبیعت (شفق ، تاریکی شب و نور ماه) ،

نشانی از امکان تغییر و تحول در نظام حیات بشر در دنیا و آخرت

فلا أقسم .. لتركبن طبقاً عن طبق

در قسم های قرآن، تناسب بین محتوای قسم و غرض از آن رعایت شده است و در این مجموعه آیات نیز برای تأکید بر تغییر حالات انسان، به تغییرات تکوینی سوگند یاد شده است.

تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ - ۱

۱ خداوند شکافنده صبح از دل تیره شب است.

فالق الإصباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۲

۲ خداوند شب را تاریک و روز را، روشن قرار داده است .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۵

۵ خداوند ، پیوسته تاریکی شب را بر چهره روز می پوشاند .

یغشی الیل النهار

<اغشاء> (مصدر یغشی) به معنای پوشانیدن و ساتر قرار دادن است. آوردن فعل <یغشی> به صیغه مضارع در مقابل آوردن

<مدّ> و <جعل> به صیغه ماضی، برای رساندن استمرار پوشانیدن شب بر چهره روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۰ - ۴

۴ خداوند به همگان آنان که در تاریکی های شب کاملاً پنهانند و یا در روز روشن آشکارند آگاه است .

و من هو مستخف باللیل و سارب بالنهار

<استخفاء> (مصدر مستخف) و <خفاء> هر دو به معنای پنهان بودن است، با این تفاوت که <استخفاء> حاکی از تأکید می باشد.

<سَيَّرَب> به معنای راه است و <سارِب> به کسی که راه را می پیماید گفته می شود و از آن جا که راه و طی کننده آن معمولاً بر انسانها مخفی نیست خصوصاً که در روز باشد می توان گفت: <سارِب> در آیه شریفه به قرینه مقابله آن با <مستخف> کنایه از <آشکار> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۵، ۵

۵- انسان ، در پرتو روشنی روز در پی تاریکی شب از روزی و فضل خداوند بهره مند می شود .

فمحونا آیه الیل و جعلنا آیه النهار مبصره لتبتغوا فضلاً من ربکم

۱۵- < یزیدبن سلام . . . سأل رسول الله (ص) فقال له : . . . فما بال الشمس و القمر لا یتویان فی الضوء و النور ، قال : . . . أمر الله تعالی جبرئیل : أن یمحو ضوء القمر فمحاها . . . و ذلك قول الله عزوجل : > و جعلنا اللیل و النهار آیتین فمحونا آیه اللیل و جعلنا آیه النهار مبصره . . . < . . . ;

یزیدبن سلام از رسول خدا(ص) سؤال کرد، پس به حضرت گفت:.. چگونه است که خورشید و ماه در نور و روشنایی با هم مساوی نیستند؟ حضرت جواب فرمود:... خداوند تعالی به جبرئیل فرمان داد تا نور ماه را محو کند، پس او نور ماه را محو کرد ... و آن همان سخن خدا است که فرمود: <و جعلنا اللیل و النهار آیتین فمحونا آیه اللیل و جعلنا آیه النهار مبصره...>...>.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۵

۵ - توانایی خدا بر تاریک قرار دادن زمین و محروم ساختن مردم از روشنایی روز تا برپایی قیامت

أرءیتم إن جعل الله علیکم الیل سرمدًا إلی یوم القیمه

تتابع شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۱۰

۱۰ > عن عنبسه العابد ، قال : سألت أبا عبد الله (ع) : عن قول الله عزوجلّ : > و هو الذی جعل اللیل و النهار خلفه لمن أراد أن یدکر أو أراد شکوراً < قال : قضاء صلاه اللیل بالنهار و قضاء صلاه النهار باللیل ;

امام صادق در باره آیه یاد شده فرمود: مراد قضای نمازهای شب در روز و قضای نمازهای روز در شب است. توضیح: با توجه به روایات قبل از حدیث یاد شده، در تهذیب و روایت صفحه ۱۱۶ از تفسیر قمی به نظر می رسد، قضای نماز نافله مقصود است.

تتابع شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۷ - ۳

۳ - نظام حاکم بر شب و روز و توالی نور و ظلمت بر زندگی اهل زمین ، به تقدیر و تدبیر خدا است .

و ءایه لهم الیل نسلخ منه النهار فإذا هم مظلّمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۵،۶

۵ - توالی شب و روز و پدیدار شدن نور و تاریکی در زندگی ، از نعمت های الهی برای بشر است .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک

القمر .. و کل فی فلک یسبحون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای بشر است.

۶- توالی شب و روز و نور و تاریکی در زندگی انسان ، جلوه قدرت و تدبیر خداوند است .

و آیه لهم الیل .. لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا الیل سابق النهار ..

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است؛ چنان که در آیه ۳۷ نیز به آن تصریح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۵ - ۱

۱- رفت و آمد پی در پی شب و روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو ، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکر

و اختلف الیل و النهار و .. آیت لقوم یعقلون

<اختلاف..> ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز و شب در طی فصول سال را نیز افاده می کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

تداوم تتابع شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۲

۲- توالی شب و روز و نظام حاکم بر آنها ، تا قیامت باقی خواهد بود .

و لا الیل سابق النهار

مقصود از پیشی نگرفتن شب از روز (و لا اللیل سابق النهار)، پیشی گرفتن از نظر سیر و حرکت نیست؛ بلکه مراد مسخر

خدا بودن ماه و خورشید و بقای نظم موجود بر روز و شب و نیز تغییرناپذیری حرکت ماه و خورشید است.

تداوم شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۶

۶ زمین و گسترش آن ، کوه های ثابت و استوار ، رودخانه ها ، گیاهان مزدوج و تداوم شب و روز ، از نشانه های خدا و از دلایل یکتایی او در تدبیر هستی است .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

تداوم شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۳

۳ - شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن ، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست .

تنزّل

فعل <تنزّل>، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

تداوم فضیلت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۴

۴ - شب قدر ، تا سپیده دم به فضیلت خود باقی است .

سَلَّمَ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ

تداوم نزول روح (اسم خاص) در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن ، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست .

تنزّل

فعل <تنزّل>، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

تداوم نزول ملائکه در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۳

۳ - شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن ، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست .

تنزل

فعل <تنزل>، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۶

۶ - در نزول فرشتگان و روح تا سپیده دم شب قدر ، وقفه ای پدید نمی آید .

تنزل الملائکه و الروح فیها .. حتی مطلع الفجر

حرف <حتی>، می تواند بیانگر غایت تمام اموری باشد که درباره شب قدر، مطرح شده است.

تسبیح خدا در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۱۵، ۱۲

۱۲- زکریا (ع) با اشاره از قوم خویش خواست ، سپیده دم و پسین گاه به تسبیح خداوند پردازند .

فأوحى إليهم أن سبحوا بكرة و عشياً

<بکره> به فاصله بین نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود (لسان العرب). <عشیاً> یا به معنای <ظهر تا غروب> است و یا <آخر روز> و از برخی اهل لغت معانی دیگری نیز نقل شده است (لسان العرب).

۱۵- سپیده دم و پسین گاه ، زمان های مناسب برای تسبیح خداوند

أن سبحوا بكرة و عشياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - تسبیح و حمد پروردگار در برخی از اوقات شب و در دو طرف روز ، از وظایف پیامبر (ص) و مؤمنان

و من ءانآی

الَّيْلُ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ

<آناء> به معنای <ساعات و اوقات> است و <من> معنای تبعیض دارد. بنابراین <من آناء اللیل> یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. <بحمد ربك> در صدر آیه، قرینه براین است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

۱۲ - تسبیح و ستایش پروردگار، در پاره هایی از شب و نزدیک صبح و پس از غروب، دارای آثار و ارزشی ویژه است.

و من آنايِ الیل فسبِّحْ و أطراف النهار

مراد از <اطراف روز> آغاز و پایان آن است و جمع آمدن آن، یا به خاطر توافق لفظی با <آناء اللیل> است و یا برای شمول لحظات متعددی از اول و آخر روز است تا توسعه وقت را برساند؛ یعنی، ذکر و دعا در لحظه های اول و آخر روز، مخصوص اولین لحظه روز و آخرین لحظه آن نیست.

تسبیح در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۰ - ۱

۱- تسبیح مداوم و شبانه روزی مقربان در گاه الهی

و من عنده .. یسبِّحون الیل والنهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۶ - ۱۳، ۱۰

۱۰ - منزل های عظمت یافته به اذن خداوند، محل تسبیح شبانه روزی مردمان شایسته است.

فی بیوت أذن الله أن ترفع .. یسبِّح له فیها بالغدو و الأصال

۱۳ - صبح و شب، موقعیت های بسیار مناسب برای تسبیح و تقدیس خداوند

یسبِّح له فیها بالغدو و الأصال

قید <بالغدو و الأصال> برای این نیست که تسبیح را به دو وقت صبح و شب

مقید سازد. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن این دو وقت از میان دیگر وقت ها بیانگر مناسب تر بودن آن دو، برای تسبیح و عبادت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۷ - ۳،۴

۳ - تسبیح و تنزیه خداوند، در هر صبح و شام، لازم است.

فسبحن الله حین تمسون و حین تصبحون

برداشت بالا، بنابراین است که <سبحان> بدل از فعل امر باشد.

۴ - صبح گاهان و شام گاهان، لحظه هایی ویژه و مناسب برای تسبیح و عبادت خدا است.

فسبحن الله حین تمسون و حین تصبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۲

۲ - تسبیح خداوند به هنگام شام گاه و نیم روز، لازم است.

فسبحن الله ... و عشیاً و حین تطهرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۲ - ۱،۳

۱ - مؤمنان، موظف به تسبیح خداوند در هر صبح و شام اند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا... و سَبِّحُوهُ بَكْرَةً و أُصِيلاً

۳ - صبح گاهان و شام گاهان، وقت هایی مناسب برای ذکر و تسبیح خداوندند.

اذكروا الله... و سَبِّحُوهُ بَكْرَةً و أُصِيلاً

بنابراین که <بکره> و <أصیلاً> به همان معنای حقیقی خود به کار رفته باشند، نه معنای کنایه ای، معنای یاد شده فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۲،۶

۲ - کوه ها ، در هر صبح و شام با داوود (ع

(به تسبیح خدا می پرداختند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

۶ - شبانگاه و بامداد ، بهترین وقت برای تسبیح پروردگار جهان

يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که تصریح به شبانگاه و بامداد به خاطر خصوصیت ویژه ای باشد که در آن دو زمان وجود دارد و قهراً این خصوصیت می تواند حاکی از برتری و امتیاز آن دو وقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۶، ۱۲

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۸ - ۴

۴ - فرشتگان و بندگان مخلص حق ، در شب و روز همواره تسبیح گوی خداوند هستند .

فَالذِّينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

تعبیر <باللَّيْلِ وَالنَّهَارِ> کنایه از استمرار و تداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۸، ۹

۸ - مؤمنان ، موظف به تسبیح خداوند در هر صبح و شام

و تسبیح بکره و اُصیلاً

۹ - آغاز و پایان هر روز ، مناسب ترین لحظات برای یاد خدا و تسبیح او

و تسبیح

بکره و أصیلاً

اختصاص یافتن <بکره> و <أصیلاً> به ذکر، ممکن است کنایه از همه لحظات نباشد، بلکه تأکیدی بر این دو مجال به حساب آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) موظف به عبادت و تسبیح پروردگار در بخشی از شب

و من الیل فسبیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۴،۱۰

۴ - فرمان الهی به پیامبر (ص)، مبنی بر شب زنده داری و تسبیح خداوند در بیشتر اوقات شب

و سبّحه لیلاً طویلاً

۱۰ - شب هنگام، وقت مناسب برای عبادت، تسبیح و ستایش خداوند

و من الیل فاسجد له و سبّحه لیلاً طویلاً

تسخیر شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۳،۴،۵

۳ - خداوند، رام سازنده شب و روز برای بهره‌وری انسان

و سخر لكم الیل و النهار

۴ - رام کردن خورشید، ماه و شب و روز برای انسان، دلیل توحید خداوند

الله الذی خلق... و سخر لكم الشمس و القمر دائین و سخر لكم الیل و النهار

۵- رام بودن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذی خلق .. و سَخَّر لکم الشمس و القمر دائبین و سَخَّر لکم الیل و النهار

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن مشوق بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتمی است جمله

>إن الإنسان لظَلوم كَفّار< در آیه بعد مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲ - ۱،۲،۷

۱- خداوند شب ، روز ، خورشید و ماه را برای آدمیان رام و مسخر ساخته است .

هو الذی . . . و سَخَّرَ لَکُم الَّیْلَ و النَّهَارَ و الشَّمْسَ و الْقَمَرَ

۲- رام و مسخر بودن خورشید ، ماه ، شب و روز از نعمت های الهی و در جهت بهره برداری انسان است .

و سَخَّرَ لَکُم الَّیْلَ و النَّهَارَ و الشَّمْسَ و الْقَمَرَ

۷- رام و مسخر بودن شب ، روز ، خورشید ، ماه و ستارگان نشانه هایی از خدا و نمونه هایی از قدرت اوست .

و سَخَّرَ لَکُم الَّیْلَ و النَّهَارَ و الشَّمْسَ و الْقَمَرَ . . . إن فی ذَٰلِکَ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ

تشبیه به شب تاریک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۸

۸ چهره مردمان زشت کار در قیامت ، مانند پاره ای از شب دیجور ، سیاه خواهد بود .

و الذین کسبوا السیئات . . . کأنما أغشیت وجوههم قطعاً من الَّیْلِ مظلماً

تشبیه شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۱

۱ آفرینش شب ، همچون لباس و پوشش ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل لَکُم الَّیْلَ لِبَاسًا

جمله <هو الذی جعل لَکُم الَّیْلَ لِبَاسًا> برای حصر است و از نوع حصر افرادی است یعنی، تنها خدا شب را همچون

پوشش برای انسان قرار داد؛ نه قدرتی دیگر. گفتنی است

در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۱

۱ - تاریکی شب بسان لباسی پوشیده بر موجودات با مستور ساختن آنها از دید انسان، مانع تلاش و فعالیت بیش از حد او است.

و جعلنا الیل لباسًا

تقابل این آیه و آیه بعد که روز را زمان تلاش برای زندگی دانسته است بیانگر برداشت یاد شده است.

تشخیص شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۲ - ۱

۱ - ابزار شناخت ویژگی های شب قدر، در اختیار همگان نیست.

و ما أدریک ما لیلہ القدر

مخاطب در <ما أدراک>، هر شخصی است که آیه شریفه را بخواند و یا بشنود.

تعقل در خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۴

۴ تفکر در آفرینش شب و روز و جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر، آموزنده درس خداشناسی

و هو الذی جعل الیل والنهار خلفه لمن أراد أن یدکر

<تذکر> (مصدر <یدکر>) از نظر لغت به معنای یاد آوردن چیزی است که فراموش شده است (لسان العرب) ولی این واژه در آیه شریفه به گفته بیشتر مفسران به معنای تفکر و تأمل برای درس آموختن و نتیجه گرفتن از آفرینش شب و روز است.

تعقل در گردش شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۱۰

۱۰ - جریان مستمر حیات

و مرگ و گردش نظام طبیعت ، شایان تفکر و درس آموزی

و هو الذی یحی و یمیت .. أفلاتعقلون

تفاوت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۳ - ۲،۳، ۱

۱ - نوسان مدام شب و روز در طول سال ، نشانه ای از قدرت خداوند است .

ألم تر أنّ الله یولج الّیل فی النهار

<ولج> ریشه <یولج> به معنای <دخول> است (مفردات راغب) و داخل شدن شب در روز، به معنای کاسته شدن از مدت روز است و داخل شدن روز در شب نیز، کم شدن از مدت شب است. لازم به ذکر است که فعل مضارع <یولج> دلالت بر استمرار دارد.

۲ - بی توجهی به آیه خداوند بودن نوسان شب و روز و قانون مند بودن خورشید و ماه ، مورد سرزنش خداوند است .

ألم تر أنّ الله یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

>ألم تر< در آیه، استفهام انکاری بوده و نکته یاد شده را می رساند.

۳ - تبدیل شدن تدریجی قسمتی از روز و شب به هم ، به قدرت خدا است .

یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

>یولج..< به معنای افزوده شدن بخشی از شب به روز و برعکس آمده است (مفردات راغب).

تفاوت شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۵

۵ - اختلاف شب و روز (تفاوت آنها در کوتاهی و بلندی و ...) از نشانه های توحید و بیانگر رحمانیت و رحیمیت خداست

لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. إن

فی ... اختلف اللیل و النهار ... لأیت

برداشت فوق مبتنی بر این اساس است که کلمه <اختلاف> در آیه شریفه به معنای عدم تساوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶ - ۲

۲ اختلاف شب و روز (کوتاه و بلند شدن هر یک از آن دو در طول سال) و تغییر فصل ها ، حاوی دلیلهایی روشن بر تدبیر و ربوبیت خدا نسبت به اهل زمین است .

إن فی اختلف الّیل و النهار .. لأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۳

۱۳ - لحظه ها و اوقات شبانه روز ، در شایستگی برای ذکر و دعا با هم برابر نیستند .

و سَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ .. ءانآی الّیل فسَبَّحْ و أطراف النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۲

۲ - نوسانات مستمر ساعات شب و روز (کوتاهی و بلندی آنها) در طول سال ، نشانه قدرت بی نهایت خداوند و یکتایی او است .

یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مراد از وارد کردن شب در روز، کاستن از مقدار شب و افزودن بر مقدار روز و مقصود از ایلاج روز در شب، کاستن از ساعات روز و افزودن بر ساعات شب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۱

۱ - رفت و آمد پی در پی شب و

روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکر

و اختلف الیل و النهار و... آیت لقوم یعقلون

<اختلاف...> ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز و شب در طی فصول سال را نیز افاده می کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

تفاوت فضیلت شب ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲ - ۲

۲ - تفاوت شب ها در فضیلت

و لیال عشر

نکره آمدن <لیال> و سوگند به آن ده شب خاص، بیانگر عظمت آنها در بین شب های سال است.

تقدیر در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۱،۳،۴،۵،۸

۱- شب قدر، شب تقدیر، تدبیر و تثبیت امور هستی

فیها یفرق کلّ أمر حکیم

واژه <یفرق> ممکن است ناظر به معنای حل و تثبیت امور باشد.

۳- برنامه ها و تقدیرهای الهی در شب قدر، متوجه امور مهم و زیربنایی

فیها یفرق کلّ أمر حکیم

برداشت بالا- بدان احتمال که مراد از <حکیم>، امور مهم و زیربنایی باشد؛ بویژه با توجه به ماده حکمت که به معنای استحکام و استواری آمده است.

۴- پایداری و خلل ناپذیری امور، پس از تقدیر در شب قدر *

فیه‌ا یفرق کلّ أمر حکیم

مراد از <أمر حکیم>، ممکن است امور مستحکمی باشد که در نتیجه تفریق و تقدیر، تحقق آن حتمی شده و بی چون و چرا صورت خواهد گرفت.

۵- تقدیر امور هستی در شب قدر، نمودی از

برکات سرشار الهی در این شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ... فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

۸- نزول قرآن در شب قدر، خود نمودی از تقدیر امور مهم در آن شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ... فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

تطبیق کلی <فیهما یفرق کلّ امر حکیم> بر <إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ>، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۳

۳- تقدیر و تدبیر تمامی زوایا و ابعاد هستی در شب قدر، امری مهم و تنها از سوی خدا امکان پذیر است.

فیهما یفرق کلّ امر حکیم . أمراً من عندنا

برداشت یاد شده با توجه به سه نکته زیر است: الف) <أمراً> حال برای تفریق مستفاد از آیه قبل فرض شده است؛ ب) تنوین <أمراً> دال بر عظمت و تفخیم است؛ ج) <من عندنا> در سیاق آیه، نوعی حصر را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۵،۹

۵ - مشخصات امور جهان در شب قدر، تعیین می شود.

لیله القدر

<قدر> در معانی گوناگونی به کار رفته است؛ از جمله <تقدیر> (مصباح)؛ <تدبیر امور> (قاموس)؛ <تقسیم ارزاق>، <شرف> و <عظمت> (تاج العروس) و ... برداشت یاد شده ناظر به معنای اول و دوم است. مطلق بودن کلمه <قدر>، آن را شایسته تطبیق بر تمام مقدرات ساخته و <من کلّ امر> (در ذیل سوره) گواه تعمیم است.

۹ - <عن الرضا (ع) لیله القدر یقدر الله عزوجلّ فیها ما یکون من السنه إلى السنه

من حياه أو موت أو خير أو شرّ أو رزق فما قدره في تلك الليله فهو من المحتوم ؛

از امام رضا(ع) روایت شده است: خداوند در شب قدر، آنچه را که از این سال تا سال بعد پیش خواهد آمد مقدر می فرماید ؛ از زندگی یا مرگ ؛ از خوب یا بد، یا روزی. پس آنچه را خداوند در این شب مقدر فرمود، آن حتمی خواهد بود < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۹،۱۲

۹ - تقدیر امور جهان در شب قدر ، وابسته به نزول ملائکه و روح به زمین است .

تنزّل . . . من کلّ أمر

<أمر>، ممکن است مفرد <أمور> باشد. در این صورت مراد اموری خواهد بود که در شب قدر، تقدیر می شود و ملائکه و روح برای تدبیر آن امور، به زمین نازل می شوند. حرف <من> در این احتمال، برای بیان علت غائی است ؛ یعنی، <لأجل کلّ أمر أراد الله قضاءه> .

۱۲ - < عن محمّد بن علیّ (ع) أنّه قال فی قول الله تعالی > تنزّل الملائکه و الروح فیها < قال : تنزّل فیها الملائکه و الکتبه إلى السماء الدّنيا فیکتبون ما یكون فی السنه من امور ما یصیب العباد . . . ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره سخن خدای تعالی <تنزّل الملائکه و الروح فیها> فرمود: فرشتگان و نویسندگان [اعمال] به نزدیک ترین آسمان نازل می شوند و آنچه را در طول سال [آینده] به وجود خواهد آمد، از اموری که به بندگان می رسد، می نویسند < .

تلاوت قرآن در نماز شب

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۵

۵ - فرمان خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر قرائت قرآن با تأنی و شمرده شمرده در نماز های نیمه شب

قم الیل . . و رتل القرءان ترتیلاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که چون آیه به دنبال توصیه به نماز شب آمده است، اشاره دارد به قرائت قرآن در حین نماز؛ زیرا قرائت قرآن از ارکان نماز است.

توصیه به نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۵

۵ تهجد (شب زنده داری همراه با اقامه نماز)، مورد تشویق و توصیه خدا است .

و الذین یبیتون لربهم سجّداً و قیماً

جایگزینی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۴

۴ تفکر در آفرینش شب و روز و جانسین شدن آن دو به جای یکدیگر، آموزنده درس خداشناسی

و هو الذی جعل الیل و النهار خلفه لمن اراد أن یدّکر

<تذکر> (مصدر <یدّکر>) از نظر لغت به معنای یاد آوردن چیزی است که فراموش شده است (لسان العرب) ولی این واژه در آیه شریفه به گفته بیشتر مفسران به معنای تفکر و تأمل برای درس آموختن و نتیجه گرفتن از آفرینش شب و روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۱

۱ - در پی هم آمدن شب و روز و جایگزینی مستمر یکی جای دیگری، جلوه ای از توانایی مطلق خدا

یولج الیل فی النهار و یولج النهار فی الیل

<ایلاج> (مصدر <یولج>) به معنای وارد کردن است. وارد کردن شب در روز و روز در شب، می تواند کنایه از جابه جا کردن شب و روز باشد؛ یعنی، خدا شب را تدریجاً به جای روز و روز را به تدریج در جای شب قرار می دهد.

چرای چهارپایان در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۱،۳

۱- بردن دام ها در صبحگاهان به چرا و باز گرداندن آنان در پایان روز، دارای منظره ای زیبا و بهجت انگیز

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

۳- زیبایی و جمال دام ها (شتر، گاو و گوسفند) در شبانگاه به هنگام بازگشت از چراگاه، بیشتر از صبحگاهان به هنگام رفتن به آن جاست.

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

روشن است که حیوانات، صبحگاهان خارج می شوند و شامگاهان برمی گردند و ترتیب ذکر معمولاً مناسب با ترتیب خارجی است؛ ولی در این جا ترتیب ذکر برخلاف ترتیب خارجی است و شاید نکته اش همان برداشت فوق باشد؛ خصوصاً که کلمه <حین> تکرار شده و آهنگ لفظ <تریحون> و <تسرحون> با آیات قبل و بعد سازگار است.

حرکت سریع سپاه در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۳ - ۲

۲ - هجوم غافلگیرانه بر دشمن در صبحگاه، پس از حرکت سریع سپاهیان در شب، شیوه ای کارساز در جهاد

فالمغیرت صبحاً

حمد خدا در شب

۷ - تسبیح و حمد پروردگار در برخی از اوقات شب و در دو طرف روز، از وظایف پیامبر (ص) و مؤمنان

و من ءانآی الیل فسبح و اطراف النهار

<آناء> به معنای <ساعات و اوقات> است و <من> معنای تبعیض دارد. بنابراین <من آناء اللیل>؛ یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. <بحمد ربک> در صدر آیه، قرینه براین است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

۱۲ - تسبیح و ستایش پروردگار، در پاره هایی از شب و نزدیک صبح و پس از غروب، دارای آثار و ارزشی ویژه است.

و من ءانآی الیل فسبح و اطراف النهار

مراد از <اطراف روز> آغاز و پایان آن است و جمع آمدن آن، یا به خاطر توافق لفظی با <آناء اللیل> است و یا برای شمول لحظات متعددی از اول و آخر روز است تا توسعه وقت را برساند؛ یعنی، ذکر و دعا در لحظه های اول و آخر روز، مخصوص اولین لحظه روز و آخرین لحظه آن نیست.

حمد در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سبح بحمد ربک بالعشی و الإبر

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبح بحمد ربک بالعشی و الإبر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر

یافتن دو وقت یادشده برای تسییح و حمد به دست می آید.

خالق شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۱

۱ آفرینش شب ، همچون لباس و پوشش ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل لکم الیل لباسًا

جمله <و هو الذی جعل لکم الیل لباسًا> برای حصر است و از نوع حصر افرادی است ، یعنی ، تنها خدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد ، نه قدرتی دیگر . گفتنی است در این جمله ، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۴

۴ - نادیده گرفتن خدا در پدید آوردن نظام شب و روز ، امری شگفت و دور از انتظار

ألم یروا أَنَا جَعَلْنَا اللَّیْلَ لیسکنوا فیه و النهار مبصرًا

تعبیر <ألم یروا..> لحنی است آمیخته با شگفتی .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۸

۸ - عبادت و حاجت خواهی ، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

و قال رَبِّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ .. . اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ... النهار مبصرًا

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل که درباره ربوبیت خداوند و

عبادت او و حاجت خواهی از او بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۹

۹ - خداوند ، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من ءایته .. الذی خلقهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۲

۲ - خداوند ، شب و تاریکی آن را پدید آورده است .

و جعلنا الیل لباسًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلک دحیها

<دحو> به معنای بسط دادن و گستراندن است. <بعد ذلک> دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین به قرینه آیات بعد آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۴

۴- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الیل .. کلّ فی فلک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۲،۳،۷

۲ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، تنها به قدرت

خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذی جعل) بیانگر قصر می باشد. ۲- آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است.

۳ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، از نشانه های قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

۷ آفرینش شب و روز ، تنها برای انسان های برخوردار از روح سپاس گزاری ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل .. لمن أراد أن یدّکر أو أراد شکورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۸

۸ - ناتوانی غیرخدا ، بر ایجاد شب ، در صورت اراده خدا بر ثابت قرار دادن روز

قل أرءیتم إن جعل الله علیکم النهار سرمدًا .. من إله غیر الله یأتیکم بلیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱۰، ۵

۵ - پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

یکور الیل علی النهار و یکور النهار علی الیل

۱۰ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت و الأرض .. کلّ یجری لأجل مسمّی ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری

آفرینش آسمان، زمین و ..، گویای برداشت یاد شده است.

خواب در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۳،۵

۳ خداوند، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان، برقرار کرده است.

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه <مبصراً> لفظ <مظلماً>، بعد از <اللیل>؛ و به قرینه <لتسکنوا فیه> جمله <لتعملوا فیه>، بعد از لفظ <مبصراً> مقدر است؛ یعنی: هو الذی جعل لکم الیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

۵ شب، ظرفی مناسب برای آرمیدن و روز فرصتی شایسته برای تلاش است.

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۳ - ۲،۳،۱۱

۲ - فراهم بودن امکان خواب در شب و روز برای انسان ها از آیات الهی است.

و من ءایته منامکم باللیل و النهار

بنابر این که <و النهار> عطف به <اللیل> باشد، استفاده می شود که شب و روز، هر دو ظرفی مناسب برای خواب هستند.

۳ - شب، وقتی مناسب و طبیعی برای خواب است.

و من ءایته منامکم باللیل و النهار

بنابراین که تقدیم و تأخیری در آیه باشد و <النهار> مجرور به حرف جر محذوف و متعلق به <إبتغاء> و <باللیل> متعلق به <منامکم> باشد، نکته فوق استفاده می شود.

۱۱ - آیه بودن خواب در شب و تلاش در روز برای کسب روزی، برای دارندگان گوش شنوا، قابل درک است.

إِنَّ فِی

ذلك لأيت لقوم يسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱،۹

۱ تنها خداوند است که با قبض روح آدمی وی را در شب به خواب می برد.

هو الذی یتوفکم بالیل

<توفی> در آیه به معنای قبض روح است و چون در خواب نیز روح آدمی گرفته می شود، از آن به <توفی> تعبیر شده است.

۹ خداوند شب را زمان مناسب برای خواب و آرامش و روز را برای تلاش و کار قرار داده است.

هو الذی یتوفکم بالیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

اگر چه خواب و بیداری اختصاصی به شب و روز ندارد، ولی اینکه ظرف <توفی> شب است و ظرف <جرحتم> روز است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۵

۵ - شب ، بهترین زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومکم سباتاً . و جعلنا الیل لباساً

خیریت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۲

۲- < شب قدر > ، شبی مبارک و دارای خیر پایدار

لیله مبرکه

با توجه به این که مفسران <لیله مبارکه> را شب قدر دانسته اند برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۱

۱ - شب قدر ، سراسر خیر و سلامتی است .

سلم هی

<سلام> یعنی، سلامتی و پاک بودن از هر عیب (صحاح). خبر بودن آن برای <هی> با آن که مصدر است

مبالغه در بیان سلامتی است. علاوه بر این، <سلام>، نکره است و بر ناشناخته بودن مقدار عظمت آن دلالت دارد. تقدیم خبر بر مبتدا که بر حصر دلالت دارد بر مبالغه افزوده است. بیان سلامتی شب قدر از امور ناپسند، گویای آن است که در مقدرات الهی، <شر> اصالت ندارد.

دعا در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - برکندن تن از بستر آسایش در دل شب، برای نیایش خدا، نشان مؤمنان راستین است.

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ... تتجافى جنوبهم عن المضاجع

<تتجافی> از ریشه <جفی> به معنای <ملازم نبودن با مکان و جا> است (المنجد) لازم به ذکر است که <تتجافی> حال برای <الذین> در آیه پیش است.

۳ - نیایش مؤمنان راستین به درگاه خدا در دل شب، همراه با بیم و امید است.

يدعون ربهم خوفاً وطمعاً

دعا در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۷،۹

۷- درخواست توفیق از خداوند در نوافل و نماز شب، برای ورود در کارها به صدق و راستی و خروج از آن به راستی و درستی، امری مطلوب و پسندیده است.

و من الیل فتهجّد به نافلة لكّ .. و قل ربّ ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

۹- لزوم درخواست توفیق و خلوص و صداقت کامل از خداوند در نوافل شب

و من الیل فتهجّد به .. و قل ربّ ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

از اینکه خداوند، در پی

توصیه پیامبر(ص) به تهجد، از او خواسته است که برای اخلاص در هر کاری به درگاه او دعا کند، می تواند مشعر به معنای فوق باشد.

ذکر در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۲ - ۳

۳ - صبح گاهان و شام گاهان ، وقت هایی مناسب برای ذکر و تسبیح خداوندند .

اذکروا الله .. و سبحوه بکره و أصیلاً

بنابراین که <بکره> و <أصیلاً> به همان معنای حقیقی خود به کار رفته باشند، نه معنای کنایه ای، معنای یاد شده فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۶

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبح بحمد ربك بالعشي و الابكر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۱،۵

۱ - ذکر نام پروردگار و یاد او در سپیده دم و پسین گاه ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر اسم ربك بکره و أصیلاً

<بکره>، هم به فاصله میان نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود (لسان العرب) و هم به آغاز روز (مفردات راغب).

<أصیلاً> به فاصله میان عصر و مغرب گفته می شود (صحاح اللغه) و نیز به معنای آخر روز آمده است (العین). <ذکر> هم

دو نوع است: ذکر با قلب و ذکر با زبان. (مفردات راغب)

دم و پسین گاه ، از اوقات مناسب برای ذکر و یاد خداوند

و اذکر اسم ربّک بکره و \$ أُصیلاً

أُصیلاً

زمان شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۴

۴ - شب قدر ، تا سپیده دم به فضیلت خود باقی است .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

زمینه نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۶

۶ اعتقاد به ربوبیت خداوند ، مقتضی شب زنده داری و عبادت و نماز برای او است .

و الذین یبیتون لربّهم سجّداً و قیماً

آمدن قید <لربّهم> و یاد ربوبیت خدا، به جای دیگر اوصاف او همچون رحمان، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

زنبور عسل در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۵

۵- زنبور های عسل در شب هنگام در دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، به استراحت پرداخته و مأوای می

گیرند . *

و أوحی ربّک إلی النحل أن اتخذی من الجبال بیوتاً و من الشجر و ممّا یعرشون

واژه <بیت> در اصل به معنای مأوای انسان در شب است (مفردات راغب). نام گذاری خانه زنبور عسل به <بیت>، می تواند مفید مطلب یاد شده باشد.

زوال تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۲

۲- از میان رفتن تاریکی شب با آمدن روشنایی روز، نشانه ای از تدبیر خداوند است.

فمحونا ءایه الیل و جعلنا ءایه النهار مبصره

سختی اندازه

گیری شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۶

۶ - اندازه گیری کامل شب و روز و مقدار دقیق شب زنده داری برای مؤمنان و یاران پیامبر (ص) میسر و آسان نبود.

علم أن لن تحصوه

سلامتی شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۱،۲،۵

۱ - شب قدر، سراسر خیر و سلامتی است.

سلم هی

<سلام> یعنی، سلامتی و پاک بودن از هر عیب (صحاح). خبر بودن آن برای <هی> با آن که مصدر است مبالغه در بیان سلامتی است. علاوه بر این، <سلام>، نکره است و بر ناشناخته بودن مقدار عظمت آن دلالت دارد. تقدیم خبر بر مبتدا که بر حصر دلالت دارد بر مبالغه افزوده است. بیان سلامتی شب قدر از امور ناپسند، گویای آن است که در مقدرات الهی، <شر> اصالت ندارد.

۲ - سلامتی کامل شب قدر از هر امر ناپسند، نشان شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر... سلم هی

۵ - سرشار بودن شب قدر از سلامتی، تا پایان سپیده دم ادامه دارد.

سلم هی حتّی مطلع الفجر

حرف <حتّی> که برای بیان انتهای غایت است دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

سوگند به آغاز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند به شب ، زمان فرارسیدن و برچیده شدن تاریکی آن

و الیل إذا عسعس

<الیل> عطف بر <الخُسّس>

است و قسم مؤکد در <لَا أُقْسِمُ> به آن نیز تعلق دارد. فعل <عَسَّسَ> گاه بر آمدن تاریکی و گاه بر زوال آن دلالت دارد. تقابل این آیه با آیه بعد (و الصبح إذا تنفس) معنای زوال را در این آیه مناسب تر می نمایاند؛ ولی هر دو معنا نیز می تواند مراد باشد. راغب گوید: <عَسَّسَهُ>؛ یعنی، تاریکی خفیفی که در آغاز و پایان شب حاصل می شود. بر این اساس فعل <عَسَّسَ> هر دو زمان را شامل است.

سوگند به پایان شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۷ - ۱،۳

۱ - سوگند خداوند به شب، زمان فرارسیدن و برچیده شدن تاریکی آن

و الیل إذا عسس

<الیل> عطف بر <الْخُنُوسِ> است و قسم مؤکد در <لَا أُقْسِمُ> به آن نیز تعلق دارد. فعل <عَسَّسَ> گاه بر آمدن تاریکی و گاه بر زوال آن دلالت دارد. تقابل این آیه با آیه بعد (و الصبح إذا تنفس) معنای زوال را در این آیه مناسب تر می نمایاند؛ ولی هر دو معنا نیز می تواند مراد باشد. راغب گوید: <عَسَّسَهُ>؛ یعنی، تاریکی خفیفی که در آغاز و پایان شب حاصل می شود. بر این اساس فعل <عَسَّسَ> هر دو زمان را شامل است.

۳ - > [فی المجمع] > و اللیل إذا عسس < آی أدبر بظلامه ، عن علی (ع) ؛

از علی (ع) درباره <و اللیل إذا عسس> روایت شده که: یعنی [سوگند به شب آن هنگام که] با سیاهی خود پشت کرده [و رو به صبح می رود].

سوگند به تاریکی شب

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۴ - ۲،۳

۲ - سوگند خداوند ، به هنگامی که شب ، خورشید را می پوشاند .

و الیل إذا یغشیها

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در <یغشاهها>، <الشمس> دانسته شده است.

۳ - پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

و الیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۲ - ۱،۲،۳

۱ - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام سیطره کامل تاریکی آن بر موجودات

و الیل إذا سجی

<سجی الیل> یعنی، شب با تاریکی خود ساطر شد و پوشاند(مصباح). اصل این کلمه، بر آرامش یافتن و انطباق کامل دلالت دارد. (مقایس اللغه)

۲ - شب و سیطره افکندن تاریکی آن بر موجودات ، از نعمت های بزرگ الهی و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الیل إذا سجی

۳ - آرامش موجودات در شب ، نعمتی بزرگ و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الیل إذا سجی

<آرامش یافتن> (یکی از معانی ذکر شده برای <سَجُو>) در آیه شریفه به شب اسناد یافته است. این اسناد یا حقیقی است؛ یعنی، با سیطره کامل تاریکی، گویا شب از پیشروی باز ایستاده است و یا اسناد مجازی است و شب آرام به معنای بی تحرک بودن موجودات در شب است.

سوگند به حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به شب هنگام گذر کردن و پایان یافتن آن

و الیل إذا یسر

حرف <ال> در <الیل>، برای جنس

است. برخی آن را برای عهد گرفته و مراد از <اللیل> را شب عید قربان دانسته اند. در برداشت یاد شده، احتمال اول ترجیح داده شده است. <یسر> یعنی، می گذرد. اصل این کلمه <یسری> بوده و چون در آخر آیه قرار گرفته، برای تناسب با آخر آیات قبل و بعد، حرف آخر آن حذف شده است. اسناد حرکت و گذر کردن به شب، مجاز و از باب تشبیه به اجسام است. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۱،۲

۱ - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

۲ - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در <هل فی ذلک..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را افناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر .. ألم

تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

سوگند به شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۵

۵ - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ . . . وَ اللَّيْلِ . . . وَ الصُّبْحِ . . . إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند به شب و تمامی موجودات پراکنده ای که تاریکی شب آنها را گرد هم جمع می کند .

و اللَّيْلِ وَ مَا وَسَقِ

واژه <وَسَقِ> به معنای جمع کردن چیزهایی است که متفرق باشند(مفردات). گویا مراد جمع شدن جاندارانی است که با فرارسیدن تاریکی شب، از همه طرف به محل استراحت خود می روند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر تعدد و تنوع مراحل آینده انسان ، به شفق ، شب ، موجودات زمینی و ماه ، سوگند یاد کرده است .

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ . . . لِتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- فجر - ۸۹- ۴- ۱،۲

۱- سوگند خداوند

، به شب هنگام گذر کردن و پایان یافتن آن

و الیل إذا یسر

حرف <ال> در <الیل>، برای جنس است. برخی آن را برای عهد گرفته و مراد از <الیل> را شب عید قربان دانسته اند. در برداشت یاد شده، احتمال اول ترجیح داده شده است. <یسر>؛ یعنی، می گذرد. اصل این کلمه <یسری> بوده و چون در آخر آیه قرار گرفته، برای تناسب با آخر آیات قبل و بعد، حرف آخر آن حذف شده است. اسناد حرکت و گذر کردن به شب، مجاز و از باب تشبیه به اجسام است. (مصباح)

۲- سوگند خداوند ، به پاس هایی از شب که شبروان در آن سیر می کنند .

و الیل إذا یسر

می توان گفت، <حرکت شب> تعبیری است مانند <شب خوابیده> که مراد از آن، حرکت دیگران در شب و خواب آنها در آن است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۸

۸- خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر .. . إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ

در برداشت یاد شده جمله <إِنَّ رَبَّكَ> می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۴ - ۱،۳

۱- سوگند خداوند به شب در لحظه ای که تاریکی آن ، سطح

زمین را بپوشاند .

و الیل إذا یغشیها

طَبَق و [سرپوش هایی] مانند آن که بر چیزی نهاده می شود، <غطاء> نام دارد؛ همان طور که به پوشاک و [رواندازهایی] مانند آن که روی چیزی قرار داده می شود، <غشاء> می گویند (مفردات راغب). بنابراین <یغشاهها> که مرجع ضمیر مفعولی آن در این برداشت <أرض> گرفته شده به این معنا است که تاریکی شب، سطح زمین را می پوشاند.

۳- پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

و الیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۳

۳- خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به <خورشید و نور آن > ، <ماه > ، <روز و شب > ، <آسمان و زمین > ، <روح > و <ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس .. قد أفلح من زکیها

جمله <قد أفلح .. > جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <کذبت ثمود...> و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۴

۴- خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به <خورشید و نور آن > ، <ماه > <روز و شب > ، <آسمان و زمین > ، <نفس انسان > و <ذات خویش > سوگند

یاد کرده است .

و الشمس .. و قد خاب من دسبها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام فراگیر شدن آن

و الیل إذا یغشی

۲ - پدیده شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات ، دارای عظمتی درخور

و الیل إذا یغشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، در تأکید بر گوناگون بودن تلاش های انسان ها و شیوه ها و آثار آن ، به شب و روز و به ذات خویش ، سوگند

یاد کرده است .

و الیل .. إن سعیکم لشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۸

۸ - خداوند ، در تأکید بر تفاوت فرجام انفاق گران با تقوا و بخیلان زراندوز ، به سیطره شب و جلوه روز و به ذات خویش ،

سوگند یاد کرده است .

و الیل .. إن سعیکم لشتی . فأما من أعطی ... لیسری . و أما من بخل ... فسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام سیطره کامل تاریکی آن بر موجودات

و الیل إذا سجی

<سجی الیل>؛ یعنی، شب با تاریکی خود ساطر شد و پوشانند(مصباح). اصل این کلمه، بر آرامش یافتن و انطباق کامل دلالت دارد. (مقایس)

سوگند به شب های دهگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به شب های ده گانه

و لیال عشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۱،۲

۱ - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

۲ - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در <هل فی ذلک..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر .. ألم تر کیف فعل ربک بعد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره

است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر .. . إِنَّ رَبَّكَ لَبَلْمُرْصَادِ

در برداشت یاد شده جمله <إِنَّ رَبَّكَ> می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

شب از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، شب و روز را دو نشانه از نشانه ها و آیات خویش قرار داده است .

و جعلنا الليل والنهار آیتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۷ - ۱

۱ - شب ، آن گاه که روشنایی روز از آن رفته باشد ، از آیات بزرگ خداوند و از نشانه های قدرت او است .

و آیه لهم الليل نسلخ منه النهار

<سلخ> (مصدر <نسلخ>) در اصل به معنای ازاله پوست حیوان است و در آیه شریفه، کنایه از اخراج و ازاله روشنایی روز از شب است. جمله <نسلخ منه...> یا استثناف بیانی است و یا حال برای <اللیل> می باشد. گفتنی است تنکیر <آیه> بر تعظیم دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۱

> - ۱

شب و روز < و > خورشید و ماه < ، از آیات و نشانه های خداوند است .

و من آياته أليل والنهار والشمس والقمر

شب بیست و سوم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۱۱

۱۱ - > عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال : سألته عن ليلة القدر قال : هي احدى و عشرين أو ثلاث و عشرين ؛

زراره گوید: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال کردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است.<

شب بیست و هفتم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۱۲

۱۲ - > عن ابن عمر قال : قال رسول الله (ص) : التمسوا ليله القدر ليله سبع و عشرين ؛

از ابن عمر روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: شب قدر را در شب بیست و هفتم بخواهید.<

شب بیست و یکم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۱۱

۱۱ - > عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال : سألته عن ليلة القدر قال : هي احدى و عشرين أو ثلاث و عشرين ؛

زراره گوید: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال کردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است.<

شب بیستوسوم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۹

> عن أبي عبدالله (ع) :... إذا كانت ليله ثلاث و عشرين (من رمضان) > فيها يفرق كل أمر حكيم <... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: ..هرگاه شب بیست سوم رمضان فرا رسد، هر کار با حکمتی فیصله می یابد<... .

شب در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۷

۷- در زندگی بهشتیان ، تنوع زمان (بامداد و پسین) وجود دارد .

لهم رزقهم فيها بكرة و عشياً

شب عید قربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۳ - ۶

۶ - > عن النبي (ص) أنه سُئل عن الشفع و الوتر فقال : يومان و ليله يوم عرفه و يوم النحر ، و الوتر ليله النحر ليله جَمَع ;

از پیامبر(ص) از شفع و وتر سؤال شد؛ آن حضرت فرمود: دو روز و یک شب است روز عرفه و روز قربانی و وتر شب قربانی است که شب مشعر است<.

شب نشینیهای مرفهان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۳

۳ - بدگویی و یاوه سرایی کافران مرفه ، علیه قرآن و پیامبر (ص) در محفل های شبانه شان

سَمْرًا تهجرون

سمر< (مصدر <سامر>)؛ یعنی، گفت و گو و تشکیل محفل شبانه. <سامر> اسم جمع است مانند: <حاج>، <حاضر> و <حامل>. <سامراً> حال دیگر برای ضمیر فاعل <تنکصون> است. <تهجرون> به تقدیر تهجرون به مشتق از <هَجْر> (بدگویی) و یا

<هجر> (هزیان و یاوه گویی) است. جمله <تهجرون> (فعل و فاعل) در محل نصب و نعت برای <سامراً> می باشد؛ یعنی، <در حالی که در محافل شبانه، درباره آن بدگویی می کردید>.

شب نشینیهای مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۴

۴ - یاوه سرایی در شب نشین ها ، خصلت رفاه زدگان کافر

سمراً تهجرون

شب و توحید ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۸

۸ شب و روز ، دارای نشانه های فراوان توحید ربوبی برای شنوایان حق پذیر

هو الذی جعل لکم الیل .. و النهار ... إن فی ذلک لأیت لقوم یسمعون

شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳ - ۱

۱ مالکیت و حاکمیت مطلقه الهی بر هر موجود مستقر در شب و روز

و له ما سکن فی الیل و النهار

<سکن>، از ماده <سکنی> (به معنی مسکن گزید): و <ما سکن ..>، شامل هر موجودی است که در ظرف شب و روز قرار گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۶،۷

۶ روز ، پیوسته با پوششی از شب نمان می شود .

یغشی الیل النهار

۷ نمان گشتن روز با پوشش شب ، از تدابیر خداوند در جهان هستی

ثم استوی علی العرش یغشی الیل النهار

< یغشی الیل . . . > بیان مصداقی است از جمله < استوی علی العرش > .

شروع شب

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۸

۳۸ - > عن ابی عبدالله (ع) فی قوله تعالی > أتموا الصیام إلى اللیل < قال : سقوط الشفق ;

از امام صادق(ع) در معنای <لیل> در آیه >أتموا الصیام إلى اللیل< روایت شده که شب با زائل شدن شفق شروع می شود.<

شگفتی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۷ - ۳

۳ - ماهیت شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات و نقش آن در گرد هم آمدن جانداران ، شگفت و با عظمت است .

و الیل و ما وسق

شگفتی وضوح ستارگان در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱ - ۳

۳ - آشکار شدن ستارگان در آسمان به هنگام شب ، امری مهم و اعجاب آور است .

و السماء و الطارق

سوگند خداوند؛ بیانگر اهمیت اموری است که بر آن سوگند یاد شده است. ارتباط دو سوگند با هم، به ارتباط ستاره و آسمان نظر دارد.

صداقت در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۲

۲ - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر ، دو امتیاز برجسته

هی اشدّ وطاً و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <اشدّ> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطی> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسدّ> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن گفتن)

است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

عبادت در اول شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۷

۷ - بخش نخست شب، زمان مناسب برای عبادت و نماز

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً

یکی از معانی <ناشئه اللیل>، ساعات اول شب است (قاموس المحيط).

عبادت در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۵

۵ - ظهر و عشا، لحظه هایی مناسب و ممتاز برای عبادت خداوند است.

فسبحن الله... و له الحمد... و عشياً و حين تطهرون

در صورتی که مراد از <حين تطهرون> همان لحظه های خاص عصرگاه و نیم روز باشد، این برداشت قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۳

۳ - شب هنگام، فرصتی مناسب و شایسته برای عبادت پروردگار

أَمَّنْ هُوَ قِنْتُ أَعَانَ اللَّيْلِ

یاد شدن وقت شب برای عبادت، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شب ، فرصتی مناسب برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی و روز ، زمانی شایسته برای تلاش و رسیدگی به امور زندگی

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا

<سبح> در معانی متعددی به کار می رود؛ از جمله سعی و تلاش برای معاش (قاموس المحيط). جمله <إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ>، تعلیل دیگری برای

<قم الليل> است، یعنی، چون در روز به خاطر تلاش طولانی برای معاش، فرصت و فراغت برای مناجات و عبادت نیست، شب را برای این کار اختصاص بده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - شب هنگام، وقت مناسب برای عبادت، تسبیح و ستایش خداوند

و من الَّیْل فاسجد له و سبِّحه لیلاً طویلاً

عبرت از خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۵

۵ درس آموز بودن آفرینش شب و روز و نظم حاکم بر آن، به تصمیم و اراده انسان برای درس آموختن بستگی دارد.

و هو الذی جعل الَّیْل و النهار خلفه لمن أراد أن یدَّکر

آمدن فعل <أراد> در جمله <لمن أراد أن یدَّکر> که در این جمله به منزله قید است می رساند که اراده و تصمیم انسان نقش اساسی در درس آموزی و عبرت گیری او دارد.

عبرت از گردش شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۴ - ۲،۴

۲ - گردش و جابه جایی شب و روز و تحولات ناشی از آن، درس عبرتی است برای صاحبان بصیرت و روشن دلی.

یقَلِّبُ اللّهُ الَّیْل و النهار إنّ فی ذلک لعبره لأُولی الأبصر

۴ - طبیعت (گردش و جابه جایی شب و روز و تحولات ناشی از آن و...) بستر مناسب برای عبرت آموزی و پندگیری

یقَلِّبُ اللّهُ الَّیْل و النهار إنّ فی ذلک لعبره لأُولی الأبصر

عذاب در شب

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۲

۲ فراگیری عذاب بر کفرپیشگان بی تقوا به هنگام غفلت های شبانه و سرگرمی های روزانه ، از مکر ها و برنامه های پنهانی خداوند با آنان

أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بِيْتًا... ضَحَى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ. أَفَأَمْنُوا مَكْرَ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۹

۹ کفرپیشگان قوم ثمود ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاه به هلاکت رسیدند . *

فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ جَثْمِينَ

چنان چه <أصبحوا> به معنای <دخلوا في الصباح> باشد دلالت می کند که هلاکت آنان ، در صبحدم بوده است. در نتیجه صبحه و غرش به قرینه فاء در <فأصبحوا> پیش از صبح یعنی در شب بر قوم ثمود نازل شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۱۳

۱۳ کفرپیشگان قوم شعیب ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاهش به هلاکت رسیدند .

فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ جَثْمِينَ

<أصبحوا> می تواند به معنای <دخلوا في الصباح> (به صبح وارد شدند) باشد و نیز می تواند به معنای <صاروا> (شدند و گشتند) باشد. بر اساس معنای نخست، جمله <فأصبحوا> دلالت می کند که هلاکت قوم شعیب در آغاز صبحدم بوده است و صبحه و غرش به قرینه <فاء> در <فأصبحوا> پیش از صبح یعنی، در شب تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۷ - ۴

۴ - زلزله مدین ، در شب

رخ داد .

فأخذتهم الرجفة فأصبحوا في دارهم جثمين

احتمال دارد که <أصبحوا> به معنای <دخلوا في الصبح> باشد. بنابراین، زلزله، در شب اتفاق افتاده است.

عظمت تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۴ - ۳

۳ - پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

و الیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱ - ۲

۲ - پدیده شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات ، دارای عظمتی درخور

و الیل إذا یغشی

عظمت حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۴ - ۳

۳ - گذشت شب ، پدیده ای با عظمت در جهان طبیعت

و الیل إذا یسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۳

۳ - عظمت سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، قابل درک برای بهره مندان از اندکی عقل

هل في ذلك قسم لذي حجر

تقلیل، از نکره بودن <حجر> استفاده شده است.

عظمت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۷ - ۳

۳ - ماهیت شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات و نقش آن در گرد هم آمدن جانداران ، شگفت و با عظمت است .

و الیل و ما وسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۴ - ۳

۳ - پیدایش شب و تاریک

شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

و الیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱ - ۲

۲ - پدیده شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات ، دارای عظمتی درخور

و الیل إذا یغشی

عظمت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۲ - ۲،۳

۲ - عظمت شب قدر ، فراتر از حد بیان است .

و ما أدریک ما لیلہ القدر

۳ - پیامبر (ص) ، در شناخت شب قدر و ویژگی های آن ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدریک ما لیلہ القدر

خطاب در آیه شریفه ، گرچه مخصوص پیامبر(ص) نیست؛ ولی بر آن حضرت نیز تعمیم می یابد.

عظمت شب های دهگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۸۹ - ۵ - ۳

۳ - عظمت سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، قابل درک برای بهره مندان از اندکی عقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

تقلیل، از نکره بودن <حجر> استفاده شده است.

عمل صالح در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۳ - ۵

۵ - > عن حُمران أنه سأل أبا جعفر (ع) عن قول الله عزَّوجلَّ > .. ليله القدر خير من ألف شهر < أي شيء عنى بذلك ، فقال العمل الصالح فيها من الصلاة و الزكاه و أنواع الخير خير من العمل في ألف شهر ليس فيها ليله القدر

از حمران روایت شده که از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزوجلّ >.. ليله القدر خير من ألف شهر< سؤال کرد که مقصود از این [بهتری بر هزار ماه] چیست؟ حضرت فرمود: عمل صالح در شب قدر، از قبیل نماز و زکات و انواع کارهای خوب، بهتر است از عمل در هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد.<

فضیلت شب جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۸

۱۸ > عن أبي عبدالله (ع) : في قول يعقوب لبنيه > سوف أستغفر لكم ربي < قال : أخرها إلى السحر ليلة الجمعة ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا از قول یعقوب که گفت: >سوف أستغفر لكم ربي< روایت شده است که فرمود: یعقوب استغفار را تا سحر شب جمعه به تأخیر انداخت.<

فضیلت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۱،۱۱

۱- نزول قرآن از سوی خداوند ، در شبی مبارک و ارجمند (شب قدر)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكِ

۱۱- > عن حمران أنه سأل أبا جعفر (ع) عن قول الله عزوجلّ > إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكِ < قال : نعم هي ليلة القدر و هي في كلّ سنة في شهر رمضان في العشر الأواخر فلم ينزل القرآن إلا في ليلة القدر . . . ;

از حمران روایت شده است که از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزوجلّ >إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكِ< سؤال کرد؛ حضرت فرمود: آری آن شب مبارک، همان شب قدر است و آن در

هر سال در ماه رمضان، در ده روز آخر آن است، و قرآن نازل نگشته مگر در شب قدر. <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۶

۶ - شب قدر ، شبی با عظمت در پیشگاه خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۳ - ۱،۴

۱ - فضیلت شب قدر ، از هزار ماه خالی از آن ، افزون تر است .

لیله القدر خیر من ألف شهر

۴ - > عن ابن عباس قال : ذُكِرَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ حَمَلَ السَّلَاحَ عَلَى عَاتِقِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى أَلْفَ شَهْرٍ فَعَجِبَ مِنْ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَجَبًا شَدِيدًا وَ تَمَنَّى أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ فِي أُمَّتِهِ . . . فَأَعْطَاهُ اللَّهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَقَالَ : لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ الَّذِي حَمَلَ الْإِسْرَائِيلِيُّ السَّلَاحَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَكَ وَ لِأُمَّتِكَ مِنْ بَعْدِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ رَمَضَانَ ;

از ابن عباس روایت شده که برای رسول خدا(ص) ذکر مردی از بنی اسرائیل به میان آمد که او در راه خدا هزار ماه شمشیر خود را بر شانه اش حمل نموده [و آماده جهاد در راه خدا بود]. رسول خدا(ص) از این جریان سخت تعجب نمود و آرزو کرد که این فضیلت در امتش باشد ... پس خداوند [در مقابل] به آن حضرت شب قدر را عطا کرد و فرمود: شب قدر، بهتر از هزار ماهی است که آن مرد بنی اسرائیلی در راه خدا سلاح

حمل کرد [این شب قدر] برای تو و امتت بعد از تو، تا روز قیامت در هر ماه رمضان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۵

۵ - سرشار بودن شب قدر از سلامتی ، تا پایان سپیده دم ادامه دارد .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

حرف <حتّی> که برای بیان انتهای غایت است دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

فضیلت شب معراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱ - ۶

۶- شب سیر پیامبر (ص) از مسجدالحرام به مسجدالاقصی ، شبی با عظمت و بزرگ بود .

أسری بعبده لیلاً

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که تکبیر <لیلاً> برای تفخیم و تعظیم باشد.

فضیلت شب های دهگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۲ - ۳

۳- وجود ده شب با فضیلت ، به صورت پیاپی در بین شب های هر سال

و لیال عشر

درباره مراد از شب های ده گانه، اقوال و روایات گوناگونی وجود دارد. مشهورترین آنها این است که مراد، شب های دهه اول ذی الحجه است. برخی آن را بر دهه آخر ماه رمضان و یا دهه اول ماه محرم تطبیق داده اند.

فضیلت نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۲،۳

۲ - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر، دو

هی اشد و طاً و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <أشد> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطیء> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسد> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

۳ - نماز شب ، پدیده ای بس ارزشمند و والا در پیشگاه خداوند

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ

در صورتی که اضافه <ناشئه اللیل> ظرفیه باشد؛ مقصود از پدیده، عبادت شبانه بوده و معنای <إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ> چنین خواهد بود: <به راستی پدیده ای (عبادتی) که در شب واقع می شود...>. گفتنی است که آیه شریفه در مقام تمجید و ستایش از عبادت شبانه است.

فلسفه خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۱،۳

۱ خداوند ، شب و روز را به خاطر انسان برقرار کرد .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

۳ خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه <مبصراً> لفظ <مظلماً>، بعد از <الیل> ؛ و به قرینه <لتسکنوا فیه> جمله <لتعملوا فیه>، بعد از لفظ <مبصراً> مقدر است ؛ یعنی: هو الذی جعل لکم الیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تأمین نیاز انسان (نیاز وی به آسایش ، پس از تلاش های روزانه) هدف الهی از برقرار ساختن شب

جعل لکم الیل . .. لتسکنوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۰، ۷، ۱

۱ - خداوند ، شب را به منظور آرامش و آرمیدن انسان ها آفریده است .

اللّٰه الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه

۷ - آفرینش شب و روز برای تأمین نیاز های بشر ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ .. اللّٰه الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصرًا

آیه شریفه، درصدد اثبات و ارائه نشانه های درستی و راستی برپایی قیامت است که در دو آیه قبل، با صراحت به آن تأکید شده است.

۱۰ - آفرینش شب و روز در راستای تأمین نیاز ها و منافع بشر ، جلوه ای از فضل و احسان خداوند به او است .

اللّٰه الذی جعل لکم الیل . .. إِنَّ اللّٰه لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ

فلسفه سوگند به تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۷

۷ - خداوند ، در تأکید بر قطع نشدن ارتباط او با پیامبر (ص) و ناخرسند نبودن از آن حضرت ، به نور خورشید و تاریکی شب سوگند یاد کرده است .

و الضحی . و الیل إذا سجد . ما ودّعک ربّک و ما قلی

این آیه، جواب قسم هایی است که در آغاز سوره آمده بود.

فواید اول شب

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۷

۷ - بخش نخست شب ، زمان مناسب برای عبادت و نماز

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً

یکی از معانی <ناشئه اللیل>، ساعات اول شب است (قاموس المحيط).

فواید تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۳

۳ - نقش سازنده تاریکی شب ، در آرامش یافتن انسان ها

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ

در جمله <اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ ..> به قرینه آمدن <مبصراً> در <والنهار مبصراً> کلمه <مظلماً> محذوف است؛ یعنی، <جعل اللیل مظلماً لتسکنوا>. براین اساس گفتن این نکته که شب را تاریک قرار دادیم با آن که این نکته ای روشن است می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۳

۳ - فراهم شدن زمینه استراحت برای انسان ، در اثر ناپیدا بودن موجودات در تاریکی شب ، از نعمت های خداوند به او است .

و جعلنا الليل لباساً

فواید حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۹

۹- از فواید گردش شب و روز ، محاسبه زمان و سال شماری و آشنایی انسان با تاریخ است .

جعلنا آیه النهار .. لتعلموا عدد السنین و الحساب

فواید شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- لحظات آرام و تیره شب ، لحظاتی مناسب برای ارتباط

با خدا و اوج گرفتن در مقامات معنوی

و من الیل فتهجد به .. عسی أن یبعثک ربک مقامًا محمودًا

هر چند عبادت در همه حالات مناسب است، اما اختصاص به ذکر شب از میان سایر اوقات بخصوص با لفظ <تهجد> که بیدار شدن از خواب را دربردارد می تواند بر نکته فوق دلالت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۲

۲ شب ، وسیله ای است برای پوشش هر آنچه بشر به مخفی بودنش نیاز دارد .

و هو الذی جعل لکم الیل لباسًا

در تشبیه شب به لباس، همان گونه که لباس بدن انسان را می پوشاند، شب نیز بسیاری از چیزهایی که بشر به مخفی بودنش نیاز و علاقه دارد، می پوشاند و چون آیه شریفه در مقام بر شمردن نعمت های الهی و امتنان بر بندگان است، می تواند مؤید همین مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۵

۵ - آرامش بخشی شب به تن خسته آدمیان ، از حکمت های الهی در پدید آوردن آن

جعلنا الیل لیسکنوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۲

۲ - شب ، بستری مناسب برای سکون و آرامش انسان

جعل لکم الیل .. لتسکنوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۲

۲ - شب ، زمانی مناسب برای آرمیدن و آرامش یافتن

اللّٰه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیہ

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۷ - ۶

۶ - شب هنگام ، وقت مناسب و شایسته برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی \$

كانوا قليلاً من الليل ما يهجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۱

۱ - شب ، بهترین زمان برای برگزاری نماز و انجام دادن عبادت

قم الليل . . . إن ناشئه الليل ... و أقوم قِيلاً

<ناشئه> مشتق از <تَشَأُ> (حادث شدن، پدید آمدن) و به معنای حادثه و پدیده است (مصباح المنیر). اضافه <ناشئه> به <اللیل>، می تواند اضافه بیانیه و یا اضافه ظرفیه باشد. گفتنی است که آیه یاد شده تعلیل برای <قم الليل...> می باشد؛ یعنی، شب را به پاخیز چون شب... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۷ - ۱

۱ - شب ، فرصتی مناسب برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی و روز ، زمانی شایسته برای تلاش و رسیدگی به امور زندگی

إن لك في النهار سبحا طويلاً

<سبح> در معانی متعددی به کار می رود؛ از جمله سعی و تلاش برای معاش (قاموس المحيط). جمله <إن لك في النهار>، تعلیل دیگری برای <قم الليل> است؛ یعنی، چون در روز به خاطر تلاش طولانی برای معاش، فرصت و فراغت برای مناجات و عبادت نیست، شب را برای این کار اختصاص بده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - شب هنگام ، زمان مناسب برای نماز و قرائت قرآن

تقوم أدنى من ثلثي الليل .

.. فاقروا ما تيسر من القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - نازعات - ٧٩ - ٣٣ - ١

١ - سودمندی آسمان ، شب ، روز ، زمین ، آب ، گیاه و کوه ها برای انسان و دام ، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است .

متعاً لكم ولأنعمكم

<متعاً> مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب) ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است یعنی، <تمتعاً لكم>.

قرآن در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٧٩ - ٤

٤- اهمیت قرائت قرآن ، در نماز شب

و قرءان الفجر .. و من الیل فتهجد به نافله لك

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <قرآن>، نماز مشتمل بر قرائت قرآن باشد.

قیام در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - مزمل - ٧٣ - ٦ - ٢

٢ - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر ، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی أشد وطاً و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <أشدّ> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطیء> مرادف <قیام>

(ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسد> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن گفتن) است؛
یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا)
محکم تر است.

گردش سریع شب

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۸

۸ شب با پویش و شتابی سریع ، برای پوشاندن روز ، به دنبال آن در حرکت است .

یطلبه حیثاً

ضمیر فاعلی در <یطلبه> می تواند به <اللیل> بازگردانده و طبعاً ضمیر مفعولی به <النهار> برمی گردد. عکس این معنا نیز محتمل است. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

گردش شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۰ - ۱

۱ خلقت آسمان ها و زمین و گردش شب و روز ، دربردارنده نشانه های فراوان بر قدرت مطلق خداوند

و الله على كل شيء قدير. ان في خلق السموات والارض و اختلاف الليل و النهار ل

جمله <ان في ..> می تواند بیانگر دلیلی برای قدرت مطلق الهی (و الله على كل شيء قدير) باشد که در آیه قبل مطرح شد. بنابراین مراد از <لایات>، نشانه های قدرت مطلق الهی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۹

۹ روز ، پیوسته با حرکتی سریع در تکاپوی شب است .

و یطلبه حیثاً

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر فاعلی در <یطلبه> به <النهار> برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶ - ۱

۱ آمد و رفت شب و روز ، از آیات و نشانه های روشن ربوبیت خداست .

إن ربكم الله . . . إن في اختلاف الليل و النهار ... لأيت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۸

۸ - گردش شب و روز و پیدایش فصل های مختلف ، یکی دیگر از جلوه های تدبیر و ربوبیت بی شریک خداوند

و له اختلف الیل و النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۶

۶ گردش شب و روز و آرامش در شب و روز پر تلاش ، نشانه ربوبیت خداوند

ألم تر إلی ربک .. و هو الذی جعل لکم الیل لباساً و النوم سباتاً و جعل النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۹

۹ - نظام توالی شب و روز ویژه عالم دنیا است .

إن جعل الله علیکم الیل سرمداً إلی یوم القیمه

برداشت یاد شده با توجه به تفسیر <سرمداً> به قید <إلی یوم القیامه> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - نظام توالی شب و روز ، مخصوص عالم دنیا است .

إن جعل الله علیکم النهار سرمداً إلی یوم القیمه

با توجه به مقید شدن <سرمداً> به قید <إلی یوم القیامه>، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۱

۱ - نظام توالی شب و روز ، جلوه ای از رحمت خدا بر خلق است .

و من رحمته جعل لکم الیل و النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۲۰ ، ۱۰ ، ۴

۴ - گردش

شب و روز به قدرت خداوند ، دلیل توان مندی او بر آسان زنده کردن مجدد انسان ها پس از مرگ است .

ما خلقکم ولابعثکم إلا کنفس وحده .. ألم تر أنّ الله یولج الیل فی النهار

۱۰ - نظام روز و شب و جریان خورشید و ماه ، دارای طرحی مشخص و نه پدیده ای تصادفی است .

یولج الیل .. و سخر الشمس والقمر کلّ یجری إلى أجل مسّی

۲۰ - توجه ژرف به گردش شب و روز و رام بودن و در مدار مشخص بودن خورشید و ماه ، انسان را به قابل فهم بودن آگاهی خداوند از اعمال انسان ها ، رهنمون می کند .

ألم تر .. و أنّ الله بما تعملون خبیر

< أنّ الله بما .. > عطف بر < أنّ الله یولج... > است. بنابراین، ارتباط < أنّ الله... > با فراز قبلی هم روشن می شود و آن این است که هر کس چنان ساخت و سازی را ببیند، خواهد فهمید که خداوند، به کردار انسان ها آگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۲، ۱

۱ - اداره نظام عالم با گردش همواره شب و روز و جریان دائمی خورشید و ماه ، برخاسته از حق محض بودن خداوند است .

ألم تر أنّ الله یولج الیل .. ذلك بأنّ الله هو الحقّ

۲ - نوسان های مداوم شب و روز ، حرکت منظم و قانون مند خورشید و ماه ، آگاهی خداوند به اعمال انسان ها ، بر حق محض بودن او دلالت دارد .

ألم تر أنّ الله یولج الیل

... و یولج النهار ... و سخر الشمس و ... و أن اللّ

<ذلك بأنّ الله.. > می تواند در جایگاه نتیجه برای دلیل های یاد شده باشد.

گردش شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۴

۴ - آمد و شد شب و روز ، حاوی نشانه های توحید و دلیلی بر رحمانیت و رحیمیت خداوند است .

لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. إن فی ... اختلف الليل و النهار ... لأیت

<اختلاف> به معنای تردد (رفت و شد) و نیز به معنای جایگزین شدن چیزی یا کسی به جای دیگری است. همچنین به معنای عدم تساوی آمده است. برداشت فوق مبتنی بر معنای اول و دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۶ - ۲

۲ - آمد و شد شب و روز و جای گزینی مستمر هر یک به جای دیگر ، نمودی از حاکمیت اراده الهی بر نظام طبیعت

یولج الیل فی النهار و یولج النهار فی الیل

مراد از <یولج الیل فی النهار.. > می تواند این باشد که خداوند، روز را می برد و شب را جایگزین آن می کند و نیز شب را می برد و روز را به جای آن قرار می دهد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۱،۲،۳

۱ - توانایی خداوند بر جا به جا کردن شب و روز ، دلیلی است گویا برای توانایی او بر یاری رساندن به ستمدگان در

انتقام گرفتن آنان از ستمگران .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ . . . وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

در آیه پیش، خداوند به آن مسلمانی که مورد ستم و تجاوز مشرکان قرار گرفته بود، وعده قطعی داد که او را یاری خواهد کرد تا انتقامش را از متجاوزان بازستاند در این آیه، برای این که کسی در توانایی خدا بر تحقق بخشیدن به وعده‌هایش و در حمایت و پشتیبانی از ستم دیدگان تردیدی نکند، گوشه‌ای از قدرت نهایت خود را بیان کرده است.

۲- در پی هم آوردن شب و روز و جای‌گزینی مستمر یکی به جای دیگری، جلوه‌ای از توانایی مطلق خدا

بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

<ایلاج> (مصدر <یولج>) به معنای وارد کردن است. وارد کردن شب در روز و روز در شب، می‌تواند کنایه از جابه‌جا کردن شب و روز باشد؛ یعنی، خدا شب را به تدریجاً جای‌روز و روز را تدریجاً به جای شب قرار می‌دهد. هم‌چنین می‌تواند به معنای کم کردن از روز و افزودن بر شب و بالعکس باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

۳- نوسانات مستمر ساعات شب و روز (کوتاهی و بلندی آنها) در طول سال، نشان از قدرت بی‌نهایت خداوند دارد .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از وارد کردن شب در روز، کاستن از مقدار شب و افزودن بر مقدار روز باشد. و نیز مراد از ایلاج روز در شب، کاستن از

ساعات روز و افزودن بر ساعات شب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۲ - ۱،۴

۱ - جابه جایی مستمر شب و روز در پرتو قدرت خدا، نشانه ای گویا از تدبیر و ربوبیت او است .

بَأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ . . . ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ

آیه پیش در بیان یکی از جلوه های قدرت و توانایی مطلق خدا بود؛ یعنی، جابه جا کردن شب و روز که با آن نظام زندگی انسان ها سامان می یابد. در این آیه می فرماید: این که خداوند خود تدبیر نظام جهان را در اختیار گرفت، بدان سبب است که در تمام هستی، تنها او است که اله و معبود به حق است و هرچه غیر او که معبود پنداشته می شوند پوچ، باطل و موهوم اند و بلند مرتبگی و بزرگی، تنها برازنده او است و نه غیر او.

۴ - گردش شب و روز در سایه تدبیر خدا، آیتی روشن بر بطلان مرام شرک و پوچی خدایان دیگر

بَأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ . . . وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَطْلُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۱

۱ - رفت و آمد پی در پی شب و روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکر

و اختلف الَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ . . . آیت لقوم يعقلون

<اختلاف..> ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز

و شب در طی فصول سال را نیز افاده می کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

گسترش تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱ - ۲

۲ - پدیده شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات ، دارای عظمتی درخور

و الیل إذا یغشی

محرومیت از شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۵

۵ - توانایی خدا بر ثابت نگه داشتن روشنایی روز و محروم ساختن اهل آن از نعمت شب تا روز قیامت

قل أرءیتم إن جعل الله علیکم النهار سرمدًا إلی یوم القیمه

محمد(ص) و شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۲ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، در شناخت شب قدر و ویژگی های آن ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدریک ما لیله القدر

خطاب در آیه شریفه، گرچه مخصوص پیامبر(ص) نیست؛ ولی بر آن حضرت نیز تعمیم می یابد.

مرز شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۲۳

۲۳ - طلوع فجر حد فاصل شب و روز

أحل لكم ليلة الصيام .. كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض

<أياماً معدودات> در آیه ۱۸۴، روزه را مخصوص روز می دانند و <حتى يتبين ..> شروع روزه را از طلوع فجر قرار داده است. بنابراین، روز در دیدگاه شرع از طلوع فجر آغاز می شود.

ملائک تقدیر در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره -

۶- تقدیر و تثبیت امور در شب قدر، براساس رحمت پروردگار به خلق

فیها یفرق کلّ أمر حکیم .. رحمه من ربّک

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <رحمه..> در مقام بیان دلیل <یفرق...> باشد، یعنی، تقدیر و تثبیت امور مهم، برای رحمت رسانی است.

مناجات در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۵،۹

۵ حضور مؤمنانی در اطراف پیامبر(ص) که هر بامداد و شامگاه به درگاه خداوند نیایش خالصانه داشتند.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم بالغدوه و العشیّ یریدون وجهه

۹ بامدادان و شامگاهان، فرصتهایی مناسب برای نیایش و دعاست.

یدعون ربهم بالغدوه و العشیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - برکندن تن از بستر آسایش در دل شب، برای نیایش خدا، نشان مؤمنان راستین است.

إنّما یؤمن بأیتنا الذین .. تتجافی جنوبهم عن المضاجع

<تجافی> از ریشه <جفی> به معنای <ملازم نبودن با مکان و جا> است (المنجد) لازم به ذکر است که <تجافی> حال برای <الذین> در آیه پیش است.

۳ - نیایش مؤمنان راستین به درگاه خدا در دل شب، همراه با بیم و امید است.

یدعون ربهم خوفاً و طمعاً

منشأ بلندی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۵

۵ - بلندی و کوتاهی شب و روز ، به تقدیر و اندازه گیری خداوند است .

و الله یقدر الیل و النهار

منشأ تاریکی شب

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۹ - ۱

۱ - تاریک ساختن شب در فضای آسمان ، کار خداوند و نشانه قدرت او است .

و أغطش ليلها

<أغطش> یعنی، تاریک ساخت (مفردات راغب). ارجاع ضمیر <لیلها> به آسمان، به این جهت است که منشأ پیدایش شب، وضعیت اجرام آسمانی است.

منشأ تغییر مدت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۶ - ۱

۱ - نظام تغییر فصول و کم و زیاد شدن ساعات شب و روز در طول سال ، تحت حاکمیت اراده خداوند

يولج الّيل في النهار و يولج النهار في الّيل

<إيلاج> (مصدر <يولج>) به معنای داخل کردن است. برداشت یاد شده بدان احتمال است که مقصود از <يولج الّيل في النهار> (شب را در روز داخل می کند)، این باشد که او از مقدار شب می کاهد و بر مقدار روز می افزاید و مقصود از <يولج النهار في الّيل> (روز را در شب داخل می کند) این باشد که او از مقدار روز می کاهد و بر مقدار شب می افزاید.

منشأ جایگزینی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۱

۱ خداوند ، شب و روز را جانشین و از پی یکدیگر قرار داد .

و هو الذي جعل الّيل و النهار خلفه

<خلفه> در لغت، قرار گرفتن و جایگزینی دو چیز به جای یکدیگر است (مفردات راغب).

منشأ راهیابی در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۳ - ۱

- راهیابی انسان ، در ظلمات بیابان و دریا ، به هدایت و تدبیر خداوند

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظِلْمَتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

منشأ شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۹ - ۳

۳ - توانمندی خداوند بر ایجاد شب و روز ، نشانه قدرت او بر احیای دوباره انسان است .

ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ .. وَاغْطِشْ لَيْلَهَا وَأَخْرِجْ ضَحِيهَا

منشأ کوتاهی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۵

۵ - بلندی و کوتاهی شب و روز ، به تقدیر و اندازه گیری خداوند است .

وَاللَّهُ يَقْدَرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

منشأ گردش شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۵

۵ - گردش و آمد و شد شب و روز ، تنها به اراده خداوند

وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

حصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۴ - ۱

۱ - گردش و جابه جایی شب و روز و تحولات ناشی از آن به دست خدا است .

يَقْلِبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

<تقلیب> به معنای تغییر شیء از حالی به حال دیگر و هیأتی به هیأتی ضد آن است. تقلیب شب و روز به معنای جابه جایی آن دو و یا ناظر به کوتاه و بلند شدن و تحولات ناشی از آن است.

نزول روح (اسم خاص) در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۱۰، ۵، ۸، ۴، ۳، ۲

۲ - روح نازل شونده

در شب قدر ، هم ردیف فرشتگان نبوده و موجودی برتر از آنان است .

تنزّل الملائکه و الروح فیها

<عطف> نشانه تغایر است و می تواند از قبیل ذکر خاص، بعد از عام و نشانه عظمت باشد. برداشت یاد شده به هر دو احتمال نظر دارد.

۳- شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن ، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست .

تنزّل

فعل <تنزّل>، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

۴- نزول ملائکه و روح در شب قدر ، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . تنزّل الملائکه و الروح فیها

۵- فرود آمدن فرشتگان و روح در شب قدر ، با اذن خداوند و رخصت او است .

تنزّل الملائکه و الروح فیها یاذن ربّهم

۸- فرود فرشتگان و روح به زمین در شب قدر ، تدبیری الهی برخاسته از ربوبیت خداوند است .

یاذن ربّهم

واژه <ربّ>، بیانگر برداشت یاد شده است.

۱۰- فرمان های خداوند ، برانگیزاننده ملائکه و روح برای نزول به زمین در شب قدر

تنزّل .. من کلّ أمر

حرف <من> که در برداشت یاد شده برای ابتدای غایت دانسته شده است بیانگر آن است که سبب را بیان می کند و دلالت دارد نزول ملائکه، برخاسته از فرمان های خداوند است؛ به گونه ای که هر یک از آن فرمان ها، انگیزه ای مستقل برای نزول آنها است. مراد از <أمر> که در این برداشت، مفرد <أوامر> گرفته شده است فرمانی است که آیه <إنما أمره إذا أراد شیئاً أن

يقول له کن فيكون < (يس، آيه ۸۲)، ناظر به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۶

۶ - در نزول فرشتگان و روح تا سپیده دم شب قدر، وقفه ای پدید نمی آید.

تنزل الملائکه و الروح فيها .. حتّى مطلع الفجر

حرف <حتّى>، می تواند بیانگر غایت تمام اموری باشد که درباره شب قدر، مطرح شده است.

نزول قرآن در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۱،۴

۱- نزول قرآن از سوی خداوند، در شبی مبارک و ارجمند (شب قدر)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ

۴- نزول قرآن در شبی مبارک، بیانگر اهمیت قرآن نزد خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ

این که شبی برکت زا برای نزول قرآن برگزیده شده است، خود نشانی از عظمت قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۸

۸- نزول قرآن در شب قدر، خود نمودی از تقدیر امور مهم در آن شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ .. فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

تطبیق کلی <فیهما یفرق کلّ أمر حکیم> بر <إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ>، بیانگر مطلب یاد شده است.

نزول کتب آسمانی در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۶

۶- شب قدر ، شب نزول کتاب های آسمانی پیشین بر پیامبران *

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ .. إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت >إِنَّا كُنَّا.

.. < به مجموع > «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكَةِ» نظر داشته باشد؛ یعنی، ما قرآن را در شب قدر، نازل کردیم و این امر در مورد کتاب های آسمانی پیشین نیز تحقق یافته است.

نزول ملائکه در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۸، ۵

۵ - فرود آمدن فرشتگان و روح در شب قدر، با اذن خداوند و رخصت او است .

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

۸ - فرود فرشتگان و روح به زمین در شب قدر، تدبیری الهی برخاسته از ربوبیت خداوند است .

بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

واژه <رَبِّ>، بیانگر برداشت یاد شده است.

۱۰ - فرمان های خداوند، برانگیزاننده ملائکه و روح برای نزول به زمین در شب قدر

تَنْزِيلٌ... مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

حرف <من> که در برداشت یاد شده برای ابتدای غایت دانسته شده است بیانگر آن است که سبب را بیان می کند و دلالت دارد نزول ملائکه، برخاسته از فرمان های خداوند است؛ به گونه ای که هر یک از آن فرمان ها، انگیزه ای مستقل برای نزول آنها است. مراد از <أمر> که در این برداشت، مفرد <أوامر> گرفته شده است فرمانی است که آیه <إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ> (یس، آیه ۸۲)، ناظر به آن است.

۱۲ - < عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) أَنَّهُ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى > تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا < قَالَ : تَنْزِيلٌ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ وَ الْكُتُبُ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَكْتُبُونَ مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ مِنْ أُمُورٍ مَا يَصِيبُ الْعِبَادَ

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره سخن خدای تعالی <تنزل الملائکه و الروح فیها> فرمود: فرشتگان و نویسندگان [اعمال] به نزدیک ترین آسمان نازل می شوند و آنچه را در طول سال [آینده] به وجود خواهد آمد، از اموری که به بندگان می رسد، می نویسند.

۱۳ - > عن النبی (ص) أنه قال : إذا كان ليله القدر تنزل الملائكة الذين هم سكان سدره المنتهى و منهم جبرئيل فينزل جبرئيل (ع) و معه ألويته ينصب لواء منها على قبری و لواء على بيت المقدس و لواء في المسجد الحرام و لواء على طور سيناء و لا يدع فيها مؤمناً و لا مؤمنة إلا سلم عليه ;

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: زمانی که شب قدر فرا رسد، فرشتگان ساکن <سدره المنتهی> که از جمله آنان جبرئیل است نازل می شوند. پس جبرئیل [بر زمین] فرود می آید در حالی که پرچم هایی همراه او است. پرچمی را بر سر قبر من و پرچمی را در بیت المقدس و پرچمی را در مسجدالحرام و پرچمی را بر طور سینا برپا می کند و در آن شب، هیچ مرد و زن مؤمنی را فروگذار نمی کند؛ مگر این که بر او سلام می کند.

نشانه های برکت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۵

۵- تقدیر امور هستی در شب قدر ، نمودی از برکات سرشار الهی در این شب

إنا أنزلناه في ليله مبرکه .. فيها يفرق كل أمر حكيم

نشانه های فضیلت شب قدر

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۴

۴ - نزول ملائکه و روح در شب قدر ، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . تنزل الملائکه و الروح فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۲

۲ - سلامتی کامل شب قدر از هر امر ناپسند ، نشان شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر .. سلم هی

نعمت تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۴ - ۴

۴ - تاریک شدن زمین در شب ، از نعمت های خداوند برای انسان ها

و الیل إذا یغشیها

تأثیر سوگند، زمانی است که مخاطب، مورد سوگند را محبوب خود بیابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۲ - ۲

۲ - شب و سیطره افکندن تاریکی آن بر موجودات ، از نعمت های بزرگ الهی و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الیل إذا سجی

نعمت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۴

۴ شب و روز، دو نعمت بزرگ الهی و مؤثر در استمرار حیات انسانی

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیہ و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۷

۷ آفرینش شب همچون لباس برای انسان، خواب آرامش بخش و روز پرتلاش، از نعمت های الهی

و هو الذی جعل لکم الیل لباساً و النوم سباتاً

و جعل النهار نشورًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۸

۸ شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، از نعمت های الهی و شایسته سپاس و تشکر

و هو الذی جعل الیل .. لمن أراد أن یدکر أو أراد شکورًا

یادآوری سپاس گزاری انسان پس از بیان آفرینش شب و روز برای آدمی، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ - روشنایی روز و آسایش یافتن در تاریکی شب ، از نعمت های بزرگ و درخور شکر و سپاس الهی

قل أرءیتم إن جعل الله علیکم الیل سرمداً .. إن جعل الله علیکم النهار سرمداً .

توحید ربوبی و برشمردن نعمت های الهی و شکرگزاری از آنها است. ذیل آیه بعد (لعلکم تشکرون) مؤید این مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۷،۸

۷ - برقرار شدن نظام شب و روز در جهت تأمین نیازها و منافع انسان ها ، نعمتی بزرگ و سزاوار شکر و سپاس الهی

و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون

۸ - لزوم ادای شکر به درگاه خداوند ، به پاس برقرار کردن نظام شب و روز برای منافع انسان ها

جعل لکم الیل و النهار .. و لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ -

۱۴ - شب آرامش دهنده و روزِ روشنایی بخش ، دو نعمت بزرگ و درخور شکر و سپاس الهی

اللّٰه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیہ و النهار مبصرًا .. و لکنّ اکثر الناس لای

نعمت گسترش تاریکی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱ - ۳

۳ - گستردگی تاریکی شب ، از نعمت های خداوند برای انسان ها است .

و الّیل إذا یغشی

تأثیر سوگند، زمانی است که مخاطب، مورد سوگند را محبوب خود بیابد.

نعمتهای خدا در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۳ - ۳

۳ - نعمت های نازل شده از سوی خداوند در شب های قدر ، ارجمندتر از نعمت های عطا شده در ماه هایی بی شمار است .

لیلہ القدر خیر من ألف شهر

فضیلت زمان ها، به ارزشمندی مطروف آن بستگی دارد که در آغاز سوره نمونه ای از آن (نزول قرآن) مطرح شد و جمله <سلام هی> (در آیات بعد) بیانگر ارزشمندی سایر اموری است که در شب قدر تحقق می یابد. عدد <ألف> (هزار)، در برخی آیات دیگر نظیر <لو یعمّر ألف سنه> (بقره، آیه ۹۶) در معنای کثرت به کار رفته است و احتمال اراده آن معنا، در این آیه نیز وجود دارد.

نقش حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- تذکر به اهمیت و نقش گردش شب و روز در حیات انسان ، نمودی از بیان تفصیلی آیات توسط خداوند

و جعلنا الیل والنهار

آیتین . . . و کلّ شیء فصلنه تفصیلاً

یکی از مصادیق <کلّ شیء..> به قرینه جمله <وجعلنا اللیل و النهار آیتین> می تواند گردش شب و روز باشد.

نقش شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۹

۹ خداوند شب را زمان مناسب برای خواب و آرامش و روز را برای تلاش و کار قرار داده است.

هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

اگر چه خواب و بیداری اختصاصی به شب و روز ندارد، ولی اینکه ظرف <توفی> شب است و ظرف <جرحتم> روز است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۱۰

۱۰- دریا ها ، رودخانه ها ، خورشید ، ماه و شب و روز ، هر کدام آیتی مستقل برای خداشناسی و برطرف کننده نیازی از نیاز های انسان

و سَخَّر لکم الفلک . . . و سَخَّر لکم الأنهر . و سَخَّر لکم الشمس و القمر دائبین و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۲۸

۲ - نادیده گرفتن اهمیت نقش شب و روز در زندگی انسان ، نمونه ای از تکذیب جاهلانه آیات الهی

أکذبتُم بایتی و لم تحیطوا بها علماً . . . ألم یروا أننا جعلنا الیل ... و النهار

<ألم یروا..> به اصطلاح ذکر خاص بعد از عام و یادآوری نمونه ای از آیات الهی است که از سوی کافران مورد تکذیب قرار گرفته است.

۸ - وجود نشانه های روشن و غیرقابل انکار الهی

، در نظام شب و روز برای جویندگان حقیقت

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

عبارت <قوم یؤمنون>؛ یعنی، کسانی که دارای زمینه گرایش به حق اند و اگر حق را بیابند به آن ایمان می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۹

۹ - شب ، بهترین و مناسب ترین زمان برای استراحت و آسایش

يَأْتِكُمْ بَلِيلٌ تَسْكُنُونَ فِيهِ

تصریح خداوند به این که شب را برای آسایش و استراحت بشر قرار داده است، می تواند حاکی از برداشت یاد شده باشد.

نقش شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۳

۳ - قرآن ، در شب قدر نازل شده است .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۱

۱ - شب قدر ، زمان فرود آمدن فرشتگان و روح به زمین است .

تَنْزِيلَ الْمَلَكِ وَرُوحٍ فِيهَا

به قرینه سیاق آیات مراد از فعل <تَنْزَلُ> که در اصل تَنْزَلُ بوده و به جهت تخفیف یکی از <تاء>های آن حذف شده است
فرود آمدن به زمین است.

نماز در اول شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۷

۷ - بخش نخست شب ، زمان مناسب برای عبادت و نماز

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً

یکی از معانی <ناشئه اللیل>، ساعات اول شب است (قاموس المحيط).

نماز شب در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ -

۷- مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، در آغاز بعثت مدتی چند به شب زنده داری به میزان دوسوم یا نصف و یا یک سوم از شب موظف شده بودند .

و طائفه من الذین معک .. علم أن لن تحصوه

نماز شب صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۱

۱۱- مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظف به نماز در پاسی از شب به میزان میسور و ممکن

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. فاقراءوا ما تیسر من القرآن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از قرائت قرآن، نماز باشد؛ زیرا خواندن قرآن از اجزای مهم نماز است. گفتنی است چون جمله های پیش درباره نماز شب بود، می تواند قرینه بر مطلب یاد شده باشد.

نماز شب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۱۸، ۲، ۱

۱- فرمان الهی به پیامبر (ص) در مورد بیدار شدن در بخشی از شب ، برای اقامه نافله شب

و من الیل فتهجد به نافله لک

۲- نماز شب ، تکلیفی واجب بر پیامبر (ص) علاوه بر سایر واجبات

و من الیل فتهجد به نافله لک

با توجه به معنای لغوی <نافله> که به معنای زیادت بر واجب است؛ (مفردات راغب) و نیز لام اختصاص <لک> نکته یاد شده قابل استفاده است.

۱۸- > عن عمار الساباطی قال : کنا جلوساً عند أبی عبدالله (ع) بمنی فقال له رجل : ما تقول فی النوافل ؟ فقال : فریضه قال :

ففرعنا و فرع الرجل ، فقال : أبو عبد الله (ع) : إنما أعنى صلاة الليل على رسول الله (ص) ان الله يقول : > و من الليل فتهجد نافله لك < ;

عمار سباطی گوید: در منی نزد امام صادق(ع) نشسته بودیم، شخصی به حضرت گفت: در باره نافله ها چه می گوئید؟ حضرت فرمود: واجب هستند. راوی گوید: ما و آن مرد سؤال کننده برآشفتم، پس حضرت فرمود: منظور من نماز شب است که بر رسول خدا واجب بود. همانا خداوند می فرماید: و من الليل فتهجد به نافله لك <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲ - ۶

۶ - > عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر (ع) قال : سألته عن قول الله : > قم الليل إلا قليلاً < قال : أمره الله أن يصلي كلَّ ليله إلا أن يأتي عليه ليلة في الليالي لا يصلي فيها شيئاً ;

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: > قم الليل إلا قليلاً < سؤال کردم، فرمود: خداوند به او (رسول الله) دستور داده که هر شب نماز [شب] بخواند؛ مگر این که شبی از شب ها بیاید که در آن نتواند نمازی بخواند <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۷

۷ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر گزاردن نماز شب

و سبَّحه ليلاً طويلاً

یکی از معانی >تسيح<، نماز است (قاموس المحيط و لسان العرب). بر این اساس مقصود از آن در این آیه، ممکن است نماز شب باشد.

نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص)، موظف به نماز در پاسی از شب به میزان میسور و ممکن

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. فاقراءوا ما تیسّر من القرآن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از قرائت قرآن، نماز باشد؛ زیرا خواندن قرآن از اجزای مهم نماز است. گفتنی است چون جمله های پیش درباره نماز شب بود، می تواند قرینه بر مطلب یاد شده باشد.

نماز شب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۵۰

۵۰ - > سألہ [الصادق (ع)] عبد اللہ بن سنین ، عن قول اللہ عزوجلّ > سیماهم فی وجوههم من أثر السجود < قال : هو السّهر فی الصلاه ;

عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجلّ >سیماهم فی وجوههم من أثر السجود< پرسید، آن حضرت فرمود: منظور [اثر] شب زنده داری با نماز است.<

نماز محمد(ص) در شب معراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱ - ۲۴

۲۴ - > عن ابی عبد اللہ جعفر بن محمد الصادق (ع) قال : لما أسرى برسول الله (ص) إلى بیت المقدس حمله جبرائیل علی البراق فاتیا بیت المقدس و عرض إليه محاریب الأنبياء و صلی بها و رده ... ;

جبرئیل، آن حضرت را بر بُراق سوار کرد و هر دو به بیت المقدس آمدند و جبرئیل محرابهای انبیا را به او نشان

داد و پیامبر(ص) در آن جا نماز خواند و سپس آن حضرت را باز گرداند..>

وقت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۳۷

۳۷ - فضل بن شاذان از امام رضا (ع) روایت کرده : > فان قال : فلم جعل الصوم في شهر رمضان خاصة دون سائر الشهور ؟ قيل لأن شهر رمضان هو الشهر الذي أنزل الله فيه القرآن وفيه فرق بين الحق والباطل كما قال الله عز وجل > شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان < وفيه تبيء محمد (ص) وفيه ليلة القدر التي هي خير من ألف شهر ... ;

اگر سؤال شود چرا روزه تنها در ماه رمضان واجب شده و در ماههای دیگر واجب نشده است؟ در جواب گفته می شود: چون ماه رمضان ماهی است که خداوند قرآن را در آن نازل کرده و در این ماه، حق و باطل را جدا کرده است. همان طور که خداوند فرموده > شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان <. در این ماه حضرت محمد(ص) پیامبر شد و شب قدر در این ماه است، شبی که از هزار ماه بهتر است ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۹

۹- > عن أبي عبد الله (ع) : ... إذا كانت ليلة ثلاث و عشرين (من رمضان) > فيها يفرق كل

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. هرگاه شب بیست سوم رمضان فرا رسد، هر کار با حکمتی فیصله می یابد <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۱۰، ۱۱، ۱۲

۱۰ - > عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال: سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إنَّ الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال: لا و الله ما ذلك إلا في ليلة تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإنَّ في ليلة تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليلة احدى و عشرين يفرق كلَّ أمر حکيم و في ليلة ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلَّ جلاله ذلك و هي ليلة القدر التي قال الله: > خير من ألف شهر < ;

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلَّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره

آن [فرموده: خیر من ألف شهر].

۱۱ - > عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال : سألته عن ليلة القدر قال : هي احدى و عشرين أو ثلاث و عشرين ;

زراره گوید: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال کردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است.<

۱۲ - > عن ابن عمر قال : قال رسول الله (ص) : التمسوا ليلة القدر ليلة سبع و عشرين ;

از ابن عمر روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: شب قدر را در شب بیست و هفتم بخواهید.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۵

۵ - سرشار بودن شب قدر از سلامتی ، تا پایان سپیده دم ادامه دارد .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

حرف <حتّی> که برای بیان انتهای غایت است دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

وقت نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۶

۶ - برگزاری نماز شب ، اختصاص به ساعتی مشخص ندارد .

إنّ ناشئه الیل

<ناشئه اللیل>، به معنای هر ساعتی از شب نیز آمده است (قاموس المحيط).

ویژگی شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ - ۲

۲ خداوند شب را هنگام آرامش و روز را زمان تلاش و کار قرار داده است.

فالق الإصباح و جعل اليل سكنا

ذکر صبح قبل از بیان سکون بودن شب، اشاره ای لطیف به تفاوت روز و شب دارد، که در

حقیقت روز نقطه مقابل شب و برای کار و تلاش قرار داده شده است.

ویژگیهای آغاز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۷ - ۲

۲ - لحظه آغاز و پایان شب ، لحظاتی برجسته در ساعات و مواقع شب

و الیل إذا عسعس

<إذا> در <إذا عسعس>، قسم به شب را به حالت خاصی از شب اختصاص می دهد. در این موارد <إذا> را ظرف برای <كائناً> به شمار می آورند که محذوف است و حال مقدره برای <اللیل> به حساب می آید؛ اختصاص قسم به این حالت از شب، نشان برجسته تر بودن ارزش آن است.

ویژگیهای پایان شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۷ - ۲

۲ - لحظه آغاز و پایان شب ، لحظاتی برجسته در ساعات و مواقع شب

و الیل إذا عسعس

<إذا> در <إذا عسعس>، قسم به شب را به حالت خاصی از شب اختصاص می دهد. در این موارد <إذا> را ظرف برای <كائناً> به شمار می آورند که محذوف است و حال مقدره برای <اللیل> به حساب می آید؛ اختصاص قسم به این حالت از شب، نشان برجسته تر بودن ارزش آن است.

ویژگیهای شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۳

۳ - شب هنگام ، فرصتی مناسب و شایسته برای عبادت پروردگار

أَمَّنْ هُوَ قَنْتَءَانَاءُ اللَّيْلِ

یاد شدن وقت شب برای عبادت، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

ویژگیهای شب بیست و سوم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - > عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إن الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال : لا و الله ما ذلك إلا في ليله تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإن في ليله تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليله احدى و عشرين يفرق كل أمر حكيم و في ليله ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلّ جلاله ذلك و هي ليله القدر التي قال الله : > خير من ألف شهر < ;

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: خیر من ألف شهر <.

ویژگیهای شب بیست و یکم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

عن أبي عبد الله (ع) قال: سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إن الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال: لا و الله ما ذلك إلا في ليله تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإن في ليله تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليله احدى و عشرين يفرق كل أمر حكيم و في ليله ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلّ جلاله ذلك و هي ليله القدر التي قال الله: < خير من ألف شهر > ;

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [در باره آن] فرموده: خیر من ألف شهر <.

ویژگیهای شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۲، ۱

۱- شب قدر، شب تقدیر، تدبیر و تثبیت امور هستی

فیها یفرق کلّ أمر حکیم

واژه < یفرق > ممکن است ناظر به معنای حل و تثبیت امور

باشد.

۲- شب قدر، شب ترسیم تفصیلی امور مجمل و حقایق بسیط

فیها یفرق کلّ أمر حکیم

برداشت یاد شده بنابراین که نکته است که از واژه <یفرق>، معنای تجزیه و تفصیل اراده شده باشد؛ زیرا امور این جهان دارای دو مرحله است: مرحله اجمال و ابهام که از آن تعبیر به <حکیم> شده و مرحله تفصیل و بسط که از آن تعبیر به <یفرق> شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۲ - ۱

۱ - ابزار شناخت و ویژگی های شب قدر، در اختیار همگان نیست.

و ما أدریک ما لیلہ القدر

مخاطب در <ما أدراک>، هر شخصی است که آیه شریفه را بخواند و یا بشنود.

ویژگیهای شب نوزدهم ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۱۰

۱۰ - > عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال: سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إنَّ الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال: لا و الله ما ذلك إلا في ليلة تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإنَّ في ليلة تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليلة احدى و عشرين يفرق كلّ أمر حکيم و في ليلة ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلّ جلاله ذلك و هي ليلة القدر التي قال الله: < خير من ألف شهر > ;

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه

شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: خیر من ألف شهر.

هفت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۷ - ۱

۱ - خداوند، بادی سرد و توفنده را هفت شب و هشت روز پی در پی، بر قوم عاد مسلط کرد.

بریح صرصر عاتیه . سخرها علیهم سبع لیل و ثمنیه ایام حسوماً

<حسوم> به معنای شوم و یا تداوم در عمل است (قاموس المحيط). در این آیه هر دو معنا، می تواند مراد باشد؛ زیرا در سوره های دیگر (فصلت و قمر) به این دو معنا اشاره شده است.

شب و روز

{شب و روز}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۷ - ۱،۲،۳

۱ نوسان در مدت شب و روز (تنظیم گردش ایام)، از مظاهر قدرت الهی

انک علی کل شیء قدیر. تولج الیل فی النهار و تولج النهار فی الیل

<تولج النهار...>، به معنای داخل کردن شب در روز و به عکس می باشد

که بیانگر کاسته شدن از یکی و افزوده شدن به دیگری است. <تولج>، فعل مضارع است و دلالت بر استمرار این معنا دارد.

۲ نوسان در مدت شب و روز، دربردارنده خیر و مصالح انسان

بیدك الخیر .. تولج الیل فی النهار

۳ تبدیل تدریجی شب و روز، به یکدیگر (فاصله بین الطلوعین و غروب) به قدرت و حکمت الهی

انک علی کل شیء قدیر. تولج الیل فی النهار

بنابراینکه <تولج> به معنای تبدیل تدریجی باشد.

تتابع شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۱

۱ - رفت و آمد پی در پی شب و روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکر

و اختلف الیل و النهار و .. آیت لقوم یعقلون

<اختلاف..> ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز و شب در طی فصول سال را نیز افاده می کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۷ - ۳

۳ - نظام حاکم بر شب و روز و توالی نور و ظلمت بر زندگی اهل زمین، به تقدیر و تدبیر خدا است.

و آیه لهم الیل نسلخ منه النهار فإذا هم مظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۵،۶

۵ - توالی شب و روز و پدیدار شدن نور و تاریکی در زندگی، از نعمت های

الهی برای بشر است .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر .. و کلّ فی فلک یشبحون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای بشر است.

۶- توالی شب و روز و نور و تاریکی در زندگی انسان ، جلوه قدرت و تدبیر خداوند است .

و آیه لهم الیل .. لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا الیل سابق النهار ..

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است؛ چنان که در آیه ۳۷ نیز به آن تصریح شده است.

تداوم تتابع شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۲

۲- توالی شب و روز و نظام حاکم بر آنها ، تا قیامت باقی خواهد بود .

و لا الیل سابق النهار

مقصود از پیشی نگرفتن شب از روز (و لا الیل سابق النهار)، پیشی گرفتن از نظر سیر و حرکت نیست؛ بلکه مراد مسخر خدا بودن ماه و خورشید و بقای نظم موجود بر روز و شب و نیز تغییرناپذیری حرکت ماه و خورشید است.

تعقل در گردش شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۱۰

۱۰- جریان مستمر حیات و مرگ و گردش نظام طبیعت ، شایان تفکر و درس آموزی

و هو الذی یحی و یمیت .. أفلاتتعقلون

تفاوت شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱ - رفت و آمد پی در پی شب و روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو ، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکر

و اختلف الیل و النهار و ... آیت لقوم یعقلون

<اختلاف.. > ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز و شب در طی فصول سال را نیز افاده می کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۵

۵ - اختلاف شب و روز (تفاوت آنها در کوتاهی و بلندی و ...) از نشانه های توحید و بیانگر رحمانیت و رحیمیت خداست

لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. إن فی ... اختلف اللیل و النهار ... لأیت

برداشت فوق مبتنی بر این اساس است که کلمه <اختلاف> در آیه شریفه به معنای عدم تساوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶ - ۲

۲ اختلاف شب و روز (کوتاه و بلند شدن هر یک از آن دو در طول سال) و تغییر فصل ها ، حاوی دلیلهایی روشن بر تدبیر و ربوبیت خدا نسبت به اهل زمین است .

إن فی اختلف الیل و النهار .. لأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۳

۱۳ - لحظه ها و اوقات شبانه روز ، در شایستگی برای ذکر و دعا با هم برابر

نیستند .

و سَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ .. ءانآيِ الْيَلِّ فَسَبِّحْ و أطراف النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۲

۲ - نوسانات مستمر ساعات شب و روز (کوتاهی و بلندی آنها) در طول سال ، نشانه قدرت بی نهایت خداوند و یکتایی او است .

یولج الیل فی النهار و یولج النهار فی الیل

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مراد از وارد کردن شب در روز، کاستن از مقدار شب و افزودن بر مقدار روز و مقصود از ایلاج روز در شب، کاستن از ساعات روز و افزودن بر ساعات شب باشد.

شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳ - ۱

۱ مالکیت و حاکمیت مطلقه الهی بر هر موجود مستقر در شب و روز

و له ما سکن فی الیل و النهار

<سکن>، از ماده <سکنی> (به معنی مسکن گزید): و <ما سکن .. >، شامل هر موجودی است که در ظرف شب و روز قرار گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۶،۷

۶ روز ، پیوسته با پوششی از شب نهران می شود .

یغشی الیل النهار

۷ نهران گشتن روز با پوشش شب ، از تدابیر خداوند در جهان هستی

ثم استوى على العرش يغشى الليل النهار

<يغشى الليل .. > بيان مصداقى است از جمله <استوى على العرش>.

گردش شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲

۱ - توانایی خداوند بر جا به جا کردن شب و روز ، دلیلی است گویا برای توانایی او بر یاری رساندن به ستمدیدگان در انتقام گرفتن آنان از ستمگران .

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ .. وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

در آیه پیش، خداوند به آن مسلمانی که مورد ستم و تجاوز مشرکان قرار گرفته بود، وعده قطعی داد که او را یاری خواهد کرد تا انتقامش را از متجاوزان بازستاند در این آیه، برای این که کسی در توانایی خدا بر تحقق بخشیدن به وعده‌هایش و در حمایت و پشتیبانی از ستم دیدگان تردیدی نکند، گوشه‌ای از قدرت نهایت خود را بیان کرده است.

۲ - در پی هم آوردن شب و روز و جای‌گزینی مستمر یکی به جای دیگری ، جلوه‌ای از توانایی مطلق خدا

بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

<ایلاج> (مصدر <یولج>) به معنای وارد کردن است. وارد کردن شب در روز و روز در شب، می‌تواند کنایه از جابه‌جا کردن شب و روز باشد، یعنی، خدا شب را به تدریجاً جای‌روز و روز را تدریجاً به جای شب قرار می‌دهد. هم‌چنین می‌تواند به معنای کم کردن از روز و افزودن بر شب و بالعکس باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

۳ - نوسانات مستمر ساعات شب و روز (کوتاهی و بلندی آنها) در طول سال ، نشان از قدرت بی‌نهایت خداوند دارد .

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

برداشت فوق، بر این اساس است

که مراد از وارد کردن شب در روز، کاستن از مقدار شب و افزودن بر مقدار روز باشد. و نیز مراد از ایلا-ج روز در شب، کاستن از ساعات روز و افزودن بر ساعات شب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۲ - ۱،۴

۱ - جابه جایی مستمر شب و روز در پرتو قدرت خدا، نشانه ای گویا از تدبیر و ربوبیت او است .

بَأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ . . . ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ

آیه پیش در بیان یکی از جلوه های قدرت و توانایی مطلق خدا بود؛ یعنی، جابه جا کردن شب و روز که با آن نظام زندگی انسان ها سامان می یابد. در این آیه می فرماید: این که خداوند خود تدبیر نظام جهان را در اختیار گرفت، بدان سبب است که در تمام هستی، تنها او است که اله و معبود به حق است و هرچه غیر او که معبود پنداشته می شوند پوچ، باطل و موهوم اند و بلند مرتبگی و بزرگی، تنها برازنده او است و نه غیر او.

۴ - گردش شب و روز در سایه تدبیر خدا، آیتی روشن بر بطلان مرام شرک و پوچی خدایان دیگر

بَأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ . . . وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَطْلُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۱

۱ - رفت و آمد پی در پی شب و روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکر

اختلف الیل و النهار و ... آیت لقوم یعقلون

<اختلاف..> ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز و شب در طی فصول سال را نیز افاده می کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۴

۴ - آمد و شد شب و روز ، حاوی نشانه های توحید و دلیلی بر رحمانیت و رحیمیت خداوند است .

لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. إن فی ... اختلف الليل و النهار ... لأیت

<اختلاف> به معنای تردد (رفت و شد) و نیز به معنای جایگزین شدن چیزی یا کسی به جای دیگری است. همچنین به معنای عدم تساوی آمده است. برداشت فوق مبتنی بر معنای اول و دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۶ - ۲

۲ - آمد و شد شب و روز و جای گزینی مستمر هریک به جای دیگر ، نمودی از حاکمیت اراده الهی بر نظام طبیعت

یولج الیل فی النهار و یولج النهار فی الیل

مراد از <یولج الیل فی النهار..> می تواند این باشد که خداوند، روز را می برد و شب را جایگزین آن می کند و نیز شب را می برد و روز را به جای آن قرار می دهد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

مرز شب و روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۲۳

۲۳ - طلوع فجر حد

فاصل شب و روز

أحل لكم ليلة الصيام .. كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض

<أياماً معدودات> در آیه ۱۸۴، روزه را مخصوص روز می داند و <حتی یتبین ..> شروع روزه را از طلوع فجر قرار داده است. بنابراین، روز در دیدگاه شرع از طلوع فجر آغاز می شود.

شب قدر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{شب قدر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۲۰

۲۰ بیست و یکم رمضان ، شب عروج عیسی (ع) به سوی خداوند

اذ قال الله يا عيسى اني متوفيك و رافعك الي

امام باقر (ع): .. و ليلة احدى و عشرين (من شهر رمضان) ... و فيها رفع عيسى بن مريم ...

خصال صدوق، ص ۵۰۸، ح ۱، باب السبعة عشر نورالثقلين، ج ۱، ص ۳۴۶، ح ۱۵۵.

آثار نزول روح (اسم خاص) در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۴

۴ - نزول ملائکه و روح در شب قدر ، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خير من ألف شهر . تنزل الملائكة و الروح فيها

آثار نزول قرآن در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - نزول قرآن در شب قدر ، نشان سلامتی معارف آن از هر عیب و نقص است .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ .. سلم هی

آثار نزول ملائکه در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- نزول ملائکه و روح در شب قدر ، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خير من ألف شهر . تنزل الملائکه و الروح فيها

اهمیت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۳،۶،۸

۳- برنامه ها و تقدیر های الهی در شب قدر ، متوجه امور مهم و زیربنایی

فيها يفرق كل امر حكيم

برداشت بالا- بدان احتمال که مراد از <حکیم>، امور مهم و زیربنایی باشد؛ بویژه با توجه به ماده حکمت که به معنای استحکام و استواری آمده است.

۶- شب قدر ، شب سرنوشت

فيها يفرق كل امر حكيم

با این که در معنای آیه شریفه، احتمال های مختلفی رخ می نماید؛ اما پیام مشترک همه آنها مطلب یاد شده است. به علاوه که ارتباط این آیه با وصف <مبارکه> در آیه قبل، مؤید آن است.

۸- نزول قرآن در شب قدر ، خود نمودی از تقدیر امور مهم در آن شب

إنا أنزلناه في ليلة مبركة .. فيها يفرق كل امر حكيم

تطبیق کلی <فيها يفرق كل امر حكيم> بر <إنا أنزلناه في ليلة مباركة>، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۳،۶

۳- تقدیر و تدبیر تمامی زوایا و ابعاد هستی در شب قدر ، امری مهم و تنها از سوی خدا امکان پذیر است .

فيها يفرق كل امر حكيم . أمراً من عندنا

برداشت یاد شده با توجه به سه نکته زیر است: الف) <أمراً> حال برای تفریق مستفاد از آیه قبل فرض شده است؛ ب) تنوین

<أمراً> دال بر عظمت و تفخیم است؛

ج) <من عندنا> در سیاق آیه، نوعی حصر را افاده می کند.

۶- شب قدر، شب نزول کتاب های آسمانی پیشین بر پیامبران *

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ .. إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت <إِنَّا كُنَّا..> به مجموع <إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ> نظر داشته باشد؛ یعنی، ما قرآن را در شب قدر، نازل کردیم و این امر در مورد کتاب های آسمانی پیشین نیز تحقق یافته است.

برکت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۲، ۱

۱- نزول قرآن از سوی خداوند، در شبی مبارک و ارجمند (شب قدر)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ

۲- <شب قدر>، شبی مبارک و دارای خیر پایدار

لیله مبرکه

با توجه به این که مفسران <لیله مبارکه> را شب قدر دانسته اند برداشت یاد شده به دست می آید.

تداوم شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۳

۳- شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست.

تنزل

فعل <تنزل>، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

تداوم فضیلت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۴

۴ - شب قدر ، تا سپیده دم به فضیلت خود باقی است .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

تداوم نزول روح (اسم خاص) در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۳

۳ - شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن ، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست .

تنزل

فعل <تنزل>، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

تداوم نزول ملائکه در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۳

۳ - شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن ، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست .

تنزل

فعل <تنزل>، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۶

۶ - در نزول فرشتگان و روح تا سپیده دم شب قدر ، وقفه ای پدید نمی آید .

تنزل الملائکه و الروح فیها .. حتّی مطلع الفجر

حرف <حتّی>، می تواند بیانگر غایت تمام اموری باشد که درباره شب قدر، مطرح شده است.

تشخیص شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۲ - ۱

۱ - ابزار شناخت ویژگی های شب قدر ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدريک ما ليله القدر

مخاطب در <ما أدراک>، هر شخصی است که آیه شریفه را بخواند و یا بشنود.

تقدیر در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۱،۳،۴،۵،۸

۱- شب قدر، شب تقدیر، تدبیر و

تثبیت امور هستی

فیهما یفرق کلّ امر حکیم

واژه <یفرق> ممکن است ناظر به معنای حل و تثبیت امور باشد.

۳- برنامه ها و تقدیر های الهی در شب قدر ، متوجه امور مهم و زیربنایی

فیهما یفرق کلّ امر حکیم

برداشت بالا- بدان احتمال که مراد از <حکیم>، امور مهم و زیربنایی باشد، بویژه با توجه به ماده حکمت که به معنای استحکام و استواری آمده است.

۴- پایداری و خلل ناپذیری امور ، پس از تقدیر در شب قدر *

فیهما یفرق کلّ امر حکیم

مراد از <امر حکیم>، ممکن است امور مستحکمی باشد که در نتیجه تفریق و تقدیر، تحقق آن حتمی شده و بی چون و چرا صورت خواهد گرفت.

۵- تقدیر امور هستی در شب قدر ، نمودی از برکات سرشار الهی در این شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ .. فِیهَا یَفْرُقُ کُلَّ أَمْرٍ حَکِیمٍ

۸- نزول قرآن در شب قدر ، خود نمودی از تقدیر امور مهم در آن شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ .. فِیهَا یَفْرُقُ کُلَّ أَمْرٍ حَکِیمٍ

تطبیق کلی <فیهما یفرق کلّ امر حکیم> بر <إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ>، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۳

۳- تقدیر و تدبیر تمامی زوایا و ابعاد هستی در شب قدر ، امری مهم و تنها از سوی خدا امکان پذیر است .

فیهما یفرق کلّ امر حکیم . أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا

برداشت یاد شده با توجه به سه نکته زیر است: الف) <أمرًا> حال برای تفریق مستفاد از آیه قبل فرض شده است (ب) تنوین

<أمراً> دال بر عظمت و تفخیم است (رج) >من

عندنا > در سیاق آیه، نوعی حصر را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۵،۹

۵ - مشخصات امور جهان در شب قدر، تعیین می شود.

لیله القدر

<قدر> در معانی گوناگونی به کار رفته است؛ از جمله <تقدیر> (مصباح)؛ <تدبیر امور> (قاموس)؛ <تقسیم ارزاق>، <شرف> و <عظمت> (تاج العروس) و ... برداشت یاد شده ناظر به معنای اول و دوم است. مطلق بودن کلمه <قدر>، آن را شایسته تطبیق بر تمام مقدرات ساخته و <من کلّ أمر> (در ذیل سوره) گواه تعمیم است.

۹ - > عن الرضا (ع) ليله القدر يقدر الله عزوجل فيها ما يكون من السنه إلى السنه من حياه أو موت أو خير أو شرّ أو رزق فما قدره في تلك الليله فهو من المحتوم؛

از امام رضا(ع) روایت شده است: خداوند در شب قدر، آنچه را که از این سال تا سال بعد پیش خواهد آمد مقدر می فرماید؛ از زندگی یا مرگ؛ از خوب یا بد، یا روزی. پس آنچه را خداوند در این شب مقدر فرمود، آن حتمی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۹،۱۲

۹ - تقدیر امور جهان در شب قدر، وابسته به نزول ملائکه و روح به زمین است.

تنزل ... من کلّ أمر

<أمر>، ممکن است مفرد <أمر> باشد. در این صورت مراد اموری خواهد بود که در شب قدر، تقدیر می شود و ملائکه و روح برای تدبیر آن امور، به زمین نازل می شوند. حرف <من>

در این احتمال، برای بیان علت غائی است؛ یعنی، <لأجل كل أمر أراد الله قضاءه>.

۱۲ - <عن محمد بن علی (ع) أنه قال في قول الله تعالى <تنزل الملائكة و الروح فيها> قال: تنزل فيها الملائكة و الكتب إلى السماء الدنيا فيكتبون ما يكون في السنة من امور ما يصيب العباد...>

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره سخن خدای تعالی <تنزل الملائكة و الروح فيها> فرمود: فرشتگان و نویسندگان [اعمال] به نزدیک ترین آسمان نازل می شوند و آنچه را در طول سال [آینده] به وجود خواهد آمد، از اموری که به بندگان می رسد، می نویسند.

خیریت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۲

۲- <شب قدر>، شبی مبارک و دارای خیر پایدار

لیله مبرکه

با توجه به این که مفسران <لیله مبارکه> را شب قدر دانسته اند برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۱

۱ - شب قدر، سراسر خیر و سلامتی است .

سلم هی

<سلام>؛ یعنی، سلامتی و پاک بودن از هر عیب (صحاح). خیر بودن آن برای <هی> با آن که مصدر است مبالغه در بیان سلامتی است. علاوه بر این، <سلام>، نکره است و بر ناشناخته بودن مقدار عظمت آن دلالت دارد. تقدیم خبر بر مبتدا که بر حصر دلالت دارد بر مبالغه افزوده است. بیان سلامتی شب قدر از امور ناپسند، گویای آن است که در مقدرات

الهی، <شَرِّ> اصالت ندارد.

زمان شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۴

۴ - شب قدر، تا سپیده دم به فضیلت خود باقی است .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

سلامتی شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۱،۲،۵

۱ - شب قدر، سراسر خیر و سلامتی است .

سلم هی

<سلام> یعنی، سلامتی و پاک بودن از هر عیب (صحاح). خبر بودن آن برای <هی> با آن که مصدر است مبالغه در بیان سلامتی است. علاوه بر این، <سلام>، نکره است و بر ناشناخته بودن مقدار عظمت آن دلالت دارد. تقدیم خبر بر مبتدا که بر حصر دلالت دارد بر مبالغه افزوده است. بیان سلامتی شب قدر از امور ناپسند، گویای آن است که در مقدرات الهی، <شَرِّ> اصالت ندارد.

۲ - سلامتی کامل شب قدر از هر امر ناپسند، نشان شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر .. سلم هی

۵ - سرشار بودن شب قدر از سلامتی، تا پایان سپیده دم ادامه دارد .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

حرف <حتّی> که برای بیان انتهای غایت است دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

عظمت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۲ - ۲،۳

۲ - عظمت شب قدر ، فراتر از حد بیان است .

و ما أدریک ما لیلہ القدر

۳ - پیامبر (ص) ، در شناخت شب قدر و

ویژگی های آن ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدریک ما لیلہ القدر

خطاب در آیه شریفه، گرچه مخصوص پیامبر(ص) نیست؛ ولی بر آن حضرت نیز تعمیم می یابد.

عمل صالح در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۳ - ۵

۵ - > عن حمران أنه سأل أبا جعفر (ع) عن قول الله عزوجلّ > .. ليله القدر خير من ألف شهر < أي شيء عنى بذلك ، فقال العمل الصالح فيها من الصلاة و الزكاه و أنواع الخير خير من العمل في ألف شهر ليس فيها ليله القدر ؛

از حمران روایت شده که از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزوجلّ > .. ليله القدر خير من ألف شهر < سؤال کرد که مقصود از این [بهتری بر هزار ماه] چیست؟ حضرت فرمود: عمل صالح در شب قدر، از قبیله نماز و زکات و انواع کارهای خوب، بهتر است از عمل در هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد.

فضیلت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۱،۱۱

۱- نزول قرآن از سوی خداوند ، در شبی مبارک و ارجمند (شب قدر)

إنا أنزلنه فی لیلہ مبرکه

۱۱- > عن حمران أنه سأل أبا جعفر (ع) عن قول الله عزوجلّ > إنا أنزلناه فی ليله مبارکه < قال : نعم هي ليله القدر و هي فی كلّ سنة فی شهر رمضان فی العشر الأواخر فلم ينزل القرآن إلا فی ليله القدر ... ؛

از حمران روایت شده است که از امام

باقر(ع) در باره سخن خداوند عزوجل >إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكِ< سؤال کرد: حضرت فرمود: آری آن شب مبارک، همان شب قدر است و آن در هر سال در ماه رمضان، در ده روز آخر آن است، و قرآن نازل نگشته مگر در شب قدر. <..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۶

۶ - شب قدر ، شبی با عظمت در پیشگاه خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۳ - ۱،۴

۱ - فضیلت شب قدر ، از هزار ماه خالی از آن ، افزون تر است .

لیله القدر خیر من ألف شهر

۴ - > عن ابن عباس قال : ذُكِرَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ حَمَلَ السَّلَاحَ عَلَى عَاتِقِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى أَلْفَ شَهْرٍ فَعَجِبَ مِنْ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَجَبًا شَدِيدًا وَ تَمَنَّى أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ فِي أُمَّتِهِ . . . فَأَعْطَاهُ اللَّهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَقَالَ : لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ الَّذِي حَمَلَ الْإِسْرَائِيلِيُّ السَّلَاحَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَكَ وَ لِأُمَّتِكَ مِنْ بَعْدِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ رَمَضَانَ ;

از ابن عباس روایت شده که برای رسول خدا(ص) ذکر مردی از بنی اسرائیل به میان آمد که او در راه خدا هزار ماه شمشیر خود را بر شانه اش حمل نموده [و آماده جهاد در راه خدا بود]. رسول خدا(ص) از این جریان سخت تعجب نمود و آرزو کرد که این فضیلت در امتش باشد ... پس خداوند [در مقابل]

به آن حضرت شب قدر را عطا کرد و فرمود: شب قدر، بهتر از هزار ماهی است که آن مرد بنی اسرائیلی در راه خدا سلاح حمل کرد [این شب قدر] برای تو و امتت بعد از تو، تا روز قیامت در هر ماه رمضان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۵

۵ - سرشار بودن شب قدر از سلامتی، تا پایان سپیده دم ادامه دارد.

سلم هی حتّی مطلع الفجر

حرف <حتّی> که برای بیان انتهای غایت است دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

محمد(ص) و شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۲ - ۳

۳ - پیامبر (ص)، در شناخت شب قدر و ویژگی های آن، نیازمند تعلیم الهی است.

و ما أدریک ما لیلہ القدر

خطاب در آیه شریفه، گرچه مخصوص پیامبر(ص) نیست؛ ولی بر آن حضرت نیز تعمیم می یابد.

ملاک تقدیر در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۶ - ۶

۶- تقدیر و تثبیت امور در شب قدر، براساس رحمت پروردگار به خلق

فیها یفرق کلّ أمر حکیم... رحمہ من ربّک

برداشت یاد شده بنا بر این نکته است که <رحمه..> در مقام بیان دلیل <یفرق...> باشد؛ یعنی، تقدیر و تثبیت امور مهم، برای رحمت رسانی است.

نزول روح(اسم خاص) در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ -

۲- روح نازل شونده در شب قدر، هم ردیف فرشتگان نبوده و موجودی برتر از آنان است.

تنزّل الملائکه و الروح فیها

<عطف> نشانه تغایر است و می تواند از قبیل ذکر خاص، بعد از عام و نشانه عظمت باشد. برداشت یاد شده به هر دو احتمال نظر دارد.

۳- شب قدر و نزول ملائکه و روح در آن، امری پیوسته است و به سالی خاص محدود نیست.

تنزّل

فعل <تنزّل>، مضارع است و هر مضارعی که مفاد آن در گذشته نیز انجام گرفته باشد بر استمرار دلالت دارد.

۴- نزول ملائکه و روح در شب قدر، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . تنزّل الملائکه و الروح فیها

۵- فرود آمدن فرشتگان و روح در شب قدر، با اذن خداوند و رخصت او است.

تنزّل الملائکه و الروح فیها یاذن ربهم

۸- فرود فرشتگان و روح به زمین در شب قدر، تدبیری الهی برخاسته از ربوبیت خداوند است.

یاذن ربهم

واژه <رب>، بیانگر برداشت یاد شده است.

۱۰- فرمان های خداوند، برانگیزاننده ملائکه و روح برای نزول به زمین در شب قدر

تنزّل .. من کلّ أمر

حرف <من> که در برداشت یاد شده برای ابتدای غایت دانسته شده است بیانگر آن است که سبب را بیان می کند و دلالت دارد نزول ملائکه، برخاسته از فرمان های خداوند است؛ به گونه ای که هر یک از آن فرمان ها، انگیزه ای مستقل برای نزول آنها است. مراد از <أمر> که در این برداشت، مفرد <أوامر> گرفته شده است فرمانی است که آیه <إنما

أمره إذا أراد شيئاً أن يقول له كن فيكون > (يس، آیه ۸۲)، ناظر به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۶

۶ - در نزول فرشتگان و روح تا سپیده دم شب قدر، وقفه ای پدید نمی آید.

تنزل الملائكة و الروح فيها .. حتى مطلع الفجر

حرف <حتى>، می تواند بیانگر غایت تمام اموری باشد که درباره شب قدر، مطرح شده است.

نزول قرآن در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۱،۴

۱- نزول قرآن از سوی خداوند، در شبی مبارک و ارجمند (شب قدر)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكِ

۴- نزول قرآن در شبی مبارک، بیانگر اهمیت قرآن نزد خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكِ

این که شبی برکت زا برای نزول قرآن برگزیده شده است، خود نشانی از عظمت قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۸

۸- نزول قرآن در شب قدر، خود نمودی از تقدیر امور مهم در آن شب

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكِ .. فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

تطبیق کلی <فیهما یفرق کلّ أمر حکیم> بر <إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكِ>، بیانگر مطلب یاد شده است.

نزول کتب آسمانی در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۶

۶- شب قدر ، شب نزول کتاب های آسمانی پیشین بر پیامبران *

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ . . . إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال

است که عبارت <إِنَّا كُنَّا..> به مجموع <إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مَبْرُكَةٍ> نظر داشته باشد؛ یعنی، ما قرآن را در شب قدر، نازل کردیم و این امر در مورد کتاب های آسمانی پیشین نیز تحقق یافته است.

نزول ملائکه در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۸، ۵

۵ - فرود آمدن فرشتگان و روح در شب قدر، با اذن خداوند و رخصت او است .

تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

۸ - فرود فرشتگان و روح به زمین در شب قدر، تدبیری الهی برخاسته از ربوبیت خداوند است .

بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

واژه <رَبِّ>، بیانگر برداشت یاد شده است.

۱۰ - فرمان های خداوند، برانگیزاننده ملائکه و روح برای نزول به زمین در شب قدر

تَنْزِيلٌ... مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

حرف <من> که در برداشت یاد شده برای ابتدای غایت دانسته شده است بیانگر آن است که سبب را بیان می کند و دلالت دارد نزول ملائکه، برخاسته از فرمان های خداوند است؛ به گونه ای که هر یک از آن فرمان ها، انگیزه ای مستقل برای نزول آنها است. مراد از <أمر> که در این برداشت، مفرد <أوامر> گرفته شده است فرمانی است که آیه <إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ> (یس، آیه ۸۲)، ناظر به آن است.

۱۲ - <عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) أَنَّهُ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى <تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا> قَالَ: تَنْزِيلٌ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ وَ الْكُتُبُ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَكْتُبُونَ مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ

من امور ما یصیب العباد . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره سخن خدای تعالی <تنزل الملائکه و الروح فیها> فرمود: فرشتگان و نویسندگان [اعمال] به نزدیک ترین آسمان نازل می شوند و آنچه را در طول سال [آینده] به وجود خواهد آمد، از اموری که به بندگان می رسد، می نویسند.

۱۳ - > عن النبی (ص) أنه قال : إذا كان ليله القدر تنزل الملائکه الذین هم ساکن سدره المنتهی و منهم جبرئیل فینزل جبرئیل (ع) و معه ألویة ینصب لواء منها علی قبری و لواء علی بیت المقدس و لواء فی المسجد الحرام و لواء علی طور سیناء و لا یدع فیها مؤمناً و لا مؤمنه إلا سلم علیه ;

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: زمانی که شب قدر فرا رسد، فرشتگان ساکن <سدره المنتهی> که از جمله آنان جبرئیل است نازل می شوند. پس جبرئیل [بر زمین] فرود می آید در حالی که پرچم هایی همراه او است. پرچمی را بر سر قبر من و پرچمی را در بیت المقدس و پرچمی را در مسجدالحرام و پرچمی را بر طور سینا برپا می کند و در آن شب، هیچ مرد و زن مؤمنی را فروگذار نمی کند؛ مگر این که بر او سلام می کند.

نشانه های برکت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۵

۵- تقدیر امور هستی در شب قدر ، نمودی از برکات سرشار الهی در این شب

إنّا أنزلنه فی ليله مبرکه . . . فیها یفرق کلّ أمر حکیم

نشانه های فضیلت

شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۴

۴ - نزول ملائکه و روح در شب قدر، نشانه شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . تنزل الملائکه و الروح فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۲

۲ - سلامتی کامل شب قدر از هر امر ناپسند، نشان شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر ... سلم هی

نعمتهای خدا در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۳ - ۳

۳ - نعمت های نازل شده از سوی خداوند در شب های قدر، ارجمندتر از نعمت های عطا شده در ماه هایی بی شمار است .

لیلہ القدر خیر من ألف شهر

فضیلت زمان ها، به ارزشمندی مطروف آن بستگی دارد که در آغاز سوره نمونه ای از آن (نزول قرآن) مطرح شد و جمله <سلام هی> (در آیات بعد) بیانگر ارزشمندی سایر اموری است که در شب قدر تحقق می یابد. عدد <ألف> (هزار)، در برخی آیات دیگر نظیر <لو یعمّر ألف سنه> (بقره، آیه ۹۶) در معنای کثرت به کار رفته است و احتمال اراده آن معنا، در این آیه نیز وجود دارد.

نقش شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۳

۳- قرآن ، در شب قدر نازل شده است .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷

۱ - شب قدر ، زمان فرود آمدن فرشتگان و روح به زمین است .

تنزل الملائكة و الروح فيها

به قرینه سیاق آیات مراد از فعل <تنزل> که در اصل تنزل بوده و به جهت تخفیف یکی از <تاء>های آن حذف شده است فرود آمدن به زمین است.

وقت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۳۷

۳۷ - فضل بن شاذان از امام رضا (ع) روایت کرده : < فان قال : فلم جعل الصوم في شهر رمضان خاصة دون سائر الشهور ؟ قيل لأن شهر رمضان هو الشهر الذي أنزل الله فيه القرآن و فيه فرق بين الحق و الباطل كما قال الله عز و جل > شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدى للناس و بينات من الهدى و الفرقان < و فيه نبىء محمد (ص) و فيه ليلة القدر التي هي خير من ألف شهر ... >

اگر سؤال شود چرا روزه تنها در ماه رمضان واجب شده و در ماههای دیگر واجب نشده است؟ در جواب گفته می شود: چون ماه رمضان ماهی است که خداوند قرآن را در آن نازل کرده و در این ماه، حق و باطل را جدا کرده است. همان طور که خداوند فرموده <شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدى للناس و بينات من الهدى و الفرقان>. در این ماه حضرت محمد(ص) پیامبر شد و شب قدر در این ماه است، شبی که از هزار ماه بهتر است ... >.

جلد - نام سوره - سوره -

۹- > عن أبي عبد الله (ع) : ... إذا كانت ليله ثلاث و عشرين (من رمضان) > فيها يفرق كل أمر حكيم < ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. هر گاه شب بیست سوم رمضان فرا رسد، هر کار با حکمتی فیصله می یابد <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ - > عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إن الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال : لا و الله ما ذلك إلا في ليله تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإن في ليله تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليله احدى و عشرين يفرق كل أمر حكيم و في ليله ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جل جلاله ذلك و هي ليله القدر التي قال الله : > خير من ألف شهر < ;

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری

که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: خیر من ألف شهر <.

۱۱ - > عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال : سألته عن ليلة القدر قال : هي احدى و عشرين أو ثلاث و عشرين ;

زراره گوید: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال کردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است <.

۱۲ - > عن ابن عمر قال : قال رسول الله (ص) : التمسوا ليلة القدر ليلة سبع و عشرين ;

از ابن عمر روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: شب قدر را در شب بیست و هفتم بخواهید <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۵

۵ - سرشار بودن شب قدر از سلامتی ، تا پایان سپیده دم ادامه دارد .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

حرف <حتّی> که برای بیان انتهای غایت است دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

ویژگیهای شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۱،۲

۱- شب قدر ، شب تقدیر ، تدبّر و تثبیت امور هستی

فیها یفرق کلّ أمر حکیم

واژه <یفرق> ممکن است ناظر به معنای حل و تثبیت امور باشد.

۲- شب قدر ، شب ترسیم تفصیلی امور مجمل و حقایق بسیط

فیها یفرق کلّ أمر حکیم

برداشت یاد شده بنابراین که نکته است

که از واژه <یفرق>، معنای تجزیه و تفصیل اراده شده باشد، زیرا امور این جهان دارای دو مرحله است: مرحله اجمال و ابهام که از آن تعبیر به <حکیم> شده و مرحله تفصیل و بسط که از آن تعبیر به <یفرق> شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۲ - ۱

۱ - ابزار شناخت ویژگی های شب قدر، در اختیار همگان نیست.

و ما أدریک ما لیلہ القدر

مخاطب در <ما أدراک>، هر شخصی است که آیه شریفه را بخواند و یا بشنود.

شبهه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شبهه

آثار شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - تلاش در جهت ایجاد تردید در باور های دینی مسلمانان، موجب خشم و عذاب الهی است.

و الذین یحاجون فی اللّٰه .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

آثار شبهه افکنی در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - تلاش در جهت ایجاد تردید در باور های دینی مسلمانان، موجب خشم و عذاب الهی است.

و الذین یحاجون فی اللّٰه .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

آثار شبهه افکنی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۹ - ۳

۳ - تأثیرپذیری مردمان کم عقل و ضعیف الرأی ، از سخنان انکارآمیز کافران مکه علیه موضوع رستاخیز و روز جزا

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ . يُؤْفِكُ عَنْهُ مِنَ الْوَعْدِ

ضمیر در <عنه> می تواند به <قول>

مختلف < باز گردد. در این صورت < عن > تعلیلیه بوده و جمله < یؤفک... > صفت برای < قول > می باشد، یعنی، < یؤفک بسببه... >.

القای شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۶،۱۱

۶ اشراف کفرپیشه قوم نمود برای ایجاد تردید در مؤمنان، از باور و اطمینان آنان به رسالت صالح پرسش کردند.

قال الملاء .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۱۱ تلاش تبلیغاتی کفرپیشگان قوم نمود برای ایجاد شک در رسالت صالح، تلاشی بی ثمر بود.

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

القای شبهه در آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱

۱ برخی مشرکان و مخالفان پیامبر(ص) با یاهو گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأیت الذین یخوضون فی آیتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: < الخوض التخلیط فی المفاوضه علی سبیل اللعب و العبث و ترک التفهم و التبین >. یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

القای شبهه در احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۸

۸ القای شبهات واهی علیه احکام الهی از فعالیت های شیاطین است.

إن الشيطان ليوحون إلى أوليائهم

القای شبهه در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱،۱۱

۱ فرزند کشی و قربانی برای شریکان پنداری خداوند، از سنتهای زشت مشرکان عصر جاهلیت

بوده است.

ساء ما يحكمون. و كذلك زين لكثير من المشركين قتل اولدهم

در آیه شریفه تزین کشتن فرزندان به <شركاء> نسبت داده نشده، لذا محتمل است مراد قربانی کردن فرزندان برای بتها باشد، گر چه اعراب جاهلی به انگیزه های دیگری نیز، مانند فقر، عار از دختر داشتن و .. فرزندان خود را می کشتند.

۱۱ شریکان موهوم خداوند با تزین اعمال ناروا موجبات هلاکت و سردرگمی و اشتباه در دین را برای مشرکان فراهم می سازند.

و كذلك زين .. ليردوهم و ليلبسوا عليهم دينهم

<ردی> به معنای هلاکت و <لبس> به معنای اشتباه است.

القای شبهه در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱

۱ برخی مشرکان و مخالفان پیامبر(ص) با یاهو گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأيت الذين يخوضون في آيتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: <الخوض التخليط في المفاوضه على سبيل اللعب و العبث و ترك التفهم و التبيين>. یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

اهمیت شبهه زدایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۳

۳ لزوم زدودن شبهات و مبارزه با خرافات، از طریق تبیین و توضیح کامل

ثمنیه ازوج من الضأن اثنين

ذکر تفصیلی مصادیق هشتگانه چهارپایان با ترسیم صورتهای گوناگون آن شاید به منظور قلع شبهه و تخریب کامل بنیان آن باشد.

اهمیت شبهه زدایی از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۲ - زدودن خیالات و توهمات واهی درباره مسائل دینی ، شرط اساسی برای ایجاد زمینه های ایمان واقعی در مردم

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم ... و منهم أميون لا يعلمون الكتب إلا أمانی

جمله های فوق (أفتطمعون ..) حاوی این معناست که تا مردم به خیالات واهی، به عنوان مسائل دینی دل خوش کرده اند، انتظار ایمان از آنان نا به جاست. بنابراین آیات یاد شده اشاره به این نکته دارد که: داعیان اسلام و قرآن باید تلاش کنند خیالات واهی را از مردم بزدايند تا زمينه ایمان در آنان فراهم شود.

اهمیت شبهه شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - مبلغان دین باید از شبهات و اشکالات مخالفان مطلع بوده و پاسخ آنها را به شایستگی بدانند .

سيقول .. ما وليهم عن قبلتهم ... قل لله المشرق و المغرب

از اینکه خداوند پیامبر را از شبهات مخالفان - پیش از القای آنها - آگاه می سازد و پاسخ آنان را به وی می آموزد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

بی تأثیری شبهه افکنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند ، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند ، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر ، به آن ایمان بیاورند .

فينسخ الله ما يلقي الشيطان .. و

ليعلم الذين أوتوا العلم ... فتخبت له قلوبهم

ضمير در <أنه الحق> به قرآن باز می گردد که در آیه ۵۲ از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. <إخبات> (مصدر <تخبت>) مشتق از <خبت> است. <خبت> به زمین وسیع و همواری گفته می شود که بی فراز و نشیب است. <قلب مخبت>؛ یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله <فینسخ الله ما یلقى الشیطان...> است؛ یعنی، خداوند شبهه های شیطان را از آیات وحی می زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخوردارند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

پاسخ به شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۳۴

۳۴ لزوم پاسخگویی به تبلیغات و شبهات دشمن و مقابله مناسب در برابر آنان

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه کبیر

وقوع قتل از سوی مسلمانان در ماه حرام، موجب اعتراض و تبلیغات دشمنان دین گردید. قرآن در عین تحریم قتل در ماه حرام، با بیان اعمال خلاف مشرکان، تبلیغات دشمن را خنثی کرد.

تأثیر شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۲

۲ برخی از مسلمانان صدر اسلام به جهت شبهه های ایجاد شده مشرکان از خوردن ذبیحه با نام خدا خودداری می کردند.

فکلوا مما ذکر اسم الله .. و ما لکم ألا تأکلوا

لحن عتاب گونه آیه چنین می نمایاند که بر اثر تبلیغات کافران

و سخنان فریبنده آنان برخی از مسلمانان از خوردن ذبیحه حلال خودداری می کردند.

ترک شبهه افکنی در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۲

۲ - لزوم پرهیز از انکار معاد و تشکیک و شبهه افکنی درباره آن

ثم کلاً

تهدید شبهه افکنان در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۶

۶ - صحنه داوری در قیامت ، تهدیدی گریزناپذیر برای منکران معاد و شبهه افکنان در حقانیت آن

عمّ یتساءلون . . . إنّ یوم الفصل کان میقّتاً

رفع شبهه از حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۵، ۱۷

۱۵ لزوم زدودن شک و شبهه از خویشتن در باره راستی و درستی قرآن

فلاتک فی مریه منه

مراد از ضمیر در <منه> قرآن است و مخاطب جمله <فلاتک .. > تک تک انسانهاست.

۱۷ درخواست بصیرت از خداوند ، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه تورات ، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است .

أفمن کان علی بیّنه . . . فلاتک فی مریه منه

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله <فلاتک فی مریه منه > (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن شک می شود و آنها همان حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

رفع شبهه از قرآن

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۶۸

۶ - زدوده شدن شبهات شیطانی از آیات تلاوت شده توسط پیامبران و استوار گشتن آن به اراده خداوند

فینسخ الله ما یلقى الشیطن ثم ینسخ الله یته

<نسخ> (مصدر <ینسخ>) به معنای ازاله، ابطال و زدودن است. <ما> (مفعول <ینسخ>) کنایه از شبهاتی است که شیطان به هنگام تلاوت آیات الهی توسط پیامبران، در آنها می نهاد. <احکام> نیز به معنای استوار کردن است. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: آن گاه خداوند شبهات شیطانی را می زدود و آیات خود را پس از سست و لرزان شده با آن شبهات، محکم و استوار می ساخت.

۸ - آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر، جلوه ای از علم و حکمت خداوند

ألقى الشیطن . . . و الله علیم حکیم

رفع شبهه در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۶

۶ ارائه راه حق و تفسیر حقیقت، در برابر سخنان باطل و شبهه انگیز، شیوه پسندیده در تبلیغ و ارائه تعالیم دین

و لایأتونک بمثل إلا جئنک بالحق و أحسن تفسیراً

روش رفع شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۳

۳ - بیان شبهه و القای آن، جهت آمادگی برای ابطال و رفع شبهه، مجاز است.

قال بل ألقوا فإذا

موسی (ع) می توانست با انتخاب شروع، بساط کار ساحران را برچیده و اساساً اجازه کار

را به آنان ندهد؛ ولی رخصت او در اعمال سحر ساحران، بدان جهت بود تا شبهه ای را که فرعون القا کرده بود (فلنأتینک ..) ابطال کند و حقانیت خود را نشان دهد. این اجازه، نشانگر این نکته است که اجازه بیان شبهات برای پاسخ گویی به آن اشکالی ندارد؛ بلکه مطلوب است.

زمینه شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۶

۶ کیفیت خلقت عیسی و دروغ پردازی های نصارا در مورد آن ، زمینه ایجاد شبهه

فلا تکن من الممترین

آنچه می تواند برای مخاطبین قرآن در مورد حضرت مسیح، تردید ایجاد کند، همان خلقت استثنایی آن حضرت است که با توجه به <انّ مثل .. >، این شبهه از بین می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲۸

۲۸ خلقت ویژه حضرت مسیح (ع) ، نباید موجب پیدایش شبهه الوهیت در مورد وی گردد .

لقد كفر الذين .. يخلق ما يشاء

گویا جمله <يخلق ما يشاء> در رد پندار کسانی است که به خاطر نحوه خاص آفرینش حضرت مسیح(ع)، قائل به الوهیت وی شدند.

سرزنش شبهه افکنی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲ - ۴

۴ - < سؤال برانگیز > جلوه دادن حوادث جهان آخرت ، کاری ناشایست است .

عمّ يتساءلون . عن النبأ العظيم

سرزنش شبهه افکنی درباره محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۲

۲- شبهه

اندازی درباره معاد و پیامبری رسول اکرم (ص)، عملی زشت و نکوهیده است.

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت .. و ما أرسلنا من قبلك إلا رجا

<سَيِّئَات> (جمع سَيِّئَة) به معنای هر عمل زشت است و مراد از <السَيِّئَات> در آیه به قرینه <فأصابهم سَيِّئَات ما عملوا> می تواند شبهاتی باشد که در آیات قبل از سوی مشرکان مطرح شده بود.

سرزنش شبهه افکنی معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۲

۲- شبهه اندازی درباره معاد و پیامبری رسول اکرم (ص)، عملی زشت و نکوهیده است.

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت .. و ما أرسلنا من قبلك إلا رجا

<سَيِّئَات> (جمع سَيِّئَة) به معنای هر عمل زشت است و مراد از <السَيِّئَات> در آیه به قرینه <فأصابهم سَيِّئَات ما عملوا> می تواند شبهاتی باشد که در آیات قبل از سوی مشرکان مطرح شده بود.

شبهه افکنان معاد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۵

۵ - شبهه افکنان در مورد معاد، پاسخ خود را تنها با مشاهده قیامت خواهند یافت.

یتساءلون .. ثم كلاً سيعلمون

شبهه افکنی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۸

۲۸- اقوام کافر پیشین، ضمن طرح شبهاتی در مقابل دعوت روشن انبیا، از آنان خواستار دلیلی قاطع و روشن (معجزه) بودند

إن أنتم إلا بشر

مثلنا .. فأتونا بسلطن مبین

شبهه افکنی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۴

۴ - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالندر

شبهه افکنی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۴

۴ - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالندر

شبهه افکنی در انذارهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۲

۲ - روی آوردن قوم لوط ، به جدال و تشکیک نسبت به انذارها / بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالندر

شبهه افکنی در درباره خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۹

۹- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا ، معاد و پیامبر (ص) ، از راه کار های بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (

ص) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء .. و أقسموا بالله ... لا يبعث الله من

این برداشت بنا بر صفت بودن <سیئات> برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل <مکروا> بوده، می باشد. بنابراین مراد از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر(ص) گفته می شد.

شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۴

۴ - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم ... فتماروا بالندر

شبهه افکنی در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۸

۸ - آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر ، جلوه

ای از علم و حکمت خداوند

ألقي الشيطان . . . و الله عليم حكيم

شبهه افکنی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۸

۸ - تشکیک در برپایی قیامت ، نشانگر گمراهی عمیق انسان

ألا إنّ الذين يمارون في الساعة لفي ضلل بعيد

شبهه افکنی در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۹

۹ - ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا ، معاد و پیامبر (ص) ، از راه کار های بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (

ص) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء . . . و أقسموا بالله ... لا يعث الله من

این برداشت بنا بر صفت بودن <سیئات> برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل <مکروا> بوده، می باشد. بنابراین مراد از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر(ص) گفته می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۲

- کافران عصر بعثت، وعده معاد را، به تمسخر گرفته و درباره حقایق آن پرسش‌ها و شبهه‌هایی بر سر زبان‌ها می‌انداختند.

عمّ يتساءلون

تهدید پرسشگران با جمله <سيعلمون> در آیات بعد این احتمال را تقویت می‌کند که هدف آنان از پرسش‌ها، کشف حقیقت نبود؛ بلکه آنان در پی ایجاد سؤال و شبهه در ذهن دیگران و طعنه و کنایه زدن به وعده معاد بودند.

شبهه افکنی در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۵

۵ - تلاش کافران برای ایجاد شبهه و تردید در مؤمنان نسبت به باورهایشان

و يقولون متی هذا الوعد إن كنتم صدقین

تعبیر <إن كنتم صادقین> به صیغه جمع، نشان می‌دهد که روی سخن کافران با مؤمنان بوده است نه صرفاً پیامبر(ص). بنابراین بیان این سؤالات، می‌تواند به منظور به بن بست کشاندن اهل ایمان طرح شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۵

۵ - تلاش کافران، برای ایجاد شبهه و تردید در باورهای مؤمنان

و يقولون متی هذا الوعد إن كنتم صدقین

تعبیر <إن كنتم صادقین> به صیغه جمع نشان می‌دهد که روی سخن کافران، با مؤمنان بوده است نه صرفاً پیامبر اسلام(ص). بنابراین طرح این پرسش‌ها، می‌تواند برای به بن بست کشاندن اهل ایمان و ایجاد تهدید در باورهای آنان صورت گرفته باشد.

شبهه افکنی درباره محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۹

شبهه در ذهن مردم درباره خدا، معاد و پیامبر (ص)، از راه کارهای بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (ص) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء .. و أقسموا بالله ... لا يبعث الله من

این برداشت بنا بر صفت بودن <سیئات> برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل <مکروا> بوده، می باشد. بنابراین مراد از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر(ص) گفته می شد.

شبهه افکنی رهبران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱۲

۱۲ القای شبهات و بهانه جویی در برابر آیات الهی و رسالت رسولان او، از مکرهای سردمداران مجرم بوده است.

أكبر مجرمیها لیمکروا .. لن تؤمن حتی تؤتی ... بما كانوا یمکرون

یادآور شدن اشکال تراشیهی سردمداران کفر، پس از ذکر مکر و فریبکاری آنان، می تواند بیان مصداقی بارز برای مکر و فریب آنان باشد.

شبهه افکنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۴،۷۸

۴ - شبهه آفرینی شیطان به هنگام تلاوت آیات الهی توسط پیامبران برای مردم

و ما أرسلنا من قبلك من رسول ولا نبی إلا إذا تمنى ألقى الشیطن فی أمئته

۷ - شبهه آفرینی شیطان به هنگام تلاوت آیات قرآن توسط پیامبر اسلام (ص) برای مردم

و ما أرسلنا .. ألقى الشیطن فی أمئته

۸ - آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت

آیات از سوی دیگر ، جلوه ای از علم و حکمت خداوند

ألقى الشيطان . . . و الله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۲ - ۲

۲ - تلاش شیطان ، برای ایجاد شک و تردید در اعتقاد به قیامت

فلاتمترن بها . . . ولا يصدنكم الشيطان

شبهه افکنی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۶

۱۶ - > و قيل كتابتهم بأيديهم عمدوا إلى التوراه و حرفوا صفه النبي (ص) ليوقعوا الشك بذلك للمستضعفين من اليهود و هو المروى عن ابى جعفر (ع) . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که: >علمای یهود به سراغ تورات رفتند و اوصاف حضرت محمد(ص) را در آن تغییر دادند تا به این وسیله در دل مستضعفان فکری یهود، شک ایجاد کنند.<

شبهه افکنی علیه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۲

۲ - کافران ، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین ، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (ص)

أم يريدون كيدًا

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر(ص) و بررسی علل آن اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از ابهام شخصیت پیامبر(ص) نیست بلکه دقیقاً ترفندی خائانه است.

شبهه افکنی فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۳ - ۳

- تلاش خطاکاران فاسد ، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كَلِّ أَفَّاكٌ أَتَمُّ . يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرَهُمْ كَذِبُونَ

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می توانند به <كَلِّ أَفَّاكٌ> باز گردد و <السَّمْعَ> نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، <يَلْقَوْنَ هَؤُلَاءِ الْمُنْحَرِفُونَ مَسْمُوعَاتِهِمْ عَلَى النَّاسِ وَ الْحَالُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ كَاذِبُونَ فِيمَا يَلْقَوْنَهُ> این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند.

شبهه افکنی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۹ - ۴

۴- فرعون با اظهار بی اطلاعی از پروردگار موسی و هارون ، رکن اصلی پیام های آنان را زیر سؤال برد .

إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ .. أَوْحَى إِلَيْنَا ... فَمَنْ رَبِّكُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۲

۲- فرعون با مطرح ساختن شرک ربوبی اقوام گذشته ، برای موسی (ع) به استبعاد و القای شبهه در مورد توحید ربوبی پرداخت .

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۲

۲- فرعون ، درباره خدای مورد ادعای موسی اظهار تردید کرد .

و قَالَ فِرْعَوْنُ .. مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي

شبهه افکنی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- روی آوردن قوم لوط ، به جدال و تشکیک نسبت به انذار

ها ؛ بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالئذ

شبهه افکنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۳

۳ - لزوم حراست از دین و آیین الهی در برابر شبهه افکنی ها و فشار های کافران

فلایصدنک عنها من لایؤمن بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۵

۵ - تلاش کافران برای ایجاد شبهه و تردید در مؤمنان نسبت به باورهایشان

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

تعبیر <إن کنتم صادقین> به صیغه جمع، نشان می دهد که روی سخن کافران با مؤمنان بوده است نه صرفاً پیامبر(ص). بنابراین بیان این سؤالات، می تواند به منظور به بن بست کشاندن اهل ایمان طرح شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۱

۱- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، با ارائه رهنمود به آن حضرت در قبال تشکیک کافران

أم یقولون افتریه .. قل ما کنت بدعاً من الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۲

۲ - کافران ، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین ، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (ص)

أم یریدون کیداً

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر(ص) و بررسی علل آن اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از ابهام شخصیت پیامبر(ص) نیست بلکه دقیقاً

ترفندی خائنانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنَّا لمبعوثون .. قل إنَّ الأولین و الآخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۵

۵ - تلاش کافران ، برای ایجاد شبهه و تردید در باور های مؤمنان

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

تعبیر <إن کنتم صادقین> به صیغه جمع نشان می دهد که روی سخن کافران، با مؤمنان بوده است نه صرفاً پیامبر اسلام(ص). بنابراین طرح این پرسش ها، می تواند برای به بن بست کشاندن اهل ایمان و ایجاد تهدید در باورهای آنان صورت گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۲

۲ - کافران عصر بعثت ، وعده معاد را ، به تمسخر گرفته و درباره حقایق آن پرسش ها و شبهه هایی بر سر زبان ها می انداختند .

عمّ یتساءلون

تهدید پرسشگران با جمله <سیعلمون> در آیات بعد این احتمال را تقویت می کند که هدف آنان از پرسش ها، کشف حقیقت نبود بلکه آنان در پی ایجاد سؤال و شبهه در ذهن دیگران و طعنه و کنایه زدن به وعده معاد بودند.

شبهه افکنی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تلاش خطاکاران فاسد ، برای شایعه پراکنی و القای باور های

دروغین خود به مردم

كُلُّ أَفَّاكٍ أَثِيمٌ . يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرَهُمْ كَذِبُونَ

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می تواند به <كُلُّ أَفَّاكٍ> باز گردد و <السَّمْعَ> نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، <يلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أنّ أكثرهم كاذبون فيما يلقونه> این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند.

شبهه افکنی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما ننسخ من آیه .. أم تریدون أن تسئلوا رسولکم ... وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر(ص) دچار تردید کنند.

شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱

۱ برخی مشرکان و مخالفان پیامبر(ص) با یاهوه گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأیت الذین یخوضون فی آیتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: <الخوض التخلیط فی المفاوضه علی سبیل اللعب و العبث و

ترك التفهم و التبيين >. یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۷

۷ - مجادله و تشکیک مستمر مشرکان ، نسبت به برپایی قیامت

إِنَّ الَّذِينَ يَمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

>ممارات < (مصدر <یمارون >) به معنای اصرار بر جدال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۳ - ۴

۴- موحدان راستین ، همواره مواجه با تردید ها و تشکیک های عوامل شرک

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا

از ملاحظه نسبت میان <قالوا ربنا الله > و <ثم استقاموا >، استفاده می شود که اقرار و اعتراف به توحید، همواره مواجه با ضدیت هایی است که شخص یکتاپرست باید با آنها مبارزه کرده و استقامت ورزد. آن عوامل ضد توحیدی، یا اعتقادی است که منتهی به <شرک > می شود و یا عملی است که منتهی به گناه می گردد.

شبهه افکنی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن ، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما ننسخ من آیه .. أم تریدون أن تسئلوا رسولکم ... وڈ کثیر من أهل الکتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است

که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر(ص) دچار تردید کنند.

عوامل رفع شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ توجه به راستگویی مطلق خداوند ، برطرف کننده هر گونه تردید در تحقق قیامت

ليجمعنکم الی یوم القیمه لا ریب فیہ و من اصدق من اللہ حدیثا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۶

۶ توجه و باور به قدرت مطلق خدا ، زداینده هر گونه شبهه درباره معاد و برپایی قیامت

إلی الله مرجعکم و هو علی کل شیء قدیر

هدف از بیان قدرت خداوند ، پس از طرح مسأله معاد و روز قیامت ، این است که انسانها را متوجه قدرت همه جانبه خدا کند تا مبادا در تحقق یافتن قیامت که پذیرش آن برای نوع انسانها مشکل است تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱۲

۱۲- تفکر در چگونگی آفرینش انسان زداینده هر گونه تردید در حاکمیت اراده و قدرت خدا بر اسباب و علل طبیعت

هو علیٰ هین و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئاً

عوامل رفع شبهه از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۳

۳ - تأمل در آیات قرآن ، زداینده هر گونه تردید در الهی و آسمانی بودن آن

أفلم يدبروا القول

عوامل زوال شبهه در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ باور به علم مطلق خدا و قدرت گسترده و همه جانبه او، زایل کننده هر گونه شبهه در راستی و درستی تحقق معاد و زنده شدن مردگان

ثم يحييكم ثم إليه ترجعون. هو الذي خلق ... و هو بكل شيء علیم

جمله <هو الذي... سبغ سماوات> اشاره به قدرت بی انتهای خداوند دارد و جمله <و هو بكل شيء علیم> حاکی از علم مطلق الهی است. از هدفهای بیان قدرت و علم همه جانبه خداوند - پس از بیان معاد و زنده کردن مردگان (ثم يحييكم ثم إليه ترجعون) - بر طرف کردن هر گونه شبهه در راستی و درستی آن می باشد.

عوامل شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۱

۱ - خداوند از بنی اسرائیل خواست تا حق و باطل را به هم نیامیخته و با ارائه باطل ها، حق را بر مردم مشتبه نکنند.

ولا تلبسوا الحق بالباطل

<لبس> (مصدر لاتلبسوا) به معنای: آمیختن و نیز مشتبه کردن است. بر اساس معنای اول <باء> در <بالباطل> برای تعدیه و بر اساس معنای دوم <با> استعانت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۱

۱۱ ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبر(ص) و مخالفت آنان با حضرت، امری شبهه افکن در دلهای مردم بوده است.

والذين ءاتينهم الكتب يعلمون أنه منزل من ربك بالحق فلا تكونن من الممترین

ظاهراً آیه شریفه در مقام رفع تردیدی است که از ناحیه ایمان نیاوردن اهل کتاب در دلهای برخی

ایجاد می گشت. با این بیان که آنان حقانیت قرآن را می دانند، ولی به جهت دیگری آن را انکار می کنند، پس مسلمانان نباید به سبب ایمان نیاوردن آنان به خود شک راه دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۸ - ۷

۷ تردید افکنی درباره حلیت حیوانی که با نام خدا ذبح شده باشد، از محورهای تبلیغاتی علیه اسلام و پیامبر(ص) در مکه بوده است.

و إن تطع أكثر من فی الأرض .. فكلوا مما ذکر اسم الله علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۲،۱۵

۲ برخی از مسلمانان صدر اسلام به جهت شبهه های ایجاد شده مشرکان از خوردن ذبیحه با نام خدا خودداری می کردند.

فكلوا مما ذکر اسم الله .. و ما لكم ألا تأكلوا

لحن عتاب گونه آیه چنین می نمایاند که بر اثر تبلیغات کافران و سخنان فریبنده آنان برخی از مسلمانان از خوردن ذبیحه حلال خودداری می کردند.

۱۵ هوای نفس موجب خدشه و تشکیک در احکام حلال و حرام خداوند می شود.

و ما لكم ألا تأكلوا .. و إن كثيرا یضلون بأهوائهم بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۸

۸ القای شبهات واهی علیه احکام الهی از فعالیت های شیاطین است.

إن الشیطان لیوحون إلی أولیائهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱۰

۱۰ تزئین اعمال زشت، از طرفندهای گمراهگران برای به هلاکت افکندن مردم و

به اشتباه انداختن آنها در دین

و کذلک زین . . . لیردوهم و لیلبسوا علیهم دینهم

عوامل شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۹

۹ - تردیدافکندن در باور های دینی ، نتیجه گمراهی عمیق انسان

ألا إِنَّ الذین یمارون

با توجه به معنای <یمارون> (مجادله ای که در آن شک و تردید باشد) برداشت بالا به دست می آید. (مفردات راغب).

فلسفه رفع شبهه از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۱

۱ - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند ، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند ، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر ، به آن ایمان بیاورند .

فینسخ الله ما یلقى الشیطن . . . و لیعلم الذین أوتوا العلم ... فتخبت له قلوبهم

ضمیر در <أنه الحق> به قرآن باز می گردد که در آیه ۵۲ از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. <إخبات> (مصدر <تخبت>) مشتق از <خَبَت> است. <خَبَت> به زمین وسیع و همواری گفته می شود که بی فراز و نشیب است. <قلب مخبت>؛ یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله <فینسخ الله ما یلقى الشیطان...> است؛ یعنی، خداوند شبهه های شیطان را از آیات وحی می زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخوردارند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود

و آرام گیرد.

فلسفه شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۹

۹- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا، معاد و پیامبر (ص)، از راه کارهای بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (ص) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء .. و أقسموا بالله ... لا يعث الله من

این برداشت بنابر صفت بودن <سینات> برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل <مکروا> بوده، می باشد. بنابراین مراد از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر(ص) گفته می شد.

گناه شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۳

۳- مجادله در آیات الهی و ایجاد شبهات اعتقادی، از گناهان بزرگ است.

و يعلم الذين يجدلون في آيتنا .. و الذين يجتنبون كثر الإثم

منشأ شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۷

۷- زیر سؤال بردن وقوع قیامت از سوی مشرکان، ناشی از جهل آنان بوده است.

و لكن أكثر الناس لا يعلمون . و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

برداشت یاد شده بنابر عطف <يقولون> بر عبارت قبل، از باب عطف مسبب بر سبب است، یعنی، بیشتر مردم نمی دانند و [به خاطر همین ندانستن]، معاد را زیر سؤال می برند.

نافرجامی شبهه افکنی در توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - کوشش تردیدافکنان در باور های توحیدی مردمان ، کوششی نافرجام

و الذین یحاجون فی اللّٰه .. حجّتهم داحضه عند ربّهم

نهی از شبهه افکنی در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، منکران معاد را از شبهه افکنی و استهزا بر حذر ساخته است .

یتساءلون .. مختلفون . کلاً سیعلمون

هماهنگی شبهه افکنی با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

هماهنگی کفر با شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

هماهنگی ممانعت از خیر با شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مناع للخیر معتد مریب

شبهه افکنی

آثار شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری -

۱۳ - تلاش در جهت ایجاد تردید در باور های دینی مسلمانان ، موجب خشم و عذاب الهی است .

و الذین یحاجون فی اللّٰه .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

آثار شبهه افکنی در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - تلاش در جهت ایجاد تردید در باور های دینی مسلمانان ، موجب خشم و عذاب الهی است .

و الذین یحاجون فی اللّٰه .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

آثار شبهه افکنی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۹ - ۳

۳ - تأثیرپذیری مردمان کم عقل و ضعیف الرأی ، از سخنان انکارآمیز کافران مکه علیه موضوع رستاخیز و روز جزا

إنکم لفی قول مختلف . یؤفک عنه من أفک

ضمیر در <عنه> می تواند به <قول مختلف> بازگردد. در این صورت <عن> تعلیلیه بوده و جمله <یؤفک...> صفت برای <قول> می باشد؛ یعنی، <یؤفک بسببه...>.

بی تأثیری شبهه افکنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۱

۱ - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند ، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند ، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر ، به آن ایمان بیاورند .

فینسخ اللّٰه ما یلقى الشیطن .. و لیعلم الذین أوتوا العلم ... فتخبث له قلوبهم

ضمير در <أنه الحق> به قرآن باز می گردد که در آیه

۵۲ از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. <إِخْبَاتٍ> (مصدر <تخبت>) مشتق از <خَبِتَ> است. <خَبِتَ> به زمین وسیع و همواری گفته می شود که بی فراز و نشیب است. <قلب مخبت>؛ یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله <فینسخ الله ما یلقى الشیطان...> است؛ یعنی، خداوند شبهه های شیطان را از آیات وحی می زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخوردارند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

تأثیر شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۲

۲ برخی از مسلمانان صدر اسلام به جهت شبهه های ایجاد شده مشرکان از خوردن ذبیحه با نام خدا خودداری می کردند.

فکلوا مما ذکر اسم الله .. و ما لکم ألا تأکلوا

لحن عتاب گونه آیه چنین می نمایاند که بر اثر تبلیغات کافران و سخنان فریبنده آنان برخی از مسلمانان از خوردن ذبیحه حلال خودداری می کردند.

ترک شبهه افکنی در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۲

۲ - لزوم پرهیز از انکار معاد و تشکیک و شبهه افکنی درباره آن

ثم کلاً

سرزنش شبهه افکنی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲ - ۴

۴ - <سؤال برانگیز > جلوه دادن حوادث جهان آخرت ، کاری ناشایست است .

عم یتساءلون . عن النبأ العظیم

افکنی درباره محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۲

۲- شبهه اندازی درباره معاد و پیامبری رسول اکرم (ص) ، عملی زشت و نکوهیده است .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لایبعث الله من یموت .. و ما أرسلنا من قبلك إلا رجا

<سینات> (جمع سینّه) به معنای هر عمل زشت است و مراد از <السینات> در آیه به قرینه <فأصابهم سینات ما عملوا> می تواند شبهاتی باشد که در آیات قبل از سوی مشرکان مطرح شده بود.

سرزنش شبهه افکنی معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۲

۲- شبهه اندازی درباره معاد و پیامبری رسول اکرم (ص) ، عملی زشت و نکوهیده است .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لایبعث الله من یموت .. و ما أرسلنا من قبلك إلا رجا

<سینات> (جمع سینّه) به معنای هر عمل زشت است و مراد از <السینات> در آیه به قرینه <فأصابهم سینات ما عملوا> می تواند شبهاتی باشد که در آیات قبل از سوی مشرکان مطرح شده بود.

شبهه افکنی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۸

۲۸- اقوام کافر پیشین ، ضمن طرح شبهاتی در مقابل دعوت روشن انبیا ، از آنان خواستار دلیلی قاطع و روشن (معجزه) بودند

إن أنتم إلا بشر مثلنا .. فأتونا بسلطن مبین

شبهه افکنی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴

۴ - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالآندر

شبهه افکنی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۴

۴ - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالآندر

شبهه افکنی در اندازهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۲

۲ - روی آوردن قوم لوط ، به جدال و تشکیک نسبت به اندازها / بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالآندر

شبهه افکنی در درباره خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۹

۹- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا ، معاد و پیامبر (ص) ، از راه کارهای بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (

ص) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء .. و أقسموا بالله ... لایبعث الله من

این برداشت بنابر صفت بودن <سیئات> برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل <مکروا> بوده، می باشد. بنابراین مراد

از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر(ص) گفته می شد.

شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۴

۴ - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالآندر

شبهه افکنی در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۸

۸- آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر ، جلوه ای از علم و حکمت خداوند

ألقى الشيطان .. و الله عليم حكيم

شبهه افکنی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۸

۸- تشکیک در برپایی قیامت ، نشانگر گمراهی عمیق انسان

ألا إن الذين يمارون في الساعة لفي ضلال بعيد

شبهه افکنی در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۹

۹- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا ، معاد و پیامبر (ص) ، از راه کارهای بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (ص) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء .. و أقسموا بالله ... لا بيعث الله من

این برداشت بنابر صفت بودن <سینات> برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل <مکروا> بوده، می باشد. بنابراین مراد از مکروهی بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر(ص) گفته می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۲

۲ - کافران عصر بعثت ، وعده معاد را ، به تمسخر گرفته و درباره حقایق آن پرسش ها و شبهه هایی بر سر

زبان ها می انداختند .

عمّ يتساءلون

تهدید پرسشگران با جمله <سيعلمون> در آیات بعد این احتمال را تقویت می کند که هدف آنان از پرسش ها، کشف حقیقت نبود؛ بلکه آنان در پی ایجاد سؤال و شبهه در ذهن دیگران و طعنه و کنایه زدن به وعده معاد بودند.

شبهه افکنی در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۵

۵ - تلاش کافران برای ایجاد شبهه و تردید در مؤمنان نسبت به باورهایشان

و يقولون متی هذا الوعد إن كنتم صدقین

تعبیر <إن كنتم صادقین> به صیغه جمع، نشان می دهد که روی سخن کافران با مؤمنان بوده است نه صرفاً پیامبر(ص). بنابراین بیان این سؤالات، می تواند به منظور به بن بست کشاندن اهل ایمان طرح شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۵ - ۵

۵ - تلاش کافران ، برای ایجاد شبهه و تردید در باور های مؤمنان

و يقولون متی هذا الوعد إن كنتم صدقین

تعبیر <إن كنتم صادقین> به صیغه جمع نشان می دهد که روی سخن کافران، با مؤمنان بوده است؛ نه صرفاً پیامبر اسلام(ص). بنابراین طرح این پرسش ها، می تواند برای به بن بست کشاندن اهل ایمان و ایجاد تهدید در باورهای آنان صورت گرفته باشد.

شبهه افکنی درباره محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۹

۹- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا ، معاد و پیامبر (ص) ، از راه کار های بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن

پیامبر (ص) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء .. و أقسموا بالله ... لا يبعث الله من

این برداشت بنا بر صفت بودن < سیئات > برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل < مکروا > بوده، می باشد. بنابراین مراد از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر(ص) گفته می شد.

شبهه افکنی رهبران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱۲

۱۲ القای شبهات و بهانه جویی در برابر آیات الهی و رسالت رسولان او، از مکرهای سردمداران مجرم بوده است.

أكبر مجرمیها لیمکروا .. لن نؤمن حتی نؤتی ... بما كانوا یمکرون

یادآور شدن اشکال تراشیهای سردمداران کفر، پس از ذکر مکر و فریبکاری آنان، می تواند بیان مصداقی بارز برای مکر و فریب آنان باشد.

شبهه افکنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۴،۷۸

۴ - شبهه آفرینی شیطان به هنگام تلاوت آیات الهی توسط پیامبران برای مردم

و ما أرسلنا من قبلك من رسول و لانبئ إلا إذا تمنى ألقى الشیطن فی أمئته

۷ - شبهه آفرینی شیطان به هنگام تلاوت آیات قرآن توسط پیامبر اسلام (ص) برای مردم

و ما أرسلنا .. ألقى الشیطن فی أمئته

۸ - آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر، جلوه ای از علم و حکمت خداوند

ألقى الشیطن .. و الله علیم حکیم

سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۲ - ۲

۲ - تلاش شیطان ، برای ایجاد شک و تردید در اعتقاد به قیامت

فلاتمترنّ بها .. و لایصدنکم الشیطن

شبهه افکنی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۶

۱۶ - > و قيل کتابتهم بأیدیهم انهم عمدوا إلى التوراه و حرفوا صفه النبی (ص) لیوقعوا الشک بذاکک للمستضعفین من الیهود و هو المروى عن ابی جعفر (ع) . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که: >علمای یهود به سراغ تورات رفتند و اوصاف حضرت محمد(ص) را در آن تغییر دادند تا به این وسیله در دل مستضعفان فکری یهود، شک ایجاد کنند.<

شبهه افکنی علیه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۲

۲ - کافران ، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین ، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (ص)

أم یریدون کیداً

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر(ص) و بررسی علل آن اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از ابهام شخصیت پیامبر(ص) نیست بلکه دقیقاً ترفندی خائنانه است.

شبهه افکنی فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تلاش خطاکاران فاسد ، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

كَلَّ أَفَّاكٌ أَثِيمٌ . يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرَهُمْ

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می توانند به <کَلَّ أَفَّاكٌ> باز گردد و <السمع> نیز مصدر به معنای مفعول باشد؛ یعنی، <يَلْقَى هَؤُلَاءِ الْمُنْحَرِفُونَ مَسْمُوعَاتِهِمْ عَلَى النَّاسِ وَالْحَالُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ كَاذِبُونَ فِيمَا يَلْقَوْنَهُ> این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند.

شبهه افکنی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۹ - ۴

۴ - فرعون با اظهار بی اطلاعی از پروردگار موسی و هارون، رکن اصلی پیام های آنان را زیر سؤال برد.

إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ .. أَوْحَى إِلَيْنَا ... فَمَنْ رَبِّكَمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۲

۲ - فرعون با مطرح ساختن شرک ربوبی اقوام گذشته، برای موسی (ع) به استبعاد و القای شبهه در مورد توحید ربوبی پرداخت.

قال فما بال القرون الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۲

۲ - فرعون، درباره خدای مورد ادعای موسی اظهار تردید کرد.

و قال فرعون .. ما علمت لكم من إله غيري

شبهه افکنی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۲

۲- روی آوردن قوم لوط ، به جدال و تشکیک نسبت به انذارها ؛ بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم... فتماروا بالّنذر

شبهه افکنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- لزوم حراست از دین و آیین الهی در برابر شبهه افکنی ها و فشار های کافران

فلا یصدنک عنها من لا یؤمن بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۵

۵- تلاش کافران برای ایجاد شبهه و تردید در مؤمنان نسبت به باورهایشان

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

تعبیر <إن کنتم صادقین> به صیغه جمع، نشان می دهد که روی سخن کافران با مؤمنان بوده است نه صرفاً پیامبر(ص). بنابراین بیان این سؤالات، می تواند به منظور به بن بست کشاندن اهل ایمان طرح شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۱

۱- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، با ارائه رهنمود به آن حضرت در قبال تشکیک کافران

أم یقولون افتریه .. قل ما کنت بدعاً من الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۲

۲- کافران ، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین ، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (ص)

أم یریدون کیداً

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر(ص) و بررسی علل آن اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از ابهام شخصیت پیامبر(ص) نیست بلکه دقیقاً ترفندی خائنانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۹ - ۱

۱ - پیامبر)

ص) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنَّا لمبعوثون .. قل إنَّ الأوَّلین و الآخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۵

۵ - تلاش کافران ، برای ایجاد شبهه و تردید در باور های مؤمنان

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

تعبیر <إن کنتم صادقین> به صیغه جمع نشان می دهد که روی سخن کافران، با مؤمنان بوده است نه صرفاً پیامبر اسلام(ص). بنابراین طرح این پرسش ها، می تواند برای به بن بست کشاندن اهل ایمان و ایجاد تهدید در باورهای آنان صورت گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۲

۲ - کافران عصر بعثت ، وعده معاد را ، به تمسخر گرفته و درباره حقایق آن پرسش ها و شبهه هایی بر سر زبان ها می انداختند .

عمّ یتساءلون

تهدید پرسشگران با جمله <سیعلمون> در آیات بعد این احتمال را تقویت می کند که هدف آنان از پرسش ها، کشف حقیقت نبود بلکه آنان در پی ایجاد سؤال و شبهه در ذهن دیگران و طعنه و کنایه زدن به وعده معاد بودند.

شبهه افکنی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۳ - ۳

۳ - تلاش خطاکاران فاسد ، برای شایعه پراکنی و القای باور های دروغین خود به مردم

کلّ أفاک أئیم . یلقون السمع و اکثرهم کذبون

ضمایر جمع در آیه یاد شده، همگی می توانند به <کَلِّ أَفَّاكٍ>

باز گردد و <السمع> نیز مصدر به معنای مفعول باشد، یعنی، <يلقى هؤلاء المنحرفون مسموعاتهم على الناس و الحال أنّ أكثرهم كاذبون فيما يلقونه> این دسته از کژاندیشان، شنیده های خود را در میان مردم می پراکنند، در حالی که بیشتر آنان جز دروغ به خورد مردم نمی دهند.

شبهه افکنی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند.

ما ننسخ من آیه... أم تريدون أن تسئلوا رسولكم... وَد كثير من أهل الكتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر(ص) دچار تردید کنند.

شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱

۱ برخی مشرکان و مخالفان پیامبر(ص) با یأوه گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأيت الذين يخوضون في آيتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: <الخوض التخليط في المفاوضه على سبيل اللعب و العبث و ترك التفهم و التبيين>. یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۷

۷ - مجادله و تشکیک مستمر مشرکان ، نسبت به برپایی قیامت

إِنَّ الَّذِينَ يَمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

<ممارات> (مصدر <یمارون>) به معنای اصرار بر جدال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۳ - ۴

۴- موحدان راستین ، همواره مواجه با تردید ها و تشکیک های عوامل شرک

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا

از ملاحظه نسبت میان <قالوا ربنا الله> و <ثم استقاموا>، استفاده می شود که اقرار و اعتراف به توحید، همواره مواجه با ضدیت هایی است که شخص یکتاپرست باید با آنها مبارزه کرده و استقامت ورزد. آن عوامل ضد توحیدی، یا اعتقادی است که منتهی به <شرک> می شود و یا عملی است که منتهی به گناه می گردد.

شبهه افکنی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن ، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما ننسخ من آیه . . . أم تریدون أن تسئلوا رسولکم ... وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر(ص) دچار تردید کنند.

عوامل

شبهه افکنی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۹

۹ - تردیدافکندن در باور های دینی ، نتیجه گمراهی عمیق انسان

ألا إنّ الذین یمارون

با توجه به معنای <یمارون> (مجادله ای که در آن شک و تردید باشد) برداشت بالا به دست می آید. (مفردات راغب).

فلسفه شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۹

۹- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا ، معاد و پیامبر (ص) ، از راه کار های بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (

ص) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . . . و أقسموا بالله ... لایبعث الله من

این برداشت بنابر صفت بودن <سیئات> برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل <مکروا> بوده، می باشد. بنابراین مراد

از مکروه های بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر(ص) گفته می شد.

گناه شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۳

۳ - مجادله در آیات الهی و ایجاد شبهات اعتقادی ، از گناهان بزرگ است .

و یعلم الذین یجدلون فی ءایتنا . . . و الذین یجتنبون کثیر الإثم

منشأ شبهه افکنی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- زیر سؤال بردن وقوع قیامت از سوی مشرکان ، ناشی از جهل آنان بوده است .

و لكنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ .

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقین

برداشت یاد شده بنابر عطف <يقولون> بر عبارت قبل، از باب عطف مسبب بر سبب است^۲ یعنی، بیشتر مردم نمی دانند و [به خاطر همین ندانستن]، معاد را زیر سؤال می برند.

نافرجامی شبهه افکنی در توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - کوشش تردیدافکنان در باور های توحیدی مردمان ، کوششی نافرجام

و الذین یحاجون فی اللّٰه .. حجّتهم داحضه عند ربّهم

نهی از شبهه افکنی در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، منکران معاد را از شبهه افکنی و استهزا بر حذر ساخته است .

یتساءلون .. مختلفون . کلاً سیعلمون

هماهنگی شبهه افکنی با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفار عنید . مناع للخیر معتد مریب

هماهنگی کفر با شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ کفر، حق ستیزی، سد کردن راه خیر و خوبی، تجاوز و شک آفرینی، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مناع للخیر معتد مریب

هماهنگی ممانعت از خیر با شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ کفر، حق ستیزی، سد کردن راه خیر و خوبی، تجاوز و شک آفرینی، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مناع للخیر معتد مریب

شبهات

القای شبهات در احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱۵

۱۵ هوای نفس موجب خدشه و تشکیک در احکام حلال و حرام خداوند می شود.

و ما لکم ألا تأکلوا .. و إن کثیرا لیضلون بأهوائهم بغير علم

القای شبهه در آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱

۱ برخی مشرکان و مخالفان پیامبر(ص) با یاهوه گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأیت الذین یخوضون فی ءایتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: >الخوض التخلیط فی المفاوضه علی سبیل اللعب و العبث و ترک التفهم و التبیین< . یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

القای شبهه در احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۸

۸ القای شبهات واهی علیه احکام الهی از فعالیت های شیاطین است.

إن الشيطان ليوحون إلى أوليائهم

القای شبهه در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱،۱۱

۱ فرزند کشی و قربانی برای شریکان پنداری خداوند، از سنتهای زشت مشرکان عصر جاهلیت بوده است.

ساء ما يحكمون. و كذلك زين لكثير من

المشركين قتل اولدهم

در آیه شریفه تزین کشتن فرزندان به <شركاء> نسبت داده نشده، لذا محتمل است مراد قربانی کردن فرزندان برای بتها باشد، گر چه اعراب جاهلی به انگیزه های دیگری نیز، مانند فقر، عار از دختر داشتن و .. فرزندان خود را می کشتند.

۱۱ شریکان موهوم خداوند با تزین اعمال ناروا موجبات هلاکت و سردرگمی و اشتباه در دین را برای مشرکان فراهم می سازند.

و كذلك زين .. ليردوهم و ليلبسوا عليهم دينهم

<ردی> به معنای هلاکت و <لبس> به معنای اشتباه است.

القای شبهه در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱

۱ برخی مشرکان و مخالفان پیامبر(ص) با یاوه گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأيت الذين يخوضون في آيتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: <الخوض التخليط في المفاوضه على سبيل اللعب و العبث و ترك التفهم و التبيين>. یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

انبیا و شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱۶

۱۶- عنایت انبیا به دادن پاسخ منطقی و بی ابهام به شبهات و اشکالات کافران و مخالفان خویش

قالوا إنا كفرنا .. إنا لفي شك مما تدعوننا .. قالت رسلهم أفي الله شك ... قا

اهمیت پاسخ به شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۹ - ۹

۹ - لزوم پاسخگویی

به شبهات القا شده از سوی مخالفان دین

قل أتحاجوننا في الله و هو ربنا و ربكم

اهمیت پاسخ به شبهات دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱۷

۱۷- لزوم پاسخ گویی منطقی به شبهات دینی

قالت لهم رسلهم .. و على الله فليتوكل المؤمنون

از اینکه خداوند سیر برخورد منطقی انبیا را با مخالفان در این آیات بیان می کند، می تواند به خاطر ارائه الگویی باشد برای برخورد با شبهات دینی.

اهمیت پاسخ شبهات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۰ - ۳

۳- پاسخ گویی به شبهات منکران تعالیم دینی ، امری لازم و ضروری است .

قالوا أءذا كنا عظمًا و رفثًا .. قل كونوا حجارة أو حديدًا

دستور خداوند به پیامبر(ص) برای پاسخ گویی به شبهات منکران معاد به عنوان یکی از ارکان عقیده دینی و نیز آموزش شیوه پاسخ گویی به آن حضرت، دلالت می کند بر اهمیت جواب گویی به شبهات یاد شده.

اهمیت پاسخ شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۰ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ گویی به استبعاد منکران معاد

قالوا أءذا كنا عظمًا .. قل كونوا حجارة أو حديدًا

اهمیت شبهه زدایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۳

۳ لزوم زدودن شبهات و مبارزه با خرافات، از طریق تبیین و توضیح کامل

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

ذکر تفصیلی مصادیق هشتگانه چهارپایان با ترسیم صورتهای گوناگون

آن شاید به منظور قلع شبهه و تخریب کامل بنیان آن باشد.

اهمیت شبهه شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۸

۸ - مبلغان دین باید از شبهات و اشکالات مخالفان مطلع بوده و پاسخ آنها را به شایستگی بدانند .

سیقول . . ما ولیهم عن قبلتهم ... قل لله المشرق و المغرب

از اینکه خداوند پیامبر را از شبهات مخالفان - پیش از القای آنها - آگاه می سازد و پاسخ آنان را به وی می آموزد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

پاسخ به شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۷،۸

۷ - خداوند ، پاسخ معترضان تغییر قبله را - پیش از عنوان کردن آن - به پیامبر (ص) تعلیم داد .

سیقول . . قل لله المشرق و المغرب

۸ - مبلغان دین باید از شبهات و اشکالات مخالفان مطلع بوده و پاسخ آنها را به شایستگی بدانند .

سیقول . . ما ولیهم عن قبلتهم ... قل لله المشرق و المغرب

از اینکه خداوند پیامبر را از شبهات مخالفان - پیش از القای آنها - آگاه می سازد و پاسخ آنان را به وی می آموزد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۸

۲۸ لزوم پاسخگویی به شبهات الغا شده علیه دین، در عین پرهیز از بحث و مجادله بی ثمر

إذ قالوا ما أنزل الله . . قل الله ثم ذرهم فی حوضهم یلعبون

به شبهات دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۱ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، موظف به ابلاغ پیام الهی به مردم و پاسخگویی به شبهه های مطرح شده است .

قل یتوفیکم ملک الموت

پاسخ به شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنآ لمبعوثون .. قل إنَّ الأولین و الآخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش ها و شبهه انگیزی های کافران و منکران معاد ، در باور های دینی مردم و

آگاهی دادن به آنان

و یقولون متی هذا الوعد .. قل إنَّما العلم عند الله

پاسخ به شبهات مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۷

۷ - پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ گویی سؤالات مردم بر اساس آنچه بر او وحی شده بود .

یسئلونک عن الروح قل الروح من أمر ربّی

پاسخ به شبهات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۷،۲۰

۷- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ گویی به مشرکان ، درباره پدید آورنده رستاخیز است .

فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم أول مرّه

۲۰- پیامبر (ص) ،

موظف به پاسخ دادن سؤال مشرکان درباره زمان وقوع قیامت به اینکه امید است به زودی تحقق یابد .

متی هو قل عسی أن یکون قریبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ پیام الهی در دفع شبهات مطرح شده از سوی مشرکان درباره اسما و صفات حضرت باری

قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

پاسخ به شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۷

۷- پاسخگویی خداوند به شبهه ایجاد شده در ذهن افراد درباره معاد و تجدید حیات انسان ها پس از مرگ ، بر اساس آگاهی او است .

ما خلقکم ولا بعثکم إلا کنفس وحده إن الله سمیع بصیر

ذکر <إن الله سمیع..> در پایان آیه، به جای اعلام قدرت مندی خداوند، می تواند این نکته را برساند که چون خداوند، از شبهه ایجاد شده در ذهن ها خبر داشته، اقدام به پاسخگویی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنّا لمبعوثون .. قل إنّ الأوّلین و الآخرین

پاسخ به شبهات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، مأمور پاسخ گویی به پرسش ها و شبهه انگیزی های کافران و منکران معاد،

در باور های دینی مردم و آگاهی دادن به آنان

و يقولون متى هذا الوعد . . . قل إنما العلم عند الله

پاسخ شبهات اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ پیام الهی در دفع شبهات مطرح شده از سوی مشرکان درباره اسما و صفات حضرت باری

قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

پاسخ شبهات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش مشرکان درباره زمان وقوع قیامت

و يقولون متى هذا الوعد . . . قل لكم معاد يوم لا تستأخرون عنه ساعه

پاسخ شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به کافران درباره وقوع حتمی قیامت

و قال الذين كفروا لا تأتينا الساعه قل بلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۲

۲ - پیامبر اسلام (ص) ، مأمور پاسخ گویی به شبهات کافران و منکران معاد با استدلال و برهان

قال من يحي العظم و هي رميم . قل يحييها الذي أنشأها أول مره

پاسخ شبہات معاد

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۰ - ۱،۲

۱- خداوند ، شیوہ پاسخ گویی بہ شبہات منکران معاد را ، بہ پیامبر (ص) آموخت .

قل کونوا حجاره أو حديدًا

۲- پیامبر)

ص) ، موظف به پاسخ گویی به استبعاد منکران معاد

قالوا أءذا كنا عظمًا .. قل كونوا حجاره أو حديدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۳

۱۳- پاسخ قرآن به پرسش های انسان در زمینه معاد ، متکی بر استدلال است .

فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطرکم أول مره

از اینکه خداوند در پاسخ شبهات منکران معاد، به جای بسنده کردن به تعبد، توجه آنان را به مبدأ آفرینش معطوف می کند و آن را دلیل امکان تحقق معاد برمی شمارد، نکته یاد شده به دست می آید.

پاسخ شبهات مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به کافران درباره وقوع حتمی قیامت

و قال الذين كفروا لاتأتينا الساعه قل بلی

پاسخ شبهات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۵، ۱۸، ۱۵

۵- خداوند ، پیشاپیش به پیامبر (ص) اعلام کرد که منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهه استبعاد معاد ، از پدید آورنده آن سؤال خواهند کرد .

فسيقولون من يعيدنا

۱۵- منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهات خود درباره معاد ، با شگفتی از زمان وقوع آن می پرسیدند .

فسينغضون إليك رءوسهم و يقولون متی هو

بنابر اینکه حرکت دادن سر، همانگونه که در استعمال لغوی آن آمده است، برای اظهار تعجب و شگفتی باشد (لسان العرب)، برداشت فوق به دست می آید.

۱۸- منکران معاد پس از دریافت دلیل های قاطع و

غیر قابل انکار قرآن بر حقانیت معاد به طرح مسائلی بی ثمر و بی تأثیر در اصل مسأله معاد، روی آوردند.

و يقولون متی هو

منکران معاد علی رغم پرسشهای به ظاهر استدلالی نخستین، به پرسشهایی روی آوردند که نه ثمری برای آنان داشت و نه حقانیت معاد بر دانستن آنها متکی بود چه اینکه قیامت واقعیتی است حتمی الوقوع و دانستن و ندانستن زمان آن، در آن واقعیت تأثیری ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۲

۲ - پیامبر اسلام (ص)، مأمور پاسخ گویی به شبهات کافران و منکران معاد با استدلال و برهان

قال من يحيى العظم و هي رميم . قل يحييها الذي أنشأها أول مرة

رد شبهات نسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۷

۷ - توجه به قدرت همه جانبه خداوند و انحصار حاکمیت او بر هستی زایل کننده هر شبهه ای درباره نسخ ادیان و احکام دین است.

ما ننسخ من آیه أو ننسها .. ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير. ألم تعلم أن الله

استفهام تقریری در دو جمله < ألم تعلم أن الله على .. > و < ألم تعلم أن الله له ... > بیانگر این است که: مخاطبان (انسانها) در ارتباط با نسخ دین و جایگزینی آن شبهه هایی داشته یا برای آنان رخ خواهد داد. خداوند، برای یافتن پاسخ شبهات، آنان را به توجه در قدرت همه جانبه و حاکمیت مطلق خویش، سفارش کرده است.

رفع شبهات مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۷

۷ - لزوم توجیه فکری و روانی مجاهدان و برطرف ساختن شبهات آنان درباره مسائل شرعی و قانونی جنگ

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه

تفریع جمله <فمن اعتدى...> به وسیله <فاء> بر دو جمله سابق، می نمایاند که که مضمون آن دو جمله، مطرح شده تا با بیان یک قانون کلی و شامل، شبهه و توهمی که از لزوم جهاد در نواحی مسجد الحرام (فإن قاتلوكم) در ذهن مسلمانان پدید آمده و یا خواهد آمد، رفع گردد.

رفع شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۶ - ۵

۵ - توجه به چگونگی خلقت نخستین انسان، زداینده هر گونه تردید در امکان معاد و توانایی خدا بر احیای مجدد مردگان

و لقد خلقنا الإنسان... ثم إنكم يوم القيمة تبعثون

روش برخورد با شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۲

۲ پیامبر(ص) موظف به اجتناب از بحث و جدال و درگیر شدن با مغالطه گران و شبهه افکنان در آیات قرآن و دیگر آیات

الهی

و إذا رأیت الذین یخوضون فی ءایتنا فأعرض عنهم

روش پاسخ به شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (ص) در چگونه استدلال کردن و پاسخ گفتن به ادعا های واهی

قل أتخذتم عند الله عهداً .. أم تقولون على الله ما لاتعلمون

برداشت فوق از کلمه

<قل> استفاده شده است.

زمینه پاسخ به شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۱

۱۱- شناخت معاد و حل شبهات آن ، متکی بر شناخت صحیح مبدأ آفرینش است .

فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطرکم أول مره

خداوند، برای پاسخ گویی به شبهات انسان در زمینه معاد، مسأله مبدأ آفرینش انسان را مطرح کرد و این بیانگر آن است که شناخت مبدأ آفرینش، موجب شناخت معاد و حل شبهات آن می شود.

زمینه رفع شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۸، ۹

۹- سرگذشت اصحاب كهف ، دليل حقايت معاد و از میان برنده زمينه های تردید در آن

و كذلك أعتزنا عليهم ليعلموا .. أن الساعه لاریب فیها

<ساعه> یعنی <پاره ای از وقت> و این که از قیامت به <ساعه> تعبیر می شود، به خاطر شباهت آن به پاره ای از وقت است؛ زیرا، حساب رسی در آن، به سرعت انجام می پذیرد (مفردات راغب).

۱۸- خداوند ، در روزگار اختلاف و نزاع مردم درباره معاد ، اصحاب كهف را از خواب بیدار کرد .

أعتزنا عليهم .. إذ یتزعون بینهم أمرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴ - ۴

۴ توجه به علم گسترده الهی ، زداینده شبهات انسان در امکان معاد

ذلك رجع بعید . قد علمنا ما تنقص الأرض منهم

از این که خداوند، در قبال شبهه کافران نسبت به معاد، علم ازلی خود را یاد آور شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام

۱۱ توجه به علم و قدرت الهی و نمود های رستاخیز در طبیعت ، زداینده هر شک در امکان معاد

قد علمنا ما تنقص الأرض منهم ... أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم كيف بنيناها ... و

خداوند در پاسخ به شبهات منکران معاد، در این آیات به سه نکته اشاره کرده است: ۱ علم، ۲ قدرت، ۳ نمودهای رستاخیز در طبیعت.

زمینه نجات از شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - > عن ابن عباس قال : قال رسول الله (ص) في قوله < و من يتق الله يجعل له مخرجاً > قال : من شبهات الدنيا و من غمرات الموت و من شدائد يوم القيامة ;

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <و من يتق الله يجعل له مخرجاً> فرمود: [خدا برای کسی که تقوای الهی داشته باشد] راه نجاتی از شبهات دنیا، دشواری های مرگ و سختی های قیامت قرار می دهد.

شبهات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش مشرکان درباره زمان وقوع قیامت

و يقولون متى هذا الوعد .. قل لكم معاد يوم لا تستأخرون عنه ساعه

شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند ، هدایت کننده مؤمنان ، از ظلمت شبهاتِ معاد به نورِ علم و

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ .. او کالذی مرّ ... فلم

داستان مورد بحث در آیه، مثال و ارائه نمونه ای برای ولایت الهی و نتیجه آن است؛ یعنی هدایت مؤمنان به نور پس از خارج ساختن آنان از ظلمت و تاریکی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۴

۴- انبوهی مردگان نسل های پیشین و زنده نشدن آنان با گذشت عصرها، دلیل کافران بر انکار معاد و واقعیت نداشتن حیات دوباره انسان

أتعداننی أن أُخرج و قد خلت القرون من قبلی

مفاد <و قد خلت القرون..> این است که: نسل های فراوانی پیش از من مرده اند و برای آنان معادی صورت نگرفته است؛ حال چگونه می توان باور کرد که برای من معادی باشد؟!.

شبهات معاد در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۷، ۱۸

۱۷- کاشفان جایگاه اصحاب کهف، به جدال و کشمکش درباره رستاخیز گرفتار بودند .

أعثرنا علیهم .. إذ یتزعون بینهم أمرهم

<إذ> ظرف است برای <أعثرنا> لذا مفاد آیه این است که مردم، هنگامی بر اصحاب کهف دست یافتند که درباره امری از امور مربوط به خویش، اختلاف داشتند. مراد از آن امر، به قرینه <أن الساعة لاریب فیها> برپایی قیامت است و مراد از ضمیر در <أمرهم> همان مردمی هستند که بر اصحاب کهف آگاهی یافتند.

۱۸- خداوند، در روزگار اختلاف و نزاع مردم درباره معاد، اصحاب کهف را از خواب بیدار کرد .

أعثرنا علیهم .. إذ یتزعون بینهم

عوامل رفع شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۵

۵ - توجه به آفرینش انسان و استمرار مرگ و حیات در زمین ، زداینده هر گونه تردید و دو دلی نسبت به معاد و حیات مجدد انسان

و هو الذى أنشأ لكم السمع . . و هو الذى يحيى و يميت ... أفلا تعقلون ... قالوا أءذا

عوامل رفع شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱۲

۱۲- تفکر در چگونگی آفرینش انسان زداینده هر گونه تردید در حاکمیت اراده و قدرت خدا بر اسباب و علل طبیعت

هو على هين و قد خلقتك من قبل و لم تك شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ توجه به راستگویی مطلق خداوند ، برطرف کننده هر گونه تردید در تحقق قیامت

ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب فيه و من اصدق من الله حديثاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۶

۶ توجه و باور به قدرت مطلق خدا ، زداینده هر گونه شبهه درباره معاد و برپایی قیامت

إلى الله مرجعكم و هو على كل شىء قدير

هدف از بیان قدرت خداوند ، پس از طرح مسأله معاد و روز قیامت ، این است که انسانها را متوجه قدرت همه جانبه خدا کند تا مبادا در تحقق یافتن قیامت که پذیرش آن برای نوع انسانها مشکل است تردید کنند.

عوامل زوال شبهه در معاد

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ باور به علم مطلق خدا و قدرت گسترده و همه جانبه او، زایل کننده هر گونه شبهه در راستی و درستی تحقق معاد و زنده شدن مردگان

ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون. هو الذی خلق ... و هو بکل شیء علیم

جمله <هو الذی .. سبع سماوات> اشاره به قدرت بی انتهای خداوند دارد و جمله <و هو بکل شیء علیم> حاکی از علم مطلق الهی است. از هدفهای بیان قدرت و علم همه جانبه خداوند - پس از بیان معاد و زنده کردن مردگان (ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون) - بر طرف کردن هر گونه شبهه در راستی و درستی آن می باشد.

عوامل شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند.

ما ننسخ من آیه .. أم تریدون أن تستلوا رسولکم ... و دّ کثیر من أهل الکتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر(ص) دچار تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۶

۶ - تلاش های تبلیغی اهل کتاب

(یهود و نصارا) بر ضد احکام اسلام، ایجاد کننده زمینه های شک و تردید در اذهان مسلمانان صدر اسلام

الحق من ربك فلا تکونن من الممترین

بر حذر داشتن مسلمانان از شک و تردید، با فعل <فلا تکونن> - که مقرون به نون تأکید است - گویای این معناست که: زمینه های شک و تردید در مسلمانان به وجود آمده بود. از آیات قبل می توان فهمید که مخالفتهای اهل کتاب منشأ این تردیدها بوده است.

عوامل شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۱

۱ - خداوند از بنی اسرائیل خواست تا حق و باطل را به هم نیامیخته و با ارائه باطل ها، حق را بر مردم مشتبه نکنند.

و لا تلبسوا الحق بالباطل

<لبس> (مصدر لا تلبسوا) به معنای: آمیختن و نیز مشتبه کردن است. بر اساس معنای اول <باء> در <بالباطل> برای تعدیه و بر اساس معنای دوم <با> استعانت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۱

۱۱ ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبر(ص) و مخالفت آنان با حضرت، امری شبهه افکن در دلهای مردم بوده است.

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربك بالحق فلا تکونن من الممترین

ظاهراً آیه شریفه در مقام رفع تردیدی است که از ناحیه ایمان نیاوردن اهل کتاب در دلهای برخی ایجاد می گشت. با این بیان که آنان حقانیت قرآن را می دانند، ولی به جهت دیگری آن را انکار می کنند، پس مسلمانان نباید به سبب ایمان نیاوردن آنان به خود شک راه دهند.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۸ - ۷

۷ تردید افکنی درباره حلیت حیوانی که با نام خدا ذبح شده باشد، از محورهای تبلیغاتی علیه اسلام و پیامبر(ص) در مکه بوده است.

و إن تطع أكثر من فی الأرض... فكلوا مما ذکر اسم الله علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۲،۱۵

۲ برخی از مسلمانان صدر اسلام به جهت شبهه های ایجاد شده مشرکان از خوردن ذبیحه با نام خدا خودداری می کردند.

فكلوا مما ذکر اسم الله... و ما لكم ألا تأكلوا

لحن عتاب گونه آیه چنین می نمایاند که بر اثر تبلیغات کافران و سخنان فریبنده آنان برخی از مسلمانان از خوردن ذبیحه حلال خودداری می کردند.

۱۵ هوای نفس موجب خدشه و تشکیک در احکام حلال و حرام خداوند می شود.

و ما لكم ألا تأكلوا... و إن كثيرا یضلون بأهوائهم بغير علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۸

۸ القای شبهات واهی علیه احکام الهی از فعالیت های شیاطین است.

إن الشیطين لیوحون إلی أولیائهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱۰

۱۰ تزیین اعمال زشت، از ترفندهای گمراهگران برای به هلاکت افکندن مردم و به اشتباه انداختن آنها در دین

و کذلک زین... لیردوهم و لیلسوا علیهم دینهم

محمد(ص) و شبهات مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٩٥ - ١

پیامبر (ص) ، در پاسخ گویی به شبهه های مشرکان ، متکی به رهنمود های خدا بود .

قل لو كان في الأرض

منشأ پاسخ به شبهات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، در پاسخ گویی به شبهه های مشرکان ، متکی به رهنمود های خدا بود .

قل لو كان في الأرض

منشأ شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۷

۷ شیطان ایجاد کننده شبهه در ذهن آدم و حوا نسبت به تحریم شجره نهی شده بر آنان

ما نهیکما ربکما .. أو تکونا من الخلدین

برخی جمله < ما نهاکما ربکما .. > را چنین معنا کرده اند: این حرمت شامل شما نیست، مگر در صورتی که شما فرشته باشید و یا از جاودانان در بهشت، و شما نه فرشته اید و نه از جاودانان در بهشت. پس حرمتی بر شما نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۳

۱۳- برخی شبهه های عقیدتی انسان ، ناشی از عدم شناخت عمیق صفات الهی است .

أو لم یروا أن الله الذی .. قادر علی أن یخلق مثلهم

از اینکه خداوند، برای رفع شبهه منکران معاد، آنان را به قدرت عظیم خویش توجه داده، نکته فوق قابل استفاده است.

منشأ شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۱

۱ شبهات کافران درباره معاد ، ناشی از روحیه حق ستیزی

آنان است؛ نه نامعقول بودن آن .

بل كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <الْحَقِّ>، حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد؛ یعنی، اینان در همان آغاز نشانه های حق را دیدند و به تکذیب آن پرداختند. این حق ستیزی، بسیاری از حقایق معقول را برای آنان، ناممکن جلوه داده است.

منشأ شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۷

۷- هوا های نفسانی ، ریشه اشکال تراشی در عقیده به معاد و مجازات های الهی در آخرت است .

فلا یصدنک عنها من .. اتبع هویه

شتر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شتر

آب آشامیدنی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۴

۴- آب آشامیدنی منطقه ثمود ، یک روز به ناقه صالح اختصاص داشت و یک روز به خود ثمودیان .

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم

<شرب> به یک نوبت از آب گفته می شود تقدیر آیه چنین است: <لها شرب یوم معلوم و لکم شرب یوم معلوم> نوبتی از آب در روزی معین از آن او و نوبتی از آن در روزی معین از آن شما است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۳

۳- اختصاص یافتن نوبتی از آب به ناقه ، موجب ناخرسندی ثمودیان *

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم . و لاتمسوها بسوء

با توجه به ارتباط آیه بالا با آیه پیش، احتمال می رود که تقسیم آب، زمینه بداندیشی و نارضایتی را در میان ثمودیان، نسبت

به

ناقه پدید آورده باشد و <لاتمسوها> هشداری به این موضع گیری است.

آب دهی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۵

۵ - بهره مند ساختن ناقه صالح از آب آشامیدنی ، دارای برنامه ای خاص بود .

و سقیها

<سَيْقِي> و <سَيْقِيَا>، به معنای در اختیار نهادن نوشیدنی است (مفردات) و <سَيْقِيَا> اسم مصدر برای <سَيْقِي> می باشد (العین). اضافه این کلمه به ضمیر <ناقه> و نیز برحذر داشتن قوم ثمود از بی توجهی به آن، نشانه آن است که مردم درباره آب آشامیدنی ناقه، وظیفه خاصی داشتند.

آثار اذیت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۶

۶ صالح (ع) ، قوم خود را در صورت آزاررسانی به ناقه و بازداشتن آن از چرا ، به عذابی زودرس هشدار داد .

و لاتمسوها بسوء فیاخذکم عذاب قریب

آثار عقرب شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۱

۱ - نزول عذاب بر قوم ثمود ، پس از پی کردن ناقه صالح

فتعاطی فعقر .. إنا أرسلنا علیهم صیحه وحده

آثار قتل شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ قوم ثمود ، با پی کردن ناقه صالح و از میان بردن آیت رسالت او ، عذاب الهی را برای خویش قطعی ساختند .

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ

۳ قوم ثمود ، پس از کشتن ناقه صالح ، بیش از سه روز

مهلت ماندن در دنیا و بهره بردن از متاع آن را نداشتند .

فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه ایام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ - ندامت و پشیمانی ثمودیان ، به دنبال پی کردن ناقه صالح و مشاهده نشانه های عذاب

فَعَقَرُوهَا فَاصْبِحُوا نَدَمِينَ

<فاء> در <فأصبحوا> فصیحه و بیانگر حذف جمله ای است که به خاطر معلوم بودنش حذف شده و تقدیر آن چنین است:
<فَعَقَرُوهَا فَرَأُوا اَشْرَاطَ الْعَذَابِ فَاصْبِحُوا نَادَمِينَ> ناقه را پی کردند پس نشانه های عذاب را دیدند، پس پشیمان شدند.<

آداب نحر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۸،۹

۸ - لزوم به صف کردن شتران قربانی و نحر هم زمان آنها ، همراه ذکر نام خدا

فاذكروا اسم الله عليها صواف

<صواف> جمع <صافه> حال از ضمیر <عليها> و از مصدر <صَفَّ> (گروهی را در کنار هم و در یک امتداد مستقیم به نظم در آوردن) مشتق شده است؛ یعنی، پس نام خدا را بر شتران (به هنگام نحر کردن آنها) در حالی که در امتداد مستقیم به نظم در آمدند ببرید.

۹ - لزوم بستن دست ها و پا های شتران قربانی ، به هنگام نحر کردن آنها

فاذكروا اسم الله عليها صواف

با توجه به این که هنگام نحر کردن شتر برای این که بر اثر وارد شدن فشار کارد فرار نکند، ابتدا دستها و پاهایش را کنار هم قرار می دهند و دور آنها را طناب می پیچند و سپس آن را نحر می کنند <صواف> را می توان چنین معنا کرد: در

حالی که دستها و پاهایشان را کنار هم قرار دادید و با طناب بستید آنها را نحر کنید.

آزادی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۹

۹ آزادی ناقه صالح برای چریدن ، در تضاد با منافع قوم ثمود

فذرورها تأكل في أرض الله ولا تمسوها بسوء

تهدید شدن قوم ثمود به عذاب در صورت بازداري ناقه از چریدن، نشان می دهد که سلامتی ناقه از سوی آنان، در خطر بود و آنها آزادی ناقه را برای چرا، به سود خویش نمی دیدند.

احکام شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۳، ۱۲، ۷، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ خداوند هیچ حکم ویژه ای برای بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی قرار نداده است .

ما جعل الله من بحیره و لاسائبه و لاوصیله و لاحام

مراد از عدم جعل بحیره و ... به قرینه <قالوا حسبنا ما وجدنا...> در آیه بعد، نفی تشریح احکامی خاص درباره حیوانات ذکر شده است زیرا آنچه در بین کافران عصر بعثت و پدرانشان معروف بود، احکامی ویژه درباره بحیره و ... بوده است.

۲ کافران عصر جاهلی جعل احکامی را درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی به خداوند نسبت می دادند .

ما جعل الله .. و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

۴ احکام ویژه بحیره (ماده شتری که پنجمین حمل مادر خویش باشد) از بدعت ها و افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل الله من بحیره .. و لكن الذين كفروا يفترون

لسان العرب معنای مذکور برای بحیره

را از برخی لغویین نقل کرده است. در جاهلیت گوش چنین شتری را می شکافتند تا علامت آن باشد که نایستی بر آن سوار شوند و از آب و چراگاهها او را منع کنند و نیز هرگز نباید به کشتن آن اقدام کنند.

۵ لزوم آزاد سازی سائبه (شتری که ده ماده شتر زاییده باشد) از اندیشه های خرافی و افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل الله من بحیره و لاسائبه .. و لكن الذین كفروا یفترون

معنای ذکر شده برای سائبه در قاموس المحيط آمده و حکم آن از نظر مردم جاهلی همانند احکام بحیره بوده است. امام صادق (ع) در توضیح معنای <سائبه> در آیه فوق فرمود: ان اهل الجاهلیه كانوا ... اذا ولدت (الناقه) عشرًا جعلوها سائبه و لا یستحلون ظهرها و لا اکلها

معانی الاخبار، ص ۱۴۸، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۳، ح ۴۱۰.

۷ احکام ویژه حامی (شتر نری که از صلبش ده شتر به وجود آید) از بدعت ها و افترا های مردم جاهلی بر خداوند

ما جعل الله .. و لاحام و لكن الذین كفروا یفترون

اعراب جاهلی از سوار شدن بر شتر مذکور امتناع میورزیدند و آن را از هیچ آب و چراگاهی منع نمی کردند.

۱۲ بیشتر کفرپیشگان عصر بعثت احکام رایج درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حام ، را احکامی الهی می پنداشتند .

ما جعل الله من بحیره .. یفترون علی الله الکذب و اکثرهم لایعقلون

۱۳ تنها اندکی از کفرپیشگان عصر بعثت علی رغم طرفداری از احکام رایج درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و

حامی آگاه به بدعت بودن آن احکام و نبود آنها در ادیان الهی

و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب و اكثرهم لا يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۶

۶ - جواز استفاده از شتر ، برای سوارشدن انسان ها

جعل لكم الأنعم لتركبوا منها

اخلاص در نحر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۸

۸ - قربانی کردن شتر و قصد انجام دادن فرمان الهی ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

وانحر

قید <لربكك> درباره <صل>، قرینه بر وجود چنین قیدی برای <انحر> نیز می باشد. <نحر> یعنی، مقداری از سینه که

جای گلوبند است و از جمله معانی که برای فعل <انحر>، بیان کرده اند، فرمان به کشتن شتر قربانی است. (مفردات)

استفاده از شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱۱

۱۱- به کارگیری شتر برای باربری و اسب ، استر و الاغ برای سواری ، استفاده کردن مناسب از آنهاست .

و الأنعم ... و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بلغيه ... و الخيل و البغال و ال

با توجه به اینکه در ضمن منافع شتر، باربری را ذکر کرد و از سواری یاد نکرد و در رابطه با اسب، استر و الاغ، سواری را ذکر

کرد و از باربری یاد نکرد، مطلب فوق برداشت شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- امکان بهره‌وری گسترده بشر از دام‌ها)

شتر، گاو و گوسفند)، نشانی دیگر از لطف و عنایت خدا و نظارت دقیق او بر احوال آفریده هایش

و ما کنا عن الخلق غفلین... و إنَّ لکم فی الأنعم لعبره... و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۴

۴ - بهره مندی انسان ها، فلسفه و حکمت آفرینش شتر، گاو و گوسفندان

أولم یروا أننا خلقنا لهم مما عملت أیدینا أنعمًا

گفتنی است از <لام> <لهم> (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می آید.

اضرار به شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۱

۲۱ صالح (ع) برحذر دارنده قوم ثمود از زیان رساندن به ناقه

و لاتمسوها بسوء

اعجاز خلقت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۴

۴ - آفرینش ناقه صالح، به طور غیرعادی و خارج از اسباب و علل طبیعی بود.

ناقه الله

از آن جا که همه موجودات، مملوک خدایند، اضافه <ناقه> به نام جلاله <الله>، بیانگر ویژگی آن است و از دخالت مستقیم خداوند، در پیدایش آن حکایت دارد.

اعجاز شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۶

۶ - پیدایش ناقه صالح ، معجزه و باقی ماندن آن ، براساس علل و عوامل طبیعی بود .

ناقه الله و سقیها .. فعقروها

امتحان با

شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۱

۱ - فرستادن ناقه صالح به سوی قوم ثمود ، وعده الهی برای آزمایش ایشان

إِنَّا مَرَّسَلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ

انقیاد شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۳

۳ - رام بودن شتر برای بشر و مکانیسم طبیعی قرار گرفتن و حرکت کشتی بر سطح آب تدبیری الهی است .

و علیها و علی الفلک تحملون

اهمیت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۴ - ۲

۲ - شتری که ده ماه از آبستنی آن گذشته ، مرغوب ترین سرمایه عرب در عصر بعثت

و إذا العشار عطلت

<عشار>، جمع <عُشراء> است و <ناقه عُشراء> شتری است که ده ماه از آبستنی آن گذشته باشد. از دیدگاه شترداران، شتر در این دوران زیباترین حالت و مرغوب ترین وضعیت را دارد. (لسان العرب)

اهمیت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۷

۱۷ ناقه صالح آیه و معجزه ای بزرگ و دارای اهمیتی خاص بود .

هذه ناقه الله لكم آیه

اضافه < ناقه > به < الله > بیانگر برداشت فوق است.

اهمیت شیر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۳

۳- اهمیت و نقش بسیار شیر شتر ، گاو و گوسفند و فراورده های آن ، در تغذیه انسان ها

و مشارب

برداشت یاد شده از آن جا است که شیر با آن که از منافع آنعام

به شمار می رود اختصاص به ذکر یافته است.

باربری با شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۱،۳

۱- حمل بار های سنگین و طاقت فرسای انسان به شهر ها و مناطق بسیار دوردست ، از فواید خلقت شتر است

و الأنعم خلقها لكم .. و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بلغيه إلا بشقّ الأنف

مراد از <بلد لم تكونوا بلغيه> جاهای بسیار دوردست و سختی است که انسان بدون مشقت و سختی نمی تواند به آن جا برسد و <أنعام> اگرچه به معنای <گاو، شتر و گوسفند> است ولی چون در بین دامها تنها شتر اوصاف مذکور در آیه (باربری به نقاط دوردست) را دارد، ضمیر <تحمل> به صورت <استخدام> به <شتر> که از جمله انعام مذکور در آیه قبل است باز می گردد.

۳- قدرت فوق العاده شتر در پیمودن راه های طولانی و دشوار و حمل بار های سنگین

و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بلغيه إلا بشقّ الأنفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱۱

۱۱- به کارگیری شتر برای باربری و اسب ، استر و الاغ برای سواری ، استفاده کردن مناسب از آنهاست .

و الأنعم .. و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بلغيه ... و الخيل و البغال و ال

با توجه به اینکه در ضمن منافع شتر، باربری را ذکر کرد و از سواری یاد نکرد و در رابطه با اسب، استر و الاغ، سواری را ذکر کرد و از باربری یاد نکرد، مطلب فوق برداشت

شد.

بارکشی با شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۴

۴ - جواز استفاده از شتر و گاو برای سوار شدن و حمل و نقل

فمنها رکوبهم

بسمله در نحر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۶،۷

۶ - وجوب ذکر نام خدا، به هنگام نحر کردن شترانی قربانی

فاذکروا اسم الله علیها

۷ - جواز ذکر هر یک از اسمای خداوند (الله، رحمان و...) به هنگام نحر شتر

فاذکروا اسم الله علیها

اضافه در <اسم الله> می تواند بیانیه و یا لامیه باشد. از این رو <اسم الله> بنابر احتمال اول، به معنای <اسمی که عبارت از الله است> و بنابر احتمال دوم <هر اسمی که برای خدا هست> می باشد. برپایه احتمال اول، ذکر نامی غیر از <الله> به هنگام ذبح یا نحر حیوان، کافی نیست؛ به خلاف احتمال دوم. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

تحریم جنین شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۸

۸ تحریم استفاده از گوشت شتر، گاو و جنین آنها، افترا به خداوند است.

قل الذکرین حرم... ومن أظلم ممن افتری علی الله کذبا

تحریم گوشت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۸

۸ تحریم استفاده از گوشت شتر، گاو و جنین آنها، افترا به خداوند است.

قل الذکرین حرم... ومن أظلم ممن افتری علی الله کذباً

تداوم نسل شتر

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۴ - ۵

۵ - منقرض نشدن نسل شتر ، تا زمان حوادث آغازین قیامت

و إذا العشار عطّلت

تسخیر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۲

۲ - رام و مسخر کردن دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای بشر ، جلوه قدرت خدا و لطف او بر بندگان است .

و ذلّلنها لهم

تشبیه به شتر تشنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۱

۱ - دوزخیان (اصحاب شمال) ، آب داغ و جوشان دوزخ را همچون شتری تشنه ، با حرص و ولع خواهند نوشید .

فشربون شرب الهمیم

<همیم> جمع <همیم> است و <همیم> به شتر تشنه گفته می شود. تشبیه حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ جهنم به شتر تشنه، بیانگر مطلب یاد شده است.

تشبیه به شتر زرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۳ - ۱

۱ - شراره های برخاسته از آتش دوزخ ، همانند شتران زرد رنگ است .

کأنه جملة صفر

<جملات> جمع <جماله> است. <جماله> یا جمع <جمل> (شتر) و یا اسم جمع است.

تشبیه به عبور شتر از سوزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰ - ۹

۹ آسمان حاوی بهشت، دارای درهایی متعدد و راههایی گوناگون برای ورود به آن جایگاه برین

لا تفتح لهم أبواب السماء ولا يدخلون الجنة

تعقل در خلقت شتر

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۲

۲ - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت (مانند شتر، گاو و گوسفند)

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۴،۵

۴ - شیوه آفرینش شتر، شگفت آور و دارای زوایای درخور دقت و تحقیق است.

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

تکیه بر شناخت ویژگی های شتر، یا به جهت فایده های فراوان این حیوان برای مردم جزیره العرب است و یا این که شتر در بین حیوانات، کمالاتی بی نظیر دارد و می توان آیه شریفه را ناظر به هر دو نکته دانست.

۵ - کشف و شناسایی ویژگی های شتر، راهنمای فکری انسان برای اعتقاد به قدرت خداوند

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

توصیه نحر شتر به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۸

۸ - قربانی کردن شتر و قصد انجام دادن فرمان الهی، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

وانحر

قید <لربك> درباره <صل>، قرینه بر وجود چنین قیدی برای <انحر> نیز می باشد. <نحر> یعنی، مقداری از سینه که جای گلوبند است و از جمله معانی که برای فعل <انحر>، بیان کرده اند، فرمان به کشتن شتر قربانی است. (مفردات)

جهاد با شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - دست یابی به خواسته ها و مقاصد مهم بشر)

چون هجرت ، جهاد ، کسب دانش و ...) از حکمت های آفرینش شتران *

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

تنوین <حاجه> برای تفخیم است و مقید شدن حاجت به <فی صدورکم> (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و ..) می باشند.

چرای شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۵، ۲۳، ۲۲، ۲۰

۲۰ صالح از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذرانند .

فدروها تأکل فی أرض الله

۲۲ صالح (ع) قوم خویش را به گرفتار آمدن به عذابی دردناک ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداري آن از چریدن ، هشدار داد .

فدروها تأکل فی أرض الله و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب أليم

۲۳ آزادی ناقه صالح برای چریدن ، در تضاد با منافع قوم ثمود

فدروها تأکل فی أرض الله و لاتمسوها بسوء

نهی از آزار رساندن به ناقه پس از فرمان به رها ساختن آن در علفزارها، گویای این است که تحمل ناقه آزاد برای قوم ثمود آسان نبوده و با منافع آنان در تضاد بوده است.

۲۵ مالکیت خدا بر زمین ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاری ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فدروها تأکل فی أرض الله

انتساب زمین به خداوند (أرض الله) پس از انتساب ناقه به او (ناقه

اللّه) استدلالی است از سوی صالح بر لزوم آزادگذاری آن برای چریدن. یعنی چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست از چریدن بازداشته شود. تفریع جمله <ذروها...> به وسیله فاء بر جمله <هذه ناقه الله> نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۴۸

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذارند.

فذروها تأکل فی أرض الله

۸ مالکیت خداوند بر چراگاهها، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فذروها تأکل فی أرض الله

تعبیرهای <ناقه خدا> و <زمین خدا> در حقیقت استدلال صالح (ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن بود؛ یعنی، چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست ناقه را از چریدن باز دارید.

حلیت جنین شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنتین .. قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

حلیت گوشت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد ها و

پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الأنعم الا ما يتلى عليكم غير محلی الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم... کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعیم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثین... قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹

۸ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لکم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعیم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام> یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام> گفته می شود

و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لكم الأنعام> به تقدیر <أحلت لكم أكل لحوم الأنعام> می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

۹- استفاده از گوشت شتر، گاو و گوسفند، به جز در مواردی که از

سوی خدا تحریم شده ، حلال و جایز است .

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْاَنْعَامُ اِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ

حیات شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۶

۶ - پیدایش ناقه صالح ، معجزه و باقی ماندن آن ، براساس علل و عوامل طبیعی بود .

ناقه الله و سقیها .. فعقروها

خالق شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده انعام (گاو ، شتر و گوسفند) است .

و الاَنْعَامُ خَلَقَهَا لَكُمْ

<نعم> در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن <أنعام> به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۳

۳ - شتر ، مخلوق خداوند و آفریده ای هدف دار است .

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْاِبِلِ كَيْفَ خَلَقْتَ

در آیه شریفه، گرچه سخن از آفریننده شتر به میان نیامده است؛ ولی سیاق آیات که در مقام برشمردن نعمت های خداوند، توجه دادن انسان به قدرت مندی او و ضرورت معاد می باشد بیانگر این است که خداوند، آن را خلق کرده و آفریدن آن لغو نبوده است.

خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أن الله

... و من الناس و الدواب و الأنعم

<أنعام> جمع <نعم> (شتر) می باشد ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۱

۱ - شتر ، گاو و گوسفند ، مخلوق خدا و جلوه هایی از قدرت او

أولم یروا أننا خلقنا لهم مما عملت أیدینا أنعمًا

<أنعام> به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله <مما عملت أیدینا> کنایه از قدرت خدا می باشد. گفتنی است که آیه شریفه در مقام بیان جلوه های آن در طبیعت است.

خوردن گوشت شتر در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۹

۹- خوردن گوشت دام ها (گاو ، گوسفند و شتر) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم .. و منها تأکلون ... و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوا و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

دشمنی با شتر

صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۲

۲ - ناچه صالح ، در معرض کینه و دشمنی ثمودیان

و لاتمسوها بسوء

دلایل آزادی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۸

۸ مالکیت خداوند بر چراگاهها ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناچه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناچه الله .. فذروها تأکل فی أرض الله

تعبیرهای <ناچه خدا> و <زمین خدا> در حقیقت استدلال صالح(ع) بر لزوم آزادگذاری ناچه برای چریدن بود؛ یعنی ، چون ناچه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست ، روا نیست ناچه را از چریدن باز دارید.

زوجیت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۱

۱ خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

<ثمنیه ازواج> می تواند بدل برای <حموله و فرشا> باشد که خود مفعول <أنشأ> می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <أنشأ من الأنعام ثمنیه ازواج>.

زیان به شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - قطعی شدن عذاب بر ثمودیان ، پس از آسیب رساندن به ناقه صالح

و فی ثمود إذ قیل لهم تمتّعوا حتی حین

سختی عقر شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۵

۵ - عملی

ساختن قتل ناقه صالح ، امری دشوار برای قوم ثمود

فنادوا صاحبهم فتعاطی فعقر

از این که قوم ثمود، برای عملی ساختن توطئه خویش، به فرد خاصی مراجعه کردند؛ استفاده می شود که آنان یا بیم داشتند که شخصاً وارد عمل شوند و یا توان جسمی آن کار را نداشتند.

سواری از شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۴،۶

۴ - خداوند ، برخی از دام ها (چون شتر) را برای سوار شدن و برخی دیگر (مانند گوسفند) را به منظور خوردن انسان ها آفریده است .

الأنعم لتركبوا منها و منها تأكلون

۶ - جواز استفاده از شتر ، برای سوار شدن انسان ها

جعل لكم الأنعم لتركبوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۴

۴ - دست یابی به خواسته ها و مقاصد مهم بشر (چون هجرت ، جهاد ، کسب دانش و ...) از حکمت های آفرینش شتران *

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

تنوین <حاجه> برای تفریح است و مقید شدن حاجت به <فی صدورکم> (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و ...) می باشند.

سهم آب شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۸ - ۱،۳،۴،۶،۷

۱ - تقسیم آب در سرزمین قوم ثمود،

میان ایشان و ناقه صالح ، به فرمان خداوند

و تَبَّهْمُ أَنَّ الْمَاءَ قَسْمَهُ بَيْنَهُمْ

۳- اختصاص یافتن سهمی از آب سرزمین ثمود به ناقه صالح ، برای ایشان دشوار بود و مایه امتحان برای آنان

إِنَّا مَرَّسَلُوا النَّاقَةَ فَتَنَهُ لَهَا .. أَنَّ الْمَاءَ قَسْمَهُ بَيْنَهُمْ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در صدد تدارک زمینه امتحانی است که در آیه قبل با تعبیر <فتنه> آمده است.

۴- اختصاص یافتن نیمی از آب سرزمین ثمود ، به ناقه صالح (ع) *

أَنَّ الْمَاءَ قَسْمَهُ بَيْنَهُمْ

ظاهر این است که عبارت <قسمه بینهم> نظر به قسمت مساوی داشته باشد؛ زیرا در غیر آن صورت باید سهم، مشخص می شد.

۶- قوم ثمود ، موظف به رعایت قانون و تجاوز نکردن به سهم ناقه از آب

كُلُّ شَرْبٍ مَحْتَضَرٍ

۷- مجاز نبودن قوم ثمود ، برای حضور در کناره های آب در زمان اختصاص یافته به ناقه صالح

قسمه بینهم کُلُّ شَرْبٍ مَحْتَضَرٍ

ظاهراً واژه <محتضر> علاوه بر دخالت نکردن هر یک در سهم دیگری، این معنا را نیز افاده می کند که حتی حضور یافتن هر کدام در کنار نهر یا چشمه، محدود به زمان خاص خودشان بود.

شتر باردار ده ماهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۴ - ۲

۲- شتری که ده ماه از آبستنی آن گذشته ، مرغوب ترین سرمایه عرب در عصر بعثت

و إِذَا الْعِشَارُ عَطَلَتْ

<عشار>، جمع <عُشراء> است و <ناقه عُشراء> شتری است که ده ماه از آبستنی آن گذشته باشد. از دیدگاه شترداران، شتر در این دوران زیباترین حالت و مرغوب

ترین وضعیت را دارد. (لسان العرب)

شتر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۴ - ۲

۲ - شتری که ده ماه از آبستنی آن گذشته ، مرغوب ترین سرمایه عرب در عصر بعثت

و إذا العشار عطلت

<عشار>، جمع <عُشراء> است و <ناقه عُشراء> شتری است که ده ماه از آبستنی آن گذشته باشد. از دیدگاه شترداران، شتر در این دوران زیباترین حالت و مرغوب ترین وضعیت را دارد. (لسان العرب)

شتر در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۲

۲- شتر وسیله حمل و نقل و تبادل کالا های تجارتي در عصر بعثت بوده است .

و تحمل أثقالکم إلى بلد لم تکنوا بلغیه إلى بشقّ الأنفس

شتر در کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶، ۴۸

۴ جریمه و سزای کشتن شکار ، قربانی کردن دام اهلی (شتر ، گاو و گوسفند) همانند آن شکار است .

و من قتله .. فجزاء مثل ما قتل من النعم

<نعم> مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. <جزاء> مبتدائی است که خبر آن حذف شده است یعنی علیه جزاء و کلمه <مثل> صفت <جزاء> می باشد و مراد از آن می تواند همگونی در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. <من النعم> صفت و یا حال برای <جزاء> است. امام صادق (ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه و فی

حمار وحش بقره و في الظبي شاه و

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵.

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل .. هدیاً بلغ الکعبه

۲۶ شتر ، کفاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال

احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

شتر در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱۶

۱۶ شتر وسیله متعارف حمل کالا ، در مصر و کنعان باستان

و نزداد کیل بعیر

شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۶، ۱۵

۱۵ خداوند بدون جریان اسباب و علل عادی ، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقة الله لكم آية

چون ناقة نشانه ای بر رسالت صالح(ع) بود، معلوم می شود به گونه ای خارق العاده به وجود آمده بود.

۱۶ ناقة صالح ، شاهد و دلیلی آشکار بر حقانیت رسالت آن حضرت

قد جاءكم بينه من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۱۰

۱۰ > عن أبي

جعفر (ع) قال: إن رسول الله (ص) سأل جبرئيل (ع): ... فقال: يا محمد (ص) ان صالحاً بعث إلى قومه... قالوا: يا صالح ادع لنا ربك يخرج لنا من هذا الجبل الساعة ناقة حمراء شقراء وبراء عشراء بين جنبيها ميل... فسأل الله تعالى صالح ذلك فانصدع الجبل صدعاً... ثم اضطرب ذلك الجبل... ثم لم يفجأهم إلا رأسها... ثم خرج سائر جسد ها ثم استوت قائمه على الأرض... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که رسول خدا از جبرئیل [درباره قوم صالح] سؤال فرمود ، ... جبرئیل گفت: ای محمد! صالح به سوی قومش مبعوث شد ... به او گفتند: ای صالح! برای ما از پروردگارت بخواه که همین لحظه از این کوه شتری بیرون آورد قرمز پررنگ و پرکرک که ده ماه از حملش گذشته و بین دو پهلویش یک میل فاصله باشد ... آن گاه صالح این را از خدا خواست و کوه شکاف بزرگی برداشت ... سپس به لرزه درآمد ... ناگهان سر شتر از کوه بیرون آمد ... سپس باقی جسدش خارج شد و روی زمین ایستاد ...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۱،۱۳

۱۱- تقاضای قوم ثمود در اعطای معجزه مورد نظرشان (ناقة = شتر ماده) از سوی خداوند اجابت شد .

و ءاتینا ثمود الناقة

۱۳- قوم ثمود ، نسبت به معجزه الهی (ناقة) عکس

العمل ناروا داشته و با آن ظالمانه برخورد کردند .

و ءاتینا ثمود الناقه مبصره فظلموا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۳

۳ - ناقه (شتر ماده) ، معجزه صالح پیامبر

قال هذه ناقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۲

۲ - قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای (ناقه) از صالح پیامبر (ع)

إِنَّا مرسلوا الناقه

جمله <إِنَّا مرسلوا الناقه> در مقام وعده و اخبار از آینده است. <الف و لام> در <الناقه> برای عهد بوده و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۲

۲ - ناقه صالح ، معجزه الهی و نشانه رسالت آن حضرت بود .

فقال لهم رسول الله ناقه الله

اضافه <ناقه> به <الله> پس از بیان رسالت صالح(ع) بیانگر معجزه بودن آن برای اثبات رسالت او است.

شتر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است؛ یعنی،

چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴، ۵، ۲، ۱

۱ - شتران قربانی از شعائر دینی و الهی مراسم حج

و البدن جعلنها لكم من شعئر الله

<بدن> جمع <بدنه> است. <بدنه> نیز در لغت، به گاو و شتر درشت و چاق گفته می شود. در گذشته، کسانی که قصد داشتند در مراسم حج شرکت کنند، از قبل به دام هایی قربانی خوب می رسیدند تا چاق و فربه شوند. بدین جهت به گاو و شتر قربانی <بدنه> گفته می شد. گفتنی است که مراد از <بدن> در آیه یاد شده به قرینه <فإذا وجبت جنوبه> تنها شتران می باشد؛ یعنی، شترانی را که به رسم قربانی به همراه می برید، برای شما از شعائر دینی و الهی قرار دادیم.

۲ - لزوم برگزیدن شتران درشت و چاق برای قربانی در حج

و البدن جعلنها لكم من شعئر الله

به کارگیری <بدن> که به معنای شتران فربه و چاق است به جای <إبل> که به مطلق شتر اطلاق می شود می تواند توصیه ای باشد به حج گزاران که شتران فربه و درشت را، برای قربانی برگزینند.

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها)، برای حاجیان مجاز است.

و البدن .. لكم فيها خیر

مقصود از <لكم فيها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لكم فيها منافع إلى أجل مسمى)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به

همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

۵ - لزوم نشانه گذاری شترانی که حاجیان جهت قربانی به همراه خود می برند .

و البدن جعلنها لكم من شعر الله

این سخن خدا که: <ما شتران قربانی را شعائر و نشانه های دینی قرار دادیم > می تواند دربردارنده این توصیه باشد که حاجیان نیز باید شتران را به منظور این که آنها از دیگر شتران ممتاز باشند، نشانه گذاری کنند.

شگفتی خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۴

۴ - شیوه آفرینش شتر ، شگفت آور و دارای زوایای درخور دقت و تحقیق است .

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

تکیه بر شناخت و ویژگی های شتر، یا به جهت فایده های فراوان این حیوان برای مردم جزیره العرب است و یا این که شتر در بین حیوانات، کمالاتی بی نظیر دارد و می توان آیه شریفه را ناظر به هر دو نکته دانست.

شیر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۵

۵ حلیت برخی از خوردنی ها (شتر و شیر آن) بر مسلمانان ، مورد اعتراض یهود

كل الطّعام كان حلالا لبني اسرائيل .. ان كنتم صادقين

در شأن نزول آیه آمده است که یهودیان برای ردّ سخن پیامبر (ص) که خود را بر آیین ابراهیم (ع) می دانست گفتند: با آن که گوشت شتر در آیین ابراهیم (ع) حرام بوده چرا در آیین اسلام تحریم نشده است؟

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۲

۲ - شیر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، از منابع مهم تغذیه انسان

نسقیکم ممّا فی بطونها

شیر شتر از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۳

۳- بیرون آوردن شیر خالص و آماده نوشیدن ، از بین خون و سرگین داخل شکبه شتر ، گاو و گوسفند ، از آیات خداوند

و إن لکم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبنًا خالصًا سائغ

صفات جسمانی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۸ - ۵

۵ - ناقه صالح ، حیوانی خارق العاده در هیکل و مصرف آب *

أنّ الماء قسمه بینهم

برداشت یاد شده در صورتی است که نیمی از آب سهم ناقه باشد و ناقه آن سهم را تماماً مصرف کرده باشد.

عاقر شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۴،۶،۸،۹

۴ - انتخاب فردی خاص و استمداد از او از سوی قوم ثمود ، برای کشتن ناقه صالح

فنادوا صاحبهم

۶ - کشنده ناقه صالح ، پذیرای پیشنهاد قوم ثمود ، در کشتن ناقه بدون هیچ تأمل *

فتعاطی فعقر

کاربرد عبارت های <فتعاطی> و <فعقر> با <فاء>، بیانگر عدم تراخی در قبول و سرعت در عملی ساختن قتل ناقه می باشد.

۸ - تحقق توطئه کشتن ناقه صالح ، به وسیله فردی واحد

فعقر

واژه <عقر> (به صورت مفرد) می رساند که هر چند جمع

کثیری در توطئه قتل ناقه شرکت داشتند، اما اجرای آن به وسیله فردی واحد صورت گرفت.

۹ - > عن أصبغ بن نباته ، قال : سمعت أمير المؤمنين (ع) . . . يقول : إنما يجمع الناس الرضا و الغضب ، أيها الناس إنما عقر ناقه ثمود واحد فأصابهم الله بعذابه بالرضا و آيه ذلك قوله جلّ وعزّ > فنادوا صاحبهم فتعاطى فعقر < . . . ;

اصبغ بن نباته گوید: از امیرالمؤمنین (ع) شنیدم. .. که می فرمود: رضایت و غضب مردم [به امری که انجام می گیرد] سبب می شود [که ثواب و عقاب آن] همه را فراگیرد. ای مردم! ناقه ثمود را یک نفر پی کرد؛ ولی خداوند همه آن قوم را گرفتار عذاب کرد؛ زیرا همه راضی بودند و نشانه این مطلب قول خدای جلّ وعزّ است که می فرماید: فنادوا صاحبهم فتعاطى فعقر <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۵

۵ - همدستان کشنده ناقه صالح ، شریک جرم او و مبتلا به عذابی همسان

فتعاطى فعقر .. فکانوا کهشیم المحتظر

مفرد بودن <فقعر> می رساند که کشنده ناقه یک نفر بود؛ ولی تعبیر <أرسلنا علیهم> افاده می کند که عذاب الهی علاوه بر کشنده ناقه شامل همه کسانی بود که به صورت غیر مستقیم، نوعی هم فکری و هماهنگی با وی داشته اند.

عبرت از خروج شیر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۴

۴- در خارج کردن شیر خالص از میان خون و فضولات غذایی شتر ، گاو و گوسفند

، درس عبرتی است برای انسانها

و إن لكم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبناً خالصاً سائغ

عبرت از شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۱

۱- در شتر، گاو و گوسفند درس عبرتی برای انسانهاست .

و إن لكم فی الأنعم لعبره نسقیکم

<أنعام> نامی است برای شتر، گاو و گوسفند.

عظمت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۵

۵ - ناقه صالح ، دارای جثه ای خارق العاده و بس عظیم *

قال هذه ناقه لها شرب و لكم شرب یوم معلوم

از این که آب آشامیدنی منطقه ثمود، سهمیه بندی می شود (یک روز سهم ناقه صالح و روز دیگر سهم همه مردم ثمود) می توان دریافت که آن ناقه از جثه ای چنان بزرگ برخوردار بود که به تنهایی به اندازه همه ثمودیان و چهارپایانشان، آب می نوشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۳

۳ - ناقه صالح ، حیوانی با عظمت و دارای حرمتی ویژه در پیشگاه خداوند

ناقه الله

استناد <ناقه> به <الله> و عنایت ویژه به آزار ندیدن آن و توصیه به دستبرد نزدن مردم به سهمیه آب آن، بیانگر احترام و

ارج مندی خاص آن حیوان، در نزد خداوند است.

عقر شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۱،۲،۴

۱ کافران قوم ثمود ناقه صالح را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فَعَقَرُوا

الناقه و عتوا عن أمر ربهم

<عقر> به معنای مجروح ساختن است و آنگاه که گفته شود <عقر الفرس و البعير>، یعنی پای آن را قطع کرد. (برگرفته از لسان العرب) و در مجمع البیان آمده <عقر> به جراحی گفته می شود که مایه هلاکت گردد.

۲ کافران قوم ثمود با پی کردن ناقه صالح، فرمان خداوند را سرپیچی کردند و مردمی متجاوز شناخته شدند.

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ

مراد از <أمر ربهم> همان است که در آیه ۷۳ مطرح شده بود یعنی: زیان نرساندن به ناقه و آزادگذاری آن برای چریدن.

۴ کفرپیشگان قوم ثمود پس از کشتن ناقه صالح، از وی خواستند تا تهدیدش (نزول عذاب دردناک) را به اجرا گذارد.

قَالُوا يَصْلِحْ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

مراد از <ما تعدنا> عذابی است که در آیه ۷۳ (فأخذكم عذاب أليم) بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۵

۵ کافران قوم ثمود پس از تمام شدن حجت بر آنان و اصرارشان بر کفرورزی و از میان بردن ناقه صالح به هلاکت رسیدند.

قال المأذون الذين استكبروا... فأخذتهم الرجفة

کلمه <فاء> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر حقایق بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد که از آنهاست کفرورزی قوم صالح، پی کردن ناقه و... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۱

۱ صالح (ع) پس از حتمی شدن نزول عذاب الهی بر اثر پی کردن ناقه،

از قوم خویش فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت .

فتولی عنهم

جمله <تولی عنهم> عطف بر <فَعَقَرُوا النّاقَةَ> در آیه ۷۷ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۱،۳،۴،۶،۸

۱ - توطئه قوم ثمود ، برای از میان بردن ناقه صالح

فنادوا صاحبهم فتعاطی فعقر

۳ - تصمیم بدون اندیشه و به دور از تدبیر قوم ثمود ، در از میان بردن معجزه الهی (ناقه) *

فنادوا صاحبهم

به کار رفتن <فاء> در <فنادوا> به جای <ثم> یا حرف دیگر احتمال دارد بیانگر بی تأملی قوم ثمود در کشتن ناقه باشد.

۴ - انتخاب فردی خاص و استمداد از او از سوی قوم ثمود ، برای کشتن ناقه صالح

فنادوا صاحبهم

۶ - کشنده ناقه صالح ، پذیرای پیشنهاد قوم ثمود ، در کشتن ناقه بدون هیچ تأمل *

فتعاطی فعقر

کاربرد عبارت های <فتعاطی> و <فَعَقَرُوا> با <فاء>، بیانگر عدم تراخی در قبول و سرعت در عملی ساختن قتل ناقه می باشد.

۸ - تحقق توطئه کشتن ناقه صالح ، به وسیله فردی واحد

فعقر

واژه <عقر> (به صورت مفرد) می رساند که هر چند جمع کثیری در توطئه قتل ناقه شرکت داشتند، اما اجرای آن به وسیله فردی واحد صورت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - > عن عبد الله بن زَمَعَه قال : خطب رسول الله (ص) فذكر الناقه و ذكر الذی عقرها فقال : > إذ انبعث أشقاها < قال : انبعث لها رجل عارم عزيز منيع في رهطه ;

عبدالله بن زَمَعَه روایت کرده که

رسول خدا(ص) خطبه خواند و از ناقه [ثمود] و کسی که آن را پی کرد، سخن گفت و فرمود: [خداوند فرموده] >إذ انبعث أشقاها< مردی برای پی کردن ناقه [صالح] تحریک شد که زشت خو و مردم آزار و در قبیله خود عزیز و مورد حمایت بود.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۲

۲ - قوم ثمود ، ناقه صالح را پی کرده ، آن را به هلاکت رساندند .

ففقروها

زمانی که با شمشیر بر پاهای شتر یا اسب، ضربه وارد کنند، گفته می شود: >عَقَرْتُ< (صحاح اللغة). گاهی فعل >عقر< در موردی به کار می رود که آن را >نحر< کرده باشند. (مصباح)

فلسفه خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۱

۱ خداوند شتر و گاو نر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

و هو الذى أنشأ .. و من الإبل اثنين و من البقر اثنين قلء الذكركين حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۲

۲- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۲

۲ - شتر ، گاو و گوسفند ، برای انسان و در خدمت او است .

كلوا وارعوا أنعمكم

به شتر، گاو و گوسفند <أنعام> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس -

۳ - خداوند برخی از دام‌ها (چون شتر و گاو) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

فمنها رکوبهم

<من> در <فمنها> برای تبعیض است؛ یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

۵ - خداوند، شتر، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید .

و منها يأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۱،۳

۱ - خداوند، دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان‌ها آفریده است .

اللّٰه الذی جعل لکم الأنعم

لام در <لکم> برای تعلیل است؛ یعنی، به خاطر شما، <أنعام> (جمع <نَعْمٌ>) در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع <شتر، گاو و گوسفند> به کار می‌رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

۳ - خداوند، شتران را به خاطر منافع و مصالح انسان‌ها آفرید .

اللّٰه الذی جعل لکم الأنعم

جمله <و علیها و علی الفلک تحملون> در آیه بعد، قرینه است بر این که مقصود از <أنعام> می‌تواند تنها شتران (معنای اصلی این واژه) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۲،۳،۴

۲ - تأمین خواسته‌ها و نیازهای بشر در سیر و سفر خویش، از حکمت‌های آفرینش شتران

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

۳ - سوار شدن و تأمین خواسته‌ها و نیازهای بشر در سیر و سفر خویش، حکمت اصلی آفرینش شتران

لتركبوا منها .. و لتبلغوا عليها

حاجه فی صدور کم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام تعلیل تنها بر سر <لترکبوا> و <لتبلغوا..> آمده است نه برای منافع دیگر و حمل و نقل.

۴- دست یابی به خواسته ها و مقاصد مهم بشر (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و...) از حکمت های آفرینش شتران*

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدور کم

تنوین <حاجه> برای تفریح است و مقید شدن حاجت به <فی صدور کم> (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و...) می باشند.

فواید پشم شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۹

۹- پشم، کرک و موی دام ها (شتر، گاو و گوسفند) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، متناسب با زیست طبیعی انسان است.

جعل لکم من الأنعم... تستخفونها... أثنا و متعا

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

فواید پوست شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵،۶

۵- آفرینش دام ها (شتر، گاو و گوسفند)، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل

انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله .. جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً

فواید شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۱

۱ خداوند شتر و گاو نر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

و هو الذى أنشأ .. و من الإبل اثنين و من البقر اثنين قل ءالذکرین حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱۶

۱۶ شتر وسیله متعارف حمل کالا ، در مصر و کنعان باستان

و نزداد کیل بعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۴

۴- دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، دارای فواید و منافع گوناگون برای انسان

و الأنعم خلقها لكم فیها دفء و منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۱،۲

۱- حمل بارهای سنگین و طاقت فرسای انسان به شهرها و مناطق بسیار دوردست ، از فواید خلقت شتر است

و الأنعم خلقها لكم . . . و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بالغيه إلا بشقّ الأنف

مراد از <بلد لم تكونوا بالغيه> جاهای بسیار دوردست و سختی است که انسان بدون مشقت و

سختی نمی تواند به آن جا برسد و <أنعام> اگرچه به معنای <گاو، شتر و گوسفند> است؛ ولی چون در بین دامها تنها شتر اوصاف مذکور در آیه (باربری به نقاط دوردست) را دارد، ضمیر <تحمل> به صورت <استخدام> به <شتر> که از جمله انعام مذکور در آیه قبل است باز می گردد.

۲- شتر وسیله حمل و نقل و تبادل کالا های تجارتي در عصر بعثت بوده است .

و تحمل أثقالکم إلى بلد لم تكونوا بلغیه إلى بشقّ الأنفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۱،۶

۱- وجود و کارایی دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای انسان ، آکنده از درس ها و عبرت هایی از تقدیر و تدبیر الهی است

و إنّ لکم فی الأنعم لعبره

<أنعام>؛ یعنی، گله های شتر، گاو و گوسفند. <عبره> و <اعتبار> نیز به معنای پند گرفتن و اندرز یافتن است.

۶- شتر ، گاو و گوسفند ، از منابع درآمد و امرار معاش انسان

و منها تأکلون

جمله <و منها تأکلون> (از آنها می خورید) می تواند تعبیر کنایی از ارتزاق و کسب درآمد باشد؛ چنان که گفته می شود <فلانی از حرفه اش می خورد> که مقصود این است که فلانی از حرفه اش زندگی کرده کسب درآمد می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۱

۱- امکان بهره‌وری بشر از شتران و کشتی ها در جهت سواری و حمل و نقل ، نمونه ای دیگر از تدبیر الهی

و علیها و علی الفلک تحملون

ضمیر

در <علیها> به أنعام بازمی گردد و مراد از آن به قرینه <تحمّلون> تنها شتران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۶

۶- شتر، گاو و گوسفند، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أولم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن <أنعام> از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۳

۳- خداوند برخی از دام ها (چون شتر و گاو) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است.

فمنها رکوبهم

<من> در <فمنها> برای تبعیض است، یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۱

۱- شتر، گاو و گوسفند علاوه بر خوردن و سوار شدن دارای منافع بسیار و انواع سود ها برای بشر است.

فمنها رکوبهم و منها یا کلون . و لهم فیها منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۸،۹

۸- بهره مندی انسان ها، فلسفه آفرینش دام ها (شتر، گاو، گوسفند و بز)

و أنزل لكم من الأنعم

۹- دام ها (شتر، گاو، گوسفند و بز) دارای اهمیت و نقش ویژه

در تغذیه و بهره‌وری انسان‌ها

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

از اختصاص به ذکر یافتن دام‌ها از میان دیگر حیوانات و نعمت‌های خدادادی، به وقت سخن گفتن از آفرینش انسان‌ها، می‌توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۴

۴ - خداوند، برخی از دام‌ها (چون شتر) را برای سوار شدن و برخی دیگر (مانند گوسفند) را به منظور خوردن انسان‌ها آفریده است.

الأنعم لتركبوا منها و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۴، ۳، ۲

۲ - تأمین خواسته‌ها و نیازهای بشر در سیر و سفر خویش، از حکمت‌های آفرینش شتران

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

۳ - سوار شدن و تأمین خواسته‌ها و نیازهای بشر در سیر و سفر خویش، حکمت اصلی آفرینش شتران

لتركبوا منها .. و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام تعلیل تنها بر سر <لتركبوا> و <لتبلغوا..> آمده است؛ نه برای منافع دیگر و حمل و نقل.

۴ - دست‌یابی به خواسته‌ها و مقاصد مهم بشر (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و...) از حکمت‌های آفرینش شتران*

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

تنوین <حاجه> برای تفریح است و مقید شدن حاجت به <فی صدورکم> (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی

و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و ..) می باشند.

۵- شتران و کشتی ها، از وسایل فراهم شده از سوی خداوند، برای حمل و نقل انسان ها در دریا و خشکی

و علیها و علی الفلک تحملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۶

۶- شتر، حیوانی سودمند برای انسان و نعمتی الهی است.

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

یاد کردن از مخلوقی خاص، برای ترغیب انسان به تفکر نشان تأثیر مثبت این مخلوق، در زندگانی انسان ها است.

فواید شیر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۵

۵- شیر شتر، گاو و گوسفند نوشیدنی، سالم و سهل التناول است.

و إن لكم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبناً خالصاً سائغ

<خالصاً> (پالوده از هر چیز) حکایت از سلامت آن و <سائغاً> (آسان جریان یابنده) حکایت از سهل التناول بودن آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۲

۲- شتر، گاو و گوسفند، دارای نوشیدنی های بسیار برای انسان

و مشارب

فواید کرک شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۹

۹- پشم ، کرک و موی دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ،

متناسب با زیست طبیعی انسان است .

جعل لكم من الأنعم . . . تستخفونها ... أثنا و متعا

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

فواید موی شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۹

۹- پشم، کرک و موی دامها (شتر، گاو و گوسفند) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، متناسب با زیست طبیعی انسان است .

جعل لكم من الأنعم . . . تستخفونها ... أثنا و متعا

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

قتل شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۱،۷

۱ کافران قوم ثمود، با نادیده گرفتن هشدارهای صالح (ع)، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

ففقروها

<عقر> (مصدر عقروا) در اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است؛ به نحر کردن و کشتن شتر نیز <عقر> گفته می شود.

۷ > عن أبي عبد الله (ع) (في حديث قوم صالح) ... قالوا: اعقروا هذه الناقة ... ثم قالوا: من الذي يلي قتلها و نجعل له جعلاً ما أحب، فجاءهم رجل ... شقى

من الأشقياء... فجعلوا له جعلاً... فقعد لها في طريقها فضربها بالسيف ضربه فلم تعمل شيئاً فضربها ضربه أخرى فقتلها... و
أقبل قوم صالح فلم يبق أحد منهم إلا شرکه في ضربته... فأوحى الله تبارك و تعالی إلى صالح (ع)... قل لهم: إني مرسل
عليکم عذابی إلى ثلاثة أيام فإنهم تابوا و رجعوا قبلت توبتهم و صدقت عنهم... فأناهم صالح (ع) فقال لهم: ... یا قوم
إنکم تصبحون غداً و جوهکم مصفرّہ والیوم الثانی و جوهکم محمرّہ والیوم الثالث و جوهکم مسودّہ... ;

از امام صادق(ع) [در داستان قوم صالح] روایت شده که [قوم او] گفتند: این شتر را از پای در آورید... سپس گفتند: چه کسی
داوطلب کشتن آن می شود ما برای او دستمزدی که دلخواهش باشد قرار می دهیم. پس مردی که از اشقیاء بود، نزد آنان آمد
... و دستمزدی برای او قرار دادند. پس آن مرد در راه شتر کمین کرد و ضربتی بر آن وارد کرد که کارساز نبود و با ضربتی
دیگر او را کشت... و قوم صالح آمدند و تمامی آنها [با پرداخت اجرت] در ضربه ای که آن مرد زده بود، خود را سهیم
کردند... پس خدا به صالح وحی کرد که به آنان بگو من تا سه روز عذاب خود را بر شما خواهم فرستاد. پس اگر [در این
سه روز] آنان توبه کردند و برگشتند، توبه آنها را می پذیرم و از [عذاب] آنان منصرف می شوم

... پس صالح نزد قومش آمد و گفت... ای قوم! فردا صبح صورتهای شما زرد می شود و روز دوم سرخ و روز سوم سیاه می گردد...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱

۱ قوم ثمود ، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه ، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند .

فلما جاء أمرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۴

۴ کشتن ناقه صالح ، از ستمگری های قوم ثمود بود .

و أخذ الذين ظلموا الصيحه

از آن جا که کشتن ناقه صالح نیز در نزول عذاب دخیل بود ، معلوم می شود ظلم در <الذين ظلموا> اشاره به کشتن ناقه نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۱،۳،۸

۱ - اقدام ثمودیان به پی کردن ناقه صالح ، علی رغم هشدار وی

و لاتمّسوها بسوء... فعقروها

<عَقَرُوا> (مصدر <عقروا>) به معنای پی کردن و <أصبحوا> معادل <صاروا> است.

۳ - هم دلی و هم گامی ثمودیان در کشتن ناقه صالح

فعقروها فأصبحوا ندمین

با توجه به این که ناقه صالح، تنها به وسیله یک تن از ثمودیان پی شد، جمع آمدن <عقروا> و نیز <أصبحوا ندمین>، می

رساند که همه قوم ثمود در کشتن ناقه دست داشتند و یا بدان راضی بودند.

۸ - > عن علی (ع) : . . . : إِنْما عقر ناقه ثمود رجل واحد فعَمَّهم الله بالعذاب لماعموه بالرضی فقال سبحانه >

فَعَقَرُوهَا فَاصْبِحُوا نَادِمِينَ <...>

از حضرت علی(ع) روایت شده است:.. پی کننده ناقه قوم ثمود یک نفر بود؛ در حالی که خداوند عذاب را بر همه آنان فرستاد؛ چون آنان به عمل آن یک نفر راضی بودند. خداوند سبحان می فرماید: <فَعَقَرُوهَا فَاصْبِحُوا نَادِمِينَ>...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۲

۲ - نتیجه بخش نبودن پشیمانی ثمودیان ، پس از کشتن ناقه صالح

فَعَقَرُوهَا فَاصْبِحُوا نَادِمِينَ . فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ

قداست شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۳

۳ - ناقه صالح ، حیوانی با عظمت و دارای حرمتی ویژه در پیشگاه خداوند

ناقه الله

استناد <ناقه> به <الله> و عنایت ویژه به آزار ندیدن آن و توصیه به دستبرد نزدن مردم به سهمیه آب آن، بیانگر احترام و ارج مندی خاص آن حیوان، در نزد خداوند است.

قدرت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۳

۳- قدرت فوق العاده شتر در پیمودن راه های طولانی و دشوار و حمل بار های سنگین

و تحمل أثقالکم إلى بلد لم تکنوا بلغیه إلاّ بشقّ الأنفس

قوم ثمود و شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۱

۲۱ صالح (ع) بر حذر دارنده قوم ثمود از زیان رساندن به ناقه

و لاتمسوها بسوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۱،۲

۱ کافران قوم ثمود ، با نادیده گرفتن

هشدار های صالح (ع) ، ناچه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فَعْقُرُوهَا

<عقر> (مصدر عقروا) در اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است؛ به نحر کردن و کشتن شتر نیز <عقر> گفته می شود.

۲ قوم ثمود ، با پی کردن ناچه صالح و از میان بردن آیت رسالت او ، عذاب الهی را برای خویش قطعی ساختند .

فَعْقُرُوهَا فِقَالٍ تَمْتَعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱

۱ قوم ثمود ، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه ، از کشتن ناچه اظهار ندامت نکردند و بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند .

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۶،۷،۸

۶ - صالح پیامبر (ع) ، موظف به صبر و انتظار برای مشاهده عکس العمل قومش در برابر معجزه (ناچه)

إِنَّا مَرَّسَلُوا النَّاقَةَ .. فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ

۷ - تذکر خداوند به صالح (ع) ، برای آماده بودن در قبال عکس العمل ناشایست قوم ثمود پس از مشاهده معجزه

فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ

امر <فارتقبهم و اصطبر> در حقیقت تذکر به صالح (ع) است که انتظار نداشته باشد قوم حق ستیز ثمود با دیدن معجزه او، دست از عناد و لجاج بردارند؛ بلکه [شایسته است] وی به نظارت بنشیند و آماده عکس العمل های ناروای آنان باشد و خویشتن داری کند.

۸ - اخبار الهی از برخورد های توطئه آمیز و مخفیانه قوم ثمود ،

در برابر معجزه الهی *

فارتقبهم

با توجه به این که در واژه <فارتقب> ریزنگری و نظارت دقیق نهفته است، احتمال می رود این فرمان، در مقام بیان حرکت های مرموز قوم ثمود در برابر معجزه ای باشد که برای آنان عطا خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۲

۲ - نارضایتی قوم ثمود، از وجود ناقه و سهمیه بندی آب

أَنَّ الْمَاءَ قَسَمَهُ بَيْنَهُمْ... فنادوا صاحبهم

<فاء> در <فنادوا> تصمیم قتل ناقه را متفرع بر <أَنَّ الْمَاءَ قَسَمَهُ> کرده است؛ یعنی، چون چنین قانونی وضع شد، آنان بر آشفتنند و کمر به قتل ناقه بستند.

کفاره صید شتر مرغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر، کفاره شکار شتر مرغ، گاو، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعمه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

کیفر اذیت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - تهدید ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به عذاب و کیفر سخت الهی در صورت رساندن هرگونه گزندى به ناقه

و لا تمسوها بسوء فیاخذکم عذاب یوم عظیم

کیفر اضرار به شتر صالح(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۲

۲۲ صالح (ع) قوم خویش را به گرفتار آمدن به عذابی دردناک ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداري آن از چريدن ، هشدار داد .

فذرّوها تأكل في أرض الله ولا تمسوها بسوء فيأخذكم عذاب أليم

کیفر عقر شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن نُبّاتَه قال : سمعت أمير المؤمنين (ع) على منبر الكوفة يقول : .. أئبها الناس إنّما عقر ناقه صالح واحد فأصابهم الله بعذابه بالرضا و آیه ذلك قوله عزّوجلّ > .. فعقروها فدمدم عليهم ربّهم بذنبيهم فسوّبها ... < ;

أصيّب بن نُبّاتَه گوید: شنیدم از امیرالمؤمنین(ع) که بر منبر کوفه می فرمود: > .. ای مردم! همانا ناقه صالح را یک نفر [از قوم] ثمود [پی] کرد؛ ولی خداوند همه آن قوم را به عذاب خود دچار کرد؛ چون به کار آن شخص راضی بودند و دلیل این مطلب سخن خداوند عزّوجلّ است >... فعقروها فدمدم عليهم ربّهم بذنبيهم فسوّاها...<».

کیفر قتل شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۱

۱ - نزول عذاب فراگیر الهی بر ثمودیان ، در پی کشتن ناقه صالح

فعقروها .. فأخذهم العذاب

کیفر هلاکت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند ، بر قوم ثمود به جهت کشتن ناقه

، عذابی فراگیر نازل کرده ، اعضای بدن آنان را از هم متلاشی ساخت .

فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم

اطلاق <دمدمه> که بر پوشاندن و فراگیری دلالت دارد بر هلاکت ثمودیان، به جهت آن بود که خداوند، آنان را با عذاب و هلاکت پوشاند (مقایس). جمله <دمدمت الشیء> که گاهی با حرف <علی> و گاهی بدون آن استعمال می شود (قاموس) زمانی کار برد دارد که چیزی را به زمین کوبیده و آن را شکسته و قطعه های آن را پراکنده سازند. (صحاح اللغه)

کیفیت خروج شیر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۶ - ۲

۲- خداوند ، بیرون آورنده شیر خالص از میان خون و سرگین های داخل شکبه شتر ، گاو و گوسفند جهت استفاده انسانها

و إن لكم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبناً خالصاً سائغ

<فرث> سرگینی است که داخل شکبه است و هنوز از آن خارج نشده است.

گناه عقرب شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۹

۹ - کشتن ناقه صالح ، گناهی بزرگ و دامنگیر تمام ثمودیان

فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم

بزرگی گناه قوم ثمود، از کیفر سنگین آنان به دست می آید.

گوشت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۱۴، ۵

۵ حلیت برخی از خوردنی ها (شتر و شیر آن) بر مسلمانان ، مورد اعتراض یهود

كل الطّعام كان حلا لبني اسرائيل . . ان كنتم صادقين

در شأن نزول

آیه آمده است که یهودیان برای ردّ سخن پیامبر (ص) که خود را بر آیین ابراهیم (ع) می دانست گفتند: با آن که گوشت شتر در آیین ابراهیم (ع) حرام بوده چرا در آیین اسلام تحریم نشده است؟

۱۴ حلیت همه خوردنی ها بر بنی اسرائیل ، جز گوشت شتر که اسرائیل (ع) (یعقوب) قبل از نزول تورات بر خود حرام کرده بود .

کل الطعام کان حلالاً لبني اسرائيل الا ما حرم اسرائيل على نفسه

امام صادق (ع): .. ان اسرائیل کان اذا اکل من لحم الابل هیّج علیه وجع الخاصره فحرّم علی نفسه لحم الابل و ذلک قبل ان تنزل التوراه.

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹؛ بحارالانوار، ج ۹، ص ۱۹۱، ح ۳۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۱۳

۱۳ گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم طیبات أحلت لهم

امام صادق (ع) درباره <طیبیت> در آیه فوق فرمود: .. یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم ...

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۲، ح ۶۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۳

۳ خداوند گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم .. کلووا مما رزقکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۵

۵ - گوشت دام ها

(شتر ، گاو و گوسفند) ، یکی دیگر از منابع تغذیه انسان

و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۵

۵ - جواز خوردن گوشت شتر ، گاو و گوسفند

الأنعم . . . و منها تأکلون

مالکیت بر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۳

۳ - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمکم

<أنعام> جمع <نعم> است. این کلمه در مورد شتر، گاو و گوسفند به کار می رود؛ هر چند مفرد آن تنها در مورد شتر کاربرد دارد (لسان العرب). اضافه شدن <أنعام> به ضمیر <کم>، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

محافظة از شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۷

۷ - لزوم حفاظت از ناقة صالح و رعایت برنامه شرب آن ، دستوری از جانب خداوند بود .

فقال لهم رسول الله ناقة الله و سقيها

وصف <رسول الله>، نشانگر الهی بودن دستور است.

مسافرت با شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۲،۳،۵

۲ - تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، از حکمت های آفرینش شتران

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

۳ - سوار شدن و تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، حکمت اصلی آفرینش شتران

لترکبوا

منها .. و لتبلغوا عليها حجه في صدوركم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام تعلیل تنها بر سر <لترکبوا> و <لتبلغوا..> آمده است؛ نه برای منافع دیگر و حمل و نقل.

۵- شتران و کشتی ها ، از وسایل فراهم شده از سوی خداوند ، برای حمل و نقل انسان ها در دریا و خشکی

و علیها و علی الفلک تحملون

معجزه شتر صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۱،۲

۱ پیدایش شتری به اراده خداوند و بدون جریان اسباب و علل عادی ، معجزه صالح (ع) برای اثبات رسالت خویش

و یقوم هذه ناقه الله لكم آیه

۲ ناقه صالح ، آیه و معجزه ای بزرگ و دارای اهمیتی خاص بود .

هذه ناقه الله لكم آیه

اضافه <ناقه> به <الله> علاوه بر اینکه اشاره به پیدایش ناقه صالح بدون جریان علل عادی دارد ، گویای عظمت و بزرگی ناقه نیز می باشد.

منافع خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۰ - ۳

۳- آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافی درخور توجه برای انسان ها است .

أفلا ينظرون إلى ... و إلى الأرض كيف سطحت

آیه شریفه، گرچه توجه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است؛ ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه

سودمند بودن آنها به حال آنان است.

منشأ پیدایش شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳

۱ خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

<ثمنیه ازواج> می تواند بدل برای <حموله و فرشا> باشد که خود مفعول <أنشأ> می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <أنشأ من الأنعام ثمنیه ازواج>.

منشأ تسخیر شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) را رام انسان و در خدمت او قرار داده است .

أنا خلقنا لهم أنعمًا .. و ذللنا لهم

<تذلیل> (مصدر <ذللنا>) به معنای خوار کردن و به خضوع و اداشتن چیزی است. و مقصود از آن در آیه شریفه، رام کردن و در اختیار قرار دادن انعام برای بشر است.

منشأ هلاکت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۵

۵ - باور نداشتن رسالت صالح (ع) و بی اعتمادی به هشدار های او در مورد ناقه و آب شرب آن ، مایه اقدام بی پروای قوم ثمود به از میان بردن ناقه شد .

فكذبوه فعقروها

نحر شتر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعیم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به

اعتقاد همه مفسران مراد از <انعام> در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که <بهمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

نحر شتر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۸،۹

۸ - لزوم به صف کردن شتران قربانی و نحر هم زمان آنها ، همراه ذکر نام خدا

فاذکروا اسم الله علیها صواف

<صواف> جمع <صافه> حال از ضمیر <علیها> و از مصدر <صَفَّ> (گروهی را در کنار هم و در یک امتداد مستقیم به نظم در آوردن) مشتق شده است؛ یعنی، پس نام خدا را بر شتران (به هنگام نحر کردن آنها) در حالی که در امتداد مستقیم به نظم در آمدند ببرید.

۹ - لزوم بستن دست ها و پا های شتران قربانی ، به هنگام نحر کردن آنها

فاذکروا اسم الله علیها صواف

با توجه به این که هنگام نحر کردن شتر برای این که بر اثر وارد شدن فشار کارد فرار نکند، ابتدا دستها و پاهایش را کنار هم قرار می دهند و دور آنها را طناب می پیچند و سپس آن را نحر می کنند <صواف> را می توان چنین معنا کرد: در حالی که دستها و پاهایشان را کنار هم قرار دادید و با طناب بستید آنها را نحر کنید.

نحر شتر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۱

۱۱ - برگزیدن گران بهاترین حیوان اهلی (شتر) برای قربانی ،

واکنشی بایسته از سوی پیامبر (ص) ، در سپاس گزاری از کوثر عطا شده به آن حضرت

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ .. وانحر

نعمت پوست شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۶

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً

نعمت رام بودن شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۶، ۱۴

۱۴ - رام بودن شتر برای انسان ، از نعمت های خدا

كذلك سخّرها لكم

۱۶ - نعمت های خداوند شایسته شکر و سپاس گزاری

و البدن .. سخّرها لكم لعلكم تشكرون

نعمت زوجیت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۷

۷- آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

<أنعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است.
<أزواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

نعمت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - شتر ، گاو

و گوسفند ، روزی انسان ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۸

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، روزی انسان ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۳ - ۴

۴ - دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و فرزندان ، از نعمت ها و امداد های الهی به بشر

أمدکم بأنعم و بنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۶

۶ - شتر ، گاو و گوسفند ، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أولم یروا أننا خلقنا لهم مما عملت أیدینا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن <أنعام> از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۴

۴ - شیر و منافع بسیار شتر ، گاو و گوسفند ، نعمتی الهی و شایسته سپاس و شکرگزاری است .

و لهم فیها منفع و مشارب أفلاشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - شتر ، حیوانی سودمند برای انسان و نعمتی الهی است .

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

یاد کردن از مخلوقی خاص، برای ترغیب انسان به تفکر نشان تأثیر مثبت این

مخلوق، در زندگانی انسان ها است.

نقش شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۶، ۱۲

۱۲- < ناقه > معجزه ای روشنگر و اثبات کننده حق برای قوم ثمود بود .

و ءاتینا ثمود الناقه مبصره

<مبصره> به صیغه اسم فاعل و متعدی است و معنای آن چنین است: ناقه ثمود برای ایجاد بینش و بصیرت در مردم بود.

۱۶- ناقه قوم ثمود ، از جمله آیات الهی برای اخطار به آنان به خاطر حق ناپذیریشان

و ءاتینا ثمود الناقه .. و ما نرسل بالآیت إلا تخویفاً

نهی از اذیت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۵

۵ صالح (ع) ، برحذر دارنده قوم ثمود از ایجاد هرگونه مزاحمت و آزاررسانی به ناقه

و لاتمسوها بسوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۱

۱ - هشدار صالح (ع) به ثمودیان ، نسبت به رساندن هرگونه گزندی به ناقه

و لاتمسوها بسوء .. یوم عظیم

<مس> (مصدر <لاتمسوا>) با <باء> تعدیه به معنای رساندن و وارد کردن است. <سوء> نیز معادلِ آسیب، بدی و گزند است و قرار گرفتن آن در سیاق نهی، افاده عموم می کند؛ یعنی، مبادا به او گزندی برسانید.

نهی از بی اعتنایی به شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۶

۶ - حضرت صالح (ع) ، قوم ثمود را از بی توجهی به ناقه و برنامه آب خوردن آن

، برحذر داشت .

فقال لهم رسول الله ناقة الله و سقيها

عامل نصب <ناقه الله>، فعلی است که بر تحذیر دلالت دارد (نظیر <احذروا>). کلمه <سقیها> عطف بر آن است و مراد، برحذر داشتن مردم از آزاررسانی و منع آب است.

ویژگیهای خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۷

۷- آفرینش شتر، با ویژگی های برجسته آن، نشان قدرت خداوند بر اعاده انسان ها است .

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

با توجه به این که آغاز سوره با یاد قیامت شروع شده، این آیات نیز ناظر به معاد و امکان آن خواهد بود.

ویژگیهای شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۳

۳- قدرت فوق العاده شتر در پیمودن راه های طولانی و دشوار و حمل بار های سنگین

و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بلغيه إلا بشقّ الأنفس

ویژگیهای شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۵

۵ - ناقة صالح، دارای جثه ای خارق العاده و بس عظیم *

قال هذه ناقة لها شرب و لكم شرب يوم معلوم

از این که آب آشامیدنی منطقه نمود، سهمیه بندی می شود (یک روز سهم ناقه صالح و روز دیگر سهم همه مردم نمود) می توان دریافت که آن ناقه از جثه ای چنان بزرگ برخوردار بود که به تنهایی به اندازه همه نمودیان و چهارپایانشان، آب می نوشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۸ -

۵ - ناقه صالح ، حیوانی خارق العاده در هیکل و مصرف آب *

أَنَّ الْمَاءَ قَسَمَهُ بَيْنَهُمْ

برداشت یاد شده در صورتی است که نیمی از آب سهم ناقه باشد و ناقه آن سهم را تماماً مصرف کرده باشد.

هجرت با شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۴

۴ - دست یابی به خواسته ها و مقاصد مهم بشر (چون هجرت ، جهاد ، کسب دانش و ...) از حکمت های آفرینش شتران *

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

تنوین <حاجه> برای تفخیم است و مفید شدن حاجت به <فی صدورکم> (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و ..) می باشند.

هدفداری خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۳

۳ - شتر ، مخلوق خداوند و آفریده ای هدف دار است .

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ

در آیه شریفه، گرچه سخن از آفریننده شتر به میان نیامده است؛ ولی سیاق آیات که در مقام برشمردن نعمت های خداوند، توجه دادن انسان به قدرت مندی او و ضرورت معاد می باشد بیانگر این است که خداوند، آن را خلق کرده و آفریدن آن لغو نبوده است.

هلاکت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۲،۴،۷

- قوم ثمود ، ناقه صالح را پی کرده ، آن را به هلاکت رساندند .

فَعْقَرُوهَا

زمانی که با شمشیر بر پاهای شتر یا اسب، ضربه وارد کنند، گفته می شود: <عَقَرْتُ> (صحاح اللغه). گاهی فعل <عقر> در موردی به کار می رود که آن را <نحر> کرده باشند. (مصباح)

۴- قوم ثمود ، برای دستیابی به آب اختصاصیِ ناقه صالح ، آن را هلاک کردند .

و سقیها .. فَعْقَرُوهَا

بیان هشدار به ثمودیان، در مورد آب شربِ ناقه و آن گاه سخن گفتن از تکذیب و عقر، نشانگر آن است که انگیزه قوم ثمود از پی کردن ناقه، چشم داشت آنان به آب مورد نیاز آن بوده است.

۷- کشتن ناقه صالح ، جلوه طغیان گری قوم ثمود

كذبت ثمود بطغویها .. فكذبوه فَعْقَرُوهَا

هماهنگی عاقر شتر صالح(ع) و قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۷

۷- صورت گرفتن نوعی مبادله و تفاهم ، میان قوم ثمود و کشنده ناقه صالح ، قبل از اجرای توطئه *

فتعاطی فَعْقَر

با توجه به این که واژه <فتعاطی> در ساختار باب تفاعل بیانگر نوعی داد و ستد متقابل است؛ احتمال می رود که قبل از کشتن ناقه میان قوم ثمود و کشنده ناقه، قرار دادی خاص صورت گرفته باشد.

شجاعت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شجاعت

اهمیت شجاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱۸

۱۸ لزوم ترس از خدا و نترسیدن از دشمنان دین

فلاتخشوهم و احشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۳۲ ضرورت درس آموزی عالمان یهود از انبیا، احبار و ربانیون، در خداترسی و بی پروایی از مردم

یحکم بها النبیون... فلا تخشوا الناس و اخشون

تفریع جمله <فلا تخشوا الناس> بر <یحکم بها النبیون> با کلمه <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

اهمیت شجاعت حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۸

۸- لزوم برخورداری حاکمان و متولیان جامعه، از ایمان راسخ و شجاعت و ایثار

فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

بنابر این که <تولیتم> به معنای عهده داری امور و مخاطب آن بیماردلان ترسو و سست ایمان باشد، از مفهوم آیه به مطلب بالا می توان ره برد.

اهمیت شجاعت رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۸

۸- لزوم برخورداری حاکمان و متولیان جامعه، از ایمان راسخ و شجاعت و ایثار

فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

بنابر این که <تولیتم> به معنای عهده داری امور و مخاطب آن بیماردلان ترسو و سست ایمان باشد، از مفهوم آیه به مطلب بالا می توان ره برد.

زمینه شجاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۹

۹ ترس از خداوند ، شجاعت آفرین و خنثی کننده هراس از دشمن

قال رجلان من الذين يخافون .. ادخلوا عليهم الباب

بیان شجاعت یوشع و کالب که از جمله <ادخلوا ..> به دست می آید پس از توصیف آنان به خداترس، می رساند که شجاعت و

نهراسیدن آنان از دشمن به سبب خداتر سیشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۹،۳۰

۲۹ توجه به نبود عظمت برای غیر خدا، مایه پروانکردن از مردم در اجرای احکام الهی

فلاتخشوا الناس و اخشون

۳۰ خداترسان، دلیر و بی باک در برابر خشم مردم از اجرای دستورات خداوند

فلاتخشوا الناس و اخشون

شجاعت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ ابراهیم(ع) با اعلام نهراسیدن از معبودهای مشرکان، بی پایگی منطق و تهدیدهای مشرکان را نشان داد.

و لا أخاف ما تشرکون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۴

۴- حضرت ابراهیم(ع) در مبارزه علیه بت پرستی، دارای عزمی راسخ و شجاعت بسیار بود.

تالله لأکیدن أضمنکم

تأکید کلام حضرت ابراهیم(ع) به وسیله <تاء> و <لام> قسم (تالله لأکیدن ..)، دلیل بر عزم راسخ آن حضرت است. اظهار چنین کلام مؤکدی در حضور بت پرستان که حرف خطاب <کم> در <أصنامکم> و نیز مخاطب آمدن فعل <تولوا> بر آن دلالت دارد گویای شجاعت بسیار ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۷

۷- ابراهیم (ع) ، نماد شجاعت و اسوه مبارزه با شرک و بت پرستی

و إذ قال إبراهيم لأبيه و قومه

از یادآوری داستان ابراهیم(ع)، اسوه بودن آن حضرت در مبارزه با بت پرستی و از موضع گیری ایشان در برابر جامعه خویش

حتی نزدیک ترین خویشاوندان خود شجاعت آن حضرت استفاده می شود.

شجاعت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۳

۳۳ پیامبران ، ربانیون و احبار ، الگوهای خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون .. فلاتخشوا الناس و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - شهامت و شجاعت در ابلاغ رسالت ، از صفات برجسته پیامبران الهی

و لقد أرسلنا .. فقال إني رسول ربّ العلمین

از این که موسی(ع) در کانون قدرت ستمگر عصر خویش، یک تنه نوای توحید سر می دهد و نیز با الغای خصوصیت از مورد، مطلب بالا استفاده می شود.

شجاعت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۵

۵ ساحران گرویده به موسی (ع) مؤمنانی در کمال شجاعت و شهامت

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا

شجاعت حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۷

۷ - حبیب نجار ، فردی شجاع و فداکار در راه دین و عقیده

لنرجمنکم و لیمسنکم منّا عذاب أليم . . . و جاء من أقصا المدینه رجل یسعی قال یق

دفاع حبیب نجار از پیامبران و توصیه به پیروی از ایشان، در شرایطی که آنان به سنگسار و شکنجه تهدید شده بودند، بیانگر برداشت یاد شده است.

شجاعت حزب الله

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۹

۹ حزب خدا، رهیده از بیم و نگرانی نسبت به سرنوشت خویش و مطمئن به آینده ای پیروز

فان حزب الله هم الغلبون

شجاعت خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - خواهر موسی، شجاع، زیرک و کاردان بود.

بصرت به عن جُنْب... قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

شجاعت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ لزوم استواری در برابر جنگ روانی دشمنان و نهراسیدن از استهزای آنان

و لقد استهزیء برسلمن قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یتهزون

شجاعت در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۳

۱۳ لزوم حضور فعال در میدان های نبرد علیه دشمنان راه خدا و بیم نداشتن از کشته شدن

یقتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون

شجاعت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۳

۳۳ پیامبران ، ربانیون و احبار ، الگوهای خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون . . . فلا تخشوا الناس و اخشون

شجاعت مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۴

۱۴ نقش سازنده یادآوری حماسه شجاعت و پایداری مجاهدان راه خدا و یاوران پیامبران

در پیکار و مبارزه

و کاین من نبی قاتل .. و الله يحب الصابرين

آیه شریفه با یادآوری حماسه <رَبِّيون>، در صدد سازندگی مسلمانان است تا دیگر بار همانند نبرد احد، سستی و زبونی به خود راه ندهند.

شجاعت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - رفتار محبت آمیز و با شفقت، در عین برخورد قاطع و دلیرانه، شیوه مبارزاتی پیامبر اسلام (ص)

قل يقوم اعمالوا .. فسوف تعلمون

برداشت یاد شده از تعبیر <ياقوم> که در موارد اظهار محبت به کار می رود به دست می آید.

شجاعت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲ - صراحت لهجه و شجاعت موسی (ع) در برابر فرعون

و إني لأظنك يفرعون مثبورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۴

۴ - موسی (ع)، فردی نترس و دارای اراده ای قوی و همتی والا

قال يقوم .. قال يهرون ... قال فما خطبك يسمری

موسی(ع)، پس از بازگشت از میقات، یک تنه و با استیضاح رئیس، مرئوس، فرد و گروه، با جو حاکم و غالب بر بنی اسرائیل درافتاد و با همه آنان از موضع قدرت سخن گفت. این برخورد، برخاسته از نیرویی وابسته به قدرت لایزال الهی بود.

شجاعت مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ - مؤمن آل فرعون ، برخوردار از شجاعت ، ایمان استوار

و فهم درست از دین

اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

اظهار ایمان و موضع گیری علنی مؤمن آل فرعون، علیه مواضع فرعونیان و نیز محتوا و چگونگی استدلال های او برای درستی مواضع خود، نشانگر برداشت یاد شده است.

شجاعت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۹

۱۹ جهاد در راه خدا و نهرا سیدن از سرزنش دشمنان ملامتگر ، ویژگی مؤمنان واقعی

يجهدون في سبيل الله و لا يخافون لومة لائم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - برخی از مؤمنان ، بر خلاف منافقان ، از جهاد و کشته شدن ، ترسی ندارند .

و إن يأت الأحزاب يوذوا لو أنهم بادون في الأعراب .. من المؤمنين رجال ... قضى ن

به قرینه مقابله، احتمال دارد که آیه، در صدد بیان روحیه مؤمنان در مقابل منافقان باشد. در آیات سابق، از منافقانی یاد شده است که از جهاد فرار می کردند و یا دوست داشتند که در صحنه جهاد، حضور نداشته باشند. در این آیه، از مؤمنانی یاد می کند که به عهد خود وفادار ماندند و تا پای جان ایستادند و این نشان می دهد که آنان، ترسی ندارند.

شجاعت هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۸

۸ نهرا سیدن هابیل از تهدید برادرش به قتل وی *

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی .. انی اخاف الله رب العلمین

تأکید هابیل بر ترس خویش از خداوند (انی اخاف)، می تواند اشاره به این باشد که از تهدید برادر، ترسی

به دل او راه نیافته است.

عوامل شجاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۷

۱۷ شجاعت و شهامت در برابر دشمنان دین ، از نشانه های ایمان و ویژگی مؤمنان

فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۵

۵ یادآوری امداد های الهی به مجاهدان راه خدا مایه نهراسیدن از مقابله با دشمنان دین

إذ تستغيثون ربکم فاستجاب لکم

هدف از یادآوری امداد های غیبی به مجاهدان، ترغیب مؤمنان به نهراسیدن از مبارزه با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۰ - ۳

۳ باور اهل ایمان به سرپرستی خدا و یاری او ، مایه نهراسیدن آنان از دشمنان دین و اجرای فرمان جهاد

فإن تولوا فاعلموا أن الله مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

جمله <فاعلموا .. > علاوه بر رساندن مضمون خود به منظور تقویت روحیه مسلمانان برای جهاد با دشمنان فتنه انگیز ایراد شده است.

عوامل شجاعت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۶،۹

۶ باور به معاد و بازگشت به خدا پس از مرگ ، عامل نه‌راسیدن ساحران مؤمن از مجازات‌ها و شکنجه‌های فرعون

إنا إلی ربنا منقلبون

۹ نجات از شرک و پذیرش ربوبیت خداوند ، عامل بی‌پروایی ساحران مؤمن در برابر مجازات‌ها و شکنجه‌های فرعون

إنا إلی ربنا منقلبون

در برداشت فوق‌جمله <إنا إلی ربنا منقلبون> توصیف تحولات عقیدتی ساحران

و انقلاب درونی آنان گرفته شده است. در این صورت مراد از آن جمله، بازگشت به خدا با رها شدن از باورهای باطل و پذیرش ربوبیت وی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۶

۶ - عقیده به معاد و بازگشت انسان به سوی خدا پس از مرگ ، عامل نهراسیدن ساحران مؤمن از مجازات مرگ

قال .. لأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ ... قَالُوا لِأَضْمِرِ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

شجره ملعونه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

تذکر شجره ملعونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۲

۲- حقیقتی که پیامبر (ص) از جانب خداوند در خواب دید و نیز شجره ملعونه در قرآن ، شایسته یاد و یادآوری است .

و إذ قلنا لك .. و الشجره الملعونه فی القرآن

پیش از حرف <إذ>، <اذکر> در تقدیر است و از این فرمان به دست می آید که آنچه خداوند به پیامبر(ص) یادآوری کرده، شایسته تذکر و یادآوری است.

شجره ملعونه در رؤیای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۲۲

۲۲- > عن علی (ع) قال : إن رسول الله (ص) أخذته نعسه و هو علی منبره ، فرأى فی منامه رجلاً - ینزون علی منبره نزوه القرده ، یردون الناس علی أعقابهم القهقری فاستوی رسول الله (ص) جالساً و الحزن یعرف فی وجهه فأتاه جبرئیل بهذه الأیه > و ما جعلنا الرؤیا التي أریناک إلا فتنة للناس و الشجره الملعونه فی القرآن .

... < یعنی بنی امیه ... >

از حضرت علی(ع) روایت شده است که فرمود: همانا رسول خدا(ص) بر منبر بود که لحظه ای خواب چشم او را ربود، پس در خواب دید مردانی را که چون بوزینگان بر منبر آن حضرت می جهند و مردم را به روش گذشتگانشان (دوران جاهلیت) باز می گردانند. پس پیامبر(ص) در حالی که نشسته بود به خود آمد و آثار حزن و اندوه در چهره اش نمایان شد. پس جبرئیل این آیه را برای حضرت آورد: < و ما جعلنا الرؤیا التي أريناك إلا فتنة للناس و الشجرة الملعونه فی القرآن ... > یعنی، بنی امیه...>.

فلسفه شجره ملعونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۸

۱۸- حقیقتی که در رؤیا به پیامبر (ص) ارائه شد و نیز طرح شجره ملعونه در قرآن، به منظور انذار و ترساندن مردم است.

و ما جعلنا الرؤیا التي أرينك إلا فتنة .. و الشجرة الملعونه فی القرآن و نحو

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مفعول بیواسطه ای برای <نحوّفهم> در تقدیر باشد همانند <بذلک>. بنابراین معنا چنین می شود: ما به وسیله اینها، مردم را انذار می کنیم.

مراد از شجره ملعونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۲۲

۲۲- < عن علی (ع) قال : إن رسول الله (ص) أخذته نعسه و هو علی منبره ، فرأى فی منامه رجالاً ینزون علی منبره نزوه القرده ، یردون الناس علی أعقابهم القهقري فاستوی

رسول الله (ص) جالساً و الحزن يعرف في وجهه فأتاه جبرئيل بهذه الآية > و ما جعلنا الرؤيا التي أريناك إلا فتنة للناس و الشجرة الملعونه في القرآن ... < يعني بنى أميه ... ;

از حضرت علی(ع) روایت شده است که فرمود: همانا رسول خدا(ص) بر منبر بود که لحظه ای خواب چشم او را ربود، پس در خواب دید مردانی را که چون بوزینگان بر منبر آن حضرت می جهند و مردم را به روش گذشتگانشان (دوران جاهلیت) باز می گردانند. پس پیامبر(ص) در حالی که نشسته بود به خود آمد و آثار حزن و اندوه در چهره اش نمایان شد. پس جبرئیل این آیه را برای حضرت آورد: > و ما جعلنا الرؤيا التي أريناك إلا فتنة للناس و الشجرة الملعونه في القرآن ... <؛ یعنی، بنی امیه...<.

نقش شجره ملعونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۵

۱۵- شجره ملعونه در قرآن ، وسیله آزمایش مردم

إلا فتنة للناس و الشجرة الملعونه في القرآن

شخصیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شخصیت

آثار شخصیت دنیوی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۲

۲- شخصیت و ماهیت اخروی انسان ، بازتاب و نمودی از شخصیت دنیوی اوست .

و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى

آسیب شناسی شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۳

۱۳- انسان فاقد روحیه عدالت خواهی ، انسانی گنگ و بی ارزش در بینش الهی *

أحدهما أبکم . . . و من

از تقابل <يأمر بالعدل> با <أبكم> مطلب فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۶

۶- پیروی انسان از ابلیس ، عامل از دست دادن کرامت انسانی و هم سنخ شدن با او

فمن تبعك منهم فإن جهنم جزاؤكم

التفات از خطاب مفرد به جمع، حکایت از آن دارد که پیروان شیطان، در ردیف او قرار گرفته و با او هم سنخ می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵ - ۶

۶- فقدان آگاهی و دانش ، زمینه ساز گرفتاری افراد و جوامع به تقلید های ناروا و کورکورانه

و قالوا اتخذ الله ولداً . ما لهم به من علم و لا لأبائهم

کلمه <لأبائهم> اشاره به این نکته دارد که پندارهای مشرکان، از سر تقلید بوده است و جمله <ما لهم به من علم و..> بر این نکته دلالت دارد که مشرکان و پدران شان، در گزینش این اعتقاد پایه های علمی نداشته اند. مجموع این دو قضیه، گویای آن است که <جهل> در کشاندن افراد و جوامع به تقلید کورکورانه، نقشی مهم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۵ - ۴،۶

۴- قرار گرفتن در متن نعمت های سرشار مادی ، زمینه غرور و انحطاط روحی و بینشی و اخلاقی انسان است .

و دخل جنته و هو ظالم لنفسه

۶- تحقیر تهیدستان و افراد بی مال و منال ، و غرور و سرمستی به اموال و امکانات ، در حقیقت ، تباه ساختن و سقوط دادن خویش

است .

فقال .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً ... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۵

۵ - تخلف و عصیان از فرمان های پروردگار ، موجب سقوط انسان و تنزل مقام او است .

و عصی ءادم .. قال اهبطا منها

جمله <ثم اجتباہ..> گرچه قبل از ماجرای هبوط ذکر شده است ولی براساس آیاتی که در سوره بقره گذشت، توبه آدم پس از هبوط بوده است. بنابراین جمله <قال اهبطا...> بیان مجازات عصیان آدم است و <ثم اجتباہ...> جمله معترضه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۵ - ۴

۴- روی گردانی از توحید و گرایش به شرک ، دگرگونی شخصیت و هویت انسانی و بازگشت به قهقرا است .

فقالوا إنکم أنتم الظلمون . ثم نکسوا علی رءوسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۱۵

۱۵ - پیروی از شیطان و ارتکاب فحشا و منکرات ، مانع از رشد و بالندگی و مایه ناپاکی و انحطاط انسان است .

لا تتبعوا خطوت الشیطن .. فإنه یأمر بالفحشاء و المنکر و لولا فضل الله علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ هواپرستی و شرک ، موجب سقوط انسان از منزلت انسانی خویش

أرءیت من اتخذ إلهه هویه .. إن هم إلا کالأنعم بل هم أضلّ سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵

۳ انسان ، من های دعا و عبادت ، فاقد ارزش و منزلت در پیشگاه خداوند است .

قل مایعْبُؤا بکم ربّی لولا دعاؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۸

۸ - ناشکیبایی در برابر دشمن ، زمینه خفیف و خوار شدن است . *

فاصبر . . . و لایستخفّنک الذین لایوقنون

احتمال دارد مراد از <إستخفاف> خفیف کردن و موهون کردن باشد، چنان چه در لسان العرب آمده است: <واستخفّه: طَلَبَ خِفَّتَه>. ذکر <ولایستخفّنک> پس از دستور به صبر، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که عدم صبر، خفت می آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۷

۷ - جهل و نادانی ، عامل کشیده شدن انسان به ورطه لهو و بیهودگی است .

یشتری لهو الحدیث . . . بغير علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۶ - ۴،۵

۴ - کفر و انکار معاد ، موجب نابودی و سقوط انسان

قال تالله إن کدت لتردین

۵ - تأثیر سوء هم نشینی با کافران و بدان ، تا آستانه هلاکت و سقوط کامل

قال تالله إن کدت لتردین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- تکبر و خودبرتربینی و سرپیچی از فرمان الهی ، موجب سقوط انسان از منزلت والا و طرد از درگاه الهی است .

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ . . قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - بی اعتقادی به علم گسترده الهی ، موجب انحطاط ، سقوط و نابودی انسان

أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ .. ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أُرْدِيكُمْ

<ارداء> (مصدر <اردی>) به معنای نابود کردن و هلاک ساختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۵

۱۵- انسان بد رفتار با پدر و مادر و نابور به وعده های الهی ، فاقد رشد و کمال *

أَلَيْسَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ .. وَ الَّذِي قَالَ لَوْلَدِيهِ أَفَّ ... مَا هَذَا إِلَّا أُسْطِيرِ الْأُولَيْنِ

با توجه به مقابله <والذی قال..> با <أولئک الذین نتقبّل...>، به دست می آید که بد رفتاران با والدین و نابوران به دین، در حقیقت از رشد و خرد بی بهره اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۶

۱۶- گناه ، مایه تیرگی قلب و رخت بستن صلاح از فکر و اندیشه انسان *

كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالِهِمْ

میان سیئات و عدم صلاح قلب، می تواند رابطه علی و سببی باشد. از تقدم سیئات استفاده می شود که عامل فساد فکر و اندیشه، گناهان است و با زدایش گناهان، اندیشه صلاح می یابد. این احتمال مبتنی است بر این که <بال> به معنای قلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۴

۴- کفر ، موجب سقوط انسان و از بین رفتن اعمال نیک وی *

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ

برداشت بالا بدان احتمال است که <أضلّ أعمالهم> نظر به حیط عمل داشته باشد؛

یعنی، اگر کافران عمل نیکی هم داشته باشند، پس از مرگ به کار آنان نخواهد آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱۰

۱۰- انسان حق گریز، فاقد ارزش های انسانی و خاصیت واقعی حیات

أولئك الذين .. فأصمهم و أعمى أبصرهم

کسانی که در نتیجه بیماری مشارالیه <أولئك> قرار گرفته اند به ظاهر گوش و چشم دارند اما خداوند در حقیقت این ابزار را برای آنان زاید و بی خاصیت قلمداد کرده است زیرا بهره نجستن از امکانات، چونان محرومیت از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۱۱،۱۲

۱۱ - جامعه بی فرهنگ بدوی، زاینده انسان های بی ارج و مسؤولیت گریز *

و کنتم قومًا بورًا

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که در این مجموعه آیات، به جای هر عنوان دیگری، تعبیر <الأعراب> مطرح شده و این تعبیر می تواند مشعر به علیت باشد. هم چنین واژه <کنتم> حکایت از دیرینه ای طولانی دارد و <قومًا> اشاره به حیثیت اجتماعی می تواند داشته باشد و واژه <بورًا> نیز به معنای بی خاصیتی و بیهودگی است.

۱۲ - پندار ها و نگرش های غلط، تباه کننده شخصیت و ارج انسانی

و ظننتم ظنَّ السوء و کنتم قومًا بورًا

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که ظن سوء، زمینه جمله بعد باشد، یعنی، از آن زمان که بدگمان شدید به فساد و تباهی کشیده شدید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۷ - ۳

دین داری < ، موجب پیشرفت و تکامل و > بی دینی < ، موجب انحطاط و سقوط است .

لمن شاء منكم أن يتقدم أو يتأخر

مقصود از تقدم و تأخر در آیه شریفه به قرینه نظیر آن در آیه ۱۹ از سوره قبل (إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا) ممکن است سبقت در اتخاذ راه خدا و عقب افتادن با تخلف از آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۱ - ۶

۶ - شرک ورزیدن به خدای یگانه ، فرو افتادن از اوج کمالات انسانی و تبدیل شدن به طعمه شیطان و گرفتار گشتن در دام او است .

و من یشرک باللّٰه فکأتما خرّ من السماء فتخطفه الطیر

ابزار شناخت شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ زندگی و سیر و سلوک فردی و اجتماعی پیشین افراد ، وسیله ای برای شناخت شخصیت آنان

فقد لبث فیکم عمراً من قبله أفلا تعقلون

ابعاد شخصیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۵ - ۳

۳ - اندازگری و رحمت گستری ، دو بعد شخصیت الهی و پیامبری حضرت محمد (ص)

و أنذر عشیرتک .. و اخفض جناحک

ارزش شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ برتری حفظ شخصیت انسان ها در مقایسه با تأمین اقتصادی آنان

قول معروف و مغفوره خیر من صدقه

۷ حفظ و پاسداری شخصیت انسان ها

، از ارزش های اساسی اسلام

قول معروف و مغفره خیر من صدقه یتبعها اذی

با توجه به ضرورت برخورد نیکو و پرده پوشی اسرار نیازمندان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۳

۳ توجه اسلام به حفظ شخصیت انسانها

لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۵

۵ ارزش حفظ شخصیت انسانها

و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خیر لکم

به نظر می رسد از جمله حکمتهای برتری صدقه پنهانی، تأمین حفظ شخصیت و آبروی مستمندان باشد؛ چون هدف از صدقه، رفع نیاز مردم است و مردم به حفظ آبروی خویش نیازمندترند.

انسان های بی شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ - جامعه بی فرهنگ بدوی، زاینده انسان های بی ارج و مسؤولیت گریز *

و کنتم قومًا بورًا

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که در این مجموعه آیات، به جای هر عنوان دیگری، تعبیر <الأعراب> مطرح شده و این تعبیر می تواند مشعر به علیت باشد. هم چنین واژه <کنتم> حکایت از دیرینه ای طولانی دارد و <قومًا> اشاره به حیثیت اجتماعی می تواند داشته باشد و واژه <بورًا> نیز به معنای بی خاصیتی و بیهودگی است.

اهمیت حفظ شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۲ - ۳

۳ ضرورت و اهمیت حفظ شخصیت افراد در جامعه

و من یکسب خطیئه أو اثمًا ثم یرم به بریاً فقد احتمل بهتناً

و ائماً میناً

بزرگ شمردن گناه تهمت، دلالت بر این دارد که خداوند به طور مؤکد خواهان این است که شخصیت افراد همواره محفوظ بماند.

اهمیت حفظ شخصیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۳

۳ پیامبر(ص) نباید برای جلب نظر مشرکان، مؤمنان را از خود طرد کند.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم

در سبب نزول این آیه آمده است که بزرگانی از مشرکان، حضور نزد پیامبر(ص) را مشروط به عدم حضور مؤمنان فقیر و ضعیف دانستند و این آیات در رد درخواست آنان نازل گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۴ - ۳

۳ - جایز نبودن طرد محرومان جامعه در هیچ شرایطی؛ حتی به قیمت ایمان و گرایش افراد با نفوذ و دانه درشت جامعه به دین.

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأذلون... و ما أنا بطارد المؤمنین

اهمیت شخصیت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۳

۳ - افراد خداترس و نگران از ناکامی در تزکیه و درست کاری، سزاوار ارج نهادن و دریغ نداشتن راهنمایی و ارشاد از آنان

جاءك... و هو یخشی

اهمیت شخصیت علمای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۶ - ۱۲

۱۲- فروتنی و ادب در برابر عالمان الهی ، لازم است .

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت رشداً

اهمیت شخصیت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶

۵ - کسی که فرمان به تقوای پیشگی در گفتار او نمودار یا محتمل است ، هرگز نباید او را به سکوت وادار کرد .

أرءیت الذی ینهی .. أرءیت إن ... أمر بالتقوی

حرف <إن>، برای شرط و بیانگر کافی بودن احتمال در این موارد است.

اهمیت شخصیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۴ - ۱

۱ - عبادت معبود های مشرکان ، در شأن پیامبر (ص) نبوده و آن حضرت هرگز به آن تن نمی داد .

و لا أنا عابد ما عبدتم

تعبیر <ولا أنا عابد> و نیز <ولا أنتم عابدون> (در آیه بعد) بیانگر اهلیت و شأنیت است. مفاد دو آیه این است که: نه من اهل آن عبادتم و نه شما اهل این عبادتید. وجود اسم فاعل در این آیه و فعل مضارع و <لا>ی نافیه در آیه دوم که مفادی نظیر این آیه داشت بیانگر تفاوت زمان مورد نظر از آنها است؛ یعنی، <لا أعبد> نظر به مستقبل و <لا أنا عابد> نظر به زمان حال دارد. در نتیجه مشرکان، باید از حال و آینده پیامبر(ص) قطع امید کنند.

اهمیت شخصیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ گرایش دادن اشراف به توحید و معارف دین ، هرگز مجوز طرد مؤمنان محروم و تهی دست نیست .

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۲،۳

۲ طرد مؤمنان (نپذیرفتن

آنان به جرگه و مجمع اهل ایمان (گناه و درپی دارنده عذاب الهی است .

من یصرنی من الله إن طردتهم

<من الله> به معنای <من عذاب الله> است.

۳ همگان ، حتی پیامبران الهی ، در صورت طرد مؤمنان و ارتکاب گناه ، مستحق کیفر و مجازات الهی اند .

من یصرنی من الله إن طردتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۷

۱۷- پایمال شدن حرمت مردان و زنان مؤمن در صورت جنگ در حدیبیه ، مایه ننگ برای مسلمانان

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنت .. فتصییکم منهم معرّه

اهمیت شخصیت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۴،۶

۴ - خداوند ، کسانی را که به شخصیت یتیمان بها ندهند ، گرامی نخواهد شمرد .

يقول ربّي أكرمن .. کلاً بل لا تکرمون الیتیم

۶ - ارزشمندترین رابطه مردم با یتیمان ، بها دادن به شخصیت آنان و اکرام و احترام به ایشان است .

کلاً بل لا تکرمون الیتیم

آیه شریفه، عنایتی ویژه به احترام یتیمان دارد؛ به گونه ای که گویا اولین انتظار آنان از جامعه، درک شخصیت آنها و بها دادن به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۳

۳- لزوم بها دادن به شخصیت یتیمان و ترک تجاوز به حق ارث آنان

لاتكرمون اليتيم . . و تأكلون التراث أكلاً لما

آیه بعد، از حب مال سخن گفته و در این آیه خوردن میراث مطرح شده است. ارتباط این آیات با دو آیه قبل، بیانگر این

است که هر کس برای یتیمان ارزشی قائل نباشد، میراث آنان را تصاحب می کند و هر کس به فکر تغذیه مساکین نباشد، گرفتار مال دوستی است.

ترور شخصیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۷

۷- ترور شخصیت (همچون پیامبر (ص)) ، از ترفند های کافران برای مبارزه با تعالیم اسلام و قرآن

لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

این که کافران، به جای مبارزه با تعالیم قرآن، پیامبر(ص) را متهم به جنون کردند؛ بیانگر این نکته است که آنان درصدد بودند با این کار، به هدف خود (نابودی دین) نائل شوند.

تغییر شخصیت قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۵ - ۳

۳- تغییر شخصیت قوم بت پرست ابراهیم ، با روی آوردن مجدد آنان به شرک و بت پرستی

فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ . ثُمَّ نَكَسُوا عَلٰی رِءُوسِهِمْ

برداشت یاد شده براساس این نکته است که مقصود از زیر و رو شدن در جمله <ثُمَّ نَكَسُوا عَلٰی رِءُوسِهِمْ> تغییر عقیده بت پرستان باشد. براین اساس تشبیه کردن چنین تغییری به واژگون شدن انسان، می تواند کنایه از تغییر و دگرگونی اساسی شخصیت بت پرستان باشد که بر اثر این تغییر، عقاید آنان نیز تغییر یافت .

حفظ شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۲

۱۲ لزوم رعایت شئون و ارزش افراد در جامعه اسلامی

متَّعوهنَّ . . . بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ -

۲ شئون اجتماعی زن و مرد ، تعیین کننده مقدار و خصوصیات متاعی که باید به زن مُطلقه پرداخت شود . *

متاع بالمعروف

به نظر می رسد بدون در نظر داشتن شئون اجتماعی زن و مرد، نمی توان مقدار و یا خصوصیات کالای معروف و شایسته را تعیین کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۵

۵ احترام اسلام به افراد شایسته و ستایش از آنان ، ولو اینکه مسلمان نباشند .

ضربت علیهم الذلّه .. لیسوا سوآءً من اهل الکتب امه قائمه

حفظ شخصیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۶

۶ - خداوند ، خواهان شخصیتی عزیز و مقتدر برای پیامبر (ص) است .

و لایستخفّنک الذین لایوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۰ - ۳

۳ - خداوند ، به حفظ شخصیت پیامبر (ص) در میان مردم و دفاع از عملکرد او ، توجهی ویژه داشت .

ما کان محمّد ابا أحد من رجالکم

چنین بیانی که به حسب ظاهر، برای مردم هم روشن بوده است حکایت از این واقعیت می کند که وقتی عملکرد درست پیامبر(ص) و یا شخصیت آن حضرت، زیر سؤال می رفت، خداوند، از او دفاع می کرد. از این برخوردار، برداشت بالا- قابل استفاده است.

حفظ شخصیت مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۴

۴ رهبران و مبلغان دین نباید قشرهای ضعیف

و تهیدست را از اطراف خود برانند.

و لا تطرد الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشي يريدون وجهه

حفظ شخصیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۲۲، ۲۰

۲۰ پیامبر اکرم (ص) نباید با طرد مؤمنان مستمند و فقیر از اطراف خویش، خود را در جرگه ظالمان قرار دهد.

فتطردهم فتكون من الظلمين

۲۲ طرد کردن مؤمنان به سبب نداشتن پایگاه اجتماعی، ستمگری است.

فتطردهم فتكون من الظلمين

حفظ شخصیت نوجوانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۸

۸ - لزوم مشورت و نظرخواهی با نوجوانان ، درباره مسائل مربوط به ایشان و نیز شخصیت دادن به آنان و احترام به نظرات آنها

أني أذبحك فانظر ماذا ترى

زمینه بروز شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۸

۸ - بروز شخصیت خوب و بد انسان ها ، در لابه لای گفتار و سخن آنان

الخيث للخبثين و الطيبون للطيبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۶ - ۵

۵ - آزمایش الهی ، عرصه ظهور و بروز شخصیت انسان و ارزش های نهفته در وجود او

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - رفاه مندی و تنگنا های زندگی ، دو میدان برای بروز و ظهور خصلت های آدمی و آفات روحی او

و إِذَا أَنْعَمْنَا .. و إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- ظهور مکنونات انسان ، در جریان تکالیف شاق

إن یسئلکموها .. و یخرج أضغثکم

زمینه شخصیت شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۶

۶ سخن آدمی می تواند نشان دهنده مرتبت و شخصیت او باشد .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

شخصیت آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۴

۴ آزر، فردی برجسته در میان قوم خویش

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر .. إنی أریک و قومک

انتساب <قوم> به آزر بیانگر موقعیت برجسته وی در میان مردم است.

شخصیت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۱

۱۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبرهیم .. کانوا هوداً أو نصری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- ابراهیم (ع) ، برخوردار از قلبی سالم و پاک از آفت‌ها و امراض روحی ، اخلاقی و شخصیتی

إذ جاء ربّه بقلب سليم

<سلیم> صفت مشبّهه و مشتق از <سلامت> (پاکی از امراض دردها و آفت‌ها) است. توصیف قلب به <سلیم> بودن، اشاره به انواع امراض و آفت‌های روحی، اخلاقی و شخصیتی دارد.

شخصیت اجتماعی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۶

۶ - ایمان

قوی مردم دور و نزدیک ، به حضرت ابراهیم (ع) و نفوذ و محبوبیت شدید آن حضرت در میان آنان

و أذن فی الناس بالحجّ یا توک رجلاً و علی کلّ ضامر

استقبال مردم دور و نزدیک از دعوت حضرت ابراهیم(ع) و هجوم آنان برای زیارت کعبه به صورت پیاده و سواره، نشان از آشنایی آنها با شخصیت والای آن حضرت و محبوبیت او در میان آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۹ - ۶

۶- ابراهیم (ع) ، شخصیتی سرشناس و مورد توجه در میان قوم خویش

فنظر نظره فی النجوم . فقال إئی سقیم

پیشنهاد مشرکان به ابراهیم(ع) برای بیرون رفتن از شهر، می تواند به این دلیل باشد که آن حضرت، شخصیتی ممتاز و برجسته در میان مردمش بود که شرکت و عدم شرکت او در چنین مراسم عمومی و ملی، بسیار چشم گیر و با اهمیت بود.

شخصیت اجتماعی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۲

۲- پیامبر اکرم (ص) ، شخصیتی کاملاً آشنا و شناخته شده برای مردم محیط خویش

أم لم یعرفوا رسولهم فهم له منکرون

شخصیت اجتماعی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳ - ۲

۲- موسی (ع) برگزیده خداوند و بهترین فرد زمان خویش برای دریافت وحی و ابلاغ پیام الهی بود .

و أنا اخترتک

<اختیار> از ماده خیر و به معنای <اصطفاء> (برگرفتن خالص هر چیزی) است (لسان العرب).

شخصیت اجتماعی مؤمنان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۹

۹ - در جامعه اسلامی ، مؤمنان به منزله یک پیکراند .

ظَنُّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا

برداشت یاد شده از تعبیر <بأنفسهم> (به خودشان) که هر یک از مردان و زنان مؤمن را نفس دیگری قرار داده استفاده شده است.

شخصیت اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۲

۲- شخصیت و ماهیت اخروی انسان ، بازتاب و نمودی از شخصیت دنیوی اوست .

و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى

شخصیت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۱

۱۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهيم .. كانوا هوداً أو نصري

شخصیت اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۱

۱۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهيم .. كانوا هوداً أو نصرى

شخصیت اشراف قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۹ - ۵

۵ - مشاوران دربار بلقیس ، عناصری برجسته و صاحب مقام

قالت یا أيها الملؤا

واژه <ملأ> به عناصر چشم پرکن و شخصیت های برجسته گفته می شود.

شخصیت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۷ - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷ -

۷ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

شخصیت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۷ -

۷ تغییر شخصیت معنوی انسان ، در اثر کارهای لغو و بیهوده *

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم و لکن یؤاخذکم بما کسبت قلوبکم

آیه مزبور احتمالاً در صدد تقسیم سوگند به لغو و جدّ و کفاره داشتن یکی و نداشتن دیگری نیست؛ بلکه در صدد بیان این است که اگر چه خداوند در سوگندهای لغو کیفی قرار نداده است؛ ولی این عمل حکایت از قلبی بیمار دارد و یا اینکه به تدریج به بیماری قلب و دل می انجامد و خداوند بر این بیماری مؤاخذه می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۴ - ۱۰ -

۱۰ مأموریت پیامبر (ص) بر دعوت اهل کتاب به آزاداندیشی و داشتن شخصیت مستقل انسانی

تعالوا .. و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۳ -

۳ میدان نبرد ، عرصه بروز شخصیت و حقیقت درونی افراد

و لقد كنتم تمنون الموت .. فقد رايتموه و انتم تنظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۴ ایمان ، عمل صالح ، تقوا و انجام کار های نیک به وجه احسن معیار ارزشگذاری بر انسان ها و نقد منزلت و شخصیت آنان

لیس علی الذین ءامنوا .. ثم اتقوا و احسنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ انسانها دارای زمینه های دستیابی به منزلتی فراتر از فرشتگان و شایسته شدن برای سجده ملائکه بر ایشان.

لقد مکنکم فی الأرض .. و لقد خلقنکم ... ثم قلنا للملائکه اسجدوا لآدم

آیه قبل دلالت می کند که مطالب عنوان شده در آیه مورد بحث که از جمله آنها سجده فرشتگان بر آدم(ع) است از نعمتهای الهی برای همه انسانهاست. در حالی که نه سجده بر آدم به منزله سجده بر همگان است و نه سجده بر او نعمت برای دیگران، بنابراین، می توان گفت جمله <قلنا للملائکه ...> پس از <خلقناکم> اشاره به این دارد که خداوند در همه انسانها این زمینه را ایجاد کرده است که بتوانند مسجود ملائکه بشوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - انسانیت ، هویت و شخصیت انسان به روح الهی او بستگی دارد نه به جسم و کالبدش .

فإذا سُوّيته و نفخت فيه من روحي فقعوا له سجدین

برداشت یاد شده از آن جا است که سجده فرشتگان بر آدم(ع) که نشانه شخصیت و هویت ارزشمند انسانی او است پس از دمیده شدن روح الهی در وی بود.

شخصیت اولیاء الله

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۲ - ۱،۲

۱ اولیای خدا، کسانی هستند که حوادث ناگوار روزگار در دیدگاه آنان، مکروه و ناخوشایند جلوه نمی کند.

ألا إن أولياء الله لا خوف عليهم

<خوف> یعنی، انتظار وقوع امر ناخوشایندی را داشتن (مفردات راغب). برداشت فوق بر این اساس است که: چون زندگی در دنیا بیوقوع حوادث ناگوار خصوصاً برای بندگان مقرب خدا ممکن نیست، پس نفی خوف از آنان، قهراً به این معناست که حوادث دنیوی در ذائقه آنان، مکروه و ناخوشایند جلوه نمی کند.

۲ اولیای خدا، کسانی هستند که هر آنچه حوادث روزگار از کفشان برآید، غمی به دل راه نداده و غبار اندوه بر چهره شان نمی نشیند.

ألا إن أولياء الله... و لا هم يحزنون

شخصیت اهل بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین، از نظر شخصیت و سرنوشت، برابر و هم سنگ نیستند.

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۱

۱ - انسان عالم و روشن بین با انسان جاهل و کوردل، از نظر شخصیت و سرنوشت برابر و هم سان نیستند.

و ما یستوی الأعمی و البصیر

شخصیت برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ یکسانی مقام انسانی بردگان با سایر انسانها

من فتیاتکم المؤمنات .. بعضکم من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۱۴، ۱۵

۱۴ - بردگان ، هم سنگ با مالکانشان در بستن قرارداد بازخريد خویش

الذین یتغون الکتب ممّا ملکتم فکاتبوهم

برداشت یاد شده به خاطر صیغه مفاعله بودن <کاتبوا> است که لازمه آن، مشارکت بردگان با مالکان خویش در عقد قرارداد بازخريدشان است.

۱۵ - بردگان ، دارای شخصیت حقیقی (اصیل در قرارداد بازخريد خویش) در دیدگاه قرآن

الذین یتغون الکتب ممّا ملکتم فکاتبوهم

شخصیت بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۵

۵ - شخصیت افراد نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، برابر شخصیت دیگر انسان ها است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

از این که افراد ناقص العضو (مانند نابینایان و ..) در استفاده از خوراکی های منازل خویشان خود همانند دیگر افراد جامعه شمردن شدند، حاکی از حقیقت یاد شده است. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان، مریضان و... خودداری می کردند تأیید کننده همین برداشت است؛ زیرا اسلام خواسته است با چنین سنت نادرستی مبارزه کند.

شخصیت پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، مردمی شخصیت پرست بودند ؛ نه حقیقت طلب .

لن نبرح

... حتی يرجع إلینا موسی

گوساله پرستان بنی اسرائیل، به جای اندیشه در گفته های هارون(ع) و شناخت حقیقت، تنها پاسخی که به او دادند، آن بود که بازگشت موسی(ع) از میقات را، شرط تجدید نظر در عقاید خود دانستند. حال آن که معقول آن بود که در باره کار خویش و گفته های هارون(ع)، درست بیندیشند.

شخصیت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین، از نظر شخصیت و سرنوشت، برابر و هم سنگ نیستند.

و ما یتوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۲

۱۲ - اهل دانش و معرفت با جاهلان و نادانان، از نظر شخصیت و سرنوشت یکسان نیستند.

قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون

شخصیت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی، دارای حیات، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمة قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷

۷- هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

شخصیت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۴ - ۳

۳- < ذوالقرنین > ، شخصیتی الهی بود . *

إِنَّا

مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ

احتمال می رود که انتساب قدرت ذی القرنین به خدا، از آن جهت باشد که خدا، به خاطر شخصیت الهی وی، امکاناتی را به او عطا کرده باشد.

شخصیت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۴،۱۶

۱۴ در پیشگاه خداوند، بین زن و مرد در برخورداری از نتایج اعمال، تفاوتی نیست.

أَنْتِ لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَى

۱۶ همه انسان ها، چه زن و چه مرد، دارای حقیقت و ماهیتی واحد

من ذکر او انثی بعضکم من بعض

تذکر این نکته که شما انسانها چه زن و چه مرد از یکدیگر هستید، بیان یکسانی و عدم برتری جنسی نسبت به جنس دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱۳

۱۳- دفاع اسلام از شخصیت و حقوق زنان و دختران

أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

شخصیت زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۱۵، ۴، ۲، ۱

۱ - زنان خبیث (بد سرشت و بد کردار)، شایسته زندگی با مردان خبیث و مردان خبیث، شایسته زندگی با زنان خبیث اند.

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده، بر مبنای سه نکته است: ۱ < خبیث > (ضد < طیب > و مفرد < خبیثات > و < خبیثون >) به معنای شیء پست و ناپسند است و انسان خبیث نیز یعنی، کسی که دارای اوصاف و رفتار پست و ناپسند است می باشد. < طیب > (مفرد < طیبات > و < طیّون >) به معنای شیء پسندیده و دل پذیر

است و انسان طیب یعنی، کسی که به اوصاف و رفتار خوب و پسندیده آراسته و از هر زشتی و پلیدی منزّه و پاک است. ۲- کلمات <الخبيثات>، <الخبيثين> <الطيبات> و <الطيبون> اوصافی برای موصوف های محذوف مثل <النساء> و <الرجال> است یعنی، <الخبيثات من النساء و الخبيثون من الرجال و...>. ۳- لام در <للخبيثين>، <للخبيثات> <للطيبين> و <للطيبات> برای اختصاص است. با توجه به نکات یاد شده می توان گفت که آیه شریفه در صدد بیان شایستگی ها و ملاک های لازم برای ازدواج می باشد.

۲- زنان ناپاک و آلوده به فحشا، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عفيف، ممنوع است.

الخبيث للخبين و الخبيثون للخبث

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: ۱- مقصود از <الخبيثات> و <الخبين> با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. ۲- آیه شریفه همانند آیه <الزاني لا ينكح إلا زانية...> در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البيان، ذیل آیه).

۴- گفتار و سخن ناپسند و خبائث آلود، تنها شایسته مردان و زنان خبيث (بدرشت و بدکردار) است و از آنان سر می زند.

الخبيث للخبين و الخبيثون للخبث

برداشت یاد شده، مبتنی بر این

نکته است که <الخبیثات> و <الطیبات> صفت برای موصوف محذوف <الكلم> باشد، یعنی، <الخبیثات من الكلم للخبیثین من الرجال و..>. گفتنی است سه آیه اخیر که در باره تهمت زنا و فحشا به زنان پاکدامن است (إِنَّ الذین یرمون المحصنات...) و نیز ذیل آیه (أولئك مبرءون مما یقولون لهم) مؤید همین برداشت است.

۱۵ - < فی مجمع البیان قال : سبحانه > الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات < قیل فی معناه أقوال : . . . و الثالث الخبیثات من النساء للخبیثین من الرجال و الخبیثون من الرجال للخبیثات من النساء و الطیبات من النساء للطیبین من الرجال و الطیبون من الرجال للطیبات من النساء . . . و هو المرؤی عن أبی جعفر و أبی عبداللّه . . . >

در <مجمع البیان> از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خدا <الخبیثات للخبیثین . . .> روایت شده است که فرمود: زنان خبیث برای مردان خبیث و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاکدامن برای مردان پاکدامن و مردان پاکدامن برای زنان پاکدامن اند...>.

شخصیت زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۱۵، ۷، ۶، ۵، ۲

۲ - زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده ، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عقیف ، ممنوع است .

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: ۱- مقصود از <الخبیثات> و <الخبیثین> با توجه به این که این

آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. ۲- آیه شریفه همانند آیه <الزانی لا ینکح إلا زانیه...> در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

۵- زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطیبت للطیبین و الطیبون للطیبت

۶- زنان پاکدامن و منزّه از فحشا ، تنها با مردان پاکدامن ، و مردان پاکدامن و منزّه از فحشا ، تنها با زنان پاکدامن حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، ممنوع است .

و الطیبت للطیبین و الطیبون للطیبت

۷- گفتار و سخن پسندیده و نیک ، تنها شایسته مردان و زنان نیک است و از آنان سر می زند .

و الطیبت للطیبین و الطیبون للطیبت

۱۵- < فی مجمع البیان قال : سبحانه > الخیثات للخیثین و الخیثون للخیثات < قیل فی معناه أقوال : . . . و الثالث الخیثات من النساء للخیثین من الرجال و الخیثون من الرجال للخیثات من النساء و الطیبات من النساء للطیبین من الرجال و الطیبون من الرجال للطیبات من النساء . . . و هو المروی عن أبی جعفر و أبی عبدالله . . . >

در <مجمع البیان> از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خدا <الخیثات للخیثین . . .> روایت شده است که فرمود:

زنان خبیث برای مردان خبیث و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاکدامن برای مردان پاکدامن و مردان پاکدامن برای زنان پاکدامن اند...>.

شخصیت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱۶

۱۶ - زنان مؤمن ، باید هویتی مستقل و شناخته داشته باشند .

ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفَ فَلَا يُؤْذِنُ

شخصیت سازی دروغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۶

۶- شخصیت آرایی با دروغ و نادرستی زیانکاری است .

خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

راغب می نویسد: کاربرد صفت <جبار> در انسان، درباره کسی است که دارای نقیصه ای می باشد و می خواهد با ادعا، منزلت و جایگاهی را که شایسته آن نیست به دست آورد. این صفت درباره انسان فقط برای مذمت به کار می رود.

شخصیت سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۴

۴ - سامری ، فردی ماهر در فن مجسمه سازی و آشنا به نقاط ضعف فکری بنی اسرائیل بود .

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارِ

تعبیر <گوساله ای درآورد> حاکی از شدت شباهت مجسمه گوساله، به شکل حقیقی آن است.

شخصیت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۶

۶ - سلیمان شخصیتی مشهور ، حتی نزد مورچگان

لایحطمتکم سلیمان و جنوده

شخصیت علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از

نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۲

۱۲ - اهل دانش و معرفت با جاهلان و نادانان ، از نظر شخصیت و سرنوشت یکسان نیستند .

قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۱

۱ - انسان عالم و روشن بین با انسان جاهل و کوردل ، از نظر شخصیت و سرنوشت برابر و هم سان نیستند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر

شخصیت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۲۰

۲۰ شخصیت فوق العاده حضرت عیسی (ع) زمینه غلو و گزافه گویی مسیحیان در مورد ایشان

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم .. انما المسیح عیسی ابن مریم رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۲ - ۵

۵ شخصیت والای مسیح (ع) و مقام بلند فرشتگان ، مانع آنها از بندگی خداوند نیست .

لن یتنکف المسیح ان یكون عبداً لله و لالملكه المقربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ عیسی (ع) شخصیتی بدور از ادعای گراف آمیز درباره خویش و مادرش مریم

ما یكون لی ان اقول ما لیس لی بحق

شخصیت فقیر

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۲ - ۳

۳ توجه اسلام به حفظ شخصیت نیازمندان و دریافت کنندگان انفاق

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ .. لَا يَتَّبِعُونَ مَا انْفَقُوا مَنًّْا وَلَا اِذًى

شخصیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۵ - ۲

۲ انسانهایی که بر اثر کفرورزی زمینه های ایمان را در خویش از میان برده اند ، در پیشگاه خداوند بدترین جنبدگان هستند .

إِنْ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۳

۳ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان و کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت

و لَا الظلمت و لَا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۲

۲ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان با کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت .

و لَا الظلّ و لَا الحرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱

۱ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان کافر و مؤمن ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أَمَّنْ هُوَ قَنْتَ ءَانَاءَ الْيَلِّ سَاجِدًا وَقَائِمًا

<من> در آیه شریفه اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن جمله ای محذوف است. تقدیر کلام چنین می شود: <أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ ءَانَاءَ الْيَلِّ... كَمَنْ هُوَ عَاصٍ أَوْ كَافِرٌ أَيَاكْسَى كَمَا شَبَّ زَنْدَةً دَارَ (مؤمن) است، مانند کسی است که عاصی و یا کافر است>. بر این اساس می توان گفت: آیه شریفه،

درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقسيه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فويل للقاسيه قلوبهم..). جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح الله صدره للإسلام ... كمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۳

۳ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خداترس و کافر خداگریز ، از نظر شخصیت و سرنوشت

فويل للقسيه قلوبهم من ذكر الله .. أفمن يتقى بوجهه سوء العذاب يوم القيمة

<من> در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: <أفمن يتقى بوجهه سوء العذاب.. .. كمن آمن منه>. بنابراین می توان گفت آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

شخصیت کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۶

۲۶ - شخصیت و کرامت انسانی کنیزان ، به منزله شخصیت

و کرامت دختران آزاد است .

و لا تکرهوا فیتکم علی البغاء .. إن أردن تحصنًا

<فتیات> (جمع <فتیه>) به معنای دختران جوان است (لسان العرب). برداشت یاد شده از تعبیر <فتیاتکم> (دختران جوانان) به جای <إمائکم> (کنیزانان) با آن که مقصود از دختران جوان، همان کنیزان است استفاده شده است.

شخصیت کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۵

۵ - شخصیت افراد نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، برابر شخصیت دیگر انسان ها است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

از این که افراد ناقص العضو (مانند نابینایان و ..) در استفاده از خوراکی های منازل خویشان خود همانند دیگر افراد جامعه شمرده شدند، حاکی از حقیقت یاد شده است. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان، مریضان و... خودداری می کردند تأیید کننده همین برداشت است زیرا اسلام خواسته است با چنین سنتِ نادرستی مبارزه کند.

شخصیت کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

شخصیت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۱

۱ - برابر نبودن انسان گمراه و فرورفته

در تاریکی و سرگردانی ، با انسان راه یافته و حقیقت شناس

و لا الظلمت و لا النور

شخصیت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۳

۳ - مؤمنان نیکوکار با افراد بد کردار ، از نظر شخصیت و سرنوشت برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یستوی .. و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

شخصیت لنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۵

۵ - شخصیت افراد نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، برابر شخصیت دیگر انسان ها است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

از این که افراد ناقص العضو (مانند نابینایان و ..) در استفاده از خوراکی های منازل خویشان خود همانند دیگر افراد جامعه شمرده شدند، حاکی از حقیقت یاد شده است. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان، مریضان و... خودداری می کردند تأیید کننده همین برداشت است؛ زیرا اسلام خواسته است با چنین سنّت نادرستی مبارزه کند.

شخصیت مبلغان تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۵

۵ - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، حقّ دستور دادن به نماز گزاران هدایت پیشه و ترویج کننده تقوا را ندارند .

ینهی . عبداً إذا صلی ... کذب و تولی ... کلاً لاتطعه

شخصیت محمد (ص)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ -

۳ - شخصیت ارزشی و اخلاقی پیامبر (ص)، خود گواه صداقت آن حضرت بود .

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مَنكْرُونَ

۴ - سرزنش کافران از سوی خداوند، به خاطر انکار رسالت پیامبر (ص)، علی رغم آگاهی آنان از شخصیت ارزشی و اخلاقی (صداقت، امانت و...) آن حضرت

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مَنكْرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۲

۲ - شخصیت، منش و گویش خردمندانه پیامبر (ص) گواهی روشن بر مبرا بودن آن حضرت از اتهام کافران (جنون)

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ .. أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّهٗ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۵

۵ - مشرکان، پیامبر اکرم (ص) را شخصی معمولی می دانستند که هدفش بازداشتن مردم از دین و آیین پدرانشان بود .

قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يَرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤَكُمْ

تعبیر از پیامبر(ص) به <رجل> آن هم به صورت نکره حاکی از نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴ - ۲

۲ - اخلاق و خلق و خوی پیامبر (ص)، عجین با شخصیت و سرشت آن حضرت بود؛ نه امری موقت و گاه به گاه .

إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ

مطلب یاد شده، از تعبیر <خلق> (سجیه) استفاده می شود؛ زیرا <سجیه> به معنای چیزی است که از طبع و سرشت آدمی برخیزد (تاج

العروس). بنابراین به امور موقتی و زودگذر، سَجِّیه گفته نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۲،۸

۲ - پیامبر (ص)، فردی آبرومند و دارای مقامی ارجمند، در دیدگاه مردم عصر خویش

و رفعنا لك ذكرك

یاد رفیع، کنایه از احترام گذاشتن یادکنندگان است.

۸ - شخصیت رسول اکرم (ص)، زینبده نیک نامی و آبرومندی بود.

و رفعنا لك ذكرك

در برداشت یاد شده، <لام> در <لك> برای تعلیل فرض شده و بیانگر آن است که پیامبر(ص)، خود علتی کافی برای آوازه بلند و شایسته رفعت ذکر است.

شخصیت مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۵

۵ - مخالفان نماز و تکذیب گران دین، حقّ دستور دادن به نماز گزاران هدایت پیشه و ترویج کننده تقوا را ندارند.

ینهی . عبدًا إذا صلّى ... کذب و تولّى ... کلاً لاتطعه

شخصیت مردان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۱۵، ۴، ۲، ۱

۱ - زنان خبیث (بد سرشت و بد کردار)، شایسته زندگی با مردان خبیث و مردان خبیث، شایسته زندگی با زنان خبیث اند.

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده، بر مبنای سه نکته است: ۱ < خبیث > (ضد < طیب > و مفرد < خبیثات > و < خبیثون >) به معنای شیء پست و ناپسند است و انسان خبیث نیز یعنی، کسی که دارای اوصاف و رفتار پست و ناپسند است می باشد. < طیب > (مفرد < طیبات > و < طیون >) به معنای شیء پسندیده و دل

پذیر است و انسان طیب^۱ یعنی، کسی که به اوصاف و رفتار خوب و پسندیده آراسته و از هر زشتی و پلیدی منزّه و پاک است. ۲- کلمات <الخبیثات>، <الخبیثین> <الطیبات> و <الطیبون> اوصافی برای موصوف های محذوف مثل <النساء> و <الرجال> است^۲ یعنی، <الخبیثات من النساء و الخبیثون من الرجال و...>. ۳- لام در <للخبیثین>، <للخبیثات> <للطیبین> و <للطیبات> برای اختصاص است. با توجه به نکات یاد شده می توان گفت که آیه شریفه در صدد بیان شایستگی ها و ملاک های لازم برای ازدواج می باشد.

۲- زنان ناپاک و آلوده به فحشا، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عقیف، ممنوع است.

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: ۱- مقصود از <الخبیثات> و <الخبیثین> با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. ۲- آیه شریفه همانند آیه <الزانی لاینکح إلاّ زانیه...> در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

۴- گفتار و سخن ناپسند و خبائث آلود، تنها شایسته مردان و زنان خبیث (بدرشت و بدکردار) است و از آنان سر می زند

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده، مبتنی بر

این نکته است که <الخبیثات> و <الطیبات> صفت برای موصوف محذوف <الكلم> باشد، یعنی، <الخبیثات من الكلم للخبیثین من الرجال و..>. گفتنی است سه آیه اخیر که در باره تهمت زنا و فحشا به زنان پاکدامن است (إِنَّ الذین یرمون المحصنات...) و نیز ذیل آیه (أولئك مبرءون مما یقولون لهم) مؤید همین برداشت است.

۱۵ - < فی مجمع البیان قال : سبحانه > الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات < قیل فی معناه أقوال : . . . و الثالث الخبیثات من النساء للخبیثین من الرجال و الخبیثون من الرجال للخبیثات من النساء و الطیبات من النساء للطیبین من الرجال و الطیبون من الرجال للطیبات من النساء . . . و هو المرؤی عن أبی جعفر و أبی عبدالله . . . >

در <مجمع البیان> از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خدا <الخبیثات للخبیثین . . .> روایت شده است که فرمود: زنان خبیث برای مردان خبیث و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاکدامن برای مردان پاکدامن و مردان پاکدامن برای زنان پاکدامن اند...>.

شخصیت مردان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۱۵، ۷، ۶، ۵، ۲

۲ - زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده ، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عقیف ، ممنوع است .

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: ۱- مقصود از <الخبیثات> و <الخبیثین> با توجه به این که

این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. ۲- آیه شریفه همانند آیه <الزانی لا ینکح إلا زانیه...> در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

۵- زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

۶- زنان پاکدامن و منزّه از فحشا ، تنها با مردان پاکدامن ، و مردان پاکدامن و منزّه از فحشا ، تنها با زنان پاکدامن حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، ممنوع است .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

۷- گفتار و سخن پسندیده و نیک ، تنها شایسته مردان و زنان نیک است و از آنان سر می زند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

۱۵- < فی مجمع البیان قال : سبحانه > الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات < قیل فی معناه أقوال : . . . و الثالث الخبیثات من النساء للخبیثین من الرجال و الخبیثون من الرجال للخبیثات من النساء و الطَّيِّبَاتُ من النساء للطَّيِّبَاتِ من الرجال و الخبیثات من الرجال للخبیثات من النساء . . . >

در <مجمع البیان> از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خدا <الخبیثات للخبیثین . . .> روایت شده است که

فرمود: زنان خبیث برای مردان خبیث و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاکدامن برای مردان پاکدامن و مردان پاکدامن برای زنان پاکدامن اند...>.

شخصیت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۱۲

۱۲- مریم (س) برخوردار از منزلتی والا و مقامی بلند در پیشگاه خداوند و شخصیتی جهانی

والتی أحصنت فرجها فنفخنا فیها من روحنا و جعلناها و ابنها آیه للعلمین

برداشت یاد شده با توجه به سه نکته است: ۱ <التی> منصوب به عامل مقدری چون <أذكر> یا <أذكروا> است که در این صورت فرمان به یادآوری داستان مریم(س) برای همه انسان ها است. ۲ نام مریم(س) در ردیف پیامبران الهی قرار گرفت و به دنبال نام آنان آمد. ۳ خداوند مریم(س) را آیت خود برای جهانیان معرفی کرد (و جعلناها و ابنها آیه للعالمین).

شخصیت مریم(س) در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۹

۹- مریم (س) و خاندان او ، افرادی سرشناس در بین مردم عصر خویش

يَأخْت هرون ما كان أبوك امرأ سوء و ما كانت أمك بغياً

شخصیت معنوی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۷

۷- شخصیت معنوی یحیی ، شخصیتی بی مانند بود و پیش از او ، کسی به آن مقام نرسیده بود .

لم نجعل له من قبل سمياً

از جمله معانی ذکر شده برای <سمی> نظیر و شبیه است (مفردات راغب). در این صورت مراد این است که کسی در گذشته

ویژگی های یحیی را نداشته است.

شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۵

۵ - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، حقّ دستور دادن به نماز گزاران هدایت پیشه و ترویج کننده تقوا را ندارند .

ینهی . عبداً إذا صلّى ... کذب و تولّى ... کلاً لاتطعه

شخصیت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱ منافق ، بناکننده شخصیت خویش بر اساسی سست و ناپایدار

أم من أسس بنینه علی شفا جرف هار فانهار به

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <بنیانه> هویت و شخصیت خود فرد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۰ - ۲

۲ شک و تردید ، پرتگاهی که منافقان بنای شخصیت خویش را بر آن پی افکنده و از آن جا به دوزخ سقوط می کنند .

أسس بنینه علی شفا جرف هار .. لا یزال بنینهم الذی بناوا ریه فی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۴ - ۴

۴ - منافقان ، بدون هیچ گونه فشار و تهدید و سختی ، تنها با پیش آمدن اندک موقعیتی ، درون خود را رو می کنند .

و لو دخلت علیهم من أقطارها ثمّ سلّوا الفتنه لأتوها

تعبیر <سلّوا الفتنه> برای بیان وضعیت منافقان در اظهار عقیده شان، بدون بیان هیچ تهدید و فشاری، آن هم با وجود موقعیت

جنگی، حکایت از نکته یاد شده می کند.

شخصیت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

طه - ۲۰ - ۴۱ - ۲

۲- وجود موسی (ع)، وقف راه خدا بود.

لنفسی

<تو را برای خود ساختم>، کنایه از خالص ساختن مخاطب برای خویش است.

شخصیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۵

۵ مؤمنان راستین، شخصیت خویش را بر اساس تقوا و تحصیل رضایت خدا بنا می کنند.

أفمن أسس بنيانه على تقوى من الله و رضون خير

مراد از <بنیانه> می تواند اعمال و دستاوردهای فرد نباشد، بلکه منظور بنیان و هویت خود شخص باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۳

۳- برابر و یکسان نبودن مؤمنان و کافران، از نظر شخصیت و سرنوشت

ولا الظلمت ولا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۲

۲- برابر و یکسان نبودن مؤمنان با کافران، از نظر شخصیت و سرنوشت.

ولا الظلّ ولا الحرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱

۱ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان کافر و مؤمن ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أَمَّنْ هُوَ قَنْتَ ءَانَاءَ الْيَلِّ سَاجِدًا وَقَائِمًا

<من> در آیه شریفه اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن جمله ای محذوف است. تقدیر کلام چنین می شود: <أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ ءَانَاءَ الْيَلِّ... كَمَنْ هُوَ عَاصٍ أَوْ كَافِرٌ؛ آیا کسی که شب زنده دار (مؤمن) است، مانند کسی است که عاصی و یا کافر است.> بر

این اساس می توان گفت: آیه شریفه، درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقسيه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فويل للقاسيه قلوبهم..). جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح الله صدره للإسلام ... كمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۳

۳ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خداترس و کافر خداگریز ، از نظر شخصیت و سرنوشت

فويل للقسيه قلوبهم من ذكر الله .. أفمن يتقى بوجهه سوء العذاب يوم القيمة

<من> در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: <أفمن يتقى بوجهه سوء العذاب.. .. كمن آمن منه>. بنابراین می توان گفت آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۳

۳ - مؤمنان نیکوکار با افراد بد کردار ،

از نظر شخصیت و سرنوشت برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یستوی . . . و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

شخصیت مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۱

۱ - برابر نبودن انسان گمراه و فرورفته در تاریکی و سرگردانی ، با انسان راه یافته و حقیقت شناس

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۵

۵ - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، حقّ دستور دادن به نماز گزاران هدایت پیشه و ترویج کننده تقوا را ندارند .

ینهی . عبداً إذا صلّى ... کذب و تولّى ... کلاً لا تطعه

شخصیت نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۵

۵ - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، حقّ دستور دادن به نماز گزاران هدایت پیشه و ترویج کننده تقوا را ندارند .

ینهی . عبداً إذا صلّى ... کذب و تولّى ... کلاً لا تطعه

شخصیت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۳ - ۵

۵ - نوح (ع) ، دارای شخصیتی برجسته و ممتاز در میان پیامبران الهی

و إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ

شخصیت نیاکان مریم (س) در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۹

۹- مریم (س) و خاندان او ، افرادی سرشناس در بین مردم عصر خویش

يَاخْتِ هٰرُونَ مَا كَانَ اَبُوكَ اَمْرًا سُوًّا و مَا كَانَ اُمُّكَ بَغِيًّا

شخصیت هاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۵

۵ سرشت و شخصیت هاییل ، بر حذر از برادرکشی

ما انا بباسط یدی اِلِیک لاقتلک

هاییل از نکشتن برادر، به دست نگشودن برای کشتن تعبیر کرد و آن را با قسم و <باء> زایده تأکید کرد و نیز جمله اسمیه به کار برد تا بفهماند هرگز شخصیتش با چنین کاری سازگاری ندارد.

شخصیت همنشین باغدار متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- خودباختگی و خودکم بینی ، به خاطر کمی مال و فرزند ، در مرد مؤمن راه نیافت .

إن ترن أنا أقلّ منك مالاً و ولداً

جمله <فعسی ربّی..> در آیه بعد جواب شرط و حاکی از امیدواری مرد مؤمن به عنایت خداوند است.

شخصیت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۱۱

۱۱ لزوم حفظ شخصیت ایتام ، با رفتار و برخورد برادرانه با آنان

و ان تخالطوهم فاخوانکم

از اینکه خداوند به جای هر معیار دیگری در برخورد با ایتام، از برادری سخن گفته است، احتمالاً کنایه از پرهیز از رفتارهای ترحم و یا تحقیرآمیز باشد که موجب از بین رفتن شخصیت آنان می شود.

شخصیت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۹

۹- حضرت یحیی (ع) ، شخصیتی الهی و مورد عنایت خاص خدا بود .

لم نجعل له من قبل سمياً

شخصیت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۱

۱۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهيم .. كانوا هوداً أو نصری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۶

۱۶ یعقوب (ع) شخصیتی صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) ، شخصیتی بزرگوار ، کریم و با گذشت بود .

یاأبانا استغفر لنا .. قال سوف أستغفر لكم ربی إنه هو الغفور الرحیم

شخصیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع) ، شخصیتی با گذشت ، جوانمرد و بزرگوار

أفتنا .. قال تزرعون

یوسف(ع) علی رغم ستم دیدن از دستگاه حکومتی و زندانی شدن بدون هیچ جرم و خطایی، دانش انحصاری خویش را بدون هیچ پیش شرطی در اختیار آن دستگاه قرار داد. این عملکرد در شرایط مذکور بیانگر شخصیت والای یوسف(ع) و بهره مندی او از بزرگواری و جوانمردی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ یوسف (ع) شخصیتی با عظمت ، بزرگوار و در اوج کرامت و آزادگی

قال الملك ائتونی به .. فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره - سوره -

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <أمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت پرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستورات نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

شخصیت یوسف (ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ یوسف (ع) در دربار عزیز مصر ، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

و لیکوناً من الصغیرین

عوامل بروز شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حالت < رفاه و خوشی > و < سختی و محرومیت > ، عرصه بروز و ظهور شخصیت و باطن انسان ها

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه ... و جعل لله أنداداً

عوامل تباهی شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - پندارها و نگرش های غلط ، تباه کننده شخصیت و ارج انسانی

و ظننتم ظنّ السوء و کنتم قومًا بورًا

برداشت یاد شده

بنابراین نکته است که ظن سوء، زمینه جمله بعد باشد؛ یعنی، از آن زمان که بدگمان شدید به فساد و تباهی کشیده شدید.

عوامل تغییر شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۵ - ۴

۴- روی گردانی از توحید و گرایش به شرک، دگرگونی شخصیت و هویت انسانی و بازگشت به قهقرا است.

فقالوا إنکم أنتم الظلمون . ثم نکسوا علی رءوسهم

عوامل شکل گیری شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱۷

۱۷ نقش سختی ها و مصائب، در ساخته شدن و رشد انسانها

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یأتکم

ورود به بهشت، کمال است و سختیها، در رسیدن به آن نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۷،۸

۷ تأثیر نحوه روابط زناشویی، در سرنوشت نیک یا بد انسان

فاتوا حرثکم انی شتتم و قدّموا لانفسکم

به نظر می رسد جمله <وقدّموا لانفسکم> به منزله تقییدی باشد برای اختیار و آزادی آدمی در آمیزش؛ یعنی زندگی زناشویی در سرنوشت آدمی مؤثر است؛ پس آن روشی را برگزینید که فرجامی نیک داشته باشد.

۸ لزوم دقت در انتخاب همسر و مراعات آداب آمیزش، برای به وجود آمدن فرزندان صالح

نساؤکم حرث لکم... و قدّموا لانفسکم

دقت کشاورز در انتخاب زمین مورد کشت و نیز سعی تمام در به وجود آوردن شرایطی برای به ثمر نشاندن محصولی عالی، از وجود مشابهت بین همسر و کشتزار است که می تواند مورد نظر آیه باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۴

۴ رُشد و شکل گیری شخصیت آدمی ، برخاسته از رفتار جهتدار وی *

مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل اللّٰه .. مائه حبه

از تشبیه شخص انفاق کننده به دانه ای که .. این معنا به دست می آید که رشد شخصیت آدمی، برخاسته از انفاق و رفتار او در راه خدا (جهت) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۱،۷

۱ خداوند بر طبق مشیت خود ، انسان ها را در رَجِم ها شکل می دهد .

هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء

۷ شکل گیری شخصیت انسان در رَجِم *

هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء

چون در آیات قبل سخن از هدایت و کفر بوده است، به نظر می رسد که شکل گرفتن انسان در رحم شامل شکل گیری شخصیت (هدایت یافتن، کافر شدن و ..) نیز بشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۴ - ۲

۲ نقش وراثت در ساختار شخصیت انسانها *

ذریه بعضها من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۷ - ۶

۶ رشد و شکوفایی استعداد های نهفته انسان ، در پرتو ربوبیت خداوند

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا .. وَانْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۸ - ۲

۲ نقش معلّم در ساختار شخصیت متعلّم

و يعلمه الكتاب

آیه فوق

که در صدد بیان ارزش و مقام عیسی (ع) است؛ می فرماید معلّم او، خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۹ - ۹،۱۰

۹ شکل گیری بُعد مادی، زمینه ایجاد بُعد انسانی انسان

خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون

جمله <خلقه من تراب>، حکایت از خلقت آدم در بُعد مادی دارد چون ضمیر مفعولی به آدم برمی گردد. بنابراین آنچه با امر <کن> به وجود می آید، همان بُعد انسانی آدم است.

۱۰ اصالت بُعد غیر مادی انسان، در ساختار و هویت وی

خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون

بعد از آنکه آدم از خاک آفریده شد، به او گفته شد: <کن> (باش)، که گویا قبل از آن نبوده است؛ چرا که هویت انسانی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۶

۶ جایگاه انفاق، در ساختار شخصیت اسلامی انسان

لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا ممّا تحبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۶

۶ قلب، جایگاه شکل گیری حالات روحی و روانی آدمی

سنلقی فی قلوب الذین کفروا الرّعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۸،۳۹،۴۰

۳۸ حوادث ایام جنگ ، سختی ها و مصیبت های در راه خدا ، زمینه خالص شدن اندیشه مؤمنان از عقاید جاهلیت و پلایش
درون آنان از خواسته های دنیایی و مادی

يُظَنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ .. و لِيَتْلَى اللَّهُ مَا فِي

صدور کم و لیمّحص ما فی قلوبکم

<لیمّحص> از ماده تمحیص به معنای خالص سازی از عیبه‌ها و نقصهاست و این جمله بیانگر هدفی دیگر از اهداف شکست در نبرد احد است.

۳۹ پالایشِ درونی اهل ایمان و سازندگی آنان ، هدف خداوند از ابتلای آنان به مشکلات و سختیها

و لیمّحص ما فی قلوبکم

۴۰ خلوص و پاکیزگی درون ، در گرو حضور آدمی در هنگامه های دشوار

و لیمّحص ما فی قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۴ - ۵

۵- نقش انتخاب و اختیار خود انسان ، در شکل گیری روحيات و ملكات نفسانی وی

و نزل من القرآن .. كلّ يعمل علی شاکلته

در آیه های قبل، مؤمنان مورد تمجید و ظالمان مورد نکوهش قرار گرفتند و در این آیه علت موضع گیری دوگانه مؤمنان و ظالمان، تفاوت ملكات نفسانی آنان بیان شده است. اکنون مدح و مذمت انسان بر اساس ملكات نفسانی او در صورتی صحیح است که در ساختن ملكات خویش، مؤثر و انتخابگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۵

۵- اهمیت نام و نام گذارنده و نقش آن در شخصیت کودک

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیاً

تعبیر <اسمه یحیی> از آن جهت مورد تصریح قرار گرفته است که تعیین آن از سوی خدا، خود شرافتی برجسته و قابل تأمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ نقش مؤثر جامعه در شکل گیری افکار و عقاید و رفتار و سلوک آدمی

یویلتی لیتنی

لم أتخذ فلاناً خليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۱۰

۱۰ - اعمال و عقاید انسان ، در تشکیل ساختار روحی وی ، نقش اساسی دارد .

للمحسنين . . . يقيمون ... يوقنون

از این که خداوند، در وصف محسنان به دو صفت عمده که یکی عملی (نماز و انفاق) و دیگری عقیدتی است پرداخته، نشان می دهد که عمل و عقیده، در ایجاد روحیه ای خاص نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۹

۹ - انگیزه ها و خصلت های درونی انسان ها ، عامل تأثیرگذار در مجموعه رفتار ها و شکل دهنده چگونگی آنها

إِنَّ الَّذِينَ يَجْدُلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَنٍ أَتِيهِمْ إِن فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۷

۱۷ - تأثیرات ناخواسته دوره جنینی در شخصیت انسان ، عامل خطاپوشی و مغفرت الهی ، نسبت به وی *

إِنَّ رَبَّكَ وَسِعَ الْمَغْفِرَةَ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ . . . وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَةٌ فِي بَطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ

عبارت <إِذْ أَنْتُمْ أَجْنَةٌ..> می تواند توضیح و تعلیل برای <إِنَّ رَبَّكَ وَسِعَ الْمَغْفِرَةَ> باشد. بدین معنا که انسان در دوره جنین، خواه ناخواه تأثیراتی می پذیرد و آثار آن بر خداوند نمایان و آشکار است. ازاین رو خداوند با عفو و اغماض با او برخورد می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۸ - ۲

۲ - رفتار و کردار انسان ، سازنده شخصیت او

است .

کَلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَهُ

عوامل ظهور شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۶

۶ - دشواری ها و سختی ها ، شخصیت نهفته انسان را بروز می دهد .

فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفَ رَأَيْتَهُمْ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ

عوامل مؤثر در شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۷

۷ سرگذشت انسانها ، شکل دهنده ماهیت و حقیقت آنهاست .

لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلْمُتَلِّينَ

نیاوردن کلمه <قصه> در جمله <لقد كان في يوسف...> با اینکه مراد از آن <فی قصه یوسف...> است می تواند اشاره به این معنا باشد که سرگذشت انسانها ، شکل دهنده ماهیت آنان است ؛ یعنی ، انسان همان سرگذشت اوست .

مالکیت شخصیت حقوقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۸

۸ پذیرش مالکیت اشخاص حقوقی در اسلام

و لذی القربی و الیتمی و المسکین

محرومان از شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۱۹ - ۴

۴ - متجاوزان به حقوق دیگران ، گرچه از نعمت و کرم خداوند برخوردار شوند ، از عزّت و شرافت مندی در نزد او محروم خواهند بود .

نعمه فيقول ربّي أكرمن .. كلاً... و تأكلون التراث أكلاً لماً

مسخ شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ انحراف فکر و اندیشه و مسخ شخصیت

، پیامد کفر به قرآن

امنوا .. من قبل ان نطمس وجوهاً فتردها علی ادبارها

<وجوه> به اعتبار اینکه مجمع تمامی حواس آدمی است، می تواند کنایه از درک و فهم باشد.

ملاکهای شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۳ - ۲

۲ - میزان در سنجش شخصیت افراد ، حال فعلی آنان است .

و ما علمی بما کانوا یعملون . إن حسابهم إلا علی ربّی

نشانه های شخصیت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۳

۱۳ سیمای یوسف (ع) و عملکرد او ، نشان دهنده شخصیت بلند مرتبه و بیانگر نیکوکاری او بود .

إننا نریک من المحسنین

<نری> در آیه شریفه، به معنای <یقین داریم> است. رساندن این معنا با کلمه <نری> (می بینیم) گویای این مطلب است که: علم و یقین آن دو نفر به شخصیت یوسف (ع) ، از طریق مشاهده رفتار و منش او حاصل شده بود.

نقش شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۴

۴ - تناسب دوستان و هم نشینان انسان با شخصیت وی

و قیضنا لهم قرناء فزینوا لهم

بنابر این که معنای <فَيْضَنَا> تبدیل باشد، استفاده می شود که انسان به تناسب شخصیت خودش دوستان و هم نشینانی پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ - تأثیر منش و شخصیت آدمی ، در شکل گیری معارف و باور های وی

إِن هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا .. . إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا

الظنّ و ما تهوى الأنفس

معرفی کردن روحیه هواپرستانه مشرکان به عنوان عامل اصلی گرایش آنان به شرک، می تواند نشانگر این باشد که صفات شخصیتی انسان، در باورها و معارف وی تأثیر به سزایی دارد.

نقش شخصیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۱ - ۷

۷- شخصیت معنوی و فضایل شخصی انسان ها ، ملاک گزینش آنان از سوی خدا

إن إبرهیم کان أمّه قانتاً لله حنیفاً و لم یک من المشرکین . شاکراً لأنعمه اجتبه

هتک شخصیت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱۰

۱۰ ترور شخصیت یعقوب (ع) از ناحیه بستگان و اطرافیانش

لولا أن تفنّدون

شخصیت حقوقی

مالکیت شخصیت حقوقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۸

۸ پذیرش مالکیت اشخاص حقوقی در اسلام

و لذی القربى و الیتمی و المسکین

شخم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شخم

شخم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۳ - ۲

۲ - نقش انسان تنها شخم زدن زمین و پاشیدن بذر در آن است و نه بیشتر از آن .

أفرء یتیم ما تحرثون

در آیه شریفه، تنها <حرث> (عمل آماده کردن زمین و پاشیدن دانه ها در آن)، به انسان نسبت داده شده است.

شخم زنی با گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۴

۴ - قوم موسی ، از گاو برای شخم زنی و آبیاری کشتزارها استفاده می کردند .

لاذلول تثیر الأرض و

لاتسقى الحرث

فواید شخم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۷ - ۲

۲ - بارش باران و نرم شدن خاک زمین و شیار خوردن آن ، زمینه ساز حصول غله جات و تأمین غذای انسان ها

صبينا الماء .. شققنا الأرض فأنبتنا فيها حبًا

منشأ شخم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۶ - ۳

۳ - شخم زدن زمین و ایجاد شیار در دل خاک و آماده سازی آن برای کشت و ایجاد هر گونه دگرگونی در سطح زمین ، در حقیقت مستند به خداوند است .

ثم شققنا الأرض شقًا

فعل <شققنا> اطلاق دارد و زیر و رو کردن خاک زمین را به هر شکلی باشد مستند به خداوند می کند. هر چند به دست انسان یا دیگر عوامل طبیعت انجام پذیرد.

شخم زنی

شخم زنی با گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۴

۴ - قوم موسی ، از گاو برای شخم زنی و آبیاری کشتزارها استفاده می کردند .

لاذلول تثير الأرض و لاتسقى الحرث

شر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شر

ابزار شناخت شر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۱ - ۳

۳ - انسان ، به دلیل برخورداری از ابزار های شناخت (توانایی بر دیدن و گفتن و نیز تشخیص راه خیر و شر) توانا بر پذیرش تکالیف دشوار و برداشتن گام های سنگین در راه خیر

ألم نجعل .. فلاقتحم العقبه

انتخاب شر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۵

۵ - انسان ، موجودی مختار و توانا بر حرکت در راه خیر یا شر و دارای ابزار لازم آن

ألم نجعل له .. و هدینه النجدین

بیان برخورداری انسان از چشم و زبان پیش از اشاره به آشناسازی او با راه های خیر و شرّ به منظور اتمام حجت بر او است که برای شناخت راه صحیح و انتخاب آن، ابزار لازم در اختیار او نهاده شده است.

دفع شر استهزاگران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۵ - ۲

۲- نوید خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر دفع شرّ استهزا کنندگان آن حضرت و قرآن

إنا کفینک المستهزءین

دفع شر دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۶

۶ - خداوند ، برای دفع شر و خنثی کردن توطئه ستیزه گران با انبیا ، کافی است .

فسیکفیکهم الله

دفع شر مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۵

۵ - دفع شر یهودیان و نصرانیان از جامعه اسلامی ، وعده و نوید خداوند به پیامبر (ص)

فإنما هم في شقاق فسيكفيكهم الله و هو السميع العليم

دفع شر يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۵

۵ - دفع شر يهوديان و نصرانيان از جامعه اسلامي ، وعده و نويد خداوند به پيامبر (ص)

فإنما هم في شقاق فسيكفيكهم الله و هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۳،۷

۳ - خداوند ، به راه خیر و شرّ و رهروان هر یک ، آگاه است .

و هدیّنه النجدین

اسناد هدایت به خداوند در <هدینا> با توجه به <أیحسب أن لم یره أحد> در آیات پیشین بیانگر آن است که چون خداوند راه خیر و شرّ را به دیگران شناسانده است ، پس خود به آن آگاه است و رهروان آنان بر او مشتبه نمی شوند تا مدعیان حقیقی انفاق را، از غیر آنها تشخیص ندهد.

۷ - > عن حمزه بن محمّد عن أبي عبد الله (ع) قال : سألته عن قول الله عزّوجلّ < و هدیّناه النجدین > قال : نجد الخیر و الشرّ ؛

حمزه بن محمد گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و هدیّناه النجدین> سؤال کرد، فرمود: مراد راه خیر و شرّ است <.

منشأ شر دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۲

۲ - خداوند ، شایسته ترین حامی بندگان و دفع کننده شر دشمنان از آنان است .

ألیس الله بكاف عبده

مقصود از کفایت خداوند، با توجه به جملات بعدی آیه شریفه که درباره تهدیدها و ارباب های دشمنان سخن می گوید حمایت الهی از پیامبر(ص) و مؤمنان در برابر دشمنان است.

منشأ شر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۱۸

۱۸ شرور ، ناشی از ضعف و ناتوانی است .

بیدك الخیر اَنِّك علی كلّ شیء قدير

جمله > اَنِّك

علی . . . < بیانگر علت مضمون جمله > بیدک الخیر < است ؛ یعنی چون خدا دارای قدرت مطلق است، تنها خیر از او صادر می شود. بنابراین، شرور همواره نتیجه نقصها و ناتوانیها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۲۲

۲۲ اجابت دعای همسر عمران ، در مورد حفظ مریم (س) و فرزندش از شرّ شیطان

و ائی اعینها بک و ذریتها من الشّیطان الرّجیم

رسول خدا (ص): . . . و قال عیسی (ع) فیما یشی علی ربه: و اعاذنی و ائی من الشّیطان الرّجیم فلم یکن له علینا سییل.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۸۴.

موارد شر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۱۱

۱۱- سلب نعمت از انسان ، شرّ و مایه یأس اوست .

و إذا أنعمنا علی الإنسن . . . و إذا مسّه الشرّ

به قرینه مقابله <مسّه الشرّ> با <أنعمنا> احتمال دارد که مراد از دچار شدن به سختی و شرّ، از دست دادن نعمت باشد.

شرور

استعاذه از شرور شبانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۳ - ۱

۱ - پناه بردن به خداوند از شرور شبانه ، به ویژه زمان تاریکی مطلق آن ، توصیه الهی به پیامبر (ص)

قل أعود... و من شرّ غاسق إذا وقب

<عَسَقَ> یعنی، آغاز تاریکی شب (صحاح) و <وقوب> (مصدر <وقب>)، به معنای داخل شدن در همه چیز است (لسان العرب). مراد از <غاسق إذا وقب>، شب است زمانی که در همه چیز وارد شده

و آن را تاریک سازد (لسان العرب به نقل از فراء). کلمه <غاسق> با فعل <غَسَقَ> (جریان یافت)، از یک ریشه و نشانگر پخش شدن شب بر موجودات است. اسناد شرّ به شب به جهت مناسب تر بودن آن از روز، برای جریان شرور است.

امتحان با شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۵ - ۱۰، ۳

۳- آدمیان ، به وسیله شرّ و خیر موجود در جهان آزموده می شوند .

و نبلوکم بالشرّ و الخیر فتنه

۱۰- > روی عن أبي عبد الله (ع) : إنَّ أمير المؤمنين (ع) مرض فعاداه إخوانه فقالوا : كيف تجدك يا أمير المؤمنين (ع) ؟ قال : بشرُّ قالوا : ما هذا كلام مثلك قال : إنَّ الله تعالى يقول : > ونبلوکم بالشرّ والخیر فتنه < فالخير الصحه والغنى و الشرّ المرض و الفقر >

از امام صادق(ع) روایت شده: امیرالمؤمنین(ع) بیمار شد، برادران [دینی] وی از آن حضرت عیادت کردند و گفتند: [حال] خود را چگونه می یابی ای امیر مؤمنان؟ فرمود: به شرّ [مبتلی شده ام]، گفتند: این کلام افرادی مانند شما نیست؟ فرمود: خداوند تعالی می فرماید <و نبلوکم بالشرّ والخیر فتنه> سلامتی و بی نیازی خیر و بیماری و تنگدستی شرّ است <.

تشبیه شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۲ - ۶

۶ - تشبیه رهایی از شرور ، به شکافتن تاریکی

قل أعوذ بربّ الفلق . من شرّ ما خلق

حاکمیت تکوینی شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۹ -

۴ حاکمیت نظام تکوینی خیر و شرّ بر تمامی انسان ها ، و حتی پیامبر (ص)

ما اصابك من حسنه فمن الله و ما اصابك من سيئه فمن نفسك

خدا و شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۸

۸ خداوند ، سرچشمه و منشأ همه امور (خوبی ها و بدی ها)

قل كل من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۹

۹ - خداوند ، منشأ نعمت ها و پیراسته از شرور و بدی ها

و إن مسّه الشرّ .. و لئن أذقنه رحمه ... و إذا أنعمنا على الإنسن ... و إذا مس

از این که خداوند رحمت و نعمت را به خود نسبت داده؛ ولی شرور را به خویشتن منتسب نکرده است، مطلب بالا به دست می آید.

رفع شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۷ - ۹

۹ - خداوند ، تنها کسی است که می تواند شر و بدی خود آفریده را ، رفع کند .

من ذا الذی يعصمکم من الله إن أراد بکم سوءاً. .. و لایجدون لهم من دون الله ولی

زمینه بهره گیری از شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۵

۵- انسان بر اثر خصلت شتابزدگی برای نیل به خواسته های خود ، از ابزار و وسایل شرّ و ناپسند بهره می گیرد .

و يدع الإنسان بالشرّ دعاءه بالخير و كان الإنسان عجولاً

برداشت فوق مبتنی

بر این نکته است که باء در <بالشرّ> و <بالخیر> برای استعانت باشد؛ یعنی، انسان عجول وسایل خیر و شرّ را مساوی می بیند؛ مثلاً برای رسیدن به رفاه زندگی، از ابزاری چون دزدی، استثمار و احتکار استفاده می کند.

زمینه شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۹

۹ - < عن أبي جعفر (ع) في قول الله عزوجل > .. فسنيّره للعسرى < قال : لا يريده شيئاً من الشرّ إلا يسره له ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزوجل <فسنيّره للعسرى>، روایت شده که فرمود: [هر که بخل ورزد و خود را از خدا بی نیاز بیند و نیکوترین پاداش الهی را تکذیب کند]، درباره انجام دادن هیچ شری تصمیم نمی گیرد؛ جز آن که خداوند آن را برای او آسان می سازد.

شرور در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۶

۶ آخرت برای تقوایبندگان خیر محض و خالی از شرور و ناگواریهاست.

و للدار الآخره خير للذين يتقون

در صورتی که <خیر> صفت مشبّه باشد، نه فعل تفضیل. در این صورت <الآخره خیر> یعنی آخرت همه اش خیر است.

شرور شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۸ - ۶

۶ - خدا، تنها پناهگاه انسان برای ایمن ماندن از شرّ های شیاطین

أعوذ بك من همز الشيطان . و أعوذ بك ربّ أن يحضرون

عوامل مصونیت از شرور

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۳

۴ - نقش مؤثر دعا، در ایمن ماندن از شرور

قل ربِّ إِمَّا تَرَيْتَنِي مَا يُوْعَدُونَ

عوامل نجات از شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۱ - ۷

۷ - تقوا، موجب نجات انسان از هرگونه بدی و اندوه در قیامت

الذین اتَّقُوا .. لا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ

فلسفه شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۳

۳ وجود اموری ناخوشایند که نهایتاً برای انسان خیر است .

عَسَىٰ اَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

گرایش به شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۹

۲۹ وجود زمینه های گرایش به خیر و شر در انسان از آغاز آفرینش

قال لا تَقْتُلَنَّكَ .. انما يَتَقَبَّلُ اللّٰهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

با توجه به اینکه هابیل و قابیل هر دو فرزندان آدم بودند، لکن راههای متضادی را برگزیدند، معلوم می شود گرایشهای درونی انسانها متفاوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۱،۲

۱- انسان ، شرّ و بدی را چونان خیر و خوبی ، طالب و خواستار است .

و يدع الإنسان بالشرّ دعاءه بالخیر

مراد از <دعا> مطلق درخواست است اعم از اینکه به لفظ دعا باشد و یا به غیر آن.

۲- خیرطلبی در انسان ، اصیل و در پی شرّ بودنش ، تبعی و غیر اصیل است .

و يدع الإنسان بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق از تشبیه شرحواهی انسان به طالب خیر بودنش استفاده گردیده است ؛ یعنی ، همان طور

که انسان همواره و به طور طبیعی و اصیل طالب خیر است، به دنبال شر هم خواهد رفت.

مراد از شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۵ - ۱۰

مصونیت از شرور قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۱ - ۱،۳

۱ - خداوند، ابرار را از تمامی شرور و گزند های روز قیامت حفظ خواهد کرد .

فوقیهم الله شرّ ذلك الیوم

۳ - مصونیت ابرار از شرور و گزند های قیامت و شادابی رخسار و سرور دل آنان، به دلیل ایمان آنان به قیامت و خوف آنان از آن روز است .

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا .. فوقیهم الله شرّ ذلك الیوم

<فا> در <فوقاهم> برای تفریح این آیه بر آیه قبل است؛ یعنی، مصونیت ابرار از شرور قیامت، به این دلیل است که آنان، از احوال آن روز در هراس بودند؛ روزی که چهره های کافران عبوس و دل های آنان محزون است.

منشأ شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۱۰، ۸، ۶

۶ خیر ها را از جانب خدا دانستن و شر ها را از ناحیه پیامبر (ص) پنداشتن، اندیشه برخی از مسلمانان عصر پیامبر (ص)

و ان تصبهم حسنه یقولوا هذه من عندالله و ان تصبهم سیئه یقولوا هذه من عندك

ظاهراً مراد از ضمیر در <تصبهم> مسلمانان ضعیف الایمان هستند. آنها می پنداشتند مشکلاتی که پس از مسلمان شدنشان به آنها روی آورده، از ناحیه پیامبر (ص) بوده است.

خداوند ، سرچشمه و منشأ همه امور (خوبی ها و بدی ها)

قل كل من عند الله

۱۰ نسبت دادن خوبی ها به خدا و بدی ها به پیامبر (ص) (ثنویت) ، نشانه دوری کامل از درک دقیق معارف الهی

فمال هؤلاء القوم لا يكادون يفقهون حديثا

مراد از < حدیثا > به مناسبت مورد، معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۹ - ۱،۷

۱ هر نیکی به انسان رسد ، از خدا است و هر بدی به او رسد ، از خود او .

ما اصابك من حسنه فمن الله و ما اصابك من سيئه فمن نفسك

اگر چه مخاطب این آیه پیامبر (ص) است، ولی مقصود از آن همه افراد هستند. چون بین پیامبر (ص) و دیگران از نظر احکام واقعی و حقیقی هیچ تفاوتی نیست.

۷ پیامبر (ص) رسولی در جهت خیر و سعادت مردم ، نه منشأ شرور

و ان تصبهم سيئه يقولوا هذه من عندك . . و ارسلناك للناس رسولا

جمله < و ارسلناك للناس > (تو پیامبری سودمند بری مردم هستی)، در رد پندار کسانی است که وی را منشأ شرور معرفی می کردند: <يقولوا هذه من عندك>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۷ - ۶،۸

۶ اقتدار بر رساندن هر گونه خیر و شر، از شؤون ولایت الهی است.

أغير الله أتخذ وليا . . و إن يمسسك الله بضر ... فهو على كل شيء قدير

۸ تعدد منشأ برای خیر و شر، پنداری باطل و موهوم است.

و إن يمسسك الله

بضر فلا کاشف له إلا هو و إن یمسسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۸ - ۲،۵

۲ قدرت بدون رقیب خداوند در رساندن خیر و شر به آدمی، نشانه اقتدار و غلبه او بر تمامی بندگان

و إن یمسسک الله بضر .. و هو القاهر فوق عباده

۵ نفع و ضرر رساندن خداوند به آدمیان بر اساس حکمت و آگاهی

و إن یمسسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو .. هو الحکیم الخبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۰ - ۴

۴ - نسبت ندادن شرور ، به خداوند و انتساب رحمت ها و نعمت ها ، به او ادب حضرت ابراهیم نسبت به خداوند

و إذا مرضت فهو یشفین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ابراهیم(ع) مریضی را به خود و شفا را به خدا نسبت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۲ - ۵

۵ - شرور ، مستند به مخلوقات اند ، نه خالق .

من شرّ ما خلق

اضافه <شرّ> به <ما> که عنوان مخلوقات است بیانگر استناد شرور به آنها است.

نقش شرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۴

۴ - سیطره یأس و ناامیدی بر انسان ، به هنگام مواجه شدن با سختی و ناکامی ها (شرور)

و إن مسّه الشّرّ فيئوس قنوط

شرابخوار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شرابخوار

احکام شرابخوار

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۵

۱۵ ممنوعیت سپردن اموال به شرابخوار ، به دلیل سفاهت وی

و لا توتوا السفهاء اموالکم

امام صادق (ع) در مقام نهی از امین قرار دادن شرابخوار فرمود: <ولا توتوا السفهاء اموالکم> فائى سفیه اسفه من شارب الخمر؟

کافی، ج ۵، ص ۲۹۹، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۳، ح ۵۲.

تحقیق شرابخوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۶

۶ - < قال رسول الله (ص) ... لاتجالسوا مع شارب الخمر... فإِنَّهم كلاب أهل النار كما قال الله : > اخسئوا فیها و لاتكلمون < ;

رسول خدا(ص) فرمود:.. با شراب خوار همنشینى نکنید... زیرا آنان سگک های جهنم اند؛ همان طور که خداوند فرموده است: اخسئوا فیها و لاتكلمون.<

سفاهت شرابخوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۵

۱۵ ممنوعیت سپردن اموال به شرابخوار ، به دلیل سفاهت وی

و لا توتوا السفهاء اموالکم

امام صادق (ع) در مقام نهی از امین قرار دادن شرابخوار فرمود: <ولا توتوا السفهاء اموالکم> فائى سفیه اسفه من شارب

كافى، ج ٥، ص ٢٩٩، ح ١؛ نورالثقلين، ج ١، ص ٤٤٣، ح ٥٢.

شرايخوار در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٢ - مؤمنون - ٢٣ - ١٠٨ - ٦

٦ - > قال رسول الله (ص) ... لاتجالسوا مع شارب الخمر... فإنهم كلاب أهل النار كما قال الله : >

اخسئوا فيها و لا تكلمون > ;

رسول خدا(ص) فرمود:.. با شراب خوار همنشینی نکنید... زیرا آنان سگ های جهنم اند؛ همان طور که خداوند فرموده است: اخسئوا فيها و لا تكلمون >.

شرابخواری

مسابقه برای شرابخواری اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۲۶ - ۳

۳- به کار گرفتن تمام تلاش برای رقابت با دیگران ، تنها شایسته خوش گذرانی و شراب خواری در جهان آخرت است .

و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون

<تنافس> یعنی، هر یک از رقابت کنندگان، نیروی نَفَس خویش را در برابر دیگری آشکار سازد (مقایس اللغه). <ذلک>، به محتوای آیات <علی الأرائک ينظرون> و <يسقون> اشاره دارد.

شرح صدر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{شرح صدر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۲

۲ شرح صدر موهبتی الهی است.

یشرح صدره

آثار شرح صدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱،۱۹،۲۰

۱ شرح صدر زمینه هدایت پذیری انسان

فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره

شرح صدر به معنای توسعه قلب و مغز و اندیشه آدمی و در برابر ضیق صدر است.

۱۹ عن أبی الحسن الرضا(ع) فی قوله تعالی: <فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للاسلام> قال: من یرد الله أن یهدیه بایمانہ . .. یشرح صدره للتسلیم لله و الثقه به و السکون إلى ما وعده من ثوابه ... و من یرد ان یضله ... لکفره به و عصیانہ له فی الدنیا یجعل صدره ضيقا حرجا حتی یشک فی کفره و یضطرب من اعتقاد قلبه

امام رضا(ع) درباره آیه <فمن

یرد الله .. > فرمود: کسی که خدا بخواهد او را بخاطر ایمان اش هدایت کند ... سینه اش را برای تسلیم شدن در برابر خداوند و اعتماد به او و آرامش یافتن به وعده های پاداش الهی، باز و گشوده می سازد ... و کسی که خدا بخواهد او را به خاطر کفر و نافرمانیش در دنیا گمراه کند، سینه اش را تنگ و در فشار قرار می دهد، بدان گونه که در کفر خود شک کند و در اعتقادات قلبی خویش مضطرب و نگران باشد ...

۲۰ عن أبي عبدالله(ع) في قول الله عز و جل: <و من یرد ان یضله یجعل صدره ضیقا حرجا > فقال: قد یكون ضیقا و له منفذ یسمع منها و یبصر و <الحرج > الملتئم الذی لا منفذ له یسمع به و لا یبصر به.

از امام صادق(ع) درباره آیه <و من یرد أن یضله .. > روایت شده است: گاهی سینه انسان تنگ می شود اما هنوز راه نفوذی برای آن باقی مانده که از طریق آن می شنود و می بیند و <حرج>، آن سینه ای است که فشرده شده و هیچ راه نفوذی به آن وجود ندارد که از آن راه بشنود و یا ببیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۸

۸ - نبوت و دریافت وحی ، نیازمند سینه ای فراخ و ظرفیتی گسترده است .

قال ربّ اشرح لی صدري

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۴ - ۳

۳ - موسی (ع) ،

پیدایش شرح صدر و خوش بیانی را ، مایه فراهم آمدن زمینه یاد فراوان خداوند می دانست .

قال ربّ اشرح لی صدري .. و نذكرک کثیراً

تعلیل <و نذكرک> می تواند به تمامی خواسته های موسی(ع) از جمله درخواست شرح صدر و روان گویی مربوط باشد. موسی(ع) هدف خود را از آن خواسته ها، توفیق افزون تر برای یاد خدا در هر کوی و برزن و هنگام موعظه هر فرد و گروه، اعلام کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۴

۴ - شرح صدر ، زمینه ساز تابش نور هدایت خداوند بر قلب انسان و استفاده از دلایل و برهان های الهی

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو علی نور من ربّه

<نور> در آیه شریفه، کنایه از هدایت، دلایل و براهین الهی است. تفریع <فهو علی نور من ربّه> بر <أفمن شرح الله صدره للإسلام>، گویای برداشت بالا است.

آثار شرح صدر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۱۳

۱۳ سعه صدر پیامبر (ص) در گوش دادن به سخنان مردم ، مایه رحمت برای مؤمنان

و يقولون هو أذن قل أذن خیر لكم .. و رحمه للذین ءامنوا منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۲ - ۳

۳ - شرح صدر پیامبر (ص) ، فراهم سازنده زمینه لازم برای اجرای برنامه های سنگین رسالت و انجام دادن تکالیف دشوار

ألم نشرح .. و وضعنا عنک وزرک

آثار شرح صدر موسی(ع)

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۳ - ۲

۲ - موسی (ع) ، تسبیح و تنزیه خداوند در برابر مشرکان ، خود را نیازمند شرح صدر و داشتن بیان واضح می دانست .

ربِّ اشرح لی . . . کی نسَبِحْکَ کثیرًا

<کی نسَبِحْکَ> می تواند تعلیل برای تمام خواسته های موسی(ع)، از جمله درخواست شرح صدر و کاهش لکتت زبان باشد. موسی(ع) می خواست برای رد آنچه گمراهان در باره خداوند توهم کرده اند، توان لازم را داشته باشد.

ارزش شرح صدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۵ - ۶

۶ - حسن خلق و سعه صدر ، دارای ارزشی والا و توصیف ناپذیر در میان مکارم اخلاقی است .

و ما یلقیها إلا الذین صبروا و ما یلقیها إلا ذو حظّ عظیم

از انحصار فضیلت بالا به صابران و بهرهوران از ارزش های انسانی و نیز تکرار <و ما یلقاها>، برداشت یاد شده استفاده می شود.

اظهار سرور از شرح صدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۳

۳ - شرح صدر و تحمّل سختی ها ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

و أمّا بنعمه ربِّکَ فحدّث . بسم الله الرحمن الرحیم . ألم نشرح لک صدرک

به گفته بسیاری از فقهای امامیه، این سوره، دنباله سوره قبل و متحد با آن است. بر این اساس مفاد آیه شریفه، اعتراف به یکی از نعمت هایی است که آخرین آیه سوره قبل، به بازگو کردن آنها توصیه داشت. در این دیدگاه، جمله

<بسم الله الرحمن الرحيم> ارتباط را قطع نمی کند؛ بلکه برخی از فقها، ترک آن را در نماز مجاز می دانند.

اهمیت شرح صدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ شرح صدر، گذشت و تحمل برخورد های مخالفین، از وظایف رهبران الهی

اولئك الذين... فاعرض عنهم و عظمهم و قل لهم فی انفسهم قولاً بليغاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۵

۵ شرح صدر نور الهی در قلب مؤمنان است. *

و جعلنا له نوراً يمشى... فمن يرد الله أن يهديه يشرح صدره

<فاء> در <فمن يرد...> عطف و تفریع بر آیات قبل است. در آیه ۱۲۲ (أو من كان ميتاً...) مردم به دو دسته تقسیم شدند: حیات یافتگان دارای نور و فروماندگان در ظلمت. در این آیه با نتیجه گیری از مجموع آیات، هدایت یافتگان دارای شرح صدر و گمراهان مبتلا به تنگی صدر شمرده شده اند. محتمل است شرح صدر همان نوری باشد که در آیه ۱۲۲ مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۹

۹ گوش فرادادن به سخنان همه طیف های جامعه و داشتن سعه صدر در برابر آنان، خصلتی شایسته و بایسته برای رهبران و مسؤولان جامعه اسلامی

و يقولون هو أذن قل خير لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۴

مهم ترین ویژگی های لازم برای رسولان الهی و رهبران و مبلغان دین است .

قال ربّ اشرح لی صدري

این که موسی(ع) شرح صدر را بر خواسته های دیگر خود مقدم داشته است، نشان جایگاه مهم و نقش آن در انجام یافتن مسؤولیت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۲

۲ - گرایش به دین اسلام ، در گرو وجود سعه صدر و روح پذیرش حق در انسان است .

أفمن شرح الله صدره للإسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۷

۷ - ترویج دین و گسترش دین داری در جامعه ، مستلزم سعه صدر ، صبر و خویشتن داری است .

و اصبر .. و اهجرهم هجرًا جمیلًا

اهمیت شرح صدر رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۴ - ۳

۳ - سعه صدر و حسن برخورد حتی با مخالفان امری بایسته برای رهبران جامعه اسلامی

ادفع بالتی هی أحسن

حقیقت شرح صدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۶

۱۶ لما نزلت هذه الآية سئل رسول الله (ص) عن شرح الصدر ما هو؟ فقال: نور يقذفه الله في قلب المؤمن فينشرح له صدره و
ينفسح . . .

آنگاه که آیه <فمن یرد الله . . . > نازل شد از رسول خدا(ص) سؤال کردند، شرح صدر چیست؟ فرمود: نوری است که
خداوند در قلب مؤمن می افکند و با آن سینه اش را باز می گرداند ...

درخواست شرح صدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۱

۱ - موسی (ع) جهت انجام رسالت خویش و بازداشتن فرعون از طغیان گری، با دعابه درگاه خداوند، خواهان شرح صدر خویش شد.

اذهب... قال ربّ اشرح لی صدري

فراخی سینه، کنایه از خویشتن داری و کنترل خود و اختیار از کف ندادن است.

ذکر شرح صدر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۲

۲ - خداوند، برخورداری پیامبر (ص) را از شرح صدر، به او یادآور شده، آن را عطای ویژه خویش به آن حضرت خواند.

ألم نشرح لك صدرک

ذکر منشأ شرح صدر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۴

۴ - توجّه به خدادادی بودن شرح صدر، مایه اطمینان پیامبر (ص) به دوری اش از قهر و خشم خداوند

ما ودّعک ربّک و ما قلی... ألم نشرح لك صدرک

هدف از استفهام در <ألم نشرح...> که برای تقریر است با توجّه به ارتباط آن با محتوای سوره قبل، توجّه دادن پیامبر(ص) به نعمت هایی است که نشان محبوب بودن او نزد خداوند است تا نگرانی های احتمالی آن حضرت از میان برود.

شرح صدر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۲

۱۲- برخورد ابراهیم (ع) با بت پرستان ، همراه با شکیبایی و سعه

صدر بود .

سلم عليك سأستغفر لك ربّي

شرح صدر اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۷

۷ - شرح صدر و برخورداری از نور و برهان های الهی ، از اوصاف صاحبان عقل و خردناب است .

لكن الذين اتقوا .. إنّ في ذلك لذكرى لأولى الألباب . أفمن الله صدره للإ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که آیه شریفه، تفریع بر دو آیه پیشین بوده و بیان برای آن دو باشد که در اوصاف تقوای پیشگان و صاحبان عقل و خردناب است.

شرح صدر بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۹،۱۰

۹ بندگان خالص خدا ، به هنگام روبه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل ، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعول به مقدر باشد، یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

۱۰ بندگان خالص خداوند ، به هنگام رو به رو شدن با گفتار جاهلانه و بدور از ادب و منطق جاهلان ، از آنان خواستار سلامت و امنیت و همزیستی مسالمت آمیز می شوند .

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

برداشت

فوق، بر این اساس استوار است که <سلاماً> مفعولٌ به برای فعل مقدر باشد، یعنی، <تسلم منکم تسليماً>. در این صورت <سلام> به جای <تسلیم> نشسته است.

شرح صدر حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ گمراه کردن حقگريزان با ضيق صدر و هدايت حقپويان با شرح صدر، صراط مستقيم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه .. هذا صراط ربك مستقيما

ظاهراً مشارالیه <هذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شرح صدر و ضيق صدر و ... است.

شرح صدر در تبليغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۲،۴

۲ پرهیز از دلتنگی و ملالت در تبليغ قرآن، فرمان و توصيه خداوند به پیامبر(ص)

فلا یکن فی صدرک حرج منه

می توان گفت جمله <فلا- یکن ..>، که تفریع بر <أنزل إليك> است، به قرینه <لتنذر> از آن دلتنگی ای نهی می کند که ناشی از انذار و متذکر کردن مردم باشد. یعنی ای پیامبر چون قرآن کتاب آسمانی است، مبدا مشکلات انذار مردم با تبليغ قرآن، مایه دلتنگی و ملالت خاطر برای تو شود.

۴ تبليغ قرآن، مسؤولیتی سنگین و نیازمند تحمل فراوان و سعه صدر

کتب أنزل إليك فلا یکن فی صدرک حرج منه

جمله <فلا- یکن ..>، که در صدد پیشگیری از ملالت خاطر پیامبر(ص) است، بیانگر آن است که تبليغ قرآن مشکلات فراوانی به همراه خواهد داشت که جز با تحمل و سعه صدر نمی توان

به آن پرداخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۳

۳ - راهنمایی و ارشاد طغیان گران و تبلیغ پیام الهی ، نیازمند شرح صدر و تحمل فراوان است .

اذهب ... قال ربّ اشرح لی صدري

شرح صدر در مناظره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - لزوم سعه صدر در گفت و گو های علمی و در عرصه تضارب افکار و بیان اندیشه های گوناگون

الذین یستمعون القول فیّتبعون أحسنه

شرح صدر رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳ - ۲

۲ - اهمیت سعه صدر و فصاحت بیان ، در کار رهبری و هدایت جامعه

و یضیق صدري و لا ینطلق لسانی

شرح صدر رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۸ - ۵

۵ - رهبران و مبلغان دینی باید در برابر تکبر ، استهزا و تهمت های دشمنان دیانت با سعه صدر به تکلیف خود عمل کنند .

قال لمن حوله ألا تستمعون ... إنّ رسولکم... لمجنون. قال ربّ المشرق و المغرب و ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۵

۵ - شرح صدر و تحمّل سختی ها ، از ویژگی های لازم برای رهبران الهی

ألم نشرح لك صدرك

شرح صدر صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - پاسخ نیک به رفتار ناپسند مخالفان و معاندان ، تنها

در توان صاحبان صبر و شکیبایی است .

ادفع بالتي هي أحسن .. و ما يلقىها إلا الذين صبروا

۲ - آزمودگان میدان صبر ، برخوردار از سعه صدر و توان تحمل مخالفان

ادفع بالتي هي أحسن .. و ما يلقىها إلا الذين صبروا

فعل ماضی <صبروا> می رساند که افرادی می توانند به بدگویی و بدرفتاری مخالفان پاسخ نیک دهند که قبلاً اهل صبر و بردباری بوده و در آن میدان موفق شده اند.

شرح صدر مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۸ - ۵

۵ - رهبران و مبلغان دینی باید در برابر تکبر ، استهزا و تهمت های دشمنان دیانت با سعه صدر به تکلیف خود عمل کنند .

قال لمن حوله ألا تستمعون .. إن رسولكم... لمجنون. قال ربّ المشرق و المغرب و ما

شرح صدر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۴،۵،۶

۴ سوء استفاده منافقان از عطوفت و سعه صدر پیامبر (ص) (گوش فرادادن آن حضرت به سخنان مردم)

الذين يؤذون النبي و يقولون هو أذن

۵ گوش فرادادن به سخنان گوناگون مردم ، با شکیبایی و سعه صدر کامل ، از خصلت های پیامبر اکرم (ص)

و يقولون هو أذن قل أذن خير لكم

۶ ستایش خداوند از پیامبر (ص) به خاطر سعه صدر و گوش فرادادن او به همه سخنان مردم

و يقولون هو أذن قل أذن خير لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۷ - ۲

- پیامبر (ص)، دارای سعه صدر و پذیرای اجتماع کافران مخالف در اطراف خویش

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مَهْطَعِينَ . عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ عِزِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۶

۶ - پیامبر (ص)، دارای مقامی والا در پیشگاه خداوند و شایسته اهدای شرح صدر

ألم نشرح لك صدرك

<لام> در <لك> یا برای تعلیل است یا انتفاع. در صورت اول، مفاد آیه این است که: آیا به خاطر خودت به تو شرح صدر ندادیم؟ این تعبیر دلالت دارد که شخصیت نبی اکرم(ص)، علتی کافی برای عطای شرح صدر بود. در صورت دوم، نشانه ارجمندی آن حضرت است که خداوند، در جهت منافع پیامبر(ص) نعمت شرح صدر را در اختیارش نهاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۵ - ۲

۲ - شرح صدر و سبک بار بودن پیامبر (ص) و بلندآوازی آن حضرت، نمونه ای از انفکاک ناپذیری مشکلات از آسانی ها

ألم نشرح .. و وضعنا... و رفعنا... فَإِنَّ مع العسر يسراً

جمله <فإن..> بیانگر آن است که آنچه در آیات پیشین آمد، ریشه در یک قانون کلی دارد و آن همراه بودن <عسر> با <یسر> است. حرف <فاء>، بیان قانون را بر کاشف آن، تفریع کرده است؛ یعنی، آنچه برای تو انجام دادیم، باید انجام می گرفت؛ زیرا سختی بدون آسانی نمی شود.

شرح صدر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۱،۵

۱ - خداوند تمامی خواسته

های موسی (ع) را پذیرفت و به او شرح صدر و بیان روان عطا کرد و هارون را وزیر او قرار داد .

قال ربّ .. قال قد أُوتيت سؤلک یموسی

<سؤل> یعنی احتیاجی که نفس انسان بر تحصیل آن حرص میورزد و فرق آن با آرزو این است که آرزو در فکر انسان می گذرد، ولی <سؤل> پی گیری می شود. گویا همواره رتبه <سؤل> بعد از آرزو است.

۵ - وادی طوی در کوه طور ، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) و نصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود .

قال ربّ اشرح .. قال قد أُتيت سؤلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۸ - ۴

۴ - سعه صدر موسی (ع) در برابر تکبر ، استهزا و تهمت فرعون

قال لمن حوله ألا تستمعون .. إن رسولکم... لمجنون. قال ربّ المشرق و المغرب

پرداختن موسی به تبیین <ربّ العالمین> بدون توجه به عکس العمل های متکبرانه و استهزا آمیز فرعون، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۰ - ۲

۲ - سعه صدر و پیگیری حضرت موسی (ع) ، در تبلیغ و هدایت مردم

ادع لنا .. فلما کشفنا عنهم العذاب

برداشت یاد شده بر این اساس است که فرعونیان حضرت موسی (ع) را ساحر می خواندند و پیام او را به مسخره و استهزا می گرفتند؛ اما آن حضرت در راستای هدایت آنان برای نجاتشان از عذاب دعا کرد.

شرح صدر مؤمنان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۵

۵ شرح صدر نور الهی در قلب مؤمنان است. *

و جعلنا له نورا یمشی . . . فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره

<فاء> در <فمن یرد...> عطف و تفریع بر آیات قبل است. در آیه ۱۲۲ (أو من کان میتا...) مردم به دو دسته تقسیم شدند: حیات یافتگان دارای نور و فروماندگان در ظلمت. در این آیه با نتیجه گیری از مجموع آیات، هدایت یافتگان دارای شرح صدر و گمراهان مبتلا به تنگی صدر شمرده شده اند. محتمل است شرح صدر همان نوری باشد که در آیه ۱۲۲ مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱،۱۰

۱ - مؤمنان ، برخوردار از شرح صدر و روح تسلیم و انقیاد در برابر حق

أفمن شرح الله صدره للإسلام

<شرح> به معنای بسط و سعه است و شرح صدر به معنای بسط و گشادن سینه و قلب برای تحمل و پذیرش سخن حق است. <اسلام> در دو معنا به کار می رود ۱ تسلیم و انقیاد، ۲ دین اسلام. گفتنی است که برداشت بالا مبتنی بر معنای نخست اسلام است آیه شریفه نیز درصدد بیان اوصاف مؤمنان است.

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به

قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم..). جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح الله صدره للإسلام... كمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

عوامل شرح صدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۹،۲۰

۱۹ عن أبي الحسن الرضا(ع) في قوله تعالى: <فمن يرد الله أن يهديه يشرح صدره للإسلام> قال: من يرد الله أن يهديه بإيمانه . .. يشرح صدره للتسليم لله و الثقة به و السكون إلى ما وعده من ثوابه ... و من يرد ان يضلّه ... لكفره به و عصيانه له في الدنيا يجعل صدره ضيقا حرجا حتى يشك في كفره و يضطرب من اعتقاد قلبه

امام رضا(ع) درباره آیه <فمن يرد الله . . . > فرمود: کسی که خدا بخواهد او را بخاطر ایمان اش هدایت کند ... سینه اش را برای تسلیم شدن در برابر خداوند و اعتماد به او و آرامش یافتن به وعده های پاداش الهی، باز و گشوده می سازد ... و کسی که خدا بخواهد او را به خاطر کفر و نافرمانیش در دنیا گمراه کند، سینه اش را تنگ و در فشار قرار می دهد، بدان گونه که در کفر خود شک کند و در اعتقادات قلبی خویش مضطرب و نگران باشد

۲۰ عن أبي عبدالله(ع) في قول الله عز و جل: <و من يرد ان يضلّه يجعل صدره ضيقا حرجا> فقال: قد يكون ضيقا و له منفذ

يسمع منها و يبصر و <الحرج> الملتئم الذی لا منفذ له يسمع به و لا يبصر به.

از امام صادق(ع) درباره آیه <و من یرد أن یضله ..> روایت شده است: گاهی سینه انسان تنگ می شود اما هنوز راه نفوذی برای آن باقی مانده که از طریق آن می شنود و می بیند و <حرج>، آن سینه ای است که فشرده شده و هیچ راه نفوذی به آن وجود ندارد که از آن راه بشنود و یا ببیند.

منشأ شرح صدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۵

۵ - شرح صدر ، بخشش خداوند و برخاسته از مقام ربوبیت او است .

قال ربّ اشرح لی صدري

منشأ شرح صدر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۱

۱ - خداوند به پیامبر (ص) ، شرح صدر عنایت کرده و قوای باطنی آن حضرت را پذیرای حقیقت قرار داد و توانمندی های او را ، برای تحمّل سختی ها و تکالیف ، فزونی بخشید .

ألم نشرح لك صدرک

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). <صدر> و <قلب>، کنایه از نفس انسان است که دارای فهم و درک است. گفته شده <صدر> اعم از <قلب> است زیرا شامل تمام قوای انسان می شود. (برگرفته شده از مفردات راغب)

نشانه های شرح صدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۴

۴ حالت پذیرش در برابر معارف آسمانی اسلام نشانه شرح صدر

است.

فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للإسلام

در برداشت فوق اسلام به معنی اصطلاحی آن که دین اسلام است، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۴، ۱۸

۱۴ - یاد خدا، نشانه شرح صدر و نرم دلی و پاکی از قساوت قلب است.

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر الله

در این آیه از ویژگی های سنگدلان، غفلت و دوری از یاد خدا بر شمرده شده است. بنابراین می توان استفاده کرد آنان که یاد خدا می کنند چنین نیستند؛ بلکه همواره با شرح صدر و نرم دلی به سر می برند.

۱۸ - > روی أنّ النبیّ (ص) قرأ > أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو علی نور من ربّه < فقال إنّ النور إذا وقع فی القلب إنفسح له و انشرح ، قالوا : یا رسول الله فهل لذلك علامه یعرف بها ؟ قال : التجافی عن دارالغرور و الإنابه إلی دار الخلود و الإستعداد للموت قبل نزول الموت ؛

از رسول خدا(ص) روایت شده است که آن حضرت آیه > أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو علی نور من ربّه < را تلاوت کرد و آن گاه فرمود: هنگامی که نور وارد قلب می شود، قلب برای اسلام باز و گشاده می گردد. گفتند: ای رسول خدا! آیا علامتی برای آن هست که به وسیله آن شناخته شود؟ فرمود: علامت آن پهلو تهی کردن از خانه غرور و بازگشت به خانه جاویدان و آماده شدن برای مرگ قبل از آمدن آن است.<

نعمت شرح صدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - شرح صدر و تحمّل سختی ها ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

و أمّا بنعمه ربّك فحدّث . بسم الله الرحمن الرحيم . ألم نشرح لك صدرك

به گفته بسیاری از فقهای امامیه، این سوره، دنباله سوره قبل و متحد با آن است. بر این اساس مفاد آیه شریفه، اعتراف به یکی از نعمت هایی است که آخرین آیه سوره قبل، به بازگو کردن آنها توصیه داشت. در این دیدگاه، جمله >بسم الله الرحمن الرحيم< ارتباط راقطع نمی کند؛ بلکه برخی از فقها، ترک آن را در نماز مجاز می دانند.

شرک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{شرک}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۸

۸ یهود و نصارا ، منحرف از حق ، عصیانگر در برابر خدا و مشرک

و لكن كان حنيفاً مسلماً و ما كان من المشركين

بنابراینکه جمله >و لكن كان .. <، تعریضی به یهودیان و نصارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۵ - ۶

۶ ابراهیم (ع) ، هیچگاه مشرک نبوده است .

و ما كان من المشركين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۶

۶ نکوهش و محکومیت فردپرستی

افين مات او قتل انقلبتم على اعقابكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۰

۲۰ آمرزش گناهان و بهشت ، پاداش خداوند به هجرت کنندگان از شرک

و کفر *

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ اٰخَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ .. لَا كُفْرًا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دَخَلَتْهُمْ جَنَّاتٍ

می توان گفت مراد از هجرت به قرینه ادامه آیه (اخراجوا من دیارهم)، هجرتی است که رانده شدن از خانه و کاشانه را در پی داشته باشد. و این هجرت همان ترک شرک و کفر است.

آثار اجتماعی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۹

۹ شرک ، زمینه ساز آدم کشی ، زنا و روابط ناسالم جنسی در جامعه

و الذین لایدعون مع الله إلهًا .. و لایزنون

عطف جمله <لایقتلون .. و لایزنون> بر جمله قبل بدون تکرار اسم موصول (الذین) نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان گناه آدم کشی و زنا با شرک است و طرح مسأله شرک در آغاز آیه شریفه، حاکی از آن است که شرک مبدأ پیدایش و زمینه ساز آدم کشی و زنا در جامعه است.

آثار اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶ - ۳

۳ تسلیم شدن در برابر خداوند و دوری از شرک، زمینه بر خورداری از رحمت الهی است.

قل إني أمرت أن أكون أول من أسلم .. من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۲ - ۷

۷ کمال ایمان و درجات آن، وابسته به میزان پالایش آن از شرک و ظلم است.

الذین ءامنوا و لم یلبسوا إیمنهم بظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام -

۲۹ عمل به توصیه های پنجگانه (پرهیز از شرک و ..) زمینه ساز شکوفایی عقل و اندیشه

ذَلِكُمْ وَصِيكُم بِه لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

برداشت فوق مبتنی بر این است که <تعقلون> به منزله فعل لازم بوده و نیاز به مفعول نداشته باشد و مراد از توصیه عملکردن به احکام یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۲

۱۲ برخوردار شدن از پاداش های الهی در آخرت ، منوط به یکتاپرستی ، پرهیز از شرک ، پذیرش رسالت پیامبر (ص) و استغفار از گناهان است .

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ .. يَأْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلُهُ

استفاده برداشت فوق از آیه ، بر اساس این احتمال است که: جمله <یأْت ..> بیانگر پاداش اخروی باشد. وجود <إلی أجل> در جمله قبل و نبود آن در این جمله ، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۸

۸ نزول باران های فراوان ، در صورت پرهیز از شرک و گرایش به توحید و پرستش خدا ، از نوید های هود (ع) به قوم خویش

و یقوم استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه یرسل السماء علیکم مدرارًا

فعل مضارع <یرسل> به اصطلاح در جواب فعل امر (استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه) قرار گرفته و با <إِنْ> شرطیه مقدر مجزوم شده است؛ یعنی: <إِنْ تستغفروا و توبوا یرسل ..>؛ اگر استغفار کنید و به سوی خدا حرکت کنید، او ابرهای پر باران را برای شما خواهد فرستاد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۹

۱۹ استغفار از گناهان ، پرستش خدا و پرهیز از شرک ، مقدمه هایی لازم برای تقرب به درگاه خداوند

فاستغفروه ثم توبوا إلیه

برداشت فوق ، با توجه به حرف <ثم> که بر تأخر مرحله توبه از مرحله استغفار دلالت دارد استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۱۴

۱۴ رعایت تقوا و پرهیز از شرک و مخالفت با انبیا ، وسیله نیل به سعادت اخروی است .

و لدار الآخره خیر للذین اتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۲

۲ آنان که از شرک پرهیزند و از استهزای پیامبران و از کفر به ایشان حذر کنند ، به بهشت خواهند رفت .

مثل الجنة التي وعد المتقون . . . تلک عقبی الذین اتقوا

مقصود اولی از <متقون> و <الذین اتقوا> به قرینه آیات گذشته کسانی اند که از شرک ، استهزای پیامبران و کفر به آنان حذر کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۱۰

۱۰- پایبندی به ارزش های اخلاقی - اجتماعی ، تنها در پرتو توحید و پرهیز از شرک ، امکان پذیر است . *

ذلک ممّا أوحی إلیک ربّک من الحکمه و لاتجعل مع الله إلهًا آخر

آورده شدن تعالیم اخلاقی و اجتماعی اسلام در این آیات بین دو نهی از شرک ، می تواند بیانگر این معنا باشد.

۷- پرستش خدای یگانه و پرهیز از شرک ورزی به او، زیربنایی ترین اصل عقیدتی و پایه هر تحول معنوی

فَأرسلنا فيهم رسولاً منهُمْ أَنْ اعبدوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۰

۲۰- عبادت خدای واحد و دوری از شرک، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت، پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذین ءامنوا .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی..> حال برای ضمائر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۴

۴ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترک محرمات الهی چون اسراف و یا تنگ گیری، شرک، زنا، آدم کشی و سخن باطل، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا .. و لایزنون .. و الذین لایشهدون الزور ... أول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۱ - ۵

۵- پرهیز از شرک و رهایی از وسوسه های شیطان، مقدمه و پیش شرط ورود به آستان بندگی خدا و گام نهادن در صراط مستقیم الهی است.

ألم أعهد إلیکم ینی ءادم أن

لا تعبدوا الشيطان .. و أن اعبدونى هذا صرط مستقيم

از تقدم توصيه خداوند به پرهيز از اطاعت شيطان، بر فرمان به عبادت خالص خدا و دعوت به صراط مستقيم، مى توان برداشت ياد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۳

۳ - دورى از شرک ، نشانه سلامت قلب و دل است .

إذ جاء ربّه بقلب سليم . إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

برداشت ياد شده از آن جا است که جمله <إذ قال لأبيه..>، بدل اشتمال از <إذ جاء ربه بقلب سليم> است، يعنى، چون ابراهيم(ع) داراى قلب سليم بود، اين سخن ضد شرک از او صادر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۴

۱۴ - دست برداشتن مشرکان از شرک ، تنها شرط رفع خصومت مؤمنان با آنان

بدا بيننا و بينکم العدوه و البغضاء أبداً حتى تؤمنوا بالله وحده

آثار اجتناب از شرک عبادى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۸۵ - ۶

۶- تقوا (پرهيز از شرک در عقیده و عبادت) ، عامل نزديكى انسان به خداوند و بهره بردن از رحمت گسترده او است .

يوم نحشر المتقين إلى الرحمن

آثار اخروى شرک

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۱،۲

۱ کسانی که رو به سوی شرک آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند ، در قیامت دو چندان عذاب و کیفر خواهند شد

يضعف له العذاب يوم القيمة

در این که چرا افراد یاد شده، دو چندان مجازات خواهند شد، میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مقصود از >یضعف< ..> دو چندان شدن مجازات کسانی است که هر سه گناه شرک، آدم کشی و زنا را با هم مرتکب شوند؛ زیرا شرک موجب دو چندان شدن مجازات بزه کاری می شود. برداشت یاد شده و برداشت بعدی مبتنی بر این نظریه است. ۲- مقصود، تشدید مجازات افراد یاد شده است نه دو چندان شدن آن.

۲ شرک ، موجب دو چندان شدن کیفر بزه کاری (آدمکشی ، زنا و ...) در قیامت

يضعف له العذاب يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۵

۵- توجه به تبدیل پیوند های شرک آلود به روابط خصمانه در آخرت ، مایه پرهیز انسان از شرک

و إذا حشر الناس كانوا لهم أعداء

آیه شریفه، با تذکر دادن به عداوت اخروی معبودهای دروغین با عبادت گران خویش، درصدد دور نمودن انسان ها از شرک و روی آوری به غیر خدا است.

آثار استهزاهای رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۳

۳- استهزا و تبلیغات سوء و مغرضانه سران کفر و شرک علیه اسلام ، بسیار شدید و موجب دل آزردهی پیامبر (ص) بود .

اصبر علی ما یقولون

از این که پیامبر(ص) به صبر و شکیبایی توصیه شده است با آن که آن حضرت شخصیتی بزرگ و دارای سعه صدر بود می توان برداشت یاد شده را

به دست آورد.

آثار اصرار بر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۲

۲ اصرار بر کفر و شرک از سر حق ستیزی، موجب افکنده شدن حجاب بر دل و سنگینی بر گوش آدمی است.

و جعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی اذانهم وقرا

<اصرار> و <حق ستیزی> از جملات دیگر آیه، مانند <کل آیه .. > و <یجادلونک .. >، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱۳

۱۳ عدم تأثیر استغفار ابراهیم (ع) برای پدرش به خاطر اصرار وی بر شرک

فلما تبین له أنه عدو لله تبرأ منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۵

۵ پافشاری بر شرک، تکذیب پیامبر (ص) و انکار قرآن، ظلم بوده و در پی دارنده عذاب است.

و إن کذبوک .. أثم إذا ما وقع ءامنتم به ... و لو أن لكل نفس ظلمت ما فی الأرض لا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۰ - ۶

۶ استمرار و پافشاری بر شرک و کفر، موجب گرفتار شدن به عذاب شدید در قیامت است.

ثم نذیقهم العذاب الشدید بما كانوا یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ خداوند ، در پی اصرار قوم عاد بر کفر و شرک ، عذابی سخت و سهمگین بر آنان نازل

کرد .

و لما جاء أمرنا .. و نجّينهم من عذاب غليظ

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم عاد است. <عذاب غليظ> در ذیل آیه بنا بر یک احتمال، یعنی دنیوی بودن عذاب دلالت بر سهمگینی عذاب نازل شده بر قوم عاد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۱

۱- پافشاری مشرکان بر شرک خود، پیامبر (ص) را آماده درخواست عذابی سریع برای آنان کرده بود .

فلاتعجل عليهم إنّما نعدّ لهم عدّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۸

۸- پافشاری بر عقیده شرک آلود، اضلال الهی را در پی دارد .

اتّبع الذين ظلموا أهواءهم .. فمن يهدى من أضلّ الله

تعبیر از <أشركوا> به <ظلموا> برای بیان این نکته است که آنان، با وجود دلایل زیاد و روشن برای اثبات وحدانیت خداوند، باز بر عقیده خویش پای فشردند و در نتیجه، به جایی رسیدند که به اضلال کیفری خداوند گرفتار آمدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۱۷

۱۷- پافشاری بر شرک و روی گردانی از استغفار، در پی دارنده فرجامی زیان بار برای انسان

فاستقيمواإليه و استغفروه و ويل للمشركين

آثار اعراض از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۹

۹ نجات از شرک و پذیرش ربوبیت خداوند ، عامل بی پروایی ساحران مؤمن در برابر مجازات ها و شکنجه های فرعونى

إنا إلی ربنا منقلبون

در برداشت

فوق جمله <إنا إلى ربنا منقلبون> توصیف تحولات عقیدتی ساحران و انقلاب درونی آنان گرفته شده است. در این صورت مراد از آن جمله، بازگشت به خدا با رها شدن از باورهای باطل و پذیرش ربوبیت وی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۴ - ۴

۴ - استجاب دعا و قبولی نیایش انسان به درگاه الهی ، مشروط به عبادت به دور از شرک و خالصانه او است .

فادعوا الله مخلصین له الدین

برداشت یاد شده از توصیه خداوند به اخلاص در عبادت پس از فراخواندن به دعا و نیایش استفاده می شود.

آثار بهانه جویی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهی گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إن هذا إلا إفكٌ .. و قالوا مالِ هذا الرسول ... إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

<فأء> در <فضلوا> برای سببیت و در <فلاستطيعون> تفسیریه است ، یعنی ، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر (ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

آثار پوچی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۹

۹- بی بنیادی و حقیقت نداشتن شرک ، مایه اضمحلال و ناپایداری آن است .

أتى أمر الله .. سبحانه و تعالى عما يشركون

آثار تبری از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ پرستش خدا ، بیزاری از شرک ، پذیرش رسالت پیامبر (ص) و استغفار از گناهان ، مقدمه هایی لازم برای حرکت به سوی خدا و تقرب به درگاه او

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ .. و أن استغفروا ربكم ثم توبوا إليه

ظاهر این است که <توبوا إليه> عطف به همه جمله های سابق <أَلَّا تَعْبُدُوا..> ، <إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ ...> و <أَن اسْتَغْفِرُوا...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۷

۷ - اعتقاد راسخ حضرت ابراهیم (ع) ، به برخوردار شدن از هدایت الهی در پرتو برائت از شرک و بت پرستی

إِنِّي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ .. فَإِنَّهُ سَيَهْدِين

آثار ترک شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۸

۸ فرمان رفع حصر از مشرکان محاصره شده (آنان که به علت نقض فرمان منع رفت و آمد در غیر ماه های حرام محاصره می شدند) در صورت قبول اسلام و ترک شرک

و احصروهم .. فَإِنْ تَابُوا ... فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ

آثار تزئین شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۵

۱۵ خودفریبی مشرکان و آراسته دیدن پندار شرک ، آنان را از گرایش به توحید باز داشت .

و صدّوا عن السبيل

<صدّ> (مصدر صدّوا) به معنای بازگرداندن است. به نظر می‌رسد فاعل محذوف از <صدّوا> مکر و حيله که مایه شرکوری مشرکان شده است، باشد.

آثار تکبر رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۳

۳ - تکبر و خودبزرگ بینی ، منشأ مخالفت و ستیزه جویی سردمداران شرک با اسلام و پیامبر (ص)

و من الناس من یجدل فی الله بغير علم .. ثانی عطفه

آثار جاه طلبی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۴

۴ - رویارویی سران شرک با پیامبر اسلام (ص) ، برخاسته از حسادت و خوی جاه طلبی آنان بود .

أءنزل علیه الذکر من بیننا

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <بیننا> خود سران کفر و شرک باشد. بر این اساس اعتراض آنان به انتخاب پیامبر اسلام (ص) از میان آنها، می تواند ناشی از جاه طلبی و حسادت آنان به آن حضرت باشد.

آثار حسادت رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۴

۴ - رویارویی سران شرک با پیامبر اسلام (ص) ، برخاسته از حسادت و خوی جاه طلبی آنان بود .

أءنزل علیه الذکر من بیننا

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <بیننا> خود سران کفر و شرک باشد. بر این اساس اعتراض آنان به انتخاب پیامبر اسلام (ص) از میان آنها، می تواند ناشی از جاه طلبی و حسادت آنان به آن حضرت باشد.

آثار دشمنی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهیِ گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه

آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إِن هَذَا إِلَّا إِفْكٌ... و قالوا مالِ هذا الرسول... إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

<فاء> در <فضلوا> برای سببیت و در <فلايستطيعون> تفسیریه است؛ یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

آثار دعوت به اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ حقایق توحیدی قرآن و دعوت آن به یکتاپرستی و نفی شرک، عامل مخالفت برخی از یهود و نصارا با آن

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله

طرح مسأله توحید و یکتاپرستی پس از <من ینکر بعضه> گویای این است که از دلایل انکار قرآن از ناحیه برخی احزاب، اصرار قرآن بر توحید و نفی شرک است.

آثار دعوت به شرک ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱۱

۱۱ فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک، نشانه صداقت در پیروی از پیامبر (ص) است.

أدعوا إلى الله على بصيرة أنا و من اتبعنی

آثار ذکر فرجام شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۵

۵- توجه به تبدیل پیوند های شرک آلود به روابط خصمانه در آخرت، مایه پرهیز انسان از شرک

و إذا حشر الناس كانوا لهم أعداء

آیه شریفه، با تذکر دادن به عداوت اخروی معبودهای دروغین با عبادت گران خویش، درصدد دور نمودن انسان ها از شرک

و

روی آوری به غیر خدا است.

آثار شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۳ - ۶

۶ - گرایش انسان ها به شرک و پرستش غیر خدا ، از عوامل وادار کننده آنان به کتمان حقایق دینی و معارف کتاب های آسمانی است . *

إن الذین یکتُمون ما أنزلنا .. و إلهکم إله وحده لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲

۲ - غیر خدا را همتا و شریک خدا پنداشتن ، نشانه اندیشه نکردن در آیات الهی است .

لأیت لقوم یعقلون. و من الناس من یتخذ من دون الله أنداداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۲

۱۲ - شرکورزی ، محبت به سران شرک و پیروی از آنان ، عمل های حسرت آفرین و اندوهبار در سرای آخرت برای مشرکان پیرو

کذلک یریهم الله أعملهم حسرت علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۱۷

۱۷ - شرکورزی نشانه بی خردی است .

أو لو کان ءاباؤهم لایعقلون شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۷

۷ شرک به خدا ، از عوامل گرفتاری آدمی به دلهره و هراس

سنلقى فى قلوب الذين كفروا الرعب بما اشركوا بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۱

۱ شرک ، انحراف و لغزشی غیر قابل آمرزش

انّ الله لا

یغفر ان یشرک به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۲

۲ ایمان به جبت و طاغوت (کفر و شرک) موجب لعن خداوند

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۵

۳۵ قاتل ، معاف از پرداخت دیه مؤمن مقتول به قتل خطائی ، در صورت مشرک بودن اولیای وی

فان كان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اذا كان من اهل الشرك فتحریر رقبه مؤمنه فیما بینه و بین الله و لیس علیه دیه . . .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۲۱۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۵

۵ ماندن در سیطره مشرکان و کافران و ترک هجرت ، ظلم به نفس است .

انّ الذین توفّیهم الملائکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین فی ال

بنابر اینکه توییح ملائکه بر اصل هجرت نکردن باشد، نه اینکه ترک هجرت باعث عمل نکردن به تکالیف الهی می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۸

۸ روی آوری به مظاهر شرک زمینه ساز غفلت از یاد خدا و ترک نماز

انما الخمر و المیسر و الانصاب . . . و یصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوه

نیاوردن قید <فی الخمر و المیسر>

در جمله <و یصدکم...> به خلاف جمله <ان یوقع...>، می تواند اشاره به این باشد که منشأ ترک یاد خدا و برپایی نماز مخصوص شراب و قمار نیست بلکه برخاسته از گرایش به انصاف و ازلام (مظاهر شرک) نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵ - ۴،۵

۴ شرک و پذیرش ولایت غیر خدا، عصیان بر اوست.

أغیر الله أتخذ ولیا... و لا تکونن من المشرکین. قل إنی أخاف إن عصیت ربی

۵ شرک و پذیرش ولایت غیر خدا، موجب گرفتاری به عذاب شدید اخروی

أغیر الله أتخذ ولیا... و لا تکونن من المشرکین. قل إنی أخاف إن عصیت ربی عذاب ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ شرک به خدا، بزرگترین ظلم و مانع سعادت و رستگاری است.

و إنی بریء مما تشرکون... و من أظلم ممن افتری... إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۶

۶ شرک، مصداق کامل ناسپاسی به درگاه خداوند است.

لئن أنجنا من هذه لنتکونن من الشکرین. قل الله ینجیکم... ثم أنتم تشرکون

روشن است که مصداق ناسپاسی آدمی فراوان است. کاربرد جمله <ثم أنتم تشرکون> به جای <تکفرون> و یا <ما تشکرون> به این نکته اشعار دارد که شرک بارزترین مصداق ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۸

۸ شرک زمینه ساز نزول عذابهای

گوناگون و پیدایش جنگ و اختلاف در جامعه

ثم أنتم تشركون. قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ شرک و ارتداد، زمینه ساز حیرت و سرگردانی است.

و نرد علی .. کالذی استهوته الشیطن فی الأرض حیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۱۱

۱۱ توحید و شرک، ملاکی برای مرزبندی و طبقه بندی انسانها

إنی بریء مما تشرکون .. و ما أنا من المشرکین

با توجه به اینکه ابراهیم(ع) پس از بیان عقیده توحید و ابطال شرک صف خود را از مشرکان جدا می سازد و بر آن تأکید میورزد ملاکی برای طبقه بندی جوامع ارائه می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۳

۳ مشرکان سزاوار هراس از خداوند به سبب شریک پنداشتن برای او هستند.

و لاتخافون أنکم أشرکتهم بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۸ - ۱۰، ۷، ۶

۶ پیامبران و رهنوردان صراط مستقیم نیز اگر شرک بورزند، اعمال آنان تباه و فاسد می شود.

ذلک هدی الله یهدی .. و لو أشرکوا لحبط عنهم ما کانوا یعملون

۷ شرک به خداوند موجب تباه و فاسد گشتن اعمال آدمی می شود.

و لو أشركوا لحبط عنهم ما كانوا يعملون

۱۰ ارجمندی عمل و تداوم آن، مانع فساد و تباهی آن در صورت آمیختگی با شرک نیست.

ذلك هدى الله يهدى . . . و لو أشركوا لحبط عنهم ما

فاعل <أشركوا> انبیای الهی(ع) و هدایت شدگان به صراط مستقیم هستند. عنایت به این نکته و همچنین مفاد <كانوا يعملون>، که ماضی استمراری است، بر دو نکته یاد شده در برداشت فوق، یعنی <ارجمندی> و <تداوم>، گواه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱۹، ۶

۶ عقاید شرک آلود و جاهلانه موجب گرایش انسان به اعمال ناشایست و خلاف فطرت و وجدان است.

و كذلك زين .. قتل أولدهم شركاؤهم

۱۹ شریک پنداشتن برای خداوند افترا به اوست.

فذرهم و ما یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰ - ۳

۳ کفر و شرک مانع راهیابی به عالم برتر برای کسب رحمت‌های ویژه الهی است.

إن الذین کذبوا بآیتنا و استکبروا عنها لا تفتح لهم أبواب السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۴

۱۴ ترک پرستش خداوند و پندار شریک برای او، موجب گرفتار شدن به عذاب روز قیامت خواهد شد.

یقوم .. إنی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۹

۹ هود (ع) مردمش را در صورت مقامت بر شرک و پرستش نکردن خدای یگانه به عذاب الهی تهدید کرد.

فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۳، ۱

۱ خداوند ، قوم عاد را به سبب شرکورزی و انکار رسالت هود

به پلیدی گرفتار ساخت و بر آنان غضب کرد .

قال قد وقع عليكم من ربكم رجس و غضب

۳ شرکورزی و انکار رسالت انبیا ، موجب پلیدی انسان و روایی غضب خداوند بر اوست .

قد وقع عليكم من ربكم رجس و غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۸

۸ آلودگی بنی اسرائیل به شرک و گوساله پرستی ، از میان برنده زمینه ابلاغ تورات و تعلیم پیام ها و موعظه های آن

و ألقى الألواح

گویا هدف از بیان این بخش از داستان که موسی(ع) با مشاهده گوساله پرستی تورات را بر زمین افکند، این نکته باشد که موسی(ع) جامعه نابخرد خویش را شایسته تورات ندانست و زمینه تعالیم آن را بر باد رفته دید و لذا آن را بر زمین نهاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۸

۸ پرستش غیر خدا و گرایش های شرک آلود ، افترا بستن به خداوند است .

إن الذين اتخذوا العجل .. و كذلك نجزي المفترين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۶

۱۶ توحید مایه حیات آدمی و شرک ، موجب هلاکت واقعی وی

ليهلك من هلك عن بينه و يحيى من حي عن بينه

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از هلاکت در <ليهلك> و <هلك> کفر و ضلالت و مقصود از حیات در <يحيى> و <حي>، ایمان و هدایت باشد. کلمه <بینه> به دلیل تناسبش با ضلالت و هدایت این احتمال را تقویت می کند.

یعنی تا گمراهی کفرپیشگان از سر دلیل باشد و بر آنان اتمام حجت شده باشد و تا هدایت مؤمنان از روی برهان بوده و ایمانشان بر دلیلی روشن استوار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۹

۹ تهدید خداوند به مشرکان پیمان شکن صدر اسلام، به شکست خفت بار و خوارکننده در صورت تسلیم نشدن و پای فشردن بر شرک و کفر

و اعلموا أنکم غیر معجزی اللّٰه و أن اللّٰه مخزی الکفرین

<اخزاء> (مصدر مخزی) به معنای خوار و خفیف کردن است. به کارگیری اسم فاعل به جای فعل در جمله <و أن اللّٰه مخزی الکافرین> بیانگر سنت قطعی خداوند درباره شکست کفر و کفرپیشگان بوده و تهدیدی برای مشرکان پیمان شکن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱

۱ شرک، مایه پلیدی است و مشرکان مردمانی پلیدند.

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۳ - ۶

۶ شرک و دوزخی بودن، مانع تأثیر استغفار مؤمنان برای مشرکان و دوزخیان

ما كان للنبي و الذين ءامنوا أن يستغفروا للمشركين .. أنهم أصحاب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۲۱

۲۱ شرک و کفر، نشانه نادانی و بی خردی است.

و لكنى أريكم قومًا تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ شرکوزى و انکار رسالت

پیامبران ، نشانه بی خردی است .

يقوم اعبدوا الله .. أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۹،۱۰

۹ قوم عاد ، بر اثر شرک‌ورزی و ارتکاب گناه ، به کمبود باران مبتلا شده بودند .

ثم توبوا إليه يرسل السماء عليكم مدرارًا

نوید به نزول باران و فراوانی آن ، آن گاه می توانست مؤثر باشد و مردمان را به پذیرش تعالیم و دستورهای هود(ع) گرایش دهد که آنان از کمبود باران در زحمت باشند.

۱۰ شرک‌ورزی ، ارتکاب گناهان و مخالفت با پیامبران الهی ، از عوامل کمبود موهبت های دنیوی است .

استغفروا ربکم ثم توبوا إليه يرسل السماء عليكم مدرارًا و يزدکم قوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۸

۸ شرک‌ورزی و مخالفت با تعالیم و توصیه های پیامبران ، از عوامل مهم نابودی جامعه ها و تحولات تاریخ و دگرگونی های آن است .

فإن تولّوا .. يستخلف ربی قومًا غیر کم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۵ - ۳

۳ شرک‌ورزی ، ستمگری ، کم فروشی و بی عدالتی در مبادلات ، عامل های دوری از رحمت خدا و زمینه ساز هلاکت است .

و إلى مدین أخاهم شعیبًا .. ألا بُعدًا لمدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۵

۵ اقوام هلاک شده گذشته: قوم نوح، عادیان، ثمودیان، قوم شعیب و لوط و فرعونیان، با شرک‌ورزی و انکارِ رسالت پیامبران،

بر خویش ستم کردند .

و ما ظلمنهم و لكن ظلموا أنفسهم

مراد از ضمیر <هم> و مانند آن در آیه مورد بحث ، اقوامی است که سرگذشت آنان در سوره هود بیان شده است؛ یعنی: قوم نوح ، عادو . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۳

۳ عذاب های الهی آن گاه بر شهرها و آبادی ها فرو می ریزد که عموم افرادش ستم پیشه بوده و آثار کفر و شرک در همه جا مشهود باشد .

و كذلك أخذ ربك إذا أخذ القرى و هی ظلمه

نسبت دادن ظلم به آبادیها (و هی ظالمه) نسبتی مجازی است و هدف از آن رساندن این معناست که: همه و یا اکثر قریب به اتفاق اهل آن آبادیها ، ستمکار بودند؛ به گونه ای که گویا ستم کاری در هر کوی و برزن نمایان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۴

۴ شرک و پرستش غیر خدا ، ظلم و درپی دارنده آتش دوزخ است .

و لا تتركوا إلى الذين ظلموا فتمسكم النار

از مصداقهای مورد نظر برای ظلم به قرینه آیات پیشین شرکورزی و پرستش غیر خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۹

۱۹ شریک پنداشتن برای خدا ، به منزله انکار اوست .

إني تركت مله قوم لا يؤمنون بالله

با توجه به آیه بعد که در آن مسأله شرک به خدا مطرح شده است ، می توان گفت: یوسف(ع) از آن رو مصریان عصرش را

که برای او شریک می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۵،۲۵

۱۵ شرک و کفر، از موانع دستیابی به علوم موهبتی و خدادادی است .

ذلکما مما علمنی ربی انی ترکت مله قوم لایؤمنون بالله .. ما کان لنا ان نشرک بال

۲۵ شرک ورزی، ناسپاسی در برابر خداست .

و لکن اکثر الناس لایشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۱

۱- شرک به خدا، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست .

الم تر إلی الذین بدلوا نعمت الله کفرًا .. و جعلوا لله أندادًا

جمله < و جعلوا لله أندادًا > عطف بر جمله < بدلوا نعمت الله .. > است و می تواند بیان و تفسیر برای چگونگی تبدیل نعمت الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۶

۶- شرک و بت پرستی، مظهر گمراهی و انحراف از مسیر حق و حقیقت است .

و اجنبنی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إنهنّ أضللنّ کثیرًا من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۲،۶

۲- مشرکان، به خاطر عقیده شرک آلود خود، در قیامت مورد بازخواست قرار خواهند گرفت .

ثمَّ يومَ القيمه . . . و يقول أين شركاءى

۶- خصومت مشركان با يكتاپرستان به خاطر اعتقاد شرك آلودشان ، جريانى مستمر بوده است .

أين شركاءى الذين كنتم تشقون فيهم

تركيب فعل <كنتم> و <تشقون> مفيد ماضى استمرارى و مشعر به معنای یاد شده است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۶

۶- شرک ، زمینه ساز سلطه و سیطره شیطان بر انسان

إنما سلطنه علی .. الذین هم به مشرکون

برداشت فوق، بر این اساس است که ضمیر <به> به <الله> برگردد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: و نیز سلطه شیطان بر کسانی است که به خدا شرک میورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۳ - ۴

۴- هرگونه شرک ، مستلزم تنقیص و کوچک شمردن مقام رفیع خداوندی است .

قل لو کان معه ءالهه .. سبحنه و تعلی عما یقولون علواً کبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۹

۹- پذیرش اجباری شرک در صورتی که مقدمات آن اختیاری باشد سدّ راه رستگاری است .

أو یعیدوکم فی ملّتهم و لن تفلحوا إذا أبداً

روشن است که انسان می تواند در صورت اضطرار تظاهر به شرک کند، ولی اصحاب کهف، آن را مجوّز شرک‌ورزی نمی دیدند؛ زیرا، آنان، از اضطراری سخن می گفتند که ممکن بود در نتیجه بی احتیاطی افرادشان حاصل شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۶

۶- شرک و دنیاپرستی و مغرور شدن به مال و فرزند ، گناه و مایه دلهره و وحشت در آخرت است .

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

آیات گذشته، در باره دنیاپرستی و شرک بود، لذا مصداق مورد نظر از <مجرمین> همان مشرکان سرمست به مواهب دنیوی

اند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۴

۴- شرک ، جرم و گناه است و آتش دوزخ را در پی دارد .

نادوا شرکاءى . . . و رءا المجرمون النار فظنوا أنهم مواقعوها

مصدق بارز جرم، در این آیه، به قرینه آیه قبل، شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۶

۶- شرک‌ورزی و پرستش معبود های باطل ، گناهی بزرگ و موجب دوزخی شدن است .

و نسوق المجرمین إلی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۴ - ۸

۸- شرک و بت پرستی ، مصداقی آشکار از خود بیگانگی انسان است .

ء أنت فعلت هذا بالهتنا . . . فرجعوا إلی أنفسهم فقالوا إنکم أنتم الظلمون

از این که بت پرستان پس از به خود آمدن و متنبه شدن به بطلان شرک پی برده بودند، می توان استفاده کرد که بت پرستان انسان های از خود بیگانه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۱ - ۶

۶ - شرک ورزیدن به خدای یگانه ، فرو افتادن از اوج کمالات انسانی و تبدیل شدن به طعمه شیطان و گرفتار گشتن در دام او است .

و من یشرک باللّه فکأنما خرّ من السماء فتخطفه الطیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- توحید و شرک (خدا پرستی و بت پرستی) ، مبنای داوری خدا و تعیین کیفر و پاداش در روز رستاخیز

اللّٰه یحکم .. فیما

کنتم فيه تختلفون

با توجه به عبارت پیشین <ما> در <فیما کنتم> به معنای <الذی> است که به مسأله توحید و شرک که محور اختلاف میان موحدان و مشرکان تاریخ بوده است اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ - پیامد شرک‌ورزی ، گرفتار شدن به قهر الهی است .

ما لکم من إله غیره أفلا تتقون

متعلق <أفلا تتقون> حذف شده است؛ یعنی: <أفلا تتقون أن یعذبکم الله؟ آیا از عذاب قهر خدا نمی ترسید؟>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۹

۹ - عذاب قهر الهی ، پیامد شرک‌ورزی و انحراف از توحید است .

ان اعبدوا الله .. أفلا تتقون

<إتقاء> (مصدر <تقون>) به معنای ترسیدن است. متعلق <تقون> حذف شده و تقدیر چنین است: <أفلا تتقون أن یعذبکم الله؟ آیا نمی ترسید که خدا شما را عذاب نماید؟>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۲ - ۳

۳ - شرک ، مستلزم ناقص شمردن ذات کامل حق و نسبت دادن جهل و ناآگاهی به ساحت او

سبحن الله عما یصفون . علم الغیب و الشهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ هواپرستی و شرک ، موجب سقوط انسان از منزلت انسانی خویش

أرءيت من اتخذ إلهه هويه .. إن هم إلا كالأنعم بل هم أضلّ سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۸ - ۱۰۳

۱ - غير خدا را همتای او

شمردن ، گمراهی بس آشکار است .

إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ . إِذْ نَسُوْكُمْ رَبِّ الْعَلَمِيْنَ

خطاب در <نَسُوْكُمْ> متوجه معبودهای اهل شرک است. <تسویه> (مصدر <نَسُوْی>) به معنای برابر کردن و همتا قرار دادن است.

۳- شرک ، عمده ترین گناه دوزخیان و ریشه همه تباهی ها

إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ . إِذْ نَسُوْكُمْ رَبِّ الْعَلَمِيْنَ

از این که دوزخیان گمراه، از میان همه تبه کاری های خود، تنها به گناه شرکشان پرداخته اند، احتمالاً بدین منظور باشد که شرک را بزرگ ترین خطای خود شمرد و یا منشأ سایر خطاها دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۰ - ۱

۱ - شرک به خدا ، مایه محرومیت از شفاعت شفیعان در قیامت

إِذْ نَسُوْكُمْ رَبِّ الْعَلَمِيْنَ . . . فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۶

۶ - هشدار روشن و بی ابهام نوح (ع) به قومش ، نسبت به خطر <عذاب استیصال> در صورت پافشاری آنان بر شرک و مبارزه با توحید

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که نوح(ع) در راستای اتمام حجت با قومش، از پیش آنان را به نزول عذاب استیصال هشدار داده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۳ - ۳،۶

۳- ابتلای به شرک ، خطری جدی در مسیر عقیده و عمل انسان

فلاتدع مع الله إلهاء آخر

نهی الهی آن هم در ظاهر خطاب به پیامبر(ص) نشانگر آن است که اصولاً انسان

در معرض چنین خطری قرار دارد زیرا وقتی آن حضرت مورد هشدار قرار گیرد، تکلیف دیگران روشن است.

۶- شرک به خدا در اعتقاد و عمل، در پی دارنده عذاب

فلاتدع مع الله إلهًا آخر فتكون من المعدبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۱

۱۱- شرک و پیمودن راه باطل، ستم بر خویش است.

وجدتها و قومها يسجدون للشمس .. قالت ربّ إني ظلمت نفسي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۳ - ۹

۹- شریک قرار دادن برای خدا، کوچک شمردن جایگاه والا و یگانه او است.

تعلی الله عمّا يشركون

تعبیر <تعالی الله> نشان می دهد که اندیشه شرک، مایه تنقیص خدای یکتا بوده و اصولاً برخاسته از ناآگاهی به منزلت والای او و مستلزم کوچک شمردن جایگاه یگانه او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۹

۹- شرک، مستلزم ناسپاسی انسان در برابر خالق و یگانه روزی دهنده خویش

أمن يبدؤا الخلق .. و من يرزقكم ... أءله مع الله

لحن آمیخته با تویخ <أءله مع الله> نشان دهنده آن است که مشرکان با شرک خویش، کفران خدایی کرده اند که خالق و یگانه روزی دهنده آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - شرکوری ، نشانه کری و حق ناشنوی است .

قل أرءیتم .. أفلاتسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص

۱۶ - شرک‌ورزی ، نشانه بی بصیرتی است .

أفلاتبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۱

۱ - کفران نعمت های خداوند و بهره گیری از امکانات دنیوی ، حاصل و عاقبت شرک مشرکان است .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم و لیتمتعوا

<لام> در <لیفکروا> احتمال دارد برای تعلیل و به معنای <کی> و احتمال دارد برای امر باشد. برداشت بالا، بنا بر احتمال نخست است. گفتمنی است که مراد از <یکفرون> در آیه، به قرینه <بما آتیناهم> کفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۱۹

۱۹ - شریک قرار دادن موجودات مخلوق برای خداوند ، با بی همتایی او و داشتن عالی ترین صفات ، ناسازگار است .

و له المثل الأعلى . . . ضرب لکم مثلاً ... هل لکم من ما ملکت أیمنکم من شرکاء ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۱ - ۳

۳ - رویکرد به شرک ، با سرشت و فطرت انسان ها ، ناسازگار است .

فطرت الله الّتی فطر الناس علیها . . . و لاتکونوا من المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۲ - ۲

۲ - شرک ، نابود کننده مایه های قوام وحدت اجتماعی است .

المشركين . من الذين فرّقوا دينهم و كانوا شيّعاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۱

۱ - پيدایش روحیه کفران و ناسپاسی در برابر

نعمت های الهی ، پیامد شرک است .

یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

لام در <لیکفروا> لام عاقبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۳

۳ - شرک ، فساد آفرین و عامل تباهی کره زمین است .

سبحنه و تعلی عما یشرکون . ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت أیدی الناس

ممکن است مراد از <ما کسبت ..> شرکی باشد که در آیه قبل، از آن سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۹

۹ - شرک و کفر به خدا ، مؤاخذه و کیفر اخروی در پی دارد .

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم .. و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۴ - ۲، ۱

۱ - مؤمن انطاکیه به مردم اعلان کرد : شرک و پرستش غیر خدا ، گمراهی آشکاری است .

ءأتخذ من دونه ءالهه .. إني إذا لفي ضلل مبين

<إذا> در آیه شریفه برای جواب و جزای مقدر است و تقدیر آن چنین می باشد: <إن أتخذت من دون الله ءالهه أکن فی

ضلال مبين> یعنی، اگر من به جز خدا معبود دیگری بگیرم، در گمراهی آشکاری به سر خواهم برد.

۲ - شرک و پرستش غیر خدا ، گمراهی آشکاری است .

إني إذا لفي ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۴ - ۲

۲ - شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های الهی است

أفلا يشكرون . و اتخذوا من دون الله ءالهه

از ارتباط میان آیه قبل که از ناسپاسی انسان سخن به میان آورده است و آیه شریفه، برداشت یاد شده به دست می آید؛ یعنی، شرک و بت پرستی در واقع نوعی ناسپاسی به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۸ - ۲

۲ - شرک به خدا، تکذیب رسالت پیامبران و استکبار در برابر حق، موجب عذاب دردناک اخروی

و إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون . . . إنكم لذائقوا العذاب الأليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۴

۴ - شرک، نوعی از بیماری های قلبی است .

إذ جاء ربّه بقلب سليم . إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۵

۵ - کفر و شرک، ظلم به خویشان است .

و من ذرّيتهما محسن و ظالم لنفسه

تعبیر <ظالم به نفس> درباره کافران و مشرکان، رساننده مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۲

۲ - آیین شرک و بت پرستی، تنها در انسان های بدطینت و حق گریز زمینه تأثیر و نفوذ دارد .

ما أنتم عليه بفتنين . إلا من هو صال الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۲

۲۲ - شرک به خدا و اطاعت از غیر او ، کفران نعمت

خدا و ناسپاسی او است .

و الذین اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ .. . إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَذِبٌ كَفَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۳

۳ - کفر و شرک ، کفران نعمت های الهی است .

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مقصود از کفر در <إِنْ تَكْفُرُوا> به قرینه مقابله با <إِنْ تَشْكُرُوا..> کفران نعمت و ناسپاسی است. بنابراین یاد کردن خداوند از کافران و مشرکان به ناسپاسان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۱

۲۱ - شرک و ناسپاسی خدا ، موجب گرفتاری به آتش جهنم

قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۴

۴ - آیین شرک و عبادت غیرخدا ، مایه خسارت و از کف دادن سرمایه عمر آدمی و محرومیت از بهره های بایسته از خانواده در عرصه قیامت

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۵ - ۲

۲ - نفوذ آیین شرک در قلب و جان مشرکان صدراسلام و حساسیت شدید آنان نسبت به آیین یکتاپرستی

و إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ

از تنفر و انزجار قلبی مشرکان به صرف یاد کردن نام خداوند، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۴ - ۴

۴ - شرک و عبادت غیر خدا، نشانه جهل و نادانی نسبت به حقیقت الوهیت است.

اللّٰه خلق کلّ شیء .. له مقالید السموت ... أفغیر اللّٰه تأمرؤنی أعبد أیها ال

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <جاهلون> متعدی باشد و متعلق جهل، حقایقی باشد درباره خداوند که در آیات پیشین از آن یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۵

۵ - شرک، باعث حبط عمل خوب (بی اثر شدن و به هدر رفتن تلاش های پسندیده) می شود.

لئن أشرکت لیحبطنّ عملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۶ - ۶

۶ - شرک و عبادت غیر خدا، ناسپاسی پروردگار است.

بل اللّٰه فاعبد و کن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۱،۴

۱ - کفر و گرایش به شرک، سبب پذیرفته نشدن عذرخواهی و درخواست کافران و مشرکان برای رهایی خویش از عذاب الهی

ذلکم بأنّه إذا دعی اللّٰه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

<ذلکم> اشاره به مطلب گذشته (عذاب شدن) دارد؛ یعنی، <ذلکم الذی أنتم فیه من العذاب>. گفتنی است که <باء> در <بأنّه> برای سببیت می باشد.

۴ - گرایش به شرک ، پس از آگاهی از یگانگی خداوند ، موجب عذاب گریزناپذیر در قیامت است .

فهل إلى خروج من سبيل . ذلكم بأنه إذا دعى الله وحده كفرتم و إن يشرك به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۱۶

۱۶ - آیین شرک ، سازگار با حکومت استبدادی و ستم پیشه فرعون و آیین توحیدی ، در تضاد با چنین حکومتی

و لیدع ربّه .. أن یبدل دینکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که حکومت فرعون در زمان حاکمیت آیین شرک قرار داشت و او با آیین توحیدی موسی(ع) به مبارزه برخاسته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۲

۲ - کفر به خدا و شریک قرار دادن برای او ، عامل دوزخی شدن انسان

تدعوننی إلى النار . تدعوننی لأکفر بالله و أشرك به

جمله <تدعوننی لأکفر بالله..> بیان برای جمله <تدعوننی إلى النار> در آیه پیش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۶

۶ - تکذیب پیامبران ، مجادله در آیات الهی و شرکوری ، نمودهایی از اضلال خداوند است .

الذین یجدلون فی ءایت .. الذین کذبوا بالکتب و بما أرسلنا به ... کذلک یضلّ ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۲ - ۹،۱۰

۹ - نابودی بسیاری از اقوام نیرومند و دارای تمدن و آثار ملی ، در گذشته تاریخ به خاطر کفر و شرکشان

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

جمله <فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون> (ولی آنچه به دست می آورند، به حالشان سودی نبخشید)، به نزول عذاب گریز ناپذیر و سود نبخشیدن تلاش های کافران محکوم به عذاب اشاره دارد. گفتنی است

چون این آیه درباره کافران و مشرکان می باشد، می توان استفاده کرد که سبب محکومیت آنان به عذاب، همان کفر و شرک آنان بود.

۱۰ - شرک و کفر ، زمینه ساز عذاب الهی و نابود شدن تمدن ها ، قدرت ها و آثار ملی

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۵

۵ - کفر و شرک به خدا ، مایه خسارت و از کف دادن سرمایه ها ، توانمندی ها و تمدن ها است .

كانوا أكثر منهم و أشدّ قوه و اثارًا فی الأرض .. کنا به مشرکین ... و خسر هنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۸

۸ - شرک ، در بردارنده کفر و مستلزم انکار ربوبیت یگانه خداوند

و ویل للمشرکین .. قل ائنکم لتکفرون ... و تجعلون له اندادًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۴

۴ - شرک ، گناهی بس بزرگ و موجب محرومیت از رحمت الهی در قیامت

و لكن یدخل من یشاء فی رحمته والظلمون .. أم اتخذوا من دونه أولیاء

از آیه قبل استفاده می شود که ظالمان از رحمت الهی به دوراند (یدخل من یشاء فی رحمته و الظالمون ما لهم ..) و از آن جا که شرک مصداق بارز ظلم به شمار می آید، می توان مطلب بالا را برداشت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - شرک ،

نمودی از کفر و ناسپاسی انسان ، در برابر خالق یگانه هستی است .

و جعلوا له من عباده جزءاً إنَّ الإنسن لکفور مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۵ - ۷

۷ - نافرمانی در برابر دعوت پیامبران و روی آوری به شرک ، ظلم آدمی به خویشتن

فأتقوا الله و أطيعون .. فاعبدوه ... فویل للذین ظلموا من عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۶

۶ - گام نهادن آدمی در وادی کفر ، شرک و گناه ، در حقیقت ظلم آدمی به خویشتن است .

إنَّ المجرمین .. و ما ظلمنهم و لکن كانوا هم الظلمین

به کار رفتن واژه <ظالم> به جای <مجرم>، حاکی از آن است که جرم و گناه بیان شده در آیات پیشین، همان ظلم و ستم آدمی به خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۲

۲- پیوند های باطل و شرک آلود دنیوی ، مایه عناد و ستیز در صحنه قیامت *

یدعوا من دون الله .. و إذا حشر الناس كانوا لهم أعداء

موجوداتی را که انسان در دنیا به غلط تکریم نموده و با آنان پیوند عبودیت و پرستش برقرار کرده؛ در قیامت این پیوند به خصومت منتهی خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۴،۳

۳ - نفاق و شرک و بدگمانی به خداوند ، مایه ابتلا به عذاب الهی

و يعذب المنفقين . . . و المشركين ... الظانين

بِاللَّهِ ظَنَّ السُّوءَ

وصف نفاق، شرک و ظن سوء به خداوند، مشعر به علیت است.

۴ - تساوی مردان و زنان ، در ابتلا به نتایج نفاق و شرک خویش

و یعدّب المنفقین و المنفقت و المشرکین و المشرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱

۱ - تاریخ ، شاهد نابودی بسیاری از ملت های توان مند ، به خاطر کفر و شرک آنان

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً

<قرن> به معنای امت و گروهی از مردم است که در یک زمان قرار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۵

۵ - آیین شرک ، حافظ منافع صاحبان زر و زور بوده و آیین توحیدی ناسازگار با آن است .

و قالوا لاتذرنا الهتکم و لاتذرنا وداً .. و نسرّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۲

۲ - شرک و بت پرستی و دوری از رهنمود های پیامبران الهی ، گمراهی است .

و قالوا لاتذرنا الهتکم .. و قد أضلوا کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۵ - ۲

۲ - شرک و بت پرستی ، زمینه ساز انواع گوناگون خطاها و گناهان است .

مَمَّا خَطِيئَتِهِمْ أُغْرِقُوا

از این که در آیه شریفه، خطاها و گناهان قوم نوح، عامل هلاکت آنان دانسته شد با آن که آنان بت پرست و مشرک بودند می تواند نشانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۸

۸ - عقیده به شریک داشتن خدا، در تضاد با ایمان به قرآن

فامنا به ولن نشرك برّنا أحدًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جنیان پس از درک هدایت گری قرآن، دو نکته را با هم بر این درک تفریع کردند: ۱ ایمان به قرآن، ۲ شریک نگرفتن برای خدا.

آثار شرک آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱۳

۱۳ عدم تأثیر استغفار ابراهیم (ع) برای پدرش به خاطر اصرار وی بر شرک

فلما تبين له أنه عدو لله تبرأ منه

آثار شرک افعالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۱

۱۱ کفر به یگانگی خداوند در آفرینش، زمینه پندار شرک در ربوبیت و تدبیر عالم هستی

الحمد لله الذی خلق السموت و الأرض .. ثم الذین کفروا بربههم یعدلون

بنابراینکه <بربههم> متعلق به <یعدلون> باشد. در این صورت <یعدلون> از ماده <عدل> به معنای همسان دانستن است و <کفروا>، با توجه به صدر آیه، به معنی کفر به توحید در خلق است.

آثار شرک اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۳ - ۷

۷- شرک و رزی ، از عوامل هلاکت امت های پیشین

فتکون من المعدّین

<ال> در <المعدّین> اشاره به اقوام هلاک شده ای دارد که سرگذشت آنان در آیات پیشین به تفصیل بیان شده است.

آثار شرک حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف یعلمون

آثار شرک ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۰ - ۴

۴ - شرک در ربوبیت خداوند ، عامل نابودی قوم عاد *

و أنه هو ربّ الشعری . و أنه أهلك عادًا الأولى

بیان هلاکت قوم عاد در پی تأکید بر ربوبیت یگانه خدا می تواند بیانگر این معنا باشد که شرک در ربوبیت، ریشه ظلم و طغیان قوم عاد و هلاکت آنان، بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۱ - ۴

۴ - شرک در ربوبیت خداوند ، عامل نابودی قوم ثمود *

و أنه هو ربّ الشعری . . و ثموداً فما أبقى

بیان هلاکت قوم ثمود در پی تأکید بر ربوبیت یگانه خدا می تواند بیانگر این معنا باشد که شرک در ربوبیت، ریشه ظلم و طغیان قوم ثمود و هلاکت آنان بوده است.

آثار شرک ستیزی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۱ - ۳،۵

۳- نقش عمده روحیه گوش به فرمان خدا بودن ، حق گرایی ، دوری از شرک و شکرگزاری حضرت ابراهیم (ع) ، در

گزینش وی از سوی خدا

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَّ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ . شَاكِرًا لِلنَّعْمَةِ اجْتَبَاهُ

خداوند، پس از بیان چهار صفت اکتسابی برای حضرت ابراهیم(ع)، مسأله انتخاب و برگزیده بودن او را مطرح ساخت. از

ارتباط میان این دو کلام، استفاده می شود که کسب اوصاف معنوی و فضایل اخلاقی، در گزینش حضرت ابراهیم(ع) تأثیر مهمی داشته است.

۵- نقش عمده روحیه تسلیم در برابر خدا، حق گرایی، دوری از شرک و شکرگزاری حضرت ابراهیم(ع) در هدایت شدنش به < صراط مستقیم >

إن إبراهيم كان أمه قانتاً لله حنيفاً ولم يك من المشركين . شاكراً لأنعمه اجته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۳

۳- نقش عمده روحیه تسلیم در برابر خدا، حق گرایی، دوری از شرک و شکرگزاری حضرت ابراهیم(ع)، در برخورداری او از نیکی ها و نعمت های الهی در دنیا و منزلت والا در آخرت

إن إبراهيم كان أمه قانتاً لله . .. وءاتينه في الدنيا حسنه و إنه في الآخرة لمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۵۵ - ۲

۲- دعوت حضرت ابراهیم(ع) به توحید و ردّ اندیشه شرک و بت پرستی، موجب تردید مردم بت پرست در عقیده خود شد

ما هذه التماثيل . . . أنتم وءاباؤكم في ضلل مبين . قالوا أجنثنا بالحق أم أنت م

آثار شرک ستیزی مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۵ - ۲

۲ - مؤمن آل فرعون، پس از اعلان مواضع اعتقادی خویش و مبارزه با عقیده شرک آلود، با انواع مکرها و نقشه های شوم فرعونیان روبه رو شد.

فوقیه الله

جمع آمدن <سینات> نشانگر تعدد و گوناگونی مکرهای فرعونیان است.

آثار شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۶ - ۷

۷ شرک و پرستش هر معبودی جز خداوند، گمراهی است.

إني نهيت أن أعبد الذين .. قد ضللت إذأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۷

۷ شرکوری و پرستش غیر خدا، کرداری ناشایسته و مایه محرومیت از ولایت و حمایت های خداوند است .

و هو يتولى الصلحين

مصدق مورد نظر برای صلاح و صالحان، به قرینه آیات گذشته، توحید و مؤمنان موحد است و در مقابل آن شرک و مشرکان خواهد بود. بنابراین مفهوم جمله <و هو ...> عدم حمایت خداوند از مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۴

۱۴ پرستش غیر خدا و شرک در عبادت، عذاب روز قیامت را در پی دارد .

ألا تعبدوا إلا الله .. و إن تولّوا فإني أخاف عليكم عذاب يوم كبير

<تولّوا> فعل مضارع و در اصل <تتولّوا> بوده است. <تولّی> به معنای اعراض کردن است و متعلق آن از دستورات پیشین استفاده می شود. بنابراین <إن تولّوا...> یعنی: اگر از توحید در عبادت و... اعراض کنید....

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲۳

۲۳ پرستش غیر خدا، شرک در عبادت و ظلم و اجحاف در مبادلات، در پی دارنده عذاب قیامت است.

اعبدوا الله .. و لاتنقصوا المکیال...إنی

أخاف عليكم عذاب يوم محيط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۱ - ۷

۷- کفر ورزی و پرستش غیر خدا ، سقوط از اوج هدایت ، نور و روشنایی ، به حسیض ضلالت ، ظلمت و تاریکی است .

و من یشرک باللّه .. أو تهوی به الريح فی مکان سحیق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۲ - ۸

۸- رهبانیت و زهدورزی های بی جا ، ارتکاب اعمال ناشایست و شرک ورزی در عبادت ، انحراف از طریقه پیامبران

يَأْتِيهَا الرِّسْلُ كُلُّوَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ .. وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّهُ وَحَدَهُ وَاَنَا رَبُّكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱۹

۱۹- شرک و پرستش غیر خدا ، در پی دارنده عذاب سخت الهی

الْأَتَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

از ارتباط <الأتعبدوا..> با <إني أخاف عليكم...>، مطلب یاد شده استفاده می شود.

آثار شرک قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۲

۲ خداوند ، در پی اصرار قوم ثمود بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) ، عذابی سخت بر آنان نازل کرد .

فلما جاء أمرنا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم ثمود است. اضافه آن به ضمیر <نا> حاکی از بزرگی آن عذاب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۱ - ۴

۴ - شرک در ربوبیت خداوند ، عامل

نابودی قوم ثمود *

و أنه هو ربّ الشعری . . . و ثموداً فما أبقى

بیان هلاکت قوم ثمود در پی تأکید بر ربوبیت یگانه خدا می تواند بیانگر این معنا باشد که شرک در ربوبیت، ریشه ظلم و طغیان قوم ثمود و هلاکت آنان بوده است.

آثار شرک قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۱،۲،۷

۱ - محیط و عادت های شرک آلود ، مانع هدایت بلقیس به راه راست و یکتاپرستی در گذشته عمر وی

و صدّها ما کانت . . . إنّها کانت من قوم کفرین

<صَيِّدٌ> (مصدر <صَيَّدَ>) به معنای منع و بازداشتن است. متعلق <صَيِّدٌ> محذوف و به تقدیر <صدّها عن السبیل> می باشد. برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه یاد شده ناظر به پاسخ این پرسش باشد که بلقیس چرا پیش از این ماجرا (ماجرای میان او و سلیمان(ع)) با فراستی که داشت، از راه راست منحرف شده بود.

۲ - تعلق بلقیس به جامعه شرک و کفر ، مانع پیوستن رسمی وی به آیین توحیدی سلیمان (ع) با وجود اذعان قلبی

و أوتینا العلم من قبلها و کنا مسلمین . و صدّها... إنّها کانت من قوم کفرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه مذکور در مقام توضیح این نکته باشد که چرا بلقیس علی رغم علم و اذعان قلبی خود، پیش از این رسماً تسلیم سلیمان(ع) نشده و به یکتاپرستی نگروده بود.

۷ - قوم سبا ، دارای پیشینه شرک و کفر

إنّها کانت من قوم کفرین

آثار شرک قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۸

۸ - گرفتار شدن قوم نوح به سیلی عظیم و در نتیجه به هلاکت رسیدن ، پیامد مداومت آنان به شرک و قبول نکردن دعوت نوح بود .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه .. فأخذهم الطوفان و هم ظلمون

به قرینه مقام، مراد از ظلمی که به قوم نوح نسبت داده شده است، ممکن است ظلم اصطلاحی نباشد و بلکه شرک و مداومت بر آن باشد.

آثار شرک نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۴

۴ شرکوری پدران زمینه ساز گرایش فرزندان به شرک است .

إنما أشرك ءاباؤنا من قبل و كنا ذریه من بعدهم

آثار شرک والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۵

۵ - شرک پدر و مادر و انحراف آنها از ادیان الهی ، مجوز کشتن فرزندان آنان نیست .

و إذا الموءودة سئلت . بأی ذنب قتلت

آیه شریفه ناظر به رفتاری است که برخی از مشرکان عصر بعثت با دختران خود داشتند. محکومیت این رفتار، حاکی از مصونیت جان فرزندان آنان است.

آثار شک رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - مخالفت سران کفر و شرک با پیامبر اسلام ، به خاطر شک و تردید آنان در اصل نزول وحی و الهی بودن قرآن بود ؛ نه در شایستگی پیامبر (ص) برای رسالت .

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي

<بل> در جمله <بل هم فی

شکّ من ذکری > برای اضراب می باشد. بر این اساس مقصود از آیه شریفه این است که مخالفت سران کفر و شرک با رسول خدا، ناشی از شک و تردید آنان در درستی قرآن است و بحث از شایستگی آن حضرت برای رسالت، معلول چنین تردیدی می باشد.

آثار شومی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۷

۷ - بیم دادن خداوند به بندگانش ، درباره پیامد شوم کفر و شرک و گرفتار شدن به آتش دوزخ

لهم من فوقهم ظلل من النار . . . ذلک یخوّف اللّٰه به عبادہ

آثار گمراهی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۵

۵ - پیشوایان شرک در عرصه قیامت ، گمراهی خود را ، عامل انحراف دیگران معرفی خواهند کرد .

فأغوینکم إنّنا کنا غوین

برداشت یاد شده به خاطر تعلیل بودن جمله <إنّا کنا غوین> برای جمله پیشین (فأغویناکم) است.

آدم(ع) و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۴

۴ آدم (ع) و حوا با مؤثر پنداشتن غیر خدا در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان ، به شرک گراییدند .

فلما ءاتیهما صلحاً جعلاً له شرکاء فیما ءاتیهما

برخی از مفسران به دلیل جمله <جعلاً له شرکاء> (برای او شریک قرار دادند) بر این نظر هستند که مراد از نفس واحده و همسرش، آدم(ع) و حوا نیستند ؛ زیرا آنان منزّه از شرکورزی می باشند، بلکه مراد مطلق پدران و مادران می باشند. برخی

که مراد از شرک در اینجا توجه به اسباب و علل طبیعی است، به گونه ای که با اخلاص کامل تنافی داشته ولی با اصل توحید ناسازگار نبوده و نسبت این معنا به آدم(ع) اشکالی ندارد.

آمزش شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۱۳، ۷، ۵، ۱

۱ شرک ، انحراف و لغزشی غیر قابل آمزش

ان الله لا یغفر ان یشرک به

۵ هر گناهی کوچکتر از شرک قابل آمزش و مغفرت

و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء

کلمه <دون> به معنای کمتر و پایینتر است.

۷ گناهایی که در حد شرک باشد ، قابل آمزش نیست .

و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء

برداشت فوق با توجه به معنای کلمه <دون> (کمتر و پایینتر) استفاده شده است.

۱۳ تمامی گناهان ، حتی گناهان کبیره بجز شرک قابل آمزش و بخشش

و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود ک الکبیر فما سواها

مقصود از قابل آمزش بودن همه گناهان بجز شرک بخشش بدون توبه است ؛ زیرا مشرک هم اگر از شرک توبه کند، بخشیده می شود.

کافی، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۱۸ ؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۲۸۳، ۲۸۴، و ص ۴۸۸، ح ۲۹۰ ؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱، ۲، ۷ ؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۶، ح ۳۶، ب ۱۷۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۰ - ۲

۲ خداوند ، آمرزنده گناه شرک و غیر شرک ،

در صورت استغفار و توبه

و من يعمل سوءاً او يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفوراً رحيماً

گفته شده مقصود از ظلم در <يظلم نفسه>، شرک است و مقصود از <سوء>، گناهای غیر از شرک.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۹

۹ شرک، گناهی نابخشودنی است.

ما كان للمشركين .. أولئك حبّطت أعمالهم و في النار هم خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۰ - ۴

۴ ایمان به یکتایی خدا، پرستش او و آمرزش گناهان (شرک‌ورزی، فساد و بی‌عدالتی در مبادلات) مقدمه‌هایی لازم برای حرکت به سوی خدا و تقرب به درگاه اوست.

واستغفروا ربکم ثم توبوا إلیه

برداشت فوق، با توجه به حرف <ثم> که جمله <توبوا إلیه> را بر <استغفروا ربکم> عطف کرده است استفاده می‌شود. گفتنی است متعلق استغفار به قرینه آیات پیشین، گناه شرک‌ورزی و بی‌عدالتی در مبادلات اقتصادی و نیز فسادگری و مخالفت با پیامبران الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۹

۹- ابراهیم (ع)، شرک برخی از مشرکان را قابل بخشش می‌دانست.

سأستغفر لک ربّی

آمرزش گناه شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ ارتداد (مشرک شدن پس از توحید و کفرورزی پس از ایمان) گناهی قابل بخشش است .

و الذين عملوا السيئات .. إن ربك من بعدها لغفور رحيم

ابراهیم(ع) و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۸

۸- ابراهیم (ع) ، هرگز به شرک گرایش پیدا نکرد و از مشرکان نبود .

و ما کان من المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۷

۷ ابراهیم (ع) ، هرگز مشرک نبود .

و ما کان من المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۰ - ۷

۷- ابراهیم (ع) ، منزّه از شرک و جدا از صف مشرکان بود .

إن إبرهیم . . . و لم یک من المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۶

۶- ابراهیم (ع) ، شخصیتی حق گرا و میرا از شرک و جدا از مرام مشرکان در همه عمر خویش

ملّه إبرهیم حنیفاً و ما کان من المشرکین

ابزار مبارزه با شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۴

۴ پیامبر (ص) ، وظیفه دار مبارزه گسترده فرهنگی و تبلیغی با جریان کفر و شرک ، با محور قرار دادن قرآن

فلا تطع الکفرین و جهدهم به جهاداً کبیراً

مرجع ضمیر <به> به قرینه مقام (یعنی، آیه قبل که از انذار رسول به مردمان سخن گفته است) قرآن کریم است و آمدن مفعول مطلق (جهاداً) و توصیف آن به <کبیراً>، بیانگر گستردگی و بزرگی این جهاد می باشد.

اتحاد رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۳

۳ - سران کفر و شرک ، گروهی متشکل ، همسو و متحد در برابر پیامبر اسلام (ص)

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

برداشت یاد شده، از تعبیر <جند> و <أحزاب> به دست می آید.

اجبار اصحاب کهف به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱

۱- اصحاب کهف ، خود را در صورت اسارت به دست کافران ، محکوم به سنگ سار و یا مجبور به پذیرش آیین شرک می دیدند .

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ

<مَلَّة> به معنای دین و آیین است و جمله <يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ> یعنی: شما را به دین و آیین خود، برمی گردانند.

اجتناب از رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۱

۱ - پرهیز از عبادت و اطاعت طاغوت ها و سردمداران کفر و شرک ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خدا

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها

<طاغوت> در اصل به هر متجاوز و رئیس گمراه گر گفته می شود. این کلمه در قرآن، هم به این معنا آمده و هم در بت و صنم به کار رفته است. چنانچه این واژه در آیه شریفه در معنای نخست به کار رفته باشد، مقصود از عبادت (آن یعدوها) اطاعت خواهد بود. گفتنی است آیه شریفه در صدد توصیف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است (که از آیات بعد نیز قابل استفاده است).

اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ ضرورت پرهیز از توهم بودن همتا و همانند برای خداوند

فلا تجعلوا لله أنداداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۵، ۲، ۱

۱ لزوم پرستش خداوند و پرهیز از هر گونه شرک

و اعبدوا الله و لا تشركوا به شيئاً

۲ عبادت خداوند باید خالصانه و دور از هر گونه شائبه شرک باشد .

و اعبدوا الله و لا تشركوا به شيئاً

۵ عبادت خالصانه خداوند و پرهیز از هر گونه شرک ، زمینه دور ماندن زندگی زناشویی از هر گونه ناسازگاری *

و ان خفتم شقاق بينهما .. و اعبدوا الله

به مقتضای ارتباط بین آیات می توان احتمال داد که آیه مورد بحث در حقیقت بیانگر راه حلی است برای جلوگیری از ناسازگاری بین زن و شوهر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۲۷

۲۷ پرهیز از شرک ، زمینه خیر و سعادت انسان

و لا تقولوا ثلثه انتهوا خيراً لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۱، ۵

۵ اهل ایمان وظیفه دار اجتناب از شرابخواری ، قماربازی و مظاهر شرک

يايها الذين ءامنوا انما الخمر و الميسر .. فاجتنبوه

۱۱ پرهيز از شراب خواری ، قماربازی و مظاهر شرك ، زمينه ساز نیل به فلاح و رستگاری *

انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلم .. فاجتنبوه لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۲ - ۶

۶ دوری جستن از

پلیدی ها (شراب ، قمار ، مظاهر شرک) نشانگر اطاعت از خدا و رسول (ص)

انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلم .. و اطيعوا الله و اطيعوا الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ سوق دادن بیمناکان از حشر و قیامت برای اجتناب از کفر و شرک از اهداف انذار است.

و أنذر به الذين يخافون أن يحشروا إلى ربهم .. لعلهم يتقون

<یتقون> در این آیه به معنای تقوای اصطلاحی نیست، بلکه با توجه به آیات این سوره که بحث از کفر و تکذیب بود مراد، اجتناب از کفر و تکذیب و گناهیانی از این قبیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۵

۵ آدمی پس از نجات از شداید، علی رغم پیمان عدم شرک و سپاسگزاری از خداوند، پیمان شکنی می کند و مجدداً شرک میورزد.

لئن أنجنا .. قل الله ینجیکم ... ثم أنتم تشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۲ - ۵،۶

۵ جامعه ایمانی به دور از هر گونه شرک و ظلم، از خشم و عذاب خداوند در امان است.

فأی الفریقین أحق بالأمن .. الذین ءامنوا ... أولئک لهم الأمن

چون در آیه قبل از موحدان و مشرکان به عنوان دو گروه یاد شده و در این آیه نیز از موحدان با صیغه ها و ضمائر جمع یاد شده، چنین برمی آید که امنیت از آن جامعه با هویت جمعی آن

است، گر چه آحاد نیز مشمول آن باشند.

۶ دستاورد ایمان افراد جامعه به دور از هر گونه ظلم و شرک، امنیت است. *

الذین ءامنوا و لم یلبسوا .. أولئک لهم الأمن

گر چه <ظلم> در این آیه، به قرینه آیات گذشته، به شرک تفسیر شده، ولی منافاتی با عمومیت مفاد <ظلم> و <الامن> ندارد. بنابراین جامعه ایمانی در صورت دوری از ظلم به امنیت همه جانبه خواهد رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۶

۶ ضرورت پرستش آفریدگار یگانه هستی و شریک قرار ندادن برای او در عبادت

و جعلوا لله شركاء الجن .. ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو ... فاعبدوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۲۵، ۲۸

۲۵ کناره گیری از شرک، احسان به پدر و مادر و پرهیز از کشتن فرزندان، از سفارشهای خداوند به انسانها

ألا تشرکوا به شیئا .. ذلکم وصیکم به

۲۸ تعالیم پنجگانه (اجتناب از شرک، احسان به والدین و ..) تعالیمی مطابق با عقل

ذلکم وصیکم به لعلکم تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۱، ۴، ۸

۱ پرهیز از شرک، فرزندکشی، کردارهای شنیع، کشتن بیگناهان، تجاوز به دارایی یتیمان، راهی است راست برای حرکت به سوی خدا.

ألا تشرکوا به شیئا .. و أن هذا صرطی مستقیماً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر متکلم در <صراطی> خداوند باشد. صراط خداوند یعنی راهی که به سوی

اوست.

۴ احکام نه گانه (پرهیز

از شرک و ..) دارای ارتباطی تنگاتنگ و به منزله حکمی واحد

و أن هذا صرطی مستقیماً

<هذا> اشاره به دستورهایی است که در دو آیه پیشین مطرح شده است. به کارگیری اسم اشاره مفرد برای دستورهایی نه گانه حکایت از وجود ارتباطی شدید میان آنها دارد؛ به گونه ای که گویا امری واحد هستند.

۸ الهی بودن محرمات و قوانین نه گانه (پرهیز از شرک و ..) و خالی بودن آنها از کجی و انحراف، ایجاب کننده پیروی از آن فرمانها و سلوک بر اساس آن

و أن هذا صرطی مستقیماً فاتبعوه

حرف <فاء> در <فاتبعوه> سببیه است؛ یعنی بیانگر این است که حقایق مطرح شده در <أن هذا...> (الهی بودن و ...)، علت لزوم پیروی است. گفتنی است که تقدیر <لام> علت بر <أن هذا...>، همان گونه که نظر برخی از مفسران است، این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۱،۲

۱ خداوند و صایای دهگانه (پرهیز از شرک و ..) را به موسی (ع) ابلاغ کرد.

ثم ءاتینا موسی الکتب

به کارگیری فعل <وصاکم> به صورت ماضی در ذیل آیات گذشته و وجود ارتباط میان آیه مورد بحث با آیات پیشین می رساند که احکام دهگانه مخصوص امت اسلامی نیست، بلکه در همه ادیان و از جمله شریعت موسی (ع) بوده است. بنابراین می توان از میان نظرات مختلفی که درباره معطوف علیه <ثم> داده شده، این نظر را تأیید کرد که معطوف علیه آن جمله ای مانند <وصینا موسی بتلک الوصایا ثم...>

< است.

۲ خداوند پس از ابلاغ احکام دهگانه (پرهیز از شرک و ...)، تورات را به موسی (ع) عطا کرد.

ثم آتینا موسی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۸

۸ پابندی خالصانه به دین و پرهیز از شرک و التقاط، از شرایط دعا و نیایش به درگاه خداوند

و ادعوه مخلصین له الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۹

۹ دستیابی به توحید و پرهیز از شرک در گرو خواست خداوند و توفیقات اوست .

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء الله ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۴ - ۳

۳ بازگشت مردم از شرک به توحید، از اهداف تبیین آیات از سوی خداوند است .

نفسل الأیت و لعلهم یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۲

۲- لزوم پیروی از حضرت ابراهیم (ع)، در اجتناب از هرگونه انحراف و شرک

ثم أوحینا إلیک أن اتبع مله إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- لزوم دور ماندن احسان به پدر و مادر ، از شائبه شرک

و قضی رَبِّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا

قرار گرفتن تکلیف احسان به والدین پس از فرمان به توحید و پرهیز از شرک، ممکن است إشعار به این مطلب داشته باشد که
علاقه و احسان بیش از حد به پدر و

مادر، ممکن است انسان را به شرک بکشاند. بنابراین باید این علاقه و احسان از شائبه شرک خالی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۶

۶- اجتناب از شرک به خداوند ، تکلیفی الهی بر بندگان

و لاتجعل مع الله إلهًا آخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۵ - ۴

۴- پرهیز از شرک‌ورزی و پرستش معبود های باطل ، نمودی کامل از تقواست .

واتخذوا من دون الله ءالهةً .. . يوم نحشر المتقين إلى الرحمن

چون محور بحث در آیات گذشته، در باره شرک و پرستش معبودهای گوناگون بود، مناسبت چنین اقتضا دارد که مراد از <مُتَّقِينَ> در این آیه، کسانی باشند که از شرک‌ورزی و پرستش معبودهای باطل پرهیز می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۵،۶

۵ - پابندی مخلصانه به دین و پرهیز از هرگونه شرک و التقاط ، امری لازم است .

دعوا الله مخلصين له الدين

چون جمله <دعوا الله مخلصين له الدين> در مقام تعریف گرفتاران در خطر است، استفاده می شود که داشتن حالت اخلاص در دین و نداشتن هیچ گونه شرکی، مطلوب خداوند است.

۶ - اخلاص در دعا و پرهیز از هرگونه شرک ، امری بایسته و لازم است .

دعوا الله مخلصين له الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۱ - ۲،۴

۲- لزوم ترس از خدا و برپایی نماز و پرهیز از هرگونه شرک

و اتَّقوه و أقيموا الصلوة و لاتكونوا من المشركين

- اقامه نماز و پرهیز از شرک ، تجلی روح تقوا در آدمی است .

و اتَّقوه و أقيموا الصلوه و لاتكونوا من المشركين

<تقوا> در لغت، حفظ خود از خطر، و در شریعت، حفظ خود از افتادن در گناه است. طبیعی است که مصداق حفظ خود از گناه، ترک محرمات و انجام دادن واجبات است. ذکر اقامه نماز و پرهیز از شرک، می تواند به منزله ذکر خاص بعد از عام و مفید نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - رویکرد به خداوند و اجتناب از شرک ، در وضعیت آسایش ، مانند وضعیت سختی و ناگواری امری بایسته و لازم است .

و إذا مسّ الناس ضرٌّ .. ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه ... يشركون

از آن جایی که آیه، درصدد سرزنش کسانی است که به هنگام مواجهه با سختی ها، به خداوند روی می آورند، اما همین که از آن می رهند، شرک میورزند، نکته یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۴

۴ - موعظه لقمان به پسرش درباره لزوم پرهیز از شرک ، نمودی از حکمت وی بود .

لقد آتينا لقمن .. و إذ قال لقمن لابنه ... لا تشرك بالله

اگر <إذ> متعلق به <آتينا> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۴

۴ - حفظ عقیده توحیدی ، ضروری است و قبول شرک ، به هیچ قیمتی روا

نیست .

و إن جهداك على أن تشرك بي .. فلا تطعهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۲

۲ - لزوم اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت از سردمداران ضلالت

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۴ - ۵

۵ - نزول رزق انسان (باران) از سوی خداوند ، مقتضی دعا و عبادت به دور از شرک و خالصانه او است .

و ينزل لكم من السماء رزقاً .. فادعوا الله مخلصين له الدين

با توجه به تفریع جمله < فادعوا الله .. > بر جملات پیشین (ينزل لكم من السماء رزقاً) برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۶

۶ - پرهیز از کمترین شرک به خداوند ، نخستین موضوع بیعت زنان مؤمن با پیامبر (ص)

على أن لا يشركن بالله شيئاً

اجتناب از شرک ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۸ - ۵

۵- توحید ، مستلزم پرهیز از هرگونه شرک‌ورزی در ربوبیت خدا است .

لكننا هو الله ربّي و لا أشرك برّبّي أحداً

اجتناب از شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲،۱۰

۲ - پرستش خدای یگانه و پرهیز از پرستش غیر او ، از عهد ها و پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا ميثق بني إسرائيل لا تعبدون إلا الله

۱۰ - وجوب پرستش خدا و پرهیز

از پرستش غیر او

لا تعبدون إلا الله

جمله <لا تعبدون إلا الله> (پرستش نمی کنید جز خدا را) نهی است به صورت نفی و به عبارت دیگر خبر است در مقام انشاء یعنی، پرستش نکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲ - ۱

۱ لزوم پرستش خدا و پرهیز از پرستش غیر او

ألا تعبدوا إلا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۱

۱ لزوم پرستش خدا و پرهیز از عبادت غیر او

أن لا تعبدوا إلا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۸

۸ لزوم پرستش خدا و ضرورت پرهیز از شرک در عبادت

قل إنما أمرت أن أعبد الله ولا أشرك به

اجتناب مخلصین از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۸ - ۳

۳ - تقوا، یکتا پرستی و دوری از شرک، از اوصاف بندگان مخلص

الآتتقون . أَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَلْقِينَ . اللَّهُ رَبُّكُمْ ... إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ

احتجاج علیه شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۳

۱۳ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر حجتی روشن علیه شرک و دلیلی واضح بر حقانیت توحید و اسلام

ليَقْضَى اللَّهُ .. لِیَهْلِكَ مِنْ هَلْكَ عَنْ بَيْنِهِ وَ یَحْيَى مِنْ حَى عَنْ بَيْنِهِ

<لیهْلِكَ> متعلق به <یقْضَى> است. یعنی هدف از تحقق جنگ بدر این بود که

احساس خطر رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- احساس خطر سران کفر و شرک ، از دعوت پیامبر اسلام به توحید و نفی شرک و نفوذ آن حضرت در میان توده ها

و اصبروا علی ءالھتکم

فراخواندن مردم به پراکنده شدن از اطراف رسول خدا(ص) و پایداری بر آیین شرک، گویای برداشت یاد شده است.

اختیار در شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱۵

۱۵ اختیار تکوینی انسان در انتخاب مسیر شرک و توحید

و لو شاء الله ما فعلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۱۸

۱۸ خداوند کسی را به پذیرش عقیده شرک مجبور نساخته است.

لو شاء الله ما أشركنا . .. إن أنتم إلا تخرصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۱۰

۱۰- پیشوایان شرک منکر مجبور کردن مردم به پرستش خویش

ما کانوا إیانا یعبدون

اختیار رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۳

۳ - سران شرک در قیامت ، بدون اجبار به نقش خود در گمراهی مشرکان اقرار خواهند کرد .

و ما کان لنا علیکم من سلطن بل کنتم قومًا طغین

برداشت یاد شده از آن جا است که پیشوایان شرک، در پاسخ به اتهام داشتن نقش در گمراهی مشرکان، تنها به اجبار نکردن بر گمراهی اکتفا کرده و اصل نقش داشتن خود را نفی نخواهند کرد. پذیرش دست داشتن در گمراهی مشرکان در دو آیه بعد (فأغویناکم إنا کنا غاویین)، مؤید این برداشت

است.

ادعای رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ - پیشوایان شرک منکر مجبور کردن مردم به پرستش خویش

ما کانوا إیانا یعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۲

۲ - سران شرک و کفر ، مدعی نبودن اثری از توحید و یکتاپرستی در آخرین دین الهی (مسیحیت)

أجعل الألهة إلهًا وحدًا .. ما سمعنا بهذا فی الملة الأخره

<مله> در آیه شریفه، به معنای <دین> است و مقصود از قید <الأخره> (پسین) در برابر <اولین> (پیشینیان) که در آیات دیگر آمده دین مسیحیت است. گفتنی است که مسیحیت آخرین دین پیش از اسلام در جزیره العرب بود و کافران نیز از آن آگاهی داشتند.

ارتجاع رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۶

۶ - سران کفر و شرک در صدراسلام ، مردمی مرتجع و مخالف نوگرایی و پویایی فکری و عقیدتی در جامعه

ما سمعنا بهذا فی الملة الأخره إن هذا إلا اختلق

ارزش شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۴

۴ ایمان ، ملائک و اساس ارجمندی و شرک ، مایه سقوط و بی ارزشی است .

و لا تنکحوا المشرکات .. و لامه مؤمنه خیر من مشرکه ... و لا تنکحوا المشرکین حتی

استغفار از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۲

۲ طلب بخشایش گناهان از

خداوند ، حرکت به سوی او و استغفار از شرک ، از توصیه هاو پیام های هود (ع) به مردم خویش

و يقوم استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۱۴

۱۴ - توصیه خداوند ، به لزوم استغفار انسان از هر گونه شرک و گناه

و استغفروه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۴ - ۱

۱ دعوت خداوند از معتقدان به تثلیث و الوهیت مسیح (ع) ، برای استغفار و بازگشت به خدا

افلا یتوبون إلی الله و یتغفرونه

به قرینه آیات پیشین (قالوا ان الله هو المسيح .. قالوا ان الله ثالث ثلثه) فاعل <یتوبون...> مسیحیان هستند و متعلق توبه و استغفار، عقیده به الوهیت مسیح(ع) و تثلیث می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۲،۷

۲ ضرورت استغفار از گناهان (پرستش غیر خدا و ...) از پیام های اساسی ، متقن و روشن قرآن است .

و أن استغفروا ربکم

<أن> در جمله فوق تفسیریه است و لذا <استغفروا ربکم> نیز همانند <لا تعبدوا..> تفسیر <کتابُ أحکمت...> می باشد.

۷ یکتاپرستی ، پذیرش رسالت پیامبر (ص) ، استغفار از شرک و گناه و حرکت به سوی خدا ، موجب جلب عنایت خدا و دستیابی به معیشتی نیکو در دنیا است .

ألاً تعبدوا إلاّ الله .. و أن استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه یمتعکم متعاً حسناً

۲۰ طلب بخشایش گناهان از خدا، حرکت به سوی او و استغفار از شرک، توصیه ها و پیام های صالح (ع) به قوم ثمود

قال يقوم .. فاستغفروه ثم توبوا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۴

۴ - کفر و شرک، گناه و نیازمند توبه و طلب مغفرت از پیشگاه خداوند

لیغفر لنا خطینا

مصدق مورد نظر از خطیئه به قرینه آیات بعد که جرم و ایمان را در مقابل یکدیگر قرار داده است گناه کفر به خداوند و انکار رسالت موسی (ع) است.

استقامت در برابر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۳ - ۲

۲- ارزش و ثمربخشی اقرار به توحید، در گرو پایداری در برابر عوامل شرک و گناه

إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَاحُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

<فلا> بیانگر نتیجه حقیقتی است که از دو عنصر به هم پیوسته تشکیل شده است: ۱ اقرار به توحید ۲ استقامت در طریق آن.

استقامت در شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۵، ۲

۲ - سران کفر و شرک در عصر بعثت، مردم را به صبر و پایداری بر آیین شرک و مواضع عقیدتی خود فرامی خواندند.

و اصبروا علیء الهتکم

> صبر بر آلهه < کنایه از پایداری بر پرستش معبودها و ادامه آن است.

۵- سران کفر و شرک ، صبر و پایداری بر آیین شرک و بت پرستی را ، امری

مطلوب و تکلیف دینی خود می دانستند .

و اصبروا علی ءالیهتم إنّ هذا لشیء یراد

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <هذا> به صبر اشاره داشته و مقصود از <یراد> (خواسته شده) اقتضای اعتقاد به آیین شرک باشد.

استهزاهای رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۱

۱ - سران کفر و شرک از روی استهزا ، از خداوند خواستار شتاب در نزول عذاب ویژه اخروی خود بودند .

و قالوا ربّنا عجلّ لنا قطنًا قبل یوم الحساب

<قطنًا> به معنای نصیب و بهره معین و جدا شده است و مقصود از آن در این آیه، بهره و نصیب کافران از عذاب قیامت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۲

۲ - استهزا ، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء علیه اسلام و پیامبر (ص) ، کار همیشگی و روش سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

آمدن فعل <یقولون> به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار این گفتار دارد.

اصحاب کهف و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - اصحاب کهف ، تمامی راه های گریز از شرک را در صورت پذیرش اجباری آیین مشرکان بر خویش بسته می دیدند .

او یعیدوکم فی ملتّهم و لن تفلحوا إذا أبدا

مراد از <فلاح> به مناسبت مورد رستن و رهایی از شرک است.

۱۲- اصحاب کهف ، ارتداد و پذیرش دوباره شرک را ، گناهی بزرگ و مانع سعادت جاودان خود می دانستند

أَوْ يَعِدُوكُمْ فِي مَلْتَهُمْ وَ لَنْ تَفْلَحُوا إِذَا أَبَدًا

اصرار بر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶ - ۹

۹ - پایبندی مشرکان صدر اسلام به آیین شرک و دفاع از معبود های خود در برابر دعوت به توحید

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ . وَ يَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوا ءِالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، دعوت برخی کافران را به ترک شرک و بت پرستی ، بی ثمر دانست و آنها را به حال خود رها ساخت .

لکم دینکم

اصرار بر شرک اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۱

۱ خداوند ، در پی اصرار مردم مدین بر شرکورزی و نپذیرفتن تعالیم شعیب (ع) ، آنان را به عذابی سخت گرفتار ساخت .

وَ لَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم شعیب است. اضافه آن به ضمیر <نا> حکایت از بزرگی آن عذاب دارد.

اصرار بر شرک قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱

۱ قوم ثمود ، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه ، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرک‌ورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند .

فلما جاء أمرنا

اصرار بر شرک قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۳ -

۴ اصرار و پافشاری و تعصب قوم هود، بر شرک‌ورزی و پرستش غیر خدا

و ما نحن بتارکی ءالھتنا عن قولک

جمله اسمیه <ما نحن...> و آوردن <با> ی زایده در خبر (تارکی ءالھتنا) حکایت از تأکید و اصرار قوم عاد بر پرستش بتها دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۱،۲

۱ قوم عاد، رسالت هود (ع) را نپذیرفتند و به شرک و کفر اصرار ورزیدند.

فإن تولّوا .. يستخلف ربی قومًا غیر کم ... و لما جاء أمرنا نجینا هودًا

۲ خداوند، در پی اصرار قوم عاد بر کفر و شرک، عذابی سخت و سهمگین بر آنان نازل کرد.

و لما جاء أمرنا .. و نجینهم من عذاب غلیظ

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم عاد است. <عذاب غلیظ> در ذیل آیه بنا بر یک احتمال، یعنی دنیوی بودن عذاب دلالت بر سهمگینی عذاب نازل شده بر قوم عاد دارد.

اظهار بی گناهی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۹ - ۱

۱ - پیشوایان شرک، در روز رستاخیز در برابر اتهام داشتن نقش در فریب و گمراهی مشرکان، به دفاع برخاسته و به تبرئه خود خواهند پرداخت.

قالوا إنکم کنتم تأتوننا .. قالوا بل لم تکنوا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۱

۱ - پیشوایان شرک در قیامت ، هرگونه اعمال زور و سلطه از ناحیه خود را برای به گمراهی کشاندن

مشركان ، مردود خواهند دانست .

و ما كان لنا عليكم من سلطان

اعتماد به مردم و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱۰

۱۰ مؤثر دانستن افراد در محافظت از چیزی و یا شخصی ، موجب شرک نمی شود و با توکل و مقام نبوت تنافی ندارد .

كما أمتکم علی أخیه من قبل

به دلیل آیه ۳۸ از همین سوره (ما كان لنا أن نشرك بالله من شيء) یعقوب(ع) هرگز به اندکی از شرک نیز گرایش نداشت و عبارت (كما أمتکم علی أخیه) می رساند که یعقوب(ع) فرزندان را امین پنداشت و حفاظت از یوسف(ع) را برعهده آنان سپرد. بنابراین مؤثر دانستن افراد در حفاظت از چیزی شرک آور نیست و با مقام نبوت نیز ناسازگار نخواهد بود.

اعراض از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۱۹

۱۹- اعتقاد به یگانگی خداوند ، (توحید نظری) باید با عبادت خالصانه او و ترک پرستش غیر او (توحید عملی) همراه باشد .

إلهکم إله واحد فمن كان .. ولایشرك بعباده ربّه أحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۴

۴- حضرت ابراهیم (ع) ، آزر را به رهاساختن شرک و پیروی از وی فرا خواند .

يأبت إني قد جاءني من العلم ما لم يأتك فاتبعني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ دست شستن از گرایش های شرک آلود و روی

کردن به تعالیم پیامبران (همچون یگانه پرستی) و عقیده به قیامت، در دیدگاه اهل شرک، گمراهی و انحراف است.

إِنْ كَادَ لِيُضِلَّنَا عَنْ ءالِهَتِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۷

۷ - اعتقاد جنیان استماع کننده قرآن، به ربوبیت یگانه خدا و دوری آنان از شرک‌ورزی به او

و لَنْ نَشْرَكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا

اعلام بطلان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص)، مأمور اعلام در دست داشتن دلایل و برهان‌های روشن بر بطلان عقیده شرک‌آلود و درستی آیین

توحیدی

إِنِّي نَهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ

اغواگری رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ اغواگری سران کفر و شرک و واداشتن دیگران به ضلالت، ادعای دوزخیان پیرو علیه رهبران خویش در پیشگاه خداوند

قَالَتْ أَخْرِيزِهِمْ لِأَوْلِيهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۷

۷ - تلاش اغواگرانه به اعتقاد پیشوایان شرک تنها دعوت و فراخوانی است؛ نه اجبار و سلب کردن اختیار از دیگران

أغوينهم كما غوينا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۲ - ۱،۲،۷

۱ - اعتراف سران شرک به دست داشتن خود در گمراهی توده های مشرک

فأغوينکم

۲ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، زمینه ساز تأثیرپذیری آنان از اغواگری

سردمداران شرک

بل کنتم قومًا طغین .. فأغویناکم

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <فأغویناکم> می تواند متفرع بر جمله <بل کنتم قومًا طغین> باشد؛ یعنی، چون شما مردم سرکشی بودید، پس ما توانستیم به اغوای شما پردازیم.

۷- تلاش سران شرک پیشه گمراه به هم فکر و هم سان ساختن دیگران با افکار و عقاید خویش

فأغویناکم إنا کنا غوین

طبق نظر مفسران، فلسفه این که سران شرک گمراهی مردم را به دلیل انحراف خود می دانند، می تواند به این جهت باشد که آنان در دنیا درصدد هم فکر ساختن و هم سان درست کردن با افکار و عقاید خود بودند.

افترای شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۳

۳ - شرک به خدا، دروغ و افترا به خدا است .

هم یشرکون .. و من أظلم ممّن افتری علی الله کذبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۸

۸ شرک، افترا و پنداری باطل و ساختگی است.

و ضل عنهم ما کانوا یفترون

افترای شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۸

۸ شرک، افترا و پنداری باطل و ساختگی است.

و ضل عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۳

۳ - شرک به خدا ، دروغ و افترا به خدا است .

هم یشرکون . . . و من أظلم ممّن افتری علی الله کذبًا

اقرار اخروی رهبران شرک

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۴،۵

۴ - اعتراف پیشوایان شرک به ربوبیت خداوند در قیامت

قال الذین حقّ علیهم القول ربّنا

۵ - اقرار پیشوایان شرک در قیامت ، به نقش اغواگرانه خویش در گرویدن مردم به شرک

قال الذین حقّ علیهم القول ربّنا هؤلاء الذین أغوینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۳

۳ - سران شرک در قیامت ، بدون اجبار به نقش خود در گمراهی مشرکان اقرار خواهند کرد .

و ما کان لنا علیکم من سلطان بل کنتم قومًا طغین

برداشت یاد شده از آن جا است که پیشوایان شرک، در پاسخ به اتهام داشتن نقش در گمراهی مشرکان، تنها به اجبار نکردن بر گمراهی اکتفا کرده و اصل نقش داشتن خود را نفی نخواهند کرد. پذیرش دست داشتن در گمراهی مشرکان در دو آیه بعد (فأغویناکم إنا کنا غاویین)، مؤید این برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۳

۳ - پذیرش مقصر بودن و داشتن نقش در گمراهی مشرکان ، از سوی پیشوایان شرک در عرصه قیامت

فحقّ علینا قول ربّنا إنا لذائقون

این که پیشوایان شرک، خود را در استحقاق عذاب الهی شریک می دانند، حاکی از پذیرش نوعی از مسؤولیت در گمراهی مشرکان است.

اقرار به بطلان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - اعتراف مشرکان در قیامت ، به بطلان باورهایشان نسبت به معبود های خویش

و یوم ینادیهم این شرکاءى قالوا اذنک ما

منا من شهيد

اقرار به شرک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۷

۷ مشرکان در مرحله ای از قیامت منکر شرک خویش و در مرحله ای معترف به آن می شوند.

و الله ربنا ما كنا مشرکین .. فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب بآیت ربنا و نکون من

برداشت فوق از ارتباط آیه ۲۳ و ۲۷ به دست می آید که مشرکان در آنجا مشرک بودن خودشان را منکر شدند، ولی در اینجا اعتراف کردند که آیات را تکذیب می کردند و مؤمن نبودند.

اقرار رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۴،۵

۴ - پیشوایان شرک در عرصه قیامت ، به دوزخی بودن خویش و این که مستحق کیفر الهی اند ، اعتراف خواهند کرد .

فحقّ علينا قول ربّنا إنّنا لذائقون

۵ - اعتراف پیشوایان شرک به ربوبیت الهی در حضور مشرکان در عرصه قیامت

فحقّ علينا قول ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۱،۴

۱ - اعتراف سران شرک به دست داشتن خود در گمراهی توده های مشرک

فأغویناکم

۴ - اعتراف سردمداران شرک در عرصه قیامت به گمراهی خود

إِنَّا كُنَّا غَوِينَ

اقسام شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ شرک ، دارای انواع و مراتبی متفاوت است .

ما کان لنا أن نشرک بالله من شیء

برداشت فوق ، بر این اساس است که مراد از <شیء> شرک ورزی باشد.

اکثریت رهبران شرک صدر اسلام

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۷

۷- ایمان آوردن به تعلیمات پیامبران ، در گرو وجود زمینه آن در ایمان آورنده

لقد حقّ القول علی أكثرهم فهم لایؤمنون

التقاط توحید و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۶ - ۲

۲ بیشتر موحدان توحید را به گونه ای با شرک درمی آمیزند .

و ما یؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون

انبیا و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۸ - ۸

۸ پیامبران خدا هیچگاه به شرک دچار نشدند.

و لو أشرکوا لحبط عنهم ما كانوا یعملون

حرف شرط <لو> غالباً در مواردی به کار می رود که شرط آن امری ممتنع و دست نیافتنی باشد، لذا در آیه شریفه <شرک> در مورد پیامبران امری حاصل نشدنی فرض شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۶، ۱۰

۱۰ پیامبران ، پیراسته از هرگونه شرک‌ورزی و همتا پنداشتن برای خدا

ما کان لنا أن نشرک بالله من شیء

۱۶ اعتقاد ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف (ع) و دیگر پیامبران به توحید و مصونیتشان از هرگونه شرک‌ورزی ، تفضلی از ناحیه خدا بر آنان بود .

ما کان لنا أن نشرك بالله من شیء ذلك من فضل الله علينا

انبیا و نفی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۷

۱۷ بعثت پیامبران برای آموزش توحید و نفی شرک ، از تفضلات

الهی بر مردم است .

ما كان لنا أن نشرك .. ذلك من فضل الله ... على الناس

انحراف شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۱۷

۱۷- شرک و بت پرستی ، مسلکی ناهنجار و نامتعادل است .

لِمَ تعبد ما لا یسمع .. فاتَّبِعنی أهدک صراطاً سويّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۹

۹ - شرک و بت پرستی ، حرکتی است مخالف جریان طبیعی نظام هستی .

أَنَّ الله يسجد له من فى السموت و من فى الأرض .. و كثير حقّ عليه

انذار از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۱

۱ - مأموریت پیامبر (ص) برای انذار و اخطار بستگان نزدیک خویش از عواقب شرکورزی و مخالفت با خدا

فلاتدع مع الله .. و أنذر عشیرتک الأقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- دعوت به توحید و انذار از عواقب شرک ، محور اصلی و مشترک دعوت پیامبران

أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا الله

بنابراین که <أَلَا تَعْبُدُوا..> در ادامه <و قد خلت النذر> و مصداق انذار آنان باشد و نه صرفاً ادامه سخن هود برداشت بالا به دست می آید.

انذار از فرجام شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۷

۱۷- خداوند ، مردمان را همواره از فرجام شرک ، کفر و نافرمانی بیم داده و می ترساند .

و نخوفهم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - نوح (ع) ، قومش را به عواقب شوم شرک‌ورزی هشدار داد .

ما لکم من إله غیره أفلاتتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - پیامبر پس از نوح (هود یا صالح) ، قوم خود را به عواقب شوم شرک‌ورزی هشدار داد .

ما لکم من إله غیره أفلاتتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۱ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، انذارگر و بیم دهنده آدمیان از عواقب شوم شرک

و لاتجعلوا مع الله .. إئی لکم منه نذیر

انذار رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۷

۷ - تهدید سران مشرک و ستیزه جوی مکه از سوی خداوند

ذق إتك أنت العزیز الکریم

چنان که از لحن آیات و برخی از تفاسیر استفاده می شود، این آیات تعریضی به سردمداران شرک مکه دارد.

انذار فرجام شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آگاه ساختن مردم از عواقب شرک و ترساندن آنان از پیامدهای اخروی آن ، اساس رسالت پیامبر (ص) را تشکیل می داد .

قل یاأیها الناس

انکار شرک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۷

۷ مشرکان در مرحله ای از قیامت منکر شرک خویش و در مرحله

ای معترف به آن می شوند.

و الله ربنا ما كنا مشركين .. فقالوا يلبتنا نرد و لا نكذب بأيت ربنا و نكون من

برداشت فوق از ارتباط آیه ۲۳ و ۲۷ به دست می آید که مشرکان در آنجا مشرک بودن خودشان را منکر شدند، ولی در اینجا اعتراف کردند که آیات را تکذیب می کردند و مؤمن نبودند.

انگیزه رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۵

۵- دستیابی به منافع مادی و رسیدن به حکومت و مقام، انگیزه اصلی سازندگان آیین شرک و بت پرستی

و أحلّوا قومهم .. و جعلوا لله أندادًا ليضلّوا عن سبيله قل تمتّعوا

جمله <قل تمتّعوا> (بگو برخوردار شوید)، پیش از جمله <فإن مصيركم إلى النار>، می تواند کنایه از آن باشد که هر چند شما به دنبال تمتع و کامیابی از دنیا هستید، ولی مسیر و نهایت کار شما دوزخ است. گفتنی است موضوع رسیدن به حکومت و مقام، از جمله <و أحلّوا قومهم...> استفاده شده است.

انگیزه شرک قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۷

۷ تقلید از نیاکان و حفظ سنت های پیشینیان، از انگیزه های قوم عاد برای پرستش معبودان دروغین و رویارویی با دعوت هود

قالوا .. و نذر ما كان يعبد ءاباؤنا

اهمیت اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۲ - ۸

۸ مؤمنانی که ایمان خویش را به هیچگونه شرک و ظلمی نیامیزند، برخوردار از هدایت

کاملند.

الذین ءامنوا و لم یلبسوا .. أولئک لهم الأمن و هم مهتدون

در آیه شریفه، مؤمنانی که ایمانشان خالی از هر گونه ظلم باشد، هدایت یافته شمرده شده اند. با توجه به اینکه مؤمن در هر مرتبه ای که باشد، از هدایتی نسبی برخوردار است، به نظر می رسد مراد از <هم مهتدون> هدایت کامل این گروه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ لزوم عبادت خدا و ضرورت پرهیز از پرستش غیر او ، فرمان خداوند به انسانهاست .

أمر ألا تعبدوا إلا إياه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۷

۷- پرهیز از شرک به خدا ، دارای اهمیتی ویژه در مجموعه آموزه های دین

و لا تجعل مع الله إلهاً آخر

برداشت فوق، از تکرار نهی <لا تجعل مع الله إلهاً آخر> که یکی در آغاز مجموعه اوامر و نهیهای خداوند در این سوره (آیه ۲۲) و دیگری در پایان آنها (آیه مورد بحث) آمده است استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۷

۷- لزوم شکیبایی و پایداری در عبادت و اطاعتِ خداوند یگانه و پرهیز از هر گونه شرک

فاعبده واصطبر لعبدته هل تعلم له سمياً

<اصطبار> نوعاً با <علی> متعدی می شود. تعدیه آن به <لام> در این آیه، به جهت تضمین معنای <ثبات> است. جمله <هل تعلم> نیز قرینه است بر این که مراد از <واصطبر...>، صبر بر توحید در عبادت و اجتناب از پرستش غیر او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۶

۶ - تأکید بر لزوم عبادت خداوند و پرهیز از پرستش غیر او ، اولین تذکر خداوند به موسی (ع) در آغاز نبوت او

لا إله إلا أنا فاعبدني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۱ - ۲

۲ - لزوم روی برتافتن از غیر خدا و گرویدن به خدای یگانه

فاجتنبوا الرجس من الأوثن .. حنفاء لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - توحید و پرهیز از شرک ، زیربنایی ترین اصل عقیدتی و اساس هر تحول معنوی

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۲

۲ اعتقاد به توحید و یگانه پرستی و دوری از شرک و چند گانه پرستی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

والذين لا يدعون مع الله إلهاً آخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۵

۵ - توصیه به اجتناب از شرک ، مهم ترین نصیحت لقمان به پسر خویش بود .

و إذ قال لقمن لابنه و هو يعظه يبنى لا تشرك بالله

از آن جایی که نهی <لاشرك> نخستین توصیه از وصایای لقمان به فرزندش است، استفاده می شود که آن، مهم ترین است.

اهمیت اعراض از شرك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۶ - ۴

۴ لزوم تلاش برای پیراسته ساختن عقیده توحیدی از هر گونه شرك

و ما یؤمن اکثرهم

بِاللّٰهِ اِلَّا وَ هُمْ مُشْرِكُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۴ - ۷

۷- لزوم یکتاپرستی و دوری از شرک در عبادت و نیایش ، در عین ناخوشایندی کافران و مشرکان از این عمل

فادعوا اللّٰه مخلصین له الدین و لو کره الکفرون

اهمیت تبری از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۷ - ۲

۲- لزوم اظهار تنفر و انزجار از مشرکان و عقاید انحرافی و باطل آنها و ارائه راه هدایت به آنان

اِذْ قَالَ لِاٰیِهٍ .. اَفْ لَكُمْ و لِمَا تَعْبُدُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۸

۸- بیزاری جستن از مظاهر کفر و شرک ، همانند تبری جستن از اندیشه کفر ، امری بایسته

کانت لکم اُسوه حسنه .. اِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ اِنَّا بَرءٌ وَا مِنْكُمْ و مِمَّا تَعْبُدُوْنَ

اهمیت ترک شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۴ - ۳

۳- ضرورت پرستش خدای یگانه و پرهیز از پرستش غیر او

اَلَّا تَعْبُدُوْا اِلَّا اللّٰه

اهمیت شرک ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۳

۳ دعوت به توحید و مبارزه با شرک ، مهمترین رسالت پیامبران

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۸

۸ صالح (ع) ، موظف به ابلاغ توحید و مبارزه با شرک و بت پرستی بود .

إِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ

من ربی . . . فمن ینصرنی من اللہ إن عصیته

جمله <إن عصیته> (اگر خداوند را نافرمانی کنم) می رساند که جمله ای همانند <و أمرنی یابلاغ رسالاته> قبل از <فمن ینصرنی> در تقدیر است. بر این اساس، حاصل معنای <إن کنت ...> چنین می شود: [شما خود قضاوت کنید] اگر من پیامبر باشم و خداوند مرا به ابلاغ رسالت‌هایی فرمان داده باشد، اگر نافرمانی کنم و به ابلاغ رسالت‌های الهی همّت نگمارم، چه کسی مرا از عقوبت های الهی نجات خواهد داد؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۳

۳ پیامبر (ص) و مؤمنان به آن حضرت، موظف به پایداری بر مواضع خویش (ابلاغ رسالت الهی و مبارزه با شرک و فساد)

إنا عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۱۳

۱۳- خویشاوندی و پیوند های اجتماعی، نباید مانعی برای تبلیغ و مخالفت با الحاد گردد.

إذ قال لأبيه یأبت لِمَ تعبد ما لا یسمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۷

۷- خویشاوندی، نبایستی موجب ترک تبلیغ دین و توحید و مبارزه با شرک گردد.

یأبت لِمَ تعبد . . . یأبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۷ - ۶

۶- ضرورت مبارزه قاطع و بدون کمترین تعلل با حاکمیت شرک و مشرکان

فلنأتیهم بجنود . . . و هم صغرون

از سیاق آیات استفاده می شود که هدف اصلی سلیمان، مبارزه با حاکمیت شرک و مشرکان

بوده است. به همین خاطر هدیه آنها را نمی پذیرد و قاطعانه اعلام جنگ می کند و حاکمان مشرک را به تبعید، آوارگی، ذلت و خواری تهدید می نماید. روش سلیمان(ع) به عنوان پیامبر الهی، الگویی است که باید از آن سرمشق گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۷، ۱۶

۱۶ - لزوم خشکاندن ریشه های شرک و پرستش غیر خدا و محو آثار آن از زندگی مردم

إلهك .. لنحرقتَه ثم لنسفنه في اليم نسفاً

۱۷ - ارزش های مادی و هنری، نباید موجب سستی در مبارزه با شرک و نابود کردن نمودها و زمینه های آن گردد.

وانظر إلى إلهك .. لنحرقتَه ثم لنسفنه في اليم نسفاً

با وجود آن که گوساله سامری از فلزات قیمتی ساخته شده بود و امکان این وجود داشت که از آن استفاده های صحیح نیز صورت گیرد؛ در عین حال موسی(ع) به سوزاندن و نابود ساختن آن فرمان داد؛ چرا که ارزش حفاظت از عقاید صحیح و مبارزه با انحرافات عقیدتی، قابل مقایسه با ارزش های مادی نیست.

اهمیت مبارزه با شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۳ - ۶

۶ - لزوم مبارزه با بت پرستی و از بین بردن مظاهر شرک همچون بت ها

فراغ علیهم ضرباً باليمين

اهمیت نجات از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۱

۱ جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام، به منظور نجات آنان از آیین شرک و بازگشت

به توحید و اسلام ، بود .

فإن تابوا و اقاموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

برداشت فوق از تفریح جمله <إن تابوا .. > بر الغای صلحنامه و اعلام جنگ با مشرکان پیمان شکن (کیف یکون للمشرکین عهد ...) استفاده می شود. قابل ذکر است که <توبه> (مصدر تابوا) به معنای بازگشتن است ؛ یعنی، اگر مشرکان به اسلام و توحید بازگردند و

اهمیت نفی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱۴

۱۴ توحید و نفی شرک اساس دین اسلام

قل هذه سبیلی . . و ما أنا من المشرکین

اهمیت هجرت از سرزمین شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۹ - ۸

۸ - مهاجرت از محیط شرک و آلوده به گناه ، به محیطی پاک و سالم ، هجرت به سوی خداوند است .

و قال إني ذاهب إلی ربی سیهدین

ایجاد اختناق رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۷

۷ - سلب آزادی از مردم و ایجاد مانع بر سر راه آگاهی آنان از حقایق الهی ، از شیوه های مبارزه سران کفر و شرک با پیامبر اسلام (ص)

و انطلق الملائمهم أن امشوا و اصبروا علی ءالهمکم

پراکنده کردن توده های مردم از اطراف پیامبر(ص) و توصیه به پایداری بر عقیده خود از سوی سران کفر، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

ایمان و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۳۰

۳۰

ناسازگاری اعتقاد به تثلیث با اعتقاد به خدا و یگانگی او (توحید)

فامنوا باللّٰه و رسله و لاتقولوا ثلثه .. انما الله احد

بدفرجامی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۳

۳ - راه کفر و شرک ، آمیخته با ماده گرایی و سرگرمی های پوچ و بدفرجام

فذرهم يخوضوا و يلعبوا حتّٰى يلقوا يومهم الذى يوعدون

برائت از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۷

۷ ابراهیم (ع) ، هرگز مشرک نبود .

و ما كان من المشركين

بشارت شکست رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۴

۴ - بشارت و نوید خداوند به شکست سران کفر و شرک و پیروزی مسلمانان در دوران بعثت

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بشارت نابودی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۱۴

۱۴- نوید خداوند به نابودی جوامع کفرپیشه و شرک‌ورز و پیروزی اسلام و توسعه قلمرو سرزمین های اسلامی

أفلا یرون أنا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

برخی از مفسران برآنند که مقصود از کاستن زمین و اهل آن به قرینه این که این آیات در باره کافران و منکران قرآن است کاستن از تعداد کافران و افزایش نفرت مسلمانان است. ضمیر غایب در <أفلا یرون> و همزه استفهامی انکاری در <أفهم الغالبون> می تواند مؤید همین برداشت باشد.

بطلان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۴ لزوم پایداری در عقیده توحیدی و اعلام صریح بطلان شرک و بیزاری از معبودهای مشرکان

قل لا أشهد قل إنما هو إله وحد و إننی بریء مما تشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۳،۸

۳ ظهور بطلان شرک و پوچی معبودهای دروغین در قیامت

و ضل عنهم ما كانوا یفترون

از کاربردهای فعل <ضل> جایی است که چیزی از بین رفته است و باطل شود. در لسان العرب آمده است: <ضل الشيء إذا ضاع>

۸ شرک، افترا و پنداری باطل و ساختگی است.

و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۵ - ۲

۲ مشاهده ملکوت، عیان دیدن بطلان و ضلالت شرک و لمس توحید در جهان هستی است.

إنی أریک و قومک فی ضلل مبین. و کذلک نری إبرهیم ملکوت السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۳،۵،۲۱

۳ اظهار شگفتی ابراهیم(ع) از لجاجت مردم بر شرک، علی رغم وجود دلایل واضح بر بطلان آن

و حاجه قومه قال أتحنونی فی الله

۵ استدلالهای ابراهیم(ع) بر ابطال شرک و پرستش بتها و اجرام آسمانی به هدایت خداوند بود.

أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا .. قَالَ لِأَحَبِّ الْأَفْلِينَ ... وَقَدْ هَدَيْتَنِي

۲۱ تذکر و زدودن غفلت، برای درک حقایق توحید و بطلان شرک کافی است.

قَالَ أَتَحْجُونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَيْتَنِي .. أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

به کار رفتن <تذکر> به جای <تفکر> و مانند آن، بیانگر این نکته است که تذکر و

زدودن غبار غفلت برای اقرار به توحید کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۹

۹ گرایش به توحید امری فطری و معقول، و شرک پنداری دور از حقیقت و موجب شگفتی است.

ذلکم الله فأنی تؤفکون

در مفردات راغب آمده است که <افک> به معنای دروغ و نیز هر چیزی است که در غیر مجرا و مسیر صحیح خود قرار گرفته باشد. جمله <فأنی تؤفکون> در عین استفهام همراه با تعجب، بر انحراف و دروغ بودن شرک و در نتیجه بر حقانیت و راستی توحید اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۶،۹

۶ شریک پنداشتن برای خداوند و انتساب فرزند به او، پنداری باطل و از سر نادانی است.

و خرقوا له بنین و بنت بغير علم

۹ خداوند از داشتن شریک و فرزندان منزه است.

و خرقوا له بنین و بنت .. سبحنه و تعلی عما یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۷

۷ شرکورزی، مرامی باطل و مشرکان، باطلگرا هستند.

أفهلکنا بما فعل المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۴ - ۵،۸

۵ توجه دادن اهل شرک به همسانی آنان با معبودانشان در ناتوانی و نیازمندی، زمینه ساز باور آنان به بطلان شرک و شایسته

نبودن معبودان برای پرستش

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلِكُمْ

۸ ناتوانی معبودان از اجابت خواسته های پرستشگران خویش ، افشاگر پندار باطل

و دروغین مشرکان (پندار شریک برای خداوند)

فادعوهم فليستجيبوا لكم إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۵ - ۴

۴ خداوند با تشریح ناتوانی بت ها ، مشرکان را به بطلان شرک و باورهایشان رهنمون ساخت .

ألهم أرجل یمشون بها .. أم لهم أذان یسمعون بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ شرک (اعتقاد به وجود مولویت و ربوبیت برای غیر خدا) پنداری باطل و افترا بر خداوند است .

و ردوا إلى الله مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۴

۴ شرک (اعتقاد به ربوبیت غیر خدا) آیینی باطل و بت پرستی ضلالت و گمراهی است .

فذلکم الله ربکم الحق فماذا بعد الحق إلا الضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۳ - ۶

۶ شرک و بت پرستی ، خروج از مدار حق و گردش بر مدار باطل است .

فماذا بعد الحق إلا الضلل .. كذلك حقت کلمت ربک علی الذین فسقوا أنهم لا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۶،۲۳

۱۶ توحید و یکتاپرستی ، آیینی بدون کمترین انحراف و کجی ، و شرک پنداری منحرف و نادرست است .

أمر ألا تعبدوا إلا إياه ذلك الدين القيم

<قیم> به معنای مستقیم و بدون انحراف و کجی است.

۲۳ اکثر مشرکان ،

ناآگاه به درستی و استواری توحید و سستی و نادرستی شرک

ما تعبدون من دونه . . . و لكنْ أكثر الناس لا يعلمون

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از <الناس> مشرکان باشد. بنابراین <و لكنْ أكثر الناس لا يعلمون> گویای این نکته است که: بیشتر مشرکان [حقیقت] را نمی دانند و برخی از آنان بدان آگاهند؛ ولی به خاطر عناد یا خوف از دست دادن ریاست و مانند اینها، به توحید نمی گرایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۹

۹- در قیامت ، کارآمد نبودن معبودان مشرکان و بطلان شرک ، آشکار خواهد شد .

فدعوهم فلم يستجيبوا لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۷

۷- قیامت ، روز ظهور حقایق و بطلان شرک و بزرگی و بروز ناتوانی معبود های ساختگی مشرکان از عزت بخشیدن به آنها

ليكونوا لهم عزا . . . سيكفرون بعبادتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۵

۵ - شرک ، اندیشه ای نادرست ، دروغ و نامنطبق با واقعیت های جهان هستی

بل أتینهم بالحقّ و إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۶

۶ - شرک ، بنیادی پوچ و باطل دارد .

هم یشرکون . . . أفتالبطل يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۵ - ۱

۱ - شرک ، اندیشه ای بی اساس و به دور از کمترین منطق و برهان است .

أم أنزلنا

عليهم سلطناً

<أم> به معنای <بل> منقطعه است و استفهام آن، انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - مشرکان ، به بطلان عقیده شرک آلودشان ، اعتراف ضمنی دارند .

و لئن سألتهم من خلق السموت .. ليقولنَّ الله قل الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۷ - ۵

۵ - خدایان ادعایی مشرکان ، هرگز شریک برای خدا نیستند .

قل أروني الذين ألحقتهم به شركاء كلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۵ - ۳

۳ - فراخوانی به توحید و نفی شرک ، محور اصلی رسالت پیامبر اسلام (ص)

إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون

طرح تنهای مسأله توحید و استکبار در برابر آن، برای مجرم و دوزخی شناختن مشرکان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱۴

۱۴ - داشتن شریک ، دور از ساحت بلند ربوبیت خدا است .

و تجعلون له أندادًا ذلک رب العلمین

تعبیر <ذلک> که اشاره به دور است می تواند بیان کننده رفعت مقام ربوبی از داشتن شریک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۸ - ۴

۴ - قیامت ، صحنه آشکار شدن بطلان شرک و باور های شرک آلود

و ضلّ عنهم ما كانوا يدعون من قبل

بنابراین که مراد از <ما> آرا و ادعاهایی باشد که مشرکان در ارتباط با خدایانشان مطرح می کردند،

مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۱۰

۱۰ - شرک ، عقیده ای نادرست و ضد رشد

یهدی إلی الرشد . . . و لن نـشرك بربنا أحداً

تصریح جنیان به این مطلب که ما به خدا شرک نمیورزیم پس از پی بردن به راهنما بودن قرآن به سوی رشد و درستی می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۳

۳ - قرآن ، بازگوکننده شأن و منزلت برتر خداوند ، در عالم هستی و بیانگر یکتایی او و بطلان شرک

یهدی إلی الرشد . . . و أنه تعلی جد ربنا ما اتخذ صـحبه و لا ولداً

بطلان شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۹ - ۱

۱ شرک‌ورزی و پرستش غیر خدا ، کرداری باطل و بی اساس است .

فلاتک فی مریه مما یعبـد هؤلاء

روا نبودن شک و تردید درباره معبودهای اهل شرک که مفاد جمله <فلاتک فی مریه..> است تصریح ندارد که در چه جنبه و یا جنبه هایی تردید نباید کرد؛ قرینه های کلامی بیانگر آن جهات است. اگر <کما> در آیه شریفه برای تعلیل باشد، می رساند که روا نبودن شک و تردید، ناشی از این است که مشرکان برای پرستش بتها، هیچ دلیلی جز تقلید از پدرانشان ندارند و جایی برای شک و تردید در بطلان آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

بهانه جویی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۳

۳ - سران شرک و کفر ، نوپیدایی و بی سابقه بودن پیام توحیدی پیامبراسلام را در تاریخ ادیان گذشته ، بهانه ای بر مخالفت خود قرار داده بودند .

ما سمعنا بهذا في الملة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۳

۳ - سران کفر و شرک ، برگزیده شدن پیامبر (ص) را به رسالت بدون برخوردار بودن آن حضرت از امتیاز و شایستگی های لازم ، دلیل نپذیرفتن دعوت او اعلام کردند .

أأنزل عليه الذكر من بيننا

قید <من بیننا> در حقیقت در مقام بیان تعلیل برای انکار رسالت است ، یعنی ، پیامبراسلام از میان ما انتخاب شده است و مانند ما هیچ امتیاز و برتری و شایستگی برای دریافت وحی ندارد ، پس نمی توان ادعای او را تصدیق کرد.

بی ارزشی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۳

۳- شرک ، اندیشه ای بی بنیاد و فاقد هرگونه اعتبار در

پیشگاه خداوند

و الذین یحاجون .. حجتهم داحضه عند ربهم

بی ارزشی شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۸

۸ - عبادت های آلوده به شرک ، فاقد ارزش در پیشگاه خداوند

أن لاشرک بی شیئا

بی حرمتی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۶ - ۷

۷ - مظاهر شرک و عقاید خرافی ، فاقد تقدس و حرمت

فقال ألا تأکلون .. فراغ علیهم ضربا بالیمین ... و الله خلقکم و ما تعملون

بی گواهی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۴

۴ - مشرکان ، از ارائه هر گونه شاهد عقلی و نقلی چه از این جهان و چه از عالم غیب بر راستی و درستی آیین شرک ناتوان اند .

أفجعل المسلمین کالمجرمین .. أم لکم کتب فیه تدرسون ... أم لهم شرکاء ... أم عن

از مجموع آیات مربوط به مشرکان که به صورت پرسش و درخواست از آنان برای ارائه دلایل درستی آیین خویش مطرح شده است برداشت یاد شده به دست می آید.

بی منطقی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۲۲

۲۲ مشرکان، فاقد هر گونه دلیل و گواه بر درستی و حقانیت عقاید شرک آلود خویش هستند.

قل أي شيء أكبر شهادة .. أئنکم لتشهدون أن مع الله ءالهه أخرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴

۴ ظهور بی پایگی و پوچی عقیده شرک در قیامت، صحنه ای در خور تأمل و درس آموز

انظر كيف كذبوا على أنفسهم و ضل عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۲۰

۲۰ شرک ورزی، علی رغم دلایل روشن توحید، امری شگفت انگیز است.

أتحجونى فى الله و قد هدىن . . أفلا تتذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۱،۷

۱ نترسیدن از پیامد شرک به خدای یگانه و در هراس بودن از شریکان موهوم او، کاری شگفت و نابخردانه است.

و كيف أخاف ما أشركتم و لاتخافون أنكم أشركتم بالله

۷ شریک پنداشتن برای خداوند، عقیده ای بدون دلیل و برهان است.

و لاتخافون أنكم أشركتم بالله ما لم ينزل به عليكم سلطانا

<سلطان> به معنی حجت و برهان است. بنابراین جمله <لم ينزل به عليكم سلطانا>، یعنی خداوند هیچ حجت و برهانی بر موهومات مشرکان نازل نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۴ - ۷

۷ شریک پنداشتن برای خداوند و پندار شفاعت آنها، امری خیالی و موهوم است.

الذين زعمتم أنهم فيكم شركوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ شرک، عقیده ای برخاسته از پندار و اوهام مشرکان است.

فقالوا هذا لله بزعمهم و هذا لشركائنا فما كان لشركائهم

منتسب کردن <شركاء> به مشرکان و نه به خداوند، گویا اشاره بدین نکته باشد که آنچه را آنان شریک خدا می پندارند

به ساخته های ذهنی آنان مربوط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ شرک، فاقد هر گونه برهان و دلیل

و أن تشرکوا بالله ما لم ينزل به سلطانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ شرک ، فاقد هر گونه دلیل و برهان

ما نزل الله بها من سلطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ شرک ، اندیشه ای خیالی و فاقد اساس و پایه های علمی و برهانی

و يعبدون من دون الله .. قل أتبتئون الله بما لا يعلم في السموت ولا في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۳

۳ شرک و بت پرستی ، آیینی است بی پایه ، غیر قابل دفاع و ساخته اوهام نابخردان .

قل هل من شركائكم .. فأنى تؤفكون

اضافه <شركاء> به ضمیر <کم> حاکی از ساختگی بودن شرک است. و استفهام تعجبی در جمله <أنى تؤفكون> نشانگر نابخردی معتقدان به آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۶ - ۲

۲ شرک ، آیینی خرافی و فاقد اساس و پایه های علمی و برهانی است .

قل هل من شركائكم .. و ما يتبع أكثرهم إلا ظناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ پندار وجود شریک برای خداوند ،

پنداری است نامنطبق با واقع و دروغ محض .

و ما يتبع الذين يدعون من دون الله شركاء .. و إن هم إلا يخرصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۸ - ۹

۹ اعتقاد به وجود فرزند برای خدا ، پنداری باطل و فاقد هر گونه دلیل و برهان است .

قالوا اتخذ الله ولداً .. إن عندكم من سلطان بهذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۹ - ۲

۲ مشرکان برای عقاید شرک آمیز خویش ، هیچ دلیل و حجتی ندارند .

ما يعبدون إلا كما يعبد آباءهم من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ مرام اهل شرک ، علی رغم روشنی بطلان آن و نبود دلیلی بر آن ، مرامی آراسته شده و زینت داده شده برای آنان بود .

بل زين للذين كفروا مكرهم

مراد از <مکرهم> مرام و عقیده مشرکان / یعنی ، شریک پنداشتن برای خدا و پرستش آن شریکان است / زیرا این چیزی است که برای آنان زینت داده شده و آراسته جلوه کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۷ - ۴

۴- شرک ، دروغ پردازی و اندیشه های شرک آلود ، پوچ و بی اساس است .

و إذا رءا الذين أشركوا .. و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۶ - ۶

۶- اعتقاد مشرکان به وجود معبود

ها و خدایانی جز خداوند ، بر پایه علم و یقین نیست ؛ بلکه متکی بر پندار و احتمال است .

قل ادعوا الذین زعمتم من دونه

<زعم> در قول و کلامی که در صدق و درستی آنها تردید باشد، استعمال می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۵ - ۷

۷- شرک ، مرامی غیرمنطقی و فاقد دلیل و برهان است .

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه لولا یأتون علیهم بسطن بین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳ - ۴

۴- شرک ، اندیشه ای جاهلانه ، بی اساس و غیر قابل دفاع است .

و من الناس من یجدل فی الله بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۸ - ۵

۵ - شرک ، اندیشه ای جاهلانه و غیر قابل دفاع است .

و من الناس من یجدل فی الله بغیر علم

در این جا سخن درباره مشرکانی است که به منظور دفاع از اندیشه خود پیرامون توحید و یگانگی خدا به بحث و جدل پرداختند و از سوی خدا مورد نکوهش قرار گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۱۳

۱۳ - شرک و کفر ، بینشی غیر علمی و مخالف با مبانی عقلی

و هو الذى يحى .. أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٢ - مؤمنون - ٢٣ - ١١٧ - ٢

٢ - شرك و بت پرستى ، آيينى فاقد دليل و برهان

و من يدع مع

اللَّهُ إِلَهًا آخِرًا لَابْرَهِنٍ لَهُ بِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۴ - ۶

۶ - شرک ، فاقد مبانی علمی و برهان و متکی به تقلید از نیاکان و پیروی از سنت های گذشتگان

قالوا بل وجدنا آباءنا كذلك يفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ - شرک ، دروغ و فاقد هرگونه دلیل و برهان است .

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۲ - ۵

۵ - شرک ، اندیشه ای مبتنی بر حدس و گمان است نه بر پایه دلیل و برهان .

أین شرکاء الذین کنتم تزعمون

<زعم> (مصدر <تزعمون>) به سخنی گفته می شود که گوینده درباره درستی آن، تردید داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۴ - ۵

۵ - شرک ، اندیشه ای مبتنی بر حدس و گمان است نه بر پایه دلیل و برهان .

أین شرکاء الذین کنتم تزعمون

<زعم> (مصدر <تزعمون>) به سخنی گفته می شود که گوینده درباره درستی آن تردید داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - شرک ، اندیشه ای فاقد دلیل و برهان

فقلنا هاتوا برهنکم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که امر <هاتوا> برای تعجیز است؛ یعنی، ممکن نیست کسی بتواند برهانی بیاورد.

۸ - آگاهان جوامع شرک پیشه از اقامه برهان ، برای اثبات حقانیت شرک در

قیامت ناتوان خواهند بود .

فقلنا هاتوا برهنکم فعملوا أنّ الحقّ لله و ضلّ عنهم ما كانوا یفترون

تعبیر <ضلّ عنهم ما كانوا یفترون> کنایه از این نکته است که آنان هیچ چیزی که بتواند موضوع شرک را توجیه کند، به خاطر نخواهد آورد.

۱۰ - شرک ، پنداری دروغین و ساخته ذهن شرک‌ورزان است .

و ضلّ عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۸

۸ - عقیده به شریک داشتن خدا ، عقیده ای درست و قابل قبول نیست .

و إنّ جهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلاتطعهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۲ - ۳

۳ - تشریح بی بنیادی شرک همانند بی بنیادی خانه عنکبوت برخاسته از علم خداوند است .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله اولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیّتا .. إنّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۴

۴ - مشرکان ، در انکار وحدانیت خداوند و گزینش معبودان خویش ، دلیل و منطقی نداشته و از هوای نفس خویش تبعیت کردند .

بل اتّبع الذین ظلموا أهواءهم بغير علم

مراد از ظلم که در آیه، به عنوان صفت مشرکان ذکر شده است عقیده شرک آلود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شرک ، اندیشه ای بی اساس و به دور از کمترین منطق و برهان است .

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطٰنًا

<أم> به معنای <بل> منقطعہ

است و استفهام آن، انکاری است.

۵ - برای اثبات ادعای مشرکان درباره عقایدشان، هیچ گونه دلیل آسمانی وجود ندارد .

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهَوْا يَتَكَلَّمُونَ

این که برای نفی هر گونه دلیل، جهت اثبات عقیده مشرکان، گفته است: <أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ..> و نفرموده است: <آنان، هیچ گونه دلیلی ندارند.>، می تواند به نکته بالا، نظر داشته باشد. در ضمن، احتمال دارد مراد از <سلطان> فرشته باشد. در این صورت نیز نکته بالا، قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۰ - ۵،۶

۵ - مذاهب شرک، فاقد برهان عقلی بر اثبات درستی خویش

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَ كُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ

۶ - مذاهب شرک، فاقد کتاب آسمانی و دلیل نقلی معتبر از ناحیه خداوند بر اثبات درستی خویش

قُلْ أَرَأَيْتُمْ .. أَمْ آتَيْنَهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَى بَيِّنَاتٍ مِنْهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۷ - ۳

۳ - ناتوانی مشرکان از مقابله با منطق و استدلال ابراهیم (ع) بر بطلان شرک و بت پرستی

فِي الْجَحِيمِ

تصمیم مشرکان بر نابودی ابراهیم(ع) با سوزاندن آن حضرت پس از شنیدن سخن منطقی و خردبرانگیزش گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۶

۶ - نیایش شرک پیشگان به درگاه خداوند، هنگام گرفتاری و مصیبت ها، دلیلی روشن بر پوچی اندیشه شرک و حقانیت

عقیده توحیدی

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرٌّ دَعَانَا

برداشت یاد شده از آن جا

است که مخاطبان آیه شریفه، مشرکان مکه هستند و این آیه، در مقام بیان یکی از دلایل روشن بر اثبات توحید الهی و پوچی اندیشه شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۴

۴ - شرک ، عقیده ای غیر علمی و فاقد برهان و دلیل

تدعوننی لأکفر بالله و أشرك به ما لیس لی به علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۲ - ۷

۷ - روی گردانی از عبادت خداوند و گرویدن به شرک و بت پرستی ، در عین مشاهده آیات و نشانه های قدرت و یگانگی خداوند ، عملی شگفت آور و بدون توجیه

خلق کلّ شیء لا إله إلا هو فأنی تؤفکون

<أنی> (اسم استفهام) به معنای کجا و چگونه است و در این آیه برای تعجب می باشد و <إفک> (مصدر <تؤفکون>) به معنای <صرف> (برگرداندن) است ؛ یعنی ، <فأنی تصرفون> . به قرینه مقام معنای این جمله چنین می شود: پس به کدامین سوی می روید و چگونه از حق و توحید ربوبی برگردانده می شوید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۳ - ۳

۳ - شرک ، باوری بنا شده بر ظن و گمان است ؛ نه علم و یقین .

و ذلکم ظنکم الذی ظننتم بریکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱۵

۱۵ - شرک ، باوری پوچ و فاقد هر گونه سند و دلیل

ءاذنك ما من شهيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۳

۳ - شرک ، اندیشه ای بی بنیاد و فاقد هرگونه اعتبار در پیشگاه خداوند

و الذین یحاجون .. حجتهم داحضه عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۳

۳ - شرک ، فاقد هرگونه اعتبار و مشروعیت است .

أم لهم شركوا شرعوا لهم من الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۲

۲ - شرک ، فاقد پشتوانه عقلی و نقلی است .

ما لهم بذلك من علم .. أم ءاتينهم كتبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۲

۲ - شرک و حق ستیزی ، امری مبتنی بر حدس و گمان و فاقد دلایل مستند

أم یحسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۸ - ۶

۶- بنیاد های علمی و عقلی توحید ربوبی ، شایسته اعتماد و اتکا است ؛ نه باور های موهوم فرهنگ شرک .

ربکم و ربّ ءابائکم الأولین

در آیات پیشین، دلایل علمی و عقلی توحید ربوبی مورد اشاره قرار گرفته است و از آن جا که یکی از بهانه های مشرکان در نفی توحید، استناد به شیوه و باور پیشینیان بوده است، تعبیر <رَبِّكُمْ و رَبِّ آبَائِكُمْ> در پی آن استدلال های عقلی و علمی می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۹

۹- شرک و پرستش غیر

خدا، فاقد کمترین دلیل معتبر نقلی و برهان علمی

ائتونی بکتب من قبل هذا أو أثره من علم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <کتاب> مطلق نوشته ها و نقل هایی باشد که قابل اتکاء است و <آثاره من علم> ناظر به هرگونه دلیل علمی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۴

۴ - شرک و بت پرستی، برخاسته از خیال پردازی و موهوم گرایی بشر و فاقد هرگونه پشتوانه منطقی

سَمِّتُمُوهَا أَنْتُمْ و ءَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ

از تأکید خداوند بر این که بت ها، جز نام های ساخته و پرداخته بشر، چیزی نیستند؛ می توان به دست آورد که خیال پردازی و موهوم گرایی انسان، او را به وادی شرک کشانیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۱

۱ - آیین شرک، فاقد کتاب آسمانی و بی ارتباط با عالم غیب

أم عندهم الغیب فهم یکتبون

این آیه، درصدد بیان آخرین توجیهی است که مشرکان، می توانند برای درستی آیین خود ارائه دهند؛ یعنی، آنان ادعا کنند که با عالم غیب ارتباط برقرار کردند و حقایق و اسرار غیبی و اسرار غیبی را مکتوب داشتند. بر این اساس ارتباط با عالم غیب نشانه درستی هر آئینی است و ناتوانی از آن، علامت بطلان آن است.

بی منطقی شرک ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۶ - ۸

۸ اندیشه شرک در ربوبیت خداوند، اندیشه ای واهی و مبتنی بر

ظن و گمان است .

و ما يتبع الذين يدعون من دون الله شركاء إن يتبعون إلا الظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۹

۹ - توصیف مخلوقی ناتوان به ربوبیت ، در برابر خداوند خالق انسان ، کاری ناروا و فاقد دلیل و برهان است .

لن نُؤثِرَكَ .. والذی فطرنا

عبارت <والذی فطرنا> عطف بر <ما جائنا> است ؛ یعنی ، <لن نُؤثِرَكَ علی الذی فطرنا> (ما تو را [ای فرعون که مخلوقی بیش نیستی] بر خدایی که ما را آفریده است بر نمی گزینیم). این جمله، حاوی استدلالی متقن است ؛ یعنی، چون خدا آفریدگار است و نیز ربوبیت خود را با بینات به ما ابلاغ نموده است، انتخاب غیر او برای ربوبیت سزاوار نیست.

بی منطقی شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۶

۶ شرک ، پنداری فاقد دلیل عقلی و نقلی ، و پرستش معبودهایی جز خدا ، عاری از هر نوع برهان و حجت

ما أنزل الله بها من سلطان

<سلطان> می تواند به معنای حجت، اعم از عقلی و نقلی باشد و می تواند به معنای سیطره که برخاسته از اقتدار است باشد. برداشت فوق، ناظر به معنای اول است. گفتنی است که بر این مبنا، ضمیر در <بها> به عبادت که از <تعبدون> استفاده می شود باز می گردد.

بی منطقی شرک قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۳ - ۲

۲- شرک و بت پرستی قوم ابراهیم ، برهان

و دلیل منطقی نداشت و صرفاً متکی بر تقلید کورکورانه از اجداد و نیاکان بود .

قالوا وجدنا ءاباءنا لها عبدین

از این که مردم در پاسخ سؤال ابراهیم(ع) از علت پرستیدن بت ها، صرفاً پیروی از نیاکان و اجداد خود را مطرح ساختند، برداشت یاد شده به دست می آید.

بیگانگی شرک با فطرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۱۳

۱۳ شرک، بیگانگی با فطرت، و توحید، آشنایی با فطرت است.

بل إیاه تدعون .. و تنسون ما تشرکون

بینش رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۴، ۵

۵ خود کفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی ، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت ، در دیدگاه سران کفر و شرک

أو یلقى إلیه کنز أو تکون له جنّه یا کل منها

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود: >کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(ص) از نظر جسمی نباید نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد< ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: >پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خودکفا باشد<.

۱۴ قرآن ، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر و شرک

و قالوا أسطیرالأولین .. إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

اسطوره خواندن قرآن و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرک، گویای این نکته است که این کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۷

۷ - تلاش اغواگرانه به اعتقاد پیشوایان شرک تنها دعوت و فراخوانی است؛ نه اجبار و سلب کردن اختیار از دیگران

أغوينهم كما غوينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۹ - ۲

۲ - پیشوایان شرک، در گفت و گو با مشرکان فریب خورده در روز رستاخیز، سوء اختیار خود آنان را عامل گمراهی شان معرفی خواهند کرد.

قالوا بل لم तकونوا مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۱،۲

۱ - پیشوایان شرک در قیامت، هرگونه اعمال زور و سلطه از ناحیه خود را برای به گمراهی کشاندن مشرکان، مردود خواهند دانست.

و ما كان لنا عليكم من سلطان

۲ - پیشوایان شرک، عامل اصلی گمراهی مشرکان را، روح طغیان و حق ناپذیری خود آنان معرفی خواهند کرد.

بل كنتم قومًا طغين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۱

۱ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان، موجب مستحق بودن آنان به عذاب الهی (دوزخ) در نظر سران شرک

بل كنتم قومًا طغين . فحق علينا قول ربنا إنا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - پیشوایان شرک در عرصه قیامت ، گمراهی خود را ، عامل انحراف دیگران معرفی خواهند کرد .

فَأَغْوِينَكُمْ إِنَّا كُنَّا غَوِينَ

برداشت یاد شده به خاطر تعلیل بودن جمله > إِنَّا

کنا غاوين < برای جمله پیشین (فأغویناکم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۵،۶

۵ - سران کفر و شرک ، صبر و پایداری بر آیین شرک و بت پرستی را ، امری مطلوب و تکلیف دینی خود می دانستند .

و اصبروا علی ءالهیتم انّ هذا لشیء یراد

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <هذا> به صبر اشاره داشته و مقصود از <یراد> (خواسته شده) اقتضای اعتقاد به آیین شرک باشد.

۶ - سران شرک و کفر ، هدف و انگیزه پیامبراسلام (ص) از دعوت به یکتاپرستی را ، دستیابی به ریاست و آقایی بر دینداران می دانستند .

أجعل الألهه إلهًا وحدًا .. انّ هذا لشیء یراد

برداشت یاد شده، براساس این دیدگاه است که <هذا> اشاره به یکتاپرستی و نفی آیین شرک (مضمون دعوت پیامبراسلام) باشد و مقصود از <شیء یراد> سیادت و آقایی بر مردم باشد که در نگاه سران کفر، هدف و آرزوی پیامبراسلام بود؛ زیرا با یکی شدن پرستش ها، قهراً آن حضرت رهبری امت یکتاپرست را به عهده می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۱

۱ - سران کفر و شرک ، پیام توحیدی پیامبراسلام را ، سخنی نو ظهور و بی سابقه می دانستند .

أجعل الألهه إلهًا وحدًا .. ما سمعنا بهذا فی المله الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۲

۲ - پیامبراسلام (ص) ، در نظر سران کفر و شرک ،

فاقد هرگونه ملاک برتری و شایستگی برای رسالت و دریافت وحی الهی

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا

همزه در <أَنْزَلَ> برای استفهام انکاری است و قید <مِنْ بَيْنِنَا> (از میان ما) قرینه است بر این که نفی و انکار آنان، مربوط به شایستگی پیامبر(ص) برای رسالت بود.

پاداش اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۶

۶ - خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جَنَّتْ عَدْنٌ .. خَلْدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكُمْ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخوردارگی از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا .. وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ ... أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْعَرْفَةَ

پاداش اعراض از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۳

۳- اعطای اسحاق و یعقوب به حضرت ابراهیم (ع) ، موهبتی الهی و پاداش هجرت او بود .

فَلَمَّا أَعْتَرَلَهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ

حرف <لَمَّا> بیانگر ترتب جزا(وهبنا ..) بر شرط (اعتزلهم ...) می باشد و دلالت می کند که وجود جزا، به خاطر وجود شرط بوده است.

پشیمانی از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۲

۲ - ندامت ساحران از گذشته شرک آلود و غفلت بار خود در پیشگاه خدا

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا

پلیدی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - شرک ورزی، دور شدن از طهارت و پاکی و آلوده شدن به پلیدی و ناپاکی است.

أَنْ لَا تَشْرَكَ بِى شَيْئًا وَ طَهَّرْ بَيْتِى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۶ - ۲

۲ شرک، سرآمد پلیدی ها و بارزترین جرم دوزخیان *

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ .. الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

تعبیر <الذی جعل...> در پی اوصاف متعدد دوزخیان می نماید که همه آن اوصاف، در شرک نهفته است و جدا آمدن <الذی جعل...>، می تواند اشاره به اهمیت آن داشته باشد.

پوچی ایمان به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۸ - ۶

۶- بنیاد های علمی و عقلی توحید ربوبی، شایسته اعتماد و اتکا است؛ نه باور های موهوم فرهنگ شرک.

رَبِّكُمْ وَرَبِّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ

در آیات پیشین، دلایل علمی و عقلی توحید ربوبی مورد اشاره قرار گرفته است و از آن جا که یکی از بهانه های مشرکان در نفی توحید، استناد به شیوه و باور پیشینیان بوده است؛ تعبیر <رَبِّكُمْ وَرَبِّ آبَائِكُم> در پی آن استدلال های عقلی و علمی می تواند بیانگر مطلب یاد شده

باشد.

پوچی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ پندار شریک برای خداوند ، پنداری موهوم و ساختگی است .

ما لکم من إله غیره إن أنتم إلاّ مفترون

<مفترون> اسم فاعل از <إفتراء> است و <إفتراء> به معنای دروغ بافتن است. جمله <ما لکم من إله غیره> بیان می دارد که مقصود از افترا ، اعتقاد به وجود شریک برای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ اعتقاد به وجود خدایان مقهور و باور به شایستگی آنها برای پرستش ، اعتقادی سخیف و نادرست است .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۸،۲۳

۱۸ توحید و یکتاپرستی ، آیینی استوار و متکی بر برهان ، و شرک پنداری سست و بی بنیاد است .

ما تعبدون من دونه إلاّ أسماء .. أمر ألاّ تعبدوا إلاّ إياه ذلك الدين القيم

از معانی <قیم> مستقیم و استوار است و از آن جا که یوسف(ع) پس از اقامه برهان بر توحید و لزوم یکتاپرستی و یادآوری نبود دلیل بر شرک و پرستش غیر خدا، فرمود: <ذلك الدين القيم> معلوم می شود: ثبات و استواری توحید به خاطر برهانی بودن آن، و سستی شرک ناشی از نبود دلیل بر آن است.

۲۳ اکثر مشرکان ، ناآگاه به درستی و استواری توحید و سستی و نادرستی شرک

ما تعبدون من دونه .. و لكنّ أكثر الناس لا يعلمون

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از <الناس>

مشركان باشد. بنا بر این <و لكن اكثر الناس لا يعلمون> گویای این نکته است که: بیشتر مشركان [حقیقت] را نمی دانند و برخی از آنان بدان آگاهند؛ ولی به خاطر عناد یا خوف از دست دادن ریاست و مانند اینها، به توحید نمی گرایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۹

۹ ادعای مشركان مبنی بر وجود شریک برای خدا، ادعایی پوچ و بدون واقعیت است.

أم بظهر من القول

<ظاهر من القول>؛ یعنی، گفتاری که واقعیت نداشته و عاری از حقیقت است. <بظاهر> متعلق به فعلی محذوف است و کلام با تقدیر آن چنین می باشد: <قل... أم تسمونهم شركاء بظاهر من القول> (بگو... بلکه آیا به سخن ظاهری و بدون واقعیت آنها را شریکهای خدا می نامید).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۳

۳- شرک، آیینی ساختگی و به وجود آمده پس از عقیده به توحید و خدای یگانه است.

و جعلوا لله أندادًا ليضلوا عن سبيله

از تعبیر <جعلوا لله أندادًا> (برای خدا شریک قرار دادند)، استفاده می شود که آنان اصل وجود خدای یگانه را قبول داشتند، ولی سپس برای او شریک قرار دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۷ - ۴

۴- شرک، دروغ پردازی و اندیشه های شرک آلود، پوچ و بی اساس است.

و إذا رءا الذين أشركوا.. و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعتقاد مشرکان به وجود معبود ها و خدایانی جز خداوند ، بر پایه علم و یقین نیست ؛ بلکه متکی بر پندار و احتمال است .

قل ادعوا الذین زعمتم من دونه

<زعم> در قول و کلامی که در صدق و درستی آنها تردید باشد، استعمال می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۵۸

۵- شرک ، عقیده ای فاقد پشتوانه در عیبت و حقیقت هستی است .

یلیتنی لم أشرک برّبی أحدًا . .. هنالك الولیه لله الحقّ

متصف کردن <الله> به <الحقّ> پس از بیان پایان شوم شرگورزی در آیات پیشین، به این نکته اشاره دارد که شرک، در همه انواع خود، فاقد حَقّائیت است و آنچه حقّ محض است و دارای واقعیت و حقیقت است، فقط، خدا است.

۸- پوچی و بی حاصلی و فرجام ناخوشایند ، پی آمد شرک و دنیاپرستی است .

و لم تکن له فئه ینصرونه من دون الله . .. هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

بیان سرگذشت مرد ثروت مند و پایان خسارت بار و بی حاصل او و سپس تذکر این که خداوند، بهترین پاداش دهنده و فراهم کننده سرانجام نیک برای بندگان است، این نتیجه را در پی دارد که دنیاپرستی و شرک، بدفرجامی و بی حاصلی را در پی خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۱۰

۱۰- شرک ، مبتنی بر پندار و فاقد بنیان و اساس حقیقی است .

شرکاء الذین زعمتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۷

۷- شرک ، اندیشه و باوری بی دلیل ، پوچ و غیر قابل اثبات است .

قل هاتوا برهنکم

امرِ <هاتوا> تعجیزی است که نشان می دهد مشرکان، از آوردن دلیل و برهان ناتوان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۲

۲ - فراخوانی مشرکان برای استماع ضرب المثل خداوند ، در تبیین سستی بنیان اندیشه شرک

يَأْتِيهَا النَّاسُ ضَرْبَ مِثْلِ فَاسْتَمِعُوا لَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۳ - ۲

۲ - آشکار گشتن پوچی عقاید شرک آلود ، برای مشرکان در قیامت

و قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُعْبُدُونَ... هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۶ - ۳

۳ - شرک ، آیین ساختگی و شریک داشتن خدا ، دروغ محض است .

أَفْكَاءَ ٱلْهَىءِ ٱلَّذَىءِ تَرَىءُونَ

<إفكاً> می تواند مفعول به برای <تریدون> و <ءالهه> بدل کل از آن باشد. در این صورت <إفكاًءالهه> حاکی از برابر بودن عقیده به معبودها، با دروغ است که در برداشت یاد شده از این معنا، به دروغ محض تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - مأموریت پیامبر (ص) ، برای احتجاج با مشرکان و اثبات ناتوانی مطلق معبود ها و پوچی آیین شرک

قل أولو كانوا لا يملكون شيئاً ولا يعقلون

برداشت یاد شده از تصریح به ابلاغ حقیقت یاد شده (قل) استفاده می شود.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱۵

۱۵ - شرک ، باوری پوچ و فاقد هر گونه سند و دلیل

ءاذنک ما منا شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۳

۳ - راه کفر و شرک ، آمیخته با ماده گرایی و سرگرمی های پوچ و بدفرجام

فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۸ - ۸

۸- شرک ، دروغ و افترا به خداوند است .

اتّخذوا من دون الله .. و ذلك إفکهم و ما کانوا یفترون

<ذلك> اشاره به اتخاذ آلهه است که از <اتّخذوا من دون الله> استفاده می شود و <إفک> در آیه شریفه مصداقی جز شرک و وسیله تقرب قرار دادن آلهه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۹ - ۲

۲ - فراخوانی مشرکان از سوی خداوند ، به اندیشه و تأمل درباره پوچی مکتب شرک

أفرأیتم اللّٰت و العزّی

از واژه <أفرأیتم> مطلب بالا استفاده می شود.

پوچی شرک ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۱۵

۱۵- معتقدان به شرک ربوبی (شریک داشتن خدا در روزی رسانی) ، اعتقاد خود را بر دروغی ساختگی بنا کرده اند .

بربهم یشرکون .. و یجعلون لما لایعلمون نصیبًا ... عما کنتم تفترون

<یفترون> (از مصدر ثلاثی فری) به معنای دروغ است و تفاوتش با کذب (عدم مطابقت خبر با واقع) در

این است که افتراء، ساختگی و جعلی است (فری فلان الکذب إذا اختلقه).

پیدایش شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۴ - ۴

۴ انسان ها پیش از گرایش به شرک موحد بودند .

و لعلمهم یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۳

۳- شرک ، آیینی ساختگی و به وجود آمده پس از عقیده به توحید و خدای یگانه است .

و جعلوا لله أندادًا لیضلوا عن سبيله

از تعبیر < جعلوا لله أندادًا > (برای خدا شریک قرار دادند)، استفاده می شود که آنان اصل وجود خدای یگانه را قبول داشتند، ولی سپس برای او شریک قرار دادند.

پیشگویی شکست رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۱

۱ - پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. از این رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

تاریخ شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۶

۶ پندار فرزند داشتن خدا ، دارای پیشینه ای قبل از پیدایش دین یهود و نصارا

يضهئون قول الذين كفروا من قبل

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۴

۴ شرک ، آیینی سابقه دار در تاریخ بشر

كذلك كذب الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۳

۳- شرک ، آیینی ساختگی و به وجود آمده پس از عقیده به توحید و خدای یگانه است .

و جعلوا لله أندادًا ليضلوا عن سبيله

از تعبیر < جعلوا لله أندادًا > (برای خدا شریک قرار دادند)، استفاده می شود که آنان اصل وجود خدای یگانه را قبول داشتند، ولی سپس برای او شریک قرار دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۴

۴- اندیشه کفر و شرک ، دارای سابقه طولانی در سرزمین مکه

عن ذكر ربهم معرضون . أم لهم ءالهه ... بل متعنا هؤلاء و ءاباءهم حتى طال عليهم

از این که خداوند، پدران و اجداد مردم مکه را جزء اعراض کنندگان از خدا و بهره مندان از متاع های دنیوی و عمری طولانی برشمرده، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۳ - ۵

۵- شرک و بت پرستی در میان قوم ابراهیم ، فراگیر و دارای پیشینه طولانی بود .

قالوا وجدنا ءاباءنا لها عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- قوم نوح ، مردمی شرک پیشه و بت پرست بودند .

فقال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۵

۵ - تجدید انحراف و پیدایش شرک و بت پرستی ، پس از نوح (ع)

ثم أنشأنا من بعدهم .. فأرسلنا ... رسولا منهم أن اعبدوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۳

۳ - انکار معاد ، دارای دیرینه ای عمیق در طول تاریخ کفر و شرک

بل قالوا مثل ما قال الأولون . قالوا أءذا متنا... أءنا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۳

۳ - تسلیم شدن در برابر طبیعت تا سر حد پرستش و به خدایی گرفتن آن ، دارای دیرینه در تاریخ بشر

وجدتها و قومها يسجدون للشمس من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۲

۲ - مردم در آغاز بعثت ابراهیم (ع) ، دارای آیین شرک و بت پرستی

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ - شرک در طول تاریخ ، دارای ریشه در مادیت و قوم گرایی

إلا قال مترفوها إنا وجدنا آباءنا على أمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۴

۴ - شرک ، دارای پیشینه تاریخی در میان مردم مکه

بل متعت هؤلاء و ءاباءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۲

۲ - شرک و بت پرستی

، دارای پیشینه تاریخی در میان مردم عرب جاهلی

سَمِّتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ

تبری اخروی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۸

۸ - اقدام پیشوایان شرک به اظهار برائت از پیروان خویش در قیامت

و یوم ینادیهم .. تبرأنا إلیک

تبری از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۶ - ۳

۳ اندیشه توحیدی و میرا از شرک ، سفیهانه و نامعقول در نظر کافران قوم هود

قال الملائکة الذین کفروا من قومہ إنا لنریک فی سفاهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۳

۳ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش ، بیزار از گرایش به آیین شرک و افترا بستن بر خدا

قال أو لو کنا کرهین . قد افترینا علی اللہ کذبا إن عدنا فی ملتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۷

۱۷- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام خواهد کرد که وی در دنیا عقیده آنان را در شریک قرار دادن او برای خدا ، قبول نداشته است .

و قال الشيطان .. إني كفرت بما أشركتمون من قبل

برداشت مبتنی بر این احتمال است که <ما> در آیه مصدری باشد و <أشركتم> را به تأویل مصدر ببرد و مفعول آن ضمیر منفصل محذوف باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من شریک قرار داده شدن خودم را برای خدا از جانب شما قبول نداشتم و به آن کافر بودم.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۲۳، ۲۴

۲۳ پیامبر اکرم (ص)، مأمور به اعلام یگانگی خداوند و اظهار بیزاری از شرک و معبودهای مشرکان

قل إنما هو إله واحد و إني بريء مما تشركون

۲۴ لزوم پایداری در عقیده توحیدی و اعلام صریح بطلان شرک و بیزاری از معبودهای مشرکان

قل لا أشهد قل إنما هو إله واحد و إني بريء مما تشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۸

۸ ابراهیم (ع) با افول خورشید، بیزاری خویش نسبت به پندارهای شرک قوم خویش پرده برداشت.

فلما أفلت قال يقوم إني بريء مما تشركون

چنانچه <ما> در <ما تشرکون> مصدریه باشد، مضمون جمله چنین می شود: <بریء من اشراککم>. برداشت فوق بر این اساس است.

۱۱ ضرورت بیزاری جستن از معبودهای مشرکان و عقاید شرک

إني بريء مما تشركون

۱۲ عن الرضا (ع): إن إبراهيم (ع) وقع إلى ثلاثة اصناف .. صنف يعبد الشمس ... <فلما> اصبح و <رأى الشمس بازغه قال هذا ربى هذا أكبر> من الزهره و القمر على الانكار و الاستخبار ... <فلما افلت> قال للاصناف الثلاثة من عبده الزهره و القمر و الشمس <يا قوم إني بريء مما تشركون ...>.

از امام رضا (ع) روایت شده است: ... ابراهیم (ع) با سه گروه برخورد کرد ... گروهی که خورشید را می پرستیدند ... پس چون صبحگاهان خورشید را تابان دید از روی انکار و استخبار گفت: این پروردگار من است این، از ستاره زهره و ماه بزرگتر است ... پس هنگامی که غروب کرد به گروههای سه گانه پرستنده زهره، ماه و خورشید

گفت: <ای قوم من، من از آنچه شما شریک خدا می دانید، بیزارم> ...

۱۴ عن أبي عبد الله (ع): .. كشف الله له (إبراهيم) عن السموات حتى رأى العرش و من عليه و اراه الله ملكوت السموات و الأرض فعند ذلك <قال يا قوم إني برىء مما تشركون> ...

از امام صادق (ع) روایت شده است: .. خداوند برای ابراهیم (ع) آسمانها را نمایان کرد تا اینکه عرش و ساکنان آن را مشاهده نمود و خدا ملکوت آسمانها و زمین را به او نمایاند، در این هنگام گفت: <ای قوم من، از آنچه شریک خدا می دانید، بیزارم> ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۵ - ۲

۲ پیامبر اکرم (ص) دستور یافت انعطاف ناپذیری خود را نسبت به آیین شرک به عنوان فرمانی صریح از جانب خداوند، به مشرکان ابلاغ کند.

قل یا ایها الناس .. و أمرت أن أكون من المؤمنین. و أن أقم وجهک للدين حنیفاً و لات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۶ - ۱

۱ خداوند، پیامبر اکرم (ص) را از نیایش به درگاه هر چیزی غیر خودش بر حذر داشته است.

و لاتدع من دون الله ما لا ینفعک و لا یضرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۳۵ - ۷

۷ اعلام بیزاری پیامبر (ص) از شرکورزی مشرکان مکه و گناهان آنان

و أنا برىء مما تجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ یوسف (ع) و پدرانش ابراهیم، اسحاق، یعقوب (ع)، موحدانی مبرا از کمترین شرک‌ورزی به خدا

ما کان لنا أن نشرك بالله من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۲

۲- مرد مؤمن، با اعتراف به ربوبیت خدای یگانه و اظهار بی‌زاری از شرک، اندیشه خود را از افکار انحرافی ثروت مند مغرور، متمایز ساخت.

لکننا هو الله ربی و لاأشرك بربی أحدًا

<لکننا> در اصل <لکن أنا> بوده است و پس از حذف همزه <أنا> و ادغام نون‌ها، دو کلمه، به صورت یک کلمه نوشته می‌شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) از محیط شرک و بت پرستی هجرت کرد و از بت پرستان و معبودهای آنان کناره‌گیری کرد.

فلما أعتزلهم و ما یعبدون من دون الله و هبنا له إسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۹ - ۲

۲ - اعتقاد به یگانگی خدا و بی‌زاری از شرک و بت پرستی، نشانه بهره‌مندی از قلب سلیم

إلا من أتى الله بقلب سلیم

در آیات پیشین، سخن درباره مبارزه حضرت ابراهیم (ع) با شرک و بت پرستی است. با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل، می‌توان گفت که مراد آن حضرت از قلب سلیم، قلب خالی از شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، یکتاپرستی خود و بیزاری اش از شرک و بت پرستی را اعلام کرد .

ءأتخذ من دونه ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۱،۴

۱ - اعلان برائت حضرت ابراهیم (ع) از شرک و بت پرستی قوم خود

و إذ قال إبرهیم لأبیه و قومه إننی براء ممّا تعبدون

۴ - آیین شرک ، مورد نفرت و انزجار عمیق ابراهیم (ع)

إننی براء ممّا تعبدون

به کارگیری کلمه <براء> (مصدر <برء>) به جای <بریء> حاکی از شدت تنفر و انزجار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۴

۴ تمسک شیطان به ربوبیت الهی در دادگاه اخروی ، برای مبرّاجلوه دادن خود از گناهان مشرکان *

قال قرینه ربّنا ما أطغیته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۶،۱۱

۶ - اظهار برائت و بیزاری ابراهیم (ع) و همگامانش ، از مظاهر شرک و قوم مشرک خویش

إذ قالوا لقومهم إنا برءؤا منکم و ممّا تعبدون

۱۱ - بیزاری از شرک ، نقد و انکار شخصیت مشرکان و ستیز علنی با آنان ، سه مرحله حرکت توحیدی ابراهیم (ع)

إنا برءؤا منکم .. کفرنا بکم و بدا بیننا و بینکم العدوه والبغضاء

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که عبارت های <إِنَّا بَرَاءُؤَاكُم>، <كُفْرُنَا بَكُم> و <بَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُم> چنان که ظاهر ترتیب مقتضی آن است بیانگر سه مرحله متوالی

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۴ - ۳

۳ - پیامبر (ص)، گذشته زندگی خود را از آلودگی به شرک می‌خواند.

و لا أنا عابد ما عبدتم

تبری از شرک ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۸

۱۸ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد.

إن ربی بکیدهنّ علیم

تبری از شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۸ - ۴

۴ - اهل ایمان، از شرک در عبادت منزه و میرا هستند.

و نحن له عبدون

برداشت فوق، از تقدیم <له> بر <عابدون>، که دلالت بر حصر دارد، استفاده شده است.

تبری رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۶

۶ - پیشوایان شرک مدعی مسؤلیت نداشتن نسبت به گرویدن پیروانشان به آیین شرک

أغوینهم کما غوینا

به گفته مفسران، عبارت <کما غوینا> صفت برای مصدری است که با فعلش حذف شده و تقدیر آن چنین است: <أغویناهم فغوا غیاً مثل ما غوینا> مقصود گروه یاد شده این است که ما آنان را مجبور به پذیرش شرک نکردیم و در این جهت ما و آنها با هم برابریم. همان طوری که شرک را خودمان اختیار کردیم و کسی ما را مجبور به آن نکرد، آنها نیز خودشان شرک را پذیرا شدند و ما

آنان را مجبور نکردیم.

تبلیغ شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۰

۱۰- مشرکان صدر اسلام با تبلیغات خود در صدد بازگرداندن مسلمانان به آیین شرک و بت پرستی بودند.

قل أندعوا من دون الله... و نرد علی أعقابنا

تبیین پوچی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۱

۱- تبیین بی اساس بودن اندیشه شرک و بت پرستی در اسلوبی زیبا، مختصر، بدیع و روشن همچون مَثَل، از سوی خداوند

يَأْتِيهَا النَّاسُ ضَرْبَ مَثَلٍ

خطاب در <يا أَيُّهَا النَّاسُ> متوجه مشرکان است. <إِسْتِمَاعٌ> (مصدر <استمعوا>) به معنای گوش فرا دادن و <دَعَا> (مصدر <يدعون>) به معنای ندا کردن و فریاد استغاثه برداشتن است. گفتنی است: <مَثَلٌ> جمله ای است مختصر و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که بسبب روانی لفظ، روشنی معنا و لطف ترکیب، شهرت عام یافته و همگان آن را بدون تغییر در محاوره به کار برند. در آیه یاد شده، سستی بنیان شرک و بت پرستی، با اسلوبی چنان زیبا، مختصر، بدیع و روشن بیان شده که سزاوار است همچون مَثَلی، شهرت عام یافته و دهان به دهان گردد. و بدین جهت خدا از آن به مَثَل تعبیر کرده است. بدان جهت است که خدا از آن به مثل تعبیر کرده است.

تحقیق شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۶ - ۴

۴ - شکستن اَبْهت و تقدس بت ها، در مرحله نخست و سپس گفتوگوی خردبرانگیز، شیوه

مبارزه ابراهیم (ع) با مشرکان و مظاهر شرک

فقال ألا تأكلون . . . فراغ عليهم ضرباً باليمين ... قال أتعبدون ما تنحتون . و اللّ

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) در آغاز مبارزه با شرک و بت پرستی، ابتدا به سراغ بتکده رفته و ضمن به تمسخر گرفتن بت ها، آنها را درهم شکست. سپس با مخاطب قرار دادن مردم، آیین آنان را زیر سؤال برد (أتعبدون ما تنحتون) و به تأمل و اندیشه واداشت.

تحقیق در شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۲۲

۲۲ لزوم ریشه یابی و تحلیل زمینه های گریز از حق و گرایش به عقاید شرک آلود و انحرافی

انظر کیف نبین لهم الايت ثم انظر انی یؤفکون

کلمه <انی> گاه به معنای <من این> بکار می رود، بنابراین جمله <ثم انظر . . .> می تواند فرمان به تأمل و اندیشه در منشأ انحراف بنی اسرائیل باشد.

ترجیح کیفر بر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱۰

۱۰- اصحاب کهف، در صورت گرفتاری به دست کافران، سنگ سار شدن را بر پذیرش آیین شرک ترجیح می دادند .

یرجموکم أو یعیدوکم فی ملتھم و لن تفلحوا إذا أبداً

ارتباط جمله <و لن تفلحوا . . .> با <یرجموکم> گویای این است که اصحاب کهف، تنها، شرک و بازگشت به آیین قوم خویش را مانع رستگاری می دانستند و درباره سنگ سار شدن چنین دیدگاهی نداشتند.

ترک شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ شعیب با ارائه بینه ای روشنگر، قوم خویش را به توحید و ترک شرک دعوت کرد .

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره قد جاءكم بينه من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۱۰

۱۰ خداوند در پی اعطای مهلت چهار ماهه به مشرکان، آنان را به رها کردن شرک و گرویدن به آیین توحید، سفارش کرد

فسيحوا في الأرض أربعه أشهر و اعلموا أنكم غير معجزى الله و أن الله مخزى الكفرين

اعلام حاکمیت گسترده خداوند به مشرکان پیمان شکن و عدم امکان مقاومت در برابر او و فرار از حاکمیت او (اعلموا أنکم غیر معجزی الله) و نیز هشدار به فرجام شوم و ذلت بار مستکبران کفرپیشه (و أن الله مخزى الكافرين) در حقیقت توصیه و اندرزی است از جانب خداوند به اینکه از فرصت داده شده استفاده کنند و به دامن توحید و اسلام بازگردند و خود را گرفتار عاقبت شوم خواری و ذلت شکست ناسازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۸

۸ توصیه خداوند به عموم مشرکان مبنی بر رها کردن شرک و گرویدن به توحید و اسلام در پی ابلاغ پیام برائت خدا و رسول به آنان

و أذن من الله .. فإن تبتم فهو خير لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۵

۵ همه انسان ها، مأمور به پرستش و اطاعت بی چون و چرای خدای

یگانه و پرهیز از شریک گرفتن غیر ، برای اویند .

و ما أمرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَحَدًّا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۷

۷ - لزوم تنزیه خداوند ، از هرگونه عیب ، نقص و شریک به هنگام بهره مندی از نعمت ها

و تقولوا سبحن الذی سخر لنا هذا

ترک شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۳۲

۳۲ - > عن أبي جعفر (ع) قال : ... انّ الله عزّوجلّ بعث نوحاً إلى قومه > أن اعبدوا الله واتّقوه و أطيعون < ثمّ دعاهم إلى الله وحده و أن يعبدوه و لا يشركوا به شيئاً ثمّ بعث الأنبياء على ذلك إلى أن بلغوا محمداً فدعاهم إلى أن يعبدوا الله و لا يشركوا به شيئاً و قال : > شرع لكم من الدين ما وصى به نوحاً و الذى أوحينا ... < ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. خداوند عزّوجلّ نوح را به سوی قومش مبعوث نمود که خدا را عبادت نمایند و از او پروا داشته باشید و مرا اطاعت کنید. سپس آنها را دعوت نمود به خدای یگانه که او را عبادت نمایند و هیچ گونه شریکی برای او نگیرید و بعد پیامبران را بر همین منوال فرستاد تا به رسول خدا(ص) رسید، و آنان را به عبادت خدا و این که نسبت به او هیچ گونه شرکی نوزند، فرا خوانده و فرمود: شرع لكم من الدين ما وصى به نوحاً...<.

تزیین شرک

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ مرام اهل شرک ، علی رغم روشنی بطلان آن و نبود دلیلی بر آن ، مرامی آراسته شده و زینت داده شده برای آنان بود .

بل زین للذین کفروا مکرم

مراد از <مکرم> مرام و عقیده مشرکان ؛ یعنی ، شریک پنداشتن برای خدا و پرستش آن شریکان است ؛ زیرا این چیزی است که برای آنان زینت داده شده و آراسته جلوه کرده بود.

تشویق به ترک شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۵ - ۴

۴ - خداوند ، تشویق کننده کافران و مشرکان به رها کردن شرک و بازگشت به توحید و یکتاپرستی

و هو الذی یقبل التوبه عن عباده

با توجه به آیات پیشین، می توان گفت که جمله <و هو الذی یقبل التوبه> دعوتی است از سوی خدا به عموم کافران و مشرکان مبنی بر دست برداشتن از عبادت غیرخدا و بازگشتن به یکتاپرستی.

تشویق به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۹

۹ - شیطان ، وادار کننده انسان ها به شرکورزی و ترغیب کننده آنها به دوستی با سران شرک و پیروی از آنان *

و من الناس من یتخذ من دون الله أنداداً .. إنما یأمرکم بالسوء و الفحشاء

از مصداقهای مورد نظر برای <سوء> و <فحشاء> به قرینه آیات قبل، شرک ورزی و .. است.

تظاهر به خیرخواهی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - پیشوایان شرک با تظاهر به خیرخواهی ، عامل اصلی فریب خوردن و دور شدن از مسیر خیر و حق در دیدگاه مشرکان گمراه شده

قالوا إنکم کنتم تأتوننا عن الیمین

<یمین> می تواند مشتق از <یمن> (خیر و برکت) باشد. بر این اساس، معنای آیه چنین می شود: شما از سر خیرخواهی به سراغ ما می آمدید. اما متعدی شدن فعل <تأتوننا> به <عن> که برای مجاوزت است موجب می شود که این کلمه متضمن معنای <تصددنا> که متناسب با معنای مجاوزت است باشد. بر این اساس، پیام اصلی آیه چنین خواهد بود: شما بودید که در ظاهر از سر خیرخواهی به سراغ ما آمده و ما را از مسیر حق و خیر گمراه می کردید.

۵ - استفاده از قدرت و تظاهر به خیرخواهی ، از روش های پیشوایان کفر و شرک برای فریب و گمراهی توده ها

قالوا إنکم کنتم تأتوننا عن الیمین

تعقل در روش مبارزه رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۳، ۲، ۱

۱ خداوند ، پیامبر (ص) را به اندیشه و تحلیل در چگونگی و شیوه های مخالفت و مبارزه سران کفر و شرک با قرآن و رسالت آن حضرت ، فراخواند

انظر کیف ضربوا لک الأمثل

۲ ضرورت اندیشه در چگونگی و شیوه های مخالفت و مبارزه سران کفر و شرک با قرآن و پیامبر اسلام (ص) و تحلیل عمیق آن برای رهبران جامعه اسلامی

انظر کیف ضربوا لک الأمثل

۳ کیفیت موضع گیری و شیوه های مبارزاتی سران کفر و شرک علیه قرآن

و رسالت پیامبر (ص)، امری شگفت آور و در خور تأمل و اندیشیدن

انظر كيف ضربوا لك الأمثل

<كيف> اسم استفهام است؛ ولی در این آیه برای بیان تعجب به کار رفته است، نه استفهام حقیقی.

تقدیر عذاب رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۱

۱ - برای بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام، عذاب الهی مقرر شده بود.

لقد حقّ القول علی أكثرهم

<حقّ> به معنای <ثبت> است و مقصود از <قول> عذاب الهی می باشد. این مطلب به قرینه دیگر آیاتی است که در آن واژه ای مشابه <قول> به کار رفته است مثل <ولکن حقّت کلمه العذاب علی الکافرین> (زمر، آیه ۷۱). گفتنی است مقصود از اکثریت در آیه شریفه به دلیل این که این آیه در نیمه نخست رسالت و در مکه نازل گشت آن دسته از مشرکان و کافرانی است که در ابتدای دعوت اسلام به مخالفت با آن برخاستند (مانند سران قریش، چون ابوجهل و ابولهب)؛ نه اکثریت توده مردم که پس از چندی مسلمان شدند.

تکبر رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۲

۲ - سران کفر و شرک، در اوج غرور و ناباوری نسبت به معاد و حسابرسی الهی به سر می بردند.

وقالوا ربّنا عجلّ لنا قطنًا قبل یوم الحساب

از استهزای معاد به وسیله کافران و درخواست شتاب در نزول عذاب قیامت، برداشت یاد شده به دست می آید.

تلاش رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۷

۷ - تلاش سران شرک پیشه گمراه به هم فکر و هم سان ساختن دیگران با افکار و عقاید خویش

فَأُغْوِينَكُمْ إِنَّا كُنَّا غُورِينَ

طبق نظر مفسران، فلسفه این که سران شرک گمراهی مردم را به دلیل انحراف خود می دانند، می تواند به این جهت باشد که آنان در دنیا درصدد هم فکر ساختن و هم سان درست کردن با افکار و عقاید خود بودند.

تمثیل شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۸

۸ - تمثیل بی بنیادی شرک به خانه عنکبوت ناشی از علم و برهان است .

مثل الذین اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا .. وَ تَلْكَ الْأُمُّ

تنزیه از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۱۰

۱۰ - کتاب های آسمانی ، مبرا از کمترین آثار و نشانه های شرک

اَتْتُونِي بِكُتُبٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا

بارزترین مصداق برای <کتاب من قبل هذا> کتاب های آسمانی پیش از قرآن است. قرآن با قاطعیت در برابر تمامی اهل کتاب عصر نزول، اعلام کرده است که هیچ کتاب آسمانی، نظریه <شرک> را تأیید نکرده است.

توبه از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۷

۱۷- وعده خداوند به آمرزش مشرکان ، در صورت بازگشت از شرک

تعلی عمّا یقولون . .. إنه کان حلیمًا غفورًا

ذکر تعلیل <غفور> در پایان جمله، می تواند نویدی باشد بر مشرکان که علی رغم گناه بزرگ و سخنان ناروا درباره

خداوند، امکان آمرزش آنان، وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۵

۵ - هارون ، با یادآوری رحمت گسترده خداوند به بنی اسرائیل ، باز بودن راه بازگشت از شرک و ارتداد را به آنان یادآوری کرد .

إِنَّمَا فَتَنَّاهُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ

توصیف خداوند در کلام هارون(ع)، با عنوان <الرحمان> و با توجه به گوساله پرستی و عصیان بنی اسرائیل، متضمن وعده رحمت الهی به آنان، در صورت توبه و بازگشت از شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۷ - ۱

۱ - توبه از کفر و شرک و گرایش به ایمان ، توصیه خداوند به مشرکان

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ - توبه و بازگشت از گناه کفر و شرک ، مورد پذیرش خداوند

و أَنَا أَدْعُوكُم إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۴ - ۱

۱ دعوت خداوند از معتقدان به تثلیث و الوهیت مسیح (ع) ، برای استغفار و بازگشت به خدا

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ

به قرینه آیات پیشین (قالوا ان الله هو المسيح . . قالوا ان الله ثالث ثلثة) فاعل <یتوبون...> مسیحیان هستند و متعلق توبه و

استغفار، عقیده به الوهیت مسیح(ع) و تثلیث می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۵ - ۴

۴- بازگشت از شرک و کفر)

توبه) برای کافران و مشرکانی که هلاکتشان مقدر شده ممکن نیست .

و حرم علی قریه اهلکنها انهم لایرجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <لا> در <لایرجعون> زایده و مقصود از رجوع، بازگشت از کفر و شرک باشد.

توجیه شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۲

۲ جبر، دستاویز مشرکان در توجیه شرک خویش و پدرانیشان و حرام کردن حلال خدا

سیقول الذین أشركوا لو شاء الله ما أشركنا ولا ءاباؤنا ولا حرمنا من شيء

توحید و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۷

۷ یوسف (ع) از هم بندان خویش خواست تا با مقایسه و سنجش عقیده توحیدی با عقیده به خدایان متعدد ، عقیده درست را برگزینند .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار

توصیه های رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۲

۲ - سران کفر و شرک در عصر بعثت ، مردم را به صبر و پایداری بر آیین شرک و مواضع عقیدتی خود فرامی خواندند .

و اصبروا علی ءالھتکم

<صبر بر آلہه> کنایه از پایداری بر پرستش معبودها و ادامه آن است.

توطئه رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۷

۷ سران کفر و شرک ، سازندگان تهمت و افترا بر پیامبر (ص) و تخریب گران افکار عمومی جامعه صدر اسلام بودند .

و قال الظلمون إن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

از جمله

>إِنَّ تَتَّبِعُونَ إِلَّا...< پیروی نمی کنید مگر...< استفاده می شود که دو گروه در جامعه بودند: ۱ گویندگان این سخن، ۲ مخاطبان و پیروان. و به قرینه صفت <الظالمون> می توان گفت که: <گویندگان از سران کفر و شرک بودند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۱

۱ - رفتن سران شرک و کفر از حضور پیامبر (ص) و تحریک دیگران به پراکنده شدن از اطراف آن حضرت

و انطلق الملائمهم أن امشوا

<انطلاق> به معنای انصراف و رفتن و <ملاً> به معنای سران و دانه درشتان جامعه است. <أن> در <أن امشوا> تفسیری و متضمن معنای قول است؛ یعنی، <انطلقوا و قالوا امشوا...>. مفسران گفته اند: آیه شریفه درباره کسانی نازل شده که در مجلس ابوطالب و با حضور پیامبر اسلام شرکت داشتند؛ ولی پس از دعوت پیامبر(ص) به یگانه پرستی، آن مجلس را ترک کردند و دیگران را به پراکنده شدن از اطراف آن حضرت تحریک نمودند.

تهدید رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۹

۹ - سران کفر و شرک در عصر بعثت، مورد تهدید خداوند به عذاب استیصال

بل لَمَّا يَذُوقُوا عَذَاب

برداشت یاد شده از لحن تهدیدآمیز آیه شریفه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۵

۵ - سران کفر و شرک در صدر اسلام، به کیفر و عذاب استیصال تهدید شدند.

إِنَّ كَلَّ الْكَاذِبِ الرِّسْلَ فَحَقَّ عِقَاب

این آیه و آیات گذشته که سرگذشت هلاکت بار

اقوام بزرگ و مقتدر پیشین را یاد آور شده در واقع در جهت تهدید کافران و مشرکان مکه است که رهبری جریان مخالف با رسول اکرم (ص) را در دست داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۱

۱ - تهدید سران کفر و شرک عصر بعثت ، به عذاب ناگهانی (بانگ سهمگین) از سوی خداوند

و ما ينظر هؤلاء إلا صيحة وحده

<ينظر> (از مصدر <نظر>) به معنای <انتظار> است و مقصود از <صیحه> عذاب استیصال می باشد که ممکن است به صورت صاعقه و بانگ سهمگین باشد. آمدن کلمه <واحد> نیز برای اشاره به ناگهانی و یکباره بودن نزول عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۵

۵ - تهدید شدن سران کفر و شرک در صدر اسلام ، به مؤاخذه شدن همچون مؤاخذه فرعون

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ .. فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخَذًا وَبِيلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، مورد تهدید خداوند به عذاب و شکست

ذرنی و من خلقت وحيداً

تہمتہای رہبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۷،۱۲

۷ سران کفر و شرک ، سازندگان تہمت و افترا بر پیامبر (ص) و تخریب گران افکار عمومی جامعه صدر اسلام بودند .

و قال الظلمون إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

از جمله <إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا...> پیروی نمی کنید مگر...> استفاده می شود که

دو گروه در جامعه بودند: ۱ گویندگان این سخن، ۲ مخاطبان و پیروان. و به قرینه صفت <الظالمون> می توان گفت که: <گویندگان از سران کفر و شرک بودند.>

۱۲ تهمت سحر زدگی ، آخرین توجیه و حربه سران کفر و شرک علیه پیامبر (ص)

و قال الظلمون إن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

سران کفر و شرک، به ترتیب چند تهمت و افترا را علیه پیامبر(ص) مطرح کردند که اولین آن، تهمت دروغ گویی به آن حضرت و خدشه در اصالت وحی بود. آخرین آن نیز تهمت سحرزدگی به ایشان بود. در تاریخ آمده است که گویندگان این سخن عتبه بن ربیع، ابوسفیان و ... بوده اند که از سران شرک و کفر به شمار می آمدند. بنابراین آنچه در تاریخ آمده، مؤید دیگری برای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۶

۶ - سران شرک و کفر ، هدف و انگیزه پیامبراسلام (ص) از دعوت به یکتاپرستی را ، دستیابی به ریاست و آقایی بر دینداران می دانستند .

أَجْعَلِ الْأَلْهَةَ إِلَهًا وَحَدًّا .. . إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ

برداشت یاد شده، براساس این دیدگاه است که <هذا> اشاره به یکتاپرستی و نفی آیین شرک (مضمون دعوت پیامبراسلام) باشد و مقصود از <شئیء یراد> سیادت و آقایی بر مردم باشد که در نگاه سران کفر، هدف و آرزوی پیامبراسلام بود؛ زیرا با یکی شدن پرستش ها، قهراً آن حضرت رهبری امت یکتاپرست را به عهده می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ -

۴- سران کفر و شرک ، کلام توحیدی و یکتاپرستی رسول خدا را ، سخنی دروغ و ساختگی می پنداشتند .

إن هذا إلا اختلق

مقصود از واژه <اختلاق> هنگامی که در وصف کلامی آورده شود سخن ساختگی و دروغی است که سابقه نداشته باشد.

ثروتمندی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۶

۶- سازندگان آیین شرک و بت پرستی برخوردار از ریاست ، مکنت و ثروت بودند .

و أحلّوا قومهم .. و جعلوا لله أندادًا ليضلّوا عن سبيله قل تمتّعوا

جاهلانه بودن شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴- لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۲

۲- عقیده به شریک داشتن خداوند ، عقیده ای جاهلانه است .

علی أن تشرک بی ما لیس لک به علم

آوردن قید <ما لیس لک به علم> برای شرک، حکایت از آن دارد که اساس شرک، بر جهل استوار است.

جرم رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵- صافات - ۳۷ - ۳۴ - ۲

۲- سردمداران شرک و کفر و توده های کافر و مشرک ، در پیشگاه عدل الهی مجرم اند .

إنّا کذلک نفعل بالمجرمین

مقصود از <مجرمین> دو گروه پیشوایان شرک و توده های مشرک اند که در آیات پیشین از آنان سخن به میان آمد.

جرم شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۵ - ۶

۶ - کفر و شرک ، جرم است و کافران و مشرکان از تبهکاران اند .

أفنجعل المسلمین کالمجرمین

از مقابله

مجرمان با مسلمانان به دست می آید که مقصود از آن، کافران و مشرکان است.

جنگ با رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۱۲، ۸

۸ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به پیکار با سران و پیشوایان شرک و کفر ، در صورت نقض پیمان صلح از سوی آنان ، فراخواند .

و إن نکثوا أیمنهم .. فقتلوا أئمه الکفر

۱۲ پیکار با سران شرک و کفر ، به منظور وادار کردن آنان به رعایت عهد و پیمان و بازداشتن ایشان از ضربه زدن به اسلام و مسلمانان است .

و إن نکثوا أیمنهم ... فقتلوا أئمه الکفر ... لعلهم ینتهون

جنیان و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۳

۳ - جن ، پیش از نزول قرآن ، از دروغ و ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه نبودند .

إنا سمعنا قرءاناً عجباً .. و أنا ظننا أن لن نقول الإنس و الجنّ علی الله کذ

جهل رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۹، ۱۸

۱۸ سران کفر و شرک و پیروان آنان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب یکدیگر

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

مفعول <لاتعلمون> به قرینه <لکل ضعف>، ان لکل ضعفا است.

۱۹ سران شرک و کفر و پیروانشان، بی خیر از مضاعف بودن عذاب خویش

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که سران شرک نیز، همچون پیروان آنان، مخاطب <لاتعلمون> باشند.

حامیان شرک

در دوران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، در خدمت کفر و شرک و علیه دعوت توحیدی آن حضرت بود .

قال نوح ربّ إنهم عصونی و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

حتمیت عذاب رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۶

۶ - چشیدن عذاب دوزخ برای مشرکان و سران آنان ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند

فحقّ علینا قول ربّنا إنّنا لذائقون

برداشت یاد شده از آن جا است که <حَقٌّ> به معنای <ثَبَّتَ> و <لَزِمَ> است و ثابت و لازم بودن عذاب، حاکی از حتمی و تخلف ناپذیر بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۴ - ۳

۳ - اشتراک عذاب و کیفر رهبران شرک و کفر و توده های مشرک و کافر ، وعده حتمی خداوند

إنّا کذلک نفعل بالمجرمین

حتمیت گمراهی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهی گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إِن هَذَا إِلَّا إِفْكَ. .. وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ ... إِنَّ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

<فَاء> در <فَضَّلُوا> برای سببیت و در <فَلَايَسْتَطِيعُونَ> تفسیریه است، یعنی، برخورد های عناد آلود کافران با پیامبر (ص)
سبب گمراهی آنان بود و این

گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

حرمت شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۷

۷ شریک برای خدا پنداشتن از محرمات الهی است.

ألا تشرکوا به شیئا

<أن> در <ألا تشرکوا> تفسیریه و <لا> ناهیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۶

۶ پندار وجود شریک برای خداوند و افترای بر او از محرمات الهی است.

أن تشرکوا بالله ما لم ينزل به سلطانا و أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون

حق ستیزی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود.

و ما ينظر هؤلاء إلا صيحة وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن در نمی دهند.

حق ناپذیری اکثریت رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدر اسلام ، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و

کفر در صدر اسلام، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند.

و سواء عليهم ءأندرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون

حق ناپذیری رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران کفر و شرک در صدر اسلام، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند.

بل لَمَا يذوقوا عذاب

جمله <بل لَمَا يذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبر اسلام (ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

حقیقت شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۲۸

۲ شرک، باطل و اعتقاد به آن تحمیل دروغ بر خویشان است.

انظر كيف كذبوا على أنفسهم

جمله <كذبوا...> بیان حال مشرکان در دنیا می تواند باشد. یعنی مشرکان در دنیا با عقیده شرک بر خود نیز دروغ بستند. زیرا فطرت و جان آدمی گواه بر توحید است.

۸ شرک، افترا و پنداری باطل و ساختگی است.

و ضل عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲

۲ شرک‌ورزی ، افترا بر خداوند است .

قد افترینا علی اللّٰه کذباً إنّ عدنا فی ملتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۴ - ۷

آیین شرک ، بر شالوده عبادت برای آلهه و نفی عبادت < الله > بنا شده است .

الذین تعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۵ - ۶

۶ شرک ، انحراف از دین حنیف و صراط مستقیم است .

و أن أقم وجهك للدين حنيفاً ولا تكونن من المشركين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۲

۱۲ شرک‌ورزی و پرستش غیر خدا ، طغیان گری و تجاوز از حقیقت است .

و لا تطغوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ شریک برای خدا پنداشتن ، در حقیقت ایمان نداشتن به اوست .

إني تركت مله قوم لا يؤمنون بالله .. اتبعت مله آباءی ... ما كان لنا أن نشرك

از جمله < ما كان لنا أن نشرك بالله > معلوم می شود مراد از < لا يؤمنون بالله > در آیه قبل ، این است که برای خدا شریک می پندارند. تعبیر کردن از شرک‌ورزی به ایمان نداشتن به خدا ، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۶، ۱۸

۱۶ توحید و یکتاپرستی ، آیینی بدون کمترین انحراف و کجی ، و شرک پنداری منحرف و نادرست است .

أمر ألا تعبدوا إلا إياه ذلك الدين القيم

<قیم> به معنای مستقیم و بدون انحراف و کجی است.

۱۸ توحید و یکتاپرستی ، آیینی استوار و متکی بر برهان ، و شرک پنداری سست و بی بنیاد است .

ما تعبدون من دونه إلا أسماء .

.. أمر ألا تعبدوا إلا إياه ذلك الدين القيم

از معانی <قیم> مستقیم و استوار است و از آن جا که یوسف(ع) پس از اقامه برهان بر توحید و لزوم یکتاپرستی و یادآوری نبود دلیل بر شرک و پرستش غیر خدا، فرمود: <ذلك الدين القيم> معلوم می شود: ثبات و استواری توحید به خاطر برهانی بودن آن، و سستی شرک ناشی از نبود دلیل بر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱۰

۱۰ مؤثر دانستن افراد در محافظت از چیزی و یا شخصی، موجب شرک نمی شود و با توکل و مقام نبوت تنافی ندارد.

كما أمنتكم على أخيه من قبل

به دلیل آیه ۳۸ از همین سوره (ما كان لنا أن نشرك بالله من شيء) یعقوب(ع) هرگز به اندکی از شرک نیز گرایش نداشت و عبارت (كما أمنتكم على أخيه) می رساند که یعقوب(ع) فرزندانش را امین پنداشت و حفاظت از یوسف(ع) را برعهده آنان سپرد. بنابراین مؤثر دانستن افراد در حفاظت از چیزی شرک آور نیست و با مقام نبوت نیز ناسازگار نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۴

۴- شرک، ظلم به نفس است.

و يقول أين شركاءى .. الكافرين . الذين تتوفهم الملائكة ظالمى أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۱ - ۱۰

۱۰- شرک به خدا، کفران نعمت های اوست.

أفبئعنه الله يجحدون

برداشت فوق با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه مشرکان مکه می باشند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۳ - ۵

۵- پرستش غیر خدا ، ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی است .

أفبالبطل يؤمنون و بنعمت الله هم يكفرون . و يعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۷

۷- شرک ، کفر به خداوند است .

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً .. عَلَى الْكُفْرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۴ - ۳

۳- بت پرستی و شرک ، ضلالت و گمراهی آشکار است .

ما هذه التماثيل .. أنتم وءاباؤکم فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۹

۹ - شرک و بت پرستی ، حرکتی است مخالف جریان طبیعی نظام هستی .

أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ .. وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - شرک و رزی ، دور شدن از طهارت و پاکی و آلوده شدن به پلیدی و ناپاکی است .

أَنَّ لِشُرَكَائِكَ بِي شَيْئًا وَطَهْرًا بِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - شرک ، در حقیقت کفر به خدا و انکار صفات کمالی او است .

و من یدع مع الله . . . إنه لا یفلح الکفرون

<کافرون> می تواند در مقابل <مؤمنون> باشد و یا در مقابل <شاکرون> . برداشت فوق بر

پایه احتمال اول است.

۱۱ - شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های خدا و ناسپاسی در برابر ربوبیت او است .

و من يدع مع الله .. إنه لا يفلح الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - شرک ، متکی بر تبلیغات فریبکارانه است .

بل إن يعد الظلمون بعضهم بعضاً إلا غروراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۷، ۱۵

۱۵ - شرک به خداوند ، کفران نعمت های الهی است .

ثم إذا خوله نعمه منه .. و جعل لله أنداداً

<ند> (مفرد <انداد>) به معنای مثل و نظیر است و مقصود از آن شریک در کار خداوند است.

۱۷ - آیین شرک ، آیینی راه زن و گمراه کننده

و جعل لله أنداداً ليضلّ عن سبيله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۸

۸ - شرک ، در واقع کفر به خدا و انکار او است .

تدعونني لأكفر بالله و أشرك به

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که پیش از طرح مسأله شرک به خدا، مسأله کفر به خدا مطرح گشته و دعوت به شرک، دعوت به کفر به خدا دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۶

۶ - شریک پنداشتن برای خدا ، به منزله کفر و انکار خدا است .

کَنا به مشرکین . . . خسرهنا لک الکفرون

برداشت یاد شده به این خاطر است که در آیه شریفه از مشرکان، به کافران

تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۱۱

۱۱ - شرک ، آیینی انحرافی و مشرکان مردمانی منحرف از راه راست

أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۴

۴ - آیین شرک ، اندیشه ای دنیا مدار و فاقد گرایش به آخرت

مَنْ كَانَ يَرِيدَ حَرْثَ الدُّنْيَا .. أَمْ لَهُمْ شُرَكَوَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۲

۲ - شرک و حق ستیزی ، امری مبتنی بر حدس و گمان و فاقد دلایل مستند

أَمْ يَحْسِبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۳

۳ - راه کفر و شرک ، آمیخته با ماده گرایی و سرگرمی های پوچ و بدفرجام

فَذَرِهِمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۸ - ۸

۸ - شرک ، دروغ و افترا به خداوند است .

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ .. وَذَلِكَ إِفْكَهُمُ وَ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

<ذَلِكَ> اشاره به اتخاذ آلهه است که از <اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ> استفاده می شود و <إفكك> در آیه شریفه مصداقی جز شرک و وسیله تقرب قرار دادن آلهه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۷

۷ - بد گمانی به خداوند ، روح اصلی نفاق و شرک

المنفّقين . . . والمشرکین ... الظانّین باللّهِ ظنّ السوء

با

توجه به این که <الظَّالِمِينَ..> صفت برای هر دو گروه (منافقان و مشرکان) است و در این جا از میان همه اوصاف آنان، این صفت اختصاص به ذکر یافته است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - شرک ، بت پرستی و گمراه گری ، ظلم است .

و لا تزدد الظلمين إلا تبارًا

مطلب یاد شده، از تعبیر <ظالمان> درباره بت پرستان و گمراه کنندگان به دست می آید.

خدا و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۱

۱ - خداوند ، هرگز به شرک و بندگی غیر او فرمان نداده است .

و ما أُمروا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ

خطر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۶

۶ هشدار خداوند به مؤمنان در مورد خطر گرایش آنان به کفر و شرک

الم تر الى الذين اتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

مخاطب قرار دادن مؤمنان و سپس بیان سرنوشت شرک آلود اهل کتاب، تعریضی به مخاطبان است که چنین خطری شما را نیز تهدید می کند و هشیار باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۲ - ۵

۵- همه انسان ها ، در معرض خطر شرکند .

لا تجعل مع الله إلهًا آخر

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لا تجعل> خطاب به پیامبر(ص) نیز باشد. بنابراین از اینکه پیامبر(ص) نیز مخاطب این هشدار قرار گرفته است، معلوم می شود که ابتلای به شرک خطری

است همگانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۹

۹- انسان ، همواره در معرض ابتلا به شرک و نیازمند به هشدار است . *

لاتجعل مع الله إلهاء اخر . . . و قضي ربك ألا تعبدوا إلا إياه ... لاتجعل مع ال

تأکید بر پرهیز از شرک در این مجموعه آیات (آیه ۲۲ ۳۸) که درباره مباحث مختلف خانوادگی و اجتماعی است بیانگر این نکته است که احتمال لغزش انسانها زیاد است و باید به آنها توجه داده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۹ - ۳

۳- شرک ، خطری جدی در مسیر انسان ها است .

و الذین هم برّبهم لایشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۳ - ۳

۳- ابتلای به شرک ، خطری جدی در مسیر عقیده و عمل انسان

فلاتدع مع الله إلهاء اخر

نهی الهی آن هم در ظاهر خطاب به پیامبر(ص) نشانگر آن است که اصولاً انسان در معرض چنین خطری قرار دارد زیرا وقتی آن حضرت مورد هشدار قرار گیرد، تکلیف دیگران روشن است.

خطر گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۱

۱ - هشدار خداوند به یکایک پیامبران در باره گرایش پیدا کردن به شرک و پرستش غیر او

و لقد أوحى إليك و إلى الذين من قبلك لئن أشركت ليحبطن عملك

مفرد آمدن خطاب در <أشركت> و <عملك> با آن که همه پیامبران مخاطب وحی الهی بودند می رسانند

که این وحی به یکایک پیامبران به طور جداگانه و مستقل، ابلاغ شده است.

درخواست شغل از حکومت شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

دروغ بودن شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۶، ۲

۲ - آگاهی و اعتراف گروهی از جن ، به دروغ بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند

و أَنَا ظَنُّنَا أَن لَّنْ تَقُولَ الْإِنْسَ وَالْجِنِّ عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا

۶ - شریک داشتن خداوند و همسر و فرزند گزیدن او ، کذب محض و ساخته دست انس و جن است .

و أَنَا ظَنُّنَا أَن لَّنْ تَقُولَ الْإِنْسَ وَالْجِنِّ عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا

دشمنی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۳

۱۳ سران کفر و شرک ، برای جلوگیری از نفوذ پیامبر (ص) و گسترش اسلام ، از شیوه های گوناگون تبلیغی و سیاسی و از راهبرد های متنوع و ممکن استفاده می کردند .

و قالوا أسطیر الأولین . . . مال هذا الرسول يأكل الطعام ... إن تتبعون إلا رجل

تهمت دروغ پردازی و سحرزدگی به پیامبر(ص) و ایراد و خرده گیری از ایشان، حاکی از گوناگونی شیوه ها و راه های مبارزه کافران با پیامبر و قرآن است. گفتنی است تعبیر <ضربوا لك الأمثال> برای تو مثل ها زده و توصیف ها کرده اند < در

آیه بعد، مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۷ - ۲

۲ - گفت و گوی اعتراض آمیز و خصومت گونه مشرکان فریب خورده با پیشوایان فریب کار خود بر سر راه دوزخ

و قفوهم .. و أقبل بعضهم علی بعض يتساءلون

مقصود از <علی بعض> به قرینه سه آیه بعد (و ما کان لنا علیکم من سلطان و ..) پیشوایان فریب کاراند. بر این اساس، گفت و گوی مشرکان با پیشوایان شان از سر اعتراض و خصمانه خواهد بود.

دعوت به اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۲۰

۲۰ هود (ع) از قوم عاد خواست تا از دعوتش (پذیرش توحید، یکتاپرستی و ترک شرک و استغفار از گناهان) اعراض نکنند و بر گناه خویش اصرار نورزند.

و لاتتولوا مجرمین

<تولّی> (مصدر لاتتولوا) به معنای اعراض کردن و نپذیرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۵

۱۵ شعیب (ع)، با آگاه ساختن قوم خویش به نبود معبودی جز خدا، آنان را به توحید و ترک شرک دعوت کرد.

قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۳

۳ یوسف (ع)، هم بندگان خویش را به توحید و دوری از شرک فراخواند.

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ -

۴- دعوت به توحید و نفی شرک ، روح ادیان الهی

و قال الله لا تتخذوا إلهين إثنين إنما هو إله واحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۶

۶- توحید و یکتاپرستی ، راه خدا و اسلام ، فراخوان مردم به پیمودن این راه و ترک آیین های شرک

و من الناس من يجدل في الله .. ليضل عن سبيل الله

دعوت به ترک شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۴

۴ خداوند ، فراخوان کفار و مشرکان به توبه (ترک آیین شرک و پذیرش اسلام)

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم .. و يتوب الله على من يشاء

دعوت به رد شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۰ - ۴

۴- توحید و نفی شرک ، اساس و محور دعوت پیامبر (ص)

قل إنما أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا

دعوت به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۸

۱۸ مشرکان، مرتدان متحیر را به شرک دعوت می کنند و خود را هدایت یافته می پندارند.

له أصحاب يدعونه إلى الهدى اثنا

مراد از <اصحاب>، بنا بر یک احتمال، مشرکان و منحرفانی هستند که مرتدان را تشویق می کنند و به جانب خود سوق می دهند و راه خود را طریق هدایت می شمارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۷

تلاش اغواگرانه به اعتقاد پیشوایان شرک تنها دعوت و فراخوانی است؛ نه اجبار و سلب کردن اختیار از دیگران

أغوينهم كما غوينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۱

۱ - مردم مصر (قبطیان و فرعونیان) ، مؤمن آل فرعون را به کفر و شرک به خدا فراخواندند .

تدعوننی لأکفر بالله و أشرك به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۱

۱ - توصیه اکید صاحبان زر و زور به مردم در عصر نوح (ع) ، به دست برداشتن از عبادت معبود های خویش

و قالوا لاتدرنّ ءالهتکم

<إله> (مفرد <آلهه>) به معنای معبود است. گفتنی است تأکید در برداشت یاد شده از آمدن <ن> تأکید ثقیله <لاتدرنّ> استفاده می شود.

دعوت به شرک ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۵،۹

۵ پیامبر (ص) بر عقیده توحیدی خویش و نفی شرک و نیز لزوم فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک ، از دلیل و حجّتی روشن برخوردار بود .

قل هذه سبیلی أدعوا إلى الله علی بصیره أنا و من اتبعنی

<بصیره> به معنای حجت و دلیل روشن است (لسان العرب). آیات قبل و نیز آیه مورد بحث، بیانگر متعلق <بصیره> است که در برداشت، برخی از آنها آورده شد. قابل ذکر است که در ترکیب این فراز چند نظر ابراز شده است. از جمله اینکه <علی بصیره> خبر برای <أنا> و <من اتبعنی> عطف بر <أنا> است؛ یعنی:

<أنا و من اتبعنی علی بصیره>.

۹ پیروان پیامبر (ص) موظف به فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک

أدعوا إلى الله علی بصیره أنا و من اتبعنی

برداشت فوق، بر این اساس است که <علی بصیره> متعلق به <أدعوا> باشد. بر این مبنا <أنا> تأکید برای ضمیر <أدعوا> و <من اتبعنی> عطف بر فاعل <أدعوا> می شود / یعنی: <أنا أدعوا إلى الله علی بصیره و من اتبعنی يدعوا إلى الله علی بصیره>.

دعوت رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا .. فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

دفاع اخروی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۹ - ۱

۱ - پیشوایان شرک ، در روز رستاخیز در برابر اتهام داشتن نقش در فریب و گمراهی مشرکان ، به دفاع برخاسته و به تبرئه خود خواهند پرداخت .

قالوا إنكم كنتم تأتوننا .. قالوا بل لم تكونوا مؤمنين

دلایل اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۱ - ۵

۵- یگانگی خداوند و باطل بودن هر معبودی غیر از او ، دلیل لزوم اجتناب از شرک

و قال الله لاتتخذوا إلهین اثین إنما هو إله وحد

جمله <إنما هو إله واحد> تعلیل برای

نهی <لاتتخذوا> است و دلالت دارد بر وحدانیت خداوند و بطلان هر چه که غیر خداست و به خدایی خوانده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ - ظالمانه بودن شرک ، دلیل لزوم اجتناب از آن است .

لاتشرك بالله إِنَّ الشَّركَ لظلمٌ عظیم

دلایل بطلان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۵

۵ خداوند هیچ دلیلی که گواه نقش شریکانی برای خود در تدبیر و ربوبیت جهان باشد، نازل نفرموده است.

ما لم ينزل به عليكم سلطانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۲،۴

۲ چون جنیان، مخلوق خدا هستند، شریک او نمی توانند باشند.

و جعلوا لله شركاء الجن و خلقهم

۴ مخلوق نمی تواند شریک خالق خود باشد.

و جعلوا لله شركاء الجن و خلقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۳

۳ خداوند دارای دلایل و حجت‌های رسا بر نفی پندار جبر و عقاید شرک است.

قل فله الحجة البالغة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۳ - ۴

۴ ناتوانی معبودان اهل شرک از هدایت آنان و اجابت خواسته هایشان ، دلیل بطلان شرک و شایسته نبودن آنها برای پرستش

و إن تدعوهم إلى الهدى لا يتبعوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۷ - ۶

۶ ناتوانی معبودان اهل شرک در دفاع از خود و دیگران

، دلیلی بر بطلان شرک است .

و لا يستطيعون نصرکم و لا أنفسهم یفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۸ - ۸

۸ ناتوانی معبودان اهل شرک از اجابت درخواست ها ، شنیدن سخنان و دیدن اشیا ، دلیل بطلان شرک و ناروایی پرستش غیر خدا

و إن تدعوهم إلى الهدی لا یسمعوا . . . و هم لا یفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ وحدت تدبیر در جهان آفرینش ، نشانه وحدت ربوبیت و بی اساس بودن اندیشه شرک است .

و من یدبر الأمر فسیقولون الله

وحدت تدبیر از وحدت مدبر که جمله <و من یدبر الأمر> بر آن دلالت دارد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۹ - ۴

۴ مطالعه در تاریخ اقوام مشرک و توجه به فرجام شوم آنان ، راهی برای پی بردن به بطلان شرک و نبود توان و نیرو در معبود های ساختگی است .

فلاتک فی مریه مما یعبدهؤلاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۱۰

۱۰- خالق نبودن بت ها و معبود های مشرکان ، دلیل ناشایستگی آنها برای عبادت و تقدیس انسان ها

ما هذه التماثل . . . قال ربکم رب السموت والأرض الذی فطرهنّ

حضرت ابراهیم(ع)، برای ابطال عقیده مشرکان و بت پرستان و اثبات توحید ربوبی برای خداوند، به خالقیت او تمسک کرد.
نکته یاد شده بیانگر این حقیقت است که تنها خالق جهان، شایسته تقدیس و عبادت

است، نه چیز دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۲ - ۴

۴ - گردش شب و روز در سایه تدبیر خدا، آیتی روشن بر بطلان مرام شرک و پوچی خدایان دیگر

بأنَّ الله يولج الليل في النهار .. و أن ما يدعون من دونه هو البطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ - عجز و ناتوانی خدایان از بازپس گرفتن چیز ربه شده از آنان به وسیله موجود ناتوانی چون مگس، یکی دیگر از دلایل بدیهی و غیر قابل انکار بر بی اساس بودن اندیشه و مرام مشرکان

و إن يسلبهم الذباب شيئاً لا يستنقذوه منه

<سَلَبَ> (مصدر <يسلب>) به معنای ربودن و <استنقاذ> (مصدر <يستنقذون>) به معنای رهانیدن و بازپس گرفتن است؛ یعنی، اگر همان مگس چیزی را از آنها برآید، نمی توانند آن را از او بازپس گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۱ - ۷

۷ - نظام هماهنگ و سامان مند جهان، دلیل یگانه بودن خدا و بطلان پندار شرک

و لعلا بعضهم على بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۱۱

۱۱ - نظام هستی، شاهی گویا بر یگانگی خداوند و پوچی و بطلان شرک

أمن خلق السموت.. ..أله مع الله

در آیه مورد بحث، خداوند نخست، نموده‌های قدرت بی چون خود را در نظام طبیعت به رخ انسان کشیده و مظاهر هماهنگ

آن را به وی نمایانده است و پس از آن، وی

را مورد خطاب قرار داده که: آیا به جز او، خدای دیگری نیز وجود دارد که شریک و همتای او قرار گیرد؟ پاسخ این است که: هرگز!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۳ - ۶

۶ - ستارگان راهنما ، باد های بشارت بخش و باران های رحمت آفرین ، نشانه های روشن توحید و پوچی و بطلان شرک

أمن يهديكم .. أءله مع الله

مفاد جمله <أءله مع الله> با توجه به صدر آیه این است که: با وجود این نشانه ها که بیانگر نقش اراده خدا در حیات بشر است مجالی برای روی آوردن به غیر خدا نمی ماند؛ زیرا اصولاً کسی جز او نقشی در تدبیر نظام هستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - عزت و حکمت خداوند ، مقتضی نداشتن هر گونه شریکی است .

كَلَّا بل هو الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ - ناتوانی معبود ها از شفاعت کردن به پیشگاه خداوند و نجات دادن پرستندگان خویش به هنگام گرفتاری ، دلیل ناشایستگی آنها برای پرستش

ءالله إن یردن الرحمن بصرّ لاتغن عنی شفعتهم شیئاً ولا ینقذون

برداشت یاد شده به جهت این نکته است که جمله <إن یردن الرحمان..> در مقام تعلیل برای جمله <ءأءخذ من دونه> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۸ - ۳

۳- ناکارآمدی معبود های مشرکان در قیامت ، گواه نادرستی

کرنش و عبادت در برابر آنها در دنیا

و ضلّ عنهم ما كانوا يَدْعُونَ مِن قَبْلِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۶

۶- اندیشه در ماهیت بت ها ، کافی برای پی بردن به بطلان شرک

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ

دلایل بطلان شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۳

۳- محدودیت دانش غیرخدا ، دلیل شایسته نبودن آنان برای پرستش

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جهت گیری اصلی در این آیه، نفی شرک می باشد.

دلایل بی منطقی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۶

۶ نیایش خالصانه شرک پیشگان به درگاه خداوند ، به هنگام گرفتاری ها و مصایب ، دلیلی روشن بر پوچی اندیشه شرک و

حقانیت توحید ربوبی

و إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضَّرَّ دَعَانَا

روی سخن در این سوره با مشرکان مکه است و آیه شریفه در مقام بیان یکی از دلیلهای روشن توحید ربوبی و پوچی اندیشه شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- نیایش خالصانه شرک پیشگان به درگاه خداوند ، هنگام گرفتاری و مصیبت ها ، دلیلی روشن بر پوچی اندیشه شرک و حقانیت توحید ربوبی

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه منيبًا إليه

روی سخن در این سوره، با مشرکان مکه

است و آیه شریفه در مقام بیان یکی از دلایل روشن بر اثبات توحید الهی و پوچی اندیشه شرک است.

دلایل پوچی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۲ - ۵

۵ - جهان و نظام آن ، زمینه ای مناسب برای خدا شناسی و ره یابی به توحید و پوچی مرام شرک

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ . . . وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۲ - ۷

۷ - اجابت دعای انسان در شرایط اضطرار و حل مشکلات وی ، از سوی خداوند ، نشانی روشن از یگانگی او و پوچی و بطلان شرک

أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَّرَّ . . . وَيَكْشِفُ السُّوءَ . . . أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ

<أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ> یعنی، با توجه به این که تنها خداوند در شرایط اضطرار می تواند نجات دهنده انسان ها باشد، آیا مجالی برای روی آوری به غیر خدا هست؟ هرگز!

دلایل رد شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ - ربوبیت و تدبیر خداوند بر عرش (مرکز اداره جهان) ، دلیل یگانگی او و نبودن شریک و معبود دیگری در عالم هستی است .

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ . . . فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

<رَبِّ الْعَرْشِ> صفت برای اسم جلاله (الله) است. توصیف خداوند به این صفت پس از نفی معبودها و خدایان دیگر در عالم می تواند بیانگر این نکته باشد که صفت <رَبِّ> و تدبیر امور، تنها در انحصار خداوند است و شریکی برای

او نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام در دست داشتن دلایل و برهان های روشن بر بطلان عقیده شرک آلود و درستی آیین توحیدی

إِنِّي نَهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لِمَا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱ - ۸

۸ - عزّت و حکمت خداوند ، نشانه منزّه بودن او از هر عیب و نقص (همچون داشتن شریک و ...)

ما في السموت و الأرض و هو العزيز الحكيم

توصیف خداوند به <عزیز> و <حکیم> بودن پس از یادآوری تسبیح همه موجودات برای خداوند حکایت از آن دارد که حقیقتی مانند خداوند عزیز و حکیم، از هر عیب و نقصی (مانند داشتن شریک) مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲ - ۲

۲ - انحصار فرمانروایی برای خداوند ، نشانه منزّه بودن او از هر عیب و نقصی (همچون داشتن شریک و ...)

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ .. لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ

ذکر فرمانروایی انحصاری خداوند پس از یاد کردن تسبیح موجودات عالم برای او می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۱ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، با چیزی ترکیب نمی شود .

أحد

برگزیدن تعبیر <أحد> بر <واحد>، به این دلیل است که <واحد>، در شمارش قرار می گیرد و

ممکن است چیزی به آن ضمیمه شود؛ ولی <أحد> چنین نیست. (مجمع البيان)

دلایل شرک ستیزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۵

۵ پیامبر (ص) بر عقیده توحیدی خویش و نفی شرک و نیز لزوم فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک، از دلیل و حجتی روشن برخوردار بود.

قل هذه سبیلی أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي

<بصیره> به معنای حجت و دلیل روشن است (لسان العرب). آیات قبل و نیز آیه مورد بحث، بیانگر متعلق <بصیره> است که در برداشت، برخی از آنها آورده شد. قابل ذکر است که در ترکیب این فراز چند نظر ابراز شده است. از جمله اینکه <علی بصیره> خبر برای <أنا> و <من اتبعنی> عطف بر <أنا> است؛ یعنی: <أنا و من اتبعنی علی بصیره>.

دلیل بطلان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۵ - ۸

۸ خداوند از مشرکان خواست اگر خدایانشان بر امری توانا هستند با کمک آنها علیه پیامبر (ص) توطئه کنند و برای از میان بردن وی هیچ درنگی روا ندارند.

قل ادعوا شركاءكم ثم كيدون فلاتنظرون

<کیدون> مرکب از فعل امر <کیدوا> (از <کید>، به معنی فکر کردن و توطئه چیدن) و نون وقایه است. کسره نون دلالت بر حذف <یاء> متکلم دارد. بنابراین <کیدون> (کیدونی) یعنی علیه من توطئه کنید. <انظار> مصدر <لاتنظروا> به معنای مهلت دادن است. <لاتنظرون> نیز مرکب از فعل نهی و نون وقایه است؛ یعنی: فلاتنظرونی، مرا مهلت ندهید.

دنیاطلبی

در شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۴

۴ - آیین شرک ، اندیشه ای دنیا مدار و فاقد گرایش به آخرت

من كان يريد حرث الدنيا .. أم لهم شركؤا

دنیاطلبی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۵

۵- دستیابی به منافع مادی و رسیدن به حکومت و مقام ، انگیزه اصلی سازندگان آیین شرک و بت پرستی

و أحلّوا قومهم .. و جعلوا لله أندادًا لیضلّوا عن سبیلہ قل تمتّعوا

جمله <قل تمتّعوا> (بگو برخوردار شوید)، پیش از جمله <فإن مصیرکم إلى النار>، می تواند کنایه از آن باشد که هر چند شما به دنبال تمتع و کامیابی از دنیا هستید، ولی مسیر و نهایت کار شما دوزخ است. گفتنی است موضوع رسیدن به حکومت و مقام، از جمله <و أحلّوا قومهم ...> استفاده شده است.

راههای تنبه رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ینظر هؤلاء إلاّ صیحه وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن در نمی دهند.

رد دعوت به شرک

- عنكبوت - ۲۹ - ۸ - ۶،۷

۶- از هر دعوت و تلاش شرک آلودی ، باید سرپیچی کرد .

و إن جهداك لتشرک بی ما لیس لك به علم فلاتطعهما

۷- هشدار خداوند ، به فرزند ، درباره جواب مساعد دادن به دعوت و تلاش والدین در جهت مشرک ساختن او

و إن جهداك لتشرک بی ما لیس لك به علم فلاتطعهما

رد شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱۶،۲۱

۱۶ همتا و همسانی برای خداوند نیست .

فلا تجعلوا لله أنداداً

<ند> (مفرد أنداد) به معنای مثل و نظیر است.

۲۱ برای خدا شریک و همتا پنداشتن ، با علم و اندیشه صحیح ناسازگار است .

فلا تجعلوا لله أنداداً و أنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱۰

۱۰ - شریکی برای خدا در مالکیت جهت ها و مکان ها وجود ندارد .

لله المشرق و المغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۵

۵ خداوند ، هیچ رخصتی برای پرستش معبود های اهل شرک نداده است .

ما أنزل الله بها من سلطان

برداشت فوق، ناظر به این مطلب است که مراد از <سلطاناً>، حجت و دلیل نقلی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۷

۲۷ موجودی که خود مخلوق خداوند است نمی تواند شریک خدا در ربوبیت بوده و به خدایی پذیرفته شود .

أم جعلوا لله شركاء .. قل الله خلق كل شيء

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۲ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، موظف به ابلاغ رهنمود خداوند به مشرکان ، در اثبات توحید و نفی شرک

قل لو كان معه ءالهه كما يقولون إذًا لآبتغوا إلى ذى العرش سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۸

۸- خداوند ، تنها فرمانروای هستی و مبرا از داشتن هرگونه شریک در جهاننداری

و لم يكن له شريك فى الملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۴ - ۱۵

۱۵- اعتقاد به ربوبیت و الوهیت برای غیرخدا ، پنداری بسیار دور از حق و واقعیت

لن ندعوا من دونه إلها لقد قلنا إذا شططاً

<شطط> به معنای دوری از حق و افراط و زیاده روی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۲۳، ۱۷

۱۷- هیچ موجودی حتی پیامبران برای قرار گرفتن در کنار خدا ، به عنوان شریک ، صلاحیت ندارند .

قل إنما أنا بشر مثلكم . . . إلهكم إله واحد . . . ولا يشرك بعبادة ربّه أحداً

۲۳- > الحسن بن على الوشاء قال : دخلت على الرضا (ع) و بين يديه إبريق يريد أن يتهيأ منه للصلاه . فدنوت منه لأصب عليه

فأبى ذلك و قال : . . . أما سمعت الله عزّوجلّ يقول : > من كان يرجوا لقاء ربّه فليعمل عملاً صالحاً و لا يشرك بعبادة ربّه

أحدًا < وها أنا ذا أتوضأ للصلاه و هى العباده فأكره أن يشركنى فيها أحد ;

علی و شاء گفت: بر امام رضا(ع) وارد شدم. در مقابل ایشان، ظرف آبی بود که می خواست از آن (وضو بگیرد و) برای نماز آماده شود. نزدیک شدم که آب را بر دست اش بریزم، امام نپذیرفت و فرمود: مگر نشنیده ای که خدای عزوجل می فرماید: <...و لا یشرک بعباده ربّه أحداً؟ من، اکنون می خواهم برای نماز، وضو بگیرم و آن عبادت است و خوش ندارم کسی با من در آن شریک گردد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - توجه به منبع یگانه تشریح ، مقتضی پذیرش معبودیت خدا و نفی پرستش گری غیر او

و لکلّ أمّه جعلنا منسکاً .. فإلهکم إله وحد

<فَاء> در <فإلهکم> تفریعیه بوده و بیانگر این نکته است که هر کس پیرامون مراسم قربانی، اندیشه کند و ببیند که همه امت های پیشین دارای یک رویه مشترک در آن بودند (همه موظف بودند که قربانی را با نام خدا و به منظور تقرب به او ذبح کنند) پی خواهد برد که سرچشمه تشریح قربانی، تنها خداوند است و اگر خدایان دیگری وجود می داشتند، قهراً این مراسم به صورت های دیگری نیز تشریح می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱۱

۱۱ - ساحت خداوند ، از داشتن هرگونه شریک منزّه و برتر است .

تعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۳ - ۳

۳ - ساحت خداوند هستی ، مبرّاز آلودگی و شرک

سبحن الله عمّا یشرکون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۴ - ۲

۲ - آگاه ساختن مشرکان به غیر قابل پذیرش بودن شرک برای پیامبر (ص)، وظیفه الهی آن حضرت

قل یا أيها الکفرون .. و لا أنا عابد ما عبدتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۱ - ۱۳

۱۳ - تعدد در باره خداوند، امکان پذیر نیست .

أحد

در فرق <أحد> و <واحد> گفته شده است که می توان برای <واحد> دومی قرار داد ولی <أحد> چنین نیست زیرا <أحد> تمام جنس خود را فرامی گیرد. (مجمع البیان)

رد شرک ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۷

۷- استفاده و کمک گرفتن از عوامل گمراهی در کار تدبیر عالم، دور از ساحت خداوند است .

و ما کنت متخذ المضلین عضداً

جمله <ما کنت> (من این چنین نبوده و نیستم) بیان سنت و قاعده ای در کار خداوند است. <مضلاً>، یعنی <گمراه کننده> و مصداق آن، در آیه، شیاطین هستند. <عضد> به معنای <بازو> است و مراد از آن، در این جا، کمک کار و یاور است.

رد شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۹

۹ ضرورت پرستش خداوند و باور به نبودن معبودی سزاوار پرستش جز او

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۲ - ۱

۱ - رد معبود های کافران و امتناع از عبادت

آنها در تمام عمر خویش ، خط مشی ارائه شده از سوی پیامبر (ص) ، در گفتوگو با کافران

لا أعبد ما تعبدون

رواج شرک در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵ - ۵

۵- رواج آیین شرک و پرستش معبود های متعدد ، در میان مردم عصر بعثت و نبود آیین یکتاپرستی در بین آنان

أجعل الألهة إلهًا وحدًا إنَّ هذا لشيء عجاب

از اظهار شگفتی شدید کافران از دعوت پیامبر اسلام (ص) به یکتاپرستی، برداشت یاد شده به دست می آید.

روش اضلال رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۲

۲- سران کفر و شرک ، برای منحرف کردن مردم از مسیر خدا و توحید ، به ساختن شبیه و مانند برای خداوند روی آوردند .

أحلّوا قومهم دار البوار .. و جعلوا لله أندادًا ليضلّوا عن سبيله

از سیاق این آیه و آیات قبل استفاده می شود که درباره سران کفر و شرک است . زیرا مبتلا- کردن مردم به سرنوشت و جایگاه شوم (و أحلّوا قومهم دار البوار) و نیز مانند درست کردن برای خدا و اضلال مردم از راه خدا (و جعلوا لله أندادًا ليضلّوا عن سبيله) کار رهبران و سران کفر و شرک است.

روش اغواگری رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۸ - ۵

۵ - استفاده از قدرت و تظاهر به خیرخواهی ، از روش های پیشوایان کفر و شرک برای فریب و گمراهی توده ها

قالوا إنكم كنتم تأتوننا عن اليمين

روش برخورد رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۶

۶- استفاده از احساسات و عقاید دینی مردم و تحریک آنان علیه پیامبر (ص)، از شیوه های سران شرک و کفر در برخورد با آن حضرت

أهدا الذی ینذکرء الهتکم

از این که کفار مکه، مردم را مخاطب خود قرار داده و <آلهتکم> گفته اند و نه <آلهتنا> استفاده می شود که آنان از احساسات و عقاید مردم علیه پیامبر(ص) بهره می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۲

۲- استهزا، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء علیه اسلام و پیامبر (ص)، کار همیشگی و روش سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

آمدن فعل <یقولون> به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار این گفتار دارد.

روش بطلان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۷ - ۸

۸- پیامبر (ص) برای اثبات حقانیت توحید و بطلان شرک، از روش مدارا و تدریج استفاده می کرد.

قل من یرزقکم .. و إنا أو ایاکم لعلی هدی أو فی ضلل ... لاتستلون عمّا أجرنا

روش شرک ستیزی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۸ - ۶

۶ اقدام ابراهیم (ع) به شکستن بت ها و سالم باقی گذاشتن بت بزرگ ، تدبیری از سوی آن حضرت برای جلب نظر مردم و توجه دادن آنان به بطلان بت پرستی بود

و تالله لأكيدنّ أضمنكم .. فجعلهم جذذاً إلاكبيراً لهم لعلهم إليه يرجعون

<فاء> در <فجعلهم> یا برای ترتیب است و یا برای تعقیب. در هر دو صورت گویای این است که عمل حضرت ابراهیم(ع) مصداق همان حيله و تدبیری بود که بر آن سوگند یاد کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۶ - ۴

۴- حضرت ابراهیم (ع) برای اثبات توحید و بطلان شرک از شیوه آگاه کردن بت پرستان به ناتوانی بت ها و به اعتراف واداشتن آنان بر این حقیقت استفاده کرد .

فسلوهم إن كانوا ينطقون .. لقد علمت ما هؤلاء ينطقون . قال أتعبدون من دون الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۶ - ۴

۴ - شکستن ابّهت و تقدس بت ها ، در مرحله نخست و سپس گفتوگوی خردبرانگیز ، شیوه مبارزه ابراهیم (ع) با مشرکان و مظاهر شرک

فقال ألا تأكلون .. فراغ عليهم ضرباً باليمين ... قال أتعبدون ما نتحتون . و اللّ

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) در آغاز مبارزه با شرک و بت پرستی، ابتدا به سراغ بتکده رفته و ضمن به تمسخر گرفتن بت ها، آنها را درهم شکست. سپس با مخاطب قرار دادن مردم، آیین آنان را زیر سؤال برد (أتعبدون ما نتحتون) و به تأمل و اندیشه واداشت.

روش شرک ستیزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۷ - ۸

۸ - پیامبر (ص) برای اثبات حقانیت توحید

و بطلان شرک ، از روش مدارا و تدریج استفاده می کرد .

قل من یرزقکم . . . و انا او ایّاکم لعلی هدّی او فی ضلل ... لاتسئلون عمّا أجرمنا

روش شرک ستیزی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۵

۱۵ - مبارزه با زمینه های فکری و عینی شرک و نابود کردن آنها ، شیوه موسی (ع) در ستیز با گوساله پرستی بنی اسرائیل

إلهک الذی . . . لنحرّقته ثمّ لنسفنه

سوزاندن گوساله سامری از چند جهت قابل تأمل است: ۱ از جهت نابود کردن و محو ساختن آن از دیدگان مردم تا مبادا دوباره به آن گرایش یابند. ۲ اثبات <اله> نبودن آن برای ظاهر بینان، با سوزاندن و خرد کردن تندیس زرّین گوساله. جهت اول، جهتی عینی و جهت دوم، جهت فکری است.

روش مبارزه با شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۲

۲ ابراهیم(ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۵ - ۵

۵ - تبلیغ دین و دفاع صریح و قاطعانه از مواضع عقیدتی خود در محیط خفقان آور و پرخطر کفر و شرک ، باید پس از طی مراحل چون دفاع غیرمستقیم و برخورد دلسوزانه با مخالفان و . . . انجام گیرد .

قال یقوم اتبعوا المرسلین . . . و مالی لا أعبد الذی فطرنی ... ءأتخذ من دونه ءال

برداشت یاد

شده از آن جا است که جمله <إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ..> که آخرین کلام مؤمن انطاکیه با مردم است در مقام نتیجه گیری و بیان هدف نهایی او از مجموعه سخنانی است که در ضمن پنج آیه پیش بیان شده است. بدین صورت که او در ابتدا سخن خود را با لحنی خیرخواهانه و نرم آغاز کرد و در پایان با زبان صریح و قاطعانه، مواضع عقیدتی خود را اظهار داشت.

روش مبارزه رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۳

۱۳ سران کفر و شرک ، برای جلوگیری از نفوذ پیامبر (ص) و گسترش اسلام ، از شیوه های گوناگون تبلیغی و سیاسی و از راهبرد های متنوع و ممکن استفاده می کردند .

و قالوا أسطیرا الأولین . . . مالِ هذا الرسول يأكل الطعام ... إن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُل

تهمت دروغ پردازی و سحرزدگی به پیامبر(ص) و ایراد و خرده گیری از ایشان، حاکی از گوناگونی شیوه ها و راه های مبارزه کافران با پیامبر و قرآن است. گفتنی است تعبیر <ضربوا لك الأمثال/ برای تو مثل ها زده و توصیف ها کرده اند> در آیه بعد، مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۷

۷ - سلب آزادی از مردم و ایجاد مانع بر سر راه آگاهی آنان از حقایق الهی ، از شیوه های مبارزه سران کفر و شرک با پیامبراسلام (ص)

و انطلق الملائمهم أن امشوا و اصبروا علی ءالہتکم

پراکنده کردن توده های مردم از

اطراف پیامبر(ص) و توصیه به پایداری بر عقیده خود از سوی سران کفر، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۳

۳- شیطان ، سردمدار دعوت مردم به شرک و بت پرستی است .

لَمْ تَعْبُدُوا مَا لَا يَسْمَعُ... لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ

رهبران شرک در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ دوزخیان پیرو پس از اجتماعشان در جهنم با سران کفر و شرک، علیه آنان اقامه دعوا خواهند کرد.

حتى إذا ادركوا فيها جميعا قالت أخرجهم لأولئهم ربنا هؤلاء أضلونا

<حتى إذا ادركوا...> یعنی تا آنگاه که امتهای بر یکدیگر ملحق و مجتمع گردند. <ادارکوا> در اصل تدارکوا بوده و پس از ساکن کردن تاء و ادغام آن در دال، همزه وصل به آن اضافه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۱

۱ سران کفر و شرک و پیروانشان پس از ورود به جهنم به مجادله و کشمکش خواهند پرداخت.

قالت أخرجهم لأولئهم... و قالت أليهم لأخرجهم فما كان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۲

۲ - پیشوایان شرک و گمراه کنندگان خلق ، مصداق های بارز و قطعی دوزخیان

قال الذين حقّ عليهم القول

خداوند در آغاز آفرینش آدم، در پاسخ ابلیس که گفته بود: <رَبِّ بِمَا أُغْوَيْتَنِي لِأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ > فرمود: <لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَ مِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ >. کلمه <القول > اشاره به همین

سخن خداوند دارد. بنابراین <الذین حقّ علیهم القول> یعنی، آنان که آن سخن خدا درباره ایشان مصداق و قطعیت یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۶

۶ - چشیدن عذاب دوزخ برای مشرکان و سران آنان، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند

فحقّ علینا قول ربّنا إنّنا لذائقون

برداشت یاد شده از آن جا است که <حقّ> به معنای <ثبّت> و <لزم> است و ثابت و لازم بودن عذاب، حاکی از حتمی و تخلف ناپذیر بودن آن است.

رهبران شرک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۱

۱ - سران و پیشوایان شرک، به هنگام بازخواست پیروانشان از سوی خداوند در قیامت حاضر خواهند شد.

و یوم ینادیهم .. قال الذین حقّ علیهم القول

مراد از <الذین حقّ علیهم القول> (آنان که سخن خدا درباره آنان مصداق یافت)، پیشوایان گمراهی و شرک اند. گفتنی است که برداشت یاد شده با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۷ - ۱

۱ - مشرکان فریب خورده، در عرصه قیامت رو در روی پیشوایان فریب کار خود قرار خواهند گرفت.

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۶

۶- مشرکان فریب خورده و پیشوایان شان در قیامت ، یکدیگر را به دست داشتن در گمراهی و انحراف از مسیر حق ، متهم

خواهند کرد .

و أقبل بعضهم على بعض يتساءلون . قالوا إنكم كنتم تأتوننا ... قالوا ... و ما كان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۵

۵ - اعتراف پیشوایان شرک به ربوبیت الهی در حضور مشرکان در عرصه قیامت

فحقّ علينا قول ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۴

۴ - اعتراف سردمداران شرک در عرصه قیامت به گمراهی خود

إنّا کنّا غوین

رهبران شرک و بطلان بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۴

۴- سازندگان آیین شرک و بت پرستی به یگانگی خداوند و بطلان آیین بت پرستی آگاه بودند .

و جعلوا لله أندادًا ليضلّوا عن سبيله قل تمتّعوا فإن مصيركم إلى النار

از تعبیر <جعلوا لله أندادًا> (برای خدا شریک قرار دادند)، و همچنین با توجه به اینکه این کار مربوط به سران و سازندگان اصلی آیین شرک است، استفاده می شود که آنان آگاهانه و از روی عمد به چنین عملی دست زدند.

رهبران شرک و توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۴

۴- سازندگان آیین شرک و بت پرستی به یگانگی خداوند و بطلان آیین بت پرستی آگاه بودند .

و جعلوا لله أندادًا ليضلّوا عن سبيله قل تمتّعوا فإن مصيركم إلى النار

از تعبیر <جعلوا لله أندادًا> (برای خدا شریک قرار دادند)، و همچنین با توجه به اینکه این کار مربوط به سران و سازندگان اصلی آیین شرک است، استفاده می شود که آنان

آگاهانه و از روی عمد به چنین عملی دست زدند.

رهبران شرک و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۴

۱۴ قرآن ، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر و شرک

و قالوا أسطیرا الأولین . . . إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

اسطوره خواندن قرآن و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرک، گویای این نکته است که این کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

رهبران شرک و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۲،۳

۲ - پیامبراسلام (ص) ، در نظر سران کفر و شرک ، فاقد هرگونه ملاک برتری و شایستگی برای رسالت و دریافت وحی الهی

أءنزل علیه الذکر من بیننا

همزه در <أءنزل> برای استفهام انکاری است و قید <من بیننا> (از میان ما) قرینه است بر این که نفی و انکار آنان، مربوط به شایستگی پیامبر(ص) برای رسالت بود.

۳ - سران کفر و شرک ، برگزیده شدن پیامبر (ص) را به رسالت بدون برخوردار بودن آن حضرت از امتیاز و شایستگی های لازم ، دلیل نپذیرفتن دعوت او اعلام کردند .

أءنزل علیه الذکر من بیننا

قید <من بیننا> در حقیقت در مقام بیان تعلیل برای انکار رسالت است؛ یعنی، پیامبراسلام از میان ما انتخاب شده است و مانند ما هیچ امتیاز و برتری و شایستگی برای دریافت وحی ندارد؛ پس نمی توان ادعای او را تصدیق کرد.

رهبران شرک و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان

۵ خودکفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی ، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت ، در دیدگاه سران کفر و شرک

أو یلقى إلیه کنز أو تکون له جنّه یا کل منها

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود: <کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(ص) از نظر جسمی نباید نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد> ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: <پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خودکفا باشد>.

ریاست طلبیرهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۶

۶- سازندگان آیین شرک و بت پرستی برخوردار از ریاست ، مکتب و ثروت بودند .

و أحلّوا قومهم . . . و جعلوا لله أندادًا لیضلّوا عن سبیلہ قل تمّتّعوا

زمینه اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۷ - ۷

۷ توجه به اقتدار بی مانع خداوند بر رساندن نفع و ضرر، زمینه ساز اعتقاد به توحید و پرهیز از شرک

و لا تکونن من المشرکین . . . و إن یمسک الله بضر ... فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۸

۱۸ پرهیز از شرک و گرایش به توحید ، تنها در پرتو عنایت ها و امداد های الهی میسر است .

ما کان لنا أن نشرک . . . ذلك من فضل الله علینا

- سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۴ - ۱

۱- مالکیت و قدرت مطلقه خداوند ، مقتضی گرایش انسان به توحید و پرهیز از شرک به اوست .

فلاتضربوا لله الأمثال

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) <فء> مضمون این آیه را متفرع بر آیه قبل کرده است و در آیه قبل سخن از مالکیت و قدرت مطلقه الهی به میان آمده بود. ب) بنابر اینکه مراد از <ضرب مَثَل> جعل شریک برای خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۲ - ۲

۲- یگانگی خداوند در آفرینش و در پاداش و کیفر دادن به انسان ها و نیز اعطای نعمت ها ، مقتضی پرهیز از هرگونه شرک در عقیده و عمل

و جعلنا الیل و النهار . .. و کلّ إنسن ألزمنه طئره ... لاتجعل مع الله إلهًا

برداشت یاد شده با عنایت به دو نکته است: ۱- جمله <لاتجعل مع الله إلهًا ..> به منزله نتیجه برای آیات پیشین است و با پیام های اصلی آن آیات که در سه محور یاد شده در برداشت فوق خلاصه می شود مرتبط است. ۲- اطلاق واژه <لاتجعل> که شامل نهی از هرگونه شرک می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۹ - ۱

۱ - پرهیز از شرک ، لازمه ایمان راستین به پروردگار یگانه

و الذین هم برّبهم لایشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۳ - ۱

۱ - نزول قرآن ، از مبدأ یگانه وحی

، مقتضی پرهیز از هر گونه شرک

و ما تنزلت به الشیطن .. . فلاتدع مع الله إلهًا آخر

از این که خداوند پس از نفی هر گونه دخالت شیاطین در امر وحی، نتیجه گیری کرده (با <فاء> تفریع) و خطاب را متوجه دعوت به توحید نموده است، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲

۲ - اختصاص داشتن عبادت خالصانه و اطاعت محض به خداوند، مستلزم طرد اطاعت دیگران و ترک شرک و ریا در عبادت است .

فاعبد الله مخلصًا له الدين . ألا لله الدين الخالص

برداشت بالا به خاطر این نکته است که جمله <ألا لله الدين الخالص> در مقام تعلیل برای امر به عبادت خالصانه (فاعبد الله مخلصًا له ..) است؛ یعنی، به این دلیل باید خدا را خالصانه عبادت کرد که چون عبادت خالصانه اختصاص به او دارد.

زمینه اعراض از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۵

۵ - توجه به انقیاد و کرنش تمامی پدیده های جهان در برابر خداوند، مقتضی گرویدن به خدای واحد و روی گرداندن از شرک و دیگر پرستی است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا .. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدَ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۹

۹ - راهنما بودن قرآن از سوی خداوند، مقتضی شرک نورزیدن و شریک ندانستن هیچ کس برای او است .

یهدی إلى الرشد فامنا به

و لن نشرك برتنا أحداً

زمینه ترک شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۵

۱۵ تهدید مشرکان به کیفرهای اخروی، زمینه ساز گرایش آنان به پرستش خدای یگانه و پرهیز از شرک و دوگانه پرستی

إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

زمینه شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۴

۴ - شرک برخاسته از جهل و مشرکان مردمی نادانند .

و قال الذين لا يعلمون

مراد از <الذين لا يعلمون>، مشرکان است. توصیف مشرکان به نادانان، اشاره به دو حقیقت دارد: اول اینکه ریشه شرک، جهل است و دوم اینکه، پیشنهاد آنان مبنی بر سخن گفتن با خدا با آنها و یا آمدن معجزه، نشانه نادانی ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۹

۹ - اصرار مردم عصر بعثت بر شرکورزی و تحریم برخی از حلال ها، برخاسته از تقلید آنان از نیاکانشان بود .

كلوا مما فى الأرض . . . و إذا قيل لهم اتبعوا ... قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه ءاب

از مصادیق مورد نظر برای <ما ألفينا عليه آباءنا> - به قرینه آیه ۱۶۵ و ۱۶۸ - شرکورزی و حرام دانستن برخی از نعمتهای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۴

۲۴ تبلیغات سوء ، شک برانگیز و شرک آلوده مسلمانان سست اندیشه احد ، پس از پایان آن کارزار

يقولون لو كان لنا من الامر شيء ما قتلنا ههنا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۶

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

يؤمنون بالجبث والطاغوت .. ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۵

۵ برآمدن صدای گاو از مجسمه گوساله بنی اسرائیل، زمینه ساز روی آوری قوم موسی به پرستش آن

له خوار

معمولاً یاد کردن از ویژگیهای یک شیء ناظر به علت احکامی است که بر آن مترتب شده است. بنابراین می توان گفت خداوند با بیان این ویژگی از مجسمه گوساله (بروز دادن صدای گاو) اشاره به یکی از علل گرایش آنان به پرستش آن گوساله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۴

۴ شرکوری پدران زمینه ساز گرایش فرزندان به شرک است .

إنما أشرك ءاباؤنا من قبل و كنا ذرية من بعدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۶

۶ انسان ها معمولاً پس از بیرون آمدن از نگرانی ها و اضطراب ها ، نجاتبخش خویش (خداوند) را فراموش می کنند و برای او شریک قرار می دهند .

لئن ءاتيتنا .. فلما ءاتيهما صلحاً جعلاه شرکاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ درك نكردن معارف و حقايق دين ، ريشه گرايش به كفر

و شرک است .

أُولَئِكَ .. ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

جمله <ما كانوا..> بیانگر دلیل و ریشه کفرورزی کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۲ - ۵

۵- همه انسان ها ، در معرض خطر شرکند .

لا تجعل مع الله إلهًا آخر

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لا تجعل> خطاب به پیامبر(ص) نیز باشد. بنابراین از اینکه پیامبر(ص) نیز مخاطب این هشدار قرار گرفته است، معلوم می شود که ابتلای به شرک خطری است همگانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۹

۹- انسان ، همواره در معرض ابتلا به شرک و نیازمند به هشدار است . *

لا تجعل مع الله إلهًا آخر .. و قضی ربک ألا تعبدوا إلا إياه ... لا تجعل مع ال

تأکید بر پرهیز از شرک در این مجموعه آیات (آیه ۲۲ ۳۸) که درباره مباحث مختلف خانوادگی و اجتماعی است بیانگر این نکته است که احتمال لغزش انسانها زیاد است و باید به آنها توجه داده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۱۳

۱۳- جهل زمینه ساز شرکورزی و بت پرستی است .

لِمَ تعبد ما لا یسمع .. یأبت إئی قد جاءنی من العلم ما لم یأتک

حضرت ابراهیم(ع) به جهت رعایت ادب، آزر را به جهل متهم نکرد، بلکه خود را به علم منتسب ساخت و مفهوم کلامش آن است که آزر جاهل است و همین جهل وی موجب آن شده که به پرستش بت رو آورد.

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۴

۴ - فقر ، تنگدستی ، بیچارگی و درماندگی زمینه ساز یأس و نومییدی از خدا (کفر) و پناهنده شدن به غیر او (شرک)

من كان يظنّ .. هل يذهب كیده ما يعظ

روی سخن در این بخش، با آن اشخاصی است که به خداپرستی گرویده بودند و همین که با برخی از ناملايمات زندگی روبه رو شدند از عبادت او روی برتافتند و به گمان آن که در هستی جز خدا، نیروهای دیگری نیز دخالت دارند، به شرک (آیین سابقشان) باز گشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۹، ۱۱

۱۱ - گروهی از مردم ، به هنگام برخورداری از رفاه و آسایش و رهیدن از خطرات و سختی ها ، ناسپاسی می کنند و شرک میورزند .

و إذا مسّ الناس ضرّ .. ثمّ إذا أذاقهم ... إذا فریق منهم برّهم يشركون

۱۹ - توجه به عوامل غیر الهی ، در نجات از ناملايمات ، عامل روی آوردن به شرک است .

إذا فریق منهم برّهم يشركون

احتمال دارد مراد از <يشركون> این باشد که آنان، عامل نجات خویش را از سختی ها، عوامل مادی تلقی می کنند و به جای این که سر منشأ همه امور را، خداوند بدانند، عوامل ظاهری را نجات بخش می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - گرایش به شرک ، معلول جهل و بی دانشی است .

و لئن سألتهم .. بل أكثرهم لا يعلمون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۸

۸ - آیین مشرکان ، آیینی موروثی بود .

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قالوا .. يريد أن يصدكم عما كان يعبد آباؤكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۴

۴ - روح طغیان و حق ناپذیر ، از عوامل تأثیرپذیری از جریان کفر و شرک

بل کنتم قومًا طغين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۱۲

۱۲ - بی تقوایی ، زمینه ساز انحراف از مسیر حق و افتادن در دام آیین شرک و بت پرستی

إذ قال لقومه ألا تتقون . أتدعون بعلاً و تذرّون أحسن الخلقين

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که الیاس(ع)، پیش از سرزنش قوم خود به جهت گرویدن آنان به آیین شرک، آنان را به دلیل بی تقوایی سرزنش کرده است و این مطلب می رساند که بی تقوایی، زمینه ساز گرایش به آیین های باطل (همچون بت پرستی) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۶

۱۶ - رهایی از گرفتاری و برخورداری از نعمت آسودگی ، زمینه شرکورزی و مؤثر دانستن غیر خدا در وضعیت خویش

إذا خوّله نعمه منه ... و جعل لله أندادًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۶ - ۴

۴ - عبادت غیر خدا ، شرک است .

أفغير الله تأمروني أعبد .. لئن أشركت ... بل الله فاعبد

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۲

۲ - شرک و عبادت غیر خدا ، اندیشه ای برخاسته از عدم شناخت درست خدا است .

و ما قدروا الله حق قدره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۱ - ۳

۳ - انسان ، همواره در معرض ابتلا به شرک و نیازمند حفظ بینش توحیدی خویش

ففرّوا إلى الله .. و لاتجعلوا مع الله إلهًا آخر

هشدار همیشگی قرآن، به (لاتجعلوا مع الله ..) می رساند که انسان همیشه در معرض شرک پیشگی قرار دارد و باید خود را از ابتلای به آن دور نگه دارد و به خدا پناه برد.

زمینه شرک افعالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۷

۷ انسان ها پس از برخوردار شدن از فرزند سالم ، علی رغم اعتقادشان بر یگانگی خدا در آفرینش و تأمین سلامت جنین ، به شرک می گرایند و غیر او را در آفرینش و سلامت کودکان مؤثر می پندارند .

لئن ءاتیتنا .. فلما ءاتیهما صلحاً جعلاه شركاء

زمینه شرک اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۶

۶ - درونمایه های فرهنگ طبقاتی و مادی مردم مکه ، زمینه ساز گرایش آنان به کفر و شرک

و إنا به كفرون . و قالوا لولا نزل هذا القرآن

با توجه به این که آیه شریفه پس از بیان کفر مشرکان (إِنَّا بِهِ كَافِرُونَ) روحیه مادی گرایانه آنان را بازگو می کند، تأثیر این
بینش در

انحراف و کفر استفاده می شود.

زمینه شرک ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۱

۱۱ کفر به یگانگی خداوند در آفرینش، زمینه پندار شرک در ربوبیت و تدبیر عالم هستی

الحمد لله الذى خلق السموت و الأرض .. ثم الذين كفروا بربهم يعدلون

بنابراینکه <بربهم> متعلق به <یعدلون> باشد. در این صورت <یعدلون> از ماده <عدل> به معنای همسان دانستن است و <کفروا>، با توجه به صدر آیه، به معنی کفر به توحید در خلق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۶۸

۶- زوال ناپذیر شمردن نعمت های دنیا و نادیده گرفتن نقش خدا در پیدایش و زوال آنها، مستلزم شرک در ربوبیت است.

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

۸- شرک و غفلت از ربوبیت خدا، مهم ترین خطر رفاه زدگی و سرمستی به امکانات دنیوی است.

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

مرد مؤمن، برای جدا کردن صف خویش از ثروت مند مغرور، به دو نکته اشاره کرده است: ربوبیت خدا و عدم شرک و با این تعبیر، ثروت مند مغرور را به غفلت از خدا و گرفتاری به شرک، هشدار داده است.

زمینه شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۸

۸ شرک و پرستش غیر خدا، برخاسته از ناآگاهی به مالک حقیقی سود و زیان و سرچشمه قدرت در هستی

اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً

آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۹ - ۷

۷ تقلید از گذشتگان و پیروی از سنت پیشینیان ، وادار کننده مشرکان عصر بعثت به پرستش معبود های دروغین

ما یعبدون إلا کما یعبد ءاباؤهم من قبل

در برداشت فوق <کما> برای تعلیل گرفته شده است. بنابراین مفاد <ما یعبدون...> چنین می شود: تنها دلیل گرایش مشرکان به بت پرستی ، این است که پدرانشان بت پرست بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۲۲

۲۲ جهل و نادانی مردم ، زمینه ساز پیدایش شرک و پرستش غیر خدا

ما أنزل الله بها من سلطن . . . و لکن اکثر الناس لا یعلمون

زمینه شرک مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۴

۴ - تلاش فرعونیان ، برای ارتداد و شرک شدن مؤمن آل فرعون

و تدعوننی إلى النار

فراخواندن به آتش، کنایه از دعوت به کفر و شرک است که در آیه بعد به صراحت از آن یاد شده است (تدعوننی لأکفر بالله و أشرک به..).

زمینه گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۸

۸ احساس بی نیازی از خداوند، زمینه غفلت از یاد او و گرایش به شرک است.

تدعونہ تضرعاً و خفیہ . . . قل اللہ ینجیکم منها و من کل کرب ثم أنتم تشرکون

زیان شرک

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱ - بقرہ - ۲ - ۵۴ - ۴

۴ - شرک و رزی و پرستش غیر خدا ،

ضرر و زیانی را متوجه خداوند نخواهد کرد .

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۷

۱۷ - ناآگاهی بیشتر مردم از شایستگی انحصاری خداوند به عبادت و پرستش و ضرر و زیان شرک

ضرب الله مثلاً رجلاً .. بل اکثرهم لا يعلمون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که متعلق جهل، مسأله برابر نبودن دو مثل مربوط به مؤمن و مشرک و سرنوشت ایمان و شرک باشد، یعنی، <بل اکثرهم لا يعلمون أنّهما لا یتویان>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۷

۷ - شرک ، بی تردید به زیان انسان ها است .

لئن أشركت .. و لتكونن من الخسرين

<نون> در <لتكونن> برای تأکید و رفع تردید است.

سختی اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين یمشون علی الأرض هوناً .. و الذين لا یشهدون الزور ... أول

سختی ترک شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ - ترک شرک و پذیرش توحید ، امری گران و دشوار برای مشرکان

کبر علی المشرکین ما تدعوهم إلیه

سختی عذاب شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۸

۸ - شرک و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابی سخت و فوق تصور بشر

و بدا لهم من الله ما لم يكونوا يحتسبون

سختی مبارزه با شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۶

۶ مبارزه با جریان کفر و شرک ، کاری است سخت که تلاش گسترده و طاقت فرسایی را می طلبد .

فلا تطع الكفرین و جهدهم به جهادًا كبيرًا

شده باشد.

سرزنش شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۵

۵ شرک و کفر عالمان به کتاب های آسمانی ، دور از انتظار و مایه شگفتی

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۲۰

۲۰ شرک ورزی، علی رغم دلایل روشن توحید، امری شگفت انگیز است.

أتحجونى فى الله و قد هدين . . أفلا تتذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ شرک پیشگی و انکار ربوبیت خدا علی رغم اعتقاد به رازقیت ، حاکمیت ، حیات بخشی و تدبیر بیوقفه خدا نسبت به امور جهان نشانه ای از وجود روحیه بی پروایی در انسان است .

قل من یرزقکم .. فسیقولون اللّٰه فقل أفلاتتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۶ - ۶

۶ - شرک و بت پرستی و سرباز زدن

از توحید ، اوج ناسپاسی انسان در برابر خدا

و هو الذی أحیاکم .. . إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۹ - ۳

۳ - شرک‌ورزی ، علی رغم اعتقاد به حاکمیت فراگیر خدا بر سراسر هستی ، سزاوار نکوهش و سرزنش

قل فأنّی تسحرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۷

۷ - روی آوردن به پرستش غیرخدا با وجود دلایل روشن بر یگانگی او در تدبیر ، امری شگفت و شایان توبیخ

أمن جعل الأرض قرارًا .. . أءله مع الله

استفهام در <ءله..> دربردارنده توبیخ و سرزنش است.

سرزنش شرک افعالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ نکوهش و تحقیر کسانی که خداوند را محور همه حوادث عالم نمی دانند و آن را درک نمی کنند .

فمال هؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا

از مصادیق مورد نظر برای <حدیثا> ، خدامحوری حوادث عالم است.

سرزنش شرک در رازقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۷

۷- سهیم دانستن معبود های باطل در روزی دهی ، مورد سرزنش خداوند

و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم تالله لتسئلن

سرزنش گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۷

۷ روی برتافتن از توحید و یکتاپرستی و گرایش به شرک و بت پرستی ، کاری شگفت و در پی دارنده نکوهش سخت
خداوند

فذلکم الله ربکم الحق . . .

فأني تصرفون

سرزنشهای رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا .. فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

سستی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۸

۸ - تمثیل بی بنیادی شرک به خانه عنكبوت ناشی از علم و برهان است .

مثل الذين اتخذوا من دون الله أولياء كمثل العنكبوت اتخذت بيتاً .. و تلك الأم

سنگینی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۱۹

۱۹ - شرک آدمیان ، امری سنگین و غیر قابل تحمل برای مجموعه نظام هستی

له ما فی السموت .. تكاد السموت يتفطرن

جمله <تكادالسموات> کنایه از غیر قابل تحمل بودن امری عظیم برای آسمان ها است. این مطلب به قرینه آیه بعد که درباره شرک است می تواند ناظر به شرک مشرکان باشد.

سوگند بر شرک ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۱

۱- سوگند مؤکد ابراهیم (ع) بر حيله و تدبير کردن ، برای ضربه زدن به بت ها در غیاب بت پرستان

و تالله لأکیدنّ أصنمکم بعد أن تولّوا مدبرین

<کید> به معنای حيله و تدبیری پنهانی برای ضربه زدن به غیر است.

شرایط آمرزش شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ - پذیرش توبه و بخشش گناهان ، مشروط به مداومت بر ترک آنها و پرهیز از گناه مجدد است .

و إني لعَفَّارٌ لمن تاب .. ثم اهتدى

<ثم اهتدى> که به مرحله بعد از توبه نظر دارد، گویای این نکته است که اگر پس از توبه، راه هدایت ترک شود و آنچه از آن توبه شده، دوباره انجام گیرد، انسان مشمول مغفرت الهی نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۱۵

۱۵ - شرک ، گناهی قابل بخشش در پرتو گرایش به توحید و استغفار

فاستقیموا إلیه و استغفروه

خداوند، در این آیه و در پی دعوت به توحید، مشرکان را به روی آوردن به استغفار فراخوانده است؛ از این مطلب روشن می شود که چنانچه مجالی برای پذیرش استغفار نبود، دعوت بدان بی معنا می نمود.

شرایط مبارزه با شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۴ - ۶

۶ رهبران دین ، حتی پیامبران ، بدون داشتن پیروانی فرمانبر ، قادر به مبارزه با شرک و کفر نخواهند شد .

حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین

چنانچه <من اتبعک> عطف بر <الله> باشد، مراد از کفایت مؤمنان برای پیامبران این نیست که آنان نیز همانند خداوند قادر به حمایت از رسول خدا هستند، بلکه آیه مورد بحث با توجه به اینکه در رابطه با مبارزه علیه مشرکان و کافران ایراد شده، در صدد بیان این است که مبدا

کفایت خداوند به این معنا تفسیر شود که در مبارزه با مشرکان نیازی به مؤمنان نیست و خداوند خود ایشان را از صحنه مبارزه بیرون خواهد کرد.

شرك آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۵، ۳، ۲

۲- آزر (پدر یا عموی حضرت ابراهیم (ع))، مشرک و بت پرست بوده است .

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ

<آزر> یا پدر حضرت ابراهیم بوده است، چنانچه ظاهر برخی آیات چنین اقتضا دارد و برخی روایات نیز مؤید آن است و یا این که مطابق برخی روایات دیگر عموی او بوده است. واژه <أب> در زبان عرب بر <عمو> نیز اطلاق می گردد. در قرآن نیز در سوره بقره آیه صد و سی و سوم به همین معنا استعمال شده است (نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ). در این آیه لفظ <أب> در مورد <عمو> نیز به کار رفته، زیرا اسماعیل عموی یعقوب بوده است. گفتنی است که برخی مفسران، آزر را جد مادری ابراهیم دانسته اند.

۳- برخورد منطقی و استدلالی حضرت ابراهیم با انحراف عقیدتی و شرک آزر

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَبْصُرُ

۵- آزر، پرستشگر بت هایی فاقد شنوایی و بینایی و کارآیی و ناتوان از دفع آسیب ها

مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يَبْصُرُ وَلَا يَغْنَىٰ عَنْكَ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۶ - ۱

۱ - ابراهیم (ع) ، پدر و قومش را به سبب گرایش به معبودهایی جز الله ، مورد سرزنش قرار داد .

أَتُنْفِكُوا إِلَهُهٖ دُونَ اللَّهِ تَرِيدُونَ

استفهام

در <أنفكا> متضمن معنای توییخ است و <إله> مفرد <ءالهه> به معنای معبود می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۳

۳- قوم ابراهیم (ع) و فردی که آن حضرت وی را پدر خطاب می کرد، پیرو آیین شرک و بت پرستی بودند.

و إذ قال إبراهيم لأبيه و قومه إنني براء مما تعبدون

شرک استهزاگران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۶ - ۱

۱- استهزاگران پیامبر (ص)، مردمی مشرک و معتقد به معبود دیگری جز الله

المستهزئين. الذين يجعلون مع الله إلهًا آخر

شرک اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱

۱ اشراف و سران قوم نوح، پیامبری آن حضرت را انکار کرده و به توحید و برپایی قیامت کافر شدند.

فقال الملائ الذين كفروا من قومه

متعلق <كفروا> به قرینه آیه قبل توحید، نبوت نوح و برپایی قیامت است.

شرک اعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۶ - ۵

۵ <عن أبي عبد الله (ع) [في قوله تعالى]: > و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشركون < إنها نزلت في مشركي العرب إذ

سئلوا من خلق السماوات و الأرض و ينزل المطر ؟ قالوا : الله ثم هم يشركون و كانوا يقولون في تلبيتهم : لييك لا شريك لك
إلا شريكاً هو لك تملكه و ما ملكك ;

از امام صادق(ع)

درباره سخن خدای تعالی <وما يؤمن أكثرهم بالله إلا وهم مشركون> روایت شده است که: این آیه درباره مشرکان عرب نازل شده است، هنگامی که از آنان سؤال شد: چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده و باران را نازل می کند؟ گفتند: خدا، سپس شرک میورزیدند و در تلبیه خود می گفتند: لیبک شریکی برای تو نیست مگر شریکی که او از آنِ توست. تو مالک اویی و مالک آنچه که او مالک است.>

شرک افعالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۳

۳ اتکای به غیر خدا، هرگز خلأها و نیازهای حقیقی انسان را برآورده نمی کند .

لن تغنی عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۹

۱۹ پندار حاکمیت غیر خداوند (شرک افعالی) در تدبیر امور هستی ، پنداری جاهلانه و باطل

يظنون بالله غير الحق ظن الجاهليته .. قل ان الامر كله لله

<ان الامر .. > می رساند که گمان جاهلی، اعتقاد به تأثیر مستقل غیر خداوند در امور هستی است. و این خود نوعی از شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۶ - ۱۱، ۱۰، ۵۸

۵ < عن أبي عبدالله (ع) [في قوله تعالى] : < وما يؤمن أكثرهم بالله إلا وهم مشركون > إنها نزلت في مشركي العرب إذ سئلوا من خلق السماوات والأرض وينزل المطر

؟ قالوا : الله ثم هم يشركون و كانوا يقولون في تلبيتهم : لبيك لا شريك لك إلا شريكاً هو لك تملكه و ما ملكك ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای تعالی <وما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشركون> روایت شده است که: این آیه درباره مشرکان عرب نازل شده است، هنگامی که از آنان سؤال شد: چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده و باران را نازل می کند؟ گفتند: خدا، سپس شرک میورزیدند و در تلبیه خود می گفتند: لبيك شريكى برائى تو نيست مگر شريكى كه او از آنِ توست. تو مالک اویى و مالک آنچه كه او مالک است.<

۸ > عن أبى جعفر (ع) : في قول الله تبارك و تعالى : < و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشركون > قال : شرک طاعه و ليس شرک عباده و المعاصى التى يرتكبون شرک طاعه أطاعوا فيها الشيطان فأشركوا بالله فى الطاعه لغيره . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای تبارک و تعالی: < و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشركون > روایت شده است که فرمود: [مراد از شرک] شرک طاعت است نه شرک عبادت. و گناهی را که مرتکب می شوند شرک طاعت است که در آنها شیطان را اطاعت کرده اند، پس با اطاعت از غیر خدا برای خدا شریک قرار داده اند...<

۱۰ > عن أبى عبدالله (ع) فى قوله : < و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشركون > قال : هو الرجل يقول : لولا فلان لهلكت و لولا فلان لأصبت كذا و كذا

و لولا فلان لضاع عیالی ... ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا <و ما یؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون> روایت شده است: مقصود کسی است که می گوید: اگر فلانی نبود، هلاک می شدم و اگر فلانی نبود، بر سر من چنین و چنان می آمد و اگر فلانی نبود، اهل و عیال من از بین رفته بودند ... <.

۱۱ > عن یعقوب بن شعیب قال : سألت أبا عبد الله (ع) < وما یؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون > قال : كانوا یقولون : نمطر بنوء کذا و بنوء کذا ومنها انهم كانوا یأتون الکهّان فیصدّقونهم فیما یقولون ;

یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خدا: <و ما یؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون> سؤال کردم حضرت فرمود: آنان می گفتند: باران بر ما می بارد به خاطر فلان حالت فلان ستاره و فلان ستاره و دیگر آن که آنان به نزد کاهنان می آمدند و سخن آنان را می پذیرفتند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۲

۲- مشرکان ، برای اسباب و علل ظاهری در انجام امور ، نقش مستقل قائل بودند .

بربهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... و یجعلون لما لایعلمون نصیبًا ممّا رزقن

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که <ما>ی موصول اسباب و عواملی باشد که مشرکان آنها را در نجات خود از ناگواریها دخیل می دانستند، در حالی که خبر از وضعیت آنها هم نداشتند و از اینکه خداوند مشرکان را به خاطر چنین تفکری مورد سرزنش قرار داده است،

استفاده می شود که آنان برای چنین اسبابی نقش مستقل قائل بوده اند و گرنه جای سرزنش و توبیخ نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۰

۲۰- مشرکان به برخورداری شیاطین و جن از حق تصمیم گیری در کار جهان و تدبیر امور آن ، معتقد بودند .

أَفْتَنَّاكَ مِنْ دُونِ ذَٰلِكَ أَتَىٰ عَلَىٰ الْإِنسَانِ نَفْسًا وَمَنْ يَشَاءُ يَسُوءْ

به قرینه آیه بعد، مراد از توهم ولایت شیاطین، این پندار است که آنان، در امور عالم و کار آفرینش، دخالت و نظارت دارند . این اعتقاد مشرکان را وادار می کرد که برای پرهیز از شر شیاطین، به ستایش آنان پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ - عقیده به مالکیت غیر خدا بر بخشی از عالم و سهم دانستن غیر او در آن و اعتقاد به کمک غیر خدا به او در تدبیر عالم ، مشرکانه است .

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ... و ما لهم فيهما من شرك

شرك افعالی قوم ابراهيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - قوم ابراهيم ، نیاز های مادی شان را از بت ها ، طلب می کردند .

إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ

شرك اقوام پيشين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۱

۲۱- قوم نوح ، عاد و ثمود و اقوام پس از آنان ، خدایان نیاکان خود

را می پرستیدند .

تریدون أن تصدّونا عمّا كان يعبد ءاباؤنا

شرك اكثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۳

۲۳ اکثریت مردم آلوده به شرکند .

ما كان لنا أن نشرك بالله .. و لكنّ أكثر الناس لا يشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۹

۱۹ اکثریت مردم (مشرکان) ، ناآگاه به استواری توحید و یگانه پرستی و اتکای آن بر برهان

ذلك الدين القيم و لكنّ أكثر الناس لا يعلمون

در برداشت فوق ، <الناس> عموم مردم گرفته شده است. بر این اساس ، مقصود از <أكثر> مشرکان خواهد بود. مفعول

<لا يعلمون> به قرینه جمله های قبل ، استواری توحید بر برهان و دلیل برهانی نداشتن شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۶ - ۱

۱ بیشتر مدعیان ایمان و معترفان به وجود خدا برای او شریک می پندارند .

و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۲ - ۱۷

۱۷ - شرك اكثریت مردم ، عامل فساد زمین و درپی دارنده عذاب استیصال

ظهر الفساد .. بما كسبت أيدي الناس ... فانظروا كيف كان عقبه الذين من قبل كان أك

<كان أكثرهم> به منزله تعليل برای <كيف كان..> است و بنابراین، بیانگر این حقیقت است که شرک اکثریت، باعث فساد و در نتیجه عذاب هلاکت بار بوده است.

شرک اکثریت اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر -

۲- آیین شرک و عقیده به وجود خدایی جز الله، دین غالب و آیین مردم مکه \$ بود .

و أَعْرَضَ عَنِ الْمُشْرِكِينَ .. الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

بود.

شرک اکثریت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین، خویشان، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا .. ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ

شرک اکراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۹

۹- پذیرش اجباری شرک در صورتی که مقدمات آن اختیاری باشد سدّ راه رستگاری است .

أَوْ يَعِدُوكُمْ فِي مَلْتَهُمْ وَ لَنْ تَفْلَحُوا إِذَا أَبَدًا

روشن است که انسان می تواند در صورت اضطرار تظاهر به شرک کند، ولی اصحاب کهف، آن را مجوّز شرک‌ورزی نمی دیدند زیرا، آنان، از اضطراری سخن می گفتند که ممکن بود در نتیجه بی احتیاطی افرادشان حاصل شود.

شرک اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۳ - ۵

۵ - شرک و نیز اعتقاد به معبود های متعدد، از ویژگی های مردم انطاکیه بود .

ءأآآذ من دونه ءالهه إن یردن الرحمن بضراً .. لا ینقذون

شرك اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ - اکثریت هلاک شدگان به عذاب الهی ، مشرک و چندگانه پرست

بودند .

كان أكثرهم مشركين

دعوت به ژرف نگری در فرجام پیشینیان مشرک، گویای این نکته است که افراد یاد شده، سرانجام خوبی نداشته و گرفتار عذاب الهی شده اند.

شرك اهل كتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۳

۳ اهل كتاب ، مردمی مشرک ، به خاطر کفر به قرآن

فلا يؤمنون الا قليلا .. يا ايها الذين اتوا الكتب امنوا بما نزلنا ... ان ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۴

۴ شرك برخی از اهل كتاب (علمای یهود) ، علی رغم بهره مندی آنان از كتاب های آسمانی

الم تر الى الذين اتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

جمله <اتوا نصيباً .. > می تواند اشاره به علت سرزنش و اعتراضی باشد که از جمله <الم تر ... > به دست می آید. یعنی چگونه است که از كتاب خداوند بهره مند هستند، ولی کافر و مشرک می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۶ - ۶

۶ > عن أبي عبدالله (ع) [في قوله تعالى] : < وما يؤمن أكثرهم بالله و إلا و هم مشركون > إنهم أهل الكتاب آمنوا بالله و اليوم الآخر و التوراه و الإنجيل ثم أشركوا بإنكار القرآن و إنكار نبوه نبينا محمد (ص) ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای تعالی: <وما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشركون > روایت شده است که: همانا آنان اهل كتاب هستند

که به خدا و روز واپسین و تورات و انجیل ایمان آوردند، سپس با انکار قرآن و نبوت پیامبر ما حضرت محمد(ص) مشرک شدند.

شرك اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ مردم مدین مشرک بودند .

و إلی مدین . . . ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۹

۹ قوم شعیب ، مردمی مشرک و روی گردان از پرستش خداوند

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۴،۵،۶

۴ قوم شعیب و پدرانشان ، مردمی مشرک و پرستشگر معبودی غیر از خدای یکتا

أن نترك ما یعبد ءاباؤنا

۵ شعیب (ع) ، مردمان را به ترك پرستش غیر خدا فرا می خواند و علیه شرکورزی قومش مبارزه می کرد .

أصلوتك تأمرک أن نترك ما یعبد ءاباؤنا

۶ پایبندی به آداب و رسوم پدران و نیاکان ، دلیل و انگیزه قوم شعیب در پرستش معبود های دروغین

أن نترك ما یعبد ءاباؤنا

مراد از <ما> در <ما یعبد ..> بتها و معبودهاست. توصیف آنها با جمله <یعبد ءاباؤنا> بیانگر علت اصرار آنان بر تمسک به بتهاست. بنابراین مفاد عبارت <أن نترك ...> چنین است: ما بتها را ترك نمی کنیم زیرا پدرانمان آنها را می پرستیدند و

همچنان به پرستش آنها ادامه می دهند.

شرك اهل مكه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۴،۶

۴ - شرك ،

دارای پیشینه تاریخی در میان مردم مکه

بل متعت هؤلآء و ءاباءهم

۶- مردم مکه پیش از بعثت پیامبر اکرم (ص) و نزول قرآن، برهه ای طولانی در شرک و بت پرستی بسر می بردند.

بل متعت هؤلآء و ءاباءهم حتّی جاءهم الحقّ و رسول مبین

شرک باغدار متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۲ - ۸

۸- ثروت مند خودپرست، پس از نابودی اموال خویش، به خود آمده و بر مواضع شرک آلود گذشته خویش تأسف می خورد.

یلیتنی لم أُشرک برّبی أحدًا

شرک بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۶، ۱۱، ۸

۸ آلودگی بنی اسرائیل به شرک و گوساله پرستی، از میان برنده زمینه ابلاغ تورات و تعلیم پیام ها و موعظه های آن

و ألقى الألواح

گویا هدف از بیان این بخش از داستان که موسی(ع) با مشاهده گوساله پرستی تورات را بر زمین افکند، این نکته باشد که موسی(ع) جامعه نابخرد خویش را شایسته تورات ندانست و زمینه تعالیم آن را بر باد رفته دید و لذا آن را بر زمین نهاد.

۱۱ بازداری بنی اسرائیل از گرایش به شرک و گوساله پرستی، مسؤولیت هارون از دیدگاه موسی (ع)

و أخذ برأس أخیه یجره إلیه

۲۶ هارون با بیان مبارزه خویش علیه شرک‌ورزی بنی اسرائیل، از موسی (ع) خواست تا وی را همسنگ ستمکاران شرک پیشه قرار ندهد.

إن القوم استضعفوني و كادوا يقتلونني . . . و لاتجعلني مع القوم الظلمين

روشن است که موسی(ع) هرگز

گمان نمی کرد که هارون از ستمکاران باشد. بنابراین <مع> در جمله <لا تجعلني مع> معیت حکمی است ؛ یعنی مرا در حکم ستمکاران قرار مده.

شرك به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱۱

۱۱ معبود های اهل شرك ، عاری از هر گونه نشانه ای بر شریک بودنشان با خداوند

بما اشركوا بالله ما لم ينزل به سلطاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ پندار وجود شریک برای خدا ، افترا و نسبتی ناروا

و من يشرك بالله فقد افترى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۴

۴ هر نوع شرك به خدا ، افترا و نسبتی دروغین بر اوست .

و من يشرك بالله فقد افترى .. انظر كيف يفترون على الله الكذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۶

۱۶ شرك به خدا ، كفر به اوست .

لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح .. من يشرك بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۵ - ۱۳

۱۳- خداوند را دارای شريك دانستن ، پنداری دروغ و افترا بر او است .

فمن أظلم ممن افترى على الله كذباً

شرك پدر ابراهيم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۱

۱ - ابراهيم (ع) ، آيين شرك و بت پرستی پدر

و قومش را زیر سؤال برد و آن را محکوم کرد .

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

شرک پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۵

۵ - تجدید انحراف و پیدایش شرک و بت پرستی ، پس از نوح (ع)

ثم أنشأنا من بعدهم .. فأرسلنا ... رسولا منهم أن اعبدوا الله

شرک پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۷، ۱۸، ۲۰

۱۷- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام خواهد کرد که وی در دنیا عقیده آنان را در شریک قرار دادن او برای خدا ، قبول نداشته است .

و قال الشیطن .. إنی کفرت بما أشركتمون من قبل

برداشت مبتنی بر این احتمال است که <ما> در آیه مصدری باشد و <أشركتم> را به تأویل مصدر ببرد و مفعول آن ضمیر منفصل محذوف باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من شریک قرار داده شدن خودم را برای خدا از جانب شما قبول نداشتم و به آن کافر بودم.

۱۸- شیطان در قیامت اظهار می دارد که وی قبل از شرک پیروانش ، به خداوند کافر شده بود . *

إنی کفرت بما أشركتمون من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <بما أشركتمون> موصول و به معنای <من> باشد و ضمیر صله هم محذوف و <من قبل> نیز متعلق به <کفرت> باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من پیش از آنکه شما مرا شریک خدا قرار دهید (در عهد آدم) به او کافر شدم.

۲۰- پیروان شیطان

او را در اطاعت ، شریک خداوند قرار می دهند و از القائات او تبعیت می کنند .

إِلَّا أَنْ دَعَوْتَكُمْ فَاسْتَجِبْتُمْ لِي... إِنْ كَفَرْتُمْ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلِ

شرك جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۶ - ۲

۲ شرك ، سرآمد پلیدی ها و بارزترین جرم دوزخیان *

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ... الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

تعبیر <الذی جعل...> در پی اوصاف متعدد دوزخیان می نماید که همه آن اوصاف، در شرك نهفته است و جدا آمدن <الذی جعل...>، می تواند اشاره به اهمیت آن داشته باشد.

شرك خدا هنگام رفع سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۱

۱- شرك ربوبی رهیدگان از ناگواری ها ، کفران نعمت های خداوند است .

بربهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

<لام> در <لیکفروا> احتمال دارد لام عاقبت باشد. بنابراین معنا چنین می شود: عاقبت شرك آنان، کفران نعمتها شد. لازم به ذکر است به تناسب <ما ءاتیناهم> مراد از <یکفروا> کفران است.

شرك در آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - رویکرد افراد رهیده از سختی ها و ناملایمات به شرك ، به رغم توجه شان به خداوند ، به هنگام ابتلا ، امری غیر منتظره و ناشایست است .

ثم إذا أذاقهم منه رحمه إذا فریق منهم برّهم یشرکون

<إذا> در عبارت <إذا فریق..> فجایه است. کاربرد آن، در جایی است که حادثه ای به صورت غیرمنتظره رخ بدهد.
تکرار <رّهم> با این

بیان که ذکر <رَبِّهِمْ> اشعار به این نکته دارد که آنان به رغم این که خداوند، پروردگارشان است، چنان کردند، مؤید این مطلب است.

شرك در اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۷

۷ گرایش گروهی از اهل کتاب به بت پرستی و عبادت غیر خدا

و عبد الطغوت

طاغوت از ماده <طغی> به معنای طغیانگر و متجاوز است و اهل لغت آن را بر شیطان، بت و سران کفر و ضلالت اطلاق کرده اند.

شرك در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۲

۱۲ جامعه جاهلی در عصر بعثت جامعه ای آلوده به شرك و بی اهتمام نسبت به پدران و مادران بود.

و بالولدین إحسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - آمیختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرك و بت پرستی در عصر جاهلیت

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲۳

۲۳ اعراب جاهلی ، مرمانی شرك پیشه و بت پرست

ذلكم الله ربكم فاعبدوه أفلا تذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس - ١٠ - ١٨ - ١

١ عرب جاهلي ، مردمانی شرک پيشه و منکر ربوبيت خداوند

و يعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس - ١٠ - ٢٩ - ٢

٢ عرب جاهلي

، مردمی بودند مشرک و بت پرست .

فکفی ... إن کنا عن عبادتکم لغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۲

۲ عرب های جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه و بت پرست .

قل هل من شرکائکم من یدئوا الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۵ - ۲

۲ اعراب جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه و بت پرست .

قل هل من شرکائکم من یهدی الی الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أن لا یشرکن .. لا یسرقن ... لا یزنین ... ولا یقتلن أولدهنّ و لا یأتین بیهتن

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده^۷ بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

شرک در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۸

۸- محیط اجتماعی اصحاب کهف ، محیطی شرک آلود و نامساعد برای ابراز توحید بود .

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا فقالوا

چنان چه محیط برای اظهار نظر اصحاب کهف مساعد بود، نیازی به قیام نبود و امدادهای ویژه الهی (ربطنا ..) ضرورتی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۵ - ۱،۲،۵

۱- جامعه اصحاب کهف ، جامعه ای مشرک

و معتقد به معبودهایی متعدد بود .

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

۲- اصحاب كهف ، از شرك و انحراف عقیدتی مردم جامعه خویش ، نگران و در رنج روحی بودند .

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

لحن جمله <هؤلاء..> گویای تحسّر و اندوه اصحاب كهف بر ضلالت و گمراهی مردم زمان خویش است.

۵- جامعه اصحاب كهف ، فاقد هرگونه دلیل و برهان بر عقاید شرك آلود خویش بودند .

هؤلاء قومنا .. لولا یأتون علیهم بسلطن بین

شرك در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۹

۹ رواج شرك و بت پرستی در بین مردم جزیره العرب مقارن ظهور اسلام

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

شرك در رازقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۱۲، ۱۳، ۱۴

۱- مشرکان ، برای معبود های خویش سهمی در روزی دهی قائل بودند .

یشركون .. و یجعلون لما لا یعلمون نصیبًا ممّا رزقنهم

آیه، ادامه بیان کارهای خلاف مشرکان است و برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که مراد از <ما> ی موصول، معبودهاست و مفعولٌ به فعل <لا یعلمون> محذوف است.

۱۲- دخیل دانستن معبود های باطل در امر روزی رسانی به بندگان ، افترا بی بیش نیست .

و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم تالله لتسئلن عما كنتم تفترون

ممکن است متعلق <تفترون>، <جعل نصیب> برای معبودهای باطل از سوی مشرکان باشد و مراد از سهم قرار دادن برای معبودها، دخیل دانستن آنها در امر روزی رسانی است.

۱۳- افترا بستن به خدا (مبنی بر

شریک داشتن خداوند در امر روزی (کار دائمی معتقدان به شرک ربوبی

بربهم یشرکون .. و يجعلون لما لا يعلمون نصیباً مما رزقنهم ... کنتم تفترون

احتمال دارد مراد از <تفترون> همان نکته ای باشد که در آیه آمده است و آن دخالت دادن و سهیم دانستن معبودها و یا اسباب و عوامل در امر روزی دهی و یا نجات است.

شرک در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ رواج شراب خورای ، قمار بازی و گرایش به مظاهر شرک در عصر بعثت

یا ایها الذین ءامنوا انما الخمر .. رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

شرک در قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۴ - ۱۶

۱۶ پذیرش تحلیل و تحریم (قانونگذاری) دیگران ، پذیرش آنان به عنوان ربّ است .

و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله

پیامبر (ص) در پاسخ شخصی که می گفت: ما کنا نعبدهم، فرمود: اما کانوا یحلّون لکم و یحرّمون فتأخذون بقولهم؟ فقال: نعم، فقال النّبی (ص): هو ذاک.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۶۷.

شرک در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۱

۱ - شرک و بت پرستی در کنار کعبه (خانه توحید) ، نمونه ای بارز از اقدام انسان ها برای تغییر آیین پیامبران و انحراف از
طریقه آنان

فتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ .. فذَرَهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ

<وَذَرُوا> (مصدر <ذرههه>) به معنای ترک کردن و وا نهادن است. ضمیر <همه> به قرینه

مقام کنایه از مردم مکه و پیرامون آن است؛ که سیره یکتاپرستی حضرت ابراهیم(ع) را تغییر دادند و به شرک ورزی روی آوردند و بر آن پافشاری کردند <غمره> به معنای غرقاب است و در این جا استعاره از ورطه جهل و گمراهی می باشد.

شرک در نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۸

۸ - وجود افرادی شرک پیشه ، در نسل ابراهیم (ع)

لعلهم يرجعون

با توجه به رجوع ضمیر <هم> به نسل ابراهیم(ع)، استفاده می شود که برخی از آنان آلوده به شرک بودند؛ بنابراین مفاد آیه این می شود که توحید در گروهی از نسل ابراهیم باقی ماند تا زمینه آن شود که گروه دیگر آنان نیز به توحید بازگردند.

شرک دین سازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۴

۴ دین سازان و مروجان آیین های منسوخ ، در حقیقت خود را در رتبه خدا و شریک او قرار داده اند .

یا ایها الذین اتوا الکتب امنوا بما نزلنا .. ان الله لا یغفر ان یشرک به

شرک ذاتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۴

۴ شرک در الوهیت و عبادت ، در حقیقت انکار خداوند است .

اتخذونی و امی الهین من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۸

۸- قرار دادن مخلوق خداوند در کنار او و جزء وی به شمار آوردن آن

، کفری آشکار و سرپوشی رسوا بر خرد آدمی و واقعیت هستی است .

و جعلوا له من عباده جزءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ

واژه <کفور> و <مبین> با توجه به ریشه آنها که یکی پوشیدن و مخفی داشتن حق و دیگری آشکار بودن و پوشش ناپذیری است می تواند اشاره به خردناپذیر بودن و متناقض بودن مطلب مورد ادعای مشرکان داشته باشد.

شرک ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۹

۹ پندار ربوبیت برای غیر آفریننده هستی، شگفت آور و مورد سرزنش خداوند

ثم الذین کفروا برہم یعدلون

حرف <ثم> در آیه معنی استبعاد و تویخ افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۶

۶ مصریان باستان ، معتقد به خدایانی متعدد که هر کدام تدبیر کننده بخشی از امور جهان بودند .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القہار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ - برخی از مشرکان ، به رغم رویکرد به خدا ، به هنگام ابتلا به ناملایمات و سختی ها ، به محض احساس رهایی از آن و دست یابی به اندک آسایش ، شرک ربوبی پیدا می کنند .

و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّہم . . . ثمّ إذا أذاقہم منہ رحمہ إذا فریق منهم برّہم

تعبیر <أذاق> که به معنای <چشانند> است و معمولاً، برای <خوردن کم> به کار می رود به جای <برخوردار کردن> و <عطا کردن> و امثال آنها و نیز تنوین تنکیر <رحمه>

که دلالت بر قَلت می کند، حکایت از دست یابی به رفاه اندک دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ - اعتقاد به جدایی خالقیت خدا از ربوبیت او و نسبت دادن ربوبیت و تدبیر امور جهان به غیر خدا ، شرک است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله قل أفريتم ما تدعون من دون الل

شرک ربوبی در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۶

۶ - جامعه فرعونى ، گرفتار شرک ربوبی و منکر < ربّ العالمین >

قالوا ءامنا ربّ العلمین

شرک ربوبی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ - جامعه فرعونى ، گرفتار شرک در ربوبیت خداوند *

فقال إني رسول ربّ العلمین

شرک ربوبی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۴

۴- شرک قوم ابراهیم ، در ربوبیت و تدبیر جهان بود ؛ نه در خالقیت آن .

قال بل ربکم ربّ السموت والأرض الذی فطرهنّ

شرک ربوبی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۳ - ۳

۳ - قوم نوح ، فاقد هرگونه دلیل و برهان در گرایش به شرک و انکار توحید ربوبی

ما لکم لاترجون لله وقارًا

<ما> در <ما لکم> اسم استفهام و برای انکار است و این استفهام متوجه سبب قبول نداشتن <وقار> برای خدا است. بر این اساس، مفاد آیه شریفه

چنین می شود: <اَى سبب حصل لكم حال كونكم غير خائفين و غير معتقدين لله عظمه.>

شرك ربوبى مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۰ - ۱۴

۱۴ مشركان معتقد به وجود شريك برائى خدا در ربوبيت هستند.

و الذين لا يؤمنون بالآخرة و هم بربهم يعدلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۱ - ۵

۵- مشركان ، در تدبير هستى ، كسانى را جايزگزين خداوند قرار داده اند كه خود ، مخلوق خدا و فاقد كمتريين نقش در خلقت خویش اند .

أفتتخذونه و ذرّيته أولياء .. ما أشهدتهم ... خلق أنفسهم

شرك ربوبى مشركان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۸ - ۸

۸ شرك پيشگان عصر بعثت ، معتقد به خدا و منكر يكتايى او در ربوبيت بودند .

و يعبدون من دون الله .. و يقولون هؤلاء شفَعُونَا عند الله

شرك ربوبى يهود دوران عيسى (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۳

۳ - يهوديان در عصر عيسى (ع) ، گرفتار شرك در ربوبيت و دور ماندن از پرستش پروردگار يگانه

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ

از تأکید عیسی(ع) بر ربوبیت الهی، مطلب بالا استفاده می شود.

شرك ستیزی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۲

۲ ابراهیم(ع) با تظاهر به ستاره پرستی و استدلال جدلی به ابطال عقیده شرك قوم خود پرداخت.

فلما

جن عليه أيل رءا كوكبا قال هذا ربي

جمله < فلما جن > تصریح بر < كذلك نرى .. > است. یعنی نتیجه ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) آن شد که او بدین صورت به مبارزه با شرک پردازد. بنابراین سخن ابراهیم(ع) تنها از سر مجادله و به برای ابطال باطل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۷ - ۲

۲ ابراهیم(ع) در مقام مجادله با تظاهر به ماه پرستی به ابطال آن پرداخت.

فلما رءا القمر بازغا قال هذا ربي فلما أفل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۲،۹

۲ ابراهیم(ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربي

۹ ابراهیم(ع) در پی ابطال مستدل عقاید شرک آمیز قوم خویش، به صراحت از معبودهای آنان بیزاری جست.

فلما رءا الشمس .. إني برىء مما تشركون

چنانچه < ما > در < مما تشركون > موصول باشد، مضمون جمله چنین است: < برىء من الذی تشركون به >. یعنی از چیزهاییکه به آن شرک میورزید بیزارم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۱

۱ ابراهیم(ع) در پی مجادله با مردم و ابطال باورهای شرک آلود آنان، بر یگانه پرستی خویش تأکید کرد.

فلما أفل .. إني وجهت وجهي للذی فطر السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۵

۵ استدلالهای ابراهیم(ع) بر ابطال شرک و پرستش بتها و اجرام آسمانی به هدایت خداوند بود.

أَتتخذ

أصناما .. قال لأحب الأفلين ... و قد هدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۵

۵- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند درخواست امنیت و مصونیت سرزمین مکه از نفوذ و رخنه آیین شرک و بت پرستی کرد .

*

و إذ قال إبرهیم ربّ اجعل هذا البلد ءامناً

درخواست حضرت ابراهیم(ع) برای مصونیت خود و خاندانش از گرایش به شرک، می تواند قرینه ای باشد بر اینکه مقصود از امنیت مکه، مصونیت آن از شرّ نفوذ آیین شرک و بت پرستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۴

۴- نگرانی حضرت ابراهیم (ع) از انحراف فرزندان خود و از گسترش کامل و نفوذ بی رقیب آیین شرک و بت پرستی در میان مردم عصر خویش

و اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إنهنّ أضللن كثيرا من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۱۱،۳،۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) ، به خاطر بت پرستی آزر با او به بحث و گفت و گو پرداخت .

إذ قال لأبيه يأت لمّ تعبد ما لا يسمع و لا يبصر و لا یغنی عنك شیئاً

چنانچه در سوره انعام آمده است، نام مخاطب ابراهیم(ع) <آزر> بوده است.

۳- برخورد منطقی و استدلالی حضرت ابراهیم با انحراف عقیدتی و شرک آزر

لمّ تعبد ما لا یسمع و لا یبصر

۱۱- مناظرات ابراهیم (ع) با آزر در مورد نفی بت پرستی ، بسیار مهم و شایسته یادآوری و بزرگداشت است .

واذكر في الكتب إبراهيم .

.. إذ قال لأبيه ... ما لا يسمع ولا يبصر ولا يغني عنك شيئا

<إذ> در <إذ قال> بدل از ابراهیم و در حقیقت مفعول برای <اذکر> است. بیان نحوه استدلال ابراهیم(ع) و مواد به کار رفته در قیاس های آن، گویای آن است که این مجموعه دارای ارزش و سزاوار یادکرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۶ - ۱،۴

۱- اظهار شگفتی و ناباوری نسبت به عقاید توحیدی حضرت ابراهیم (ع) ، پاسخ آزر به منطق توحیدی و بت ستیزی آن حضرت بود .

قال أراغب أنت عن الهة يا إبراهيم

همزه در <أراغب> برای استفهام توییخی است که تعجب نیز از آن فهمیده می شود.

۴- آزر ، با سوگند بر سنگسار کردن ابراهیم (ع) ، در صورت ادامه مبارزه با بت پرستی ، او را برای مدتی طولانی از خانه اش بیرون کرد .

واهجرني ملياً

<ملياً> به معنای مدت طولانی است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۵۲ - ۱،۵،۷

۱- ابراهیم (ع) در حضور پدر و قومش ، بت پرستی را زیر سؤال برد و آشکارا با آن به مخالفت برخاست .

إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل

استفهام در <ما هذه التماثيل..> سؤال از حقیقت بت ها است، نه نام آنها. و از آن جایی که ابراهیم(ع) از حقیقت آنها آگاه بود و نیازی به سؤال نداشت، استفهام ایشان به منظور زیر سؤال بردن و محکوم کردن بت پرستی و نوعی اظهار مخالفت با آن بوده است.

۵- مبارزه با اندیشه های خرافی و

شرک آلود ، تبلور رشد و کمال ابراهیم (ع) بود .

و لقد آتینا إبرهیم رُشدہ .. إذ قال لأبیہ و قومہ ما ہذہ التماثل

؛ یعنی، اعطای رشد به ابراهیم(ع) هنگامی بود که او به پدر و قومش گفت. ...

۷- مخالفت با عقاید انحرافی پدر ، آغاز مبارزه ابراهیم (ع)

إذ قال لأبیہ و قومہ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که تقدم لفظی <أبیہ> بر <قومہ> دلالت بر تقدم زمانی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۴ - ۲

۲- مخالفت قاطع و صریح ابراهیم (ع) با شرک و تقلید کورکورانه پدر و قوم خویش

إذ قال لأبیہ و قومہ .. لقد کنتم أنتم و ءاباؤکم فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۳،۴،۷

۳- تصمیم ابراهیم (ع) بر نابودی بت و بت پرستی ، پس از یک سلسله کار فرهنگی و فکری او برای هدایت و اصلاح اندیشه مردمان بود .

لقد کنتم .. فی ضلل مبین ... ربکم رب السموت ... و تالّہ لأکیدنّ أصنمکم بعد

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که حضرت ابراهیم(ع) در آغاز مخالفت با بت پرستی، پدر و قومش را مخاطب قرار داد و یک سلسله دلایل روشن بر اثبات توحید و نفی شرک به آنان ارائه کرد. سپس در مرحله دوم تهدید نمود که بت ها را نابود خواهد کرد و در نهایت به تهدید خود عمل کرد و همه بت ها را نابود ساخت.

۴- حضرت ابراهیم (ع)

(در مبارزه علیه بت پرستی ، دارای عزمی راسخ و شجاعت بسیار بود .

تَاللّٰه لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ

تأکید کلام حضرت ابراهیم(ع) به وسیله <تاء> و <لام> قسم (تالله لأکیدن ..)، دلیل بر عزم راسخ آن حضرت است. اظهار چنین کلام مؤکدی در حضور بت پرستان که حرف خطاب <کم> در <أصنامکم> و نیز مخاطب آمدن فعل <تولوا> بر آن دلالت دارد گویای شجاعت بسیار ایشان است.

۷- > عن أبي جعفر (ع) : . . . فلَمَّا تولّوا عنه مدبرين إلى عيد لهم دخل إبراهيم (ع) إلى آلهمم بقدم فکسرهما إلا کبيراً لهم ;

از امام باقر(ع) روایت شده: چون نمرودیان از ابراهیم(ع) دور شدند و به طرف محل جشن ویژه خود رفتند، آن حضرت با تیشه داخل بتخانه شد و غیر از بت بزرگ، همه بت ها را شکست. <..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۵ - ۶

۶- بت پرستان ، استدلال های ابراهیم (ع) بر بطلان شرک را نادرست انگاشته و او را به خاطر شکستن بت ها مجرم دانستند .

فسلوهم إن كانوا ينطقون . . . ثم نکسوا علی رءوسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون

جمله <لقد علمت ما هؤلاء ينطقون> پاسخ مشرکان به کلام ابراهیم(ع) (فسلوهم إن كانوا ينطقون) است ؛ یعنی، تو می دانی که بت ها از سخن گفتن عاجزاند، پس چرا ما را به سؤال کردن از بت ها حواله می دهی. لابد سؤال تو برای فرار از اتهام بت شکنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ -

۱- ابراهیم (ع) ، آیین شرک و بت پرستی پدر و قومش را زیر سؤال برد و آن را محکوم کرد .

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۹۷ - ۴،۵

۴- ابراهیم (ع) ، در آغاز مبارزه اش با شرک و بت پرستی ، قدرت اجتماعی و جایگاه نیرومندی در میان قوم خود نداشت .

قالوا ابنوا له نبیناً فآلقوه فی الجحیم

تصمیم بر نابودی ابراهیم(ع) با سوزاندن او، در انبوهی از آتشی که مردم هیزم آور آن بودند بدون این که احدی از او دفاع کند می تواند گویای برداشت بالا باشد.

۵- ابراهیم (ع) ، مظهر یکتا پرستی و الگوی مقاومت در مبارزه با شرک و بت پرستی

أئنكأءالهه دون الله تريدون . . . و الله خلقكم و ما تعملون . قالوا ابنوا له بن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۲،۷

۲- داستان مبارزه حضرت ابراهیم (ع) با شرک و بت پرستی ، داستانی زنده و درس آموز برای همیشه تاریخ

و إذ قال إبرهیم

کلمه <إذ> در محل نصب و مفعول به برای فعل محذوف است ، یعنی، <واذکر إذ قال..>.

۷- ابراهیم (ع) ، نماد شجاعت و اسوه مبارزه با شرک و بت پرستی

و إذ قال إبرهیم لأبيه و قومه

از یادآوری داستان ابراهیم(ع)، اسوه بودن آن حضرت در مبارزه با بت پرستی و از موضع گیری ایشان در برابر جامعه خویش حتی نزدیک ترین

خویشاوندان خود شجاعت آن حضرت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۲۳

۲۳ - قیام ابراهیم (ع) ، علیه محیط اجتماعی و خویشاوندی شرک آلود

إذ قالوا لقومهم إنا براءؤا منكم و ممّا تعبدون من دون الله

شرک ستیزی ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۵ - ۱

۱ - تمامی پیامبران و ادیان آسمانی ، مبلغ توحید و مخالف شرک و چندگانه پرستی بوده اند .

وسئل من أرسلنا من قبلك من رسلنا .. ءالله يعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۹ - ۴

۴ - مبارزه دیرین ادیان آسمانی ، با شرک و ربوبیت مظاهر مادی

أم لم يتبأ بما فی صحف موسى . و إبرهیم ... و أنه هو ربّ الشعری

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه در مقام نفی ربوبیت غیر خدا باشد و نیز با اندیشه نقش ستارگان در ربوبیت، مبارزه نماید و این آیات در ادامه مطالب موجود در صحف موسی و ابراهیم(ع) به شمار آید.

شرک ستیزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۴

۴- مبارزه گسترده اسلام با شرک و حرکت های شرک آلود

حَرَمَ عَلَيْكُمْ .. مَا أَهْلٌ لغيرِ اللَّهِ بِهِ

برداشت فوق، به خاطر این است که خداوند حتی خوردن گوشتی را که نام غیر خدا بر آن برده شود، تحریم کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف

۱۳ - شرک ستیزی ، از مشخصه های بارز و اصلی اسلام

لیظهره علی الدین کلّه و لو کره المشرکون

شرک ستیزی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۱۴

۱۴- اصحاب کهف ، خواهان امداد های الهی برای نجات از تنگنا ها و مشکلات حرکت و قیام شان علیه شرک و پرستش غیر او بودند .

و هتییء لنا من أمرنا رشداً

سُکنا گزیدن در غار، می رساند که حرکت و قیام اصحاب کهف، مشکلات و تنگنایی را برای آنان در پی داشته است، از این رو می توان گفت که مراد از هدایت خواهی آنان، راهنمایی شدن در اتخاذ تصمیم های بعدی و پیدا کردن راه نجات از مشکلات و تنگنایی است که در انتظار ایشان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۷

۷- اعلام ربوبیت یگانه خدا بر کلّ هستی و بیزاری از پرستش غیر او ، شعار و محور قیام اصحاب کهف بود .

فقالوا ربّنا ربّ السموت و الأرض لن ندعوا من دونه إلهاً

شرک ستیزی الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۸

۸- دعوت به توحید و مبارزه با شرک و بت پرستی ، از اهداف مهم و اصولی الیاس پیامبر

أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

شرك ستيزى انبىا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸- هود - ۱۱ - ۲۶ - ۳

۳ دعوت به توحيد و مبارزه با شرك ، مهمترين رسالت پيامبران

أن لاتعبدوا

إِلَّا اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۵

۲۵- تقلید از نیاکان در عبادت غیر خدا ، عمل باطلی است که انبیا به مبارزه با آن برخاستند .

تریدون أن تصدّونا عمّا كان يعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۹

۹- توحید و نفی شرک ، پیام تمامی پیامبران ، موحدان و کتاب های آسمانی

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

مشارالیه <هذا> به قرینه آیات قبل ، توحید و نفی شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۴

۴ - توحید ، اساس همه ادیان آسمانی و مبارزه با شرک ، سرلوحه مبارزات پیامبران الهی

ولقد أوحى إليك وإلى الذين من قبلك لئن أشركت ليحبطن عملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۵ - ۱

۱ - تمامی پیامبران و ادیان آسمانی ، مبلغ توحید و مخالف شرک و چندگانه پرستی بوده اند .

وسئل من أرسلنا من قبلك من رسلنا .. ءاللهه يعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- دعوت به توحید و انذار از عواقب شرک ، محور اصلی و مشترک دعوت پیامبران

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ

بنابراین که <أَلَّا تَعْبُدُوا..> در ادامه <و قد خلت النذر< و مصداق انذار آنان باشد و نه صرفاً ادامه سخن هود برداشت بالا به دست می آید.

شرک ستیزی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۴

۴ - سلیمان (ع) ، درصدد از میان بردن حاکمیت کفر و شرک از سرزمین سبا

بسم الله الرحمن الرحيم . ألا تعلوا علی و أتونی مسلمین

تسلیم سلیمان شدن، در حقیقت دست برداشتن از شرک و پذیرش منطق توحیدی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - مقام سلیمان ، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدّونن بمال .. بل أنتم بهدیتکم تفرحون

شرک ستیزی شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ مبارزه با شرک ، از وظیفه های اصلی حضرت شعيب (ع)

قال یقوم .. ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱۷، ۵

۵ شعيب (ع) ، مردمان را به ترک پرستش غیر خدا فرا می خواند و علیه شرکوری قومش مبارزه می کرد .

أصلوتک تأمرک أن نترک ما یعبد ءاباؤنا

۱۷ مردم مدین ، مبارزه شعيب (ع) با پرستش خدایان اهل شرک را ، خلاف درایت و رشد او می شمردند .

أو أن نفعل فی أمولنا ما نشؤا إنک لأنت الحليم الرشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۱

۱۱ مردم مدین ، شعیب (ع) را به خاطر مبارزه اش علیه شرک‌ورزی و بی عدالتی ، فاقد کرامت دانسته و شایسته احترام

نمی شمردند .

و ما أنت علينا بعزیز

<عزیز> به معنای محترم و بزرگوار و نیز به معنای شکست ناپذیر می باشد. مراد از آن در آیه شریفه معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۳

۳ شعب (ع) موظف به پایداری بر مواضع خویش (ابلاغ رسالت الهی و مبارزه با شرک و فساد)

ینی عمل

شرک ستیزی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۶،۷،۸

۶ صالح (ع) ، مردمان را از پرستش غیر خدا بر حذر می داشت و علیه شرکورزی قوم ثمود مبارزه می کرد .

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤنا

۷ حضرت صالح (ع) ، مورد اعتراض و سرزنش قوم ثمود به خاطر فراخوانی آنان به یکتاپرستی و نفی خدایان دروغین

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤنا

استفهام در <أتنهنا أن نعبد...> استفهام توییخی است.

۸ قوم ثمود ، امید های خویش درباره صالح (ع) را به خاطر مبارزه او علیه شرک ، بر باد رفته می دیدند .

قد كنت فینا مرجوًا قبل هذا أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤنا

قید <قبل هذا> دلالت بر قطع امید قوم ثمود از صالح(ع) دارد و جمله <أتنهنا> بیانگر دلیل و علت آن است.

شرک ستیزی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- مجادله قرآن با مشرکان ، با بهره گیری از باور های ایشان در رد عقاید شرک آلودشان

أَفَأَصْفِكُمْ رَبِّكُمْ بِالْبَنِينَ وَ اتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنْتًا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۵

۵ قرآن ، در هر عصر و زمان و در سطح جهانی ، توانا و شایسته برای مبارزه با جریان کفر و شرک

فلا تطع الکفرین و جهدهم به جهاداً کبیراً

فرمان خداوند به جهاد بزرگ با کافران به وسیله قرآن پس از یادآوری جاودانگی و جهانی بودن رسالت پیامبر(ص) حاکی از آن است که قرآن، کتابی توانا و شایسته برای مبارزه جهانی و همیشگی با جریان کفر و شرک است.

شرک ستیزی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۹

۹- توحید و نفی شرک ، پیام تمامی پیامبران ، موحدان و کتاب های آسمانی

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

مشارالیه <هذا> به قرینه آیات قبل، توحید و نفی شرک است.

شرک ستیزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۳

۳ پیامبر (ص) و مؤمنان به آن حضرت ، موظف به پایداری بر مواضع خویش (ابلاغ رسالت الهی و مبارزه با شرک و فساد)

إنا عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱

۱ ابلاغ توحید ، تبلیغ قرآن و مبارزه با شرک ، وظیفه پیامبر (ص) و راه و رسم او بود .

قل هذہ سبیلی

<هذه> اشاره به مطالبی است که آیات قبل به آنها اشاره داشت. از جمله آنهاست: ابلاغ توحید ، نفی شرک ، تبلیغ قرآن و تعالیم وحی.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۴

۴- مبارزه با شرک و معبود های پنداری و باطل مشرکان ، در رأس برنامه های پیامبر (ص)

أهذا الذي يذكروا الهتكُم

ذکر و یاد کردن، هم به خیر است و هم به شر؛ ولی در این آیه به قرینه مقام ذکر به شر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۷

۷ مبارزه با شرک و بت پرستی ، در رأس رسالت پیامبر (ص) بود .

إن كاد ليضلننا عن الهتنا لولا أن صبرنا عليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام قاطعانه موضع استوار خویش مبنی بر توحید و نفی شرک

إنما أمرت أن أعبد ربَّ هذه البلده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۵

۵ - مشرکان ، پیامبر اکرم (ص) را شخصی معمولی می دانستند که هدفش بازداشتن مردم از دین و آیین پدرانشان بود .

قالوا ما هذا إلا رجل يريد أن يصدكم عما كان يعبد آباؤكم

تعبیر از پیامبر (ص) به <رجل> آن هم به صورت نکره حاکی از نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - پیامبر (ص) مأمور مبارزه علنی و صریح با عقاید مشرکان (چون عقیده به شفاعت کردن معبود ها و توانایی آنان بر این کار)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ

دون الله شفعا قل أولو كانوا لا يملكون شيئاً ولا يعقلون . قل لل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۶ - ۷، ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام مخالفت خود با عبادت غیر خدا و منصرف کردن مشرکان از فکر تأثیرگذاری در عقاید آن حضرت

إني نهيت أن أعبد الذين تدعون من دون الله لما جاءني البين

پیامبر(ص)، به در دست داشتن دلایل و براهین روشن در مخالفت خود با عبادت غیر خدا تصریح فرمود. این مطلب می تواند به منظور مایوس ساختن مشرکان باشد، زیرا کسی که در عقیده خود دارای دلایل روشن باشد، تأثیرپذیری او از دیگر عقاید ناممکن خواهد بود.

۷ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام صریح مواضع عقیدتی خویش و تسلیم ناپذیر بودنش ، در برابر دشمنان و عقاید باطل و شرک آلود

و أمرت أن أسلم لرب العلمين

تصریح پیامبر(ص) به تسلیم محض بودن خود در برابر خداوند، می تواند پاسخی به فشارها و تهدیدهای دشمنان و مشرکان علیه ایشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۰

۱۰ - هجرت پیامبر (ص) و مسلمانان و موضع گیری آنان در برابر مشرکان ، حرکتی ابراهیمی

قد كانت لكم أسوه حسنه في إبراهيم و الذين معه

با توجه به آیات پیشین که درباره هجرت و موضع گیری بایسته مسلمانان در برابر مشرکان است طرح <اسوه> بودن ابراهیم(ع) پس از این آیات و توصیه ها، مطلب بالا را می فهماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹

۲ - گروهی از کافران در عصر پیامبر (ص)، بی خبر از موضع قاطع آن حضرت در برابر کفر و امیدوار به تنزل او در برابر شرک

قل یا ایها الکفرون

ادامه سوره، قرینه است بر این که مراد از <الکافرون>، همه کافران نیستند؛ بلکه تنها آن گروه مخاطب اند که امیدی به ایمان آنان نمی رفت. سخن گفتن با آنان در این باره که پیامبر(ص) اهل سازش نیست بیانگر آن است که آنان تسامح و تساهل را برای آن حضرت، امکان پذیر می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۲ - ۵، ۳، ۱

۱ - رد معبود های کافران و امتناع از عبادت آنها در تمام عمر خویش، خط مشی ارائه شده از سوی پیامبر (ص)، در گفتوگو با کافران

لا أعبد ما تعبدون

۳ - پیامبر (ص)، مأیوس سازنده کافران از پیوستن به آنان در شرک

لا أعبد ما تعبدون

حرف <لا> گرچه برای نفی مستقبل است؛ ولی مفهوم سخن، شامل زمان حال نیز می شود.

۵ - پیامبر (ص)، مأمور ابلاغ تباین معبود خود با معبود های مشرکان و تصریح به ناهماهنگی کامل، بین شرک و توحید

قل .. لا أعبد ما تعبدون

شرک ستیزی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۰

۱۰ - هجرت پیامبر (ص) و مسلمانان و موضع گیری آنان در برابر مشرکان، حرکتی ابراهیمی

قد كانت لكم أسوه حسنه فى إبراهيم و الذين معه

با توجه به آیات

پیشین که درباره هجرت و موضع گیری بایسته مسلمانان در برابر مشرکان است طرح <اسوه> بودن ابراهیم(ع) پس از این آیات و توصیه ها، مطلب بالا را می فهماند.

شرك ستیزی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۵ - ۳

۳- یکتاپرستان واقعی ، نمی توانند در قبال شرك و انحرافات عقیدتی مردم ، بی تفاوت باشند .

رَبِّنا رَبِّ السموت . . . هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

خداوند، اصحاب كهف را به عنوان نمونه ای از موحدان واقعی یاد کرده و در بیان حالات و خصلت های آنان پس از اقرار به اصل توحید توجه ایشان به جامعه بشری و تأسف آنان به ضلالت مردم را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۲۴ - ۹

۹- توحید و نفی شرك ، پیام تمامی پیامبران ، موحدان و کتاب های آسمانی

هذا ذكر من معى و ذكر من قبلى

مشارالیه <هذا> به قرینه آیات قبل، توحید و نفی شرك است.

شرك ستیزی موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۵ - ۹

۹- موسى (ع) ، در راستای اثبات توحید ربوبی و ابطال شرك ، منطقی قوی و کوبنده و برهانی روشن و غیر قابل تردید داشت .

ثم أرسلنا موسى . . . و سلطن مبین

کلمه <سلطان> به معنای قهر و غلبه است. حجت و برهان را نیز بدان اعتبار که صاحب آن، بر قلوب مخاطبان هجوم می برد

و آنها را فتح می کند، سلطان گفته

می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۷

۷ - مبارزه با شرک و دعوت مردم به ربوبیت مطلق خداوند بر جهان هستی ، پیام اصلی حضرت موسی (ع)

قالوا ءامنا بربّ العلمین

برداشت یاد شده از اعتراف ساحران در حضور موسی (ع)، به ربوبیت مطلق خداوند بر جهان به دست می آید.

شرک ستیزی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۳،۵

۳ قیام حضرت نوح (ع) ، علیه شرک و بت پرستی و دعوت به توحید و یکتاپرستی ، برای قومش سنگین و غیر قابل تحمل بود .

إن کان کبر علیکم مقامی و تذکیری بأیت الله

کلمه <مقام> مشترک بین سه صیغه است: مصدر میمی، اسم زمان و اسم مکان. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، اگر قیام من برای دعوت به توحید و یادآوری آیات و نشان های خداوند، بر شما سنگین و دشوار است و ...

۵ حضرت نوح (ع) ، در دعوت به توحید و یکتاپرستی و زدودن اندیشه شرک ، آیات و نشانه های خدا را به قومش یادآوری می کرد .

مقامی و تذکیری بأیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۲

۲ بحث و گفت و گو و ارائه دلیل و برهان ، از روش های نوح (ع) برای بازسازی مردم از شرک و گرایش دادن آنان به توحید

قالوا ینوح قد جدلتنا فأكثر جدلنا

<جدال> به معنای مناظره کردن و آوردن برهان

برای ابطال دلایلیها ، اندیشه ها و باورهای طرف مقابل است.

شرک ستیزی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۶، ۲۰، ۱۹، ۱۷

۱۷ هارون در غیاب موسی (ع) با شرک‌ورزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

۱۹ گوساله پرستان بنی اسرائیل مهبای کشتن هارون به خاطر مبارزه پی گیر وی با شرک‌ورزی آنان

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

۲۰ هارون با بیان مبارزه خویش با گوساله پرستان و ناتوانیش از بازسازی آنان ، در تلاش جهت اثبات بی گناهی خویش برای موسی (ع)

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

۲۶ هارون با بیان مبارزه خویش علیه شرک‌ورزی بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواست تا وی را همسنگ ستمکاران شرک پیشه قرار ندهد .

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی .. و لاتجعلنی مع القوم الظلمین

روشن است که موسی(ع) هرگز گمان نمی کرد که هارون از ستمکاران باشد. بنابراین <مع> در جمله <لا تجعلنی مع> معیت حکمی است ؛ یعنی مرا در حکم ستمکاران قرار مده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ - هارون (ع) ، دارای برنامه ای مشخص برای مقابله با گوساله پرستی و احیای توحید در بنی اسرائیل بود .

أطیعوا امری

دعوت هارون(ع) از بنی اسرائیل به اطاعت فرمان های او، پس از فرمان <اتبعوننی> ، حاکی از آن است که وی برای بنی

اسرائیل در صورت پیروی آنان از او، دستور العمل هایی را

تدارك دیده بود.

شرك ستیزی هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۱۲

۱۲ مبارزه با شرك ، از وظایف اصلی حضرت هود (ع)

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۴ - ۸

۸ قاطعیت و صلابت هود (ع) ، در امر رسالت و مبارزه با شرك و بت پرستی

قال إني أشهد الله واشهدوا أني بريء مما تشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۵ - ۲

۲ هود (ع) ، همه مشرکان قوم عاد و خدایان آنان را ، به توطئه و مبارزه علیه خویش فرا خواند .

فكيدوني جميعاً

چون در آیه قبل ، سخن از مشرکان و نیز بت‌های آنان بود ، مقصود از <جميعاً> تمامی مشرکان و همه بت‌هاست.

شرك عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۷ - ۷

۷ پرستش هر معبودی جز خداوند ، در حقیقت شیطان پرستی است .

ان يدعون .. و إن يدعون شیطاناً مریداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۷، ۳، ۲، ۱

۱ گروهی از مسیحیان ، آلوده به عبادت و پرستش غیر خدا

اتعبدون من دون الله ما لا يملك

با توجه به آیات گذشته، معلوم می شود که مخاطبان جمله <اتعبدون> مسیحیان می باشند.

۲ مسیحیان ، مورد نکوهش خداوند به خاطر پرستش غیر خدا

قل اتعبدون من دون الله

۳ مسیح (ع)

و مادرش مریم ، معبود برخی مسیحیان

قالوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ . .. قُلْ اتَّعْبُدُونَ مَنْ دُونَ اللَّهِ

مصدق مورد نظر از <من دون الله> به قرینه آیات گذشته مسیح(ع) و مادرش مریم است.

۷ پندار قدرت مسیح (ع) و مریم بر سود و زیان رسانی به مردم ، از عوامل پرستش آن دو ، از سوی مسیحیان *

قُلْ اتَّعْبُدُونَ مَنْ دُونَ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا

استدلال بر ناروایی پرستش مسیح(ع) و مادرش مریم به ناتوانی آنان از ضرر رسانی و نفع بخشی، می تواند اشاره به ریشه و عامل پرستش مسیح(ع) و مریم، از سوی نصارا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۴

۴ شرک در الوهیت و عبادت ، در حقیقت انکار خداوند است .

اتخذونی و امی الهین من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۳

۲۳ پرستش غیر خدا ، دشمنی با دین و رسولان الهی است .

فلا تشمت بی الأعداء

مراد از <الأعداء> پرستشگران غیر خدا هستند و هارون آنان را دشمنان دین و رسالت دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۵ - ۷

۷ پرستش غیر خداوند ، شرک است .

فلا أعبد الذين تعبدون من دون الله . .. ولا تكونن من المشركين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۶ - ۶

۶ پرستش و نیایش غیر خداوند ، شرک است .

ولاتدع من دون

اللَّهُ .. فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِن الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۴،۶

۴ قوم شعیب و پدرانشان ، مردمی مشرک و پرستشگر معبودی غیر از خدای یکتا

أَن تَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

۶ پایبندی به آداب و رسوم پدران و نیاکان ، دلیل و انگیزه قوم شعیب در پرستش معبود های دروغین

أَن تَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

مراد از <ما> در <ما يعبد ..> بتها و معبودهاست. توصیف آنها با جمله <يعبد آباؤنا> بیانگر علت اصرار آنان بر تمسک به بتهاست. بنابراین مفاد عبارت <أَن تَتْرَكَ ...> چنین است: ما بتها را ترک نمی کنیم؛ زیرا پدرانمان آنها را می پرستیدند و همچنان به پرستش آنها ادامه می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۲۲

۲۲- < عن أبي عبد الله (ع) في قوله : > .. و لا يشرك بعبادة ربّه أحداً > : < فهذا الشرك شرك رياء > ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدا < .. و لا يشرك بعبادة ربّه أحداً > روایت شده: این شرك، شرك ریا است < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۶

۶ - اطاعت و پیروی مطلق از هوای نفس ، به منزله شرك و پرستش غیر خداوند است .

أَفْرِيَّتْ مِن اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوِيَّةَ

از آن جا که اطاعت مردمان از هوای نفس خویش، با هدف عبودیت و پرستش صورت نمی پذیرد؛ خداوند با تعابیر هشداردهنده آیه شریفه، به این نکته تذکر می دهد که تبعیت و پیروی مطلق

از هوا و هوس، به منزله شرک و عبودیت غیر خداوند است.

شرک عبادی آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۴

۴ - اعتقاد پدر و قوم ابراهیم (ع) به پرستش خداوند در کنار پرستش بت ها و عناصر بی جان

براء مِمَّا تَعْبُدُونَ . إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي

برداشت یاد شده، براین پایه استوار است که <إِلَّا> در استثنای متصل به کار رفته باشد.

شرک عبادی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۷ - ۶

۶ - فرعون و اشراف دربار او، مورد پرستش بردگان تحت سلطه آنان

و قومهما لنا عبدون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <عباده> (مصدر <عابدون>)، در جمله فوق، به معنای پرستیدن باشد.

شرک عبادی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۴

۴ - اعتقاد پدر و قوم ابراهیم (ع) به پرستش خداوند در کنار پرستش بت ها و عناصر بی جان

براء مِمَّا تَعْبُدُونَ . إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي

برداشت یاد شده، براین پایه استوار است که <إِلَّا> در استثنای متصل به کار رفته باشد.

شرک عبادی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱۶

۱۶- قوم عاد ، گرفتار شرک و انحراف در پرستش

و اذکر أخوا عاد .. ألاتعبدوا إلا الله

از انداز هود(ع) و محتوای پیام او، دانسته می شود که مشکل اساسی قوم عاد، شرک و انحراف در پرستش بوده است.

شرک عبادی مردم مقارن بعثت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۷ - ۵

۵ - شرک در عبادت و الوهیت ، بنیاد و اساس انحراف مردم عصر بعثت

أَنتَ إِلهُکُمْ إِلَهَ وَحْدٍ . . . وَ یبیل للمشرکین . الذین لایؤتون الزکوة

شرک عبادی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۸ - ۴

۴ شرک پیشگان عصر بعثت برای معبودان پنداری خود ، تندیسهایی می ساختند و در برابر آنها ، به پرستش می پرداختند .

و یعبدون من دون الله ما لا یضرهم و لا ینفعهم

به کارگیری لفظ <ما> که بیشتر در مورد چیزهای فاقد عقل و اندیشه کاربرد دارد بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۶ - ۷

۷ مشرکان ، معبود های متعددی را می پرستیدند .

الذین یدعون من دون الله شرکاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ مشرکان در پرستش خدایان دروغین ، خویشان را فریب داده بودند .

بل زین للذین کفروا مکرم

در اینکه فاعل محذوف از <زین> چیست؟ چند احتمال وجود دارد ۱ شیطان ۲ سران کفر و شرک ۳ خود کافران. برداشت فوق بر اساس سومین احتمال است. بر این مبنا معنای جمله چنین می شود: <زین الکافرون لأنفسهم مکرم> و مفاد آن این است که کفرپیشگان با دلیلهایی واهی شرک را توجیه کردند و کم کم آنها را زیبا دیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ -

۱۱- شرک در عبادت و تحریم مباح ها و اسناد آن به مشیت خداوند ، از سنت های رایج مشرکان در طول تاریخ

و قال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء نحن و لاء اباؤنا و لاحرم

شرک عبادی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۴ - ۴

۴ مشرکان صدر اسلام ، معبود های متعددی را می پرستیدند .

فلا أعبد الذین تعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۹ - ۷

۷ تقلید از گذشتگان و پیروی از سنت پیشینیان ، وادار کننده مشرکان عصر بعثت به پرستش معبود های دروغین

ما یعبدون إلا كما یعبد اباؤهم من قبل

در برداشت فوق <کما> برای تعلیل گرفته شده است. بنابراین مفاد <ما یعبدون...> چنین می شود: تنها دلیل گرایش مشرکان به بت پرستی ، این است که پدرانشان بت پرست بودند.

شرک عبادی یهود دوران عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۳

۳ - یهودیان در عصر عیسی (ع) ، گرفتار شرک در ربوبیت و دور ماندن از پرستش پروردگار یگانه

إن الله هو ربی و ربکم فاعبدوه

از تأکید عیسی(ع) بر ربوبیت الهی، مطلب بالا استفاده می شود.

شرك عقیده به تثلیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۸

۸ اعتقاد به تثلیث علی رغم آگاهی به شرك آمیز بودن آن ، موجب عذاب دردناك در قیامت

ان لم

ينتهوا عما يقولون ليمسن الذين كفروا منهم عذاب اليم

شرك علما

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۵

۵ شرک و کفر عالمان به کتاب های آسمانی ، دور از انتظار و مایه شگفتی

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

شرك علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۴

۴ شرک برخی از اهل کتاب (علمای یهود) ، علی رغم بهره مندی آنان از کتاب های آسمانی

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

جمله < اوتوا نصیباً .. > می تواند اشاره به علت سرزنش و اعتراضی باشد که از جمله < الم تر ... > به دست می آید. یعنی چگونه است که از کتاب خداوند بهره مند هستند، ولی کافر و مشرک می شوند.

شرك عملی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹ - ۷

۷ - از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: > ... من يخادع الله يخدعه ... قيل له و كيف يخادع الله؟ قال يعمل بما أمره الله عز و جل ثم يريده غيره ... ;

... کسی که [به خیال خود] خدا را فریب دهد، خدا او را فریب می دهد ... به آن حضرت گفته شد: چگونه او خدا را فریب می دهد؟ فرمود: به آنچه خدا دستور داده عمل می کند ولی نیت او غیر خداست

...<

شرك فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۰

۱۰ فرعون ، حاکمی مشرک و معتقد به وجود خدایان و معبودهایی متعدد

و یذرك و الهتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۸

۸ فرعون ، تا پیش از غرق شدن ، معتقد به آیین شرك بود .

حتى إذا أدركه الغرق قال ءامنت أنه لا إله إلا الذي ءامنت به بنوا إسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۲،۶

۲ - فرعون با مطرح ساختن شرك ربوبی اقوام گذشته ، برای موسی (ع) به استبعاد و القای شبهه در مورد توحید ربوبی پرداخت .

قال فما بال القرون الأولى

۶ - فرعون با استناد به عقاید و افکار اقوام گذشته ، سعی در مقابله با موسی (ع) و تثبیت حقانیت شرك داشت .

قال فما بال القرون الأولى

تمسك فرعون به افکار پیشینیان و این که اگر رسالت موسی حق است، چرا برای اقوام گذشته چنین رسولی نیامد و چرا آنها عذاب نشدند، نشان می دهد که در دیدگاه او، پذیرفته های نسل های قبل، صحیح و قابل تبعیت است.

شرك فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - مردم مصر (فرعونیان و قبطیان) ، منکر یکتایی خدا و مشرک بودند .

تدعوننی لأکفر بالله و أشرک به

شرک قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶

۲ ابراهیم(ع) با تظاهر به ستاره پرستی و استدلال جدلی به ابطال عقیده شرک قوم خود پرداخت.

فلما جن علیه الیل رءا کوکبا قال هذا ربی

جمله <فلما جن> تصریح بر <کذک نری ..> است. یعنی نتیجه ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) آن شد که او بدین صورت به مبارزه با شرک پردازد. بنابراین سخن ابراهیم(ع) تنها از سر مجادله و به برای ابطال باطل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۱۸،۹

۱ پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی

۸ ابراهیم(ع) با افول خورشید، بیزاری خویش نسبت به پندارهای شرک قوم خویش پرده برداشت.

فلما أفلت قال یقوم إنی بریء مما تشرکون

چنانچه <ما> در <ما تشرکون> مصدریه باشد، مضمون جمله چنین می شود: <بریء من اشراککم>. برداشت فوق بر این اساس است.

۹ ابراهیم(ع) در پی ابطال مستدل عقاید شرک آمیز قوم خویش، به صراحت از معبودهای آنان بیزاری جست.

فلما رءا الشمس .. إنی بریء مما تشرکون

چنانچه <ما> در <مما تشرکون> موصول باشد، مضمون جمله چنین است: <بریء من الذی تشرکون به>. یعنی از چیزهاییکه به آن شرک میورزید بیزارم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۲،۳،۱۰

۲ تعصب و پافشاری قوم ابراهیم بر عقیده شرک خویش، علی رغم استدلالهای آن حضرت بر بطلان آن

و حاجه قومه قال أتحنونی فی الله

۳ اظهار شگفتی ابراهیم(ع) از لجاجت مردم بر شرک، علی رغم وجود دلایل واضح بر بطلان آن

و حاجه قومه

قال أتحنونى فى الله

۱۰ ترس موهوم و خرافى قوم ابراهيم از معبودهاى پندارى خویش، از عوامل پافشارى آنان بر شرک خویش بود.

و لا أخاف ما تشرکون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۴

۴ قوم ابراهيم علاوه بر عقیده و تأثیر و نقش بتها و اجرام آسمانى در تدبير و ربوبیت جهان، به خداوند نیز معتقد بودند.

و لاتخافون أنکم أشرکتُم بالله

احتجاج ابراهيم(ع) با مشرکان در جمله <ولاتخافون ..> در صورتى تام است که آنها عقیده به <الله> داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۵۲ - ۱۱

۱۱- شرک قوم ابراهيم، در قالب پرستش مجسمه هاى بی جان و صورت ها نقش بسته بود .

ما هذه التماثيل التى أنتم لها عكفون

<تمثال> (مفرد <تماثيل>) به معنای شیء مصوّر و صورت هاى نقش بسته است (مفردات راغب). یکی از مصادیق بارز آن، مجسمه هاى بی جانی بود که بت پرستان به شکل هاى گوناگون مى ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۵۳ - ۵

۵- شرک و بت پرستی در میان قوم ابراهيم، فراگیر و دارای پیشینه طولانى بود .

قالوا وجدنا ءاباءنا لها عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۵۹ - ۵

۵- قوم ابراهیم ، معتقد به چند معبود و دارای بت های متعدد بودند .

ما هذه التماثيل .. لأکیدنَّ أصدانکم ... من فعل هذا بالهتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- بت پرستان ، علی رغم قانع شدن از استدلال محکم ابراهیم (ع) بر بطلان شرک ، بار دیگر در صدد دفاع از عقیده شرک آمیز خویش برآمدند .

ثُمَّ نَكَسُوا عَلِيَّ رءُوسَهُمْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا هَؤُلَاءُ يَنْطِقُونَ

برداشت یاد شده براین مبنا استوار است که مقصود از بالا- و پایین شدن که در جمله کنایی <ثُمَّ نَكَسُوا عَلِيَّ رءُوسَهُمْ> موجود است زیر و رو شدن عقاید و مواضع اعتقادی بت پرستان باشد^۱ یعنی، آنان در آغاز بر اثر استدلال ابراهیم(ع) به بطلان شرک دست یافتند^۲ ولی باز به عقیده پیشین بازگشتند. و مجدداً به دفاع از آن پرداختند.

۳- تغییر شخصیت قوم بت پرست ابراهیم ، با روی آوردن مجدد آنان به شرک و بت پرستی

فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ . ثُمَّ نَكَسُوا عَلِيَّ رءُوسَهُمْ

برداشت یاد شده براساس این نکته است که مقصود از زیر و رو شدن در جمله <ثُمَّ نَكَسُوا عَلِيَّ رءُوسَهُمْ> تغییر عقیده بت پرستان باشد. براین اساس تشبیه کردن چنین تغییری به واژگون شدن انسان، می تواند کنایه از تغییر و دگرگونی اساسی شخصیت بت پرستان باشد که بر اثر این تغییر، عقاید آنان نیز تغییر یافت .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۶ - ۱

۱- ابراهیم (ع) قومش را به خاطر عبادت غیر خدای یکتا ، مورد سرزنش قرار داد .

قال أفتعبدون من دون الله

همزه در <أفتعبدون> از نوع استفهام انکاری توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۱ - ۳

۳ - دل بستگی

عمیق و تفاخر قوم ابراهیم ، به مسلک شرک آلود خویش

إذ قال .. ما تعبدون . قالوا نعبد أصنامًا فنظّل لها عكفین

در جواب حضرت ابراهیم(ع) که از قومش پرسید: <چه می پرستید>، باید آنان می گفتند: <بت>. اما آنها در پاسخ گفتند: <بت ها را می پرستیم و همواره ملازم آنها هستیم>. این نشان می دهد که می خواستند علاوه بر جواب او، فخر و دل بستگی شدید خود را به مسلک شرک، برای ابراهیم(ع) بیان کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۲

۲ - قوم ابراهیم ، در عقاید شرک آلود خود مردمی متعصب بودند .

إنّما تعبدون من دون الله أوثناً .. فما كان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ - جایگاه قوم مشرک ابراهیم ، آتش جهنم است .

و مأویکم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۱،۲

۱ - ابراهیم (ع) ، آیین شرک و بت پرستی پدر و قومش را زیر سؤال برد و آن را محکوم کرد .

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

۲ - مردم در آغاز بعثت ابراهیم (ع) ، دارای آیین شرک و بت پرستی

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۶ - ۱،۴

۱- ابراهیم (ع)، پدر و قومش را به سبب گرایش به معبودهایی جز

اللّٰه ، مورد سرزنش قرار داد .

أَنْفَكَ ۞ إِلَهَهُ دُونَ اللَّهِ تَرِيدُونَ

استفهام در <أَنْفَكَ> متضمن معنای توییخ است و <إِلَه> مفرد <إِلَهَهُ> به معنای معبود می باشد.

۴ - قوم ابراهیم ، معتقد به معبود های متعدد

أَنْفَكَ ۞ إِلَهَهُ دُونَ اللَّهِ تَرِيدُونَ

جمع آمدن <إِلَهَهُ> ، گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۳

۳ - قوم ابراهیم (ع) و فردی که آن حضرت وی را پدر خطاب می کرد ، پیرو آیین شرک و بت پرستی بودند .

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ

شرک قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۲

۲ - قوم الیاس ، مردمی مشرک و بت پرست بودند .

أَتَدْعُونَ بَعْلًا

شرک قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۹

۹ قوم ثمود ، مردمی مشرک

مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۸

۸ قوم ثمود ، مردمی مشرک و معتقد به معبودهایی متعدد

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۵،۶

۵ قوم صالح و پدرانشان ، مردمانی مشرک و پرستشگر غیر خدا بودند .

أتنهنا أن نعبد ما يعبدءاباؤنا

۶ صالح (ع) ، مردمان را از پرستش غیر خدا برحذر می داشت و علیه شرکورزی قوم ثمود مبارزه می کرد .

أتنهنا أن نعبد

ما یعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۱

۲۱- قوم نوح ، عاد و ثمود و اقوام پس از آنان ، خدایان نیاکان خود را می پرستیدند .

تریدون أن تصدّونا عمّا کان یعبد ءاباؤنا

شرک قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۱

۱ - ملکه سبا و قوم وی ، مردمی مشرک و خورشیدپرست

وجدتها و قومها یسجدون للشمس من دون الله

شرک قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ قوم عاد ، مردمی مشرک بودند .

ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۶

۶ قوم عاد در عین اعتقاد به معبودانی دروغین و ضرورت پرستش آنها ، معتقد به خداوند و پرستشگر او بودند .

أجئتنا لنعبد الله وحده و نذر ما کان یعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ هود در انتظار نزول عذاب الهی بر قوم عاد، پس از ابلاغ رسالت های الهی و اصرار آنان بر انکار توحید و رسالت وی

فانتظروا إني معكم من المنتظرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۸

۸ قوم عاد، مردمی مشرک و پرستشگر معبود های خود ساخته

ما لكم من إله غيرہ إن أنتم إلاّ مفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ قوم عاد ، بر اثر شرک‌ورزی و ارتکاب گناه ، به کمبود باران مبتلا شده بودند .

ثم توبوا إليه يرسل السماء عليكم مدرارًا

نوید به نزول باران و فراوانی آن ، آن گاه می توانست مؤثر باشد و مردمان را به پذیرش تعالیم و دستورهای هود(ع) گرایش دهد که آنان از کمبود باران در زحمت باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۳ - ۵،۶

۵ قوم عاد ، مردمی مشرک و پرستشگر معبودهایی چند

و ما نحن بتاركي ءالھتنا عن قولك

<آلھه> جمع <إلاه> و به معنای معبودهاست.

۶ دعوت هود (ع) و سخنان او ، بی تأثیر در بازداري قومش از شرک و پرستش خدایان دروغین

و ما نحن بتاركي ءالھتنا عن قولك

<عن> در <عن قولك> برای تعلیل است. بنابراین معنای جمله <ما نحن ...> چنین می شود: سخن و ادعای تو ، باعث نخواهد شد که ما خدایان خویش را رها کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۴ - ۱

۱ قوم عاد ، پرستشگر معبودهایی متعدد و معتقد به تأثیر گذاری آنها در امور جهان

إن نقول إلاّ اعتريك بعض ءالھتنا بسوء

تعدد معبودها از کلمه <آلھه> که جمع <إلاه> (معبود) است ، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۱

۲۱- قوم نوح ، عاد و ثمود و اقوام پس از آنان ، خدایان نیاکان خود را می پرستیدند .

تریدون أن تصدّونا عمّا كان يعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۰ - ۴

۴ - شرک در ربوبیت خداوند ، عامل نابودی قوم عاد *

و أنه هو ربّ الشعری . و أنه أهلك عادًا الأولى

بیان هلاکت قوم عاد در پی تأکید بر ربوبیت یگانه خدا می تواند بیانگر این معنا باشد که شرک در ربوبیت، ریشه ظلم و طغیان قوم عاد و هلاکت آنان، بوده است.

شرک قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۹

۹ قوم نوح ، مردمانی مشرک بودند .

ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۷

۷ قوم نوح ، مردمانی مشرک و بت پرست بودند .

يقوم . . فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۴

۴ قوم نوح ، مردمانی مشرک بودند .

أن لاتعبدوا إلا الله

نهی از عبادت غیر خدا و فرمان به پرستش او که جمله <أن لاتعبدوا إلا الله> گویای آن است می رساند که قوم نوح شریک و یا شریکهای را برای خدا پذیرفته بودند و آنها را عبادت می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۱

۲۱- قوم نوح ، عاد و ثمود و اقوام پس از آنان ، خدایان نیاکان خود را می پرستیدند .

تریدون أن تصدّونا عمّا كان يعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳

۶ - قوم نوح ، مردمی شرک پیشه و بت پرست بودند .

فقال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

۱۲ - نوح (ع) ، قومش را به عواقب شوم شرک‌ورزی هشدار داد .

ما لكم من إله غيره أفلاتتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۷،۱۲

۷ - قوم نوح ، پیام الهی نوح (ع) را نپذیرفتند و بر شرک خود پایبند ماندند .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه .. فأخذهم الطوفان

<فاء> در <فأخذهم> برای فصاحت است و دلالت بر حذف جمله ای می کند و آن، به قرینه ارسال نوح(ع) می تواند <عدم قبول> و یا <تکذیب> و مانند آن باشد.

۱۲ - قوم نوح ، در شرک شان ، جزم اندیش بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عامًا .. و هم ظلمون

طولانی بودن رسالت نوح(ع) در میان قوم اش و تأثیر ناپذیری آنان در این مدت، حکایت از جزمیت آنان دارد. گفتنی است که <ظالمون> در آیه، به قرینه مقام، مشرک بودن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۳ - ۴

۴ - سرزنش شدن قوم نوح ، به خاطر بی توجهی آنان نسبت به عظمت خداوند و روی آوردن به شرک و بت پرستی

ما لكم لا ترجون لله وقارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۲

۲- مردم در عصر بعثت نوح (ع)، مردمی مشرک و بت پرست و دارای چند معبود

بودند .

و قالوا لا تذرنا الهتكُم ولا تذرنا ودا . . و نسرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۲

۲ - ناامیدی کامل نوح (ع) از ایمان آوردن قومش و نجات آنان از گمراهی شرک و بت پرستی

و قال نوح رب لا تذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

شرک کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، دعوت برخی کافران را به ترک شرک و بت پرستی ، بی ثمر دانست و آنها را به حال خود رها ساخت .

لکم دینکم

شرک کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵ - ۴

۴ - اعتقاد کافران عصر بعثت به معبود های بی شمار

أجعل الألهة إلهًا وحدًا

شرک مدعیان ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۶ - ۱

۱ بیشتر مدعیان ایمان و معترفان به وجود خدا برای او شریک می پندارند .

و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا وهم مشركون

شرك مردم در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۴

۴ - فرعون ، مورد پرستش مردم مصر

و قال فرعون . . ما علمت لكم من إله غيري

شرك مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴ - ۳

۳ - مردم در صدر اسلام ، مردمی سخت پایبند به آیین شرك

و انعطاف ناپذیر در برابر سخن حق و مستدل

و الصفت صفاً .. إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در آغاز سوره مبارکه بر اثبات توحید سوگند متعدد یاد کرده است. این در حالی است که خداوند پیش از آن، دلایل و شواهد کافی بر اثبات این حقیقت در قرآن کریم ارائه فرموده بود.

شرك مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۸

۸ - مردم عصر بعثت ، مردمانی شرک پیشه بودند .

يُوحَىٰ إِلَىٰ آلِهِمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ .. وَيَلِ لِلْمُشْرِكِينَ

شرك مرفهان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۵ - ۵

۵ - رویارویی و مخالفت قشر مرفه صدر اسلام ، با پیامبر (ص) و تعصب و جمود آنان بر شرکورزی شان

فَذَرِهِمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ . أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ

شرك مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۸

۸ یهود و نصارا ، منحرف از حق ، عصیانگر در برابر خدا و مشرک

و لکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان من المشرکین

بنابراینکه جمله <و لکن کان ... >، تعریضی به یهودیان و نصارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۳۳

۳۳ مسیحیان ، معتقد به فرزندى حضرت عيسى (ع) براى خداوند

ياهل الكتب .. انما المسيح عيسى ابن مريم رسول الله و كلمته القها

إلى مريم و رو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۲

۲ مسیحیان ، مورد نکوهش خداوند به خاطر پرستش غیر خدا

قل اتعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۸ - ۷

۷ عیسی (ع) منزله از هرگونه نقشی در گرایش های شرک آلود امت خویش

ان تعذبهم .. و إن تغفر لهم

مسیح(ع) با جداسازی سرنوشت مسیحیان مشرک از سرنوشت خویش با جمله <ان تعذبهم ..> و نه <ان تعذبنا> اشاره به این دارد که وی هیچگونه نقشی در گرایش امت خویش به شرک نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ یهود و نصارا ، مردمانی شرک پیشه

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون الله .. سبحنه عما یشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ یهود و نصارا ، مردمانی شرک پیشه

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً .. و لو کره المشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ گروه هایی از یهود و نصارا دارای گرایشهایی شرک آلود بودند .

و من الأحزاب من ينكر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله ولا أشرك به

چون جمله <قل إنما أمرت ..> که حاکی از توحید و یکتاپرستی است در پاسخ گروه هایی از یهود و نصارا قرار گرفته است ، معلوم می

شود این گروه ها به پرستش غیر خدا و شرک در عبادت روی آورده بودند.

شرک مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۴

۴ مشاهده عذاب قیامت زمینه آگاهی و وقوف مشرکان بر شرک خویش

ما کنا مشرکین .. بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

مراد از جمله <ما کانوا یخفون>، به قرینه آیت پیشین (.. و الله ربنا ما کنا مشرکین) می تواند شرک و اختفای آن از سوی مشرکان در برخی از مواضع قیامت باشد. <من قبل> اشاره به آن موقوف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۲

۲ مشرکان لجوج، حتی در صورت نزول ملائکه بر ایشان، ایمان نمی آورند.

و لو أننا نزلنا إليهم الملائكة .. ما كانوا ليؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۵ - ۵،۶

۵ - انبساط خاطر و شادمانی مشرکان به هنگام یاد شدن نام معبودهایی جز خداوند (معبود های ادعایی آنان)

و إذا ذکر الذین من دونه إذا هم یستبشرون

۶ - مشرکان نسبت به یاد کردن خدا به همراه یاد دیگر معبود ها و نیز عبادت مشترک خدا و معبود ها ، حساس نبوده و مخالفت نمیورزیدند .

و إذا ذکر الله وحده اشمازت .. و إذا ذکر الذین من دونه إذا هم یستبشرون

از آیه شریفه به روشنی استفاده می شود که مشرکان نسبت به یاد کردن خدا به تنهایی حساس بوده و از یاد شدن معبودهای خود بدون یاد شدن خدا خوشحال

می شدند، ولی در این آیه از واکنش و حساسیت مشرکان در صورتی که نام خدا و معبودها با هم و مشترکاً یاد شوند، سخنی به میان نیامده است. بنابراین یاد نشدن آن، می تواند حاکی از مطلب بالا باشد.

شرك مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۱

۱ مشرکان صدر اسلام، شرك خویش و پدرانشان و بدعت‌های دیگر را به مشیت خدا و رضایت او می پنداشتند.

سيقول الذین أشركوا لو شاء الله ما أشركنا ولا ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۸ - ۲

۲ مشرکان عصر بعثت ، به ربوبیت و پروردگاری خدایان متعدد معتقد بودند و آنها را می پرستیدند .

و يعبدون من دون الله .. و يقولون هؤلاء شفَعُونَا

شرك مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۲ - ۳

۳- مشرکان مکه ، به وجود خدایانی متعدد در کنار پروردگار جهان معتقد بودند .

قل لو كان معه ءالهه كما يقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۴

۴ - مشرکان مکه ، گرفتار شرك در زمينه های غیر از زمينه خالقیت خداوند

و لئن سألتهم من خلق

شرک مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۶

۶ مصریان باستان ، معتقد به خدایانی متعدد که هر کدام تدبیر کننده بخشی از امور جهان بودند .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱

۱ مصریان عصر یوسف (ع) و اجدادشان ، مردمی مشرک و پرستشگر خدایانی متعدد و دروغین بودند .

ما تعبدون من دونه إلا أسماء سمیتوها أنتم و ءاباؤکم

شرك ملكه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۱

۱ - ملكه سبا و قوم وی ، مردمی مشرک و خورشیدپرست

وجدتها و قومها يسجدون للشمس من دون الله

شرك منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۲ - ۹

۹ منافقان ، دارای روحیه ای شرک آلود

يحلِفون بالله لكم ليرضوكم و الله و رسوله أحق أن يرضوه

کوشش منافقان در جلب رضایت مردم (لیرضوکم) و غفلت از رضایت خدا (و الله و رسوله أحق أن يرضوه)، نشانگر روحیه شرک آلود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۸

۸ - منافقان ، به رغم ظاهرشان بر آیین شرک باقی بودند .

ما هم منكم و لا منهم

شرك منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۴ - ۱،۲،۷

۱ - در صورت ورود احزاب متحد از نواحی و اطراف به خانه های منافقان در مدینه و درخواست اظهار شرک ، آنان ، با ایشان همسویی می کردند .

و لو دخلت علیهم من أقطارها ثمّ سلّوا الفتنه لأتوها و ما تلّبثوا بها إلاّ یسیراً

نایب فاعل فعل <دخلت> می تواند <بیوت> و می تواند <یثرب> باشد. برداشت

یاد شده، براساس احتمال نخست است. لازم به ذکر است که <اقطار> جمع <قطر> است که به معنای جانب است (مفردات راغب). مراد از <الفتنه> به قرینه مقام، شرک است.

۲- منافقان مدینه، دل در گرو شرک داشتند و ایمان شان ظاهری بود.

و لو دخلت علیهم .. ثم سئلوا الفتنة لأتوها

۷- منافقان مدینه، به قدری در عقیده خود متزلزل بودند که در صورت درخواست اظهار شرک، آنان بی درنگ شرک میورزیدند.

و لو دخلت علیهم .. ثم سئلوا الفتنة لأتوها ... و ما تلبثوا بها إلا يسيراً

استثنای در کلام، برای تقویت نفی مستثنا است. بنابراین، معنا چنین است که آنان، در پاسخ درخواست شرک، هیچ درنگ نمی کردند و اظهار شرک می کردند.

شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۱۰

۱۰- مردم گرفتار در خطر دریا، پس از رهایی از آن و رسیدن به خشکی، به رغم دعای مخلصانه شان در هنگام خطر، به خدا شرک میورزند!

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله .. فلما نجّيهم إلى البر إذا هم يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۵

۵- بازگشت رهیدگان از ناملایمات، به شرک، کفران نعمت های خدا است.

فلما نجّيهم إلى البر إذا هم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم

شرک نجات یافتگان از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۲

۲ - بازگشت رهیدگان از ناملايمات

به شرک ربوبی ، کفران نعمت های خداوند است .

بربهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

به قرینه <ما آتیناهم> مراد از <لیکفروا> کفران نعمت است.

شرک نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۵

۵ گرایش به شرک به خاطر شرک‌ورزی پدران ، عذر واهی و ناپذیرفتنی در پیشگاه خداوند

أو تقولوا إنما أشرك ءاباؤنا من قبل و كنا ذریه من بعدهم

شرک نیاکان اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۴

۴ قوم شعیب و پدرانشان ، مردمی مشرک و پرستشگر معبودی غیر از خدای یکتا

أن نترک ما یعبد ءاباؤنا

شرک نیاکان قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۴

۴ دودمان و پیشینیان قوم هود ، مردمی مشرک و پرستش کننده معبودانی دروغین

و نذر ما کان یعبد ءاباؤنا

شرک و آخرت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - آیین شرک ، اندیشه ای دنیامدار و فاقد گرایش به آخرت

من كان يريد حرث الدنيا .. أم لهم شركوا

شرک و توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۹

۹ تصور خدایان متعدد در قبال خداوند ، مساوق و هم عنان با تصور مقهوریت آنان است .

ءأرباب متفرقون خير أم الله الواحد القهار

از آن جا که یوسف(ع) خداوند را به <قهار> بودن توصیف کرد معلوم می شود وی <مقهور بودن> معبودان دروغین را

نیز

قصده کرده است ولی آن را در عبارت ذکر نکرد تا به این نکته اشاره کند که تصور متفرق بودن آنان کافی است در اینکه آدمی بداند خدایان متعدد در برابر خدای یگانه همواره مقهورند و شایسته خدایی نیستند.

شرك و سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۸

۱۸ - ناسازگاری راه شرك با راه خدا

و جعل لله أندادًا ليضلَّ عن سبيله

شرك و عالم غيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۱

۱ - آيين شرك ، فاقد كتاب آسمانی و بی ارتباط با عالم غيب

أم عندهم الغيب فهم يكتبون

این آیه، درصدد بیان آخرین توجیهی است که مشرکان، می توانند برای درستی آیین خود ارائه دهند؛ یعنی، آنان ادعا کنند که با عالم غیب ارتباط برقرار کردند و حقایق و اسرار غیبی و اسرار غیبی را مکتوب داشتند. بر این اساس ارتباط با عالم غیب نشانه درستی هر آئینی است و ناتوانی از آن، علامت بطلان آن است.

شرك و كتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۱

۱ - آيين شرك ، فاقد كتاب آسمانی و بی ارتباط با عالم غيب

أم عندهم الغيب فهم يكتبون

این آیه، درصدد بیان آخرین توجیهی است که مشرکان، می توانند برای درستی آیین خود ارائه دهند؛ یعنی، آنان ادعا کنند

که با عالم غیب ارتباط برقرار کردند و حقایق و اسرار غیبی و اسرار غیبی را مکتوب داشتند. بر این اساس ارتباط با عالم غیب
نشانه درستی هر

آئینی است و ناتوانی از آن، علامت بطلان آن است.

شرک همبندان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۲

۲ دو زندانی هم بند یوسف (ع) ، از مشرکان بودند .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر

شرک هنگام رفع سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۴ - ۱،۴

۱- با وجود روی آوردن متضرعانه انسان ها به خداوند در هنگام گرفتاری ، با برطرف شدن مشکلات ، گروهی از او روی گردان شده و شرک میورزند .

ثم إذا مسکم الضرّ فالیه تجثرون . ثم إذا کشف الضرّ عنکم إذا فریق منهم برّهم ی

۴- شرک ربوبی انسان های رهیده از ناگواری در حالی که ناگواری ها ، آنان را به سوی خداوند سوق داده بود امری خلاف انتظار و شگفت آور است .

ثم إذا کشف الضرّ عنکم إذا فریق منکم برّهم یشرکون

استعمال <إذا> ی فجائیه در مقام که در امور ناگهانی و خلاف انتظار کاربرد دارد می تواند به دلیل یاد شده باشد. اضافه شدن <ربّ> به ضمیر <هم> نیز می تواند مؤیدی برای برداشت فوق باشد.

شرک یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۸

۸ یهود و نصارا ، منحرف از حق ، عصیانگر در برابر خدا و مشرک

و لكن كان حنيفاً مسلماً و ما كان من المشركين

بنابراینکه جمله <و لكن كان .. >، تعریضی به یهودیان و نصارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

يؤمنون بالجبث والطاغوت .. ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ یهود و نصارا، مردمانی شرک پیشه

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون الله .. سبحانه عما يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ یهود و نصارا، مردمانی شرک پیشه

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً .. و لو كره المشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۹

۹ گروه هایی از یهود و نصارا دارای گرایشهایی شرک آلود بودند .

و من الأحزاب من ينكر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله و لا أشرك به

چون جمله <قل إنما أمرت ..> که حاکی از توحید و یکتاپرستی است در پاسخ گروه هایی از یهود و نصارا قرار گرفته است ، معلوم می شود این گروه ها به پرستش غیر خدا و شرک در عبادت روی آورده بودند.

شکست توطئه رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۶

۶ سران کفر و شرک علی رغم به کار بردن شگرد های گوناگون تبلیغی علیه قرآن و پیامبر (ص) ، از دستیابی به اهداف خود ناتوان و ناکام بودند .

إن هذا

إِلَّا إِيَّاكَ .. قَالُوا مَا لِ هَذَا الرَّسُولِ ... لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ الْمَلَكُ ... إِيَّا رَج

مقصود از ناتوانی در یافتن راه، می تواند ناتوانی از دستیابی به راه موفق و مؤثر برای پیگیری اهدافشان باشد، یعنی،
<فلا يستطيعون سبيلاً إلى إبطال أمرك..>

شکست شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۱

۱- صدور فرمان پیروزی اسلام و توحید و خذلان شرک و مشرکان از جانب خداوند

أتى أمر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالى عما يشركون

برداشت فوق، بر این اساس است که <أمر> به معنای فرمان باشد؛ اما اینکه فرمان در باره چه چیزی است، ذیل آیه (سبحانه و تعالی عما يشركون) می تواند قرینه باشد بر اینکه آن امر در باره شرک و شکست و خذلان آن و پیروزی توحید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - پیشگویی قرآن به شکست جبهه کفر و شرک و پیروزی فراگیر و گسترده جبهه توحید و اسلام در عصر بعثت

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض و لیمكنن لهم

شگفتی روش مبارزه رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۳

۳ کیفیت موضع گیری و شیوه های مبارزاتی سران کفر و شرک علیه قرآن و رسالت پیامبر (ص)، امری شگفت آور و در خور تأمل و اندیشیدن

انظر کیف ضربوا لك الأمثل

<کیف> اسم استفهام است؛ ولی در این آیه برای بیان تعجب به کار رفته است، نه استفهام حقیقی.

شکفتی شرکت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۲۰

۲۰ شگفت آور بودن اعتقاد به تعدد خدایان، با توجه به بدیهی بودن توحید و شهادت خدا و قرآن بر بطلان شرک

أَنتُمْ لِشَهِدُونَ أَن مَعَ اللَّهِ ءَالِهَةٌ أُخْرَى

همزه استفهام در <أَنتُمْ> دال بر شگفتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۷

۷ روی برتافتن از توحید و یکتاپرستی و گرایش به شرک و بت پرستی ، کاری شگفت و در پی دارنده نکوهش سخت خداوند

فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ... فَأَنَّى تُصْرَفُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - روی گردانی از عبادت خداوند و گرویدن به شرک و بت پرستی ، در عین مشاهده نشانه های قدرت و یگانگی خداوند ، عملی شگفت آور و بدون توجیه است .

يزيد في الخلق ما يشاء... هل من خلق غير الله... لا إله إلا هو... فَأَنَّى تُؤْفَكُ

<أَنَّى> اسم استفهام و به معنای کجاو چگونه است و در این آیه برای تعجب می باشد. <إفك> (مصدر <تؤفكون>) به معنای <صرف> (برگرداندن) است، یعنی، <فَأَنَّى تُصْرَفُونَ>. گفتنی است که به قرینه مقام معنای این جمله چنین می شود: پس به کدامین سو برده می شوید و چگونه از حق و توحید ربوبی برگردانده می شوید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۶ - ۳۹ - ۲۵

۲۵ - با وجود نشانه های مشهود و بی شمار توحید ربوبی و یگانگی خدا در

عالم ، انکار آن و روی آوردن به شرک ، امری شگفت آور است .

فأنتی تصرفون

استفهام <أنتی> در آیه شریفه برای تعجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۲ - ۷

۷- روی گردانی از عبادت خداوند و گرویدن به شرک و بت پرستی ، در عین مشاهده آیات و نشانه های قدرت و یگانگی خداوند ، عملی شگفت آور و بدون توجیه

خلق کلّ شیء لا إله إلا هو فأنتی تؤفکون

<أنتی> (اسم استفهام) به معنای کجا و چگونه است و در این آیه برای تعجب می باشد و <إفک> (مصدر <تؤفکون>) به معنای <صرف> (برگرداندن) است؛ یعنی، <فأنتی تصرفون>. به قرینه مقام معنای این جمله چنین می شود: پس به کدامین سوی می روید و چگونه از حق و توحید ربوبی برگردانده می شوید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱

۱- کفر و شرک به خداوند ، با وجود آیات آشکار او ، امری شگفت و تعجب آور

قل أئنکم لتکفرون بالذی خلق الأرض

شگفتی شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲- پرستش غیر خدا از سوی انسان ها ، امری شگفت و به دور از انتظار است .

لا تعبدون إلا الله

دلیل اینکه خداوند به جای جمله انشایی و گفتن <نباید غیر خدا را عبادت کنید> جمله ای خبری به کار برد و فرمود: <غیر

خدا را پرستش نمی کنید < بیان این حقیقت است که پرستش خدا و پرهیز از پرستش غیر او آن چنان

وظیفه ای روشن و آمیخته با فطرت انسان است که نیاز به نهی کردن ندارد و انتظار خلاف آن نمی رود.

شگفتی شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - رویکرد افراد رهیده از سختی ها و ناملازمات به شرک ، به رغم توجه شان به خداوند ، به هنگام ابتلا ، امری غیر منتظره و ناشایست است .

ثم إذا أذاهم منه رحمة إذا فریق منهم برّهم یشرکون

<إذا> در عبارت <إذا فریق..> فجایه است. کاربرد آن، در جایی است که حادثه ای به صورت غیرمنتظره رخ بدهد. تکرار <رّبهم> با این بیان که ذکر <رّبهم> اشعار به این نکته دارد که آنان به رغم این که خداوند، پروردگارشان است، چنان کردند، مؤید این مطلب است.

صبر بر استهزاهای رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبر اسلام (ص) ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر استهزا ، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

صبر در اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هوناً .. و الذین لایشهدون

الزور ... أول

صحابه و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۷

۷ صحابه پیامبر پیش از ایمانشان به آن حضرت ، مردمی مشرک بودند و با گرایش به توحید از شرک توبه کردند .

و من تاب معک

ظلم شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۳

۳ - آدمی ، با شرک ورزی و پرستش غیر خدا به خود ستم می کند .

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۱۷

۱۷ - کسانی که برای خداوند مثل و مانندی بیندارند ، از ظالمانند .

و لو یری الذین ظلموا

مقصود از <الذین ظلموا> مشرکان می باشد. تعبیر کردن از مشرکان به <الذین ظلموا> برای رساندن این حقیقت است که شرک ورزی، ظلم و تعدی به حق خداوند، (ضرورت یکتا دانستن او) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۳

۲۳ کفر و شرک ، ستمکاری است .

انه من يشرك بالله .. و ما للظلمين من انصار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۴۷ - ۶

۶ شرك و تسليم نشدن در برابر آيات روشن قرآن، ظلم است.

انظر كيف نصرف الأيت ثم هم يصدفون .. هل يهلك إلا القوم الظلمون

مخاطب فعل <أرءيتم> همان کسانی هستند که از آيات الهی اعراض کردند که از آنان به عنوان ظالم یاد شده است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۲ - ۳،۹

۳ شرک، به هر صورت و در هر مرحله که باشد، ظلم است.

و لم یلبسوا ایمنهم بظلم

آیات پیشین جملگی در مورد توحید و ابطال شرک بود. این آیه به منزله جمع بندی و نتیجه ای در پی آن مجموعه است. لذا مراد از <ظلم> در این آیه، به قرینه آیات گذشته، شرک است.

۹ عن أبي عبدالله(ع) (فی حدیث فی قوله تعالی <بظلم>) قال: هو الشرك . . .

از امام صادق(ع) ضمن حدیثی آمده است: مراد از <ظلم>، در <و لم یلبسوا ایمانهم بظلم> شرک است . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۷ - ۲۲

۲۲ کفر و شرک از بزرگترین ستمهاست.

فمن أظلم ممن افتری علی الله کذبا أو کذب . . . أنهم کانوا کفرین

جمله <این ما کنتم . . .> که بیان شرک مشرکان است، توضیح مصداقی برای <فمن أظلم . . .> می باشد. بنابراین شرک از ستمهای بزرگ است و چون مشرکان در ذیل آیه کافر نامیده شده اند، کفر نیز از ستمهای بزرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۸

۲۸ شرک، ظلم است و مشرکان مردمی ظالم هستند.

و لاتجعلنی مع القوم الظلمین

مراد از <الظلمین> همان مشرکان و گوساله پرستان هستند. بنابراین هدف از آوردن کلمه <الظلمین> به جای <المشرکین> ظالم خواندن مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ شرکوری و انکار رسالت پیامبران ،

ستمگری است .

و أخذ الذين ظلموا الصيحه

مقصود از <الذين ظلموا> مشرکان و انکارکنندگان رسالت صالحند. تعبیر کردن از آنان به ستمکاران ، اشاره ای است به برداشت فوق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۹

۹ شرک‌ورزی ، انکار رسالت پیامبران و رعایت نکردن عدل و انصاف در مبادلات ، ستمگری است .

و أخذت الذين ظلموا الصيحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۳

۳ شرک‌ورزی ، انکار پیامبران و ارتکاب گناه ، ستمهایی است که مشرکان ، کافران و گنه کاران در حق خود روا می دارند .

و لكن ظلموا أنفسهم

مقصود از ظلم به نفس که جمله <ظلموا أنفسهم> گویای آن است هم گناهان و هم آثار و تبعات آن می باشد. برداشت فوق ناظر به لحاظ نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۴

۴ شرک و پرستش غیر خدا ، ظلم و درپی دارنده آتش دوزخ است .

و لا تتركوا إلى الذين ظلموا فتمسکم النار

از مصداقهای مورد نظر برای ظلم به قرینه آیات پیشین شرک‌ورزی و پرستش غیر خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۴ - ۱۷

١٧- > عن أبي جعفر (ع) في قوله عزّوجلّ : > لن ندعوا من دونه إلهاً لقد قلنا إذا شططاً < يعني : جوراً على الله إن قلنا إنّ له شريكاً ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا >لن ندعوا من دونه إلهاً لقد قلنا إذا

شیطاً > روایت شده: مقصود آیه، این است که اگر بگوییم برای او شریکی هست، ستم بر خدا است >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۶

۶- کفر ، شرک و استهزای پیامبران ، ظلم و ستمی آشکار است .

یویلنا إنا كنا ظلمین

اعتراف مشرکان و کافران استهزاگر به ستم کار بودن خود، حکایت از این دارد که کفر و شرک و استهزای پیامبران، ظلم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۴ - ۵

۵- بت پرستی و شرک ، از دید فطرت انسانی ، ظلم و ستم است .

فرجعوا إلی أنفسهم فقالوا إنکم أنتم الظلمون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <أنفسهم> به خود آمدن و ضمیر و وجدان آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۱ - ۸

۸- شرک و بت پرستی ظلم است .

و یعبدون من دون الله .. و ما للظلمین من نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۷

۱۷- شرک ، حق ناپذیری و تکذیب پیامبران ، ظلمی است هلاکت بار .

فقال الملؤا الذین کفروا .. و لاتخطبنی فی الذین ظلموا إنهم مغرِقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۹ - ۵

۵ کفر و شرک ، ظلم است .

و من یظلم منکم نذقه عذابًا کبیرًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخاطب <من یظلم منکم> کافران و مشرکان

اند که خداوند آنان را ستم کار دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۴

۴ - شرک به خدا، بزرگ ترین ظلم است .

هم یشرکون ... مَمَّن افتری علی الله کذبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۲

۲ - مشرکان ، مردمانی ظالم و ستم گرند و شرک ، از موارد ستم است .

بل اتبع الذين ظلموا أهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - شرک ، ظلمی بس بزرگ است .

إِنَّ الشَّرْكَ لَظْلَمٌ عَظِيمٌ

۱۲ - ظالمانه بودن شرک ، دلیل لزوم اجتناب از آن است .

لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشَّرْكَ لَظْلَمٌ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ - شرک ، ظلم است و مشرکان ، ظالم اند .

بل إن يعد الظلمون بعضهم بعضًا إلا غرورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۹

۹ - کفر و شرک ، ظلم است .

و قيل للظلمين ذوقوا ما كنتم تكسبون

مقصود از <ظالمان>، کافران و مشرکان است. توصیف آنان با صفت ظلم، بیانگر این حقیقت است که کفر و شرک ظلم است و همین ظلم، موجب دوزخی شدن آنان می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۴

۴ - شرک ، افترا و دروغ بستن به خداوند ، بزرگ ترین ظلم به شمار می

فمن أظلم ممن كذب على الله و كذب بالصدق

یکی از مصادیق مورد نظر دروغ بستن به خدا با توجه به این که آیه شریفه در ردیف آیات مربوط به مشرکان قرار دارد و نیز این سوره از سوره های مکی است و مردم مکه بیشتر مشرک بودند شریک قائل شدن برای خداوند یکتا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - کفر و شرک ، ظلم است و کافران و مشرکان ، از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعیان محروم اند .

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیات، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره کافران و مشرکان سخن می گوید و مقصود از <ظالمین> آنان می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۵

۵ - کفر و شرک ، ستمی غیرقابل بخشش و عذرناپذیر در پیشگاه خداوند

یوم لا ینفع الظلمین معذرتهم

مقصود از <الظالمین> به قرینه آیات گذشته کافران و مشرکان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۸

۸ - دنیامداری ، شرک ، بدعت در دین ، ظلم و سیاه کاری است .

أم لهم شركؤا .. و إن الظلمین لهم عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - شرک و کفر زیدن به خدا و انکار دین و پیامبر (ص)

، ظلم است .

و إِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا

برداشت یاد شده از آن جا است که عنوان <ظلموا> در آیه شریفه، بر منکران پیامبر و مشرکان اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - شرک ، بت پرستی و گمراه گری ، ظلم است .

و لا تزد الظلمين إلا تبارًا

مطلب یاد شده، از تعبیر <ظالمان> درباره بت پرستان و گمراه کنندگان به دست می آید.

ظلم شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۱۶

۱۶ - پرستش غیر خداوند ، ظلم است .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱۱

۱۱ - پرستش غیر خدا ظلم است .

ثم أتخذتم العجل .. و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۱۲

۱۲ پرستش غیر خدا و گرایش های شرک آلود ، ستمکاری است .

اتخذوه و كانوا ظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۰۶ - ۷

۷ کسانی که غیر خداوند را نیایش و عبادت کنند ، ظالم هستند .

و لاتدع من دون الله .. فإنك إذا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۳

۱۳ پرستش غیر خدا ، انکار رسالت پیامبران و مخالفت با پیام های آنان ظلم است .

و لاتخطبني في الذين ظلموا

مقصود از >الذين

ظلمواك همان مشركان و منكران رسالت نوح هستند.

ظهور بطلان شرك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۴

۴ قیامت، روز رسوایی مشركان و آشكار شدن بطلان عقاید شرك آلود آنان

ثم لم تكن فتنتهم .. و الله ربنا ما كنا مشركين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۴

۴ ظهور بی پایگی و پوچی عقیده شرك در قیامت، صحنه ای در خور تأمل و درس آموز

انظر كيف كذبوا على أنفسهم و ضل عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۴۰ - ۷

۷ آشكار شدن بطلان هر گونه شرك و گرایش به غیر خدا به هنگام عذاب و مرگ و دیگر سختیها

قل أريتكم إن أتيكم عذاب الله أو أتیکم الساعة أغير الله تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۳

۳ - قیامت، عرصه آشكار شدن بطلان شرك و تجلی کردن وحدت و یگانگی خداوند

و يوم يناديهم .. قال الذين حقّ عليهم القول ربنا

اعتراف پیشوایان شرك به ربوبیت خداوند بیانگر مطلب یاد شده است.

عجز رهبران شرك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۶

۶ سران کفر و شرک علی رغم به کار بردن شگرد های گوناگون تبلیغی علیه قرآن و پیامبر (ص) ، از دستیابی به اهداف خود ناتوان و ناکام بودند .

إن هذا إلا إفكٌ .. قالوا

مالِ هذا الرسول ... لولا أنزل إليه ملك ... إلا رج

مقصود از ناتوانی در یافتن راه، می تواند ناتوانی از دستیابی به راه موفق و مؤثر برای پیگیری اهدافشان باشد، یعنی،
<فلا يستطيعون سبيلاً إلى إبطال أمرك..>

عجز شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۶۲ - ۲،۴

۲ - ناتوانی آیین شرک و بت پرستی ، در مبارزه با آیین توحید و یکتا پرستی

ما أنتم عليه بفتنين

برداشت یاد شده از آن جا است که ناتوانی مشرکان از اغوای مردم از راه خدا، بیانگر ناتوانی آیین آنان در مبارزه با آیین توحیدی است.

۴ - آیین شرک و بت پرستی ، آیینی ایستا و ناتوان از پیشرفت و توسعه و فراگیر شدن

ما أنتم عليه بفتنين

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که خداوند در صدد بیان آینده آیین شرک و سرنوشت این آیین ساختگی است، نه این که تنها در صدد بیان وضعیت مشرکان در صدر اسلام باشد.

عذاب استیصال رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۱۰

۱۰ - سران کفر و شرک ، مستحق چشیدن عذاب الهی استیصال اند .

بل لَمَّا يذوقوا عذاب

عذاب رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ تساوی پیروان و سران شرک در استحقاق عذاب مضاعف، پاسخی از سوی سران شرک به پیروان خویش

و قالت أليهم لأخريهم فما كان لكم علينا من فضل فذوقوا العذاب

عقیده به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ پندار شریک برای خدا، افترا بر وی و تکذیب آیات اوست.

فمن أظلم ممن افترى على الله كذبا .. أين ما كنتم تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۵

۵ گرایش به شرک به خاطر شرک‌ورزی پدران ، عذر واهی و ناپذیرفتنی در پیشگاه خداوند

أو تقولوا إنما أشرك ءاباؤنا من قبل و كنا ذرية من بعدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۴

۴ شرک (اعتقاد به ربوبیت غیر خدا) آیینی باطل و بت پرستی ضلالت و گمراهی است .

فذلکم الله ربکم الحق فماذا بعد الحق إلا الضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ اعتقاد به وجود خدایان مقهور و باور به شایستگی آنها برای پرستش ، اعتقادی سخیف و نادرست است .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۶

۶- قرار دادن هرگونه شریک برای خداوند ، نشانه تصور ناصحیح و غیر واقعی از اوست .

تعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ - عقیده به شرک ، عقیده ای باطل است .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله أولیاء .. إنّ الله یعلم ما یدعون من دونه ... و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ -

۱۰ - اعتقاد به شرک ، ظلم و سیه کاری است .

ماذا خلق الذین من دونه بل الظلمون فی ضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۲

۲ - مشرکان ، مدعی شریک بودن جن با خداوند

و جعلوا بینہ و بین الجنّ نسباً

در این که مقصود از <نسبت> در آیه شریفه، چیست، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد. برخی گفته اند که مقصود شریک بودن جن با خداوند است، چنان که در سوره انعام آیه ۱۰۰ به این مضمون تصریح شده است: <و جعلوا لله شركاء الجنّ؛ برای خدا شریکانی از جن قرار دادند>. گفتنی است که در فرض فوق <نسباً> در معنای مجازی استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۶

۶ - جنیان ، پیش از نزول قرآن و بعثت پیامبر اسلام ، معتقد به شرک و وجود همسر و فرزند برای خداوند

و أنّه تعلی جدّ ربّنا ما اتّخذ صحبه و لا ولداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۲

۲ - شرک و عقیده به همسرگزینی و فرزندداری خداوند ، عقیده ای سفیهانه و به دور از خرد

و أنّه کان یقول سفیہنا علی اللّٰہ شططاً

عقیده به شرک ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۱۳

۱۳- افترا بستن به خدا (مبنی بر شریک داشتن خداوند در امر روزی) کار دائمی معتقدان به شرک ربوبی

بربهم یشرکون . . . و يجعلون لما لا يعلمون نصیباً

مما رزقنهم ... کنتم تفترون

احتمال دارد مراد از <تفترون> همان نکته ای باشد که در آیه آمده است و آن دخالت دادن و سهم دانستن معبودها و یا اسباب و عوامل در امر روزی دهی و یا نجات است.

علاقه به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۷

۷- مشرکان مکه ، به عقاید شرک آلود خویش شدیداً علاقه مند و دلبسته بودند .

و إذا ذکرت ربک .. ولوا علی أدبرهم

علایم شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۱۶

۱۶ گفتارها و باورهای تردیدآمیز در کیفیت افعال الهی و کردار و سلوک پیامبر (ص) از سوی مدعیان بندگی خداوند ، نشانه شرک آنان

لا يؤمنون حتی یحکموک .. و یسلّموا تسلیماً

امام صادق (ع) فرمود: لو انّ قوماً عبدوا الله .. ثم قالوا لشیء صنعہ الله او صنعہ رسول الله (ص) الا صنع خلاف الذی صنع؟ او وجدوا ذلک فی قلوبهم لکانوا بذلک مشرکین. سپس آن حضرت آیه فوق را تلاوت فرمود ...

کافی، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۲ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۱، ح ۳۷۴ / تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۳۷۴.

عمل شرک آلود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۲ - ۸

۸- قبول بخشی از دین و رها ساختن جنبه های دیگر آن ، عملی مشرکانه است .

و لا تكونوا من المشركين . من الذين فرّقوا دينهم و كانوا شیعاً

مراد از <دین> می

تواند اسلام باشد. متفرق ساختن آن، به معنای پذیرش بخشی از آن و قبول نکردن بخشی دیگر است. لازم به ذکر است که فعل ماضی <فَرَّقُوا> در صورت یاد شده منسلخ از زمان می باشد.

عوامل اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۱۴

۱۴ توجه به نظارت الهی بر هستی عامل گرایش انسان به عبودیت برای خدا و پرهیز از شرک و نافرمانی

فاعبدوه و هو علی کل شیء وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۴،۵

۴ موسی (ع) با تکیه بر لطف خداوند به بنی اسرائیل در نجات بخشی آنان از شکنجه فرعونیان، لزوم پرستش خدای یگانه و پرهیز از گرایش به شرک را به آنان گوشزد کرد.

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً . .. و إذ أنجینکم من آل فرعون

برداشت فوق بر این اساس است که مفاهیم ذکر شده در آیه مورد بحث برگرفته از سخنان موسی باشد و مخاطبان اصلی آن همان مردمی باشند که پس از عبور از دریا به بت پرستی گرایش پیدا کردند.

۵ توجه به نعمت های الهی، موجب پایداری انسان بر توحید و پرهیز وی از گرایش به شرک و بت پرستی است.

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً . .. و إذ أنجینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۲۱

۲۱ باور به انحصار خالقیت به خداوند، وادار کننده انسان به پرستش او و پرهیز از شرک و دوری از

گناه و استغفار از گناهان گذشته است .

هو أنشأكم من الأرض ... فاستغفروه

برداشت فوق، از حرف <فاء> که جمله <استغفروه...> را بر <هو أنشأكم...> تفریع کرده است به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۲۰

۲۰- توجه به ربوبیت خداوند ، برانگیزاننده انسان به عبادت خالصانه او و پرهیز از شرکوری است .

و لا یشرک بعباده ربّه أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ - تصور صحیح از خداوند ، از بین برنده هر گونه گرایش به غیر خدا است .

الله الذی خلقکم ... سبحنه و تعلی عما یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۰ - ۱

۱ - توجه به آیات الهی ، عامل گریز انسان از شرک و کفر و شتاب به سوی خداوند

ففرّوا إلى الله

در آیات پیشین سخن از نشانه های خداوند بود و <فاء> در <ففرّوا> می رساند که نتیجه توجه به نشانه های الهی حرکت پر شتاب به سوی خداوند، برای گریز از مهلکه کفر و شرک است.

عوامل تداوم شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۳ - ۶

۶- پیروی و تقلید از نیاکان ، عامل استمرار آیین شرک در میان ملت ها

و كذلك ما أرسلنا من قبلك .. إلا قال مترفوها إنا وجدنا آباءنا على أُمَّه

با توجه به آیات پیشین که در زمینه نفی شرک است مطلب بالا استفاده می شود.

عوامل

دشمنی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۳

۳ - تکبر و خودبزرگ بینی ، منشأ مخالفت و ستیزه جویی سردمداران شرک با اسلام و پیامبر (ص)

و من الناس من یجدل فی الله بغير علم .. ثانی عطفه

عوامل شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۲۲

۲۲ پندار وجود همانند برای خدا ، برخاسته از جهل و نادانی است .

فلا تجعلوا لله أنداداً و أنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۲۰

۲۰ - شرک ورزی و دست نیافتن به توحید ، نشانه اندیشه نکردن و درک نکردن پیوند و هماهنگی در جهان آفرینش است .

إن فی خلق السموت و الأرض .. لآیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۲

۲۲ - نشناختن قدرت خدا و پندار قدرت برای غیر او ، از عوامل شرک است .

و من الناس من یتخذ من دون الله أنداداً .. أن القوه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۹

۹ - شیطان ، وادار کننده انسان ها به شرک‌ورزی و ترغیب کننده آنها به دوستی با سران شرک و پیروی از آنان *

و من الناس من يتخذ من دون الله أنداداً .. إنما يأمرکم بالسوء و الفحشاء

از مصداقهای مورد نظر برای <سوء> و <فحشاء> به قرینه آیات قبل، شرک

ورزی و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۳ - ۴،۷

۴ رویگردانی از توحید (شرک) ، افساد است .

فان تولّوا فانّ الله علیم بالمفسدین

۷ اعتقاد به الوهیت حضرت مسیح (ع) و عدم پذیرش توحید ، برخاسته از افساد و تباهیگری *

فان تولّوا فانّ الله علیم بالمفسدین

احتمال دارد کلمه <بالمفسدین>، اشاره به علت و زمینه شرک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۷

۷ حسادت ، خطری برای ایمان و اعتقاد و عاملی برای گرایش به شرک و کفر

يؤمنون بالجبّات والطاغوت .. ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

<ام يحسدون>، چنانچه گذشت، بیان علت مسائلی است که در آیه ۵۱ مطرح شد که از جمله آنها، گرایش و ایمان برخی از یهودیان به کفر و شرک است. یعنی حسادت باعث شد تا به <جبّات> و <طاغوت> ایمان بیاورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ گمان و حدس تنها تکیه گاه مشرکان در پذیرش شریک برای خداوند

این شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ اعتقاد به توحید، نتیجه حق‌گرایی، و شرک، گمراهی و مولود گریز از راه مستقیم است.

وجهت وجهی . . . حنیفا و ما أنا من المشركين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۱۴، ۹

۹ ترس

از آسیب رسانی برخی موجودات، از عوامل شریک پنداشتن آنها برای خداوند است.

و كيف أخاف ما أشرکتتم .. فأى الفریقین أحق بالأمن

۱۴ شرک زائیده نادانی است.

فأى الفریقین أحق بالأمن إن كنتم تعلمون

تعليق مضمون آیه بر جمله شرطیه <إن كنتم تعلمون> به این نکته اشاره دارد که مشرکان مردمی نادان و در نتیجه عقاید موهوم آنان نیز متکی بر نادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۷ - ۵

۵ شرک و انکار ربوبیت خدا، اعتقادی است برخاسته از جهل و غفلت .

و الذین هم عن ءایتنا غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۸

۱۸- شرک ، معلول جهل و کوتاه فکری است .

بل أكثرهم لا یعلمون

خداوند برای تفهیم قابل مقایسه نبودن خلق با خدا، از مثالی بدیهی استفاده کرده و می فرماید: با همه این روشنی باز هم اگر مشرکان ره شرک می روند، علتی جز جهل و نادانی آنان ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۷

۷- شیطان ، عامل اصلی شرک به خداوند است .

و الذین هم به مشرکون

برداشت فوق، بر این احتمال است که ضمیر <به> به شیطان برگردد و <باء> دال بر سببیت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۶

۱۶- انكار معاد ، نكوهيده تر از دل بستگی به زندگانی دنیا و دارای نقشی مؤثرتر در آن در پیدایش شرک

لقد جئتمونا كما خلقناكم أول مرّة بل زعمتم أنّ نجعل

لکم موعداً

حرف <بل> برای اضراب و نشان نابرابر بودن مابعد و ماقبل آن است. در این برداشت، تشبیه در <کما خلقناکم>، ناظر به مال و فرزند نداشتن انسان در آغاز خلقت و هنگام اعاده آن، دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۲

۱۲- جهل و ناآگاهی، عامل روی گردانی اکثریت مشرکان از حق و روی آوردن آنان به شرک است.

بل أكثرهم لا یعلمون الحقّ فهم معرضون

<فاء> در <فهم معرضون> عاطفه و برای ربط میان مسبب و سبب است؛ یعنی، به دلیل این که آنان جاهل اند، از حق اعراض می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۵ - ۳

۳ - نقش ابلیس و سپاهیانش، در گمراهی و شرک‌ورزی آدمیان

فکبکبوا فیها هم و الغاوان . و جنود إبلیس أجمعون

به دوزخ افکنده شدن ابلیس و سپاهیانش به همراه مشرکان و معبودهایشان، بیانگر مطلب یاد شده است.

عوامل شرک ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۲

۲ - شرک و اعتقاد به ربوبیت جز خداوند، نتیجه سست اندیشی و دور ماندن از حکمت

قد جئتکم بالحکمہ .. . إنّ الله هو ربّی و ربّکم

عوامل شرک مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - مستضعان در قیامت ، مستکبران را عامل اصلی شریک گرفتن برای خدا معرفی خواهند کرد .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا .. تأمروننا أن نکفر بالله و نجعل له

عوامل شکست شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۲

۱۲ تأثیر عمیق جنگ بدر در تحکیم پایه های توحید و آیین اسلام و شکست شرک و کفر

و یرید الله أن یحق الحق بکلمته و یقطع دابر الکفرین

عوامل ظهور بطلان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۸

۸ - بطلان شرک و ناکارآمدی عقیده به آن ، به هنگام مواجهه با سختی ها بروز می کند .

و إذا مسّ الناس ضرّاً دعوا ربّهم

بنابراین که مراد از <الناس> مشرکان باشد، روی آوردن آنان به خداوند، برای نجات خویش از ناملايمات نشان دهنده حقیقت یاد شده است.

عوامل گمراهی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهی گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إن هذا إلاّ إفکک... و قالوا مال هذا الرسول... إن تتبعون إلاّ رجلاً مسحوراً

<فاء> در <فضلوا> برای سببیت و در <فلا یستطیعون> تفسیریه است؛ یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

عوامل مصونیت از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۱۵

۱۵- موحد بودن و مصونیت کامل از شرک ، نیازمند به توفیق خداوند و امداد اوست .

و اجنبی و بنیّ أن نعبد الأصنام

برداشت فوق به این

دلیل است که حضرت ابراهیم(ع) با آنکه از انبیای بزرگ الهی (اولوالعزم) بود، از خداوند خواستار مصونیت خود و فرزندانش از شرک شد.

عیسی(ع) و شرک مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۷ - ۱۰

۱۰ عیسی (ع) به هنگام حضور در میان امت خویش بازدارنده آنان از گرایش به شرک بود .

و کنت علیهم شهیداً مادمت فیهم

کلمه <شهیداً> به قرینه کلمه <رقیب> در فراز بعد می تواند علاوه بر گواهی عیسی(ع) بر امت خویش، حاکی از مراقبت وی برای راه نیافتن انحراف در عقاید آنان نیز باشد.

فرجام تبلیغ شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۸

۸- دوزخ ، سرانجام تلاش برای ترویج آیین شرک و گمراه کردن مردم از مسیر خدا و یگانه پرستی

و جعلوا لله أنداداً لیضلوا عن سبيله .. فإن مصیرکم إلى النار

فرجام شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۸

۱۸ هشدار مسیح (ع) به بنی اسرائیل در مورد فرجام نامیمون شرک

قال المسیح .. انه من یشرک باللّٰه فقد حرم اللّٰه علیه الجنه

ظاهراً جمله <انه من یشرک ..> گفتار حضرت مسیح(ع) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ نترسیدن از پیامد شرک به خدای یگانه و در هراس بودن از شریکان موهوم او، کاری شگفت و نابخردانه است.

و کیف أخاف ما أشرکتتم ولا تخافون أنکم أشرکتتم بالله

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۸

۸- پوچی و بی حاصلی و فرجام ناخوشایند، پی آمد شرک و دنیاپرستی است .

و لم تکن له فئه ینصرونه من دون الله .. هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

بیان سرگذشت مرد ثروت مند و پایان خسارت بار و بی حاصل او و سپس تذکر این که خداوند، بهترین پاداش دهنده و فراهم کننده سرانجام نیک برای بندگان است، این نتیجه را در پی دارد که دنیاپرستی و شرک، بدفرجامی و بی حاصلی را در پی خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۲ - ۱۳

۱۳ - شرک ، سرانجامی شوم و ناگوار دارد .

فانظروا کیف کان عقبه الذین .. کان اکثرهم مشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف یعلمون

فرجام شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲ - ۳

۳ پرستش غیر خدا ، فرجام شوم و نامیمونی را در پی خواهد داشت .

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ

جمله <أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ> حاوی دو معناست: ۱. نهی از پرستش غیر خدا/ ۲. لزوم پرستش خداوند. <انذار> که به معنای

ترساندن از فرجامی شوم است، در ارتباط با معنای نخست و بشارت که به معنای مژدگانی به عاقبتی خوش است، در ارتباط با معنای دوم ایراد شده است. لام در

<لکم> لام تقویت و متعلق به <نذیر و بشیر> است.

فرجام شوم شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۱۷

۱۷ - پافشاری بر شرک و روی گردانی از استغفار ، در پی دارنده فرجامی زیان بار برای انسان

فاستقیمواإلیه و استغفروه و ویل للمشرکین

فطرت و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۱ - ۳

۳ - رویکرد به شرک ، با سرشت و فطرت انسان ها ، ناسازگار است .

فطرت الله الّتی فطر الناس علیها .. و لاتکونوا من المشرکین

فلسفه شرک نجات یافتگان از سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۵

۵ - هدف رهیدگان از ناگواری ها ، از گرایش به شرک ، انکار خدایی بودن نجات شان است .

إذا مسّ الناس ضرٌّ .. ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه ... یشرکون . لیکفروا

<لام> در <لیکفروا> لام عاقبت است و مفید این نکته است که آنان، مشرک شدند تا سرانجام کفران نعمت کنند.

قساوت قلب اکثریت رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۱

۱ - بیشتر سران شرک و کفر در صدر اسلام ، به گونه ای بودند که انذار و اخطارِ پیامبر (ص) در آنان کارساز نبوده و ایمان نمی آوردند .

لقد حقّ القول علی أكثرهم .. و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

کفر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام -

۱۶ شرک، کفرورزی و مشرک، کافر است.

و الله ربنا ما كنا مشركين .. يقول الذين كفروا

مرجع ضمیر <منهم من يستمع> در صدر آیه، مشرکان مطرح شده در آیات قبل است. و از آنجا که در پایان آیه از همان گروه با توصیف <الذین كفروا> یاد شده، که در حقیقت اظهار در مورد اضممار است برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۳

۳ - شرک ، کفر است و مشرکان ، کافران .

إِنَّ الذین کفروا .. ذلکم بآنه إذا دعی الله وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در این آیات، مشرکان با عنوان کافران معرفی شده اند.

کفران رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلی الذین بدلّوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الذین بدلّوا .. و أحلّوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

کیفر اخروی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۱

۱ - مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در

کیفر و عذاب دوزخ

فإنهم يومئذ في العذاب مشتركون

کیفر اخروی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۵

۵ - توحید و شرک (خدا پرستی و بت پرستی) ، مبنای داوری خدا و تعیین کیفر و پاداش در روز رستاخیز

الله يحكم . . . فيما كنتم فيه تختلفون

با توجه به عبارت پیشین <ما> در <فیما کنتم> به معنای <الذی> است که به مسأله توحید و شرک که محور اختلاف میان موحدان و مشرکان تاریخ بوده است اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لا یدعون مع الله إلهاً .. ولا یزنون و من یفعل ذلک یلق أثاماً

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۴،۷

۴ گناه شرک ، آدم کشی و زنا در پی دارنده اشد مجازات در قیامت

یضعف له العذاب یوم القیمه

۷ گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فیهِ مهاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۸

۸ - کفر و شرک ، جرمی بزرگ و کیفر آور در قیامت

يعرف المجرمون بسيمهم فيؤخذ بالنوصى و

توصیف کافران و مشرکان، به <جرم پیشه>، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

کیفر اصرار بر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۱

۱ خداوند، قوم عاد را پس از اصرارشان به شرک و انکار رسالت هود، به عذابی فراگیر گرفتار ساخت.

فأنجينه و الذين معه برحمة منا و قطعنا دابر الذين كذبوا

کیفر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱۷

۱۷ سرانجام شرک، جهنم است.

اولئك يدعون الى النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۱۴

۱۴ شرک، از گناهان کبیره و موجب گرفتاری به آتش دوزخ

ان الله لا يغفر ان يشرك به

امام صادق (ع) در معرفی و شمارش گناهان کبیره فرمود: ... و هنّ ممّا اوجب الله عز و جلّ عليهنّ النار قال الله عزّ و جلّ:

<ان الله لا يغفر ان يشرك به ... >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۳

۳ کسانی که حقایق اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الى الذين .. يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلا. اولئك الذين لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶

۱ شرک ، انحراف و لغزش غیر قابل آمرزش

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۴

۴ بازخواست و محاکمه مشرکان در قیامت به سبب شریک پنداشتن برای خداوند

أَيْنَ شُرَكَائِكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۴

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۸

۱۸ نوح ، نگران مبتلا شدن قومش به کیفر دنیوی (طوفان) بر اثر شرک‌ورزی و ترک پرستش خداوند

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

بر اساس این احتمال که مراد از <یوم عظیم> زمان طوفان نوح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۱۳

۱۳ هود برحذر دارنده قوم خویش از گرفتار شدن به عذاب های الهی به سبب پرستش نکردن خدای یکتا و پرهیز نکردن از

گرایش های شرک آلود

<اتقاء> مصدر <تقون> به معنای گرفتن حفاظ برای دوری از مکروه و مانع شدن از رسیدن مکروه است. در اینجا به مناسبت مورد و تأیید آیات بعد (همانند آیه ۷۰)، مراد از مکروه، عذابهای الهی است، یعنی: أفلاتتقون عذاب الله.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ -

۱ خداوند ، در پی اصرار مردم مدین بر شرک‌ورزی و نپذیرفتن تعالیم شعیب (ع) ، آنان را به عذابی سخت گرفتار ساخت .

و لما جاء أمرنا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم شعیب است. اضافه آن به ضمیر <نا> حکایت از بزرگی آن عذاب دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ طغیان و سرکشی در برابر خدا و گرایش به شرک و پرستش غیر خدا ، عقوبت و کیفر الهی را در پی دارد .

و لا تطغوا إنه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۴

۴- عقوبت افترا به خدا و شرک ، به قدری شدید و سنگین است که در صورت وقوع ، همه جنبندگان را فرا می گیرد .

بربهم یشرکون .. . کنتم تفترون . و یجعلون لله البنت ... و لو یؤاخذ الله الناس ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۵

۵ - شرک و انکار ربوبیت خدا ، گناهی نابخشودنی و گرفتار کننده به آتش دورخ است .

فالدین کفروا قطعتم لهم ثیاب من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۸

۸ - شرک ، گناهی بزرگ و دارای کیفری ویژه در نزد پروردگار

و من یدع مع الله .. . فإئما حسابه عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۳

۳ - شرک و هم نشینی و

هم فکری با مشرکان ستم پیشه ، عامل دخول در دوزخ

احشروا الذین .. یعبدون . من دون الله فاهدوهم إلى صراط الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۵ - ۱

۱ - عذاب دوزخ ، کیفر شرک و استکبار ، در مقابل کلمه توحید

إنهم كانوا إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إنهم كانوا إذا..> تعلیل برای جملات پیشین است که در آنها از دوزخی بودن کافران و مشرکان سخن به میان آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الأليم . و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۸

۸ - شرک و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابی سخت و فوق تصور بشر

و بدا لهم من الله ما لم يكونوا يحتسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۶

۶ - شرکورزی و تکذیب پیامبران الهی ، در پی دارنده آتش دوزخ است .

و یوم یحشر أعداء الله إلى النار

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که در مورد تکذیب پیامبران بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۹

۹ - امت هایی از جن

و انس در گذشته تاریخ بر اثر دشمنی با خداوند (شرکوری ، انکار رسالت پیامبران و ...) به عذاب الهی گرفتار شدند .

و حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ

کیفر شرک ستیزی در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۲

۲- کیفر روی گردانی از آیین شرک در عصر اصحاب کهف ، سنگ سار شدن بود .

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ

از جمله معانی ذکر شده برای <رجم> سنگ سار کردن است.

کیفر شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۱۵

۱۵ - شرک و عبادت ناخالص خداوند ، امری محکوم و مورد مؤاخذه الهی

أُولِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ

کیفر شرک مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، به دلیل اعتقاد شرک آمیزشان (فرزند خدا خواندن عزیر و مسیح) مستحق کیفر مرگ

و قالت اليهود عزير ابن الله .. قتلهم الله أنى يؤفكون

کیفر شرک یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٢ يهود و نصارا ، به دليل اعتقاد شرك آميزشان (فرزند خدا خواندن عزيز و مسيح) مستحق كيفر مرگ

و قالت اليهود عزيز ابن الله .. قتلهم الله أنى يؤفكون

گرايش به شرك

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۷

۱۷ گرایش نصارا به کفر و شرک ، نشانه بی ثمری و کارساز نبودن انتساب ظاهری به ادیان الهی

إِنَّ الَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبُّونَ وَالنَّصْرَى .. لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ

در آیه ۶۹ بیان شد که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نیست و این آیه به منزله دلیل و برهانی بر آن حقیقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱،۷

۱ شعيب (ع) در پاسخ اشراف کفریسه مدین ، گرایش به آیین شرک را افترا بر خداوند دانست .

قد افترينا على الله كذبا إن عدنا في ملتكم

۷ شعيب (ع) بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک تنها در صورت تعلق مشیت الهی ، ممکن دانست .

و ما يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۶

۶ گرایش به شرک ، ناسپاسی به نعمت های خداوند است .

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۵

۵ آدمی پس از نجات از شداید، علی رغم پیمان عدم شرک و سپاسگزاری از خداوند، پیمان شکنی می کند و مجدداً شرک میورزد.

لئن أنجنا .. قل الله ینجیکم ... ثم أنتم تشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶

۱۱ گرایش به شرک پس از توحید (ارتداد)، حرکتی ضد تکاملی و ارتجاعی است.

أندعوا من دون الله .. و نرد علی أعقابنا بعد إذ هدینا الله

معنای جمله <نرد علی .. > صرفاً به معنای بازگشت به گذشته تاریخی نیست بلکه حکایت از بازگشت به جهل و عقب ماندگی فکری نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۹

۹ گرایش انسان ها به کفر و شرک ، نه دلالت بر خروج آنان از سیطره خدا دارد و نه بیانگر ولایت غیر خدا بر آنان است .

أولئک لم یکنوا معجزین فی الأرض .. ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

خداوند، با بیان ریشه کفرورزی کافران (ماکانوا ..)، پس از اعلام ولایت خدا بر آنان، به این حقیقت اشاره می کند که: مخالفت کافران با برنامه های الهی به خاطر خروج آنان از حاکمیت خدا و سلطه غیر او بر ایشان نیست؛ بلکه به دلیل ناتوانی آنان از درک معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۹

۹ گروه هایی از یهود و نصارا دارای گرایشهایی شرک آلود بودند .

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله و لا أشرك به

چون جمله <قل إنما أمرت .. > که حاکی از توحید و یکتاپرستی است در پاسخ گروه هایی از یهود و نصارا قرار گرفته است ، معلوم می شود این گروه ها به پرستش غیر خدا و شرک در عبادت روی آورده

بودند.

گفتگوی رهبران شرک با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۷ - ۲

۲ - گفت و گوی اعتراض آمیز و خصومت گونه مشرکان فریب خورده با پیشوایان فریب کار خود بر سر راه دوزخ

و قفوهم .. و اقبل بعضهم علی بعض يتساءلون

مقصود از <علی بعض> به قرینه سه آیه بعد (و ما کان لنا علیکم من سلطان و ..) پیشوایان فریب کاراند. بر این اساس، گفت و گوی مشرکان با پیشوایان شان از سر اعتراض و خصمانه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۹ - ۲

۲ - پیشوایان شرک ، در گفت و گو با مشرکان فریب خورده در روز رستاخیز ، سوء اختیار خود آنان را عامل گمراهی شان معرفی خواهند کرد .

قالوا بل لم تکنوا مؤمنین

گمراهی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۴

۴ - اعتراف سردمداران شرک در عرصه قیامت به گمراهی خود

إِنَّا كُنَّا غَوِينَ

گمراهی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ توحید و یکتاپرستی ، آیینی بدون کمترین انحراف و کجی ، و شرک پنداری منحرف و نادرست است .

أمر ألا تعبدوا إلا إياه ذلك الدين القيم

<قیم> به معنای مستقیم و بدون انحراف و کجی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۲ - ۵

۵ - شرک و بت پرستی ، بدترین و عمیق ترین نوع گمراهی

ذلك

هو الضلل البعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۸

۸ - شرک و بت پرستی ، گمراهی و انحراف از صراط مستقیم است .

فلا ینزعنک فی الأمر و ادع الی ربک إنک لعلی هدئی مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۴ - ۸

۸ - شرکورزی ، ضلالت و گمراهی است .

لو أنهم کانوا یتهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱۴

۱۴ - شرکورزی ، گمراهی آشکار و بی نیاز به دلیل

و من هو فی ضلل مبین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که روی سخن در این بخش از آیات، با اهل شرک می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۵

۵ - شرکورزی و پرستش غیر خدا ، گمراهی و کوری است .

فاستحبوا العمی علی الهدی

مصدق بارز برای ضلالت و کوردلی قوم ثمود به قرینه <ألا تعبدوا إلا الله> در آیه ۱۴ شرک و پرستش غیر خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - دنیامداری ، شرک ، بدعت در دین ، ظلم و سياه کاری است .

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ .. وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - توحید ، امری فطری و شرک انحراف از فطرت انسانی است .

و لئن سألتهم

من خلقهم ليقولن الله فأنى يؤفكون

در صورتی که آیه شریفه را مستقل از قبل بدانیم و ضمیر <هم> به مطلق بشر باز گردد، استفاده می شود که توحید در فطری بودن انسان نهفته است.

گناه دعوت به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعوت مردم به کفر و شرک، گناهی همسان با کفرپیشگی و شرک‌ورزی

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذابا ضعفا من النار قال لكل ضعف

گناه رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۴

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر از سرانشان بر دوش ندارند.

فما كان لكم علينا من فضل

چون جمله <فما كان...> نتیجه پاسخ خداوند است که فرمود <لكل ضعف و لكن...> معلوم می شود هر دو گروه (سران و پیروان) از آن جمله می فهمند که به گناهی همسان گرفتار هستند.

گناه شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۱۴، ۱۱

۱۱ شرک به خدا، گناهی بزرگ

و من يشرك بالله فقد افترى اثماً عظيماً

۱۴ شرک، از گناهان کبیره و موجب گرفتاری به آتش دوزخ

انّ الله لا يغفر ان يشرك به

امام صادق (ع) در معرّفی و شمارش گناهان كبريه فرمود: ... و هُنَّ مَمِيًا اوجب الله عز و جل عليهن النار قال الله عزّ و جل:
>انّ الله لا يغفر ان يشرك به ... <

عقاب الاعمال "مترجم"، ص ۵۲۵، ح ۱، باب عقاب من اتى الكبائر / نورالثقلين، ج

۱، ص ۴۸۸، ح ۲۹۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۱،۲،۳،۵

۱ شرک ، انحراف و لغزش غیر قابل آمرزش

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ انْ يُشْرِكُ بِهِ

۲ هر گناهی ، کمتر از شرک ، قابل آمرزش و مغفرت

و يغفر ما دون ذلك لمن يشاء

کلمه <دون> به معنای کمتر و پایینتر است.

۳ گناه در حد شرک ، قابل آمرزش نیست .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ انْ يُشْرِكُ بِهِ و يغفر ما دون ذلك

کلمه <دون> به معنای کمتر و پایینتر است. بنابراین اگر گناهی در حد شرک باشد قابل آمرزش نیست.

۵ شرک به خدا از بزرگترین گناهان

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ انْ يُشْرِكُ بِهِ و يغفر ما دون ذلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۸

۸ شرک و بت پرستی ، عصیان از بندگی خداوند و پذیرش سلطه شیطان است .

ان يدعون من دونه الا اثناً .. قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۷

۲۷ شرک ، بزرگترین گناه کبیره و موجب گرفتاری به عذاب دوزخ

انه من يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة مأويه النار

از امام صادق(ع) روايت شده: .. اكبر الكبائر، الشرك بالله يقول الله عزوجل: > انه من يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة
مأويه النار ... <

عيون اخبار الرضا، ج ١، ص ٢٨٥، ح ٣٣، ب ٢٨ بحار الانوار، ج ٧٩، ص ٦، ح ٧.

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۴

۴ گرایش به مظاهر شرک از گناهان کبیره است .

و الانصاب و الازلّم رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعوت مردم به کفر و شرک، گناهی همسان با کفرپیشگی و شرک‌ورزی

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذابا ضعفا من النار قال لكل ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۵

۵ شرک و کفر، جرم است و مشرکان و کافران، مجرم هستند .

و لو کره المجرمون

از مصادیق مورد نظر برای <المجرمون> مشرکان مکه هستند مکه از آنان در آیه قبل به کافران تعبیر کرد. بنابراین مجرم بر کافر و مشرک اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۹

۹ شرک، گناهی نابخشودنی است .

ما کان للمشرکین .. أولئک حبّطت أعمالهم و فی النار هم خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۷

۷ شرک ، گناهی است نابخشودنی .

و لو لا كلمه سبقت من ربك لفضى بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ > دخل عمرو بن عبید علی أبی عبدالله (ع) فلما سلّم و جلس ... قال : أحبّ أن أعرف الكبائر من كتاب الله عزوجل ، فقال : ... منها : ..

. نقض العهد و قطيعه الرحم لأن الله عزوجل يقول : < أولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار > ... ;

عمرو بن عبید بر امام صادق(ع) وارد شد و بعد از سلام نشست . . . و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از کتاب خدا بشناسم، پس حضرت فرمود:... یکی از آن گناهان ... عهدشکنی و قطع رحم است ؛ چون خداوند عزوجل می فرماید: أولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار ...< .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۴

۴- شرک ، جرم و گناه است و آتش دوزخ را در پی دارد .

نادوا شركاءى . . . و رءا المجرمون النار فظنوا أنهم مواقعوها

مصدق بارز جرم، در این آیه، به قرینه آیه قبل، شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۹

۹- ابراهیم (ع) ، شرک برخی از مشرکان را قابل بخشش می دانست .

سأستغفر لك ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۵،۶

۵- شرک جرم است و مشرک ، مجرم و گناهکار .

واتخذوا من دون الله ءالهةً . . . و نسوق المجرمين إلى جهنم

از آن جایی که آیات گذشته، درباره شرک بود، تناسب چنین اقتضا می کند که مراد از مجرمان، <مشرکان> باشد. احتمال تعلق کلمه <یوم> در <یوم نحس>، به یکی از فعل های <سیکفرون> و یا <یکونون> در آیات پیشین، گویاترین وجه برای ارتباط این آیات است.

۶- شرکورزی و پرستش معبود های باطل ، گناهی بزرگ و موجب

دوزخی شدن است .

و نسوق المجرمین إلی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۴

۴ - کفر و شرک ، گناه و نیازمند توبه و طلب مغفرت از پیشگاه خداوند

لیغفر لنا خطینا

مصادق مورد نظر از خطیئه به قرینه آیات بعد که جرم و ایمان را در مقابل یکدیگر قرار داده است گناه کفر به خداوند و انکار رسالت موسی(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۵

۵- شرک ، گناهی بزرگ و مستوجب خلود در آتش جهنم است .

إنکم و ما تعبدون من دون الله حصب جهنم .. و کل فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۸

۸- شرک ، گناهی است نابخشودنی که اهل آن مستحق عذاب الهی اند .

و کثیر حقّ علیه العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۵

۵ - شرک و انکار ربوبیت خدا ، گناهی نابخشودنی و گرفتار کننده به آتش دورخ است .

فالدین کفروا قطع لهم ثياب من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۸،۹

۸ - شرک ، گناهی بزرگ و دارای کیفی ویژه در نزد پروردگار

و من یدع مع الله .. فَإِنَّمَا حَسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ

۹ - شرک ، گناهی غیر قابل شفاعت *

و من یدع مع الله .. فَإِنَّمَا حَسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ

تعبیر <إِنَّمَا حَسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ> ممکن است اشاره به

این نکته باشد که کمترین اجازه میانجی گری و شفاعت در شرک، به دیگران داده نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۸

۸ گناه شرک ، بزرگ تر از گناه آدم کشی و آدم کشی بزرگ تر از گناه زنا است .

و الذین لایدعون مع الله إلهًا .. و لایزنون

ترتیب ذکر جمله های <و الذین لایدعون..> <لا-یقتلون...> و <لا-یزنون> می تواند بیانگر ترتیب رتبی و حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۹

۹ شرک ، آدم کشی و زنا ، از گناهان بزرگ و خطیر

یضعف له العذاب یوم القیمه و یخلد فیہ مهاناً

برداشت فوق، از وعده عذاب دو چندان، دائمی و ذلت بار برای گناهان یاد شده، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۸

۸ - شرک و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابی سخت و فوق تصور بشر

و بدا لهم من الله ما لم یكونوا یحتسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۳

۳ - شرک و عبادت غیر خدا ، از سوی هر کس که باشد حتی پیامبران در پیشگاه خداوند ، گناهی نابخشودنی است .

و لقد أوحى إليك و إلى الذین من قبلك لئن أشركت لیجعلن عملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۶ - ۵

۵ - عبادت غیر خدا

، گناه و حرام است .

قل إني نهيت أن أعبد الذين تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۴

۴ - شرک ، گناهی بس بزرگ و موجب محرومیت از رحمت الهی در قیامت

و لكن یدخل من یشاء فی رحمته والظلمون. .. أم اتخذوا من دونه أولیاء

از آیه قبل استفاده می شود که ظالمان از رحمت الهی به دوراند (یدخل من یشاء فی رحمته و الظالمون ما لهم. ..) و از آن جا که شرک مصداق بارز ظلم به شمار می آید، می توان مطلب بالا را برداشت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۳

۳ - کفر و شرک ، جرمی نابخشودنی

إنّ المجرمین فی عذاب جهنّم خلدون

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در مورد مشرکان بود بیانگر آن است که مشرکان، مجرمانی اند که قابل بخشش نیستند و در جهنم برای همیشه ماندگاراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۸

۸ - کفر و شرک ، جرمی بزرگ و کیفرآور در قیامت

یعرف المجرمون بسیمهم فیؤخذ بالنوصی و الأقدام

توصیف کافران و مشرکان، به <جرم پیشه>، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۶ - ۴

۴- شرک‌ورزی ، گناهی بزرگ و نابخشودنی و باعث دوزخی شدن انسان

و كانوا یصرون علی الحنث العظیم

برخی از مفسران برآنند که مراد از <حنث> در آیه شریفه، شکستن پیمان توحید است (پیمانی

که خداوند فطرتاً و در عالم ذر از انسان‌ها گرفته است). بر این مبنا، مفاد آیه چنین می‌شود: اصحاب شمال به خاطر شکستن پیمان توحید و روی آوردن به شرک و اصرار بر آن، گرفتار عذاب دوزخ خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۶

۶ - کفر و شرک ، جرمی نابخشودنی

یودّ المجرم لویفتدی من عذاب یومئذ ببینه

مقرر شدن عذابی که فدیة بردار نیست، بیانگر این حقیقت است که جرم کفر و شرک، جرمی نابخشودنی است.

گناه شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۷

۷ ارتداد و شرک‌ورزی و پرستش غیر خدا ، گناهی همسنگ با همه گناهان

و الذین عملوا السیئات

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <السیئات>، به دلیل آیات گذشته، شرک و ارتداد باشد. بر این اساس خداوند از آن گناه به <السیئات> (همه گناهان) تعبیر کرد تا بر این معنا اشاره کند که شرک و ارتداد گناهی است همسنگ همه گناهان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۶

۶ شرک‌ورزی و پرستش غیر خدا ، جرم و گناه است .

و أنا بریء مما تجرمون

چون مخاطبان <تجرمون> مشرکان و پرستش‌کنندگان غیر خدا هستند ، می‌توان گفت: منظور از گناه در جمله <تجرمون> شرک و پرستش غیر خداست. قابل ذکر است که <ما> در <مما> مصدریه می‌باشد یعنی: أنا بریء من إجرامکم.

گواهان بطلان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ خداوند، بزرگترین شاهد بر بطلان شرک و حقانیت توحید

و لا تكونن من المشركين . . . قل أي شيء أكبر شهده قل الله شهيد بيني و بينكم

۱۷ قرآن، گواه یگانگی خداوند و بطلان شرک

قل أغیر الله اتّخذ ولیا . . . قل الله ... و أوحى إلى هذا القرآن

از ارتباط این آیه با آیات قبل چنین برمی آید که قرآن تحقق عینی شهادت خداوند است.

۲۰ شگفت آور بودن اعتقاد به تعدد خدایان، با توجه به بدیهی بودن توحید و شهادت خدا و قرآن بر بطلان شرک

أنکم لتشهدون أن مع الله ءالهه أخرى

همزه استفهام در <أنکم> دال بر شگفتی است.

لجاجة اکثریت رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام، دچار روح لجاجة و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام، گرفتار روح لجاجة و حق ناپذیری بودند.

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

لجاجة رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - سران کفر و شرک در صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابَ

جمله <بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابَ> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به

قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبر اسلام (ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ينظر هؤلاء إلا صيحة وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشردند و به حقیقت اسلام تن در نمی دهند.

مادیگری شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۳

۳ - راه کفر و شرک ، آمیخته با ماده گرایی و سرگرمی های پوچ و بدفرجام

فذرهم يخوضوا و يلعبوا حتى يلقوا يومهم الذی يوعدون

مبارزه با شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۵

۵ - مبارزه اسلام با مظاهر شرک و بت پرستی

إنما حرم... و ما أهل به لغير الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۱۰

۱۰ - > و قاتلوهم حتى لا تكون فتنة < أى شرک... و هو المروى عن الصادق (ع)

<وقاتلوهم حتی لاتکون فتنه> روایت شده که مراد از <فتنه> شرک است . . . <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱۰

۱۰ مبارزه اسلام با مظاهر شرک و بت پرستی و فرهنگ جاهلیت

حرمت علیکم . . . و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۱۱

۱۱ در تبلیغ توحید و مبارزه با عقاید شرک آلود باید صریح و قاطع بود.

أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا ءِالِهَةً إِنِّي أَرِيكُمْ وَ قَوْمَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۱۳

۱۳ تمسک به توحید و مبارزه با شرک، شرط ورود به جرگه نیکوکاران است.

و كذلك نجزي المحسنين

روشن است که مصداق برتر نیکوکاران در این آیه ابراهیم خلیل (ع) است و طبیعی است که موصوف شدن آن حضرت به این وصف باید در تناسب و ارتباط با آیات پیشین باشد، و چون آیات گذشته عموماً درباره توحید ابراهیم (ع) و تلاش آن حضرت برای مبارزه با شرک بود، شاید بتوان گفت که این ویژگی از مقومات نیکوکار بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۸

۸ مبارزه با شرک و دعوت به توحید، مهمترین رسالت نوح

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷- ۶۵- ۱۱

۱۱ مبارزه با شرک ، از وظایف اصلی هود

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم

من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۲

۲ قوم عاد ، رسالت هود را از سوی خداوند ، برای دعوت به توحید و مبارزه با شرک باور نداشتند .

أَجْتِنَّا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ

استفهام در جمله <أَجْتِنَّا .. > استفهام انکاری ابطالی است. یعنی دلالت می کند که آنچه مورد استفهام واقع شده (مأموریت هود برای دعوت به یکتاپرستی)، بی اساس است و مدعی آن (حضرت هود) دروغگوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ مبارزه با شرک ، از وظایف اصلی صالح (ع)

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۱

۱۱ مبارزه با شرک از وظایف اصلی شعيب بود .

قال يقوم . . ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۹

۹ فرمان خداوند به مبارزه با کفر و شرک و به وجود آوردن صحنه مبارزه ، از اسباب تحقق اراده خداوند برای اظهار حق و نابودی کفر

و يريد الله أن يحق الحق بكلمته

خداوند در برابر مؤمنان که خواهان هجوم به کاروان تجاری قریش بودند، خواست تا آنان با لشکریان کفر درآویزند و به

جهاد با آنان پردازند و همان را نیز مقدر ساخت و بیان داشت که احقاق حق در پرتو آن حاصل می شود. بنابراین مراد از
<بکلمته> همان فرمان به جهاد و تحقق یافتن

صحنه مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۴ - ۵،۹

۵ پیامبر (ص) و رهبران الهی در مبارزه با شرک و کفر تنها باید بر خدا و مؤمنان پیرو تکیه کنند .

حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین

۹ اتکا بر مؤمنان راستین برای مبارزه با شرک و کفر ، منافاتی با توحید و اتکا بر خدا ندارد .

حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۵ - ۳

۳- شعار < لا إله إلا الله > ، پرستش خدای یگانه و مبارزه با شرک و چند گانه پرستی ، محتوای وحی الهی به تمامی رسولان

من رسول إلا نوحی إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۲ - ۷

۷- مخالفت با عقاید انحرافی پدر ، آغاز مبارزه ابراهیم (ع)

إذ قال لأبيه و قومه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که تقدم لفظی <أبيه> بر <قومه> دلالت بر تقدم زمانی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۷،۸

۷ تلاش در راه احیای معارف دین و مبارزه فرهنگی با جریان کفر و شرک ، جهادی بزرگ و با عظمت

فلاتطع الكفرین و جهدهم به جهادًا كبيرًا

۸ مبارزه و جهاد فرهنگی با کفر و شرک ، هدف کلی قرآن و محور اصلی دعوت پیامبر اسلام (ص)

و جهدهم به جهادًا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- رهنمود خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان، مبنی بر زمینه سازی برای از بین بردن مظاهر شرک و شکستن بت ها

فراغ علیهم ضرباً بالیمین

یادآوری داستان بت شکنی ابراهیم(ع) و چگونگی مبارزه آن حضرت با مظاهر شرک در مکه (نیمه نخست بعثت)، می تواند به منظور درس آموزی و ارائه روش مبارزه با شرک و بت پرستی برای پیامبر(ص) و مؤمنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۴ - ۱۰

۱۰- پیامبر (ص) مأمور مبارزه علنی و صریح با عقاید مشرکان (چون عقیده به شفاعت کردن معبود ها و توانایی آنان بر این کار)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلُوبِ أُولَئِكَ كَانُوا لَآئِمِلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ . قُلْ لِلَّهِ

مبلغان شرک در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۸

۸- دوزخ، سرانجام تلاش برای ترویج آیین شرک و گمراه کردن مردم از مسیر خدا و یگانه پرستی

و جعلوا لله أندادًا ليضلوا عن سبيله .. فَإِنْ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ

محمد(ص) و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۰ - ۳

۳- پیامبر (ص)، هیچ کس را به عنوان شریک خدا نپذیرفت .

و لا أشرك به أحدًا

محمد(ص) و شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱

۱۱ خداوند ، پیامبر (ص) و مؤمنان را از گرایش به

شرک و انحراف از پرستش خدا بر حذر داشت .

و لاتطغوا

<طغیان> (مصدر لاتطغوا) به معنای تجاوز کردن از حد است. مصداق مورد نظر برای طغیان به قرینه آیات پیشین که درباره شرک و توحید بود انحراف از توحید و گرایش به شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۶،۷

۶ پیامبر (ص) از ناحیه خداوند فرمان داشت که تنها او را پرستد و برای او شریکی قائل نباشد .

قل إنما أمرت أن أعبد الله و لا أشرك به

۷ پیامبر (ص) از ناحیه خداوند فرمان داشت ، یکتاپرستی خویش و گریزش از شرک را اعلام کند .

قل إنما أمرت

مخالفت رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۵

۵ - مخالفت سران کفر و شرک با پیامبر اسلام ، به خاطر شک و تردید آنان در اصل نزول وحی و الهی بودن قرآن بود ؛ نه در شایستگی پیامبر (ص) برای رسالت .

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي

<بل> در جمله <بل هم فی شک من ذکری> برای اضراب می باشد. بر این اساس مقصود از آیه شریفه این است که مخالفت سران کفر و شرک با رسول خدا، ناشی از شک و تردید آنان در درستی قرآن است و بحث از شایستگی آن حضرت برای رسالت، معلول چنین تردیدی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۳

(، در برابر مخالفت ها و کارشکنی های سران کفر و شرک (همچون ولیدبن مغیره)

ذرنی و من خلقت وحیداً

مراتب شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ شرک ، دارای انواع و مراتبی متفاوت است .

ما کان لنا أن نشرك بالله من شیء

برداشت فوق ، بر این اساس است که مراد از <شیء> شرک ورزی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۶ - ۷

۷ > عن أبي الحسن الرضا (ع) [فی قوله تعالى : < و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون >] قال : إنه شرک لا يبلغ به الکفر ;

از امام رضا(ع) [درباره آیه <و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون>] روایت شده است که فرمود: مراد از شرک [در آیه شریفه] شرکی است که دارنده آن به وسیله آن به کفر نمی رسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۹

۹- ابراهیم (ع) ، شرک برخی از مشرکان را قابل بخشش می دانست .

سأستغفر لک ربی

مراد از شرک اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۶ - ۱۱ ، ۱۰ ، ۹ ، ۸ ، ۷

٧ > عن أبي الحسن الرضا (ع) [ففي قوله تعالى : < و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشركون >] قال : إنه شرك لا يبلغ به الكفر ;

از امام رضا(ع) [درباره آیه < و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و

هم مشرکون < [روایت شده است که فرمود: مراد از شرک [در آیه شریفه] شرکی است که دارنده آن به وسیله آن به کفر نمی رسد >.

۸ > عن أبي جعفر (ع) : في قول الله تبارك و تعالی : < و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون > قال : شرک طاعه و لیس شرک عباده و المعاصی التي یرتکبون شرک طاعه أطاعوا فیها الشیطان فأشركوا بالله فی الطاعه لغيره ... ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای تبارک و تعالی: < و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون > روایت شده است که فرمود: [مراد از شرک] شرک طاعت است نه شرک عبادت. و گناهایی را که مرتکب می شوند شرک طاعت است که در آنها شیطان را اطاعت کرده اند، پس با اطاعت از غیر خدا برای خدا شریک قرار داده اند...>.

۹ > عن أبي عبدالله (ع) : ... < و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا- و هم مشرکون > فهم الذین یلحدون فی أسمائهم بغير علم فیضعونها غیر مواضعها ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: ... < و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا- و هم مشرکون > پس آنان کسانی اند که در مورد نامهای خدا بدون آگاهی به راه کج می روند و آن نامها را در غیر جای خود به کار می برند...>.

۱۰ > عن أبي عبدالله (ع) في قوله : < و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون > قال : هو الرجل يقول : لولا فلان لهلکت و لولا فلان لأصبت کذا و

کذا و لولا فلان لضاع عیالی . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا <و ما یؤمن اکثرهم بالله إلا و هم مشرکون> روایت شده است: مقصود کسی است که می گوید: اگر فلانی نبود، هلاک می شدم و اگر فلانی نبود، بر سر من چنین و چنان می آمد و اگر فلانی نبود، اهل و عیال من از بین رفته بودند . . . <.

۱۱ > عن یعقوب بن شعیب قال : سألت أبا عبد الله (ع) < وما یؤمن اکثرهم بالله إلا و هم مشرکون > قال : كانوا یقولون : نمطر بنوء کذا و بنوء کذا و منها انهم كانوا یأتون الکهّان فیصدّقونهم فیما یقولون ;

یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خدا: <و ما یؤمن اکثرهم بالله إلا و هم مشرکون> سؤال کردم حضرت فرمود: آنان می گفتند: باران بر ما می بارد به خاطر فلان حالت فلان ستاره و فلان ستاره و دیگر آن که آنان به نزد کاهنان می آمدند و سخن آنان را می پذیرفتند.<

مرگ رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۴ - ۵

۵- پیشگویی قرآن از پیروزی اسلام و مرگ سران شرک و کفر، قبل از وفات پیامبر (ص)

أفاین متّ فهم الخلدون

همزه در <أفاین> استفهام انکاری و متضمن معنای نفی است. بنابراین پیام اصلی آیه چنین می شود: نه چنین است که او (پیامبر(ص)) <بمیرد و شما زنده باشید و به مدت طولانی بمانید؛ بلکه حقیقت عکس این است، او می ماند و شما ای سران کفر پیش از او خواهید مرد.

مسئولیت پذیری

در حکومت شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷۸

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

۸ تصدی مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک ، امری جایز و رواست .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

مسیحیت و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۹

۹ - یهود و نصارا ، آیین خویش را به شرک آمیخته و آلوده ساختند .

بل مله إبرهیم حنیفاً و ما کان من المشرکین

تأیید آیین ابراهیم با توصیف آن حضرت به دوری از گمراهی و شرک، پس از نفی آیین یهود و نصارا، اشاره به این دارد که یهود و نصارا آیین خویش را به گمراهیها آلوده و به شرک آمیخته بودند.

مشرکان و انکار شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۱،۳

۱ مشرکان در قیامت برای شرک خویش چاره ای جز انکار آن ندارند.

ثم لم تکن فتنهم إلا أن قالوا و الله ربنا ما كنا مشرکین

از جمله معانی فتنه، اعتذار است که در این آیه به معنی راهی برای گریز و نجات است.

۳ سوگند دروغ مشرکان در قیامت بر مشرک نبودنشان در دنیا

و الله ربنا ما كنا مشركين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۱،۵

۱ مشرکان در قیامت به دروغ منکر شرک ورزی خویش در دنیا می شوند.

و الله ربنا ما كنا مشركين. انظر كيف كذبوا على

۵ مشرکان، علی رغم اصرار بر شرک خویش در دنیا، در آخرت به شدت آنان را انکار می کنند.

قالوا و اللّٰه ربنا ما كنا مشركين . . . و ضل عنهم ما كانوا يفترون

مفاد جمله <ما كانوا يفترون> ماضی استمراری است که دلالت بر تداوم و اصرار مشرکان بر عقاید خویش در دنیا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۷

۷ مشرکان در مرحله ای از قیامت منکر شرک خویش و در مرحله ای معترف به آن می شوند.

و اللّٰه ربنا ما كنا مشركين . . . فقالوا يلبتنا نرد و لا نكذب بأيت ربنا و نكون من

برداشت فوق از ارتباط آیه ۲۳ و ۲۷ به دست می آید که مشرکان در آنجا مشرک بودن خودشان را منکر شدند، ولی در اینجا اعتراف کردند که آیات را تکذیب می کردند و مؤمن نبودند.

مشرکان و توجیه شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۵

۵ تلاش مشرکان در قیامت برای توجیه شرک خویش و گریز از پیامدهای آن

و اللّٰه ربنا ما كنا مشركين

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مشرکان این جمله را به دروغ به قصد نفی شرک خویش نگفته باشند، بلکه مقصودشان توجیه باشد که هدف ما حق بوده و بتها را مظهر حق می دانستیم، نه شریک خدا

مشرکان و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۷ - ۲۱

۲۱ شرک در پندار مشرکان، ایمان و باوری راستین و توحید و یکتا

پرستی، کفرورزی و انکار حقیقت است.

و شهدوا علی أنفسهم أنهم كانوا کفرین

معبودان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱۱، ۱۷، ۱۸

۱۱ معبود های اهل شرک ، عاری از هر گونه نشانه ای بر شریک بودنشان با خداوند

بما اشركوا بالله ما لم ينزل به سلطاناً

۱۷ معبود های اهل شرک ، عاری از هر گونه قدرت و سلطنت *

بما اشركوا بالله ما لم ينزل به سلطاناً

بنابر اینکه <سلطان>، به معنای قدرت و سلطنت باشد.

۱۸ نبودن قدرت و سلطنت در معبود های اهل شرک ، دلیل و نشانه عدم قابلیت آنان در شریک بودن با خداوند *

بما اشركوا بالله ما لم ينزل به سلطاناً

جمله <ما لم ينزل> دلیل بر صلاحیت نداشتن معبودهای اهل شرک برای شریک بودن با خداوند است. یعنی چون معبودهای غیر خدایی هیچ قدرت و سلطنتی ندارند، هرگز نمی توانند شریک خدا باشند.

معرضان از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱۳

۱۳ رحمت خاص الهی تنها از آن تقوایندگان (پرهیزکنندگان از شرک و ...) و پرداخت کنندگان زکات است .

فسأکتبها للذین یتقون و یؤتون الزکوه

متعلق <یتقون> تخلف از فرمانهای خداوند است و مصداق مورد نظر آن، با توجه به آیات گذشته که درباره گرایشهای شرک آلود بنی اسرائیل بود، شرکورزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۶ - ۴

۴- اصحاب كهف ، برای حفظ ایمان خویش ، ناگزیر به کنارگیری از جامعه شرك آلود شدند .

و

إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلا الله فأووا إلى الكهف

با توجه به <و ما يعبدون إلا الله> معلوم می گردد که اعتزال اصحاب کهف، برای حفظ عقیده و آرمان بوده است.

ممانعت از شرک ستیزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۹

۹ - مشرکان ، پیامبر اسلام را از مبارزه با معبودهایشان برحذر داشته و از قهر آنان می ترساندند .

و يخوفونك بالذين من دونه

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که مقصود از <الذين من دونه> معبودهای مشرکان باشد؛ چنان که بسیاری مفسران گفته اند: بت پرستان مکه پیامبر(ص) را از خشم و غضب بت ها برحذر می داشتند.

ممنوعیت شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۱ - ۱

۱ - ممنوع بودن شرک و معبود گرفتن غیر خدا

و لاتجعلوا مع الله إلهًا آخر

منازعه رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۱

۱ سران کفر و شرک و پیروانشان پس از ورود به جهنم به مجادله و کشمکش خواهند پرداخت.

قالت أخرجهم لأولیهم . . . و قالت ألیهم لأخرجهم فما كان

منشأ شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۹

۹ شریک دانستن برای خداوند، مولود اندیشه سست مشرکان و ساخته و پرداخته خود آنان

این شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

<زعم> به اندیشه و گفتاری اطلاق می شود که اساس صحیحی نداشته و بر پایه پندار و گمان باشد. <راغب> می گوید:

<الزعم حکایه

قول يكون مظنه للكذب >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۷ - ۱،۴

۱ اگر مشیت الهی بر مشرک نبودن آدمیان تعلق می گرفت، هیچکس به شرک گرایش نمی یافت.

و لو شاء الله ما أشركوا

۴ گرایش به توحید و یا شرک آدمیان وابسته به مشیت الهی و در قلمرو آن است.

و لو شاء الله ما أشركوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۵

۵ شرک، عقیده ای برخاسته از پندار و اوهام مشرکان است.

فقالوا هذا لله بزعمهم و هذا لشركائنا فما كان لشركائهم

منتسب کردن <شركاء> به مشرکان و نه به خداوند، گویا اشاره بدین نکته باشد که آنچه را آنان شریک خدا می پندارند به ساخته های ذهنی آنان مربوط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲۱

۲۱ شرک و بت پرستی، برخاسته از غفلت و بی توجهی انسان نسبت به ربوبیت مطلق و بی همتای خدا بر کران تا کران هستی است.

الذی خلق السموت و الأرض .. . ذلكم الله ربكم فاعبدوه أفلا تذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۴

۴ شرکورزی و اعتقاد به معبودهایی غیر از خدای یکتا، زاییده پندار و توهم آدمیان است.

إِلَّا أَسْمَاءَ سَمِيْتُمُوهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ شریک برای خدا پنداشتن و پرستش معبود های دروغین ، مرامی نشأت گرفته از مکر

بل زین للذین کفروا مکرهم

نامیدن و توصیف کردن شرک‌ورزی به مکر و حيله اشاره به این نکته دارد که: ریشه شرک و پرستش غیر خدا، مکر و حيله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۹

۹- جهل و ناآگاهی، ریشه اصلی گرایش به کفر، شرک و تکذیب پیامبر (ص)

قالوا إنما أنت مفر بل أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۲

۲- عقیده به وجود نقص و کاستی در خداوند و شرک، برخاسته از جهل و نادانی است.

إن الذین أوتوا العلم .. یقولون سبحن ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۴ - ۱

۱ - شرک، اندیشه ای است برخاسته از عدم شناخت درست خدا.

ما قدروا الله حق قدره

<قدر> (مصدر <قدروا>) به معنای اندازه گرفتن است. ضمیر فاعل در <قدروا>، به مشرکان بازمی‌گردد و <حق قدره> مفعول مطلق برای <قدروا> می‌باشد؛ یعنی، آنان که تدبیر امور جهان و از جمله انسان را در اختیار خدایان دیگری می‌پندارند، خدا را آن گونه که هست نشناخته و گمان می‌کردند که خدا به تنهایی نمی‌تواند همه هستی را اداره کند. ندانستید که خدا، نیرومند و شکست‌ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - شرک و رزی ، پدیده ای برخاسته از غفلت و جهل انسان ، نسبت به تعلق و

وابستگی همه جانبه او و پدیده های پیرامونش به خداوند

قل لمن الأرض ... إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۸ - ۵

۵ - شرک و رزی ، برخاسته از جهل انسان و عدم شناخت او نسبت به ماهیت سراسر نیاز جهان هستی به خداوند

قل من بیده ... إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۳ - ۲

۲ هواپرستی ، منشأ گرایش مشرکان به شرک و بت پرستی است .

أرءیت من اتخذ إلهه هویه

جمله <أرءیت من اتخذ إلهه هویه> استینافیه بیانیه است و در مقام بیان منشأ و علت گرایش مشرکان به معبودهای متعدد و مقاومت آنان بر این عقیده باطل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ - شرک ، پنداری دروغین و ساخته ذهن شرکورزان است .

و ضلّ عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۵ - ۴

۴ - شرک ، برخاسته از هواپرستی است و نه باوری منطقی .

بل اتّبع الذین ظلموا أهواءهم بغير علم .. أم أنزلنا علیهم سلطاناً

<أم> استفهام، باید بین دو جمله استفهامی قرار بگیرد. در این که استفهام قبلی آن چیست؟ احتمال دارد، فراز <بل أتبع الذین...> باشد. بنابراین، معنا چنین می شود: <آیا آنان، جاهلانه، تابع هواهای خودند و یا بر عقیده خود دلیلی دارند؟. دلیلی که ندارند، پس تابع هوای نفس اند.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۷ - ۲

۲ - شرک و بت پرستی ، ناشی از درک نادرست از ربوبیت خدا بر جهان هستی است .

أَفْكَاءَ إلهه دون الله تريدون . فما ظنكم برب العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۲۰

۲۰ - شرک و کفر ، مولود جهل و ناآگاهی است .

بل أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ - شرک در طول تاریخ ، دارای ریشه در مادیت و قوم گرایی

إلا قال مترفوها إنا وجدنا آباءنا على أمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۴۸

۴ - شرک و بت پرستی ، برخاسته از خیال پردازی و موهوم گرایی بشر و فاقد هر گونه پشتوانه منطقی

سمّيتموها أنتم و آباؤكم ما أنزل الله بها من سلطان

از تأکید خداوند بر این که بت ها، جز نام های ساخته و پرداخته بشر، چیزی نیستند می توان به دست آورد که خیال پردازی و موهوم گرایی انسان، او را به وادی شرک کشانیده است.

۸ - شرک و باور های خرافی مشرکان ، برخاسته از هوا و هوس و اغراض آلوده آنان

إن يتبعون إلا الظن و ما تهوى الأنفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۲

۲ - آیین شرک ، منشأ بشری دارد ؛ نه الهی .

أم عندهم الغیب فهم یکتبون

منشأ شرک ستیزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- طرد شرک از سوی مؤمنان و گرایش آنان به پرستش خدای یگانه ، مرهون هدایت و راهنمایی خداوند

و هدوا إلى صراط الحمید

منشأ شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۶ - ۴

۴ شرک و پرستش غیر خدا، پنداری مبتنی بر هوا و هوس و تمایلات نفسانی است.

الذین تدعون من دون الله قل لا أتبع أهواءکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ مشرکان به پندار فرمان خدا بر پرستش معبود های خویش ، آنها را عبادت می کنند . *

أمر ألا تعبدوا إلا إياه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۲

۲ - شرک و عبادت غیر خدا ، اندیشه ای برخاسته از عدم شناخت درست خدا است .

و ما قدروا الله حقَّ قدره

منشأ شکست شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۲ - ۳

۳ - خداوند در صدد مایوس کردن مشرکان ، از پیشرفت و نفوذ آیینشان

ما أنتم علیه بفتنین

اخبار خداوند به ناتوانی مشرکان که به صورت روشن و قاطع بیان گردیده است می تواند برای ایجاد یأس و ناامیدی در میان آنان از هرگونه پیشرفت و نفوذ در میان مردم باشد.

منشأ مخالفت رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۴

۴ - رویارویی سران شرک با پیامبر اسلام (ص) ، برخاسته از حسادت و

خوی جاه طلبی آنان بود .

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <بیننا> خود سران کفر و شرک باشد. بر این اساس اعتراض آنان به انتخاب پیامبر اسلام (ص) از میان آنها، می تواند ناشی از جاه طلبی و حسادت آنان به آن حضرت باشد.

موارد شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۶

۶ - پیروی از قدرت های باطل در مقابل فرمان های خدا شرک است . *

و من الناس من يتخذ من دون الله أنداداً يحبونهم .. إذ تبرأ الذين اتبعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۰ - ۶

۶ ناسازگاری تسلیم در برابر خدا ، با کفر (اعتقاد به ربوبیت غیر خدا)

ايأمرکم بالكفر بعد اذ انتم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۲

۲ کفر به قرآن به مثابه شرک به خداوند است .

امنوا بما نزلنا .. ان الله لا يغفر ان يشرك به

جمله <ان الله .. > تهدیدی برای کافران به قرآن است. بنابراین کفر به قرآن باید مصداقی از شرک به خدا باشد و یا به منزله شرک به او.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۷

۷ خوشحالی به خاطر شرکت نجستن در جنگ به همراهی رسول خدا و مصون ماندن از پیامدهای مصیبت بار آن ، شرک است .

فان اصابکم مصیبه قال قد انعم الله

علیٰ اذ لم اکن معهم شهیداً

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: ... ولو ان اهل السماء و الارض قالوا قد انعم الله علیٰ اذ لم اکن مع رسول الله (ص) لکانوت بذلک مشرکین ...

مراد از شرک خروج از اسلام نیست بلکه پیروی از شیطان است کما اینکه روایاتی در اصول کافی بیانگر این مطالب است.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۱۹۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۶، ح ۳۹۸؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۲، ۳ و ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۶

۶ دشمنی و مخالفت با رسول خدا (ص) و شکستن وحدت جامعه ایمانی، شرک است.

و من یشاقق الرسول .. إن الله لا یغفر ان یشرک به

اگر جمله <ان الله لا یغفر ..> بیانگر علت <نصله جهنم> باشد، اشاره به این معنا خواهد داشت که مخالفت و دشمنی با رسول خدا(ص) و برهم زدن وحدت جامعه ایمانی، نوعی شرک به خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۳۲

۳۲ اعتقاد به تثلیث، شرک است.

و لاتقولوا ثلثة .. انما الله اله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۸

۸ اعتقاد به تثلیث علی رغم آگاهی به شرک آمیز بودن آن، موجب عذاب دردناک در قیامت

ان لم ینتهوا عما یقولون لیمنن الذین کفروا منهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۵ پذیرش ولایت غیر خدا، شرک است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا .. و لا تكونن من المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۳۰

۳۰ عن الحسين بن خالد عن الرضا(ع): .. فقلت له: یا بن رسول الله ان قوما یقولون لم یزل الله عالما بعلم و قادرا بقدره و حیاً بحیاه و قدیما بقدم و سمیعا بسمع و بصیرا ببصر فقال: من قال ذلك و دان به فقد اتخذ مع الله آلهه أخرى ...

حسین بن خالد گوید: .. به امام رضا(ع) عرض کردم ای فرزند رسول خدا(ص) گروهی می گویند: خداوند به وسیله علم (زاید بر ذات)، عالم و به وسیله قدرت (زاید بر ذات)، قادر و به وسیله حیات (زاید بر ذات)، زنده و به وسیله قدمت (زاید بر ذات)، قدیم و به وسیله شنوایی (زاید بر ذات)، شنوا و به وسیله بینایی (زاید بر ذات)، بیناست. آن حضرت فرمود: کسی که این را بگوید و به آن ملتزم شود همانا معبودهایی را با خدا انباز گرفته است ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۱

۱ ستاره پرستی از آیینهای رایج در بین مردم زمان ابراهیم

راء کوكبا قال هذا ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۷ - ۱

۱ ماه پرستی، از آیینهای رایج زمان حضرت ابراهیم(ع)

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۱۴، ۱۶

۱۴ اطاعت از شیطان و اولیای آن، شرک است.

و إن أطمعتموهم إنکم لمشركون

۱۶ پیروی از غیر خداوند در برابر تشریح او نوعی شرک است.

و إن أطمعتموهم إنکم لمشركون

مورد آیه اطاعت از مشرکان و شیاطین در مورد احکام ذبیحه است، ولی ظاهراً خصوصیتی در این مورد نیست و لذا این مسأله در همه موارد مشابه جاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۹

۹ غیر خدا را شایسته تشریح احکام و محرمان پنداشتن، شرک ورزی است. *

ما حرم ربکم علیکم ألا تشرکوا به شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ اطاعت از رهبران دینی، در آنچه بیرون از فرمان و رضایت خدا باشد، شرک است.

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون الله . . . سبحنه عما یشركون

خداوند اهل کتاب را به خاطر اینکه رهبران دینی خود را به جای خدا <رب> قرار می دادند و از آنان اطاعت می کردند، محکوم کرده و آنان را مشرک خوانده است. بنابراین رب قرار دادن رهبران دینی و اطاعت از آنان به جای اطاعت از فرمانهای

الهی، شرک خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۲

۲۲ پذیرش سرپرستی و ولایت غیر خدا

شرك است .

أفأخذتم من دونه أولياء .. أم جعلوا لله شركاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۹

۱۹- پیروی از شیطان نوعی شرک است .

و قال الشیطن .. دعوتکم فاستجبتم لی ... بما أشرکتون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از شرک، به قرینه اینکه شیطان مدعی است آنان دعوت او را اجابت کرده اند، شرک در اطاعت باشد، نه شرک در الوهیت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۵

۵- پذیرش ولایت شیطان و پیروی از او ، شرک به خداوند است .

الذین یتولّونه .. هم به مشرکون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <باء> در <به> برای سببیت باشد و ضمیر آن به <قبول و پذیرش> که در معنای <یتولّونه> (از او فرمان می برند) اشراب شده است برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۰ - ۹

۹- اعتقاد به وجود فرزند برای خداوند ، نوعی شرک است .

و لاتجعل مع الله إلهًا اخر .. أفأصفکم ربکم بالبنین و اتّخذ من الملائکه إن

طرح اعتقاد واهی مشرکان مبنی بر فرزند داشتن خداوند، پس از نهی از شرک، می تواند برای بیان مصداقی از موارد شرک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- اعتقاد به وجود فرزند، شریک و حمایتگر برای خدا، اعتقادی شرک آلود و موجب تنقیص او

لم يتخذ ولداً.. و لم يكن له وليّ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۸ - ۹

۹- اَتكای به دیگران ، دنیاپرستی ، و بنا نهادن بینش و منش براساس آن ، شرک است .

أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً .. لكننا هو الله ربّي و لأشرك برّبی أحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۲ - ۱۱

۱۱- اَتكا به غیر خدا ، شرک و دارای فرجامی ندامت بار است .

أكثر منك مالاً .. يليتني لم أشرك برّبی أحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۲۱

۲۱ - > قال رسول الله (ص) خطيباً . فقال : يا أيها الناس عدلت شهادة الزور إشراكاً بالله ثلاثاً ، ثم قرأ : > فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور < ;

رسول خدا(ص) ضمن خطبه ای سه دفعه فرمود: ای مردم! شهادت زور (دروغ)، معادل شرک به خدا است. سپس آیه >فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور< را قرائت فرمود.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۸

۸ - اعتقاد به صلاحیت غیر خدا برای قانون گذاری ، اعتقادی شرک آلود و ناسازگار با توحید ربوبی است .

و ربّك يخلق .. سبحن الله و تعلى عما يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۲

۲ - نیایش به درگاه غیر خدا شرک است .

و لاتدع مع الله إلهًا آخر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- فاطر - ۳۵ - ۴۰ - ۴

۴ - عقیده به شریک بودن غیر خدا با او در خلق و تدبیر عالم ، شرک است .

قل أراءيتم شركاءكم الذين تدعون من دون الله أروني ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۴

۴ - اطاعت از غیر خدا و عبادت غیر او ، شرک و ممنوع است .

ألا لله الدين الخالص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۳

۳ - عبادت طاغوت و اطاعت از سردمداران گمراهی ، شرک است .

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه در توصیف مؤمنانی است که در برابر مشرکان قرار داشته و در عقیده مخالف آنان می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۵

۵ - منتسب کردن نعمت ها و امداد های الهی به غیر خداوند ، حرکتی شرک آلود است .

و ضلّ عنهم ما كانوا يدعون .. و لئن أذقنه ... ليقولنّ هذا لی

با توجه به این که آیه قبل درباره حرکت ها و فرجام مشرکان بود، ارتباط این آیه با آیه قبل می تواند از آن جهت باشد که انتساب نعمت های الهی به غیر او، نمودی از شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۵

۵- بدعت در دین و تشریح قوانین خارج از اذن خدا ، شرک به او

است .

أَمْ لَهُمْ شُرَكَوَا شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۸ - ۵

۵ - سجده و عبادت برای غیر خدا ، شرک و حرام است .

وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا

موانع شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۹

۹ برخی از معتقدان به تثلیث به خاطر ناآگاهی از شرک آمیز بودن آن ، نه کافرند و نه مشرک .

لِيَمْسَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابَ الْإِيمَانِ

ظاهراً ضمیر در <منهم> به معتقدان به تثلیث بازگشت می کند. بر این مبنا قائلان به تثلیث به دلیل کلمه <منهم> به دو دسته تقسیم می شوند: کافر و غیر کافر و می توان گفت منشأ این تفاوت علم و آگاهی آنان نسبت به معنای تثلیث و جهل به آن است ؛ یعنی آنانکه نمی دانند اعتقاد به تثلیث با توحید در الوهیت ناسازگار است، محکوم به کفر نیستند و به عذاب دردناک گرفتار نمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱۱

۱۱ مطالعه در آفرینش انسان و مرگ و حیات وی، زداینده تردید در یگانگی خداوند

هو الذي خلقكم من طين ثم قضى أجلا .. ثم أنتم تموتون

از جمله <ثم أنتم تموتون>، که بیان استبعاد هر گونه تردید در یگانگی خداوند پس از توجه به مضامین صدر آیه است، چنین برمی آید که بعد از این توجه، علی القاعده نباید تردیدی در توحید و اعتقاد بدان وجود داشته باشد.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵ - ۶

۶ ترس از عذاب قیامت، مانع از شرک و پذیرش ولایت غیر خدا

أغیر الله أتخذ ولیا .. إنی أخاف إن عصیت ربی عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۷

۷ تفکر در چگونگی شکافته شدن دانه ها و هسته ها و رویش گیاهان و پیدایش مرگ و حیات، زمینه راهیابی به توحید و پرهیز از شرک است.

إن الله فالحی الحب و النوی .. ذلکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۱

۱ وجود نشئه شهود و آگاه شدن آدمی به ربوبیت و وحدانیت خدا در آن نشئه ، از میان برنده هر گونه عذر و بهانه ای برای روی آوری به شرک

و أشهدهم علی أنفسهم .. أو تقولوا إنما أشرك ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱۰

۱۰ توجه به عظمت و والایی خداوند بازدارنده انسان از توهم شریک برای اوست .

فتعلی الله عما یشرکون

با توجه به توضیح برداشت قبل، از جمله <فتعالی .. > این نکته به دست می آید که شریک برای خدا پنداشتن برخاسته از نشناختن عظمت و والایی اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ توجه به اینکه خداوند هیچ شریکی برای خویش سراغ ندارد ، آدمی را به توحید و نفی شرک گرایش

می دهد .

أَمْ تَتَّبِعُونَ مَا لَا يُعْلَمُ فِي الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۷

۷- اعتقاد به مرام ابراهیمی (ع) ، ناسازگار با هرگونه شرک به خدا

مَلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که عبارت <ما كان من المشركين> تعریضی باشد به مشرکان مکه که از یک سو به حضرت ابراهیم(ع)، بنیان گذار کعبه، ارج می نهادند، ولی از سوی دیگر شرک میورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۱۳

۱۳- باور به معاد ، حتی در حد گمان و امید ، اهرمی کارآمد در گرایش به عمل صالح و به دور از شرک و ریا است .

فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۵ - ۲

۲ - گرایش به شرک در عین اعتقاد به تعلق انسان و پدیده های پیرامون او به خداوند ، دو امر ناهمخوان و ناسازگار

قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا .. سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۹ - ۲

۲ - اذعان به فرمان روایی خدا بر سراسر هستی و گرایش به شرک ، دو امر ناهمخوان و ناسازگار

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَتَابِعُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ . سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۴ -

۷- توجه به حکمت و علم گسترده خدا، مستلزم بی نیاز شمردن او از شریک و مشاور

و هو الذی فی السماء إله و فی الأرض إله و هو الحکیم العلیم

تذکر به حکمت و علم گسترده خدا، در پایان جمله ای که نفی کننده شرک و اثبات کننده توحید است، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

موانع شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۳

۳ باور و توجه انسان ها به اینکه < رجوعشان تنها به سوی خداست > آنان را از پرستش غیر او ترسان و به یکتاپرستی وامی دارد.

فإنی أخاف علیکم عذاب یوم کبیر. إلی الله مرجعکم

جمله <إلی الله مرجعکم> به منزله تعلیلی است برای <و إن تولّوا فإنی أخاف...> یعنی، علت نگرانی پیامبر برای مشرکان، این است که آنان به خدا باز می گردند و به خاطر شرکشان عذاب می شوند. بنابراین هر کس این حقیقت را بپذیرد که بازگشت او تنها به خداست، هرگز به غیر او نمی گردد و به شرک روی نمی آورد.

موجبات شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۴ - ۶

۶ - حمایت و یاری شدن، انگیزه و دلیل مشرکان و بت پرستان، برای روی آوردن به آیین شرک و بت پرستی

و اتّخذوا من دون الله ءالهه لعلّهم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که <لعلّ> در آیه شریفه برای تعلیل باشد.

موحدان و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۲ بیشتر موحدان توحید را به گونه ای با شرک درمی آمیزند .

و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون

موسی (ع) و شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۱

۱ موسی (ع) با انکار شایستگی غیر خدا برای پرستش ، از گرایش قومش به بت پرستی شگفت زده شد .

قال أغير الله أبغیکم إلهاً

همزه در <أغير الله> برای انکار و تعجب و <کم> به تقدیر لام است. <إلهاً> مفعول برای <أبغی> و <غير الله> صفت و یا حال برای <إلهاً> است. یعنی: <أبغی لکم إلهاً غیر الله>

مؤاخذه شرک افعالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۱۶

۱۶- نقش استقلالی قائل شدن به ابزار و عوامل ، افتراپی است که مؤاخذه در پی دارد .

و يجعلون لما لا يعلمون نصیباً .. تالله لتسئلن عما کنتم تفترون

مؤمنان و شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱

۱۱ خداوند ، پیامبر (ص) و مؤمنان را از گرایش به شرک و انحراف از پرستش خدا برحذر داشت .

و لاتطغوا

<طغیان> (مصدر لاتطغوا) به معنای تجاوز کردن از حد است. مصداق مورد نظر برای طغیان به قرینه آیات پیشین که درباره شرک و توحید بود انحراف از توحید و گرایش به شرک است.

نابودی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۲

۲ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر زیربنای

گسترش توحید و نابودی شرک در سراسر جهان

یرید الله أن يحق الحق .. ليحق الحق و يبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <ليحق الحق> متعلق به <یرید الله أن يحق الحق> در آیه قبل باشد. بر این مبنا می توان گفت مراد از <الحق> در آیه قبل خصوص پیروزی موعود در پیکار بدر است، و مقصود از <الحق> در آیه مورد بحث مطلق حق. بنابراین <یرید الله أن يحق الحق ...> چنین معنا می شود: خداوند با تقدیر پیروزی در جنگ بدر خواست حق را همواره به منصفه ظهور رساند و در سراسر جهان استوار سازد.

ناپایداری شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱ - ۱۶ - ۹

۹- بی بنیادی و حقیقت نداشتن شرک ، مایه اضمحلال و ناپایداری آن است .

أتى أمر الله .. سبحانه و تعالى عما يشركون

ناپسندی اظهار شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱۱

۱۱ شعيب (ع) اظهار کفر

و شرک را امری نامشروع و ناروا برای خویش و همگامانش دانست .

و ما یكون لنا أن نعود فيها إلا أن یشاء الله ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از عدم امکان که از جمله <ما یكون لنا .. > به دست می آید، عدم امکان تشریحی باشد.

ناپسندی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۸ - ۲

۲- شرک به خدا ، پرخاش به والدین ، تبذیر ، فرزندکشی ، زنا ، قتل ناحق ، خوردن مال یتیم ، پیروی از راهی که پشتوانه علمی ندارد و مغرورانه راه رفتن ، اعمال ناپسند و منفور خداوند

کلّ ذلک کان سیئه عند ربّک مکروهاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۱

۱۱- با وجود تسبیح و ثناگویی تمامی موجودات آفرینش برای خداوند ، شرک به او و تنقیصش ، کاری ناروا و غیر منطقی است .

أفأصفاکم ربّکم بالبنین .. تسبیح له السموت السبع و الأرض

ذکر <تسبیح له السماوات و الأرض> پس از <أفأصفاکم ربّکم بالبنین و اتّخذ من الملائکه إناثاً> به این معناست که: وقتی تمامی موجودات تسبیح گوی خداوندند، شریک گرفتن برای او عملی ناشایست است.

ناپسندی شرک افعالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۱ - ۶

۶ پندار شریک برای خدا در تدبیر امور انسان و جهان ، پنداری نارواست و باورداران آن سزاوار سرزنش هستند .

أشركون ما لا يخلق شيئا و هم يخلقون

استفهام در <أشركون> انكار توييخي است. يعني استفهامي است كه به انگيزه

سرزنش ایراد شده است.

ناپسندی شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۷

۷ شرکوری و پرستش غیر خدا ، کرداری ناشایسته و مایه محرومیت از ولایت و حمایت های خداوند است .

و هو يتولى الصالحين

مصدق مورد نظر برای صلاح و صالحان، به قرینه آیات گذشته، توحید و مؤمنان موحد است و در مقابل آن شرک و مشرکان خواهد بود. بنابراین مفهوم جمله <و هو ... > عدم حمایت خداوند از مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۸ - ۸

۸ ناتوانی معبودان اهل شرک از اجابت درخواست ها ، شنیدن سخنان و دیدن اشیا ، دلیل بطلان شرک و ناروایی پرستش غیر خدا

و إن تدعوهم إلى الهدى لایسمعوا .. و هم لایبصرون

ناپسندی شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - رویکرد افراد رهیده از سختی ها و ناملايمات به شرک ، به رغم توجه شان به خداوند ، به هنگام ابتلا ، امری غیر منتظره و ناشایست است .

ثم إذا أذاهم منه رحمه إذا فریق منهم برّهم یشرکون

<إذا> در عبارت <إذا فریق.. > فجایه است. کاربرد آن، در جایی است که حادثه ای به صورت غیرمنتظره رخ بدهد. تکرار <رّبهم> با این بیان که ذکر <رّبهم> اشعار به این نکته دارد که آنان به رغم این که خداوند، پروردگارشان است، چنان کردند، مؤید این مطلب است.

ناپسندی مظاهر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۲

۲ شراب خواری ، قمار بازی ، گرایش به مظاهر شرک و تفأل های مرسوم در جاهلیت ، کرداری شیطانی است

انما الخمر .. من عمل الشیطن

ناهماهنگی توحید با شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۴

۴ - توحید و شرک ، آشتی ناپذیر و ناسازگاری آن دو باهم ، جاودانه است .

لکم دینکم و لی دین

مفاد سوره مبارکه به ویژه این آیه ممکن است این باشد که شما از دین خود حمایت کنید و من از دین خود. نه من سر سازگاری با شما دارم و نه شما با من کنار خواهید آمد.

ناهماهنگی هوشیاری با شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۵

۵- متذکر بودن و هوشمندی ، عامل گرایش به توحید و ناسازگار با شرک است .

أفمن یخلق کمن لایخلق أفلاتندکرون

نجات از زیان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱۰

۱۰ شمول رحمت خدا و آمرزش او تنها راه نجات از زیان گناه و گرایش های شرک آلود است .

لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا لنكونن من الخسرین

نجات از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۴،۵

۴ خداوند نجاتبخش شعیب (ع) و همگامانش از گرایش به شرک

بعد إذ نجنا الله منها

۵ مشرکان در اسارت اوهام شرک آلود ، و موحدان رهیده

از آن

بعد إذ نجنا الله منها

به کارگیری واژه <نجات> (نجینا الله)، برای دست کشیدن از آیینی و روی آوری به آیینی دیگر، اشاره به این دارد که آیین نخست مایه اسارت و گرفتاری بوده و آیین جدید فرحبخش و باعث آزادی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱۱

۱۱- اصحاب کهف ، تمامی راه های گریز از شرک را در صورت پذیرش اجباری آیین مشرکان برخویش بسته می دیدند .

او یعیدوکم فی ملتهم و لن تفلحوا إذا أبدا

مراد از <فلاح> به مناسبت مورد رستن و رهایی از شرک است.

نجات رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۳

۳ پیروان شرک و کفر برای رهایی از عذاب مضاعف هیچ مزیتی بر سران خویش ندارند.

فما کان لکم علینا من فضل

نشانه های شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۱۲

۱۲- وجود نشانه های شرک در هر متن ، دلیل آسمانی نبودن آن

ائتونی بکتب من قبل هذا

از اظهار قاطع قرآن، به این که کتاب های آسمانی به دور از تبلیغ شرک است، این نتیجه به دست می آید که هرگاه اثری از شرک در کتابی دیده شد، باید اذعان داشت که دست تحریف گران در آن راه یافته است.

نفي شرك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - آل عمران - ٣ - ٦٢ - ٣٤٤

٣ نفي الوهيت غير خدا

و ما من اله الا الله

٤ نفي الوهيت

انّ مثل عیسی عند الله كمثل ادم خلقه من تراب . . . و ما من اله الا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۴ - ۱۳، ۷، ۳، ۲، ۱

۱ نفی پرستش غیر خدا، نفی شرک و عدم پذیرش حاکمیت غیر خداوند، وجه اشتراک ادیان الهی

یا اهل الكتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک ب

۲ دعوت پیامبر (ص) از اهل کتاب به توحید در عبادت، نفی شرک و عدم پذیرش حاکمیت غیر خداوند

یا اهل الكتاب تعالوا . . . و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله

۳ توحید عبادی، نفی شرک و ردّ حاکمیت غیر خداوند، گفتاری عادلانه و منصفانه

تعالوا الی کلمه سواء بیننا . . . و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله

<سواء>، به معنی <عدل> است.

۷ نفی الوهیت حضرت مسیح (ع)

و لا نشرک به شیئاً

جمله <و لا نشرک . . .>، تعریض به مسیحیان است.

۱۳ بندگی خدا، نفی شرک و طرد حاکمیت غیر خداوند، از ویژگی های مسلمانان

فقولوا شهدوا بانا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۰ - ۲

۲ اعتقاد به ربوبیت انبیا و فرشتگان، ناسازگار با هدف پیامبران

و لا یامرکم ان تتخذوا الملئکه و النّبیین ارباباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۲۱

۲۱ هشدار خداوند به مسلمانان در مورد خطر گرایششان به شرک با خدا پنداشتن

ما المسيح ابن مریم الا رسول .. انظر انی یؤفکون

با توجه به اینکه تک تک مسلمانان باید با دقت سرنوشت نابهنجار و شرک آلود بنی اسرائیل را مد نظر داشته باشند، معلوم می شود، چنین خطری (گرایش به شرک با خدا پنداشتن پیامبران)، در کمین مسلمانان نیز هست و هدف از این فرمان (انظر) پیشگیری از گرفتار شدن به این وضعیت نارواست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۸،۱۱

۸ عیسی (ع) خود معتقد و معترف به تنزیه خداوند از داشتن هرگونه شریکی شایسته الوهیت و پرستش

قال سبحانه

۱۱ پیامبران الهی منزّه از دعوت به پرستش خود و خدا خواندن خویش

ما یکون لی ان اقول ما لیس لی بحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۷ - ۱۰

۱۰ عیسی (ع) به هنگام حضور در میان امت خویش بازدارنده آنان از گرایش به شرک بود .

و کنت علیهم شهیداً مادمت فیهم

کلمه <شهیداً> به قرینه کلمه <رقیب> در فراز بعد می تواند علاوه بر گواهی عیسی (ع) بر امت خویش، حاکی از مراقبت وی برای راه نیافتن انحراف در عقاید آنان نیز باشد.

نفی شرک از ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۵ - ۶

۶ ابراهیم (ع) ، هیچگاه مشرک نبوده است .

و ما كان من المشركين

نفى شرك از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۴

۱ - عبادت معبود های مشرکان ، در شأن پیامبر (ص) نبوده و آن حضرت هرگز به آن تن نمی داد .

و لا أنا عابد ما عبدتم

تعبیر <ولا أنا عابد> و نیز <ولا أنتم عابدون> (در آیه بعد) بیانگر اهلیت و شأنت است. مفاد دو آیه این است که: نه من اهل آن عبادتم و نه شما اهل این عبادتید. وجود اسم فاعل در این آیه و فعل مضارع و <لا>ی نافیه در آیه دوم که مفادی نظیر این آیه داشت بیانگر تفاوت زمان مورد نظر از آنها است؛ یعنی، <لا أعبد> نظر به مستقبل و <لا أنا عابد> نظر به زمان حال دارد. در نتیجه مشرکان، باید از حال و آینده پیامبر(ص) قطع امید کنند.

نفی شرک ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۳ - ۱،۲

۱ خداوند حقیقتی منزله از داشتن شریک در ربوبیت بر هستی

رب العلمین. لا شریک له

۲ نبودن شریک برای خدا در ربوبیت، دلیل لزوم اخلاص در پرستش او

إن صلاتی و نسکی .. لله رب العلمین. لا شریک له

توصیف <الله> به ربوبیتش بر هستی (رب العالمین) و نبودن شریک برای او (لا شریک له) تعلیل برای <إن صلاتی .. لله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۷

۷ در ربوبیت و تدبیر امور انسان ، برای خداوند شریکی نیست .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

نفی شرک عبادی

- فیش

۶- اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ ضرورت پرستش خداوند و باور به نبودن معبودی سزاوار پرستش جز او

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

نقش رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند.

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً وأحلوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الذين بدلوا... و أحلوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۲۹ - ۳

۳- سردمداران کفر و شرک عامل اصلی دوزخی کردن قوم خویشند.

أحلوا قومهم دار البوار . جهنم يصلونها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <جهنم يصلونها> بدل از <دار البوار> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۸ - ۲،۴

۲ - مشرکان فریب خورده، پیشوایان خود را مسؤول گمراهی خویش در قیامت معرفی خواهند کرد.

قالوا إنكم كنتم تأتوننا

۴ - مشرکان گمراه شده ، در قیامت اعمال قدرت سران شرک را عامل گمراهی و فریب خود معرفی خواهند کرد .

قالوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که <یمین> (جهت راست) کنایه از قدرت و قوت باشد؛ زیرا معمولا سمت راست قوی تر است. ازاین رو بیشتر مردم کارهای مهم

و سنگین را با دست راست انجام می دهند. گفتنی است که دو آیه بعد (و ما کان لنا علیکم من سلطان) و نیز آمدن واژه <یمین> به این معنا در آیه ۹۳ همین سوره (فراغ علیهم ضرباً بالیمین) مؤید مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۶

۶ - مشرکان فریب خورده و پیشوایان شان در قیامت ، یکدیگر را به دست داشتن در گمراهی و انحراف از مسیر حق ، متهم خواهند کرد .

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون . قالوا إنکم کنتم تأتوننا ... قالوا ... و ما کان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۳

۳ - پذیرش مقصر بودن و داشتن نقش در گمراهی مشرکان ، از سوی پیشوایان شرک در عرصه قیامت

فحقّ علینا قول ربّنا إنا لذائقون

این که پیشوایان شرک، خود را در استحقاق عذاب الهی شریک می دانند، حاکی از پذیرش نوعی از مسؤولیت در گمراهی مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۴

۴ - سران و رهبران جامعه شرک ، رهبری مردم را بر ضد رسول اکرم (ص) در دست داشتند .

و انطلق الملائمهم أن امشوا و اصبروا علی ءالهتمکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۵

۵ - سران شرک و کفر در عصر بعثت ، رهبری فکری و عقیدتی مردم را در دست داشتند .

و انطلق الملائم .. ما سمعنا بهذا

فی المله الآخره إن هذا إلا اختلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۹

۹ - تأثیرپذیری قوم نوح ، از سران کفر و شرک و صاحبان زر و زور جامعه

و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلا خساراً .. یضلّوا عبادک و لایلدوا إلا فا

نگرانی از گسترش شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۴

۴- نگرانی حضرت ابراهیم (ع) از انحراف فرزندان خود و از گسترش کامل و نفوذ بی رقیب آیین شرک و بت پرستی در

میان مردم عصر خویش

و اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إنهنّ أضلّنّ کثیراً من الناس

نهی از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۵ - ۵

۵ خداوند ، پیامبر اکرم (ص) را از انعطاف پذیری در برابر آیین شرک ، نهی اکید فرمود .

و أن أقم وجهک للدين حنیفاً و لاتکونن من المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱

۱۱ خداوند ، پیامبر (ص) و مؤمنان را از گرایش به شرک و انحراف از پرستش خدا برحذر داشت .

و لاتطغوا

<طغیان> (مصدر لاتطغوا) به معنای تجاوز کردن از حد است. مصداق مورد نظر برای طغیان به قرینه آیات پیشین که درباره شرک و توحید بود انحراف از توحید و گرایش به شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶

۱- برگزیدن دو معبود و عقیده به آن دو (ثنویت) ، مورد نهی خداوند

و قال الله لا تتخذوا إلهين اثنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۲ - ۱

۱- خداوند ، برحذر دارنده آدمیان از اعتقاد به خدایانی جز الله و شریک و مؤثر دانستن آنها با او

لا تجعل مع الله إلهًا آخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۹

۱۹- > عن أبي جعفر (ع) : . . . بعث الله عزوجل محمداً (ص) و هو بمكة عشر سنين فلم يمت بمكة في تلك العشر سنين أحد يشهد أن لا إله إلا الله و أن محمد (ص) رسول الله إلا أدخله الله الجنة بإقراره و هو إيمان التصديق و لم يعذب الله أحداً . . . إلا من أشرك بالرحمن و تصديق ذلك ان الله عزوجل أنزل عليه في سوره بنى إسرائيل بمكة > و قضى ربك ألا تعبدوا إلا إياه . . . < أدب و عظه و تعليم و نهى خفيف و لم يعد عليه و لم يتواعد على اجتراح شيء مما نهى عنه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. خداوند عزوجل محمد(ص) را مبعوث گردانید و او ده سال در مکه بود. پس در مکه در این مدت ده سال کسی نبود که مرده باشد و به یگانگی خدا و رسالت محمد(ص) شهادت داده باشد؛ مگر آنکه خداوند او را به خاطر اقرارش داخل بهشت کند و این ایمان تصدیق بود و

خداوند کسی را عذاب نمی کرد ... مگر آنکه به [خدای]رحمان شرک ورزیده باشد و گواه این سخن آن است که خداوند عزوجل در سوره بنی اسرائیل و در مکه این آیه را بر آن حضرت نازل فرمود: <أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...> [در این آیات] ادب کردن، موعظه، تعلیم و نهی خفیف وجود دارد و وعده پاداش در آنها و وعید به عذاب بر ارتکاب چیزهایی که نهی شده داده نشده است...<

نهی از شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱،۲

۱- خداوند ، برحذر دارنده آدمیان از پرستش موجودی جز ذات یگانه او

و قضی رَبِّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ

۲- دستور به اجتناب از شرک عبادی ، فرمانی قطعی و غیر قابل تجدید نظر

و قضی رَبِّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ

واژه <قضی> به معنای حکم و فرمانی است قطعی و غیر قابل تجدید نظر.

وضوح بطلان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ مرام اهل شرک ، علی رغم روشنی بطلان آن و نبود دلیلی بر آن ، مرامی آراسته شده و زینت داده شده برای آنان بود .

بَلْ زَيْنٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُم

مراد از <مکرهم> مرام و عقیده مشرکان / یعنی ، شریک پنداشتن برای خدا و پرستش آن شریکان است / زیرا این چیزی است که برای آنان زینت داده شده و آراسته جلوه کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۵ - ۹

ربوبی و ابطال شرک ، منطقی قوی و کوبنده و برهانی روشن و غیر قابل تردید داشت .

ثم أرسلنا موسى . . . و سلطن مبین

کلمه <سلطان> به معنای قهر و غلبه است. حجت و برهان را نیز بدان اعتبار که صاحب آن، بر قلوب مخاطبان هجوم می برد و آنها را فتح می کند، سلطان گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۴ - ۴

۴ - بطلان و بیراهه بودن شرک و بت پرستی ، با اندک تأمل و اندیشه روشن می شود .

و مالی لا أعبد الذی فطرنی . . . ءأتخذ من دونه ءالهه ... إني إذا لفي ضلل مبین

آمدن ادوات استفهام در دو آیه پیشین که برای برانگیختن به اندیشه و تفکر به کار رفته است و نیز توصیف <ضلالت> به <مبین>، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

وضوح زیان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۶

۶ - ضرر و زیان کفر و شرک ، امری روشن و شناخته شده

و ظالم لنفسه مبین

وعده شکست شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر اکرم (ص) را در قبال سخنان ناروای مشرکان دلداری داده و با وعده غلبه قطعی توحید بر شرک ، آن حضرت را از ناکامی و نافرجامی توطئه های آنان ، مطمئن ساخت

و لا یحزنک قولهم إن العزه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد -

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا .. > به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

ویژگیهای شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۲ - ۴

۴ - آیین شرک و بت پرستی ، آیینی ایستا و ناتوان از پیشرفت و توسعه و فراگیر شدن

ما أنتم علیه بفتنین

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که خداوند در صدد بیان آینده آیین شرک و سرنوشت این آیین ساختگی است نه این که تنها در صدد بیان وضعیت مشرکان در صدر اسلام باشد.

ویژگیهای شرک ستیزی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۵

۵- کیفیت مبارزه و چگونگی مواضع ابراهیم (ع) علیه بت پرستان ، متناسب با شرایط موجود و توانایی های خود آن حضرت بود .

تالله لأکیدنّ أصنمکم بعد أن تولّوا مدبرین

تصمیم ابراهیم(ع) به از بین بردن بت ها به طور مخفی و هنگامی که مردم حضور ندارند، حکایت از این دارد که او توانایی انجام چنین کاری در حضور مردم به صورت آشکار نداشت. بنابراین مبارزه آن حضرت متناسب و همسو با شرایط و مقدمات او بوده است.

هجرت از سرزمین شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ -

۶- ابراهیم (ع) ، افراد مؤمن و موحد را ، به هجرت از سرزمین شرک تشویق می کرد .

و قال إني ذاهب إلی ربی

اعلام ابراهیم(ع) به هجرت خود از سرزمین شرک، ممکن است به این جهت باشد که افراد اندکی که ایمان آورده و موحد شده اند، همانند او هجرت کنند.

هجرت از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۰

۲۰ آمرزش گناهان و بهشت ، پاداش خداوند به هجرت کنندگان از شرک و کفر *

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ اَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ .. لَا كُفْرًا عَنْهُمْ سَيَاتِهِمْ وَ لَا دَخَلَتْهُمْ جَنَاتُ

می توان گفت مراد از هجرت به قرینه ادامه آیه (اخراجوا من دیارهم)، هجرتی است که رانده شدن از خانه و کاشانه را در پی داشته باشد. و این هجرت همان ترک شرک و کفر است.

هدایت ناپذیری رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۷

۷- ایمان آوردن به تعلیمات پیامبران ، در گرو وجود زمینه آن در ایمان آورنده

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰی أَكْثَرِهِمْ فَهَمْ لَا يُؤْمِنُونَ

یهودیت و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۹

۹ - یهود و نصارا ، آیین خویش را به شرک آمیخته و آلوده ساختند .

بل مله إبراهيم حنيفاً و ما كان من المشركين

تأیید آیین ابراهیم با توصیف آن حضرت به دوری از گمراهی و شرک، پس از نفی آیین یهود و نصارا، اشاره به این دارد که
یهود و نصارا آیین

خویش را به گمراهیها آلوده و به شرک آمیخته بودند.

شرک ستیزی

آثار دعوت به شرک ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱۱

۱۱ فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک ، نشانه صداقت در پیروی از پیامبر (ص) است .

أدعوا إلى الله على بصيرة أنا و من اتبعنى

آثار شرک ستیزی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۱ - ۳،۵

۳- نقش عمده روحیه گوش به فرمان خدا بودن ، حق گرایی ، دوری از شرک و شکرگزاری حضرت ابراهیم (ع) ، در
گزینش وی از سوی خدا

إن إبراهيم كان أممًا قانتًا لله حنيفًا ولم يك من المشركين . شاکراً لأنعمه اجتبه

خداوند، پس از بیان چهار صفت اکتسابی برای حضرت ابراهیم(ع)، مسأله انتخاب و برگزیده بودن او را مطرح ساخت. از
ارتباط میان این دو کلام، استفاده می شود که کسب اوصاف معنوی و فضایل اخلاقی، در گزینش حضرت ابراهیم(ع) تأثیر
مهمی داشته است.

۵- نقش عمده روحیه تسلیم در برابر خدا، حق گرایی ، دوری از شرک و شکرگزاری حضرت ابراهیم (ع) در هدایت
شدنش به < صراط مستقیم >

إن إبراهيم كان أممًا قانتًا لله حنيفًا ولم يك من المشركين . شاکراً لأنعمه اجتبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۳

۳- نقش عمده روحیه تسلیم در برابر خدا، حق گرایی، دوری از شرک و شکرگزاری حضرت ابراهیم (ع)، در برخورداری

او از

نیکی ها و نعمت های الهی در دنیا و منزلت والا در آخرت

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ .. وَءَاتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۲

۲- دعوت حضرت ابراهیم (ع) به توحید و ردّ اندیشه شرک و بت پرستی ، موجب تردید مردم بت پرست در عقیده خود شد

ما هذه التماثيل .. أنتم وءاباؤکم فی ضلل مبین . قالوا أجنّتنا بالحقّ أم أنت م

آثار شرک ستیزی مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۵ - ۲

۲ - مؤمن آل فرعون ، پس از اعلان مواضع اعتقادی خویش و مبارزه با عقیده شرک آلود ، با انواع مکرها و نقشه های شوم فرعونیان روبه رو شد .

فوقیه الله سیئات ما مکروا

جمع آمدن <سیئات> نشانگر تعدد و گوناگونی مکرهای فرعونیان است.

اهمیت شرک ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۶،۱۷

۱۶ - لزوم خشکاندن ریشه های شرک و پرستش غیر خدا و محو آثار آن از زندگی مردم

إلهک .. لنحرّقنه ثمّ لننسفنه فی الیمّ نسفاً

۱۷ - ارزش های مادی و هنری ، نباید موجب سستی در مبارزه با شرک و نابود کردن نمودها و زمینه های آن گردد .

وانظر إلی إلهک .. لنحرّقنه ثمّ لننسفنه فی الیمّ نسفاً

با وجود آن که گوساله سامری از فلزات قیمتی ساخته شده بود و امکان این وجود داشت که از

آن استفاده های صحیح نیز صورت گیرد؛ در عین حال موسی (ع) به سوزاندن و نابود ساختن آن فرمان داد؛ چرا که ارزش حفاظت از عقاید صحیح و مبارزه با انحرافات عقیدتی، قابل مقایسه با ارزش های مادی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۳

۳ دعوت به توحید و مبارزه با شرک ، مهمترین رسالت پیامبران

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۸

۸ صالح (ع) ، موظف به ابلاغ توحید و مبارزه با شرک و بت پرستی بود .

إِنْ كُنْتَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي .. فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتَهُ

جمله <إِنْ عَصَيْتَهُ> (اگر خداوند را نافرمانی کنم) می رساند که جمله ای همانند <و أمرنی بإبلاغ رسالاته> قبل از <فمن ينصرنی> در تقدیر است. بر این اساس، حاصل معنای <إِنْ كُنْتَ ...> چنین می شود: [شما خود قضاوت کنید] اگر من پیامبر باشم و خداوند مرا به ابلاغ رسالتهایی فرمان داده باشد، اگر نافرمانی کنم و به ابلاغ رسالتهای الهی همت نگمارم، چه کسی مرا از عقوبت های الهی نجات خواهد داد؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۳

۳ پیامبر (ص) و مؤمنان به آن حضرت ، موظف به پایداری بر مواضع خویش (ابلاغ رسالت الهی و مبارزه با شرک و فساد)

إِنَّا عَمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۱۳

۱۳- خویشاوندی و پیوند های

اجتماعی ، نباید مانعی برای تبلیغ و مخالفت با الحاد گردد .

إِذْ قَالَ لِأَيُّهُ يَأْتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۷

۷- خویشاوندی ، نباستی موجب ترک تبلیغ دین و توحید و مبارزه با شرک گردد .

يَأْتِ لِمَ تَعْبُدُ . . . يَأْتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۷ - ۶

۶- ضرورت مبارزه قاطع و بدون کمترین تعلل با حاکمیت شرک و مشرکان

فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بَجُنُودٍ . . . وَ هُمْ صَاغِرُونَ

از سیاق آیات استفاده می شود که هدف اصلی سلیمان، مبارزه با حاکمیت شرک و مشرکان بوده است. به همین خاطر هدیه آنها را نمی پذیرد و قاطعانه اعلام جنگ می کند و حاکمان مشرک را به تبعید، آوارگی، ذلت و خواری تهدید می نماید. روش سلیمان(ع) به عنوان پیامبر الهی، الگویی است که باید از آن سرمشق گرفت.

دعوت به شرک ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۵،۹

۵ پیامبر (ص) بر عقیده توحیدی خویش و نفی شرک و نیز لزوم فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک ، از دلیل و حجتی روشن برخوردار بود .

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي

<بصیره> به معنای حجت و دلیل روشن است (لسان العرب). آیات قبل و نیز آیه مورد بحث، بیانگر متعلق <بصیره> است که در برداشت، برخی از آنها آورده شد. قابل ذکر است که در ترکیب این فراز چند نظر ابراز شده است. از

جمله اینکه <علی بصیره> خبر برای <أنا> و <من اتبعنی> عطف بر <أنا> است؛ یعنی: <أنا و من اتبعنی علی بصیره>.

۹ پیروان پیامبر (ص) موظف به فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک

أدعوا إلى الله علی بصیره أنا و من اتبعنی

برداشت فوق، بر این اساس است که <علی بصیره> متعلق به <أدعوا> باشد. بر این مبنا <أنا> تأکید برای ضمیر <أدعوا> و <من اتبعنی> عطف بر فاعل <أدعوا> می شود؛ یعنی: <أنا أدعوا إلى الله علی بصیره و من اتبعنی يدعوا إلى الله علی بصیره>.

دلایل شرک ستیزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۵

۵ پیامبر (ص) بر عقیده توحیدی خویش و نفی شرک و نیز لزوم فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک، از دلیل و حجّتی روشن برخوردار بود.

قل هذه سبیلی أدعوا إلى الله علی بصیره أنا و من اتبعنی

<بصیره> به معنای حجت و دلیل روشن است (لسان العرب). آیات قبل و نیز آیه مورد بحث، بیانگر متعلق <بصیره> است که در برداشت، برخی از آنها آورده شد. قابل ذکر است که در ترکیب این فراز چند نظر ابراز شده است. از جمله اینکه <علی بصیره> خبر برای <أنا> و <من اتبعنی> عطف بر <أنا> است؛ یعنی: <أنا و من اتبعنی علی بصیره>.

روش شرک ستیزی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۸ - ۶

۶ اقدام ابراهیم (ع) به شکستن بت ها و سالم باقی گذاشتن بت بزرگ،

تدبیری از سوی آن حضرت برای جلب نظر مردم و توجه دادن آنان به بطلان بت پرستی بود .

و تالله لأکیدن أصرمکم .. فجعلهم جدداً إلا کبیراً لهم لعلهم إلیه یرجعون

<فاء> در <فجعلهم> یا برای ترتیب است و یا برای تعقیب. در هر دو صورت گویای این است که عمل حضرت ابراهیم(ع) مصداق همان حیل و تدبیری بود که بر آن سوگند یاد کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۶ - ۴

۴- حضرت ابراهیم (ع) برای اثبات توحید و بطلان شرک از شیوه آگاه کردن بت پرستان به ناتوانی بت ها و به اعتراف واداشتن آنان بر این حقیقت استفاده کرد .

فسلوهم إن کانوا ینطقون .. لقد علمت ما هؤلاء ینطقون . قال أتعبدون من دون الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۶ - ۴

۴ - شکستن ابّهت و تقدس بت ها ، در مرحله نخست و سپس گفتوگوی خردبرانگیز ، شیوه مبارزه ابراهیم (ع) با مشرکان و مظاهر شرک

فقال ألا تأکلون .. فراغ علیهم ضرباً بالیمین ... قال أتعبدون ما ننحتون . و اللّ

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) در آغاز مبارزه با شرک و بت پرستی، ابتدا به سراغ بتکده رفته و ضمن به تمسخر گرفتن بت ها، آنها را درهم شکست. سپس با مخاطب قرار دادن مردم، آیین آنان را زیر سؤال برد (أتعبدون ما ننحتون) و به تأمل و اندیشه واداشت.

روش شرک ستیزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۷ - ۸

۸ - پیامبر (ص) برای اثبات حقانیت توحید و بطلان شرک، از روش مدارا و تدریج استفاده می کرد.

قل من یرزقکم... و إنا أو إیاکم لعلی هدی أو فی ضلل... لانتسلون عما أجرنا

روش شرک ستیزی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۵

۱۵ - مبارزه با زمینه های فکری و عینی شرک و نابود کردن آنها، شیوه موسی (ع) در ستیز با گوساله پرستی بنی اسرائیل

إلهک الذی... لنحرقتہ ثم لنسفنه

سوزاندن گوساله سامری از چند جهت قابل تأمل است: ۱ از جهت نابود کردن و محو ساختن آن از دیدگان مردم تا مبادا دوباره به آن گرایش یابند. ۲ اثبات <اله> نبودن آن برای ظاهر بینان، با سوزاندن و خرد کردن تندیس زرین گوساله. جهت اول، جهتی عینی و جهت دوم، جهت فکری است.

سوگند بر شرک ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۱

۱- سوگند مؤکد ابراهیم (ع) بر حيله و تدبير کردن، برای ضربه زدن به بت ها در غیاب بت پرستان

و تالله لأکیدن أصنمکم بعد أن تولوا مدبرین

<کید> به معنای حيله و تدبیری پنهانی برای ضربه زدن به غیر است.

شرک ستیزی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۲

۲ ابراهیم(ع) با تظاهر به ستاره پرستی و استدلال جدلی به ابطال عقیده شرک قوم خود پرداخت.

فلما جن علیه الیل

راء كو كبا قال هذا ربي

جمله < فلما جن > تصریح بر < كذلك نرى .. > است. یعنی نتیجه ارائه ملکوت به ابراهیم (ع) آن شد که او بدین صورت به مبارزه با شرک پردازد. بنابراین سخن ابراهیم (ع) تنها از سر مجادله و به برای ابطال باطل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۷ - ۲

۲ ابراهیم (ع) در مقام مجادله با تظاهر به ماه پرستی به ابطال آن پرداخت.

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربي فلما أفل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۲،۹

۲ ابراهیم (ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربي

۹ ابراهیم (ع) در پی ابطال مستدل عقاید شرک آمیز قوم خویش، به صراحت از معبودهای آنان بیزاری جست.

فلما رء الشمس .. إني برىء مما تشركون

چنانچه < ما > در < مما تشركون > موصول باشد، مضمون جمله چنین است: < برىء من الذی تشركون به >. یعنی از چیزهاییکه به آن شرک میورزید بیزارم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۱

۱ ابراهیم (ع) در پی مجادله با مردم و ابطال باورهای شرک آلود آنان، بر یگانه پرستی خویش تأکید کرد.

فلما أفل .. إني وجهت وجهي للذی فطر السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۵

۵ استدلالهای ابراهیم(ع) بر ابطال شرک و پرستش بتها و اجرام آسمانی به هدایت خداوند بود.

أَتتخذ أصناما

قال لأحب الأفلين ... و قد هدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۵

۵- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند درخواست امنیت و مصونیت سرزمین مکه از نفوذ و رخنه آیین شرک و بت پرستی کرد .

*

و إذ قال إبراهيم رب اجعل هذا البلد ءامناً

درخواست حضرت ابراهیم(ع) برای مصونیت خود و خاندانش از گرایش به شرک، می تواند قرینه ای باشد بر اینکه مقصود از امنیت مکه، مصونیت آن از شرّ نفوذ آیین شرک و بت پرستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۴

۴- نگرانی حضرت ابراهیم (ع) از انحراف فرزندان خود و از گسترش کامل و نفوذ بی رقیب آیین شرک و بت پرستی در میان مردم عصر خویش

و اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إنهنّ أضللن كثيراً من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۱،۳،۱۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) ، به خاطر بت پرستی آزر با او به بحث و گفت و گو پرداخت .

إذ قال لأبيه يأت لمّ تعبد ما لا يسمع و لا يبصر و لا يغنى عنك شيئاً

چنانچه در سوره انعام آمده است، نام مخاطب ابراهیم(ع) <آزر> بوده است.

۳- برخورد منطقی و استدلالی حضرت ابراهیم با انحراف عقیدتی و شرک آزر

لمّ تعبد ما لا يسمع و لا يبصر

۱۱- مناظرات ابراهیم (ع) با آزر در مورد نفی بت پرستی ، بسیار مهم و شایسته یادآوری و بزرگداشت است .

واذكر في الكتب إبراهيم... إذ قال

لأبیه ... ما لایسمع و لایبصر و لایغنی عنک شیئ

<إذ> در <إذ قال> بدل از ابراهیم و در حقیقت مفعول برای <اذکر> است. بیان نحوه استدلال ابراهیم(ع) و مواد به کار رفته در قیاس های آن، گویای آن است که این مجموعه دارای ارزش و سزاوار یادکرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۶ - ۱،۴

۱- اظهار شگفتی و ناباوری نسبت به عقاید توحیدی حضرت ابراهیم (ع) ، پاسخ آزر به منطق توحیدی و بت ستیزی آن حضرت بود .

قال أراغب أنت عن ءالهی یا برهیم

همزه در <أراغب> برای استفهام توییخی است که تعجب نیز از آن فهمیده می شود.

۴- آزر ، با سوگند بر سنگسار کردن ابراهیم (ع) ، در صورت ادامه مبارزه با بت پرستی ، او را برای مدتی طولانی از خانه اش بیرون کرد .

واهجرنی ملیاً

<ملیاً> به معنای مدت طولانی است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۲ - ۱،۵،۷

۱- ابراهیم (ع) در حضور پدر و قومش ، بت پرستی را زیر سؤال برد و آشکارا با آن به مخالفت برخاست .

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثل

استفهام در <ما هذه التماثل..> سؤال از حقیقت بت ها است، نه نام آنها. و از آن جایی که ابراهیم(ع) از حقیقت آنها آگاه بود و نیازی به سؤال نداشت، استفهام ایشان به منظور زیر سؤال بردن و محکوم کردن بت پرستی و نوعی اظهار مخالفت با آن بوده است.

۵- مبارزه با اندیشه های خرافی و شرک آلود ،

تبلور رشد و کمال ابراهیم (ع) بود .

و لقد آتینا إبرهیم رُشدہ .. إذ قال لأبیہ و قومہ ما ہذہ التماثل

؛ یعنی، اعطای رشد به ابراهیم (ع) هنگامی بود که او به پدر و قومش گفت. ...

۷- مخالفت با عقاید انحرافی پدر ، آغاز مبارزه ابراهیم (ع)

إذ قال لأبیہ و قومہ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که تقدم لفظی <أبیہ> بر <قومہ> دلالت بر تقدم زمانی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۴ - ۲

۲- مخالفت قاطع و صریح ابراهیم (ع) با شرک و تقلید کورکورانه پدر و قوم خویش

إذ قال لأبیہ و قومہ .. لقد کنتم أنتم و ءاباؤکم فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۳،۴،۷

۳- تصمیم ابراهیم (ع) بر نابودی بت و بت پرستی ، پس از یک سلسله کار فرهنگی و فکری او برای هدایت و اصلاح اندیشه مردمان بود .

لقد کنتم .. فی ضلل مبین ... ربکم رب السموت ... و تالله لأکیدنّ أصنمکم بعد

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که حضرت ابراهیم (ع) در آغاز مخالفت با بت پرستی، پدر و قومش را مخاطب قرار داد و یک سلسله دلایل روشن بر اثبات توحید و نفی شرک به آنان ارائه کرد. سپس در مرحله دوم تهدید نمود که بت ها را نابود خواهد کرد و در نهایت به تهدید خود عمل کرد و همه بت ها را نابود ساخت.

۴- حضرت ابراهیم (ع) در مبارزه

علیه بت پرستی ، دارای عزمی راسخ و شجاعت بسیار بود .

تَاللهَ لِأَكِيدَنَّ أَصْنَمَكُمْ

تأکید کلام حضرت ابراهیم(ع) به وسیله <تاء> و <لام> قسم (تالله لأکیدن ..)، دلیل بر عزم راسخ آن حضرت است. اظهار چنین کلام مؤکدی در حضور بت پرستان که حرف خطاب <کم> در <أصنامکم> و نیز مخاطب آمدن فعل <تولوا> بر آن دلالت دارد گویای شجاعت بسیار ایشان است.

۷- < عن أبي جعفر (ع) : . . . فلَمَّا تولّوا عنه مدبرين إلى عيد لهم دخل إبراهيم (ع) إلى آلهتهم بقدم فكسرها إلا كبيراً لهم ;

از امام باقر(ع) روایت شده: چون نمرودیان از ابراهیم(ع) دور شدند و به طرف محل جشن ویژه خود رفتند، آن حضرت با تیشه داخل بتخانه شد و غیر از بت بزرگ، همه بت ها را شکست. <..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۵ - ۶

۶- بت پرستان ، استدلال های ابراهیم (ع) بر بطلان شرک را نادرست انگاشته و او را به خاطر شکستن بت ها مجرم دانستند .

فسلوهم إن كانوا ينطقون . . . ثم نكسوا على رؤوسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون

جمله <لقد علمت ما هؤلاء ينطقون> پاسخ مشرکان به کلام ابراهیم(ع) (فسلوهم إن كانوا ينطقون) است ؛ یعنی، تو می دانی که بت ها از سخن گفتن عاجزاند، پس چرا ما را به سؤال کردن از بت ها حواله می دهی. لابد سؤال تو برای فرار از اتهام بت شکنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۱

- ابراهیم (ع)، آیین شرک و بت پرستی پدر و قومش را زیر سؤال برد و آن را محکوم کرد.

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۷ - ۴،۵

۴ - ابراهیم (ع)، در آغاز مبارزه اش با شرک و بت پرستی، قدرت اجتماعی و جایگاه نیرومندی در میان قوم خود نداشت.

قالوا ابنوا له بنیناً فآلقوه فی الجحیم

تصمیم بر نابودی ابراهیم(ع) با سوزاندن او، در انبوهی از آتشی که مردم هیزم آور آن بودند بدون این که احدی از او دفاع کند می تواند گویای برداشت بالا باشد.

۵ - ابراهیم (ع)، مظهر یکتا پرستی و الگوی مقاومت در مبارزه با شرک و بت پرستی

أفکاً ءالهه دون الله تریدون .. و الله خلقکم و ما تعملون . قالوا ابنوا له بن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۲،۷

۲ - داستان مبارزه حضرت ابراهیم (ع) با شرک و بت پرستی، داستانی زنده و درس آموز برای همیشه تاریخ

و إذ قال إبرهیم

کلمه <إذ> در محل نصب و مفعول به برای فعل محذوف است، یعنی، <واذکر إذ قال..>.

۷ - ابراهیم (ع)، نماد شجاعت و اسوه مبارزه با شرک و بت پرستی

و إذ قال إبرهیم لأبيه و قومه

از یادآوری داستان ابراهیم(ع)، اسوه بودن آن حضرت در مبارزه با بت پرستی و از موضع گیری ایشان در برابر جامعه خویش حتی نزدیک ترین خویشاوندان خود

شجاعت آن حضرت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۲۳

۲۳ - قیام ابراهیم (ع) ، علیه محیط اجتماعی و خویشاوندی شرک آلود

إذ قالوا لقومهم إنا براءؤا منكم و ممّا تعبدون من دون الله

شرک ستیزی ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۵ - ۱

۱ - تمامی پیامبران و ادیان آسمانی ، مبلغ توحید و مخالف شرک و چندگانه پرستی بوده اند .

وسئل من أرسلنا من قبلك من رسلنا .. ءالله يعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۹ - ۴

۴ - مبارزه دیرین ادیان آسمانی ، با شرک و ربوبیت مظاهر مادی

أم لم يتبأ بما في صحف موسى . و إبراهيم ... و أنه هو ربّ الشعری

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه در مقام نفی ربوبیت غیر خدا باشد و نیز با اندیشه نقش ستارگان در ربوبیت، مبارزه نماید و این آیات در ادامه مطالب موجود در صحف موسی و ابراهیم(ع) به شمار آید.

شرک ستیزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۴

۴- مبارزه گسترده اسلام با شرک و حرکت های شرک آلود

حَرَمَ عَلَيْكُمْ .. مَا أَهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ

برداشت فوق، به خاطر این است که خداوند حتی خوردن گوشتی را که نام غیر خدا بر آن برده شود، تحریم کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ -

۱۳ - شرک ستیزی ، از مشخصه های بارز و اصلی اسلام

لیظهره علی الدین کلّه و لو کره المشرکون

شرک ستیزی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۱۴

۱۴- اصحاب کهف ، خواهان امداد های الهی برای نجات از تنگنا ها و مشکلات حرکت و قیام شان علیه شرک و پرستش غیر او بودند .

و هتییء لنا من أمرنا رشداً

سُکنا گزیدن در غار، می رساند که حرکت و قیام اصحاب کهف، مشکلات و تنگنایی را برای آنان در پی داشته است، از این رو می توان گفت که مراد از هدایت خواهی آنان، راهنمایی شدن در اتخاذ تصمیم های بعدی و پیدا کردن راه نجات از مشکلات و تنگنایی است که در انتظار ایشان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۷

۷- اعلام ربوبیت یگانه خدا بر کلّ هستی و بیزاری از پرستش غیر او ، شعار و محور قیام اصحاب کهف بود .

فقالوا ربّنا ربّ السموت و الأرض لن ندعوا من دونه إلهاً

شرک ستیزی الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۸

۸- دعوت به توحید و مبارزه با شرک و بت پرستی ، از اهداف مهم و اصولی الیاس پیامبر

أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

شرک ستیزی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۳

۳ دعوت به توحید و مبارزه با شرک ، مهمترین رسالت پیامبران

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۵

۲۵- تقلید از نیاکان در عبادت غیر خدا ، عمل باطلی است که انبیا به مبارزه با آن برخاستند .

تریدون أن تصدّونا عمّا كان یعبداً أبائنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۹

۹- توحید و نفی شرک ، پیام تمامی پیامبران ، موحدان و کتاب های آسمانی

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

مشارالیه <هذا> به قرینه آیات قبل ، توحید و نفی شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۴

۴ - توحید ، اساس همه ادیان آسمانی و مبارزه با شرک ، سرلوحه مبارزات پیامبران الهی

و لقد أوحى إليك و إلى الذين من قبلك لئن أشركت ليحبطن عملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۵ - ۱

۱ - تمامی پیامبران و ادیان آسمانی ، مبلغ توحید و مخالف شرک و چندگانه پرستی بوده اند .

وسئل من أرسلنا من قبلك من رسلنا .. ءالیه یعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- دعوت به توحید و انذار از عواقب شرک ، محور اصلی و مشترک دعوت پیامبران

أَلْتَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ

بنابراین که <أَلْتَعْبُدُوا..> در ادامه <وقد خلت النذر> و مصداق انذار آنان باشد و نه صرفاً ادامه سخن هود برداشت بالا به دست می آید.

شرك ستیزی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل

۴ - سلیمان (ع) ، در صدد از میان بردن حاکمیت کفر و شرک از سرزمین سبا

بسم الله الرحمن الرحيم . ألا تعلقوا على و أتونی مسلمین

تسلیم سلیمان شدن، در حقیقت دست برداشتن از شرک و پذیرش منطق توحیدی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - مقام سلیمان ، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدونن بمال . . . بل أنتم بهديتكم تفرحون

شرک ستیزی شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ مبارزه با شرک ، از وظیفه های اصلی حضرت شعيب (ع)

قال يقوم . . ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱۷، ۵

۵ شعيب (ع) ، مردمان را به ترک پرستش غير خدا فرا می خواند و عليه شرکورزی قومش مبارزه می کرد .

أصلوتك تأمرک أن نترک ما یعبداؤنا

۱۷ مردم مدین ، مبارزه شعيب (ع) با پرستش خدایان اهل شرک را ، خلاف درایت و رشد او می شمردند .

أو أن نفعل فی أمولنا ما نشؤا إنک لأنت الحليم الرشيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ مردم مدین ، شعيب (ع) را به خاطر مبارزه اش عليه شرکورزی و بی عدالتی ، فاقد کرامت دانسته و شایسته احترام نمی شمردند .

و

ما أنت علينا بعزیز

<عزیز> به معنای محترم و بزرگوار و نیز به معنای شکست ناپذیر می باشد. مراد از آن در آیه شریفه معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۳

۳ شعیب (ع) موظف به پایداری بر مواضع خویش (ابلاغ رسالت الهی و مبارزه با شرک و فساد)

ینی عمل

شرک ستیزی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۶،۷،۸

۶ صالح (ع) ، مردمان را از پرستش غیر خدا برحذر می داشت و علیه شرک‌ورزی قوم ثمود مبارزه می کرد .

أتنهنَّ أن نعبد ما یعبد ءاباؤنا

۷ حضرت صالح (ع) ، مورد اعتراض و سرزنش قوم ثمود به خاطر فراخوانی آنان به یکتاپرستی و نفی خدایان دروغین

أتنهنَّ أن نعبد ما یعبد ءاباؤنا

استفهام در <أتنهنَّ أن نعبد ..> استفهام توییخی است.

۸ قوم ثمود ، امید های خویش درباره صالح (ع) را به خاطر مبارزه او علیه شرک ، بر باد رفته می دیدند .

قد كنت فینا مرجوًّا قبل هذا أتنهنَّ أن نعبد ما یعبد ءاباؤنا

قید <قبل هذا> دلالت بر قطع امید قوم ثمود از صالح(ع) دارد و جمله <أتنهنَّ> بیانگر دلیل و علت آن است.

شرک ستیزی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۰ - ۸

۸- مجادله قرآن با مشرکان ، با بهره گیری از باورهای ایشان در رد عقاید شرک آلودشان

أَفَأَصْفَكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنْتًا

جلد - نام سوره - سوره -

۵ قرآن ، در هر عصر و زمان و در سطح جهانی ، توانا و شایسته برای مبارزه با جریان کفر و شرک

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

فرمان خداوند به جهاد بزرگ با کافران به وسیله قرآن پس از یادآوری جاودانگی و جهانی بودن رسالت پیامبر(ص) حاکی از آن است که قرآن، کتابی توانا و شایسته برای مبارزه جهانی و همیشگی با جریان کفر و شرک است.

شرک ستیزی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۹

۹- توحید و نفی شرک ، پیام تمامی پیامبران ، موحدان و کتاب های آسمانی

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

مشارالیه <هذا> به قرینه آیات قبل، توحید و نفی شرک است.

شرک ستیزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۳

۳ پیامبر (ص) و مؤمنان به آن حضرت ، موظف به پایداری بر مواضع خویش (ابلاغ رسالت الهی و مبارزه با شرک و فساد)

إنا عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱

۱ ابلاغ توحید ، تبلیغ قرآن و مبارزه با شرک ، وظیفه پیامبر (ص) و راه و رسم او بود .

قل هذه سبیلی

<هذه> اشاره به مطالبی است که آیات قبل به آنها اشاره داشت. از جمله آنهاست: ابلاغ توحید ، نفی شرک ، تبلیغ قرآن و تعالیم وحی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۴

۴- مبارزه با شرک و معبود های پنداری و باطل مشرکان ، در رأس برنامه های پیامبر (ص)

أهذا الذي يذكروا الهتكُم

ذکر و یاد کردن، هم به خیر است و هم به شرک ولی در این آیه به قرینه مقام ذکر به شر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۷

۷ مبارزه با شرک و بت پرستی ، در رأس رسالت پیامبر (ص) بود .

إن كاد ليضلنا عن ءالهتنا لولا أن صبرنا عليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام قاطعانه موضع استوار خویش مبنی بر توحید و نفی شرک

إنما أمرت أن أعبد ربَّ هذه البلده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۵

۵ - مشرکان ، پیامبر اکرم (ص) را شخصی معمولی می دانستند که هدفش بازداشتن مردم از دین و آیین پدرانشان بود .

قالوا ما هذا إلا رجل يريد أن يصدكم عما كان يعبد ءاباؤكم

تعبیر از پیامبر (ص) به <رجل> آن هم به صورت نکره حاکی از نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - پیامبر (ص) مأمور مبارزه علنی و صریح با عقاید مشرکان (چون عقیده به شفاعت کردن معبود ها و توانایی آنان بر این کار)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ

قل أولو كانوا لا يملكون شيئاً ولا يعقلون . قل لل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۶ - ۷، ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام مخالفت خود با عبادت غیر خدا و منصرف کردن مشرکان از فکر تأثیرگذاری در عقاید آن حضرت

إِنِّي نَهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لِمَا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ

پیامبر(ص)، به در دست داشتن دلایل و براهین روشن در مخالفت خود با عبادت غیر خدا تصریح فرمود. این مطلب می تواند به منظور مایوس ساختن مشرکان باشد، زیرا کسی که در عقیده خود دارای دلایل روشن باشد، تأثیرپذیری او از دیگر عقاید ناممکن خواهد بود.

۷ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام صریح مواضع عقیدتی خویش و تسلیم ناپذیر بودنش ، در برابر دشمنان و عقاید باطل و شرک آلود

و أُمِرْتُ أَنْ أَسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

تصریح پیامبر(ص) به تسلیم محض بودن خود در برابر خداوند، می تواند پاسخی به فشارها و تهدیدهای دشمنان و مشرکان علیه ایشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۰

۱۰ - هجرت پیامبر (ص) و مسلمانان و موضع گیری آنان در برابر مشرکان ، حرکتی ابراهیمی

قد كانت لكم أسوة حسنة في إبراهيم و الذين معه

با توجه به آیات پیشین که درباره هجرت و موضع گیری بایسته مسلمانان در برابر مشرکان است طرح <اسوه> بودن ابراهیم(ع) پس از این آیات و توصیه ها، مطلب بالا را می فهماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ -

۲ - گروهی از کافران در عصر پیامبر (ص)، بی خبر از موضع قاطع آن حضرت در برابر کفر و امیدوار به تنزل او در برابر شرک

قل یا ایها الکفرون

ادامه سوره، قرینه است بر این که مراد از <الکافرون>، همه کافران نیستند؛ بلکه تنها آن گروه مخاطب اند که امیدی به ایمان آنان نمی رفت. سخن گفتن با آنان در این باره که پیامبر(ص) اهل سازش نیست بیانگر آن است که آنان تسامح و تساهل را برای آن حضرت، امکان پذیر می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۲ - ۱،۳،۵

۱ - رد معبود های کافران و امتناع از عبادت آنها در تمام عمر خویش، خط مشی ارائه شده از سوی پیامبر (ص)، در گفتوگو با کافران

لا أعبد ما تعبدون

۳ - پیامبر (ص)، مأیوس سازنده کافران از پیوستن به آنان در شرک

لا أعبد ما تعبدون

حرف <لا> گرچه برای نفی مستقبل است؛ ولی مفهوم سخن، شامل زمان حال نیز می شود.

۵ - پیامبر (ص)، مأمور ابلاغ تباین معبود خود با معبود های مشرکان و تصریح به ناهماهنگی کامل، بین شرک و توحید

قل .. لا أعبد ما تعبدون

شرک ستیزی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۰

۱۰ - هجرت پیامبر (ص) و مسلمانان و موضع گیری آنان در برابر مشرکان، حرکتی ابراهیمی

قد كانت لكم أسوه حسنه فى إبراهيم و الذين معه

با توجه به آیات پیشین که

درباره هجرت و موضع گیری بایسته مسلمانان در برابر مشرکان است طرح <اسوه> بودن ابراهیم(ع) پس از این آیات و توصیه ها، مطلب بالا را می فهماند.

شرك ستیزی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۵ - ۳

۳- یکتاپرستان واقعی ، نمی توانند در قبال شرك و انحرافات عقیدتی مردم ، بی تفاوت باشند .

رَبِّنا رَبِّ السموت . . هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

خداوند، اصحاب كهف را به عنوان نمونه ای از موحدان واقعی یاد کرده و در بیان حالات و خصلت های آنان پس از اقرار به اصل توحید توجه ایشان به جامعه بشری و تأسف آنان به ضلالت مردم را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۲۴ - ۹

۹- توحید و نفی شرك ، پیام تمامی پیامبران ، موحدان و کتاب های آسمانی

هذا ذكر من معى و ذكر من قبلى

مشارالیه <هذا> به قرینه آیات قبل، توحید و نفی شرك است.

شرك ستیزی موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۵ - ۹

۹- موسى (ع) ، در راستای اثبات توحید ربوبی و ابطال شرك ، منطقی قوی و کوبنده و برهانی روشن و غیر قابل تردید داشت .

ثم أرسلنا موسى . . و سلطن مبین

کلمه <سلطان> به معنای قهر و غلبه است. حجت و برهان را نیز بدان اعتبار که صاحب آن، بر قلوب مخاطبان هجوم می برد

و آنها را فتح می کند، سلطان گفته می شود.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۷

۷ - مبارزه با شرک و دعوت مردم به ربوبیت مطلق خداوند بر جهان هستی ، پیام اصلی حضرت موسی (ع)

قالوا امانا بر رب العلمین

برداشت یاد شده از اعتراف ساحران در حضور موسی(ع)، به ربوبیت مطلق خداوند بر جهان به دست می آید.

شرک ستیزی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۵،۳

۳ قیام حضرت نوح (ع) ، علیه شرک و بت پرستی و دعوت به توحید و یکتاپرستی ، برای قومش سنگین و غیر قابل تحمل بود .

إن كان کبر علیکم مقامی و تذکیری بأیت الله

کلمه <مقام> مشترک بین سه صیغه است: مصدر میمی، اسم زمان و اسم مکان. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، اگر قیام من برای دعوت به توحید و یادآوری آیات و نشان های خداوند، بر شما سنگین و دشوار است و ...

۵ حضرت نوح (ع) ، در دعوت به توحید و یکتاپرستی و زدودن اندیشه شرک ، آیات و نشانه های خدا را به قومش یادآوری می کرد .

مقامی و تذکیری بأیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۲

۲ بحث و گفت و گو و ارائه دلیل و برهان ، از روش های نوح (ع) برای بازسازی مردم از شرک و گرایش دادن آنان به توحید

قالوا ینوح قد جدلنا فأکثرت جدلنا

<جدال> به معنای مناظره کردن و آوردن برهان برای ابطال دلیلیها

، اندیشه ها و باورهای طرف مقابل است.

شرک ستیزی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۶، ۲۰، ۱۹، ۱۷

۱۷ هارون در غیاب موسی (ع) با شرک‌ورزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

۱۹ گوساله پرستان بنی اسرائیل مهبای کشتن هارون به خاطر مبارزه پی گیر وی با شرک‌ورزی آنان

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

۲۰ هارون با بیان مبارزه خویش با گوساله پرستان و ناتوانیش از بازسازی آنان ، در تلاش جهت اثبات بی گناهی خویش برای موسی (ع)

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

۲۶ هارون با بیان مبارزه خویش علیه شرک‌ورزی بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواست تا وی را همسنگ ستمکاران شرک پیشه قرار ندهد .

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی .. و لاتجعلنی مع القوم الظلمین

روشن است که موسی(ع) هرگز گمان نمی کرد که هارون از ستمکاران باشد. بنابراین <مع> در جمله <لا تجعلنی مع> معیت حکمی است ؛ یعنی مرا در حکم ستمکاران قرار مده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ - هارون (ع) ، دارای برنامه ای مشخص برای مقابله با گوساله پرستی و احیای توحید در بنی اسرائیل بود .

أطیعوا امری

دعوت هارون(ع) از بنی اسرائیل به اطاعت فرمان های او، پس از فرمان <اتبعوننی> ، حاکی از آن است که وی برای بنی

اسرائیل در صورت پیروی آنان از او، دستور العمل هایی را تدارک دیده بود.

شرک ستیزی هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۱۲

۱۲ مبارزه با شرک ، از وظایف اصلی حضرت هود (ع)

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۴ - ۸

۸ قاطعیت و صلابت هود (ع) ، در امر رسالت و مبارزه با شرک و بت پرستی

قال إني أشهد الله وأشهدوا أني بريء مما تشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۵ - ۲

۲ هود (ع) ، همه مشرکان قوم عاد و خدایان آنان را ، به توطئه و مبارزه علیه خویش فرا خواند .

فكيدوني جميعاً

چون در آیه قبل ، سخن از مشرکان و نیز بتهای آنان بود ، مقصود از <جميعاً> تمامی مشرکان و همه بتهاست.

کیفر شرک ستیزی در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۲

۲- کیفر روی گردانی از آیین شرک در عصر اصحاب کهف ، سنگ سار شدن بود .

إنهم إن يظهروا عليكم يرجموكم

از جمله معانی ذکر شده برای <رجم> سنگ سار کردن است.

ممانعت از شرک ستیزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۹

۹ - مشرکان ، پیامبر اسلام را از مبارزه با معبودهایشان برحذر داشته و از قهر آنان می ترساندند .

و یخوَّفونک بالذین من دونه

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که مقصود از >الذین من

دونه < معبودهای مشرکان باشد، چنان که بسیاری مفسران گفته اند: بت پرستان مکه پیامبر(ص) را از خشم و غضب بت ها برحذر می داشتند.

منشأ شرک ستیزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۴ - ۷

۷- طرد شرک از سوی مؤمنان و گرایش آنان به پرستش خدای یگانه ، مرهون هدایت و راهنمایی خداوند

و هدوا إلى صراط الحمید

ویژگیهای شرک ستیزی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۵

۵- کیفیت مبارزه و چگونگی مواضع ابراهیم (ع) علیه بت پرستان ، متناسب با شرایط موجود و توانایی های خود آن حضرت بود .

تالله لأکیدنّ أضمنکم بعد أن تولّوا مدبرین

تصمیم ابراهیم(ع) به از بین بردن بت ها به طور مخفی و هنگامی که مردم حضور ندارند، حکایت از این دارد که او توانایی انجام چنین کاری در حضور مردم به صورت آشکار نداشت. بنابراین مبارزه آن حضرت متناسب و همسو با شرایط و مقدرات او بوده است.

شرکت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شرکت

آثار شرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شریک داشتن در اموال و امکانات دلهره آفرین است .

هل لكم .. شركاء ... تخافونهم كخيفتكم أنفسكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - زندگی مختلط و شراکت در امور اقتصادی ، زمینه ساز تضييع حقوق و لغزشگاه بسياری از مردم

و إنّ كثيرًا من الخلقاء ليبيغي ... إلا الذين ءامنوا ... و قليل ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۶

۶ - شرکت ، زمینه ساز ناسازگاری و اختلاف

ضرب الله مثلاً رجلاً فیه شرکاء متشکسون

احکام عقد شرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۴

۴- شرکت ، عقدی مشروع و سابقه دار در ادیان الهی است .

فكانت لمسکین يعملون فی البحر

تاریخ عقد شرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۴

۴- شرکت ، عقدی مشروع و سابقه دار در ادیان الهی است .

فكانت لمسکین يعملون فی البحر

شرکت در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۴

۱۴ حرکت مؤمنان به سوی جنگ تبوک ، برانگیزنده خشم کافران بود .

ولا یطئون موطئاً یغیظ الکفار

با توجه به اینکه این بخش از آیات در مورد جنگ تبوک است، برداشت فوق استفاده می شود.

شرکت در مجلس گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۷، ۱۶، ۱۳

۱۳ شرکت در مجالس گناه، گناهی همسنگ با انجام آن

فلاتتعدوا معهم حتى يخوضوا في حديث غيره إنكم إذا مثلهم

۱۶ یکسانی سرنوشت شوم کافران و منافقان و شرکت کنندگان در مجالس کفر و گناه و استهزا به آیات الهی

انکم اذا مثلهم إن الله جامع المنافقين .. جميعاً

۱۷ مسلمان شرکت کننده در مجالس کفر و استهزای به آیات الهی منافق است .

فلاتتعدوا معهم حتى يخوضوا في حديث غيره إنكم إذا مثلهم .

.. جميعاً

جمله <ان الله ..>، پس از بیان حرمت مجالست با استهزا کنندگان، دلالت می کند که مراد از منافقان، همان مسلمانانی هستند که در آن مجالس شرکت می کنند.

شرکت در نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - شرکت در نماز جمعه ، باعث از دست رفتن روزی مردمان نمی شود .

و إذا رأوا تجره .. و الله خير الرزقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۵

۵ - مؤمنان ، وظیفه دار جدیت و تلاش برای شرکت در نماز جمعه

فاسعوا إلى ذكر الله

عقد شرکت در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۴

۴ - شرکت ، عقدی مشروع و سابقه دار در ادیان الهی است .

فكانت لمسكين يعملون في البحر

عوامل شرکت در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۹

۹ توجه به شمول حمایت و امداد الهی نسبت به متقین ، از عوامل روی آوردن مؤمنان به جهاد با کافران

قتلوا .. و اعلموا أن الله مع المتقين

مشروعیت عقد شرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۹ - ۴

۴- شرکت ، عقدی مشروع و سابقه دار در ادیان الهی است .

فكانت لمسكين يعملون في البحر

نهی از شرکت در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۸

- تلاش متخلفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر *

یریدون أن یبدلوا کلم الله قل لن تتبعونا کذلکم قال الله من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه <قل لن تتبعونا کذلکم قال الله من قبل>، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است؛ تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، درصدد شرکت در جنگ و سهم شدن در غنایم بودند.

شطرنج از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شطرنج

حرمت شطرنج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۸

۱۸ بازی با شطرنج و نرد، قمار و حرام است .

و المیسر . . . رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از امام باقر(ع) روایت شده: الشطرنج و النرد میسر.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۱۸۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۸، ح ۹ و ۱۰.

نهی از شطرنج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۲۰

۲۰ - > عن زید الشحام قال : سألت أبا عبد الله عن قول الله عزوجل > فاجتنبوا الرجس من الأوثان و اجتنبوا قول الزور > فقال : الرجس من الأوثان > الشطرنج و > قول الزور > الغناء ;

زید شحام می گوید: از امام صادق(ع) از قول خدای عزوجل >فاجتنبوا الرجس من الأوتان و اجتنبوا قول الزور< پرسیدم، فرمود: >الرجس من الأوتان< شطرنج است و >قول الزور< غنا می باشد.<

شعائر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شعائر

احترام به شعائر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱

۱ حفظ شعایر الهی، از وظایف مؤمنان

یا ایها الذین ءامنوا لاتحلوا شعر الله

<احلال> <مصدر تحلوا> به معنای مباح شمردن است و مباح شمردن شعایر الهی به این است که حرمت و احترام آنها حفظ نشود.

استهزای شعائر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۱، ۱۰، ۷

۷ حرمت ایجاد روابط دوستی با کسانی که حتی برخی از احکام و شعایر دین را به بازی گرفته و مورد تمسخر قرار می دهند.

*

لاتتخذوا

الذین . . . و إذا نادیتم إلی الصلوه اتخذوها هزواً و لعباً

تحریم دوستی با استهزا کنندگان نماز پس از تحریم دوستی با استهزا کنندگان دین، می تواند گویای این نکته باشد که تمسخر هر یک از احکام اسلام، مصداق استهزای دین است و همان حکم (حرمت ایجاد روابط) را در پی خواهد داشت.

۱۰ اهل کتاب و دیگر کافران به دلیل استهزای دین اسلام و احکام و شعایر آن ، @مردمی نادان و بی خرد

اتخذوا دینکم هزواً . . . ذلک بانهم قوم لایعقلون

برداشت فوق بر این مبناست که <لایعقلون> فعلی لازم باشد، یعنی اهل کتاب و کافران، فاقد عقل و اندیشه کافی هستند. اسناد <لایعقلون> به <قوم> که حاکی از بافت خاص اجتماعی آنهاست، این معنی را تأیید می کند.

۱۱ ترک اندیشه در احکام و شعایر دین اسلام ، ریشه استهزای کافران نسبت به آن

اتخذوها هزواً و لعباً ذلک بانهم قوم لایعقلون

در برداشت فوق <لایعقلون>، فعلی متعدی گرفته شده و مفعول آن محذوف فرض شده است. یعنی لایعقلون الدین و الصلوه و . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۳

۳ ایمان مسلمانان به خدا، قرآن و تمامی کتب آسمانی ، برانگیزنده اهل کتاب بر تمسخر نماز و دیگر شعایر اسلام

قل یا اهل الکتاب هل تنقمون منا الا ان ءامنا باللّٰه . . . و ما أنزل من قبل

برداشت فوق بر این مبناست که <ان ءامنا> به تقدیر <لام>، بیانگر کراهت و ناخرسندی اهل کتاب نسبت به مسلمانان باشد، یعنی <ما تنقمون منا دیننا و صلاتنا لشیء الا ایماننا باللّٰه . . .>.

تعظیم شعائر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۶،۱۰

۶ - بزرگداشت شعائر الهی، نشانه تقوا و خداترسی است.

و من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب

ضمیر <ها> در <فإنها> به <شعائر> بازمی گردد. بنابراین <فإنها> به تقدیر <فإن تعظیمها> می باشد. <من نشویه و <تقوی> به معنای خداترسی است؛ یعنی، بزرگداشت شعائر الهی، نشأت یافته از تقوا و خداترسی دل ها است.

۱۰ - <عن أبي عبد الله (ع) قال إنما يكون الجزاء مضاعفاً فيما دون البدنه حتى يبلغ البدنه فإذا بلغ البدنه فلا تضاعف لأنه أعظم ما يكون، قال الله عزوجل: و من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب؛

از امام صادق (ع) روایت شده است [که در باره کفار صید در حرم] فرمود: همانا جزای صید اضافه می شود تا آن جایی که کمتر از شتر باشد. پس آن گاه که به حد شتر رسید، دیگر اضافه نمی شود؛ زیرا شتر بزرگ ترین چیزی است که می توان قربانی کرد. خداوند عزوجل می فرماید: <و من يعظم شعائر الله...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۳

۳ - بزرگداشت و حفظ حرمت شعائر دینی و الهی، وظیفه ای الهی برعهده تمام مؤمنان است.

و البدن جعلنها لكم من شعائر الله

این سخن خدا که: <ما شتران قربانی را جزء شعائر دینی قرار دادیم> در واقع توصیه است به این که باید در حفظ شعائر الهی و بزرگداشت آنها بکوشید.

توصیه به تعظیم شعائر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - حفظ حرمت و بزرگداشت شعائر الهی و دینی ، توصیه ای است از سوی خدا به انسان ها

و من يعظم شعائر الله

توصیه خداوند به بزرگداشت دام های قربانی، بدان جهت است که آنها شعائر و نشانه های خدا هستند. بنابراین آیه یاد شده در واقع توصیه است به اینکه: مؤمنان باید شعائر الهی و دینی را بزرگ بشمارند و از جمله آنها، دام هایی است که حاجیان برای قربانی کردن در <منا> به همراه خود می برند.

حرمت هتك شعائر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲

۲ هتك حرمت شعائر الهی ، حرام و گناه است .

يا ايها الذين آمنوا لا تحلوا شعر الله

شعائر دين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۸

۸ نماز و اذان ، از ارکان اساسی دین و شعائر مقدس آن

الذين اتخذوا دينكم هزواً .. و إذا ناديتهم إلى الصلوة اتخذوها هزواً ولعباً

آیه مورد بحث، استهزای نماز و اذان را نمونه ای از استهزای دین شمرده است و اطلاق دین بر نماز و اذان نشان می دهد که این دو از ارکان اساسی دین می باشد.

قداست شعائر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۲

۲ - دام های قربانی (دام هایی که حاجیان برای قربانی کردن به همراه می برند) ، از شعائر الهی و دارای حرمت و قداست در پیشگاه خداوند

و من يعظم شعائر الله

<تعظیم> (مصدر)

<يعظم> به معنای بزرگ شمردن است <شعائر> جمع <شعیره> و <شعیره> به معنای علامت و نشانه است. مراد از <شعائر الله> به قرینه آیه بعد (لکم فیها منافع إلی أجل مسمی ثم محلها إلی البیت العتیق) دام هایی برای قربانی است که حج گزاران به همراه خود می بردند یعنی، <هر کس دام های قربانی را که شعائر و نشانه های خدایند حرمت گذارد و بزرگ بشمارد...>. بنابراین، آیه یاد شده توصیه ای است از سوی خداوند به همه اهل ایمان چه مالک دام های قربانی باشند و چه نباشند که در حفظ و نگه داری آن دام ها بکوشند و از هرگونه سهل انگاری درباره آنها، اجتناب بورزند.

گناه استهزای شعائر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۶

۶ تمسخر اذان، نماز و دیگر شعایر دینی، از گناهان بزرگ

و إذا نادیتم إلی الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً

چون تمسخر کنندگان نماز و اذان و یا دیگر شعایر دینی، باید طرد شوند و نباید با آنان روابط دوستی برقرار کرد، معلوم می شود تمسخر نماز و اذان و دیگر شعایر، از گناهان بزرگ است.

مراد از شعائر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي عبد الله (ع) قال إنما يكون الجزاء مضاعفاً فيما دون البدنه حتى يبلغ البدنه فإذا بلغ البدنه فلا تضاعف لأنه أعظم ما يكون، قال الله عزوجل: و من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب ;

از امام صادق(ع) روایت شده

است [که در باره کفار صید در حرم] فرمود: همانا جزای صید اضافه می شود تا آن جایی که کمتر از شتر باشد. پس آن گاه که به حد شتر رسید، دیگر اضافه نمی شود؛ زیرا شتر بزرگ ترین چیزی است که می توان قربانی کرد. خداوند عزوجل می فرماید: <و من يعظم شعائر الله...>.

منشأ استهزای شعائر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ فسق (نادیده گرفتن دستورات خداوند) ، ریشه استهزای دین و شعایر الهی

اتخذوا دينكم هزواً و لعباً .. و إن اکثرکم فسقون

مصدق جمله <هل تنقمون ..> همان استهزای نماز و احکام دین است. بنابراین <فسق> که علت برای <تنقمون> گرفته شده است، در حقیقت علت استهزای دین نیز می باشد.

منشأ شعائر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۹

۹ نابخردی ، ریشه تمسخر احکام و شعایر دین اسلام

اتخذوا دينكم هزواً .. ذلك بانهم قوم لا يعقلون

موارد شعائر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۴، ۳

۳ مناسک حج ، از شعایر الهی است . *

لاتحلوا شعر الله

<شعائر جمع شعیره> به معنای علامت است. و احتمالاً مراد از آن، علایم و مناسک حج باشد.

۴ حرام ها و حلال های الهی (همانند حلیت چهارپایان و حرمت صید در حال احرام) ، از شعایر الهی است . *

أحلّت لكم بهیمه الانعم .. لاتحلوا شعر الله

از مصادیق شعایر الهی، با توجه به آیه قبل، حلالها و حرامهای

الهی است.

۱۰ ماه های حرام ، قربانی های بی نشان و بانشان حج و نیز نشانه های قربانی ، از شعایر الهی

لا تحلوا شعر الله و لا الشهر الحرام و لا الهدی و لا القلئد

بنابر اینکه امور یاد شده از باب ذکر خاص بعد از عام (شعر الله) باشد.

۱۱ راهیان خانه خدا ، از شعائر الهی

لا تحلوا شعر الله . . . و لاء آمین البیت الحرام

بنابر اینکه امور یاد شده از باب ذکر خاص بعد از عام (شعر الله) باشد و راهیان خانه خدا از جمله آنها هستند.

۱۲ علامت های راهیان خانه خدا ، از شعایر الهی

لا تحلوا شعر الله . . . و لا القلئد

شعائر الله

{شعائر الله}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۱۷، ۱۳، ۱

۱ - کوه صفا و مروه ، دو علامتی که خداوند آنها را نشانه جایگاه عبادت قرار داده است .

إن الصفا و المروه من شعائر الله

بنابراین توصیف <صفا و مروه> به <شعائر الله> می رساند که: خداوند آن دو مکان را علامتی قرار داده تا بندگانش در آن جا، او را عبادت کنند.

۱۳ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: <ان الصفا و المروه من شعائر الله > فأبده بما بدء الله تعالی به و ان المسلمین کانوا یظنون ان السعی بین الصفا و المروه شیء صنعہ المشرکون فأنزل الله عز و جل > ان الصفا و المروه من شعائر الله . . . < .

صفا و مروه از شعائر الهی است پس [سعی] را شروع نما از جایی که خداوند [در آیه شریفه] در بیانش شروع نموده

و مسلمانان گمان می کردند که سعی بین صفا و مروه چیزی است که مشرکان آن را بنا نهاده اند؛ پس خداوند عز و جل آیه فوق را نازل کرد: <ان الصفا و المروه من شعائر الله...>.

۱۷ - <عن الحلبي قال : سألت ابا عبد الله (ع) عن المرأ تطوف بين الصفا و المروه و هي حائض قال : لا لان الله تعالى يقول < ان الصفا و المروه من شعائر الله > ;

حلبی گوید از امام صادق (ع) سؤال کردم: آیا زن حائض می تواند سعی بین صفا و مروه را انجام دهد؟ امام فرمود: نه، خداوند فرموده: صفا و مروه از شعائر خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱

۱ - شتران قربانی از شعائر دینی و الهی مراسم حج

و البدن جعلنها لكم من شعئر الله

<بدن> جمع <بدنه> است. <بدنه> نیز در لغت، به گاو و شتر درشت و چاق گفته می شود. در گذشته، کسانی که قصد داشتند در مراسم حج شرکت کنند، از قبل به دام هایی قربانی خوب می رسیدند تا چاق و فربه شوند. بدین جهت به گاو و شتر قربانی <بدنه> گفته می شد. گفتنی است که مراد از <بدن> در آیه یاد شده به قرینه <فإذا وجبت جنوبه> تنها شتران می باشد؛ یعنی، شترانی را که به رسم قربانی به همراه می برید، برای شما از شعائر دینی و الهی قرار دادیم.

تعظیم شعائر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۶،۱۰

۶ - بزرگداشت

شعائر الهی ، نشانه تقوا و خداترسی است .

و من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب

ضمیر <ها> در <فإنها> به <شعائر> بازمی گردد. بنابراین <فإنها> به تقدیر <فإن تعظیمها> می باشد. <من نشویه و <تقوی> به معنای خداترسی است؛ یعنی، بزرگداشت شعائر الهی، نشأت یافته از تقوا و خداترسی دل ها است.

۱۰ - < عن أبي عبد الله (ع) قال إنما يكون الجزاء مضاعفاً فيما دون البدنه حتى يبلغ البدنه فإذا بلغ البدنه فلا تضاعف لأنه أعظم ما يكون ، قال الله عزوجل : و من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در باره کفاره صید در حرم] فرمود: همانا جزای صید اضافه می شود تا آن جایی که کمتر از شتر باشد. پس آن گاه که به حد شتر رسید، دیگر اضافه نمی شود؛ زیرا شتر بزرگ ترین چیزی است که می توان قربانی کرد. خداوند عزوجل می فرماید: <و من يعظم شعائر الله...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۳

۳ - بزرگداشت و حفظ حرمت شعائر دینی و الهی ، وظیفه ای الهی برعهده تمام مؤمنان است .

و البدن جعلنها لكم من شعائر الله

این سخن خدا که: <ما شتران قربانی را جزء شعائر دینی قرار دادیم> در واقع توصیه است به این که باید در حفظ شعائر الهی و بزرگداشت آنها بکوشید.

توصیه به تعظیم شعائر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۵

۵ - حفظ حرمت و بزرگداشت شعائر الهی و دینی ، توصیه ای

است از سوی خدا به انسان ها

و من يعظم شعئر الله

توصیه خداوند به بزرگداشت دام های قربانی، بدان جهت است که آنها شعائر و نشانه های خدا هستند. بنابراین آیه یاد شده در واقع توصیه است به اینکه: مؤمنان باید شعائر الهی و دینی را بزرگ بشمارند و از جمله آنها، دام هایی است که حاجیان برای قربانی کردن در <منا> به همراه خود می برند.

قداست شعائر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۲

۲ - دام های قربانی (دام هایی که حاجیان برای قربانی کردن به همراه می برند) ، از شعائر الهی و دارای حرمت و قداست در پیشگاه خداوند

و من يعظم شعئر الله

<تعظیم> (مصدر <يعظم>) به معنای بزرگ شمردن است <شعائر> جمع <شعیره> و <شعیره> به معنای علامت و نشانه است. مراد از <شعائر الله> به قرینه آیه بعد (لکم فیها منافع إلى أجل مسمى ثم محلها إلى البيت العتیق) دام هایی برای قربانی است که حج گزاران به همراه خود می بردند یعنی، <هر کس دام های قربانی را که شعائر و نشانه های خدایند حرمت گذارد و بزرگ بشمارد...>. بنابراین، آیه یاد شده توصیه ای است از سوی خداوند به همه اهل ایمان چه مالک دام های قربانی باشند و چه نباشند که در حفظ و نگه داری آن دام ها بکوشند و از هر گونه سهل انگاری درباره آنها، اجتناب بورزند.

مراد از شعائر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - >

عن أبي عبد الله (ع) قال إنما يكون الجزء مضاعفاً فيما دون البدنه حتى يبلغ البدنه فإذا بلغ البدنه فلاتضاعف لأنه أعظم ما يكون ، قال الله عزوجل : و من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب ;

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در باره کفارہ صید در حرم] فرمود: همانا جزای صید اضافه می شود تا آن جایی که کمتر از شتر باشد. پس آن گاه که به حد شتر رسید، دیگر اضافه نمی شود؛ زیرا شتر بزرگ ترین چیزی است که می توان قربانی کرد. خداوند عزوجل می فرماید: <و من يعظم شعائر الله...>.

شعار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شعار

شعار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۷

۷- اعلام ربوبیت یگانه خدا بر کل هستی و بیزاری از پرستش غیر او ، شعار و محور قیام اصحاب کهف بود .

فقالوا ربنا رب السموت و الأرض لن ندعوا من دونه إلها

شعار توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۸

۱۸ > کلمه الله < (شعار توحید) ، دارای برتری مطلق بر شعار کفر

و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و کلمه الله هی العلیا

شعار جاهلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۱۹

۱۹ - تقلید از نیاکان ، شعاری جاهلی و غیرمنطقی است .

قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه ءاباءنا أو لو كان ءاباؤهم لا يعقلون

شعار كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ٤٠ - ١٨

> کلمه الله < (شعار توحید) ، دارای برتری مطلق بر شعار کفر

و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و کلمه الله هی العلیا

شعار محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۵ - ۲

۲ - > لا إله إلا الله < شعار پیامبر اسلام (ص)

إذا قيل لهم لا إله إلا الله

شعار مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۶ - ۶

۶ - استرجاع ، شعار مؤمنان صبور به هنگام مواجه شدن با مصیبت ها و سختیهاست .

و بشر الصبرین . الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا لله و إنا إليه رجعون

> استرجاع < گفتن > إنا لله و إنا إليه رجعون < است .

شعار ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۳۶

۳۶ خداوند ، فراخوان سست عنصران عصر رسول خدا به دست شستن از شعار های تو خالی در زمینه جنگ و جهاد

الم تر الى الذین قيل لهم کفوا ایدیکم

امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: یعنی کفوا السننکم .

کافی، ج ۲، ص ۱۱۴، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ۵۱۷، ح ۴۰۷؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۸، ح ۱۹۷.

شعر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ارزش شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۵

۵ - شعر در پرتو ایمان، به دور از گمراهی و گمراه گری است.

و الشعراء يتبعهم الغاون .. إلا الذين آمنوا

ایمان در شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱،۵

۱ - ارزش شعر ، در پرتو ایمان ، عمل صالح و یاد خداوند

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. إلا الذين آمنوا... و ذكروا الله كثيرا

۵ - شعر در پرتو ایمان ، به دور از گمراهی و گمراه گری است .

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. إلا الذين آمنوا

تهمت شعر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۴

۴- نسبت ناروای شعر و شاعری به قرآن و پیامبر (ص) ، از سوی مشرکانِ ستم پیشه

بل هو شاعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۳

۳ - حقیقت قرآن مبرا از شعر ، و ساحت پیامبر (ص) منزّه از شاعری و خیال پردازی

و الشعراء يتبعهم الغاوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۴

۴ - اتهام شعر به قرآن و شاعری به پیامبر (ص) ، از سوی کافران و مشرکان در آغاز رسالت

و ما هو بقول شاعر

دفاع از مظلوم در شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۷

۷ - شعر ارزشمند ، پیامدار یاد خدا و دفاع از مظلوم

و ذكروا الله كثيرًا و انتصروا من بعد ما ظلموا

ذکر خدا در شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱،۷،۹

۱ - ارزش شعر ، در پرتو ایمان ، عمل صالح و یاد خداوند

و الشعراء

يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ... إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا... وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا

۷- شعر ارزشمند ، پیامدار یاد خدا و دفاع از مظلوم

و ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا

۹- تبلیغ یاد خدا ، ارزش های عقیدتی و عملی و عدالت خواهی ، اصیل ترین محتوای شعر ارزشی

و الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ... إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا... وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا

شرایط ارزش شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱

۱- ارزش شعر ، در پرتو ایمان ، عمل صالح و یاد خداوند

و الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ... إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا... وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا

شعر ارزشمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۹

۹- تبلیغ یاد خدا ، ارزش های عقیدتی و عملی و عدالت خواهی ، اصیل ترین محتوای شعر ارزشی

و الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ... إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا... وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا

شعر بی ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۳

۳- شعر بی ملاک و بی هدف ، شعری پست و بی ارزش است .

و الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ . أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ

ظلم شعر باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۴

۱۴ - ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر ، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است .

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب

عدالتخواهی در شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۹

۹ - تبلیغ یاد خدا ، ارزش های عقیدتی و عملی و عدالت خواهی ، اصیل ترین محتوای شعر ارزشی

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. إلا الذين ءامنوا... و انتصروا من بعد ما ظلموا

عمل صالح در شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱

۱ - ارزش شعر ، در پرتو ایمان ، عمل صالح و یاد خداوند

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. إلا الذين ءامنوا... و ذكروا الله كثيرا

قرآن و شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۲

۲ - قرآن ، سخنی از سنخ شعر نیست .

و ما علمنه الشعر

مقصود از آموخته ای که از سنخ شعر نیست، قرآن کریم است که کافران آن را شعر می پنداشتند و بر این اساس، پیامبر اسلام(ص) را به شاعر بودن متهم می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۲

۲- قرآن ، تحقیقاً از سنخ شعر و کلامی شاعرانه نیست .

و ما هو بقول شاعر

کافران و شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۱

۱۱ - استفاده کافران از شعر ، در هجو ارزش های الهی و پیامبر (ص)

و ذکرُوا اللّٰهَ کَثِیْرًا و انتصروا من بعد ما ظلموا

قیدهای <ذکرُوا اللّٰهَ کَثِیْرًا> و <انتصروا من بعد ما ظلموا> می تواند نشانگر این باشد که شاعران

جاهلی، ارزش های الهی و شخص پیامبر(ص) و مسلمانان را هجو می کردند و خداوند ضمن تشویق شاعران مسلمان به تبلیغ ارزش های الهی (و ذکرُوا اللّٰه کثیراً)، مقابله به مثل را نیز برای آنان تجویز کرده است (وانتصروا من بعد ما ظلموا).

کیفر شعر باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۴

۱۴ - ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است .

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون

محمد(ص) و شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۵

۵ - ساحت مقدس پیامبر اسلام (ص)، منزّه از جنون و سخنان ایشان پیراسته از شعرسرایی

و يقولون .. لشاعر مجنون . بل جاء بالحقّ و صدّق المرسلین

برداشت یاد شده از آن جا است که <بل> برای اضراب ابطالی است.

ملاک ارزش شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۷

۷ - شعر ارزشمند، پیامدار یاد خدا و دفاع از مظلوم

و ذکرُوا اللّٰه کثیراً و انتصروا من بعد ما ظلموا

نقش شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۸

۸ - هنر شعر ، از ابزار کارآمد مبارزه با ظلم و ستمگران و حمایت از مظلومان

و انتصروا من بعد ما ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۸

۸ - شعر

در احیای حیات واقعی و معقول انسان ها ، کافی نیست .

و ما علمنه الشعر و ما ینبغی له .. لینذر من کان حیًّا

از این که خداوند با نفی شعر بودن قرآن، حیاتبخش بودن را منحصر به تعالیم آن و پیامبر(ص) دانسته است، می توان استفاده کرد که شعر، در حیات بخشیدن به انسان ها کافی نیست.

شعور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شعور

آثار شعور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ - تأثیرپذیری از آیات روشن الهی در جهان طبیعت ، مستلزم داشتن حیات و شعور انسانی است .

الله الذی یرسل الریح .. فإِنَّکَ لاتسمع الموتی

آرزوی محرومیت از شعور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ - آفریده شدن به صورت خاک و محرومیت از شعور و تکلیف از آغاز پیدایش ، آرزوی کافران در قیامت

و یقول الکافر یلتنی کنت ترَبًّا

اهمیت شعور انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۹

۹ - نطق و شعورمندی انسان ، نشانه ای از آیات حق الهی *

و فی أنفسکم أفلا تبصرون .. إنه لحقّ مثل ما أنکم تنطقون

از ارتباط میان <إنه لحقّ> با <تنطقون>، ممکن است مطلب بالا استفاده شود.

تعلیم موجودات با شعور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۳ - ۳

۳ - خداوند، آفریده های با شعور خویش را بر شیوه به کار بردن توانمندی های خود، آگاه ساخته است .

فهدی

حسابرسی از موجودات با شعور

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۶

۶- تمامی مخلوقات با شعور جهان ، موجوداتی مسؤول و مورد بازپرسی خداوند

و هم یسلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <هم> <مَنْ> در <من فی السماوات> باشد.

شعور آتش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۹ - ۳

۳- پدیده های طبیعت ، چون آتش و ... دارای نوعی شعور و آگاهی اند .

قلنا ینار کونی بردًا و سلماً علیٰ إبرهیم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله (قلنا..) معنای حقیقی <گفتن> مقصود باشد. بنابراین لازمه شنیدن سخن خدا، شعور و آگاهی داشتن است.

شعور آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۳

۳ آتش جهنم ، دارای نوعی ادراک و احساس

إذا رأتهم من مکان بعید سمعوا لها تغیظًا و زفیراً

شعور آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۵

۵- زمین و آسمان (جهان هستی) ، دارای نوعی شعور ، اراده و نطق

قالتا أتینا طائعين

از واژه <قالتا> استفاده می شود که آسمان و زمین دارای نوعی نطق اند؛ چنان که از جمله <أتینا طائعين> فهمیده می شود که آن دو، از نوعی اراده و خواست نیز برخورداراند و از مجموع اراده و نطق نوعی شعور و ادراک استفاده می شود.

شعور آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۶

۶- آسمان

ها و زمین و کوه ها دارای نوعی شعورند .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها
خودداری از پذیرش امانت الهی، حکایت از نوعی شعور و ادراک می کند.

شعور آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۱۲

۱۲ - اطاعت هستی از خداوند ، اطاعتی آگاهانه است .

کل له قنتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۳

۳ - تمامی پدیده های جهان آفرینش ، موجوداتی اند شعورمند .

ألم تر أن الله يسجد له من في السموات

به کارگیری لفظ <من> برای همه پدیده های موجود در آسمان ها و زمین با توجه به این که این کلمه غالباً در ذوی العقول
به کار می رود می تواند اشعار به مطلب فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۶ - ۵

۵ - فرمان برداری عالم هستی از خداوند ، آگاهانه و عالمانه است .

كلّ له قنتون

جمع بسته شدن <قانت> با <ون> حکایت از این دارد که اطاعت آنها از خداوند، از روی شعور و فهم است.

شعور ابابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۴ - ۲

۲ - پرندگان حملهور به اصحاب فیل ، دارای شعور و قدرت تمیز بین نیرو های حق و باطل *

ترمیم بحجاره من سجیل

انتخاب سپاه ابرهه از بین مردمی که در آن منطقه حضور داشتند، بیانگر قدرت تشخیص پرندگان است.

شعور اخروی جمادات

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۷

۷- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

از ضمائر <ذوی القعول> در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

شعور اخروی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۷

۷- جهان آخرت ، جهان عینیت یافتن شعور و آگاهی برخی از پدیده ها و آشکار شدن حقایق ناشناخته دنیا

یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما کانوا یعملون

از آیه شریفه، چنین استفاده می شود که اعضا و جوارح، دارای نوعی شعوراند و اعمال آدمی را درک کرده و با خود نگه می دارند. البته این حقیقت در عالم دنیا، برای همگان عینیت ندارد و تنها در جهان آخرت، همگان شاهد تحقق عینی این معنا خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۷

۷- آخرت ، صحنه بروز و ظهور حیات و شعور موجودات *

قالوا أنطقنا الله الذی أنطق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۷

۷- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

از ضمائر <ذوی القعول> در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

شعور اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۴

۴ - اعضای بدن انسان ، دارای نوعی درک و شعور است .

تکلمنا أیدیههم و تشهد

أرجلهم بما كانوا يكسبون

برداشت یاد شده براساس این نکته است که لازمه گواهی دادن بر هر چیزی، آگاهی و درک نسبت به آن چیز است. بنابراین گواهی اعضای بدن بر رفتار آدمی، دلیل وجود نوعی درک و شعور در آنها است.

شعور انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۴ - ۳

۳ - پیدایش موجودی شعورمند و صاحب اراده از گلی خشکیده (چون انسان) ، شایان تأمل و درس آموزی است .

خلق الإنسان من صلصل

تذکر به مبدأ پیدایش انسان، ممکن است نظر به مطلب بالا داشته باشد؛ چه این که آیات سوره تماماً توحیدی است و در مقام نمایاندن ربوبیت یگانه حق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۴

۴ - ارجمندی و مرتبت جن و انس ، به عنوان دو موجود شعورمند و مسؤول در نظام جهان

سنفرغ لكم أیه الثقلان

ممکن است وصف <ثقلان> (دو موجود وزین و گران سنگ) از آن جهت به جن و انس اطلاق شده باشد که در پرتو شعور و مسؤولیتشان، مورد حسابرسی خداوند قرار می گیرند و شایستگی آن را دارند.

شعور بت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۹

۹ بت های مورد پرستش اهل شرک در آخرت ، دارای شعور و توانا بر نطق

و یوم نحشرهم جمیعاً .. و قال شرکاؤهم ما کنتم إیانا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۹ - ۳

بت های اهل شرک در جهان آخرت ، دارای شعور و آگاهی و توانا بر نطق
و قال شرکاؤهم . . . فکفی بالله شهیداً بیننا و بینکم إن کنا عن عبادتکم لغفلین

شعور پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۷

۷- طبیعت (کوه ها ، پرندگان و . . .) دارای نوعی شعور و آگاهی به خداوند

الجبال یسبحن و الطیر

هم آوا شدن کوه ها و پرندگان با داوود(ع) در تسبیح خداوند، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۶

۶- پرندگان ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به انسان و خدا

و الطیر محشوره کلّ له أوّاب

شعور جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۷

۷- کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبحن بالعشّی و الإشراق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۹

۹- وجود نوعی شعور ، در همه موجودات جهان حتی جمادات *

و هم عن دعائهم غفلون

جای انکار نیست که در میان معبودهای مشرکان، بت‌ها و جمادات نیز وجود داشته‌اند و خداوند در مورد چنین موجوداتی، اولاً ضمیر ذوی العقول (هم) آورده و ثانیاً صفتی را درباره آنان به کار برده (غافلون) که از نوع عدم و ملکه است؛ زیرا غفلت در جایی صدق می‌کند که زمینه توجه، وجود داشته باشد. از این دو تعبیر استفاده می‌شود که

جمادات نیز دارای نوعی توجه و شعوراند.

شعور جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۹

۹- جن ، همانند انسان موجودی شعورمند است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۴

۱۴- < جن > ، موجودی دارای شعور و اختیار است .

کان من الجنّ ففسق عن أمر ربّه

تمرد و سرپیچی، نشانه انتخاب گری است و حق انتخاب گری، به موجودی قابل اعطا است که از قدرت تشخیص برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ - جنّیان ، موجوداتی با شعور و فهم و توانمند بر انجام کارها

و من الجنّ من یعمل بین یدیه یاذن ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۹

۹ - جنّیان ، موجوداتی با شعور و توانمند بر انجام کارهای بزرگ

و من الجنّ من یعمل بین یدیه .. یعملون له ما یشاء من محریب و تمثیل و جفان کال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۹

۹ - جنیان ، از شعور و درایت و احساس عزت و ذلت برخورداراند .

فلما خرّ تبینت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۶

۶- جن ، موجودی دارای شعور ، تکلیف ، مرگ

و معاد ، همانند انسان

حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ

قرار گرفتن <جن> در کنار <انس>، به عنوان امت هایی که برخی از آنان مشمول کیفر حتمی الهی شده اند، می رساند که: اولاً جن مانند انسان دارای شعور و تکلیف است؛ زیرا بدون آن کیفر معنا ندارد و ثانیاً آنان نیز دارای مرگ و معاداند؛ زیرا برای انکار معاد، کیفر شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۳

۱۳- جن ، همانند انسان ، دارای شعور و اراده و تکلیف

و إذ صرفنا إليك نفراً من الجنّ . . . ولّوا إلى قومهم منذرين

استماع قرآن، ایمان به آن و انذار دیگران، گویای مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۳

۳ - جن ، موجودی شعورمند و دارای تکلیف ، همچون انسان

و ما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون

از این که <جن> در کنار <انس> قرار گرفته و هدفی همسان برایشان در نظر گرفته شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۳

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مثنی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسن من صلصل . . . فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۵

۵ - جن همانند انسان ، برخوردار

از نعمت ها و موهبت های زمین و دارای درك و مسؤولیت

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۵

۵ - جن ، همانند انسان بهره مند از مظاهر زیبای طبیعت و دارای درك و مسؤولیت

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

در صورتی که خطاب در آیه شریفه متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۶

۶ - جن همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درك و مسؤولیت

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

استفهام در <فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۴

۴ - ارجمندی و مرتبت جن و انس ، به عنوان دو موجود شعورمند و مسؤول در نظام جهان

سَنَفَرِّغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ

ممکن است وصف <ثقلان> (دو موجود وزین و گران سنگ) از آن جهت به جن و انس اطلاق شده باشد که در پرتو شعور و مسؤولیتشان، مورد حسابرسی خداوند قرار می گیرند و شایستگی آن را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۶

۶- جن ، دارای شعور و قدرت شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجنّ فقالوا إنا سمعنا قرءاً عجباً

شعور جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۷

۷ جن موجودی دارای حیات

و شعور و اراده است.

عدوا شیطین الإنس و الجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۵

۵ جن دارای شعور و اختیار و نیازمند هدایت رسولان الهی است.

یمعشر الجن و الإنس ألم یأتکم رسل منکم

مقتضای بازخواست و درست بودن توبیخ آن است که مورد دارای شعور اختیار و تکلیف باشد. در غیر این صورت بازخواست و توبیخ و کیفر موجه نیست.

شعور حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم .. ثم إلی ربهم یحشرون

شعور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۲

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه، خورشید و ستارگان بر او، سجده ای از سر شعور و آگاهی است.

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

شعور در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۳ - ۷

۷ تمامی موجودات دارای شعور ، خواسته یا ناخواسته ، در برابر خدا تسلیم هستند .

افغیر دین الله یبغون و له

اسلم من فى السموات طوعاً و كرهاً

با توجه به کلمه <من> که برای ذوی العقول است، مقصود، موجودات باشعورند.

شعور رعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۳

۳ رعد های آسمانی دارای نوعی شعور و ادراک

و یسبح الرعد بحمده

شعور زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۶

۶ - آسمان ها و زمین و کوه ها دارای نوعی شعورند .

إنا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها

خودداری از پذیرش امانت الهی، حکایت از نوعی شعور و ادراک می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۵

۵ - زمین و آسمان (جهان هستی) ، دارای نوعی شعور ، اراده و نطق

قالتا أتينا طائعين

از واژه <قالتا> استفاده می شود که آسمان و زمین دارای نوعی نطق اند؛ چنان که از جمله <أتينا طائعين> فهمیده می شود

که آن دو، از نوعی اراده و خواست نیز برخوردارند و از مجموع اراده و نطق نوعی شعور و ادراک استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۵

۵ - زمین در قیامت ، دارای شعور و کلام و گواه آنچه بر روی آن اتفاق افتاده است .

تحدّث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۵ - ۳

۳ - زمین ، دارای نوعی شعور و مقهور ربوبیت خداوند

بأن ربّك أوحى لها

شعور زنبور عسل

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۳

۳- وجود نوعی شعور و استعداد تلقی وحی و الهام الهی در زنبور های عسل

و أوحى رَبُّكَ إِلَى النحل

شعور ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۲

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رَأَيْتُمْ لِي سَجْدِينَ

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

شعور شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۴

۴- شیاطین ، موجوداتی با شعور و درک و دارای قوه شنوایی

إِلَّا مِنْ اسْتَرْقِ السَّمْعِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۴

۴- شیاطین ، موجوداتی دارای شعور و کارآیی هستند .

و من الشیطین من یغوصون له

برداشت یاد شده با توجه به نکته است که تسخیر شیاطین برای سلیمان(ع) و حرف شنوی آنان، ملازم با شعور آنها است.

شعور طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۸،۹

۸ - طبیعت و جهان مادی دارای شعور است .

و إن منها لما يهبط من خشية الله

- ۹

طبیعت و جهان مادی، آشنا با خدا و آگاه به مقام الوهیت است.

و إن منها لما يهبط من خشية الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۷

۷- طبیعت (کوه ها ، پرندگان و ...) دارای نوعی شعور و آگاهی به خداوند

الجبال یسبحن و الطیر

هم آوا شدن کوه ها و پرندگان با داوود(ع) در تسبیح خداوند، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

شعور کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۸، ۶، ۵، ۲

۲ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن، قایل را به کیفیت دفن جثه هاییل رهنمون ساخت.

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قایل، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هاییل

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در <لیریه> به <غراب> برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قایل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نمان می ساخت.

۶ فاصله زمانی اندک میان مرگ هاییل و گسیل کلاغی برای آموزش قایل

فقتله .. فبعث الله غراباً

عطف <بعث> بر <قتله> به وسیله <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

۲۸ حفر زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر پس از زد و خورد میان آنها، راهنمای قایل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث الله غراباً يبحث في

الأرض ليريه كيف يورى سوءه اخيه

از امام سجاده (ع) روایت شده: ... فجاء غرابان فاقبلا يتضاربان حتى قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقى الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

شعور کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۷

۷- طبیعت (کوه ها ، پرندگان و ...) دارای نوعی شعور و آگاهی به خداوند

الجبال یسبحن و الطیر

هم آوا شدن کوه ها و پرندگان با داوود (ع) در تسبیح خداوند، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۶

۶ - آسمان ها و زمین و کوه ها دارای نوعی شعورند .

إنّا عرضنا الأمانة علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها و أشفقن منها

خودداری از پذیرش امانت الهی، حکایت از نوعی شعور و ادراک می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۷

۷ - کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبحن بالعشی و الإشراق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۲

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه، خورشید و ستارگان بر او، سجده ای از سر شعور و آگاهی است.

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری

آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

شعور معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۱۱

۱۱- در میان معبودان مشرکان ، موجودات شعوردار نیز وجود دارد .

شركاءى الذين زعمتم فدعوهم

با توجه به واژه <الذين> و ضمیر <هم> که برای ذوی العقول است، چنین برمی آید که معبودهای مشرکان، صرفاً، بت و یا موجودات فاقد شعور دیگر نیستند، بلکه موجوداتی با شعور مانند ملائکه جن و ... نیز در بین آن ها وجود دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۱۲

۱۲ - برخی از معبود های مشرکان ، از موجودات دارای شعوراند .

أولياء ما نعبدهم

با توجه به آمدن ضمیر <هم> که در مورد موجودات شعورمند به کار می رود برداشت یادشده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۷

۷- برخی از معبود های مشرکان ، در شمار موجودات شعورمند

ما تدعون من دون الله .. ماذا خلقوا ... أم لهم شرك

به کار رفتن ضمیر ذوی العقول در مورد معبودهای دروغین مشرکان، می تواند از آن جهت باشد که در میان آنها، عناصری شعورمند نیز وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- وجود موجودات شعورمند ، در میان

من لا يستجيب له إلى يوم القيمة و هم عن دعائهم غفلون

شعور موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۱۱

۱۱ - همه موجودات ، برخوردار از آگاهی و شعور به مقام خداوند هستند .

کل له قنتون

جمع بستن کلمه قانت به وسیله <ون> حکایت از آن دارد که: موجودات آسمانها و زمین - در ارتباط با خداوند - از شعور و آگاهی برخوردار هستند؛ زیرا صفت مذکر آن گاه این گونه جمع بسته می شود که موصوف از صاحبان عقل و شعور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۶

۶- ماده ، دارای شعور و نطق مخصوص به خویش *

تَسْبِحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِحُ بِحَمْدِهِ

بنابر اینکه مراد از تسبیح، تسبیح زبانی باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۹ - ۳

۳- پدیده های طبیعت ، چون آتش و ... دارای نوعی شعور و آگاهی اند .

قلنا ینار کونی بردا و سلما علی ابرهیم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله (قلنا..) معنای حقیقی <گفتن> مقصود باشد. بنابراین لازمه شنیدن سخن خدا، شعور و آگاهی داشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۳

۳ - تمامی پدیده های جهان آفرینش ، موجوداتی اند شعورمند .

ألم تر أن الله يسجد له من في السموت

به کارگیری لفظ <من> برای همه

پدیده های موجود در آسمان ها و زمین با توجه به این که این کلمه غالباً در ذوی العقول به کار می رود می تواند اشعار به مطلب فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۱۲

۱۲ - همه موجودات عالم ، از نوعی شعور و ادراک برخوردارند .

يَسْبَحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرِ صَفَّتْ كُلُّ قَدِّمْ عِلْمِ صَلَاتِهِ وَ تَسْبِيحِهِ

نیایش و تسبیح موجودات جهان از جمله پرندگان برای خداوند، حاکی از وجود نوعی شعور و ادراک در آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۶ - ۹

۹ - همه موجودات عالم ، از نوعی شعور و آگاهی برخوردارند .

كُلُّ لَه قَتْتُون

جمع بسته شدن <فانتون> به <ون> که برای ذوی العقول است از نکته یاد شده حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - شعورمندی و تکلیف تمامی موجودات زنده هستی *

و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

چنانچه <دابه> بر همه جنبندگان اطلاق شود و آیه شریفه محشور گشتن تمامی آنان در قیامت را متذکر گردد، این احتمال قوت می گیرد که عقل، شعور و تکلیف اختصاص به انسان ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۹

۹- وجود نوعی شعور ، در همه موجودات جهان حتی جمادات *

و هم عن دعائهم غفلون

جای انکار نیست که در میان معبودهای مشرکان، بت ها و جمادات نیز وجود

داشته اند و خداوند در مورد چنین موجوداتی، اولاً ضمیر ذوی العقول (هم) آورده و ثانیاً صفتی را درباره آنان به کار برده (غافلون) که از نوع عدم و ملکه است؛ زیرا غفلت در جایی صدق می کند که زمینه توجه، وجود داشته باشد. از این دو تعبیر استفاده می شود که جمادات نیز دارای نوعی توجه و شعوراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱ - ۴

۴ - موجودات آسمان ها و زمین ، همگی برخوردار از نوعی شعور و ادراک

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

تسبیح خداوند و مبرّاً دانستن ساحت مقدس او از عیب و کاستی، بیانگر معرفت و شناخت عالی موجودات نسبت به خالق و آفریننده خویش است. شناخت و معرفت کامل خدا، مبتنی بر این است که شناسنده، از نوعی ادراک و شعور بالایی برخوردار باشد. گفتنی است که برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <سَبِّح...>، تسبیح متداول (تسبیح زبانی) باشد؛ نه تسبیح تکوینی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱ - ۲

۲ - تمامی موجودات جهان ، دارای شعوری مخصوص به خود

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

برداشت یاد شده بر این اساس است که تسبیح موجودات صرفاً، تسبیح به زبان حال نباشد و تسبیح قولی را نیز دربرگیرد. در این صورت اقرار به تنزیه پروردگار، مسبوق به نوعی شعور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۵

۵ - همه موجودات هستی دارای شعور و نطق

سَبِّحْ لِلَّهِ

ما فی السموت و ما فی الأرض

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مراد از تسبیح در آیه شریفه، تسبیح نطقی باشد نه تسبیح تکوینی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱ - ۴

۴ - همه موجودات هستی ، دارای شعور و نطق

یسَّبِحُ لِلَّهِ ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۴

۴ - همه موجودات عالم ، از نوعی شعور و آگاهی نسبت به خداوند برخوردارند .

یسَّبِحُ لِلَّهِ ما فی السموت و ما فی الأرض

شعور مورچگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۵،۷

۵ - وجود شعور ، نظام رهبری و مدیریت و نیز سازمان اطلاع رسانی در مورچگان

قالت نمله .. لا یحطمتکم سلیمان و جنوده

۷ - آگاهی مورچه به مقام معنوی و عدالت سلیمان

لا یحطمتکم سلیمان و جنوده و هم لایشعرون

تعبیر <و هم لایشعرون> بیانگر این نکته است که آن مورچه می دانست که سلیمان در صورت توجه، نخواهد گذاشت که مورچگان مورد ستم قرار گیرند و پایمال شوند.

شعور مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ - مؤمنان ، از حیات و شعور واقعی بهره مندند .

لا تسمع الموتى .. و ما أنت بهد العمى عن ضللتهم إن تسمع إلا من يؤمن بأيتنا

نفی توان شنواندن کلام حق به کافران، با تعبیر <لا تسمع الموتى> و اثبات توان آن به مؤمنان، با تعبیر <إن تسمع إلا من
يؤمن> حکایت

از آن دارد که کافران، فاقد درک و شعور لازم اند و برعکس مؤمنان از آن برخوردارند.

شعور هدهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۵ - ۴

۴ - هدهد سپاه سلیمان ، دارای شعور عالی و معرفت عمیق به آفریدگار جهان

یسجدون للشمس من دون الله... ألا یسجدوا لله الذی یخرج الخبء فی السموت و الأرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۸

۸ - هدهد سپاه سلیمان ، عنصری فهیم و قادر به درک زبان سلیمان (ع) و نیز زبان مردم سبا

اذهب بکتبی هذا... فانظر ماذا یرجعون

عقیده به شعور بتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۴ - ۶

۶ مشرکان ، بت های مورد پرستش خود را ، موجوداتی با شعور می پنداشتند .

فلا أعبد الذین تعبدون من دون الله

<الذین> اسم موصول است و برای ذوی العقول استعمال می شود.

عقیده به شعور معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ - مشرکان ، معتقد به شعورمندی معبود ها و تأثیرگذاری آنها در سرنوشت انسان ها

و یخوفونک بالذین من دونه

اعتقاد به گزند رساندن معبودهایی چون بت، بیانگر مطلب یاد شده است.

عوامل زوال شعور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۵

۵ - انسان ها ، با مرگ ، درک و شعور خود را از دست می دهند .

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى

اگرچه مراد

از <الموتی> کسانی اند که از حق گریزان اند و نوعی تشبیه در آیه به کار رفته است، ولی چنین امری، نشان دهنده این حقیقت است که مرده، فاقد شعور است.

موجودات با شعور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۰ - ۶

۶- کره زمین ، دارای موجودات با شعور از نوع غیر انسان که روزی آنها به دست خداوند است .

و جعلنا لکم فیها معیش و من لستم له برزقین

لفظ <من موصول> نوعاً بر موجوداتی اطلاق می شود که دارای شعور و ادراک باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۱۵

۱۵- وجود مخلوقاتی شعورمند علاوه بر انسان ، در جهان آفرینش *

و فضلنهم علی کثیر ممّن خلقنا

آوردن کلمه <من> - که نوعاً برای ذوالعقول و موجودات باشعور به کار می رود - به جای <ما> می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۹

۹- جن ، همانند انسان موجودی شعورمند است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۴

۱۴- < جن > ، موجودی دارای شعور و اختیار است .

كان من الجنّ ففسق عن أمر ربّه

تمرد و سرپیچی، نشانه انتخاب گری است و حق انتخاب گری، به موجودی قابل اعطا است که از قدرت تشخیص برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱

۳- وجود موجوداتی دارای شعور و عقل در آسمان ها و زمین

و له من فی السموت والأرض

<من> در موجوداتی استعمال می شود که دارای شعور و عقل باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۶

۶- تمامی مخلوقات با شعور جهان ، موجوداتی مسؤول و مورد بازپرسی خداوند

و هم یسلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <هم> <مَن> در <من فی السماوات> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۳

۳- آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت (خاک و آتش) ، نمود قدرت خداوند

خلق الإنسن من .. و خلق الجن من مارج من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۳

۳- پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مستی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله

آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسن من صلصل .. فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۴

۴- ارجمندی و مرتبت جن و انس ، به عنوان دو موجود شعورمند و مسؤول در نظام جهان

سنفرغ لکم أیه الثقلان

ممکن است وصف <ثقلان> (دو موجود وزین و گران سنگ) از آن جهت به جن و انس اطلاق شده باشد که در پرتو شعور و مسؤولیتشان، مورد حسابرسی خداوند قرار می گیرند

وشایستگی آن را دارند.

موجودات با شعور آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴ - ۲

۲- وجود سخن و کلام در میان موجودات آسمانی

قال ربّی یعلم القول فی السماء

موجودات با شعور آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۶ - ۴

۴ وجود موجوداتی با شعور و عاقل در آسمانها

من فی السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۵

۵ آسمان ها حاوی موجوداتی مادی و دارای عقل و شعور

و لله یسجد من فی السموت . . . و ظلّهم

برداشت فوق از کلمه <من> و ضمیر <هم> که برای موجودات دارای شعور و عقل به کار می رود استفاده شده است و سایه داشتن آن موجودات حاکی از مادی بودن آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۴

۴- آسمان ها ، دارای موجوداتی با شعور

تَسْبِيحُ لَهُ السَّمَوَاتِ . . . وَ مِنْ فِيهِنَّ

کاربرد <من> که نوعاً برای ذی العقول (موجودات با شعور) است، به جای <ما> که برای عموم موجودات است، دلالت بر نکته یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۵ - ۵

۵- در آسمان ها ، همچون زمین ، موجوداتی باشعور زندگی می کنند .

أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

استعمال <من> که غالباً برای موجودات ذی شعور اطلاق می گردد در آیه فوق، می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۹ -

۳- وجود موجوداتی دارای شعور و عقل در آسمان ها و زمین

و له من فی السموت والأرض

<من> در موجوداتی استعمال می شود که دارای شعور و عقل باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۹

۹ - آسمان ها نیز ، همچون زمین در بردارنده موجوداتی شعورمند *

لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

کلمه <من> گرچه گاهی در غیر ذوی العقول به کار می رود ولی غالباً در عقلا و موجودات شعورمند کاربرد دارد. برداشت فوق، بر پایه کاربرد دوم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - همه موجودات با شعور آسمان ها و زمین ، تسبیح گوی خدا هستند .

ألم تر أنّ الله یسبّح له من فی السموت و الأرض

<من> برای موجودات دارای شعور به کار می رود.

۲ - تسبیح خداوند به وسیله موجودات با شعور آسمان ها و زمین ، قابل درک و فهم برای انسان است .

ألم تر أنّ الله یسبّح له من فی السموت و الأرض

برداشت یاد شده، از استفهام در <ألم تر> که از نوع تقریری است استفاده می شود زیرا استفهام تقریری در جایی به کار می رود که مورد آن، برای مخاطب روشن و شناخته است.

۳ - تمامی موجودات با شعور آسمان ها و زمین ، معترف به وجود خداوند و تنزیه گوی او از هر گونه نقص و ناروایی

ألم تر أنّ الله یسبّح له من فی السموت و الأرض

۴- وجود موجودات با شعور در آسمان ها

ألم تر أن الله يسبح له من

فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۸

۸ - وجود موجوداتی شعورمند در آسمان ها

من فی السموت

واژه <من> نوعاً برای صاحبان عقل به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۷ - ۴،۱۱

۴ - آسمان ها همچون زمین ، دربردارنده موجوداتی شعورمند و با احساس

ففرع من فی السموت و من فی الأرض

تعبیر <فرع> نشانگر احساس و <مَن> بیانگر شعورمندی موجودات آسمانی است.

۱۱ - مرگ و رستاخیز ، حقیقتی عام و دربرگیرنده تمامی موجودات شعورمند آسمان و زمین

ففرع من فی السموت و من فی الأرض . . . و کلّ أتوه

بنابراین فرض که در آیه فوق، هم مرگ لحاظ شده باشد و هم رستاخیز و به عبارت دیگر مراد از <ینفخ فی الصور> هم نفخه اولی باشد و هم نفخه ثانیه، تعبیر <من فی السماوات و من فی الأرض> و نیز عبارت <و کلّ أتوه داخرین> می رساند که حکم بیان شده در آیه، اختصاص به موجوداتی خاص ندارد؛ بلکه همه موجودات هستی مشمول آن حکم می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۶ - ۴

۴ - موجوداتی شعورمند ، در آسمان ها وجود دارند .

و له من فی السموت

از آن جایی که <من> موصول نوعاً و غالباً برای موجودات دارای شعور به کار می رود، نکته یاد شده فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۲،۳

۲ - آسمان ها و زمین ،

دربردارنده موجوداتی زنده ، شعورمند و با احساس

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض

<من> برای موجودات دارای شعور به کار می رود. آمدن این کلمه و نیز مسأله مردن و ایستادن و نگاه کردن موجودات آسمانی و زمینی در صحنه قیامت (اذا هم قیام ینظرون)، گویای برداشت یاد شده است.

۳- مرگ و رستاخیز ، حقیقتی عام و در برگیرنده تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین و نه مخصوص انسان ها

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض .. ثم نفخ فیهِ أُخری فاذا هم ق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۳

۳- وجود مخلوقات شعورمند ، در آسمان ها

یسله من فی السموت

کلمه <من>، غالباً در مورد موجودات شعورمند به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱ - ۴

۴- موجودات آسمان ها و زمین ، همگی برخوردار از نوعی شعور و ادراک

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السموت و الأرض

تسبیح خداوند و مبرا دانستن ساحت مقدس او از عیب و کاستی، بیانگر معرفت و شناخت عالی موجودات نسبت به خالق و آفریننده خویش است. شناخت و معرفت کامل خدا، مبتنی بر این است که شناسنده، از نوعی ادراک و شعور بالایی برخوردار باشد. گفتنی است که برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <سَبَّحَ...>، تسبیح متداول (تسبیح زبانی) باشد نه تسبیح تکوینی.

موجودات با شعور زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آسمان ها و زمین ، دربردارنده موجوداتی زنده ، شعورمند و با احساس

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض

<من> برای موجودات دارای شعور به کار می رود. آمدن این کلمه و نیز مسأله مردن و ایستادن و نگاه کردن موجودات آسمانی و زمینی در صحنه قیامت (إذا هم قیام ینظرون)، گویای برداشت یاد شده است.

۳ - مرگ و رستاخیز ، حقیقتی عام و در برگیرنده تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین و نه مخصوص انسان ها

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض .. ثم نفخ فیهِ أُخری فإذا هم ق

شعیب از دیدگاه قرآن در تفسیر اهنما

شعیب(ع)

آب دهی به گوسفندان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۴ - ۳

۳ - اقدام بی درنگ موسی (ع) به آب دادن گوسفندان دختران شعیب پس از شنیدن اظهارات آنان

قالتا .. و أبونا شیخ کبیر . فسقی لهما

تعبیر <فسقی لهما> با <فأکی عاطفه که برای عدم تراخی است بیانگر مطلب یاد شده است.

آثار تکذیب شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۷ - ۲

۲ - به دنبال تکذیب شعیب (ع) از سوی مردم مدین ، زلزله ای هلاکت بار ، آنان را فراگرفت و از پا درآورد .

فکذبوه فأخذتهم الرجفه فأصبحوا فی دارهم جثمین

آثار عدالتخواهی شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۵

۵ - پیام عدالت خواهی و حق جویی شعیب (ع)

(، مایه انکار رسالت وی از سوی مفسدان سودجوی آیکه

أوفوا الكيل . . . و لاتعتوا فی الأرض مفسدین ... و إن نظنک لمن الکذبین

آثار نبوت شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۹

۹ برخورداری شعيب (ع) از مقام نبوت ، برانگیزنده او به فراخوانی مردمان به توحید و رعایت عدل و انصاف در مبادلات

قالوا يشعيب أصلوتك تأمرک . . . قال يقوم أریتم إن كنت علی بينه من ربی و رزقنی

سخنان شعيب(ع) در آیه مورد بحث ، پاسخی است به تحلیل استهزاآمیز قومش (أصلوتك). شعيب(ع) با جمله <أریتم...> بیان می دارد که منشأ مخالفت وی با آرا و عقاید آنان و عملکرد ناصوابشان ، مسؤولیتی است که خداوند برعهده او قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۵

۵ - تأکید شعيب (ع) بر خیرخواهی خود ، مبنی بر تضمین منافع مردم <ایکه> در پرتو رسالت وی

إنی لكم رسول أمين

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (با لام انتفاع) استفاده می شود.

آزادی در خانواده شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۲

۲ - وجود رابطه صمیمی و فضای آزاد برای گفت و گو میان شعيب (ع) و دختران وی

قالت إحدیهما یأبت استئجره . . . القوی الامین

از این که دختر شعيب پیشنهاد خودش را بدون هیچ تکلفی با پدر در میان گذاشت و آزادانه به ستایش موسی(ع) پرداخت

مطلب بالا استفاده می شود.

آزادی

در شریعت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۶ - ۶

۶ شعیب (ع) ، به مردم مدین ابلاغ کرد که هرگز درصدد اجبار آنان به پذیرش تعالیمش نخواهد بود .

و ما أنا علیکم بحفیظ

<حفیظ> به معنای مراقب و نگهبان است و چون به <علی> متعدی شده، معنای تسلط نیز در آن اشراب شده است. بنابراین <و ما أنا...> یعنی، من موظف نیستم از سر جبر شما را از اعمال ناروا باز دارم و به اعمال شایسته سوق دهم.

اتمام حجت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۶

۶ شعیب (ع) پس از اتمام حجت بر مردم و لجاجت پیشگی آنان ، در انتظار سرنوشت شوم آنان بود .

وارتقبوا إنی معکم رقیب

<رقیب> در آیه شریفه به معنای منتظر است.

اجابت دعای شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۷

۷ نزول عذاب بر کفرپیشگان قوم شعیب ، پاسخ خداوند به درخواست او (داوری میان مؤمنان و کافران)

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق .. فأخذتهم الرجفه

احتجاج شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ شعيب با ارائه بينه ای روشنگر ، قوم خویش را به توحيد و ترک شرک دعوت کرد .

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره قد جاءكم بينه من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ سیطره خداوند بر رفتارها، عزت و شکوه برتر او و ضرورت احساس حضور در پیشگاه او، پاسخ شعیب (ع) به سخنان نا به جا و ناروای مردم مدین

و إنا لنرىك فينا ضعيفًا .. قال يقوم أرهطى أعزّ عليكُم من الله... إن ربي بمات

احترام خویشاوندان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۰، ۹

۹ خاندان شعیب، قبیله ای شایسته احترام در نزد مردم مدین

لولا رهطک لرجمنک

<رهط> به گروه و دسته ای گفته می شود که از ده نفر تجاوز نکند و آن گاه که به کلمه ای همانند رجل اضافه شود (رهط الرجل) به معنای قبیله، قوم و خاندان است.

۱۰ عزت و احترام قبیله شعیب در نزد مردم مدین، مانع آنان از کيفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطک لرجمنک

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعیب(ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از <لولا رهطک> این معنا نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند بلکه به قرینه <ما أنت علينا بعزیز> و <أرهطی أعز>. <در آیه بعد مراد از <لولا رهطک>، <لولا عزه قومک و کرامتهم عندنا...> است.

احترام شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۱

۱۱ مردم مدین، شعیب (ع) را به خاطر مبارزه اش علیه شرکورزی و بی عدالتی، فاقد کرامت دانسته و شایسته احترام نمی شمردند.

و ما أنت علينا بعزیز

به معنای محترم و بزرگوار و نیز به معنای شکست ناپذیر می باشد. مراد از آن در آیه شریفه معنای اول است.

اخلاص شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۱

۱ - تصریح شعیب (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر .. إلا على ربّ العلمین

اخلاق پسندیده شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱۵

۱۵ شعیب (ع) ، حتی در میان کافران قومش ، به دارا بودن اخلاق نیکو شهرت داشت .

إنك لأنت الحليم الرشيد

ازدواج دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱

۱ - تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال إنني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

ازدواج در شریعت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - ولایت داشتن پدر بر دختر در ازدواج ، در شریعت مورد قبول شعیب (ع)

قال إنني أريد أن أنكحك .. علي أن تأجرني ثمنى حجج

استقامت شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٥ - ٩٠ - ٧ - اعراف

٥ شعيب (ع) پس از اعلان پایداریش بر توحید و رد پیشنهاد اشراف کفرپیشه (بازگشت به آیین شرک) ، خروج از دیار

مدین

را برگزید .

لئن اتبعتم شعیباً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <اتبعتم شعیباً>، پیروی از شعیب(ع) در خروج از شهر مدین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۳

۳ شعیب (ع) موظف به پایداری بر مواضع خویش (ابلاغ رسالت الهی و مبارزه با شرک و فساد)

ینی عمل

استهزای عبادات شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۳

۳ مردم مدین ، نمازها و عبادت های شعیب (ع) را مورد تمسخر و استهزای خویش قرار می دادند .

أصلوتك تأمرک أن نترك ما یعبدهاؤنا

استفهام در جمله <أصلوتك .. > به داعی استهزا و تمسخر ایراد شده است.

استهزای نماز شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۳

۳ مردم مدین ، نمازها و عبادت های شعیب (ع) را مورد تمسخر و استهزای خویش قرار می دادند .

أصلوتك تأمرک أن نترك ما یعبدهاؤنا

استفهام در جمله <أصلوتك .. > به داعی استهزا و تمسخر ایراد شده است.

اشراف مدین و شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۸

۸ اشراف کفرپیشه مدین بازگشت به آیین ملی آن سامان را شرط رهایی شعیب و همگامانش از خطر تبعید اعلان کردند .

لنخرجنک .. او لتعودن فی ملتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۳

۳ اشراف کفرپیشه مدین

با یاد کردن سوگند ، پذیرش رسالت شعیب و پیروی از دستورات او را ، امری زیان آور معرفی می کردند .

لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذا لخسرون

اصحاب ایکه و شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۱

۱ - مردم ایکه ، منکر هر گونه امتیاز و شایستگی شعیب (ع) برای رسالت الهی

و ما أنت إلا بشر مثلنا

اصلاح گری شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۱، ۲۰

۲۰ هدف شعیب (ع) از مخالفت با آداب و رسوم مردم مدین و رفتار ناعادلانه آنان ، اصلاح ایشان و از میان بردن فساد های اجتماعی بود .

إن أُرید إلاّ الإصلاح ما استطعت

۲۱ شعیب (ع) تا حد توان و استطاعتش در اصلاح جامعه کوشید و با فساد مبارزه کرد .

إن أُرید إلاّ الإصلاح ما استطعت

حرف <ما> در <ما استطعت> ظرفیه مصدریه است یعنی، به معنای مدت و زمان می باشد و فعل پس از خود را به تأویل مصدر می برد. بنابراین <إن أُرید...> یعنی: <مده استطاعتی الإصلاح ما أُرید إلاّ الإصلاح> من در مدت و زمانی که توان اصلاح امور را دارم به جز اصلاح امور را نخواهم خواست.>

اطاعت از شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۳، ۶

۳ اشراف کفریہ مدین با یاد کردن سوگند ، پذیرش رسالت شعیب و پیروی از دستورات او را ، امری زیان آور معرفی می کردند .

لئن اتبعتم شعیباً انکم اذاً لخرسون

مؤمنان به رسالت شعیب (ع) مصمم بر آیین توحید و متابعت شعیب (ع) در خروج از شهر مدین

لئن اتبعتم شعیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۲

۲ - شعیب (ع) ، خواهان اطاعت اصحاب ایکه از او ، به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری اش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

برداشت یاد شده از تفریع < اتَّقُوا .. > بر < إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ > به دست می آید.

اظهار خیرخواهی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۵

۵ - تأکید شعیب (ع) بر خیرخواهی خود ، مبنی بر تضمین منافع مردم < ایکه > در پرتو رسالت وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید < لَكُمْ > (با لام انتفاع) استفاده می شود.

اعتماد به شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۲

۲ - دعوت شعیب (ع) از مردم ایکه ، مبنی بر پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه < آمین > می تواند از ریشه < امن > و به معنای < مأمون > (فرد مورد وثوق و اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید < آمین > دعوتی از جانب شعیب(ع) است که مردم به او اعتماد کنند (به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند).

اقلیت خویشاوندان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۷

شعیب (ع) در شهر مدین ، دارای طایفه ای انگشت شمار بود .

لولا رهطک لرجمنک

امانتداری شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۳،۶

۳ - تأکید شعیب (ع) بر امانت داری خویش در ابلاغ پیام الهی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <أمین> از ریشه <أمانه> (مقابل <خیانه>) مشتق باشد.

۶ - شعیب (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار ، نزد مردم ایکه

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید شعیب(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری نزد مردم ایکه برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۲

۲ - شعیب (ع) ، خواهان اطاعت اصحاب ایکه از او ، به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری اش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

برداشت یاد شده از تفریع <اتَّقُوا..> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ> به دست می آید.

امداد به دختران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۴ - ۶

۶- کمک رسانی موسی (ع) به دختران شعیب ، علی رغم خستگی و گرسنگی شدید وی

ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ

انبیای قبل از شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۸،۹

۸ حضرت نوح ، هود ، صالح و لوط (ع) ،

پیامبرانی پیش از حضرت شعیب (ع)

مثل ما أصاب قوم نوح .. و ما قوم لوط منکم ببعد

۹ فاصله زمانی میان عصر شعیب با عصر نوح ، هود و صالح (ع) زیاد بوده است .

مثل ما أصاب قوم نوح أو قوم هود أو قوم صلح و ما قوم لوط منکم ببعد

از اینکه شعیب(ع) از میان اقوام یاد شده تنها قوم لوط را به نزدیک بودن با مردم مدین (عصر خویش) توصیف کرد ، برداشت فوق استفاده می شود.

انتظارات شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۶

۶ شعیب (ع) پس از اتمام حجت بر مردم و لجاجت پیشگی آنان ، در انتظار سرنوشت شوم آنان بود .

وارتقبوا إنی معکم رقیب

<رقیب> در آیه شریفه به معنای منتظر است.

اندوه شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ شعیب (ع) با توجه به کفرورزی مردم خویش ، دریغ و تأسف بر هلاکت آنان را ناروا خواند .

فکیف ءاسی علی قوم کفرین

لحن جمله <یقوم .. > حکایت از دریغ و تأسف شعیب دارد و جمله <کیف ءاسی ... > دلالت می کند که تأسف بر هلاکت کفرپیشگان نارواست. گویا شعیب هنگامی که قومش را مشرف به هلاکت یافت بر آنان افسوس خورد و سپس کفرورزی آنان را ملاحظه کرد و آنان را مستحق این هلاکت دانست و لذا نتیجه گرفت که نباید بر هلاکت ایشان افسوس خورد.

انذارهای شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ شعيب (ع) ، مردم خویش را از فسادگری در سراسر پهنه گیتی بر حذر داشت .

و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

<عُثُو> (مصدر لاتعتوا) به معنای فسادگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۱

۱ - هشدار شعيب (ع) به مردم حق ناپذیر <آیکه > ، درباره نظارت خداوند بر رفتار و اعمال ناشایست آنان

قال ربّی أعلم بما تعملون

انقیاد پیروان شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ شعيب (ع) و مؤمنان به رسالتش ، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما یكون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء الله ربنا

انقیاد شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱۲، ۱۷

۱۲ شعيب (ع) و مؤمنان به رسالتش ، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما یكون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء الله ربنا

۱۷ شعيب (ع) ، علم مطلق خداوند را دلیل پذیرش ربوبیت وی و تسلیم در برابر مشیتهايش دانست .

قال .. إلا أن یشاء الله ربنا وسع ربنا کل شیء علماً

اوامر شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۱

۱ - بازگشت يکي از دختران شعيب نزد موسی به فرمان پدر

فجاءته إحدیهما .. قالت إنّ أبی یدعوك

اولین رسالت شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۴ - نخستین پیام شعیب (ع) به مردم مدین ، دعوت به خداپرستی و امیدواری به روزواپسین بود .

إلى مدین أخاهم شعيبًا فقال يقوم اعبدوا الله و ارجوا اليوم الآخر

اهل مدین و تعالیم شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۵، ۳، ۲، ۱

۱ مردم مدین ، از درک کردن و فهمیدن بسیاری از تعالیم شعیب (ع) محروم بوده و بدان اعتراف می کردند .

قالوا يشعيب ما نفقه كثيرًا مما تقول

۲ منفعت پرستی ، حرام خواری ، تعصب و قوم گرایی عامل های بازدارنده مردم مدین از اندیشه کردن در تعالیم شعیب (ع) و فهمیدن آنها

قالوا يشعيب ما نفقه كثيرًا مما تقول

۳ مردم مدین ، بسیاری از تعالیم شعیب (ع) را ، سخنانی سخیف و بی فایده می شمردند و شایسته اعتنا کردن نمی دانستند .

ما نفقه كثيرًا مما تقول

مراد از جمله <ما نفقه ..> (بسیاری از سخنان را نمی فهمیم) می تواند معنای حقیقی آن باشد یعنی، واقعاً توان درک تعالیم تو را نداریم، مسأله توحید برای ما لاینحل است، محدود دانستن مالک در تصرف اموال خویش قابل هضم نیست و ... و می تواند کنایه از نامعقول بودن و نا به جا و بی ثمر بودن باشد یعنی، پیامهای تو آن قدر سخیف است که شایسته تأمل کردن و فهمیدن و عمل کردن نیست. برداشت فوق، ناظر به احتمال دوم است.

۵ مردم مدین ، نفوذ پیام های شعیب (ع) در مردم و پیاده کردن رسالتهایش در

جامعه را، نامحتمل شمردند .

قالوا يشعيب ما نفقه كثيرًا مما تقول و إنا لنريك فينا ضعيفًا

جمله < ما نفقه .. > به ضمیمه < و إنا لنراک ... > در حقیقت استدلالی است بر نامحتمل دانستن موفقیت شعیب(ع). مردم مدین با جمله های فوق، بیان می دارند که: آنان سخنان شعیب(ع) را درک نمی کنند و به آنها اعتنایی ندارند تا به او رایش پیدا کنند. و خود او نیز توان و قدرتی ندارد تا با قوه قهریه، افکار و آرایش را بر مردم تحمیل کند. بنابراین راهی برای موفقیت او نیست.

اهل مدین و خویشاوندان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۹

۹ خاندان شعیب ، قبیله ای شایسته احترام در نزد مردم مدین

لولا رهطک لرجمنک

< رهط > به گروه و دسته ای گفته می شود که از ده نفر تجاوز نکند و آن گاه که به کلمه ای همانند رجل اضافه شود (رهط الرجل) به معنای قبیله ، قوم و خاندان است.

اهل مدین و شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱۷، ۱۵، ۱۴

۱۴ شعیب (ع) شخصیتی با درایت و راه یافته حتی در دیدگاه کافران قوم خویش

إنک لانت الحلیم الرشید

از معانی < حِلْم > عقل و درایت است و < حَلِيم > در جمله فوق، از آن مشتق شده است. < الرشید > به معنای راه یافته و هدایت شده است. قابل ذکر است که مقصود مردم مدین از هدایت یافتگی شعیب(ع)، هدایت در امور اجتماعی و اخلاقی و مانند آنهاست.

۱۵ شعیب (ع) ، حتی در میان کافران قومش

، به دارا بودن اخلاق نیکو شهرت داشت .

إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ

۱۷ مردم مدین ، مبارزه شعیب (ع) با پرستش خدایان اهل شرک را ، خلاف درایت و رشد او می شمردند .

أَوْ أَنْ نَفْعَلُ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۱

۱ مردم مدین ، به مخالفت با شعیب (ع) برخاسته و با او عداوت و دشمنی کردند .

لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۱، ۶

۶ شعیب (ع) ، در دیدگاه مردم مدین مستحق کیفر و مجازات و سنگسار شدن بود .

و لَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمَنَّكَ

۱۱ مردم مدین ، شعیب (ع) را به خاطر مبارزه اش علیه شرک‌ورزی و بی عدالتی ، فاقد کرامت دانسته و شایسته احترام نمی شمردند .

و مَا أَنْتَ عَلَيْنَا بَعِزٌّ

<عزیز> به معنای محترم و بزرگوار و نیز به معنای شکست ناپذیر می باشد. مراد از آن در آیه شریفه معنای اول است.

اهل مدین و کیفر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۰

۱۰ عزت و احترام قبیله شعیب در نزد مردم مدین ، مانع آنان از کیفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطك لرجمنك

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعیب(ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از >لولا رهطك< این معنا نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند؛ بلکه

به قرینه <ما أنت علينا بعزیز> و <أرهطی أعز..> در آیه بعد مراد از <لولا رهطک>، <لولا عزه قومک و کرامتهم عندنا ...> است.

اهمیت نماز در شریعت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱

۱ نماز ، بارزترین نمود آیین شعیب (ع)

قالوا یشعیب أصلوتک تأمرک

از اینکه مردم مدین از میان کارهای دینی شعیب(ع) نماز او را نام می برند ، معلوم می شود که: نماز در میان دیگر امور دینی وی ، نمود و بروزی خاص داشته است.

ایمان به شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۲

۲ گروهی از اشراف و بزرگان مدین رسالت شعیب را انکار کردند و گروهی از آنان به وی ایمان آوردند .

و قال الملاء الذین کفروا من قومه

در برداشت فوق <الذین ..> قید احترازی گرفته شده است؛ یعنی <ملاء> دو گروه بودند: گروهی کافر و گروهی مؤمن.

ایمان به نبوت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱

۱ گروهی از مردم مدین به رسالت شعیب (ع) ایمان آوردند و گروهی دیگر از پذیرش آن سر باز زدند .

و إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به و طائفه لم یؤمنوا فاصبروا

<إن کان طائفه ...> به دلیل آیه قبل از مواردی است که در آن <إن> شرطیه در مورد تحقق شرط به کار رفته است؛

مانند <ان كنت ابني فلا تفعل كذا>. بنابراین <إن كان طائفه

منکم ... فاصبروا > یعنی چنانچه گروهی از شما ایمان آوردید پس صبر پیشه سازید.

ایمان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۶

۱۶ شعیب (ع) ، به مردمان اعلام کرد : همواره به تعالیمی که بیان کرده و مقرراتی که ابلاغ نموده ، پایبند بوده و بدان ها عمل می کند .

و ما أُرید أن أُخالفکم إلی ما أنهیکم عنه

فعل <أخالفکم> چون با <إلی> متعدی شده ، معنای <امیل> در آن اشراب شده است. بنابراین جمله <ما أُرید...> چنین معنا می شود: من نمی خواهم با شما مخالفت کنم و خود به آنچه از آن نهی کرده ام بازگردم.

بازگشت دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۱

۱ - بازگشت یکی از دختران شعیب نزد موسی به فرمان پدر

فجاءته إحدیهما .. قالت إنَّ أبی یدعوک

بشارتهای شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۹

۹ شعیب (ع) ، مؤمنان به رسالت خویش را به داوری خداوند و پیروزی بر کافران نوید داد .

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا

بشر بودن شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - برخورداری شعیب (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز مردم < آیکه > در رد رسالت وی

قالوا إنما أنت من المسخرين

< مسخر > می تواند مشتق از < سحر > باشد < مسخر > مرادف < رئه > (شُش) است. بنابراین واژه < مسخر > به معنای موجود دارای شُش

که از خصوصیات بشری است می باشد. این تعبیر کنایه از همگونی شعیب(ع) با سایر مردم و امتیاز نداشتن وی می باشد. گفتنی است برپایه این احتمال، آیه بعد توضیح همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۲،۶

۲ - بشر بودن ، مانع رسالت و پیامبری در دید مردم آیکه

و ما أنت إلا بشر مثلنا

۶ - شعیب (ع) ، از نظر خصوصیات بشری هم چون دیگر مردمان بود .

و ما أنت إلا بشر مثلنا

بی پسری شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ - نبودن مردی توانا در خانواده شعیب ، علت پرداختن دختران او به کار دامداری

قالتا لانسقى . . . و ابونا شیخ کبیر

بی یآوری شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۴

۴ شعیب (ع) در نظر مردم مدین ، به خاطر نداشتن پشتیبان و یاور ، ضعیف و ناتوان بود .

و انا لثریک فینا ضعیفاً

کلمه <فینا> (در میان ما) گویای این است که مردم مدین حضرت شعیب(ع) را در قیاس با مخالفانش ناتوان می شمردند؛ نه اینکه او را شخصی ضعیف و ناتوان بدانند و لذا در برداشت <به خاطر نداشتن یاور> آورده شد.

بینات شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۴

۱۴ شعيب با ارائه بينه ای روشنگر ، قوم خویش را به توحيد و ترک شرک دعوت کرد .

اعبدوا

اللّٰهُ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاء تَكْمٌ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱

۱ حضرت شعيب (ع) برخوردار از معجزه و دليلی روشن بر پیامبری خویش

يقوم أراءيتم إن كنت علي بينه من ربي

بينش دختر شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۶،۷

۶ - موسی (ع) ، مردی نیرومند و شخصیتی امين در دیدگاه دختر شعيب

إن خير من استنجرت القويّ الأمين

۷ - موسی (ع) ، از دیدگاه دختر شعيب ، بهترین و شایسته ترین مرد برای نگه داری دام هایشان

قالت إحدیهما .. إن خير من استنجرت القويّ الأمين

بينش شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۸

۸ شعيب (ع) با بیان سیطره خداوند بر رفتار کفرپیشگان مدین ، تهدید های آنان را به هیچ انگاشت .

لولا رهطک لرجمنک .. إن ربي بما تعملون محیط

چنان چه مراد از احاطه خدا بر اعمال ، سیطره و حاکمیت او بر اعمال باشد ، هدف شعيب(ع) از آوردن <رَبِّي> ، <إن ربي .
> و نگفتن <إن الله ...> این است که چون اعمال شما در سیطره خداست و او رب و مدبر من است ، اجازه نخواهد داد بر
من غلبه کنید و اگر غلبه نیز کردید ، آن را در راستای تدبیر و تربیت من قرار می دهد پس در هر حال مرا از تهدیدهای شما
باکی نیست .

پاسخ دختران شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۹

۹ - دختران شعیب به پرسش موسی پاسخ دادند .

قالتا لانسقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۴ - ۱،۳

۱ - برانگیخته شدن عواطف موسی (ع) با شنیدن پاسخ دختران شعیب

قالتا لانسقی .. فسقی لهما

۳ - اقدام بی درنگ موسی (ع) به آب دادن گوسفندان دختران شعیب پس از شنیدن اظهارات آنان

قالتا .. و أبونا شیخ کبیر . فسقی لهما

تعبیر <فسقی لهما> با <فأی عطفه که برای عدم تراخی است بیانگر مطلب یاد شده است.

پرسش از دختران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۷

۷ - پرسش موسی (ع) از دختران شعیب درباره انگیزه آنان از منع کردن گوسفندانشان از آب

قال ما خطبکما

<خطب> معادل <شأن> است؛ یعنی، <ما الذی حملکما علی الذود؛ چه چیزی شما را بر این کار وامی دارد؟>

پیری شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۹،۲۰

۱۹ - شعيب (ع) ، پيرمردى سالخورده و ناتوان از رسيدگى به كار دام

قالتا .. و ابونا شيخ كبير

۲۰ - تقارن هجرت موسى (ع) به مدين با دوران پيرى شعيب (ع)

قالتا .. و ابونا شيخ كبير

پيشهاد دختر شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱

۱ - پيشهاد يکى از دختران شعيب به پدر براى استخدام موسى (ع)

قالت إحدیهما یأبت استئجره

پیشنهاد شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال إني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

۲ - اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

اسم اشاره <هاتین> نشان دهنده آن است که هر دو دختر شعیب، در آن لحظه حضور داشتند. گفتنی است که حضور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی(ع) دارد.

تأمین معاش خانواده شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ - ارتزاق خانواده شعیب از راه دامداری

و وجد من دونهم امرأتين تذودان .. قالتا لانسقى حتى يصدر الرعاء

تاریخ دوران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۹

۹ اشراف کفرپیشه مدین در تلاشی پیگیر برای تحمیل آیین خویش بر شعیب و مؤمنان به وی

او لتعودن فی ملتنا

جمله <او لتعودن> می رساند که هدف از تصمیم قوم مدین بر تبعید شعیب و همگامانش بازگرداندن آنان به آیین شرک است. بنابراین همه تهدیدات به سبب تحمیل این عقیده باطل بوده است.

تاریخ شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۹

۹ فاصله زمانی میان عصر شعیب با عصر نوح ،

هود و صالح (ع) زیاد بوده است .

مثل ما أصاب قوم نوح أو قوم هود أو قوم صلح و ما قوم لوط منكم ببعید

از اینکه شعیب(ع) از میان اقوام یاد شده تنها قوم لوط را به نزدیک بودن با مردم مدین (عصر خویش) توصیف کرد ، برداشت فوق استفاده می شود.

تبری شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۳

۳ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش ، بیزار از گرایش به آیین شرک و افترا بستن بر خدا

قال أو لو كنا کرهین. قد افترینا علی الله کذبا إن عدنا فی ملتکم

تبعید شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۸

۸ اشراف کفر پیشه مدین بازگشت به آیین ملی آن سامان را شرط رهایی شعیب و همگامانش از خطر تبعید اعلان کردند .

لنخرجنک .. او لتعودن فی ملتنا

تبلیغ شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۷

۷ شعیب برای گرایش دادن مردم مدین به راه خدا ، عنایت خداوند در زیاد کردن جمعیت اندک آنان را یادآور شد .

و اذکروا إذ کنتم قلیلا فکثرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ شعیب (ع)، پیام الهی را به مردمش ابلاغ کرد و در هدایت و ارشاد آنان بسیار کوشید.

لقد أبلغتكم رسلت ربي و نصحت لكم

لام تأکید در <لقد> که خبر از قسم مقدر دارد، و نیز

کلمه <قد> که گویای تأکید است، می‌رساند که شعیب در ابلاغ رسالت الهی کوتاهی نکرد و در این راه بسیار تلاش کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۵

۱۵ شعیب (ع)، با آگاه ساختن قوم خویش به نبود معبودی جز خدا، آنان را به توحید و ترک شرک دعوت کرد.

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۹

۹ جوانان و میانسالان مردم مدین، مخاطبان اصلی شعیب (ع) در ابلاغ معارف الهی به آنان

أن تترك ما يعبد ءاباؤنا

فعل مضارع <يعبد> حاکی است که مقصود از <آباؤنا> تنها نسلهای پیشین مخاطبان نیست؛ بلکه پدران فعلی آنان که زنده هستند نیز مورد نظر می‌باشد. بنابراین مخاطبان طبعاً جوانان و میانسالان خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۳

۳ - تأکید شعیب (ع) بر امانت داری خویش در ابلاغ پیام الهی

إني لكم رسول أمين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <أمین> از ریشه <أمانه> (مقابل <خیانه>) مشتق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۶

۶ - حضرت شعیب (ع) در ابلاغ پیام های خود به مردم مدین، از احساسات و تعلقات خویشاوندی بهره می‌گرفت.

يقوم اعبدوا الله

خطاب به قوم و نسبت دادن آنها به خود، می تواند به منظور امر یاد شده باشد.

تجارت شعيب(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۹

۱۹ شعيب (ع) در شهر مدین به داد و ستد و مبادلات اقتصادی اشتغال داشت . *

أوفوا المكيال و الميزان .. و ما أريد أن أخالفكم إلى ما أنهيكم عنه

شعيب(ع)، پس از تأکید فراوان بر لزوم رعایت قسط و عدل در مبادلات و پرهیز از کم فروشی و اجحاف در معاملات، می فرماید: من هرگز به آنچه شما را از آن نهی کرده ام روی نخواهم آورد. این سخن آن گاه جایگاهی مناسب دارد که خود نیز به داد و ستد اشتغال داشته باشد.

تحقیق شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۷ - ۲

۲ - اقدام مردم آیکه به ناتوان جلوه دادن شعيب (ع) ، با هدف وادار ساختن وی به عقب نشینی از مواضع تبلیغی خویش

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصادقين

امر در <أسقط> به اصطلاح تعجیزی است. بنابراین، مردم آیکه اقتراح یاد شده (فرو ریختن قطعات آسمانی) را در شرایطی مطرح کردند که می پنداشتند، انجام آن امری غیر ممکن است و شعيب(ع) از این کار ناتوان بوده و به ناچار دست از تبلیغاتش خواهد کشید.

ترازو در دوران شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۲ - ۳

۳ - وجود ترازو های دقیق و ابزار خاص سنجش در عصر شعيب (ع)

وزنوا بالقسطاس المستقیم

تعالم شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵

۱۹ شعب (ع) از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس پیمانانه ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نگاهند .

فأوفوا الكيل و الميزان

کلمه <کیل> مصدر است و در آیه مورد بحث به معنای چیزی است که به وسیله آن کیل می کنند ؛ یعنی پیمانانه . <ایفاء> (مصدر اوفوا) به معنای اتمام می باشد و <اتمام کیل> به این است که گنجایش پیمانانه مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود. و ایفای میزان به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

۲۰ شعب از قوم خویش خواست تا به هنگام خرید ، اجناس مردم را کم تعدادتر و کم ارزشتر از آنچه هست جلوه ندهند .

و لا تبخسوا الناس أشياءهم

<بخس> به این معناست که چیزی را کمتر از واقع و حقیقتش نشان دهند. در مفردات آمده است: <بخس> یعنی چیزی را ظالمانه ناقص شمردن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۶

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام شعب (ع) برای مردم مدین بود .

قال يقوم اعبدوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۵ - ۱،۲،۴

۱ شعب (ع) ، از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس ، پیمانانه ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نگاهند .

و يقوم أوفوا المكيال و الميزان بالقسط

<مکیال> ؛ یعنی <پیمانانه> و ایفای

آن به این است که گنجایش پیمانۀ مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود. و ایفای میزان به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده، کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

۲ شعیب (ع) ، دعوت کننده مردم به برقرار ساختن قسط و عدالت در معاملات خویش

و يقوم أوفوا المكيال و الميزان بالقسط

۴ شعیب (ع) ، از قوم خویش خواست تا به هنگام خرید ، اجناس مردم را کم تعدادتر و کم ارزش تر از آنچه هست ، جلوه ندهند .

و لاتبخسوا الناس أشياءهم

<بخس> یعنی، کم کردن و عیب گرفتن (المصباح المنير).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۶ - ۴،۶

۴ خیر بودن منافع حلال و تجارت های عادلانه و سعادت آفرینی معارف و احکام الهی ، از تعالیم شعیب (ع) به مردم خویش

يقوم . . . بقیت الله خير لکم

۶ شعیب (ع) ، به مردم مدین ابلاغ کرد که هرگز درصدد اجبار آنان به پذیرش تعالیمش نخواهد بود .

و ما أنا علیکم بحفیظ

<حفیظ> به معنای مراقب و نگهبان است و چون به <علی> متعدی شده، معنای تسلط نیز در آن اشراب شده است. بنابراین <و ما أنا...> یعنی، من موظف نیستم از سر جبر شما را از اعمال ناروا باز دارم و به اعمال شایسته سوق دهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۵،۱۰

۵ شعیب (ع) ، مردمان را به ترک

پرستش غیر خدا فرا می خواند و علیه شرک‌ورزی قومش مبارزه می کرد .

أصلوتك تأمرک أن نترك ما یعبد ءاباؤنا

۱۰ تعالیم شعیب (ع) ، دربردارنده ضوابط و مقرراتی خاص برای دخل و تصرف مالکان در اموال خویش

أصلوتك تأمرک أن نترك ما یعبد ءاباؤنا أو أن نفعل فی أموالنا مانشؤا

<أن نفعل > عطف بر <ما یعبد > است. بنابراین <أن نفعل > مفعول برای <أن نترك > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۶

۱۶ شعیب (ع) ، به مردمان اعلام کرد : همواره به تعالیمی که بیان کرده و مقرراتی که ابلاغ نموده ، پایبند بوده و بدان ها عمل می کند .

و ما أريد أن أخالفکم إلی ما أنهیکم عنه

فعل <أخالفکم > چون با <إلی > متعدی شده ، معنای <امیل > در آن اشراب شده است. بنابراین جمله <ما أريد... > چنین معنا می شود: من نمی خواهم با شما مخالفت کنم و خود به آنچه از آن نهی کرده ام بازگردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۰ - ۶۸

۶ حصر ربوبیت به خداوند ، لزوم استغفار و تقرب به درگاه خدا از تعالیم شعیب (ع)

واستغفروا ربکم ثم توبوا إلیه

۸ معرفی خداوند به رحیم بودن و دوست داشتن بندگان ، از تعالیم شعیب (ع)

إن ربی رحیم ودود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۲ - ۱

۱ - استفاده از ترازوی دقیق در معاملات و رعایت عدالت اقتصادی ، از رهنمود های شعیب (ع)

به مردم

وزنوا بالقسطاس المستقیم

<زَنَهُ وَوَزَنَ> (مصدر <زنوا>) به معنای سنجیدن و <قسطاس> (مرادف <میزان>) به معنای ترازو است. <مستقیم> نیز معادل درست می باشد؛ یعنی، <و با ترازوی درست وزن کنید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۴ - ۱

۱ - تأکید شعیب (ع) بر رعایت تقوای الهی و پرهیز از مخالفت با آفریدگار

و اتَّقوا الذی خلقکم

<إِتَّقَا> (مصدر <اتَّقوا>) به معنای ترسیدن و پروا کردن و <جَبَلَهُ> مرادف <خلقه> است. بنابراین <والجبلَّه الأولین> یا به معنای <والمخلوقات الأولین> است (مصدر به معنای مفعول) و یا به تقدیر <و ذوی الجبلَّه الأولین> می باشد. در هر حال مقصود این است که: <اتَّقوا الذی خلقکم و خلق الأمم قبلکم؛ از آن کس که شما و امت های پیش از شما را آفرید پروا کنید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۹

۹ - پرهیز از افساد در زمین، از جمله پیام های شعیب (ع) به مردم مدین بود.

و إلى مدین أخاصهم شعیبًا فقال .. و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

تعقل شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱۴

۱۴ شعیب (ع) شخصیتی با درایت و راه یافته حتی در دیدگاه کافران قوم خویش

إنک لأنت الحلیم الرشید

از معانی <حِلْم> عقل و درایت است و <حَلِيم> در جمله فوق، از آن مشتق شده است. <الرشید> به معنای راه یافته و هدایت شده است. قابل ذکر است که مقصود مردم مدین از هدایت یافتگی

شعیب(ع)، هدایت در امور اجتماعی و اخلاقی و مانند آنهاست.

تفکر در قصه شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۱

۱ - سرگذشت شعیب (ع) و مردم ایکه ، شایان اندیشه و دربردارنده درس عبرتی بزرگ برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

کلمه <ذَلِكَ> به ماجرای میان شعیب(ع) و مردم ایکه اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای تفخیم است. بنابراین <إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً> یعنی، به راستی در این ماجرا، درس عبرتی بزرگ وجود دارد.

تکذیب رسالت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۲

۲ گروهی از اشراف و بزرگان مدین رسالت شعیب را انکار کردند و گروهی از آنان به وی ایمان آوردند .

و قال المأذونون كفروا من قومه

در برداشت فوق <الذین .. > قید احترازی گرفته شده است؛ یعنی <مأذونون> دو گروه بودند: گروهی کافر و گروهی مؤمن.

توحید شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۶

۶ شعیب (ع) در آخرین پاسخ خویش به خواسته کافران مدین ، بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک امری ناممکن دانست .

و ما یكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

جمله <ما یكون لنا .. > که حکایت از عدم امکان بازگشت به آیین شرک دارد، هم می تواند به معنای عدم امکان تکوینی

باشد و هم می تواند مراد از آن عدم امکان تشریحی (ناشایست بودن و جایز

نبودن) باشد. برداشت فوق براساس احتمال اول است. گفتنی است که بر مبنای اول، مشیت الهی (إلا- أن يشاء الله) مشیت تکوینی است و بر اساس احتمال دوم، مشیت الهی، مشیت تشریحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۵

۵ شعیب (ع) پس از اعلان پایداریش بر توحید و رد پیشنهاد اشراف کفرپیشه (بازگشت به آیین شرک)، خروج از دیار مدین را برگزید.

لئن اتبعتم شعیباً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <اتبعتم شعیباً>، پیروی از شعیب(ع) در خروج از شهر مدین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۵

۲۵ شعیب (ع) تنها خداوند را مرجع خویش می دانست و فقط به درگاه او روی می آورد.

و إليه أُتیب

<انابه> (مصدر أُتیب) به معنای رجوع و اقبال است.

توصیه های شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۱ - ۲

۲ - تمام دادن پیمانانه و پرهیز از کم فروشی، توصیه شعیب (ع) به مردم <ایکه >

أوفوا الكيل و لا تكونوا من المخسرین

توکل پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۰

۲۰ شعيب (ع) و همگامان مؤمنش ، انسانهاي متكي به خدا و بهره مند از روحيه توكل

على الله توكلنا

توكل شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۰

۲۰ شعيب

(ع) و همگامان مؤمنش ، انسانهایی متکی به خدا و بهره مند از روحیه توکل

علی الله توکلنا

تهدیدهای شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۱۳

۱۳ شعیب ، کافران قوم خویش را به گرفتار آمدن به فرجامی همانند سرنوشت فسادگران پیشین تهدید کرد .

و أنظروا كيف كان عقبه المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۸

۸ شعیب (ع) ، کافران قوم خویش را به داوری خدا و گرفتارسازی آنان به عقوبت های الهی در دنیا تهدید کرد .

و طائفه لم يؤمنوا فاصبروا حتى يحكم الله بيننا

با توجه به ذیل آیه ۸۹ (ربنا افتح ..) معلوم می شود مقصود شعیب از داوری خداوند، تحقق امری است که نابودی کافران در دنیا و در نتیجه پیروزی اهل ایمان را در پی خواهد داشت. چنانچه مخاطب در <فاصبروا> خصوص کافران باشد، این معنا از وضوح بیشتری برخوردار خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۱،۴

۱ شعیب (ع) از سر تهدید و هشدار ، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری کنند .

و يقوم اعمالوا علی مکانتکم

۴ شعیب (ع) ، کفرپیشگان قومش را به عذابی خوارکننده هشدار داد .

سوف تعلمون من يأتيه عذاب يخزيه .. وارتقبوا

تهمت جادوزدگی به شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۲

۲ - متهم شدن شعيب)

ع) از سوی مردم < آیکه > به جنون و سحرزدگی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

< مسحّر > (مفرد < مسحّرين >) به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

تهمت جنون به شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۲

۲ - متهم شدن شعیب (ع) از سوی مردم < آیکه > به جنون و سحرزدگی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

< مسحّر > (مفرد < مسحّرين >) به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

تهمت دروغگویی به شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۵

۵ مردم مدین ، شعیب (ع) را به دروغ گویی در ادعای نبوت و رسالت متهم می کردند .

سوف تعلمون .. من هو كذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۲

۲ - انکار رسالت شعیب (ع) و متهم شدن او به دروغ گویی از سوی مردم مدین

فقد كذبت .. و أصحاب مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۴

۴- شعيب (ع) متهم به دروغ گویی در ادعای رسالت ، از سوی مردم آيکه

و إن نظنك لمن الكذابين

<إن> مخفف از ثقيله و <ظن> (مصدر <نظن>) مرادف <ایقان> (یقین داشتن) است؛ یعنی، <قطعاً تو را از جمله دروغ گویان می دانیم>.

ثروتمندی شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ شعيب (ع) ،

از مکت و گشایش روزی برخوردار بود .

و رزقنی منه رزقاً حسناً

چوپان خانواده شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۵

۵ - نیاز خانواده شعیب به اجیر کردن مردی جهت نگه داری گوسفندانشان

قالت إحدیهما یأبت استجره

با توجه به آیات پیشین، مراد از <استجره> استیجار برای نگه داری گوسفندان شعیب می باشد.

چوپانی دختران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۴، ۷، ۶

۶ - جلب توجه موسی (ع) به دو زن تنها که به جای آب دادن به گوسفندانشان ، آنها را از نزدیک شدن به آب باز می داشتند .

و وجد من دونهم امرأتین تذودان

<ذود> (مصدر <تذودان>) به معنای دور کردن است؛ یعنی، آن دو زن گوسفندانشان را دور می کردند و نمی گذاشتند که به آب نزدیک شوند. گفتنی است، که دو زن چنان که از عبارت های بعد استفاده می شود دختران شعیب بودند.

۷ - پرسش موسی (ع) از دختران شعیب درباره انگیزه آنان از منع کردن گوسفندانشان از آب

قال ما خطبکما

<خطب> معادل <شأن> است؛ یعنی، <ما الذی حملکما علی الذود؛ چه چیزی شما را بر این کار وا می دارد؟>

۱۴ - دختران شعیب ، برای آب دادن دام های خود ، در انتظار پایان یافتن آب دهی چوپانان و بازگشتن آنان بودند .

قالتا لانسقی حتی یصدر الرعاء

<إصدار> (مصدر <يصدر>) به معنای بازگرداندن و <رعاء> (جمع <راعى>) به معنای چوپانان است. مفعول
<يصدر> حذف شده است؛ یعنی، <حتى يصدر الرعاء أنعامهم>.

حامیان شعيب(ع)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۸

۸ خاندان شعیب ، او را از خود طرد نکرده و از او حمایت می کردند .

لولا رهطک لرجمنک

حج در دوران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - اجرای مراسم حج در عصر حضرت شعیب

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

حد اقل مهریه دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - آزاد گذاشتن موسی (ع) از سوی شعیب (ع) در انتخاب کردن حداقل مهر (هشت سال کار) یا حداکثر آن (ده سال کار)

علی أن تأجرنی ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندک

حد اکثر مهریه دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - آزاد گذاشتن موسی (ع) از سوی شعیب (ع) در انتخاب کردن حداقل مهر (هشت سال کار) یا حداکثر آن (ده سال کار)

علی أن تأجرنی ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندک

حقانیت بعثت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۳

۱۳ شعیب برخوردار از بینه و دلیلی روشن بر حقانیت بعثت و پیام های خویش

قد جاء تکم بینه من ربکم

حیای دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۲

۲ - حرکت توأم با حیا و آزرم دختر

شعیب به هنگام بازگشت نزد موسی (ع) و گفتوگو با وی

فجاءته إحدیهما تمشی علی استحياء

خواستہ های شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۶، ۲۵

۲۵ شعیب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

۲۶ شعیب (ع) در دعای خویش خواستار امداد های غیبی خداوند شد .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۱

۱ شعیب (ع) از سر تهدید و هشدار، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری کنند .

و یقوم اعمالوا علی مکانکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۲

۲ - شعیب (ع) ، خواهان اطاعت اصحاب ایکه از او ، به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری اش

إنی لکم رسول أمین . فاتقوا الله و أطيعون

برداشت یاد شده از تفریع <اتقوا..> بر <إنی لکم رسول> به دست می آید.

خوشنامی شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۶

۶- شعيب (ع)، شخصيتی خوشنام و امانت دار، نزد مردم ايکه

إني لكم رسول أمين

تأکید شعيب(ع) بر امين بودن خود، در صورتی ثمربخش است

که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری نزد مردم اینکه برخوردار باشد.

خویشاوندان شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۳

۳ وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان شعيب(ع) و مردم مدین

و إلی مدین أخاهم شعيبًا

مراد از <أخاهم> این است که شعيب(ع) با اهل مدین ، خویشاوند بود و یا اینکه او برای آنان ، دلسوزی می کرد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۸

۸ خاندان شعيب ، او را از خود طرد نکرده و از او حمایت می کردند .

لولا رهطک لرجمنک

خویشاوندی شعيب(ع) با اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۲

۲ - شعيب(ع) ، با مردم مدین ، خویشاوندی داشت .

و إلی مدین أخاهم شعيبًا

خيرخواهی شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۷۸

۷ شعيب (ع) ، پیامبری دلسوز و خيرخواه مردم

و نصحت لکم

۸ خيرخواهی شعيب تنها در جهت منافع مردم بود ، نه آميخته به منفعت های شخصی خویش

و نصحت لکم

<لام> در <لکم> اشاره به خلوص شعيب در خيرخواهيش دارد.

دامداری خانواده شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ - ارتزاق خانواده شعيب از راه دامداری

و وجد من دونهم امرأتين تذودان .. قالتا لانسقى حتى يصدر الرعاء

دختر شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - > عن البنظی قال : سألت الرضا (ع) عن قوله تعالى > إِنَّ أبا يَدْعُوكَ لِیَجْزِیَكَ أَجْرَ مَا سَقِیت لَنَا < أهی التی تزوّج بها؟ قال : نعم... >

از بنظی نقل شده که گفت: از امام رضا(ع) درباره قول خدای تعالی: > إِنَّ أبا یَدْعُوكَ لِیَجْزِیَكَ أَجْرَ مَا سَقِیت لَنَا < پرسیدم: آیا دختری که نزد موسی آمد و گفت پدرم تو را خواسته ... همان دختری بود که بعداً موسی(ع) با او ازدواج کرد؟ فرمود: آری...<

دختران شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۶

۶ - جلب توجه موسی (ع) به دو زن تنها که به جای آب دادن به گوسفندانشان ، آنها را از نزدیک شدن به آب باز می داشتند .

و وجد من دونهم امرأتین تذودان

>ذود< (مصدر >تذودان<) به معنای دور کردن است؛ یعنی، آن دو زن گوسفندانشان را دور می کردند و نمی گذاشتند که به آب نزدیک شوند. گفتنی است، که دو زن چنان که از عبارت های بعد استفاده می شود دختران شعيب بودند.

دشمنان شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۱

۱ مردم مدین ، به مخالفت با شعيب (ع) برخاسته و با او عداوت و دشمنی کردند .

لا یجرمنکم شقاقی

دعای شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۶

۲۶ شعيب)

ع) در دعای خویش خواستار امداد های غیبی خداوند شد .

ربنا افتح بیننا و بین قوما بالحق

دعوت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۲، ۱۴، ۵، ۶

۵ شعیب با برانگیختن عواطف مردم ، دعوت خویش را آغاز کرد .

قال یقوم اعبدوا الله

شعیب با نسبت دادن مردم مدین به خویشتن با گفتن <یقوم> (ای قوم من) در صدد تحریک عواطف آنان بوده تا به این وسیله به آنان تفهیم کند که رسالتش در جهت منافع ایشان است.

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام شعیب برای مردم مدین

قال یقوم اعبدوا الله

۱۴ شعیب با ارائه بینه ای روشنگر ، قوم خویش را به توحید و ترک شرک دعوت کرد .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره قد جاء تکم بینه من ربکم

۲۲ دعوت مردم به سلامت اقتصادی و رعایت عدالت در خرید و فروش ، از مهمترین رسالت های شعیب برای قوم خویش پس از دعوت به توحید

یقوم اعبدوا الله . . . فأوفوا الکیل و المیزان و لاتبخسوا الناس أشياءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۱۲، ۳

۳ شعیب از مردم خویش خواست تا دست از تهدید اهل ایمان بردارند و آنان را از پیمودن راه خدا بازدارند .

و لا تقعدوا بكل صرط توعدون و تصدون عن سبیل الله من ءامن به

۱۲ شعیب ، مردم خویش را به مطالعه و بررسی فرجام شوم فسادگران تاریخ فراخواند .

و أنظروا كيف كان عقبه المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۲ شعيب (ع) ، دعوتگر مؤمنان قوم خویش به صبر در برابر کفرپیشگان

إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به .. فاصبروا

در اینکه مخاطب <فاصبروا> چه کسانی هستند سه احتمال وجود دارد: خصوص مؤمنان، خصوص کافران، هر دو طایفه. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. در این صورت متعلق صبر، آزارها و اذیت‌های کافران است. یعنی: فاصبروا علی ما یصیبکم من الکفار. (ای اهل ایمان در برابر آزار کافران صبر کنید و بر دینداری خویش استقامت ورزید).

۱۰ شعيب (ع) از مؤمنان و کافران قوم خویش خواست با وانهادن داوری به خداوند از تعرض به یکدیگر پرهیز کنند .

إن کان طائفه منکم ءامنوا .. و طائفه لم یؤمنوا ... فاصبروا حتی یحکم الله بیننا

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در <فاصبروا> علاوه بر مؤمنان متوجه کافران نیز باشد. در این صورت مراد از صبر در <فاصبروا> عدم تعرض به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ شعيب (ع) با برانگیختن عواطف مردم ، دعوت خویش را آغاز کرد .

قال یقوم اعبدوا الله

خطاب <یا قوم> (ای مردم من) تحریک کننده عواطف مخاطبان است.

۱۵ شعيب (ع) ، با آگاه ساختن قوم خویش به نبود معبودی جز خدا ، آنان را به توحید و ترک شرک دعوت کرد .

قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

۱۶ شعيب (ع) ، از مردم خویش خواست تا از مقدار پیمان‌ها و وزنه‌ها

، نگاهند و از کم فروشی پرهیزند .

و لاتنقصوا المکیال و المیزان

<مکیال> به معنای پیمانانه است. ناقص گذاردن پیمانانه، یا به این است که آن را کم حجم تر از حد متعارف بسازند یا پیمانانه متعارف را پر نکنند. <میزان> هم به معنای ترازوست. ناقص گذاردن ترازو، یا به این است که وزنه های مورد استفاده در آن کمتر از حد معمول باشد یا جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه های آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۵ - ۱،۲،۴

۱ شعیب (ع) ، از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس ، پیمانانه ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نگاهند .

و یقوم أوفوا المکیال و المیزان بالقسط

<مکیال> یعنی <پیمانانه> و ایفای آن به این است که گنجایش پیمانانه مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود. و ایفای میزان به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده، کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

۲ شعیب (ع) ، دعوت کننده مردم به برقرار ساختن قسط و عدالت در معاملات خویش

و یقوم أوفوا المکیال و المیزان بالقسط

۴ شعیب (ع) ، از قوم خویش خواست تا به هنگام خرید ، اجناس مردم را کم تعدادتر و کم ارزش تر از آنچه هست ، جلوه ندهند .

و لاتبخسوا الناس أشياءهم

<بخس> یعنی، کم کردن و عیب گرفتن (المصباح المنیر).

دعوتهای شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۳ شعیب (ع) ، مردم مدین را به استغفار از گناهان ، حرکت به سوی خدا و تقرب یافتن به درگاه او فراخواند .

واستغفروا ربکم ثم توبوا الیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۲

۲ شعیب (ع) از مردم خویش خواست با در نظر گرفتن عزت و شکوه خداوند ، معارف و احکام الهی را بپذیرند .

أرهطی أعزّ علیکم من الله

با توجه به اینکه جمله <أرهطی أعزّ...> پاسخ شعیب(ع) در برابر <لولا رهطک...> است، می توان گفت: مقصود او این است که اگر به خاطر عزت خاندانم مرا سنگسار نمی کنید، چرا عزت و شکوه خداوند را که از هر کسی عزتمندتر است در نظر نمی آورید و غیر او را پرستش می کنید و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۲

۲ - دعوت شعیب (ع) از مردم ایکه ، مبنی بر پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألا تتقون إنی لکم رسول أمين

واژه <أمين> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد وثوق و اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید <أمين> از جانب شعیب(ع) است که مردم به او اعتماد کنند (به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۱

۱ - دعوت مجدد شعیب (ع) از مردم ایکه ، برای رعایت

تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون... فاتقوا الله و أطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۴

۴ - دختر شعيب ، پیامدار دعوت پدرش از موسی (ع)

قالت إنَّ أباي يدعوك

دلایل بعثت شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۳

۱۳ شعيب برخوردار از بينه و دليلی روشن بر حقانيت بعثت و پیام های خویش

قد جاء تكم بينه من ربكم

دلایل نبوت شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱

۱ حضرت شعيب (ع) برخوردار از معجزه و دليلی روشن بر پیامبری خویش

يقوم أراءيتم إن كنت على بينه من ربي

دلداریهای شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۹

۹ - اقدام شعيب به دلداري موسی (ع) رفع نگرانی و ترس از وی و اعلام نجات یافتنش از شر فرعونیان

قال لا تخف نجوت من القوم الظلمين

دلسوزی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۴

۴ شعیب ، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم مدین

و إلى مدین أخواهم شعیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۲،۷

۲ شعیب (ع) با دلسوزی بر کافران مشرف به هلاکت ، از آنان اعراض کرد و شهر مدین را ترک گفت .

فتولی عنهم و قال یقوم

لحن آیه

و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم نشان از تحسّر و دلسوزی شعیب به مردم خویش دارد.

۷ شعیب (ع) ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۷ - ۴

۴ - سخن دلسوزانه شعیب (ع) با مردم ایکه ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <ألا تتقون> (آیا نمی خواهید تقوایبشه کنید) بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۵

۵ - شعیب (ع) ، دل سوز مردم مدین بود و با آنان ، رابطه عاطفی و مهربانانه داشت .

و إلی مدین أخاهم شعيبًا فقال یقوم

احتمال دارد که <أخاهم> ، براساس روابط خویشاوندی، گفته شده باشد و احتمال دارد که کنایه از شفقت و برخورد برادرانه او با مردم مدین باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

رد پیشنهاد شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ - شعیب (ع) ، نگران رد شدن پیشنهاد وی از سوی موسی (ع)

و ما أريد أن أشقّ عليك

این که حضرت شعیب(ع) بلافاصله اعلام می کند من قصد ندارم بر تو سخت بگیرم، در بردارنده نوعی درخواست از سوی شعیب(ع) است که موسی(ع) پیشنهاد او را رد نکند.

رسالت شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۲

۲۲ دعوت مردم به

سلامت اقتصادی و رعایت عدالت در خرید و فروش ، از مهمترین رسالت های شعیب برای قوم خویش پس از دعوت به توحید

يقوم اعبدوا الله .. فأوفوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس أشياءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۵

۵ شعیب (ع) ، پیامبری از جانب خداوند و حامل رسالت های متعدد

لقد أبلغتكم رسلت ربي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ مبارزه با شرک ، از وظیفه های اصلی حضرت شعیب (ع)

قال يقوم .. ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۱

۱ - تأکید شعیب (ع) بر رسالت الهی خویش برای مردم ایکه

إني لكم رسول

رضایت دختران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۲

۲ - اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

اسم اشاره <هاتین> نشان دهنده آن است که هر دو دختر شعیب، در آن لحظه حضور داشتند. گفتنی است که حضور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی(ع) دارد.

روابط عاطفی در خانواده شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۲

۲ - وجود رابطه صمیمی و فضای آزاد برای گفت

وگو میان شعیب (ع) و دختران وی

قالت إحدیهما یأبت استئجره .. القوی الامین

از این که دختر شعیب پیشنهاد خودش را بدون هیچ تکلفی با پدر در میان گذاشت و آزادانه به ستایش موسی (ع) پرداخت مطلب بالا استفاده می شود.

روزی حلال شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ شعیب (ع) ، علی رغم آلودگی جامعه اش به حرام خواری ، از روزی حلال و نیکو بهره مند بود .

يقوم أوفوا المکیال و المیزان .. و رزقنی منه رزقاً حسناً

از اینکه شعیب (ع) مبادلات و معاملات مردم مدین را ظالمانه خواند و آن گونه درآمدها را ناپسند شمرد و سپس فرمود: من از روزی نیکو برخوردار هستم ، می توان این احتمال را موجه دانست که مراد از <رزقاً حسناً> روزیهای مادی است.

روزی شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۴، ۸

۸ خداوند ، شعیب (ع) را از روزی و نعمت خاص و نیکوی خویش بهره مند ساخت و او را به مقام نبوت رسانید .

أرءیتم إن .. رزقنی منه رزقاً حسناً

مقصود از <رزقاً حسناً> به مناسبت مورد ، مقام نبوت و پیامبری است.

۱۴ شعیب (ع) ، از مکنّت و گشایش روزی برخوردار بود .

و رزقنی منه رزقاً حسناً

روش برخوردار شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ شعیب (ع) حتی پیش از رسیدن به مقام رسالت ، فردی دلسوز و دوستدار

مردم مدین بود .

و إلى مدین أخاصم شعيبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۵

۵ برخورد حضرت شعيب (ع) با مشركان و كافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

يقوم أريتم

تعبير <يا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و مهربانی شعيب (ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ - تضمین مدارا کردن با موسی (ع) و سخت نگرفتن بر وی در کارها از سوی شعيب (ع)

و ما أريد أن أشقّ عليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۵

۵ - شعيب (ع) ، دل سوزِ مردم مدین بود و با آنان ، رابطه عاطفی و مهربانانه داشت .

و إلى مدین أخاصم شعيبًا فقال يقوم

احتمال دارد که <أخاصم> ، براساس روابط خویشاوندی، گفته شده باشد و احتمال دارد که کنایه از شفقت و برخورد برادرانه او با مردم مدین باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

روش تبليغ شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۵

۵ شعیب (ع) با برانگیختن عواطف مردم ، دعوت خویش را آغاز کرد .

قال يقوم اعبدوا الله

خطاب <یا قوم> (ای مردم من) تحریک کننده عواطف مخاطبان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۵

۵ یادآوری تاریخ پیشینیان و بیان علت نابودی و گرفتاری آنان به عذاب های الهی ،

از روش های تبلیغی حضرت شعیب (ع) بود .

و یقوم لایجرمتکم شقاقی أن یصیبکم مثل ما أصاب قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۷ - ۳،۴

۳ - دعوت به تقوا ، محور تبلیغات و هدایت گری شعیب پیامبر

إذ قال لهم شعیب ألا تتقون

۴ - سخن دلسوزانه شعیب (ع) با مردم ایکه ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم شعیب ألا تتقون

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <ألا تتقون> (آیا نمی خواهید تقواپیشه کنید) بیانگر مطلب یاد شده است.

زمینه دعوت های شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۹

۹ برخورداری شعیب (ع) از مقام نبوت ، برانگیزنده او به فراخوانی مردمان به توحید و رعایت عدل و انصاف در مبادلات

قالوا یشعیب أصلوتک تأمرک .. قال یقوم أریتم إن کنت علی بینه من ربی و رزقنی

سخنان شعیب(ع) در آیه مورد بحث ، پاسخی است به تحلیل استهزاآمیز قومش (أصلوتک). شعیب(ع) با جمله <أریتم...> بیان می دارد که منشأ مخالفت وی با آرا و عقاید آنان و عملکرد ناصوابشان ، مسؤولیتی است که خداوند برعهده او قرار داده است.

ساختار خانوادگی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۲

۲ - وجود رابطه صمیمی و فضای آزاد برای گفت و گو میان شعیب (ع) و دختران وی

قالت إحدیهما یأبت استئجره .. القویّ الأمين

از این که دختر شعیب پیشنهاد خودش را بدون هیچ تکلفی با پدر در میان گذاشت

و آزادانه به ستایش موسی (ع) پرداخت مطلب بالا استفاده می شود.

سرزنشهای شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۳

۳ شعیب (ع) مردم مدین را به خاطر غفلت از خدا و رعایت نکردن جانب او، توبیخ و سرزنش کرد.

أرهطی أعرّ علیکم من الله واتخذتموه وراءکم ظهراً

استفهام در جمله <أرهطی ..> انکار توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۷ - ۵

۵ - اصحاب اینکه مورد سرزنش شعیب (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم شعیب ألا تتقون

استفهام در جمله <ألا تتقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

شرك ستیزی شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ مبارزه با شرك، از وظیفه های اصلی حضرت شعیب (ع)

قال یقوم .. ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱۷، ۵

۵ شعیب (ع)، مردمان را به ترك پرستش غیر خدا فرا می خواند و علیه شرکوری قومش مبارزه می کرد.

أصلوتك تأمرک أن نترك ما یعبء أبأؤنا

۱۷ مردم مدین ، مبارزه شعیب (ع) با پرستش خدایان اهل شرک را ، خلاف درایت و رشد او می شمردند .

أو أن نفعل فی أمولنا ما نشؤا إنک لأنت الحلیم الرشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود -

۱۱ مردم مدین ، شعیب (ع) را به خاطر مبارزه اش علیه شرک‌ورزی و بی عدالتی ، فاقد کرامت دانسته و شایسته احترام نمی شمردند .

و ما أنت علينا بعزیز

<عزیز> به معنای محترم و بزرگوار و نیز به معنای شکست ناپذیر می باشد. مراد از آن در آیه شریفه معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۳

۳ شعیب (ع) موظف به پایداری بر مواضع خویش (ابلاغ رسالت الهی و مبارزه با شرک و فساد)

إنی عمل

شریعت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۶

۶ - شعیب (ع) ، تابع شریعت ابراهیم

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

<حج> سنتی است به جا مانده از شریعت حضرت ابراهیم(ع) و از این که حضرت شعیب(ع) حج را مبدأ سال در قرارداد بین خود و موسی(ع) تعیین کرد، حکایت از این دارد که او به این سنت که یکی از عبادات در شریعت ابراهیم است پایبند بود.

شعیب(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۷

۱۷ - شعیب (ع) ، شخصیتی از زمره صالحان

ستجدنی . . . من الصالحین

شعیب (ع) قبل از نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۴

۴ شعیب (ع) حتی پیش از رسیدن به مقام رسالت ، فردی دلسوز و دوستدار مردم مدین بود .

و إلى مدین أھام

شعیب(ع) و احاطه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۸

۸ شعیب (ع) با بیان سیطره خداوند بر رفتار کفرپیشگان مدین، تهدیدهای آنان را به هیچ انگاشت.

لولا رهطک لرجمنک .. إن ربی بما تعملون محیط

چنان چه مراد از احاطه خدا بر اعمال، سیطره و حاکمیت او بر اعمال باشد، هدف شعیب(ع) از آوردن <رَبِّی>، <إن ربی> .. و نگفتن <إن الله...> این است که چون اعمال شما در سیطره خداست و او رب و مدبر من است، اجازه نخواهد داد بر من غلبه کنید و اگر غلبه نیز کردید، آن را در راستای تدبیر و تربیت من قرار می دهد پس در هر حال مرا از تهدیدهای شما باکی نیست.

شعیب(ع) و اشراف مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱

۱ شعیب (ع) در پاسخ اشراف کفرپیشه مدین، گرایش به آیین شرک را افترا بر خداوند دانست.

قد افترینا علی الله کذبا إن عدنا فی ملتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۵

۵ شعیب (ع) پس از اعلان پایداریش بر توحید و رد پیشنهاد اشراف کفرپیشه (بازگشت به آیین شرک)، خروج از دیار مدین را برگزید.

لئن اتبعتم شعیباً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <اتبعتم شعیباً>، پیروی از شعیب(ع) در خروج از شهر مدین باشد.

شعیب (ع) و اصحاب ایکہ

جلد - نام سورہ -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۷ - ۱

۱ - نبود پیوند خویشاوندی میان شعیب (ع) و مردم ایکه

كذَّب أصحاب ليكه .. إذ قال لهم شعيب

از آن جا كه نسبت به سایر پیامبران در آیات پیشین تعبیر <أخوهم> به کار رفته؛ ولی در مورد شعیب(ع) نسبت به مردم ایکه، این تعبیر به کار نرفته است، مطلب فوق را می توان استفاده کرد.

شعيب(ع) و اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۴، ۳، ۲

۲ رسالت شعيب در محدوده مردم مدین

و إلى مدین أخاهم شعبياً

۳ وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان شعيب و مردم مدین

و إلى مدین أخاهم شعبياً

از اینکه شعيب برادر مردم مدین خوانده شده، یا اشاره به خویشی وی با مردم مدین دارد و یا حکایت از آن دارد که او حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز برای قوم خویش بوده است. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۴ شعيب ، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم مدین

و إلى مدین أخاهم شعبياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ شعيب (ع) با توجه به کفرورزی مردم خویش ، دریغ و تأسف بر هلاکت آنان را ناروا خواند .

فکیف ءاسی علی قوم کفرین

لحن جمله < یقوم . . > حکایت از دریغ و تأسف شعیب دارد و جمله < کیف ءاسی ... > دلالت می کند که تأسف بر هلاکت کفرپیشگان نارواست. گویا شعیب هنگامی که قومش را مشرف به هلاکت یافت بر

آنان افسوس خورد و سپس کفرورزی آنان را ملاحظه کرد و آنان را مستحق این هلاکت دانست و لذا نتیجه گرفت که نباید بر هلاکت ایشان افسوس خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۳

۳ وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان شعیب (ع) و مردم مدین

و إلی مدین أخاهم شعیبًا

مراد از <أخاهم> این است که شعیب(ع) با اهل مدین ، خویشاوند بود و یا اینکه او برای آنان ، دلسوزی می کرد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۰ - ۳

۳ شعیب (ع) ، مردم مدین را به استغفار از گناهان ، حرکت به سوی خدا و تقرب یافتن به درگاه او فراخواند .

واستغفروا ربکم ثم توبوا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۸،۱۰

۸ شعیب (ع) با بیان سیطره خداوند بر رفتار کفرپیشگان مدین ، تهدید های آنان را به هیچ انگاشت .

لولا رهطک لرجمنک .. إن ربی بما تعملون محیط

چنان چه مراد از احاطه خدا بر اعمال، سیطره و حاکمیت او بر اعمال باشد، هدف شعیب(ع) از آوردن <رَبِّی>، <إن ربی .
>.. و نگفتن <إن الله...> این است که چون اعمال شما در سیطره خداست و او رب و مدبر من است، اجازه نخواهد داد بر من غلبه کنید و اگر غلبه نیز کردید، آن را در راستای تدبیر و تربیت من قرار می دهد پس در هر

حال مرا از تهدیدهای شما باکی نیست.

۱۰ سیطره خداوند بر رفتارها، عزت و شکوه برتر او و ضرورت احساس حضور در پیشگاه او، پاسخ شعیب (ع) به سخنان نا به جا و ناروای مردم مدین

و إنا لنريك فينا ضعيفًا .. قال يقوم أرهطى أعزّ عليكم من الله... إن ربي بمات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۱

۱ شعیب (ع) از سر تهدید و هشدار، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری کنند.

و يقوم اعملوا على مكانتكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۵

۵ - شعیب (ع)، دل سوز مردم مدین بود و با آنان، رابطه عاطفی و مهربانانه داشت.

و إلی مدین أخاهم شعيبًا فقال يقوم

احتمال دارد که <أخاهم>، براساس روابط خویشاوندی، گفته شده باشد و احتمال دارد که کنایه از شفقت و برخورد برادرانه او با مردم مدین باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

شعیب(ع) و پیمانہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲۷

۲۷ > عن علی ابن الحسین (ع) قال : إن أوّل من عمل المکیال والمیزان شعیب النبی (ع) عمله بیده ... ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است که فرمود: اول کسی که ابزار کیل و وزن ساخت، شعیب پیغمبر بود و با دست خود آن را ساخت.<

شعیب(ع) و تخلّفات اقتصادی

آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۸

۱۸ شعيب (ع) هرگز تمایلی به اجحاف و بی عدالتی در داد و ستد و گرایشی به عبادت معبود های دروغین نداشت .

و ما أريد أن أخالفكم إلى ما أنهيكم عنه

شعيب(ع) و ترازو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲۷

۲۷ > عن علي ابن الحسين (ع) قال : إن أوّل من عمل المكيال والميزان شعيب النبي (ع) عمله بيده . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است که فرمود: اول کسی که ابزار کیل و وزن ساخت، شعيب پیغمبر بود و با دست خود آن را ساخت <.

شعيب(ع) و دين اهل مدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۱۳، ۱۲

۱۲ آيين مردم مدين ، آيينی منفور و کريه در دید گاه شعيب (ع) و پیروان او

أو لو کنا کرهين

۱۳ شعيب (ع) با اظهار تنفر خود و پیروانش از آيين مردم مدين ، انتظار پذيرش آن آيين را انتظاری شگفت و بی جا دانست .

قال أو لو کنا کرهين

شعيب(ع) و رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۰ - ۱۱

۱۱ شعیب (ع) ، واسطه شمول رحمت خداوند بر توبه کنندگان قومش

واستغفروا ربکم ثم توبوا إلیه إن ربی رحیم ودود

چون خطاب در <استغفروا ربکم> متوجه مردم است، ظاهر آن بود که به جای <إن ربی> گفته می شد <إن ربکم ..> .
این

جابه جایی می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که: خداوند به واسطه پیامبرانش، مردمان را مشمول رحمت و محبت خویش قرار می دهد و آنان، مجرای فیض الهی بر بندگانند.

شعیب(ع) و رسوم اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۰

۲۰ هدف شعیب (ع) از مخالفت با آداب و رسوم مردم مدین و رفتار ناعادلانه آنان، اصلاح ایشان و از میان بردن فساد های اجتماعی بود.

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ

شعیب(ع) و سنگسار شدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۶

۶ شعیب (ع)، در دیدگاه مردم مدین مستحق کیفر و مجازات و سنگسار شدن بود.

و لولا رهطك لرجمنك

شعیب(ع) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۲

۲ شعیب (ع) با دلسوزی بر کافران مشرف به هلاکت، از آنان اعراض کرد و شهر مدین را ترک گفت.

فتولی عنهم و قال يقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم نشان از تحسّر و دلسوزی شعیب به مردم خویش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۵

۵ برخورد حضرت شعیب (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

يقوم أراء یتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و مهربانی شعیب(ع) دارد.

شعیب(ع) و کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره -

۶ شعیب (ع) در آخرین پاسخ خویش به خواسته کافران مدین، بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک امری ناممکن دانست.

و ما یكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

جمله <ما یكون لنا .. > که حکایت از عدم امکان بازگشت به آیین شرک دارد، هم می تواند به معنای عدم امکان تکوینی باشد و هم می تواند مراد از آن عدم امکان تشریحی (ناشایست بودن و جایز نبودن) باشد. برداشت فوق براساس احتمال اول است. گفتنی است که بر مبنای اول، مشیت الهی (إلا أن يشاء الله) مشیت تکوینی است و بر اساس احتمال دوم، مشیت الهی، مشیت تشریحی است.

۲۵ شعیب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند.

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

شعیب(ع) و کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۶

۶ شعیب (ع)، در دیدگاه مردم مدین مستحق کیفر و مجازات و سنگسار شدن بود.

و لولا رهطک لرجمنک

شعیب(ع) و گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲۲

۲۲ شعیب (ع) نگران آینده ای ناگوار برای مشرکان و گنه کاران مردم خویش

إني أخاف عليكم عذاب يوم محيط

شعيب(ع) و مبارزه با فساد

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۱، ۲۰

۲۰ هدف شعیب (ع) از مخالفت با آداب و رسوم مردم مدین و رفتار ناعادلانه آنان، اصلاح ایشان و از میان بردن فساد های اجتماعی بود.

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ

۲۱ شعیب (ع) تا حد توان و استطاعتش در اصلاح جامعه کوشید و با فساد مبارزه کرد.

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ

حرف <ما> در <ما استطعت> ظرفیه مصدریه است، یعنی، به معنای مدت و زمان می باشد و فعل پس از خود را به تأویل مصدر می برد. بنابراین <إِنْ أُرِيدُ...> یعنی: <مده استطاعتی الإصلاح ما أريد إلا الإصلاح> من در مدت و زمانی که توان اصلاح امور را دارم به جز اصلاح امور را نخواهم خواست.>

شعیب(ع) و مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲۲

۲۲ شعیب (ع) نگران آینده ای ناگوار برای مشرکان و گنه کاران مردم خویش

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مَّحِيظٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۵

۵ برخورد حضرت شعیب (ع) با مشرکان و کافران، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود.

يقوم أريتم

تعبیر <يا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و مهربانی شعیب(ع) دارد.

شعیب(ع) و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۸

۱۸ شعيب (ع) هرگز تمایلی به اجحاف و بی عدالتی در داد و ستد و گزاشی

به عبادت معبود های دروغین نداشت .

و ما أُرید أن أُخالفکم إلی ما أنهیکم عنه

شعیب(ع) و منافع مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۸

۸ خیرخواهی شعیب تنها در جهت منافع مردم بود ، نه آمیخته به منفعت های شخصی خویش

و نصحت لکم

<لام> در <لکم> اشاره به خلوص شعیب در خیرخواهیش دارد.

شغل شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۹

۱۹ شعیب (ع) در شهر مدین به داد و ستد و مبادلات اقتصادی اشتغال داشت . *

أوفوا المکیال و المیزان .. و ما أُرید أن أُخالفکم إلی ما أنهیکم عنه

شعیب(ع)، پس از تأکید فراوان بر لزوم رعایت قسط و عدل در مبادلات و پرهیز از کم فروشی و اجحاف در معاملات، می فرماید: من هرگز به آنچه شما را از آن نهی کرده ام روی نخواهم آورد. این سخن آن گاه جایگاهی مناسب دارد که خود نیز به داد و ستد اشتغال داشته باشد.

صداقت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۲

۲ - شعیب (ع) ، خواهان اطاعت اصحاب ایکه از او ، به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری اش

إِنّی لکم رسول أمين . فاتّقوا الله و اطیعون

برداشت یاد شده از تفریح <اتَّقُوا..> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ> به دست می آید.

ضعف شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۴

۴ شعیب (ع)

در نظر مردم مدین ، به خاطر نداشتن پشتیبان و یاور ، ضعیف و ناتوان بود .

و إنا لنرىك فينا ضعيفاً

کلمه <فينا> (در میان ما) گویای این است که مردم مدین حضرت شعیب(ع) را در قیاس با مخالفانش ناتوان می شمردند؛ نه اینکه او را شخصی ضعیف و ناتوان بدانند و لذا در برداشت <به خاطر نداشتن یاور> آورده شد.

طایفه شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۷

۷ شعیب (ع) در شهر مدین ، دارای طایفه ای انگشت شمار بود .

لولا رهطك لرجمنك

عبرت از قصه شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۱

۱ - سرگذشت شعیب (ع) و مردم ایکه ، شایان اندیشه و دربردارنده درس عبرتی بزرگ برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

کلمه <ذَلِكَ> به ماجرای میان شعیب(ع) و مردم ایکه اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای تفخیم است. بنابراین <إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً> یعنی، به راستی در این ماجرا، درس عبرتی بزرگ وجود دارد.

عذاب مکذبان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۲ - ۱

۱ عذاب فرود آمده بر تکذیب کنندگان شعیب و کفرپیشگان مدین موجب نابودی آنان و تخریب آثار زندگانی در آن دیار شد .

الذین کذبوا شعیباً کأن لم یغنوا فیها

ضمیر در <فیها> به <دار> در آیه قبل برمی گردد و <غنی> مصدر <لم یغنوا> به معنای اقامت کردن و سکونت گزیدن است. بنابراین <کأن لم یغنوا> یعنی گویا

قوم شعیب در دیارشان اقامت نکرده بودند. و این کنایه از نابودی دیار آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱

۱ شعیب (ع) پس از حتمیت نزول عذاب الهی بر تکذیب کنندگان رسالتش، از آنان فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت.

فتولی عنهم

عفت دختران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۲،۱۵

۱۲ - پرهیز از اختلاط با مردان نامحرم، انگیزه دختران شعیب در ندادن آب به گوسفندان خود

قالتا لانسقی حتی یصدر الرعاء

۱۵ - انتظار کشیدن برای خلوت شدن سرچاه از مردان نامحرم، عادت دختران شعیب و کار هر روزه آنان در آب دادن به

گوسفندان خویش

قالتا لانسقی

برداشت یاد شده با توجه به آمدن فعل مضارع <لانسقی> که مفید تکرار است به دست می آید.

عقیده پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۱۲،۱۳

۱۲ آیین مردم مدین، آیینی منفور و کریه در دیدگاه شعیب (ع) و پیروان او

أولو کنا کرهین

۱۳ شعیب (ع) با اظهار تنفر خود و پیروانش از آیین مردم مدین، انتظار پذیرش آن آیین را انتظاری شگفت و بی جا دانست

قال أولو كذا كرهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱۱، ۱۲، ۳

۳ شعيب (ع) و همگامان مؤمنش ، بيزار از گرايش به آيين شرک و افترا بستن بر خدا

قال

أو لو كنا كرهين. قد افترينا على الله كذبا إن عدنا في ملتكم

۱۱ شعيب (ع) اظهار کفر و شرک را امری نامشروع و ناروا برای خویش و همگامانش دانست .

و ما يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از عدم امکان که از جمله <ما يكون لنا .. > به دست می آید، عدم امکان تشریحی باشد.

۱۲ شعيب (ع) و مؤمنان به رسالتش ، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

عقیده شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱۷، ۱۱، ۷

۷ شعيب (ع) بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک تنها در صورت تعلق مشیت الهی ، ممکن دانست .

و ما يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

۱۱ شعيب (ع) اظهار کفر و شرک را امری نامشروع و ناروا برای خویش و همگامانش دانست .

و ما يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از عدم امکان که از جمله <ما يكون لنا .. > به دست می آید، عدم امکان تشریحی باشد.

۱۷ شعيب (ع) ، علم مطلق خداوند را دلیل پذیرش ربوبیت وی و تسلیم در برابر مشیتهايش دانست .

قال .. إلا أن يشاء الله ربنا وسع ربنا كل شيء علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۴ شعب (ع)، موفقیت خویش در اصلاح جامعه را، در گرو امداد الهی می دانست.

إن أريد إلا الإصلاح ما استطعت و ما توفیقی إلا بالله علیه توکلت

<توفیق> در آیه شریفه، مصدر مجهولی است که به نایب فاعلش (یای متکلم) اضافه شده است و <باء> برای استعانت است. بنابراین <و ما توفیقی...> یعنی، تنها به کمک خداوند بر انجام کارهای خیر، موفق خواهم بود.

۲۵ شعب (ع) تنها خداوند را مرجع خویش می دانست و فقط به درگاه او روی می آورد.

و إليه أنیب

<انابه> (مصدر أنیب) به معنای رجوع و اقبال است.

عمل به تکلیف شعب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۶

۱۶ شعب (ع)، به مردمان اعلام کرد: همواره به تعالیمی که بیان کرده و مقرراتی که ابلاغ نموده، پایبند بوده و بدان ها عمل می کند.

و ما أريد أن أخالفكم إلى ما أنهيكم عنه

فعل <أخالفكم> چون با <إلى> متعدی شده، معنای <امیل> در آن اشراب شده است. بنابراین جمله <ما أريد...> چنین معنا می شود: من نمی خواهم با شما مخالفت کنم و خود به آنچه از آن نهی کرده ام بازگردم.

عوامل تکذیب شعب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۵

۵ - پیام عدالت خواهی و حق جویی شعب (ع)، مایه انکار رسالت وی از سوی مفسدان سودجوی آیکه

أوفوا الكيل... و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

... و إن نظنك لمن الكذابين

فرجام مکذبان شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۲ - ۳

۳ تکذیب کنندگان شعيب (ع) ، خود به فرجام زیانباری که برای مؤمنان پیش بینی می کردند ، گرفتار شدند .

لئن اتبعتم شعيباً إنکم إذا لخرین .. الذین کذبوا شعيباً کأن لم یغنوا فیها

حصری که از ضمیر فصل استفاده می شود حصر قلب است. یعنی بیان می کند که پندار کفرپیشگان (زیانکاری مؤمنان) باطل است و خود آنان زیانکار هستند.

فضایل پیروان شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۰

۲۰ شعيب (ع) و همگامان مؤمنش ، انسانهایی متکی به خدا و بهره مند از روحیه توکل

علی الله توکلنا

فضایل شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۰

۲۰ شعيب (ع) و همگامان مؤمنش ، انسانهایی متکی به خدا و بهره مند از روحیه توکل

علی الله توکلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۴

۴ شعب (ع) حتی پیش از رسیدن به مقام رسالت ، فردی دلسوز و دوستدار مردم مدین بود .

و إلى مدین أهاهم شعبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱۴،۱۵

۱۴ شعب (ع) شخصیتی با درایت و راه یافته حتی در دیدگاه کافران قوم خویش

إنک لأنت الحلیم الرشید

از معانی <حلم> عقل و درایت است و <حلیم>

در جمله فوق، از آن مشتق شده است. <الرشید> به معنای راه یافته و هدایت شده است. قابل ذکر است که مقصود مردم مدین از هدایت یافتگی شعیب(ع)، هدایت در امور اجتماعی و اخلاقی و مانند آنهاست.

۱۵ شعیب (ع) ، حتی در میان کافران قومش ، به دارا بودن اخلاق نیکو شهرت داشت .

إنك لأنت الحليم الرشيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۶

۶ - شعیب (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار ، نزد مردم ایکه

إني لكم رسول أمين

تأکید شعیب(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری نزد مردم ایکه برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۷

۱۷ - شعیب (ع) ، شخصیتی از زمره صالحان

ستجدنی .. من الصالحين

فلسفه تکذیب شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۴

۴ - برخورداری شعیب (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز مردم < ایکه > در رد رسالت وی

قالوا إنما أنت من المسخرين

<مسخر> می تواند مشتق از <سحر> باشد <مسخر> مرادف <رئه> (شش) است. بنابراین واژه <مسخر> به معنای موجود دارای شش که از خصوصیات بشری است می باشد. این تعبیر کنایه از همگونی شعیب(ع) با سایر مردم و امتیاز نداشتن

وی می باشد. گفتنی است برپایه این احتمال، آیه بعد توضیح همین تعبیر خواهد بود.

فلسفه دامداری دختران شعیب(ع)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ - نبودن مردی توانا در خانواده شعیب ، علت پرداختن دختران او به کار دامداری

قالا لانسقى . . . و ابونا شيخ كبير

فلسفه دعای شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۳۱

۳۱ تثبیت حق ، هدف دعای شعیب پیامبر

ربنا افتح . . . بالحق

شعیب(ع) در دعای خویش با اینکه اذعان به حقانیت خویش داشت، نگفت که خدایا به سود ما داوری کن، بلکه گفت خدایا حق را به کرسی بنشان و این اشاره به این حقیقت دارد که پیامبران هدفی جز تثبیت حق نداشته اند.

فلسفه دعوت‌های شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۵

۵ - دعوت شعیب از موسی ، برای پرداختن مزد در قبال آب دادن وی به گوسفندان

إِنَّ أباي يدعوك ليجزيك أجر ما سقيت لنا

قبول پیشنهاد دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۹

۹ - استقبال شعیب (ع) از پیشنهاد دختر خویش برای استخدام موسی (ع)

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَعَجَرَ الْقَوَى الْأَمِينِ

سکوت شعيب(ع) در برابر پیشنهاد دختر خویش، نشانگر پذیرفته شدن آن از سوی وی می باشد. آیه بعد نیز گویای همین مطلب است.

قبول پیشنهاد شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۱

۱ - پذیرفته شدن پیشنهاد شعيب (هشت تا ده سال کار در قبال ازدواج) از سوی موسی (

(ع)

قال إني أريد... أئما الأجلين قضيت فلاعدون عليّ

قبول دعوتهای شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۷

۷ - پذیرش دعوت شعیب از سوی موسی (ع) و رفتن وی به نزد او

قالت إن أبي يدعوك... فلما جاءه

قبول رسالت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۳

۳ اشراف کفرپیشه مدین با یاد کردن سوگند ، پذیرش رسالت شعیب و پیروی از دستورات او را ، امری زیان آور معرفی می کردند .

لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

قبول هشدارهای شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۲

۲ - دعوت شعیب (ع) از مردم ایکه ، مبنی بر پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألا تتقون إني لكم رسول أمين

واژه <آمین> می تواند از ریشه <آمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد وثوق و اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید <آمین> از جانب شعیب(ع) است که مردم به او اعتماد کنند (به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند).

قصه شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۴، ۱۹، ۱۴، ۴، ۳

۳ وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان شعيب و مردم مدین

و إلى مدین أخاهم شعيباً

از اینکه شعيب برادر مردم مدین خوانده شده، یا اشاره به خویشی وی با مردم مدین دارد و یا حکایت از آن دارد که او حتی

پیش از نبوتش، انسانی دلسوز برای قوم خویش بوده است. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۴ شعیب، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم مدین

و إلی مدین أخواهم شعیباً

۱۴ شعیب با ارائه بینه ای روشنگر، قوم خویش را به توحید و ترک شرک دعوت کرد.

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره قد جاء تکم بینه من ربکم

۱۹ شعیب (ع) از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس پیمانانه ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نگاهند.

فأوفوا الكيل و الميزان

کلمه <کیل> مصدر است و در آیه مورد بحث به معنای چیزی است که به وسیله آن کیل می کنند؛ یعنی پیمانانه. <ایفاء> (مصدر اوفوا) به معنای اتمام می باشد و <اتمام کیل> به این است که گنجایش پیمانانه مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود. و ایفاء میزان به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

۲۴ شعیب (ع)، مردم خویش را از فسادگری در زمین نهی کرد.

و لاتفسدوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۱۳، ۱۲، ۷، ۳

۳ شعیب از مردم خویش خواست تا دست از تهدید اهل ایمان بردارند و آنان را از پیمودن راه خدا بازدارند.

و لا تقعدوا بكل صرط توعدون و تصدون عن سبیل الله من ءامن به

۷ شعیب برای گرایش دادن مردم مدین به راه خدا، عنایت خداوند

در زیاد کردن جمعیت اندک آنان را یادآور شد .

و اذکروا إذ کنتم قلیلا فکثرکم

۱۲ شعیب ، مردم خویش را به مطالعه و بررسی فرجام شوم فسادگران تاریخ فراخواند .

و أنظروا کیف کان عقبه المفسدین

۱۳ شعیب ، کافران قوم خویش را به گرفتار آمدن به فرجامی همانند سرنوشت فسادگران پیشین تهدید کرد .

و أنظروا کیف کان عقبه المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱۰، ۹، ۸، ۲، ۱

۱ گروهی از مردم مدین به رسالت شعیب (ع) ایمان آوردند و گروهی دیگر از پذیرش آن سر باز زدند .

و إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به و طائفه لم یؤمنوا فاصبروا

<إن کان طائفه ... > به دلیل آیه قبل از مواردی است که در آن <إن > شرطیه در مورد تحقق شرط به کار رفته است ؛ مانند <ان کنت ابنی فلا تفعل کذا> . بنابراین <إن کان طائفه منکم ... فاصبروا> یعنی چنانچه گروهی از شما ایمان آوردید پس صبر پیشه سازید.

۲ شعیب (ع) ، دعوتگر مؤمنان قوم خویش به صبر در برابر کفرپیشگان

إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به .. فاصبروا

در اینکه مخاطب <فاصبروا> چه کسانی هستند سه احتمال وجود دارد: خصوص مؤمنان، خصوص کافران، هر دو طایفه. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. در این صورت متعلق صبر، آزارها و اذیت‌های کافران است. یعنی: فاصبروا علی ما یصیبکم من الکفار. (ای اهل ایمان در برابر آزار کافران صبر کنید و بر دینداری خویش استقامت ورزید).

۸ شعیب (ع) ، کافران قوم خویش را

به داوری خدا و گرفتارسازی آنان به عقوبت های الهی در دنیا تهدید کرد .

و طائفه لم یؤمنوا فاصبروا حتی یحکم الله بیننا

با توجه به ذیل آیه ۸۹ (ربنا افتح ..) معلوم می شود مقصود شعیب از داوری خداوند، تحقق امری است که نابودی کافران در دنیا و در نتیجه پیروزی اهل ایمان را در پی خواهد داشت. چنانچه مخاطب در <فاصبروا> خصوص کافران باشد، این معنا از وضوح بیشتری برخوردار خواهد بود.

۹ شعیب (ع) ، مؤمنان به رسالت خویش را به داوری خداوند و پیروزی بر کافران نوید داد .

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا

۱۰ شعیب (ع) از مؤمنان و کافران قوم خویش خواست با وانهادن داوری به خداوند از تعرض به یکدیگر پرهیز کنند .

إن کان طائفه منکم ءامنوا .. و طائفه لم یؤمنوا ... فاصبروا حتی یحکم الله بیننا

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در <فاصبروا> علاوه بر مؤمنان متوجه کافران نیز باشد. در این صورت مراد از صبر در <فاصبروا> عدم تعرض به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۱۳، ۹، ۸، ۳، ۲، ۱

۱ گروهی از اشراف قوم شعیب (ع) از سر تکبر و خودبرتربینی به وی و رسالتهایش کافر شدند .

قال المأذون الذین استکبروا من قومه

برداشت فوق بر این اساس است که <الذین استکبروا> قیدی احترازی باشد. بر این مبنا اشراف به دو طایفه مستکبران و غیر مستکبران تقسیم می شوند. قابل ذکر است که مراد از استکبار، کفرورزی است که برای تبیین علت کفر به جای <کفروا>، <استکبروا>

استعمال شده است.

۲ اشراف کفرپیشه مدین ، شعیب و مؤمنان به رسالتش را به تبعید دسته جمعی تهدید کردند .

لنخرجنک یشعیب و الذین ءامنوا معک من قریتنا

<معک> می تواند متعلق به <لنخرجنک> باشد. بر این مبنا <لنخرجنک> حاکی از تبعید دسته جمعی است.

۳ اشراف کفرپیشه قوم مدین ، سردمداران مبارزه با شعیب و رسالت های وی

قال الملاء الذین استکبروا من قومه لنخرجنک

۸ اشراف کفرپیشه مدین بازگشت به آیین ملی آن سامان را شرط رهایی شعیب و همگامانش از خطر تبعید اعلان کردند .

لنخرجنک . . . او لتعودن فی ملتنا

۹ اشراف کفرپیشه مدین در تلاشی پیگیر برای تحمیل آیین خویش بر شعیب و مؤمنان به وی

او لتعودن فی ملتنا

جمله <او لتعودن> می رساند که هدف از تصمیم قوم مدین بر تبعید شعیب و همگامانش بازگرداندن آنان به آیین شرک است. بنابراین همه تهدیدات به سبب تحمیل این عقیده باطل بوده است.

۱۳ شعیب (ع) با اظهار تنفر خود و پیروانش از آیین مردم مدین ، انتظار پذیرش آن آیین را انتظاری شگفت و بی جا دانست .

قال او لو کنا کرهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۵، ۲۰، ۱۲، ۱۱، ۶، ۴، ۳، ۱

۱ شعیب (ع) در پاسخ اشراف کفرپیشه مدین ، گرایش به آیین شرک را افترا بر خداوند دانست .

قد افترینا علی الله کذبا إن عدنا فی ملتکم

۳ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش ، بیزار از گرایش به آیین شرک و افترا بستن بر خدا

قال او لو کنا کرهین. قد افترینا علی الله کذبا إن عدنا فی ملتکم

خداوند نجاتبخش شعیب (ع) و همگامانش از گرایش به شرک

بعد إذ نجنا الله منها

۶ شعیب (ع) در آخرین پاسخ خویش به خواسته کافران مدین، بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک امری ناممکن دانست.

و ما یكون لنا أن نعود فيها إلا أن یشاء الله ربنا

جمله <ما یكون لنا .. > که حکایت از عدم امکان بازگشت به آیین شرک دارد، هم می تواند به معنای عدم امکان تکوینی باشد و هم می تواند مراد از آن عدم امکان تشریحی (ناشایست بودن و جایز نبودن) باشد. برداشت فوق براساس احتمال اول است. گفتنی است که بر مبنای اول، مشیت الهی (إلا أن یشاء الله) مشیت تکوینی است و بر اساس احتمال دوم، مشیت الهی، مشیت تشریحی است.

۱۱ شعیب (ع) اظهار کفر و شرک را امری نامشروع و ناروا برای خویش و همگامانش دانست.

و ما یكون لنا أن نعود فيها إلا أن یشاء الله ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از عدم امکان که از جمله <ما یكون لنا .. > به دست می آید، عدم امکان تشریحی باشد.

۱۲ شعیب (ع) و مؤمنان به رسالتش، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما یكون لنا أن نعود فيها إلا أن یشاء الله ربنا

۲۰ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش، انسانهایی متکی به خدا و بهره مند از روحیه توکل

علی الله توکلنا

۲۵ شعیب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین

او و کفرپیشگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۱،۵

۱ اشراف کفرپیشه مدین در تلاش برای بازداشتن مردم از ایمان به رسالت شعیب و پیروی از فرمان های او

و قال المأذون کفروا من قومه لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذا لخسرون

مراد از متابعت در <اتبعتم> می تواند پیروی از آیین و دستورات شعیب باشد. در این صورت مخاطبان این کلمه (اتبعتم) عموم مردم هستند. همچنین می تواند مراد از آن پیروی از شعیب در خروج از شهر مدین باشد. در این صورت مؤمنان به شعیب مخاطبان <اتبعتم> خواهند بود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۵ شعیب (ع) پس از اعلان پایداریش بر توحید و رد پیشنهاد اشراف کفرپیشه (بازگشت به آیین شرک) ، خروج از دیار مدین را برگزید .

لئن اتبعتم شعیباً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <اتبعتم شعیباً>، پیروی از شعیب(ع) در خروج از شهر مدین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۳،۵

۳ کافران قوم شعیب شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و صبحگاهش به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا فی دارهم جثمین

برداشت فوق مبتنی بر این است که <اصبحوا> به معنای <ادخلوا فی الصبح> (داخل در صبح شدند) باشد، نه به معنای <صاروا>. بر این مبنا <فأصبحوا ...> می رساند که هلاکت به هنگام صبح اتفاق افتاد و در

نتیجه عذاب لرزش پیش از صبح، یعنی در شب، بر کافران قوم شعیب عارض شده است.

۵ لرزش شدید و عذاب نازل شده بر قوم شعیب توان حرکت و بیرون آمدن از خانه ها را از ایشان سلب کرد .

فأصبحوا فی دارهم جثمین

<فی دارهم> هم می تواند اشاره به این نکته باشد که نزول عذاب هنگامی بود که همه و یا اکثر آنان در خانه هایشان استراحت می کردند و هم می تواند علاوه بر این، اشاره به این داشته باشد که با احساس لرزش زمین، که طبعاً آدمی از خانه می گریزد، قوم شعیب نیز خواستند از خانه ها بیرون شوند، ولی عذاب مهلت نداد و در همانجا به هلاکت رسیدند. با توجه به اینکه <فی دارهم> متعلق به <جثمین> است، این معنا وضوح بیشتری پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱۰، ۷، ۶، ۴، ۲، ۱

۱ شعیب (ع) پس از حتمیت نزول عذاب الهی بر تکذیب کنندگان رسالتش، از آنان فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت .

فتولی عنهم

۲ شعیب (ع) با دلسوزی بر کافران مشرف به هلاکت، از آنان اعراض کرد و شهر مدین را ترک گفت .

فتولی عنهم و قال یقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم نشان از تحسّر و دلسوزی شعیب به مردم خویش دارد.

۴ شعیب (ع) هنگام خروجش از میان مردم مدین، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولی عنهم و قال یقوم لقد أبلغتکم رسلت ربی

۶ شعیب (ع)

، پیام الهی را به مردمش ابلاغ کرد و در هدایت و ارشاد آنان بسیار کوشید .

لقد أبلغتكم رسلت ربی و نصحت لکم

لام تأکید در <لقد> که خبر از قسم مقدر دارد، و نیز کلمه <قد> که گویای تأکید است، می رساند که شعیب در ابلاغ رسالت الهی کوتاهی نکرد و در این راه بسیار تلاش کرد.

۷ شعیب (ع) ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

۱۰ شعیب (ع) با توجه به کفرورزی مردم خویش ، دریغ و تأسف بر هلاکت آنان را ناروا خواند .

فکیف ءاسی علی قوم کفرین

لحن جمله <یقوم .. > حکایت از دریغ و تأسف شعیب دارد و جمله <کیف ءاسی ... > دلالت می کند که تأسف بر هلاکت کفرپیشگان نارواست. گویا شعیب هنگامی که قومش را مشرف به هلاکت یافت بر آنان افسوس خورد و سپس کفرورزی آنان را ملاحظه کرد و آنان را مستحق این هلاکت دانست و لذا نتیجه گرفت که نباید بر هلاکت ایشان افسوس خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۳،۹

۳ مردم مدین ، نمازها و عبادت های شعیب (ع) را مورد تمسخر و استهزای خویش قرار می دادند .

أصلوتک تأمرک أن نترک ما یعبد ءاباؤنا

استفهام در جمله <أصلوتک .. > به داعی استهزا و تمسخر ایراد شده است.

۹ جوانان و میانسالان مردم مدین ، مخاطبان اصلی شعیب (ع) در ابلاغ معارف الهی به آنان

أن نترک ما یعبد ءاباؤنا

فعل مضارع <یعبد> حاکی است که مقصود از <آباؤنا> تنها نسلهای پیشین مخاطبان نیست؛

بلکه پدران فعلی آنان که زنده هستند نیز مورد نظر می باشد. بنابراین مخاطبان طبعاً جوانان و میانسالان خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۹

۱۹ شعيب (ع) در شهر مدین به داد و ستد و مبادلات اقتصادی اشتغال داشت . *

أوفوا المکیال و المیزان . . . و ما أُرید أن أُخالفکم إلی ما أنهیکم عنه

شعيب(ع)، پس از تأکید فراوان بر لزوم رعایت قسط و عدل در مبادلات و پرهیز از کم فروشی و اجحاف در معاملات، می فرماید: من هرگز به آنچه شما را از آن نهی کرده ام روی نخواهم آورد. این سخن آن گاه جایگاهی مناسب دارد که خود نیز به داد و ستد اشتغال داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۴

۴ شعيب (ع) کفرپیشگان ستیزه جوی قومش را به مبتلا شدن سرنوشتی همانند سرنوشت برخی از جوامع هلاک شده پیشین هشدار داد .

و یقوم لایجرمنکم شقاقی أن یصیبکم مثل ما أصاب قوم نوح أو قوم هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۰، ۱۱، ۹، ۷، ۴، ۳

۳ مردم مدین ، بسیاری از تعالیم شعيب (ع) را ، سخنانی سخیف و بی فایده می شمردند و شایسته اعتنا کردن نمی دانستند .

ما نفقه کثیرًا مما تقول

مراد از جمله <ما نفقه ..> (بسیاری از سخنانت را نمی فهمیم) می تواند معنای حقیقی آن باشد، یعنی، واقعاً توان درک تعالیم تو را نداریم، مسأله توحید برای ما لاینحل

است، محدود دانستن مالک در تصرف اموال خویش قابل هضم نیست و ... و می تواند کنایه از نامعقول بودن و نا به جا و بی ثمر بودن باشد؛ یعنی، پیامهای تو آن قدر سخیف است که شایسته تأمل کردن و فهمیدن و عمل کردن نیست. برداشت فوق، ناظر به احتمال دوم است.

۴ شعیب (ع) در نظر مردم مدین، به خاطر نداشتن پشتیبان و یاور، ضعیف و ناتوان بود.

و إنا لنرىك فينا ضعيفاً

کلمه <فینا> (در میان ما) گویای این است که مردم مدین حضرت شعیب(ع) را در قیاس با مخالفانش ناتوان می شمردند؛ نه اینکه او را شخصی ضعیف و ناتوان بدانند و لذا در برداشت <به خاطر نداشتن یاور> آورده شد.

۷ شعیب (ع) در شهر مدین، دارای طایفه ای انگشت شمار بود.

لولا رهطك لرجمنك

۹ خاندان شعیب، قبیله ای شایسته احترام در نزد مردم مدین

لولا رهطك لرجمنك

<رهط> به گروه و دسته ای گفته می شود که از ده نفر تجاوز نکند و آن گاه که به کلمه ای همانند رطل اضافه شود (رهط الرجل) به معنای قبیله، قوم و خاندان است.

۱۰ عزت و احترام قبیله شعیب در نزد مردم مدین، مانع آنان از کيفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطك لرجمنك

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعیب(ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از <لولا رهطك> این معنا نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند؛ بلکه به قرینه <ما أنت علينا بعزیز> و <أرھطی أعز> .. در آیه بعد

مراد از <لولا رهطک>، <لولا عزه قومک و کرامتهم عندنا...> است.

۱۱ مردم مدین، شعیب (ع) را به خاطر مبارزه اش علیه شرک‌ورزی و بی‌عدالتی، فاقد کرامت دانسته و شایسته احترام نمی‌شمردند.

و ما أنت علینا بعزیز

<عزیز> به معنای محترم و بزرگوار و نیز به معنای شکست‌ناپذیر می‌باشد. مراد از آن در آیه شریفه معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۲،۳،۸،۹

۲ شعیب (ع) از مردم خویش خواست با در نظر گرفتن عزت و شکوه خداوند، معارف و احکام الهی را بپذیرند.

أرهطی أعزّ علیکم من الله

با توجه به اینکه جمله <أرهطی أعزّ...> پاسخ شعیب (ع) در برابر <لولا رهطک...> است، می‌توان گفت: مقصود او این است که اگر به خاطر عزت خاندانم مرا سنگسار نمی‌کنید، چرا عزت و شکوه خداوند را که از هر کسی عزتمندتر است در نظر نمی‌آورید و غیر او را پرستش می‌کنید و....

۳ شعیب (ع) مردم مدین را به خاطر غفلت از خدا و رعایت نکردن جانب او، توبیخ و سرزنش کرد.

أرهطی أعزّ علیکم من الله واتخذتموه وراءكم ظهرياً

استفهام در جمله <أرهطی...> انکار توبیخی است.

۸ شعیب (ع) با بیان سیطره خداوند بر رفتار کفرپیشگان مدین، تهدیدهای آنان را به هیچ‌انگاشت.

لولا رهطک لرجمنک .. إن ربی بما تعملون محیط

چنان‌چه مراد از احاطه خدا بر اعمال، سیطره و حاکمیت او بر اعمال باشد، هدف شعیب (ع)

از آوردن <رَبِّي>، <إِن ربي...> و نگفتن <إِنَّ اللَّهَ...> این است که چون اعمال شما در سیطره خداست و او رب و مدبر من است، اجازه نخواهد داد بر من غلبه کنید و اگر غلبه نیز کردید، آن را در راستای تدبیر و تربیت من قرار می دهد پس در هر حال مرا از تهدیدهای شما باکی نیست.

۹ شعيب (ع) مردم مدین را به حسابرسی خداوند و مجازات های او هشدار داد .

إِن ربي بما تعملون محیط

چنان چه مقصود از احاطه خداوند بر اعمال بندگان ، آگاهی او بر اعمال باشد ، جمله <إِن ربي...> کنایه از حسابرسی و کیفردهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ شعيب (ع) از سر تهدید و هشدار ، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری کنند .

و يقوم اعمالوا علی مکانتکم

۲ ناامیدی و یأس شعيب (ع) از ایمان آوردن کفرپیشگان مردم مدین

اعملوا علی مکانتکم... سوف تعلمون... وارتقبوا

جمله هایی نظیر <هرچه از دستتان برمی آید کوتاهی نکنید ، بر مواضع ناصوابتان بمانید ، به زودی خواهید دانست و منتظر باشید> سخنانی است که آدمی پس از یأس و ناامیدی ، به زبان می آورد. گفتنی است که: <ارتقاب> (مصدر ارتقبوا) به معنای انتظار کشیدن است.

۴ شعيب (ع) ، کفرپیشگان قومش را به عذابی خوارکننده هشدار داد .

سوف تعلمون من یأتیه عذاب یخزیه... وارتقبوا

۵ مردم مدین ، شعيب (ع) را به دروغ گویی در ادعای

نبوت و رسالت متهم می کردند .

سوف تعلمون ... من هو كذب

۶ شعيب (ع) پس از اتمام حجت بر مردم و لجاجت پیشگی آنان ، در انتظار سرنوشت شوم آنان بود .

وارتقبوا إني معكم رقيب

<رقيب> در آیه شریفه به معنای منتظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۴

۴ خداوند ، شعيب (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر مردم مدین رهایی بخشید .

و لما جاء أمرنا نجينا شعيبًا والذين ءامنوا معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۶ - ۱

۱ - تکذیب رسالت شعيب ، از سوی مردم سرزمین <ایکه >

كذب أصحاب ليكه المرسلين

بسیاری از مفسران برآنند که <ایکه> سرزمینی است مجاور <مدین> که شعيب (ع) بر آنان و اهل مدین مبعوث شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۷ - ۵

۵ - اصحاب ایکه مورد سرزنش شعيب (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون

استفهام در جمله <ألا تتقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - دعوت شعیب (ع) از مردم ایکه ، مبنی بر پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَاتتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه <آمین> می تواند از ریشه <آمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد وثوق و اعتماد) باشد.

در این صورت آوردن قید <آمین> دعوتی از جانب شعیب (ع) است که مردم به او اعتماد کنند (به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند).

۵- تأکید شعیب (ع) بر خیرخواهی خود، مبنی بر تضمین منافع مردم <ایکه> در پرتو رسالت وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (با لام انتفاع) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۱

۱- دعوت مجدد شعیب (ع) از مردم ایکه، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۱

۱- تصریح شعیب (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم، در قبال رسالت خویش

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ .. إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۱ - ۲

۲- تمام دادن پیمانانه و پرهیز از کم فروشی، توصیه شعیب (ع) به مردم <ایکه>

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۱،۲،۴

۱- موضع گیری خصمانه مردم ایکه در برابر نصیحت های شعیب (ع)

قالوا إنّما أنت من المسحّرين

ضمیر فاعل در <قالوا> به <اصحاب الأیّکه> بازمی گردد. <إنّما> از ادوات قصر است؛ بنابراین جمله <إنّما أنت من المسحّرين> به تقدیر

> ما أنت إلا من المسحّرين < می باشد. < مسحّر > نیز به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

۲ - متهم شدن شعیب (ع) از سوی مردم < آیکه > به جنون و سحرزدگی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

< مسحّر > (مفرد < مسحّرين >) به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

۴ - برخوردار شدن شعیب (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز مردم < آیکه > در رد رسالت وی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

< مسحّر > می تواند مشتق از < سحر > باشد < مسحّر > مرادف < رثه > (شش) است. بنابراین واژه < مسحّر > به معنای موجود دارای شش که از خصوصیات بشری است می باشد. این تعبیر کنایه از همگونی شعیب (ع) با سایر مردم و امتیاز نداشتن وی می باشد. گفتنی است برپایه این احتمال، آیه بعد توضیح همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۳،۴،۵

۳ - عدم برخوردار شدن شعیب (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی ، مانع پذیرش رسالت او از سوی مردم آیکه

و ما أنت إلا بشر مثلنا

تعبیر < مثلنا > می تواند به معنای همانندی در بشر بودن نباشد بلکه مراد، مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی باشد.

۴ - شعیب (ع) متهم به دروغ گویی در ادعای رسالت ، از سوی مردم آیکه

و إن نظنك لمن الكذابين

< إن > مخفف از ثقیله و < ظن > (مصدر < نظن >) مرادف < ایقان > (یقین داشتن) است یعنی، < قطعاً تو را از جمله دروغ گویان می دانیم >.

۵ - پیام عدالت خواهی و حق جوئی شعیب (ع) ، مایه انکار رسالت وی از سوی مفسدان

أوفوا الكيل . . . و لاتعتوا فی الأرض مفسدین ... و إن نظنك لمن الكذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۷ - ۱،۲،۳،۴

۱ - مردم آیکه ، خواهان فرو ریختن قطعات آسمانی بر سرشان توسط شعیب (ع)

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصدقین

<كشفه> (مفرد <كسّف>) مرادف <قطعه> است.

۲ - اقدام مردم آیکه به ناتوان جلوه دادن شعیب (ع) ، با هدف وادار ساختن وی به عقب نشینی از مواضع تبلیغی خویش

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصدقین

امر در <أسقط> به اصطلاح تعجیزی است. بنابراین، مردم آیکه اقتراح یاد شده (فرو ریختن قطعات آسمانی) را در شرایطی مطرح کردند که می پنداشتند، انجام آن امری غیر ممکن است و شعیب(ع) از این کار ناتوان بوده و به ناچار دست از تبلیغاتش خواهد کشید.

۳ - فرو ریختن قطعات آسمانی ، امری خارج از قلمرو قدرت شعیب (ع) در پندار مردم آیکه

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصدقین

۴ - پافشاری مردم آیکه ، بر کفر و انکار رسالت شعیب (ع)

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۹ - ۱

۱ - پافشاری مردم < آیکه > ، بر تکذیب شعیب (ع) و انکار رسالت او

فكذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۲۰، ۱۹، ۱۷، ۱۶

۱۶ - ارتزاق خانواده شعیب از راه دامداری

و وجد من دونهم امرأتین تذودان .. قالتا

لانسقی حتی یصدر الرعاء

۱۷ - بودن مردی توانا در خانواده شعیب ، علت پرداختن دختران او به کار دامداری

قالتا لانسقی .. و أبونا شیخ کبیر

۱۹ - شعیب (ع) ، پیرمردی سالخورده و ناتوان از رسیدگی به کار دام

قالتا .. و أبونا شیخ کبیر

۲۰ - تقارن هجرت موسی (ع) به مدین با دوران پیری شعیب (ع)

قالتا .. و أبونا شیخ کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۱،۴،۷،۸،۹

۱ - بازگشت یکی از دختران شعیب نزد موسی به فرمان پدر

فجاءته إحدیهما .. قالت إنَّ أبی یدعوک

۴ - دختر شعیب ، پیامدار دعوت پدرش از موسی (ع)

قالت إنَّ أبی یدعوک

۷ - پذیرش دعوت شعیب از سوی موسی (ع) و رفتن وی به نزد او

قالت إنَّ أبی یدعوک .. فلما جاءه

۸ - گفت و گوی موسی (ع) با شعیب و بیان سرگذشت خویش برای وی

فلما جاءه و قصَّ علیه القصص

۹ - اقدام شعیب به دلداری موسی (ع) رفع نگرانی و ترس از وی و اعلام نجات یافتنش از شر فرعونیان

قال لا تخف نجوت من القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پیشنهاد یکی از دختران شعیب به پدر برای استخدام موسی (ع)

قالت إحدیهما یأبت استئجره

۳ - ستایش دختر شعیب از موسی (ع) نزد پدر

إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمين

۵ - نیاز خانواده شعیب به اجیر کردن مردی جهت نگه داری گوسفندانشان

قالت إحدیهما یأبت استئجره

با توجه

به آیات پیشین، مراد از <استئجره> استیجار برای نگه داری گوسفندان شعیب می باشد.

۹ - استقبال شعیب (ع) از پیشنهاد دختر خویش برای استخدام موسی (ع)

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرَ الْقَوَى الْأَمِينِ

سکوت شعیب(ع) در برابر پیشنهاد دختر خویش، نشانگر پذیرفته شدن آن از سوی وی می باشد. آیه بعد نیز گویای همین مطلب است.

۱۲ - <عن الرضا (ع) : ... و لَمَّا قَالَتْ : < استأجره إنَّ خیر من استأجرت القوی الامین > قال أبوها کیف علمت ذلك ؟ قالت لَمَّا أتیته برسالتک فأقبل معی قال کونی خلفی و دلّینی علی الطریق ... >

از امام رضا(ع) روایت شده [است که فرمود] آن گاه که دختر شعیب به پدرش گفت: موسی را اجیر کن؛ چون بهترین اجیر کسی است که نیرومند و امین باشد؛ پدر گفت: چگونه به این حقیقت پی برده ای؟ گفت: آن گاه که پیام تو را برای او بردم با من همراه شد و گفت: تو پشت سر من باش و راه را به من نشان ده. >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۱۴، ۲، ۴

۱ - تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال إنَّی أُرید أن أنکحک إحدى ابنتی هتین

۲ - اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إنَّی أُرید أن أنکحک إحدى ابنتی هتین

اسم اشاره <هاتین> نشان دهنده آن است که هر

دو دختر شعیب، در آن لحظه حضور داشتند. گفتنی است که حضور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی (ع) دارد.

۴- شعیب (ع)، خواستار حداقل هشت سال و حداکثر ده سال کار (شبانگی گوسفندان)، از موسی در قبال ازدواج با یکی از دخترانش بود.

قال إني أريد أن أنكحك .. علي أن تأجرني ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندك

<حجج> جمع <حجه> است و مراد از آن <سنین> می باشد یعنی، <علی آن تأجرنی ثمانی سنین>.

۱۳- آزاد گذاشتن موسی (ع) از سوی شعیب (ع) در انتخاب کردن حداقل مهر (هشت سال کار) یا حداکثر آن (ده سال کار)

علی أن تأجرني ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندك

۱۵- شعیب (ع)، نگران رد شدن پیشنهاد وی از سوی موسی (ع)

و ما أريد أن أشق عليك

این که حضرت شعیب (ع) بلافاصله اعلام می کند من قصد ندارم بر تو سخت بگیرم، در بردارنده نوعی درخواست از سوی شعیب (ع) است که موسی (ع) پیشنهاد او را رد نکند.

۱۶- تضمین مدارا کردن با موسی (ع) و سخت نگرفتن بر وی در کارها از سوی شعیب (ع)

و ما أريد أن أشق عليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۱،۲،۷

۱ - پذیرفته شدن پیشنهاد شعیب (هشت تا ده سال کار در قبال ازدواج) از سوی موسی (ع)

قال إني أريد .. أيما الأجلين قضيت فلاعدون علي

موسی (ع) خواهان ملزم نشدن از سوی شعیب به ادامه کار، پس از اتمام مدت اول (هشت سال) در صورت عدم تمایل به ادامه کار و مجبور نشدن به ترک کار در صورت تمایل به اتمام مدت دوم (ده سال)

أَيُّمَ الْأَجْلِينَ قَضَيْتَ فَلَاعِدُونَ عَلَيَّ

جمله <لاعدوان عليّ> انشا در قالب اخبار است. بنابراین مقصود این است که من هر یک از دو مدت را بخواهم پایان ببرم، نباید برخلاف خواسته ام مرا مجبور کنی.

۷- موسی (ع) خدا را بر قرارداد میان خود و شعیب (ع) گواه گرفت .

قال ذلك بيني وبينك . . . و الله علي ما نقول و كيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۱

۱ - شعیب (ع) از پیامبران الهی بود که به شهر مدین فرستاده شد .

و لقد أرسلنا نوحًا و . . . و إلی مدین أخاهم شعيبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۷ - ۱

۱ - مردم مدین ، رسالت شعیب (ع) را نپذیرفتند و او را تکذیب کردند .

و إلی مدین أخاهم شعيبًا . . . فكذبوه

کافران مدین و شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۹

۹ اشرف کفرپیشه مدین در تلاشی پیگیر برای تحمیل آیین خویش بر شعیب و مؤمنان به وی

او لتعودن فی ملتنا

جمله <او لتعودن> می رساند که هدف از تصمیم قوم مدین بر تبعید شعیب و همگامانش بازگرداندن آنان به

آیین شرک است. بنابراین همه تهدیدات به سبب تحمیل این عقیده باطل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۲

۲ کافران قوم شعیب پس از تمام شدن حجت الهی بر آنان و اصرارشان به کفرورزی و مبارزه با شعیب و مؤمنان به وی ، به هلاکت رسیدند .

قال الملائة... فأخذتهم الرجفة

کلمه <فأ> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعیب و در آخر دعای شعیب که خواهان داوری خداوند شد.

کثرت گریه شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲۶

۲۶ > عن أبي عبد الله (ع) : لم يبعث الله عزوجل من العرب إلا خمسة أنبياء : هوداً و صالحاً و اسماعيل و شعيباً و محمداً خاتم النبیین (ص) و كان شعيب بكاء ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: خدای عزوجل از عرب جز پنج نفر کسی را مبعوث نکرد: هود، صالح، اسماعیل، شعیب و محمد(ص) خاتم پیامبران و شعیب زیاد گریه کننده بود.<

گفتگوی دختر شعیب(ع) با موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۲

۲ - حرکت توأم با حیا و آزرم دختر شعیب به هنگام بازگشت نزد موسی (ع) و گفتوگو با وی

فجاءته إحدیهما تمشی علی استحياء

گفتگوی موسی(ع) با شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵

۸ - گفت و گوی موسی (ع) با شعیب و بیان سرگذشت خویش برای وی

فلما جاءه و قصّ علیه القصص

مالکیت در شریعت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ تعالیم شعیب (ع) ، در بردارنده ضوابط و مقرراتی خاص برای دخل و تصرف مالکان در اموال خویش

أصلوتک تأمرک أن نترک ما یعبد ءاباؤنا أو أن نفعل فی أموالنا مانثوا

<أن نفعل > عطف بر <ما یعبد > است. بنابراین <أن نفعل > مفعول برای <أن نترک > است.

مبارزه با پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۲

۲ کافران قوم شعیب پس از تمام شدن حجت الهی بر آنان و اصرارشان به کفرورزی و مبارزه با شعیب و مؤمنان به وی ، به هلاکت رسیدند .

قال الملائة .. فأخذتهم الرجفة

کلمه <فأ > در <فأخذتهم > نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعیب و در آخر دعای شعیب که خواهان داوری خداوند شد.

مبارزه با شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۳،۴

۳ اشراف کفرپیشه قوم مدین ، سردمداران مبارزه با شعیب و رسالت های وی

قال الملائ الذين استكبروا من قومه لنخرجنك

۴ کبرورزی و خودبرتربینی اشراف کفرپیشه مدین ، ریشه مبارزه آنان با شعیب و رسالت های او

قال الملائ الذين استكبروا من قومه لنخرجنك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف -

۲ کافران قوم شعیب پس از تمام شدن حجت الهی بر آنان و اصرارشان به کفرورزی و مبارزه با شعیب و مؤمنان به وی ، به هلاکت رسیدند .

قال الملاء .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فا> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعیب و در آخر دعای شعیب که خواهان داوری خداوند شد.

مبارزه شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۱

۲۱ شعیب (ع) تا حد توان و استطاعتش در اصلاح جامعه کوشید و با فساد مبارزه کرد .

إن أريد إلا الإصلاح ما استطعت

حرف <ما> در <ما استطعت> ظرفیه مصدریه است؛ یعنی، به معنای مدت و زمان می باشد و فعل پس از خود را به تأویل مصدر می برد. بنابراین <إن أريد...>؛ یعنی: <مده استطاعتی الإصلاح ما أريد إلا الإصلاح>؛ من در مدت و زمانی که توان اصلاح امور را دارم به جز اصلاح امور را نخواهم خواست.>

مبدأ سال در دوران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۵

۵ - موسم حج ، مبدأ سال در خانواده شعیب

علی أن تأجرني ثمنی حجج

محبت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ شعیب ، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم مدین

و إلى مدین أخاهم شعیباً

محدوده رسالت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۶- اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲

۲ رسالت شعیب در محدوده مردم مدین

و إلى مدین أخاهم شعیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲

۲ رسالت شعیب (ع) در محدوده مردم مدین بود .

و إلى مدین أخاهم شعیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۳

۳- رسالت شعیب (ع) ، در محدوده شهر مدین بود .

و إلى مدین أخاهم شعیباً

محدوده قدرت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۷ - ۳

۳- فرو ریختن قطعات آسمانی ، امری خارج از قلمرو قدرت شعیب (ع) در پندار مردم آیکه

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصادقين

مخاطبان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۸۷ - ۹

۹ جوانان و میانسالان مردم مدین ، مخاطبان اصلی شعیب (ع) در ابلاغ معارف الهی به آنان

أَنْ تَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

فعل مضارع <يعبد> حاکی است که مقصود از <آباؤنا> تنها نسلهای پیشین مخاطبان نیست؛ بلکه پدران فعلی آنان که زنده هستند نیز مورد نظر می باشد. بنابراین مخاطبان طبعاً جوانان و میانسالان خواهند بود.

مدحهای دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۳

۳ - ستایش دختر شعیب از موسی (ع) نزد پدر

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينِ

مردمداری شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ خیرخواهی شعیب تنها در جهت منافع مردم بود ، نه آمیخته به منفعت های شخصی خویش
و نصحت لکم

<لام> در <لکم> اشاره به خلوص شعیب در خیرخواهیش دارد.

مزد رسالت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۱

۱ - تصریح شعیب (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر .. إلاّ على ربّ العلمین

مسؤولیت دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۴

۴ - دختر شعیب ، پیامدار دعوت پدرش از موسی (ع)

قالت إنّ أبی يدعوک

مسؤولیت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۱

۱۱ مبارزه با شرک از وظایف اصلی شعیب بود .

قال یقوم .. ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ شعيب (ع) موظف به پايدارى بر مواضع خویش (ابلاغ رسالت الهی و مبارزه با شرک و فساد)

إني عمل

معجزه شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ حضرت شعيب (ع) برخوردار از معجزه و دلیلی روشن بر پیامبری خویش

يقوم أراءيتم إن كنت علی بينه من ربی

مقامات شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

خداوند، شعيب (ع) را از روزی و نعمت خاص و نیکوی خویش بهره مند ساخت و او را به مقام نبوت رسانید.

أرءیتم إن .. رزقنی منه رزقاً حسناً

مقصود از <رزقاً حسناً> به مناسبت مورد، مقام نبوت و پیامبری است.

۹ برخورداری شعيب (ع) از مقام نبوت، برانگیزنده او به فراخوانی مردمان به توحید و رعایت عدل و انصاف در مبادلات

قالوا یشعيب أصلوتك تأمرک .. قال یقوم أرءیتم إن كنت علی بینه من ربی و رزقنی

سخنان شعيب (ع) در آیه مورد بحث، پاسخی است به تحلیل استهزاآمیز قومش (أصلوتك). شعيب (ع) با جمله <أرءیتم...> بیان می دارد که منشأ مخالفت وی با آرا و عقاید آنان و عملکرد ناصوابشان، مسؤولیتی است که خداوند برعهده او قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۰ - ۱۱

۱۱ شعيب (ع)، واسطه شمول رحمت خداوند بر توبه کنندگان قومش

واستغفروا ربکم ثم توبوا إلیه إن ربی رحیم ودود

چون خطاب در <استغفروا ربکم> متوجه مردم است، ظاهر آن بود که به جای <إن ربی> گفته می شد <إن ربکم...>. این جابه جایی می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که: خداوند به واسطه پیامبرانش، مردمان را مشمول رحمت و محبت خویش قرار می دهد و آنان، مجرای فیض الهی بر بندگانشند.

مکذبان شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۲

۲ - انکار رسالت شعيب (ع) و متهم شدن او به دروغ گویی از سوی

مردم مدین

فقد کذبت ... و أصحاب مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۶ - ۱

۱ - تکذیب رسالت شعیب ، از سوی مردم سرزمین < ایکه >

کذب أصحاب لیکه المرسلین

بسیاری از مفسران برآند که < ایکه > سرزمینی است مجاور < مدین > که شعیب (ع) بر آنان و اهل مدین مبعوث شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۱،۲

۱ - مردم ایکه ، منکر هر گونه امتیاز و شایستگی شعیب (ع) برای رسالت الهی

و ما أنت إلا بشر مثلنا

۲ - بشر بودن ، مانع رسالت و پیامبری در دید مردم ایکه

و ما أنت إلا بشر مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۷ - ۴

۴ - پافشاری مردم ایکه ، بر کفر و انکار رسالت شعیب (ع)

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۹ - ۱

۱ - پافشاری مردم < ایکه > ، بر تکذیب شعیب (ع) و انکار رسالت او

فكذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۷ - ۱

۱ - مردم مدین ، رسالت شعیب (ع) را نپذیرفتند و او را تکذیب کردند .

و إلى مدین أخاصم شعیبًا .. فکذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۴

۴ - دو قوم عاد و ثمود ، پیامبرانی داشتند و

آنان را تکذیب کردند .

و إلى مدین أھام شعیباً .. فکذبوه فأخذتهم الرجفہ...و عاداً و ثموداً و قد تبی

به قرینه سیاق، احتمال دارد که جمله، حذف به ایجاز داشته باشد؛ یعنی، چنین باشد: <و لقد أرسلنا إلى عاد و ثمود رسلهم فکذبوهم فأخذتهم الرجفہ>

ممانعت از ایمان به شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۱

۱ اشرف کفرپیشه مدین در تلاش برای بازداشتن مردم از ایمان به رسالت شعیب و پیروی از فرمان های او

و قال الملاء الذین کفروا من قومه لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذا لخرسون

مراد از متابعت در <اتبعتم> می تواند پیروی از آیین و دستورات شعیب باشد. در این صورت مخاطبان این کلمه (اتبعتم) عموم مردم هستند. همچنین می تواند مراد از آن پیروی از شعیب در خروج از شهر مدین باشد. در این صورت مؤمنان به شعیب مخاطبان <اتبعتم> خواهند بود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

موعظ شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۱

۱ - موضع گیری خصمانه مردم آیکه در برابر نصیحت های شعیب (ع)

قالوا إنما أنت من المسخرین

ضمیر فاعل در <قالوا> به <اصحاب الأیکه> بازمی گردد. <إنما> از ادوات قصر است؛ بنابراین جمله <إنما أنت من المسخرین> به تقدیر <ما أنت إلا من المسخرین> می باشد. <مسخر> نیز به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

موانع سنگسار شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۰

۱۰ عزت و احترام

قبیله شعیب در نزد مردم مدین ، مانع آنان از کیفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطک لرجمنک

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعیب(ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از <لولا رهطک> این معنا نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند؛ بلکه به قرینه <ما أنت علینا بعزیزک> و <أرهطی أعز..> در آیه بعد مراد از <لولا رهطک>، <لولا عزه قومک و کرامتهم عندنا...> است.

موانع فهم تعالیم شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۳

۳ - دنیاطلبی و فسادانگیزی مردم آیکه ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام شعیب (ع)

قالوا إنما أنت من المسخرین

بیان تقلب مردم <ایکه> در معاملات و روحیه فسادانگیزی آنان (پیش از ذکر موضع گیری آنها در مقابل شعیب(ع) می تواند نشانگر این باشد که آنچه سبب شد تا مردم آیکه مفاهیم مهم معرفتی آن حضرت را جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آورده و او را فردی افسون شده بخوانند، این بود که آنان گرفتار دنیاطلبی و فسادانگیزی شده بودند.

موانع کیفر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۰

۱۰ عزت و احترام قبیله شعیب در نزد مردم مدین ، مانع آنان از کیفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطک لرجمنک

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعیب(ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از <لولا رهطک> این معنا

نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند؛ بلکه به قرینه <ما أنت علينا بعزیز> و <أرهطی أعز..> در آیه بعد مراد از <لولا رهطک>، <لولا عزه قومک و کرامتهم عندنا...> است.

موسی(ع) و شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۲۰

۲۰ - عدم آشنایی قبلی موسی(ع) با شعیب(ع)

ستجدنی إن شاء الله من الصلحین

موفقیت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۴

۲۴ شعیب(ع) ، موفقیت خویش در اصلاح جامعه را ، در گرو امداد الهی می دانست .

إن أريد إلا الإصلاح ما استطعت و ما توفیقی إلا بالله علیه توکلت

<توفیق> در آیه شریفه ، مصدر مجهولی است که به نایب فاعلش (یای متکلم) اضافه شده است و <باء> برای استعانت است. بنابراین <و ما توفیقی...> یعنی ، تنها به کمک خداوند بر انجام کارهای خیر ، موفق خواهم بود.

موقعیت اجتماعی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۳

۳ - عدم برخورداری شعیب(ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی ، مانع پذیرش رسالت او از سوی مردم آیکه

و ما أنت إلا بشر مثلنا

تعبیر <مثلنا> می تواند به معنای همانندی در بشر بودن نباشد؛ بلکه مراد، مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی باشد.

مؤمنان به شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ شعيب)

ع) و مؤمنان به رسالتش ، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۳

۳ گروهی از مردم مدین ، توحید را پذیرفتند و به رسالت شعیب (ع) ایمان آوردند .

نجینا شعيبًا والذين ءامنوا معه

مهربانی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۴

۴ شعیب (ع) حتی پیش از رسیدن به مقام رسالت ، فردی دلسوز و دوستدار مردم مدین بود .

و إلى مدین أخواهم شعيبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۵

۵ برخورد حضرت شعیب (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

يقوم أریتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و مهربانی شعیب(ع) دارد.

مهریه دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۴،۲۱

۴ - شعیب (ع) ، خواستار حداقل هشت سال و حداکثر ده سال کار (شبنانی گوسفندان) ، از موسی در قبال ازدواج با یکی

از دخترانش بود .

قال إني أريد أن أنكحك .. علي أن تأجرني ثمنى حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندك

<حجج> جمع <حجه> است و مراد از آن <سنین> می باشد، یعنی، <علی أن تأجرني ثمانی سنين>.

۲۱ - > عن أبي ذر قال : قال رسول الله (ص) : إذا سألت أي

الأجلین قضی موسی (ع)؟ فقل خیرهما و أبرهما و إذا سئل أى المرأتین تزوج ، فقل الصغری منهما ... ۱

از ابوذر روایت شده که گفت: رسول خدا(ص) فرمود: اگر از تو سؤال شود که موسی(ع) کدام یک از دو زمان مورد قرارداد با شعیب را تمام نمود؟ بگو بهترین و نیکوترین آن دو را و اگر سؤال شود با کدام یک از آن دو دختر ازدواج کرد؟ بگو با کوچک ترین آن دو...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۱

۱ - پذیرفته شدن پیشنهاد شعیب (هشت تا ده سال کار در قبال ازدواج) از سوی موسی (ع)

قال إنی أرید ... أیما الأجلین قضیت فلاعدون علی

مهریه در شریعت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۷،۸،۹

۷ - تعیین مهریه ازدواج ، امری لازم در شریعت مورد قبول شعیب (ع)

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

۸ - جواز تعیین منفعت (کار و خدمات) به عنوان مهریه ، در شریعت مورد اعتقاد شعیب (ع)

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

۹ - جواز بهره گیری پدر از مهریه دختر ، در جهت مصالح و منافع خانواده در شریعت مورد قبول شعیب (ع)

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

مهمترین رسالت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۷ - ۳

۳ - دعوت به تقوا ، محور تبلیغات و هدایت گری شعیب پیامبر

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون

نبوت

شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱

۱ شعیب از انبیا و فرستادگان الهی

و إلى مدین أھام شعباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۵،۷

۵ شعیب (ع) ، پیامبری از جانب خداوند و حامل رسالت های متعدد

لقد أبلغتکم رسلت ربی

۷ شعیب (ع) ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند ، موسی (ع) را پس از نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد .

ثم بعثنا من بعدهم موسی

مراد از ضمیر در <من بعدهم> پیامبرانی است که داستانشان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱

۱ شعیب (ع) ، از انبیا و فرستادگان الهی است .

و إلى مدین أھام شعباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۸

۸ خداوند ، شعيب (ع) را از روزی و نعمت خاص و نیکوی خویش بهره مند ساخت و او را به مقام نبوت رسانید .

أرءیتم إن .. رزقنی منه رزقاً حسناً

مقصود از <رزقاً حسناً> به مناسبت مورد ، مقام نبوت و پیامبری است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۱

۱ - موسی و شعيب (ع)

، از پیامبران الهی

فقد کذبت . . . و أصحاب مدین و کذب موسی

اصحاب مدین، قوم شعیب بودند؛ همان طور که در آیه ۸ سوره <اعراف> آمده است: <و إلى مدین أخاهم شعیباً..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۱

۱ - شعیب (ع) از پیامبران الهی بود که به شهر مدین فرستاده شد .

و لقد أرسلنا نوحًا و .. و إلى مدین أخاهم شعیبًا

نجات پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۴،۵

۴ خداوند ، شعیب (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر مردم مدین رهایی بخشید .

و لما جاء أمرنا نجینا شعیبًا والذین ءامنوا معه

۵ نجات شعیب (ع) و پیروان او از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نجینا شعیبًا والذین ءامنوا معه برحمه منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۴

۴ خداوند نجاتبخش شعیب (ع) و همگامانش از گرایش به شرک

بعد إذ نجنا الله منها

نجات شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۴

۴ خداوند نجاتبخش شعیب (ع) و همگامانش از گرایش به شرک

بعد إذ نجنا الله منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۴،۵

۴ خداوند، شعیب (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر مردم مدین رهایی

بخشید .

و لما جاء أمرنا نجينا شعيباً والذين آمنوا معه

۵ نجات شعيب (ع) و پیروان او از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نجينا شعيبًا والذين آمنوا معه برحمه منا

نژاد شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲۶

۲۶ > عن أبي عبدالله (ع) : لم يبعث الله عزوجل من العرب إلا خمسة أنبياء : هوداً و صالحاً و اسماعيل و شعيباً و محمداً خاتم النبيين (ص) و كان شعيب بكاء ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: خدای عزوجل از عرب جز پنج نفر کسی را مبعوث نکرد: هود، صالح، اسماعیل، شعیب و محمد(ص) خاتم پیامبران و شعیب زیاد گریه کننده بود.<

نقش شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۳،۶

۳ خداوند پیش از نزول عذاب بر مردم مدین با ارسال شعیب و ابلاغ پیام های خویش بر آنان اتمام حجت کرد .

لقد أبلغتكم رسلت ربي و نصحت لكم

۶ شعيب (ع) ، پیام الهی را به مردمش ابلاغ کرد و در هدایت و ارشاد آنان بسیار کوشید .

لقد أبلغتكم رسلت ربي و نصحت لكم

لام تأکید در <لقد> که خبر از قسم مقدر دارد، و نیز کلمه <قد> که گویای تأکید است، می رساند که شعیب در ابلاغ رسالت الهی کوتاهی نکرد و در این راه بسیار تلاش کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨- ١١- ٩٠- ١١

١١ شعيب (ع)،

واسطه شمول رحمت خداوند بر توبه کنندگان قومش

واستغفروا ربکم ثم توبوا إلیه إن ربی رحیم ودود

چون خطاب در <استغفروا ربکم> متوجه مردم است، ظاهر آن بود که به جای <إن ربی> گفته می شد <إن ربکم...>. این جابه جایی می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که: خداوند به واسطه پیامبرانش، مردمان را مشمول رحمت و محبت خویش قرار می دهد و آنان، مجرای فیض الهی بر بندگانند.

نگرانی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲۲

۲۲ شعیب (ع) نگران آینده ای ناگوار برای مشرکان و گنه کاران مردم خویش

إنی أخاف علیکم عذاب یوم محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ - شعیب (ع) ، نگران رد شدن پیشنهاد وی از سوی موسی (ع)

و ما أرید أن أشقَّ علیک

این که حضرت شعیب(ع) بلافاصله اعلام می کند من قصد ندارم بر تو سخت بگیرم، در بردارنده نوعی درخواست از سوی شعیب(ع) است که موسی(ع) پیشنهاد او را رد نکند.

نواهی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۴

۲۴ شعیب (ع) ، مردم خویش را از فسادگری در زمین نهی کرد .

ولا تفسدوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۳ - ۱،۳

۱ - نهی شعیب (ع) از کم ارزش جلوه دادن کالا های مردم ، به هنگام معامله

ولا تبخسوا الناس اشیاءهم

<بخس> (مصدر)

<تبخسوا> به معنای کم قیمت کردن چیزی و کاستن از ارزش آن است. <أشياء> (جمع شیء) نیز کنایه از اموال می باشد؛ یعنی، <از ارزش اموال مردم کم نکنید>.

۳- نهی شعیب (ع) از فسادانگیزی در جامعه و چپاول گری اقتصادی

و لا تعثوا فی الأرض مفسدین

<عُثُوْا> (مصدر <تعثوا>) به افساد و تخریب بیش از حد گفته می شود. بنابراین قید <مفسدین> حال تأکیدی برای فاعل <تعثوا> است.

نیازهای مادی خانواده شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۵

۵- نیاز خانواده شعیب به اجیر کردن مردی جهت نگه داری گوسفندانشان

قالت إحدیهما یأبت استئجره

با توجه به آیات پیشین، مراد از <استئجره> استیجار برای نگه داری گوسفندان شعیب می باشد.

هجرت پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۶،۷

۶ مؤمنان به رسالت شعیب (ع) مصمم بر آیین توحید و متابعت شعیب (ع) در خروج از شهر مدین

لئن اتبعتم شعیباً

۷ اشراف کفرپیشه مدین با تأکید بر خسارتبار بودن همراهی شعیب (ع)، در تلاش برای بازداشتن مؤمنان از متابعت او و خارج شدن از شهر مدین

و قال المأء .. لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذا لخرسون

هجرت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۵

۵ شعيب (ع) پس از اعلان پایداریش بر توحید و رد پیشنهاد اشراف کفرپیشه (بازگشت به آیین شرک) ، خروج از دیار مدین را برگزید .

لئن اتبعتم شعيباً

برداشت فوق بر

این اساس است که مراد از <اتبعتم شعبياً>، پیروی از شعب (ع) در خروج از شهر مدین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱،۲،۴

۱ شعب (ع) پس از حتمیت نزول عذاب الهی بر تکذیب کنندگان رسالتش، از آنان فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت.

فتولی عنهم

۲ شعب (ع) با دلسوزی بر کافران مشرف به هلاکت، از آنان اعراض کرد و شهر مدین را ترک گفت.

فتولی عنهم و قال يقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم نشان از تحسّر و دلسوزی شعب به مردم خویش دارد.

۴ شعب (ع) هنگام خروجش از میان مردم مدین، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد.

فتولی عنهم و قال يقوم لقد أبلغتكم رسلت ربی

هدایت شعب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱۴

۱۴ شعب (ع) شخصیتی با درایت و راه یافته حتی در دیدگاه کافران قوم خویش

إنك لأنت الحليم الرشيد

از معانی <حلم> عقل و درایت است و <حليم> در جمله فوق، از آن مشتق شده است. <الرشيد> به معنای راه یافته و هدایت شده است. قابل ذکر است که مقصود مردم مدین از هدایت یافتگی شعب (ع)، هدایت در امور اجتماعی و اخلاقی و مانند آنهاست.

هدایتگری شعب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۶

۶ شعیب (ع) ، پیام الهی را به مردمش ابلاغ کرد و

در هدایت و ارشاد آنان بسیار کوشید .

لقد أبلغتكم رسلت ربي و نصحت لكم

لام تأکید در <لقد> که خبر از قسم مقدر دارد، و نیز کلمه <قد> که گویای تأکید است، می رساند که شعیب در ابلاغ رسالت الهی کوتاهی نکرد و در این راه بسیار تلاش کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۷ - ۳

۳ - دعوت به تقوا، محور تبلیغات و هدایت گری شعیب پیامبر

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون

هشدارهای شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۴

۴ شعیب (ع) کفرپیشگان ستیزه جوی قومش را به مبتلا شدن سرنوشتی همانند سرنوشت برخی از جوامع هلاک شده پیشین هشدار داد .

و يقوم لايجرمنكم شقاقى أن يصيبكم مثل ما أصاب قوم نوح أو قوم هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۹

۹ شعیب (ع) مردم مدین را به حسابرسی خداوند و مجازات های او هشدار داد .

إن ربي بما تعملون محيط

چنان چه مقصود از احاطه خداوند بر اعمال بندگان، آگاهی او بر اعمال باشد، جمله <إن ربي...> کنایه از حسابرسی و کیفردهی می باشد.

هلاکت مکذبان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۲ - ۱

۱ عذاب فرود آمده بر تکذیب کنندگان شعیب و کفرپیشگان مدین موجب نابودی آنان و تخریب آثار زندگانی در آن دیار شد .

الذین کذبوا شعیباً کأن لم یغنوا فیها

ضمیر در <فیها> به <دار>

در آیه قبل برمی گردد و <غنی> مصدر <لم یغنوا> به معنای اقامت کردن و سکونت گزیدن است. بنابراین <کأن لم یغنوا> یعنی گویا قوم شعیب در دیارشان اقامت نکرده بودند. و این کنایه از نابودی دیار آنان است.

یأس شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۵

۲۵ شعیب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۲

۲ ناامیدی و یأس شعیب (ع) از ایمان آوردن کفرپیشگان مردم مدین

اعملوا علی مکانکم .. سوف تعلمون ... وارقبوا

جمله هایی نظیر <هرچه از دستتان برمی آید کوتاهی نکنید ، بر مواضع ناصوابتان بمانید ، به زودی خواهید دانست و منتظر باشید> سخنانی است که آدمی پس از یأس و ناامیدی ، به زبان می آورد. گفتنی است که: <ارتقاب> (مصدر ارتقبوا) به معنای انتظار کشیدن است.

شغل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شغل

آثار علاقه به شغل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۱

۱ عواطف خویشاوندی (علاقه به پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و امکانات مادی (مال ، شغل و مسکن) زمینه

های انحراف انسان و روی گردانی وی از فرمان خدا و رسول و رها کردن

قل إن كان ءاباؤکم ... و أموال اقترفتموها ... أحب إليکم من اللّٰه و رسوله و جهاد

احکام شغل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷،۸

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

۸ تصدی مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک ، امری جایز و رواست .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

درخواست شغل از حکومت شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

درخواست شغل از حکومت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

شغل اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۵

۵ - دامداری ، شغل اصلی مردم مدین در زمان ورود موسی (ع) به آن سرزمین

وجد عليه أمه من الناس يسقون

جمعیت انبوه چوپانان برای آب دادن به دام‌ها، نشان دهنده مطلب یاد شده است.

شغل جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷۸

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

۸ تصدی مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک ، امری جایز و رواست .

قال اجعلنی علی خزائن

شغل شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۹

۱۹ شعيب (ع) در شهر مدین به داد و ستد و مبادلات اقتصادی اشتغال داشت . *

أوفوا المکیال و المیزان . . . و ما أُرید أن أُخالفکم إلی ما أنهیکم عنه

شعيب(ع)، پس از تأکید فراوان بر لزوم رعایت قسط و عدل در مبادلات و پرهیز از کم فروشی و اجحاف در معاملات، می فرماید: من هرگز به آنچه شما را از آن نهی کرده ام روی نخواهم آورد. این سخن آن گاه جایگاهی مناسب دارد که خود نیز به داد و ستد اشتغال داشته باشد.

شغل مسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۶

۶- داشتن شغل و درآمد ، مانع صدق < مسکین > بر محرومان نیست .

و أما السفینه فکانت لمسکین

با وجود آن که صاحبان کشتی، دارای مالکیت و درآمد بوده اند، ولی کلمه <مسکین> بر آنان اطلاق شده است. بنابراین، در صدق عنوان مسکین، نداشتن هیچ نوع مالکیت و یا شغل و درآمد، دخیل نیست.

علاقه به شغل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۴

۴ روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی (محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و دلبستگی مادی (مال ، شغل و مسکن) مورد تهدید خداوند

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها و ... أحب إليکم ... و جهاد فی سبیلہ فتر

شفا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شفا

شفا پیسی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ بینایی بخشیدن به کور مادرزاد و شفای پیسی ، معجزه عیسی (ع)

و أبریء الاکمه و الابرص

شفا کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ بینایی بخشیدن به کور مادرزاد و شفای پیسی ، معجزه عیسی (ع)

و أبریء الاکمه و الابرص

شفا مریض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۲۲

۲۲ معجزه شفای بیماران توسط حضرت عیسی (ع) ، متناسب با زمان خویش بجهت شیوع بیماری ها و احتیاج مردم آن زمان

به طب

و ابریء الاکمه و الابرص و احي الموتی باذن الله

امام رضا (ع): ... انّ الله تبارک و تعالی بعث عیسی (ع) فی وقت ظهرت فيه الزمانات و احتاج الناس الى الطّب ... بما احيالهم

الموتی و ابرء [لهم] الاکمه و الابرص.

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۲، ص ۸۰، ح ۱۲، ب ۳۲ / علل الشرایع، ص ۱۲۱، ح ۶، باب ۹۹.

عوامل شفا بخش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۷

۷ امکان شفا یافتن با تبرک به اشیای متعلق به پیامبران

أَلْقِيهِ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا

شفع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شفع

سوگند به شفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به جفت و تاق

و الشفع و الوتر

حرف <ال> در <الشفع> و <الوتر>، برای جنس

است. درباره مصداق شفع و وتر، نظرهای گوناگونی ابراز شده است؛ برخی گفته اند: <شفع> روز هشتم ذی الحجه (یوم الترویبه) و <وتر> روز عرفه است و برخی آن دو را بر نماز شفع و وتر تطبیق داده اند. در نظری دیگر، شفع روز قربان و وتر روز عرفه است. این احتمال نیز وجود دارد که <شفع>، به تمام مخلوقات نظر داشته و مراد از <وتر>، ذات باری تعالی باشد؛ زیرا تنها او است که مرکب نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۱،۲

۱ - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

۲ - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در <هل فی ذلک..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

الفجر .. ألم تر كيف فعل ربك بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر .. إن ربك لبالمرصاد

در برداشت یاد شده جمله <إن ربك> می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

عظمت شفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۳

۳ - عظمت سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، قابل درک برای بهره مندان از اندکی عقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

تقلیل، از نکره بودن <حجر> استفاده شده است.

مراد از شفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳ - ۳،۴،۵،۶

۳ - <عن الصادق (ع) أنه قال: فی قول الله عزوجل > و الشفع و الوتر < قال: الشفع الركعتان و الوتر الواحدہ التي یقنت فیها >

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن

خداوند عزوجل > و الشفع و الوتر <، فرمود: شفع همان دو رکعت (نماز شب) و وتر همان یک رکعتی است که در آن قنوت خوانده می شود.<

۴ - > [فی المجمع] قيل : الشفع يوم النحر و الوتر يوم عرفه . . . و هی روایه جابر عن النبى (ص) ؛

[در مجمع البیان آمده است:] گفته شده که شفع روز <قربانی> و وتر روز <عرفه> است . . . و این روایت جابر از پیامبر (ص) است.<

۵ - > [فی المجمع] و قيل الشفع يوم الترويه و الوتر يوم عرفه و روى ذلك عن أبى جعفر و أبى عبدالله (ع) ؛

[در مجمع البیان آمده است:] گفته شده که شفع روز تروییه (هشتم ذی الحجه) و وتر روز عرفه است و این مطلب از امام باقر و امام صادق (ع) روایت شده است.<

۶ - > عن النبى (ص) أنه سُئل عن الشفع و الوتر فقال : يومان و ليله يوم عرفه و يوم النحر ، و الوتر ليله النحر ليله جَمَع ؛

از پیامبر (ص) از شفع و وتر سؤال شد؛ آن حضرت فرمود: دو روز و یک شب است روز عرفه و روز قربانی و وتر شب قربانی است که شب مشعر است.<

نماز شفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۸۹ - ۳ - ۳

۳ - > عن الصادق (ع) أنه قال : فى قول الله عزوجل > و الشفع و الوتر < قال : الشفع الركعتان و الوتر الواحده التى يقنت فيها ؛

از امام صادق (ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزوجل

<و الشفع و الوتر>، فرمود: شفع همان دو رکعت (نماز شب) و وتر همان یک رکعتی است که در آن قنوت خوانده می شود.>

شفق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شفق

پیدایش شفق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۴

۴ - پیدایش مراحل گوناگون در طبیعت (شفق ، تاریکی شب و نور ماه) ، نشانی از امکان تغییر و تحول در نظام حیات بشر در دنیا و آخرت

فلا أقسم . . . لتركبن طبقاً عن طبق

در قسم های قرآن، تناسب بین محتوای قسم و غرض از آن رعایت شده است و در این مجموعه آیات نیز برای تأکید بر تغییر حالات انسان، به تغییرات تکوینی سوگند یاد شده است.

سوگند به شفق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۶ - ۱

۱ - سوگند مؤکد خداوند ، به سرخی افق هنگام غروب خورشید

فلا أقسم بالشفق

مشهور بین اهل لغت، این است که <شفق> همان سرخی است که بعد از غروب خورشید، در طرف مغرب دیده می شود (مصباح). در سخن و شعر عرب، به طور فراوان اتفاق می افتد که برای تأکید قسم، فعل آن را با حرف <لا> می آورند. برخی آن را زاید و دسته ای آن را، برای نفی پندار قبل می دانند(کشاف).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر تعدد و تنوع مراحل آینده انسان ، به شفق ، شب ، موجودات زمینی و ماه ، سوگند یاد کرده است .

فلا أقسم بالشفق .

.. لترکبَنَ طبَقًا عن طبق

شگفتی شفق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۶ - ۲

۲ - < شفق > ، پدیده ای شگفت و با عظمت

فلا أقسم بالشفق

سوگند خداوند، نشانگر عظمت چیزی است که به آن سوگند یاد شده است.

عظمت شفق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۶ - ۲

۲ - < شفق > ، پدیده ای شگفت و با عظمت

فلا أقسم بالشفق

سوگند خداوند، نشانگر عظمت چیزی است که به آن سوگند یاد شده است.

شقاوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{شقاوت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۴

۱۴ شقاوت و تیره بختی ساکنان دوزخ

فمن زحزح عن النار و ادخل الجنة فقد فاز

آثار اصرار بر شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۲ - ۵

۵ - شقاوت افزون تر ، مایه آمادگی بیشتر برای طغیان در برابر رسولان الهی و تکذیب آنان

بطغویها . إذ انبعث أشقیها

آثار شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۴

۴ - شقاوت و گمراهی ، عامل روی آوردن سران و اشراف مرفّه ، به تکذیب آیات الهی

ألم تكن ءایتی . . . تکذّبون . قالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا و کنا قومًا ضالّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۱

۱ - شقاوت زمینه ساز گرفتاری به حرارت طاقت فرسای آتش جهنم است .

لا یصلیها إلاّ الأشقی

<صلی النار> یعنی ،

با رنج و مشقت حرارت آن را تحمل کرد و <شقاوه> یعنی، شدت و دشواری (قاموس). این واژه نقطه مقابل سعادت است.
(مفردات راغب)

اجتناب از شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۷

۷- لزوم پرهیز از زور گویی، سلطه گری و آنچه موجب تیره بختی است.

و لم يجعلنی جبارًا شقیًّا

اجتناب از عوامل شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۷

۷- لزوم پرهیز از زور گویی، سلطه گری و آنچه موجب تیره بختی است.

و لم يجعلنی جبارًا شقیًّا

اقرار به شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۳

۳ - اعتراف دوزخیان به استیلاي شقاوت و گمراهی، بر سراسر زندگی دنیوی آنان

قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا و كنا قومًا ضالین

انتخاب شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱۱

۱۱ آزادی انسان در انتخاب راه سعادت و شقاوت

فامنوا خيراً لكم و إن تكفروا فان لله ما فى السموت و الارض

بدترین شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۶ - ۴

۴ - تکذیب حکم انفاق و خودداری از صرف مال در راه تزکیه نفس ، بالاترین درجه شقاوت است .

الأشقی . الذی کذب و تولی

ارتباط این آیه با نقطه مقابل آن در آیات بعد (الذی یؤتی ماله یتزکی ، بیانگر برداشت یاد شده است .

تبیین شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ تبیین و تشریح راه های سعادت و شقاوت ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

قد جاء کم رسولنا یبیین لکم

مفعول < یبیین > می تواند مفهومی باشد که از < بشیر > و < نذیر > به دست می آید، یعنی سعادت و شقاوت.

تذکر شقاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۲۰

۲۰- ذکر فرجام شقاوت بار کافران و عاقبت سعادت آمیز تقوای پیشگان در کنار یکدیگر ، از روش های تبلیغی قرآن

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم ... فادخلوا أبوب جهنّم ... فلبئس

جاودانگی شقاوت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹ - ۲

۲ - گرفتاری و بدبختی برای اصحاب المشتمه در آخرت ، جاودان و غیرقابل زوال

و أصحاب المشمه ما أصحاب المشمه

< صاحب > (مفرد < أصحاب >) به معنای یار و ملازم است. بنابراین < أصحاب المشتمه > ؛ یعنی، کسانی که ملازم با نکبت و بدبختی بوده و هرگز از آن خلاصی نمی یابند.

حقیقت شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۸

۸ > عن علی (ع) انه قال : حقیقه السعاده أن یختم الرجل عمله بالسعاده و حقیقه الشقاء أن یختم المرء عمله بالشقاء ؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: حقیقت سعادت این است که انسان عمل خود را به سعادت ختم کند (عاقبت به خیر شود) و حقیقت شقاوت این است که انسان عملش را به بدبختی ختم کند.

زمینه شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء

۵ ارتداد های مکرر و اصرار بر کفر ، در پی دارنده شقاوت ابدی و محرومیت از هدایت الهی است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا .. لم يكن الله ليغفر لهم و لآليهدبهم سبيلا

زمينه شقاوت اخروي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۵

۵ سعادت مندی و یا تیره بختی اخروی انسان در گرو کردار دنیوی اوست.

اعملوا على مكانتكم إني عامل فسوف تعلمون من تكون له عقبه الدار

زمينه شقاوت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۲

۲ - رفاه مندی و برخورداری از نعمت ها در سایه تلاش و دانش اقتصادی ، در صورت همراه بودن آن با ناسپاسی و غفلت از منشأ خدایی آنها ، هلاکت و بدبختی در دنیا را در پی خواهد داشت .

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون فأصابهم سيئات ما كسبوا

شقاوت اخروي اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹ - ۱،۲

۱ - < اصحاب المشمه > (نگون بختان) ، در آخرت در نهایت شقاوت و بدبختی خواهند بود .

و أصحاب المشمه ما أصحاب المشمه

استفهام تعجیبی در < ما أصحاب المشمه > حاکی از آن است که این گروه از مردمان، در آخرت در درجه ای از بدبختی قرار خواهند گرفت که هر بیننده ای را به شگفتی وا خواهد داشت.

۲ - گرفتاری و بدبختی برای اصحاب المشمه در آخرت ، جاودان و غیرقابل زوال

و أصحاب المشمه ما أصحاب المشمه

<صاحب> (مفرد <أصحاب>)

به معنای یار و ملازم است. بنابراین <اصحاب المشئمه>؛ یعنی، کسانی که ملازم با نکبت و بدبختی بوده و هرگز از آن خلاصی نمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۳،۴

۳ - اصحاب الشمال ، انسان هایی شقی و بدبخت در قیامت

و أصحاب المشئمه ... و أصحاب الشمال

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در آیات پیشین، از <اصحاب الشمال> به <اصحاب المشئمه> (مردم بدبخت) یاد شده بود.

۴ - اصحاب الشمال در جهان آخرت ، دارای وضعیتی بسیار تکان دهنده و هولناک

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

استفهام تعجیبی در <ما أصحاب الشمال> حاکی از آن است که این گروه از مردم، در قیامت در درجه ای از بدبختی قرار می گیرند که هر بیننده ای با دیدن آنها شگفت زده و حیران خواهد ماند.

شقاوت امت های ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۷

۷ مشیت الهی به شقاوت و ضلالت امتهای ستمگر پس از اتمام حجت بر ایشان تعلق می گیرد.

و من یرد أن یضله .. یجعل الله الرجس ... ذلک أن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم

مراد از هلاکت در آیه، شقاوت و ضلالتی است که در آیات قبل از آن سخن به میان آمده بود.

شقاوت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۴

۱۴ شقاوت و تیره بختی ساکنان دوزخ

فمن زحزح عن النَّارِ و ادخل الجنَّة فقد فاز

جلد - نام سوره - سوره

۳ - اعتراف دوزخیان به استیلای شقاوت و گمراهی ، بر سراسر زندگی دنیوی آنان

قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا و كنا قوماً ضالین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - > و فی الحدیث أنّ أهل النار إذا دخلوها ... > فقالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا و كنا قوماً ضالین ، ربنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنا ظالمون < فیقفون أربعین سنه ذلّ الهوان لایجابون ... ، ثم یجیبهم الله جلّ جلاله > اخسئوا فیها و لاتكلمون < قال فعند ذالك یأسون من كل فرج و راحه و یغلق أبواب جهنم علیهم ... >

در حدیث آمده است که جهنمیان آن گاه که وارد آتش می شوند [می گویند:.. > فقالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا و كنا قوماً ضالین... < پس چهل سال با ذلت و خواری توقف می کنند، در حالی که پاسخ داده نمی شوند... سپس خداوند جلّ جلاله جواب آنان را چنین می دهد: > اخسئوا فیها و لاتكلمون <. امام (ع) فرمود: در این هنگام است که آنان از هر گونه گشایش و راحتی، مأیوس می گردند و درب های جهنم به روی آنها بسته می شود... <.

شقاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - قیامت ، محل اصلی تجلی خوب و بد سرنوشت و سعادت و شقاوت انسان ها

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَثَابٍ .. هَذَا وَإِنَّ لِلطَّغْيِينَ لَشَرٍّ مَثَابٍ

از این

که خدا نیک فرجامی و بدفرجامی را در رابطه با آخرت و معاد انسان ها مطرح ساخته است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

شقاوت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۲ - ۲

۲ - قوم ثمود ، گرفتار تیره بختی و شقاوت

إذ انبعث أشقيها

<أشقی>، اسم تفضیل و نشانه وجود رگه های شقاوت در دیگر افراد قوم ثمود است.

شقاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۱

۱۱ مهلت خداوند به کافران ، زمینه ساز دوری آنان از خیر و سعادت با ارتکاب اعمال ناروا

و لا یحسبنّ الذین کفروا أنّما نملی لهم خیر لانفسهم أنّما نملی لهم لیزدادوا اثماً

<اثم>، در لغت به اعمالی گفته می شود که آدمی را از خیر و سعادت باز می دارد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۵

۵ تمامی راه های سعادت به روی کافران ظالم بسته است .

إِنَّ الذین کفروا و ظلموا .. و لالیهدیهم طریقاً

شقاوت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷- گمراهان ، به هنگام عذاب الهی و یا مرگ ، به تیره بختی و موقعیت بد خویش آگاه خواهند شد .

فسیعلمون من هو شرّ مکاناً

به نظر می رسد عبارت <شرّ مکاناً> در برابر <خیر مقاماً> و عبارت <أضعف جنداً> در برابر <أحسن ندیاً> (در دو آیه قبل) باشد یعنی، همان کسانی که خود را دارای

موقعیت برتر و امکانات و نفرات بیشتر می دانستند، با رسیدن عذاب و مرگ، خود را در نقطه مقابل آن می یابند.

شقاوت محرومان از ترس خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۱ - ۴

۴ - محرومان از خشیت الهی ، شقی ترین افراداند .

من یخشی .. الأشقی

تقابل دو گروه <اهل خشیت> و <اهل شقاوت>، بیانگر این است که در نگاه قرآن، <شقاوت> نیز مانند <خشیت>، حالتی نفسانی و هر یک ملازم با نبود دیگری است.

شقاوت مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۴

۴ - شقاوت و گمراهی ، عامل روی آوردن سران و اشراف مرفّه ، به تکذیب آیات الهی

ألم تكن ءايتى .. تكذبون . قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا و كنا قومًا ضالّين

شقاوت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۵

۵ مشرکان و منکران رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروه تیره بختان در سرای آخرتند .

و ما ظلمنهم و لكن ظلموا أنفسهم .. فمنهم شقى

آیات پیشین که سخن از شرکورزی و انکار رسالت پیامبران داشت ، قرینه بر این است که مشرکان و منکران رسالت ، مصداق بارزی از شقاوت‌مندانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۰ - ۸

۸- مشركان ، هرگز رستگار نخواهند شد .

و لن تفلحوا إذا أبداً

شقاوت معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۱

- تنها کسانی خود را از تذکرات قرآن ، دور نگه می دارند که تیره بخت تر از دیگران و گرفتار دشوارترین فرجام اند .

و يتجنّبها الأشقی

<أشقی> اسم تفضیل از ماده <شقاوت> است. ریشه اصلی این کلمه بر سختی کشیدن دلالت دارد و نقطه مقابل سهولت و سعادت است (مقایس اللغه). ذکر این کلمه خالی از قید زمان و مکان و متعلق سبب شده است که بر هر نوع تیره بختی در دنیا و آخرت، قابل تطبیق باشد. آیه بعد، نوع اخروی آن را بیان داشته است.

شقاوت مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۵

۵ مشرکان و منکران رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروه تیره بختان در سرای آخرتند .

و ما ظلمنهم و لكن ظلموا أنفسهم .. فمنهم شقی

آیات پیشین که سخن از شرکورزی و انکار رسالت پیامبران داشت ، قرینه بر این است که مشرکان و منکران رسالت ، مصداق بارزی از شقاوت‌مندانند.

عوامل شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۱

۱۱ مهلت خداوند به کافران ، زمینه ساز دوری آنان از خیر و سعادت با ارتکاب اعمال ناروا

و لا یحسبنّ الذین کفروا أنّما نملی لهم خیر لانفسهم أنّما نملی لهم لیزدادوا اثما

<اثم>، در لغت به اعمالی گفته می شود که آدمی را از خیر و سعادت بازمی دارد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۳

۳ ورود به جهنم ، زیانی آشکار است .

خسر خسراً میناً .. أولئك ماويهم جهنم

جمله <أولئك ..> می تواند بیان خسارتی باشد که در جمله <فقد خسر...> به آن تصریح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۷

۷ انسان ها و جنیان دارای نقشی مؤثر در تعیین فرجام و سرنوشت خویش (دوزخی شدن و یا رهایی از آن)

لهم قلوب لايفقهون بها .. و لهم اذان لا يسمعون بها

جمله <لايفقهون بها> و نظایر آن می رساند که گمراهان به دلیل بهره نجستن از ابزار شناخت، به وادی گمراهی گرفتار شده اند و بنابراین خود مقصر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۴

۴ انسان ، خود به وجود آورنده بدبختی و شقاوت خویش است .

و لكن الناس أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۹

۹- انسان دارای نقشی تعیین کننده در سعادت و شقاوت خویش

لايقدرّون ممّا كسبوا علی شیء

اینکه در آیه آمده است: کافران توان به دست آوردن چیزی از دستاوردهای خود را ندارند، حاکی است که دستاورد انسان در سرنوشت وی نقش دارد و مراد از <علی شیء>، به قرینه اینکه بحث از حبط عمل کافران است، می تواند سعادت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله

كفراً و أحلوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الذین بدلوا .. و أحلوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۳ - ۳

۳- سعادت و شقاوت انسان نتیجه مستقیم اعمال خود او بوده و تحت تأثیر عوامل اتفاقی چون شانس و اقبال نیست .

و كلّ إنسن ألزمنه طئره فی عنقه

استعمال واژه <طائر> برای عمل، ممکن است از آن جهت باشد که بینش غلط جاهلی درباره نقش طیره، شانس و اقبال در سرنوشت انسان نفی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۸

۸- استبداد ، حق ستیزی و سلطه گری از موجبات شقاوت و تیره بختی است .

و لم يجعلنی جبّاراً شقیّاً

<شقیّاً> می تواند صفت توضیحی برای <جبّاراً> باشد، یعنی اگر کسی جبار شد، شقی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۵

۵ - کوچک شمردن قوانین و مقررات الهی و تجاوز به حریم آنها ، شقاوت و بدبختی انسان ها را در پی دارد .

و من یعظم حرمت الله فهو خیر له عند ربّه

<تعظیم> عکس <تحقیر> است. بنابراین مفهوم جمله یاد شده چنین می شود: <و من یحقّر حرّمات الله فهو شرّ له عند ربّه> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٢ - مؤمنون - ٢٣ - ١٠٦ - ٧

٧ - > عن أبي عبدالله (ص

(فی قول الله عزوجلّ : < قالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا > قال : بأعمالهم شقوا ۛ

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره سخن خداوند <قالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا> فرمود: اعمال آنان (جهنمیان) موجب شقاوت آنها شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۵

۵ - عقیده و عمل آدمی ، در سعادت و شقاوت وی نقش اساسی دارد .

یومئذ یصدّعون . من کفر فعليه کفره و من عمل صلحًا فلأنفسهم یمهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۸

۸ - انسان ها ، در سعادت و شقاوت نهایی خود ، نقش اساسی دارند .

لیستل الصدقین عن صدقهم و أعدّ للكفرین عذابًا ألیماً

از آن جایی که بازگشت پرسش از <صادقین> (مؤمنان) درباره صداقت شان، به پاداش دهی است، معلوم می شود که صداقت که امری اکتسابی است و نیز متصف شدن به کفر که امری انتخابی است در گرفتن پاداش و یا عذاب شدن، نقش دارد و این، همانا نقش انسان ها را در سعادت آفرینی و یا کسب شقاوت، بازگو می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۵

۵ - کفر و انکار دین الهی ، هر چند توأم با عمل کفرآمیز نباشد ، موجب عذاب شدید و بدبختی است .

الذین کفروا لهم عذاب شدید و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، سعادت مندی مؤمنان را در گرو دو

چیز (ایمان و عمل صالح) دانسته است و ولی بدبختی و عذاب شدید کافران را صرفاً به کفر آنان مربوط کرده و عمل کفرآمیز آنان سخن نگفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۹ - ۷

۷- اسراف گری و گرافکاری در زندگی ، موجب بدبختی و ابتلا به سرنوشت شوم

قالوا طئركم معكم ... بل أنتم قوم مسرفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۶

۶- سعادت‌مندی و یا تیره بختی انسان‌ها در دنیا و آخرت ، در گرو اعمال و کردار خود آنان است .

اعملوا علی مکانتکم انی عمل فسوف تعلمون

با توجه به ارتباط این آیه با آیه بعد که درباره سرنوشت هلاکت بار کافران در دنیا و آخرت سخن گفته است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۱۱

۱۱- عمل انسان ، تنها محور سعادت و شقاوت وی

کلّ امری بما کسب رهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۹

۹- قبول پیامبری صالح (ع) ، مایه تیره بختی در نگاه قوم ثمود

إنا إذا لفی ... سعر

در صورتی که <سعر> جمع <سعیر> (آتش افروخته) باشد، مراد از آن در آیه شریفه، گرفتار شدن در آتش حسرت و تیره

بختی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱

۱ - توصیه خداوند ،

به مؤمنان ، مبنی بر خودسازی و صیانت خویش از عوامل و موجبات بدبختی و دوزخی شدن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ .. نَارًا

بنا به گفته مفسران، مقصود از محافظت خود از آتش، صیانت خویش از موجبات و عواملی است که منجر به آتش دوزخ می شود؛ مانند ترك واجبات و یا انجام محرمات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - ثروت و قدرت بدون ایمان ، سعادت بخش و سودمند به حال بشر نیست ؛ بلکه موجب خسارت و بدبختی است .

و اتَّبِعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۶ - ۳

۳ - برتر دیدن زندگانی دنیا از آخرت ، دیدگاهی ناروا و مایه شقاوت و روی گردانی از تذکرات قرآن و گرفتاری به آتش دوزخ است .

و يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى . الَّذِي يَصْلَى النَّارَ ... بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَوَةَ الدُّنْيَا

عوامل شقاوت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۵

۵ رهبران جوامع بشری ، نقشی به سزا در سعادت و یا شقاوت اخروی آنان دارند .

فَاتَّبِعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ .. يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۵

۵- سرنوشت انسان و سعادت و شقاوت وی در روز قیامت بسته به چگونگی رفتار او در دنیاست .

ليجزي الله كل نفس ما كسبت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - اسراء -

۴- اراده و تلاش خود انسان در سعادت و شقاوت اخروی وی نقش تعیین کننده دارد .

من كان يريد العاجله .. جعلنا له جهنم ... و من اراد الأخره و سعی لها سعیها ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۹

۹- ستم پیشگی ، عامل اصلی دوری از حق ، گرایش به کفر و بدبختی در جهان آخرت است .

یولنا قد کنا فی غفله من هذا بل کنا ظلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <بل> در <بل کنا..> اضراب ابطالی باشد؛ یعنی، حقیقت این نیست که در آغاز گفتیم که ما در غفلت به سر می بردیم؛ بلکه حقیقت این است که ما از ظالمان و ستم پیشگان بودیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۶

۶ - کفر ، به تنهایی و بدون عمل کفرآلود ، برای شقاوت اخروی کافی است .

من کفر فعلیه کفره

این که درباره کفر و آثار آن، تنها، به باور کفرآلود در مقابل عمل صالح اکتفا شده و عمل، ذکر نگردیده است، حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۷

۷ - انسان ، در خوبی و یا بدی وضعیت اخروی خویش ، نقش اساسی دارد .

فذوقوا بما نسیتم .. و ذوقوا ... بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۹ - ۶

، ملائک اصلی سعادت و شقاوت اخروی ایشان

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ .. هَيَّا بِنَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

واژه <کنتم> (با فعل ماضی) اشاره به جهان گذشته (دنیا) دارد و تصریح به اعمال دنیوی، می رساند که تأثیر اصلی در سعادت و شقاوت عمل آدمی، در دنیا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۱ - ۹

۹ - نیک بختی یا بدبختی انسان پس از مرگ ، در گرو اعمال خوب یا بد او است .

و لَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ .. و اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

عوامل شقاوت اخروی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۲۰، ۱۵، ۱۱، ۱۰، ۶

۶ - آرزوی ناکامی برای جامعه ایمانی ، عامل بدبختی اخروی منافقان

و تَرْبِصْتُمْ

۱۰ - مغرور و فریفته شدن منافقان ، در برابر آمال و آرزوهای پوچ ، عامل بدبختی و شقاوت اخروی آنان

قالوا بلى و لكنكم ... و عزتكم الامانى

۱۱ - باقی ماندن منافقان ، بر مواضع منافقانه خود تا لحظه مرگ ، مایه بدبختی و شقاوت آنان در آخرت

بلى و لكنكم فتنتم انفسكم .. حتى جاء امر الله

مقصود از <أمر الله> مرگ است.

۱۵ - غفلت از خداوند و فریفته شدن به مظاهر دنیا ، عامل بدبختی اخروی منافقان

قالوا بلى و لكنكم ... و عزكم بالله الغرور

۲۰ - افتادن در دام فریب شیطان ، عامل بدبختی منافقان در آخرت

قالوا بلی و لکنکم . . . و عَزَّکُم بِاللَّهِ الْغُرُور

عوامل شقاوت اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۹ - ۶

- اسراف گری و گزافکاری مردم انطاکیه ، موجب بدبختی و ابتلای آنان به سرنوشت شوم بود .

قالوا إنا تطيرنا بكم .. قالوا طرکم معکم ائن ذکرتم بل ائتم قوم مسرفون

<بل> در آیه شریفه، برای اضراب و اعراض از مطلب گذشته است؛ یعنی، وجود پیامبران و دعوت آنان علی رغم ادعای مردم انطاکیه موجب بدبختی آنان نیست؛ بلکه اسراف گری آنان سبب چنین سرنوشت شومی شده است.

عوامل شقاوت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۸

۸- هلاکت و بدبختی جوامع بشری ، بازتاب زشت کاری و رفتار نامناسب خود آنها است .

الذین کذبوا بآیتنا انهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند دو عامل (تکذیب آیات الهی و سوء پیشینه) را موجب هلاکت برشمرد و هر دو عامل را به خود انسان نسبت داد.

عوامل شقاوت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۲

۲ - توصیه خداوند به مؤمنان ، مبنی بر مراقبت از اعضای خانواده خود در برابر عوامل و موجبات بدبختی و دوزخی شدن آنان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا .. أَهْلِكُمْ نَارًا

عوامل شقاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۳

۳ - رفاه و برخورداری کافران ، سبب ساز هلاکت و نگون بختی آنان است ، نه نشان سعادت و نیکبختی .

أیحسبون .. نسارع لهم فی الخیرت ... حتی اذا أخذنا مترفیهم بالعذاب

عوامل شقاوت منافقان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۸

۸ - تردید و ناپاوری نسبت به مبانی اسلام (توحید ، معاد ، نبوت ، قرآن و ...) ، عامل شقاوت و بدبختی اهل نفاق

قالوا بلی و لکنکم ... اربتم

عوامل مؤثر در شقاوت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۶

۶ - نقش تعیین کننده امت ها ، در سرنوشت و سعادت و شقاوت خویش

إذ أبق إلى الفلک ... و أرسلنه ... فأمنا فمتعنهم إلى حین

برداشت یاد شده از آن جا است که قوم یونس، به علت ایمان نیاوردن به یونس(ع) مستوجب عذاب الهی شدند ولی آنان پس از مأموریت مجدد آن حضرت، به او ایمان آوردند و در سایه آن، به مواهب دنیای دست یافتند.

قانونمندی شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ قانونمندی و یکسانی راههای کمال و سعادت یا انحطاط و شقاوت آدمیان، در گذشته و آینده تاریخ

قل سیروا فی الأرض ثم انظروا کیف کان عقبه المکذبین

از امر به تدبر در تاریخ گذشتگان و عبرت گرفتن از آن معلوم می شود که عوامل سعادت و شقاوت در طول تاریخ یکسان است.

مراتب شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۴،۹

۴ - محرومان از خشیت الهی ، شقی ترین افراداند .

من یخشی .. الأشتی

تقابل دو گروه <اهل خشیت> و <اهل شقاوت>، بیانگر این است که در نگاه قرآن، <شقاوت>

نیز مانند <خشیت>، حالتی نفسانی و هر یک ملازم با نبود دیگری است.

۹ - شقاوت ، دارای مراتب است .

الأشقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۲ - ۱،۴،۷

۱ - بدبخت ترین فرد قوم ثمود ، به طغیان در برابر رسول الهی تحریک شد .

بطغویها . إذ انبعث أشقیها

<بعث>، به معنای برانگیختن چیزی و جهت دادن به آن است (مفردات). <انبعاث> مطاوعه آن و به معنای تحریک شدن و ارسال و روانه شدن است. <شقاوه> نقطه مقابل <سعاده> است و مانند آن به <اخروی و دنیوی> و <نفسانی و بدنی و خارجی> تقسیم می شود. (مفردات)

۴ - شقاوت ، دارای مراتب است .

أشقیها

۷ - > عن عبد الله بن زَمَعَةَ قال : خطب رسول الله (ص) فذكر الناقه و ذكر الذی عقرها فقال : > إذ انبعث أشقاها > قال : انبعث لها رجل عارم عزیز منیع فی رهطه ;

عبدالله بن زَمَعَةَ روایت کرده که رسول خدا(ص) خطبه خواند و از ناقه [ثمود] و کسی که آن را پی کرد، سخن گفت و فرمود: [خداوند فرموده] > إذ انبعث أشقاها > مردی برای پی کردن ناقه [صالح] تحریک شد که زشت خو و مردم آزار و در قبیله خود عزیز و مورد حمایت بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۲

۲ - شقاوت ، دارای مراتب گوناگون است .

الأشقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - تکذیب حکم انفاق و خودداری از صرف مال در راه تزکیه

نفس ، بالاترین درجه شقاوت است .

الأشقى . الذى كذب و تولّى

ارتباط این آیه با نقطه مقابل آن در آیات بعد (الذى يؤتى ماله يتزكّى >، بیانگر برداشت یاد شده است.

ملاک شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۷

۷ > عن عبدالله بن سلام مولى رسول الله (ص) انه قال : سألت رسول الله (ص) فقلت : ... فأولاد المشركين فى الجنة أم فى النار ؟ فقال : ... انه إذا كان يوم القيامة ... فىأمرالله عزوجل ناراً... ثم يأمرالله تبارك و تعالى أطفال المشركين أن يلقوا أنفسهم فى تلك النار فمن سبق له فى علم الله عزوجل أن يكون سعيداً ألقى نفسه فيها... و من سبق له فى علم الله عزوجل أن يكون شقيماً إمتنع فلم يلق نفسه فى النار... و ذلك قول الله عزوجل : < فمنهم شقى و سعيد > ... ;

از عبدالله بن سلام نقل شده است که گفت: از رسول خدا(ص) پرسیدم: .. آیا فرزندان مشرکان [که در کودکی مرده اند] بهشتی هستند یا جهنمی؟ فرمود: ... هنگامی که قیامت فرا رسد ... خداوند به آتش فرمان حضور می دهد ... سپس به کودکان مشرکان دستور می دهد تا خود را در آن آتش درافکنند. پس هر کدام از آن کودکان که در علم خدای عزوجل سعادت‌مندیش رقم خورده است خود را در آن آتش می افکنند ... و آنان که در علم خدای عزوجل برایشان شقاوت‌مندی رقم

خورده، از پذیرش فرمان خدا امتناع نموده و خود را در آتش نمی اندازند... و این سخن خداوند عزوجل است که فرمود:
فمنهم شقی و سعید <...>.

منشأ شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۷

۷ - شقاوت ، برخاسته از بی تقوایی است .

الأشقی

به قرینه مقابله <أشقی> با <أتقی> (در آیات بعد)، مراد از <شقاوت> فاصله گرفتن از تقوا است.

منشأ شقاوت اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۹ - ۱

۱ - پیامبران مردم انطاکیه ، بدبختی و زندگی شوم آنان را ناشی از عمل کرد خود مردم دانستند ، نه ناشی از تذکرات شان به آنان

قالوا طرکم معکم ائن ذکرتم

همزه در جمله <ائن ذکرتم> برای استفهام است و فعل مجزوم <ذکر> فعل شرطی است که خبر آن مقدر می باشد و تقدیر آن، یا <أتشأمون بالتذکر إن ذکرتم> و یا <أتعودون إن ذکرتم> است. برداشت یاد شده براساس تقدیر نخست می باشد.

موانع شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۸

۸- دعا و نیایش به درگاه خدا ، از میان برنده سختی ها و مانع گرفتاری انسان به دام شقاوت است .

و لم أکن بدعائک ربّ شقیّا

<شقاوت> نقطه مقابل سعادت است (مفردات راغب) و به معنای <سختی و زحمت> نیز می آید (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۸ - ۲۰

۲۰- دعا، مانع شقاوت و بدبختی انسان است .

عسى ألا أكون بدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۶

۱۶ - پیروی از هدایت الهی ، مانع گمراهی و بدبختی است .

فمن اتبع هدای فلا یضلّ و لایشقی

موانع شقاوت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۹ - ۲

۲ - توحید و یکتاپرستی ، رهایی بخش انسان ها ، از بدبختی های اخروی

قل . . . نذیر مبین

نشانه های شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۹

۹- ترک نیکی به مادر ، نشانه تیره بختی است . *

و بَرًّا بولدتی و لم یجعلنی جَبَّارًا شَقِيًّا

ممکن است عطف <لم یجعلنی> بر جمله سابق عطف سبب بر مسبب باشد؛ یعنی چون خداوند مرا جبار و شقی قرار نداده، من با مادرم نیک رفتارم، بنابراین کسی که نیکی به مادر را ترک می کند شقی و جبار است.

نشانه های شقاوت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۱

۱۱ - زندگانی پر دردسر در دنیا و محسور شدن با چشمانی نابینا در قیامت ، از جلوه های گمراهی و شقاوت آدمی است .

فمن اتبع هدای فلابضلّ و لایشقی . و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنکاً و نحشره ی

برداشت یاد شده، لازمه تقابل بین گروه هدایت یافتگان و غافلان است که مجموع دو آیه، بیانگر آن است.

شقاوتمندان

{شقاوتمندان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۴

۴ - محرومان از خشیت

الهی ، شقی ترین افراداند .

من یخشی ... الأشقی

تقابل دو گروه <اهل خشیت> و <اهل شقاوت>، بیانگر این است که در نگاه قرآن، <شقاوت> نیز مانند <خشیت>، حالتی نفسانی و هر یک ملازم با نبود دیگری است.

اعراض شقاوتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۱ - ۸

۸ - تیره بختان در روی گردانی از تعالیم قرآن ، درنگی نکرده و شتابزده خود را از آن دور می سازند .

سیدّ کر .. و یتجنّبها الأشقی

فعل <سیدّ کر> در آیه قبل، تصمیم اهل خشیت بر پذیرش تذکرات قرآن را، به دور از شتاب زدگی و همراه با درنگ و تأمل، معرفی کرد و در این آیه فعل <یتجنّب> بدون حرف <سین> درباره شقاوتمندان آمد تا بر عجلولانه بودن واکنش آنان دلالت کند.

جاودانگی شقاوتمندان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۳ - ۵

۵ - آتش دوزخ ، عذابی جاودانه است و اهل شقاوت در آن مخلصند .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

مراد از <لایحیی>، نفی حیات مطلوب است که نجات از آتش، مصداق بارز آن می باشد. در این صورت قید <فیها>، اختصاص به <لایموت> خواهد داشت. بنابراین دوزخیان، نه در آتش می میرند و نه از آن بیرون می آیند.

شقاوتمندان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ تیره بختان صحنه قیامت (مشرکان و کافران به رسالت انبیا) روانه آتش دوزخ خواهند شد .

فأما الذين شقوا ففى النار

جلد - نام سوره -

۱ آتش دوزخ ، جایگاه ابدی تیره بختان صحنه قیامت است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

عبارت <مادامت السماوات و الأرض> (تا آن زمان که آسمانها و زمین وجود دارد) کنایه از دوام و همیشگی است و تأکید برای خلودی می باشد که از <خلدین> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - فرجام شقاوتمندان ، گرفتاری به آتش دوزخ است .

و يتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - خلود در آتش جهنم ، ویژه کسانی است که در بالاترین مرحله شقاوت اند .

لا یصلیها إلاّ الأشقی

<صَلَى> یعنی ، ملازم و همراه شد (لسان العرب، از قول زجاج) و ملازمت با آتش به جاودانگی در آن است. حصر موجود در آیه مربوط به ملازمت است؛ یعنی، جاودانگی در آتش، مخصوص کسانی است که در آیه بعد اهل تکذیب و اعراض معرفی شده اند و در بدترین نوع شقاوت به سر می برند.

۴ - امکان خلود همه شقاوتمندان در آتش جهنم *

لا یصلیها إلاّ الأشقی

تقابل <أشقی> و <أتقی> می تواند، قرینه بر حصر اضافی باشد؛ یعنی، اگر گفته می شود که تنها <شقی ترین مردم> در آتش جاودان است، مراد نفی خلود از دیگر شقاوتمندان نیست؛ بلکه تنها از فرد <أتقی> نفی خلود شده است.

شقاوتمندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۴،۵

۴ انسان

ها در قیامت ، به دو گروه تیره بختان و سعادت‌مندان تقسیم خواهند شد .

فمنهم شقی و سعید

۵ مشرکان و منکران رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروه تیره بختان در سرای آخرتند .

و ما ظلمنهم و لكن ظلموا أنفسهم .. فمنهم شقی

آیات پیشین که سخن از شرک‌ورزی و انکار رسالت پیامبران داشت ، قرینه بر این است که مشرکان و منکران رسالت ، مصداق بارزی از شقاوت‌مندانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷ - ۱،۲

۱ - مردم در آخرت سه دسته اند : اصحاب المیمنه (نیک بختان) اصحاب المشئمه (نگون بختان) و سابقون (پیشتازان)

و کنتم أزوجًا ثلثه

بیان < أزوجًا ثلثه > محذوف و تقدیر آن چنین است : < و کنتم أزوجًا ثلثه : اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه و السابقون > . در آیات بعد به تفصیل وضعیت این سه دسته تبیین شده است .

۲ - حضور انسان ها در قیامت در سه دسته مختلف و دست یافتن آنها به سعادت و یا گرفتار شدن در شقاوت و بدبختی ، فرجامی قطعی و غیر قابل تردید

و کنتم أزوجًا ثلثه

تعبیر < کنتم > به صیغه ماضی ، بیانگر آن است که حضور در رستاخیز ، چنان حتمی و غیرقابل تردید است که گویا در گذشته محقق شده است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۳

۳ - اصحاب الشمال ، انسان هایی شقی و بدبخت در قیامت

و أصحاب المشئمه .. و أصحاب الشمال

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در آیات پیشین، از <اصحاب الشمال> به <اصحاب المشئمه>

(مردم بدبخت) یاد شده بود.

شقاوتمندان و تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۸

۸ - تیره بختان در روی گردانی از تعالیم قرآن، درنگی نکرده و شتابزده خود را از آن دور می سازند.

سیدّ کر . . . و یتجنّبها الأشقی

فعل <سیدّ کر> در آیه قبل، تصمیم اهل خشیت بر پذیرش تذکرات قرآن را، به دور از شتاب زدگی و همراه با درنگ و تأمل، معرفی کرد و در این آیه فعل <یتجنّب> بدون حرف <سین> درباره شقاوتمندان آمد تا بر عجلولانه بودن واکنش آنان دلالت کند.

شقاوتمندان و خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۶

۶ - شقاوتمندان، در برابر خداوند و پیام های قرآن، گستاخ و بی پروایند.

سیدّ کر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی

شقاوتمندان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۶

۶ - شقاوتمندان، در برابر خداوند و پیام های قرآن، گستاخ و بی پروایند.

سیدّ کر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی

صفات شقاوتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - تیره بختان در روی گردانی از تعالیم قرآن ، درنگی نکرده و شتابزده خود را از آن دور می سازند .

سیدّ کرّ . . . و يتجنّبها الأشقی

فعل <سیدّ کرّ> در آیه قبل، تصمیم اهل خشیت بر پذیرش تذکرات قرآن را، به دور از شتاب زدگی و همراه با درنگ و تأمل، معرفی کرد

و در این آیه فعل <یتجنّب> بدون حرف <سین> درباره شقاواتمندان آمد تا بر عجلولانه بودن واکنش آنان دلالت کند.

عجله شقاواتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۸

۸ - تیره بختان در روی گردانی از تعالیم قرآن ، درنگی نکرده و شتابزده خود را از آن دور می سازند .

سیدّ کر . . . و یتجنّبها الأشقی

فعل <سیدّ کر> در آیه قبل، تصمیم اهل خشیت بر پذیرش تذکرات قرآن را، به دور از شتاب زدگی و همراه با درنگ و تأمل، معرفی کرد و در این آیه فعل <یتجنّب> بدون حرف <سین> درباره شقاواتمندان آمد تا بر عجلولانه بودن واکنش آنان دلالت کند.

فرجام شقاواتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۳

۳ - فرجام شقاواتمندان ، گرفتاری به آتش دوزخ است .

و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

گستاخی شقاواتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۶

۶ - شقاواتمندان ، در برابر خداوند و پیام های قرآن ، گستاخ و بی پروایند .

سیدّ کر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی

محمد(ص) و شقاواتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - پیامبر (ص)، تا زمانی موظف به ابلاغ قرآن به مخالفان است که آنان، راه های آگاهی به آن را بر خود نبسته اند.

فذكر .. سيدك من يخشى و يتجنبها الأشقى

منافع تذكر که در این دو

آیه بیان شده است یکی پندپذیری اهل خشیت و دیگری بروز عکس العمل اهل شقاوت است. از آن جا که واکنش شقاوت‌مندان، اعراض بوده و تذکر مجدد به آنان سودی ندارد، تکلیف <فدّکر> نیز ساقط می‌گردد.

شک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{شک}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۵، ۱۷، ۲۴، ۲۵

۱۵ تردید برخی از مسلمانان نبرد احد در حَقّائیت اسلام و وعده رسول خدا (ص) به پیروزی مسلمانان بر دشمنانشان

و طائفه .. یقولون هل لنا من الامر من شیء

برخی از مسلمانان گمان می‌کردند چون به اسلام گرویده‌اند و اسلام دین حق و الهی است، باید همه امور بر طبق خواسته آنان پیش رود؛ ولی آنگاه که شکست خوردند، به تردید افتادند و گفتند گویا اختیار امور به دست ما نیست و در نتیجه اسلام دین حق نیست و وعده‌های رسول خدا (ص) بی‌مورد است.

۱۷ شکست‌ها و حوادث ناگوار، موجب تردید مسلمانان سست‌اندیشه در مورد حَقّائیت پیامبر (ص) و وعده‌های خدا به پیروزی آنان

طائفه .. یقولون هل لنا من الامر من شیء

۲۴ تبلیغات سوء، شک برانگیز و شرک آلوده مسلمانان سست‌اندیشه احد، پس از پایان آن کارزار

یقولون لو كان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

۲۵ شهادت برخی از پیکارگران احد و شکست در آن کارزار، موجب تردید مسلمانان سست‌اندیشه

یقولون لو كان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

آثار شک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ تردید و شک ، مانع استقامت و پایداری است .

فلاتک فی مریه مما یعبده هؤلاء .. فاستقم کما أمرت و من تاب معک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۴

۴- سرگرمی در میدان تردید و توقف در وادی شک و مصمم نبودن برای رسیدن به یقین ، مایه محرومیت انسان از درک پیام مستدل وحی

إن کنتم موقنین .. بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <فی شکّ> استقرار در شک را می رساند؛ به علاوه آن که <یلعبون> آن را تأکید می کند. از مقابله این آیه با <إن کنتم موقنین>، مطلب بالا استفاده می شود.

آثار شک اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۹

۱۹- شک توأم با بدبینی اقوام کفرپیشه نسبت به تعالیم انبیا ، منشأ کفر آنان بود .

قالوا إنا کفرنا بما أُرسلتم به و إنا لفی شکّ ممّا تدعوننا إلیه مریب

آثار شک به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۱ - ۵

۵ - کسانی که درباره آخرت تردید دارند ، از ابلیس پیروی می کنند .

فاتبّعه .. و ما کان له علیهم من سلطان إلاّ لنعلم من یؤمن بالأخره ممّن هو منها

آثار شک به آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۵ - ۴

۴ شك و تردید در آیات الهی ، زمینه ساز تکذیب آنهاست .

فلاتكونن من الممترین. و لاتكونن من الذین کذبوا بآیت الله

آثار شك به تعاليم انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۹ - ۱۹

۱۹- شك توأم با بدبینی اقوام کفرپیشه نسبت به تعاليم انبيا ، منشأ کفر آنان بود .

قالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به و إنا لفي شكّ ممّا تدعوننا إليه مريب

آثار شك به حيات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۶

۶- تردید جدی نسبت به قیامت و حیات اخروی ، زمینه ساز بی اعتنایی انسان به اصول عقلی و ملاک های عقلایی و فطری

قل أریتم إن كان من عند الله . . . فی شقاق بعید... ألا إنهم فی مریه

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در یک سیاق قرار دارند نشان می دهد که اگر آیات علمی و داوری های عقلی و فطری نتواند کسی را در برابر حقانیت خدا و وحی متقاعد کند، ریشه آن را باید در ناباوری او به استمرار حیات و مسؤولیت انسان جستجو کرد.

آثار شك به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۲

۱۲ تردید در الهی بودن قرآن ، همانند تردید اقوام پیشین در آیات نازل شده بر آنان می باشد و در پی دارنده فرجامی شوم است .

لقد جاءك الحق من ربك فلاتكونن من الممترین

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل، می توان گفت که: مراد از <الممترین> اقوام پیامبران گذشته است که با نپذیرفتن آیات الهی و تردید در آنها، گرفتار فرجام شومی شدند.

آثار شك به قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۴ - ۶

۶ - شک و دودلی آمیخته با بدگمانی مشرکان پیشین ، به بعث و قیامت باعث گرفتار شدن آنان به عذاب

و حیل بینهم و بین ما یشتھون کما فعل بأشیاعھم .. إنھم کانوا فی شکّ مریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۲

۲۲ - شک و تردید نسبت به قیامت نشانه کفر است .

و ما أظنّ الساعه قائمه .. الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۴،۶

۴ - تردید در قیامت ، حجاب آدمی در دیدن آیات روشن توحیدی است .

سنریھم ءایتنا .. ألا إنھم فی مریہ من لقاء ربھم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که ضمیر <أنه الحقّ> در آیه قبل به خدا برگردد. در این صورت می توان گفت که: عبارت <ألا إنھم فی مریہ> در مقام بیان این است که تردید در قیامت، باعث شده است که کافران نتوانند از آیات روشن توحیدی بهره ببرند.

۶ - تردید جدی نسبت به قیامت و حیات اخروی ، زمینه ساز بی اعتنایی انسان به اصول عقلی و ملاک های عقلایی و فطری

قل أریتم إن کان من عند اللّٰه .. فی شقاق بعید... ألا إنھم فی مریہ

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در یک سیاق قرار دارند نشان می دهد که اگر آیات علمی و داوری های عقلی و فطری نتواند کسی را در برابر حقانیت خدا و وحی متقاعد کند،

ریشه آن را باید در ناباوری او به استمرار حیات و مسؤولیت انسان جستجو کرد.

آثار شک به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۵

۵- نپذیرفتن دعوت انبیا و وعده های الهی و شک و تردید مستمر در آن ، پیامدار عذاب الهی

قالوا بل جننک بما کانوا فیه یمترو

فعل مضارع <یمترو> با آمدن فعل <کانوا> پیش از آن، بیانگر استمرار مضمون آن است.

آثار شک در اصول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۱ - ۹

۹ - تردید هرچند اندک درباره اصول عقیده ، در پی دارنده فاجعه ای عقیدتی و رفتاری

فَاتَّبِعُوهُ ... و ما کان له علیهم من سلطان إلا لنعلم ... مَمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِی شَكٍّ

تنوین <شکّ> برای تقلیل است و دلالت بر ناچیزی و اندکی دارد.

آثار شک در توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۸

۸ - تردید و ناباوری نسبت به مبانی اسلام (توحید ، معاد ، نبوت ، قرآن و ...) ، عامل شقاوت و بدبختی اهل نفاق

قالوا بلی و لکنکم ... ارتبتم

آثار شک در حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - شك و تردید نسبت به حقانیت اسلام و پیامبر (ص) در عین آگاهی از آن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم ارتابوا

آثار شك در حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۴

۴ - شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام و پیامبر (ص) در عین آگاهی از آن، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم ارتابوا

آثار شک در حقانیت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۷

۱۷ - هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مصر، از دچار شدن به گمراهی ابدی بر اثر پافشاری بر مخالفت با دعوت موسی (ع) و تردید در حقانیت آن

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب

آثار شک در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۵

۵- ماندگار شدن در شک و تردید نسبت به حقایق دین، سرچشمه نگاه بازیگرانه به هستی و انسان

إن كنتم موقنین . . . فی شكّ یلعبون

آثار شک در عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۴ - ۷

۷ - شک و دودلی مداوم در عقیده، امر مطلوب و پسندیده ای نیست و پی آمد ناگواری دارد.

كما فعل بأشیاعهم . . . إنهم كانوا فی شكّ مریب

آثار شک در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۹،۱۱

۹ - انکار و یا تردید در حقانیت قرآن ، موجب استحقاق عذاب دنیایی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

از این که سنت الهی بر اممال است، استفاده می شود که کافران مستحق عذاب اند (هرچند

که عذاب نشوند).

۱۱ - انکار و مخالفت منکران حقانیت قرآن ، مبتنی بر شک و تردید است نه یقین و برهان .

و إنهم لفي شك منه مريب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۸

۸ - تردید و ناباوری نسبت به مبانی اسلام (توحید ، معاد ، نبوت ، قرآن و ...) ، عامل شقاوت و بدبختی اهل نفاق

قالوا بلى و لكنکم ... ارتبتم

آثار شک در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۲

۲ - انکار معاد و تردید در آن و مغرور شدن به زندگی دنیا ، اندیشه و بینشی کفرآمیز است .

و ما أظن الساعة قائمه ... قال له صاحبه وهو يحاوره أكفرت بالذي خلقك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۶

۶ شک در امکان معاد ، شک در قدرت خداوند است .

أفعمينا بالخلق الأول بل هم في لبس من خلق جديد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۸

۸ - تردید و ناباوری نسبت به مبانی اسلام (توحید ، معاد ، نبوت ، قرآن و ...) ، عامل شقاوت و بدبختی اهل نفاق

قالوا بلى و لكنکم ... ارتبتم

آثار شك در نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۸

۸ - تردید و ناباوری نسبت به مبانی اسلام (توحید ، معاد ،

نبوت، قرآن و ...)، عامل شقاوت و بدبختی اهل نفاق

قالوا بلی و لکنکم .. ارتبتم

آثار شک در و حیانت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۵

۵ - مخالفت سران کفر و شرک با پیامبر اسلام، به خاطر شک و تردید آنان در اصل نزول وحی و الهی بودن قرآن بود؛ نه در شایستگی پیامبر (ص) برای رسالت.

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي

<بل> در جمله <بل هم فی شک من ذکری> برای اضراب می باشد. بر این اساس مقصود از آیه شریفه این است که مخالفت سران کفر و شرک با رسول خدا، ناشی از شک و تردید آنان در درستی قرآن است و بحث از شایستگی آن حضرت برای رسالت، معلول چنین تردیدی می باشد.

آثار شک رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۵

۵ - مخالفت سران کفر و شرک با پیامبر اسلام، به خاطر شک و تردید آنان در اصل نزول وحی و الهی بودن قرآن بود؛ نه در شایستگی پیامبر (ص) برای رسالت.

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي

<بل> در جمله <بل هم فی شک من ذکری> برای اضراب می باشد. بر این اساس مقصود از آیه شریفه این است که مخالفت سران کفر و شرک با رسول خدا، ناشی از شک و تردید آنان در درستی قرآن است و بحث از شایستگی آن حضرت برای رسالت،

معلول چنین تردیدی می باشد.

آثار شک رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۵

۵ - مخالفت سران کفر و شرک با پیامبر اسلام، به خاطر شک و تردید آنان در اصل نزول وحی و الهی بودن قرآن بود؛ نه در شایستگی پیامبر (ص) برای رسالت.

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي

<بل> در جمله <بل هم فی شک من ذکری> برای اضراب می باشد. بر این اساس مقصود از آیه شریفه این است که مخالفت سران کفر و شرک با رسول خدا، ناشی از شک و تردید آنان در درستی قرآن است و بحث از شایستگی آن حضرت برای رسالت، معلول چنین تردیدی می باشد.

آثار شک منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۰ - ۲

۲ شک و تردید، پرتگاهی که منافقان بنای شخصیت خویش را بر آن پی افکنده و از آن جا به دوزخ سقوط می کنند.

أَسَسَ بَنِيهِ عَلَىٰ شِفا جَرَفِ هَارٍ .. لَا يَزَالُ بَنِيهِمُ الَّذِي بَنُوا رِيْبَهُ فِي قُلُوبِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۸

۸ - تردید و ناباوری نسبت به مبانی اسلام (توحید، معاد، نبوت، قرآن و...)، عامل شقاوت و بدبختی اهل نفاق

قَالُوا بَلَىٰ وَ لَكِنَّا كَمِمْ .. اِرْتَبْتُمْ

اجتناب از شک در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- ضرورت پذیرش احکام و معارف نازل شده از جانب خدا و پرهیز از شک و تردید در آنها

الحق من ربك فلاتكونن من الممترین

<امتراء> (مصدر ممتترین) به معنای شک کردن و تردید داشتن است.

بی منطقی شک به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۹ - ۳

۳- با وجود شواهد و دلایل اثباتگر برپایی قیامت ، شک و تردید در آن ، امری ناروا و نابه جا است .

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَهُ لَا رَيْبَ فِيهَا

ترک شک به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۰

۱۰- تردید و شک در الهی و حق بودن قرآن ، امری ناروا و خلاصی نفس از آن ، ضروری و لازم است .

لقد جاءك الحق من ربك فلاتكونن من الممترین

دلایل بطلان شک در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۹

۱۹- الهی بودن قرآن و پیراستگی آن از هرگونه باطل ، دلیل ناروا بودن شک و شبهه در راستی و درستی آن

فلاتك في مريه منه إنه الحق من ربك

جمله <إنه الحق من ربك> به منزله دلیل برای <فلاتك ..> می باشد.

رفع شك اهل كتاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - ذکر تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن ، زداینده هر گونه شك و تردید ، از دل اهل كتاب و مؤمنان نسبت به حقانیت و درستی قرآن

و لا یرتاب الذین أُوتوا الکتب و المؤمنون

رفع شك كافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۷

۷ - عذاب استیصال ، برطرف کننده هر گونه شك و ریب از دل كفرپیشگان نسبت به آیات الهی

أو یأتیهم عذاب یوم عقیم

رفع شك مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - ذکر تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن ، زداینده هر گونه شك و تردید ، از دل اهل کتاب و مؤمنان نسبت به حقانیت و

درستی قرآن

و لا یرتاب الذین أوتوا الکتب و المؤمنون

زمینه شك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۱ - ۸

۸ - مبادی شك و معرفت ، در اختیار خود انسان است .

إلا لنعلم من یؤمن بالأخره ممّن هو منها فی شكّ

از این که در آیه، شك و تردید مذموم شمرده شده و پی آمد آن، تبعیت از ابلیس معرفی گردیده است؛ نشان می دهد که

حصول چنین معرفتی برای انسان در اختیار خود او است. در غیر این صورت، نباید امر مذمومی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۳

۳ - كفر و حق ستیزی ، زمینه فروافتادن انسان به ورطه شر و تجاوز و تردید در تمامی ارزش ها *

كفّار عنيد . مناع للخير معتد مريب

برداشت بالا بدان احتمال است كه ترتيب ميّان صفات كفّار، عنيد و ..، اشاره به ترتب و تأثير هر وصف در پيدايش وصف متأخر آن، داشته باشد.

زمينه شكّ به قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - آسایش و سرخوشی ، زمینه ساز کفر و تردید انسان نسبت به قیامت

و لئن أذقنه رحمه .. ليقولن ... و ما أظنّ الساعة قائمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۳

۳ - پیوستگی گناه ، با تردید و ناباوری نسبت به قیامت

طعام الأثیم .. إنّ هذا ما كنتم به تمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۸

۸ - پوچ انگاری و باطل گرایی انسان ها ، دارای پیوند با شک و ناباوری آنان نسبت به قیامت

لاریب فیہ و لکنّ .. لایعلمون ... یومئذ یخسر المبطلون

در آیه قبل شک در معاد، معلول جهل دانسته شد و در این آیه تعبیر <مبطلون> منطبق بر همان جاهلانی است که در آن جا یاد شده اند.

زمینه شک در رؤیای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۵

۵ - منتهی شدن سفر پیامبر (ص) به صلح حدیبیه و عدم ورود به مسجدالحرام ، زمینه ساز تردید برخی در رؤیای آن حضرت

*

لقد صدق الله

تأکید خداوند بر راستی رؤیای پیامبر(ص)، حکایت از آن دارد که برخی در درستی آن رؤیا تردید کرده، یا زمینه این تردید

را داشته اند.

زمینه شک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۳۶ - ۱

۱- غرور و دنیاپرستی مرد رفاه مند ، به تردید و تشکیک در برپایی قیامت و وقوع

رستاخیز منتهی شد .

و ما أظنّ الساعة قائمه

زمینه شک قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۲

۲- دعوت حضرت ابراهیم (ع) به توحید و ردّ اندیشه شرک و بت پرستی ، موجب تردید مردم بت پرست در عقیده خود شد .

ما هذه التماثيل .. انتم وءاباؤکم فی ضلل مبین . قالوا أجتنا بالحقّ أم أنت م

سرزنش شک در علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۷ - ۱

۱ - جهل و تردید درباره احاطه علمی خداوند به اشیا ، مورد نکوهش و سرزنش است .

ألم تر أنّ الله يعلم

استفهام در <ألم تر>، برای انکار توییخی است. <تر> از <رأی> (دانستن) مشتق است؛ یعنی، <ألم تعلم أنّ الله...>.

سرزنش شک در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۷ - ۲

۲- تردید انسان در معاد ، با وجود توانایی هر انسان به شناخت خلقت نخستین خویش از عدم ، امری شگفت آور و سزاوار

توییح است .

أولاً يذكر الإنسن أنّا خلقنه من قبل و لم يك شيئاً

همزه در <أولاً- يذكر> برای انکار توییخی و متضمن معنای تعجب است. تکرار لفظ <انسان> در این آیه با آن که آوردن

ضمیر ممکن بود اشعار به این نکته دارد که لازمه انسان بودن ، دقت و تفکر است.

سرزنش شک در نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۸

۸ - نکوهش مؤمن

آل فرعون از مردم مصر ، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده دلایل روشن او)

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

شکّ اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۷

۱۷- قوم نوح ، عاد و ثمود و اقوام پس از آنان ، در جواب دعوت انبیای خویش اعلام کردند در باره تعالیم آنان بشدت در تردیدند .

قوم نوح و عاد و ثمود و الذین من بعدهم . .. جاءتهم رسلهم بالبینت ... و قالوا إنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۱،۲

۱- انبیای الهی هنگامی که با اظهار تردید اقوام خود به محتوای دعوتشان مواجه شدند ، درصدد اقناع آنان با برهانی خلل ناپذیر برآمدند .

إنا لفی شکّ ممّا تدعوننا إلیه مریب . قالت رسلهم أفی الله شکّ فاطر السموت و الأرض

۲- انبیای اقوام پیشین برای پاسخ گویی و تردید اقوام خود درباره خداوند ، روشی یگانه اتخاذ کردند .

إنا لفی شکّ ممّا تدعوننا .. . قالت رسلهم أفی الله شکّ فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۴ - ۶

۶- شک و دودلی آمیخته با بدگمانی مشرکان پیشین ، به بعث و قیامت باعث گرفتار شدن آنان به عذاب

و حیل بینهم و بین ما یشتهون كما فعل بأشیاعهم .. . إنهم کانوا فی شکّ مریب

شکّ اقوام پیشین در آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ تردید در الهی بودن قرآن ، همانند تردید اقوام پیشین در آیات نازل شده بر آنان می باشد و در پی دارنده فرجامی شوم است .

لقد جاءك الحق من ربك فلاتكونن من الممترین

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل، می توان گفت که: مراد از <الممترین> اقوام پیامبران گذشته است که با نپذیرفتن آیات الهی و تردید در آنها، گرفتار فرجام شومی شدند.

شكك اكثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۳،۷

۳ - اکثر انسان ها ، در وفای خداوند به وعده های خویش ، گرفتار تردیدند .

لايخلف الله وعده و لكنّ اكثر الناس لا يعلمون

برداشت بالا بر این اساس است که به قرینه جمله <لايخلف الله وعده> مفعول محذوف <لايعلمون> همان قطعی بودن وعده های خداوند باشد.

۷ - اکثر مردم عصر بعثت ، در پیروزی رومیان حتی در صورت وعده خداوند به یاری آنان ، دچار تردید بودند .

وعد الله .. و لكنّ اكثر الناس لا يعلمون

حرف <ال> در <الناس> برای عهد است و به قرینه آیات بعد که ویژگی های اقتصادی قریش را بیان می کند به مکیان عصر بعثت اشاره دارد.

شكك انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۸ - ۱

۱ - هیچ کس ، حتی مؤمنان راستین ، بر انجام کامل وظایف و تکالیف الهی خود اطمینان ندارد .

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرَ مَأْمُونٍ

شكّ اهل كتاب صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ -

۱۷ - اهل کتاب زمان پیامبر (ص) ، نسبت به محتوای متون دینی خویش گرفتار تردید و بدبینی بودند .

و إنّ الذین أورثوا الکتب من بعدهم لفی شک منه مریب

<مریب> به شکی گفته می شود که آمیخته با بد گمانی و سوء ظن باشد.

شک اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۶

۶ - یگانگی خداوند در تدبیر جهان ، محور پرسش های تردیدآمیز اهل مکه در عصر بعثت *

عمّ یتساءلون

گرچه بخش عظیمی از آیات این سوره درباره حوادث قیامت است؛ ولی آیات آغازین آن که درباره قدرت خدا و حاکمیت خواست او بر جهان است می تواند قرینه باشد که مورد سؤال در <یتساءلون> وابستگی همه کارها به خداوند و بی نقش بودن بت ها در کار تدبیر جهان است.

شک ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۴ - ۵

۵ - ایوب (ع) ، در ادای سوگند خود (تنبیه همسرش) دچار تردید و پشیمانی شده بود .

و خذ بیدک ضغثاً فاضرب به و لاتحنث

توصیه خداوند به ایوب(ع) به نشکستن سوگندش، بیانگر این حقیقت است که ایوب(ع) در ادای سوگندش دچار تردید شده و حالت پشیمانی به او دست داده بود؛ به گونه ای که در جست و جوی راهی برای حل این مشکل برآمده بود.

شک بادیه نشینان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- وجود شك و دلبيستگى به مال و جان در

میان اعراب ، دلیل رد ادعای ایمان آنان از سوی خداوند

قل لم تؤمنوا .. إنا المؤمنون ... ثم لم يرتابوا و جهدوا بأموالهم و أنفسهم

شک بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۲

۲ - قوم موسی ، ناباور به کفایت ذبح هر گاوی برای حل معمای قتل

قالوا ادع لنا ربك یبین لنا ما هی

شک بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۴

۴ بنیامین به اینکه عزیز مصر ، برادر ناپدید شده وی (یوسف (ع)) باشد ، ناباور بود .

ینی أنا أخوك

تأکید حکم در جمله <ینی أنا أخوك> با اسمیه آوردن جمله به همراه حرف تأکید <إنَّ> و ضمیر فصل (أنا) گویای تردید و شک بنیامین در برادری عزیز مصر با اوست .

شک به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۴

۴ - کافران ، گرفتار شک و تردید درباره آخرت

بل هم فی شكّ منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- بازشناسی و جداسازی مؤمنان معتقد به آخرت، از تردید داران درباره آن، فلسفه توانایی دادن به ابلیس در گمراه کردن مردم

و ما كان له عليهم من سلطان إلا لنعلم من يؤمن بالأخرة ممن هو منها في شك

<نعلم> در این آیه، متضمن معنای تشخیص و تمییز است.

شک به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳

۲۷ پندار های جاهلانه نسبت به خداوند ، منشأ تردید در حَقَّائیت اسلام و وعده های خدا و رسول (ص)

يظنون بالله غير الحقّ .. يقولون لو كان لنا من الامر شيء ما قتلنا ههنا

شک به انذارهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۴

۴- قوم لوط ، نسبت به هشدار های حضرت لوط (ع) مبنی بر نزول عذاب الهی (استیصال) بر آنان ، پیوسته در شک و تردید بسر برده و ایمان نداشتند .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترو

شک به تعالیم انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۸، ۱۷

۱۷- قوم نوح ، عاد و ثمود و اقوام پس از آنان ، در جواب دعوت انبیای خویش اعلام کردند در باره تعالیم آنان بشدت در تردیدند .

قوم نوح و عاد و ثمود و الذین من بعدهم .. جاءتهم رسلهم بالبینت ... وقالوا إنا

۱۸- تردید قوم نوح ، عاد و ثمود به دعوت انبیای خویش ، توأم با بدبینی بود .

إنا لفی شکّ ممّا تدعوننا إلیه مریب

ذکر <مریب> پس از <شک> اگر چه برای تأکید آن است، اما بین آن دو تفاوتی وجود دارد و آن این است که: در <ریب> شک توأم با بدبینی است (فروق اللغویه).

شک به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- غوطهوران در گناه ، گرفتار تردید در وقوع قیامت و وجود دوزخ

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ

به تمترون

شک به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲

۲- انبیای اقوام پیشین برای پاسخ گویی و تردید اقوام خود درباره خداوند ، روشی یگانه اتخاذ کردند .

إِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا .. قَالَتْ رَسُلُهُمْ أَفَى اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

شک به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۶

۶- مشرکان ، به وجود نیرویی که قادر به احیای دوباره جسد انسان باشد ، در ناباوری و تردید بودند .

قُلْ كُونُوا حِجَارَةً .. فَيَقُولُونَ مَنْ يَعْبُدُنا

شک به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۳، ۶

۶ - مخالفان رسالت درباره آسمانی بودن قرآن و نزولش از جانب خدا ، اظهار تردید می کردند .

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا

۱۳ - منکران قرآن به دروغ در حقانیت قرآن و آسمانی بودن آن ، اظهار تردید می کردند .

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ .. فَأْتُوا بِسُورَةٍ .. إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

متعلق <صادقین> به قرینه <إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ> شک و تردید مشرکان در آسمانی بودن قرآن است؛ یعنی: **اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ** فی انکم مرتابون ..؛ اگر در اظهار تردید راستگو هستید چنین کنید. این معنا کنایه از دروغگویی آنان در اظهار شک و تردید است.

شک به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۱

۱ - موضع گیری ناباورانه مشرکان در قبال وعده برپایی قیامت

لقد وعدنا

هذا .. إن هذا إلا أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۱

۱ - تردید و شک کافران مکه ، نسبت به برپایی قیامت

ألا إنهم فی مریه من لقاء ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۱

۱ - غوطهوران در گناه ، گرفتار تردید در وقوع قیامت و وجود دوزخ

إن هذا ما كنتم به تمترون

شك به وحيانيت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۱

۱ - شك و تردد مشركان صدراسلام نسبت به قرآن والهي بودن آن ، عميق و غير قابل زوال بود .

ولا يزال الذين كفروا في مريه منه حتى تأتيهم الساعه

متعلق <كفروا> حذف شده و تقدير آن به قرينه <أنه الحق من ربك> (در آیه پیش)، <كفروا بالقرآن> می باشد. <مريه> اسم مصدر از فعل <امتری يمتری> و به معنای شك و تردید است. <ال> در <الساعه> برای عهد ذهنی و <ساعه> به معنای لحظه و هنگام است. بنابراین <الساعه> یعنی، آن هنگام که اشاره دارد به زمان برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر. <بغت و بغته> یعنی ناگهان.

شك به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۳

۳- انسان ، به شدت در معرض ناباوری و بی توجهی نسبت به وعده های الهی قرار دارد .

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٍ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که تأکید در جایی صورت می گیرد که

امری مورد غفلت باشد و یا مورد انکار قرار گیرد و از این که سوگندهای مکرر صورت گرفته، شدت غفلت و انکار استفاده می شود.

شک پیروان ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۱ - ۵

۵ - کسانی که درباره آخرت تردید دارند ، از ابلیس پیروی می کنند .

فَاتَّبِعُوهُ .. و ما كان له عليهم من سلطان إلا لنعلم من يؤمن بالآخره ممن هو منها

شک جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۵

۵ - تردید جن پس از ممنوع شدن از استراق سمع آسمان ، در شناخت تقدیر الهی درباره اهل زمین و خیر و رشد بودن آفرینش آنها *

و أَنَا لَآلِندِرِي أُشْرُّ أُرِيدُ بَمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ممنوعیت جن از استراق سمع آسمان، ظرف زمان برای پیدایش این سؤال باشد که خداوند، برای چه منظوری اهل زمین را آفرید؟ نه این که به چه هدفی آنان از استراق سمع، ممنوع شدند؟

شک جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۱

۱ - تردید مؤمنان جن در شناخت خیر و یا شر بودن ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان برای اهل زمین

و أَنَا لَآلِندِرِي أُشْرُّ أُرِيدُ بَمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

مقصود از <رَشَدَ> در این آیه به قرینه مقابله آن با <شر> خیر و صلاح است.

شک در افعال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۶ گفتار ها و باور های تردید آمیز در کیفیت افعال الهی و کردار و سلوک پیامبر (ص) از سوی مدعیان بندگی خداوند ،
نشانه شرک آنان

لا يؤمنون حتى يحكموك ... و يسلموا تسليماً

امام صادق (ع) فرمود: لو ان قوماً عبدوا الله .. ثم قالوا لشيء صنع الله او صنع رسول الله (ص) الا صنع خلاف الذي صنع؟ او وجدوا ذلك في قلوبهم لكانوا بذلك مشركين. سپس آن حضرت آیه فوق را تلاوت فرمود

کافی، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۲ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۱، ح ۳۷۴ / تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۳۷۴.

شک در بشر بودن یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۲

۲۲ جمال بی مانند یوسف (ع) ، موجب اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد .

حش لله ما هذا بشرًا

شک در پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۹

۹ - رخداد صلح حدیبیه ، پاسخی قاطع به بدگمانی منافقان و مشرکان درباره موفقیت های اسلام *

إنا فتحنا لك فتحًا مبينًا . ليغفر لك ... و يعذب المنافقين و ... الظالمين باللّ

چنانچه <و يعذب.. > عطف بر <ليغفر لك...> باشد؛ آیه شریفه می تواند بیانگر این مطلب باشد که منافقان و مشرکان، به سرنوشت اسلام بدگمان بودند و می پنداشتند که خداوند از مؤمنان حمایت نخواهد کرد؛ ولی صلح پیروزمند حدیبیه،

نادرستی پندار آنان را اثبات کرد.

شک

در پیروزی رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۷

۷ - تردید در پیروزی رومیان پس از شکست آنان، برخاسته از سطحی نگری و بی توجهی مردمان عصر بعثت به حقایق نهان زندگی دنیا است.

سیغلبون .. يعلمون ظهراً من الحیوه الدنیا

نکته یاد شده بر این اساس است که <ال> در <الناس> عهد باشد و مراد از آن، مردمی باشند که درباره وعده خداوند به پیروزی رومیان شکست خورده تردید داشتند.

شک در توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۷

۷ - منافقان، گرفتار شک و تردید نسبت به مبانی اسلام (توحید، نبوت، معاد، قرآن و ...)

قالوا بلی و لکنکم .. ارتبتم

شک در توحید افعالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۹

۹ تردید در خالقیت و ربوبیت یگانه خداوند، شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است.

بربهم يعدلون. هو الذی خلقکم من طین ثم قضی أجلا ... ثم أنتم تمترون

حرف <ثم> در <ثم أنتم تمترون>، مفید استبعاد و تویخ است، چون تراخی زمانی در اینجا معنی ندارد. گفتنی است متعلق <تمترون>، مضامین اساسی مورد بحث در آیه قبل (توحید در خالقیت و ربوبیت) است.

شک در توحید ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱۱، ۹

۹ تردید در خالقیت و ربوبیت یگانه خداوند، شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است.

بربهم يعدلون. هو الذی خلقکم من

طین ثم قضی أجالا ... ثم أنتم تمترون

حرف <ثم> در <ثم أنتم تمترون>، مفید استبعاد و توبیخ است، چون تراخی زمانی در اینجا معنی ندارد. گفتنی است متعلق <تمترون>، مضامین اساسی مورد بحث در آیه قبل (توحید در خالقیت و ربوبیت) است.

۱۱ مطالعه در آفرینش انسان و مرگ و حیات وی، زداینده تردید در یگانگی خداوند

هو الذی خلقکم من طین ثم قضی أجالا .. ثم أنتم تمترون

از جمله <ثم أنتم تمترون>، که بیان استبعاد هر گونه تردید در یگانگی خداوند پس از توجه به مضامین صدر آیه است، چنین برمی آید که بعد از این توجه، علی القاعده نباید تردیدی در توحید و اعتقاد بدان وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۶

۶ - یگانگی خداوند در تدبیر جهان، محور پرسش های تردیدآمیز اهل مکه در عصر بعثت *

عمّ یتساءلون

گرچه بخش عظیمی از آیات این سوره درباره حوادث قیامت است؛ ولی آیات آغازین آن که درباره قدرت خدا و حاکمیت خواست او بر جهان است می تواند قرینه باشد که مورد سؤال در <یتساءلون> وابستگی همه کارها به خداوند و بی نقش بودن بت ها در کار تدبیر جهان است.

شک در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۵ - ۵

۵ تردید در انجام تکالیف دینی، چون جهاد با مال و جان، نمودار بی ایمانی و نفاق

إنما یستذنبک الذین لایؤمنون باللّٰه .. و ارتابت قلوبهم

شک در حقانیت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۱

۱- قوم ابراهیم نسبت به حق بودن سخن ابراهیم (ع) و جدی بودن او در نفی شرک و بت پرستی، تردید داشته و آن را بعید می دانستند.

قالوا أجبنا بالحقّ أم أنت من اللّعين

شک در حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۳

۳- منافقان صدراسلام، نسبت به حقانیت پیامبر (ص) و درستی اسلام، در شک و تردید به سر می بردند.

أم ارتابوا

<أم> در <أم ارتابوا> منقطعه و به معنای <بل> (اضراب) است.

شک در حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۳

۳- گرایش محرومان به قرآن، بهانه مستکبران برای تردید در حقانیت آن

وقال الذين كفروا .. لو كان خيراً ما سبقونا إليه

تعبیر <لو كان خيراً..>، بیان دلیل است و از محتوای آیه استفاده می شود که کافران، از طایفه اشراف مستکبر و مؤمنان از طبقه محروم بودند. بدین جهت مستکبران، ابراز می داشتند اگر قرآن خیری در برداشت، تهی دستان بی هویت بدان روی نمی آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - ازدیاد شك و تردید نسبت به حقانیت قرآن ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از گمراه شدن کافران و بیماردلان از سوی خداوند

كذلك يضلّ الله من يشاء و يهدى من يشاء

شك در حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۳

۳ - منافقان صدراسلام، نسبت به حقانیت پیامبر (ص) و درستی اسلام، در شک و تردید به سر می بردند.

أم ارتابوا

<أم> در <أم ارتابوا> منقطعه و به معنای <بل> (اضراب) است.

شک در خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۹

۹ تردید در خالقیت و ربوبیت یگانه خداوند، شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است.

بربهم يعدلون. هو الذی خلقکم من طین ثم قضی أجلا ... ثم أنتم تمترون

حرف <ثم> در <ثم أنتم تمترون>، مفید استبعاد و توییخ است، چون تراخی زمانی در اینجا معنی ندارد. گفتنی است متعلق <تمترون>، مضامین اساسی مورد بحث در آیه قبل (توحید در خالقیت و ربوبیت) است.

شک در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۷

۷ - گمان ناعادلانه بودن حکم خدا و رسول او، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم یخافون أن یحیف الله علیهم و رسوله

شک در رسالت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۸

۸ حواریون در آغاز رسالت مسیح ، محروم از ایمان راستین و گرفتار شک و تردید در حقانیت رسالت عیسی (ع)

قالوا .. و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

شک در صداقت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۷

۷ - ثمودیان در توانایی صالح (ع)

(برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فأت بئایه إن كنت من الصدقین

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إن> که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

شك در طلوع فجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۴۱، ۴۰

۴۰ - > عن سعد عن بعض اصحابه عنهما (ع) فی رجل تسحر و هو شاك فی الفجر قال : لا بأس > كلوا و اشربوا حتی یتبین لكم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر < ... ;

از امام باقر و امام صادق(ع) درباره کسی که سحری خورده در حالی که در طلوع فجر شك داشته [سؤال شد]، امام فرمود: اشکالی ندارد [خداوند فرموده]: كلوا و اشربوا حتی یتبین لكم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر <

۴۱ - ابی بصیر گوید : > سألت ابا عبدالله (ع) عن رجلین قاما فی شهر رمضان فقال احدهما : هذا الفجر و قال الآخر : ما أرى شیئاً قال : لیأكل الذی لم یتیقن الفجر و قد حرم الأكل علی الذی زعم قد رأى ، ان الله یقول : و كلوا و اشربوا حتی یتبین لكم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر ثم أتموا الصیام إلى اللیل ;

از امام صادق(ع) سؤال کردم از دو نفر که در ماه رمضان درباره [طلوع] فجر اختلاف نموده اند، و یکی از آن دو می گوید این فجر است و دیگری می گوید من چیزی [از سفیدی صبح] نمی بینم. امام فرمودند: آن کس که

یقین به طلوع فجر ندارد می تواند بخورد؛ ولی آن کس که معتقد است فجر را دیده بر او حرام است که بخورد. خداوند می فرماید: و کلووا و اشربوا حتی یتبین لكم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر ثم أتموا الصیام إلى اللیل <.

شک در عدالت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۷

۷ - گمان ناعادلانه بودن حکم خدا و رسول او ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم یخافون أن یحیف الله علیهم و رسوله

شک در عمل به تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۵ - ۵

۵ تردید در انجام تکالیف دینی ، چون جهاد با مال و جان ، نمودار بی ایمانی و نفاق

إنما یستذنبک الذین لایؤمنون بالله .. و ارتابت قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۸ - ۱

۱ - هیچ کس ، حتی مؤمنان راستین ، بر انجام کامل وظایف و تکالیف الهی خود اطمینان ندارد .

إن عذاب ربهم غیر مأمون

شک در عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۴ - ۷

۷- در باره ماهیت حضرت عیسی (ع) (بشر بودن و تکوین یافتن او بدون پدر) در طول تاریخ تردیدهایی ناروا وجود داشته است .

ذلك عيسى ابن مريم .. الذى فيه يمترون

<الذى> وصف است براى <عيسى> يا <قول الحق> و <إمتراء> (مصدر <يمترون>) به معنای شك و تردید کردن است. غایب ذکر شدن صیغه

<یمترون> از آن حکایت دارد که کسانی غیر از مسلمانان در باره حضرت عیسی(ع) به عقایدی پای بند بودند که بر پایه یقین استوار نبود.

شک در قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۱۱، ۱۰، ۸

۸ حواریون عیسی نامطمئن به توانایی خداوند بر فرستادن مائده ای از آسمان

هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائدة من السماء

۱۰ حواریون عیسی مورد توبیخ وی به خاطر تردیدشان در توانمندی خداوند

هل يستطيع ربك . . قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

جمله <اتقوا الله . . > حاکی از انتقاد و اعتراض عیسی(ع) به حواریون است ناظر به مطالبی است که از <هل يستطيع ربك ...> به دست می آید که از جمله آنها تردید در توانمندی خداوند است.

۱۱ تردید در قدرت الهی ناسازگار با تقوا و ایمان

هل يستطيع ربك . . اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۶

۶ شک در امکان معاد ، شک در قدرت خداوند است .

أفعمينا بالخلق الأول بل هم في لبس من خلق جديد

شک در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۷

۷ - منافقان ، گرفتار شک و تردید نسبت به مبانی اسلام (توحید ، نبوت ، معاد ، قرآن و ...)

قالوا بلى و لكنكم ... اربتم

شك در قضاوت محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۵

۵ - منافقان صدر اسلام ،

نسبت به عادلانه بودن احکام الهی و داوری پیامبر (ص)، در شک و تردید به سر می بردند .

أم يخافون أن يحيف الله عليهم ورسوله

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <بل> در <بل أولئك..> برای اضراب انتقالی باشد نه ابطالی.

شک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۴،۷

۴ - تردید و استبعاد مشرکان مکه ، در امکان وقوع قیامت

و إنه لعلم للساعة فلاتمترن بها

۷ - تردید در رخداد قیامت ، نشانگر عدم شناخت قدرت کامل خداوند است .

و إنه لعلم للساعة فلاتمترن بها

آفرینش شگرف عیسی(ع)، نشانه ای بر قدرت خداوند است و از آن جا که این آفرینش دلیل بر امکان معاد شمرده شده، می توان استفاده کرد که تردید در مورد قیامت، ناشی از غفلت نسبت به قدرت بی همتای خداوند است.

شک در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ - اهل کتاب زمان پیامبر (ص) ، نسبت به محتوای متون دینی خویش گرفتار تردید و بدبینی بودند .

و إن الذين أورثوا الکتب من بعدهم لفی شک منه مریب

<مریب> به شکی گفته می شود که آمیخته با بد گمانی و سوء ظن باشد.

شک در محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ گفتارها و باورهای تردیدآمیز در کیفیت افعال الهی و کردار و سلوک پیامبر (ص) از سوی مدعیان بندگی خداوند،
نشانه

لا یؤمنون حتی یحکموک .. و یسلموا تسلیماً

امام صادق (ع) فرمود: لو ان قوماً عبدوا الله .. ثم قالوا لشيء صنعه الله او صنعه رسول الله (ص) الا صنع خلاف الذي صنع؟ او وجدوا ذلك في قلوبهم لكانوا بذلك مشركين. سپس آن حضرت آیه فوق را تلاوت فرمود ...

کافی، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۱، ح ۳۷۴؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۳۷۴.

شک در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۶

۶- مشرکان ، به وجود نیرویی که قادر به احیای دوباره جسد انسان باشد ، در ناباوری و تردید بودند .

قل کونوا حجاره .. فسیقولون من یعدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۱

۱ - اظهار تردید کافران در زنده شدن دوباره انسان ، پس از مرگ

قالوا أءذا متنا .. أءنا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ - تردید مشرکان عصر بعثت ، در امکان قیامت و رستاخیز مردگان

إنّ الذی أحيها لمحي الموتی إنّہ علی کلّ شیء قدير

تأکید جمله <إنّ الذی أحيها لمحي الموتی> با حروف <إنّ> و <لام>، بیانگر تردید مشرکان عصر بعثت در امکان معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۶ - ۷

۷ - معاد ، مورد جهل و تردید بیشتر مردم در طول تاریخ

و لکنّ أكثر الناس لا یعلمون

از این که به جای ارجاع

ضمیر به مشرکان مکه، واژه <الناس> به کار رفته که دارای مفهومی عام و گسترده است مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۳

۳- تردید مشرکان ، در امکان معاد ، در عین اعتقاد به وجود آفریدگار *

أولم یروا أنّ الله الذی خلق .. بقدر علی أن یحیی الموتی

با توجه به این که مخاطب آیه شریفه، مشرکان است و اصل وجود خداوند مسلم شمرده شده و صرفاً برای امکان معاد، برهان آمده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۵

۵ شک در امکان معاد ، در عین مشاهده آفرینش خداوند ، نمودی از گیجی و سردرگمی کافران

فهم فی أمر مریج .. أفعینا بالخلق الأول بل هم فی لبس من خلق جدید

بیان تناقض گویی کافران در این آیه، می تواند در مقام ارائه نمونه ای از سرگردانی کافران باشد که در آیات پیشین خداوند به آن اشاره فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۷

۷ - منافقان ، گرفتار شک و تردید نسبت به مبانی اسلام (توحید ، نبوت ، معاد ، قرآن و ...)

قالوا بلی و لکنکم .. ارتبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۵

۵ - معاد ، مورد شک و تردید کافران عصر بعثت بود .

عمّ یتساءلون

شک در مقدرات خدا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۵

۵ - تردید جن پس از ممنوع شدن از استراق سمع آسمان ، در شناخت تقدیر الهی درباره اهل زمین و خیر و رشد بودن آفرینش آنها *

و أَنَا لَآنَدِرِي أَشْرَّ أُرِيدُ بَمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ممنوعیت جن از استراق سمع آسمان، ظرف زمان برای پیدایش این سؤال باشد که خداوند، برای چه منظوری اهل زمین را آفرید؛ نه این که به چه هدفی آنان از استراق سمع، ممنوع شدند؟

شک در نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۷

۷ - منافقان ، گرفتار شک و تردید نسبت به مبانی اسلام (توحید ، نبوت ، معاد ، قرآن و ...)

قالوا بلی و لکنکم .. ارتبتم

شک در نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۷

۷ - ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فَأْتِ بَثَايَهِ إِنَّ كُنْتَ مِنَ الصَّٰدِقِينَ

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إِنَّ> که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

شک در نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۵

۵- شك و تردید مستمر مردم مصر در رسالت یوسف (ع) تا پایان عمر ایشان (علی رغم مشاهده دلایل روشن بر صدق

رسالت آن حضرت) .

لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينت فمازلتم في شك مما جاءكم به

شك در وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۲ - ۱

۱ - مجادلات و اظهار تردید های مشرکان ، درباره وحی و مشاهدات قلبی پیامبر (ص)

أفتمرونا علی ما یری

<ممارات و مرء> (مصدر <تمارون>) معادل <مجادله و جدال> است؛ یعنی، <أفتمارونه علی ما یری> .

شك در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۶

۶ - تردید در تحقق وعده های خداوند ، برخاسته از جهل و نادانی است .

لا یخلف الله وعده و لكن اكثر الناس لا یعلمون

شك ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۳ - ۳

۳ فرشتگان ، همسر ابراهیم را از اینکه در تحقق خواست خداوند تردید کند و از آن شگفت زده باشد ، نهی کردند .

قالوا أتعجبین من أمر الله

شك طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تردید طاغیان ، در علل و چرایی پیدا نکردن مؤمنان و آگاه نشدن از وضعیت آنان در قیامت

أَتَّخِذْنَهُمْ سُخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ

<أم> در جمله <أم زاغت..> عاطفه و متصله است و این جمله می تواند عطف بر <ما لنا لانرى...> باشد. در این صورت مفاد آن مربوط به قیامت بوده و معنای آیه چنین می شود: آیا مسخره شان می کردیم [و اهل بهشت اند] یا [در جهنم اند و چشمان ما به آنان نمی افتد].

شک فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۱ - ۲

۲ - تردید فرعون نسبت به توان موسی (ع) در ارائه دلیل روشن بر مدعای خویش

قال فأت به إن كنت من الصادقين

برداشت یاد شده، در صورتی است که امر در <فأت به> تعجیزی باشد. بنابراین فرعون بدان جهت که از توانایی موسی نسبت به آن کار اطمینان نداشت، از او خواست تا معجزه خویش را ارائه دهد.

شک قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۱

۱- قوم ابراهیم نسبت به حق بودن سخن ابراهیم (ع) و جدی بودن او در نفی شرک و بت پرستی، تردید داشته و آن را بعید می دانستند .

قالوا أجنثنا بالحق أم أنت من اللعین

شک قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۴، ۱۵

۱۴ قوم ثمود، در یکتایی خدا و ضرورت یگانه پرستی، در شک و تردید بودند .

و إننا لفي شك مما تدعونا إليه مريب

۱۵ دعوت به توحید و بیان ضرورت یکتا پرستی از سوی حضرت صالح (ع)، مایه تردید قوم ثمود در خردمندی و هوشیاری او

و إننا لفي شك مما تدعونا إليه مريب

<مريب> (ترديدافكن) صفت براي <شك> است و متعلق آن به قرينه جمله <قد كنت فينا مرجوًا> خردمندی و هوشیاری صالح(ع) می باشد. بنابراین جمله <إِنَّا لَفِي...> یعنی، ما در درستی تعالیم تو شك داریم، آن چنان شکی كه باعث شده درباره خردمندی و هوشیاری ات

نیز تردید کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۷، ۱۸

۱۷- قوم نوح ، عاد و ثمود و اقوام پس از آنان ، در جواب دعوت انبیای خویش اعلام کردند در باره تعالیم آنان بشدت در تردیدند .

قوم نوح و عاد و ثمود و الذین من بعدهم . . . جاءتهم رسلهم بالبینت ... و قالوا إنا

۱۸- تردید قوم نوح ، عاد و ثمود به دعوت انبیای خویش ، توأم با بدبینی بود .

إنا لفی شكّ ممّا تدعوننا إليه مریب

ذکر <مریب> پس از <شكّ> اگر چه برای تأکید آن است، اما بین آن دو تفاوتی وجود دارد و آن این است که: در <ریب> شكّ توأم با بدبینی است (فروق اللغویه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۷

۷- ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فأت بئایه إن كنت من الصدقین

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إن> که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

شكّ قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۷، ۱۸

۱۷- قوم نوح ، عاد و ثمود و اقوام پس از آنان ، در جواب دعوت انبیای خویش اعلام کردند در باره تعالیم آنان بشدت در تردیدند .

قوم نوح و عاد و ثمود و الذین من بعدهم . . . جاءتهم رسلهم بالبینت ... و قالوا إنا

۱۸- تردید قوم نوح ، عاد و ثمود به دعوت انبیای خویش ، توأم با بدبینی

بود .

إنا لفي شكٍّ ممّا تدعوننا إليه مريب

ذکر <مریب> پس از <شکّ> اگر چه برای تأکید آن است، اما بین آن دو تفاوتی وجود دارد و آن این است که: در <ریب> شک توأم با بدبینی است (فروق اللغویه).

شک قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۴،۹

۴- قوم لوط ، نسبت به هشدار های حضرت لوط (ع) مبنی بر نزول عذاب الهی (استیصال) بر آنان ، پیوسته در شک و تردید بسر برده و ایمان نداشتند .

قالوا بل جئناک بما کانوا فیه یمتروں

۹- < قال أبو جعفر (ع) [فی قوله : < قالوا بل جئناک بما کانوا فیه یمتروں >] : < قالوا بل جئناک بما کانوا فیه > قومک من عذاب الله > یمتروں < . . . >

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: [فرستادگان خدا] گفتند: [ما قوم ناشناس نیستیم]؛ بلکه نزد تو آمدیم تا عذاب الهی را که قوم تو در آن تردید می کردند بیاوریم . . . <.

شک قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۷،۱۸

۱۷- قوم نوح ، عاد و ثمود و اقوام پس از آنان ، در جواب دعوت انبیای خویش اعلام کردند در باره تعالیم آنان بشدت در تردیدند .

قوم نوح و عاد و ثمود و الذین من بعدهم . . . جاءتهم رسلهم بالبینت . . . و قالوا إنا

۱۸- تردید قوم نوح ، عاد و ثمود به دعوت انبیای خویش ، توأم با بدبینی بود .

إنا لفي

شكّ ممّا تدعوننا إليه مريب

ذکر <مريب> پس از <شكّ> اگر چه برای تأکید آن است، اما بین آن دو تفاوتی وجود دارد و آن این است که: در <ريب> شكّ توأم با بدبینی است (فروق اللغویه).

شكّ كافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۸ - ۳

۳- مؤمن ، دارای ثبات و استقرار در عقیده ، ولی کافر ، اسیر در چنگال های شكّ و تردید و بی ثبات است .

ما أظنّ . . . و ما أظنّ ... لکنّا هو الله ربّی

سخنان سمبل کفر و دنیاپرستی، در آیه، همواره، تردید را با خود همراه دارد، لذا در نقل سخن او، دو بار واژه <ظنّ> و یک بار نیز <لئن> به کار گرفته شده، ولی مرد سمبل ایمان، با قاطعیّت عقیده خود را بیان کرده و راه عملی خود را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۱

۱ - اظهار تردید کافران در زنده شدن دوباره انسان ، پس از مرگ

قالوا أءذا متنا . . . أءنّا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۴

۴ - کافران ، گرفتار شكّ و تردید درباره آخرت

بل هم فی شكّ منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران در حیات دوباره انسان ، پس از ناپدید شدن اجزای او در خاک ، تشکیک کردند .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض أءنّأ لفی خلق جدید

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۱

۱ - اظهار تردید کردن کافران در زنده شدن انسان ها پس از مرگ ، هنگام رو به رو شدن با مؤمنان

إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ .. أَعِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعْنَا لِمَدِينُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۱

۱- کافران و منکران وحی ، گرفتار بازی در فضای شک و تردید

بل هم فی شک

این آیه در حقیقت پاسخی به این پرسش است که: چرا علی رغم دلایل روشن بر حقانیت وحی و رسالت پیامبران، گروهی به کفر و انکار وحی می گرایند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۵

۵ شک در امکان معاد ، در عین مشاهده آفرینش خداوند ، نمودی از گیجی و سردرگمی کافران

فهم فی أمر مریج .. أفعینا بالخلق الأول بل هم فی لبس من خلق جدید

بیان تناقض گویی کافران در این آیه، می تواند در مقام ارائه نمونه ای از سرگردانی کافران باشد که در آیات پیشین خداوند به آن اشاره فرموده است.

شک کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۲

۲ - کافران ، در اظهار نظرشان درباره پیامبر (ص) و تبلیغ آن حضرت از معاد ، مردد بودند و نظری ثابت و قطعی نداشتند .

رجل یتبئکم إذا مَرَّتمْ إذا مَرَّتمْ کلٌّ ممزَّقٌ لِنکم لفی خلق جدید . أفتری علی الله کذبًا أم ب

<أم> حرف عطف و برای تردید است، یعنی، طبق

نظر کافران پیامبر(ص) یا می داند که معاد، شدنی نیست و در عین حال از آن خبر می دهد که افترا به خدا است و یا از آن خبر ندارد و سخنی جنون آمیز بر زبان جاری می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۵

۵ - معاد ، مورد شک و تردید کافران عصر بعثت بود .

عمّ یتساءلون

شک کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیر گذاری

قال الذین کفروا .. لعلکم تغلبون

واژه <لعل> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۱

۱ - تردید و شک کافران مکه ، نسبت به برپایی قیامت

ألا إنهم فی مریه من لقاء ربهم

شک گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۱

۱- غوطهوران در گناه ، گرفتار تردید در وقوع قیامت و وجود دوزخ

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ

شك مستكبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۳

۳- گرایش محرومان به قرآن ، بهانه مستکبران برای تردید در حقانیت آن

و قال الذين كفروا... لو كان خيراً ما سبقونا إليه

تعبیر <لو كان خيراً..>، بیان دلیل است و

از محتوای آیه استفاده می شود که کافران، از طایفه اشراف مستکبر و مؤمنان از طبقه محروم بودند. بدین جهت مستکبران، ابراز می داشتند اگر قرآن خیری در برداشت، تهی دستان بی هویت بدان روی نمی آوردند.

شک مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۵، ۱۷، ۲۴، ۲۵

۱۵ تردید برخی از مسلمانان نبرد احد در حقیقت اسلام و وعده رسول خدا (ص) به پیروزی مسلمانان بر دشمنانشان

و طائفه ... یقولون هل لنا من الامر من شیء

برخی از مسلمانان گمان می کردند چون به اسلام گرویده اند و اسلام دین حق و الهی است، باید همه امور بر طبق خواسته آنان پیش رود؛ ولی آنگاه که شکست خوردند، به تردید افتادند و گفتند گویا اختیار امور به دست ما نیست و در نتیجه اسلام دین حق نیست و وعده های رسول خدا (ص) بی مورد است.

۱۷ شکست ها و حوادث ناگوار، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه در مورد حقیقت پیامبر (ص) و وعده های خدا به پیروزی آنان

طائفه ... یقولون هل لنا من الامر من شیء

۲۴ تبلیغات سوء، شک برانگیز و شرک آلوده مسلمانان سست اندیشه احد، پس از پایان آن کارزار

یقولون لو كان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

۲۵ شهادت برخی از پیکارگران احد و شکست در آن کارزار، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه

یقولون لو كان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

شک مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۵

۶- تردید مسلمانان نسبت به درستی عمل خویش ، در قطع درختان بارور ، به هنگام جنگ *

ما قطعتم من لینه .. فیاذن الله

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که پس از قطع بعضی از نخل های بنی نضیر، این تردید و سؤال میان مسلمانان به وجود آمد که: آیا عملشان صحیح و مورد رضای حق بوده یا خیر؟ آیه شریفه پاسخی به پرسش آنان است.

شک مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۴ - ۳،۵

۳ مشرکان نسبت به پایداری و انعطاف پذیری پیامبر (ص) در طرد آیین شرک و دعوت به توحید ، تردید داشتند .

قل یا ایها الناس إن کنتم فی شک من دینی

با توجه به اینکه روی سخن با مشرکانی است که از گرویدن به توحید امتناع می کردند، قهراً امتناع آنان یا به خاطر این است که هنوز ماهیت و حقیقت توحید برای آنان روشن نشده بود و یا اینکه هنوز امیدوار بودند که پیامبر (ص) دست از روش خود بردارد و به کیش آنان در آید. برداشت فوق بنابر احتمال دوم است.

۵ مشرکان ، نسبت به حقیقت آیین توحیدی پیامبر (ص) در تردید بودند .

قل یا ایها الناس إن کنتم فی شک من دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۶

۶- مشرکان ، به وجود نیرویی که قادر به احیای دوباره جسد انسان باشد ، در ناباوری و تردید بودند .

قل کونوا حجاره .. فسیقولون من یعیدنا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۱

۱ - موضع گیری ناباورانه مشرکان در قبال وعده برپایی قیامت

لقد وعدنا هذا .. إن هذا إلا أسطير الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۴ - ۵

۵ - مشرکان ، همواره در تردید و شکی آمیخته با بدگمانی بودند .

إنهم كانوا في شكّ مريب

<شكّ> تردید ذهن به نحو مساوی بین دو چیز و <ريب> شك همراه با تهمت است (الفروق اللغويه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۳

۳- تردید مشرکان ، در امکان معاد ، در عین اعتقاد به وجود آفریدگار *

أولم يروا أنّ الله الذي خلق .. بقدر علی أن يحيي الموتی

با توجه به این که مخاطب آیه شریفه، مشرکان است و اصل وجود خداوند مسلم شمرده شده و صرفاً برای امکان معاد، برهان آمده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

شك مشرکان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۹ - ۲

۲- تردید و ناباوری مشرکان به معاد ، نمونه بارزی از گمراهی آنان است .

فضّلوا .. و قالوا أءذا كنا ... أءنّا لمبعوثون خلقاً جدیداً

شك مشركان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۱

۱ - شك و تردد مشركان صدراسلام نسبت به قرآن والهى بودن آن ، عميق و غير قابل زوال بود .

و لا يزال الذين كفروا فى مريه منه حتى تأتيهم الساعه

متعلق <كفروا> حذف شده و تقدير آن به

قرینه <أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ> (در آیه پیش)، <كفروا بالقرآن> می باشد. <مریه> اسم مصدر از فعل <امتري یمتری> و به معنای شک و تردید است. <ال> در <الساعه> برای عهد ذهنی و <ساعه> به معنای لحظه و هنگام است. بنابراین <الساعه> یعنی، آن هنگام که اشاره دارد به زمان برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر. <بغت و بغته> یعنی ناگهان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ - تردید مشرکان عصر بعثت ، در امکان قیامت و رستاخیز مردگان

إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمَحَى الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

تأکید جمله <إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمَحَى الْمَوْتَى> با حروف <إِنَّ> و <لام>، بیانگر تردید مشرکان عصر بعثت در امکان معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۳ - ۲

۲- تردید و ناباوری مشرکان صدراسلام نسبت به دوزخ و وجود درختی به نام زقوم در آن

إِنَّ شَجَرَتَ الزُّقُومِ

تأکید با <إِنَّ> و جمله اسمیه از تردید یا نکار مخاطبان نسبت به مضمون آن می کند آیه ۵۰ <إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ> مؤید برداشت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۲ - ۱

۱ - مجادلات و اظهار تردید های مشرکان ، درباره وحی و مشاهدات قلبی پیامبر (ص)

أَفْتَمَرُونَ عَلِيَّ مَائِرِي

<ممارات و مراء> (مصدر <تمارون>) معادل <مجادله و جدال> است؛ یعنی، <أفتمارونه علی مائری>.

شک مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۴

۴ - تردید

و استبعاد مشرکان مکه ، در امکان وقوع قیامت

و إِنَّه لَعَلْمَ لِّلسَاعَةِ فَلَائِمٌ بِهَا

شک مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۵

۵- شک و تردید مستمر مردم مصر در رسالت یوسف (ع) تا پایان عمر ایشان (علی رغم مشاهده دلایل روشن بر صدق رسالت آن حضرت) .

لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينت فما زلتم في شك مما جاءكم به

شک مکذبان تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۱۲

۱۲ منکران حقانیت تورات ، علی رغم نداشتن یقین به نادرستی آن ، منکر حقانیت آن شده بودند .

و إِنْهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مِرْيَبٌ

مراد از ضمیر در <إِنْهُمْ> کسانی اند که تورات را نپذیرفتند؛ به اصطلاح اهل ادب این ضمیر به نحو استخدام به اختلاف کنندگان که از <فاختلف فیه> به دست می آید برمی گردد. <مریب> یا لازم و به معنای دارای ریب و شک است و تأکید <شک> می باشد و یا متعدی و به معنای <تردید افکن> است.

شک مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۳۲

۳۲- برخی از منکران معاد به دلیل پی نبردن به زوایای سرگذشت اصحاب کهف آن را نشانه امکان معاد نیافتند و بر تردید سابق خویش باقی ماندند .

ليعلموا .. ان الساعه لاريب فيها ... ربهم اعلم بهم

چنان چه مشاهده اصحاب كهف براي همه بازديدكنندگان، مايه تقويت ايمان به معاد شده بود، مناسبتي نداشت كه بگويند:
<ربهم> بلكه

می بایست تعبیر <رَبَّنَا> را جایگزین آن سازند و نسبت به موضوع اصحاب کهف اظهار بی اطلاعی نکنند.

شک مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۱

۱- کافران و منکران وحی ، گرفتار بازی در فضای شک و تردید

بل هم فی شک

این آیه در حقیقت پاسخی به این پرسش است که: چرا علی رغم دلایل روشن بر حقانیت وحی و رسالت پیامبران، گروهی به کفر و انکار وحی می گرایند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۲ - ۴

۴- پایان یافتن تردید ها و سست انگاری های منکران وحی ، با تحقق وعده های الهی در قیامت

بل هم فی شک .. فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین ... إنا مؤمنون

بنابراین که آیات پیشین در رابطه با قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

شک ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۲ - ۱۰

۱۰ عن أبی بصیر قال: سألت أبا عبدالله(ع) عن قول الله عز و جل: <الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم> قال: بشک.

ابو بصیر گوید: از امام صادق(ع) درباره <الذین آمنوا .. > پرسیدم فرمود: مراد از <ظلم>، در آیه شک است. (مقصود از <شک> مذکور در روایت، شک غیر اختیاری که مقدمه رسیدن به حق می باشد، نیست. بلکه می تواند مراد، شک حاصل از رفتن در پی شبهه با مقدمات اختیاری و یا تشکیک در حق باشد.)

شک منافقان

۱ شک و تردید ، بیماری مزمن قلب منافقان

لا يزال بنينهم الذی بنوا ريبه فی قلوبهم

۳ مرگ ، تنها درمان قلب آکنده از شک و تردید منافقان

لا يزال .. إلا أن تقطع قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۱۹،۷

۷ - منافقان ، گرفتار شک و تردید نسبت به مبانی اسلام (توحید ، نبوت ، معاد ، قرآن و ...)

قالوا بلی و لکنکم .. ارتبتم

۱۹ - آرزوی ناکامی برای جامعه ایمانی ، تردید در باور های دینی ، فریفتگی به آرزو های باطل و مظاهر دنیا و غفلت از خداوند ، از اوصاف منافقان و از نشانه های نفاق

و غرکم بالله الغرور

شک منافقان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۵،۳

۳ - منافقان صدراسلام ، نسبت به حقانیت پیامبر (ص) و درستی اسلام ، در شک و تردید به سر می بردند .

أم ارتابوا

<أم> در <أم ارتابوا> منقطعه و به معنای <بل> (اضراب) است.

۵ - منافقان صدراسلام ، نسبت به عادلانه بودن احکام الهی و داوری پیامبر (ص) ، در شک و تردید به سر می بردند .

أم يخافون أن يحيف الله عليهم ورسوله

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <بل> در <بل أولئک..> برای اضراب انتقالی باشد نه ابطالی.

شک موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳ - ۱

۱ - تردید موسی

(ع) در توانایی خویش برای رسالت ، از ناحیه کمی سعه صدر و گویا نبودن زبانش

و یضیق صدری و لاینطلق لسانی

<ضیق صدر> مقابل <سعه صدر> و <انطلاق لسان> (رها بودن زبان) کنایه از فصاحت بیان است.

شک مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۵

۵ - مؤمنان ، پس از صلح حدیبیه ، گرفتار بحران روحی و تردید در ماهیت و نتایج این معاهده *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ .. هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

بردشت بالا بدان احتمال است که مؤمنان پس از صلح حدیبیه، در تحلیل و بررسی آن گرفتار تردید شده باشند که: آیا به راستی این صلح، یک پیروزی بود یا مایه شکست؟ خداوند در چنین شرایطی، قلب ها را اطمینان بخشید و صلح حدیبیه را <فتح مبین> نام نهاد.

شک ناپذیری قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۱

۲۱ - قیامت ، واقعیتی حتمی و غیر قابل تردید

تَنْذِرُ يَوْمِ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ

شک یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۲

۲ یعقوب (ع) به تعهد و تأکید فرزندانش درباره حفاظت از بنیامین ، اطمینان نکرد .

قال هل ءامنکم علیه إلا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

استفهام در <هل ءامنکم ..> استفهام انکاری و به منزله نفی است. <أمن> (مصدر ءامن) به معنای اطمینان کردن و امین شمردن است. بنابراین <هل ءامنکم ...> یعنی ، من شما را درباره بنیامین امین نمی دانم و

به قول و قرار شما اطمینانی ندارم.

شگفتی شک در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۷ - ۲

۲- تردید انسان در معاد ، با وجود توانایی هر انسان به شناخت خلقت نخستین خویش از عدم ، امری شگفت آور و سزاوار توبیخ است .

أولاً يذكر الإنسن أنا خلقه من قبل و لم يك شيئاً

همزه در <أولاً- يذكر> برای انکار توبیخی و متضمن معنای تعجب است. تکرار لفظ <انسان> در این آیه با آن که آوردن ضمیر ممکن بود اشعار به این نکته دارد که لازمه انسان بودن ، دقت و تفکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۳

۳- پرسش های تردیدآمیز درباره معاد ، شگفت آور و دور از انتظار است .

عمّ يتساءلون

<ما> در <عمّ> برای استفهام تعجّبی است و دلالت بر غیر منتظره بودن سؤال از معاد دارد.

عوامل رفع شك از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۷

۷- عذاب استیصال ، برطرف کننده هرگونه شك و ریب از دل کفرپیشگان نسبت به آیات الهی

أو يأتيهم عذاب يوم عقيم

عوامل رفع شك از نعمتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - توجه به نمود های تدبیر و ربوبیت عالی خداوند ، زداینده هر تردید درباره نعمت بخشی های الهی

فبأی ءالاء ربك تتماری

فای تفریع در <فبأی..> می رساند که با توجه به آنچه در آیات

پیشین گفته شده، انتظار نمی رود کسی در رابطه با خداوند و آثار رحمت خیز او گرفتار تردید و شک باشد.

عوامل شک اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۱۸

۱۸ - فرقه سازی های مذهبی از سوی نسل های پیشین اهل کتاب ، موجب رواج شک و تردید در میان آیندگان آنان

و ما تفرقوا .. و إنّ الذین أورثوا الکتب من بعدهم لفی شک منه مریب

<من> در <لفی شک منه> نشویه است و ضمیر <منه> به <تفرّق> که از <و ما تفرّقوا> استفاده می شود باز می گردد؛ یعنی، تردید سختی که میراث بران کتاب به آن گرفتار آمده اند، برخاسته از اختلافات و دسته بندی های مذهبی است که پیشینیان آنان به آن دامن می زدند.

عوامل شک به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۶

۶ - کور باطنی ، ریشه تردید ها و حیرت کافران در مورد قیامت و مسائل آن

بل هم فی شکّ منها بل هم منها عمون

<عمون> نظر به چشم ظاهر ندارد؛ بلکه عدم بینش و بصیرت کافران را می رساند که در نتیجه آن، آنها گرفتار شک و تردید و حیرت و سرگردانی اند.

عوامل شک در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۴

۴ - جدال در آیات الهی (تعالیم دین) ، بدون دلیل و برهان و از سر جهل و بی فکری ، موجب تردید و شکاک بودن انسان در معارف

الهی و زیاده روی در مخالفت با آن

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب . الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان آتیه

جمله <الذين يجادلون..> در واقع بیانگر علت مسرف و مرتاب (شکاک) بودن برخی از انسان ها است، یعنی، چون برخی به جای فکر کردن در آیات الهی، از سر جهل و یا تقلید به مجادله با آن بر می خیزند. از این رو نسبت به تعالیم الهی همواره در شک و تردید به سر می برند و در مخالفت با تعالیم آسمانی اسراف می کنند.

عوامل شک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۶ - ۳

۳- غفلت از معاد و تردید در آن ، معلول دل بستگی شدید به دنیا است .

أنا أكثر منك مالا .. قال ما أظنّ أن تبید هذه أبداً . و ما أظنّ الساعة قائمه

عوامل شك كافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۶

۶- کور باطنی ، ریشه تردید ها و حیرت کافران در مورد قیامت و مسائل آن

بل هم فی شكّ منها بل هم منها عمون

<عمون> نظر به چشم ظاهر ندارد؛ بلکه عدم بینش و بصیرت کافران را می رساند که در نتیجه آن، آنها گرفتار شک و تردید و حیرت و سرگردانی اند.

عوامل شك منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۰ - ۴

۴ مسجد ضرار ، مایه شك و ناباوری منافقان بود .

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضُرَارًا .. لَا يَزَالُ بَيْنَهُمْ

الذی بنوا ریبہ فی قلوبہم

کیفر شک در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - ہود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ شک و شبہہ در راستی و درستی قرآن ، مایہ گرفتار شدن بہ آتش دوزخ است .

فالنار موعده فلانک فی مریہ منہ

گناہ شک در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۲

۲ - تردید در معاد و انکار لقای پروردگار ، عملی مجرمانہ است .

بلقاء ربہم کفرون .. إذ المجرمون ناکسوا رءوسہم

<ال> در <المجرمون> عہد است و بہ <ہم بلقاء ربہم کافرون> برمی گردد.

منشأ رفع شک مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۲

۲ - تردیدزدایی خدا از مؤمنان و ایجاد اطمینان در آنان نسبت بہ پیروزی جہہ ایمان

إِنَّ اللّٰهَ يَدْفَعُ عَنِ الدِّينِ ءَامِنُوا

تأکید جملہ <يدافع عن الدين ءامنوا> بہ وسیلہ <إِنَّ> بیانگر مطلب بالا است.

منشأ شك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۷ پندار های جاهلانه نسبت به خداوند ، منشأ تردید در حَقّائیت اسلام و وعده های خدا و رسول (ص)

يظنون بالله غير الحقّ .. يقولون لو كان لنا من الامر شيء ما قتلنا ههنا

منشأ شك به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۲ - ۲

۲ - تلاش شیطان ، برای ایجاد شك و تردید در اعتقاد به قیامت

فلاتمترنّ بها .. ولا یصدنکم الشیطن

منشأ شك در

انذارهای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۷

۷- تردید در حقانیت انذارها و هشدارهای پیامبر (ص) ، نشأت یافته از ناباوری ، به اساس رسالت

بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم فقال الكفرون هذا شيء عجيب

در صورتی که <هذا> به مسأله معاد و محتوای انذارهای پیامبر(ص) اشاره باشد، تفریح <قال الكفرون> بر <عجبوا..>، می رساند که تشکیک در پیام، فرع بر تشکیک در اصل رسالت است و در آن جا که اصل رسالت محرز باشد، مجالی برای تردید در پیام نخواهد بود.

منشأ شك در توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۷ - ۳

۳ - تردید در یگانگی خدا ، علی رغم اعتراف به مالکیت مطلق او بر سراسر هستی ، ناشی از بی پروایی و بیم نداشتن از عذاب او

سيقولون لله قل أفلا تتقون

منشأ شك در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲

۲- غفلت از قدرت نامحدود خدا ، منشأ شك و تردید مشرکان عصر بعثت در امکان معاد و حیات دوباره انسان

يأيتها الناس إن كنتم في ريب من البعث فإننا خلقناكم

جواب شرط در جمله <إن كنتم في ريب من البعث> حذف شده است و تقدیر آن چنین می باشد: <إن كنتم في ريب من البعث فانظروا إلى بدء خلقكم> اگر در امکان برپایی رستاخیز تردید دارید، به آغاز پیدایش خود بنگرید. مقصود از جمله یاد شده این است که: همان طور که خداوند توانست انسان ها را در

این نشأه بیافریند مسلماً قدرت آن را دارد که دوباره و در نشأه دیگر آنان را زنده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۴

۴ - سطحی نگری و غفلت از قدرت بی انت های خداوند ، منشأ تردید و استبعاد کافران نسبت به مسأله رستاخیز

و هو الذی ذرأکم فی الأرض و إلیه تحشرون. و هو الذی یحی و یمیت... أفلاتعقلون... قا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۶ - ۸

۸ - تردید در امکان و تحقق معاد ، ناشی از جهل آدمیان است ؛ نه معقول نبودن آن .

لاریب فیه و لکنّ أكثر الناس لا یعلمون

جمله <و لکنّ أكثر الناس لا یعلمون> می تواند جواب سؤال مقدر باشد؛ به این که اگر معاد، تردید را بر نمی تابند، پس انکار آن از چه رو است؟ قرآن پاسخ می دهد: بیشتر مردم جاهل اند و جهلشان آنان را به تمسک واداشته است؛ نه پیچدگی مسأله معاد.

منشأ شک کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۴

۴ - سطحی نگری و غفلت از قدرت بی انت های خداوند ، منشأ تردید و استبعاد کافران نسبت به مسأله رستاخیز

و هو الذی ذرأکم فی الأرض و إلیه تحشرون. و هو الذی یحی و یمیت... أفلاتعقلون... قا

منشأ شک مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲

۲- غفلت از قدرت نامحدود خدا ، منشأ شک و تردید مشرکان عصر بعثت در امکان

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنٰكُمْ

جواب شرط در جمله <إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ> حذف شده است و تقدیر آن چنین می باشد: <إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَانظُرُوا إِلَىٰ بَدْءِ خَلْقِكُمْ> اگر در امکان برپایی رستاخیز تردید دارید، به آغاز پیدایش خود بنگرید. مقصود از جمله یاد شده این است که: همان طور که خداوند توانست انسان ها را در این نشأه بیافریند مسلماً قدرت آن را دارد که دوباره و در نشأه دیگر آنان را زنده کند.

موانع شک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۸

۸ نزول مائده آسمانی از میان برنده شک و تردید در حقانیت مسیح و معجزه ای کافی برای همه مسیحیان

و نعلم ان قد صدقتنا .. أنزل علينا مائدة من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱۱

۱۱ مطالعه در آفرینش انسان و مرگ و حیات وی، زداینده تردید در یگانگی خداوند

هو الذی خلقکم من طین ثم قضی أجلا .. ثم أنتم تمترون

از جمله <ثم أنتم تمترون>، که بیان استبعاد هر گونه تردید در یگانگی خداوند پس از توجه به مضامین صدر آیه است، چنین برمی آید که بعد از این توجه، علی القاعده نباید تردیدی در توحید و اعتقاد بدان وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۷

۷ توجه به حاکمیت مطلق خدا بر هستی، از میان برنده هر گونه

تردید نسبت به رسالت جهان شمول پیامبر (ص)

إني رسول الله إليكم جميعا الذي له ملك السموت و الأرض

بیان حاکمیت خدا بر هستی، پس از طرح مسأله رسالت پیامبر و جهان شمول بودن آن، در حقیقت استدلالی بر امکان آن رسالت است.

موانع شک به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۸

۸ - توجه به احاطه همه جانبه خداوند بر موجودات ، موجب از بین رفتن هر گونه تردید در مورد حقانیت رستاخیز است .

ألا إنهم في مريه من لقاء ربهم ألا إنه بكل شيء محيط

انکار قیامت و رستاخیز مردگان از سوی مشرکان، مبنی بر این پندار نادرست است که آنها جمع شدن اجزاء پراکنده و از بین رفته موجودات را بعید می دانستند. خداوند با بیان این حقیقت که او بر همه چیز احاطه دارد و هیچ چیز از حیثه علم و قدرت او ناپدید نمی شود، این پندار را ابطال می کند.

موانع شک به نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۸ - ۴

۴ - در صورتی که پیامبر (ص) دانش خواندن و نوشتن داشت ، باطل اندیشان ، درباره نبوت او ، به تردید می افتادند .

و ما كنت تتلوا من قبله .. إذا لآرتاب المبطلون

موانع شک در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۸

۸ - شناخت خداوند و افعال او ، زداینده شک و تردید در احکام و معارف نازل شده از سوی اوست

الحق من ربك فلاتكونن من الممترین

موانع شك در قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۴

۴ مشاهده خلقت نخستین موجودات و شك در قدرت خداوند برای آفرینش مجدد آنها، ناسازگار با یکدیگر

أفعمینا بالخلق الأول بل هم فی لبس من خلق جدید

از آیه شریفه، استفاده می شود که میان خلقت نخستین موجودات و اعاده آنها از نظر امکان، حکمی یکسان جاری است؛ اگر اولی ممکن شد دومی نیز ممکن است. حال ممکن شمردن یکی و محال شمردن دیگری، تناقض می باشد.

موانع شك در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۷ - ۴

۴ - شناخت حاکمیت مطلق خداوند بر هستی و توجه به آن، زداینده هرگونه شك و تردید درباره امکان معاد

لاریب فیہ و لكن أكثر الناس لا یعلمون . و لله ملک السموت و الأرض و یوم تقوم ال

تذکر به حاکمیت مطلق خداوند پس از بیان <أكثر الناس لا یعلمون> می تواند در مقام آگاه ساختن انسان و ارائه طریق درک حقیقت به او باشد.

ناپسندی شك به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۰

۱۰ تردید و شك در الهی و حق بودن قرآن، امری ناروا و خلاصی نفس از آن، ضروری و لازم است .

لقد جاءك الحق من ربك فلاتكونن من الممترین

ناپسندی شك در عدالت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۰ - ۴

۴ - ناروا بودن

تردید در عدالت خداوند نسبت به انسان ها

وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

این عبارت از آیه، مؤکد به دو تأکید است: <أَنَّ> و <بَاء> زاید. بنابراین معنای آن چنین می شود: خدا به بندگانش ستم نمی کند و هیچ کس نباید در این تردید کند.

ناپسندی شک در عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۴ - ۷

۷ - شک و دودلی مداوم در عقیده ، امر مطلوب و پسندیده ای نیست و پی آمد ناگواری دارد .

كما فعل بأشياءهم .. إنهم كانوا في شكٍّ مريب

شکاگان

شکاگان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۱

۱ سدکنندگان راه ارزش ها و تجاوزگران و شکاگان در حق ، محکوم به آتش دوزخ

ألقيا في جهنم كلَّ . . . مناع للخير معتد مريب

شکر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{شکر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۲ - ۹

۹ اطاعت از خدا و یاد و سپاسگزاری از او ، تقوای کامل و شایسته

اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ

يطاع فلا يعصى و يذكر فلا ينسى و يشكر فلا يكفر.

معانى الاخبار، ص ۲۴۰، ح ۱ نورالثقلين، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۲۹۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳

۱۳ پیکار اهل ایمان با دشمنان دین و پایداری در هنگامه های دشوار، سپاسگزاری از نعمت های الهی است .

و لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمُ الصَّابِرِينَ .. و سنجزى الشَّاكِرِينَ

جهاد برای سپاسگزاری از نعمت های الهی ، بدون چشمداشت پاداش در دنیا و آخرت از مقدسترین نوع جهاد و مبارزه

و لَمَّا يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا .. مِنْ يَرِدُ ثَوَابُ الدُّنْيَا ... ثَوَابُ الْآخِرَةِ ... وَس

از تعبیر <سنجزی> برای شاکران و تعبیر به <نؤته> برای خواستاران ثواب دنیا و آخرت به دست می آید که پاداش شاکران، جزای شکر آنان است نه اینکه مجرد اعطا باشد. اضافه بر این، کلمه <منها> دلالت می کند بر اینکه دو طایفه پیش تنها به برخی از خواسته خود دست می یابند، ولی شاکران جزای کامل دریافت می دارند.

۱۵ سپاسگزاری نعمت های الهی ، برانگیزنده آدمی به جهاد و انجام تکالیف دینی

و مِنْ يَرِدُ ثَوَابُ الدُّنْيَا .. وَ مِنْ يَرِدُ ثَوَابُ الْآخِرَةِ ... وَ سَنَجِزِي الشَّاكِرِينَ

به نظر می رسد خداوند مجاهدان را به سه دسته تقسیم کرده است و جمله <سنجزی الشاکرین>، بیانگر دسته سوم می باشد. یعنی آنان که نه ثواب دنیا انگیزه جهاد آنهاست و نه ثواب آخرت، بلکه انگیزه آنان از جهاد تنها سپاسگزاری است.

۱۶ سپاسگزاران نعمت های خداوند ، بهره مند از پاداش های مخصوص او

و مِنْ يَرِدُ ثَوَابُ الدُّنْيَا .. وَ مِنْ يَرِدُ ثَوَابُ الْآخِرَةِ ... وَ سَنَجِزِي الشَّاكِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۵

۱۵ یادآوری وضعیت نابهنجار (گمراهی آشکار) مردم پیش از بعثت ، برانگیزنده توجه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر (ص)

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ .. وَ انْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مَبِينٍ

جمله <ان كانوا ..>

< به منزله دلیل است برای بزرگی نعمت رسالت. یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (ص) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (ص) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

آثار ترك شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۲۲

۲۲ > عن علی بن الحسین (ع) يقول: الذنوب التي تغير النعم، البغی علی الناس و الزوال عن العاده فی الخیر، و اصطناع المعروف، و کفران النعم، و ترك الشکر. قال الله عزوجل: < إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم > . . . ;

از امام زین العابدین (ع) روایت شده است که می فرمود: گناهایی که موجب تغییر نعمتها می شوند عبارتند از: ستمگری بر مردم، دوری از عادت به کار خیر و از انتخاب کردار نیک، کفران نعمتها و ترك شکرگزاری. خداوند عزوجل فرموده: إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم > .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۲

۲ - ترك شکر نعمت، موجب مبعوض خدا شدن است .

قلیلاً ما تشکرون . و قالوا

التفات از خطاب به غیبت، احتمال دارد به منظور القای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - روی گردانی از شکر نعمت خدا، موجب از دست دادن آن نعمت است .

کلوا من رزق ربکم و اشکروا له .. فأعرضوا فأرسلنا

عليهم سيل العرم و بدلنهم بچ

آثار شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۲،۶

۲ ایمان به خدا و شکر نعمت های او ، موجب گرفتار نشدن انسان به عذاب دوزخ است .

ما يفعل الله بعذابكم إن شكرتم و ءامنتم

مراد از عذاب به قرینه آیه ۱۴۵ (فی الدرک الاسفل من النار)، آتش جهنم است.

۶ روحیه شکر و سپاسگزاری ، زمینه ساز ایمان به خداست . *

إن شكرتم و ءامنتم

تقدیم <شكرتم> بر <ءامنتم>، می تواند اشاره به این معنا باشد که شکر نعمت، مستلزم شناخت منعم (خداوند) است و نتیجه شناخت منعم، ایمان به اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۸

۱۸ - شکرگزاری و یا کفران انسان ، نمود پیروزی و یا شکست او در آزمون الهی

لیلونی ءأشکر أم أكفر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که سلیمان فرجام و نتیجه آزمون الهی را در دو بعد کلی <شکرگزاری یا کفران> مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۱،۱۲، ۸

۸ - فلسفه اعطای حکمت به لقمان ، شکرگزاری به درگاه خداوند بوده است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه أن اشکر لله

احتمال دارد که <أن>، مصدری و به تقدیر <لام> تعلیل باشد. در این صورت، عبارت چنین می شود: <و لقد آتینا لقمان
الحکمه للشکر لله>؛ ما به لقمان حکمت دادیم تا خدا را شکر کند.>

۱۱ - شکرگزاری به درگاه خدا، دارای منافع حتمی است که عاید خود شکرگزار می شود

و من یشکر فإِنَّمَا یشکر لنفسه

۱۲ - خداوند ، از شکر بندگان بی نیاز است .

و من یشکر فإِنَّمَا یشکر لنفسه و من کفر فإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۹،۱۰

۹ - تحمل کنندگان سختی های دریا و دارندگان روحیه شکر ، بهره مند از نشانه های خدا از آن

لیریکم من ءایته إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ

احتمال دارد <صَبَّارٍ> به قرینه آیه بعد، مربوط به صبر پیشه کردن در امواج و دلهره های دریا باشد.

۱۰ - برخورداری از روحیه شکر ، زمینه بهرهوری از آیات الهی است .

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۵

۵ - شکر و سپاس بندگان ، موجب جلب رضا و خوشنودی خداوند است .

وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۷،۹

۷ - ویژگی ها و خصایل اخلاقی (چون صبر و شکر) ، مؤثر در فهم معارف توحیدی

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ

با توجه به این که صبر و شکر از فضایل اخلاقی می باشد، از تعلیق فهم آیات الهی بر صبر و شکر استفاده می شود که ویژگی

های اخلاقی، دارای نقشی مهم و اساسی برای درک معارف است.

۹ - مطالعه در اسرار آفرینش، نیازمند صبر و شکیبایی و برخورداری از روحیه سپاس و قدردانی

و من ءایته .. إنّ فی ذلک لآیت لکلّ صَبّار شکور

جلد - نام سوره -

۲۶- روحیه شکرگزاری به درگاه خداوند، اساس گرایش انسان به عمل صالح و جلب رضای الهی *

قال ربّ أوزعنی أن أشکر .. و أن أعمل صلحًا ترضیه

از تقدم شکر بر عمل صالح، مطلب یاد شده استفاده می شود.

۲۷- شکر نعمت های الهی، نمود بارز عمل صالح و زمینه رضایت او *

أن أشکر .. و أن أعمل صلحًا ترضیه

بنابراین که عطف <و أن أعمل> بر <أن أشکر> تفسیری باشد؛ اختصاص به ذکر یافتن شکر و سپاس از میان تمامی اعمال صالح، نمایانگر اهمیت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- احسان به والدین، روحیه شکر، توبه، صلاح جویی و تسلیم، شرط پذیرش تمام اعمال نیک انسان به درگاه خدا

أولئک الذین نتقبل عنهم أحسن ما عملوا

مراد از <أحسن..> می تواند اعمال واجب و مستحب در قبال اعمال مباح باشد. که در این صورت از ارتباط دو آیه استفاده می شود که اگر کسی از روحيات یاد شده برخوردار بود اعمال نیک او (واجب و مستحب) پذیرفته می شود.

۶- خردمندان روی آورده به خدا، با روحیه شکر، توبه و تسلیم، در زمره بهشتیان

و بلغ أربعين سنة قال ربّ أوزعنی .. إني تبت ... نتجاوز عن سيئاتهم في أصحاب ال

مرجع ضمير <سيئاتهم> کسانی است که به سن رشد و کمال رسیده و به نیایش پرداخته و بر توبه و تسلیم خویش تأکید میورزند.

۷- احسان به والدین، روحیه شکر

و صلاح جویی برای خود و آیندگان ، مؤثر در شمول عفو الهی نسبت به انسان

و وصینا الإنسن .. اوزعنی أن أشکر ... و أن أعمل صلحًا ترضیه و أصلح لی فی ذرّ

آنچه در آیه قبل به عنوان احسان به والدین و .. یاد شده است؛ در حقیقت عامل اصلی برای اغماض خداوند از سیئات انسان می باشد. واژه <أولئک> این ارتباط تنگاتنگ را برقرار کرده است.

آثار شکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۲ - ۱۱

۱۱ - سپاسگزاری به درگاه الهی ، نشانه بندگی و توحید در عبادت و اطاعت خداوند است .

و اشکروا لله إن کنتم إیاه تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۹،۱۰

۹ - اعطای اجر کامل و بیش از استحقاق به عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان ، برخاسته از صفت آمرزندگی و سپاس گزاری خداوند است .

لیوفیهم أجورهم و یزیدهم من فضله إنّه غفور شکور

جمله <إنّه غفور شکور> در مقام تعلیل برای <لیوفیهم..> است؛ یعنی، چون خداوند نسبت به بندگانش غفور و شکور است، به آنان پاداش کامل و بیش از استحقاق می هد.

۱۰ - آمرزندگی و سپاس گزاری خداوند نسبت به بندگانش ، مقتضی امیدواری به فضل و احسان او است .

یرجون تجره لن تبور . لیوفیهم أجورهم ... إنّه غفور شکور

آثار شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۵

و شکرگزاری در مقابل نعمت های الهی ، مایه رشد معرفت آدمی و درک بهتر آیات و نشانه های خدا

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۵، ۳، ۲، ۱

۱- پیامبر (ص) موظف به یادآوری اعلام الهی به مردم به اینکه: هر کس سپاسگزار باشد، قطعاً نعمتش فزونی می یابد و هر کس کفران نماید، دچار عذاب شدید می گردد.

و إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

<و إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ> عطف بر <إِذْ قَالَ> است که در آن <اذکر> در تقدیر است و مخاطب پیامبر اکرم (ص) می باشد.

۲- موسی (ع) از قوم خود خواست تا به یاد فرمان و توصیه خداوند باشند که هر کس شکرگزاری نماید خداوند نعمتش را افزون می کند و هر کس کفران نماید دچار عذاب شدید خواهد شد.

اذكروا نعمه الله عليكم .. و إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ

این برداشت مبتنی بر این نکته است که <إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ> مقول قول موسی (ع) و عطف به <اذكروا نعمه الله> باشد.

۳- افزایش نعمت در صورت شکرگزاری و تهدید به عذاب در صورت کفران نعمت ، مقتضای ربوبیت الهی

و إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

۵- شکر نعمت رهایی از نظام ظالمانه ، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن ، مایه از دست رفتنش می شود .

إِذْ أَنْجَمْنَاكَ مِنَ الْإِنسَانِ أَنْتَ أَكْبَرُ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۳

۱۳- ناسپاسی نعمت ها ، موجب سلب آنها و شکرگزاری ، عامل بقای آنهاست .

قریه كانت ءامنه مطمئنه .. فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

از مفهوم آیه استفاده می شود که اگر آنان ناسپاسی انجام نمی گرفت، نعمتها سلب نمی شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۶

۶- شکر نعمت ، موجب افزونی نعمت های دنیوی است .

شاکراً لأنعمه .. و ءاتينه في الدنيا حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۷

۷ - حفظ امانت و سپاس نعمت ، عامل دستیابی به محبت خدا

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كَلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۰

۲۰ - بازتاب سپاسگزاری و کفران انسان در برابر نعمت های خدا ، تنها متوجه خود او است .

و من شکر فإئما يشکر لنفسه و من کفر فإنّ ربّی غنیّ کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۶

۱۶ - استفاده از آیات الهی برای کسانی میسر است که از روحیه شکرگزاری برخوردار باشند .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ شَكُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و

نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِّنْهُمْ .. نعمه من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۵

۵ - سپاسگزاری از خداوند در برابر نعمت کوثر، وادار سازنده پیامبر (ص) به نماز و اخلاص در آن

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ . فَصَلِّ لِرَبِّكَ

حرف <فاء> در <فصل>، لزوم نماز را بر آیه قبل تفریح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۲

۱۲ سپاسگزاری و شکر نعمت های الهی، موجب رؤسفیدی در قیامت *

و اذکروا نعمت اللّٰه .. یوم تبيضّ وجوه

روسفاهی در قیامت، ناشی از کفران نعمت است بنابراین، سفیدروی ناشی از سپاسگزاری است.

ارزش شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ شکر، معیار ارزشمندی انسان نزد خداوند است.

لیقولوا أهؤلاء منّ اللّٰه علیهم من بیننا ألیس اللّٰه بأعلم بالشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ شکرگزاری انسان به درگاه خدا، ارزشی والا در بینش الهی

و اذكروا إذ أنتم قليل .. فاويكم ... لعلكم تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۵ - ۱۶

۱۶- صبرپيشگی و شکرگزارى ، داراى ارزشى والا و صبرپيشگان و شکرگزاران ، مردمانى برجسته و نخبه

إن فى ذلك لأيت لكل صبار شكور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۱۰

۱۰- عبودیت و شکرگزارى به درگاه خداوند ،

از اهمیت و ارزش والایی برخوردار است .

إِنَّه كَانَ عَبْدًا شَكُورًا

آیه فوق که در مقام توصیف حضرت نوح(ع) است تنها به دو صفت یاد شده اکتفا کرده است؛ این بیانگر اهمیت و ارزش والای آن دو صفت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - روحیه بردباری و سپاسگزاری دائم از خدا ، روحیه ای ارزش مند و ستودنی است .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

ارزش شکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ - شکرگزاری زیاد به درگاه خداوند ، امری پسندیده و ارزشمند است .

و قَلِيلٍ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ

اعراض از شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۱

۱ - مردم سبأ ، از مأموریت شکرگزاری به درگاه خداوند روی برگرداندند .

كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ .. فَأَعْرَضُوا

اهمیت شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۹

۹ سپاسگزاری در برابر رزق و فضل خداوند ، امری لازم و ضروری است .

إن الله لذو فضل على الناس و لكن أكثرهم لایشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹ - ۷

۷ انسان ، باید همواره و در همه حال (فقر ، غنا و ...) سپاسگزار خداوند باشد .

و لئن أذقنا الإنسن منا رحمه .. إنه لیئوس کفور

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۱۰

۱۰- عبودیت و شکرگزاری به درگاه خداوند ، از اهمیت و ارزش والایی برخوردار است .

إنه كان عبدًا شكورًا

آیه فوق که در مقام توصیف حضرت نوح(ع) است تنها به دو صفت یاد شده اکتفا کرده است؛ این بیانگر اهمیت و ارزش والای آن دو صفت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۷

۷- تشکر و سپاسگزاری از کار نیک ، شیوه ای الهی است .

و من أراد الآخره .. فأولئك كان سعيهم مشكورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۷

۱۷ - شکر و سپاس گذاری به درگاه خداوند ، فلسفه تشریح قربانی

و البدن جعلنها لكم من شعئر الله .. لعلكم تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۸

۸ - لزوم شکر و سپاس در برابر رحمت و فضل الهی

و إن ربك لذو فضل .. و لكن أكثرهم لا يشكرون

ملامت ناسپاسان از سوی خداوند، نشانگر آن است که پروردگار، از انسان ها خواهان شکر و سپاس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- رهنمود الهی به لقمان ، برای شکرگزاری به درگاه خداوند

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه أن اشکر لله

۱۰- شکرگزاری ، به درگاه خداوند ، امری بایسته و بس مهم است .

أن اشکر لله

تفسیر <حکمت> به <شکر> و نیز تعلیل آوردن برای فرمان شکر، به جهت تشویق

مخاطب به انجام دادن آن، حاکی از اهمیت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - خداوند ، خواهان شکرگزاری اختیاری انسان ها در برابر نعمت های او

سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ .. و لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

تعبیر <لعلّ> از سوی خداوند، بیانگر تردید او نیست؛ بلکه پیامدار این معنا است که آدمیان با مشاهده نعمت های خداوند، زمینه شکرگزاری را پیدا می کنند و البته ممکن است در این راه گام بگذارند و یا راه ناسپاسی را پیشه کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲۰

۲۰- انسان ، موظف به سپاس گذاری در برابر خدا ، به خاطر نعمت های عطا شده به او و پدر و مادرش

إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ .. قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَلَدِي

اهمیت شکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۶

۶ - لزوم سپاسگزاری به درگاه خداوند

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۳

۳ - ضرورت شکرگزاری به درگاه خداوند

واشكروا لي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۲ - ۸،۹

۸ - ضرورت سپاسگزاری به درگاه خدا و شکر نعمت های او

و اشکروالله

۹ - لزوم شکرگزاری به درگاه خدا پس از تناول غذا و استفاده از مواهب الهی

كلوا من طيبات ما رزقنكم و اشکروالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱

۳۲ - ضرورت سپاسگزاری به درگاه خداوند

و لعلکم تشکرون

۳۴ - لزوم سپاسگزاری به درگاه خدا، به خاطر جعل نکردن احکام دشوار و مشقت بار برای انسانها

یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر... و لعلکم تشکرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <لعلکم...> بیان غایت و غرض برای جمله <یرید الله...> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۹

۹ لزوم شکر و سپاسگزاری به درگاه خدا، در برابر نعمت آسایش و رفاه و رفع گرفتاریها

فلما کشفنا عنه ضرّه مَرَّ کَأَن لَّمْ یَدْعُنَا إِلَىٰ ضَرِّ مَسّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - هدف از آفرینش انسان و اعطای نعمت (قوای ادراکی و...) به او، شناخت خداوند و شکر اوست.

و الله أخرجکم من بطون... و جعل لکم السمع... لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۵

۵ - لزوم حمد و ستایش خدا و سپاس گزاری به درگاه او، پس از رهایی از مشکلات

فإذا استویت... فقل الحمد لله الذی نجّنا من القوم الظلمین

با توجه به این که ستایش خدا، پس از رهایی از مشکلات، به منظور سپاس گزاری به درگاه او انجام می گیرد، گفتن <الحمد لله> (ستایش از آن خدا است) دربردارنده شکر و سپاس گزاری نیز می باشد.

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۳

۳ - لزوم سپاس‌گزاری به درگاه خداوند، در رفع گرفتاری‌ها و برطرف شدن مشکلات

و لو رحمٰنهم و کشفنا ما بهم من ضرّ للّجوا

چنان‌که در توضیح پیشین اشاره شد، جمله <للّجوا> به تقدیر <للّجوا مکان الشکر> می‌باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۶

۱۶ - تشکر از والدین و رعایت حقوق آنها، نباید انسان را از شکرگزاری به درگاه خداوند، باز دارد.

آن اشکرلی و لولدیک

از این‌که در میان توصیه به رعایت حال و حقوق والدین و تشکر و قدردانی از آنها، یادآوری می‌کند که <مرا سپاس بگوید!>، احتمال دارد برای توجه دادن به نکته بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱۴، ۱۵

۱۴ - آل داوود موظف به شکرگزاری به درگاه خداوند

اعملوا ءال داود شکرًا

بنابراین که <شکرًا> مفعول به <اعملوا> باشد، <اعملوا> متضمن معنای <اشکروا> خواهد بود.

۱۵ - سلیمان (ع)، موظف به انجام عمل صالح به منظور شکرگزاری به درگاه خداوند

و لسلیمن الریح .. عملوا ءال داود شکرًا

این‌که پس از طرح قصه سلیمان(ع) و ذکر فضیلتی که خداوند به او داده بود، خطاب <آل داود> آورده شده احتمال دارد به این منظور باشد که سلیمان(ع) را به عنوان عضوی از خاندان داوود(ع)، موظف به انجام عمل صالح کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - توصیه خداوند به پیامبران و رسول اکرم)

ص) ، درباره شکر و سپاس گذاری او

و کن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۹

۱۹ - لزوم شکر و سپاس خداوند ، در خوشی ها و ناملايمات زندگي

و إنا إذا أذقنا .. فإنّ الإنسان كفور

اهمیت شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۵

۱۵ - سپاسگزاری از خداوند در برابر نعمت های او ، وظیفه ای است بر عهده بندگان

و ما ظلمونا و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۳۴

۳۴ لزوم شکرگزاری در برابر نعمت های الهی

ولیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۶،۷

۶ لزوم شکرگزاری در برابر نعمتهای الهی

و لقد مکنکم فی الأرض .. قليلا ما تشکرون

۷ وجود وسائل معیشت در زمین، نعمتی بزرگ برای انسانها و بایسته سپاسگزاری است.

و لقد مكنكم فى الأرض .. قليلا ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۷

۷ لزوم سپاسگزاری در برابر نعمت های خدا با پرستش او

أغیر الله أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۱۵

۱۵ لزوم سپاسگزاری در برابر نعمت های خدا

و کن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - یونس - ۱۰

۹ لزوم شکر و سپاسگزاری به درگاه خدا ، در برابر نعمت آسایش و رفاه و رفع گرفتاریها

فلما كشفنا عنه ضره مر كأن لم يدعنا إلى ضره مشه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۵

۵ شکر و سپاسگزاری در برابر نعمت های خداوند ، امری شایسته و لازم

و إذا أذقنا الناس رحمه .. إذا لهم مكر في آياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۴

۲۴ لزوم سپاسگزاری در برابر تفضلات الهی

ذلك من فضل الله .. ولكن أكثر الناس لا يشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۸،۱۷

۸- میوه ها و نباتات تأمین رزق و روزی انسان ، نمودی از نعمت و لطف الهی بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذي خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن، تشویق کننده بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله <إن الاءنسان لظلوم كفّار> در دو آیه بعد (آیه ۳۴) مؤید برداشت فوق است.

۱۷- مسخر و رام بودن نهر ها و رود ها ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

و سخر لكم الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۵

۵- رام بودن خورشید ، ماه و شب و روز

برای انسان ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذی خلق .. و سَخَّرَ لَکُمُ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دَائِبَیْنِ وَ سَخَّرَ لَکُمُ اللَّیْلَ وَ النَّهَارَ

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن مشوق بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله <إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ> در آیه بعد مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۵

۱۵- شکر و سپاس در برابر نعمت های الهی لازم است .

وَ إِنْ تَعَدَّوْا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ

جمله <إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ> در مقام بیان زشتی ستم و ناسپاسی نعمتهای الهی است، و این می رساند که شکر و سپاس در برابر نعمتهای الهی، امری لازم است؛ زیرا اگر لازم نبود، ترک آن زشت و ناپسند نمی نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۱۶، ۱۷

۱۶- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند توفیق یافتن مردم و ذریه اش برای شکر نعمت های الهی را خواستار گردید .

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي .. فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ ... وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُ

۱۷- شکر و سپاس خداوند هدف و مقصد نعمت ها و موهبت های الهی است .

وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۷

۷- وجود فرزند ، نعمت الهی و شایسته حمد و سپاس است .

الحمد لله الذی وهب لی علی

الکبر إسمعیل و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۱۳

۱۳- لزوم شکرگزاری در برابر نعمت های الهی

و لعلکم تشکرون

از آن جایی که خداوند فلسفه ذکر چندین نعمت خویش را ایجاد زمینه شکرگزاری در انسانها بیان می کند، به دست می آید که شکرگزاری امری بایسته و لازم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۸ - ۳

۳- تلاش برای ادای حق نعمت های خداوند ، امری شایسته و بایسته است .

و إن تعدّوا نعمه الله لاتحصوها إن الله لغفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۹

۹- شکر نعمت های خداوند ، امری لازم و بایسته

و جعل لکم .. لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰- لزوم شکرگزاری در برابر نعمت های الهی

فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- لزوم شکرگزاری انسان ، در قبال بهره‌وری از روزی های حلال و دلپذیر الهی

فكلوا ممّا رزقكم الله حلالاً طیباً و اشكروا نعمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۵

۱۵ - لزوم شکر و سپاس‌گزاری در برابر نعمت های خداوند

كذلك سخرنها لكم لعلكم تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - لزوم شکر و

سپاس گزاری به درگاه خداوند ، در برابر استفاده از نعمت های او

كلوا من الطَّيِّبِ و اعملوا صلحًا

چنان چه <طَّيِّبَات> به معنای غذاهای پاکیزه و لذیذ باشد، دستور بعدی (واعملوا صالحاً) بدان معنا خواهد بود که باید به پاس آن نعمت ها کار شایسته انجام دهید. و اگر به معنای <غذاهای حلال>، باشد تقدیم آن بر عمل صالح، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که تغذیه حلال، زمینه ساز عمل صالح است. برداشت فوق، براساس معنای اول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۸

۸ شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، از نعمت های الهی و شایسته سپاس و تشکر

و هو الذی جعل الَّیْلَ .. لمن أراد أن یدَّکر أو أراد شکورًا

یادآوری سپاس گزاری انسان پس از بیان آفرینش شب و روز برای آدمی، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۷

۷- لزوم سپاس گزاری به درگاه خدا به خاطر نعمت هایش

ربِّ أوزعنی أن أشکر نعمتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۸

۸- لزوم ادای شکر به درگاه خداوند ، به پاس برقرار کردن نظام شب و روز برای منافع انسان ها

جعل لکم الَّیْلَ و النهار .. و لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۲

۲- شکر نعمت های خداوند ، امری بایسته و لازم است .

هم یشرکون . لیکفروا بما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۵

۵ - شکرگزاری به درگاه خداوند به خاطر اعطای نعمت ، امری بایسته و لازم

كلوا من رزق ربكم و اشكروا له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۸ - ۹

۹ - وجود امنیت در راه ها ، نعمتی شایسته شکرگزاری

لقد كان لسيا في مسكنهم آيه . . . و اشكروا له ... و جعلنا بينهم ... سيروا فيها ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - لزوم شکرگزاری در برابر نعمت های الهی

و لعلکم تشکرون

از این که خداوند فلسفه ذکر چند نعمت اعطایی خود را، شکرگزاری بندگان دانسته است، به دست می آید که شکرگزاری بایسته و لازم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۷

۷ - لزوم شکر و سپاسگزاری در برابر نعمت های فراوان خداوند ، امری روشن و بدیهی است .

أفلايشکرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شگفتی از ناسپاسی انسان ها در برابر نعمت های الهی، نشانگر بدیهی بودن زشتی ناسپاسی و لزوم شکرگزاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۶

۶ - شکر و سپاس گزاری در خور شأن بندگان ، و کفر و ناسپاسی دور از شأن آنان است .

و لایرضی لعباده الکفر و إن تشکروا یرضه لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن -

۶ - سپاس نعمت های الهی و اعتراف به آن ، تکلیفی بس مهم و انکار و ناسپاسی آن ، گناهی بس عظیم

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

از ده ها بار تکرار <فَبَأَيِّ آءِآءِ..> در این سوره، می توان برداشت بالا را استفاده کرد.

ایجاد روحیه شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۳ - ۷

۷ - صبر و نماز دو عامل کارساز برای ایجاد روحیه سپاسگزاری به درگاه خدا و دوری از کفرورزی به او *

وَ اشْكُرُوا لِي وَ لا تَكْفُرُوا. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلٰوةِ

ایجاد زمینه شکر در برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۶

۶ یوسف (ع) با باز گرداندن مال التجاره فرزندان یعقوب ، درصدد بود در آنان احساس حق شناسی و سپاس گزاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم یعرفونها .. لعلمهم یرجعون

برداشت فوق ، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

بهترین شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۷

۷ توحید و یگانه پرستی، عالیتین جلوه شکرگزاری به درگاه خداوند است.

لئن أنجنا لنكونن من الشكرين ... قل الله ينجيكم ... ثم أنتم تشركون

تداوم شكر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۹ - ۷

۷ انسان ، بايد همواره و در همه حال (فقر ، غنا و .

.. (سپاسگزار خداوند باشد .

و لئن أذقنا الإنسان منا رحمه .. إنه ليؤس كفور

تشویق به شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - نعمت بهرهوری از دریا ، موهبتی الهی برای انسان و مشوق او برای شکر و سپاس به درگاه حق

سَخَّرَ لَكُمْ ... و لعلکم تشکرون

<لعلکم> عطف بر <لتجری> است و همان گونه که <لتجری> و <لتبتغوا> غایت فعل <سَخَّرَ> به شمار می آیند؛ <لعلکم> نیز معنای غایت را افاده می کند.

تشویق به شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۱۰

۱۰- بیان تسخیر دریا از سوی خداوند و نعمت های فراوان آن برای ترغیب انسان به شکرگزاری است .

سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ ... و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون

تعلیم شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۹

۹ - تعلیم شیوه شکر و سپاس گزاری هنگام تسلط بر موهبت های طبیعی ، از سوی خداوند

ثم تذکروا نعمه ربکم ... و تقولوا سبحن الذی سَخَّرَ لنا هذا

توصیه به شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - سپاس‌گزاری بدرگاه خداوند و یادکرد عظمت و کبریایی او ، از کارهای نیک و مورد توصیه خداوند .

لتكبروا لله... و بشر المحسنين

توصیه به شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ -

۱۳ - استفاده از نعمت های الهی ، سپاس گزاری از خدا و انجام اعمال شایسته ، رسم و راه زندگی ترسیم شده از سوی خدا برای یکایک پیامبران و همه مؤمنان

يَأْتِيهَا الرِّسْلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا

توفیق شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۵

۵ - دعای سلیمان در طلب توفیق از پروردگار برای شکر نعمت هایش (نعمت دانش و قدرت)

و لقد آتينا داود و سليمان علمًا. .. و قال ربّ أوزعني أن أشكر نعمتك

<إيزاع> (مصدر <أوزع>) مرادف <الهام> است ؛ یعنی، پروردگارا در دلم افکن تا شکر نعمت را به جا آورم.

حقیقت شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱۲

۱۲- > عن أبي عبد الله (ع) قال: فيما أوحى الله عزّوجلّ إلى موسى (ع) يا موسى اشكرني حق شكري فقال: يا ربّ و كيف أشكرك حق شكرك و ليس من شكر أشكرك به إلّا و أنت أنعمت به عليّ؟ قال: يا موسى الآن شكرتني حين علمت أن ذلك منّي ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای عزّوجلّ به موسی (ع) وحی کرد که ای موسی! شکر مرا به جای آر، آن گونه که حق شکر مرا ادا کنی. موسی(ع) گفت: چگونه شکر تو را بگویم که آن حق شکر تو باشد و هیچ شکری نیست که با آن تو را شکر کنم، مگر آنکه آن شکر، خود باز نعمتی است که به من داده ای. خداوند فرمود:

اکنون که دانستی که این (نعمت شکرگزاری) از من است شکر مرا به جا آوردی.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۶

۶- شکر ، عصاره ایمان و روح بندگی انسان به درگاه خداوند

كذلك نجزي من شکر

از این که به جای هر وصف دیگری برای خاندان مؤمن لوط، وصف شکرگزاری آورده شده، می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

دعوت به شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۹، ۱۲

۱۲ - دعوت ابراهیم (ع) از قوم اش به سپاسگزاری به درگاه خداوند

و ابرهيم إذ قال لقومه .. و اشكروا له

۱۹ - نفی بت پرستی ، توحید عبادی ، توحید افعالی ، شکر پروردگار ، عقیده به معاد ، بازگشت نهایی انسان ها به سوی خدا ، از تعالیم حضرت ابراهیم (ع)

و ابرهيم إذ قال لقومه .. إنّما تعبدون من دون الله أوتنا ... فابتغوا عند الله

دعوت به شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۳

۱۳- خداوند ، مردم عصر داوود (ع) را به شکرگزاری در برابر اعطای نعمت اسلحه سازی به ایشان ، فرا خواند .

و علمنه صنعه لبوس لكم .. فهل أنتم شكرون

استفهام در جمله <فهل أنتم شاکرون>، متضمن معنای امر است.

زمینه شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۶

۶ - زنده شدن دوباره هلاک شدگان بنی اسرائیل ، زمینه ساز به وجود آمدن

روحیه سپاسگزاری و رسیدن آنان به مقام شاکران بود .

ثم بعثنکم .. لعلکم تشکرون

کلمه <لعل> در جمله <لعلکم تشکرون> (باشد که سپاسگزاری کنید) علاوه بر بیان هدف از زنده کردن صاعقه زدگان بنی اسرائیل، دلالت بر این معنا نیز دارد که: زنده شدن دوباره آنان موجب شکرگزاری نمی شد؛ بلکه زمینه شکرگزاری و روحیه سپاسگزاری را در آنان فراهم می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۱۲

۱۲- توجه به دریا و نعمت های آن ، علاوه بر ایجاد زمینه خداشناسی ، در پی دارنده شکر به درگاه خداست .

سخر البحر .. و لعلکم تشکرون

جمله <و لعلکم تشکرون> عطف به جمله محذوفی همانند <و لعلکم تعرفونه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۸

۸- توجه به اهمیت شنوایی ، بینایی و ادراک ، مستلزم سپاسگزاری انسان از خداوند

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۷

۷ آفرینش شب و روز ، تنها برای انسان های برخوردار از روح سپاس گزاری ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الیل .. لمن أراد أن یدکر أو أراد شکورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۹

۹ - شکرگزاری و بندگی به درگاه خدا ، نیازمند امداد الهی

رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ -

۲۰ - توجه به بازگشت انسان ها به خدا ، برانگیزاننده آنان به توحید عبادی و شکر به درگاه خدا است .

و اعبدوه و اشکروا له إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ - نعمت های الهی برای آدمیان ، شایان شکر و قدردانی انسان است ؛ نه کفر و ناسپاسی او .

كفروا بایت ربهم .. سخر لكم البحر ... و لعلکم تشکرون

خداوند، پس از این که در آیه قبل کافران را توبیخ کرده است، در این آیه نعمت خویش را یادآور شده و به انسان تذکر داده است که نعمت های الهی شایان شکر است و نه کفر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳۷

۳۷- روحیه شکر و صلاح جویی ، نمود توبه و تسلیم در برابر پروردگار *

قال ربّ أوزعنی أن أشکر .. إئی تبت إلیک و إئی من المسلمین

بیان تعلیل گونه <إئی تبت..> آن هم به صورت فعل ماضی نشان می دهد که اساس گرایش فرد به شکر و صلاح، داشتن پیش زمینه توبه و تسلیم است.

زمینه شکر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۸

۸ - ایجاد زمینه های سپاسگزاری در بنی اسرائیل ، از هدف های آموزش گناه ارتداد ایشان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١ - بقره - ٢ - ٥٦ - ٦

٦ - زنده شدن دوباره هلاک

شدگان بنی اسرائیل، زمینه ساز به وجود آمدن روحیه سپاسگزاری و رسیدن آنان به مقام شاکران بود.

ثم بعثکم .. لعلکم تشکرون

کلمه <لعل> در جمله <لعلکم تشکرون> (باشد که سپاسگزاری کنید) علاوه بر بیان هدف از زنده کردن صاعقه زدگان بنی اسرائیل، دلالت بر این معنا نیز دارد که: زنده شدن دوباره آنان موجب شکرگزاری نمی شد؛ بلکه زمینه شکرگزاری و روحیه سپاسگزاری را در آنان فراهم می کرد.

زمینه شکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۳۳

۳۳ - روزه گرفتن، زمینه ساز سپاسگزاری به درگاه خداست.

و لعلکم تشکرون

<لعلکم تشکرون> نیز همانند <لتکبروا ..> بیان علت و غرض، برای تشریح روزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۳۵، ۳۶

۳۵ انجام تکالیف الهی، زمینه ساز سپاسگزاری خداوند

لعلکم تشکرون

در برداشت فوق <لعلکم تشکرون>، علت و غایت برای <فاغسلوا .. فاطهروا ... فتمموا>، که از احکام الهی هستند، گرفته شده است.

۳۶ طهارت انسان و اتمام نعمت الهی بر او، زمینه ساز سپاسگزاری از خداوند

و لکن یرید لیطهرکم ولیم نعمته علیکم لعلکم تشکرون

در برداشت فوق <لعلکم>، غایت و تعلیل برای <لیطهرکم> و <لیم> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - خداترسی ، تلاوت قرآن ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از اسباب آمرزش گناهان و دریافت افتخار سپاس
گزاری خداوند

إنّما يخشى الله من عباده العلماء .. إنّ الذين يتلون

کتاب الله ... و یزیدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۳

۳- توحید و یکتاپرستی ، نشانه شناخت درست خداوند و قدرشناسی او است .

بل الله فاعبد .. و ما قدروا الله حق قدره

زمینه شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ توجه به بحران های گذشته و برطرف شدن آن ، در پرتو امداد های الهی ، زمینه ساز گرایش به شکرگزاری خداوند در برابر نعمت های او

و اذکروا إذ أنتم قلیل .. فاویکم ... لعلکم تشکرون

<لعل> متعلق به <اذکروا> است و بیانگر هدف از ضرورت به یاد داشتن مطالبی است که در آیه مطرح شد. از جمله مقایسه دو حالت قبل از هجرت و بعد از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۳

۱۳- توجه به نعمت ، مستلزم سپاسگزاری از نعمت دهنده است .

أفبالبطل یؤمنون و بنعمت الله هم یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۵

۵- برخورداری از نعمت ها ، مقتضی توجه انسان به نعمت آفرین و شکر و سپاس اوست نه روی برتافتن از او .

و إذا أنعمنا علی الإنسان أعرض و ننا بجانیه

توصیف حالات انسان به هنگام برخورداری از نعمتهای الهی، دارای لحنی آمیخته به نکوهش است چنین بیانی صرفاً برای گزارش نیست و بلکه ترغیب انسانها به ادای حق منعم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - توجه به تأمین مواد غذایی انسان از سوی خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت و وادارسازنده او به شکرگزاری است .

ما أكفروه .. فلینظر الإنسن إلی طعامه

چنانچه < کفر > در < ما أكفروه > به معنای کفران نعمت باشد، ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

زمینه های شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۱۴

۱۴ پروا پیشگی و خداترسی ، زمینه نیل به سپاسگزاری از نعمت های الهی

فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكِرُونَ

شکر آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۳

۱۳ آدم (ع) و حوا در پیشگاه خداوند ملتمز شدند که در صورت دارا شدن فرزندی سالم و شایسته همواره از سپاسگزاران وی باشند .

دَعُوا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ ءَاتَيْنَا صَٰلِحًا لَّنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

شکر احسان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۷

۱۷ - لزوم احسان و بخشش مال به دیگران ، به پاس بذل و بخشش آن از سوی خداوند به انسان

و أحسن كما أحسن الله إليك

شکر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۹

۹ بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده مواهب آن ، خداوند را به خاطر هدایت شدن و نیشان به بهشت ، سپاس می گویند .

و قالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا

شکر حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۳

۱۳ آدم (ع) و حوا در پیشگاه خداوند ملتمز شدند که در صورت دارا شدن فرزندی سالم و شایسته همواره از سپاسگزاران وی باشند .

دعوا الله ربهما لئن آتيتنا صلحاً لنكونن من الشكرين

شکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۱۵

۱۵ شکر و سپاسگزاری ، وظیفه انسان ها در برابر تفضلات الهی

ان الله لذو فضل على الناس و لكن اكثر الناس لا يشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۷،۹

۷ ایمان به خداوند ، بارزترین نمود شکر و سپاس انسان به درگاه اوست .

إن شكرتم وءامنتم

جمله <ءامنتم> پس از <شكرتم>، می تواند بیان شکر و تعیین بارزترین و مهمترین مصداق آن باشد.

۹ مؤمنانِ سپاسگزار در برابر نعمت های خداوند ، بهره مند از پاداش های اویند .

إن شكرتم وءامنتم و كان الله شاكراً عليماً

شکر خداوند در حقیقت پاداش و ثواب اوست به بندگان. و این پاداش در مقابل همان سپاسگزاری و ایمان بندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۵،۹

۵ انسانها موظف به سپاسگزاری از خداوند هستند.

و لاتجد اکثرهم شکرین

تأکید فراوان ابلیس بر اغواگری انسانها و سپس بیان ناسپاسی آنها به عنوان دستاورد تلاش خویش، بیانگر اهمیت ویژه سپاسگزاری در برابر خداوند است.

۹ تنها گروهی از انسانها سپاسگزار خداوند بوده و از تزویر و فریب ابلیس رهایی می یابند.

و لاتجد اکثرهم شکرین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - دعوت ابراهیم (ع) از قوم اش به سپاسگزاری به درگاه خداوند

و ابرهیم إذ قال لقومه .. و اشکروا له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۱۶

۱۶ - شکر و سپاس گزاری از خداوند ، هدف آفرینش پدیده های طبیعی است .

و من ءایته أن یرسل الریاح .. و لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۷۸

۷ - شکر گزاری به درگاه خداوند ، اصلی از اصول حکمت است .

ءاتینا لقمن الحکمه أن اشکر لله

<أن> در <أن اشکر> تفسیری بوده و حکمت را تفسیر کرده است.

۸ - فلسفه اعطای حکمت به لقمان ، شکر گزاری به درگاه خداوند بوده است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه أن اشکر لله

احتمال دارد که <أن>، مصدری و به تقدیر <لام> تعلیل باشد. در این صورت، عبارت چنین می شود: <و لقد آتینا لقمان

الحکمه للشکر لله>؛ ما به لقمان حکمت دادیم تا خدا را شکر کند.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، فراخوان انسان هابه سپاسگزاری در برابرش و تشکر از والدین

أن اشكرلى و لولديك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - آل داوود ، موظف به انجام عمل صالح به منظور ادای شکر به درگاه خداوند

اعملوا ءال داود شكرًا

<اعملوا> مقول قول محذوف است و مفعول <اعملوا>

چیزی همانند <عملاً صالحاً> محذوف بوده و <شکراً> مفعول له آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۳،۵

۳ - مردم سبأ ، مجاز به استفاده از نعمت های خدادادی و موظف به شکر به درگاه او

كلوا من رزق ربكم و اشكروا له

۵ - شکرگزاری به درگاه خداوند به خاطر اعطای نعمت ، امری بایسته و لازم

كلوا من رزق ربكم و اشكروا له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۸

۸ - عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان ، برخوردار از آموزش و دارنده نشان سپاس
گزارى خداوند

إنما يخشى الله من عباده العلماء . . . إن الذين يتلون كتب الله ... إنه غفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۴ - ۱،۹

۱ - سپاسگزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر برداشتن حزن و اندوه از ایشان

و قالوا الحمد لله الذى اذهب عنا الحزن

۹ - سپاس گزارى بهشتیان از خداوند ، به خاطر آمرزش خطا های آنان و قدردانی از کار های نیکشان

و قالوا الحمد لله . . . إن ربنا لغفور شكور

جمله <إن ربنا لغفور شكور> بیان دیگری از فلسفه سپاس گزارى از خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سپاس گزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر وارد کردن آنان به سرای همیشگی

الحمد لله .. الذی أحلنا دار المقامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- طور - ۵۲ - ۲۷ - ۷

۷- سپاس گزاری متقین از خداوند ، به خاطر رهایی شان از عذاب باد های سوزان و کشنده دوزخ

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ

شکر در بی نیازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۹ - ۷

۷ انسان ، باید همواره و در همه حال (فقر ، غنا و ...) سپاسگزار خداوند باشد .

و لئن أذقنا الإنسنا منا رحمة .. إئنه لیئوس کفور

شکر در رفاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۹

۹ لزوم شکر و سپاسگزاری به درگاه خدا ، در برابر نعمت آسایش و رفاه و رفع گرفتاریها

فلما کشفنا عنه ضرّه مرّ کأن لم یدعنا إلی ضرّ مسّه

شکر در فقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۹ - ۷

۷ انسان ، باید همواره و در همه حال (فقر ، غنا و ...) سپاسگزار خداوند باشد .

و لئن أذقنا الإنسنا منا رحمة .. إئنه لیئوس کفور

شکر منعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹- سپاس گزاری در برابر نعمت دهنده حقیقی ، لازمه کمال عقل و اندیشه

حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ .. قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ

از این که خداوند اولین بازتاب وصول انسان به مرحله کمال عقلی (۴۰ سالگی) را گرایش انسان به شکر منعم حقیقی دانسته است، مطلب یاد شده به دست می

آید.

شکر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۱۶

۱۶ ضرورت خداترسی و پرواپیشگی اهل ایمان ، به شکرانه یاری خدا نسبت به آنان

و لقد نصرکم اللّٰه بیدر و انتم اذله فاتقوا اللّٰه لعلکم تشکرون

متعلق <تشکرون>، به قرینه صدر آیه، می تواند همان پیروزی بر دشمن و نصرت الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۹

۹ مؤمنان سپاسگزار در برابر نعمت های خداوند ، بهره مند از پاداش های اویند .

إن شکرتم و ءامنتم و کان اللّٰه شاکراً علیماً

شکر خداوند در حقیقت پاداش و ثواب اوست به بندگان. و این پاداش در مقابل همان سپاسگزاری و ایمان بندگان است.

شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۴،۶

۴ - رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، از نعمتهایی که مسلمانان باید به پاس آنها ، همواره به یاد خدا باشند .

فولوا وجوهکم شطره .. . کما أرسلنا فیکم رسولا ... فاذکرونی

برداشت فوق از حرف <فاء> که <اذکرونی> را بر نعمتهای یاد شده (تغییر قبله و رسالت پیامبر(ص)) تفریع کرده است، به دست می آید.

۶ - رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله ، دو نعمتی شایسته و بایسته شکرگزاری به درگاه خدا

فولوا وجوهکم شطره .. . كما أرسلنا فيکم رسولاً ... واشکروا لی

شکر، در برابر نعمت است و مصداق مورد نظر برای نعمت - به قرینه آیات قبل - نعمت رسالت و تغییر

قبله می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۲ - ۸

۸ - ضرورت سپاسگزاری به درگاه خدا و شکر نعمت های او

و اشکروا لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۲

۲ پیکار در راه خداوند ، شکر نعمت حیات

ثم احياهم .. و لكن اكثر الناس لا يشكرون. و قاتلوا في سبيل الله

فرمان جهاد، پس از بیان ناسپاسی مردمان در برابر نعمت حیات، در واقع نشان دادن روشی است برای سپاس و شکر خداوند در برابر نعمت حیات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۱ - ۱۳

۱۳ کثرت یاد خدا و تسبیح او ، سپاس نعمت اوست .

ایتك .. و اذکر ربك كثيراً و سبح

پس از بشارت به اعطای فرزند و قرار علامت برای الهی بودن بشارت، زکریا مأمور به ذکر خدا می شود، لذا به نظر می رسد دستور ذکر، برای شکر آن نعمتها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۱۴، ۱۵

۱۴ پروا پیشگی و خداترسی ، زمینه نیل به سپاسگزاری از نعمت های الهی

فاتقوا الله لعلکم تشکرون

۱۵ رعایت تقوا، شکر نعمت های الهی است .

فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ

برخی از مفسرین بر آنند که جمله <لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ>، به معنی <لیقوموا شکر نعمته> است؛ یعنی تقوا را رعایت کنید تا به شکر و سپاس او قیام کرده باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ -

۱۶ پایداری در دین و حرکت در مسیر انبیای الهی، شکر نعمت هدایت و رسالت انبیاست.

افین مات او قتل انقلبتم .. و سیجزی الله الشاکرین

مراد از <الشاکرین> در این آیه، یا خصوص کسانی است که هرگز مرتد نمی شوند و همچنان پایبند دین الهی هستند، و یا مؤمنان پایدار، مصداق مورد نظر برای <الشاکرین> هستند.

۱۸ وعده خداوند به اعطای پاداش به سپاسگزاران نعمت های الهی

و سیجزی الله الشاکرین

۱۹ استقامت پیشگان و پایمردان پیکار احد، شاکران نعمت رسالت پیامبر (ص)

انقلبتم علی اعقابکم .. و سیجزی الله الشاکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ رعایت تقوا و تنها بر خدا توکل داشتن، شکر نعمت های خداوند و سپاسگزاری از امداد های اوست.

اذکروا نعمت الله .. و اتقوا الله و علی الله فلیتوکل المؤمنون

امر به تقوا و توکل پس از یادآوری نعمتها و امدادهای الهی، بیانگر آن است که توکل بر خدا و رعایت تقوا، بزرگداشت و سپاس آن نعمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۶، ۷، ۵

۵ جهاد در راه خدا برای تصرف سرزمین مقدس، سپاسگزاری قوم موسی (ع) در برابر نعمت های خداوند

اذکروا نعمه الله .. یقوم ادخلوا الارض المقدسه

فرمان موسی (ع) به بنی اسرائیل (ادخلوا الارض) پس از بیان نعمتهای الهی بر آنان، بیانگر آن است که اجرای آن فرمان، سپاس نعمتهای یاد شده است.

۶ فرمانبری از خداوند و پیامبران او ، سپاس

نعمت های الهی است .

اذکروا نعمه الله علیکم . .. ادخلوا الارض المقدسه

۷ مسؤولیت آدمی در برابر نعمت های الهی

اذکروا نعمه الله علیکم . .. ادخلوا الارض المقدسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲

۲۲ احکام الهی و تبیین آن ، از جمله نعمت های خداوند ، و مردمان وظیفه دار سپاس گزاردن آن

لاتحرموا .. و احفظوا ایمنکم کذلک ببین الله لکم ءایته لعلکم تشکرون

امر به شکرگزاری پس از بیان احکام، می رساند که احکام خداوند و بیان آنها از زمره نعمتهای الهی هستند زیرا شکر همواره در برابر نعمت است.

۲۳ احکام سوگند و کفارات آن از نعمت های الهی و مستلزم سپاسگزاری در برابر آن

ذلک کفره ایمنکم .. کذلک ببین الله لکم ءایته لعلکم تشکرون

۲۴ باز بودن راه جبران کوتاهی ها و پوشانیدن گناه ، نعمتی الهی و مستلزم سپاسگزاری

ذلک کفره ایمنکم .. کذلک ببین الله لکم ءایته لعلکم تشکرون

از مصادیق مورد نظر برای کلمه <آیات> لزوم کفاره برای زدودن گناه حث سوگند است.

۲۵ رزق های خدادادی ، جواز بهره جویی از آنها و گذشت از سوگند های لغو ، نعمتی الهی و بایسته سپاسگزاری

و کلوا مما رزقکم الله حللاً طیباً .. کذلک ببین الله لکم ءایته لعلکم تشکرون

با توجه به آیات قبل می توان گفت از مصادیق مورد توجه از جمله <کذلک ببین الله لکم ءایته> مسایلی است که در آن آیات بیان شد از جمله خدادادی بودن روزیها و ...

۲۶ عمل به احکام الهی ، سپاسگزاری از خداوند است .

كذلك بين الله لكم ءاياته لعلكم تشكرون

جمله <كذلك..> (این چنین واضح و صریح خداوند احکامش را بیان می کند) اقتضا می کند که پس از آن آورده شود (لعلکم تعملون) این جایگزینی می تواند اشاره به این باشد که عمل به احکام الهی شکرگزاری در برابر بیان احکام از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ خداوند، آگاهتر از هر کس به سپاسگزاران نعمتهای خویش است.

أليس الله بأعلم بالشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۹، ۱۱، ۲

۲ توانایی انسانها بر بهره گیری از امکانات زمین نعمتی بایسته شکرگزاری است.

و لقد مكنكم فى الأرض .. قليلا ما تشكرون

۹ ایمان به آیات خداوند و پیروی از قوانین دین، شکرگزاری نعمتهای الهی است.

اتبعوا ما أنزل إليكم .. قليلا ما تشكرون

۱۱ تنها اندکی از مردمان شکرگزار نعمتهای خداوند هستند.

قلیلا ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ ایجاد زمینه های تکامل معنوی در انسانها از نعمتهای خدا و سزاوار شکر و سپاسگزاری از اوست.

قلیلا ما تشكرون. و لقد خلقنكم ... ثم قلنا للملكه اسجدوا لأدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ گرایش انسان به شکرگزاری از خدا ، هدف بیان های گوناگون آیات الهی

كذلك نصرف الأيت لقوم يشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۹،۱۰

خداوند از موسی (ع) خواست تا در برابر نعمت رسالت و شایستگی شنیدن سخن خدا، وی را سپاس گوید و از شاكران شود

اصطفيتك على الناس برسلتى و بكلمى ... و كن من الشكرين

۱۰ فرمان به دریافت پیام های خدا و به کار بستن آنها و سپاسگزاری در برابر نعمت های او، از سخنان خداوند با موسی (ع) در میعادگاه مناجات

قال .. فخذ ما آتيتك و كن من الشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۵

۱۵ داشتن فرزند سالم و شایسته از نعمت های خدا و سزاوار شکرگزاری به درگاه اوست .

لئن آتيتنا صلحاً لنكونن من الشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ ضرورت شکرگزاری به درگاه خداوند به سبب نعمت ها، امداد ها و روزی های پاکیزه او

فاويكم و آيدكم بنصره و رزقكم من الطيب لعلكم تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۷ - ۱۲

۱۲- > عن أبى عبدالله (ع) قال : فيما أوحى الله عزّوجلّ إلى موسى (ع) يا موسى اشكرنى حق شكرى فقال : يا ربّ و كيف أشكرك حق شكرك و ليس من شكر أشكرك به إلّا و أنت أنعمت به علىّ ؟ قال : يا موسى الآن شكرتنى حين علمت أن ذلك منّى ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای عزّوجلّ به موسی (ع) وحی کرد که ای موسی!

شکر مرا به جای آر، آن گونه که حق شکر مرا ادا کنی. موسی(ع) گفت: چگونه شکر تو را بگویم که آن حق شکر تو باشد و هیچ شکری نیست که با آن تو را شکر کنم، مگر آنکه آن شکر، خود باز نعمتی است که به من داده ای. خداوند فرمود: اکنون که دانستی که این (نعمت شکرگزاری) از من است شکر مرا به جا آوردی.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۱، ۱۰

۱۰- شکر نعمت های اقتصادی و اجتماعی ، به بهره گیری صحیح و مجاز از آنهاست . *

فكلوا ممّا رزقكم الله حلالاً طیباً و اشكروا نعمت الله

برداشت فوق، بدان احتمال است که عبارت <و اشكروا نعمت الله> تفسیر برای <كلوا .. حلالاً طیباً> باشد.

۱۱- روزی های حلال و دلپذیر ، از نعمت های شایان شکرگزاری است .

فكلوا ممّا رزقكم الله حلالاً طیباً و اشكروا نعمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۱ - ۱

۱- شکرگزاری در برابر نعمت های الهی ، از اوصاف و ویژگی های حضرت ابراهیم (ع)

إن إبرهیم کان .. شاکراً لأنعمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱۳

۱۳- تربیت فرزندان در دامن پر مهر پدر و مادر ، نعمتی بس بزرگ و شایسته قدردانی و موجب استحقاق هرگونه احسان و احترام از سوی فرزند به آنان

و بالولدين إحسنًا و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه و قل ربّ ارحمهما كما ر

برداشت فوق با توجه به

این نکته است که خداوند در تعلیم شیوه دعا کردن فرزندان برای پدر و مادرشان، مسأله تربیت والدین آنان را یادآور شد (کما ربّیانی صغیراً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۷

۷- نزول وحی و معارف الهی (قرآن) برای انسان ها ، نعمت خداوند و شایسته شکر و سپاس است .

لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک

آیه، در مقام تحذیر درباره وحی و معارف آسمانی است و از تحذیر به دست می آید که موارد یاد شده عطایایی الهی است و باید آنها را پاس داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱۲

۱۲- نجات از جامعه فاسد و ناپاک ، نعمتی بزرگ و درخور شکر و سپاس است .

و نَجِّینَهُ مِنَ الْقَرْیَةِ الَّتِی کَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبْثَ إِتْمَ کَانُوا قَوْمَ سَوِّءٍ فَسَقِینَ

آیه شریفه در مقام امتنان بر حضرت لوط(ع) است. بنابراین نجات از دست قوم فاسد، نعمتی است که خداوند با آن کار بر حضرت لوط(ع) منت نهاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۵، ۱۴

۱۴- دستیابی انسان به علوم و صنایع دفاعی ، نعمتی شایسته سپاس گزاری

و علمنه صنعه لبوس لکم .. فهل أنتم شکرون

۱۵- امنیت کشور و حفظ منافع ملت ، نعمتی شایسته سپاس گزاری

علمنه صنعه لبوس لکم .. فهل أنتم شکرون

خداوند به خاطر آموزش صنعت اسلحه سازی به داوود(ع)، مردم را به شکرگزاری فرا خواند؛ ولی از آن جا که این صنعت

باید در جهت منافع مردم (لکم) و حفظ آنان از تعرض

دشمن باشد، به دست می آید که منافع مردم و امنیت آنان در برابر دشمن، هدف اصلی و مطلوب نهایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۹

۹ - مراسم قربانی ، عبادت خدا و سپاس گزاری در برابر نعمت های او است .

جعلنا منسكًا .. علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۶

۱۶ - نعمت های خداوند شایسته شکر و سپاس گزاری

و البدن .. سخرنها لكم لعلکم تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۴

۴ - نیروی شنوایی ، بینایی و ادراکی انسان ، نعمت هایی الهی و در خور شکر و سپاس گزاری

و هو الذی أنشأ لكم .. قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۷۸

۷ باران ، نعمتی بزرگ و مقتضی شکر و سپاس گزاری است .

لقد صرفنه بينهم ليدّكروا فآبى أكثر الناس إلا كفورًا

۸ قرآن ، نعمتی بزرگ و مقتضی شکر و سپاس گذاری

و لقد صرفنه بينهم ليدّكروا فآبى أكثر الناس إلا كفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انسان ، در قبال نعمت های الهی مسؤول است .

أترکون فی ما ههنا ءامنین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مقصود از <أترکون> این باشد که خداوند انسان ها را در برابر نعمت هایی که به آنان داده

است، آسوده و بدون هیچ گونه مسؤولیتی رها نمی کند؛ بلکه شکر و سپاس آنها را از آنان می خواهد و در صورت ناسپاسی و گناه، از ایشان سلب می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۸

۸ - قدرشناسی عمیق سلیمان (ع) از الطاف الهی در حق خود و پدرش داوود و اعلام آن به مردم

عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۸، ۱۱

۸ - علم و قدرت، دو نعمت بزرگ الهی و درخور شکر و سپاس

و لقد آتينا داود و سليمان علمًا.. و أوتينا من كل شيء... و قال ربّ أوزعني أن

۱۱ - لزوم سپاس گزاری انسان به درگاه خدا به خاطر نعمت های عطا شده از سوی او به پدر و مادرش

ربّ أوزعني أن أشكر نعمتك التي أنعمت عليّ و عليّ و لآلئ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۱

۲۱ - خداوند، بی نیاز از شکر گزاری خلق به درگاه او

و من كفر فإنّ ربّي كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ - روشنایی روز و آسایش یافتن در تاریکی شب، از نعمت های بزرگ و درخور شکر و سپاس الهی

قل أرءيتم إن جعل الله عليكم الّيل سرمدًا.. إن جعل الله عليكم النهار سرمدًا.

توحید ربوبی و برشمرنده نعمت های الهی و شکرگزاری از

آنها است. ذیل آیه بعد (لعلکم تشکرون) مؤید این مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۷

۷ - برقرار شدن نظام شب و روز در جهت تأمین نیازها و منافع انسانها ، نعمتی بزرگ و سزاوار شکر و سپاس الهی

و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۹

۹ - امنیت مکه ، نعمت الهی و شایسته سپاسگزاری است .

أولم یروا أننا جعلنا حرمًا آمنًا .. أفتبالطل یؤمنون و بنعمه الله یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۱۷،۱۸

۱۷ - بادها و رهاورد های آن ، نعمت خداوند و شایسته شکر و سپاس است .

یرسل الریاح .. و لعلکم تشکرون

<لعل> در آیه، به معنای تعلیل است.

۱۸ - انسانها ، به رغم بهره مند بودن از نعمت و فواید باد ، ممکن است از شکر آن نعمت ، سرباز زنند .

و لعلکم تشکرون

<لعل> از حروف شبیه به فعل و برای انشا و رجا است استعمال آن در آیه، می تواند به منظور اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۹

۹ - خداوند ، منشأ نعمت ها است و شکر وی ، لازم است .

أَن اشكر لله

<شكر> در لغت، <تصور نعمت و اظهار آن> است (مفردات راغب). این که در آیه، فرمان می دهد <که تنها برای خداوند شکر کنید!>، نشان می

دهد که او منشأ نعمت‌ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ - انسان‌ها، موظف به شکر نعمت‌های خداوندند.

آن اشکرلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵

۱۵ - انسان‌ها، در بیشتر لحظه‌های عمر، از شکر نعمت‌های خداوند غافل‌اند.

قلیلاً ما تشکرون

<قلیلاً> می‌تواند صفت برای موصوف محذوفی مانند <زماناً> باشد، در این صورت، نکته یاد شده به دست می‌آید.

۱۶ - قوای ادراکی انسان (چشم و گوش و قلب) مواهب الهی‌اند و شایسته است که به خاطر آنها، به درگاه وی شکرگزاری شود.

ثم سوّیه و نفخ فیه من روحه و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرو

۱۷ - انسان‌ها، شکرگزار نعمت‌های خداوند نیستند.

قلیلاً ما تشکرون

به قرینه آیه بعد که در آن آمده است <وقالوا أءذا ضللنا..> <قلیلاً> می‌تواند به معنای نفی باشد.

۱۸ - انسان‌ها، به شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی موظف‌اند.

قلیلاً ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - احیای زمین با رویاندن نباتات و درختان میوه ، به منظور تغذیه انسان ها از سوی خدا ، شایسته شکر و سپاس گذاری است .

و ءایه لهم الأرض المیتة أحيینها و أخرجنا منها حَبًّا. .. جَنَّتْ من نخیل و أعنب..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - شیر و منافع بسیار شتر ، گاو و گوسفند ، نعمتی الهی و شایسته سپاس و شکرگزاری است .

و لهم فيها منفع و مشارب أفلايشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۷

۷ - نزول کتاب آسمانی (قرآن) ، نعمتی است درخور شکر و شایسته عبادت خالصانه خدا و اطاعت محض از او .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

برداشت یاد شده از تفریع جمله <فاعبد الله مخلصاً له الدين> ، بر جمله <إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - شب آرامش دهنده و روز روشنایی بخش ، دو نعمت بزرگ و درخور شکر و سپاس الهی

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا .. و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَاي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۹

۹ - قرآن ، نعمتی بزرگ و فرو فرستنده آن شایسته ستایش و قدردانی است .

تنزيل من حكيم حميد

به کارگیری وصف <حمید> برای خداوند پس از بیان نزول قرآن می تواند از یکسو عظمت قرآن و نعمت بودن آن را

بفهماند و از سوی دیگر کرنش و فروتنی انسان در برابر خدا را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- بازگو کردن نعمت های الهی ، امری لازم در جهت شکرگزاری

تم

تذکروا نعمه ربکم .. و تقولوا سبحن الذی سخّر لنا هذا

در آیه شریفه پس از مسأله یادآوری و شکر نعمت الهی، بازگو کردن آن طلب شده است. (و تقولوا...). از این نکته استفاده می شود که بازگو کردن نعمت از مراحل اساسی شکر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۳

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مشتی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسن من صلصل .. فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۰ - ۳

۳ - آب شیرین و نقش حیاتی آن در زندگی بشر ، نعمتی الهی و در خور شکر و سپاس

أفرء یتم الماء .. فلولاً تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۲ - ۲

۲ - شرک پیشگان صدراسلام ، به جای سپاس گزاری خداوند به خاطر فرستادن قرآن ، بر تکذیب آن پافشاری کردند .

و تجعلون رزقکم آنکم تکذبون

برخی از مفسران بر آنند که <رزق>، به معنای عطا است و آیه شریفه نیز به تقدیر <و تجعلون شکر رزقکم..> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۵

۵ - قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل ، از نعمت های الهی و در خور شکر و سپاس

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشکرون

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۸

۸ - هدایت ، نعمتی بزرگ و شایسته سپاس گزاری است .

إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا

از این که در آیه شریفه، به مؤمن هدایت یافته، <شاکر> گفته شده است، استفاده می شود که هدایت نعمتی در خور سپاس گزاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۶

۶ - فراهم بودن زمینه آشنایی با راه خدا و آسان بودن سلوک آن ، نعمتی سزاوار شکرگزاری است .

قتل الإنسن ما أكفره .. ثم السبيل يسره

چنانچه کفر در <ما أكفره> به معنای کفران نعمت باشد، آیات پس از آن از جمله این آیه درصدد بیان نعمت هایی خواهد بود که ناسپاسی آنها، موجب نفرین خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۱ - ۷

۷ - مرگ برای انسان و دفن اموات ، دو نعمت از جانب خداوند و سزوار شکرگزاری است .

قتل الإنسن ما أكفره .. ثم أماته فأقبره

برداشت یادشده، بر این اساس است که کفر در <ما أكفره> به معنای کفران نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۵ - ۴

۴ - باران و آب از نعمت های خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان به درگاه او است .

ما أكفره .. إِنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا

کفر در <ما اکفروه> به قرینه آیات پیشین ممکن است به معنای کفران نعمت باشد. بنابراین آیه، در صدد برشمردن نعمت های خداوند به انسان است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۸ - ۵

۵ - رویاندن تاک و سبزیجات ، با فرستادن باران و قابل کشت ساختن زمین ، از نعمت های خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان از او است .

ما أكفره .. فأنبئنا فيها .. عبثاً و قضباً

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که <کفر> در <ما أكفره> به معنای کفران نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۲

۲ - بهره مندی انسان از زیتون و از منافع گوناگون درخت خرما ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس گذاری است .

ما أكفره .. و زيتوناً و نخلاً

<زیتون>، میوه ای معروف (مصباح) و درختی معروف است و می تواند جمع <زیتونه> باشد که گاه بر درخت و گاه بر میوه آن اطلاق می گردد (لسان العرب). تعبیر <نخل> به جای نام میوه آن ممکن است ناظر به این باشد که انسان علاوه بر خرما، از اجزای دیگر نخل (از قبیل شاخ، برگ، تنه و لیف آن) نیز بهره می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۲

۲ - ایجاد باغ های پردرخت با نزول باران بر زمین مساعد ، نعمت خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان از او است .

صبينا .. شققنا .. فأنبئنا .. و حدائق غلباً

چنانچه <غلبا> توصیف ذات <حدائق> باشد نه درختان آن ضخامت بستان کنایه از انبوه و متراکم بودن درختان آن خواهد بود. برداشت یاد شده، براساس ارتباط این

آیه با <ما اکفره> در آیات پیشین است. با توجه به این احتمال که <کفر> در آن آیه، به معنای کفران نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۱ - ۲

۲ - دستیابی انسان به میوه ها و مراتع ، نعمت خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان از او است .

ما اکفره ... و فکھه و اُبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۴

۴ - ایمان به آیات الهی ، سفارش یکدیگر به استقامت در تکالیف دشوار و اظهار محبت به بردگان ، یتیمان و تنگدستان ،
قدردانی از نعمت های بینایی ، گویایی و هدایت است .

ألم نجعل له عینین . و لساناً و شفقتین . و هدینه النجدین ... ثم کان من الذین ءام

<الذین آمنوا> گرچه مطلق است ولی مصداق بارز آنها به قرینه <و الذین کفروا بآیاتنا> در آیات بعد مؤمنان به آیات الهی است و آیات پیشین که بعضی از تکالیف را <عقبه> نامیده بود قرینه بر مراد از <صبر> است و سیاق آیات نشان می دهد که مراد از <مرحمه>، ترحم بر <رقبه>، <یتیم> و <مسکین> است. ارتباط این آیات با آیه های پیشین که نعمت های الهی را برشمرده گویای برداشت یاد شده است زیرا <بینایی و بصیرت>، زمینه ساز <ایمان> و <داشتن زبان و لب>، زمینه ساز توصیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - دل بستن به لطف خداوند ،

خود از نعمت های الهی و سزاوار پاسخ گویی و سپاس گزاری است .

و ما لأحد عنده من نعمه تجزی . إلا ابتغاء وجه ربّه الأعلی

چنانچه استثنا در این آیه، متصل باشد، <ابتغاء> از مصادیق <نعمه تجزی> خواهد بود. در نتیجه مفاد دو آیه، این می شود که: کسی نزد انفاق گر نعمتی ندارد، جز یک نعمت [که خداوند عطا کرده است] و آن حالت <ابتغاء> است. بنابراین وجود علاقه و دل بستگی به <وجه الله> که مایه <ابتغاء> است نعمتی است که باید به وسیله سپاس گزاری جزا داده شود (نعمه تجزی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۸ - ۵

۵ - ابتغال و تضرع پیامبر (ص) به درگاه خداوند ، پاسخی به نعمت های ویژه او به آن حضرت بود .

الم نشرح ... و وضعنا ... و رفعنا ... و إلى ربك فارغب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۸،۹

۸ - رزمندگان مجاهد ، سپاسگزار خداوند و پذیرای ربوبیت او هستند .

و العدیت .. إنّ الإنسان لربّه لکنود

تمجید مجاهدان از یک سو و نکوهش ناسپاسان از سویی دیگر، بیانگر آن است که مجاهدان ناسپاس نیستند.

۹ - جهاد در راه خدا ، شکر نعمت های او است .

و العدیت .. إنّ الإنسان لربّه لکنود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۹

۹ - استوار ماندن قریش بر نظام معیشتی دیرپای خویش ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

لایلف قریش

چنانچه سوره <قریش> سوره

ای مستقل باشد و با سوره <فیل> یک سوره تلقی نگردد؛ حرف <لام> در <لایلاف> متعلق به <فلیعبدوا> در آیه سوم خواهد بود. در آن صورت مفاد آیه این می شود که چون خداوند، نعمت ایلاف را به قریش عطا کرده است، باید او را بندگی کنند. گفتنی است که بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۵

۵ - عبادت خداوند ، سپاس نعمت های او است .

لایلف .. فلیعبدوا

حرف <فاء>، لزوم عبادت را بر وجود نعمت <ایلاف> تفریح کرده است و هر کاری که انسان خود را به جهت داشتن نعمتی، موظف به آن سازد، سپاس آن نعمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۶

۱۶ - برخورداری از غذا و امنیت ، نعمتی است که سپاس آن ، تنها عبادت خداوند است .

فلیعبدوا ربّ هذا البيت . الذی أطعمهم من جوع و ءامنهم من خوف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۷،۱۲

۷ - نماز ، شکر نعمت های خداوند است .

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ . فصلّ

۱۲ - اهدای قربانی به پیشگاه پروردگار ، شکر نعمت های او است .

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ .. وانحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۶ - ۷،۸

۷ اهل انفاق و صدقه ، سپاسگزاران نعمت های الهی و اطاعت کنندگان فرمان او

يَمْحَقُ اللَّهُ .. كُلَّ كَفَّارٍ اِثِمٍ

از مقابله صدقه و ربا به

دست می آید که این دو در آثار و تبعات متضادند؛ بنابراین چون رباخوار ناسپاس و گنهکار است، انفاق کننده، سپاسگزار و فرمانبر خداست.

۸ صدقه و انفاق، سپاسگزاری در برابر نعمت های الهی و پیروی از فرمان اوست .

يُمَحِّقُ اللَّهُ .. كَلَّ كَفَّارِ اثْمِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۴، ۱۵، ۱۶ - ۱۳

۱۳ پیکار اهل ایمان با دشمنان دین و پایداری در هنگامه های دشوار، سپاسگزاری از نعمت های الهی است .

و لَمَّا يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمُ الصَّابِرِينَ .. و سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ

۱۴ جهاد برای سپاسگزاری از نعمت های الهی، بدون چشمداشت پاداش در دنیا و آخرت از مقدسترین نوع جهاد و مبارزه

و لَمَّا يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا .. مَنْ يَرِدُ ثَوَابُ الدُّنْيَا ... ثَوَابُ الْآخِرَةِ ... و س

از تعبیر <سنجزی> برای شاکران و تعبیر به <نؤته> برای خواستاران ثواب دنیا و آخرت به دست می آید که پاداش شاکران، جزای شکر آنان است نه اینکه مجرد اعطا باشد. اضافه بر این، کلمه <منها> دلالت می کند بر اینکه دو طایفه پیش تنها به برخی از خواسته خود دست می یابند، ولی شاکران جزای کامل دریافت می دارند.

۱۵ سپاسگزاری نعمت های الهی، برانگیزنده آدمی به جهاد و انجام تکالیف دینی

و مَنْ يَرِدُ ثَوَابُ الدُّنْيَا .. و مَنْ يَرِدُ ثَوَابُ الْآخِرَةِ ... و سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ

به نظر می رسد خداوند مجاهدان را به سه دسته تقسیم کرده است و جمله <سنجزی الشاکرین>، بیانگر دسته سوم می باشد. یعنی آنان که نه ثواب دنیا انگیزه

جهاد آنهاست و نه ثواب آخرت، بلکه انگیزه آنان از جهاد تنها سپاسگزاری است.

۱۶ سپاسگزاران نعمت های خداوند ، بهره مند از پاداش های مخصوص او

و من یرد ثواب الدنیا .. و من یرد ثواب الاخره ... و سنجزی الشاکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۵

۱۵ یادآوری وضعیت نابهنجار (گمراهی آشکار) مردم پیش از بعثت ، برانگیزنده توجه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر (ص)

لقد منّ الله .. و ان كانوا من قبل لفی ضلال مبین

جمله < ان كانوا .. > به منزله دلیل است برای بزرگی نعمت رسالت. یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (ص) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (ص) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

شکر نعمت آمرزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - بخشوده شدن گناه ، نعمتی بایسته سپاسگزاری

ثم عفونا عنکم .. لعلکم تشکرون

شکر نعمت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۹

۹ بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده مواهب آن ، خداوند را به خاطر هدایت شدن و نیلشان به بهشت ، سپاس می گویند .

و قالوا الحمد لله الذی هدینا لهذا

شكر نعمت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ مؤمنان با ايمان خویش به

پیامبر(ص) و آیین الهی سپاسگزار نعمت هدایت هستند.

أَهْوَلَاءَ مَنْ اللَّهُ عَلَيْهِمْ .. أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّكْرِينَ

شکر نعمت هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۹

۹ بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده مواهب آن ، خداوند را به خاطر هدایت شدن و نیلشان به بهشت ، سپاس می گویند .

و قالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا

شکر نعمتهای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ - لزوم سپاس گزاری انسان به درگاه خدا به خاطر نعمت های عطا شده از سوی او به پدر و مادرش

رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَلَدِي

شکر هنگام سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۹

۱۹ - لزوم شکر و سپاس خداوند ، در خوشی ها و ناملايمات زندگي

و إنا إذا أذقنا .. فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

شکر هنگام سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - لزوم شکر و سپاس خداوند ، در خوشی ها و ناملايمات زندگي

و إنا إذا أذقنا .. فإنّ الإنسان كفور

شکر هنگام قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۶

۶ - لزوم اظهار شکر و سپاس گزاري به پيشگاه خداوند ، در مراسم قربانی با شعار < الله أكبر على ما هدانا > .

كذلك سخر لكم لتكبروا الله على ما هديكم

ضرورت

شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۴

۴- شکر نعمت های خداوند ، دارای جایگاهی ویژه و امری لازم

و إذ تأذن ربکم لئن شکرتم

اینکه خداوند، فرمان خاصی برای شکرگزاری صادر کرده است، حکایت از اهمیت و جایگاه ویژه آن می کند.

عجز از شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۸ - ۲

۲- انسان ها ، توان شکرگزاری مطلوب و ادای حق نعمت های بی شمار خداوند را ندارند .

و إن تعدوا نعمة الله لا تحصوها إن الله لغفور رحيم

از اینکه خداوند پس از بیان نعمتهای بی شمار بر بندگان، خود را با صفت <غفور> (آمرزنده) توصیف می کند، می توان استفاده کرد که انسانها از عهده شکر نعمتهای فراوان الهی بر نخواهند آمد.

عوامل شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱۱، ۹

۹ آدمی در شداید با خداوند یگانه پیمان می بندد که در صورت نجات سپاسگزار او باشد.

لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشكرين

۱۱ احساس نیاز، تضرع، اخلاص و التزام به شکرگزاری، حالات مختلف انسان به هنگام گرفتاری در سختیهاست.

تدعونه تضرعا و خفيه لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۶

۶ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی برای انسان ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل . . لمن أراد أن یذّکر أو أراد شکورًا

<شکور> مصدر و مرادف واژه <شکر>

است.

عوامل شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۵

۱۵- اعتقاد به اختصاص داشتن عبادت به خداوند ، مستلزم شکر نعمت های اوست .

و اشکروا نعمت الله إن كنتم إياه تعبدون

آمدن جمله <إن كنتم إياه تعبدون> به صورت جمله شرطیه برای <اشکروا ..>، بیانگر وجود تلازم و پیوند ناگسستگی میان شکر و اعتقاد به توحید در عبادت است.

غفلت از شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۵

۱۵ - انسان ها ، در بیشتر لحظه های عمر ، از شکر نعمت های خداوند غافل اند .

قلیلاً ما تشكرون

<قلیلاً> می تواند صفت برای موصوف محذوفی مانند <زماناً> باشد، در این صورت، نکته یاد شده به دست می آید.

فواید شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۵

۵- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد .

لئن شكرتم لأزيدنکم و ... إن تكفروا أنتم و من فی الأرض جميعاً فإن الله لغنی حمی

قلت شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ سپاس مردم در برابر نعمتها، همواره اندك و ناچیز است.

قلیلا ما تشكرون

کلمه <قلیلا> می تواند صفت برای مفعول مطلق محذوف باشد. یعنی: تشكرون شکرا قلیلا؛ و می تواند حال برای فاعل <تشكرون> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

کمی شکر انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲

۵ - شکرگزاری اندک انسان ، در برابر نعمت شنوایی ، بینایی و ادراکی خویش

أَنْشَأْ لَكُمْ السَّمْعَ .. قَلِيلاً مَا تَشْكُرُونَ

<ما> در <قلیلاً ما> مفید تقلیل است. بنابراین <قلیلاً ما> بیانگر تقلیل بعد از تقلیل است.

کمی شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۴

۱۴ - انسان ها ، کم و اندک شکرگزار نعمت های خداوندند .

قلیلاً ما تشكرون

<قلیلاً> صفت موصوف محذوفی مانند واژه <شکراً> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۶

۶ - سپاس و شکر انسان ها در برابر نعمت های الهی ، بسیار اندک و ناچیز است .

قلیلاً ما تشكرون

مراتب شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۹

۹ هر مرتبه از توحید مرتبه ای از شکر است. *

لنكونن من الشكرين .. ثم انتم تشركون

به قرینه تقابل بین <شکر> و <شکرک> ، شرک ناسپاسی و توحید سپاسگزاری است. بنابراین مراحل آن نیز با یکدیگر

تناسب دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - اندیشه و تأمل در آیات الهی ، یکی از مراتب شکرگزاری به درگاه پروردگار

اللّٰه الذی ... لعلکم تشکرون ... إنّ فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

مراد از شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۴۰

۴۰ - > عن بعض اصحابنا رفعه فی قول اللّٰه تبارک و تعالی

: < و لتكبروا الله على ما هداكم و لعلكم تشكرون > قال : الشكر المعرفه ... ;

از امام معصوم(ع) درباره سخن خداوند که فرموده: < و لتكبروا الله على ما هداكم و لعلكم تشكرون > روایت شده که مراد از شکر، < معرفت > است ... < .

مراد از شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱۳

۱۳- < عن أبي عبد الله (ع) قال : شكر النعمة إجتناج المحارم و تمام الشكر قول الرجل الحمد لله رب العالمين ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: شکر نعمت پرهیز از محرمات است و شکر کامل، سخن کسی است که می گوید: الحمد لله رب العالمين < .

مظاهر شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۷

۷ توحید و یگانه پرستی، عالیتین جلوه شکرگزاری به درگاه خداوند است.

لئن أنجنا ... لنكونن من الشكرين ... قل الله ينجيكم ... ثم أنتم تشركون

منافع شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۱، ۱۶

۱۱ - شکرگزاری به درگاه خدا، دارای منافی حتمی است که عاید خود شکر گزار می شود .

و من يشكر فإنما يشكر لنفسه

۱۶ - بازگشتِ شکر به درگاه خداوند، به خود انسان، برخاسته از بی نیازی خداوند است .

و من يشكر فإنما يشكر لنفسه ... فإن الله غني

منفعت شكر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - ٧ - ٣٩ - زمر - ١٦

٧ - نفع و

ضرر < ایمان و کفر > و < شکر و ناسپاسی > ، دامنگیر خود انسان ها است ؛ نه خداوند .

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ .. و إِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ

موارد شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۸

۸ - تسیح و تنزیه خداوند ، نوعی شکر و سپاس گزاری نسبت به او است .

تذکروا نعمه ربکم .. و تقولوا سبحن الذی سخر لنا هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۴ - ۸

۸ - شکر نعمت های دنیوی ، استفاده از آن در مسیر حیات اخروی است .

جعل لکم من الفلک و الأنعم .. ثم تذکروا... و إنا إلی ربنا لمنقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۹

۹ - پیمودن راه دین ، شکر نعمت خداوند و انحراف از آن ، ناسپاسی او است .

إنا هدینہ السبیل إما شاکراً و إما کفوراً

موارد شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۱۳

۱۳ ایمان و نیایش خالصانه به درگاه خداوند، سپاسگزاری است.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم بالغدوه و العشی یریدون وجهه .. ألیس الله بأعلم با

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۱۳

۱۳ فراگیری پیام های خدا و به کارگیری آنها در اعمال و رفتار ، سپاسگزاری از او در برابر نعمت دین است .

فخذ ما ءاتيتك و

کن من الشکرین

مطرح کردن سپاسگزاری پس از اعطای پیامهای آسمانی، برای رساندن این حقیقت است که آن پیامها از نعمتهاست و باید خداوند را به خاطر اعطای آنها شاکر بود. فرمان به فراگیری آنها می رساند که شکر این نعمت به فراگرفتن و به کار بستن آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - عمل صالح ، شکر استفاده از نعمت های الهی

كلوا من الطَّيِّبِ و اعملوا صلحًا

موانع شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۹

۹ - گناهان بزرگ ، مانع پدید آمدن زمینه های سپاسگزاری به درگاه خدا و رسیدن به منزلت شاکران

ثم عفونا عنکم من بعد ذلك لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۳

۳ ابلیس در تلاشی همه جانبه برای بازداشتن هر چه بیشتر انسان از شکرگزاری برای خدا

ثم لأتینهم من بین أیدیهم . . . و لاتجد أكثرهم شکرین

موجبات شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ ضرورت شکرگزاری به درگاه خداوند به سبب نعمت ها ، امداد ها و روزی های پاکیزه او

فاویکم و ایدکم بنصره و رزقکم من الطیبت لعلکم تشکرون

نشانه های شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۵

۵ - گرایش به ایمان و مصون داشتن خویش از فساد فراگیر جامعه ، نمود بارز شکر به درگاه خداوند

ءال لوط نجینهم .

.. کذلک نجزی من شکر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که وجه تمایز خاندان لوط از دیگر اعضای جامعه خویش، در پیروی از لوط و آلوده نساختن خویش به گناه رایج جامعه بود و خداوند بر تمامی مواضع آنان عنوان شکر را اطلاق کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۵ - ۴

۴ - احسان و نیکوکاری ، جلوه شکر الهی است .

إِذَا شَاكَرًا وَإِذَا كَفُورًا .. إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ

برداشت یاد شده، با توجه به این مطلب است که خداوند، انسان ها را در برابر نعمت هدایت دو دسته قرار داده است (شاکر و کافر) و در این آیه از شاکران به ابرار تعبیر نموده است.

نشانه های شکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱۳

۱۳- تسلیم بودن در برابر خدا ، نمود سپاسگزاری انسان در برابر او

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ .. كَذَلِكَ يَتَمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْلَمُونَ

برداشت فوق با توجه به ارتباط این آیه با آیه ۷۸ (و الله أخرجكم من بطون .. لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) است که در آن شکر و سپاس پروردگار، هدف و فلسفه اعطای نعمتها به انسان معرفی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - اعتراف به عجز و ناتوانی خویشتن در برابر خداوند ، نمودی از روحیه شکر و سپاس در انسان

سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ

نشانه های شکر نعمت

- آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱۷

۱۷ - عمل صالح و جلب رضای الهی ، نمود بارز شکر نعمت های او

أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتِكَ .. وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ

عبارت <وَأَنْ أَعْمَلَ..> می تواند عطف تفسیری برای <أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتِكَ> باشد؛ یعنی، پروردگارا به من شکر نعمت (انجام عمل صالح) را الهام فرما.

نعمت شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱۲

۱۲- > عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: فِيمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى مُوسَى (ع) يَا مُوسَى أَشْكُرُنِي حَقَّ شُكْرِي فَقَالَ: يَا رَبِّ وَكَيْفَ أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَ لَيْسَ مِنْ شُكْرٍ أَشْكُرُكَ بِهِ إِلَّا وَأَنْتَ أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ؟ قَالَ: يَا مُوسَى الْآنَ شُكْرْتَنِي حِينَ عَلِمْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای عزوجلّ به موسی (ع) وحی کرد که ای موسی! شکر مرا به جای آر، آن گونه که حق شکر مرا ادا کنی. موسی(ع) گفت: چگونه شکر تو را بگویم که آن حق شکر تو باشد و هیچ شکری نیست که با آن تو را شکر کنم، مگر آنکه آن شکر، خود باز نعمتی است که به من داده ای. خداوند فرمود: اکنون که دانستی که این (نعمت شکرگزاری) از من است شکر مرا به جا آوردی.

وجوب شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۸

۸ - شکر و سپاس در برابر نعمت های الهی ، امری لازم و واجب

أَفَلَا يَشْكُرُونَ

وضوح شکر نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۷

۷- لزوم شکر و سپاس گزاری در برابر نعمت های فراوان خداوند ، امری روشن و بدیهی است .

أفلايشكرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شگفتی از ناسپاسی انسان ها در برابر نعمت های الهی، نشانگر بدیهی بودن زشتی ناسپاسی و لزوم شکرگزاری است.

وعده شکر گزاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ مردم هنگام درماندگی و خطر مرگ ، به درگاه خدا دعا کرده و همراه با سوگند ، قول می دهند که جزو سپاسگزاران او خواهند بود .

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين لئن أنجيتنا من هذه لنكونن من ال

شکست از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{شکست}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۵

۵ پیکارگران احد ، به دلیل عدم توکل برخی از آنان به خداوند ، علی رغم توانایشان ، شکست خوردند . *

و اذ غدوت من اهلك تبوء المؤمنین . . . و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

یادآوری کمبود نیروی نظامی در جنگ بدر، اشاره به توانمندی آنان در مقایسه با جنگ احد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ هلاکتِ بخشی از قوای دشمن و خوار شدن بخشی دیگر، از اهداف نصرت الهی به رزمندگان بدر

و لقد نصرکم الله بیدر... ليقطع طرفاً من الذین کفروا او

برداشت فوق، با عنایت به ملحوظات ذیل است. یکم اینکه: <لیقطع> و <یکبتهم>، به جمله <و لقد نصرکم الله بیدر> متعلق باشد. دوّم اینکه: <قطع> به معنای هلاک کردن باشد، چنانچه در روح المعانی آمده است. سوّم اینکه: <او> در <او یکبتهم>، برای تنويع باشد، یعنی عده ای به هلاکت و عده ای دیگر به ذلت و خواری کشانده شدند.

۴ بازگشت ذیلان و نامیدانه باقیمانده کافران، از اهداف نصرت الهی به رزمندگان بدر

و لقد نصرکم الله بیدر... ليقطع... فينقلبوا خائبين

جمله <فينقلبوا...>، عطف بر <ليقطع> است بنابراین بازگشت ذیلان و نامیدانه کافران، از اهداف پیروزی بدر خواهد بود و به مقتضای <فاء> تفریع، این بازگشت، نتیجه هلاکت و اسارت بخشی از کافران بوده است.

۵ هلاکت و خواری بخشهایی از قوای دشمنان دین، در جنگ بدر، عاملی در تخریب روحیه سایر نیروها

ليقطع طرفاً... فينقلبوا خائبين

<خائبين> از <خبيّه>، به معنای یأس، ناامیدی و نامرادی، حکایت از اثر روانی در باقیمانده کفار است که به مقتضای <فاء> در <فينقلبوا>، این ناامیدی، نتیجه هلاکت و خواری و اسارت گروه زیادی از دشمنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۱۰

۱۰ مالکیت و حاکمیت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

ليقطع طرفاً من الذين كفروا... ليس لك من الامر شيء... والله ما في السموات و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۳

۳ شکست در جنگ

، نباید موجب سستی و اندوه اهل ایمان شود .

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۴ - ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۲

۶ گردش شکست و پیروزی در جوامع بشری ، از سنت های همیشگی خداوند

و تلك الايام نداولها بين الناس

<تلك>، اشاره به همان جراحتهای و شکست و پیروزیهایی است که بر اثر جنگ بدر و یا احد بر مسلمانان و کافران وارد شد.

۷ حاکمیت اراده الهی بر حرکت تاریخ (شکست ها و پیروزی ها ، تلخی ها و شادی ها)

و تلك الايام نداولها بين الناس

از اینکه خداوند تمامی شکستها و پیروزیها و تلخیها و شادیها و .. را به خود نسبت داده است (نداولها)، حاکمیت اراده الهی بر حرکت تاریخ به دست می آید.

۸ یادآوری پیروزی های گذشته و توجه به گردش قانونمند تغییرات اجتماعی ، برطرف کننده ضعف و اندوه جامعه ایمانی

و لا تهنوا و لا تحزنوا .. ان یمسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله و تلك الايام ن

بنابر اینکه <فقد مسّ القوم>، درباره شکست مشرکان در جنگ بدر باشد، خداوند برای از بین بردن اندوه و ضعف مؤمنان، پیروزی آنان را در جنگ بدر یادآوری کرده و همه را (چه شکست و چه پیروزی) برخاسته از مشیت خویش دانسته است.

۱۰ شکست ها و پیروزی ها (تغییرات اجتماعی) ، دارای گردش قانونمند و هدفدار

و تلك الايام نداولها بين الناس و لیعلم الله الذین امنوا و یتخذ منکم شهداء

جمله <و لیعلم الله .. > و آنچه بر آن عطف

شده، یعنی <يَتَّخِذُ> و <لِيَمَّحَصَ> و <يَمْحَقَ>، اهدافی است که خداوند برای <نداولها> (گردش ایام و تغییرات اجتماعی) بیان داشته و فعل هدفدار، حکایت از قانونمندی آن دارد.

۱۲ گردش شکست و پیروزی بین جبهه حق و باطل، عرصه و زمینه مناسبی برای ظهور ایمان مؤمنان

و تلك الايام نداولها بين الناس و ليعلم الله الذين امنوا

در برداشت فوق، <و ليعلم> به معنای <ليحقق> (تا به وجود آورد) گرفته شده است، چون علم خداوند به اشیا، همان تحقق اشیاست؛ بنابراین علم خداوند به ایمان مؤمنان، تحقق ایمان آنان است. و چون فرض شده است که آنان ایمان دارند (امنوا، با صیغه ماضی)، مراد از تحقق ایمان ظهور آن خواهد بود.

۱۶ شکست مسلمانان در برخی از برهه ها برای آزمودن مدعیان ایمان و تمییز مؤمنان واقعی از مؤمنان دروغین

ان يمسسكم قرح .. و تلك الايام نداولها بين الناس و ليعلم الله الذين امنوا

بنابر اینکه <تلك> اشاره باشد به معنایی که از <ان يمسسكم قرح> استفاده می شود یعنی شکست مسلمانان.

۱۷ برگرفتن ناظران و گواهانی نخبه از میان مردم، بر شکست ها و پیروزی ها بر اساس مشیت خداوند است.

و يتخذ منكم شهداء

۱۸ منزلت والای گواهان بر حوادث تاریخی (شکست ها و پیروزی های مسلمانان) و بیانگران علل آن حوادث

و يتخذ منكم شهداء

چون در آیه شریفه متعلق شهادت ذکر نشده، می توان به قرینه آیات قبل که علل حوادث تاریخی را تحلیل کرده است چنین احتمال داد که مراد از شهیدان، گواهان شکستها و پیروزیهای مسلمانان باشند تا گواهی دهند آنجا که از خدا و رسولش

پیروی شد و تقوا رعایت گردید، مسلمانان پیروز شدند و آنجا که بر خود اعتماد کردند و از خداوند غافل شدند و بی تقوایی و بی صبری پیشه کردند، شکست خوردند.

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران ، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلك الايام . . . و ليعلم الله الذين امنوا و يتخذ منكم شهداء

ترك لام در <و يتخذ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیدن، در پی مشخص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق، متعلق حذف شده <شهداء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

۲۴ پیروزی ظالمین در پیکار با مؤمنان ، دلیل محبوبیت آنها نزد خداوند نیست .

و لاتهنوا . . . و ليعلم الله الذين امنوا ... و الله لا يحب الظالمين

بنابر اینکه مراد از ظالمان، همان پیروزمندان جنگ احد باشد، خداوند به مؤمنان یادآور می شود که پیروزی مشرکان، حاکی از محبت الهی به ایشان نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۵

۵ جریان اراده الهی در مسائل روانی ، اجتماعی و تاریخی انسان ، از طریق اسباب و علل طبیعی

نداولها بين الناس . . . و ليمحص الله الذين امنوا و يحق الكافرين

خداوند برای خالص کردن مؤمنان که مسأله ای روانی است و نابودی کفار که از مسائل اجتماعی و تاریخی است ، از طریق علل و اسبابی همانند شکست و پیروزی، اراده خویش را اعمال می کند.

جلد - نام سوره - سوره -

۱۱ سستی پیکارگران در برابر هجوم حوادث دشوار جنگ ، موجب ناتوانی آنان در برابر دشمن و خوارکننده آنان

قاتل معه .. فما وهنوا لما اصابهم في سبيل الله و ما ضعفوا و ما استكانوا

ترتیب ذکرى <وهن> و <ضعف> و <استكانت>، مى تواند اشاره به ترتیب خارجى آن باشد: يعنى اول سستى و آنگاه ضعف و سپس تسليم و زبونى در برابر دشمن، حاصل خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ امداد غیبی خداوند ، در شکست کافران شرک پیشه

و هو خير الناصرین. سنلقى في قلوب الذين كفروا الرعب بما اشرکوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ تلاش مستمر پیامبر (ص) برای جلوگیری از شکست مسلمانان در کارزار احد

و الرسول يدعوكم في اخرجكم

۱۴ اندوه مسلمانان از شکست در کارزار احد و پیروز نشدن بر مشرکان

فانابكم غمًا بغم

جمله <فانابكم>، عطف بر جمله <و لقد عفا عنكم> است و کلمه <باء> در <بغم> بدلیه است، و مراد از <غمًا> به دلیل کلمه <انابکم> که دلالت بر مرحمت و لطف دارد و نیز به دلیل اینکه پس از عفو واقع شده، غم و اندوهی پسندیده است و این غم پسندیده همان غم پیروزی کافران بر مسلمانان خواهد بود و یا غم و اندوه به خاطر پیروی نکردن از رسول خدا (ص) و سست آمدن در رویارویی با دشمن است.

در جنگ احد ، موجب افزایش اندوه آنان از شکست در آن کارزار

امام باقر (ع) درباره <فَاتَابِكُمْ غَمًّا بَغَمٍّ > فرمود: فَاَمَّا الْغَمُّ الْاَوَّلُ فَالْهَزِيمَةُ وَالْقَتْلُ وَ اَمَّا الْاٰخِرُ فَاشْرَافُ خَالِدِ بْنِ الْوَلَيْدِ عَلَيْهِمُ .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۶،۲۶

۱۶ پندار اینکه خداوند نباید مسلمانان را مبتلا به شکست کند ، پنداری جاهلانه و باطل

يُظَنُّونَ بِاللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ .. يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْاَمْرِ مِنْ شَيْءٍ

۲۶ پیروزی و فتح یا شکست و شهادت مسلمانان ، نشانه حقیقت و یا باطل بودن اسلام نیست .

ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ .. يَقُولُونَ لَوْ كَانْ لَنَا مِنَ الْاَمْرِ شَيْءٌ مَا قَتَلْنَا هَهْنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۳

۳ شکست در پیکار احد ، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و یا منافقان ، علیه اسلام ، پیامبر (ص) و مسلمانان

يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا لَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَقَالُوْا لَآ اٰخِرٰنَ لَهُمْ .. مَا مَاتُوْا وَ م

کشته شدن عده ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و یا منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف بودند، ماجرای احد و کشته های فراوان آن را حربه تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می گفتند اگر نظر ما را می پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی شدند، این حوادث ناگوار پیش نمی آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ گلابه برخی مسلمانان از نتایج

دردناک نبرد احد و شکست در آن

اولما اصابتکم مصیبه .. قلم ائی هذا

این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

۲ ضربه و مصیبت وارده بر کافران در جنگ بدر، دو برابر مصیبتی که بر پیکارگران مؤمن در جنگ احد وارد شد.

اولما اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلها

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از <اصبتم مثلها> (دو چندان مصیبتی که دیدید، بر کافران وارد کردید) مصیبتی است که مؤمنان در پیکار بدر بر مشرکان تحمیل کردند. این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

۳ شکست و مصیبت سنگین مسلمانان در پیکار احد، دور از انتظار ایشان بود.

اولما اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلها

کلمه <ائی> به معنای <من این> (از کجا و از چه روی) می باشد و <هذا> اشاره به مصیبت است.

۴ یادآوری خاطره پیروزی مسلمانان در پیکار بدر، التیام بخش رنج و آثار روحی دردناک شکست نبرد احد

اولما اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلها

جمله <قد اصبتم مثلها>، که اشاره به پیروزی بزرگ مسلمانان در بدر است، بدان جهت ایراد شده که با یاد آن خاطره بزرگ، مسلمانان مصیبت احد را در مقایسه با پیروزی بدر کوچک شمرند و در نتیجه، رنج مصیبت احد را نادیده انگارند.

۵ پندار ناصواب برخی پیکارگران احد در تحلیل عوامل شکست آن نبرد

ائی هذا قل هو من عند انفسکم

جمله <ائی هذا> به این مطلب اشاره دارد که گویا مجاهدان احد علت شکست آن نبرد را بیرون از عملکرد خویش می دانستند، که جمله <من عند انفسکم> ریشه صحیح آن را گوشزد می کند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۷

۷ رنج ها و شکست های جامعه ایمانی ، وسیله آزمایشی برای معلوم نمودن صف مؤمنان استوار از غیر ایشان

و ما اصابکم يوم التقى الجمعان فباذن الله و ليعلم المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۴

۴ تلفات سنگین مسلمانان در پیکار احد

و ما اصابکم .. لو اطاعونا ما قتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۶

۶ سختی ها ، مصیبت ها و جنگ ها (شکست ها و پیروزی ها) ، وسایل آزمایش الهی برای بندگان

حتی یمیز الخبیث من الطیب

به مقتضای ارتباط میان این آیه و آیات پیشین، از وسایل آزمایش الهی، همان نبردها مشکلات آن است ؛ چنانچه در نبرد احد پیش آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱۲

۱۲ کتمان حقایق و دیگر ترفند های عالمان اهل کتاب ، آنان را از عذاب دنیا (ذلت ، شکست و ...) نجات نخواهد داد .

لا تحسبنّ الذین .. بمفازه من العذاب

در برداشت فوق، عذاب اول، به قرینه تکرار آن، عذاب دنیوی گرفته شده است.

آثار اعلام شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۷

۷- اعلام پیروزی قطعی حق بر باطل ، مایه امید مؤمنان و یأس مشرکان و باطل گرایان

و قل جاء الحقّ و

زهق البطل إن البطل كان زهوقاً

اعلام صریح بر شکست قطعی باطل، در پی بیان تلاشهای کافران جهت اخراج پیامبر(ص) از مکه، می تواند برای تقویت بنیه روانی مؤمنان و ایجاد یأس در دل مشرکان باشد.

آثار ایمان به شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲

۲- ایمان به پیروزی راه ایمان و شکست نهایی کافران، مقتضی صلابت و جدیت مؤمنان در نبرد با جبهه کفر

الذین كفروا .. أضلّ أعمالهم ... فإذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب

فاء در <فإذا لقيتم> مفید ترتب و نتیجه است؛ یعنی، اکنون که دانستید تلاش کافران بی ثمر خواهد ماند (أضلّ أعمالهم) و فرجام مؤمنان به صلاح خواهد گرایید (أصلح بالهم) پس دلگرم باشید و با یقین به پیروزی نبرد کنید (فإذا لقيتم) .. فضرب الرقاب).

آثار شکست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۱

۱ شکست و پیروزی مؤمنان در جنگ با کافران، عاملی برای خالص سازی مؤمنان

و تلك الايام نداولها .. و ليمحص الله الذين امنوا

فعل <يَمْحِصُ> از مصدر <تمحيص> به معنای خالص کردن از ناخالصیها و نقصهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۷،۳۶

۱۷ شکست ها و حوادث ناگوار، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه در مورد حَقانیت پیامبر (ص) و وعده های خدا به پیروزی آنان

طائفه . . يقولون هل لنا من الامر من شيء

۳۶ حوادث تلخ پیکار احد ، موجب برملا شدن جناح دنیاطلب و

خودم محور، از میان مسلمانان آخرت طلب خداجو

و لیتلی اللّٰه ما فی صدورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۱

۱۱ شکست ها و سختی ها، زمینه ساز پراکندگی جامعه از پیرامون رهبران خود، و مدارای ایشان با آنان از میان برنده آن زمینه هاست . *

فبما رحمہ من اللّٰه لنت لهم و لو کنت فظًا غلیظ القلب لانفضوا من حولک

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، که شکست نبرد احد و مشکلات ناشی از آن را مطرح ساخت، می توان نتیجه گرفت که شکست و مشکلات آن نبرد، زمینه پراکندگی مسلمانان را از پیرامون رسول خدا (ص) فراهم ساخت و آنچه در این میان مانع از گسیختن مردم از پیرامون پیامبر (ص) شد، خلق خوش و مدارای آن حضرت با مردم بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۲

۲ هنگامه های دشوار (شکست ها، رنج ها و مصیبت ها)، ابزاری برای شناسایی جناح منافقان و سست ایمانان، از مؤمنان واقعی و استوار

و ما اصابکم .. و لیعلم الذّٰین نافقوا

آثار شکست اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۱، ۴

۴ - شکست اصحاب فیل، زمینه ساز گرفتار نشدن قریش، به فقر اقتصادی و گرسنگی فراگیر و جان فرسا

ألم تر کیف فعل ربّک بأصحاب الفیل .. لإیلف قریش ... الذّٰی أطعمهم من جوع

نکره بودن <جوع>، بر شدت آن دلالت

دارد.

۱۱ - شکست اصحاب فیل ، از میان برنده زمینه تهاجم دیگران به مکه و برطرف سازنده ترس شدید قریش از دشمن

و ءامنهم من خوف

نکره بودن <خوف>، بر شدت آن دلالت دارد.

آثار شکست بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱۲

۱۲- روی کرد عمومی بنی اسرائیل به صلاح و شایستگی ، پس از تحمل مجازات افساد خویش و قبول شکست از مردانی جنگاور

لتفسدنّ فی الأرض .. بعثنا علیکم عبادًا لنا أُولی بأس شدید ... ثمّ رددنا لکم ال

قرینه دو آیه بعد <إن عدتم عدنا> دلالت می کند بر اینکه بنی اسرائیل پس از شکست خود، متنبه شده اند و برای همین جهت، خداوند هم آنان را امداد کرده است.

آثار شکست بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۲

۲ - شکست یهود بنی نضیر ، نمودی از شکست ناپذیری و حکمت خداوند

و هو العزیز الحکیم . هو الذی أخرج الذین کفروا

ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (و هو العزیز الحکیم) بیانگر ارائه نمونه و مصداق، پس از بیان یک حقیقت کلی است.

آثار شکست در امتحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۵ - ۱۰

۱۰ عقوبت‌های الهی در انتظار کسانی است که در آزمون الهی ناموفق باشند.

لیلوکم فی ما ااتیکم إن ربک سریع العقاب

آثار شکست در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۶

۶ شکست و پیروزی در جنگ

، وسیله ای برای نابودی تدریجی کافران

نداولها بین الناس ... و لیمحص الله الذین امنوا و یمحق الکافرین

<محق>، به معنی نابودی تدریجی است. (مجمع البیان).

آثار شکست در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۵

۲۵ شهادت برخی از پیکارگران احد و شکست در آن کارزار، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه

يقولون لو كان لنا من الامر شيء ما قتلنا ههنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶

۳ شکست در پیکار احد، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و یا منافقان، علیه اسلام، پیامبر (ص) و مسلمانان

يا ايها الذين امنوا لا تكونوا كالدّين كفروا و قالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و م

کشته شدن عدّه ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و یا منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف بودند، ماجرای احد و کشته های فراوان آن را حربه تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می گفتند اگر نظر ما را می پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی شدند، این حوادث ناگوار پیش نمی آمد.

آثار شکست در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۳۱

۳۱ - تردید در عالمانه و حکیمانه بودن احکام دین و انطباق آن با مصالح واقعی بشر، از عوامل عدم پابندی به آن *

ذلکم حکم الله .. و الله علیم حکیم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که

پس از بیان حکم الهی، برای تأکید بیشتر بر اهمیت این حکم و پابندی مؤمنان به آن، موضوع علم و حکمت صادرکننده آن حکم تذکر داده شده است.

آثار شکست دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۵،۱۰

۵- اهتمام به گرفتن اسیر در میدان جنگ، قبل از متلاشی ساختن دشمن، کاری نادرست و مخالف اصول جنگ

فَضْرِبِ الرِّقَابَ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتْمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ

از آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، به سپاه اسلام شیوه و قانون جنگ و نکاتی را که موجب قوت و پیروزی آنان می شود آموخته است و به آنان تذکر داده که مبادا، به هوای گرفتن اسیر خود را به شکست بکشانند.

۱۰- عدم جواز کشتن دشمن، پس از زمین گیر شدن و قدرت نداشتن او بر دفاع *

فَضْرِبِ الرِّقَابَ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتْمُوهُمْ

مفهوم <حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتْمُوهُمْ>، ممکن است این باشد که پس از زمین گیر شدن دشمن و ناتوانی وی بر دفاع از خویش، کشتن او (ضرب الرقاب) لازم نیست؛ بلکه موقع اسیر گرفتن او <شُدُّوا الْوَتَاقَ> است.

آثار شکست رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۷،۸

۷- شکست رومیان، حادثه ای حزن انگیز برای مؤمنان صدر اسلام بود.

غلبت الروم . . . و یومئذ یفرح المؤمنون

احتمال دارد که شادمانی مسلمانان، به خاطر این باشد که مسلمانان مکه، از شکست رومیان، به عنوان جبهه جناح مؤمنان، اندوهگین شده بودند و خداوند به آنان اعلام می کند که اندوه شان بر طرف خواهد شد.

۸- شکست و پیروزی روم

، امری سرنوشت ساز برای مؤمنان و مشرکان عصر بعثت بوده است .

و یومئذ یفرح المؤمنون

بیان شکست رومیان مسیحی در برابر ایرانیان و نیز پیشگویی شکست ایرانیان از رومیان و سرور و فرح مؤمنان از پیروزی رومیان، حکایت از این می کند که چنین تحولاتی برای گروه های یاد شده، مهم و سرنوشت ساز بوده است.

آثار شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۳

۳ - شکست کافران و مشرکان در پیکار با اسلام و مسلمانان ، جلوه عذاب الهی

من یأتیه عذاب یخزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۹، ۶

۶- اسیر کردن نیرو های دشمن در میدان جنگ ، امری مجاز پس از متلاشی کردن سپاه کفر و زمین گیر ساختن آنان

حتّٰی إذا أثنتموهم فشدّوا الوثاق

۱۹- امت اسلامی ، موظف به نبرد بی امان با جبهه کفر تا فرونشاندن شعله های شرارت آنان

فشدّوا الوثاق ... حتّٰی تضع الحرب أوزارها

خطاب آیه، می تواند به امت اسلامی در همه زمان ها باشد، یعنی، هرگاه جبهه کفر با اسلام به ستیز برخاست، مسلمانان موظف اند تا مرحله خلع سلاح جبهه کفر به مبارزه ادامه دهند. این مطلب از ملاک هایی که آیه به دست داده است (أثنتموهم ... تضع الحرب) استفاده می شود.

آثار شکست مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۳

۳ - شکست کافران و مشرکان در پیکار با اسلام و مسلمانان ، جلوه عذاب الهی

من یأتیہ عذاب یخزیہ

آرزوی شکست اسلام

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۳

۳ - کافران ، در آرزوی مرگ پیامبر (ص) و مؤمنان و شکست اسلام به سر می بردند .

قل أرى إيتم إن أهلكنى الله و من معى

مفسران (صاحب مجمع البيان، تفسیر کبیر و ..) نوشته اند: این آیه و آیات مشابه آن (مانند آیه ۳۰ سوره <طور> و آیه ۱۲ سوره <فتح>)، اشاره به این حقیقت تاریخی دارد که کافران و مشرکان، پیوسته در آرزوی مرگ پیامبر(ص) و مؤمنان و در نتیجه شکست کامل اسلام، به سر می بردند.

آرزوی شکست محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۳

۳ - کافران ، در آرزوی نابودی و شکست پیامبر (ص) به سر می بردند .

الذین كفروا لیزلقونك بأبصرهم لَمَّا سمعوا الذکر

آرزوی شکست محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۳

۳ - کافران ، در آرزوی نابودی و شکست پیامبر (ص) به سر می بردند .

الذین كفروا لیزلقونك بأبصرهم لَمَّا سمعوا الذکر

آرزوی شکست مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۱۹، ۶

۶ - آرزوی ناکامی برای جامعه ایمانی ، عامل بدبختی اخروی منافقان

و تَرَبُّصْتُمْ

۱۹ - آرزوی ناکامی برای جامعه ایمانی ، تردید در باور های دینی ، فریفتگی به آرزو های باطل و مظاهر دنیا و غفلت از خداوند ، از اوصاف منافقان و از نشانه های نفاق

و غَزَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ

ادعای شکست محمد(ص)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۵

۵ - سردمدار منافقین (عبدالله بن اُبی) ، خود را عزیز و پیروزمند و پیامبر (ص) را ذلیل و شکست خورده می پنداشت .

ليُخْرِجَنَّ الْأَعَزَّ مِنْهَا الْأَذْلَّ

ادعای شکست ناپذیری انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۱

۱ - رفتار برخی از انسان ها ، بسان کسی است که خود را شکست ناپذیر و تواناترین موجود می پندارد .

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ

فاعل <يَحْسَبُ> ضمیری است که به <الإنسان> در آیه قبل برمی گردد و به قرینه آیات بعد، روی سخن با مؤمنان حقیقی نیست؛ بلکه کافران و یا آنها و منافقان مورد نظر هستند. بنابراین باید گفت: عموم <الإنسان>، یا عموم عرفی است و مراد بیشتر مردمی است که در زمان نزول این آیات، در مکه بوده و از زمره مؤمنان حقیقی نبودند و یا ارجاع ضمیر به آن، به صورت استخدام بوده و تنها بخشی از افراد مرجع ضمیر، مقصود هستند.

اطمینان به شکست محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۲

۲ - احساس اطمینان مشرکان صدراسلام نسبت به پیروزی جمع متحد خویش بر پیامبر (ص) و مؤمنان

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ

اطمینان به شکست موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۶

۶- ساحران فرعون ، شکست موسی (ع) را در صورت اقدام او به سحر ، حتمی دیده و نیازی

به وارد عمل شدن خود احساس نمی کردند . *

إِذَا أَنْ تَلْقَىٰ وَ إِذَا أَنْ نَكُونُ أَوْلَ مِنْ أَلْقَىٰ

ساحران دو شق تخییر را، به گونه ای بیان کردند که گویا اگر موسی(ع) ابزار سحر خود را بیفکند، کار او تمام است و ناتوانی او بر همگان روشن خواهد شد و تنها در صورتی که آنها دست به کار شوند، نوبت <اول> و <دوم> معنا پیدا می کند از این رو وصف <أَوْلَ مِنْ أَلْقَىٰ> را در باره موسی(ع) به کار نبردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۹ - ۲

۲ - اطمینان فرعون و درباریان او به غلبه ساحران کار آزموده بر موسی (ع)

و قیل للناس هل أنتم مجتمعون

دعوت از مردم، می تواند نشانگر اطمینان فرعونیان به پیروزی ساحران باشد. گفتنی است که تعبیری چون: <لعلنا> و <إن كانوا> که بیانگر نوعی تردید بوده و در آیه بعدی آمده است شگردی تبلیغی برای تهییج ساحران بود تا آنان توان خویش را در این راه به کار گیرند.

اطمینان به شکست مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۲

۲ - احساس اطمینان مشرکان صدر اسلام نسبت به پیروزی جمع متحد خویش بر پیامبر (ص) و مؤمنان

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ

اعلام شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۱۸

۱- فرمان خدا به پیامبر (ص) برای اعلام غلبه حتمی حق و اضمحلال قطعی باطل ، به مشرکان مکه

وقل جاء الحقّ و

زهق البطل

۸- تبلیغ و اعلان ناپایداری و شکست پذیری جریان باطل ، روشی برای بازداشتن مردم از روی کرد به باطل و تلاشی جهت مبارزه با آن

و قل جاء الحقّ و زهق البطل إن البطل كان زهوقاً

تعلیل شکست قطعی باطل، به اینکه ماهیت باطل شکست پذیر است، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

امتحان با شکست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۲

۲۲ شکست پیکارگران احد ، آزمایش الهی برای آنان

ثم صرفکم عنهم لیتلیکم

<صرفکم عنهم> یعنی شما را از تعقیب دشمن درگیر منصرف ساخت و لازمه این انصراف، شکست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۶

۱۶ پندار اینکه خداوند نباید مسلمانان را مبتلا به شکست کند ، پنداری جاهلانه و باطل

یظنون بالله غیر الحقّ .. یقولون هل لنا من الامر من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۷

۷ رنج ها و شکست های جامعه ایمانی ، وسیله آزمایشی برای معلوم نمودن صف مؤمنان استوار از غیر ایشان

و ما اصابکم یوم التقی الجمعان فباذن الله و ليعلم المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ سختی ها ، مصیبت ها و جنگ ها (شکست ها و پیروزی ها) ، وسایل آزمایش الهی برای بندگان

حَتَّى يَمِيزَ الْخَيْبَ مِنَ الطَّيِّبِ

به مقتضای ارتباط میان این آیه و آیات پیشین، از وسایل آزمایش الهی، همان

نبردها مشکلات آن است؛ چنانچه در نبرد احد پیش آمد.

انتظار شکست اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۷

۷- کافران صدراسلام در انتظار شکست و نابودی اسلام بودند .

قل کلّ متربّص فترّبصوا فستعلمون

انتظار شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور به صبر و انتظار در خصوص شکست کافران معاند و عذاب شدن آنان

فتولّ عنهم .. و أبصرهم

توصیه به نظاره کردن بر احوال کافران معاند پس از توصیه به بی‌اعتنایی به آنان (فتولّ عنهم ..) در حقیقت سفارش به صبر و انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۳

۳ - پیامبراسلام (ص) ، مأمور به صبر و انتظار در خصوص شکست کافران معاند و عذاب شدن آنان

و تولّ عنهم .. و أبصر

توصیه به نظاره کردن بر احوال کافران معاند، پس از سفارش به بی‌اعتنایی به آنان (و تولّ عنهم) در حقیقت، توصیه به صبر و انتظار است.

انذار از شکست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - خداوند ، جبهه مخالف اسلام را به شکست ذلت بار هشدار داد .

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كَبِتُوا

اهمیت شکست دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۶

۱۶- لزوم حفظ حالت جنگی و تهاجم بر

دشمن ، برای کشتن و اسیر گرفتن تا زمان فرو نشستن شعله های نبرد

حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا

می توان گفت: <حَتَّى تَضَعَ..> غایت برای مجموع پیام آیه است که عبارت بود از یورش بر دشمن، برای نابود ساختن و اسیر گرفتن آنان.

بشارت شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ نوید خداوند به پیروزی حق و استقرار آن در زمین و شکست باطل و رخت بر بستن آن

فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً و أما ما يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ

بشارت شکست بدگویان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۷

۷ - نوید خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر شکست قریب الوقوع تکذیب کنندگان و بدگویان

و مَهْلَهُمْ قَلِيلًا

بشارت شکست دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۴

۴ - خداوند ، مسلمانان صدراسلام را به پیروزی حتمی و شکست جبهه دشمن ، نوید داد .

كُتِبَ اللَّهُ لِأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرَسُلِي

بشارت شکست رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۴

۴ - بشارت و نوید خداوند به شکست سران کفر و شرک و پیروزی مسلمانان در دوران بعثت

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بشارت شکست رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۴

۴ - بشارت و نوید خداوند به شکست سران کفر و شرک و پیروزی مسلمانان در دوران

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بشارت شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۵

۵ - نوید خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر دگرگون ساختن وضع مکه و غلبه دادن توحید و ایمان بر شرک و کفر (به هنگام بازگرداندن مجدد وی به آن شهر)

لرأدک إلی معاد

<معاد> در آیه، نکره موصوفه است که صفت آن حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لرأدک إلی معاد غیر ما هو الآن>؛ ترا به شهری بازمی گرداند که وضع آن غیر از وضعی باشد که الآن دارد. بنابراین تعبیر یاد شده به بازگشت فاتحانه پیامبر(ص) به مکه و دگرگون شدن اوضاع آن شهر با ورود آن حضرت اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵ - ۱

۱ - بشارت به پیروزی پیامبر اسلام (ص) بر کافران

فستبصر

آیه شریفه، بشارت و تهدید است؛ بشارت پیروزی پیامبر اسلام (فستبصر) و تهدید کافران به شکست و نابودی (و یبصرون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۲

۲ - پیشگویی قرآن و بشارت خداوند به شکست خفت بار کافران تکذیب گر

سنسمه علی الخرطوم

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که آیه شریفه درصدد پیشگویی و بشارت به شکست ذلت بار کافران در جنگ های آتی

است.

بشارت شکست مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۵

۵ - نوید خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر دگرگون ساختن وضع مکه

و غلبه دادن توحید و ایمان بر شرک و کفر (به هنگام بازگرداندن مجدد وی به آن شهر)

لرَادُكْ إِلَىٰ مَعَادِ

<معاد> در آیه، نکره موصوفه است که صفت آن حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لرَادُكْ إِلَىٰ مَعَادِ غَيْرِ مَا هُوَ الْآنَ>؛ ترا به شهری بازمی گرداند که وضع آن غیر از وضعی باشد که الآن دارد. بنابراین تعبیر یاد شده به بازگشت فاتحانه پیامبر(ص) به مکه و دگرگون شدن اوضاع آن شهر با ورود آن حضرت اشاره دارد.

بشارت شکست مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۲

۲ - پیشگویی قرآن و بشارت خداوند به شکست خفت بار کافران تکذیب گر

سنسمه علی الخرطوم

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که آیه شریفه درصدد پیشگویی و بشارت به شکست ذلت بار کافران در جنگ های آتی است.

بشارت شکست مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۷

۷ - نوید خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر شکست قریب الوقوع تکذیب کنندگان و بدگویان

و مهلهم قليلاً

پیشگویی شکست بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۲ - ۶

۶ - خبردادن خداوند ، از شکست حتمی یهود و برخوردار نشدن آنان از هیچ امداد

ثم لا ينصرون

پیشگویی شکست رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۱

۱ - پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالك مهزوم من

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. از این رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

پیشگویی شکست رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۱

۱ - پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. از این رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

پیشگویی شکست فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - موسی (ع) با توجه به افترا های فرعونیان بر خداوند، به آنان هشدار داد و شکست و ناکامی را برای آنان پیش بینی کرد.

ويلکم لاتفتروا علی الله... و قد خاب من افتري

پیشگویی شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و

مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّى حين . و أبصرهم فسوف يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّى حين . و أبصر فسوف يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۲

۲ - پیشگویی قرآن و بشارت خداوند به شکست خفت بار کافران تکذیب گر

سنسمه علی الخرطوم

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که آیه شریفه درصدد پیشگویی و بشارت به شکست ذلت بار کافران در جنگ های آتی است.

پیشگویی شکست مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّى حين . و أبصرهم فسوف يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّى حين . و أبصر فسوف يبصرون

پیشگویی شکست مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۲

۲ - پیشگویی قرآن و بشارت خداوند به شکست خفت بار کافران تکذیب گر

سنسمه علی الخرطوم

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که آیه شریفه در صدد پیشگویی و بشارت به شکست

ذلت بار کافران در جنگ های آتی است.

تبلیغ شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۸

۸- تبلیغ و اعلان ناپایداری و شکست پذیری جریان باطل ، روشی برای بازداشتن مردم از روی کرد به باطل و تلاشی جهت مبارزه با آن

و قل جاء الحقّ و زهق البطل إن البطل كان زهوقاً

تعلیل شکست قطعی باطل، به اینکه ماهیت باطل شکست پذیر است، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

ترس از شکست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ داشتن پناهگاهی امن در صورت شکست اسلام ، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر (ص) با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

تعجیل در شکست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۶ - ۲

۲ - سرزنش شدن مشرکان و کافران معاند از سوی خداوند ، به جهت شتاب آنان در نزول عذاب و شکست

أفبعذابنا يستعجلون

تهدید به شکست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - کافران و مشرکان ، به عذاب و شکست تهدید شدند .

و لتعلمنّ نبأه بعد حين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۸

۸ - دلدارى خداوند به مؤمنان و تهدید کافران و مشرکان حق گریز به انتقام و شکست

أليس الله بعزیز ذی انتقام

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که

ذیل آیه شریفه که از عزت و انتقام خداوند سخن گفته دارای لحن تهدیدآمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۷

۷ - تهدید منافقان به شکست ذلت بار از سوی خداوند

ليُخْرِجَنَّ الْأَعَزَّ... وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵ - ۲

۲ - تهدید خداوند به شکست کافران ، در جنگ با پیامبر (ص) و مسلمانان

و يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۱

۱ - مرفهان تکذیب گر از سوی خداوند ، به عذاب و شکست تهدید شدند .

و ذرني و المكدئين

تعبیر (مرا با تکذیب گران واگذار) تعبیری تهدیدآمیز است. تهدید الهی هم ممکن است، ناظر به شکست کافران در جنگ ها باشد و هم عذاب اخروی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - تهدید شدن ولیدبن مغیره به عذاب و شکست ، از سوی خداوند

ذرني و من خلقت وحيداً

مطابق نظر مفسران، این آیه تا آیه ۲۵ درباره ولیدبن مغیره (یکی از سران مکه) نازل شده است (مجمع البیان). گفتنی است کلمه <وحیداً> در این برداشت، حال برای <یا> در <ذرنی> است و عبارت <ذرنی و من خلقت وحیداً> (مرا تنها

بگذار با آن کس که خلقتش کردم) و مانند آن، برای تهدید می باشد.

۲- سران کفر و شرک ، مورد تهدید خداوند به عذاب و شکست

ذرنی و من خلقت وحیداً

تهدید

به شکست ذلت بار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۲

۲ - پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به مقابله فرا خواند و به شکست ذلت بار (چون شکست روز بدر) تهدید کرد .

من یأتیه عذاب یخزیه

بیشتر مفسران بر این دیدگاه اند که مقصود از عذاب خوارکننده در دنیا، شکست کافران و مشرکان معاند در جنگ ها (همچون جنگ بدر) است.

حتمیت شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۲

۲ - غلبه حق بر باطل ، قانون مکتوب الهی است .

كتب الله لأغلبن أنا ورسلي

حتمیت شکست حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ شکست نهایی در جنگ بین حق و باطل ، سرنوشت محتوم حق ستیزان و باطل مداران مفسد است .

إن الله سيظلمه إن الله لا يصلح عمل المفسدين

حتمیت شکست دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۲

۲- با رسیدن نصرت الهی ، پیروزی بر دشمن قطعی است .

إذا جاء نصر الله و الفتح

حتمیت شکست دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۰ - ۷

۷- خداوند ، جبهه مخالف اسلام (منافقان و عموم دشمنان خدا و پیامبر (ص)) را به شکست حتمی و ذلت بار هشدار داد .

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ .. أُولَئِكَ فِي الْأَذْلَى

حتمیت شکست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۰ - ۷

۷ - خداوند ، جبهه مخالف اسلام (منافقان و عموم دشمنان خدا و پیامبر (ص)) را به شکست حتمی و ذلت بار هشدار داد .

إِنَّ الَّذِينَ يَحَادُّونَ ... أَوْلَئِكَ فِي الْأَذْلَى

حتمیت شکست دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۰ - ۷

۷ - خداوند ، جبهه مخالف اسلام (منافقان و عموم دشمنان خدا و پیامبر (ص)) را به شکست حتمی و ذلت بار هشدار داد .

إِنَّ الَّذِينَ يَحَادُّونَ ... أَوْلَئِكَ فِي الْأَذْلَى

حتمیت شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۱

۱ تلاش های کافران ، در منحرف ساختن جامعه بشری از راه خدا ، محکوم به شکست حتمی و نهایی است .

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَلُهُمْ

<أَعْمَلُهُمْ> نظر به تلاش های کفرآمیز و انحراف انگیز کافران دارد که از واژه <صَدَّوْا> استفاده می شود. شکست حتمی و نهایی از آن جهت برداشت می شود که گوینده <أَضَلَّ> خداوند است و اگر کافران در ظاهر پیشرفت هایی هم داشته باشند، در نهایت محکوم به شکست اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۶

۶ - تأکید خداوند ، بر پیروزی پیامبر (ص) و ناکامی کافران تکذیب گر

و کذبوا .. و کلّ أمر مستقرّ

بیان کلی خداوند در تحقق و استقرار برنامه های از

پیش تعیین شده، در حقیقت نویدی به مؤمنان و تهدیدی به کافران است که رسالت پیامبر(ص) سرانجام تثبیت خواهد شد و تکذیب گران کاری از پیش نخواهند برد.

حتمیت شکست مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ شکست نهایی در جنگ بین حق و باطل ، سرنوشت محتوم حق ستیزان و باطل مداران مفسد است .

إِنَّ اللَّهَ سَيُطْلِعُ إِنْ اللَّهَ لَا يَصْلِحُ عَمَلُ الْمُفْسِدِينَ

حتمیت شکست منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۰ - ۷

۷ - خداوند ، جبهه مخالف اسلام (منافقان و عموم دشمنان خدا و پیامبر (ص)) را به شکست حتمی و ذلت بار هشدار داد .

إِنَّ الَّذِينَ يَحَادُّونَ .. أَوْلَئِكَ فِي الْأَذْلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۰

۱۰ - تضمین عزت و پیروزی پیامبر (ص) و مؤمنان ، از سوی خداوند در قبال توطئه های منافقان

لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزَّ .. وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ

خدا و شکست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۰ - ۴

۴ - خداوند ، مغلوب کسی یا چیزی واقع نمی شود .

و ما نحن بمسبوقين

رؤيت شكست كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۲

۲ - قابل درك و مشاهده بودن نشانه های شكست و نابودی كافران و مشركان معاند برای پیامبر (ص)

و أبصرهم

برداشت یاد شده از

آن جا است که توصیه به دقت کردن در وضعیت کافران، مربوط به زمان بعد از شکست و عذاب نیست؛ بلکه به زمان قبل از آن ارتباط دارد. بنابراین پیش از شکست و یا نزول عذاب، آثار آن برای پیامبر(ص) قابل رؤیت و درک بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۲

۲ - قابل درک و مشاهده بودن نشانه های شکست و نابودی کافران و مشرکان معاند برای پیامبر (ص)

و أبصر

برداشت یاد شده از آن جا است که توصیه به دقت کردن در وضعیت کافران، مربوط به زمان بعد از شکست و عذاب نیست؛ بلکه به زمان قبل از آن ارتباط دارد. بنابراین پیش از شکست و یا نزول عذاب، آثار آن برای پیامبر(ص) قابل مشاهده و درک بود.

رؤیت شکست مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۲

۲ - قابل درک و مشاهده بودن نشانه های شکست و نابودی کافران و مشرکان معاند برای پیامبر (ص)

و أبصرهم

برداشت یاد شده از آن جا است که توصیه به دقت کردن در وضعیت کافران، مربوط به زمان بعد از شکست و عذاب نیست؛ بلکه به زمان قبل از آن ارتباط دارد. بنابراین پیش از شکست و یا نزول عذاب، آثار آن برای پیامبر(ص) قابل رؤیت و درک بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۲

۲ - قابل درک و مشاهده بودن نشانه های شکست و نابودی کافران و مشرکان معاند برای پیامبر (ص)

و أبصر

برداشت یاد شده از آن جا است که توصیه به دقت کردن در وضعیت کافران، مربوط به زمان بعد از شکست و عذاب نیست؛ بلکه به زمان قبل از آن ارتباط دارد. بنابراین پیش از شکست و یا نزول عذاب، آثار آن برای پیامبر(ص) قابل مشاهده و درک بود.

زمینه شکست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۸

۸ ناکامی و شکست، سرنوشت حتمی پذیرندگان ولایت یهود، نصارا و دیگر کافران

و من يتول الله و رسوله و الذين ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

حصر در جمله <فان حزب الله ..> می تواند ناظر به پندار غلط کسانی باشد که برای مصون ماندن از شکست احتمالی مسلمانان (نخشی ان تصیبا دائره) در صدد ایجاد روابط دوستی و ولایی با کافران بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۲

۱۲ صبر و تقوا، دو شرط اساسی برای پیروزی نهایی بر کافران و نایل شدن به فرجامی نیکوست.

فاصبر إن العقبه للمتقين

زمینه شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۵

۵- نابودی باطل و اندیشه های نادرست، در گرو حضور اهل حق در میدان مبارزه با باطل است.

بل نقذف بالحق علی البطل فیدمغه

<باء> در <بالحقّ> برای استعانت است. براین اساس معنای آیه چنین می شود: <ما به کمک حق بر باطل می گوئیم و نابودش می سازیم>. این معنا می رساند که حق باید در صحنه کارزار با باطل، حضور داشته باشد

تا به وسیله آن بتوان باطل و اندیشه های نادرست را نابود کرد. گفتنی است خداوند نابود ساختن باطل را به خود نسبت نداده؛ بلکه حق را نابود کننده باطل دانسته است (فیدمغه)، این نکته مؤید همین برداشت است.

زمینه شکست بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۷

۷- فسادانگیزی و بدکرداری بنی اسرائیل، زمینه ساز شکست و نابودی آنان

بعثنا علیکم عبادًا لنا .. و إن أسأتم فلها فإذا جاء وعد الآخره لیستوا وجوهکم

جمله <إن أسأتم> می تواند تبیین کننده علت شکست نخستین و سرکوب شدن بعدی بنی اسرائیل باشد؛ یعنی، شکستهای آنان نمونه و مصداقی از نتیجه بدیهای آنهاست.

زمینه شکست در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۴

۱۴ اسیر گرفتن از دشمن قبل از سرکوبی کامل آنان، زمینه ساز شکست و خلاف حکمت و مصلحت

ما کان لنبی . . . و الله عزیز حکیم

تذکر به عزت و حکمت خداوند پس از نهی وی از اسیر گرفتن قبل از تحکیم موقعیت، اشاره به این حقیقت دارد که تخلف از آن نهی خلاف مصلحت و زمینه ساز شکست می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۵، ۶

۵ گرفتن اسیر در جنگ بدر مقتضی شکست مسلمانان در آن نبرد

لولا کتب من الله سبق لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

برخی برآنند که مراد از <عذاب عظیم> شکست از دشمن در کارزار بدر است و مقصود از <کتب من الله ..>

< وعده پیروزی است که خداوند پیش از وقوع جنگ بدر مسلمانان را به آن بشارت داد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: اگر وعده الهی به پیروزی شما (رزمندگان بدر) نبود، به سبب گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن به شکست سختی گرفتار می شدید. (برگرفته شده از روح المعانی).

۶ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر، مانع شکست مسلمانان، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن)

لولا کتب .. عذاب عظیم

زمینه شکست دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۷

۷- ایمان به خدا و جهاد با مال و جان در راه او، مایه جلب نصرت الهی و شکست سریع جبهه دشمن

تؤمنون بالله .. و تجهدون ... و آخری تحبونها

زمینه شکست فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶ - ۳

۳- آگاهی قبلی فرعون از خطر ساز بودن بنی اسرائیل برای حکومت و نظام سرکوبگر وی

و نری فرعون و همن و جنودهما منهم ما کانوا یحذرون

زمینه شکست فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۲

۲- اختلاف و تشتت فرعونیان پس از سخنان موسی (ع)، خطری جدی و زمینه ساز تضعیف جبهه آنان، در میدان مقابله

بود.

ويلکم .. قالوا ... فأجمعوا کيدکم ثم اتوا صفًا

آيات یاد شده، جملگی نشانگر تلاش جدی فرعونیان برای حفظ اتحاد خود در برابر موسی (ع)

است و از زاویه دیگر، حکایت از خطری دارد که به خاطر بروز اختلاف، آنان را تهدید می کرده است.

زمینه شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ نقش مهم هجرت پیامبر (ص)، در فروشکستن صولت و شعار کفر و اعتلا یافتن کلمه الله

فقد نصره الله إذ أخرجه... و جعل كلمه الذين كفروا السفلى و كلمه الله هي العلى

زمینه شکست کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ نقش مهم هجرت پیامبر (ص)، در فروشکستن صولت و شعار کفر و اعتلا یافتن کلمه الله

فقد نصره الله إذ أخرجه... و جعل كلمه الذين كفروا السفلى و كلمه الله هي العلى

زمینه شکست مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۵

۵ گرفتن اسیر در جنگ بدر مقتضی شکست مسلمانان در آن نبرد

لو لا كتب من الله سبق لمسكم فيما أخذتم عذاب عظيم

برخی برآنند که مراد از <عذاب عظیم> شکست از دشمن در کارزار بدر است و مقصود از <كتب من الله...> وعده پیروزی است که خداوند پیش از وقوع جنگ بدر مسلمانان را به آن بشارت داد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: اگر وعده الهی به پیروزی شما (رزمندگان بدر) نبود، به سبب گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن به شکست سختی گرفتار می شدید. (برگرفته شده از روح المعانی).

سختی شکست بنی نضیر

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۹

۹ - شکست و تبعید یهود بنی نضیر ، امری دشوار و دور از انتظار برای مسلمانان

ما ظننتم أن یخرجوا

سنت شکست دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۱

۱ - پیروزی جبهه مؤمنان راستین و مقاوم و شکست دشمنان آنان ، سنت همیشگی خداوند

سَنَّهُ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِ

سنت در این آیه، نظر به آیه قبل دارد که درباره پیروزمندی مؤمنان بر کافران است.

شکست ابولهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۱ - ۴۸

۴ - ابولهب ، در رویارویی با اسلام ، ناکام ماند و دستش از رسیدن به مقصود ، کوتاه شد .

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ

استفاده از فعل ماضی در دعا و نفرین، برای حتمی دانستن آن است. برخی گفته اند: <تَبَّتْ> نفرین است و <تَبَّتْ> خبر. در این صورت برداشت یاد شده، وضوح بیشتری می یابد.

۸ - شکست خوردن ابولهب و بی ثمر بودن تلاش های او در برابر اسلام ، از پیشگویی های قرآن

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - ثروت ابولهب و جاه و مقامی که کسب کرده بود، او را از گرفتاری به هلاکت و ناکامی در تلاش هایش، رهایی بخشید.

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ . مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ

<أغنى عنه> یعنی، منصرف ساخت و بازگرداند از او

(برگرفته از نه‌ایه ابن اثیر). به قرینه آیه قبل و بعد، مراد بازداشتن از هلاکت و آتش جهنم است.

شکست احزاب صدراسلام در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۳

۳ - ائتلاف احزاب مختلف و لشگرکشی آنان علیه مسلمانان مدینه و شکست شان ، شایسته یادآوری است .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

<إذ جاءوكم> عطف بر <إذ جاتکم> در آیه پیش و متعلق فعل <أذکروا> در همان آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۰ - ۲

۲ - منافقان مدینه ، حتی پس از هزیمت احزاب متحد و عزیمت شان از اطراف مدینه ، گمان می کردند که آنان نرفته اند .

یحسبون الأحزاب لم یذهبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۱۲، ۶، ۳، ۱

۱ - پراکنده شدن احزاب متحد از اطراف مدینه ، به دست خداوند بود .

و ردّ الله الذین کفروا

۳ - احزاب متحد ، در حالی از محاصره مدینه ناامید و پراکنده شدند که آکنده از خشم بودند .

و ردّ الله الذین کفروا بغیظهم

<باء> در <بغیظ> برای ملاسه است و <بغیظهم> حال برای موصول <الذین کفروا> است.

۶ - آکنده شدن احزاب متحد از خشم و غضب ، معلول ناکامی آنان در تلاش شان بود .

و ردّ الله الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرًا

<لم ينالوا خيراً> می تواند حال برای <الذین كفروا> باشد و احتمال دارد که برای بیان <بغیظهم> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

۱۲ - توان مندی خداوند ، منشأ

فراهم آمدن زمینه پراکنده شدن احزاب متحد از اطراف مدینه

و ردّ الله الذین کفروا .. و کان الله قویاً

<و کان الله..> به منزله تعلیل برای جمله <و ردّ الله الذین کفروا> است.

شکست ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۷،۸

۷ تاریخ بشریت ، در آینده ، شاهد شکست تمامی ادیان و پیروزی و حاکمیت دین اسلام خواهد بود .

هو الذی أرسل رسوله .. لیظهره علی الدین کله

خداوند در آیه فوق از پیروزی قطعی اسلام بر تمام ادیان جهان، خبر داده و پیشگویی کرد و چون چنین چیزی در دوران رسالت پیامبر اسلام (ص) اتفاق نیفتاد به دست می آید که این پیروزی مربوط به آینده تاریخ بشریت است.

۸ تعلق اراده الهی در غلبه یافتن دین حق (اسلام) بر دیگر ادیان جهان ، علی رغم کراهت مشرکان

و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

شکست استبداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۱۰

۱۰- استبداد و خودرأیی ، محکوم به شکست است .

و خاب کلّ جنّار عنید

شکست اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۸

۱۸ تخطئه پندار بیماردلان سست ایمان درباره بی ثباتی و شکست اسلام از سوی خداوند

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ

شکست اسلام ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۴

۴ - تلاش برای خاموش کردن نور اسلام

، تلاشی مذبحانه و بی فرجام است .

یریدون لیطفوا نور الله .. و الله متمّ نوره

شکست امت های مفسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۴

۴- شکست امت های فسادگر به معنای قطع همیشگی رحمت الهی از آنان نیست .

عسی ربکم أن یرحمکم

شکست اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۱ - ۱۰، ۷، ۵، ۴

۴ شکست و فرار ، فرجام رویارویی و نبرد اهل کتاب (یهود) با مسلمانان

و إن یقتلوکم یولّوکم الادبار

۵ پیشگویی قرآن در عجز اهل کتاب ، از ضرر رسانیدن به مسلمانان و شکست و فرار آنان در پیکار با مسلمانان

لن یضروکم إلّا اذی و إن یقتلوکم یولّوکم الادبار

۷ اهل کتاب (یهود زمان پیامبر (ص)) ، آغازگر پیکاری که فرجامش جز شکست و فرار برای آنان نخواهد بود .

و إن یقتلوکم یولّوکم الادبار

چون نسبت قتال به اهل کتاب داده شده، معلوم می شود که آنان آغازگر پیکار خواهند بود.

۱۰ محرومیت اهل کتاب (یهود) از یاری دیگران ، پس از فرار و شکست در پیکار با مسلمانان

و إن یقتلوکم یولّوکم الادبار ثم لا ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ کتمان حقایق و دیگر ترفند های عالمان اهل کتاب ، آنان را از عذاب دنیا (ذلّت ، شکست و ...) نجات نخواهد داد .

لا تحسبنّ الذّین .. بمفازه من العذاب

در برداشت فوق، عذاب

اول، به قرینه تکرار آن، عذاب دنیوی گرفته شده است.

شکست اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۶

۶ - رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه *

من بعد أن أظفرکم علیهم

در صورتی که مراد از <بطن مکه> سرزمین حدیبیه باشد، احتمال می رود که تعبیر <من بعد أن أظفر> بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

شکست ایرانیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۱

۱ - تقویت جبهه رومیان و چیره ساختن آنان بر ایرانیان ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان عصر بعثت

سیغلبون ... وعد الله لا یخلف الله وعده

<وعد الله> مفعول مطلق فعل محذوف است و نویدهای خداوند در آیات قبل را تأکید می کند.

شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۱،۲،۳

۱- در نزاع میان جبهه حق و باطل ، پیروزی نهایی از آن حق مداران است .

بل نقذف بالحق علی البطل

۲- پیروزی عقیده و جهان بینی حق بر عقیده و جهان بینی باطل ، سنت الهی است .

و ما خلقنا السماء .. لعين ... بل نقذف بالحقّ على البطل فيدمغه

خداوند در آیه قبل، از هدفمند بودن آفرینش جهان و نیز بطلان عقیده به بیهوده بودن خلقت طبیعت سخن به میان آورده است. این سخن قرینه بر این است که مقصود

از حق و باطل در آیه شریفه، عقیده و جهان‌نگری حق و باطل است. گفتنی است که ذیل همین آیه (و لکم الویل ممّا تصفون) که در باره نسبت ناروا به خداوند و توصیف او به امور نادرست است، مؤید برداشت یاد شده است.

۳- پیروزی حق بر باطل، جلوه‌ای از هدف داری نظام آفرینش است.

و ما خلقنا السماء.. بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

خداوند در آیه قبل، سخن از آفرینش جهان براساس حق و هدفمند به میان آورد و در این آیه، پیروزی حق بر باطل را یادآور شد. ارتباط میان این دو گفتار بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۷

۱۷ جبهه‌گیری در برابر حق و مبارزه با رسالت‌های الهی محکوم به شکست است.

و لقد کذبت رسل من قبلك فصبروا .. حتی أتهم نصرنا و لا مبدل لکلمت اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۴

۱۴ پیروزی حق و شکست باطل، هدفی بس والاتراز رسیدن به ثروت دنیا در بینش الهی

تودون أن غیر ذات الشوکه تكون لکم و یرید اللّٰه .. و یقطع دابر الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۵

۱۵ باطل نمی‌تواند برای همیشه پوشاننده حق باشد.

الئن حصحص الحقّ أنا رودته عن نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۸

۸ - پیروزی نهایی در عرصه مبارزه

حق و باطل ، از آن جبهه حق خواهد بود .

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون .. قالوا ابنوا له بنيًا فألقوه فى الجحيم . ف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۲

۲ - جبهه كفر و باطل ، در مصاف با جبهه ايمان و حق ، محكوم به شكست است .

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۱

۱ - در جنگ حق و باطل ، غلبه با حق است .

كتب الله لأغلبن أنا و رسلى

شكست بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۵

۵ شكست مكر بنى اسرائيل عليه عيسى (ع)

و مكروا و مكر الله و الله خير الماكرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۳۶

۳۶ ناکامی بنی اسرائیل در آسیب رسانی به مسیح (ع) ، از نعمت های خاص خداوند بر آن حضرت

اذكر نعمتى عليك .. اذ كفت بنى اسرائيل عنك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱- بازگشت قدرت و توان بنی اسرائیل با اراده خداوند پس از نخستین شکست آنان

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ

<کره> در لغت به معنای بازگشت و دولت و نیز به معنای تجدید خلق پس از نابودی است. در هر حال، بازگشت قدرت و توان، از آن قابل استفاده است.

۴- وجود فاصله

میان نخستین شکست بنی اسرائیل و پیروزی آنان

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ

<ثم> دلالت بر تراخی و فاصله زمانی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۹

۹- مورد تاخت و تاز قرار گرفتن بنی اسرائیل به وسیله جنگاورانی قدرتمند، با فرا رسیدن دومین مرحله فسادانگیزی آنان و هویدا شدن غبار غم و شکست در چهره آنها

فَإِذَا جَاءَ وَعْدَ الْآخِرَةِ لِيَسْئُوا وَجُوهَكُمْ

ضمیر فاعلی <هم> در <لیسئوا> به <عباداً> باز می گردد و لام در آن برای تعلیل است؛ یعنی، بندگان ما برای اندوهگین کردن شما (بنی اسرائیل) بیایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱،۲

۱- ایجاد امیدواری به رحمت در بنی اسرائیل، علی رغم دو بار فسادانگیزی و شکست تلخشان به وسیله خداوند

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ

مخاطبان آیه با توجه به آیات قبل، بنی اسرائیل است.

۲- نابود و منقرض نشدن نسل بنی اسرائیل، علی رغم هجوم سنگین نیروهای توانمند و دو بار شکست سخت آنان

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ

شکست بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۶،۲۲

۶ - نخستین بسیج دفاعی مسلمانان در برابر یهودیان، منتهی به شکست و تبعید یهود بنی نضیر شد.

هو الذی أخرج الذین کفروا .. لأوّل الحشر

<حشر>، به معنای بیرون آوردن جماعت از مقر و گسیل داشتن آنان به جنگ نیز می باشد. بنابراین معنا <الحشر> در آیه شریفه، نظر به تجمع مسلمانان در برابر توطئه های بنی نضیر دارد.

۲۲ - غلبه اراده خدا بر استحکامات

بنی نضیر ، درسی برای صاحبان فهم و بصیرت

مانعتهم حصونهم .. فأتیهم الله من حیث لم یحتسبوا ... فاعتبروا یا اولی الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۵ - ۲

۲- فرجام یهود بنی نضیر در موضع گیری علیه اسلام ، منتهی به شکست آنان ، همچون فرجام مشرکان مکه در بدر *

کمثل الذین من قبلهم قریباً

برخی برآند که مراد از <الذین من قبلهم قریباً>، مشرکان مکه در بدر است.

شکست توطئه ابرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۲ - ۴

۴- عقیم ساختن توطئه ابرهه برای انهدام کعبه ، سزاوار تأمل و هشدار برای مخالفان اسلام

ألم یجعل کیدهم فی تضلیل

شکست توطئه دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۰ - ۵

۵- نیرنگ ها و دسیسه های اهل باطل در برابر اراده الهی ، ناتوان و نافرجام است .

و أرادوا به کیداً فجعلنهم الأخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۳ - ۳

۳- قدرت خداوند بر شکافتن تاریکی شب به وسیله سپیده صبح ، دلیل توانمندی او بر خشی ساختن تهدید های پوشیده و

توطئه های سرّی و شبانه دشمن

قل أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ . . . وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ

آیات بعد، قرینه بر این است که مراد از خطرهای شبانه، برنامه ریزی های کاملاً محرمانه دشمن در شب است.

شکست توطئه دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۶

سران کفر و شرک علی رغم به کار بردن شگرد های گوناگون تبلیغی علیه قرآن و پیامبر (ص) ، از دستیابی به اهداف خود ناتوان و ناکام بودند .

إِن هَذَا إِلَّا إِفْكَ .. قَالُوا مَا لِ هَذَا الرَّسُولِ ... لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ ... إِلَّا رَج

مقصود از ناتوانی در یافتن راه، می تواند ناتوانی از دستیابی به راه موفق و مؤثر برای پیگیری اهدافشان باشد؛ یعنی،
<فلا يستطيعون سبيلاً إلى إبطال أمرك..>

شکست توطئه دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۶

۶ سران کفر و شرک علی رغم به کار بردن شگرد های گوناگون تبلیغی علیه قرآن و پیامبر (ص) ، از دستیابی به اهداف خود ناتوان و ناکام بودند .

إِن هَذَا إِلَّا إِفْكَ .. قَالُوا مَا لِ هَذَا الرَّسُولِ ... لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ ... إِلَّا رَج

مقصود از ناتوانی در یافتن راه، می تواند ناتوانی از دستیابی به راه موفق و مؤثر برای پیگیری اهدافشان باشد؛ یعنی،
<فلا يستطيعون سبيلاً إلى إبطال أمرك..>

شکست توطئه رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۶

۶ سران کفر و شرک علی رغم به کار بردن شگرد های گوناگون تبلیغی علیه قرآن و پیامبر (ص) ، از دستیابی به اهداف خود ناتوان و ناکام بودند .

إِن هَذَا إِلَّا إِفْكَ .. قَالُوا مَا لِ هَذَا الرَّسُولِ ... لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ ... إِلَّا رَج

مقصود از ناتوانی در یافتن راه، می تواند ناتوانی از دستیابی به راه موفق و

مؤثر برای پیگیری اهدافشان باشد، یعنی، <فلايستطيعون سبيلاً إلى إبطال أمرك..>.

شکست توطئه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۶

۶ سران کفر و شرک علی رغم به کار بردن شگرد های گوناگون تبلیغی علیه قرآن و پیامبر (ص) ، از دستیابی به اهداف خود ناتوان و ناکام بودند .

إن هذا إلا إفك .. قالوا مال هذا الرسول ... لولا أنزل إليه ملك ... إلا رج

مقصود از ناتوانی در یافتن راه، می تواند ناتوانی از دستیابی به راه موفق و مؤثر برای پیگیری اهدافشان باشد، یعنی، <فلايستطيعون سبيلاً إلى إبطال أمرك..>.

شکست توطئه علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۷

۷ استفاده از شیوه های بهانه جویانه و دروغ علیه قرآن و پیامبر (ص) ، شیوه ای ناموفق و ناکام

وقال الذين كفروا إن هذا إلا إفك .. أسطير الأولين ... رجلاً مسحوراً... فضل

شکست توطئه علیه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۷

۷ استفاده از شیوه های بهانه جویانه و دروغ علیه قرآن و پیامبر (ص) ، شیوه ای ناموفق و ناکام

وقال الذين كفروا إن هذا إلا إفك .. أسطير الأولين ... رجلاً مسحوراً... فضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۹

۹- ترفند ها و توطئه های کافران علیه راه خدا و پیامبر (ص) ، محکوم

به شکست و بی فرجامی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا... وَ سَيَحْبُطُ أَعْمَلَهُمْ

به قرینه صدر آیه، می توان گفت: مراد از <أعمالهم> همان حرکت های کفرآمیز، مانع تراشی در طریق حق و ستیزه جویی با پیامبر(ص) است. در این صورت <حبط>، به معنای خنثی سازی و عقیم نمودن تلاش های آنان خواهد بود.

شکست توطئه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - توطئه مشترک فرعون ، هامان و قارون برای کشتار فرزندان ذکور مؤمنان در عصر موسی (ع) نافرجام ماند .

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه .. و ما كيد الكافرين إلا في ضلل

شکست توطئه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - توطئه مشترک فرعون ، هامان و قارون برای کشتار فرزندان ذکور مؤمنان در عصر موسی (ع) نافرجام ماند .

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه .. و ما كيد الكافرين إلا في ضلل

شکست توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۵

۵ شکست کافران مکه در توطئه علیه پیامبر (ص) ، عبرتی برای همه خائنان به خدا و رسول

لاتخونوا الله و الرسول .. و يمكرون و يمكر الله

یادآوری شکست توطئه های کافران مکه پس از اشاره به خیانت برخی از مسلمانان برای تفهیم این حقیقت است که خائنان به خدا و رسول، هر چند اظهار اسلام کنند، همان گونه که کافران موفق نشدند، آنان نیز موفق نمی

شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۳،۴،۶

۳ تلاش کافران و صرف هزینه های کلان برای جلوگیری از گسترش اسلام، بی اثر است.

ثم تکون علیهم حسره

۴ از دست دادن دارایی ها و بر جای ماندن حسرت و ندامت، ثمره تلاش برای مبارزه با اسلام

ثم تکون علیهم حسره

۶ خداوند بی ثمر ماندن تلاش های حق ستیزانه کافران قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد.

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۴

۴- تلاش های کافران برای ترغیب پیامبر (ص) به عقب نشینی و یا عدول از مواضع اصولی خویش، ناکام ماند و شکست خورد.

و إن کادوا لیفتنونک

تعبیر <نزدیک بود تو را به فتنه اندازند> حکایت می کند که آنان، موفق به این کار نشدند و شکست خوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۷، ۱۵

۱۵ - نافرجام ماندن توطئه های کافران علیه مؤمنان، از سنت های الهی است.

و ما کید الکفرین إلا فی ضلل

۱۷ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان، در مورد نافرجام ماندن توطئه های کافران علیه جانیشان

قالوا اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه . . . و ما كيد الكافرين إلا في ضلل

مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه با بیان تاریخ موسی(ع) و مؤمنان به او و نیز فرعونیان، در صدد دلداری به پیامبر اسلام و مؤمنان است که وضعیتی مشابه آنان

در مکه داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۱

۱ تلاش های کافران ، در منحرف ساختن جامعه بشری از راه خدا ، محکوم به شکست حتمی و نهایی است .

الذین كفروا و صدّوا عن سبيل الله أضلّ أعمالهم

<أعمالهم> نظر به تلاش های کفرآمیز و انحراف انگیز کافران دارد که از واژه <صدّوا> استفاده می شود. شکست حتمی و نهایی از آن جهت برداشت می شود که گوینده <أضلّ> خداوند است و اگر کافران در ظاهر پیشرفت هایی هم داشته باشند، در نهایت محکوم به شکست اند.

شکست توطئه مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۱۷

۱۷ - توطئه و نیرنگ های مستکبران و قدرت های فرعونى ، شکست پذیر و خنثی شدنی است .

و ما کید فرعون إلاّ فی تباب

برداشت بالا- با توجه به این نکته مهم تفسیری است که نقل داستان ها و ماجراهای تاریخی در قرآن، صرفاً برای بیان واقعیت تاریخی گذشته نیست. بلکه جریانی است مستمر برای تمامی اعصار و روزگاران.

شکست توطئه مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۶ - ۷

۷- توطئه مشرکان برای اخراج پیامبر (ص) از مکه ، عقیم ماند و به ثمر نرسید .

و إن کادوا لیستفزّونک من الأرض لیخرجوک منها و إذا لایلثون خلفک إلاّ قلیلاً

از تعبیر <و إن کادوا لیستفزّونک> (نزدیک بود تو را اخراج کنند) به دست می آید که آنان، نتوانستند هدف خویش را در

اخراج پیامبر (ص) از مکه عملی سازند.

شکست

توطئه منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۸

۸ شکست منافقان در توطئه علیه اسلام و پیامبر (ص) و عدم دستیابی آنان به هدف های شومشان

و هموا بما لم ينالوا

شکست توطئه هامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - توطئه مشترک فرعون ، هامان و قارون برای کشتار فرزندان ذکور مؤمنان در عصر موسی (ع) نافرجام ماند .

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه . . . و ما كيد الكافرين إلا في ضلل

شکست توطئه های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۹

۹- ترفند ها و توطئه های کافران علیه راه خدا و پیامبر (ص) ، محکوم به شکست و بی فرجامی

إنّ الذين كفروا و صدّوا . . . و سيحبط أعمالهم

به قرینه صدر آیه، می توان گفت: مراد از <أعمالهم> همان حرکت های کفرآمیز، مانع تراشی در طریق حق و ستیزه جویی با پیامبر(ص) است. در این صورت <حبط>، به معنای خنثی سازی و عقیم نمودن تلاش های آنان خواهد بود.

شکست توطئه های مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر اکرم (ص) را در قبال سخنان ناروای مشرکان دلداری داده و با وعده غلبه قطعی توحید بر شرک ، آن حضرت را از ناکامی و نافرجامی توطئه های آنان ، مطمئن ساخت

و لا یحزنک قولهم إن العزه لله

شكست جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۸

۸ - راه موفقیت و پیروزی بر ساحران بسته است .

و لا یفلح الساحر حیث أتى

<ال> در <الساحر> برای جنس است و <حیث أتى> یعنی، <حیث أقبل> (هرجا رو آورد).

شكست جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۴،۵،۳

۳ عصای موسی (ع) پس از افکنده شدن، تمام بافته های جادویی ساحران را بلعید و به کام خویش فروبرد .

فإذا هی تلقف ما یأفکون

<لَقَفَ> (مصدر تلقف) به معنای گرفتن چیزی با سرعت است و در آیه شریفه به مناسبت مورد به <بلعیدن> تفسیر شده است. جمله <فإذا هی ...> می تواند خبر از رخدادی باشد که در صحنه مبارزه اتفاق افتاده است. در این صورت تقدیر جمله چنین خواهد بود: أوحینا إلی موسی أن ألق عصاک فإلقیها فإذا هی تلقف.

۴ خداوند به موسی (ع) بشارت داد که عصای وی پس از رها شدن، تمام ساخته های دروغین ساحران را خواهد بلعید .

أن ألق عصاک فإذا هی تلقف ما یأفکون

در برداشت فوق جمله <فإذا هی ...>، همانند <أن ألق عصاک>، تفسیر <أوحینا> گرفته شده است. بر این مبنا تقدیر جمله بدین صورت خواهد شد: ألق عصاک فإذا القیتها إذا هی تلقف ما یأفکون.

۵ عصای موسی (ع) با بلعیدن ابزار جادویی ساحران، صحنه ای شگفت و به دور از انتظار همگان به وجود آورد .

فإذا هی تلقف ما یأفکون

<إِذَا> برای مفاجات است و

دلالت می کند که جمله پس از آن در یک حالت غیر منتظره واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۹ - ۱،۲

۱ فرعونیان با ناکامی ساحران خویش در حضور انبوه تماشاچیان مغلوب گشتند و با ذلت ، صحنه مبارزه را ترک کردند .

فغلبوا هنالك و انقلبوا صغرين

در برداشت فوق ضمیر در <فغلبوا> و <انقلبوا> به فرعونیان بازگردانده شده است.

۲ ساحران دربار فرعون پس از بطلان سحرشان شکست خوردند و در صحنه مبارزه به ذلت افتادند .

فغلبوا هنالك و انقلبوا صغرين

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <فغلبوا> و <انقلبوا> ساحران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۴

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد .

إن هذا لمكر مكرتموه فی المدینه

کلمه <هذا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۲

۲ در پس تحقق معجزه موسی (ع) و شکست ساحران ، تنها گروه اندکی از بنی اسرائیل به وی گرویده و ایمان آوردند .

فما ءامن لموسى إلا ذریه من قومه

برداشت فوق بر اساس ارجاع ضمیر <من قومه> به <موسى> است ؛ ضمناً تنکیر <ذریه> دلالت بر تقلیل می کند.

۱۰ - فرعون ، شکست ساحران از موسی (ع) را ، امری تصنعی و براثر تبانی قبلی با موسی (ع) دانست و آنان را به سهل انگاری عمدی متهم ساخت .

إِنَّهٗ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ

شکست حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۴

۴ حق ستیزان ، همواره محکوم به شکستند .

و يحق الله الحق بكلمته و لو كره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - حق ستیزان ، سرانجام مقهور قدرت شکست ناپذیر خداوند

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

شکست حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۷

۱۷ جبهه گیری در برابر حق و مبارزه با رسالت‌های الهی محکوم به شکست است.

و لقد كذبت رسل من قبلك فصبروا .. حتى أتتهم نصرنا و لا مبدل لكلمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۶

۶ خداوند بی ثمر ماندن تلاش های حق ستیزانه کافران قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم تكون عليهم حسره ثم يغلبون

شکست حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

وإن أدری

أقرب أم بعيد ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی است که جمله <أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

شکست خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر (ص) و دین الهی

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم و الله عليهم حكيم

شکست در احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۲

۲۲ شکست پیکارگران احد ، آزمایش الهی برای آنان

ثم صرفكم عنهم ليبتليكم

<صرفكم عنهم> یعنی شما را از تعقیب دشمن در گیر منصرف ساخت و لازمه این انصراف، شکست است.

شکست در امتحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۱۵

۱۵ گروهی از انسان ها با شکست در آزمون های الهی به گمراهی کشانده می شوند و گروهی با موفقیت به هدایت بایسته می رسند .

إن هي إلا فتنتك تضل بها من تشاء و تهدى من تشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - دل‌بستگی به ثروت ، شکست در آزمون الهی است .

ابتلیه .. و تحبون المال حباً جماً

شکست در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۳

۳ بازسازی مجدد سپاه

اسلام توسط پیامبر (ص)، پس از پراکندگی و شکست در جنگ احد

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ

شکست در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۳

۲۳ شکست ها، آزمون مناسبی برای روشن شدن صفوف پایمردان آخرت طلب، از سست عنصران دنیاجو

منکم من یرید الدنیا .. ثم صرفکم عنهم لیبتلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۴

۴ تبلور آزمون مسلمانان در شکست احد، به هنگام فرار آنان از صحنه کارزار

ثم صرفکم عنهم لیبتلیکم .. اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <لیبتلیکم> باشد، یعنی خداوند شما را از تعقیب دشمن بازداشت تا آزمایشتان کند و این آزمایش به هنگام فرار تبلور یافت و محقق شد.

شکست در غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۶

۶ مشخص شدن مؤمنان واقعی، از اهداف رخصت خداوند در شکست نبرد احد و مصیبت های وارده در آن

و ما اصابکم ... و لیعلم المؤمنین

جمله <و لیعلم ...>، عطف بر جمله ای مقدر است؛ یعنی <و ما اصابکم ... لیكون کذا و کذا و لیعلم المؤمنین>. لذا در برداشت فوق، مشخص شدن مؤمنان، از اهداف شکست آنان در نبرد احد شمرده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٣- آل عمران - ٣- ١٦٧- ١

١ مشخص

شدن منافقان ، از اهداف رخصت خداوند در شکست نبرد احد و مصیبت های وارده در آن

و ما اصابکم ... و لیعلم اللّٰذین نافقوا

شکست در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۳

۳ - منافقان مدینه ، به مسلمانان وانمود کردند که شکست شان در غزوه احزاب حتمی است .

و اذ قالت طائفه منهم یا اهل یثرب لا مقام لکم فارجعوا

شکست دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۱

۲۱ شکست دشمنان اسلام ، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دل بستگی به یهود و نصارا

فعسى الله ان یأتی بالفتح .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

در برداشت فوق جمله <ما اسروا> به قرینه <و من یتولهم منکم> در آیه قبل به دل بستگی مسلمانان به یهود و نصارا تفسیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۷

۱۷- رزمندگان ، موظف به جنگیدن و اسیر گرفتن دشمن تا خلع سلاح آنان و فرونشستن جنگ *

فشدوا الوثاق ... حتی تضع الحرب أوزارها

ممکن است <حتى تضع...> غایت برای گرفتن اسیران باشد؛ که از مضمون <فشدوا الوثاق> به تلازم استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - امتنان الهی بر مؤمنان ، با رساندن ایشان به غنایم خیر و کوتاه ساختن دست دشمنان از آنان

فَعَجَّلْ لَكُمْ هَذِهِ وَ كَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ

شکست دشمنان خدا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۴

۱۴ هدف نخستین از جهاد ، نابود ساختن دشمنان الهی است نه صرفاً دستیابی به بهشت .

يقتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون

برداشت فوق با توجه به تقدیم کشتن (فِیقتلون) بر کشته شدن (و یُقتلون) به دست می آید.

شکست دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۲

۲ خدا ، خواستار شکست و ذلت دشمنان دین و پیروزی و عزت مؤمنان است .

قتلوهم يعدبهم الله بأيديكم و يخزهم و ينصرکم عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ هزیمت و شکست ، فرجام شوم و کیفر قطعی برای تمامی کافران و دشمنان ایستاده در برابر دین الهی

و عذب الذين كفروا و ذلك جزاء الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۶ - ۷

۷- شریعت ها و ادیان توحیدی ، در برابر دین ستیزان ، استوارتر از کوه ، پایدار و جاودانه خواهند ماند .

فيقول الذين ظلموا ربنا أخرنا .. نجب دعوتك و تتبع الرسل ... و قد مكروا ... و

از اینکه خداوند فرمود: مکر و نقشه های ستمگران در برابر نیروی حق و رسولان الهی، هر چند در قدرت و توانمندی کوه شکن باشد، مؤثر نخواهد بود، به دست می آید که ادیان توحیدی و شرایع رسولان الهی استوارتر از کوه بوده و پایدار و ضربه ناپذیرند.

شکست دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - کسانی که بدون منطق و برهان ، به ستیزه جویی و مبارزه با تعالیم قرآن می پردازند ، به مقصود خود نخواهند رسید .

إِنَّ الَّذِينَ يَجِدُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ... إِنَّ فِي صَدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا مَا هُمْ بِبَلِغِيهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۳

۳ - تلاش کافران ، برای خدشه دار ساختن قرآن ، کاری بازیگرانه و بی فرجام

الذین هم فی خوض یلعبون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <خوض>، نقد و انتقادهایی باشد که کافران از سر تکذیب نسبت به قرآن انجام می دهند و اطلاق لعب بر این عمل از آن جهت باشد که نتیجه ای، عاید آنان نمی شود.

شکست دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۵

۵- منافع اخروی آخرت طلبان ، برخلاف امکان شکست و ناکامی دنیاطلبان در رسیدن به اهدافشان ، قطعی و تضمین شده است .

و من یرید العاجله .. ما نشاء لمن یرید ... و من أراد الآخره ... کان سعیهم مشکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۵

۵ - ناکامی دنیاطلبان ، در رسیدن به تمامی آمال دنیوی خویش

من کان یرید حرث الدنیا نؤته منها

شکست دنیوی بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اسلام ستیزان (بنی نضیر و ...) ، علاوه بر شکست و

ذلت دنیوی ، دارای عذاب دردناک اخروی اند .

ذاقوا وبال أمرهم و لهم عذاب أليم

شکست دنیوی دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۵ - ۵

۵ - اسلام ستیزان (بنی نضیر و ...) ، علاوه بر شکست و ذلت دنیوی ، دارای عذاب دردناک اخروی اند .

ذاقوا وبال أمرهم و لهم عذاب أليم

شکست دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۶ - ۱

۱ - شکست دنیوی کافران ، پیش درآمد عذاب اخروی آنان

سيهزم الجمع .. بل الساعة موعدهم

شکست دولت بیزانس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲ - ۱

۱ - شکست رومیان (دولت بیزانس) در نبرد با ایرانیان در عصر بعثت

غلبت الروم

شکست دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۷

۷- هلاکت و شکست کافران و دین ستیزان و پیروزی مؤمنان ، از آیات الهی است .

سأوریکم ءایتی

برداشت یاد شده به خاطر این است که از هلاکت کافران و پیروزی مسلمانان به <آیات> تعبیر شده است.

شکست رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲ - ۱

۱ - شکست رومیان (دولت بیزانس) در نبرد با ایرانیان در عصر بعثت

غلبت الروم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۴

۴ - پیروزی رومیان شکست خورده ، پس از زمانی کوتاه ،

جلوه ای از حاکمیت اراده خداوند بر تمامی رخداد های تاریخ است .

غلبت الروم .. لله الأمر

بیان اختصاص همه امور به خداوند، پس از ذکر پیشگویی پیروزی رومیان، نوعی تعلیل برای پیروزی غیر مترقبه آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۷

۷ - تردید در پیروزی رومیان پس از شکست آنان ، برخاسته از سطحی نگری و بی توجهی مردمان عصر بعثت به حقایق نهان زندگی دنیا است .

سیغلبون .. يعلمون ظهراً من الحيوة الدنيا

نکته یاد شده بر این اساس است که <ال> در <الناس> عهد باشد و مراد از آن، مردمی باشند که درباره وعده خداوند به پیروزی رومیان شکست خورده تردید داشتند.

شکست سپاه جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۵،۸،۲۴

۵ اجابت دعا و نیایش طالوتیان ، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

قالوا ربنا .. و انصرنا على القوم الكافرين. فهزموهم باذن الله

۸ هزیمت و شکست سپاه جالوت ، پس از کشته شدن وی *

فهموهم باذن الله و قتل داود جالوت

بنابر اینکه <واو> در <وقتل ..> حائیه باشد؛ به تقدیر <قد>.

۲۴ چیرگی سپاه طالوت بر جالوتیان ، پرتویی از تفضّل جهانشمول الهی

فهموهم باذن الله .. و لكن الله ذو فضل على العالمين

شکست شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۱

۱- صدور فرمان پیروزی اسلام و توحید و خذلان شرک و مشرکان از جانب خداوند

أتی أمر الله فلاتستعجلوه سبحانه و تعالی

برداشت فوق، بر این اساس است که <أمر> به معنای فرمان باشد، اما اینکه فرمان در باره چه چیزی است، ذیل آیه (سبحانه و تعالی عما یشرکون) می تواند قرینه باشد بر اینکه آن امر در باره شرک و شکست و خذلان آن و پیروزی توحید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - پیشگویی قرآن به شکست جبهه کفر و شرک و پیروزی فراگیر و گسترده جبهه توحید و اسلام در عصر بعثت

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض و لیمکنن لهم

شکست غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۳

۳ شکست در پیکار احد، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و یا منافقان، علیه اسلام، پیامبر (ص) و مسلمانان

یا ایها الذین امنوا لا تکنوا کالذین کفروا و قالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و م

کشته شدن عدّه ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و یا منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف بودند، ماجرای احد و کشته های فراوان آن را حربه تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می گفتند اگر نظر ما را می پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی شدند، این حوادث ناگوار پیش نمی آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۱،۳،۵

۱ گلایه برخی مسلمانان از نتایج دردناک نبرد احد و شکست در آن

اولما اصابتکم مصیبه .

.. قلم ائی هذا

این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

۳ شکست و مصیبت سنگین مسلمانان در پیکار احد ، دور از انتظار ایشان بود .

اولمّا اصابتم مصیبه قد اصبتم مثلها

کلمه <ائی> به معنای <من این> (از کجا و از چه روی) می باشد و <هذا> اشاره به مصیبت است.

۵ پندار ناصواب برخی پیکارگران احد در تحلیل عوامل شکست آن نبرد

ائی هذا قل هو من عند انفسکم

جمله <ائی هذا> به این مطلب اشاره دارد که گویا مجاهدان احد علت شکست آن نبرد را بیرون از عملکرد خویش می دانستند، که جمله <من عند انفسکم> ریشه صحیح آن را گوشزد می کند.

شکست غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۵

۵- جنگ بدر ، میدان انتقام الهی از مشرکان و ضربه ای سخت و شکننده بر جبهه شرک *

یوم نبطش البطشه الکبری إنا منتقمون

طبق نظر مفسران، ممکن است این آیه نظر به جنگ بدر داشته باشد. این در صورتی است که عذاب ذکر شده در آیات پیشین را عذاب دنیوی بدانیم.

شکست غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۲

۲ نگرانی پیامبر (ص) در جنگ حنین از فرار مسلمانان و شکست جبهه اسلام

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل الله سکینته علی رسوله

شکست فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۵

۵ - شکست نهایی فرعون در مبارزه با موسی (ع)، درس عبرتی برای

مخالفان پیامبر (ص) و منکران معاد

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَن يَخْشَى

نقل داستان موسی(ع) و فرعون پس از بیان شبهات منکران معاد و نیز خطاب به پیامبر(ص) با جمله <هل أتاك..> بیانگر این است که مراد از توصیف داستان مزبور به عبرت، تهدید منکران معاد و مخالفان پیامبر(ص) است که چه بسا آنان نیز در نهایت، همچون فرعون به عذاب الهی گرفتار شوند.

شکست فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۹ - ۱

۱ فرعونیان با ناکامی ساحران خویش در حضور انبوه تماشاچیان مغلوب گشتند و با ذلت، صحنه مبارزه را ترک کردند.

فغلبوا هنالك و انقلبوا صغرين

در برداشت فوق ضمیر در <فغلبوا> و <انقلبوا> به فرعونیان بازگردانده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۶ - ۴

۴ تسلط موسی (ع) بر فرعونیان و مغلوب ساختن آنان، امری تقدیر شده از ناحیه خداوند

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا و سلطن مبین

در برداشت فوق، <سلطان> به معنای تسلط و غلبه ظاهری گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۲ - ۷

۷ - اقتدار و توان مادی فرعونیان، مقهور در برابر اقتدار و شکست ناپذیری خداوند

فأخذنهم أخذ عزیز مقتدر

شکست قداست خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۳

۳- مشرکان ، درصدد شکستن قداست خداوند و تحقیر عظمت او بودند .

و يجعلون لله ما يكرهون

احتمال دارد غرض مشرکان از اسناد

چیزی مذموم به خداوند که ناخوشایند خود آنان بود نکته یاد شده باشد.

شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۱،۳،۴،۵

۱ شکست نهایی کافران ، از سنت های الهی

قل للذین كفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنم

۳ پیامبر اکرم (ص) ، مأمور اعلام کردن شکست نهایی کفار به آنها و حشرشان به سوی جهنم

قل للذین كفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنم

۴ کافران در دنیا ، مغلوب مؤمنان و در آخرت ، مقهور خدا هستند . *

قل للذین كفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنم

۵ اعلام شکست قریب الوقوع کافران ، از روش های قرآن برای تضعیف روحیه دشمن

قل للذین كفروا ستغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۱

۱ جنگ بدر ، شاهد روشن صدق وعده های الهی در مورد شکست کافران

قد كان لكم ایه فی فئتين التقتا

بنا به گفته مفسرین، آیه فوق مربوط به جنگ بدر است. گفتنی است که در شأن نزول آیه، اختلافی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۶

۶ شکست و پیروزی در جنگ ، وسیله ای برای نابودی تدریجی کافران

نداولها بين الناس .. و ليمحص الله الذين امنوا و يمحق الكافرين

<محقق>، به معنی نابودی تدریجی است. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۳

۳ امداد غیبی خداوند ، در شکست کافران شرک پیشه

و هو

خير الناصرین. سنلقى فی قلوب الذین كفروا الرعب بما اشركوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۲

۲ ضربه و مصیبت وارده بر کافران در جنگ بدر، دو برابر مصیبتی که بر پیکارگران مؤمن در جنگ احد وارد شد.

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتّم مثلها

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از <اصبتّم مثلها> (دو چندان مصیبتی که دیدید، بر کافران وارد کردید) مصیبتی است که مؤمنان در پیکار بدر بر مشرکان تحمیل کردند. این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۸

۸ بشارت الهی در مورد ناکامی یهود و کافران در مبارزه مشترک علیه مسلمانان

الم تر الی الذین اوتوا الکتب . . . و من یلعن اللّٰه فلن تجد له نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۵

۱۵ پیروزی نهایی مؤمنان بر کافران

و لن یجعل اللّٰه للکفرین علی المؤمنین سییلاً

بنابر اینکه جمله <لن یجعل اللّٰه> اخبار باشد و نه انشاء. و چون این جمله پس از فرض غلبه کافران است (و ان کان للکفرین نصیب)، اشاره به این دارد که پیروزی نهایی و دایمی از آن مسلمانان خواهد بود؛ گرچه ممکن است در مقطعی غلبه با کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۴

۴ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی

کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنى عنكم جمعكم و ما كنتم تستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۰

۱۰ شکست کافران عصر بعثت و حاکمیت دین اسلام بر سرزمین آنان ، نوید خداوند به پیامبر (ص)

و تمت کلمت ربك

هدف از مخاطب قرار دادن پیامبر (ربك) در بیان پیروزی مستضعفان بنی اسرائیل و نابودی مستکبران، مژده پیروزی اسلام و مسلمانان و نابودی کفر و کفرپیشگان مستکبر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۱

۱ شکست و رسوایی ، فرجام کافران ستیزه گر با خدا و رسول او

ذلكم

<ذلكم> خبر برای مبتدایی محذوف و اشاره به شکست خفتبار مشرکان در جنگ بدر دارد ؛ یعنی <الأمر ذلكم> ؛ مطلب از این قرار است که بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۸

۸ شکست نهایی ، سرنوشت محتوم کفرپیشگان ستیزه گر علیه اسلام و راه خدا

ثم يغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۹، ۱۲

۱۲ شیطان در آغاز جنگ بدر با دیدن امداد های الهی به شکست جبهه کفر مطمئن شد .

نکص علی عقبیه و قال إني بريء منكم إني أرى ما لاترون

۱۹ شکست کافران جنگ بدر نمودی از عقوبت شدید خداوند برای آنان

و الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۱۱

سنت الهی حاکم بر جوامع بشری ، در جهت غلبه یافتن دین خدا و عزت مؤمنان ، و شکست کفر و خواری کفرپیشگان است .

و أن الله مخزى الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ هزیمت و شکست ، فرجام شوم و کفر قطعی برای تمامی کافران و دشمنان ایستاده در برابر دین الهی

و عذب الذين كفروا و ذلك جزاء الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۰، ۱۲

۱۰ غلبه ایمان بر کفر و موفقیت پیامبر (ص) در انجام رسالت ، از نوید ها و بشارت های خداوند به آن حضرت

فاصبر إن العقبه للمتقين

بیان پیروزی اهل ایمان و از میان رفتن کفرپیشگان در شرح داستان نوح(ع) می رساند که مصداق مورد نظر برای <العاقبه> (فرجام نیک) پیروزی ایمان بر کفر است و از آن جا که خطاب متوجه پیامبر(ص) است، جمله فوق ناظر به پیروزی اسلام بر کفر و موفقیت پیامبر(ص) در انجام رسالت می باشد.

۱۲ صبر و تقوا ، دو شرط اساسی برای پیروزی نهایی بر کافران و نایل شدن به فرجامی نیکوست .

فاصبر إن العقبه للمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۷

۷- هلاکت و شکست کافران و دین ستیزان و پیروزی مؤمنان ، از آیات الهی است .

سأوریکم آیتی

برداشت یاد شده به خاطر این است که از هلاکت کافران و پیروزی مسلمانان به <آیات> تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- پیامبر (ص)، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

و إن أدری أفریب أم بعید ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی است که جمله <أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۱

۱۱ - نوید عزت و پیروزی به اهل ایمان و شکست و خواری کافران و مشرکان صدراسلام

و من الناس من یجدل.. .. ثانی عطفه... له فی الدنیا خزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۳

۳ - کافران و مشرکان ، به عذاب و شکست تهدید شدند .

و لتعلمنَّ نبأه بعد حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - شکست ناپذیری قرآن ، در برابر معارضه ها و موضع گیری های خصمانه کافران

إِنَّ الدِّينَ يَلْحَدُونَ إِنَّ الدِّينَ كَفَرُوا ... و إِنَّه لکتب عزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۳

۳ - تلاش کافران ، برای خدشه دار ساختن قرآن ، کاری بازیگرانه و بی فرجام

الذین هم فی خوض یلعبون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <خوض>، نقد و انتقادهایی باشد که کافران از سر تکذیب نسبت به قرآن انجام می دهند و اطلاق لعب

بر این عمل از آن جهت باشد که نتیجه ای، عاید آنان نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۱ - ۳

۳ - اطمینان بخشی خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به رشد دعوت آن حضرت و به خاموشی گراییدن ندای کفر

قل ترَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمْتَرَبِّصِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۴

۴ - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (ص) ، شکست پذیر و گریبانگیر خود آنان

فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ - در جنگ کفر و ایمان ، کفر همواره بازنده است .

فَأَيُّدِنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَاصْبِحُوا ظَهْرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵ - ۲

۲ - تهدید خداوند به شکست کافران ، در جنگ با پیامبر (ص) و مسلمانان

و يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۷ - ۵

۵ - بشارت خداوند به پیروزی و سعادت‌مندی مؤمنان و تهدید او نسبت به شکست و بدبختی کافران

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

بنابر گفته مفسران، این آیه متضمن وعده و وعید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۲

۲ - کافران ، هر چند شگرد های عمیق و دشواری به کار گیرند ، در برابر مکر های

علاج ناپذیر خداوند ، شکست خواهند خورد .

یکیدون کیداً . و اُکید کیداً

بیان مکر خداوند در برابر کید کافران، در حقیقت بیان ناکامی آنان است.

شکست کافران اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لايزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه .. حتى يأتي وعد الله

شکست کافران در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۹

۹ جبهه کفر در کارزار حنین ، در پی فرود آمدن نیرو های غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداوند ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل الله سكينته .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذب الذين كفروا

شکست کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ شکست نابودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حتى يأتي وعد الله

شکست کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۶،۷،۱۰

۶ خداوند بی ثمر ماندن تلاش های حق ستیزانه کافران قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

۷ خداوند با خبری غیبی ، شکست کفار قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم یغلبون

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس

از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند ، از دوزخیان هستند .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند بود.

شکست کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۴

۴ متلاشی ساختن جبهه کافران محارب و پراکنده ساختن آنان ، تکلیفی بر عهده اهل ایمان

فإما تتقنهم فی الحرب فشردهم

شکست کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۴

۴- کافران مکه ، در آستانه شکست و عذاب دنیوی قرار گرفته بودند .

سأوریکم ءایتی

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از <آیات> شکست کفار مکه و عذاب دنیوی آنان باشد. گفتنی است مکی بودن این آیات، مؤید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه .. حتی یأتی وعد الله

شکست کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۹

۹ حرکت های منافقانه ، کفرآمیز و ضد خدا و دین ، حرکت‌هایی سست ، مذبحانه و محکوم به شکست است .

و الذين اتخذوا مسجداً ضراراً .. و إرساداً لمن حارب الله

... أسس بنينه على شف

سست بودن بنیان اعمال منافقان و کافران، می تواند کنایه از مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - پیشگویی قرآن به شکست جبهه کفر و شرک و پیروزی فراگیر و گسترده جبهه توحید و اسلام در عصر بعثت

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض و لیمكنن لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۲

۲ - جبهه کفر و باطل ، در مصاف با جبهه ایمان و حق ، محکوم به شکست است .

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

شکست مبارزه با اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ هر گونه تدبیر و تلاش در راستای مبارزه با اسلام ، مغلوب اراده خداوند بوده و محکوم به شکست است .

یریدون أن یطفئوا نور الله .. و یأبی الله ... و لو کره الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۷

۷ - هر گونه تدبیر و تلاش در راستای مبارزه با اسلام و قرآن ، مغلوب اراده خداوند و محکوم به شکست است .

یریدون لیطفئوا .. و الله متم نوره

شکست مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۷

۷ - هر گونه تدبیر و تلاش در راستای مبارزه با اسلام و قرآن ، مغلوب اراده خداوند و محکوم به

شکست است .

یریدون لیطفوا .. و الله متم نوره

شکست مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۲

۲ متخلفان از جهاد ، دارای برخوردی دوگانه در برابر شکست و پیروزی مجاهدان

فان اصابکم مصیبه قال قد انعم الله علیّ .. و لئن اصابکم فضل من الله ليقولنّ

شکست محاربان با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۹

۹ حرکت های منافقانه ، کفرآمیز و ضد خدا و دین ، حرکتهایی سست ، مذبحخانه و محکوم به شکست است .

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً .. و إرساداً لمن حارب الله ... أسس بنینه علی شف

سست بودن بنیان اعمال منافقان و کافران، می تواند کنایه از مطلب فوق باشد.

شکست مخالفان آیه تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۱۶

۱۶ خداوند هرگز به مخالفان پیام ویژه الهی (ولایت و امامت علی (ع)) مجال توطئه علیه پیامبر (ص) را نخواهد داد .

بلغ .. إنّ الله لایهدی القوم الکفرین

بدان احتمال که متعلق حذف شده از فعل <یهدی> به قرینه (و الله یعصمک من الناس) توطئه های کافران باشد، یعنی خداوند کافران را به توطئه علیه پیامبر(ص) موفق نخواهد کرد.

شکست مخالفان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۱۷

۱۷ نافر جامی برنامه و تلاش های مخالفت خواست الهی

و الله يعصمك من الناس إن الله لا يهدي القوم الكافرين

جمله

<ان الله لا يهدي...> تعلیل است برای <والله يعصمك من الناس> و بیانگر این است که مصونیت پیامبر(ص) از خطر دشمنان، برخاسته از این اصل کلی است که خداوند هیچگاه کافران و ستیزگران با دین را موفق نخواهد ساخت.

شکست مخالفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ پیروزی نوح(ع) و یارانش بر مخالفان، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقوایندگان مقاوم و صبور، بر کفرپیشگان است.

تلك من أنباء الغيب .. فاصبر إن العقبه للمتقين

شکست مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۹

۹ شکست مسلمانان در پیکار احد، زمینه ساز رواج تبلیغات گمراه کننده کافران و منافقان

يا ايها الذين امنوا ان تطيعوا الذين كفروا يردوكم

در شأن نزول آیه آمده است که منافقان پس از شکست نبرد احد، مسلمانان را به بازگشت و پذیرش آیین مشرکان ترغیب می کردند. (مجمع البیان، ذیل آیه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۴،۲۷

۱۴ اندوه مسلمانان از شکست در کارزار احد و پیروز نشدن بر مشرکان

فأثابكم غمًا بغم

جمله <فأثابكم>، عطف بر جمله <ولقد عفا عنكم> است و کلمه <باء> در <بغم> بدلثیه است، و مراد از <غمًا> به دلیل کلمه <اثابكم> که دلالت بر مرحمت و لطف دارد و نیز به دلیل اینکه پس از عفو واقع شده، غم و اندوهی پسندیده است و این غم پسندیده همان غم پیروزی کافران بر مسلمانان

خواهد بود و یا غمّ و اندوه به خاطر پیروی نکردن از رسول خدا (ص) و سست آمدن در رویارویی با دشمن است.

۲۷ تسلط خالد بن ولید بر مسلمانان در جنگ احد ، موجب افزایش اندوه آنان از شکست در آن کارزار

امام باقر (ع) درباره <فَاتَابِكُمْ غَمًّا بَعَثَ> فرمود: فَمَا الْغَمُّ الْأَوَّلُ فَالْهَزِيمَةُ وَالْقَتْلُ وَ أَمَّا الْآخِرُ فَاشْرَافُ خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَلَيْهِمُ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۶

۲۶ پیروزی و فتح یا شکست و شهادت مسلمانان ، نشانه حَقَائِيت و یا باطل بودن اسلام نیست .

ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ .. يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قَتَلْنَا هَهُنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۳،۴

۳ شکست و مصیبت سنگین مسلمانان در پیکار احد ، دور از انتظار ایشان بود .

أولمّا أصابتكم مصيبة قد أصبتم مثليها

کلمه <أنى> به معنای <من این> (از کجا و از چه روی) می باشد و <هذا> اشاره به مصیبت است.

۴ یادآوری خاطره پیروزی مسلمانان در پیکار بدر ، التیام بخش رنج و آثار روحی دردناک شکست نبرد احد

أولمّا أصابتكم مصيبة قد أصبتم مثليها

جمله <قد أصبتم مثليها>، که اشاره به پیروزی بزرگ مسلمانان در بدر است، بدان جهت ایراد شده که با یاد آن خاطره

بزرگ، مسلمانان مصیبت احد را در مقایسه با پیروزی بدر کوچک شمرند و در نتیجه، رنج مصیبت احد را نادیده انگارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ -

۴ تلفات سنگین مسلمانان در پیکار احد

و ما اصابکم .. لو اطاعونا ما قتلوا

شکست مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۸

۱۸ ناکامی یهود و نصارا در بهره گیری از روابط دوستانه خویش با مسلمانان سست ایمان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرین

در برداشت فوق <هولاء> اشاره به بیمار دلان مسلمان و خطاب در <معکم> متوجه یهود و نصارا دانسته شده است.

شکست مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۳ - ۵

۵ سرکوبی و شکست مشرکان در جنگ بدر ، عقاب شدید الهی برای آنان

فاضربوا فوق الأعناق .. فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۱

۱ سرکوبی و شکست مشرکان در بدر ، عقوبت دنیوی آنان

ذَلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ

<کم> در <ذَلِكُمْ> خطاب به مشرکان و <ذَا> اشاره به شکست و سرکوبی آنان دارد. و <ذَلِكُمْ> مبتدا و خبر آن به قرینه فراز بعد <وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ ...> <عِقَابِكُمْ فِي الدُّنْيَا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

وإن أدری أقرب أم بعید ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی است که جمله <أنَّ الأرض یرثها

عبادی الصالحون < در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - ذلت و شکست ، سرنوشت محتوم جبهه شرک و ضد توحید

و من الناس من یجدل .. له فی الدنیا خزی

۱۱ - نوید عزت و پیروزی به اهل ایمان و شکست و خواری کافران و مشرکان صدراسلام

و من الناس من یجدل .. ثانی عطفه... له فی الدنیا خزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ - اعلام خداوند مبنی بر شکست خوردن مشرکان مخالف قرآن و گرفتار شدن آنان به پی آمد های سوء کفرشان در آینده

نزديك

فكفروا به فسوف يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۳

۳ - کافران و مشرکان ، به عذاب و شکست تهدید شدند .

و لتعلمنّ نبأه بعد حين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۰

۱۰ - منافقان و مشرکان ، گرفتاران واقعی در گرداب بدی ها و شکست ها

عليهم دائرة السوء

بنا بر این که جمله <علیهم..> در مقام اخبار باشد و نه انشاء برداشت بالا استفاده می شود.

شکست مشرکان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۳

۳ - اخبار خداوند ، از شکست قریب الوقوع جماعت شرک پیشه در جنگ بدر

سیهزم الجمع و یولون الدبر

با توجه به تطبیق این آیه بر جنگ بدر در آرای مفسران

و با توجه به این که آیات یاد شده مکی است و جنگ بدر نخستین مرحله انهزام مشرکان بوده است، برداشت یاد شده به دست می آید.

شکست مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۶

۶ رعب و وحشت کافران در جنگ بدر، از عوامل شکست آنان در آن جنگ

سألتي في قلوب الذين كفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۶

۶ کافران شکست خورده در جنگ بدر، مورد تهدید خداوند به چشیدن دوباره طعم شکست در صورت بازگشت به جنگ

و إن تعودوا نعد

شکست مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۵ - ۲

۲ - فرجام یهود بنی نضیر در موضع گیری علیه اسلام، منتهی به شکست آنان، همچون فرجام مشرکان مکه در بدر *

کمثل الذين من قبلهم قريبا

برخی برآند که مراد از <الذين من قبلهم قريبا>، مشرکان مکه در بدر است.

شکست مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۱

۱۱- ذلّت و شکست ، مجازات دنیوی فسادانگیزان و عذاب جهنّم ، کیفر اخروی آنان است .

لتفسدنّ فی الأرض .. و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للكفرین حصیرًا

شکست مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ - اعلام خداوند مبنی بر شکست خوردن مشرکان مخالف قرآن و گرفتار شدن آنان به پی آمدهای

سوء کفرشان در آینده نزدیک

فکفروا به فسوف يعلمون

شکست مکر خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۹،۱۲

۹ خداوند نخواهد گذاشت مکر و حيله خيانتکاران به فرجام رسد و به ثمر نشیند .

و أن الله لایهدی کید الخائنین

۱۲ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خيانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلك لیعلم .. أن الله لایهدی کید الخائنین

چنان چه گذشت عبارت <أن الله لایهدی .. > عطف بر <أنی ... > است ؛ یعنی: <ذلك لیعلم أن الله ... >. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خيانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

شکست مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۱

۱ خداوند با برنامه های خویش ، مکر کافران علیه پیامبر (ص) را نافرجام ساخت .

إذ یمکر .. و یمکر الله و الله خیر المکرین

شکست منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶ - ۷

۷ - منافقان با تظاهر به اسلام ، در هدف های خویش (کسب منافع و ضربه زدن به اسلام) ، موفقیتی به دست نخواهند آورد .

و ما کانوا مهتدین

برداشت فوق بر این اساس است، که متعلق <مهتدین> اهداف منافقان باشد، یعنی: و ما کانوا مهتدین الی مقاصدهم. آیات بعدی، این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۷ - شکست ، ناکامی و زوال ، فرجام منافقان

والله محیط بالكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۰ - ۱

۱ - منافقان در برابر درخشش اسلام و پیشرفت آن ، خود را درمانده و در بن بست می بینند .

یکاد البرق یخطف أبصرهم

در این آیات وضعیت منافقان در برابر اسلام در قالب چند تشبیه، بیان شده است؛ چنان که مفسران گفته اند: در جمله <یکاد البرق ..> اسلام و امکانات فراهم شده در پرتو آن، به <برق> تشبیه شده و به دنبال آن فرصت طلبی منافقان در بهره گیری از مواهب آن، در قالب تشبیه دیگری بیان گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۰

۱۰ - منافقان و مشرکان ، گرفتاران واقعی در گرداب بدی ها و شکست ها

علیهم دائره السوء

بنا بر این که جمله <علیهم..> در مقام اخبار باشد و نه انشاء برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۷

۷ - تهدید منافقان به شکست ذلت بار از سوی خداوند

لیخرجنّ الأعزّ .. و لله العزّه و لرسوله و للمؤمنین

شکست موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنا لنحن الغلبون

شکست مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷

۵ - منافقان ، همواره منتظر بروز شکاف و اختلاف در صفوف مؤمنان و شکست و نابودی آنان بودند .

قالوا بلی و لکنکم .. تربصتم

<تربص> (مصدر <تربصتم>) به معنای انتظار چیزی را کشیدن است. حذف مفعول <تربصتم> بیانگر آن است که منافقان، آرزوی بروز همه گونه گرفتاری را برای مؤمنان و جامعه اسلامی داشتند.

شکست ناپذیری تدبیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۴

۴ - کید و تدبیر خداوند ، شکست ناپذیر است .

إِنَّ كَيْدِي مَتِين

شکست ناپذیری خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۷

۷ خداوند ، مقتدری شکست ناپذیر

كفروا سبقوا إناهم لا يعجزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ خداوند ، شکست ناپذیر و بسیار کاردان است .

إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۲

۱۲ خداوند ، شکست ناپذیر و بسیار کارداران است .

و الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۰ - ۲

۲ - اراده و قدرت خداوند ، مطلق و شکست ناپذیر است .

أمن هذا الذی هو جند لكم ينصرکم من دون الرحمن

شکست ناپذیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی پیروزمند ، شکست ناپذیر و رحمت آفرین برای بشر

و القرءان .. تنزیل العزیز

نسبت دادن نزول قرآن به مقام عزت و رحمت خداوند، می تواند بیانگر این نکته باشد که این کتاب نیز عزتمند و رحمت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۵

۵ - قرآن ، در عرصه فکر ، اندیشه و ... پیروز شکست ناپذیر و کتابی حکیمانه است .

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که چون خداوند، عزیز (پیروز شکست ناپذیر) و حکیم است، بنابراین سخن او نیز در عرصه خاص خود (فکر، اندیشه و ..) چنین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۵

۵ - قرآن ، در عرصه فکر و اندیشه ، پیروز شکست ناپذیر و کتابی عالمانه است .

تنزیل الکتب من الله العزيز العليم

از آن جایی که خداوند عزیز و علیم است، سخن او هم در عرصه خود (فکر، اندیشه و ..) چنین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - شکست ناپذیری قرآن ، در برابر معارضه ها و موضع گیری های خصمانه کافران

إِنَّ الَّذِينَ يَلْحَدُونَ .. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ... و إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ

شکست ناپذیری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۷ - ۵

۵ معبود به حق باید شکست ناپذیر و از آسیب ها و حوادث مصون باشد .

و الذین تدعون من دونه . . . و لا أنفسهم ینصرون

شکست ناپذیری مکر خدا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۴

۴ - کید و تدبیر خداوند ، شکست ناپذیر است .

إِنَّ كِيدِي مَتِين

شکست ناپذیری مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۸

۸ نیرو های شرک و کفر هر چند فراوان باشند ، توان شکست اهل ایمان را ندارند .

و لَنْ تَغْنِي عَنْكُمْ فِتْنَتِكُمْ شَيْئًا و لَوْ كَثُرَتْ

شکست ناگهانی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۶

۶- نابودی ناگهانی باطل در شرایط غیر قابل انتظار

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ

از آمدن <إِذَا>ی فجائیة که معنای ناگهانی و به دور از انتظار بودن را افاده می کند برداشت یاد شده به دست می آید.

شکست نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۹

۹ حرکت های منافقانه ، کفر آمیز و ضد خدا و دین ، حرکت هایی سست ، مذبحانه و محکوم به شکست است .

و الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا .. و إِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ ... أَسْسَ بَنِيهِ عَلِي شَف

سست بودن بنیان اعمال منافقان و کافران، می تواند کنایه از مطلب فوق باشد.

شکست یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۷

۷ خبر غیبی قرآن از شکست قریب الوقوع یهود عصر پیامبر (ص)

قل للذین کفروا ستغلبون

بنابراینکه منظور از <للذین کفروا>، یهودیان باشند؛ چنانچه در شأن نزول آمده است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۴، ۱۱

۱۱ وعده خداوند به عیسی (ع) در مورد غلبه پیروان راستین آن حضرت بر کافران (یهودیان) تا قیامت

و جعل الذين اتبعوك فوق الذين كفروا الى يوم القيمة

۱۴ پیروزی مسلمانان بر یهود *

و جعل الذين اتبعوك

احتمالاً مراد از پیروان عیسی (ع)، پیروان راستین آن حضرت است که قهراً منطبق بر مسلمانان می شود؛ چون عیسی (ع)، بنی اسرائیل را موظف به پیروی از پیامبر اسلام (ص) کرده بود. و مراد از <الذين كفروا>، یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۱ - ۴، ۷

۴ شکست و فرار، فرجام رویارویی و نبرد اهل کتاب (یهود) با مسلمانان

و إن یقتلوكم یولّوكم الابدبار

۱۷ اهل کتاب (یهود زمان پیامبر (ص))، آغازگر پیکاری که فرجامش جز شکست و فرار برای آنان نخواهد بود.

و إن یقتلوكم یولّوكم الابدبار

چون نسبت قتال به اهل کتاب داده شده، معلوم می شود که آنان آغازگر پیکار خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۸

۸ بشارت الهی در مورد ناکامی یهود و کافران در مبارزه مشترک علیه مسلمانان

الم تر الى الذين اوتوا الكتب . . . و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ ناکامی یهود و نصارا در بهره گیری از روابط دوستانه خویش با مسلمانان

سست ایمان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرین

در برداشت فوق <هولاء> اشاره به بیمار دلان مسلمان و خطاب در <معکم> متوجه یهود و نصارا دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۹، ۳۳

۲۹ ناکامی همواره یهود در آتش افروزی های خویش علیه مسلمانان

کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

۳۳ ناکامی یهود در جنگ افروزی های خود علیه مسلمانان ، نمود ناتوانی آنان بر اثر نفرین خداوند

غلت ایدیهیم .. کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <کلما اوقدوا ..> بیان نتیجه ای برای <غلت ایدیهیم> باشد.

شکست یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - چیره شدن ترس بر سپاه یهود بنی قریظه ، باعث از بین رفتن توان رزمی آنان شد و به راحتی ، به دست مسلمانان مدینه ، شکست خوردند .

و قذف فی قلوبهم الرعب فریقاً تقتلون و تأسرون فریقاً

شگفتی شکست ابرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۲ - ۳

۳ - ناکامی ابرهه در طرح انهدام کعبه و به هم خوردن توطئه او در تعطیل عبادت نزد آن ، کاری شگفت و نشانه قدرت خداوند

ألم تر كيف فعل ربك .. ألم يجعل كيدهم في تضليل

ارتباط این آیه با جمله <كيف فعل ربك> (در آیه قبل)، بیانگر برداشت یاد شده است.

عجز از ادراک عوامل شکست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۱۱

۱۱- توطئه

گران ، از درك عوامل شكست و ناكامی خود در توطئه علیه دین ، عاجزند .

قد مكر الذین من قبلهم .. و أتهم العذاب من حیث لا یسعون

عذاب با شكست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۱۴

۱۴ تهدید مشركان پیمان شکن ، به عذاب دردناك شكست

و بشر الذین كفروا بعذاب أليم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <عذاب أليم>، عذاب شكست در برابر جبهه اسلام باشد.

عوامل شكست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۸

۸ هزیمت و شكست سپاه جالوت ، پس از كشته شدن وی *

فهزموهم باذن الله و قتل داود جالوت

بنابر اینکه <واو> در <وقتل .. > حالتیه باشد؛ به تقدیر <قد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۶

۶ ناتوانی و شكست قطعی انسان ، در مكر با خداوند

و مكر الله و الله خیر الماكرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۴

۴ شکست و پیروزی به دست خداست ، نه پیامبر (ص)

لیس لك من الامر شیء

اگر <ال> در <الامر>، عهد ذکری باشد، اشاره به پیروزی مسلمانان در جنگ بدر و شکست کافران در آن جنگ است. و جنگ بدر به عنوان مثال خواهد بود، نه اینکه دارای خصوصیتی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۵

۱۵ ناشکیبایی در

برابر هجوم حوادث ، از عوامل عمده شکست مردم در عرصه های زندگی

و کاین من نبی قاتل ... فما وهنوا ... و الله يحب الصابرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۴،۵

۴ پرورش یافتگان مکتب انبیا ، گناه و اسراف (زیاده روی در امور) را نقطه ضعف و مانع پیروزی خود می دانند . *

و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا في امرنا .. و انصر

از اینکه مردان الهی نصرت و پیروزی بر دشمنان را پس از درخواست آمرزش گناهان طلب می کنند (اغفر لنا .. و انصرنا)، معلوم می شود که آنان پیروزی را در گرو پاکی از گناه می دانند.

۵ گناه و تجاوز از حد ، موجب فاصله گرفتن مجاهدان راه خدا ، از پیروزی *

و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا .. و انصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۵،۹

۵ دلهره و هراس ، از عوامل عمده شکست در رویارویی با مشکلات

و هو خير التاصرین. سنلقى في قلوب الذين كفروا الرعب بما اشركوا

۹ تأثیر وضعیت روحی و حالات قلبی آدمی ، در سرنوشت او (شکست و پیروزی)

و هو خير التاصرین. سنلقى في قلوب الذين كفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۴

۴ پیروزی و شکست ، تنها منوط به خواست و قدرت خداوند است .

ان ینصرکم الله

... و ان یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۳

۳ جریان حوادث و امور عالم (شکست ها ، سختی ها و دشواری های مردمان) در حیطه اذن الهی

و ما اصابکم .. فباذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۷

۷ پیروزی و شکست به دست خداوند است .

فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسسهم سوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۴

۱۴ نقش عمده و اساسی نقشه ها و شیوه های مبارزه در شکست و پیروزی

ان کید الشیطان کان ضعیفاً

از اینکه خداوند برای تحریک مؤمنان در رویارویی با کافران ضعف و ناتوانی نقشه های آنان را یادآوری می کند، معلوم می شود شیوه های مبارزه و برنامه های جنگی، نقش بسزایی در پیروزیها دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۲۵

۲۵ شکست زبونانه کافران ، در گرو کوشش مجاهدان برای فراهم سازی تجهیزات و هوشیاری آنان در برابر هجوم غافلگیرانه دشمن

و لیاخذوا حذرهم .. و خذوا حذرکم ان الله اعد للكفرین عذاباً مهیناً

جمله <ان الله...> می تواند تعلیل برای فرمان خداوند به گرفتن اسلحه و حفظ هوشیاری باشد، بر این مبنا مراد از عذاب

مهین، شکست زبویانه دشمنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۹ غرور و اعتماد به نیروی رزمی خود و غفلت از امداد های الهی ، زمینه ساز شکست است .

إذ أعجبتمكم أكثر تكلم .. ثم وليتم مدبرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۳ - ۴

۴- ناکامی و محرومیت ، فرجام اعتماد و اتکابه غیر خداوند است .

أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً .. و لم تكن له فئه ينصرونه من دون الله

<فئه> به معنای گروه و جماعتی از مردم است. جمله <و لم تكن...> پاسخی به پندارهای مرد ثروت مند مغرور به مال و نفرت خود است که در آیه پیشین مطرح شده بود. در این آیه، بی ثمر بودن چنین تکیگاه هایی در برابر اراده الهی، مورد تأکید قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۰ - ۶

۶ - دشمنی و مخالفت با خدا و پیامبر (ص) ، فرجامی جز شکست و ذلت ندارد .

إِنَّ الَّذِينَ يَحَادُّونَ .. أَوْلَئِكَ فِي الْأَذْلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۷

۱۷ - ثبات و تزلزل روانی ، از عوامل مهم پیروزی و شکست در نبرد

فَأَتِيهِمُ اللَّهُ .. و قذف في قلوبهم الرعب

عوامل شکست احزاب صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۹ - ۴،۵

۴- برای درهم شکستن سپاه دشمن ، در غزوه احزاب ، طوفانی عظیم برخاست .

إذ جاء تكم جنود فأرسلنا عليهم ريحًا

تنوین نکره در <ریحاً> برای تعظیم است

و حکایت از این می کند که بادی که وزیده، معمولی نبوده است؛ بلکه طوفانی بوده که خیمه ها را در هم می کوبیده و خار و خاشاک را در چشمان دشمن می پاشیده است.

۵- به وجود آمدن طوفان، در غزوه احزاب برای درهم شکستن توان دشمن، نعمتی الهی برای مسلمانان بود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ .. فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا

<فأرسلنا> بیان نعمتی است که خداوند، از مسلمانان خواسته است که به یاد آن باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۴

۴- طوفان و نیرو های نامریی در غزوه احزاب، از عوامل فروپاشی جبهه احزاب متحد و پراکنده شدن آنان بود.

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ جُنُودًا .. وَ رَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا

بنابراین که <و ردّ الله> عطف بر آیه نه (فأرسلنا عليهم..). باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

عوامل شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۳

۳ تضمین تحقق حق و محو باطل در پرتو ریشه کن شدن کافران است.

و يقطع دابر الكافرين. ليحق الحق و يبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <ليحق الحق> متعلق به <يقطع ..> در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱

۱- نزول آیات قرآن از جانب خداوند، جلوه حق و مایه نابودی باطل

و قل جاء الحقّ و زهق البطل .. و نزل من القرآن

من القرآن > پس از اعلام پیروزی حق و شکست باطل می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

عوامل شکست بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱

۱ - اراده خداوند ، عامل شکست و آوارگی کافران اهل کتاب (یهود بنی نضیر)

هو الذی أخرج الذین کفروا من أهل الکتاب

به اتفاق مفسران، آیات این بخش، مربوط به یهود بنی نضیر و جریان شکست و آواره شدن آنان از مدینه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۵ - ۳

۳ - شکست و تبعید بنی نضیر و اسلام ستیزان قبل از آنان ، نتیجه تلخ کردار خود ایشان

کمثل الذین .. ذاقوا وبال أمرهم

در صورتی که <أمرهم> شامل کارها و مواضع یهود بنی نضیر باشد، از اضافه <أمر> به <هم> مطلب بالا استفاده می شود.

عوامل شکست در امتحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۸

۸- عمل انسان در دنیا ، تعیین کننده موفقیت یا شکست وی در آزمون الهی است .

لنبلوهم أتیهم أحسن عملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۶

۶ - < ارث > عرصه امتحان الهی است و تصاحب کنندگان میراث دیگران ، بازنده این امتحان اند .

إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا

عوامل شکست در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۸

۸ سستی ، نزاع

و تفرقه و سرپیچی از فرماندهی ، از عوامل شکست جنگجویان

حَتَّىٰ إِذَا فُشِّتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عَصَيْتُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۱ - ۹

۹ فِشَقْ ، زمینه ساز ضعف روحیه و فرار از جنگ

وَ أَكْثَرَهُمُ الْفَاسِقُونَ ... وَ إِن يَاقْتُلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ

توصیف یهود به فسق و سپس بیان شکست آنان، حاکی از ارتباط این دو مسأله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۷ - ۱،۴،۵

۱ هَلَاكَةُ بَخْشِيٍّ مِنْ قُوَى دُشْمَنِ وَ خَوَارِ شَدْنِ بَخْشِيٍّ دِيْكَرٍ ، از اهداف نصرت الهی به رزمندگان بدر

وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ ... لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتَبَهُم

برداشت فوق، با عنایت به ملحوظات ذیل است. یکم اینکه: <لِيقْطَعَ> و <يَكْتَبَهُم>، به جمله <وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ> متعلق باشد. دوم اینکه: <قَطَعَ> به معنای هلاک کردن باشد، چنانچه در روح المعانی آمده است. سوم اینکه: <أَوْ> در <أَوْ يَكْتَبَهُم>، برای تنويع باشد، یعنی عده ای به هلاکت و عده ای دیگر به ذلت و خواری کشانده شدند.

۴ بازگشت ذلیلانه و ناامیدانه باقیمانده کافران، از اهداف نصرت الهی به رزمندگان بدر

وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ ... لِيَقْطَعَ ... فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ

جمله <فَيَنْقَلِبُوا ...>، عطف بر <لِيقْطَعَ> است بنابراین بازگشت ذلیلانه و ناامیدانه کافران، از اهداف پیروزی بدر خواهد بود و به مقتضای <فَاء> تفریع، این بازگشت، نتیجه هلاکت و اسارت بخشی از کافران بوده است.

۵ هَلَاكَةُ وَ خَوَارِ بَخْشِيَّيْنِ مِنْ قُوَى دُشْمَانِ دِينٍ ،

در جنگ بدر، عاملی در تخریب روحیه سایر نیروها

لیقطع طرفاً... فینقلبوا خائبین

<خائبین> از <خبیبه>، به معنای یأس، ناامیدی و نامرادی، حکایت از اثر روانی در باقیمانده کفار است که به مقتضای <فاء> در <فینقلبوا>، این ناامیدی، نتیجه هلاکت و خواری و اسارت گروه زیادی از دشمنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ روحیه رزمندگان دارای تأثیری بسزا در اقدام به جنگ و پیروزی و شکست آنان

إذ یریکهم الله... إنه علیم بذات الصدور

عوامل شکست در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۶، ۱۸، ۷

۷ سستی، اختلاف در کار جنگ و سرپیچی از فرمان پیامبر (ص)، از عوامل شکست مسلمانان در پیکار احد

حتی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

۱۶ دنیاطلبی برخی از پیکارگران احد، موجب سستی، اختلاف و سرپیچی از فرمان پیامبر (ص) و شکست در آن کارزار

حتی اذا فشلتم و... منکم من یرید الدنیا

به نظر می رسد جمله <منکم من یرید الدنیا>، دلیل <اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم> باشد.

۱۸ دنیاطلبی و دلدادگی به مادیات، از عوامل نزاع و اختلاف در صفوف مبارزان و شکست آنان

و تنازعتم فی الامر... منکم من یرید الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۲، ۳، ۵، ۱۱

۲ گریز مسلمانان از میدان کارزار احد ، موجب شکست آنان در آن پیکار

تم صرفکم

عنهم .. اذ تصعدون

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد و کلمه <اذ>، یا برای بیان علت است، یعنی شکست خوردید چون فرار کردید، و یا ظرف زمان است، یعنی شکست خوردید، آنگاه که فرار کردید.

۳ گریز از رویارویی با دشمنان دین، موجب شکست و هزیمت

ثم صرفکم عنهم .. اذ تصعدون

۵ یادآوری پیکار احد و علل شکست مسلمانان در آن، وظیفه مؤمنان

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <اذکروا> باشد.

۱۱ بی اعتنایی به دعوت پیامبر (ص) در پیکار احد، موجب شکست مسلمانان در آن کارزار

ثم صرفکم .. و الرسول یدعوکم فی اخریکم

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد، آیه مزبور در مقام بیان علت‌های شکست احد است. بنابراین جمله <و لا تلون علی احد و الرسول ... >، که حاکی از دعوت پیامبر (ص) و بی اعتنایی به اوست، نیز بیانگر علتی برای شکست خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۹

۹ سستی پیکارگران احد در اتکال به خداوند، موجب محرومیت آنان از نصرت الهی و شکست ایشان در آن نبرد.

و ان یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده و علی الله فلیتوکل المؤمنون

وقوع این آیه پس از بیان نبرد احد و شکست مؤمنان، اشاره به علت شکست دارد، یعنی چون در آن نبرد توکل نداشتید، از یاری خدا محروم شدید و در نتیجه شکست خوردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵

۷ مسلمانان ، به دلیل نافرمانی از پیامبر (ص) و فرار از صحنه نبرد ، عامل شکست و مصیبت های پیکار احد

اولمّا اصابتمکم مصیبه .. قل هو من عند انفسکم

با توجه به آیات قبل، همانند آیه ۱۵۲ (اذ تحسّونهم باذنه حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم)، معلوم می شود که نافرمانی و .. از جمله عوامل شکست آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۰

۲۰ ترس از هیبت سپاه دشمن ، از عوامل ایجاد تردید و سستی اراده در پیکار *

قالوا لا طاقة لنا الیوم بجالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۵

۵ پیکارگران احد ، به دلیل عدم توکل برخی از آنان به خداوند ، علی رغم توانایشان ، شکست خوردند . *

و اذ غدوت من اهلک تبویء المؤمنین .. و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

یادآوری کمبود نیروی نظامی در جنگ بدر، اشاره به توانمندی آنان در مقایسه با جنگ احد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۱

۱۱ سستی پیکارگران در برابر هجوم حوادث دشوار جنگ ، موجب ناتوانی آنان در برابر دشمن و خوارکننده آنان

قاتل معه .. فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله و ما ضعفوا و ما استکانوا

ترتیب ذکر **<وهن>** و **<ضعف>** و **<استکانت>**، می تواند اشاره به ترتیب خارجی آن باشد: یعنی اول سستی و آنگاه ضعف و سپس تسلیم

و زبونی در برابر دشمن، حاصل خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۴

۴ شرکت بی ایمان ها و سست باوران در جنگ و جهاد، جز فساد و فتنه انگیزی و تأثیر منفی بر دیگران، نتیجه ای ندارد.

لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا و لأوضعوا خلكم بيبغونكم الفتنه

جمله <يبغونكم الفتنه> حال برای ضمیر فاعل <أوضعوا> است؛ یعنی، اگر منافقان برای جنگ بیرون می آمدند، مطمئناً در حق شما فتنه جویی می کردند.

عوامل شکست دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - نقش بارز صلح حدیبیه، در کوتاه شدن دست دشمنان از ضربه زدن به مسلمانان

فعجل لكم هذه و كفّ أیدی الناس عنكم

ممکن است <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد و <كفّ..> مترتب بر آن بوده و نتیجه آن به شمار آید.

عوامل شکست دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۱۱

۱۱- توطئه گران، از درک عوامل شکست و ناکامی خود در توطئه علیه دین، عاجزند.

قد مکر الذین من قبلهم .. و أتهم العذاب من حیث لا یسعون

عوامل شکست شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ تأثیر عمیق جنگ بدر در تحکیم پایه های توحید و آیین اسلام و شکست شرک و کفر

و یرید الله أن یحق الحق بکلمته و یقطع دابر الکفرین

عوامل شکست کافران

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۲۵

۲۵ شکست زبونانه کافران ، در گرو کوشش مجاهدان برای فراهم سازی تجهیزات و هوشیاری آنان در برابر هجوم غافلگیرانه دشمن

و ليأخذوا حذرهم ... و خذوا حذرکم إِنَّ اللّٰهَ اعد للكفرین عذاباً مهيناً

جمله <ان الله...> می تواند تعلیل برای فرمان خداوند به گرفتن اسلحه و حفظ هوشیاری باشد، بر این مبنا مراد از عذاب مهین، شکست زبونانه دشمنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۶

۶ رعب و وحشت کافران در جنگ بدر ، از عوامل شکست آنان در آن جنگ

سألقي في قلوب الذين كفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۶

۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانت‌هایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

امکان (مصدر امکان)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء> دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ نصرت های خاص الهی به پیامبر (ص) ، عامل فرو شکستن شعار و صولت کافران و اعتلا یافتن کلمه الله (شعار توحید)

فقد نصره الله ... و جعل کلمه الذين كفروا

السفلى و كلمه الله هى العليا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱

۱ - اراده خداوند ، عامل شکست و آوارگی کافران اهل کتاب (یهود بنی نضیر)

هو الذى أخرج الذين كفروا من أهل الكتاب

به اتفاق مفسران، آیات این بخش، مربوط به یهود بنی نضیر و جریان شکست و آواره شدن آنان از مدینه است.

عوامل شکست کفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۲

۱۲ تأثیر عمیق جنگ بدر در تحکیم پایه های توحید و آیین اسلام و شکست شرک و کفر

و یرید الله أن یحق الحق بکلمته و یقطع دابر الکفرین

عوامل شکست مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لکن الله قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم...> متفرع بر آیاتی است که امدادهای الهی را در جنگ بدر برمی شمرد / یعنی توجه به قضایای

جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

عوامل شکست ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۳ - تنها کسی می تواند شکست ناپذیر و ستوده کردار باشد که بر تمامی آسمان ها و زمین ، سیطره داشته و حکمرانی کند .

العزیز الحمید . الذی له ملک السموت و الأرض

وصف > الذی

له . . . >، می تواند توجیه گر دو وصف قبلی باشد. تغییر عبارت که موصول و صله جایگزین صفت مشبیه شده است مؤید برداشت بالا است.

عوامل شکست یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۸،۹

۸ - قدرت مطلق خداوند ، عامل شکست یهود بنی قریظه و پیروزی مسلمانان مدینه بود .

أنزل الذين ظهروهم .. فریقاً تقتلون ... وكان الله على كل شيء قديرًا

۹ - قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب .. و أورثكم أرضهم ... و كان الله على كل ش

کافران و شکست مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳۰ - ۵

۵ - کافران ، همواره در کمین شکست و اضمحلال جامعه مؤمنان اند .

إنهم منتظرون

متعلق انتظار کافران، به قرینه دشمنی آنان با مؤمنان، می تواند انتظار شکست مؤمنان باشد.

مصلحت در شکست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۸

۸ رنج ها و شکست ها ، دارای مصلحتهایی پنهان از چشم ظاهرینان

و ما اصابکم يوم التقى الجمعان .. و ليعلم المؤمنین

منافقان و شکست مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۴،۷

۴ مباحث و اظهار شادمانی منافقان به رأی صائب خویش مبنی بر ترک جهاد ، در صورت مواجه

شدن مسلمانان با شکست و مشکلات جنگ

و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فرحون

۷ داوری غلط منافقان در مورد شکست و پیروزی مسلمانان

و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فرحون

منشأ شکست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۶

۶ حاکمیت اذن خداوند بر پیروزی ها و شکستها

فهم موهم باذن الله

کلمه <باذن الله> متعلق به <هزموهم>، قید هر دو معنایی است که در آن نهفته / یعنی شکست جالوتیان و پیروزی طالوتیان. پس هم شکست و هم پیروزی به اذن خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۳،۱۰

۳ پیروزی و یا شکست سپاه اسلام، منوط به مشیت خدا و تنها بر اساس تقدیر اوست .

قل لن یصینا إلا ما کتب الله لنا

۱۰ ایمان و اعتقاد به اینکه خوشی ها و ناخوشی ها، و شکست ها و پیروزی ها بر اساس تقدیر خداست، مقتضی توکل بر او و روی بر تافتن از دیگران

قل لن یصینا إلا ما کتب الله لنا .. و علی الله فلیتوکل المؤمنون

منشأ شکست ابرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۲ - ۳

۳ - ناکامی ابرهه در طرح انهدام کعبه و به هم خوردن توطئه او در تعطیل عبادت نزد آن ، کاری شگفت و نشانه قدرت خداوند

ألم تر كيف فعل ربك .. ألم يجعل كيدهم في تضليل

ارتباط این آیه با جمله >كيف

فعل رَبَّكَ < (در آیه قبل)، بیانگر برداشت یاد شده است.

منشأ شکست اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۲ - ۵

۵ - وابستگی شکست اصحاب فیل به خداوند ، امری روشن و بی نیاز از تأمل و برهان

ألم يجعل

استفهام تقریری در آیه، گویای وضوح محتوای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۵

۵ - خداوند ، با خنثی کردن توطئه اصحاب فیل ، قریش را از خطر از هم گسیختگی رهانید .

لایلف قریش

منشأ شکست امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۳

۳- تحولات تاریخ (شکست و پیروزی امت ها) تحت اراده الهی است .

بعثنا علیکم عبادًا .. ثم رددنا لکم الکره

منشأ شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۴

۴ - در صورت یاری خداوند ، پیروزی سپاه دین و جریان حق بر کفر و باطل ، قطعی است .

و نصرنهم فكانوا هم الغلبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۷

۱۷ - علم و آگاهی گسترده خداوند ، پشتوانه پیروزی دین حق و شکست جبهه کفر و باطل

و يمح الله البطل .. إنه عليم بذات الصدور

جمله <إنه عليم بذات الصدور> می تواند علت برای جمله <و يمح الله الباطل> باشد.

منشأ شکست بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹

۱۲ - تحقق اراده الهی ، علیه یهود بنی نضیر ، به گونه ای غیرقابل محاسبه برای آنان

هو الذی أخرج .. و ظنوا أنهم مانعتهم ... فأتیهم الله من حیث لم یحتسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۱

۱۱ - تسلط و غلبه پیامبر (ص) بر یهود بنی نضیر ، معلول اراده و عنایت خداوند بود ؛ نه صرفاً تلاش مسلمانان .

فما أوجفتم علیه .. و لكن الله یسلط رسله علی من یشاء

منشأ شکست توطئه قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۵

۵ - پیشگیری خداوند از تحقق طرح ترور شبانه صالح (ع) و خانواده اش

لنیتته و أهله .. و مکرنا مکرًا و هم لایشعرون

اصل برنامه مخالفان صالح ، ترور شبانه وی و خانواده اش بود و مکر الهی به معنای خنثی ساختن آن برنامه است .

منشأ شکست دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، شایسته ترین کفایت کننده تمامی امور بندگان و دفع کننده هر نوع شر دشمنان از آنان است .

قل حسبی الله

حذف متعلق < حسبی > یعنی ، ذکر نشدن موارد کفایت ، دلالت بر عموم و توسعه دارد .

منشأ شکست دشمنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۳،۶

۳ - خداوند ، پیامبران خود را با تضمین پیروزی آنان و شکست جبهه دشمن فرستاد .

كتب الله لأغلبن أنا ورسلي

- نیرومندی و شکست ناپذیری خداوند ، تضمین کننده پیروزی پیامبران بر دشمنانشان

كتب الله لأغلبن أنا ورسلي إن الله قوي عزيز

منشأ شکست رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۲

۲ - شکست و پیروزی روم ، براساس مشیت خداوند بود .

غلبت الروم .. لله الأمر من قبل و من بعد

مضافاً اليه محذوفِ <قبل> و <بعده> ، <شکست و پیروزی رومیان> است. بنابراین، مراد از <لله الأمر من قبل و...> نکته یاد شده است.

منشأ شکست شیخون قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۵

۵ - پیشگیری خداوند از تحقق طرح ترور شبانه صالح (ع) و خانواده اش

لبیتته و أهله .. و مکرنا مکرًا و هم لایشعرون

اصل برنامه مخالفان صالح، ترور شبانه وی و خانواده اش بود و مکر الهی به معنای خنثی ساختن آن برنامه است.

منشأ شکست شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۲ - ۳

۳ - خداوند در صدد مایوس کردن مشرکان ، از پیشرفت و نفوذ آیینشان

ما أنتم علیه بفتنن

اخبار خداوند به ناتوانی مشرکان که به صورت روشن و قاطع بیان گردیده است می تواند برای ایجاد یأس و ناامیدی در میان آنان از هرگونه پیشرفت و نفوذ در میان مردم باشد.

منشأ شکست فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۳

۳ - تعلق اراده الهی بر تسلط بخشیدن به موسی و هارون (ع)

(، در عرصه های مبارزه و ناکام گردانیدن فرعون و دارودسته وی

و نجعل لکما سلطناً فلا یصلون إلیکما

منشأ شکست فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۳

۳ - تعلق اراده الهی بر تسلط بخشیدن به موسی و هارون (ع) ، در عرصه های مبارزه و ناکام گردانیدن فرعون و دارودسته

وی

و نجعل لکما سلطناً فلا یصلون إلیکما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۲

۲ - غلبه و پیروزی موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان بر فرعونیان ، نتیجه نصرت الهی بود .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

منشأ شکست قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۴

۴ - لطف و عنایت خدا ، موجب شکست توطئه مشرکان علیه ابراهیم (ع) و پیروزی آن حضرت در برابر آنان

فأرادوا به کیداً فجعلنهم الأسفلین

<أسفل> (مفرد <أسفلین>) در اصل به معنای فروتر است و ولی در آیه شریفه کنایه از شکست و به معنای مغلوب می

باشد زیرا انسان غالب ، احساس برتری و انسان مغلوب ، احساس فروتری می کند .

منشأ شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - خداوند ، کافران حاکم پیش از اسلام را ، شکست داد و پیامبران و مؤمنان نیکوکار را ، پیروز کرده و جایگزین آنان در سطح زمین قرار داد .

وعد الله الذین ءامنوا .. کما استخلف الذین من قبلهم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۴ - ۸

۸ - علم خداوند به توطئه های کافران ، مایه ناکامی آنان در دستیابی به اهدافشان

و لاتکن فی ضیق مّما یمکرون . . . و إنّ ربّک لیعلم ما تکتّن صدورهم و ما یعلنون

طرح علم خدا به اسرار نهانی و کارهای آشکار توطئه گران علیه دین و رسالت پیامبر(ص)، اشاره به این نکته دارد که آنان در هر حال در منظر خدا هستند و نمی توانند چیزی را از او مخفی کرده و به اهداف شان برسند. این بیان، می تواند تعلیلی باشد بر آنچه که قبلاً در ضمن <ولاتکن فی ضیق مّما یمکرون> آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۰

۱۰ - پیروزی رسولان الهی بر کافران ، به اراده و مشیت خداوند است .

و لکنّ اللّٰه یسلّط رسله علی من یشاء

منشأ شکست کافران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - غلبه یافتن پیروان حضرت عیسی (ع) بر کافران بنی اسرائیل ، در نتیجه تأییدات و امداد های الهی

فأیدنا الذین ءامنوا . . فأصبحوا ظهیرین

منشأ شکست کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۶

۶ - خداوند ، کافران و مشرکان ستیزه جوی صدر اسلام را از دست یافتن به هدف خود (ریاست و سروری بر مردم) مأیوس ساخت .

إِنَّ الَّذِينَ يَجْدُلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ . . . إِنَّ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كَبِيرٌ

این فرموده خداوند که: <در دل کافران کبر و خودبرتر بینی وجود دارد و ولی به آن نمی رسند> کنایه از این است که آنان نمی توانند با ریاست و سروری بر مردم، که آرزوی آنها است کبر و خودبرتر بینی خود را تحقق بخشند.

منشأ شکست کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۴

۴ - در صورت یاری خداوند، پیروزی سپاه دین و جریان حق بر کفر و باطل، قطعی است.

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۷

۱۷ - علم و آگاهی گسترده خداوند، پشتوانه پیروزی دین حق و شکست جبهه کفر و باطل

و یمح الله البطل .. إنه علیم بذات الصدور

جمله <إنه علیم بذات الصدور> می تواند علت برای جمله <و یمح الله الباطل> باشد.

منشأ شکست مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۶

۶ - خداوند، کافران و مشرکان ستیزه جوی صدر اسلام را از دست یافتن به هدف خود (ریاست و سروری بر مردم) مأیوس ساخت.

إنّ الذین یجدلون فیء آیت الله .. إن فی صدورهم إلا کبر ما هم ببلغیه

این فرموده خداوند که: <در دل کافران کبر و خودبرتر بینی وجود دارد و ولی به آن نمی رسند> کنایه از این است که آنان نمی توانند با ریاست و سروری بر مردم، که آرزوی آنها است کبر و خودبرتر بینی خود را

تحقق بخشند.

موارد شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۸

۸- هلاکت و نابودی جوامع ستمگر گذشته ، نمونه ای از پیروزی حق بر باطل

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه.. بل نقذف بالحق علی البطل فیدمغه فإذا هو زاهق

موانع شکست در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۶

۶ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، مانع شکست مسلمانان ، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن)

لولا کتب .. عذاب عظیم

موسی (ع) و شکست اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۷ - ۶،۷

۶ حضرت موسی (ع) ، از پیش به پیروزی و دستیابی به هدف های خود و شکست فرعون ، آگاهی داشت .

و لا یفلح السحرون

<فلاح> به معنای ظفر و دست یافتن به هدف است (مفردات راغب).

۷ حضرت موسی (ع) ، همراه با نفی ساحریت از خود ، فرعون و اطرافیانش را تهدید به شکست کرد و پیروزی قطعی خود را به آنان اعلام نمود .

و لا یفلح السحرون

موسی (ع) و شکست جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۳،۴،۵

۳ موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، قطعی و غیر قابل تردید اعلام کرد .

قال موسى ما جئتم به السحر إن الله سيبيطله

موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، به خدا مرتبط نموده و خود را صرفاً واسطه فعل او اعلام کرد .

قال موسى ما جئتم به السحر إن الله سيطله إن الله لا يصلح عمل المفسدين . و يحق ال

۵ موسی (ع) ، از پیش بر پیروزی خود و شکست ساحران و ابطال سحرشان ، اطمینان داشت .

قال موسى ما جئتم به السحر إن الله سيطله

موسی(ع) و شکست فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۷ - ۷

۷ حضرت موسی (ع) ، همراه با نفی ساحریت از خود ، فرعون و اطرافیانش را تهدید به شکست کرد و پیروزی قطعی خود را به آنان اعلام نمود .

و لا یفلح السحرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۷

۷ موسی (ع) ، فرعون و اطرافیانش را گروهی مفسد و توطئه های آنان را محکوم به شکست دانست .

إن الله لا يصلح عمل المفسدين

موسی(ع) و شکست فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۷

۷ موسی (ع) ، فرعون و اطرافیانش را گروهی مفسد و توطئه های آنان را محکوم به شکست دانست .

إن الله لا يصلح عمل المفسدين

مؤمنان و شکست غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۶

۶ برخی از مؤمنان مایوس از پیروزی در جنگ بدر و مطمئن به شکستی

مرگ آفرین در آن کارزار

يجدلونك .. كأنما يساقون إلى الموت و هم ينظرون

نشانه شکست در امتحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - بی اعتنایی به یتیمان ، نشانه رد شدن در امتحان الهی است .

إذا ما ابتليه ربّه فأكرمه و نعمة .. كلاً بل لا تكرمون اليتيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۷

۷ - بی توجهی ثروتمندان به مستمندان و پرهیز آنان از کمک رسانی به بینوایان ، به دور از انتظار و نشانه رد شدن در امتحان الهی است .

إذا ما ابتليه ربّه فأكرمه و نعمة .. كلاً بل ... و لا تحضون على طعام المسكين

نشانه های شکست در امتحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۸

۱۸ - شکرگزاری و یا کفران انسان ، نمود پیروزی و یا شکست او در آزمون الهی

ليبلوني ءأشكر أم أكفر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که سلیمان فرجام و نتیجه آزمون الهی را در دو بعد کلی <شکرگزاری یا کفران> مطرح ساخته است.

نشانه های شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ پیروزی نوح (ع) و یارانش بر مخالفان، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقوایندگان مقاوم و صبور، بر کفرپیشگان است.

تلک من أنباء الغیب .. فاصبر إن العقبه للمتقین

وضوح شکست اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۲ - ۵

۵ - وابستگی شکست اصحاب فیل به خداوند ، امری روشن و بی نیاز از تأمل و برهان

ألم يجعل

استفهام تقریری در آیه، گویای وضوح محتوای آن است.

وعده شکست دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۴

۴ - عذاب اخروی و شکست دنیوی ، وعده الهی به کافران حق ناپذیر

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْأَلُونَ مَنْ أَلْغَىٰ لَهُمُ الْمَاءَ وَغَدَاةَ الْجَنَّةِ أَهْلًا فَأَكْرَمَهُم مَّن حَتَّىٰ لَا يَخْلِفُ الْعَاهِدُونَ عَلَيْهِمْ فِيهِمْ وَمَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

وعده شکست شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر اکرم (ص) را در قبال سخنان ناروای مشرکان دلداری داده و با وعده غلبه قطعی توحید بر شرک ، آن

حضرت را از ناکامی و نافرجامی توطئه های آنان ، مطمئن ساخت

و لا يحزنك قولهم إن العزة لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقق وعده های الهی (نابودی شرک و

پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم يروا أننا نأتى الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم يروا..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

وعده شکست فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۷

۷ - شکست نهایی فرعون و غلبه موسی ، هارون (ع) و

پیروانشان بر وی ، وعده الهی به موسی در وادی طور

أنتما و من أتبعكما الغلبون

وعده شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۴

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده اکید خداوند

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وعده شکست کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوریکم ءایتی . . . و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

وعده شکست مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر اسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

و تولّ عنهم حتّی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۱

۱ - وعده الهی ، به فروپاشی جماعت مشرکان

و ناپایداری آنان در برابر جبهه ایمان

سیهزم الجمع و یولون الدبر

وقت شکست حق ناپذیران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لكم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

وقت شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲- زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتّی إذا اوا ما یوعدون.. اقرب ما توعدون... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است ؛ یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد ؛ یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

وقت شکست کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدرى لعلَّ فتنة لكم

ضمیر <لعلَّ> به نکته

ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

وقت شکست مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است.

و إن أدری لعلّه فتنه لكم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

شکست ناپذیری

ادعای شکست ناپذیری انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۱

۱ - رفتار برخی از انسان ها، بسان کسی است که خود را شکست ناپذیر و تواناترین موجود می پندارد.

أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

فاعل <یحسب> ضمیری است که به <الإنسان> در آیه قبل برمی گردد و به قرینه آیات بعد، روی سخن با مؤمنان حقیقی نیست؛ بلکه کافران و یا آنها و منافقان مورد نظر هستند. بنابراین باید گفت: عموم <الإنسان>، یا عموم عرفی است و مراد بیشتر مردمی است که در زمان نزول این آیات، در مکه بوده و از زمره مؤمنان حقیقی نبودند و یا ارجاع ضمیر به آن، به صورت استخدام بوده و تنها بخشی از افراد مرجع ضمیر، مقصود هستند.

شکست ناپذیری تدبیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - کید و تدبیر خداوند ، شکست ناپذیر است .

إِنَّ كِيدِي مَتِين

شکست ناپذیری خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۷

۷ خداوند ، مقتدری شکست ناپذیر

كُفِرُوا سَبِقُوا إِيْنَهُمْ لَآيَعْجُزُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ خداوند ، شکست ناپذیر و بسیار کاردان است .

إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۲

۱۲ خداوند ، شکست ناپذیر و بسیار کاردان است .

وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۰ - ۲

۲ - اراده و قدرت خداوند ، مطلق و شکست ناپذیر است .

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ

شکست ناپذیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی پیروزمند ، شکست ناپذیر و رحمت آفرین برای بشر

و القراءان .. تنزيل العزيز الرحيم

نسبت دادن نزول قرآن به مقام عزت و رحمت خداوند، می تواند بیانگر این نکته باشد که این کتاب نیز عزتمند و رحمت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۵

۵ - قرآن ، در عرصه فکر ، اندیشه و ... پیروز شکست ناپذیر و کتابی حکیمانه است .

تنزيل الكتب من الله العزيز الحكيم

برداشت بالا به خاطر این نکته است که

چون خداوند، عزیز (پیروز شکست ناپذیر) و حکیم است؛ بنابراین سخن او نیز در عرصه خاص خود (فکر، اندیشه و ..) چنین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۵

۵ - قرآن ، در عرصه فکر و اندیشه ، پیروز شکست ناپذیر و کتابی عالمانه است .

تنزیل الکتب من الله العزيز العليم

از آن جایی که خداوند عزیز و علیم است، سخن او هم در عرصه خود (فکر، اندیشه و ..) چنین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - شکست ناپذیری قرآن ، در برابر معارضه ها و موضع گیری های خصمانه کافران

إِنَّ الَّذِينَ يَلْحَدُونَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ... و إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ

شکست ناپذیری معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۷ - ۵

۵ معبود به حق باید شکست ناپذیر و از آسیب ها و حوادث مصون باشد .

و الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ

شکست ناپذیری مکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۴

۴ - کید و تدبیر خداوند ، شکست ناپذیر است .

اِنَّ كِيدِي مَتِين

شكست ناپذيري مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - انفال - ٨ - ١٩ - ٨

٨ نيروهاي شرک و کفر هر چند فراوان باشند ، توان شکست اهل ايمان را ندارند .

و لن تغني عنکم فتکم شيئا و لو کثرت

عوامل

شکست ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۳

۳ - تنها کسی می تواند شکست ناپذیر و ستوده کردار باشد که بر تمامی آسمان ها و زمین ، سیطره داشته و حکمرانی کند .

العزیز الحمید . الذی له ملک السموت و الأرض

وصف <الذی له ..>، می تواند توجیه گر دو وصف قبلی باشد. تغییر عبارت که موصول و صله جایگزین صفت مشابه شده است مؤید برداشت بالا است.

شکم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شکم

تاریکی شکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۱،۲۶

۱۱ - جنین ، پوشیده از سه ظلمت (بچه دان ، رحم و شکم)

یخلقکم فی بطون أمهتکم ... فی ظلمت ثلاث

مفسران یادآور شدند که مقصود از <ظلمات ثلاث> ظلمت های بچه دان، رحم و شکم مادران است و روایت امام باقر(ع) مؤید همین برداشت است (مجمع البیان، ذیل آیه و نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۷۷، ح ۱۱).

۲۶ - < فی مجمع البیان : > فی ظلمات ثلاث < ظلمه البطن و ظلمه الرحم و ظلمه المشیمه ... و هو المروى عن أبی جعفر (ع) >

در مجمع البیان آمده است که مراد از <ظلمات ثلاث> (تاریکی های سه گانه)، تاریکی شکم، تاریکی رحم و تاریکی کیسه جنین می باشد و این معنا از امام باقر(ع) روایت شده است.

نجات از شکم ماهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - یونس (ع) پس از رهایی از شکم

ماهی ، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه

یونس(ع) در شکم ماهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲۱، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲

۱۲- گرفتار آمدن یونس (ع) در دریا و شکم ماهی ، کیفر ترک خشمگینانه او از میان قومش

ذالنون إذ ذهب مغضباً .. فنادی فی الظلمت

مقصود از <ظلمات> در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

۱۳- دعا و تضرع یونس (ع) به درگاه الهی ، پس از گرفتار آمدن در ظلمات (شکم ماهی)

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت

۱۴- روی آوردن یونس (ع) در شکم ماهی به تهلیل و تنزیه خداوند ، در نیایش ویژه خویش

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحنک

۱۵- <لا إله إلا أنت سبحانک إئی کنت من الظالمین > ، ندا و دعای یونس (ع) به هنگام گرفتار شدن در ظلمت شکم

ماهی

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحنک إئی کنت من الظالمین

۲۱- < قال المأمون للرضا (ع) فأخبرنی عن قول الله عزوجلّ : > و ذالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه > فقال

الرضا (ع) : ذاک یونس بن متی (ع) ذهب مغاضباً لقومه > فظنّ > بمعنی إستیقن > أن لن نقدر علیه > أي لن تضیق علیه

رزقه ... > فنادی فی الظلمات > أي ظلمه الليل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : > أن لا إله إلا أنت سبحانک إئی کنت

من

الظالمين > بترکی مثل هذه العباده التي قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ؛

در روایت آمده است که [مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزوجل > و ذالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه > امام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناک بود، از میان آنان برفت. > ظنّ > در کلام خدا به معنای > استیقن > و > لن نقدر علیه > به معنای > لن نضیق علیه رزقه > ... می باشد. > فنادی فی الظلمات > یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: >...سبحانک إئی کنت من الظالمین > یعنی، ... من از ستم کارانم؛ زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۱

۱- دعای یونس (ع) به هنگام گرفتار شدن آن حضرت در تاریکی شکم ماهی، مورد اجابت و پذیرش خدا قرار گرفت .

فنادی فی الظلمت .. فاستجبنا له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۲ - ۱،۳

۱ - بلعیده شدن یونس (ع) به وسیله ماهی بزرگ، پس از افکنده شدن او به دریا

فالتقمه الحوت و هو ملیم

>إلتقام< (مصدر >التقم<) به معنای بلعیدن است و >حوت< هر چند در مطلق ماهی چه بزرگ باشد و چه کوچک به کار می رود؛ اما کاربرد آن در ماهی بزرگ بیشتر است و در

آیه شریفه نیز به همین معنا به کار رفته است.

۳- بلعیده شدن یونس به وسیله ماهی ، نتیجه خروج عجولانه او از میان مردم و ادامه ندادن رسالت خود در میان آنان بود .

إذ أبق إلى الفلك .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۳ - ۱

۱- یونس (ع) ، در دل ماهی به تسبیح مستمر خدا پرداخت .

فلولا أنه كان من المسبّحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۱،۲

۱- یونس (ع) اگر به تسبیح خدا در شکم ماهی نمی پرداخت ، تا قیامت در آنجا می ماند .

فلولا أنه كان من المسبّحين . للبت فی بطنه إلى يوم یبعثون

۲- تسبیح مستمر یونس (ع) ، تنها وسیله نجات او از دل ماهی شد .

فلولا أنه كان من المسبّحين . للبت فی بطنه إلى يوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۳

۳- بلعیده شدن یونس (ع) به وسیله ماهی ، موجب بیماری او گردید .

فالتقمه الحوت .. فنبذنه بالعراء و هو سقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۴

۴- > عن أبي عبد الله (ع) الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات . . . و نبی یری فی منامه و یسمع الصوت و یعاین الملك و

قد أرسل إلى طائفه قَلِّوا أو كثروا كيونس .

قال الله ليونس > و أرسلناه إلى مائه ألف أو يزيدون <... ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان بر چهار طبقه اند .. و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلى مائه ألف أو يزيدون >...<.

شکمبارگی

سرزنش شکمبارگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۹

۹- هدف قرار دادن لذت جویی و شکمبارگی در زندگی ، منشی حیوانی و نه شایسته مقام انسانی

و الذين كفروا يتمتعون و يأكلون كما تأكل الأنعم

لحن شدید توییخی آیه و به شمار آوردن لذت جویی صرف و به دور از عقیده و ایمان در حد زندگی حیوانی، مطلب بالا را افاده می کند.

شکمبارگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۷

۷- لذت جویی و شکمبارگی حیوان گونه کافران ، تنها بهره آنان از زندگی دنیایی

الذين كفروا يتمتعون و يأكلون كما تأكل الأنعم و النار مثوی لهم

از مقابله دو بخش آیه که برای مؤمنان پایان خوش بهشت را یادآور شده استفاده می شود که کافران، هرگز از آن نعمت های اخروی بهره نخواهند برد بلکه تنها شهوت رانی و استفاده حیوان گونه از امکانات دنیا، نصیب آنان است.

نقش شکمبارگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - ۱۲ - ۴۷ - ۱۷ - ۱۷

-۱۲

شکم پرستی ، دارای نقشی ویژه در میان سایر شهوات و تمایلات حیوانی

يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ

واژه <يَتَمَتَّعُونَ> در بردارنده همه گونه لذت جویی است. از این که <يَأْكُلُونَ...>، از میان همه شهوات اختصاص به ذکر یافته و بدان تصریح شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

شکنجه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{شکنجه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۴

۲۴ آوارگی و هجرت برخی مسلمانان صدر اسلام و شکنجه و آزار آنان در راه خدا

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أخرجوا من ديارهم و اودوا في سبيلی

جمله <فَالَّذِينَ ... >، هر چند بیان یک ضابطه کلی است، ولی به قرینه ماضی بودن فعلهای <هاجروا و ... >، ناظر به تحقق هجرت، اخراج و آزار نیز هست.

آثار شکنجه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱

۱ - شکنجه گران و سوزاندگان مردم با ایمان ، به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ

<فتن> (مصدر <فتنوا>) در اصل به معنای داخل کردن طلا در آتش است؛ ولی در مورد داخل کردن انسان در آتش نیز استعمال دارد (مفردات راغب). <فتنه> در قرآن، گاهی به معنای تعذیب (شکنجه دادن) آمده است. (بصائر فیروزآبادی)

امتحان با شکنجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل عصر موسی از شکنجه های سخت فرعونى ، آنان را مورد آزمایشى سنگین قرار داد .

و إذ أنجینکم . . . و

فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۷

۱۷- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، آزمایش بزرگ الهی از آنان بود .

إذ أنجکم من آل فرعون .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> نجات بنی اسرائیل به وسیله خداوند از اعمال ظالمانه فرعونیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۳

۳- آزار و شکنجه دشمنان اسلام نسبت به مؤمنان ، زمینه آزمایش ایمان آنان

إلا من أکره و قلبه مطمئن بالإیمان .. ثم إن ربک للذین هاجروا من بعد ما فتن

در واژه <فتنوا> که در این آیه در معنای امتحان و آزمایش به کار رفته است معنای رنج و عذاب نهفته است؛ چه اینکه ریشه این فعل به معنای گداختن طلا برای خالص ساختن آن است (مفردات راغب). گفتنی است آیه ۱۰۶ که درباره شکنجه و آزار شدن مسلمانان و حکم تقیه است تأیید کننده همین برداشت است.

بدترین شکنجه های فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۴

۱۴- فزونی چشمگیر زنان بر مردان در جامعه و بر هم خوردن اعتدال جمعیتی ، مایه پدید آمدن مشکلات اجتماعی آزار دهنده برای زنان

یستحیون نساء کم

اینکه خداوند برای شکنجه های آل فرعون، کشتن پسران و زنده نگه داشتن زنان را

برشمرده است، امکان دارد بدین علت باشد که چنین عملی، تعادل جمعیت را بر هم می زند و در نتیجه جمعیت زنان افزونی پیدا می کند و این خود شکنجه ای آزار دهنده برای مردم است.

بنی اسرائیل و شکنجه های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۵ - ۲

۲ قوم موسی ، از همان آغاز گرایش به او ، خود را در معرض عذاب و شکنجه فرعونیان می دیدند .

ربنا لا تجعلنا فتنه للقوم الظلمین

تاریخ شکنجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۸

۱۸ زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، امری معمول و متداول بود .

إلا أن یسجن أو عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۸ - ۷

۷ - وجود مجازات سنگسار و شکنجه ، در عصر مردم انطاکیه

لنرجمنکم و لیمسننکم منّا عذاب ألیم

تحمل شکنجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۹،۱۱

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات ، درخواست ساحران مؤمن در دعا به

درگاه خداوند

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمين

۱۱ کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن ، شکنجه هایی طاقتفرسا و تحمل آن نیازمند صبری وافر بود .

ربنا أفرغ علينا صبراً

تحمل شکنجه های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - ساحران مؤمن ، آمادگی خود را برای تحمل هرگونه شکنجه و کشتار در جهت حفظ ایمان خویش اعلام کردند .

لن نُؤثرک .. فاقض ما أنت قاض

<قضا> به معنای حکم کردن و داوری است. جمله <فاقض...> از زبان ساحران مؤمن و خطاب به فرعون است؛ یعنی، هر حکمی را که می توانی و قضاوت آن از تو ساخته است، صادر کن. ما آماده پذیرش هر نوع شکنجه و عذاب در راه ایمان خود هستیم.

۱۴ - ساحران مؤمن با تحقیر قدرت فرعون ، به او اعلام کردند که بالاترین شکنجه های او ، تنها به زندگانی دنیایی آنان خاتمه می دهد و به آخرتشان آسیبی نخواهد رسانید .

فاقض ما أنت قاض إنما تقضی هذه الحیوه الدنیا

چنانچه <هذه الحیاه> مفعولٌ به برای <تقضی> باشد، مراد از <قضا>، منقضی ساختن خواهد بود. اهل لغت می گویند: تمام معانی <قضا> به انقطاع یافتن و تمام شدن بازگشت دارد (لسان العرب). بنابراین مفاد آیه چنین می شود: ای فرعون! با حکم خود به هرچه می توانی فیصله بده و آن را تمام کن؛ زیرا تو فقط این زندگانی دنیا را خاتمه می دهی.

ترس از شکنجه های اشراف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۴

۴ مؤمنان به موسی (ع) ، از رؤسا و اشراف قوم خود و از اذیت و شکنجه های فرعون در وحشت شدیدی به سر می بردند .

فما ءامن لموسى إلا ذریه من قومه على خوف من فرعون و ملائهم أن یفتنهم

تنکیر

<خوف> دلالت بر شدت آن می کند و از معانی فتنه عذاب و شکنجه است.

ترس از شکنجه های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۴

۴ مؤمنان به موسی (ع) ، از رؤسا و اشراف قوم خود و از اذیت و شکنجه های فرعون در وحشت شدیدی به سر می بردند .

فما آمن لموسى إلا ذرية من قومه على خوف من فرعون و ملايهم أن يفتنهم

تنکیر <خوف> دلالت بر شدت آن می کند و از معانی فتنه عذاب و شکنجه است.

تهدید به شکنجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۸ - ۶

۶ - مردم انطاکیه ، پیامبران شان را در صورت دنبال کردن رسالت خود ، به سنگسار شدن و شکنجه دردناک تهدید کردند .

لئن لم تنتهوا لنرجمنکم و لیمسنکم منّا عذاب أليم

رضایت به شکنجه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۶

۶ - نظاره گران شکنجه مؤمنان ، در صورت رضایت به آن خود نیز شکنجه گر آنان قلمداد می شوند .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

استناد <یفعلون> به شاهدان صحنه، گویای آن است که ناظران هر چند دستور دهنده نباشند شریک جرم شمرده می شوند.

زمینه قطع شکنجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اصحاب اخذود ، در صورت دست کشیدن مؤمنان از ایمان خویش ، آنان را نمی سوزانند .

إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا

فعل مضارع

همراه با حرف <آن> در <آن یؤمنوا>، برای استقبال بوده و بیانگر آن است که آنچه اصحاب <اخذود> را به مقابله واداشت، باقی ماندن مؤمنان بر ایمان خویش بود. گویا ایمان گذشته آنان، در نظر دشمنان شان موجب عقوبت نبوده است.

سختی شکنجه های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۷،۲۰

۱۷ - فرعون ، عذاب و شکنجه از ناحیه خود را ، شدیدتر از عذاب موعود موسی (ع) اعلام کرد .

و لتعلمنّ آئنا أشدّ عذابًا

موسی(ع) آغاز صحنه مبارزه گفته بود: <ویلکم.. فیسحتکم بعذاب>. فرعون نیز در برابر آن سخن، چنین وعده داد که عذاب او شدیدتر از عذابی است که موسی(ع) وعده داده است.

۲۰ - فرعون ، درک سنگین تر بودن شکنجه هایش از عذاب موعود موسی (ع) را ، تنها در صورت چشیدن آن امکان پذیر دانست .

و لتعلمنّ آئنا أشدّ عذابًا

سوگند به مؤمنان شکنجه شده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۷

۷ - سوگند خداوند به مؤمنانی که در ملأ عام شکنجه شده و در برابر چشمان دشمن ، سوزانده می شوند .

و مشهود

داستان اصحاب <اخذود> که پس از این آیه مطرح شده است به ویژه آیه <وهم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود> قرینه بر احتمالی است که درباره مصداق <مشهود> گفته شده است. در این نظر تقدیر آن <مشهود علیهم> است.

شکنجه اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - دځان - ٤٤ - ٤٨ - ١

١- مأموران دوزځ

، موظف به شکنجه گناه پیشگان در وسط دوزخ

ثُمَّ صَبُّوا

شکنجه اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۶ - ۴

۴ جهنم ، دربردارنده شکنجه های سخت برای مشرکان

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ .. فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ

شکنجه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۵، ۱

۱ - بنی اسرائیل همواره تحت سیطره خاندان فرعون ، به شکنجه های سخت گرفتار بودند .

و إِذْ نَجَّيْنٰكُمْ مِنْ ءَالَ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ

<سُومَ> (مصدر يسومون) به معنای تحمیل کردن است. اضافه <سوء> به <العذاب> اضافه صفت به موصوف می باشد؛ یعنی: العذاب السوء.

۵ - کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

يسومونكم سوءالعذاب يذبجون ابناءكم و يستحيون نساءكم

جمله <يذبجون ..> می تواند تفسیر جمله قبل باشد؛ یعنی، منظور از <سوء العذاب> همان سربریدن پسران و باقی گذاشتن زنان است و نیز می تواند بیان مصداق بارزی از آن باشد؛ یعنی، فرعونیان عذابهایی بر بنی اسرائیل تحمیل می کردند که از آن جمله سربریدن فرزندان و ... می باشد. بر این مبنا ذکر به خصوص عذاب یاد شده، به خاطر شدت آن بوده است.

۹ - در صورتی که خداوند بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان نجات نمی داد ، آنان همچنان به شکنجه و کشتار فرزندانشان ادامه می دادند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

برداشت فوق از فعلهای مضارع <یسومون> و <یذبحون> و <یستحیون> استفاده شده است.

۱۰ - خداوند با گرفتار سازی بنی اسرائیل به عذاب های سهمگین فرعونى

، آنان را به آزمونی بزرگ مبتلا ساخت .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

کلمه <بلاء> در لغت به معنای آزمون و نیز به معنای نعمت آمده است. مشارالیه <ذلکم> یا <عذاب> است، یا رهایی از عذاب (نجیناکم). برداشت فوق مبتنی بر این است که <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به خود عذاب باشد.

۱۱ - خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل از شکنجه های سخت فرعونى ، آنان را مورد آزمون بزرگی قرار داد .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب - که از <نجیناکم> استفاده می شود - باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۱۱، ۱۰، ۷، ۴، ۲، ۱

۱ بنی اسرائیل همواره تحت سیطره خاندان فرعون به شکنجه هایی سخت گرفتار بودند .

و إذ أنجینکم من آل فرعون یسومونکم سوء العذاب

<سوم> مصدر <یسومون> به معنای تحمیل کردن است. اضافه <سوء> به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است ؛ یعنی: العذاب السوء.

۲ خداوند با بعثت موسی ، بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان و شکنجه های سهمگین آنان رها ساخت .

و إذ أنجینکم من آل فرعون یسومونکم سوء العذاب

در جمله <هو فضلکم> (او شما را برتری بخشید)، برتری دادن تنها به خداوند نسبت داده شده است، ولی در جمله دوم <أنجیناکم> (ما شما را نجات دادیم) نسبت نجات بخشی به ضمیر <نا> (یعنی ما) داده شده است. از این مقابله می توان فهمید که خداوند در نجات بخشی نظر به اسباب نیز دارد که به مناسبت، سبب

آن بعثت حضرت موسی است. بنابراین <أنجیناکم> یعنی ما با بعثت موسی شما را نجات دادیم.

۴ موسی (ع) با تکیه بر لطف خداوند به بنی اسرائیل در نجات بخشی آنان از شکنجه فرعونیان، لزوم پرستش خدای یگانه و پرهیز از گرایش به شرک را به آنان گوشزد کرد.

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً... و إذ أنجینکم من آل فرعون

برداشت فوق بر این اساس است که مفاهیم ذکر شده در آیه مورد بحث بر گرفته از سخنان موسی باشد و مخاطبان اصلی آن همان مردمی باشند که پس از عبور از دریا به بت پرستی گرایش پیدا کردند.

۷ کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم

جمله <یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم> می تواند تفسیر جمله قبل باشد، یعنی منظور از <سوء العذاب> همان کشتار فرزندان و باقی گذاشتن زنان است. همچنین می تواند بیان مصداقی از آن باشد، یعنی فرعونیان عذابهایی بر شما تحمیل کردند، از جمله کشتار فرزندان و زنده گذاشتن زنان. بر این مبنا ذکر ویژه دو عذاب یاد شده، به سبب شدت بیشتر آن بوده است.

۱۰ خداوند با گرفتار ساختن بنی اسرائیل به عذاب های سهمگین فرعون، آنان را آزمونی بزرگ مبتلا ساخت.

یسومونکم سوء العذاب... و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

کلمه <بلاء> می تواند به معنای آزمون و نیز به معنای نعمت باشد. مشارالیه <ذلکم> یا عذاب است و یا رهایی از آن. در برداشت فوق <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره

به خود عذاب گرفته شده است.

۱۱ خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل عصر موسی از شکنجه های سخت فرعونى ، آنان را مورد آزمایشى سنگین قرار داد .

و إذ أنجینکم . . . و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۴، ۱۲

۱۲- فرعونیان ، پسران قوم موسی (بنی اسرائیل) را به طور گسترده سر می بریدند و زنان آنان را زنده نگه می داشتند .

و یدَّبِحون أبناءکم و یستحیون نساءکم

کاربرد فعل <یدَّبِحون> از باب تفعیل، که به معنای تکثیر هم آمده است، احتمالاً بیانگر منظور فوق است.

۱۴- فزونی چشمگیر زنان بر مردان در جامعه و بر هم خوردن اعتدال جمعیتی ، مایه پدید آمدن مشکلات اجتماعی آزار

دهنده برای زنان

یستحیون نساءکم

اینکه خداوند برای شکنجه های آل فرعون، کشتن پسران و زنده نگه داشتن زنان را برشمرده است، امکان دارد بدین علت باشد که چنین عملی، تعادل جمعیت را بر هم می زند و در نتیجه جمعیت زنان افزونی پیدا می کند و این خود شکنجه ای آزار دهنده برای مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۵

۵- بنی اسرائیل ، مورد عنایت و لطف الهی ، در عصر ستم دیدگی و شکنجه شدن از سوی فرعونیان

أسر بعبادی

اضافه <عباد> به ضمیر متکلم، به جهت تکریم بنی اسرائیل و اظهار لطف به آنان است. این امر، زمانی صورت گرفته که آنان

در بند حکومت فرعون و شکنجه های او بودند. خداوند با تعبیر <عبادی> بر رفتار فرعونیان که بنی اسرائیل را به بندگی گرفته بودند خط بطلان کشیده و آنان را تنها بنده خود معرفی کرده است.

شکنجه پیروان دانیال(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۴ - ۴

۴ - > قال رسول الله (ص) ... ملك بُحْتُ نَصْرَ مائَه سنه و سبعاً و ثمانين سنه ... و ملك بعده مَهْرَقِيَه بن بخت نصر ... و أخذ عند ذلك دانيال (ع) و حفر له جُباً في الأرض و طرح فيه دانيال (ع) و أصحابه و شيعة من المؤمنين فألقى عليهم النيران ... و هم الذين ذكرهم الله في كتابه العزيز فقال جَلَّوَعَزَّ > قتل أصحاب الأخدود ... < ;

رسول خدا(ص) فرمود: بُحْتُ نَصْرَ ۱۸۷ سال پادشاهی کرد ... و بعد از وی فرزندش مَهْرَقِيَه پادشاه شد ... و در وقت حکومت خود، دانیال(ع) را دستگیر کرد و چاهی برای او در زمین حفر نمود و دانیال و اصحاب و پیروانش را در آن چاه افکند و آتش ها بر سرشان ریخت ... و اینها همان کسانی اند که خداوند جلّ و عزّ در کتاب عزیزش از آنان یاد نموده و فرموده است: قتل أصحاب الأخدود...<.

شکنجه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۸، ۱۵

۱۵ - تصمیم فرعون بر شکنجه و به صلیب کشیدن ساحران مؤمن و نظارت مستقیم

خود بر اجرای آن ، تصمیمی قاطع و مستبدانه بود .

لَأَقْطَعَنَّ ... لأَصْلِبَنَّكُمْ ... لتعلمنَّ أئنا أشدَّ عذابًا و أبقى

فرعون در واکنش های قبلی خود در برابر موسی(ع) با اطرافیان خویش به مشورت می نشست؛ ولی در مجازات ساحران، تصمیم مستبدانه و شخصی خود را با سوگند بر اجرای آن اعلام کرد و با لام قسم و نون تأکید ثقیله و فعل هایی از باب تفعیل، قاطعیت خود را در این تصمیم ابراز کرد. گفتنی که فعل های <لَأَقْطَعَنَّ> و <لَأَصْلِبَنَّ> که از باب تفعیل اند، با ثلاثی مجرد در معنا یکسان بوده و تفاوتی جز تأکید افزون تر ندارند.

۱۸ - فرعون ، دوران مجازات ساحران مؤمن (قطع دست و پا و بستن به چوبه دار) را در مقایسه با مدت عذاب های موعود موسی (ع) ، طولانی تر و پایدارتر اعلام کرد .

و لتعلمنَّ أئنا أشدَّ عذابًا و أبقى

<عذابًا> تمیز برای <أشدَّ> و قرینه بر تمیز محذوف <أبقى> است؛ یعنی، <و أبقى عذابًا>.

شکنجه جسمانی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۲

۲ - تکذیب گران قیامت ، مبتلا به شکنجه روحی و جسمی در آخرت

هذه جهنم التي يكذب بها المجرمون

با این که مجرمان سرانجام به دوزخ افکنده می شوند؛ ولی با یادآوری تکذیب هایشان مورد شکنجه روحی نیز قرار می گیرند.

شکنجه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۷

۷ شکنجه دوزخیان با طلا و نقره گداخته ، از عذاب های دردناک جهنم است .

و الذین

يكتزون الذهب .. فبشرهم بعذاب أليم. يوم يحمى عليها في نار جهنم

شکنجه دانیال(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۴ - ۴

۴ - > قال رسول الله (ص) ... ملك بُخْتُ نَصْرَ مائَة سنه و سبعاً و ثمانين سنه ... و ملك بعده مَهْرَقِيَه بن بخت نصر ... و أخذ عند ذلك دانيال (ع) و حفر له جُباً في الأرض و طرح فيه دانيال (ع) و أصحابه و شيعة من المؤمنين فألقى عليهم النيران ... و هم الذين ذكرهم الله في كتابه العزيز فقال جَلَّوَعَزَّ > قتل أصحاب الأخدود ... < ;

رسول خدا(ص) فرمود: بُخْتُ نَصْرَ ۱۸۷ سال پادشاهی کرد ... و بعد از وی فرزندش مَهْرَقِيَه پادشاه شد ... و در وقت حکومت خود، دانیال(ع) را دستگیر کرد و چاهی برای او در زمین حفر نمود و دانیال و اصحاب و پیروانش را در آن چاه افکند و آتش ها بر سرشان ریخت ... و اینها همان کسانی اند که خداوند جلّ و عزّ در کتاب عزیزش از آنان یاد نموده و فرموده است: قتل أصحاب الأخدود...<.

شکنجه در اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۸ - ۷

۷ - وجود مجازات سنگسار و شکنجه ، در عصر مردم انطاکیه

لنرجمنکم و لیمسنکم منّا عذاب أليم

شکنجه در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۸

۱۸ زندانی کردن

مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع)، امری معمول و متداول بود.

إلا أن يسجن أو عذاب أليم

شکنجه در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۸

۱۸ زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع)، امری معمول و متداول بود.

إلا أن يسجن أو عذاب أليم

شکنجه روحی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۲

۲ - تکذیب گران قیامت، مبتلا به شکنجه روحی و جسمی در آخرت

هذه جهنم التي يكذب بها المجرمون

با این که مجرمان سرانجام به دوزخ افکنده می شوند؛ ولی با یادآوری تکذیب هایشان مورد شکنجه روحی نیز قرار می گیرند.

شکنجه زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۶،۷

۶ - زنان بنی اسرائیل در نهایت سختی و شکنجه و هم آغوش مرگ، در سیطره فرعونیان

يسمونكم سوءالعذاب يذبجون ابناءكم و يستحيون نساءكم

۷ - زنان بنی اسرائیل به خاطر کشتار وسیع فرزندانیشان به دست فرعونیان، لذت حیات از آنان سلب شده بود و از زنده ماندن خود در عذاب بودند.

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

زننده گذاشتن زنان، به عنوان یک عذاب برای بنی اسرائیل مطرح شده است. در حالی که مجرد نکشتن، عذاب و شکنجه تلقی نمی شود. بنابراین با توجه به اینکه جمله <یستحیون نساءکم> پس از <یذبحون ابناءکم> آمده، می توان گفت: همان

کشتن فرزندان موجب می شده که زنان از زنده ماندن خویش و دیدن قتل فجیع فرزندان، در رنج و عذاب باشند. آوردن زنان و نه دختران در مقابل پسران این معنا را تأیید می کند.

شکنجه زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۹

۹ - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنت .. فلهم عذاب جهنم

شکنجه گران مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۶

۶ - نظاره گران شکنجه مؤمنان ، در صورت رضایت به آن خود نیز شکنجه گر آنان قلمداد می شوند .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

استناد <یفعلون> به شاهدان صحنه، گویای آن است که ناظران هر چند دستور دهنده نباشند شریک جرم شمرده می شوند.

شکنجه گری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۰

۱۰- نقش تعیین کننده خداوند در تحولات تاریخ بشری و نجات مردمان از ظلم و ستم

إذ أنجکم من ءال فرعون

شکنجه مردان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنت .. فلهم عذاب جهنم

شکنجه مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵

۲۴ آوارگی و هجرت برخی مسلمانان صدر اسلام و شکنجه و آزار آنان در راه خدا

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ اَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ اُوذُوا فِي سَبِيلِي

جمله <فَالَّذِينَ ... >، هر چند بیان یک ضابطه کلی است، ولی به قرینه ماضی بودن فعلهای <هاجرُوا و ... >، ناظر به تحقق هجرت، اخراج و آزار نیز هست.

شکنجه مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۴

۴- هجرت برخی از مسلمانان صدر اسلام (به حبشه)، پس از تحمل رنج و شکنجه دشمنان

لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فَتَنُوا

یکی از معانی <فتنه> آزار و شکنجه می باشد (مفردات راغب) و برداشت فوق مبتنی بر این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۹

۹- پیامبر (ص)، به خاطر شکنجه و آزار مؤمنان توسط کافران، سخت اندوهگین و متأثر می شد . *

وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر <عليهم> مؤمنان باشد که از سوی کافران و مشرکان مکه به شدت شکنجه و آزار می شدند.

شکنجه منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۱۲، ۱۳

۱۲- ضربات شکنجه بر صورت و پشت منافقان، به هنگام مرگ، نتیجه دورویی آنان با دین و مؤمنان *

إذا توفّتهم الملائكة يضربون وجوههم و أدبرهم

برداشت بالا بدان احتمال است که تصریح به <وجههم> و <أدبارهم>، اشاره به این باشد که، چون منافق دو چهره دارد و در هر دو چهره نیز خائن

است؛ لذا از دو سو عذاب می شود.

۱۳- ضربات شکنجه بر صورت و پشت منافقان، بازتاب روی آوری به کافران و اعراض از اهل ایمان *

قالوا .. سنطیعکم ... یضربون وجوههم و أذبرهم

ضمیر <هم> احتمالاً به منافقانی بازمی گردد که در آیه قبل، روی آوری پنهانی آنان به کافران مطرح شده است. با توجه به این نکته، احتمال می رود که وجود شکنجه برای آنان از دو سو، از آن جهت باشد که اولاً- رو به کفر کرده و ثانیاً پشت به ایمان و مؤمنان کرده اند.

شکنجه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن، دلیل پاینده تر بودن عذاب کافران از شکنجه و آزاری است که آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

والله خیر و أبقى . إنه من یأت ... لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۴ - ۱

۱ - گروهی از جباران، برای تعذیب مؤمنان، در زمین حفره عمیقی ایجاد کردند .

أصحاب الأُخدود

<اُخدود>؛ یعنی، شکاف طولانی و عمیقی که در زمین ایجاد شود. اصل و ریشه آن <خَدَّ> است؛ یعنی، مقداری از صورت که طرف راست و چپ بینی قرار گرفته است (مفردات راغب). <أصحاب الأُخدود>؛ یعنی، کسانی که حفره را ایجاد کردند. این احتمال که مراد، مؤمنان معذب در <اُخدود> باشد، با ضمیرهایی که در آیات بعد آمده، ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ -

۷- اصحاب اخدود ، هنگام سوزاندن مؤمنان ، آزار ها و شکنجه های دیگری نیز بر آنان وارد می ساختند .

علی ما یفعلون بالمؤمنین

تعبیر <ما یفعلون> که مفهومی وسیع تر از سوزاندن مؤمنان دارد نشانگر برداشت یاد شده است.

۸- نظاره گر بودن اصحاب اخدود بر جنایت های خویش درباره مؤمنان ، جایی برای انکار آن در قیامت باقی نمی گذارد .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

منظور از تحمل شهادت که آیه شریفه بر آن دلالت دارد ممکن است این باشد که آزار دهندگان، از انکار آن در قیامت ناتوان خواهند بود زیرا خود گواه کردار خویش بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۴

۴- مؤمنانی که زیر شکنجه کافران جان دادند و در آتش آنان سوختند ، مالک بوستان های بهشت خواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر برداشت یاد شده است.

شکنجه مؤمنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۵

۵ مؤمنان به موسی (ع) به جرم ایمان ، در معرض شکنجه و آزار فرعون و اشراف قوم خود قرار داشتند .

إِلَّا ذَرِيَّةً مِّنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمُ أَن يَفْتَنَهُمُ

شکنجه مؤمنان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- برخی از مردان و زنان مؤمن در عصر بعثت، به جهت ایمان خود، گرفتار شکنجه کافران

شدند .

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

قید <ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا> که ترغیب به توبه است با شأن نزول هایی که درباره ارتباط آیه به مؤمنان صدر اسلام نقل شده، سازگارتر است؛ زیرا در مورد گذشتگان ترغیب به توبه وجهی ندارد؛ هر چند که اصل موضوع درباره آنان نیز صادق است.

شکنجه های آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱

۱ - بنی اسرائیل همواره تحت سیطره خاندان فرعون ، به شکنجه های سخت گرفتار بودند .

وَ إِذْ نَجَّيْنَكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ

<سُومَ> (مصدر یسومون) به معنای تحمیل کردن است. اضافه <سوء> به <العذاب> اضافه صفت به موصوف می باشد؛ یعنی: العذاب السوء.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۰

۱۰- نقش تعیین کننده خداوند در تحولات تاریخ بشری و نجات مردمان از ظلم و ستم

إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ

شکنجه های اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۴ - ۱

۱ - گروهی از جباران ، برای تعذیب مؤمنان ، در زمین حفره عمیقی ایجاد کردند .

أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ

<اخدود>؛ یعنی، شکاف طولانی و عمیقی که در زمین ایجاد شود. اصل و ریشه آن <خَدَّ> است؛ یعنی، مقداری از

صورت که طرف راست و چپ بینی قرار گرفته است (مفردات راغب). <أصحاب الأُخدود>؛ یعنی، کسانی که حفره را ایجاد کردند. این احتمال که مراد، مؤمنان معذب در <اُخدود> باشد، با ضمیرهایی که در آیات بعد آمده، ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۷۸

۷ - اصحاب اخدود ، هنگام سوزاندن مؤمنان ، آزار ها و شکنجه های دیگری نیز بر آنان وارد می ساختند .

علی ما یفعلون بالمؤمنین

تعبیر < ما یفعلون > که مفهومی وسیع تر از سوزاندن مؤمنان دارد نشانگر برداشت یاد شده است.

۸ - نظاره گر بودن اصحاب اخدود بر جنایت های خویش درباره مؤمنان ، جایی برای انکار آن در قیامت باقی نمی گذارد .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

منظور از تحمل شهادت که آیه شریفه بر آن دلالت دارد ممکن است این باشد که آزار دهندگان، از انکار آن در قیامت ناتوان خواهند بود؛ زیرا خود گواه کردار خویش بوده اند.

شکنجه های دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۳

۳- آزار و شکنجه دشمنان اسلام نسبت به مؤمنان ، زمینه آزمایش ایمان آنان

إِلَّا مِنْ أَكْرَهٍ وَقَلْبُهُ مَطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ .. ثُمَّ إِنَّ رَبِّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا

در واژه <فتنوا> که در این آیه در معنای امتحان و آزمایش به کار رفته است معنای رنج و عذاب نهفته است؛ چه اینکه ریشه این فعل به معنای گداختن طلا برای خالص ساختن آن است (مفردات راغب). گفتنی است آیه ۱۰۶ که درباره شکنجه و آزار شدن مسلمانان و حکم تقیه است تأیید کننده همین برداشت است.

شکنجه های روحی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۱

۱- وجود شکنجه روحی برای دوزخیان ، افزون بر عذاب های

ثم صبوا فوق رأسه .. ذق إنك أنت العزيز

تعبیر <ذق إنك..>، بیانگر اوج تحقیر و تمسخر آنان است که این خود نوعی شکنجه روحی می باشد.

شکنجه های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۱،۲،۳،۴

۱ فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد .

لأقطعن .. ثم لأصلبنکم

حرف <لام> در <لأقطعن> در <لاصلبن> لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

۲ قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر، از کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأقطعن أیدیکم و أرجلکم من خلف

۳ فرعون ، ساحران مؤمن به موسی (ع) را تهدید کرد که پس از بریدن دست و پایشان تمامی آنان را به چوبه دار خواهد بست .

ثم لأصلبنکم أجمعین

۴ ایمان به رسالت موسی (ع) ، خیانتی بزرگ از دیدگاه فرعون و در پی دارنده مجازاتی سخت

لأقطعن .. ثم لأصلبنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۶،۹

۶ باور به معاد و بازگشت به خدا پس از مرگ ، عامل نه‌راسیدن ساحران مؤمن از مجازات ها و شکنجه های فرعون

إنا إلی ربنا منقلبون

۹ نجات از شرک و پذیرش ربوبیت خداوند ، عامل بی پروایی ساحران مؤمن در برابر مجازات ها و شکنجه های فرعونى

إنا إلی ربنا منقلبون

در برداشت فوق جمله <إنا إلی ربنا منقلبون> توصیف تحولات عقیدتی

ساحران و انقلاب درونی آنان گرفته شده است. در این صورت مراد از آن جمله، بازگشت به خدا با رها شدن از باورهای باطل و پذیرش ربوبیت وی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۲

۲ ایمان ساحران به آیات الهی تنها انگیزه فرعون بر شکنجه و مجازات آنان

إن هذا لمكر مكرتموه فى المدينة لتخرجوا . . . و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بايت ربنا

نقمت <مصدر تنقم> به معنای عقوبت کردن و کراهت داشتن است و <أن ءامنا> مفعولٌ له برای <تنقم> می باشد. تقدیر جمله چنین است: و ما تنقم منا لشیء إلا- لایماننا. یعنی ای فرعون تنها چیزی که تو را بر عقوبت ما واداشته ایمان ماست، نه اینکه ما را توطئه گر و امثال آن بدانی. به عبارت دیگر یعنی تو خود می دانی که اتهامهایت واقعیت ندارد.

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات ، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمین

۱۰ ساحران مؤمن در عین اظهار استقامت در برابر فرعون ، خود را برای مقاومت در برابر شکنجه های فرعون و پایداری بر طریق ایمان ، نیازمند امداد های الهی دانستند .

ربنا أفرغ علينا صبراً

۱۱ کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن ، شکنجه هایی طاقتفرسا و تحمل آن نیازمند صبوری وافر بود .

ربنا أفرغ علينا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۱۱، ۱۰

۱۰ خداوند

با گرفتار ساختن بنی اسرائیل به عذاب های سهمگین فرعونى ، آنان را آزمونى بزرگ مبتلا ساخت .

یسومونکم سوء العذاب . . . و فى ذلکم بلاء من ربکم عظیم

کلمه <بلاء> مى تواند به معنای آزمون و نیز به معنای نعمت باشد. مشارالیه <ذلکم> یا عذاب است و یا رهایی از آن. در برداشت فوق <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به خود عذاب گرفته شده است.

۱۱ خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل عصر موسى از شکنجه های سخت فرعونى ، آنان را مورد آزمایشى سنگین قرار داد .

و إذ أنجینکم . . . و فى ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۵،۹

۵ مؤمنان به موسى (ع) به جرم ایمان ، در معرض شکنجه و آزار فرعون و اشراف قوم خود قرار داشتند .

إلا ذریه من قومه على خوف من فرعون و ملایهم أن یفتنهم

۹ فرعون ، در شکنجه و آزار دیگران ، حد و مرزى نمى شناخت .

فما ءامن لموسى إلا ذریه من قومه على خوف من فرعون و ملایهم أن یفتنهم . . . و أنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۳

۳ - موسى و هارون (ع) از پیشدستی فرعون و اقدام او به کیفر فوری آنان ، پیش از هرگونه فرصت اظهار معجزه و بیان حقیقت ، نگران بودند .

قالا ربنا إننا نخاف أن

<فَرَطٌ> یعنی، پیشی گرفت بدون آن که افراط یا تفریط کرده باشد (مفردات راغب). مراد موسی و هارون(ع)، احتمال دست زدن فرعون به کاری است که فرصت ابلاغ پیام الهی را از آنان بگیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۴، ۱۵، ۲۲

۱۴ - بریدن دست و پای مجرمان و بستن آنان به چوبه های دار، از جمله سخت ترین مجازات ها در زمان فرعون بود.

فَلأَقْطَعَنَّ . . . و لأَصْلِبَنَّكُمْ فِى جَذْوَعِ النَّخْلِ

۱۵ - تصمیم فرعون بر شکنجه و به صلیب کشیدن ساحران مؤمن و نظارت مستقیم خود بر اجرای آن، تصمیمی قاطع و مستبدانه بود.

لأَقْطَعَنَّ . . . لأَصْلِبَنَّكُمْ ... لتعلمنَّ أئینا أشدَّ عذابًا و أبقى

فرعون در واکنش های قبلی خود در برابر موسی(ع) با اطرافیان خویش به مشورت می نشست و ولی در مجازات ساحران، تصمیم مستبدانه و شخصی خود را با سوگند بر اجرای آن اعلام کرد و با لام قسم و نون تأکید ثقیله و فعل هایی از باب تفعیل، قاطعیت خود را در این تصمیم ابراز کرد. گفتنی که فعل های <لأَقْطَعَنَّ> و <لأَصْلِبَنَّ> که از باب تفعیل اند، با ثلاثی مجرد در معنا یکسان بوده و تفاوتی جز تأکید افزون تر ندارند.

۲۲ - شکنجه، کشتار، تهدید و ارعاب، از آخرین حربه های فرعون برای جلوگیری از نهضت موسی(ع) و بقای حکومت خویش

فَلأَقْطَعَنَّ . . . لأَصْلِبَنَّكُمْ ... و لتعلمنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - قطع یک دست و یک پا

بر عکس یکدیگر، از شکنجه های سخت نظام فرعونى برای مخالفان

لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۱

۱ - اعلام آمادگی ساحران مؤمن به موسى (ع) در برابر فرعون برای پذیرش هر شکنجه در راه ایمان خویش

لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ .. قَالُوا لَاضْمِر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - همسر فرعون، افزون بر آزار دیدن از او، از سوی کارگزاران نظام وی نیز تحت آزار و شکنجه قرار داشت.

نَجْنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجْنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

تکرار درخواست نجات (و نَجْنِي) درباره قوم ستمگر، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

شکنجه های فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۶

۶ - زنان بنی اسرائیل در نهایت سختی و شکنجه و هم آغوش مرگ، در سیطره فرعونیان

يسومونكم سوءالعذاب يذبحون ابناءكم ويستحيون نساءكم

۱۰ - خداوند با گرفتار سازی بنی اسرائیل به عذاب های سهمگین فرعونى، آنان را به آزمونی بزرگ مبتلا ساخت.

و فى ذلکم بلاء من ربکم عظیم

کلمه <بلاء> در لغت به معنای آزمون و نیز به معنای نعمت آمده است. مشارالیه <ذلکم> یا <عذاب> است، یا رهایی از عذاب (نجیناکم). برداشت فوق مبتنی بر این است که <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به خود عذاب باشد.

۱۱ - خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل از شکنجه های سخت فرعونى ، آنان را مورد آزمون

بزرگی قرار داد .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب - که از <نجیناکم> استفاده می شود - باشد.

۱۲ - نجات از شکنجه فرعونیان ، از نعمت های بزرگ خداوند برای بنی اسرائیل

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

در برداشت فوق <بلاء> به معنای نعمت و <ذلکم> اشاره به رها سازی از عذاب، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۱،۲،۳،۴،۷

۱ بنی اسرائیل همواره تحت سیطره خاندان فرعون به شکنجه هایی سخت گرفتار بودند .

و إذ أنجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

<سوم> مصدر <یسومون> به معنای تحمیل کردن است. اضافه <سوء> به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است ؛ یعنی: العذاب السوء.

۲ خداوند با بعثت موسی ، بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان و شکنجه های سهمگین آنان رها ساخت .

و إذ أنجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

در جمله <هو فضلکم> (او شما را برتری بخشید)، برتری دادن تنها به خداوند نسبت داده شده است، ولی در جمله دوم <أنجیناکم> (ما شما را نجات دادیم) نسبت نجات بخشی به ضمیر <نا> (یعنی ما) داده شده است. از این مقابله می توان فهمید که خداوند در نجات بخشی نظر به اسباب نیز دارد که به مناسبت، سبب آن بعثت حضرت موسی است. بنابراین <أنجیناکم> یعنی ما با بعثت موسی شما را نجات دادیم.

۳ نجات از سیطره فرعونیان و عذاب های ایشان ، خاطره ای برای بنی اسرائیل و شایسته همواره به یاد

داشتن

و إذ أنجينكم من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب

<إذ> مفعولٌ به برای فعل مقدر <اذكروا> است.

۴ موسی (ع) با تکیه بر لطف خداوند به بنی اسرائیل در نجات بخشی آنان از شکنجه فرعونیان، لزوم پرستش خدای یگانه و پرهیز از گرایش به شرک را به آنان گوشزد کرد.

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً .. و إذ أنجينكم من آل فرعون

برداشت فوق بر این اساس است که مفاهیم ذکر شده در آیه مورد بحث برگرفته از سخنان موسی باشد و مخاطبان اصلی آن همان مردمی باشند که پس از عبور از دریا به بت پرستی گرایش پیدا کردند.

۷ کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناءکم و یستحيون نساءکم

جمله <یقتلون أبناءکم و یستحيون نساءکم> می تواند تفسیر جمله قبل باشد؛ یعنی منظور از <سوء العذاب> همان کشتار فرزندان و باقی گذاشتن زنان است. همچنین می تواند بیان مصداقی از آن باشد؛ یعنی فرعونیان عذابهایی بر شما تحمیل کردند؛ از جمله کشتار فرزندان و زنده گذاشتن زنان. بر این مبنا ذکر ویژه دو عذاب یاد شده، به سبب شدت بیشتر آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۷، ۱۴، ۱۲

۱۲- فرعونیان، پسران قوم موسی (بنی اسرائیل) را به طور گسترده سر می بریدند و زنان آنان را زنده نگه می داشتند.

و یدبّحون أبناءکم و یستحيون نساءکم

کاربرد فعل <یدبّحون> از باب تفعیل، که به معنای تکثیر هم آمده است، احتمالاً بیانگر منظور فوق

است.

۱۴- فزونی چشمگیر زنان بر مردان در جامعه و بر هم خوردن اعتدال جمعیتی ، مایه پدید آمدن مشکلات اجتماعی آزار دهنده برای زنان

یستحیون نساء کم

اینکه خداوند برای شکنجه های آل فرعون، کشتن پسران و زنده نگه داشتن زنان را برشمرده است، امکان دارد بدین علت باشد که چنین عملی، تعادل جمعیت را بر هم می زند و در نتیجه جمعیت زنان افزونی پیدا می کند و این خود شکنجه ای آزار دهنده برای مردم است.

۱۷- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، آزمایش بزرگ الهی از آنان بود .

إذ أنجکم من ءال فرعون .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> نجات بنی اسرائیل به وسیله خداوند از اعمال ظالمانه فرعونیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۴،۶

۴ - نجات بنی اسرائیل از شکنجه و آزار فرعونیان و بیرون آوردن آنان از محدوده حکومت فرعون ، از اهداف مهم رسالت موسی و هارون (ع) بود .

فقولا إنا رسولا ربک فأرسل معنا بنی إسرئیل و لاتعدّ بهم

<فا> در <فأرسل> تفریع بر <إنا رسولا ربک> است و می رساند که کوچ دادن بنی اسرائیل، از رسالت های الهی موسی و هارون(ع) بود.

۶ - نجات بنی اسرائیل از ستم فرعونیان ، بدون کوچ دادن آنان از مصر و بیرون آوردنشان از جامعه فرعونی ممکن نبود .

فأرسل معنا بنی إسرئیل و لاتعدّ بهم

عطف <لاتعدّ بهم> بر <أرسل> گویای این نکته است که درخواست <ارسال> به منظور نجات از عذاب و شکنجه است بنابراین، بدون هجرت، امکان رهایی در

کار نبوده است.

شکنجه های کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - همسر فرعون ، افزون بر آزار دیدن از او ، از سوی کارگزاران نظام وی نیز تحت آزار و شکنجه قرار داشت .

نَجْنِي مِنَ فرعون و عمله و نَجْنِي مِنَ القوم الظلمين

تکرار درخواست نجات (و نَجْنِي) درباره قوم ستمگر، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

شکنجه های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۹

۹- پیامبر (ص) ، به خاطر شکنجه و آزار مؤمنان توسط کافران ، سخت اندوهگین و متأثر می شد . *

و لاتحزن عليهم

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر <عليهم> مؤمنان باشد که از سوی کافران و مشرکان مکه به شدت شکنجه و آزار می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن ، دلیل پاینده تر بودن عذاب کافران از شکنجه و آزاری است که آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

والله خیر و أبقى . إِنْه من يأت ... لايموت فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۴

۴ - مؤمنانی که زیر شکنجه کافران جان دادند و در آتش آنان سوختند ، مالک بوستان های بهشت خواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر برداشت یاد شده است.

شکنجه های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - برخی از مردان و زنان مؤمن در عصر بعثت ، به جهت ایمان خود ، گرفتار شکنجه کافران شدند .

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

قید <ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا> که ترغیب به توبه است با شأن نزول هایی که درباره ارتباط آیه به مؤمنان صدراسلام نقل شده ، سازگارتر است زیرا در مورد گذشتگان ترغیب به توبه وجهی ندارد؛ هر چند که اصل موضوع درباره آنان نیز صادق است .

شکنجه همسر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - همسر فرعون ، افزون بر آزار دیدن از او ، از سوی کارگزاران نظام وی نیز تحت آزار و شکنجه قرار داشت .

نَجْنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجْنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

تکرار درخواست نجات (و نَجْنِي) درباره قوم ستمگر، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

شکنجه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ زندانی کردن یوسف (ع) و یا شکنجه او ، مجازات پیشنهادی زلیخا به عزیز مصر

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً إلا أن يسجن أو عذاب أليم

شکنجه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ مسلط ساختن مردمی شکنجه گر بر یهود ، نمودی از کیفر سریع خداوند برای متمردان و فاسقان ستم پیشه

لیبعثن علیهم .. إن ربك لسريع العقاب

۹ توبه و بازگشت به خدا ،

راه نجات یهودیان از ذلت و بیرون آمدن از سلطه عذاب کنندگان ایشان است .

و إذ تأذن ربك ليعثن ... و إنه لغفور رحيم

هدف از تذکر بخشایشگری و مهربانی خداوند پس از بیان گرفتاری یهودیان به شکنجه و سلطه دیگران، این است که آنچه بر یهود از جانب خداوند مقدر شده است، تا زمانی است که از فرمانهای الهی سرپیچی کنند.

شکنجه یهود عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱،۲

۱ خداوند برای یهودیان متمرّد مقدر ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند ، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربك ليعثن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

<تأذن> یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحيط). <بعث> (مصدر <ليعثن>) به معنای فرستادن است و چون به <علی> متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده است. <سوم> (مصدر <یسومون>) به معنای تحمیل کردن است.

۲ خداوند تعلق اراده خویش را بر گرفتار ساختن یهودیان متمرّد به زندگی زجرآور و تحت شکنجه دیگران ، به همگان اعلام کرد .

و إذ تأذن ربك ليعثن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

صبر بر شکنجه های دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۴

۴- هجرت برخی از مسلمانان صدراسلام (به حبشه) ، پس از تحمل رنج و شکنجه دشمنان

للدین هاجروا من بعد ما فتنوا

یکی از معانی <فتنه> آزار و شکنجه می باشد (مفردات راغب) و برداشت فوق مبتنی بر این معناست.

گران مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۲،۹

۲ - شکنجه گران و سوزانندگان مؤمنان ، علاوه بر عذاب جهنم ، به عذاب سوزانی سخت تر از آن ، گرفتار خواهند شد .

فلهم عذاب جهنم و لهم عذاب الحریق

جمله <و لهم عذاب الحریق> چنانچه تأکید قبل نباشد، بر وجود عذابی دیگر علاوه بر عذاب جهنم دلالت دارد. برخی آن را بر عذاب دوران برزخ و قیامت تطبیق داده اند. وصف حریق بودن، بیانگر شدت سوزندگی آن است؛ در حدی که اوصاف دیگر آن را تحت الشعاع قرار می دهد.

۹ - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنات .. فلهم عذاب جهنم

قبول توبه شکنجه گران مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - توبه گنه کاران ، حتی شکنجه گران و سوزانندگان مردم با ایمان ، پذیرفته می شود .

ثم لم یتوبوا فلهم عذاب جهنم

گناه شکنجه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۹

۹ - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنات .. فلهم عذاب جهنم

مدت شکنجه های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۸

۱۸ - فرعون ، دوران مجازات ساحران مؤمن (قطع دست و پا

و بستن به چوبه دار) را در مقایسه با مدت عذاب های موعود موسی (ع)، طولانی تر و پایدارتر اعلام کرد.

و لتعلمنَّ أئنا أشدَّ عذابًا و أبقى

<عذاباً> تمیز برای <أشدّ> و قرینه بر تمیز محذوف <أبقى> است؛ یعنی، <و أبقى عذاباً>.

مرگ با شکنجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۵

۵ مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم و أدبرهم

از مصادیق مورد نظر برای <الذين كفروا>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بدر، کافرانی هستند که در آن نبرد به قتل رسیدند.

ممانعت از شکنجه های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ - موسی و هارون (ع)، از جانب خداوند مأمور بازداشتن فرعون از شکنجه بنی اسرائیل بودند.

إنا رسولا ربك .. و لاتعدّبهم

ناظران شکنجه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۶

۶ - نظاره گران شکنجه مؤمنان، در صورت رضایت به آن خود نیز شکنجه گر آنان قلمداد می شوند.

و هم علی ما يفعلون بالمؤمنین شهود

استناد <یفعلون> به شاهدان صحنه، گویای آن است که ناظران هر چند دستور دهنده نباشند شریک جرم شمرده می شوند.

نجات از شکنجه های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ -

۷- بنی اسرائیل ، دارای آمادگی لازم برای هجرت از مصر و رهایی از عذاب فرعون

أسر بعبادی

حرکت شبانه، گریختن از چنگ کسانی است که برای آن حرکت، مانع ایجاد می کنند. بنابراین ماندن بنی اسرائیل نزد فرعونیان، برخلاف میل آنان بوده است.

نجات از شکنجه های فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۶،۷

۶- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، نعمت چشمگیر و به یاد ماندنی خداوند بر آنان بود .

إذ قال موسى لقومه اذكروا نعمه الله عليكم إذ أنجكم من آل فرعون

۷- نجات از نظام اجتماعی ظالمانه ، نعمتی الهی و شایسته به خاطر سپردن است .

اذكروا نعمه الله عليكم إذ أنجكم من آل فرعون يسومونكم

ویژگیهای شکنجه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۳

۲۳- فانی نشدن کالبد دوزخیان و نمردن آنان ، با وجود شکنجه ها و قطعه قطعه شدن

خلد فی النار .. فقطع أمعاءهم

شکوفه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

تغذیه از شکوفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- خداوند ، پس از الهام به زنبور های عسل در امر خانه سازی ، آنها را به تغذیه از گل و غنچه های میوه ها ، درختان و محصولات کوهستانی راهنمایی کرده است .

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذي من الجبال بيوتاً .. ثم كلي من كل الثمرات

۲- زنبور عسل ، موجودی که از میوه ها و شکوفه های درختان و گیاهان تغذیه می کند .

ثم كلي من

کَلِّ الثَّمَرَاتِ

رویش شکوفه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۵

۵ - احاطه علمی خدا به تمام تحولات پیچیده شکوفه ها و کیفیت بارور شدن و ثمردهی آنها

و ما تخرج من ثمرت من أکمامها .. إلا بعلمه

منشأ رویش شکوفه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۸

۸ - تحولات پیچیده شکوفه ها و جنین ، بنا به مقتضای علم و حکمت خداوندی است .

و ما تخرج من ثمرت من أکمامها .. إلا بعلمه

چنانچه <باء> در <بعلمه> برای سببیت باشد، مفاد آیه شریفه، این خواهد بود که همه این رخدادها براساس علم الهی است.

نقش شکوفه های نخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۰ - ۲

۲ قامت بلند نخل و شکوفه های انبوه خرما ، پیامدار بصیرت و مایه تذکر خلق

تبصره و ذکری .. و النخل باسقت لها طلع نضید

شناخت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شناخت

آثار شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۴

۴ - دستیابی به اوج صلاح ، در پرتو معرفت استوار و حکمت الهی

هب لی حکمًا وألحقنی بالصلحین

مقدم آوردن <حکمًا> می تواند اشاره به تقدم رتبی و واقعی آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۶

۶ - علم و معرفت ، زمینه ساز خضوع و تسلیم انسان در برابر حق

و أوتینا العلم من قبلها و کنا مسلمین

تقدیم <علم> بر <اسلام> می

تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۷

۷ - شناخت ها و کردار انسان ، سرمایه و دستاورد او و مؤثر در گرایش ها و ضعف و قوت فهم او است .

ما کانوا یکسبون

تعبیر <یکسبون> که ناظر به تکذیب اعتدا و گناه کافران است بیانگر این است که اندیشه ها و کردار، سرمایه ای است که آن را به دست آورده اند؛ گرچه برای آنان چیزی جز زیان دربرندارد.

آثار شناخت آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۶

۶ - یافتن راه درست زندگی ، در گرو درک صحیح از حقیقت زندگی و آخرت

يقوم اتبعون اهدکم سبيل الرشاد .. إنما هذه الحيوه الدنيا متع و إنّ الآخره

برداشت یاد شده از آن جا است که مؤمن آل فرعون در نخستین برنامه هدایتی خود (نشان دادن راه درست زندگی)، به مسأله حقیقت زندگی دنیایی و اخروی پرداخته است.

آثار شناخت ارزش ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۴

۴- معرفی حق و ارائه ارزش های واقعی ، راه مبارزه با ضد ارزش ها و جریان های باطل

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

از تقدم <جاء الحق> می توان استفاده کرد که باطل در پرتو ظهور حق، رنگ می بازد و در صورتی که راه صحیح و حق ارائه نگردد، باطل همچنان میدان دار خواهد بود.

آثار شناخت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۸ رسیدن به حق ، در گرو شناخت باطل و نفی آن است .

إني تركت مله قوم لا يؤمنون .. واتبعت مله آباءى إبراهيم

آثار شناخت پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۸ - ۵

۵ - شناخت پلیدی ها ، زمینه آشنایی با راه های گریز از آنها است .

فألهمها فجورها و تقویها

تقدیم <فجورها>، بیانگر نکته یاد شده است.

آثار شناخت تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه ، در جهت دهی صحیح به حرکت های اجتماعی ، نقش مؤثر دارد .

فنجینه .. و جعلنهم خلف و أغرقنا الذین کذبوا بآیتنا فانظر کیف کان عقبه المنذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - جامعه شناسی ، باستان شناسی و تاریخ ، زمینه ساز شناخت سنت های الهی و ره یابی به واقعیت پیام وحی

و کم أهلكنا قبلهم من قرن هم أشد منهم بطشاً .. هل من محیص

آثار شناخت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- معرفی حق و ارائه ارزش های واقعی ، راه مبارزه با ضد ارزش ها و جریان های باطل

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

از تقدم <جاء الحق> می توان استفاده کرد که باطل در پرتو ظهور حق، رنگ می بازد و در صورتی که راه صحیح و حق ارائه نگردد، باطل همچنان

میدان دار خواهد بود.

آثار شناخت دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۶

۶ - یافتن راه درست زندگی ، در گرو درك صحیح از حقیقت زندگی و آخرت

يقوم اتبعون اهدكم سبيل الرشاد .. إنما هذه الحيوه الدنيا متع و إن الآخره

برداشت یاد شده از آن جا است که مؤمن آل فرعون در نخستین برنامه هدایتی خود (نشان دادن راه درست زندگی)، به مسأله حقیقت زندگی دنیایی و اخروی پرداخته است.

آثار شناخت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ علاقه به معارف دینی ، در گرو شناخت آنهاست .

فعمیت علیکم ... و أتم لها كرهون

آثار شناخت ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۴

۴ شناخت خداوند و ربوبیت فراگیرش ، موجب توکل کردن بر او و نهراسیدن از دشمنان دین

ثم لاتنظرون. إني توكلت على الله ربي و ربكم

توصیف خداوند به ربوبیت (ربی و ربکم) ، پس از بیان توکل بر او ، می رساند که: خداوند رب همگان است ، شایسته و بایسته این است که بر او توکل شود.

آثار شناخت صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ شناخت خداوند و صفات او ، مایه امیدواربودن به رحمت و یاری اوست .

و أعلم من الله ما لا تعلمون .. و لا تأیسوا من روح الله

آثار شناخت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

۱۲- با تمام وجود سر بر آستان خداوند ساییدن و حریصانه به سجده افتادن جمعی از علمای اهل کتاب به هنگام آشنایی با قرآن

إن الذين أوتوا العلم من قبله .. يخزون للأذقان سجداً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أوتوا العلم من قبله> اهل کتاب باشد و تعبیر از سجده به <خز> که به معنای سقوط و به رو افتادن است می تواند اشاره به حقیقت یاد شده داشته باشد.

آثار شناخت مبدأ آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۱

۱۱- شناخت معاد و حل شبهات آن ، متکی بر شناخت صحیح مبدأ آفرینش است .

فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطرکم أول مره

خداوند، برای پاسخ گویی به شبهات انسان در زمینه معاد، مسأله مبدأ آفرینش انسان را مطرح کرد و این بیانگر آن است که شناخت مبدأ آفرینش، موجب شناخت معاد و حل شبهات آن می شود.

آفات شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۶۸

۶- شتابزدگی انسان ، عامل اشتباه وی در شناخت سود و زیان واقعی خود

و يدع الإنسان بالشرّ دعاءه بالخیر و كان الإنسان عجولاً

جمله <و كان الإنسان عجولاً> در مقام تعلیل برای <و يدع الإنسان..> است؛ یعنی، چون انسان عجول است، شر و خیر و سود و زیان خویش را یکسان می بیند و به دنبال هر دو می شتابد.

۸- عجله و شتابزدگی ، از آفات شناخت است .

و يدع الإنسان بالشرّ دعاءه بالخير و كان الإنسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۶

۶- لجاجت و حق ناپذیری ، باعث برداشت و تفسیر غلط از روشن ترین دلایل حق و گریز و اجتناب از آنهاست .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفوراً

سخن حق، به خودی خود چیزی نیست که نفرت آفرین باشد. با توجه به این نکته، تنفر مشرکان از آیات روشن قرآن، عاملی جز موضع گیری پیشین و لجاجت آنها نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۸ - ۷

۷- شناخت ربوبیت خدا در هستی ، نیازمند تعقل و پرهیز از غفلت و سطحی نگری

قال ربّ المشرق و المغرب .. إن کتّم تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۸

۸- اندیشه های خرافی ، مانع از درک واقعیت امور و تحلیل صحیح آنها

قالوا اطّیرنا بک و بمن معک .. بل أنتم قوم تفتنون

ثمودیان به جای درک ریشه واقعی مشکلات خود، آن را به وجود صالح(ع) و بدیمنی او نسبت می دادند؛ در حالی که تأثیر وجود فیزیکی یک فرد در سرنوشت یک ملت آن هم به گونه ای که ثمودیان می پنداشتند چیزی جز خرافه نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۸

۸- جامعه داستان پرداز و افسانه گرا ، دارای ذهنیتی ناتوان و مغشوش در تشخیص حق و باطل

إن هذا إلا أسطیر الأولین

کافران عقیده به معاد را <أسطورة>

می پنداشتند و این پندار نشانگر رواج افسانه ها در میان جوامع پیشین و ذهنیت مغشوش است که در نتیجه شیوع خرافات، پدید آمده بود و براساس آن هر سخن تازه ای را حکایتی ساخته و پرداخته افراد تلقی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۳

۳ - لجاجت ، حق ناپذیری و دوری از ایمان ، موجب محرومیت از شناخت درست حقایق الهی و از دست دادن بصیرت و بینایی

فهم لایؤمنون .. فأغشینهم فهم لایبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۴،۶

۴ - تردید در قیامت ، حجاب آدمی در دیدن آیات روشن توحیدی است .

سنریهم ءایتنا .. ألا إنهم فی مریه من لقاء ربهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که ضمیر <أَنَّهُ الْحَقُّ> در آیه قبل به خدا برگردد. در این صورت می توان گفت که: عبارت <أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَةٍ> در مقام بیان این است که تردید در قیامت، باعث شده است که کافران نتوانند از آیات روشن توحیدی بهره ببرند.

۶ - تردید جدی نسبت به قیامت و حیات اخروی ، زمینه ساز بی اعتنایی انسان به اصول عقلی و ملاک های عقلایی و فطری

قل أرءیتم إن كان من عند الله .. فی شقاق بعید... ألا إنهم فی مریه

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در یک سیاق قرار دارند نشان می دهد که اگر آیات علمی و داوری های عقلی و فطری نتواند کسی را در برابر حقانیت خدا و وحی متقاعد کند، ریشه آن

را باید در ناباوری او به استمرار حیات و مسؤولیت انسان جستجو کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۳ - ۵

۵ - گرایش به مادی گرایی و دنیاطلبی ، قدرت اندیشه (خرد) را تضعیف و آدمی را به سوی تقلید کورکورانه سوق می دهد

و كذلك .. إلا قال مترفوها إنا وجدنا آباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ - روحیه خصومتورزی و تصمیم به مقابله با یک اندیشه ، مایه کج فهمی و برداشت نادرست از پیام های آن

ما ضربوه لک إلا جدلاً بل هم قوم خصمون

با توجه به این که اساساً قرآن درصدد نفی الوهیت عیسی(ع) بوده است، فهم واژگون مشرکان از پیام قرآن و اقدام آنان به مقایسه میان خدایان خود و الوهیت عیسی(ع)، ناشی از خصومتورزی آنان با پیامبر(ص) و قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۸

۸ - روحیه انکار و عناد در برابر حق ، مانع بهره‌وری معنوی و عرفانی انسان از ژرف کاوی در نظام طبیعت

إن فی السموت و الأرض لآیت للمؤمنین

وصف <للمؤمنین> این مفهوم را می رساند که کافران و یا غافلانی که انگیزه حق جویی را ندارند، با ژرف کاوی در نظام آسمان ها و زمین، بهره ای بایسته از آن نمی برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۱۰

۱۰ - دروغ پردازی و گناه پیشگی ، مانع از شنود و

دریافت بایسته آیات الهی است .

أَفَاكْ أَتَيْم . يَسْمَعُ ءَايَاتِ اللَّهِ ... ثُمَّ يَصْرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۳

۳ - روحیه ناباوری و سطحی نگری ، مانع رهجویی انسان به شناخت آیات الهی

ءَايَاتِ لِلْمُوقِنِينَ .. أَفَلَا تَبْصُرُونَ

تصریح به <موقنین> و توییخ کافران با عبارت <أفلاتبصرون>، می رساند که مشکل اصلی آنان که آیات الهی را در زمین و وجود انسان، نمی بینند و یا پیام آن را درک نمی کنند سست اندیشی، ناباوری و سطحی نگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۳

۳ - کفر و لجاجت ، مانع درک حقیقت نشانه های الهی

و إن یروا .. یقولوا سحاب

آنچه حقیقتاً پاره های عذاب را در چشم کافران تکه های متراکم ابر جلوه می دهد، لجاجت و حق ستیزی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۶

۶ - مداومت کافران بر تکذیب ، طغیان و گناه ، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است .

بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

مراد از <ما کانوا یکسبون>، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

ابرار شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ عملکرد انسان ، نمایانگر باطن وی و ماهیت ایمان اوست .

سیری الله عملکم و رسوله

از این آیه شریفه چنین استفاده می شود که اظهارات زبانی افراد

ثمری ندارد و آنچه ملاک داوری قرار خواهد گرفت، عملکرد آینده آنهاست که خدا و رسولش بر آن نظارت دارند.

ابزار شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۳

۳ - قلب (دل و اندیشه) ، گوش و چشم از ابزار شناخت

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۵

۵ - حواس آدمی (شنوایی ، بینایی و ...) از ابزار درک و شناخت اوست .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۲ - ۴،۷

۴ توانایی انسان ها در شناخت آیات و احکام با بکار بستن اندیشه

یَبَیِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

جمله <لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ> علاوه بر اینکه فهم و درک آیات الهی را هدف از تبیین آنها قرار داده، ضمناً راه فهمیدن و درک کردن را نیز ارائه فرموده که همان اندیشه و تعقل است.

۷ شناخت احکام الهی ، در گرو وحی و تبیین الهی و نیز تعقل و اندیشه است .

كَذَلِكَ يَبَیِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۱۳،۲۱

۱۳ حس ، از ابزار شناخت

فانظر الى طعامك .. و انظر الى حمارك ... و انظر الى العظام

۲۱ مشاهده زنده شدنِ مردگان ، موجب شناخت قدرت مطلق خداوند

فلما تبين له قال اعلم ان الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۹،۱۴

۹ مشاهدات حسّی ، از جمله ابزار شناخت

ربّ ارنی کیف تحیی الموتی

۱۴ امر خدا به ابراهیم (ع) ، برای نشان دادن کیفیت احیای مردگان ، به گرفتن چهار مرغ و کشتن و در هم کوبیدن آنها و قرار دادن هر جزئی بر کوهی و فراخواندنشان تا زنده گردند و شتابان به سوی او روند .

قال فخذ . . . ثم ادعهنّ یأتینک سعياً

مفرد آوردن کلمه جزء (منهنّ جزءاً)، حکایت از این معنا دارد که مرغان را در هم کوبید و مخلوط کرد و الاّ باید گفته شود: <منهنّ اجزاء>، نه جزءاً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۷

۷ درک حقایق و معارف دینی ، تنها در پرتو خرد ناب میسر است .

و من یؤت الحکمہ . . . و ما یدّکر الاّ اولوا الالباب

در برداشت فوق ، <حکمت> به معنای معارف و حقایق دینی گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ عقل از ابزار شناخت و تعقل بهترین راه جهت رسیدن به واقعیات

لم تحاجّون . . . افلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۱۱،۲۹

۱۱ گفتار آدمی ، از جمله ابزار شناخت وضعیت درونی وی

قد بدت البغضاء من افواههم

از اینکه قصد اظهار نهان خویش را نداشتند، ولی از لابلای گفتارشان آشکار می گردد، برداشت فوق به دست می آید.

۲۹ آیات الهی ،

راهنمای مؤمنان اهل تعقل و اندیشه ، در شناخت صواب از خطا

قد بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ أَنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۰ - ۸

۸ ارزش عقل و نقش آن در شناخت خداوند

لآيَاتِ لَأُولَى الْآلِبَابِ

<لَبَّ> به معنای عقل خالص و بدور از وهم و خیال است که از آن می توان به خرد ناب تعبیر کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۱۱

۱۱ عقل و حسّ از ابزار های شناخت حقایق

و يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

چون آفرینش آسمانها و زمین را می بینند (احساس می کنند) و در آن می اندیشند (تعقل می کنند) و آنگاه به نتیجه می رسند (ما خلقت هذا باطلا)، بنابراین آیه شریفه، حسّ و عقل را از ابزار شناخت معرفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۵

۱۵ قلب (دل) ، از ابزار شناخت

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله عليها بكفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۹

۹ نقش حسّ و مشاهده عینی در فراگیری و شناخت

فبعث الله غراباً يبحث في الارض ليريه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۹

۹ عقل و خرد ابزار شناخت پاکی ها و ناپاکی ها و دست یابی به ارزش برتر پاکیها

لا یتوی الخبیث و الطیب .. فاتقوا الله یا ولی الالب

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۵

۵ گوش، ابزار شناخت و قلب و دل، جایگاه فهم

و منهم من يستمع اليك و جعلنا على قلوبهم أكنه أن يفقهوه و في ءاذانهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۳

۱۳ تکذیب کنندگان آیات الهی به دلیل بهره نگرستن از ابزار شناخت معارف الهی از چهارپایان بدترند .

بل هم أضل

حرف <بل> برای اضراب است که در این مورد به معنای انتقال از غرضی به غرض مهمتر می باشد. در نتیجه مفاد <بل> این است که اگر چه تکذیب کنندگان مانند چهارپایان از درک آیات الهی محرومند، ولی چون از ابزاری برای شناخت آیات الهی بهره مند بودند که حیوانات فاقد آن هستند، باید آنان را از چهارپایان نیز فرومایه تر خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ عقل ، وسیله ای برای شناخت حقایق

قل لو شاء الله ما تلوته عليكم .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۹

۹ تفکر ، ابزاری برای شناخت خداوند و پدیده های هستی منبع شناخت اوست .

هو الذي مدّ الأرض .. إن في ذلك لآيت لقوم يتفكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۱۰

۱۰ عقل ابزاری برای شناخت ربوبیت خدا و پدیده های طبیعی ، منبعی برای شناخت اوست .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲- تفکر و اندیشه از ابزار شناخت است .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲ - ۸

۸- تعقل و به کارگیری خرد ، از ابزار شناخت و راهی برای تحصیل معرفت است .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۳ - ۷،۸،۹

۷- توجه و یادآوری ، زمینه ساز معرفت و ابزاری برای شناخت است .

و ما ذرأ لكم في الأرض .. . إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

۸- برای هر مرتبه از اندیشه و بینش ، ابزار مناسب جهت خداشناسی در طبیعت وجود دارد .

يَنْبِئُ لَكُمْ بِالزَّرْعِ .. . لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ . و سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ .. . لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ . و ما

با توجه به اینکه به دنبال عبارت < الزرع و الزيتون و .. > که اموری ساده بوده و برای نتیجه گیری فکر به تنهایی کافی است <لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ> و به دنبال تسخیر شب، روز و .. که دقت لازم دارد <لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ> و به دنبال تفاوت رنگها که مقدمات کلی دارد و با اندک توجهی به دست می آید <لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ> به کار برده شده است، مطلب فوق به دست می آید.

۹- مراتب گوناگون شناخت ، ابزار مناسب خود را می طلبد .

الزرع و الزيتون .. . لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ .. . اللَّيْلَ و النَّهَارَ .. . لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ . و ما ذرأ

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۶

۱۶- علم و آگاهی ، وسیله تشخیص ارزش های برتر است .

و لأجر الأخره أكبر لو كانوا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۴

۱۴- پرسش ، از ابزار شناخت است .

فستلوا أهل الذکر إن كنتم لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۵

۱۵- تفکر ، از ابزار شناخت و درک حقایق است .

و لعلهم يتفكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۱۱

۱۱- تعقل و خردورزی ، از ابزار شناخت صحیح حقایق است .

إن فی ذلک لآیه لقوم یعقلون

این برداشت با توجه به این نکته است که خداوند آدمی را به تعقل و خردورزی در شناخت طبیعت و آثار قدرت ربوبی، فرا خوانده و تشویق کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۲۰

۲۰- تشویق و فراخوانی خداوند به تفکر و اندیشه در طبیعت برای شناخت حقایق الهی

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۴ - ۵

۵- راه نداشتن انسان به شناخت کنه ذات و صفات خدا ، جز از طریق وحی

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که جمله <إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ> تعلیل برای جمله <فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ> باشد و متعلق و مفعول فعل <يَعْلَمُ> و <لَا تَعْلَمُونَ> خدا و ذات

مقدس او باشد، یعنی، شما برای خدا شریک و مثل نپندارید، چون شما به ذات و حقیقت او پی نخواهید برد و این علم تنها منحصر به خداست و جز از طریق وحی شناخته نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۳،۴

۳- عدم برخورداری فرزندان انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی، بینایی و قلب به هنگام تولد، از نشانه های تدبیر و حکمت الهی *

و الله أخرجكم من بطون أمهتكم لتعلمون شيئاً

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

۴- شنوایی، بینایی و قلب (مرکز ادراک) مهم ترین ابزار شناخت

و الله أخرجكم... لتعلمون شيئاً و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۵،۶

۵- قلب، چشم و گوش، از ابزار شناخت

طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصرهم

۶- شناخت، تنها بر ابزار حسی منحصر و متکی نیست.

طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۴،۶،۷

۴- انسان های واجد ابزار لازم برای کسب آگاهی و علم، در پیشگاه خداوند، مسؤول هستند.

إن السمع و البصر و الفؤاد

كُلُّ أَوْلِيكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

۶- قوای شنوایی و بینایی و قلب، ابزار شناخت است.

و لا تقف... إن السمع والبصر والفؤاد

۷- بهره نگرستن صحیح از نعمت شنوایی، بینایی و قلب برای شناخت حق، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است.

و لا تقف... إن السمع... کان عنه مسئولا

خداوند، به منظور دور کردن انسانها از حرکت‌های غیر علمی، به آنان نعمت شنوایی، بینایی و قلب را یادآور شده است تا آنان، با بهره‌گیری صحیح از آن، به یقین دست یافته و بر اساس آن، حکم کرده و عمل نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۵

۵- حس شنوایی، وسیله دستیابی به حقایق و قلب مرکز درک و فهم آنهاست.

علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۵

۱۵- گوش، ابزار شناخت، و قلب و دل، جایگاه فهم است.

إنّا جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۷

۷- شناخت خدا و توجه به او، مهم‌ترین هدف برخورداری انسان از ابزار شناخت است.

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری و کانوا لایستطیعون سمعا

آیه، چشم کافران را نهان شده در پرده و گوش آنان را از کار افتاده قلمداد کرده است، یعنی، دیده‌ها و شنیده‌های آنان که خالی از یاد خدا است چنان بی

ارزش است که گویا نه از چشم بهره ای برده اند و نه از گوش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۸ - ۷

۷- عقل و دل ، دو ابزار کارآمد در وجود انسان برای دستیابی به معارف درست در باره خدا و صفات و افعال او

يَجْدُلُ فِي اللَّهِ بغير علم و لا هدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۷

۷- قلب و گوش ، ابزار شناخت و درک حقایق

فتكون لهم قلوب يعقلون بها أو أذان يسمعون بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۶

۶- ابزار حسی و عقلی انسان ، وسیله راه یابی او به شناخت حق و صراط مستقیم

و إنك لتدعوهم إلى صراط مستقیم .. أنشأ لكم السمع و الأبصر و الأفئدة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۳،۴

۳- نارسایی حس از دریافت همه واقعیت های نظام طبیعت

تحسبها جامده و هی تمرّ

آیه بالا بیانگر این نکته است که حقایق در جهان طبیعت وجود دارد که حس معمولی بشر از دریافت آن عاجز است؛ همانند حرکت کوه ها همراه حرکت زمین.

۴- وحی ، تبیین گر واقعیات پنهان هستی برای بشر

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

قرآن در زمانی پرده از راز حرکت زمین برداشت که دانش بشر از دریافت و حتی تصدیق و تأیید آن عاجز بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۸

۸ - عقل ، وسیله تشخیص ارزش ها و پیدا کردن زندگی بهتر و برتر

و ما عند الله خیر و أبقى أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۱۰

۱۰ - فکر ، از ابزار شناخت حقانیت عالم است .

أولم يتفكروا .. ما خلق الله السموت و الأرض و ما بينهما ... إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - گوش شنوا ، وسیله ای برای شناخت آیات الهی است .

إنّ فی ذلك لآیت لقوم یسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - خرد ، از ابزار شناخت است .

لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۶

۶ - حواس ظاهری ، همانند شنوایی ، از ابزار شناخت است .

لا تسمع الصمّ الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۷

۷ - شنوایی و بینایی از جمله ابزار فهم و دریافت هدایت است .

و ما أنت بهد العمى . . . إن تسمع إلا من يؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۷

۷ - قلب ، مرکز و جایگاه دریافت و شناخت حقایق است .

كذلك يطبع الله على قلوب الذين لا يعلمون

این که خداوند، از میان حواس و اعضای شناخت در انسان، تنها قلب را مطرح کرده که مُهر

می خورد، حکایت از مرکزیت آن می کند و با از کار افتادن آن، بقیه، کارایی خود را از دست می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۶

۶ - گوش ، از ابزار کسب اطلاعات و شناخت است .

كأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنِهِ وَقْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۶ - ۴،۵

۴ - بینایی ، از ابزار شناخت و هدایت است .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم .. فأنئی یبصرون

۵ - مشیت و سنت خداوند در هدایت انسان ها ، بر بهره جستن آنان از ابزار های متعارف شناخت (مانند بینایی و ...) استوار است ؛ نه بر اعجاز و ارائه کار های خارج از توان بشر .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراط فأنئی یبصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که اگر خداوند چشم و بینایی مردم کافر را از بین می برد، آنان به قدرت خدا پی برده و به او ایمان می آورند؛ ولی خدا چنین نکرده بلکه خواسته است که آنان از راه دیدن حقایق الهی و شنیدن آنها (راه متعارف راهنمایی بشر) هدایت گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۷ - ۳

۳ - مشیت و سنت خداوند در هدایت انسان ها ، بهره جستن آنان از ابزار های متعارف شناخت است ؛ نه کمک گرفتن از اعجاز و ارائه کار های بیرون از توان بشر (همچون مسخ و زمین گیر کردن

آدمی). .

و لو نشاء لمسخنهم علی مکانتهم .. و لایرجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که اگر خداوند مردم کافر را مسخ و یا زمین گیر می کرد، آنان به قدرت خدا پی برده و به او ایمان می آوردند؛ ولی چنین نکرده، بلکه خواسته است که آنان از راه دیدن حقایق الهی و شنیدن آنها (راه متعارف راهنمایی بشر) هدایت گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۹

۱۹ - عقل و خرد ناب، از ابزار و راه های شناخت حقایق

الذین یستمعون القول فیَتَّبِعُونَ أحسنه .. و أولئک هم أولوا الألب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - تأمل و نگرش ژرف، از ابزار های شناخت

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. ثمّ یجعله حطماً إنّ فی ذلک لذكری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۶

۱۶ - آسودگی ها و نعمت ها، عرصه شناخت سپاس گزاران و ناسپاسان

فإذا مسّ الإنسان ضرّاً .. ثمّ إذا حوّله نعمه ... بل هی فتنه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که هر نعمتی، اقتضای شکر و سپاس گذاری دارد. بنابراین آزمایش بودن نعمت های الهی، می تواند در ارتباط با همین مسأله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۵

۵- قابل شناخت بودن خداوند از راه آیات و نشانه های او

بلی قد جاء تک ءایتی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ - قابل شناخت بودن خداوند ، از راه وحی و آیات و نشانه های او

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربکم

سرزنش شدن کافران به خاطر توجه نکردن به آیات الهی، نشانگر این حقیقت است که آیات الهی، قابل شناخت است و انسان از این راه می تواند به خدا پی ببرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۳ - ۳

۳ - قابل شناخت بودن خداوند و اوصاف او ، از راه مشاهده آیات و نشانه های الهی در جهان

هو الذی یریکم ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱۵، ۱۱

۱۱ - علم حضوری و شهودی تمامی موجودات ، نسبت به پروردگار

أولم یکف برّبک أنّه علی کلّ شیء شهید

بنابراین که <شهید> به معنای مشهود باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

۱۵ - علم شهودی به خداوند ، استوارترین راه برای شناخت او است .

أولم یکف برّبک أنّه علی کلّ شیء شهید

بنابراین که <شهید> به معنای مشهود باشد، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۴

۴ - حس ، عقل و وحی ، ابزار اصلی دریافت معارف صحیح *

أشهدوا خلقهم . . ما لهم بذلك من علم ... أم ءاتينهم كتبًا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که آیات سه گانه، اشاره به این نکته داشته باشد که مشرکان در ادعای خویش، به هیچ یک از منابع اصلی

معرفت (حس، عقل و وحی) متکی نیستند و در نتیجه می توان استفاده کرد که ابزار شناخت، وحی، حس و عقل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۰ - ۸

۸ - گوش و چشم ، از ابزار شناخت حق

أفأنت تسمع الصمّ أو تهدي العمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۵ - ۱۰، ۱۱، ۱۲

۱۰ - خردورزی ، زمینه دستیابی انسان به جهان بینی الهی و فهم و شناخت نشانه های خداوند در پهنه گیتی

آیت لقوم یعقلون

۱۱ - لزوم به کارگیری اندیشه و فکر ، در شناخت اسرار طبیعت برای ره یابی به آیات الهی

آیت لقوم یعقلون

تعبیر <لقوم یعقلون> تشویق ضمنی به تعقل و اندیشه برای شناخت آیات تکوینی خداوند است.

۱۲ - دریافت های حسی ، من های تعقل و اندیشه ، بی ثمر در دستیابی انسان به شناخت جهان هستی

آیت لقوم یعقلون

تعبیر <یعقلون>، می تواند تعریضی به واماندگان در عالم هستی و دریافت های حسی باشد؛ زیرا بدون کمک گرفتن از تعقل و به کارگیری اندیشه، به شناخت حقیقت جهان دست نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۴، ۵، ۱۱

۴ - قوم عاد ، برخوردار از ابزار شناخت و درک حقایق

و لقد مکّنههم .. و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفنده

۵- بینایی ، شنوایی و نیروی ادراک ، از پایه های مهم شناخت

و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده فما أغنى عنهم

در آیه شریفه <سمع> ، <أبصار> و <أفئده> عواملی کافی برای رهیابی انسان به حقایق معرفی

شده است و قوم عاد به خاطر بهره نگرفتن از آنها، مورد سرزنش قرار گرفته اند.

۱۱- ابزار حسی چشم و گوش ، وسیله رهیافت حقایق به محدوده ادراک بشر *

جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده فما أغنى عنهم سمعهم و لا أبصرهم و لا أفئدتهم

تقدم لفظی <سمع> و <بصر> بر <أفئده> ممکن است بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۸

۸- قلب ، از ابزار مهم شناخت و ژرف اندیشی در حقایق

أفلا يتدبرون .. أم على قلوب أفعالها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۱ - ۶

۶- ارزش والای قلب و ادراکات باطنی ، در مقایسه با دیگر منابع شناخت

ما كذب الفؤاد ما رأى

با توجه به این که در این آیه، رؤیت معارف والا به قلب نسبت داده شده است، ارزش بی مانند قلب در میان منابع شناخت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۵

۵- لزوم شناخت دین و آشنایی با تعالیم پیامبران ، از راه شنیدن صحیح و اندیشه و تعقل

و قالوا لو كنا نسمع أو نعقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۱۰

۱۰ - شنوایی و بینایی ، دو ابزار اصلی بشر برای معرفت حقایق

نبتلیه فجعلنه سمیعاً بصیراً

سمیع و بصیر قرار داده شدن بشر در آستانه آزمایش او، می تواند به این دلیل باشد که آزمایش، نیاز به شناخت مواد آزمون و راه های قبولی آن

دارد. از این رو خداوند، به بشر دو ابزار شناخت (قدرت شنوایی و بینایی) عطا فرموده است تا به این معرفت دست یازد.

ابزار شناخت تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۹

۹- از فواید گردش شب و روز ، محاسبه زمان و سال شماری و آشنایی انسان با تاریخ است .

جعلنا آیه النهار .. لتعلموا عدد السنين و الحساب

ابزار شناخت حسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۶

۶- انسان در شناخت حقایق ، دارای دو ابزار حسی و غیر حسی است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۸

۸- ابزار حسی و ادراکی شناخت ، مکمل یکدیگر

و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده

قرین آمدن شنوایی، بینایی و نیروی ادراک، بیانگر مطلب یاد شده است.

ابزار شناخت خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۱ - ۳

۳- انسان ، به دلیل برخورداری از ابزار های شناخت (توانایی بر دیدن و گفتن و نیز تشخیص راه خیر و شر) توانا بر پذیرش

تکالیف دشوار و برداشتن گام های سنگین در راه خیر

ألم نجعل .. فلاقتحم العقبه

ابزار شناخت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۲ - ۲

۲ - ابزار شناخت حقیقتِ ستاره < طارق > و ویژگی های آن ، در اختیار همگان نیست .

و

ما أدريک ما الطارق

خطاب در <ما أدراک> در این موارد، مخصوص شخص پیامبر(ص) نیست؛ بلکه روی سخن با هر مخاطبی است که این سخن را دریافت کند.

ابزار شناخت شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ زندگی و سیر و سلوک فردی و اجتماعی پیشین افراد، وسیله ای برای شناخت شخصیت آنان

فقد لبث فیکم عمراً من قبله أفلا تعقلون

ابزار شناخت شر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۱ - ۳

۳- انسان، به دلیل برخورداری از ابزار های شناخت (توانایی بر دیدن و گفتن و نیز تشخیص راه خیر و شر) توانا بر پذیرش تکالیف دشوار و برداشتن گام های سنگین در راه خیر

ألم نجعل .. فلاقتحم العقبه

ابزار شناخت عقلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۸

۸- ابزار حسی و ادراکی شناخت، مکمل یکدیگر

و جعلنا لهم سمعاً و أبصراً و أفنדה

قرین آمدن شنوایی، بینایی و نیروی ادراک، بیانگر مطلب یاد شده است.

ابزار شناخت غیرحسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۶

۶- انسان در شناخت حقایق ، دارای دو ابزار حسی و غیر حسی است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

اتلاف ابزار شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱۳

۱۳- انکار آیات الهی پس از دریافت آن ، به هدر دادن ابزار و امکانات

معرفت است .

فما أغنى عنهم سمعهم و... إذ كانوا يجحدون بآيت الله

مراد از <ما أغنى..> باطل ماندن و هدر رفتن <سمع>، <أبصار> و <أفئده> است که در اصل، می توانسته است انسان را در مسیر حق بی نیاز سازد.

ارزش ابزار شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۶

۶- ارزشمندی ابزار و امکانات معرفتی انسان ، در گرو به کارگیری آن در طریق حق است .

و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى

از اینکه خداوند، انسانی را که بیناست ولی بینش درست نیافته <أعمى> خوانده است، استفاده می شود که چشم به عنوان وسیله معرفت آن گاه ارزشمند به حساب می آید که در مسیری بایسته و شایسته به کار گرفته شود.

استفاده از ابزار شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۹ - ۴

۴- بهره نگرستن از ابزار شناخت در جهت فهم حقایق معنوی ، مایه زیان واقعی انسان در آخرت است .

طبع الله على قلوبهم و سمعهم و أبصرهم .. لاجرم أنهم في الآخرة هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۹

۹ - استفاده و یا عدم استفاده از ابزار و حواس شناخت ، در اختیار خود انسان ها است .

و لاتسمع الصمّ الدعاء إذا ولّوا مدبرین

<إذا ولّوا> قرینه است بر این که مراد از <الصمّ> کسانی اند که خود را به کوری می زنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶

۹- عدم استفاده قوم عاد از ابزار شناخت خود در طریق حق ، زمینه ساز سقوط و هلاکت آنان

فأصبحوا لا يرى إلا مساكنهم .. فما أغنى عنهم سمعهم ولا أبصرهم ولا أفئدتهم من

اقسام ابزار شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۶

۶- انسان در شناخت حقایق ، دارای دو ابزار حسی و غیر حسی است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

اهمیت استفاده از ابزار شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ - بهره نجستن از ابزار شناخت و ادراک در مسیر هدایت ، نمود بارز اضلال الهی

و أضله الله على علم و ختم على سمعه و قلبه و جعل على بصره غشوه

در صورتی که عطف <ختم الله..> بر <أضله الله...> تفسیریه باشد، استفاده می شود که اضلال الهی نسبت به هواپرستان، از طریق مسدود ساختن گوش و قلب آنان بر نفوذ حق صورت می گیرد.

اهمیت شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۰۴

۴ - روزه و قرآن ، دارای ارتباطی عمیق و تنگاتنگ با یکدیگر

شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۳

۳ - برخورداری از حکمت و معرفت و قرار گرفتن در زمره صالحان، اوج کمال و سعادت انسان

ربِّ هب لی حکمًا وألحقنی بالصلحین

با توجه به این که حضرت ابراهیم(ع)، به عنوان بزرگ ترین آرمان های ارزشی،

این دو را از درگاه خدا تمنا کرده است، برداشت یاد شده استفاده می شود.

اهمیت شناخت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۳

۳ لزوم هجرت گروهی از هر جامعه ، به سوی مراکز علمی ، برای کسب شناخت اسلام و تفقه در دین

فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفه ليتفقوها في الدين

اهمیت شناخت پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۸ - ۹۱ - ۴

۴ - شناخت پلیدی ها ، ضروری تر از آشنایی با راه های پرهیزگاری است .

فألهمها فجورها و تقویها

اهمیت شناخت تعالیم انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۰ - ۴

۴ ضرورت شناسایی رهنمودهای انبیای پیشین و اقتدای به آن برای همه مردم

أولئک الذین هدی الله فبهدیهم اقتده

اهمیت شناخت حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۲۰

۲۰- تشویق و فراخوانی خداوند به تفکر و اندیشه در طبیعت برای شناخت حقایق الهی

إن في ذلك لآية لقوم يتفكرون

اهمیت شناخت دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱

۱ - معرفت و شناخت درست نسبت به ماهیت و حقیقت حیات دنیوی ، امری لازم برای انسان ها

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب و لهو . . . و تکاثر فی الأموال و الأولد

اهمیت شناخت لغزشگاهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۱۹ - ۳۶

۳۶- لزوم آگاه

ساختن مسؤولیت پذیران از خطرات و لغزش گاه های منصب ها و موقعیت های اجتماعی آنان

ولیتلطف و لایشعرن بکم احدًا

حسی شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۲۰، ۲۱

۲۰ درک عزیر از چگونگی معاد و توانایی خدا بر احیای مردگان ، پس از مشاهده زنده شدن خویش و عدم فساد طعام و نوشیدنی ها و زنده شدن الاغ

قال ائی یحیی .. قال اعلم انّ الله علی کلّ شیء قدیر

۲۱ مشاهده زنده شدن مردگان ، موجب شناخت قدرت مطلق خداوند

فلما تبین له قال اعلم انّ الله علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۱۱

۱۱ عقل و حسّ از ابزار های شناخت حقایق

و یتفکرون فی خلق السموات و الارض

چون آفرینش آسمانها و زمین را می بینند (احساس می کنند) و در آن می اندیشند (تعقل می کنند) و آنگاه به نتیجه می رسند (ما خلقت هذا باطلا)، بنابراین آیه شریفه، حسّ و عقل را از ابزار شناخت معرفی کرده است.

دعوت به شناخت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۱۵

۱۵ - خداوند ، فراخوان انسان ها به شناخت جهت گیری همه موجودات جهان آفرینش

ألم تر أنّ الله یسیّج له من فی السموت و الأرض و الطیر صفت کلّ قد علم صلاته

راههای شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاییه - ۴۵ - ۲۵ - ۷

۷ - محدود ساختن راه شناخت به حسّ ،

روش غیر علمی

و ما لهم بذلك من علم إن هم إلا يظنون .. ما كان حجّتهم إلا أن قالوا ائتوا با

روش شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۹ - ۴

۴ مطالعه در تاریخ اقوام مشرک و توجه به فرجام شوم آنان ، راهی برای پی بردن به بطلان شرک و نبود توان و نیرو در معبود های ساختگی است .

فلاتک فی مریه مما یعبد هؤلاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲ - ۸

۸- تعقل و به کارگیری خرد ، از ابزار شناخت و راهی برای تحصیل معرفت است .

إن فی ذلک لآیت لقوم یعقلون

روش شناخت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ شناخت حقیقت موجودات و شؤون آنها ، تنها از طریق برهان دست یافتنی است .

ما أنزل الله بها من سلطان

زمینه شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۷ - ۲

۲- ایمان و روح حق پذیری ، زمینه ساز شناخت صحیح آیات الهی و حوادث تاریخی و بهره گیری از آنهاست .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۳ - ۷

۷- توجه و یادآوری ، زمینه ساز معرفت و ابزاری برای شناخت است .

و ما ذرأ لكم في الأرض . . . إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸

۳- دریافت های حسی ، زمینه ساز شناخت ها و ادراکات عقلانی

و هو الذى أنشأ لكم السمع و الأبصر و الأفئده

آمدن <سمع> و <أبصار> پیش از <افئده> می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۹ - ۳

۳- مطالعه تاریخ و سرگذشت جوامع بشری ، از زمینه های شناخت و کسب بینش درست

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف كان عقبه المجرمین

دعوت به سیر و سیاحت در زمین (سیروا فی الأرض) و نگرش عمیق در احوال و آثار پیشینیان (فانظروا..). بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۷

۷- همه انسان ها ، دارای توانایی های لازم برای شناخت راه درست اند .

إنا هدینة السبیل إنا شاکرا و إنا کفورا

زمینه شناخت آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۵ - ۴

۴- شناخت صحیح آیات الهی ، در گرو هوشیاری ، فراست و ژرف نگری است .

إن فی ذلک لأیت للمتوسمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۱۰

۱۰- اندیشمندان و متفکران ، دارای زمینه لازم برای درک آیت بودن مظاهر طبیعت

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

زمینه شناخت ارزش وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۲

۲- تقوا، زمینه ساز شناخت ارزش وحی الهی

و قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا

زمینه شناخت توحید ربوبی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶ - ۸

۸ تقوا و پارسایی ، زمینه ای لازم برای فهم و درک دلایل توحید ربوبی موجود در جهان آفرینش

إن فی اختلاف الّیل و النهار و ما خلق الله فی السموت و الأرض لآیت

زمینه شناخت رازهای آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۱

۱۱- در متن جهان محسوس و عالم طبیعت ، برای پی بردن به رازهای هستی و عوالم ناشناخته آن ، نشانه هایی وجود دارد .

مثل الحیوه الدنیا کماء أنزلنه .. فأصبح هشیماً تذروه الريح

درک حقایقی مانند مرگ و حیات و ماهیت آن ها، از آن رو که بسیاری از ابعاد آن برای بشر محسوس نیست، دشوار و نیازمند ارائه رهنمودهای محسوس است. خداوند، با رویاندن و میراند گیاهان عالم طبیعت را حاوی چنین رهنمودهایی قرار داده است.

زمینه شناخت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۵ - ۲

۲ - شناخت مراحل آغازین خلقت انسان ، زمینه ساز پی بردن به تحت مراقبت بودن وی و مایه شناخت قدرت خداوند بر ثبت کردار او است .

علیها حافظ . فلینظر الإنسن مم خلق

ارتباط دو آیه، با توجه به حرف <فاء> در <فلینظر>، بیانگر برداشت یاد شده است.

زمینه شناخت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - جامعه شناسی ، باستان شناسی و تاریخ ، زمینه ساز شناخت سنت های الهی و ره یابی

به واقعیت پیام وحی

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً .. هل من محیص

شرایط شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۵ - ۵

۵- شناخت صحیح حوادث عبرت انگیز تاریخ و پندپذیری و درس آموزی از آنها، در گرو ژرف نگری و برخورد هوشمندانه است .

و تبئهم عن ضیف إبرهیم .. و أمطرنا علیهم حجاره من سجّیل . إن فی ذلک لأیت للمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳ - ۵

۵ - روحيات انسان، تأثیر عمیقی در نحوه برداشت و استفاده وی از منابع شناخت و هدایت دارد .

هدی و رحمه للمحسنین

از این که خداوند، تنها دارندگان روحیه احسان را بهره مند از هدایت و رحمت قرآنی دانسته است، استفاده می شود که روحيات خود انسان، در استفاده از منابع هدایتی نقش اساسی دارد.

شرایط شناخت آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۳ - ۹

۹ - تفکر و تأمل، شرط شناخت آیات الهی، در گستره نظام جهان

إِنَّ فی ذلک لأیت لقوم یتفکرون

شناخت آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- ایمان و روح حق پذیری ، زمینه ساز شناخت صحیح آیات الهی و حوادث تاریخی و بهره گیری از آنهاست .

إن فی ذلک لآیه للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۵۷ - ۱

۱- روی گردانی از آیات

پروردگار پس از تذکر یافتن و آگاهی به آن، بزرگ‌ترین ظلم است.

و من أظلم ممّن ذكر بأيت ربّه فأعرض عنها

<ذکر> یعنی، شناختی که در حافظه حاضر باشد (برگرفته شده از مفردات راغب).

شناخت ارزش‌ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰ لزوم شناساندن ارزش‌ها به فرد و جامعه قبل از مبارزه با حرکت‌ها و اندیشه‌های ضد ارزشی آنان *

الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

برداشت فوق، بدین احتمال است که تقدم لفظی امر به معروف و نهی از منکر، اشاره به تقدم حقیقی و عملی آن داشته باشد.

شناخت افعال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۵

۵ - میسر بودن شناخت صفات و افعال خداوند (چون رازقیت او) برای انسان‌ها

أولم يعلموا أنّ الله ييسر الرزق لمن يشاء ويقدر

از سرزنش شدن کسانی که مشیت خداوند در روزی را نشناخته‌اند، برداشت یاد شده به دست می‌آید؛ زیرا سرزنش از انجام ندادن کاری، نشان دهنده آن است که آن کار برای انسان مقدور و میسر است.

شناخت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۹

۹ - ربوبیت خداوند بر انسان‌ها، مقتضی شناخت ذات و حالات آنان است.

إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

شناخت پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۸ - ۳

۳ - تعادل قوا در ساختار روح انسان ، آماده سازنده آن

برای آگاهی فطری به پلیدی ها و شناخت راه گریز از آنها است .

و ما سوّیها. فألهمها فجورها و تقویها

حرف <فاء> در <فألهمها> آن را بر تسویه (در آیه قبل) تفریع کرده است، تا بیانگر این باشد که خداوند، در ابتدا روح انسان را از قدرت های هماهنگ برخوردار کرده؛ آن گاه بدی ها و راه محفوظ ماندن از آنها را به او الهام می کند. <تقوی> اسم مصدر است. فعل <أتقیت>؛ یعنی، برحذر ماندم و خود را دور نگه داشتم (قاموس). بنابراین <تقواها>؛ یعنی، دور ماندن روح از فجور.

شناخت تحولات تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۷ - ۲

۲- ایمان و روح حق پذیری ، زمینه ساز شناخت صحیح آیات الهی و حوادث تاریخی و بهره گیری از آنهاست .

إن فی ذلک لآیه للمؤمنین

شناخت تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۸ - ۴

۴ - شناخت پلیدی ها ، ضروری تر از آشنایی با راه های پرهیزگاری است .

فألهمها فجورها و تقویها

شناخت توحید ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۷

۷- امکان شناخت ربوبیت بی همتای خدا از مظاهر هستی

قال ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

شناخت حسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۳،۹،۲۸

۳ پرسش ابراهیم (ع) از خداوند ، درباره نشان دادن کیفیت احیای مردگان برای آرامش خاطر خویش

و اذ قال ابرهیم ربّ ارنی

کیف تحیی الموتی ... لطمئن قلبی

۹ مشاهدات حسّی ، از جمله ابزار شناخت

ربّ ارنی کیف تحیی الموتی

۲۸ پرسش ابراهیم (ع) از خداوند درباره کیفیت زنده شدن مردگان ، به انگیزه اطمینان قلب خود به خلیل الله بودنش

قال إبرهیم ربّ ارنی ... لیطمئن قلبی

امام رضا (ع) درباره <لیطمئن قلبی> در آیه فوق فرمود: ... و لکن لیطمئن قلبی علی الخله

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۱۰۸۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۱ - ۷

۷ زکریا خواستار نشانه ای شهودی و حسّی ، برای اطمینان قلب خویش نسبت به اعطای فرزند به وی *

قال ربّ اجعل لی ایه قال ایتک الّا تکلم الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۵ - ۷

۷ - محدود ساختن راه شناخت به حسّ ، روش غیر علمی

و ما لهم بذلك من علم إن هم إلا یظنون .. ما كان حجّتهم إلا أن قالوا ائتوا با

شناخت حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۲

۲۲ بیشتر مردم از بصیرتی که آنان را به حقانیت قرآن رهنمون شود ، محرومند .

أفمن كان على بينه من ربه .. و لكنّ أكثر الناس لا يؤمنون

شناخت حقایق محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ آگاه شدن از قرآن و محتوای آن ، آدمی را به حقایق رسالت

پیامبر (ص) راهنمایی می کند .

کفی بالله شهیداً .. و من عنده علم الکتب

شناخت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۲۲

۲۲ لزوم توجه به آگاهی مطلق و همه جانبه الهی

و اعلموا انّ الله بكل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۷

۱۷ تأثیرناپذیری خداوند از پدیده های جهان

فانّ الله غنی عن العالمین

شناخت رازقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۵

۵ - میسر بودن شناخت صفات و افعال خداوند (چون رازقیت او) برای انسان ها

اولم يعلموا انّ الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر

از سرزنش شدن کسانی که مشیت خداوند در روزی را نشناخته اند، برداشت یاد شده به دست می آید زیرا سرزنش از انجام ندادن کاری، نشان دهنده آن است که آن کار برای انسان مقدر و میسر است.

شناخت راههای نجات از پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تعادل قوا در ساختار روح انسان ، آماده سازنده آن برای آگاهی فطری به پلیدی ها و شناخت راه گریز از آنها است .

و ما سَوِيها. فَأَلْهَمها فجورها و تقویها

حرف <فاء> در <فألهمها> آن را بر تسویه (در آیه قبل) تفریع کرده است، تا بیانگر این باشد که خداوند، در ابتدا روح انسان را از قدرت های هماهنگ برخوردار کرده؛ آن گاه بدی ها و راه محفوظ ماندن از

آنها را به او الهام می کند. <تقوی> اسم مصدر است. فعل <اتَّقیت>؛ یعنی، برحذر ماندم و خود را دور نگه داشتم (قاموس). بنابراین <تقواها>؛ یعنی، دور ماندن روح از فجور.

شناخت ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۷

۷ - شناخت مظاهر طبیعت و اندیشه در آن، از راه های شناخت خداوند و ربوبیت و تدبیر او بر هستی است.

الذی جعل لکم الأرض... لأولی النهی... تاره أُخری

مجموعه این آیات برای معرفی <ربِّ> است. طریقه ای که قرآن در این آیات ارائه نموده، توجه دادن انسان به مظاهر طبیعت و تعقل در آن، برای شناخت خداوند و ربوبیت حاکم او بر صحنه هستی است.

شناخت رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۱۲، ۱۰

۱۰ اطاعت از خداوند و شناخت امام (ع)، حکمت است.

و من یؤت الحکمه فقد اوتی خیراً کثیراً

امام صادق (ع): <و من یؤت الحکمه...> طاعه الله و معرفه الامام

کافی، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۱۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۱۱۳۰.

۱۲ شناخت امام و پرهیز از گناهان کبیره، حکمت است.

و من یؤت الحکمه

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: معرفه الامام و اجتناب الكبائر الّتی اوجب الله علیها النار

کافی، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۲۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۱۱۳۱.

شناخت سنتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - جامعه

شناسی ، باستان شناسی و تاریخ ، زمینه ساز شناخت سنت های الهی و ره یابی به واقعیت پیام وحی

و کم أهلكنا قبلهم من قرن هم أشد منهم بطشاً .. هل من محيص

شناخت شهودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱۵

۱۵ - علم شهودی به خداوند ، استوارترین راه برای شناخت او است .

أولم يكف برّبك أنّه على كلّ شيء شهيد

بنابراین که <شهید> به معنای مشهود باشد، مطلب بالا به دست می آید.

شناخت صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۵

۵ - میسر بودن شناخت صفات و افعال خداوند (چون رازقیت او) برای انسان ها

أولم يعلموا أنّ الله ييسط الرزق لمن يشاء و يقدر

از سرزنش شدن کسانی که مشیت خداوند در روزی را نشناخته اند، برداشت یاد شده به دست می آید زیرا سرزنش از انجام ندادن کاری، نشان دهنده آن است که آن کار برای انسان مقذور و میسر است.

شناخت عقلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ عقل از ابزار شناخت و تعقل بهترین راه جهت رسیدن به واقعیات

لم تحاجون .. افلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۱۱

۱۱ عقل و حسّ از ابزارهای شناخت حقایق

و يتفكّرون في خلق السموات و الارض

چون آفرینش آسمانها و زمین را می بینند (احساس می کنند) و در آن می اندیشند (تعقل می

کنند) و آنگاه به نتیجه می رسند (ما خلقت هذا باطلا)، بنابراین آیه شریفه، حس و عقل را از ابزار شناخت معرفی کرده است.

شناخت عوامل انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه ، در جهت دهی صحیح به حرکت های اجتماعی ، نقش مؤثر دارد .

فنجینه .. و جعلنهم خائف و أغرقنا الذین کذبوا بآیتنا فانظر کیف کان عقبه المنذر

شناخت عوامل رشد جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه ، در جهت دهی صحیح به حرکت های اجتماعی ، نقش مؤثر دارد .

فنجینه .. و جعلنهم خائف و أغرقنا الذین کذبوا بآیتنا فانظر کیف کان عقبه المنذر

شناخت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۲

۲ - شناخت ابعاد قیامت و حقیقت حوادث کوبنده آن ، برای همگان امکان پذیر نیست .

و ما أدریک ما القارعه

شناخت مدبر آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۷

۷ - شناخت مظاهر طبیعت و اندیشه در آن ، از راه های شناخت خداوند و ربوبیت و تدبیر او بر هستی است .

الذی جعل لکم الأرض . . . لأولی النهی ... تاره أخرى

مجموعه این آیات برای معرفی <ربّ> است. طریقه ای که قرآن در این آیات ارائه نموده، توجه دادن انسان به مظاهر طبیعت

و تعقل در آن، برای شناخت خداوند و ربوبیت حاکم او بر صحنه هستی است.

شناخت مراحل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۵ - ۲

۲ - شناخت مراحل آغازین خلقت انسان، زمینه ساز پی بردن به تحت مراقبت بودن وی و مایه شناخت قدرت خداوند بر ثبت کردار او است.

علیها حافظ . فلینظر الإنسن مم خلق

ارتباط دو آیه، با توجه به حرف <فاء> در <فلینظر>، بیانگر برداشت یاد شده است.

شناخت موجودات آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۱ - ۶

۶ پدیده های جهان هستی، قابل شناخت و تفسیر برای بشر

قل انظروا ماذا فی السموت و الأرض و ما تغنی الأیت

شناخت نعمتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۸

۸- ناتوانی انسان از شناخت همه نعمت های الهی

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها

ناتوانی انسان از شمارش نعمتهای الهی ممکن است به این دلیل باشد که او از شناخت بسیاری از نعمتهای الهی عاجز است، تا چه رسد به شمارش همه آنها.

شناخت ویژگیهای معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۷

۷ - لزوم شناخت ویژگی های معاد و غافل نبودن از خطر های آن

أفلا یعلم

استفهام در آیه شریفه، <انکار تعجبی> است و بر اظهار شگفتی از جهل انسان، دلالت دارد.

شناخت یکدیگر در محشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۵ - ۲

حشر مردم در قیامت به گونه ای است که به خوبی یکدیگر را می شناسند .

و یوم یحشرهم ... یتعارفون بینهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یتعارفون بینهم> حال از ضمیر <هم> در <یحشرهم> باشد.

ظن در شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۹

۹ - حدس و گمان در شناخت محتوای کتاب های آسمانی ، طریقی است نادرست و بی اعتبار .

لا یعلمون الکتب إلا امانی و ان هم إلا یظنون

عجز از شناخت ذات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۱ - ۹

۹ - ذات خداوند ، حیرت افزا و غیر قابل شناخت است .

الله

<اَلله> یعنی، متحیر ماند. برخی اهل لغت در کلمه <الله>، این معنا را مقصود می دانند. (مفردات)

عوامل شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۵

۵ تأثیر محیط اجتماعی و فرهنگی در موضع گیری انسان ها نسبت به حقایق و معارف ادیان الهی

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ حق شنوی و خردورزی ، دو عنصر تعیین کننده و اساسی برای شناخت حق و پیمودن راه آن

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ

از این که خداوند برای هواپرستان، دو صفتی را ذکر می کند که آنان فاقد آن دو بودند، حکایت از آن دارد که آن دو، نقش تعیین کننده در شناخت و پذیرش راه پیامبر(ص) و تعالیم قرآن داشته است.

عوامل شناخت علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أنتکم لتکفرون بالذی خلق .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

عوامل شناخت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أنتکم لتکفرون بالذی خلق .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

عوامل مؤثر در شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۹

۹ - امیال و خواسته های انسان ، در تشخیص درستی و نادرستی واقعیت ها تأثیر دارد .

کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئاً

برداشت فوق از آن جا استفاده شده است که انسان تشنه، برای سیراب شدن که از خواسته های او است دچار خطا شده و به جای رفتن به طرف آب واقعی، به سوی سراب حرکت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - تأثیر خصلت های درونی و روحیات انسان ، در دیدگاه و شناخت وی

كذلك زين لفرعون سوء عمله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جايه - ۴۵ - ۸ - ۹

۹ - خصلت هاي روجي انسان ، داراي تأثير عميق بر شناخت هاي وي *

مستكبرًا كأن

لم یسمعها

تعبیر <مستکبراً>، در صورتی که مشعر به علیت باشد، می فهماند که <کبر> به عنوان یک روحیه و خصلت بر دریافت های معرفتی و حسی انسان تأثیر می گذارد و چه بسا آن را خنثی می کند (کأن لم یسمعها).

مراتب شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۱۵

۱۵ درجات معرفت، ایمان و تقوا، مؤثر در انگیزه و نحوه نیایش به درگاه الهی و درخواست از او

هل یستطیع ربک . . . و ءایه منک و ارزقنا

مقایسه سخنان مؤدبانه عیسی(ع) با سخنان ناشایست حواریون در تقاضای مائده، رسای به این است که انگیزه آدمی و نحوه نیایش وی به درگاه خدا برخاسته از درجات ایمان و معرفت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۵ - ۵

۵ رسیدن به یقین، مرتبه ای بلند برای انسان و قله ای برای معرفت و شناخت

و کذلک نری . . . و لیکون من الموقنین

مطرح ساختن <یقین>، به عنوان اصلیتترین هدف <ارائه ملکوت>، گویای عظمت یقین و اهل آن و همچنین نقطه نهایی در مقوله شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۹ - ۶

۶- یقین، نشان دهنده عالی ترین مراتب ایمان و معرفت

و اعبد ربک حتی یأتیک الیقین

از اینکه به پیامبر(ص) که مظهر ایمان است توصیه شد که برای نیل به یقین، عبادت نماید، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۳

۹- مراتب گوناگون شناخت ، ابزار مناسب خود را می طلبد .

الزرع و الزيتون .. لقوم يتفكرون ... الليل و النهار ... لقوم يعقلون . و ما ذرأ

ملاکهای شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۶

۶- قرآن ، معیار شناخت حق و باطل در معارف الهی

فلما جاءهم الحقّ

توصیف قرآن به <حق> می تواند به این خاطر باشد که بشر در شناخت حقایق و معارف الهی (هم چون مبدأ و معاد) دچار خطا نشود و معیاری صحیح در شناخت آنها داشته باشد.

منابع شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۶

۶ تاریخ ، از منابع شناخت سنت های الهی

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یاتکم مثل الذین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۱۲

۱۲ آگاهی ساختن انسان ها از تاریخ گذشتگان ، تفضّل خداوند بر آنان

الم تر الى الذین .. ان الله لذو فضل علی الناس

<انّ الله> می تواند تعلیل برای نقل داستان و تاریخ باشد که در آیه بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۲،۴

۲ وحی ، راهی برای دریافت گزارشات غیبی و تاریخ پیشینیان ، برای پیامبر (ص)

ذلك من انباء الغيب نوحیه اليك

۴ وحی ، بیانگر حقایق تاریخی پوشیده بر انسان

ذلك من انباء الغيب نوحیه اليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران -

۲ علم و آگاهی پیامبر (ص) به حقیقت داستان عیسی (ع) و مریم (س) پس از بیان سرگذشت آنان از طریق وحی

فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۱۱، ۱۰

۱۰ جهانگردی و کاوش در حوادث و تحولات اجتماعی تاریخی، راهی برای شناخت سنت های الهی

فسيروا في الارض فانظروا كيف كان عاقبه المكذبين

۱۱ زمین و آثار گذشتگان، منبعی برای شناخت و عبرت آموزی

فسيروا في الارض فانظروا كيف كان عاقبه المكذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۱

۱۱ تعالیم آسمانی، منبعی برای شناخت خیر و شر

ولا يحسبنّ .. هو خيراً لهم بل هو شرّ لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۵

۱۵ تاریخ هر امت، منبعی برای شناخت روحیه و خصلت های آنان و تعیین خط مشی آینده شان

قد جاءكم .. فلم قتلتموهم

خداوند با خصلتها و سوابق تاریخی یهود، علیه یهودیان زمان پیامبر (ص) استدلال می کند و مشی آینده آنان را گوشزد می نماید. این استدلال، بر اساس این است که تاریخ و سابقه هر امت نشان دهنده آینده آن و نیز منبعی برای شناخت روحیات حاکم بر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۹۰ - ۵

۵ آفرینش و پدیده های

آن ، از منابع و زمینه های شناخت خداوند و صفات او

انّ فی خلق السّموات و الارض و اختلاف الّیل و النّهار لآیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۱۰

۱۰ کیفیت آفرینش آسمان ها و زمین ، از منابع شناخت

و یتفکرون فی خلق السّموات و الارض

<خلق> به معنای آفریدن و ایجاد کردن است / ولی ظاهراً در آیه شریفه، مراد از آن چگونگی وجود آسمانها و زمین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۹

۹ تاریخ منبعی باارزش برای شناخت حوادث و عبرت گرفتن

و لقد کذبت رسل من قبلک فصبروا .. حتی أتهم نصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ بررسی و تأمل در مورد گرایشها و انگیزه های فطری آدمی، منبعی برای شناخت

من ینجیکم .. تدعونہ تضرعا و خفیه لئن أنجنا من هذہ لنکونن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۰ - ۶

۶ قرآن ، منبعی برای آشنایی به تاریخ بشر و فرجام پیشینیان

ذلک من أنباء القرى نقصه علیک منها قائم و حصید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ تاریخ و حوادث آن ، منبعی برای درس آموزی ، پندگیری و شناخت حقایق

و جاءك في هذه الحق و موعظه و ذكرى للمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ قرآن ، منبعی برای آگاهی به تاریخ و سرگذشت پیشینیان

و إن كنت من قبله لمن الغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۸

۸ طرح پرسش و آن گاه مراجعه به قرآن برای پاسخ یابی ، توصیه خداوند به انسانها

لقد كان في يوسف و إخوته آيات للسائلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۴

۴ قرآن منبعی برای آشنایی به تاریخ بشر و شناخت رویداد های مهم تاریخی و حوادث مخفی مانده برای بشر

ذلك من أنباء الغیب نوحیه إليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۹

۹ تفکر ، ابزاری برای شناخت خداوند و پدیده های هستی منبع شناخت اوست .

هو الذی مدّ الأرض . . . إن فی ذلك لآیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۱۰

۱۰ عقل ابزاری برای شناخت ربوبیت خدا و پدیده های طبیعی ، منبعی برای شناخت اوست .

إن فی ذلك لآیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ قرآن حکم و قانون الهی و منبع شناخت حقایق و معارف دینی است .

و كذلك أنزلنه حکمًا

حکم کردن به چیزی آن است که داوری کنی و اعلام داری که آن چیز این گونه است و یا این گونه نیست (مفردات راغب).
بر این اساس <قرآن حکم است> ؛ یعنی، داوری می کند و بیان می کند که چه

چیز چگونه است و یا چگونه نیست و این معنا شامل همه قوانین، حقایق و معارفی می شود که خداوند اثباتاً و یا نفیاً در قرآن بیان کرده است و درباره آن قضاوتی دارد؛ مانند اینکه خداوند شریکی ندارد، قیامت حق است و یا روزه بر شما واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۴، ۱۵

۱۴- پیامبر (ص) و رهبران الهی، در شناخت حقایق تاریخی و معرفتی، نباید به راهی جز وحی الهی، اعتماد کنند.

واتل ما أحي إلیک .. و لن تجد من دونه ملتحداً

۱۵- توجیه ناپذیری و نادرستی اعتماد بر غیر خدا برای شناخت حقایق، مقتضی روی آوردن به تلاوت وحی الهی و پیروی از آن است.

واتل ما أحي إلیک .. و لن تجد من دونه ملتحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۱۳

۱۳- تاریخ جوامع و امت ها، منبعی برای شناخت و عبرت است.

و کم أهلكنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۶

۶- بررسی تاریخ و پیدایش و زوال تمدن ها، منبعی برای شناخت و عبرت آموزی و درک حقایق قرآن

فإنما یسرنه .. لتندر به ... و کم أهلكنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۴

۴- وحی، منبع اصلی معرفت دینی و شناخت تعالیم الهی است.

قل إنما أنذركم بالوحي

برداشت یاد

شده به خاطر این نکته است که پیامبر(ص) مأمور بود تنها بر اساس وحی الهی، به انذار مردم بپردازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۰ - ۵

۵ - تاریخ، منبعی برای درس آموزی و عبرت گیری

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۳

۳ - تاریخ، منبعی برای درس آموختن و عبرت گرفتن

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۳

۳ - تاریخ، منبعی برای درس آموختن و عبرت گرفتن

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۷

۷ - تاریخ، منبعی برای درس آموختن و عبرت گرفتن

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۵

۵ - تاریخ، منبعی برای درس آموختن و عبرت گرفتن

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۳

۳ - تاریخ ، منبعی برای درس آموختن و عبرت گرفتن

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۳

۳ - تاریخ ، منبعی برای درس آموختن و عبرت گرفتن

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۱۲

۱۲ - آسمان ها

و زمین و موجودات عالم ، از منابع شناخت اند .

أَوَّلَم يَتَفَكَّرُوا .. ما خلق الله السموت و الأرض و ما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۵

۵ - تاریخ ، از منابع شناخت است .

أَوَّلَم يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۲ - ۸

۸ - تاریخ ، از منابع شناخت است .

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۷

۷ - تاریخ ، از منابع شناخت

أَوَّلَم يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قَوًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۸ - ۷

۷ - تاریخ و آثار باقی مانده از اقوام و ملل پیشین ، درس آموز و بستری برای شناخت حقایق

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخِرِينَ . وَ إِنَّكُمْ لَتَمْرُون عَلَيْهِمْ ... أَفَلَا تَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۳

۳- تاریخ ، از منابع معرفت و شناخت حقایق

أولم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين كانوا من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۴

۴ - نیاز بشر ، به وحی و دین الهی در شناخت حق و راه درست

فلما جاءهم بالحق من عندنا

برداشت یاد شده از آمدن قید <عندنا> برای <حق> به دست می آید.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۲ - ۳

۳ - تاریخ ، از منابع معرفت و شناخت حقایق

أفلم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۶

۱۶ - مطالعه کتاب آفرینش ، از راه های خدا شناسی است .

قل أتئنكم لتكفرون بالذي خلق .. ذلك تقدير العزيز العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۹

۹ - تاریخ ، منبع شناخت سنت های الهی در جوامع انسانی است .

و کم أرسلنا .. فأهلكنا أشد منهم بطشاً

اشاره به سرگذشت پیامبران و سرنوشت مخالفان آنان، می تواند بیانگر این نکته باشد که نگرش در تاریخ، خود راهی برای شناخت سنت های الهی در جوامع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۶ - ۴

۴ - تاریخ ، راهنمای آدمی به سنت های تخلف ناپذیر الهی است .

فجعلنهم سلفاً و مثلاً للأخیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - خردورزی ، زمینه دستیابی انسان به جهان بینی الهی و فهم و شناخت نشانه های خداوند در پهنه گیتی

آیت لقوم یعقلون

۱۱ - لزوم به کارگیری اندیشه و فکر ، در شناخت اسرار طبیعت برای ره یابی به آیات الهی

آیت لقوم یعقلون

تعبیر <لقوم یعقلون> تشویق ضمنی به تعقل و اندیشه برای شناخت آیات تکوینی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳ - ۱۱

۱۱ - طبیعت و جهان آفرینش ، بستر خداشناسی

الذی خلق سبع سموت .. هل تری من فطور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۴ - ۴

۴ - طبیعت ، بستر خداشناسی

خلق سبع سموت .. ثم ارجع البصر کزّین ... و هو حسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۵

۵ - لزوم شناخت دین و آشنایی با تعالیم پیامبران ، از راه شنیدن صحیح و اندیشه و تعقل

و قالوا لو کنا نسمع أو نعقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۹ - ۹

۹ - طبیعت ، بستر خداشناسی است .

أولم یروا إلى الطیر .. ما یمسکهن إلا الرحمن إنه بکلّ شیء بصیر

موانع استفاده از ابزار شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - روحیه حق ناپذیری ، مانع بهره‌وری صحیح انسان از ابزار شناخت

فما أغنى عنهم سمعهم .. إذ كانوا يجحدون بآيت الله

<إذ..> در عین حالی که ظرف <ما أغنى...> است، بیانگر علت نیز هست و تعبیر <كانوا يجحدون> رساننده استمرار است که در پرتو آن، افعال تبدیل به خصلت و روحیه می شود.

موانع شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۴

۴ - مؤثر نبودن انذار های پیامبر (ص) در کافران منکر قرآن ، ناشی از مسدود بودن ابزار درک و فهم ایشان

است .

سواء عليهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون. ختم الله على قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۴

۴ - قلب های بنی اسرائیل با سخت شدن ، از تراوش کمترین معرفتی ناتوان شد .

ثم قست قلوبكم .. فهی كالحجاره أو أشد قسوه و إن من الحجاره

به مقتضای ارتباط <ثم قست ..> با جمله <یریکم آیاته لعلکم تعقلون> سختی دل به نپذیرفتن معارف القاشده به آن، تفسیر شد و به مقتضای جمله <إن من الحجاره...> سختی دل به تراوش نکردن معارف و حقایق تفسیر می شود؛ یعنی، قلب قسی نه از خارج متأثر می شود و نه از درون تراوشی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۰ - ۱۳

۱۳ محدودیت توانایی انسان ، در شناخت حقیقت و مصالح و مفسد امور

خیر لکم ان کنتم تعلمون

جمله شرطیه <ان کنتم تعلمون>، می تواند کنایه از جهل و ناآگاهی انسان به صلاح و فساد خویش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ حسد و تجاوز از حد ، تهدید کننده واقعنگری و روشن بینی عالمان دینی

و ما اختلف الذين اوتوا الكتاب .. بغياً بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ عوامل و اسباب مادی ، حجابی برای شناخت نفوذ مشیت مطلق الهی *

انّى يكون لى غلام . . . كذلك الله يفعل ما يشاء

چون خداوند امور هستى را معمولاً از

راه عوامل طبیعی انجام می دهد، این پندار حاصل می شود که مشیت الهی تنها از این راه عملی است؛ به نظر می رسد >اللّه یفعل ما یشاء< پس از >قد بلغنی الکبر<، اشاره به این معنا باشد که چرا همه امور را وابسته به عوامل طبیعی می دانید، در حالی که مشیت خداوند، مطلق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۴

۴ کفر، مانع انسان از شناخت نفع و ضرر حقیقی خود

و لا یحسبنّ الذین کفروا أنّما نملى لهم خیر لانفسهم

>الذین کفروا<، اشاره به علّیت چنین پنداری است؛ یعنی چون کافرند، این گونه می پندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۸

۱۸ لجاجت و ناباوری، عامل بسته شدن قلب انسان، بر شناخت معارف الهی و تأثیرپذیری از هدایتهاست.

قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۴

۴ محرومیت مشرکان حق ناپذیر از فهم حقایق و معارف الهی نتیجه عملکرد خود آنهاست.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

توصیف مشرکان به >فی ءاذانهم وقرا و إن یروا .. یجادلونک ... < گویای نقش و تأثیر این عوامل در مهر خوردن به دلهای آنان است. چنانکه موصول >یقول الذین کفروا< به جای ضمیر برای اشاره به همین جهت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۴

۴ محرومیت تکذیب

کنندگان آیات الهی از راههای تحصیل معرفت و شناخت

و الذین کذبوا بآیتنا صم و بکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۲

۲ قلب و ادراک انسان در نتیجه کفر و لجاجت مسخ می گردد.

لئن جاءتهم آیه... لا يؤمنون. و نقلب أفئدتهم و أبصرهم

<فؤاد> به معنی قلب است و وارونه ساختن معنی فیزیکی ندارد، بلکه منقلب شدن خصوصیات و واژگون شدن آن است. لذا می توان از آن به مسخ تعبیر کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۱،۶،۷

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و توان درک معارف دینی از آنان سلب شد.

أو لم یهد للذین یرثون... أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

۶ گنهکاران و کفرپیشگان، در خطر از دست دادن نیروی فهم و درک معارف دینی

أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جمله <نطبع علی قلوبهم> عطف بر جمله <أصبئهم> است و فعل ماضی <اصبنا> به معنای مضارع می باشد. قابل ذکر است که حرف <لو> در این آیه بیانگر وقوع جزا برای شرط در آینده است، نه گذشته.

۷ مهر شدن قلب ها و از دست دادن توان درک معارف دین، از کیفرهای الهی است.

و نطبع علی قلوبهم فهم لا یسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ خداوند قلب های کفرپیشگان و تکذیب کنندگان انبیا را از دریافت

حقایق دین و معارف الهی محروم می سازد .

كذلك يطبع الله على قلوب الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۹

۹ مهر شدن قلب انسان در نتیجه گناه و تخلف از جهاد ، مایه ناتوان شدن وی از شناخت صحیح حقایق

و طبع الله على قلوبهم فهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۹

۹- ابلیس ، مانع واقع بینی انسان ها در شناخت صحیح بدی ها و خوبیها

لأزینن لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۹

۹- شناخت حق و حقیقت ، با مانعهایی بس پیچیده و نامرئی مواجه است .

و إذا قرأت القرآن .. حجاباً مستوراً

<حجاباً> بیانی است از موانع شناخت و <مستوراً> نشان پیچیدگی و نامرئی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۵ - ۱۰

۱۰- غرور و استکبار ، زمینه ساز انحراف در بینش و از موانع شناخت است .

أنا أكثر منك مالا .. قال ما أظن أن تبيد هذه أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۱۳

۱۳ - تعصب و تقلید کورکورانه از نیاکان و فرهنگ ملی ، مانع از شناخت درست حقایق و ره یابی به آن

ما سمعنا بهذا فیء ابائنا الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۴ - ۵

۵ - پابندی مطلق و بی دلیل به سنت

های ملی و قومی ، مایه تخدیر جامعه و سدّ راه خردورزی و مانع شناخت

قالوا بل وجدنا آباءنا كذلك يفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۷

۷ - روحیه عناد و حق ناپذیری ، مانع از درک صحیح حقایق و تصمیم گیری به موقع

فَعَقَرُوهَا فَاصْبِحُوا نَدَمِينَ

ثمودیان تا قبل از کشتن ناقه، به امکان نزول عذاب نیندیشیدند؛ چرا که کفر و عنادشان مانع از درک این حقیقت بود؛ ولی به مجرد کشتن ناقه و مشاهده نشانه های عذاب، آثار پشیمانی آنان را فرا گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۵

۵ - مصمم بودن بر حق ناپذیری ، مانع از شناخت حق با همه روشنی آن

إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ... وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدَّعَا إِذَا وَلَّوْا مَدْبِرِينَ

قید <إِذَا وَلَّوْا مَدْبِرِينَ> بیانگر روحیه عناد و حق ستیزی است؛ یعنی، آن جا که عناد ریشه بدواند، سخن حق بی تأثیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - بیمار دلی و نفاق ، از موانع شناخت و حق پذیری

و ليقول الذين في قلوبهم مرض .. ماذا أراد الله بهذا مثلاً

موانع شناخت آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۳

۳- روحیه ناباوری و سطحی نگری ، مانع رهجویی انسان به شناخت آیات الهی

ءایت للموقنین . . أفلاتبصرون

تصریح به <موقنین> و تویخ کافران با عبارت <أفلاتبصرون>، می رساند که مشکل اصلی آنان که آیات الهی

را در زمین و وجود انسان، نمی بینند و یا پیام آن را درک نمی کنند سست اندیشی، ناباوری و سطحی نگری است.

موانع شناخت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۸

۸- همسان بودن انبیا با سایر مردم ، مانع شناخت ارزش ها و توانایی های ویژه آنان

و ما منع الناس .. إلا أن قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

از اینکه مشرکان نبوت بشر را امری ناشدنی می دانستند، می تواند از این جهت باشد که آنان، پیامبران را افرادی چون خود تلقی می کردند و آنان را همچون خود، ضعیف و ناتوان می شمردند.

مؤمنان و شناخت آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۶

۶ مؤمنان راستین ، سیرکنندگان در زمین برای شناخت نشانه های خدا و تعقل در آنها

السَّحُونَ

<سیح و سیاحت> (مصدر السائحون) به معنای سیر و سفر کردن است و توصیف مؤمنان به سائحون می تواند ناظر به مطلب فوق باشد.

مهمترین ابزار شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ - گوش ، چشم و قلب از مهم ترین ابزار شناخت و ادراک در انسان

و أضلّه الله على علم وختم على سمعه و قلبه و جعل على بصره غشوه

نعمت شناخت بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۶

۶ - شناخت راه های نیک و بد ، نعمتی الهی و غفلت از آن ، شگفت آور و

ملامت بار است .

ألم نجعل ... و هدينه النجدین

نعمت شناخت نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۶

۶ - شناخت راه های نیک و بد ، نعمتی الهی و غفلت از آن ، شگفت آور و ملامت بار است .

ألم نجعل ... و هدينه النجدین

نقش ابزار شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۸

۸- ابزار حسی و ادراکی شناخت ، مکمل یکدیگر

و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفنده

قرین آمدن شنوایی، بینایی و نیروی ادراک، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۱ - ۳

۳- انسان ، به دلیل برخورداری از ابزار های شناخت (توانایی بر دیدن و گفتن و نیز تشخیص راه خیر و شر) توانا بر پذیرش تکالیف دشوار و برداشتن گام های سنگین در راه خیر

ألم نجعل ... فلاقتحم العقبه

وابستگی ابزار شناخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - وابستگی ابزار درک و شناخت به خداوند ، دلیل آگاهی او از انفاق ها و اهداف مدعیان انفاق است .

يقول أهلكت مالا .. ألم نجعل له عينين

هجرت برای شناخت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۳

۳ لزوم هجرت گروهی از هر جامعه ، به سوی مراکز علمی ، برای کسب شناخت اسلام و تفقه در دین

فلولا نفر

من کل فرقه منهم طائفه ليتفقوها في الدين

شنبه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شنبه

تعطیلی شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - کار و فعالیت در روز شنبه برای بنی اسرائیل حرام بود .

و لقد علمتم الذين اعتدوا منكم في السبت

<سبت> به معنای قطع عمل، سکون و استراحت است که از آن به تعطیلی تعبیر می کنیم. <اعتداء> (مصدر اعتدوا) به معنای تجاوز و تخلف می باشد.

۲ - گروهی از بنی اسرائیل حکم خداوند را پاس نداشتند و تعطیلی روز شنبه را شکستند .

و لقد علمتم الذين اعتدوا منكم في السبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۹،۱۲

۹ خداوند ، روز شنبه را به عنوان روز تعطیل رسمی یهودیان اعلام کرد .

و قلنا لهم لا تعدوا في السبت

چون نهی از تجاوز به روز شنبه اختصاص داده شده است و <سبت> در لغت به معنای تعطیلی و دست از کار کشیدن است، معلوم می شود مراد از تجاوز در روز شنبه این است که تعطیلی را بشکنند و رعایت نکنند، بنابراین جمله <لا تعدوا في السبت> می رساند که تعطیلی روز شنبه فرمانی از جانب خدا برای بنی اسرائیل بوده است.

۱۲ ورود خاضعانه به بیت المقدس و رعایت قانون تعطیلی روز شنبه ، از جمله پیمان های خداوند با یهود

و قلنا لهم ادخلوا .. و أخذنا منهم ميثقاً غليظاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۱،۲،۶

۱ خداوند کار و فعالیت در روز شنبه را برای یهود تحریم

کرده بود .

إذ يعدون في السبت . . . و يوم لا يسبتون

<سبت> به معنای قطع عمل، سکون و استراحت است که از آن به تعطیلی تعبیر می شود. بنابراین <يوم السبت> یعنی روز تعطیلی و استراحت و <يوم لا يسبتون> یعنی روزی که تعطیل نمی کردند و روز کاری بود. <عدوان> (مصدر يعدون) به معنی تخلف و تجاوز است. تجاوز در روز تعطیل به معنای شکستن تعطیلی است. بنابراین مطلق کار در آن روز حرام بوده و ماهیگیری به عنوان یک مصداق تحقق یافته حرمت مطرح است.

۲ یهودیان ساکن در آبادی ایله واقع در ساحل دریای سرخ ، حکم تعطیلی روز شنبه را با ماهیگیری در آن روز نقص می کردند .

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر إذ يعدون . . . إذ تأتيهم حيتانهم

<ال> در <البحر> عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از <القرية>، بنابر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام و مصر) می باشد.

۶ ماهیان در روز شنبه (روز تعطیلی کار در آیین یهود) به ساحل دریای مجاور ایله هجوم می آوردند و بر سطح آب آشکار می گشتند .

إذ تأتيهم حيتانهم يوم سبتهم شرعاً

<شرع> جمع شارع است. در لسان العرب آمده است: <حيتان شرع> یعنی ماهیانی که از عمق آب به سوی ساحل می آیند. برخی از اهل لغت گفته اند که <حيتان شرع> یعنی ماهیانی که سر از آب بیرون می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۷

۷ شکستن حرمت تعطیلی

روز شنبه گناهی بزرگ در آیین یهود و در پی دارنده عذاب شدید

اللّٰه مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

شدت عذاب، حکایت از بزرگی گناه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۱

۱- تعیین روز شنبه به عنوان روز تعطیلی ، تکلیفی مختص یهود

إنما جعل السبت على الذين اختلفوا فيه

<سبت> از نظر ریشه لغوی به معنای <قطع> است و مقصود از آن در این آیه، تعطیلی روز شنبه برای یهود است؛ چون در روز تعطیلی تمامی کارها و تلاشها قطع می شود.

حرمت کار در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۱

۱ - کار و فعالیت در روز شنبه برای بنی اسرائیل حرام بود .

و لقد علمتم الذين اعتدوا منكم في السبت

<سبت> به معنای قطع عمل، سکون و استراحت است که از آن به تعطیلی تعبیر می کنیم. <اعتداء> (مصدر اعتدوا) به معنای تجاوز و تخلف می باشد.

روزه در پنج شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۲۲

۲۲ - > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل : > توبوا إلى الله توبه نصوحاً > قال : هو صوم > يوم الأربعاء < و > يوم الخميس < و > يوم الجمعة < ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجلّ <توبوا إلى الله توبه نصوحاً> روایت شده که توبه نصوح، روزه گرفتن در روزهای چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه است. شاید مراد این باشد که روزه در این ایام، مانند توبه نصوح

موجب آرمزش گناهان است و شاید مقصود این باشد که از شرایط توبه نصح، روزه گرفتن در این ایام است.

شنبه در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۱،۳

۱ - کار و فعالیت در روز شنبه برای بنی اسرائیل حرام بود .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

<سبت> به معنای قطع عمل، سکون و استراحت است که از آن به تعطیلی تعبیر می کنیم. <اعتداء> (مصدر اعتدوا) به معنای تجاوز و تخلف می باشد.

۳ - خداوند ، اصحاب سبت (تجاوزکاران یهود در روز شنبه) را به بوزینه هایی مطرود تبدیل کرد .

فقلنا لهم کونوا قرده خسین

<قِرْدَ (مفرد قِرْدَة) به معنای میمون است. <خاسی> به معنای مطرود و نیز به معنای حقیر و ذلیل می باشد و کلمه <خاسین> خبر دوم برای <کونوا> است.

شنبه در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱۰،۱۲،۹

۹ خداوند ، روز شنبه را به عنوان روز تعطیل رسمی یهودیان اعلام کرد .

و قلنا لهم لاتعدوا فی السبت

چون نهی از تجاوز به روز شنبه اختصاص داده شده است و <سبت> در لغت به معنای تعطیلی و دست از کار کشیدن است، معلوم می شود مراد از تجاوز در روز شنبه این است که تعطیلی را بشکنند و رعایت نکنند، بنابراین جمله <لاتعدوا فی السبت> می رساند که تعطیلی روز شنبه فرمانی از جانب خدا برای بنی اسرائیل بوده است.

۱۰ حرمت ماهیگیری در روز شنبه بر یهود و نهی الهی از مخالفت با آن

لهم لاتعدوا في السبت

مقید شدن <لاتعدوا> به <في السبت> حکایت از آن دارد که روز شنبه دارای حکمی خاص برای یهودیان بوده است که با توجه به دیگر آیات می توان گفت مراد از آن حکم، حرمت ماهیگیری است.

۱۲ ورود خاضعانه به بیت المقدس و رعایت قانون تعطیلی روز شنبه ، از جمله پیمان های خداوند با یهود

و قلنا لهم ادخلوا .. و أخذنا منهم ميثقاً غليظاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۱۰، ۹، ۶، ۲، ۱

۱ خداوند کار و فعالیت در روز شنبه را برای یهود تحریم کرده بود .

إذ يعدون في السبت .. و يوم لا يسبتون

<سبت> به معنای قطع عمل، سکون و استراحت است که از آن به تعطیلی تعبیر می شود. بنابراین <يوم السبت> یعنی روز تعطیلی و استراحت و <يوم لا يسبتون> یعنی روزی که تعطیل نمی کردند و روز کاری بود. <عدوان> (مصدر يعدون) به معنی تخلف و تجاوز است. تجاوز در روز تعطیل به معنای شکستن تعطیلی است. بنابراین مطلق کار در آن روز حرام بوده و ماهیگیری به عنوان یک مصداق تحقق یافته حرمت مطرح است.

۲ یهودیان ساکن در آبادی ایله واقع در ساحل دریای سرخ ، حکم تعطیلی روز شنبه را با ماهیگیری در آن روز نقص می کردند .

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر إذ يعدون .. إذ تأتيهم حيتانهم

<ال> در <البحر> عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از <القرية>، بنابر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام

و مصر) می باشد.

۶ ماهیان در روز شنبه (روز تعطیلی کار در آیین یهود) به ساحل دریای مجاور ایله هجوم می آوردند و بر سطح آب آشکار می گشتند.

إذ تأتیهم حیتانهم یوم سبتهم شرعاً

<شرع> جمع شارع است. در لسان العرب آمده است: <حیتان شرع> یعنی ماهیانی که از عمق آب به سوی ساحل می آیند. برخی از اهل لغت گفته اند که <حیتان شرع> یعنی ماهیانی که سر از آب بیرون می کنند.

۹ وفور ماهی در روز شنبه (روز حرمت صید بر یهودیان)، وسیله آزمون مردم ایله از سوی خداوند

كذلك نبلوهم

۱۰ وفور ماهی در روز شنبه و ظهورشان بر سطح آب، محرک یهودیان ایله به تعدی از حکم خدا

إذ یعدون فی السبت إذ تأتیهم حیتانهم یوم سبتهم شرعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۲،۷

۲ اکثریت ساکنان ایله به گناه صید ماهی در روز شنبه آلوده شدند.

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

تعبیر از تجاوزگران با کلمه <قوما> می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۷ شکستن حرمت تعطیلی روز شنبه گناهی بزرگ در آیین یهود و در پی دارنده عذاب شدید

الله مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

شدت عذاب، حکایت از بزرگی گناه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۶

۶ یهودیان متخلف از حکم روز شنبه (حرمت تلاش برای کسب مال و صید ماهی) مردمانی فاسق و ظالم در پیشگاه خداوند

و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس بما كانوا يفسقون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۱،۷

۱- تعیین روز شنبه به عنوان روز تعطیلی ، تکلیفی مختص یهود

إنما جعل السبت على الذين اختلفوا فيه

<سبت> از نظر ریشه لغوی به معنای <قطع> است و مقصود از آن در این آیه، تعطیلی روز شنبه برای یهود است؛ چون در روز تعطیلی تمامی کارها و تلاشها قطع می شود.

۷- اختلاف یهود درباره روز تعطیلی ، اختلافی دامنه دار و بی فرجام

و إن ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به <سبت> برگردد. گفتمی است فعل مضارع <یختلفون> همراه با فعل <كانوا> دلالت بر استمرار و دوام مضمون آن دارد.

صید ماهی در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ - از امام سجاد (ع) روایت شده است : <... أما القرده فكانوا قوماً من بني اسرائيل ... اعتدوا في السبت فصادوا الحيتان فمسخهم الله قرده ...>

... اما بوزینه ها گروهی از بنی اسرائیل بودند ... که در روز شنبه از دستور الهی سرپیچی کرده به صید ماهی پرداختند و خداوند آنان را به صورت بوزینه مسخ کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۲

۲ اکثریت ساکنان ایله به گناه صید ماهی در روز شنبه آلوده شدند .

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

تعبیر از تجاوزگران با کلمه <قوما> می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۲،۶

۲ خداوند یهودیان متمدن در آبادی ایله را پس از مداومت بر صید ماهی در روز شنبه و بی اعتنایی به مواعظ اصلاحگران به عذابی شدید گرفتار ساخت .

فلما نسوا ما ذكروا به .. أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئیس

<بئیس> به معنای شدید است.

۶ یهودیان متخلف از حکم روز شنبه (حرمت تلاش برای کسب مال و صید ماهی) مردمانی فاسق و ظالم در پیشگاه خداوند

و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئیس بما كانوا یفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۱،۳

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قردة حسین

<عتوا> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

۳ خداوند یهودیان ایله را پس از عبرت نگرفتن از عذاب نازل شده بر آنان و اصرارشان بر صید ماهی ، به بوزینه تبدیل کرد .

و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئیس .. فلما عتوا عن ما نهوا عنه

واقع شدن جمله <فلما عتوا> پس از <أخذنا الذين ظلموا ..> ، بیانگر این است که متجاوزان پس از مبتلا شدن به عذاب دنیوی همچنان به صید ماهی در شنبه ادامه می دادند.

عوامل تعطیلی شنبه در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۳

۳- اختلاف یهود در

تعیین روز تعطیلی ، عامل معین شدن روز شنبه برای آنان

إنما جعل السبت علی الذین اختلفوا فیه

برداشت فوق بنابرین نکته است که <جعل السبت> معلول و پیامد <اختلفوا فیه> باشد و ضمیر <فیه> به معنای لغوی سبت که روز تعطیل است باز گردد و نه به معنای اصطلاحی آن که روز شنبه است.

فلسفه تعطیلی شنبه در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۲

۲- قانون تعطیلی روز شنبه حکمی علیه یهودیان ، به جرم اختلافشان درباره دین توحیدی ابراهیم (ع) بود .

إنما جعل السبت علی الذین اختلفوا فیه

آیه شریفه، پاسخی است از این سؤال که: در دین ابراهیم(ع) و ادیان پس از آن حضرت، روز جمعه به عنوان روز تعطیل تعیین شده بود، پس چرا در دین یهود روز شنبه اعلان شد؟ پاسخ این است که: این حکم مختص به یهودیان بود که به جرم اختلافشان در دین ابراهیم(ع) وضع گردید. گفتنی است ضمیر <فیه> به حضرت ابراهیم(ع) با تقدیر مضاف یعنی، ملته باز می گردد.

کیفر صید در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۱

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خستین

<عتو> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

ماهی گیری یهود در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲ یهودیان ساکن در آبادی ایله واقع در ساحل دریای سرخ ، حکم تعطیلی روز شنبه را با ماهیگیری در آن روز نقص می کردند .

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر إذ يعدون .. إذ تأتيهم حيتانهم

<ال> در <البحر> عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از <القرية>، بنابر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام و مصر) می باشد.

۱۴ فسق و تبهکاری دیرینه مردم ایله ، موجب آزمون آنان با فراهم آوردن زمینه ای مساعد (تسهیل ماهیگیری در شنبه و نایاب شدن ماهی در غیر آن روز) برای سرپیچی از حکم تحریم صید

كذلك نبلوهم بما كانوا يفسقون

<كذلك> اشاره است به معنایی که از <إذ تأتيهم حيتانهم .. > به دست می آید.

شنوائی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شنوائی

آثار ایمان به شنوائی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱۱،۲۰

۱۱ - ترس از خداوند ، بازدارنده انسان از سرکشی در برابر او است .

فَأَمَّا مَنْ طَغَى .. وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ

تقابل طغیان گران و خداترسان در فرجام خویش، گویای ناسازگاری خداترسی با طغیان گری است.

۲۰ - < عن أبي عبد الله (ع) ... قال : من علم أنّ الله يراه و يسمع ما يقول و يعلم ما يعمله من خير أو شرّ فيحجزه ذلك عن القبيح من الأعمال فذلك الذي > خاف مقام ربّه و نهى النفس عن الهوى < ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود:

.. کسی که بداند خدا او را می بیند و آنچه را می گوید، می شنود و از آنچه عمل می کند خوب یا بد آگاه است و این دانستن مانع کارهای زشت او گردد؛ این شخص کسی است که از مقام پروردگارش ترسیده و نفس را از هوا بازداشته است.

آثار حق شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۲ - ۲

۲ - داشتن گوش شنوا و دلی حق پذیر، از شرایط و زمینه های درس آموزی و پندگیری

لنجعلها لكم تذكرة و تعيها اذن وعيه

<وعی> (مصدر <تعیها>) و <واعیه> به معنای نگه داری شیء و فهم و پذیرش آن است (لسان العرب). گفتنی است اسناد <وعی> به <اُذن>، اسناد مجازی و مقصود از آن دل و جان حق پذیر است.

آثار ذکر شنوایی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۷

۷ توجه به انحصار عزت برای خداوند و شنوایی و دانایی مطلق او، برطرف کننده اندوه ایجاد شده از جنجال های تبلیغاتی دشمنان است.

و لا یحزنک قولهم إن العزه لله جمیعاً هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۲۱

۲۱ - توجه و اعتقاد به شنوا و دانا بودن خداوند به تمامی گفته ها و رفتار های نهان و آشکار آدمی، بازدارنده وی از ارتکاب فحشا و منکرات و پیروی از شیطان

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ .. فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ..

جمله <و الله>

سمیع علیم < استینافیه تعلیه است و در مقام تعلیل برای جملات پیشین می باشد. بنابراین هشدار خداوند به شنوا و دانا بودن خویش، پس از نهی از پیروی شیطان، می تواند به منظور بازداشتن انسان از گناه و فحشا و تضمین این بازدارندگی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ - توجه و اعتقاد به شنوایی و دانایی خداوند، بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی است .

و القواعد من النساء التي لا يرجون نکاحاً فليس عليهن جناح أن يضعن ثيابهنّ .. و

جمله < و الله سمیع علیم > استینافیه تعلیه و در مقام تهدید زنانی است که احیاناً بخواهند از حکم حجاب و عفاف سرپیچی کنند و یا از موارد استثنا، سوء استفاده کنند. از این رو آمدن چنین جمله ای و یادآوری صفت شنوایی و دانایی خداوند، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱ - ۱۰

۱۰ توجه به شنوایی و آگاهی خداوند، مستلزم رعایت تقوا و سبقت نگرفتن بر حکم خدا و رسول

لا تقدّموا .. و اتقوا الله إنّ الله سمیع علیم

آثار شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۴

۴ بینایی و شنوایی باطنی انسان (توانایی درک و فهم حقایق) گرایش دهنده او به توحید، ایمان به قرآن و انجام اعمال صالح

مثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

آثار شنوایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- شنوایی و بینایی کافران در قیامت ، موجب نجات آنان نمی گردد .

أسمع بهم و أبصر يوم يأتوننا لكن الظلمون اليوم في ضلل مبين

<ال> در <اليوم> چنانچه عهد ذکری باشد، مراد روز قیامت است که در <يوم يأتوننا> مطرح شده است و <لكن> استدراک از توهم نجات است که جمله <أسمع بهم و أبصر> آن را پدید آورده است.

آثار شنوایی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳- خداوند به دلیل مالکیت انحصاری و بینایی و شنوایی ژرف تنها مرجع شایسته ، برای دریافت اطلاعات صحیح در باره حیات انسان های پیشین است .

قل الله أعلم بما لبثوا له غيب .. أبصر به و أسمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۶

۶- شنوایی و بینایی خداوند ، پشتوانه ای اطمینان بخش برای تضمین یاری موسی و هارون (ع) در برابر فرعون بود .

إِنِّي معكما أسمع و أرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۰ - ۳

۳- شنوایی و علم گسترده و بی همتای الهی ، مقتضی توکل کردن بر او در تنگناها

و توكل على العزيز الرحيم .. إنه هو السميع العليم

<إنه هو السميع..> می تواند تعلیل برای امر به توکل باشد؛ یعنی، بر او توکل کن؛ زیرا او شنوای راز و نیازهای شما و دانا به چگونگی برداشتن تنگناها است.

۶- شنوایی و بینایی مطلق خداوند ، دلیل به حق بودن داوری او در میان بندگانش

و الله يقضى بالحقّ .. إنّ الله هو السميع البصير

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله < إنّ الله هو السميع البصير >، در مقام تعلیل برای جمله < والله يقضى بالحقّ > می باشد.

آثار عقیده به شنوایی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۲۱

۲۱- توجه و اعتقاد به شنوا و دانا بودن خداوند به تمامی گفته ها و رفتار های نهان و آشکار آدمی ، بازدارنده وی از ارتکاب فحشا و منکرات و پیروی از شیطان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ .. فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ..

جمله < والله سميع علیم > استینافیه تعلیلیه است و در مقام تعلیل برای جملات پیشین می باشد. بنابراین هشدار خداوند به شنوا و دانا بودن خویش، پس از نهی از پیروی شیطان، می تواند به منظور بازداشتن انسان از گناه و فحشا و تضمین این بازدارندگی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۱۲

۱۲- توجه و اعتقاد به شنوایی و دانایی خداوند ، بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی است .

و القواعد من النساء اللّٰتى لا يرجون نکاحًا فليس عليهن جناح أن يضعن ثيابهنّ .. و

جمله < والله سميع علیم > استینافیه تعلیلیه و در مقام تهدید زنانی است که احياناً بخواهند از حکم حجاب و عفاف سرپیچی کنند و یا از موارد استثنا، سوء استفاده کنند. از این

رو آمدن چنین جمله ای و یادآوری صفت شنوایی و دانایی خداوند، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

ابداع حس شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۲

۲ - دستگاه شنوایی ، بینایی و تعقل انسان ، دستگاهی بدیع و بی مانند در نظام خلقت

و هو الذى أنشأ لكم السمع و الأبصر و الأفئده

<إنشاء> (مصدر <أنشأ>) به ایجاد بدون طرح و الگوی قبلی، گفته می شود.

ارزش شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۱۳، ۱۲

۱۲ شنوایی و دانایی مطلق ، ویژگی معبود شایسته و بایسته پرستش

قل اتعبدون من دون الله . . . و الله هو السميع العليم

۱۳ شنوایی و دانایی مطلق ، شرط توانایی بر سود و زیان رسانی به مردم

ما لا يملك لكم ضرراً و لانفعاً و الله هو السميع العليم

به نظر می رسد جمله <و الله . . .> برهانی است بر دو حقیقتی که در فراز قبل بیان شد، یکی توان خداوند به ضرر و نفع

رسانی و دیگر، ناتوانی غیر خدا بر آن.

اهمیت شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۶، ۷

۶ شنوایی و بینایی ، از مهمترین و کارآمدترین قوای موجود در انسان

أمن يملك السمع والأبصر

گزینش دو قوه <شنوایی> و <بینایی>، از میان دیگر قوا، مفید برداشت فوق است.

۷ شنوایی و بینایی و دیگر حواس، از جلوه های ربوبیت خدا بر انسانها

أمن يملك السمع والأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۴۸

۴- شنوایی ، بینایی و قلب (مرکز ادراک) مهم ترین ابزار شناخت

و الله أخرجكم .. لاتعلمون شيئاً و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

۸- توجه به اهمیت شنوایی ، بینایی و ادراک ، مستلزم سپاسگزاری انسان از خداوند

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده لعلكم تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۰ - ۵

۵- شنوایی ، نعمتی مهم برای انسان ، حتی برای دوزخیان در جهنم

و هم فيها لا یسمعون

از این که در اوصاف دوزخیان این جهت ذکر شده، به دست می آید که شنوایی نعمتی است که خداوند از دوزخیان سلب کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۷

۷- اهمیت ویژه بینایی ، شنوایی و نیروی ادراکی انسان ، در مقایسه با سایر نعمت های الهی

و لقد مکّنتهم .. و جعلنا لهم سمعاً و أبصرًا و أفئده

از اختصاص به ذکر یافتن چشم، گوش و قلب، مطلب بالا استفاده می شود.

ایمان به شنوایی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ ایمان به شنوایی مطلق و علم فراگیر خدا، در پی دارنده توکل آدمی بر او

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

جمله <إِنَّهُ...> تعلیلی است برای لزوم توکل بر خدا

پرسش از شنوایی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۱

۱ - پرسش بیدارگر ابراهیم از قوم بت

پرست خویش درباره شنوایی بت ها

قال هل يسمعونكم إذ تدعون

حس شنوایی و خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۱ - ۵

۵- حسّ شنوایی ، رابطه نزدیکی با خواب انسان دارد . *

فضربنا علی ءاذانهم فی الكهف سنین عددًا

به خواب بردن را با <زدن حجاب و مانع بر گوش ها> بیان کردن که مفاد <ضربنا..> است می رساند که ارتباط تنگاتنگی میان خواب و حسّ شنوایی وجود دارد.

حق شنوایی رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۹

۹- رهبران و داوران جامعه الهی ، باید نصیحت پذیر و حق شنو باشند .

فاحکم بیننا بالحقّ و لاتشطط

دلایل شنوایی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۲

۱۲- مالکیت یگانه خداوند بر هستی ، دلیل آگاهی ژرف او بر تمامی دیدنی ها و شنیدنی ها است .

له غیب السموت و الأرض أبصر به و أسمع

سلب شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۳،۵

۳ توانایی خداوند بر گرفتن قوه شنوایی و بینایی و از کار انداختن قوه درک انسان

إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَرَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ

۵ اگر خداوند نعمت بینایی، شنوایی و ادراکی انسان را سلب کند، معبودهای باطل قدرت بازگرداندن آنها را ندارند.

إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ . . . مِنْ إِلَهٍ غَيْرِ اللَّهِ يَا تَيْمِيمُ بِهِ

شگفتی شنوایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم

۱- کافران در قیامت و به هنگام حضور در پیشگاه خداوند ، شنوایی و بینایی اعجاب برانگیزی برخوردار خواهند بود .

أسمع بهم و أبصر يوم يأتوننا

<أسمع بهم> و <أبصر> صیغه های تعجب هستند، یعنی چقدر شنوا و بینا هستند!؟.

شنوایی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۵

۵ - حواس آدمی (شنوایی ، بینایی و ...) از ابزار درک و شناخت اوست .

صم بکم عمی فهم لا یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۴

۴ - انسان ، برخوردار از قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة

مقصود از <أفئدة> - به قرینه <سمع> و <أبصار> عقول است و استعمال این واژه در معنای یاد شده، در قرآن بسیار شایع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۹

۹ - خداوند ، انسان را شنوا و بینا آفرید .

فجعلنه سمیعًا بصیرًا

شنوایی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۲

۲- جنیان ، قادر به شنیدن و درک کلمات انسان

و إذ صرفنا إليك نفرًا من الجنّ يستمعون القرآن

استماع جنیان نسبت به قرآن، آنگونه که از ظاهر آیه استفاده می شود امری اعجاز گونه نبوده و به شکل طبیعی صورت گرفته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۶

۶ - جن ، دارای شعور و قدرت

شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجنّ فقالوا إنا سمعنا قرءاناً عجباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۷

۷ - جن ، دارای قدرت شنوایی و تشخیص حق از باطل در معارف الهی

و أنا لما سمعنا الهدى ءامنّا به

شنوایی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ - تنها خداوند شنوای دعای بندگان ، اجابت کننده درخواست های ایشان و آگاه به نیاز های آنان است .

ربنا تقبل منا إنك أنت السميع العليم

شنوا بودن خداوند به مناسبت جمله قبل - که حاوی دعا و درخواست است - کنایه از اجابت کردن و برآورده ساختن تقاضاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، اقرار و اعتراف انسان ها را به ارکان ایمان ، می شنود و به اندیشه ها و باور های آنان آگاه است .

فإن ءامنوا .. فقد اهتدوا ... و هو السميع العليم

در برداشت فوق، جمله <و هو السميع العليم> در ارتباط با صدر آیه معنا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۱۷، ۱۵، ۱۳

۱۳ اعتقاد عمیق همسر عمران ، به شنوایی و علم گسترده الهی

رَبِّ .. اَنْتَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۱۵ اقرار به شنوایی و علم گسترده الهی ، ادب دعا

رَبِّ .. اَنْتَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۱۷ احساس حضور در

پیشگاه پروردگار شنوا و دانا، ادب دعا

رَبِّ .. فَتَقْبَلُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

>احساس حضور<، از ضمایر خطاب استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ - ۱۰

۱۰ خداوند، شنوای سخنانی که بدی ها و زشتی های مردم را آشکار می کند و موجب هتک حرمت آنان گردد.

لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ .. وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ تنها خداوند، شنوای درخواست ها و آگاه به سود و زیان انسانهاست.

مَا لِي مَلَكَ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳ - ۶

۶ شنوایی و دانایی خداوند، تضمین کننده حسابرسی از بندگان در روز قیامت

لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ .. وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۴، ۱۵

۱۴ کمال دین و تبدیل ناپذیری کلمات خدا بر اساس شنوایی و علم گسترده اوست.

و تمت کلمت .. و هو السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۱۵ خداوند شنوای گفته ها و خواسته های مشرکان و آگاه به همه جوانب آن است.

و أقسموا بالله .. زخرف القول غرورا ... و تمت كلمت ربك ... و هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۱۱

۱۱ خداوندِ شنوا و دانا شایسته پیروی است، نه اکثریت تابع

گمانهای واهی

و هو السميع العليم. و إن تطع أكثر من فی الأرض ... إن يتبعون إلا الظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۰ - ۴،۶

۴ خداوند ، شنوای گفته ها و آگاه به خواسته هاست .

إنه سمیع علیم

۶ باور به شنوایی و آگاهی گسترده خداوند مایه التجا به او در برابر وسوسه گری های شیطان

فاستغذ بالله إنه سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۱ - ۴

۴ باور به شنوایی و آگاهی خدا ، زمینه ساز دور ماندن از وسوسه های شیطان و رهیدن از دام اوست .

تذکروا فإذا هم مبصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که متعلق <تذکروا>، به قرینه فراز قبل (إنه سمیع علیم)، شنوایی و آگاهی خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ شنوایی و علم گسترده الهی ، پشتوانه امداد مؤمنان و اجابت استغاثه آنان

إذ تستغيثون .. إن الله سمیع علیم

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <إن الله .. > ناظر به آیه نهم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۸

۱۸ خداوند ، شنوای گفتار ها و آگاه به اندیشه ها و رفتارها

و إن الله لسمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۴، ۱۳

۱۳ خداوند ، شنوای گفتار ها و آگاه به اندیشه ها و کردارها

و أن الله سمیع علیم

۱۴

کیفر خداوند برای کافران ، متکی بر شنوایی و علم گسترده اوست .

و أن الله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۹

۹ تنها خداوند شنوای گفتار ها و آگاه بر اندیشه ها

إنه هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ خداوند ، شنوای دعای بندگان و اجابت کننده آن است .

فاستجاب له ربه . . . إنه هو السميع

<سمیع> علاوه بر اینکه دلالت بر شنوایی خداوند دارد ، به قرینه <فاستجاب له ربه> حاکی از اجابت دعا نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۱۶

۱۶- خداوند ، شنوا و اجابت کننده دعاست .

إن ربی لسمیع الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۱

۱۱- خداوند نسبت به حقایق پنهان هستی ، تیزبین و بسیار شنوا است .

له غیب . . . أبصر به و أسمع

به قرینه <أبصر به> ، پس از <أسمع> نیز <به> در تقدیر است و هر دو ، صیغه تعجب اند یعنی ، خداوند ، چه بسیار بینا و

شنوا است!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۵

۵ - خداوند ، شنوای هر گفتار ، بینای هر کردار و دانای هر چیز است .

أسمع و أرى

ذکر نشدن مفعول خاص برای فعل های <أسمع> و <أرى> افاده عموم می کند. و مراد از آگاهی خداوند به تمام شنیدنی ها و دیدنی ها، علم مطلق

او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴ - ۵

۵- علم و شنوایی مطلق ، در انحصار خداوند است .

و هو السميع العليم

از نظر ادبی، هرگاه مبتدا معرفه و خبر دارای الف و لام باشد، مفید حصر خواهد بود. آیه شریفه از این موارد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۴

۴ - خدا ، فریاد مظلوم را می شنود و ظالم را می بیند .

و أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

متعلق <سمیع> و <بصیر> حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه پیش چنین است: <و أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعَاءَ مَنْ بَغَى عَلَيْهِ وَ بَصِيرٌ بِبَغَى الْبَاغِيَّ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۶ - ۳

۳ - شنوایی ، بینایی ، دانایی و نیز در دست داشتن زمام همه امور ، نشانه هایی از نیرومندی ، عزّت و شکست ناپذیری خداوند است .

إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ... سَمِيعٌ بَصِيرٌ . يَعْلَمُ... وَ إِلَى اللَّهِ تَرْجِعُ الْأُمُورُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۰ - ۲،۴

۲ - شنوایی و علم مطلق ، تنها از آن ذات بی مانند خداوند است .

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

<ال> در <السمیع> و <العلیم> برای جنس (از نوع استغراق صفاتی) و مفید حصر است؛ یعنی، تنها او است که شنوایی اش بی حد و دانایی اش مطلق است.

۴ - خداوند، دارای شنوایی و علم همه جانبه بر احوال و نیازهای خلق

الذی یریک حین

تقوم . و تقلّبك في السجدين . إنّهُ هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۸

۸ - شنوایی و بینایی خداوند ، پشتوانه کیفر و پاداش آدمیان پس از رستاخیر است .

ما خلقکم ولابعثکم إلاّ کنفس وحده إنّ الله سميع بصیر

احتمال دارد ذکر < إنّ الله سميع بصیر > پس از بیان قدرت خداوند بر بازآفرینی انسان ها پس از مرگ، به این جهت باشد که بازآفرینی، برای حساب رسی اعمال است و پشتوانه آن هم، آگاهی خداوند از اعمال انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۱۳

۱۳ - شنوا و بینا بودن خداوند ، مقتضی پناه بردن بشر به او و استمداد از او ، در برابر بدی ها و دشمنی ها

فاستعد بالله إنّهُ هو السميع البصیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله < إنّهُ هو السميع البصیر >، تعلیل برای < فاستعد > است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۹

۹ - شنوایی و دانایی مطلق ، در انحصار خداوند است .

إنّهُ هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۴

۴ - خداوند ، آگاه به هر سرّ و شنونده هر نجوا

أم يحسبون أنا لانسمع سرّهم و نجويهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۶ - ۸

۸- شنوایی و دانایی مطلق ، تنها از آن خداوند است .

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۶

۶- خداوند ، قادر به شنیدن و اجابت همه دعا ها و نیاز های عبادت گران خود

من أضلّ ممّن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له إلى يوم القيمة

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر غیر خدا نمی تواند نیازهای گسترده خلق را برآورده کند؛ اما خداوند قادر به اجابت هر دعا در هر زمینه و در هر زمان می باشد، چرا که او نه از دعایی غافل است و نه از اجابت آن عاجز.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱ - ۸

۸ - خداوند ، همه گفتوگو ها و سخنان محرمانه انسان ها را می شنود و بر آنها آگاهی دارد .

قد سمع الله .. إنّ الله سمیع بصیر

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّ اللَّهَ..> در مقام تعلیل می باشد و این تعلیل، تعمیم دهنده حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۷ - ۸

۸ - نجواکنندگان هر کجا باشند ، خداوند نیز همراه با آنان است و گفتوگوی آنان را می شنود .

إلا هو معهم أين ما كانوا

شنوایی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۴

۴- شیاطین ، موجوداتی با شعور و درک و دارای قوه شنوایی

إلا من استرق السمع

شنوایی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۸ -

۷ معبود راستین باید شنوا و بینا باشد .

إِن تَدْعُوهُمْ .. لَا يَسْمَعُوا ... وَ هُمْ لَا يَبْصُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۷

۷- شنوایی ، بینایی (ادراک) و قدرت بر رفع نیاز ، از شروط بدیهی معبود حقیقی است .

لِمَ تَعْبُدُوا مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يَبْصُرُ وَلَا يَغْنَىٰ عَنْكَ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۳

۳ - موجود ناتوان و ناشنوا ، فاقد شایستگی برای خدا بودن و پرستیده شدن

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُم إِذْ تَدْعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۵

۵- معبود واقعی و شایسته پرستش ، توانا بر شنیدن صدای عبادت گران و قادر بر اجابت خواسته های آنان

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

خداوند، مشرکان را به سبب پرستش موجوداتی که قادر به شنوایی و اجابت دعای آنان نیستند، سرزنش کرده است. مفهوم این سخن آن است که معبود واقعی، باید قادر بر شنیدن و اجابت خواسته ها و نیازهای مخلوقات باشد.

شنوایی نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۳

۳- عدم برخورداری فرزند انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و حکمت الهی *

و الله أخرجكم من بطون أمهتكم لاتعلمون شيئاً

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است.

بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

قدرت شنوایی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۳

۳- در آسمان ها ، خبر ها و اطلاعاتی مبادله می شود که قابل شنود برای موجوداتی چون شیاطین است .

من کلّ شیطن رجیم . إلا من استرق السمع

لازمه استراق سمع، وجود و تبادل اخباری است که قابل شنیدن است.

محرومان از حق شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۳،۶

۳ مشرکانی که قرآن را از زبان پیامبر (ص) می شنیدند و به آن ایمان نمی آوردند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حقیقت ، ناتوان بود .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

۶ مردمی که به آیات قرآن گوش سپارند و به آن ایمان نیاورند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حق ناتوان است .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

مرکز شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۱۲

۱۲ - قلب ، مرکز آگاهی ، شنوایی و بینایی انسان

فانها لاتعمی الأبصر و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور

منشأ شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۱

۱ - دستگاه شنوایی ،

بینایی و قوه تعقل در انسان ، جلوه هایی از تدبیر و ربوبیت خداوند

و هو الذى أنشأ لكم السمع و الأبصر و الأفئده

<فواد> (جمع <أفئده>) به معنای دل (قوه ادراک و تعقل) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۱

۱۱ - قدرت شنوایی و بینایی و درک انسان ، از روح او است .

نفخ فيه من روحه و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

التفات از غیبت به خطاب، در آیه می تواند به این جهت باشد که پس از دمیده شدن روح، انسان، لایق خطاب می شود و این حکایت کننده آن است که روح، چنین توانی را برای انسان ایجاد می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۴

۴ - خداوند ، هرکس را که بخواهد شنوا و حق پذیر می سازد .

إِنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ مِنْ يَشَاءَ

منشأ نعمت شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۶

۶ تنها خداوند یکتا، قادر بر بازگرداندن و اعطای شنوایی، بینایی و ادراک به انسان است.

إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ .. مِنْ إِلَهٍ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ

موانع حق شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- گرفتار آمدن به لعن الهی ، عامل محرومیت انسان از حق شنوی و بینش صحیح

لعنهم الله فأصمّهم و أعمى أبصرهم

موانع شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ -

۸ پندار مصونیت از امتحان و عذاب الهی ، از میان برنده حق شنوی و بصیرت دینی بنی اسرائیل

فعموا و صموا

موانع شنوایی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۰ - ۴

۴- شدت عذاب ها و طنین فریاد ، مانع شنیدن مشرکان در جهنم خواهد شد .

لهم فیها زفیر و هم فیها لایسمعون برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که >لهم فیها

نعمت شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۵

۵- شنوایی ، بینایی و قلب (قدرت ادراک) ، از مهم ترین نعمت های خداوند به انسان

و الله أخرجکم ... و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

برداشت فوق، از آن جاست که آیه شریفه علاوه بر بیان آیات قدرت الهی، در صدد برشمردن نعمتهای الهی و در مقام امتنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۷

۷- بهره نگرستن صحیح از نعمت شنوایی ، بینایی و قلب برای شناخت حق ، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است .

و لاتقف ... إن السمع ... کان عنه مسئولاً

خداوند، به منظور دور کردن انسانها از حرکت‌های غیر علمی، به آنان نعمت شنوایی، بینایی و قلب را یادآور شده است تا آنان، با بهره گیری صحیح از آن، به یقین دست یافته و بر اساس آن، حکم کرده و عمل نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۰ - ۵

۵- شنوایی ، نعمتی مهم برای انسان

، حتی برای دوزخیان در جهنم

و هم فیها لایسمعون

از این که در اوصاف دوزخیان این جهت ذکر شده، به دست می آید که شنوایی نعمتی است که خداوند از دوزخیان سلب کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۴

۴ - نیروی شنوایی ، بینایی و ادراکی انسان ، نعمت هایی الهی و در خور شکر و سپاس گزاری

و هو الذی أنشأ لکم .. . قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۷۸، ۵، ۳

۳ - پیدایش بشر و نعمت های نهفته در وجود او (قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل) ، نشانه و جلوه قدرت خدای رحمان

الرحمن .. . هو الذی أنشأکم و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفتده

۵ - قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل ، از نعمت های الهی و در خور شکر و سپاس

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفتده قليلاً ما تشكرون

۷ - استفاده بهینه نکردن کافران تکذیب گر از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفتده قليلاً ما تشكرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکر نکردن انسان ها در برابر نعمت ها، به معنای استفاده صحیح نکردن از آنها است.

۸ - ناسپاسی بسیار انسان ها ، در برابر نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفتده

۹ - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند .

لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

نقش شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۷

۷- حس و تجربه (شنیدن و دیدن) ، زمینه شکوفایی ادراک و دانش های بشر *

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

این برداشت بدان احتمال است که تقدم <السمع و الأبصار> بر <الأفئده> اشاره به مطلب مذکور داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۹

۹ - بینایی واقعی آدمی در داشتن ضمیری آگاه و گوش شنوا است .

فتكون لهم قلوب يعقلون بها أو أذان يسمعون بها .. في الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۵

۵- بینایی ، شنوایی و نیروی ادراک ، از پایه های مهم شناخت

و جعلنا لهم سمعاً و أبصراً و أفئده فما أغنى عنهم

در آیه شریفه <سمع> ، <أبصار> و <أفئده> عواملی کافی برای رهیابی انسان به حقایق معرفی شده است و قوم عاد به خاطر بهره نگرفتن از آنها، مورد سرزنش قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۱۰

۱۰ - شنوایی و بینایی ، دو ابزار اصلی بشر برای معرفت حقایق

نبتلیه فجعلنه سمیعاً بصیراً

سمیع و بصیر قرار داده شدن بشر در آستانه آزمایش او، می تواند به این دلیل باشد که آزمایش، نیاز به شناخت مواد آزمون و راه های قبولی آن دارد. از این رو خداوند، به بشر دو ابزار شناخت (قدرت شنوایی و بینایی) عطا فرموده

است تا به این معرفت دست یازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۶

۶ - قدرت شنوایی و بینایی ، دو ابزار لازم برای هدایت

فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا . اِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ

ویژگیهای شنوایی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ - شنوایی کلام انسان به وسیله خداوند از نزدیک صورت می گیرد و حجاب بُعد و دوری بین او و بندگان نیست .

اِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ

شورا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{شورا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۲۶

۲۶ حاکمیت رهبری واحد ، همراه با پذیرش اصل شورا ، از ویژگی های نظام اسلامی

و شاورهم فی الامر فاذا عزم فتوکل علی الله

آداب شورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۲۹

۲۹ لزوم توجه به نقش تعیین کننده خداوند برای موفقیت در امور ، حتی پس از مشورت و تصمیم گیری نهایی بر انجام کارها

و شاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی اللّٰه

شرایط شورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۲۳

۲۳ پاکی از گناهان ، از شرایط گروه مورد مشورت رهبری *

فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر

تقدیم <عفو و استغفار> (پاک شدن از گناهان) بر مشورت، دلالت بر این دارد که فرد و یا افرادی که مورد مشورت قرار می گیرند، باید آلوده به گناه نباشند و یا از

آلودگی پاک شده باشند.

شوهر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شوهر

آثار اذیت خانواده شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۷

۲۷ - > عن الرضا (ع) في قول الله عزوجل : < لاتخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن إلا أن يأتين بفاحشه مبينه > قال : أذاها لأهل الرجل و سوء خلقها ;

از امام رضا(ع) درباره سخن خداوند عزوجل <لاتخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن إلا أن يأتين بفاحشه مبينه> روایت شده که فرمود: [مراد از فاحشه مبينه] آزار دادن زن به خانواده شوهر و بد خلقی او است.<

آثار تقوای شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۳ - ۳

۳ - خداترسی و رعایت تقوا از سوی همسران (مردان و زنان مطلقه) ، موجب ازدیاد روزی و بهره مندی آنان از عطا های غیرمنتظره الهی

إذا طلقتم النساء .. من يتق الله ... يرزقه من حيث لا يحتسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۴ - ۱۰

۱۰ - خداترسی و تقوای پیشگی از مردان و زنان مطلقه ، موجب رهایی آنان از مشکلات زناشویی و آسان شدن زندگی برای آنها

و التي يئسن من المحيض .. و من يتق الله يجعل له من أمره يسرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- رعایت تقوا از سوی مردان و زنان مطلقه، موجب زدایش بدی ها و گذشت خطاهایشان از جانب خداوند

إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ .. وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ

رعایت تقوا از سوی مردان و زنان مطلقه ، موجب بهره مند شدن آنان از اجر بزرگ الهی

فَطَلَّقُوهُنَّ لَعَدَّتِهِنَّ . . . و من يَتَّقِ اللَّهَ ... يعظم له أجراً

اجتناب از الحاق زنزاده به شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۹

۹ - پرهیز از نسبت دادن فرزند زنا به همسر ، از جمله مواد مورد بیعت زنان مؤمن با پیامبر (ص)

و لا يأتين بهتّن يفتريه بين أيديهنّ و أرجلهنّ

اختیار شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - امر طلاق ، به دست مرد است .

فتعالين أمّتعنّ و أسرّحكّن سراحًا جميلًا

اختیارات شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۳

۱۳ - مردان ، می توانند زنان مطلقه خود را در صورت ارتکاب عملی بسیار زشت و روشن (مانند زنا و ...) از خانه های خویش بیرون کنند .

و لا يخرجنّ إلاّ أن يأتين بفحشه ميّنه

به هر عمل و گناهی که زشتی آن شدید و بزرگ باشد، <فاحشه> اطلاق می شود؛ مانند زنا در مورد زنان (برگفته از قاموس المحيط و مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - مخیر بودن مرد ، در رجوع به همسر خویش برای تداوم زندگی مشترک و یا جدا شدن دائمی از او (از زمان اجرای صیغه طلاق تا پایان عدّه)

فامسکوهن بمعروف أو فارقوهن

ارزش علاقه به شوهر

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۲

۲ - دل‌بستگی زن ، تنها به همسر خویش و چشم ندوختن به اجنبی ، از جمله برترین ارزش های او است .

فیهنّ قصرت الطرف

برداشت یاد شده با توجه به دو مطلب زیر به دست می آید: الف) <قاصرات الطرف> به معنای چشم نداشتن به اجنبی باشد.
ب) آیه شریفه در مقام بیان بهترین ارزش های زنان بهشت است.

الحاق زن‌زاده به شوهر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أن لا یشرکن ... لا یسرقن ... لا یزنین ... ولا یقتلن أولدهنّ ولا یأتین ببهتن

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده؛ بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

بشارت به شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۱۰

۱۰ - نوید خداوند به امکان رفع مشکل زنان مطلقه و همسرانشان ، در صورت رعایت تعالیم و رهنمود های الهی

لینفق ذو سعه من سعته .. سیجعل الله بعد عسر یسرًا

تکلیف شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - احکام طلاق و عدّه زنان مطلقه ، تکلیفی مهم و مؤکد برعهده همسران

فَطَلَّقُوهُنَّ لَعَدَّتِهِنَّ . . . ذَلِكُمْ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ

مطلب یاد شده، از اطلاق تصریح

>أمر الله < بر احکام مربوط به طلاق و عدّه زنان، به دست می آید.

تکلیف شوهران ثروتمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۱،۲

۱ - مردان متمکن و توانگر، باید به میزان توانایی و فراخ دستی خویش، هزینه زندگی زنان مطلقه را در دوران شیردادن به نوزادان افزون بر پرداخت اجرت شیردادن بپردازند.

لینفق ذو سعه من سعه

در این که حکم انفاق در این آیه، اختصاص به دوران شیردادن زنان مطلقه به نوزادشان دارد و یا شامل دوران عدّه نیز می شود، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۲ - مردان متمکن و توانا، باید به میزان توانایی و فراخ دستی خویش، هزینه زندگی زنان مطلقه خود را در دوران عدّه بپردازند.

لینفق ذو سعه من سعه

تکلیف شوهران فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۳،۴

۳ - مردان تنگ دست، باید به مقدار توانایی خویش هزینه زندگی زنان مطلقه را در دوران شیردادن به نوزادان افزون بر پرداخت اجرت شیردادن بپردازند.

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

۴ - مردان تنگ دست، باید به میزان توانایی خویش، هزینه زندگی زنان مطلقه را در ایام عدّه بپردازند.

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

توصیه به شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۶

۶ - توصیه خداوند به مردان و همسرانشان ، مبنی بر رعایت

تقوا و خداپرستی در مسائل مربوط به طلاق

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ .. وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ

حقوق شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۹ - ۴

۴ - عده نگه داشتن زنان مطلقه ، به نفع مردان ، و از حقوق آنان است .

فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عَدَّةٍ

مخاطب <لکم> در آیه، مردانی اند که زنانی را به ازدواج درآورده و آنها را مطلقه کرده اند. قرار دادن عده برای آنان، به مصلحت و سود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱۱

۱۱ - نقش سازنده تقوای پیشگی ، در حفظ کانون گرم خانواده ها و رعایت شدن حقوق همسران

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ .. وَ اتَّقُوا اللَّهَ ... مِنْ يَتَّقِ ... يَعِظُمْ لَهُ أَجْرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند در ضمن پنج آیه مربوط به مسائل طلاق و اختلافات خانوادگی، چهاربار، به رعایت تقوا توصیه فرموده است.

حمایت از شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۱۱

۱۱ - زنان مطلقه و شوهران تنگ دست آنان در صورت رعایت آموزه ها و رهنمود های الهی مورد عنایت و حمایت خدا قرار می گیرند .

سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

سرزنش نشوز شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۲

۲ نشوز شوهر و عدم تأمین حقوق همسر ، امری ناروا و ناپسند

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً فلا جناح عليهما ان يصلحا

علاقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۱

۱ - زنان بهشت ، تنها شیفته و فریفته شوهران خویش و چشم بسته بر هر اجنبی

فیهنّ قصرت الطرف

<قصرات الطرف> (زنان فرو هشته نگاه)، ظاهراً کنایه از چشم دریده نبودن است.

فرار شوهر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۱

۱ - شوهران ، پیوند الفت و همراهی با همسران خویش را در قیامت نادیده گرفته و از آنان متواری خواهند شد .

یوم یفرّ المرء من ... و صحبته

<صاحبه> همسری است که با شوهر خویش ملازمت و معاشرت داشته باشد. این تعبیر حاکی از شدت حوادث قیامت است؛ به گونه ای که انسان، حتی همسری را که در دنیا با او سازگار و همراه بود، نیز رها خواهد کرد.

محرمیت پدر شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۵، ۱۸

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و ...) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

۲۵ - پدر شوهر ، پسر همسر ، پسر برادر ، پسر خواهر ، زنان مؤمن ، بردگان ، خدمت کاران بی میل به زن و زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

ولايدين زيتهن إلا لبعولتهن .. أو الطفل

الذین لم یظهروا علی عورت النساء

محرمیت پسر شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۸، ۲۵

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و ...) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

۲۵ - پدر شوهر ، پسرهمسر ، پسر برادر ، پسر خواهر ، زنان مؤمن ، بردگان ، خدمت کاران بی میل به زن و زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ .. أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورت النساء

محرمیت شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و ...) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

مسئولیت شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۴

۴ شوهران نباید به بهانه امکان نداشتن رعایت عدالت کامل بین همسران به برخی همسران خویش گرایش کامل و از دیگری اعراض کنند .

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء .. فلا تميلوا كل الميل

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱۵

۱۵ - شوهران باید برای رفع رنج ها و سختی های همسران خویش تلاش کنند .

فلا یخرجنکما من الجنه فتشقی

با توجه به این که دشمنی شیطان با آدم(ع) و حوا یکسان بوده است و وی در صدد آن بوده که هر دو را از بهشت بیرون کند و به مشقت اندازد؛ ولی با این حال فعل <تشقی> به صورت مفرد آمده است. بنابراین رفع رنج و سختی های حوا نیز، بر دوش آدم(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۷

۷ - لزوم رعایت حرمت و حفظ آبرو و حیثیت زن ، از سوی شوهر او

والذین یرمون أزوجهم .. والخمسه أن لعنت الله علیه إن کان من الکذبین

کیفر شدن مردانی که همسران شان را متهم به زنا و فحشا کنند، حاکی از آن است که حفظ حرمت و حیثیت دینی و اجتماعی زنان، بر همسران شان واجب و لازم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۱ ، ۱۰

۱۰ - مردان ، حق ندارند زنان مطلقه خود را در ایام عدّه ، از خانه هایشان بیرون کنند .

لاتخرجنهنّ من بیوتهنّ

انتساب خانه ها به زنان (بیوتهنّ) گویای این نکته است که زنان مطلقه، باید در همان منازلی زندگی کنند که پیش از اقدام به طلاق در آن جا بوده اند.

۱۱ - محل سکونت زنان مطلقه در ایام عدّه ، همان محل پیش از طلاق است و مردان حق ندارند آن را تغییر دهند

لاتخرجون من بيوتهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۷، ۴، ۶، ۱

۱ - مسکن زنان مطلقه در ایام عدّه ، برعهده همسرانشان است .

أسكنوهنّ

۶ - مردان باید به زنان مطلقه ، بابت شیردادن فرزندان خود اجرت پردازند .

فإن أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ

۴ - مردان حق ندارند با گزند رساندن و سخت گیری کردن ، عرصه را بر زنان مطلقه خویش تنگ سازند و زندگی آنان را در خانه خود ، غیر قابل تحمل کنند .

و لاتضاروهنّ لتضيقوا عليهنّ

۱۷ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : لا يضار الرجل امرأته إذا طلقها فيضيق عليها حتى تنتقل قبل أن تنقضي عدتها ، فإن الله عزوجل قد نهى عن ذلك فقال : > و لاتضاروهنّ لتضيقوا عليهنّ < ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: مرد نباید به همسر مطلقه خود ضرر برساند و او را [از نظر مسکن و نفقه] در مضیقه قرار دهد تا [مجبور شود] قبل از تمام شدن عدّه، از خانه شوهر به جای دیگر انتقال یابد؛ زیرا خداوند از این کار نهی کرده و فرموده است: و لاتضاروهنّ لتضيقوا عليهنّ <.

نشوز شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۵، ۱

۱ لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده ، در صورت ناسازگاری شوهر وظیفه ای بر عهده زنان

و إن امراه خافت من بعلها .. فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً

کلمه <خافت>، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

۵ جواز صرفنظر کردن زن از بعض حقوق خود، برای جلب نظر شوهر

و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً .. ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خير

جمله <و احضرت الانفس الشح > حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۵

۵ - بلا تکلیف رها ساختن زن (نه زندگی کردن و نه طلاق دادن وی) ، کاری ممنوع و حرام بر شوهران

فلاتمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقه

نقش شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳

۳ - زن و شوهر ، لباس عفاف یکدیگرند و هر کدام مایه پرهیز دیگری از گناهان جنسی است .

هن لباس لکم و أنتم لباس لهن

شهاب آسمانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شیاطین و شهاب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۵

۵- شیاطین ، در صورت نزدیک شدن به آسمان ، با شعله های آتش فروزان و آشکار ، تحت تعقیب قرار می گیرند .

إلا من استرق السمع فأتبعه شهاب مبین

نقش شهاب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۵،۶،۸

۵- شیاطین ، در صورت نزدیک شدن به آسمان ، با شعله های آتش فروزان و آشکار ، تحت تعقیب قرار می گیرند .

إِلَّا مِنْ اسْتَرْقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ مَبِينٌ

۶- شهاب های آسمانی ، مانع استراق سمع شیاطین از آسمانهاست .

إِلَّا مِنْ اسْتَرْقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ مَبِينٌ

۸- > عن علی (ع) انه قال :

كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) ذَاتَ لَيْلِهِ إِذْ رَمَى نَجْمًا فَاسْتَنَارَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مَنَعَ السَّمَاءَ بِهَذِهِ النُّجُومِ... وَتَلَا قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: <إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ مَبِينٌ...>

از علی(ع) روایت شده است که فرمود: شبی را در خدمت رسول خدا(ص) بودیم که ستاره ای پرتاب شد و روشن گردید. پس رسول خدا(ص) فرمود: خداوند عزوجل با همین [شهاب] ستارگان آسمان را حفظ کرد و سخن خداوند عزوجل: <إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ مَبِينٌ> را تلاوت کرد...<.

شهاب سنگ ها

سقوط شهاب سنگ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۴

۴ - سوگند خداوند به شهاب سنگ ها ، هنگامی که سقوط می کنند . *

و النجم إذا هوی

برخی از مفسران <نجم> را به قرینه <إذا هوی> (آن گاه که سقوط کند) به معنای شهاب گرفته اند.

نقش شهاب سنگ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۸ - ۴

۴ - نگهبانان و شهاب ها ، از هنگام نزول آیات قرآن ، مانع استراق سمع جن از آسمان شدند .

و أَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَهَا مَلْتًا حَرًّا شَدِيدًا وَ شَهَبًا

آیه بعد (فمن يستمع الآن يجد له شهاباً رصداً)، قرینه است بر این که جنیان از استراق سمع از آسمان، از وقت نزول قرآن و استماع آن، منع شده بودند.

شهادت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{شهادت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۵ شهادت برخی از پیکارگران احد و شکست در آن کارزار، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه

يقولون لو كان لنا من الامر شيء ما قتلنا ههنا

۲۹ شهادت در راه خدا، از مقدرات الهی است.

قل لو كنتم في بيوتكم لبرز الذين كتب عليهم القتل الى مضاجعهم

۳۱ مسلمانان آخرت طلب و خداخواه احد، مشتاقان شهادت و رهسپار به سوی قتلگاه خویش

قل لو كنتم في بيوتكم لبرز الذين كتب عليهم القتل الى مضاجعهم

علی رغم اینکه آیه درباره توحید افعالی است و بیان این معنا که امور به دست خداوند است، خروج برای شهادت را به خود مبارزان نسبت داد تا اشاره به اشتیاق آنان به شهادت کند. کاربرد کلمه <مضجع> (خوابگاه) به جای قتلگاه، مؤید این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۱، ۱۲

۱ کشته شدن (شهادت) و مردن در راه خدا، موجب آموزش گناهان و بهره مندی از رحمت خداوند

و لئن قتلتم فی سبیل اللّٰه او ممّتم لمغفره من اللّٰه و رحمه

مناسبت حکم و موضوع (مرگ و مغفرت) اقتضا می کند که <فی سبیل اللّٰه> پس از <ممّتم> مقدّر باشد.

۱۲ ایمان به ارزشمندی والای شهادت و مرگ در راه خدا، رهایی بخش آدمی از وابستگی های دنیوی

و لئن قتلتم .. لمغفره من اللّٰه و رحمه خیر ممّا یجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۸ - ۱

۱ مرگ و یا کشته شدن، چه در راه خدا و چه در

راه غیر او ، مسیری است به سوی خداوند ، نه نابودی و فنا .

و لئن مُتُّم او قُتلتُم لالی اللّٰه تحشرون

از اینکه قید <فی سبیل اللّٰه> ذکر نشده، به دست می آید که مراد، هر نوع مردن و کشته شدن است و مؤید این معنا تقدیم مردن بر کشته شدن است؛ به خلاف آیه قبل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۴

۴ شرکت در پیکار و شهادت در راه خدا، از موجبات جلب رضایت الهی

و لئن قُتلتُم فی سبیل اللّٰه .. افمن اتّبع رضوان اللّٰه

به مقتضای ارتباط این آیه با مضامین آیات پیشین، می توان نمونه ها و مصادیق مورد نظر را به دست آورد؛ از جمله جهاد و شهادت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۱۲

۱۲ رفع ناراحتی مسلمانان به جهت شهادت هفتاد نفر در جنگ احد ، با تذکر به این که آنان در جنگ بدر ، هفتاد نفر از دشمنان را کشته و هفتاد نفر را اسیر کردند .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتُم مثلها

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: کان المسلمون قد اصابوا ببدر مائه و اربعین رجلا قتلوا سبعین رجلا و اسروا سبعین فلّمّا کان یوم احد اصیب من المسلمین سبعون رجلا قال: فاغتمّوا بذلک فانزل اللّٰه تبارک و تعالی: <اولمّا اصابتکم .. مثلها>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۵۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۴۲۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل

۱۳ جهاد و شهادت در راه خدا، حرکتی بی ارزش در دیدگاه منافقان

لو اطاعونا ما قتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۱،۳،۷

۱ مرده پنداشتن کشته شدگان در راه خدا (شهادت) از سوی برخی، و نهی خداوند از این پندار

و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه امواتا

۳ شهیدان راه خدا، زنده و برخوردار از روزی در پیشگاه پروردگار خویش

بل احیاء عند ربّهم یرزقون

در برداشت فوق <عند ربّهم>، متعلق به <یرزقون> گرفته شده است.

۷ عظمت و مقام والای شهدا و کشته شدگان در راه خدا

بل احیاء عند ربّهم یرزقون

از اینکه آنان در پیشگاه خداوند روزی داده می شوند و در آن مقام حاضرند، عظمت مقام آنان به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱،۲،۱۲

۱ سرور و شادمانی کشته شدگان راه خدا، به آنچه خداوند از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است.

فرحین بما اتیهم اللّٰه من فضله

۲ لطف و عنایت خداوند به کشته شدگان در راه او (شهیدان)

فرحین بما اتیهم اللّٰه من فضله

۱۲ شادمانی شهیدان از نبودن هیچ ترس و اندوهی برای مجاهدان راه خدا پس از شهادت

و يستبشرون بالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

استبشار به معنی شادمانی بر اثر دریافت بشارت است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸

۶ هجرت ، تحمّل آوارگی ، آزار در راه خدا ، جهاد و شهادت از نشانه های تقوا

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ اَخْرَجُوا .. لَكِنَ الَّذِيْنَ اتَّقُوا رَبَّهُمْ

مراد از <الَّذِينَ اتَّقُوا> ، یا خصوص کسانی هستند که در آیه ۱۹۵ توصیف شدند و یا آنان، از مصادیق مورد نظر برای تقوای پیشگان هستند.

آثار شهادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۱۴

۱۴ شهادت ، وسیله رشد و تکامل شهید

بل احياء عند ربهم يرزقون

با توجه به معنای <ربهم> که خداوند مربی و تربیت کننده شهیدان است، معلوم می شود که شهادت زمینه ای برای بهره مندی از ربوبیت خاص الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۵

۵ مؤمنان با کشته شدن در راه خدا به جوار او بار خواهند یافت .

إنا إلی ربنا منقلبون

آثار شهادت حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۹ - ۵

۵ - کشته شدن مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) به دست مردم ، موجب هلاکت آنان شد .

قیل ادخل الجنة .. إن كانت إلا صيحة وحده فإذا هم خمدون

آرزوی شهادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۶

۶ - همسر فرعون ، در آرزوی شهادت به سر می برد .

إذ قالت ربّ ابن لي عندك بيتاً في الجنّة

با توجه به این حقیقت که آسیه، از سوی فرعون به شدت تحت شکنجه و آزار بود، می توان استنباط

کرد که دعای او درباره بنا شدن خانه ای در بهشت، اشاره به نائل شدن وی به فیض بزرگ شهادت است.

ارزش شهادت در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۸

۸ شهادت طلبی و حضور در عرصه پیکار با دشمنان دین ، امتیازی ارزشمند در دیدگاه اسلام

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة .. و لقد كنتم تمنون الموت

چون خداوند اعراض کنندگان از جهاد و مبارزه و فراریان از شهادت و مرگ در راه خدا را مذمت کرده و از سویی تمام سعادت (بهشت) را در گرو مبارزه دانسته، ارزش والای جهاد و شهادت به دست می آید.

امتحان با شهادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۹

۱۹ - بدون کمک و عنایت خداوند ، صبر و شکیبایی در برابر آزمایش های بزرگ همچون کشته شدن در راه خداوند ، ممکن نیست .

إني أرى في المنام أنني أذبحك .. قال يأت أفعال ما تؤمر ستجدني إن شاء الله من

مسأله ذبح اسماعیل(ع) چنان که در آیه بعد به صراحت آمده است یک آزمایش الهی بود. براین اساس، مشروط کردن موفقیت این آزمایش به مشیت و عنایت خداوند (ستجدنی إن شاء الله من الصابرين)، گویای برداشت یاد شده است.

اهمیت شهادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ > عن ابی جعفر (ع) (فی قوله عزوجل) : > هل تربصون بنا إلا إحدى الحسنيين < قال

: اما موت فی طاعه الله و ادراک ظهور امام ... ;

از امام باقر (ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عز و جل: <إحد الحسنین > فرمود: یا مرگ در راه خدا یا درک ظهور امام ... <.

پاداش شهادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۹

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ اَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ اُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَآ كُفْرًا عَنْهُ

تشویق به شهادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۱۵

۱۵ تشویق و ترغیب به جهاد و شهادت در راه خدا

وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اَمْوَاتًا بَلْ اَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۵

۱۵ ترغیب به جهاد و شهادت در راه خدا

فَرِحِينَ بِمَا اَتَيْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ .. وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ

شهادت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۵

۵ پایداری پیامبران در ابلاغ رسالت خویش ، تا شهادت و کشته شدن در راه خدا

و قتلهم الأنبياء بغير حق

شهادت برای حفظ توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۲

۲ - اظهار ایمان به خدای یکتا و دفاع از پیامبران

و دین الهی تا مرز شهادت ، در محیط خفقان آور شرک و کفر ، امری پسندیده و عامل سعادت اخروی (بهشت) است .

قال يقوم اتبعوا المرسلين .. ائني ءامنتم بربكم فاسمعون . قيل ادخل الجنة

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که داستان مؤمن انطاکیه همانند دیگر داستان های یاد شده در قرآن، به منظور الگوگیری و درس آموزی نقل می شود.

شهادت حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۱،۹

۱ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، پس از اظهار ایمان به خدای یکتا و دفاع از پیامبران ، به دست کافران به شهادت رسید .

قال يقوم اتبعوا المرسلين .. ائني ءامنتم بربكم فاسمعون . قيل ادخل الجنة

جمله <قيل ادخل الجنة> استثناف بیانی است / یعنی، ممکن است پس از مطالعه داستان مؤمن انطاکیه، به ذهن خواننده خطور کند که این مرد الهی پس از اظهار ایمان و دفاع از پیامبران به چه سرنوشتی دچار شد؟ که آیه شریفه پاسخگوی چنین سؤالی است.

۹ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، پس از به شهادت رسیدنش ، از آگاه نبودن مردم از جایگاه بهشتی خود ، اظهار تأسف کرده و آرزو نمود که ای کاش آنان آگاه می شدند .

یلت قومى يعلمون

جمله <یا لیت قومى ..> برای استثناف بیانی است / یعنی، بیانگر امری است که پس از ورود به بهشت [برزخی] اتفاق افتاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۷ - ۴

۴ - مؤمن انطاکیه (حبیب

نجار) ، پس از به شهادت رسیدن ، از آگاه نبودن مردم از مورد غفران قرار گرفتن و عزیز شدنش در پیشگاه الهی ، تأسف خورد .

قال یلیت قومی یعلمون . بما غفر لی ربّی و جعلنی من المکرمین

شهادت طلبی زنان مؤمن دوران اصحاب احدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۸

۸ - پایداری برخی از زنان مؤمن تا نیل به شهادت ، در عهد اصحاب احدود

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

شهادت طلبی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۶

۲۶ فداکاری و از خود گذشتگی مسلمانان صدر اسلام ، در رویارویی با دشمنان و استقبال آنان از شهادت

فَالَّذِينَ... و قاتلوا و قتلوا

شهادت طلبی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۱،۹

۱ شهادت طلبی برخی مؤمنان صدر اسلام پس از جنگ بدر و نگرانی و حیرت آنها به هنگام بروز جنگ احد

و لقد کنتم تمنّون الموت من قبل ان تلقوه فقد رایتموه و انتم تنظرون

۹ اشتیاق مؤمنان به حضور در میدان جهاد و شهادت ، پس از آگاهی از درجات شهدای بدر

و لقد کنتم تمنّون الموت من قبل

امام باقر (ع) در باره آيه فوق فرمود: فانّ المؤمنین لما اخبرهم الله بالذى فعل بشهائهم يوم بدر و منازلهم من الجنه رغبوا فى ذلك فقالوا اللهم ارنا القتال نستشهد فيه.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۱۹؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱.

شهادت مؤمنان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۶

۲۶ عن عبدالرحيم عن ابى جعفر (ع) قال : قرأ هذه الآية < ان الله اشترى من المؤمنين أنفسهم ... > . . . فقال : . . . من مات من المؤمنين ردّ حتى يقتل . . . ;

عبدالرحيم می گوید امام باقر (ع) آیه < إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم . . . > را قرائت کرد ... سپس فرمود: ... هر مؤمنی که بمیرد، برگردانده می شود تا کشته شود ... < .

شهادت مؤمنان دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۶

۶ - پایداری مؤمنان در عصر اصحاب اخدود ، بر ایمان خویش تا نیل به شهادت ، در محضر خداوند بوده و به آن رسیدگی خواهد شد .

و الله على كل شيء شهيد

بیان گواه بودن خداوند، برای مجرمان تهدید و برای مؤمنان وعده به پاداش است.

شهادت مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۴

۴ - تضمین بهشت از سوی خدا ، برای آن دسته از مهاجران صدراسلام که تا آن زمان (زمان نزول آیه فوق) با مرگ طبیعی از دنیا رفته و یا به دست دشمن کشته شده بودند .

و الذين هاجروا في سبيل الله ثم .. ليرزقنهم الله رزقاً حسناً

عقیده به شهادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۲،۴

۲ ساحران در پاسخ فرعون و

تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

<إلی ربنا> متعلق به <منقلبون> است و کلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلی> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

۴ ساحران مؤمن به موسی ، معتقد به دستیابی کشته شدگان راه خدا به موهبتهایی برتر از نعمت ها و آسایش های دنیوی

إنا إلی ربنا منقلبون

فضیلت شهادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۴،۸،۱۱،۱۲

۴ شهادت در راه خدا ، دارای منزلتی والاتر از مرگ در راه او

و لئن قتلتم فی سبیل اللّٰه او ممّ لمغفره من اللّٰه و رحمه

تقدّم ذکری شهادت، حاکی از تقدّم مرتبه آن است.

۸ مرگ و یا شهادت در راه خدا ، دارای ارزشی برتر از ماندن در دنیا و ثروت اندوزی

و لئن قتلتم فی سبیل اللّٰه او ممّ .. خیر ممّا یجمعون

۱۱ ایمان به مقدر بودن مرگ و حیات ، و شناخت ارزش والای شهادت ، آسان کننده حرکت به سوی نبرد با دشمنان دین

و اللّٰه یحیی و یمیت .. و لئن قتلتم فی سبیل اللّٰه او ممّ لمغفره من اللّٰه و رحمه

خداوند با بیان دو نکته مؤمنان را به جهاد ترغیب می کند: ۱ مرگ و حیات به دست خداست و عوامل طبیعی تعیین کننده نیست. ۲ جان باختگان در راه خدا، آمرزیده و مشمول رحمت خاصّ خداوند هستند. بنابراین، مؤمنان با ایمان به این دو معنا، هرگز تردیدی برای شرکت در جهاد نخواهند داشت.

۱۲ ایمان به ارزشمندی والای شهادت

و مرگ در راه خدا، رهایی بخش آدمی از وابستگی های دنیوی

و لئن قتلتم .. لمغفره من الله و رحمه خیر مما یجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۱۳

۱۳ جهاد و شهادت در راه خدا، حرکتی بی ارزش در دیدگاه منافقان

لو اطاعونا ما قتلوا

مؤمنان و شهادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۱

۱ مؤمنان راستین، پیروزی با شهادت را که در جنگ نصیبشان شود خیر و نیک می شمارند.

قل هل تربصون بنا إلا إحدى الحسینین

شهادت در راه خدا

{شهادت در راه خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۲

۲ وحشت برخی مؤمنان صدر اسلام از مرگ و شهادت در راه خدا

و لقد .. فقد رایتموه و انتم تنظرون

ارزش شهادت در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۸

۸ شهادت طلبی و حضور در عرصه پیکار با دشمنان دین ، امتیازی ارزشمند در دیدگاه اسلام

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة . . . و لقد كنتم تمنون الموت

چون خداوند اعراض کنندگان از جهاد و مبارزه و فراریان از شهادت و مرگ در راه خدا را مذمت کرده و از سویی تمام سعادت (بهشت) را در گرو مبارزه دانسته، ارزش والای جهاد و شهادت به دست می آید.

شهوة پرستی

آثار شهوة پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۲

۲ شهوت پرستی و زراندوزی ، زمینه کفر و تکذیب آیات الهی

زَيْنَ لِلنَّاسِ حَبَّ الشَّهَوَاتِ ... مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ

بنابراینکه منظور از <لِلنَّاسِ>، کافران باشد؛ به قرینه آیات پیشین که سخن از آنان بود.

شهو ترانان

اضلال شهوترانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۷ - ۴

۴ تلاش شهوترانان برای انحراف جوامع دینی از حدود و مقررات الهی در روابط جنسی

و يَرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا

شهو ترانی

{شهو ترانی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۸

۸ پرهیز از شیفتگی به تمایلات نفسانی ، عامل دستیابی به بهشت جاودان و رضوان الهی

لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ

به قرینه آیه قبل می توان مفعول <اتَّقَوْا> را موارد ذکر شده در آن آیه دانست. موارد یاد شده عبارت است از حب و

شیفتگی به شهوات و گفتمنی است معنای لغوی <اتَّقَوْا>، پرهیز و دوری است.

آثار شهوترانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۷ - ۹

۹ هواپرستی و شهوترانی ، مایه دوری از رحمت الهی

و الله يريد ان يتوب عليكم و يريد الذين يتبعون الشهوات ان تميلوا ميلاً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۳

۳ شکستن حریم قوانین الهی در روابط جنسی ، رنج آفرین و موجب مشقت برای جوامع انسانی است .

و يريد الذين يتبعون الشهوات .. يريد الله ان يخفف عنكم

چنانچه

رعایت احکام الهی در ازدواج موجب سبکباری باشد، زیر پا گذاردن آن قوانین، رنج آور و مشقتبار خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۵

۵ شهوت پرستی بیش از حد قوم لوط ، موجب گرایش آنان به لواط شد .

إنکم لتأتون .. بل أنتم قوم مسرفون

بدان احتمال که جمله <بل أنتم قوم مسرفون> به منزله علتی برای گرایش قوم لوط به لواط باشد. یعنی چون اسرافگر بودید به لواط مبتلا شدید. در این صورت مراد از اسراف، به مناسبت مورد، اسراف در شهوت جنسی خواهد بود.

سرزنش شهوترانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- مؤمن واقعی ، در پی اعمال نیک است ؛ نه غوطهور در لذت و هوسرانی .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. و الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الآن

خداوند، مؤمنان را متصف به <عملوا الصالحات> کرده و کافران را مشمول <یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعام> دانسته است. از این تقابل، مطلب بالا استفاده می شود.

شهوترانی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۵

۵ شهوت پرستی بیش از حد قوم لوط ، موجب گرایش آنان به لواط شد .

إنکم لتأتون .. بل أنتم قوم مسرفون

بدان احتمال که جمله <بل أنتم قوم مسرفون> به منزله علتی برای گرایش قوم لوط به لواط باشد. یعنی چون اسرافگر بودید به لواط مبتلا شدید. در این صورت مراد از اسراف، به مناسبت مورد، اسراف در

شهوة جنسی خواهد بود.

کیفر شهوترانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ انسان، ناتوان از تحمل عواقب انحراف از حدود الهی در روابط جنسی

و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً .. خلق الانسان ضعیفاً

جمله <خلق الانسان ضعیفاً> می تواند بیانگر علت لزوم پیروی از احکام الهی در ازدواج و اجتناب از پیروی هواپرستان باشد. یعنی قوانین الهی، جوامع را سبکبار خواهد کرد و انحراف از آن موجب مشقت خواهد شد و انسان توان تحمل آن مشقتها را ندارد.

مبارزه با شهوترانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۷

۲۷ فراهم آوردن ازدواج های سهل و آسان در جامعه، راه جلوگیری از مفسد جنسی

و من لم یستطع .. فمن ما ملکت ایمانکم ... ذلک لمن خشی العنت منکم

چون ازدواج با کنیزان سهل است و خداوند برای جلوگیری از زنا و مفسد جنسی آن را پیشنهاد و تجویز کرده، معلوم می شود که بهترین راه برای جلوگیری از مفسد جنسی، فراهم آوردن ازدواج سهل و آسان است.

موانع شهوترانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ توجه به خدا و استعاذه به درگاه او، راهی برای مصون ماندن از فرجام نامیمون شهوات جنسی

قال معاذ الله

شهیدان

{شهیدان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۷ - ۱۵

۱۵ کشته شدگان در راه امر به معروف و نهی از منکر ، مصداق

خریداران رضایت خداوند در برابر ایثار جان

و من الناس من یشری نفسه

امیرالمؤمنین (ع): ان المراد بالآیه الرجل الذی یقتل علی الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۳۵؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۴۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۲۳

۲۳ ناپسندی حسرت و اندوه بر زوال منفعت های مادی و نیز حسرت بر کشته های راه خدا

لکیلا تحزنوا علی ما فاتکم و لا ما اصابکم

چون خداوند با مرحمت خویش غمی را بر آنان وارد کرد تا اندوه از دست دادن غنایم و کشته های جنگ را نادیده انگارند، بنابراین اگر چنین اندوهی پسندیده بود از یاد بردن آن، پاداش و مرحمت محسوب نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۳

۱۳ کثرت پیامبران شهید ، در بین انبیای الهی

و قتلهم الانبیاء بغیر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۳

۳ - مرگ مهاجران در دیار هجرت ، هم سنگ شهادت آنان در آن دیار

و الذین هاجروا .. ثم قتلوا أو ماتوا ... رزقاً حسناً

آسایش شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۴

۴ ساحران مؤمن به موسی ، معتقد به دستیابی کشته شدگان راه خدا به موهبت‌هایی برتر از نعمت‌ها و آسایش‌های دنیوی

إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

آشنایی شهیدان با بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷

۲- آشنایی شهیدان با بهشت ، قبل از ورود به آن

عزفها لهم

\$ماضی بودن "عزفها" و مضارع آمدن "یدخلهم" ، مطلب بالا را افاده می کند.

آمزش شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۵

۵ خداوند ، آمرزنده پیکارگران شهید کارزار احد و بخشاینده رحمت های خویش به آنان

و لئن قتلتم فی سبیل الله او متم لمغفره من الله و رحمه

چون آیه مورد بحث در ضمن آیاتی آمده که مسائل نبرد احد را مطرح می کرد، می تواند اشاره مستقیم به شهیدان جنگ احد داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۷

۱۷ آمزش تمامی گناهان شهدا

فرحین بما اتیهم الله . . . الا خوف علیهم و لا هم یحزنون

چون گناه در عالم برزخ و قیامت موجب حزن و اندوه خواهد بود، و به دلیل <الا خوف . . . > ، شهیدان هیچگونه حزن و اندوهی ندارند، معلوم می شود تمام گناهان آنان مورد عفو الهی قرار گرفته است.

ادراک حیات شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۵

۵ - اندیشه ها ، از درک زنده بودن شهیدان ناتوان است .

بل أحياء و لكن لاتشعرون

اطمینان شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۵ - ۴

۴- شهیدان ، برخوردار از آسودگی خاطر در پرتو عنایت خداوند *

و یصلح بالهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <بال>، به معنای قلب و خاطر باشد و <إصلاح> به

معنای زدایش نگرانی ها و آرامش بخشیدن به آن.

امتحان با شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۵

۵ - کشته شدن راه خدا، وسیله ای برای آزمون جامعه ایمانی هستند.

و لنبلونکم بشيء .. و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرت

مصدق مورد نظر برای <نقص الأنفس> - به قرینه آیات قبل - کشته شدگان راه خداست.

امنیّت شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۳، ۱۴

۱۳ سعادت و امتیّت کامل شهدا و کشته شدگان در راه خدا

الّا خوف علیهم و لا هم یحزنون

کلمه <خوف> نکره است و پس از حرف نفی (لا)، دلالت بر نبودن هیچ گونه ترس و دلهره ای دارد؛ یعنی امتیّت کامل.

۱۴ جاودانگی حیات، تنعم و امتیّت خاطر شهیدان *

الّا خوف علیهم و لا هم یحزنون

نفی ترس و اندوه، مستلزم نفی فناپذیری است. چرا که از جمله اسباب ترس آفرین و غم انگیز، فناپذیری و نابودی است.

بازماندگان شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۲

۲ دلداری خداوند به مؤمنان و بازماندگان شهدا

و لا تحسبنّ الذين قتلوا في سبيل الله امواتا

برگزیدگی شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۴

۱۴ شهیدان و قربانیان راه اسلام ، برگزیدگان خداوند

و يتخذ منكم شهداء

بنابر اینکه مراد از <شهداء>، کشته شدگان در جنگ باشد ، چنانچه برخی از مفسران بر این عقیده هستند.

بقای

عمل شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۷

۲۷- وعده خداوند ، به حفظ و تداوم اعمال و تلاش های شهیدان

و الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه فلن یضلّ عملهم

مراد از <فلن یضلّ> ممکن است هدر رفتن تلاش ها و ایثارگری های شهیدان، در دنیا باشد؛ یعنی، گرچه شهیدان خود چشم فرومی بندند؛ اما خداوند خود آرمان ها و تلاش هایشان را پاس می دارد.

پاداش شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۱

۲۱ پاداش مهاجران ، آوارگان ، آزردیدگان در راه خدا ، مجاهدان و شهیدان ، تضمین شده از سوی خداوند

انّی لا اضع عمل عامل منکم .. فالذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبی

لام قسم و نون تأکید در <لاکفرن> و در <لادخلن> دلالت بر تأکید و تضمین پاداش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۱۱

۱۱ یکسانی پاداش رزمندگان شهید و مجاهدان پیروز

فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۶

۱۶ تضمین قطعی بهشت از سوی خداوند ، برای مجاهدان رزمنده ای که سرانجام به شهادت می رسند . *

برداشت فوق بدین احتمال است که <و یقتلون> قید باشد؛ یعنی، صرفاً کشتن دشمنان خدا تضمین کننده بهشت نیست و به حساب معامله با خدا گذاشته نمی شود؛ بلکه کشتن و نهایتاً کشته شدن، معامله با خداست.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۶ - ۱

۱- بهشت موعود ، پاداش شهیدان راه خدا

و یدخلهم الجنه عرفها لهم

پیروزی شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۸

۲۸- کشته شدگان راه خدا ، پیروزمندان صحنه آزمون الهی (جهاد)

و لكن لیلوا بعضکم ببعض و الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه فلن یضلّ عملهم

خداوند، پس از معرفی جهاد به عنوان آزمون مؤمنان و کافران، تنها به یک گروه نوید داده است و آن کشته شدگان راه حق و شهیدان اند. از این نوید استفاده می شود که پیروزمندان این آزمون همانان هستند.

تکامل شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۵ - ۳

۳- شهیدان راه خدا ، دارای رشد و تکامل معنوی ، حتی پس از شهادت

سیدیههم و یصلح بالهم

در صورتی که معنای <بالهم> قلب باشد، لازمه اصلاح قلب تکامل معنوی است.

حامی شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۵ - ۱

۱- شهیدان در همه مراحل پس از شهادت ، برخوردار از هدایت و حمایت خداوند

سپه‌دیه‌م و یصلح بالهم

ضمیر <هم> به <الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه> بازمی‌گردد. <بال> در <بالهم> یا به معنای شأن و امر (مفرد امور) و یا قلب است. برداشت یاد شده ناظر به معنای نخست می‌باشد.

حتمیت پاداش شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۹

۲۹- تضمین قطعی پاداش شهیدان ، از سوی خداوند

و

الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه فلن یضلّ عملهم

<فلن یضلّ..> می تواند ناظر به آخرت باشد.

حیات شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۱،۲،۹

۱ - کشته شدگان راه خدا، زنده و برخوردار از حیاتی ویژه اند.

و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّٰه أموت بل أحياء

از آن جا که غیر شهیدان نیز از زندگی برزخی برخوردارند، معلوم می شود: حیاتی که خداوند برای شهیدان بیان داشته، حیات و زندگانی ویژه ای است.

۲ - نباید کشته شدگان راه خدا را مرده خواند و آنان را در شمار مردگان قلمداد کرد.

و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّٰه أموت بل أحياء

۹ - اعطای حیات ویژه به شهیدان، جلوه ای از همراهی و حمایت خداوند از صبرپیشگان راه ایمان است.

إن اللّٰه مع الصّبرین. و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّٰه أموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۱،۳،۶،۸،۱۲

۱ مرده پنداشتن کشته شدگان در راه خدا (شهادت) از سوی برخی، و نهی خداوند از این پندار

و لا تحسبنّ الذّین قتلوا فی سبیل اللّٰه أمواتا

۳ شهیدان راه خدا، زنده و برخوردار از روزی در پیشگاه پروردگار خویش

بل أحياء عند ربّهم یرزقون

در برداشت فوق <عند ربّهم>، متعلق به <یرزقون> گرفته شده است.

۶ برخورداری شهیدان از حیاتی ویژه در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احياء عند ربهم يرزقون

نکره بودن کلمه <احیاء> اشاره به این معنا دارد که حیات شهیدان حیاتی است که برای انسانها در دنیا ناشناخته است.

بنابراین حیاتی ویژه خواهد بود.

۸ تفاوت زندگی و حیات شهدا با دیگر انسان ها ، در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احياء عند ربهم يرزقون

چون از نظر قرآن دیگر مردگان نیز از حیات برزخی برخوردارند، مطرح کردن حیات ویژه برای شهیدان، حکایت از تفاوت این دو حیات دارد.

۱۲ حیات شهیدان و چگونگی آن فراتر از درک مردمان عادی و تنها در خور فهم کسانی همچون پیامبر (ص) *

و لا تحسین... عند ربهم يرزقون

از اینکه خداوند در آیات قبل همه مؤمنان را مخاطب قرار می دهد ولی در این آیه تنها خطابش را متوجه پیامبر (ص) (و لا تحسین به صیغه مفرد) کرده، می تواند اشاره به این معنا باشد که مضمون این آیه یعنی حیات شهیدان پس از شهادت، تنها در خور فهم پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۴، ۵، ۸، ۳

۳ حیات ویژه و مقام والای شهیدان و ارتزاق آنها نزد خداوند ، از تفضلات الهی به آنان

فرحین بما اتیهم الله من فضله

بنابر اینکه مراد از <ما اتیهم الله>، همان باشد که در آیه قبل بیان شد ؛ یعنی حیات ویژه و ...

۵ زندگی برتر و بهتر شهدا در عالم برزخ ، نسبت به زندگی آنان در دنیا

فرحین بما اتیهم الله من فضله و یستبشرون

شادمانی شهیدان و نیز آرزوی رسیدن دیگر همزمانشان به تفضل الهی، حاکی از برتری زندگی اخروی و برزخی آنان نسبت به زندگی دنیاست.

۸ زندگی جمعی شهیدان در عالم برزخ *

و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم

<لم يلحقوا بهم>، دلالت بر این دارد که هم‌زمان شهیدان پس از شهادت به آنان ملحق می‌شوند. بنابراین شهیدان به صورت متفرق زندگی نمی‌کنند، بلکه شهیدان سراسر تاریخ به یکدیگر می‌پیوندند.

۱۴ جاودانگی حیات، تنعم و امتیّت خاطر شهیدان *

الّا خوف علیهم و لا هم یحزنون

نفی ترس و اندوه، مستلزم نفی فناپذیری است. چرا که از جمله اسباب ترس آفرین و غم انگیز، فناپذیری و نابودی است.

خشنودی شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۲، ۶، ۴، ۱

۱ سرور و شادمانی کشته شدگان راه خدا، به آنچه خداوند از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است.

فرحین بما اتیهم الله من فضله

۴ فضل الهی و عطایای بیش از استحقاق به شهیدان، موجب شادمانی آنان

فرحین بما اتیهم الله من فضله

با توجه به معنای <فضل> (بخشش بیش از حد استحقاق و از روی عنایت)، برداشت فوق استفاده شده است.

۶ شادمانی و علاقه شهیدان نسبت به سعادت‌مندی دیگر مجاهدان و رسیدنشان به مقام کشته شدگان راه خدا

و یتبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم

۱۲ شادمانی شهیدان از نبودن هیچ ترس و اندوهی برای مجاهدان راه خدا پس از شهادت

و یتبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الّا خوف علیهم و لا هم یحزنون

استبشار به معنی شادمانی بر اثر دریافت بشارت است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۷، ۱

۱ شادمانی شهیدان از نعمت و فضل خاص الهی

یستبشرون بنعمه من الله و فضل

نکره بودن کلمه <بنعمه> و

<فضل>، دلالت بر نعمت و فضلی ناشناخته برای انسانها دارد. بنابراین نعمت و فضلی خاصّ است.

۷ شادمانی شهیدان از اینکه خداوند اجر مؤمنان را تباه نمی سازد .

یستبشرون بنعمه . .. انّ الله لا یضیع اجر المؤمنین

جمله <ان الله>، عطف بر کلمه <نعمه> است ؛ یعنی <یستبشرون بان الله لا یضیع>.

دعای شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۶

۶ شادمانی و علاقه شهیدان نسبت به سعادت‌مندی دیگر مجاهدان و رسیدنشان به مقام کشته شدگان راه خدا

و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم

روزی شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۳،۱۶

۳ شهیدان راه خدا، زنده و برخوردار از روزی در پیشگاه پروردگار خویش

بل احیاء عند ربهم یرزقون

در برداشت فوق <عند ربهم>، متعلق به <یرزقون> گرفته شده است.

۱۶ ارتزاق شهیدان در پیشگاه خداوند، پرتوی از ربوبیت او

عند ربهم یرزقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱،۳،۱۴

۱ سرور و شادمانی کشته شدگان راه خدا، به آنچه خداوند از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است .

فرحين بما آتاهم الله من فضله

۳ حیات ویژه و مقام والای شهیدان و ارتزاق آنها نزد خداوند ، از تفضّلات الهی به آنان

فرحين بما آتاهم الله من فضله

بنابر اینکه مراد از <ما آتاهم الله>، همان باشد که در آیه قبل بیان شد ؛ یعنی حیات ویژه و

۱۴ جاودانگی حیات ، تنعم و امتیّت خاطر

شهیدان *

الّا خوف علیهم و لا هم یحزنون

نفی ترس و اندوه، مستلزم نفی فناپذیری است. چرا که از جمله اسباب ترس آفرین و غم انگیز، فناپذیری و نابودی است.

زندگی برزخی شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۸

۸ - شهیدان ، برخوردار از زندگی بهشتی در عالم برزخ

قیل ادخل الجنّه

سعادت شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۳

۱۳ سعادت و امتیّت کامل شهدا و کشته شدگان در راه خدا

الّا خوف علیهم و لا هم یحزنون

کلمه <خوف> نکره است و پس از حرف نفی (لا)، دلالت بر نبودن هیچ گونه ترس و دلهره ای دارد؛ یعنی امتیّت کامل.

شهیدان در برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۵۸،۱۱

۵ زندگی برتر و بهتر شهدا در عالم برزخ ، نسبت به زندگی آنان در دنیا

فرحین بما اتیهم الله من فضله و یستبشرون

شادمانی شهیدان و نیز آرزوی رسیدن دیگر همزمانشان به تفضل الهی، حاکی از برتری زندگی اخروی و برزخی آنان نسبت

به زندگی دنیاست.

۸ زندگی جمعی شهیدان در عالم برزخ *

و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم

جمله <لم یلحقوا بهم>، دلالت بر این دارد که همزمان شهیدان پس از شهادت به آنان ملحق می شوند. بنابراین شهیدان به صورت متفرق زندگی نمی کنند، بلکه شهیدان سراسر تاریخ به یکدیگر می پیوندند.

۱۱ شهیدان در عالم برزخ، شاهد مقامات خویش و دیگر مجاهدان راه خدا

فرحین . . . و یستبشرون بالذین لم

يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف عليهم ولا هم يحزن

چون آیه در مقام رد پندار کسانی است که شهیدان را مرده می پندارند، خداوند با ذکر آیات مورد بحث می خواهد حالات و پادشاهی شهیدان را پس از شهادت بیان کند، نه مقامات و پاداش آنان را در قیامت.

شهیدان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۶ - ۱

۱- بهشت موعود ، پاداش شهیدان راه خدا

و یدخلهم الجنة عزفها لهم

ضامن بهشت شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۶

۱۶ تضمین قطعی بهشت از سوی خداوند ، برای مجاهدان رزمنده ای که سرانجام به شهادت می رسند . *

فیقتلون و یقتلون

برداشت فوق بدین احتمال است که <و یقتلون> قید باشد ؛ یعنی، صرفاً کشتن دشمنان خدا تضمین کننده بهشت نیست و به حساب معامله با خدا گذاشته نمی شود ؛ بلکه کشتن و نهایتاً کشته شدن، معامله با خداست.

علم شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۰

۱۰ آگاهی شهدا از وضعیّت مجاهدان مؤمن در دنیا *

و یتبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم

عوامل اطمینان شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۱

۲۱ تورات ، انجیل و قرآن ، سند وعده های خدا به مجاهدان و شهیدان و مایه اطمینان آنان

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرآن

فضایل شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۱۰

۱۰ بیان مقام والای آنانکه در راه خدا می میرند و یا کشته می شوند ، نشان دهنده بطلان ارزیابی کفرپیشگان درباره حیات و مرگی

لو كانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا . . . و لئن قتلتم او متم لمغفره من الله و رح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۳،۷،۱۳

۳ شهیدان راه خدا ، زنده و برخوردار از روزی در پیشگاه پروردگار خویش

بل احياء عند ربهم يرزقون

در برداشت فوق <عند ربهم>، متعلق به <يرزقون> گرفته شده است.

۷ عظمت و مقام والای شهدا و کشته شدگان در راه خدا

بل احياء عند ربهم يرزقون

از اینکه آنان در پیشگاه خداوند روزی داده می شوند و در آن مقام حاضرند، عظمت مقام آنان به دست می آید.

۱۳ شهیدان ، پرورش یافتگان مقام ربوبی خداوند هستند .

بل احياء عند ربهم يرزقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۲،۳،۶،۱۱

۲ لطف و عنایت خداوند به کشته شدگان در راه او (شهیدان)

فرحين بما اتاهم الله من فضله

۳ حیات ویژه و مقام والای شهیدان و ارتزاق آنها نزد خداوند ، از تفضلات الهی به آنان

فرحين بما آتاهم الله من فضله

بنابر اینکه مراد از <ما آتاهم الله>، همان باشد که در آیه قبل بیان شد؛ یعنی حیات ویژه و

۶ شادمانی و علاقه شهیدان نسبت به سعادت‌مندی دیگر مجاهدان و رسیدنشان به مقام کشته شدگان راه خدا

و يستبشرون بالَّذين لم يلحقوا

بهم من خلفهم

۱۱ شهیدان در عالم برزخ ، شاهد مقامات خویش و دیگر مجاهدان راه خدا

فرحین . . . و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزن

چون آیه در مقام رد پندار کسانی است که شهیدان را مرده می پندارند، خداوند با ذکر آیات مورد بحث می خواهد حالات و پادشاهی شهیدان را پس از شهادت بیان کند، نه مقامات و پاداش آنان را در قیامت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۸

۸ مقام والای شهیدان ، در پیشگاه خداوند

یستبشرون بنعمه من الله و فضل و ان الله لا یضیع اجر المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۲

۲۲ مهاجر آواره و آزار دیده در راه خدا ، و جهادگر و جان باخته ، مصداق مؤمن خردمند

لایات لاولی الالباب . . . فالذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم ... و قاتلوا و قتلوا

اجابت دعای خردمندان به دلیل اعمال آنان است. <انّی لا اضعی ... > و جمله <فالذین > به دلیل <فا>، بیانگر آن اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ مقام والای انبیا ، صدیقان ، شاهدان (گواهان اعمال یا عالمان یا کشته شدگان در راه خدا) و صالحان

فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۵ - ۳،۴،۱

در همه مراحل پس از شهادت ، برخوردار از هدایت و حمایت خداوند

سپه‌دیه‌م و یصلح بالهم

ضمیر <هم> به <الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه> بازمی‌گردد. <بال> در <بالهم> یا به معنای شأن و امر (مفرد امور) و یا قلب است. برداشت یاد شده ناظر به معنای نخست می‌باشد.

۳- شهیدان راه خدا ، دارای رشد و تکامل معنوی ، حتی پس از شهادت

سپه‌دیه‌م و یصلح بالهم

در صورتی که معنای <بالهم> قلب باشد، لازمه اصلاح قلب تکامل معنوی است.

۴- شهیدان ، برخوردار از آسودگی خاطر در پرتو عنایت خداوند *

و یصلح بالهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <بال>، به معنای قلب و خاطر باشد و <إصلاح> به معنای زدایش نگرانی‌ها و آرامش بخشیدن به آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۶ - ۳

۳- خداوند ، هدایتگر شهیدان به منزل آشنای بهشت

سپه‌دیه‌م ... و یدخلهم الجنّه عرفها لهم

کمال شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۱۴

۱۴ شهادت ، وسیله رشد و تکامل شهید

بل احياء عند ربهم يرزقون

با توجه به معنای <ربهم> که خداوند مربّی و تربیت کننده شهیدان است، معلوم می‌شود که شهادت زمینه‌ای برای بهره

مندی از ربوبیت خاص الهی است.

مقام شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۵

۱۵ منزلت والای شهیدان

و یتخذ منکم شهداء

برگزیدن شهیدان از سوی خداوند، حاکی از مقام والای آنان است ؛ چون تا از آنان راضی نباشد و دوستشان نداشته باشد، آنان

را برنمی گزیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۹

۹ اشتیاق مؤمنان به حضور در میدان جهاد و شهادت ، پس از آگاهی از درجات شهدای بدر

و لقد كنتم تمنون الموت من قبل

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: فَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَمَّا أَخْبَرَهُمَ اللَّهُ بِالَّذِي فَعَلَ بِشَهَادَتِهِمْ يَوْمَ بَدْرٍ وَمَنَازِلِهِمْ مِنَ الْجَنَّةِ رَغِبُوا فِي ذَلِكَ فَقَالُوا اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا الْقِتَالَ نَسْتَشْهَدُ فِيهِ.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۱۹؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱.

مقامات شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۱،۲

۱ - کشته شدگان راه خدا، زنده و برخوردار از حیاتی ویژه اند .

و لا تقولوا لمن يقتل فی سبیل اللّٰه أموت بل أحياء

از آن جا که غیر شهیدان نیز از زندگی برزخی برخوردارند، معلوم می شود: حیاتی که خداوند برای شهیدان بیان داشته، حیات و زندگانی ویژه ای است.

۲ - نباید کشته شدگان راه خدا را مرده خواند و آنان را در شمار مردگان قلمداد کرد .

و لا تقولوا لمن يقتل فی سبیل اللّٰه أموت بل أحياء

نعمتهای شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۴

۴ ساحران مؤمن به موسی ، معتقد به دستیابی کشته شدگان راه خدا به موهبتهایی برتر از نعمت ها و آسایش های دنیوی

إنا إلی ربنا منقلبون

ورود شهیدان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۶ - ۳

۳- خداوند ، هدایتگر شهیدان به منزل

آشنای بهشت

سیدیههم ... و یدخلهم الجنه عرفها لهم

وعده به شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرآن

هدایت شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۵ - ۱

۱- شهیدان در همه مراحل پس از شهادت ، برخوردار از هدایت و حمایت خداوند

سیدیههم و یصلح بالهم

ضمیر <هم> به <الذین قتلوا فی سبیل الله> بازمی گردد. <بال> در <بالهم> یا به معنای شأن و امر (مفرد امور) و یا قلب است. برداشت یاد شده ناظر به معنای نخست می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۶ - ۳

۳- خداوند ، هدایتگر شهیدان به منزل آشنای بهشت

سیدیههم ... و یدخلهم الجنه عرفها لهم

شهر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شهر

۱۴ شهرنشینی با وجود در پی داشتن فرهنگ بالاتر، خطر نفاق و پیچیده تر شدن در طریق انحراف را نیز در پی دارد.

الأعراب أشد كفراً و نفاقاً... و من أهل المدينة مردوا على النفاق

در آیه <۹۷> با مذمت بادیه نشینان به خاطر فرهنگ پایینشان تلویحاً پیوستن به مجامع بزرگ را تمجید می کند و در این آیه، منافقان اهل مدینه را به مهارت داشتن در نفاق و زبر دست بودن بر بادیه نشینان

متهم می کند؛ یعنی، در کنار آن ارزش، چنین ضد ارزشی بروز می کند.

اثار شهر نشینی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۷

۳۷ - شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش، زمینه ساز عصیانگری، تجاوز، کشتن پیامبران و کفرشان بود.

لن نصبر علی طعام وحد .. اهبطوا مصراً ... و ضربت علیهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه؛ یعنی، <و ضربت علیهم الذله ..> با بخش اول آیه است.

ارزش شهر نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۹

۱۹ زندگانی در شهرها و آبادیها، برتر از صحرائنشینی و بیابان گردی است.

قد أحسن بی إذ .. جاء بکم من البدو

از اینکه یوسف(ع) کوچ کردن خاندان یعقوب از صحراها و بیابانها را به شهر و آبادی از احسانها و نعمتهای خداوند شمرد، برداشت فوق استفاده می شود.

اهالی شهر قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۴

۴- هیچ یک از مردم شهر، حاضر به میزبانی و اطعام موسی و خضر(ع) نشد.

استطعما أهلها فأبوا أن یضیفوهما

<إباء> به معنای <امتناع و سرباز زدن> است.

حتمیت ویرانی شهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۴

۴- ویرانی شهرها و مرگ و میر همه مردمان قبل از قیامت ، امری حتمی ، غیر قابل تغییر و نوشته شده

در کتاب تقدیر الهی است .

كان ذلك في الكتب مسطورًا

<ال> در <الكتاب> برای معرفه و عهد است و مراد از آن، لوح محفوظ و کتاب تقدیر است.

خروج فرعون از شهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷ - ۱

۱ - خارج شدن فرعون و فرعونیان از شهر برای تعقیب بنی اسرائیل

فأخرجهم

خروج فرعونیان از شهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - خارج شدن فرعون و فرعونیان از شهر برای تعقیب بنی اسرائیل

فأخرجهم

۲ - حرکت فرعونیان در پی بنی اسرائیل ، تدبیر الهی برای جدا شدن آنان از نعمت های سرزمین مصر بود .

فأخرجهم من جنّت و عیون

اسناد فعل <إخراج> به ضمیر <نا> بیانگر مطلب یاد شده است.

خطر انحراف در شهر نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ شهرنشینی با وجود در پی داشتن فرهنگ بالاتر ، خطر نفاق و پیچیده تر شدن در طریق انحراف را نیز در پی دارد .

الأعراب أشد كفراً و نفاقاً .. و من أهل المدينة مردوا على النفاق

در آیه <۹۷> با مذمت بادیه نشینان به خاطر فرهنگ پابینشان تلویحاً پیوستن به مجامع بزرگ را تمجید می کند و در این آیه، منافقان اهل مدینه را به مهارت داشتن در نفاق و زبردست بودن بر بادیه نشینان متهم می کند؛ یعنی، در کنار آن ارزش، چنین ضد ارزشی بروز می کند.

خطر نفاق در شهر نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۴ شهرنشینی با وجود در پی داشتن فرهنگ بالاتر، خطر نفاق و پیچیده تر شدن در طریق انحراف را نیز در پی دارد.

الأعراب أشد كُفراً و نفاقاً... و من أهل المدينة مردوا على النفاق

در آیه <۹۷> با مذمت بادیه نشینان به خاطر فرهنگ پایبندان تلویحاً پیوستن به مجامع بزرگ را تمجید می کند و در این آیه، منافقان اهل مدینه را به مهارت داشتن در نفاق و زبردست بودن بر بادیه نشینان متهم می کند؛ یعنی، در کنار آن ارزش، چنین ضد ارزشی بروز می کند.

زمینه آبادانی شهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۳

۳ - استغفار و ایمان، از عوامل ازدیاد اموال و فرزندان و آبادانی شهرها و روستاها (پیدایش باغها و نهرها و...)

استغفروا ربکم... و یمدکم بأموال و بنین و يجعل لکم جنّ و يجعل لکم أنهرًا

زمینه ویرانی شهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۴

۴ - کفر و گناه، از عوامل کم شدن اموال و تعداد فرزندان و خرابی شهرها و روستاها (نابودی باغها، نهرها و...)

استغفروا ربکم... و یمدکم بأموال و بنین... و يجعل لکم أنهرًا

شهر انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۳

- انطاکیه ، در عصر حبیب نجار و آمدن رسولان الهی بدان جا ، به صورت شهر بود .

و جاء من أقصا المدینه رجل

شهر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۱ - ۶

۶ - مکه مکرمه ، شهر خدا و خدا صاحب آن است .

أن أعبد ربّ هذه البلده

شهر دمشق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ - > عن النبی (ص) أنه تلا هذه الآیه > و آویناهما إلی ربوه ذات قرار و معین < . . . قال : هی بالشام بأرض یقال لها الغوطه ، مدینه یقال لها دمشق هی خیر مدن الشام ;

از رسول خدا (ص) روایت شده که آن حضرت آیه > و آویناهما إلی ربوه ذات قرار و معین < را قرائت کرد و فرمود: این (ربوه) در شام است در سرزمینی بنام غوطه. آن شهری است به نام دمشق که بهترین شهرهای شام است <.

شهر قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲،۵

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند ، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی ، دور بودند .

فأبوا أن يضيّفوهما

شهر قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۶

۶- ابراهیم (ع) ، در زمان عذاب شدن قوم لوط ، در نزدیکی شهر آنان اقامت داشته است .

و لما جاءت رسلنا إبرهیم .. إنا مهلكوا أهل هذه القرية

اسم اشاره <هذه> که بر نزدیک بودن مشارالیه اش دلالت دارد نکته بالا را می رساند.

شهر مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، دعای حضرت ابراهیم (ع) (شهر شدن سرزمین مکه و امنیت و رفاه مؤمنان آن) را مستجاب کرد .

رب اجعل .. قال و من كفر فأتعه قليلا

ابراهیم، در دعای خویش اشاره به این داشت که: خداوند، کافران مکه را از روزیهای خویش محروم سازد. جمله <و من كفر فأتعه> (ولی آن کس که کافر شود او را بهره ای اندک خواهم داد) پاسخ منفی خداوند به این تقاضای ابراهیم است. رد بخشی از یک درخواست، حکایت از اجابت دیگر درخواستها دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۷

۷- مکه در عصر حضرت ابراهیم (ع) دارای بافت شهری بود .

و إذ قال إبرهیم ربّ اجعل هذا البلد ءامناً

عوامل نابودی شهرها

۱- خداوند ، بسیاری از شهر ها و آبادی ها را به خاطر ستم مردمانشان به شدت در هم شکست و نابود کرد .

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه

<قَصْمٌ> (مصدر <قصمنا>) به معنای شکستن شدید شیء است، به گونه ای که به اجزا و قطعات پراکنده تبدیل شود (لسان العرب). مقصود از آن در این آیه، نابودی و هلاکت است.

عوامل ویرانی شهر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۳،۴

۳- ویرانی شهر ها ، تباهی جامعه و ذلت عزّتمندان ، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَہَ أَهْلِهَا أُذَہُ

۴- تأکید بلقیس بر استمرار شیوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خویش

قالت إِنَّ الْمُلُوكَ .. و کذلک یفعلون

نقش شهر های بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۵

۵- گزینش شهر های بزرگ و مرکزی از سوی خداوند برای بعثت فرستادگان خود

حَتَّىٰ یَبْعَثَ فِی أُمَّہَا رَسُولًا

<أُمَّ الْقُرَی> به شهری گفته می شود که نسبت به شهرهای دیگر حالت مرکزیت داشته باشد و مردم آن شهرها برای رفع نیازمندی های خود و .. به آن جا مراجعه کنند.

واژگونی شهر قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- شهر قوم لوط ، علی رغم زیر و رو شدن و زیر باران کلوخ قرار گرفتن ، کاملاً منهدم نشد و سالیان درازی آثار آن باقی ماند

فجعلنا عليها سافلها و أمطرنا عليهم حجاره من سجّيل .. و إنهما ليامام مبین

ویرانی شهر بصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۳ - ۵

۵ - > عن أبي بصير عن أبي عبدالله (ع) في قول الله ... > و المؤتفكه أهوى < قال : هم أهل البصره هي المؤتفكه ... >

ابی بصیر از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند .. > و المؤتفكه أهوى < روایت نموده که مراد، اهل بصره هستند. آن جا شهر زیور و شده است...>.

ویرانی شهر قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۵ - ۱

۱ - مأموران عذاب قوم لوط ، شهر آن قوم را ، با عذابی آسمانی ، درهم کوبیدند .

إننا منزلون على أهل هذه القرية رجلاً من السماء.. و لقد تركنا منها ءایه

ویرانی شهر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۸

۸ واژگون شدن بسیاری از شهر های آباد با نزول عذاب الهی

و المؤتفكت

>ائتفكك< به معنای انقلاب و زیر و رو شدن است. بنابراین مقصود از >مؤتفكات< به قرینه مقام، شهرهایی است که با عذاب و قهر الهی زیر و رو شده اند.

شهر نشینی

آثار شهر نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ شهرنشینی با وجود در پی داشتن فرهنگ بالاتر ، خطر نفاق و پیچیده تر شدن در طریق انحراف را نیز در پی دارد .

الأعراب أشد

كفراً و نفاقاً .. و من أهل المدینه مردوا على النفاق

در آیه <۹۷> با مذمت بادیه نشینان به خاطر فرهنگ پابینشان تلویحاً پیوستن به مجامع بزرگ را تمجید می کند و در این آیه، منافقان اهل مدینه را به مهارت داشتن در نفاق و زبردست بودن بر بادیه نشینان متهم می کند؛ یعنی، در کنار آن ارزش، چنین ضد ارزشی بروز می کند.

اثر شهر نشینی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۷

۳۷ - شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش، زمینه ساز عصیانگری، تجاوز، کشتن پیامبران و کفرشان بود.

لن نصبر على طعام وحد .. اهبطوا مصرأ ... و ضربت عليهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه؛ یعنی، <و ضربت عليهم الذله ..> با بخش اول آیه است.

ارزش شهر نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۹

۱۹ زندگانی در شهرها و آبادیها، برتر از صحرانشینی و بیابان گردی است.

قد أحسن بی إذ .. جاء بكم من البدو

از اینکه یوسف (ع) کوچ کردن خاندان یعقوب از صحراها و بیابانها را به شهر و آبادی از احسانها و نعمتهای خداوند شمرد، برداشت فوق استفاده می شود.

خطر انحراف در شهر نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ شهرنشینی با وجود در پی داشتن فرهنگ بالاتر، خطر نفاق و پیچیده تر شدن در طریق انحراف

را نیز در پی دارد .

الأعراب أشد كفراً و نفاقاً .. و من أهل المدینه مردوا علی النفاق

در آیه <۹۷> با مذمت بادیه نشینان به خاطر فرهنگ پایانشان تلویحاً پیوستن به مجامع بزرگ را تمجید می کند و در این آیه، منافقان اهل مدینه را به مهارت داشتن در نفاق و زبر دست بودن بر بادیه نشینان متهم می کند؛ یعنی، در کنار آن ارزش، چنین ضد ارزشی بروز می کند.

خطر نفاق در شهر نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ شهرنشینی با وجود در پی داشتن فرهنگ بالاتر، خطر نفاق و پیچیده تر شدن در طریق انحراف را نیز در پی دارد .

الأعراب أشد كفراً و نفاقاً .. و من أهل المدینه مردوا علی النفاق

در آیه <۹۷> با مذمت بادیه نشینان به خاطر فرهنگ پایانشان تلویحاً پیوستن به مجامع بزرگ را تمجید می کند و در این آیه، منافقان اهل مدینه را به مهارت داشتن در نفاق و زبر دست بودن بر بادیه نشینان متهم می کند؛ یعنی، در کنار آن ارزش، چنین ضد ارزشی بروز می کند.

شهرها

عذاب با ویرانی شهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۱

۱ جوشش آب های سیل آسا، بارش باران های طوفان زا، زیر و زبر شدن آبادیها، فرو ریختن سنگ های عذاب و ایجاد صیحه و غرش های تخریب گر، نمونه هایی است از عقوبت های الهی و عذاب های استیصال .

و كذلك

أخذ ربك

<ذلك> اشاره به عذابهایی است که در این سوره بیان شده است؛ از قبیل طوفان نوح، زیر و زبر شدن آبادیهای قوم لوط و ...

شہوت پرستی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار شہوت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۲

۲ شہوت پرستی و زراندوزی، زمینه کفر و تکذیب آیات الہی

زین للناس حبّ الشّهوات .. من الذهب و الفضة

بنابراینکه منظور از <للناس>، کافران باشد؛ به قرینه آیات پیشین که سخن از آنان بود.

شہوترانان

اضلال شہوترانان

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۷ - ۴

۴ تلاش شہوترانان برای انحراف جوامع دینی از حدود و مقررات الہی در روابط جنسی

و یرید الذین یتبعون الشّهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً

شہوترانی

{شہوترانی}

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۸

۸ پرهیز از شیفتگی به تمایلات نفسانی ، عامل دستیابی به بهشت جاودان و رضوان الهی

لَّذِينَ اتَّقُوا عِنْدَ رَبِّهِمْ

به قرینه آیه قبل می توان مفعول <اتَّقُوا> را موارد ذکر شده در آن آیه دانست. موارد یاد شده عبارت است از حب و شیفتگی به شهوات و گفتنی است معنای لغوی <اتَّقُوا>، پرهیز و دوری است.

آثار شهوترانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۷ - ۹

۹ هواپرستی و شهوترانی ، مایه دوری از رحمت الهی

وَاللَّهُ يَرِيْدُ اَنْ يَّتُوبَ عَلَيْكُمْ وَّ يَرِيْدُ الَّذِيْنَ يَتَّبِعُوْنَ الشَّهْوَاتِ اَنْ تَمِيْلُوْا مِيْلًا عَظِيْمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۵ شهوت پرستی بیش از حد قوم لوط ، موجب گرایش آنان به لواط شد .

إنکم لتأتون . . .

بل أنتم قوم مسرفون

بدان احتمال که جمله <بل أنتم قوم مسرفون> به منزله علتی برای گرایش قوم لوط به لواط باشد. یعنی چون اسرافگر بودید به لواط مبتلا شدید. در این صورت مراد از اسراف، به مناسبت مورد، اسراف در شهوت جنسی خواهد بود.

کیفر شهوترانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ انسان، ناتوان از تحمل عواقب انحراف از حدود الهی در روابط جنسی

و یرید الذین یتبعون الشّهوات ان تمیلوا میلا عظیماً .. خلق الانسان ضعیفاً

جمله <خلق الانسان ضعیفاً> می تواند بیانگر علت لزوم پیروی از احکام الهی در ازدواج و اجتناب از پیروی هواپرستان باشد. یعنی قوانین الهی، جوامع را سبکبار خواهد کرد و انحراف از آن موجب مشقت خواهد شد و انسان توان تحمل آن مشقتها را ندارد.

مبارزه با شهوترانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۷

۲۷ فراهم آوردن ازدواج های سهل و آسان در جامعه، راه جلوگیری از مفسد جنسی

و من لم یستطع .. فمن ما ملکت ایمانکم ... ذلک لمن خشی العنت منکم

چون ازدواج با کنیزان سهل است و خداوند برای جلوگیری از زنا و مفسد جنسی آن را پیشنهاد و تجویز کرده، معلوم می شود که بهترین راه برای جلوگیری از مفسد جنسی، فراهم آوردن ازدواج سهل و آسان است.

موانع شهوترانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ توجه به خدا و استعاذه به درگاه او ، راهی برای مصون ماندن

از فرجام نامیمون شهوات جنسی

قال معاذ الله

شهود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شهود

شهود آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۹ - ۳

۳ تقسیم پدیده های جهان به غیب و شهود از طبقه بندی های هستی در قرآن

الغیب و الشهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۹

۹ - جهان هستی ، متشکل از حقایق غیبی و ناشناخته و امور محسوس و شناختنی

علم الغیب و الشهده

مراد از شهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۸

۱۸ عن أبي عبدالله(ع) فی قوله عز و جل: <عالم الغیب و الشهاده> فقال: الغیب ما لم یکن و الشهاده ما قد کان.

از امام صادق(ع) درباره <عالم الغیب و الشهاده> روایت شده است: <غیب> آن است که به وجود نیامده و <شهاده> آن است که به هستی در آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ > عن ابی عبدالله (ع) فی قوله عزّ و جلّ : < عالم الغیب و الشّهاده > : الغیب ما لم یکن و الشّهاده ما قد کان ;

از امام صادق (ع) در معنای غیب و شهادت در آیه شریفه روایت شده: غیب آن است که به وجود نیامده و شهادت آن است که به وجود آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۹ - ۵

۵ > عن أبی عبدالله (ع) فی قوله عزوجل : >

عالم الغیب و الشهاده < فقال : > الغیب ما لم یکن والشهاده ما قد کان ;

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خدای عزوجل: <عالم الغیب و الشهاده> فرمود: غیب چیزی است که به وجود نیامده و شهادت چیزی است که وجود پیدا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۶ - ۹

۹ - < عن أبی عبد الله (ع) فی قول الله عزوجل : > عالم الغیب و الشهاده < . فقال : الغیب ، ما لم یکن و الشهاده ، ما قد کان ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خداوند عزوجل: <عالم الغیب و الشهاده> روایت شده که گفت: غیب چیزی است که هنوز واقع نشده و شهادت، چیزی است که محقق گشته است.

مراد از عالم شهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۲ - ۶

۶ - < عن أبی عبد الله (ع) فی قوله عزوجل : > عالم الغیب و الشهاده < فقال : الغیب ما لم یکن و الشهاده ما قد کان ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره سخن خداوند عزوجل <عالم الغیب و الشهاده> فرمود: <غیب> چیزی است که واقع نشده و <شهادت> چیزی است که محقق گشته است.

نشئه شهود انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۳

۳ هر یک از انسان ها پس از خلقتشان در حیات دنیا ، دارای دو نشئه وجودی هستند : نشئه شهود ارتباط خویش با خداوند و

نشئه غیبت و محجوب بودن از خدا

و إذ أخذ ربك .. و أشهدهم علی أنفسهم

عطف <أشهدهم> بر <أخذ ربك> دلالت می کند که مسأله اشهاد و اقرار در همین حیات دنیوی انسان انجام گرفته است. یعنی هر یک از انسانهای موجود بالعیان ربوبیت خداوند را مشاهده کرده اند. و این در حالی است که عموم انسانها چنین شهود و علم حضوری را نسبت به پروردگار خویش ندارند. لذا می توان گفت انسان دارای دو جنبه است: جنبه ای که شاهد ربوبیت خدا بوده و جنبه ای که چنین شهودی برای او نیست.

نقش نشئه شهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۲

۲ در صورت نبود نشئه شهود و اقرار برای فرزندان، آنان در انتخاب عقیده، جز تبعیت و تقلید از پدران، راهی نداشتند.

و أشهدهم علی أنفسهم .. أو تقولوا إنما أشرك ءاباؤنا من قبل

شیاطین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{شیاطین}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ کسانی که رازهای جامعه اسلامی را منتشر می کنند، شیطان هستند.

اذاعوا به .. لاتبعتم الشيطان

ظاهراً مراد از <شیطان>، همان کسانی هستند که اخبار امنیتی را نسنجیده بین مردم منتشر می کردند. یعنی منافقان و یا مسلمانان ضعیف الایمان که خداوند آنان را به خاطر عملشان، شیطان نامیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ شیطان دارای قبیله و گروه

ینه یریکم هو و قبیلہ

آثار دوستی با شیاطین

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۹

۹ دوستی با شیاطین زمینه پذیرش القائنات باطل آنان است.

و إن الشیطن لیوحون إلی أولیائهم لیجدلوکم

آزادی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۸

۱۸ مشیت خداوند بر بازداشتن تکوینی شیاطین از دشمنی با پیامبران و تبلیغات فریبنده آنها نیست.

و لو شاء ربک ما فعلوه

آزادی شیاطین انسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۹

۱۹ شیاطین جن و انس برخوردار از آزادی و اختیارند.

و لو شاء ربک ما فعلوه فذرهم و ما یفترون

آزادی شیاطین جنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۹

۱۹ شیاطین جن و انس برخوردار از آزادی و اختیارند.

و لو شاء ربک ما فعلوه فذرهم و ما یفترون

اجتناب از اطاعت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۴

۲۴- آدمیان همواره نسبت به کنیه و عداوت شیاطین با آنان توجه داشته باشند و از اطاعت آنان به پرهیزند .

أَفْتَحْذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

اختیار شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۴

۱۴ - شیطان ها ، موجوداتی مختار و مکلف

لِلشَّيْطَانِ وَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که عذاب و کیفر شدن، دلیل مکلف بودن و تکلیف شدن نشانه آزاد و

مختار بودن است؛ زیرا تکلیف اجباری، نه کیفر دارد و نه ثواب.

ارتباط شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۱۳، ۱۱، ۹

۹ شیاطین جن و انس با یکدیگر به وسیله القائنات مرموز مرتبط هستند.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا

<وحی> به معنی اشاره ... و کلام پنهان است (لسان العرب)، لذا در برداشت فوق به القائنات مرموز معنی گردیده است.

۱۱ شیاطین با تبادل سخنان به ظاهر آراسته و منطقی در بین یکدیگر در صدد فریب و گمراه ساختن مردمند.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا

راغب می گوید: الزخرف الزینه المزوقه ... زخرف همان زینت آراسته است، لذا زخرف القول به معنی گفتار به ظاهر زیبا و دلپسند است.

۱۳ برخی از شیاطین آموزش دهنده روشهای شیطانی به بعض دیگرند.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول

از اینکه بعضی وحی و اشاره می کنند و طبعاً برخی آن را می پذیرند، برداشت فوق استفاده شده است.

استراق سمع شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۱، ۲، ۳

۱- برخی از شیاطین، در صدد استراق سمع خبرهای آسمانی اند.

إلا من استرق السمع

۲- شیاطین، در حد استراق سمع توان نزدیک شدن به آسمان ها را دارند.

و حفظنها من كلّ شيطان رجيم . إلا من استرق السمع

۳- در آسمان ها ، خبرها و اطلاعاتی مبادله می شود که قابل شنود برای موجوداتی چون شیاطین است .

من كلّ شيطان رجيم . إلا من استرق السمع

لازمه استراق سمع، وجود و تبادل اخباری است که قابل شنیدن

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۲ - ۲

۲ - قدرت شیاطین بر استماع و استراق سمع گفتار فرشتگان ، در برهه ای از زمان (قبل از ممنوع شدن و عزل گشتن)

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعَزُولُونَ

<معزولون> می تواند به معنای حال باشد؛ یعنی، گر چه شیاطین در گذشته گفتار فرشتگان را می شنیدند؛ اما اکنون (از زمان نزول قرآن) از آن عزل گشته و ممنوع شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۳ - ۴

۴ - امکان دست یافتن شیاطین به بعضی از اخبار پنهان

يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرَهُمْ كَذِبُونَ

در صورتی که ضمیر <يَلْقَوْنَ> و <أَكْثَرَهُمْ> به شیاطین بازگردد، احتمال می رود که مراد از <يَلْقَوْنَ السَّمْعَ> استراق سمع شیاطین از مکالمات فرشتگان باشد. در این صورت مفهوم <و أَكْثَرَهُمْ كَذِبُونَ> چنین می شود: آنان گاه گاهی می توانند حوادث آینده را بفهمند؛ ولی معمولاً دروغ می گویند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸ - ۱،۳،۹

۱ - شیاطین ، ناتوان از شنود اخبار آسمان

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى

۳ - شیاطین ، درصدد دست یابی به اطلاعات موجود در آسمان و اخبار مربوط به امور غیبی اهل زمین

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى

بیش تر مفسران بر آنند که گوش فرا دادن شیاطین به سخنان موجودات والامقامی چون فرشتگان، با هدف دست یابی به امور

غیبی مربوط به اهل زمین و اطلاعات موجود در آسمان صورت می گیرد.

۹- شیاطینی که برای استراق سمع به آسمان نزدیک صعود کنند، از هر سو مورد هدف قرار گرفته

و رانده خواهند شد .

و یقذفون من کلّ جانب

<قذف> (مصدر <یقذفون>)، به معنای <رمی>؛ یعنی، راندن و هدف قرار دادن شیء به وسیله سنگ، تیر و مانند آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰ - ۱،۲،۷

۱ - برخی از شیاطین، به صعود به آسمان نزدیک موفق شده و با سرعت و دزدانه به اطلاعات و اخبار ناچیزی دست خواهند یافت .

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى .. إِلَّا مِنْ خَطْفِ الْخَطْفَةِ

<خَطْفَ> به معنای اختلاس و ربودن با سرعت است و <خطفه> بر وزن <فعله> که دال بر <مزه> است مفعول مطلق و به معنای یک بار ربودن است. گفتمی است که در این آیه، کنایه از ربودن کم و ناچیز از اطلاعات و اخبار موجود در آسمان است.

۲ - اصرار برخی از شیاطین به صعود به آسمان نزدیک، جهت کسب اطلاعات و اخبار غیبی

إِلَّا مِنْ خَطْفِ الْخَطْفَةِ

تلاش دزدانه شیاطین همراه با خطرپذیری آنان برای صعود به آسمان، می تواند حاکی از اصرار آنان بر این صعود باشد.

۷ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : .. قال [رسول الله (ص) في حديث المعراج] : ... صعد جبرئيل و صعدت معه إلى سماء الدنيا و عليها ملك يقال له : اسماعيل ، هو صاحب الخطفه التي قال الله عز وجل : > إِلَّا مِنْ خَطْفِ الْخَطْفَةِ فَأَتْبَعَهُ شَهَابٌ ثاقب < و تحته سبعون ألف ملك تحت كل ملك سبعون ألف ملك ... >

از امام صادق(ع) روایت شده است .. [که رسول خدا(ص) در حدیث

معراج [۱] فرمود: جبرئیل بالا- رفت و من هم با او به آسمان دنیا بالا- رفتم. در آن جا فرشته ای بود به نام اسماعیل. او مأمور تعقیب ربایندگان اخبار (صاحبان خطفه) بود که خداوند می فرماید: <إِلا من خطف الخطفه...> و هفتاد هزار فرشته تحت فرمان او بودند که هر کدام از آنان نیز هفتاد هزار فرشته را تحت فرمان [خود] داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - تلاش شیاطین ، برای نفوذ در آسمان جهت شنود اخبار آن

و جعلنها رجوماً للشیطین

از آیات مشابه (مانند آیات ۷ و ۸ سوره <صافات>) استفاده می شود که شیطان ها، به منظور استراق سمع و شنود اخبار آسمان، به آن جا نفوذ می کنند؛ ولی هر بار مورد هدف قرار می گیرند و رانده می شوند.

۱۱ - شیطان ها ، ناتوان از شنود و دستیابی به اطلاعات و اخبار آسمان

و جعلنها رجوماً للشیطین

استعاذه از شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۸ - ۲، ۱

۱ - استعاذه (پناه بردن) به خدا از روی آوردن و حضور شیاطین ، دعای تعلیمی از سوی خدا به پیامبر (ص)

و قل أعوذ بک من همزت الشیطین . و أعوذ بک ربّ أن یحضرین

۲ - لزوم پناه بردن به خدا از نزدیک شدن شیاطین به انسان

قل . . . و أعوذ بک ربّ أن یحضرین

استعداد شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸ - ۷

۷- شیاطین ، آشنا به زبان فرشتگان

لایسمعون

گوش فرا دادن شیاطین به سخنان فرشتگان و رانده شدن آنها از آسمان، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

اضلال شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۹

۱۹ مرتد به سرگردانی در بیابان می ماند که شیطانها او را به بی راهه می خوانند و گروهی نیز او را به راه هدایت دعوت می کنند.

كالذی استهوته الشیطن فی الأرض حیران له أصحاب یدعونه إلی الهدی ائتنا

<فی الأرض> متعلق به <استهوی> است، و <استهوی فی الأرض> به معنی عقل او را در بیابان ربوده اند، می تواند باشد و مراد از <اصحاب> در <له اصحاب یدعونه> ممکن است مشرکان و یا موحدان باشند که در برداشت فوق احتمال دوم برگزیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۷

۷ شیاطین همواره برای سد کردن راه هدایت بر آدمیان، در تلاش هستند.

إنهم اتخذوا الشیطن أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۱ - ۹

۹- گمراگری، بزرگ ترین ویژگی شیاطین است.

أفتتخذونه و ذریتة أولیاء... و ما كنت متخذ المضلین عضداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۳،۹

۳- شیاطین ، موجوداتی وسوسه گر و تحریک کننده در جهت گمراهی مردم

أرسلنا الشیطان علی الکفرین تؤزهم

۹- تحریک کافران از سوی شیاطین و گمراهی فزون تر آنان ، نشانه ای روشن از سودمند نبودن معبود ها و ضدیتشان با

پرستشگران خویش

و یکنونون علیهم ضداً .

ألم تر أننا أرسلنا الشيطان

استفهام در <ألم تر> برای استشهاد و تأیید محتوای آیه قبل است و دلالت بر واضح بودن شاهد دارد به گونه ای که ندیدن و توجه نکردن به آن تعجب دارد.

اغواگری شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۱

۱۱ شیاطین با تبادل سخنان به ظاهر آراسته و منطقی در بین یکدیگر در صدد فریب و گمراه ساختن مردمند.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا

راغب می گوید: الزخرف الزینه المزوقه . . . زخرف همان زینت آراسته است، لذا زخرف القول به معنی گفتار به ظاهر زیبا و دلپسند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۹

۹- تحریک کافران از سوی شیاطین و گمراهی فزون تر آنان، نشانه ای روشن از سودمند نبودن معبودها و ضدیتشان با پرستشگران خویش

و یكونون علیهم ضداً . ألم تر أننا أرسلنا الشيطان

استفهام در <ألم تر> برای استشهاد و تأیید محتوای آیه قبل است و دلالت بر واضح بودن شاهد دارد به گونه ای که ندیدن و توجه نکردن به آن تعجب دارد.

اغواگری شیاطین انسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۴

۱۴ شیاطین انس و جن از هنر و تبلیغات فریبنده برای فریب دادن مردم و مبارزه با انبیا بهره می برند.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا

<زخرف القول> به کلام آراسته شده می گویند که از مصادیق هنر است و می توان گفت که این مورد به عنوان نمونه ذکر

شده است. گفتنی است <غرورا> در برداشت فوق مفعول له واقع شده است.

اغواگری شیاطین جنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۴

۱۴ شیاطین انس و جن از هنر و تبلیغات فریبنده برای فریب دادن مردم و مبارزه با انبیا بهره می برند.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا

<زخرف القول> به کلام آراسته شده می گویند که از مصادیق هنر است و می توان گفت که این مورد به عنوان نمونه ذکر شده است. گفتنی است <غرورا> در برداشت فوق مفعول له واقع شده است.

افشای پیروان شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۱ - ۲

۲ - خداوند، آشکارکننده چهره دریافت گران پیام شیاطین

هل أُتْبِئْكُمْ عَلٰی مَنْ تَنْزَلُ الشَّيْطٰنِ

القائات شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۹

۹ شیاطین جن و انس با یکدیگر به وسیله القائات مرموز مرتبط هستند.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا

<وحی> به معنی اشاره... و کلام پنهان است (لسان العرب)، لذا در برداشت فوق به القائات مرموز معنی گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ القای شبهات واهی علیه احکام الهی از فعالیت‌های شیاطین است.

إن الشیطان لیوحون إلی أولیائهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۳

۳ - شیاطین ، الهام کننده دروغ و گناه اند ؛ نه پیام های معرفتی و ارزشی همچون

قرآن .

و ما تنزّلت به الشیطان .. تنزّل علی کلّ أفّاك أثیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۳ - ۱

۱ - شیاطین ، القاگر شنوده های خویش به منحرفان ، به گونه ای دروغ و خلاف واقع

یلقون السمع و أكثرهم کذبون

ضمایر جمع در <یلقون> ، <أكثرهم> و <کاذبون> می تواند به شیاطین بازگردد. بر این مبنا <سمع> مصدر به معنای مفعول است. <واو> در <و أكثرهم> حالیه و تقدیر آن چنین می باشد: <یلقى الشیاطین علی هؤلاء المنحرفین مسموعاتهم و الحال أن أكثرهم (أكثر الشیاطین) کاذبون فی ما یلقونه> شیاطین، شنوده های خود را بر آن منحرفان القا می کنند در حالی که بیشترشان (بیشتر شیاطین) در آنچه القا می کنند، دروغ می گویند.>

اهتمام شیاطین به خبرهای آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰ - ۳

۳ - اطلاعات و اخبار غیبی موجود در آسمان نزدیک ، برای شیاطین با اهمیت است .

إلا من خطف الخطفه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که با آن که شیاطین از هر سو مورد هدف قرار دارند، به صورت دزدانه و به سرعت به استراق سمع دست می زنند.

اهداف تبلیغی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ هماهنگ شدن منکران آخرت با کردار شیاطین، از اهداف تبلیغات فریبنده شیاطین است.

و ليقترفوا ما هم مقترفون

اهداف مبارزه شياطين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۳ - ۲

قرار داده شدن شیاطین در برابر انبیا دارای فلسفه و جهت و به منظور تأمین اهدافی معین است.

و كذلك جعلنا .. و لتصغى إليه أفئدة الذين

جمله <لتصغى إليه> عطف به مقدر است؛ لذا معنی چنین می شود: <جعلنا .. لغايات و لتصغى إليه>.

بی لیاقتی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۱

۱ - شیاطین ، فاقد کمترین شایستگی برای نزول قرآن

و ما ینبغى لهم

ضمیر فاعل در <ینبغى> به <تنزل> (مصدر <تنزلت>) بازمی گردد <استطاعه> (مصدر <یستطیعون>) به معنای توانایی است؛ یعنی، <و ما ینبغى لهم أن یتزلوا به و لایقدرون علی التزل به> نه می سزد که شیاطین قرآن را نازل کنند و نه می توانند.

بینش پیروان شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ پذیرندگان ولایت شیاطین، بی خبر از گمراهی خویش و در پندار برخوردارى از توفیق هدایت هستند.

و یحسبون أنهم مهتدون

پلیدی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۳

۳ - شرارت و پلیدی نهفته در نهاد شیاطین ، دلیل بیگانگی عمیق آنان بامفاهیم هدایتگر قرآن

و ما ینبغى لهم

مقصود از برداشت یاد شده این است که با توجه به محتوای هدایتگر و تکامل بخش قرآن عرصه ای بر این اتهام که عناصر پلیدی چون شیاطین در آن دخالت داشته باشند باقی نمی ماند.

پیروان شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۲

۱۲ پیروان شیاطین

جن، دوستان آنان هستند.

يمعشر الجن قد استكثرتم من الإنس و قال أولياؤهم من الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۳ - ۲

۲ - انسان های دروغ پرداز و آلوده به گناه ، گوش سپرده به القائات دروغین شیاطین

على كلِّ أفكٍ أئيم . يلقون السمع و أكثرهم كذبون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که ضمیر <يلقون> به <كلِّ أفكٍ> باز گردد و <يلقون السمع> کنایه از این باشد که آنها تمامی اندیشه و حواس خویش را در اختیار شیاطین می گذارند. گفتنی است که بر این مبنا ضمیر جمع در <أكثرهم كاذبون> می تواند به شیاطین باز گردد؛ یعنی، منحرفان تمام اندیشه و حواس خویش را در اختیار شیاطین می گذارند؛ اما بیشتر شیاطین، اخبار دروغ تحویلشان می دهند.

پیروان شیاطین در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۱،۲

۱ - جهنم ، مملو از شیطان ها و پیروان آنان خواهد شد .

لأملأَنَّ جهنمَ منك و ممن تبعك منهم أجمعين

بیشتر مفسران گفته اند: مقصود از <منك> <من جنسك> است؛ زیرا منطقی نیست که جهنم با آن عظمت، تنها با داخل شدن یک فرد (ابلیس) پر شود. پس مقصود، پر شدن دوزخ از مجموعه شیاطین (ابلیس و فرزندانش) و انسان ها خواهد بود.

۲ - پر شدن دوزخ از شیطان ها و پیروان آنان ، سخنی حق و تحقق یافتنی است .

فالحق و الحق أقول . لأملأَنَّ جهنمَ منك و ... منهم أجمعين

برداشت یاد شده بر این دیدگاه است که جمله <لأملأَنَّ جهنمَ..> با تقدیر <قسمی>، مقسم

علیه برای فالِحَقَّ باشد. هم چنین جمله <و الحقّ أقول> جمله معترضه باشد، یعنی، فالِحَقَّ قسمی لأملأَنَّ جهنّم...>.

پیروان شیاطین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۴، ۱۵

۱۴ پیروان شیطانها در قیامت به کفرورزی خویش در دنیا اعتراف می کنند.

و شهدوا علی أنفسهم أنهم كانوا کفرین

۱۵ گمراهان پیرو شیطانها در قیامت بر کفرورزی خویش در دنیا آگاهی می یابند. *

و شهدوا علی أنفسهم أنهم كانوا کفرین

<شاهد> عالمی است که آنچه را دریافته بیان می کند. (لسان العرب). لذا اگر <شهدوا> به معنای شهادت دادن باشد، لازمه آن آگاهی فرد است.

تأثیر اغواگری شیاطین انسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۳ - ۱

۱ منکران قیامت تحت تأثیر تبلیغات فریبنده شیاطین جن و انس قرار می گیرند.

و لتصغی إليه أفئده الذین لایؤمنون بالأخره

تأثیر اغواگری شیاطین جنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۳ - ۱

۱ منکران قیامت تحت تأثیر تبلیغات فریبنده شیاطین جن و انس قرار می گیرند.

و لتصغی إليه أفئده الذین لایؤمنون بالأخره

تبعیت یهود از شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲ - فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشیطان علی ملک سلیمان

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل <اتبعوا> یهودیان عصر سلیمان باشند.

تجسم شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۳۹ - قابلیت شیاطین (جنیان) برای تجسم یافتن و دیده شدن *

یعلمون الناس السحر

تجمع اخروی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۸

۸- کافران و شیاطین ، در اطراف جهنم و در گروه هایی فشرده و متراکم ، احضار خواهند شد .

ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثّاً

<جثّی> ممکن است از <جثوه> به معنای سنگ و خاک متراکم و مجتمع باشد.

تسخیر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۵

۵- شیاطین ، موجوداتی قابل رام شدن و فرمان بری برای انسان ها .

و سخرنا .. من الشیطین من یغوصون له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۵

۵ - تمامی موجودات هستی ، حتی شیاطین ، مسخر خدا و محکوم اراده اویند .

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً

از این که خداوند، تسلط شیطان را بر غافلان از یاد خودش، به خود نسبت داده (نقیض)، مطلب بالا استفاده می شود.

تسخیر شیاطین برای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۷، ۲، ۱

۱- برخی از شیاطین ، در تسخیر و تحت فرمان سلیمان (ع) بودند .

و سَخَرْنَا .. و من الشیطان من یغوصون له

۲- برخی از شیاطین برای سلیمان (ع) ، به کار غواصی و غیر آن می پرداختند .

و من الشیطان من یغوصون له و یعملون عملاً دون ذلک

۷- کنترل و نظارت خداوند بر شیاطین ،

در فرمان برداری آنان از سلیمان (ع)

و من الشیطان ... و کنا لهم حفظین

تشبیه به سرهای شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۱

۱ - میوه و ثمره درخت < زقوم > ، در زشتی همانند سرهای شیطان ها است .

طلعها کانه رءوس الشیطان

< طلع > ، به معنای < ثمره > است .

تعدد شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷ - ۵

۵ - شیطان های متمرّد و به دور از خیر ، متعدد و بسیاراند .

من کلّ شیطن مارد

تعلیم شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۲۴ ، ۱۳

۱۳ برخی از شیاطین آموزش دهنده روشهای شیطانی به بعض دیگرند .

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول

از اینکه بعضی وحی و اشاره می کنند و طبعاً برخی آن را می پذیرند، برداشت فوق استفاده شده است .

۲۴ روی عن أبی جعفر (ع) فی معنی قوله: < یوحی بعضهم إلی بعض > إن الشیاطین یلقى بعضهم بعضا فیلقى الیه ما یغوی به

الخلق . . .

از امام باقر(ع) درباره <یوحی بعضهم . . .> روایت شده است: بعضی از شیاطین با بعض دیگر ملاقات و آنچه باعث گمراه کردن مردم است، به آنان می آموزند . . .

تعلیمات شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳،۹،۱۱

۳ - شیاطین علومی از سحر را بر مردم عصر سلیمان تلاوت کرده و به آنها جادوگری می آموختند .

ما تتلوا الشیطان علی ملک سلیمان . . . یعلمون

فعل <تتلوا> از مصدر تلاوت (خواندن و قرائت کردن) است. مراد از <ما>ی موصوله - به قرینه فراهای بعد - سحر و مانند آن می باشد. متعلق <تتلوا> به دلیل <یعلمون الناس> <علی الناس> می باشد. یعنی، یهود دنباله رو سحری بودند که شیاطین آن را برای مردم می خواندند.

۹ - کفرورزی شیاطین با تعلیم سحر به مردم

و لكن الشیطين كفروا یعلمون الناس السحر

۱۱ - گروهی از یهودیان به آموختن سحر های تعلیم داده شده از سوی شیاطین روی آورده و به جادوگری پرداختند .

واتبعوا ما تتلوا الشیطين

ضمیر در <اتبعوا> به <فریق من الذین أوتوا الكتاب> در آیه قبل بر می گردد.

تکلیف شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹ - ۳

۳ - شیاطین ، موجوداتی مکلف و مسؤول و مورد کیفر و بازخواست الهی

و لهم عذاب واصب

برداشت یاد شده از مبتلا شدن به عذاب و کیفر الهی به دست می آید؛ زیرا کیفر و عذاب بدون تکلیف و مسؤولیت، معقول نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۴

۱۴ - شیطان ها ، موجوداتی مختار و مکلف

للشیطين و أعتدنا لهم عذاب السعیر

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که عذاب و کیفر شدن، دلیل مکلف بودن و تکلیف شدن نشانه آزاد و مختار بودن

است زیرا تکلیف اجباری، نه کیفر دارد و نه ثواب.

تلاش شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷ - ۴

۴ - تلاش شیطان ها ، برای شیطنت و نفوذ در

آسمان نزدیک

و حفظاً من كل شيطان مارد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸ - ۳

۳ - شیاطین ، درصدد دست یابی به اطلاعات موجود در آسمان و اخبار مربوط به امور غیبی اهل زمین

لا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى

بیش تر مفسران بر آنند که گوش فرا دادن شیاطین به سخنان موجودات والامقامی چون فرشتگان، با هدف دست یابی به امور غیبی مربوط به اهل زمین و اطلاعات موجود در آسمان صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰ - ۲

۲ - اصرار برخی از شیاطین به صعود به آسمان نزدیک ، جهت کسب اطلاعات و اخبار غیبی

إِلَّا مِنْ خَطْفِ الْخَطْفَةِ

تلاش دزدانه شیاطین همراه با خطرپذیری آنان برای صعود به آسمان، می تواند حاکی از اصرار آنان بر این صعود باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - تلاش شیاطین ، برای نفوذ در آسمان جهت شنود اخبار آن

و جعلنها رجوماً للشیطين

از آیات مشابه (مانند آیات ۷ و ۸ سوره <صافات>) استفاده می شود که شیطان ها، به منظور استراق سمع و شنود اخبار آسمان، به آن جا نفوذ می کنند ولی هر بار مورد هدف قرار می گیرند و رانده می شوند.

۱۲ - شیطان ، حقیقتی دارای مصادیق و افراد متعدد

للشیطين

تنوع شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۷ - ۳

۳- شیاطین ، افراد متعدد و گوناگونی اند .

و حفظنها من کلّ شیطن رجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - شمار شیاطین ، بسیار و متنوع به گوناگونی گمراهی ها و متعدد به تعدد گمراهان

نقیض له شیطاناً .. و إنهم لیصدونهم عن السبیل

توطئه شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۳، ۱۱

۱۱ سست بنیادی نقشه ها و ترفند های طاغوت ها و شیاطین

و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت .. انّ کید الشّیطان کان ضعیفاً

۱۳ شیاطین ، همواره در صدد مکر و توطئه علیه مؤمنان

انّ کید الشّیطان کان ضعیفاً

تولید مثل شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۷

۲۷ - شیاطین و جن ها ، دارای ذریه و زاد و ولدند .

کان من الجنّ .. أفْتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي

جادوی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲ - فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشيطان على ملك سليمان

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل <اتبعوا> یهودیان عصر سلیمان باشند.

جسمانیت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰ - ۶

۶ - شیاطین ، موجوداتی جسمانی اند .

فأتبعه شهاب ثاقب

برداشت یاد شده از مورد هدف قرار گرفتن شیاطین به وسیله شهاب نافذ که امری جسمانی است استفاده می شود؛ زیرا اگر شیاطین از موجودات غیرجسمانی باشند، نمی شود به وسیله شیء جسمانی، مورد هدف قرار گیرند.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۷

۷ - شیطان ها ، از موجوداتی برخوردار از جسم

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ

ورود ابلیس به دوزخ که جایگاه آتشین و با ویژگی های مادی و جسمانی است و نیز پر شدن دوزخ با ورود شیاطین، می تواند گویای جسم بودن آنان باشد؛ زیرا مجردات، فضایی را اشغال نمی کنند.

چاره اندیشی برای وسوسه شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۳

۳ - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجِنَّه و الناس

حاکم شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۴

۴- شیاطین ، تحت سیطره و حاکمیت الهی قرار دارند .

ألم تر أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيْطِينَ

ضمیر <نا> در <أنا أرسلنا> بیانگر این نکته است که تصور نشود کار شیاطین خارج از نظام تقدیر و برنامه الهی است؛ بلکه همه برنامه های آنان، تحت نظارت و در قلمرو مشیت الهی است.

حاکمیت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۷

۱۷ سلطه و حاکمیت شیاطین بر منکران آیات الهی، سنت خداوند و تحت اراده اوست.

إنا جعلنا الشيطان أولياء للذين لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۳

۳ جوامعی که به پندار اجرای فرمان خدا به رسوم ناروای نیاکان خویش پایبندند، جوامعی تحت نفوذ شیاطین می باشند.

إنا جعلنا الشيطان أولياء للذين لا يؤمنون

.. الله أمرنا بها

جمله <إذا فعلوا .. > عطف بر <لا- يؤمنون> است و در حقیقت صله برای <الذین > می باشد. یعنی: إنا جعلنا الشیاطین أولیاء للذین إذا فعلوا فاحشه

حتمیت حشر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۱

۱- خداوند با سوگند به ربوبیت خویش ، بر ختمی بودن احضار منکران معاد و شیاطین به گردآوری آنان در قیامت تأکید کرده است .

فوربک لنحشرنهم والشیطین

ضمیر مفعولی در <لنحشرنهم> به <انسان> در آیه قبل بازمی گردد و مراد منکران معاد است که زنده شدن دوباره را بعید شمرده بودند. <حشر>؛ یعنی، جمع کردن و برخی آن را جمع کردنی که افراد را به محل اجتماع سوق دهند، معنا نموده اند (مصباح).

حتمیت عذاب شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - همدمی منحرفان با شیاطین در دوزخ ، تأثیری در تخفیف عذاب و یا آرامش آنان نخواهد داشت .

لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم أنکم فی العذاب مشترکون

برداشت یاد شده بر این اساس است که عبارت <أنکم فی.. > فاعل <لن ینفع > باشد.

حتمیت ورود شیاطین در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۲

۲- پر شدن دوزخ از شیطان‌ها و پیروان آنان، سخنی حق و تحقق یافتنی است.

فالحقّ و الحقّ أقول . لأملأَنَّ جهنّم منك و ... منهم أجمعين

برداشت یاد شده بر این دیدگاه است که جمله <لأملأَنَّ جهنّم..> با تقدیر <قسمی>، مقسم علیه برای

فالحقّ باشد. هم چنین جمله <و الحقّ أقول> جمله معترضه باشد، یعنی، فالحقّ قسمی لأملأَنَّ جهنّم...>.

حسابرسی از شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹ - ۳

۳ - شیاطین، موجوداتی مکلف و مسؤول و مورد کیفر و بازخواست الهی

و لهم عذاب واصب

برداشت یاد شده از مبتلا شدن به عذاب و کیفر الهی به دست می آید؛ زیرا کیفر و عذاب بدون تکلیف و مسؤولیت، معقول نیست.

حشر اخروی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۸

۸ - شیاطین نیز، همچون آدمیان در قیامت محشور خواهند شد.

قال یلیت بینی و بینک بعد المشرقین

از خطاب <بینک> استفاده می شود که شیاطین نیز در روز قیامت محشور خواهند شد. البته برداشت یاد شده در صورتی است که منظور از <شیاطین>، شیاطین جن یا اعم از شیاطین جن و انس باشد.

حشر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۹

۹ - گردآوردن خفتّ بار کافران و شیاطین در اطراف جهنّم، مرحله ای پس از حشر است.

لنحشرنّهم .. ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثیّاً

حقانیت ورود شیاطین به جهنّم

۲ - پر شدن دوزخ از شیطان ها و پیروان آنان ، سخنی حق و تحقق یافتنی است .

فالحقّ و الحقّ أقول . لأملأَنَّ جهنّم منك و ... منهم أجمعين

برداشت یاد شده بر این دیدگاه است که جمله <لأملأَنَّ جهنّم..> با

تقدیر < قسمی >، مقسم علیه برای فالحقّ باشد. هم چنین جمله < والحقّ أقول > جمله معترضه باشد؛ یعنی، فالحقّ قسمی
لأملأنّ جهنّم...>.

حقیقت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۴

۴- شیاطین ، موجوداتی با شعور و درک و دارای قوه شنوایی

إلّا من استرق السمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸ - ۵

۵ - شیاطین ، موجوداتی غیر آسمانی

لا یسمّعون إلی الملائع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰ - ۶

۶ - شیاطین ، موجوداتی جسمانی اند .

فأتبعه شهاب ثاقب

برداشت یاد شده از مورد هدف قرار گرفتن شیاطین به وسیله شهاب نافذ که امری جسمانی است استفاده می شود؛ زیرا اگر
شیاطین از موجودات غیر جسمانی باشند، نمی شود به وسیله شیء جسمانی، مورد هدف قرار گیرند.

حقیقت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۲

۱۲ - شیطان ، حقیقتی دارای مصادیق و افراد متعدد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۷ - ۴

۴- شیطان ، موجودی قدرتمند و توانا بر صعود و نفوذ بر آسمانها

و حفظها من کلّ شیطن رجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳ - ۷،۸

۷- شیطان ، موجودی است سراسر شرّ و عاری از هر نیکی و خیر .

و یتبع کلّ شیطن مرید

<مرید> صفت توضیحی برای <شیطان> و به معنای عاری از خیر و نیکی است. (مفردات راغب)

شیطان ، نه نوعی منحصر به فرد ، که دارای مصادیق و افرادی بسیار است .

و يتبع كل شیطن مرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۲،۳

۲- شیطان ، عنصری است گمراهگر و دوزخی پرور .

كل شیطن مرید . كتب علیه... فانه یضله و یهدیه إلی عذاب السعیر.

۳- گمراه سازی و دوزخی پروری ، خمیره و سرشت تغییرناپذیر شیطان است .

كتب علیه.. فإنه یضله و یهدیه إلی عذاب السعیر

جمله <كتب علیه> (بر او نوشته شد) بیانگر این نکته است که شیطان، مخلوقی است که سرشت او با گمراه گری و کشاندن مردم به سوی دوزخ، آمیخته شده و غیر قابل تغییر است.

خطر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۸ - ۵

۵ - حضور شیاطین ، خطر آفرین برای انسان

و أعود بك ربّ أن یحضرون

از آیه فوق استفاده می شود: در آنجا که شیاطین حضور دارند، انسان بیشتر در معرض خطر قرار می گیرد و آنجا که آنها حضور ندارند، ایمن تر است.

خطر شیاطین انس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۳

۳ - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجنّه و الناس

خطر شياطين جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۳

۳ - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره انديشی است .

من الجنّه و الناس

خلقت شياطين

جلد - نام سوره - سوره -

۱- شیاطین، فاقد کمترین دخالت و نظارت در کار آفرینش آسمان ها و زمین و نیز خلقت خودشان اند.

ما أشهدتهم خلق السموت والأرض و لا خلق أنفسهم

<إشهاد> یعنی، دیگری را به شهادت و حضور خواندن. نفی شاهد گرفته شدن شیاطین در آفرینش آسمان ها و زمین و خلقت خود آن ها، کنایه از آن است که آنان، هیچ نقشی در الوهیت و تدبیر جهان نداشته اند تا در موقع آفرینش، به حضور فراخوانده شده و شاهد خلقت باشند.

دامهای شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- کافران، گرفتار در دام تحریکات و وسوسه های شیاطین

أرسلنا الشیطان علی الکفرین توڑهم

<أز> به معنای تهییج و برانگیختن است و <توڑهم> یعنی، شیاطین، کافران را به سوی گمراهی و انحراف بیشتر سوق داده و تحریک می کنند.

دروغگویی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شیاطین، القاگر شنوده های خویش به منحرفان، به گونه ای دروغ و خلاف واقع

يلقون السمع و أكثرهم كذبون

ضمایر جمع در <يلقون>، <أكثرهم> و <كاذبون> می تواند به شیاطین باز گردد. بر این مبنا <سمع> مصدر به معنای مفعول است. <واو> در <واو أكثرهم> حالیه و تقدیر آن چنین می باشد: <يلقى الشیاطین علی هؤلاء المنحرفین مسموعاتهم و الحال أن أكثرهم (أكثر الشیاطین) كاذبون فی ما یلقونه> شیاطین، شنوده های خود را بر آن منحرفان القا می کنند؛ در حالی

که بیشترشان (بیشتر شیاطین) در آنچه القامی کنند،

دروغ می گویند.

۲- انسان های دروغ پرداز و آلوده به گناه ، گوش سپرده به القائنات دروغین شیاطین

علی کلّ أفاک أثیم . یلقون السمع و أكثرهم کذبون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که ضمیر < یلقون > به < کلّ أفاک > باز گردد و < یلقون السمع > کنایه از این باشد که آنها تمامی اندیشه و حواس خویش را در اختیار شیاطین می گذارند. گفتنی است که بر این مبنا ضمیر جمع در < أكثرهم کذبون > می تواند به شیاطین باز گردد؛ یعنی، منحرفان تمام اندیشه و حواس خویش را در اختیار شیاطین می گذارند؛ اما بیشتر شیاطین، اخبار دروغ تحویلشان می دهند.

دشمنی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴

۴ - شیاطین از دشمنان حضرت سلیمان و حکومت الهی او

ما تتلوا الشیطان علی ملک سلیمان

<علی ملک سلیمان> (بر ضد حکومت سلیمان) حال برای مفعول حذف شده از <تتلوا> است؛ یعنی، آن سحری را که برای مردم تلاوت می کردند، علیه سلطنت سلیمان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۸

۱۸ مشیت خداوند بر بازداشتن تکوینی شیاطین از دشمنی با پیامبران و تبلیغات فریبنده آنها نیست.

و لو شاء ربک ما فعلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۹

۱۹- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی مردم ، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

أَفْتَسْخَدُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

همزه <استفهام>

در <أَفْتَحْذَوْنَه> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

دلایل بی لیاقتی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۳

۳ - شرارت و پلیدی نهفته در نهاد شیاطین ، دلیل بیگانگی عمیق آنان بامفاهیم هدایتگر قرآن

و ما ینبغی لهم

مقصود از برداشت یاد شده این است که با توجه به محتوای هدایتگر و تکامل بخش قرآن عرصه ای بر این اتهام که عناصر پلیدی چون شیاطین در آن دخالت داشته باشند باقی نمی ماند.

دلایل رد تدبیر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۱ - ۳

۳- حضور نداشتن شیاطین در کار آفرینش جهان ، نشان عدم صلاحیت آنان برای ولایت و تدبیر امور عالم است .

أَفْتَحْذَوْنَه و ذَرِيَّتَه أولياء من دونی . . ما أشهدتْهم خلق السموت والأرض

دلایل رد ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۱ - ۳

۳- حضور نداشتن شیاطین در کار آفرینش جهان ، نشان عدم صلاحیت آنان برای ولایت و تدبیر امور عالم است .

أَفْتَحْذَوْنَه و ذَرِيَّتَه أولياء من دونی . . ما أشهدتْهم خلق السموت والأرض

دوستان شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۲

۱۲ پیروان شیاطین جن، دوستان آنان هستند.

يمعشر الجن قد استكثرتم من الإنس و قال أولياؤهم من الإنس

ذکر دشمنی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۴

۲۴- آدمیان همواره نسبت به کنیه و عداوت شیاطین

با آنان توجه داشته باشند و از اطاعت آنان به پرهیزند .

أَفْتَحْذُونَهِ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

ذکر کینه شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۴

۲۴- آدمیان همواره نسبت به کینه و عداوت شیاطین با آنان توجه داشته باشند و از اطاعت آنان به پرهیزند .

أَفْتَحْذُونَهِ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

ذلت اخروی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۷،۹

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانو نشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثُمَّ لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا

<جثیا> (جمع <جائی>) حال است و <جائی> به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جئی> را جمع <جئوه> دانسته اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

۹- گردآوردن خفت بار کافران و شیاطین در اطراف جهنم ، مرحله ای پس از حشر است .

لَنَحْضُرَنَّهُمْ . . . ثُمَّ لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا

ذلت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شیاطینی که به قصد استراق سمع به آسمان صعود کنند

، به ذلت و خواری رانده شده و به این مقصد نخواهند رسید .

و یقذفون من کلّ جانب . دحورًا

<دحور> به معنای طرد و دور ساختن به وضع ذلت و خواری است (مفردات راغب).

رجم شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۷ - ۵

۵- > عن أبي عبد الله الصادق (ع) قال : كان ابليس لعنه الله يخترق السماوات السبع فلما ولد عيسى (ع) حجب عن ثلاث سماوات و كان يخترق أربع سماوات فلما ولد رسول الله (ص) حجب عن السبع كلها و رميت الشياطين بالنجوم . . .

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: ابلیس که لعنت خدا بر او باد راه را برای ورود خود به آسمان باز می کرد؛ چون حضرت عیسی متولد شد از ورود به سه آسمان ممنوع شد و به چهار آسمان راه داشت. پس آن گاه که رسول خدا(ص) متولد شد، وی از ورود به آسمانهای هفتگانه کلاً ممنوع شد و از آن پس شیاطین هدف ستارگان قرار گرفتند...<

روش برخورد شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۴، ۱۰

۱۰ وسوسه و ظاهر سازی فریبکارانه، روش شیاطین است.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا

۱۴ شیاطین انس و جن از هنر و تبلیغات فریبنده برای فریب دادن مردم و مبارزه با انبیا بهره می برند.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا

<زخرف القول> به کلام آراسته شده می گویند که از مصادیق هنر است و می توان گفت که این مورد

به عنوان نمونه ذکر شده است. گفتنی است <غرورا> در برداشت فوق مفعول له واقع شده است.

رؤیت اخروی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ - قابل رؤیت بودن شیاطین برای انسان ها در قیامت *

قال یلیت بینی و بینک

در صورتی که منظور از شیاطین، شیاطین جن و ابلیس باشد، تعبیر <بینک> حکایت از رویارویی و گفتوگوی حضوری دارد.

رؤیت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۹

۳۹ - قابلیت شیاطین (جنیان) برای تجسم یافتن و دیده شدن *

یعلمون الناس السحر

رؤیت شیاطین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۹

۹ - مشاهده شیاطین در قیامت و همنشینی با آنان ، خود نوعی عذاب برای گمراهان است .

قال یلیت بینی و بینک بعد المشرقین

زمینه پذیرش القائات شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ دوستی با شیاطین زمینه پذیرش القائنات باطل آنان است.

و إن الشیطین لیوحون إلی أولیائهم لیجدلوکم

زمینه تداوم عذاب شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹ - ۲

۲ - شیاطینی که با صعود به آسمان ، آهنگ استراق سمع کنند ، به عذاب دائم الهی دچار خواهند شد .

و لهم عذاب واصل

<واصل> به معنای دائم است.

سرزنش قبول ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ -

۱۹- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی مردم، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است.

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَ ذَرْيَتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

همزه <استفهام> در <أَفْتَتَّخِذُونَهُ> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

شروع شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۸ - ۶

۶ - خدا، تنها پناهگاه انسان برای ایمن ماندن از شرّ های شیاطین

أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ . وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ

شعور شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۴

۴- شیاطین، موجوداتی با شعور و درک و دارای قوه شنوایی

إِلَّا مِنْ اسْتَرْقَ السَّمْعَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۴

۴- شیاطین، موجوداتی دارای شعور و کارآیی هستند.

و من الشیاطین من یغوصون له

برداشت یاد شده با توجه به نکته است که تسخیر شیاطین برای سلیمان(ع) و حرف شنوی آنان، ملازم با شعور آنها است.

شگفتی قبول ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۹

۱۹- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی مردم، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است.

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

همزه <استفهام> در <أَفْتَتَّخِذُونَهُ> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

شنوایی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- شیاطین ، موجوداتی با شعور و درک و دارای قوه شنوایی

إِلَّا مِنْ اسْتَرْقِ السَّمْعِ

شیاطین اطراف جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۷،۸،۹

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانو نشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثُمَّ لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا

<جثیا> (جمع <جائی>) حال است و <جائی> به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جثی> را جمع <جثوه> دانسته اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

۸- کافران و شیاطین ، در اطراف جهنم و در گروه هایی فشرده و متراکم ، احضار خواهند شد .

ثُمَّ لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا

<جثی> ممکن است از <جثوه> به معنای سنگ و خاک متراکم و مجتمع باشد.

۹- گردآوردن خفت بار کافران و شیاطین در اطراف جهنم ، مرحله ای پس از حشر است .

لَنَحْشُرَنَّهُمْ .. ثُمَّ لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا

شیاطین انسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱،۴،۸،۹

۱ روبرو شدن همه پیامبران با دشمنانی از شیطانهای جن و انس، سنت الهی است.

و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا شيطينا الإنس و

۴ کافران لجاجت پیشه و حق ناپذیر از شیطانهای انسی هستند.

و لو أننا .. ما كانوا ليؤمنوا ... و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا شيطان الإنس

۸ برخی از آدمیان و جنیان از شیاطینند.

عدوا شيطان الإنس و الجن

۹ شیاطین جن و انس با یکدیگر به وسیله القائات مرموز مرتبط هستند.

يوحى بعضهم إلى بعض زخرف القول غرورا

<وحی> به معنی اشاره .. و کلام پنهان است (لسان العرب)، لذا در برداشت فوق به القائات مرموز معنی گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۹

۹ جنیان اغواگر در صدد تبدیل هر چه بیشتر آدمیان به شیطانهای اغواگر مانند خود هستند. *

يمعشر الجن قد استكثرتم من الإنس

<استكثر> به معنی طلب زیادتی است، لذا از معانی محتمل در <استكثرتم من الإنس> آن است که استكثر از آن جهت باشد که شیطانها در صددند از آدمیان نیز هر چه بیشتر شیطان تولید کنند.

شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱

۱ - برخی از جنیان، در ذهن انسان ها افکار پلید القا کرده، آنها را وسوسه می کنند.

من الجنّة و الناس

حرف <من> برای تبعیض است و بیان می کند که مراد از <الوسواس الخناس>، برخی از جنیان و انسان ها است. <جنّه> به معنای گروه جن (مفردات) و <ناس> جمع انسان است. (تاج العروس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۲،۳،۴،۵،۸

۲ - شیاطین جنی ، به فرمان سلیمان (ع) به

ساختمان سازی و غواصی می پرداختند .

و الشیطان کلّ بَنَاء و غَوَاص

۳ - وجود تخصص ساختمان سازی و غواصی در میان شیاطین جنی

و الشیطان کلّ بَنَاء و غَوَاص

آمدن صیغه های <بَنَاء> و <غَوَاص> بر وزن صیغه مبالغه که بر حرفه و صنعت بودن بنیایی و غواصی دلالت می کند گویای این نکته است که این دو کار، به صورت فن و تخصص میان شیاطین رواج داشت.

۴ - تسخیر شیاطین جنی و به کارگیری آنها ، از خصوصیات حکومت ممتاز سلیمان (ع)

هَب لِي مَلَكًا .. فَسَخَّرْنَا لَهُ ... الشیطان کلّ بَنَاء و غَوَاص

۵ - شیاطین جنی ، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند .

و الشیطان کلّ بَنَاء و غَوَاص

۸ - شیاطین جنی ، موجوداتی قابل تسخیر برای بشر

فَسَخَّرْنَا لَهُ .. و الشیطان کلّ بَنَاء و غَوَاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۱،۲،۳

۱ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین جنی در حکومت سلیمان

و ءاخِرین مَقْرَنین فی الْأَصْفَاد

<مَقْرَنین> اسم مفعول از <قَرَنَه> (آن را قرین و نزدیک دیگری ساخت) و به معنای گروه به هم بسته شده است. <صَفَدَ> (مفرد <أَصْفَاد>) نیز به معنای قید و بند است.

۲ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و ءاخِرین مَقْرَنین فی الْأَصْفَاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزار مشغول بودند

می تواند گویای این حقیقت

باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

۳ - گروهی از شیاطین جنی ، درصدد فسادانگیزی و اخلال گری در کار خیراند .

و آخرین مقرّنین فی الأصفاد

شیاطین جنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۸،۹

۱ روبرو شدن همه پیامبران با دشمنانی از شیطانهای جن و انس، سنت الهی است.

و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا شيطان الإنس و الجن

۸ برخی از آدمیان و جنیان از شیاطینند.

عدوا شيطان الإنس و الجن

۹ شیاطین جن و انس با یکدیگر به وسیله القائات مرموز مرتبط هستند.

يوحى بعضهم إلى بعض زخرف القول غرورا

<وحی> به معنی اشاره... و کلام پنهان است (لسان العرب)، لذا در برداشت فوق به القائات مرموز معنی گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۲

۱۲ پیروان شیاطین جن، دوستان آنان هستند.

يمعشر الجن قد استكثرتم من الإنس و قال أولياؤهم من الإنس

شیاطین در آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۲

۲- شیاطین ، در حد استراق سمع توان نزدیک شدن به آسمان ها را دارند .

و حفظنها من کلّ شیطن رجیم . إلا من استرق السمع

شیاطین در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۱،۳

۱ - جهنم ، مملو از شیطان ها و پیروان آنان خواهد شد .

لأملأَنَّ جهنم منک و ممن تبعک منهم أجمعین

بیشتر مفسران گفته اند: مقصود

از <منك> <من جنسك> است؛ زیرا منطقی نیست که جهنم با آن عظمت، تنها با داخل شدن یک فرد (ابلیس) پر شود. پس مقصود، پر شدن دوزخ از مجموعه شیاطین (ابلیس و فرزندان) و انسان ها خواهد بود.

۳- پر شدن جهنم از شیطان ها و پیروان آنان، سوگند مؤکد خداوند

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبَعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

شیاطین در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۹

۹- زمین محل سکونت و قرارگاه شیاطین

اهبطوا .. و لكم فى الأرض مستقر

برداشت فوق بر این مبناست که خطابها در جمله <اهبطوا> و .. متوجه شیطان نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۷

۷ زمین، محل سکونت و قرارگاه موقت انسانها و شیاطین است.

و لكم فى الأرض مستقر و متع إلى حين

قید <إلى حين> علاوه بر تقیید <متاع>، کلمه <مستقر> را نیز مقید می کند.

شیاطین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۱۳

۱۳- شیاطین و دیگر معبودان دروغین مشرکان، در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

نادوا شركاءى .. و جعلنا بينهم موبقاً

به قرینه آیات قبل، مراد از <شركاء> همان ابلیس و ذریه او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۲

۲- منکران معاد، با شیاطین در صحنه قیامت، همراه و هم دوش خواهند بود.

لنحشرنهم والشیطین تم لنحضرنهم

واو در <والشیاطین> می تواند عاطفه و یا به

معنای <مع> باشد. در هر دو صورت برداشت یاد شده به دست می آید.

شیاطین منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴ - ۹

۹ - <روی عن ابی جعفر (ع) (فی قوله <شیاطینهم>) انهم کهانهم ;

از امام باقر (ع) روایت شده که: مراد از <شیاطینهم> در آیه شریفه، کاهنان یهود است.<

شیاطین و جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵

۵ - شیاطین ، دستیابی سلیمان رابه سلطنت ، دستاورد سحر و جادو قلمداد می کردند .

علی ملک سلیمان و ما کفر سلیمان

نفی جادوگری از سلیمان - پس از بیان اینکه شیاطین نوشته هایی از علم سحر را برای مردم، علیه سلطنت سلیمان می خواندند - رسای به این معناست که: شیاطین چنین وانمود می کردند که آنچه را تلاوت می کنند همان است که سلیمان را به سلطنت رساند و با این شیوه در صدد نفی پیامبری از او بودند.

شیاطین و سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵، ۴، ۲

۲ - شیاطین ، حضرت سلیمان را به جادوگری متهم می کردند .

و ما کفر سلیمان و لکن الشیطان کفروا

مراد از <ما کفر سلیمان> (سلیمان کافر نشد) نفی جادوگری از سلیمان (ع) است. جمله <و لکن الشیاطین...> و نیز <ما تلوا الشیاطین> حکایت از آن دارد که: اتهام سحر به حضرت سلیمان از سوی شیاطین عنوان شده و نشر پیدا کرده بود.

و حکومت الهی او

ما تتلوا الشیطان علی ملک سلیمان

<علی ملک سلیمان> (بر ضد حکومت سلیمان) حال برای مفعول حذف شده از <تتلوا> است؛ یعنی، آن سحری را که برای مردم تلاوت می کردند، علیه سلطنت سلیمان بود.

۵- شیاطین، دستیابی سلیمان رابه سلطنت، دستاورد سحر و جادو قلمداد می کردند.

علی ملک سلیمان و ما کفر سلیمان

نفی جادوگری از سلیمان - پس از بیان اینکه شیاطین نوشته هایی از علم سحر را برای مردم، علیه سلطنت سلیمان می خواندند - رسای به این معناست که: شیاطین چنین وانمود می کردند که آنچه را تلاوت می کنند همان است که سلیمان را به سلطنت رساند و با این شیوه در صدد نفی پیامبری از او بودند.

شیاطین و شهاب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۵

۵- شیاطین، در صورت نزدیک شدن به آسمان، با شعله های آتش فروزان و آشکار، تحت تعقیب قرار می گیرند.

إلا من استرق السمع فأتبعه شهاب مبین

شیاطین و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۳

۳- شرارت و پلیدی نهفته در نهاد شیاطین، دلیل بیگانگی عمیق آنان بامفاهیم هدایتگر قرآن

و ما ینبغی لهم

مقصود از برداشت یاد شده این است که با توجه به محتوای هدایتگر و تکامل بخش قرآن عرصه ای بر این اتهام که عناصر پلیدی چون شیاطین در آن دخالت داشته باشند باقی نمی ماند.

شیاطین و مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ تبلیغات فریبنده شیاطین (دشمنان انبیا) برای جذب دل‌های منکران آخرت و معاد است.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا .. و لتصغی إلیه أفئده الذین لایؤمنون بالأخ

بنابراین که <لتصغی> عطف به <غرورا> در آیه قبل، که مفعول له است، باشد. <تصغی> از <صغی> یا <صغو> به معنی میل پیدا نمود، است. (قاموس اللغه). لذا <لتصغی> یعنی برای جذب شدن و متمایل گشتن.

۱۰ هماهنگ شدن منکران آخرت با کردار شیاطین، از اهداف تبلیغات فریبنده شیاطین است.

و لیقترفوا ما هم مقترفون

شیاطین و مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۷

۱۷ سلطه و حاکمیت شیاطین بر منکران آیات الهی، سنت خداوند و تحت اراده اوست.

إنا جعلنا الشیطان أولیاء للذین لا یؤمنون

شیاطین و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۷

۷- وحی به هنگام نزول از آسمان، از دخل و تصرف شیاطین در امان است. *

إنا نحن نزلنا الذکر و إنا له لحفظون .. و حفظنها من کلّ شیطن رجیم . إلا من

احتمالاً- مراد از حفظ آسمانها از شیطانها و طرد آنها از آن جا، به منظور دست نیازیدن به وحی باشد که می تواند از جمله موارد حفظ وحی باشد.

شیاطین هنگام صعود به آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- شیاطین ، در صورت نزدیک شدن به آسمان ، با شعله های آتش فروزان و آشکار ،

تحت تعقیب قرار می گیرند .

إِلَّا مِنْ اسْتَرْقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ مَبِينٌ

صعود شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸ - ۴

۴- قدرت شیاطین بر صعود به نزدیک ترین آسمان

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا .. لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى

صفات شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۵

۵- شیاطین ، موجوداتی قابل رام شدن و فرمان بری برای انسان ها .

و سَخَّرْنَا .. مِنْ الشَّيْطَانِ مَنْ يَخُوضُونَ لَهُ

طرد شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۲ - ۱

۱ - شیاطین ، ممنوع شده و عزل گشته از شنود پیام های آسمانی و گفتار فرشتگان

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعزُولُونَ

طرد شیاطین از آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۵

۵- شیاطین ، در صورت نزدیک شدن به آسمان ، با شعله های آتش فروزان و آشکار ، تحت تعقیب قرار می گیرند .

إِلَّا مِنْ اسْتَرْقِ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ مَبِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸ - ۹،۱۰

۹ - شیاطینی که برای استراق سمع به آسمان نزدیک صعود کنند ، از هر سو مورد هدف قرار گرفته و رانده خواهند شد .

و یقذفون من کلّ جانب

<قذف> (مصدر <یقذفون>)، به معنای <رمی> یعنی، راندن و هدف قرار دادن شیء به وسیله سنگ، تیر و مانند آنها است.

۱۰ - آسمان نزدیک ، از هر سو از نفوذ شیاطین محفوظ است .

و یقذفون

من کلّ جانب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹ - ۱

۱ - شیاطینی که به قصد استراق سمع به آسمان صعود کنند ، به ذلت و خواری رانده شده و به این مقصد نخواهند رسید .

و یقذفون من کلّ جانب . دحورًا

<دحور> به معنای طرد و دور ساختن به وضع ذلت و خواری است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰ - ۷،۴

۷ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : ... قال [رسول الله (ص) في حديث المعراج] : ... صعد جبرئيل و صعدت معه إلى سماء الدنيا و عليها ملك يقال له : اسماعيل ، هو صاحب الخطفه التي قال الله عزّوجلّ : > إلا من خطف الخطفه فأتبعه شهاب ثاقب < و تحته سبعون ألف ملك تحت كلّ ملك سبعون ألف ملك ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است .. [که رسول خدا(ص) در حدیث معراج] فرمود: جبرئیل بالا- رفت و من هم با او به آسمان دنیا بالا- رفتم. در آن جا فرشته ای بود به نام اسماعیل. او مأمور تعقیب ربایندگان اخبار (صاحبان خطفه) بود که خداوند می فرماید: > إلا من خطف الخطفه... < و هفتاد هزار فرشته تحت فرمان او بودند که هر کدام از آنان نیز هفتاد هزار فرشته را تحت فرمان [خود] داشتند.<

۴ - شیاطینی که دزدانه به آسمان نزدیک صعود کنند و به جمع آوری اطلاعات و اخبار پردازند ، با گلوله آتشین ، مؤثر و

سوراخ

کننده ، مورد تعقیب و اصابت قرار خواهند گرفت .

إِلَّا مِنْ خَطْفِ الْخَطْفَةِ فَأَتْبَعَهُ شَهَابٌ ثَاقِبٌ

<شهاب> به شعله ای از آتش افروخته (گلوله آتشین) گفته می شود. <ثاقب> نیز به معنای نافذ و سوراخ کننده است.

عجز شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۲

۲ - نازل کردن قرآن ، خارج از توانایی شیاطین

و ما يستطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸ - ۱

۱ - شیاطین ، ناتوان از شنود اخبار آسمان

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۱

۱۱ - شیطان ها ، ناتوان از شنود و دستیابی به اطلاعات و اخبار آسمان

و جعلناها رجوماً للشیطين

عذاب پیروان شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۰

۲۰ جایگاه ابدی جنیان اغواگر (شیطانها) و انسانهای پیرو ایشان آتش دوزخ است.

قال النار مثویکم خلدین فیها

<مثوی> اسم مکان و به معنی جایگاه و محل استقرار است. (راغب).

عذاب شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۰

۲۰ جایگاه ابدی جنیان اغواگر (شیطانها) و انسانهای پیرو ایشان آتش دوزخ است.

قال النار مثویکم خلدین فیها

<مثوی> اسم مکان و به معنی جایگاه و محل استقرار است. (راغب).

عصیان شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۹

۹- امکان تمرد و سرپیچی شیاطین از فرمان های خداوند و نیاز فرمان بری آنها

به نظارت و مراقبت الهی

و کُنَّا لَهُمْ حَفَظِينَ

این که خداوند مراقبت همیشگی خود را نسبت به شیاطین یادآور می شود، می رساند که آنان موجوداتی سرکش اند و نیاز به مراقبت دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷ - ۳،۵

۳ - شیطان ها ، موجوداتی متمرّد از فرمان خدا و به دور از هرگونه خیر و نیکی اند .

من کلّ شیطن مارد

<مارد>؛ یعنی، کسی که در وجودش اطاعت و فرمانبری و خیر و نیکی نباشد. از این رو به درخت بی برگ (که برگ های آن ریخته باشد) گفته می شود: <شجر اُمرد>.

۵ - شیطان های متمرّد و به دور از خیر ، متعدد و بسیاراند .

من کلّ شیطن مارد

عقیده به تدبیر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۰

۲۰- مشرکان به برخورداری شیاطین و جن از حق تصمیم گیری در کار جهان و تدبیر امور آن ، معتقد بودند .

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي

به قرینه آیه بعد، مراد از توهم ولایت شیاطین، این پندار است که آنان، در امور عالم و کار آفرینش، دخالت و نظارت دارند . این اعتقاد مشرکان را وادار می کرد که برای پرهیز از شر شیاطین، به ستایش آنان پردازند.

علم شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- شیاطین ، موجوداتی آشنا با فنون و علوم مختلف .

و من الشیطین من یغوصون له و یعملون عملاً دون ذلک

عوامل طرد شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۹

۹ - ستارگان پرفروغ ، مایه طرد شیطان ها و حفظ آسمان نزدیک از نفوذ آنها است .

و جعلنها رجوماً للشیطان

عوامل مصونیت از شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۶

۶ - نقش مؤثر دعا در ایمن ماندن انسان ها از خطر وسوسه های شیاطین

و قل ربّ أعوذ بك من همزت الشیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۸ - ۶

۶ - خدا ، تنها پناهگاه انسان برای ایمن ماندن از شرّ های شیاطین

أعوذ بك من همزت الشیطان . و أعوذ بك ربّ أن یحضرون

غواصی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۲

۲- برخی از شیاطین برای سلیمان (ع) ، به کار غواصی و غیر آن می پرداختند .

و من الشیطان من یغوصون له و یعملون عملاً دون ذلك

فرجام پیروان شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ جایگاه ابدی جنیان اغواگر (شیطانها) و انسانهای پیرو ایشان آتش دوزخ است.

قال النار مثویکم خلدین فیها

<مثوی> اسم مکان و به معنی جایگاه و محل استقرار است. (راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۴

۴ - دوزخ ، سرنوشت مشترک شیطان ها و انسان های پیرو آنان

لأملأَنَّ جهنم منك و ممن تبعك منهم أجمعین

فرجام شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ جایگاه ابدی جنیان اغواگر (شیطانها) و انسانهای پیرو ایشان آتش دوزخ است.

قال النار مثویکم خلدین فیها

<مثوی> اسم مکان و به معنی جایگاه و محل استقرار است. (راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۴

۴ - دوزخ، سرنوشت مشترک شیطانها و انسانهای پیرو آنان

لأملأن جهنم منک و ممن تبعک منهم أجمعین

فلسفه اغواگری شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۳ - ۴،۶

۴ تبلیغات فریبنده شیاطین (دشمنان انبیا) برای جذب دلهای منکران آخرت و معاد است.

یوحی بعضهم إلى بعض زخرف القول غرورا .. و لتصغی إليه أفئده الذین لایؤمنون بالأخ

بنابراین که <لتصغی> عطف به <غرورا> در آیه قبل، که مفعول له است، باشد. <تصغی> از <صغی> یا <صغو> به معنی میل پیدا نمود، است. (قاموس اللغه). لذا <لتصغی> یعنی برای جذب شدن و متمایل گشتن.

۶ رضایت درونی منکران آخرت و قیامت، از اهداف تبلیغات فریبنده شیاطین است.

زخرف القول غرورا .. و لیرضوه و لیقترفوا ما هم مقترفون

<لیرضوه> عطف بر <غرورا> است؛ در نتیجه عامل آن فعل <یوحی> است؛ یعنی: <یوحی بعضهم إلى بعض زخرف القول لیرضوه>.

فلسفه وجودی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ قرار داده شدن شیاطین در برابر انبیا دارای فلسفه و جهت و به منظور تأمین اهدافی معین است.

و كذلك جعلنا .. و لتصغى إليه أفئدة الذين

جمله <لتصغى إليه> عطف به مقدر است؛ لذا معنی

چنین می شود: <جعلنا .. لغایات و لتصغی إلیه>.

قبول ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۵،۱۰

۵ پذیرش سرپرستی شیاطین بجای خدا، عامل تثبیت گمراهی و دور ماندن از هدایت الهی

فريقا حق عليهم الضلله إنهم اتخذوا الشيطان أولياء من دون الله

۱۰ پذیرندگان ولایت شیاطین، بی خبر از گمراهی خویش و در پندار برخورداری از توفیق هدایت هستند.

و يحسبون أنهم مهتدون

قدرت شنوایی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۳

۳- در آسمان ها ، خبر ها و اطلاعاتی مبادله می شود که قابل شنود برای موجوداتی چون شیاطین است .

من كلّ شیطن رجیم . إلا من استرق السمع

لازمه استراق سمع، وجود و تبادل اخباری است که قابل شنیدن است.

قدرت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۲ - ۲

۲ - قدرت شیاطین بر استماع و استراق سمع گفتار فرشتگان ، در برهه ای از زمان (قبل از ممنوع شدن و عزل گشتن)

إنهم عن السمع لمعزولون

<معزولون> می تواند به معنای حال باشد، یعنی، گرچه شیاطین در گذشته گفتار فرشتگان را می شنیدند، اما اکنون (از

زمان نزول قرآن) از آن عزل گشته و ممنوع شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸ - ۴

۴ - قدرت شیاطین بر صعود به نزدیک ترین آسمان

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا .. لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى

کافران و شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ کافران و منکران آیات الهی تحت نفوذ و ولایت شیاطین هستند.

ذلك من آيات الله .. إنا جعلنا الشيطان أولياء للذين لا يؤمنون

جمله <ذلك من آیات الله> در آیه قبل می تواند بیانگر متعلق <لا يؤمنون> باشد.

کثرت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷ - ۵

۵ - شیطان های متمرّد و به دور از خیر ، متعدد و بسیاراند .

من كلّ شیطن مارد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - شمار شیاطین ، بسیار و متنوع به گوناگونی گمراهی ها و متعدد به تعدد گمراهان

نقیض له شیطنًا .. و إنّهم لیصدّونهم عن السبیل

کفر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۹

۹ - کفرورزی شیاطین با تعلیم سحر به مردم

و لكن الشیطن کفروا یعلمون الناس السحر

کیفر اخروی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۳

۱۳ - آتشِ فروزان ، کیفر شیاطین در قیامت

و أعتدنا لهم عذاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۹

۹ - شیاطین ، مورد مؤاخذه و مجازات در روز قیامت *

نقیض له شیطناً .. أنکم فی العذاب مشترکون

عذاب شدن شیاطین، می تواند دال بر تکلیف آنان باشد.

کیفر استراق سمع شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹

۲ - شیاطینی که با صعود به آسمان ، آهنگ استراق سمع کنند ، به عذاب دائم الهی دچار خواهند شد .

و لهم عذاب واصب

<واصب> به معنای دائم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰ - ۴،۵

۴ - شیاطینی که دزدانه به آسمان نزدیک صعود کنند و به جمع آوری اطلاعات و اخبار پردازند ، با گلوله آتشین ، مؤثر و سوراخ کننده ، مورد تعقیب و اصابت قرار خواهند گرفت .

إلا من خطف الخطفه فأتبعه شهاب ثاقب

<شهاب> به شعله ای از آتش افروخته (گلوله آتشین) گفته می شود. <ثاقب> نیز به معنای نافذ و سوراخ کننده است.

۵ - شیاطین ، پیش از استفاده از اطلاعات و اخبار غیبی از آسمان ، نابود می شوند .

إلا من خطف الخطفه فأتبعه شهاب ثاقب

کیفر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹ - ۳

۳ - شیاطین ، موجوداتی مکلف و مسؤول و مورد کیفر و بازخواست الهی

و لهم عذاب واصب

برداشت یاد شده از مبتلا شدن به عذاب و کیفر الهی به دست می آید زیرا کیفر و عذاب بدون تکلیف و مسؤولیت، معقول نیست.

کیفیت حشر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانو نشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثُمَّ لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا

<جثیا> (جمع <جائی>) حال است و <جائی> به کسی گفته می شود که

برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جثی< را جمع <جثوه< دانسته اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

گمراهان و شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۳

۳ - رویارویی گمراهان و عوامل شیطانی گمراه کننده آنان ، در قیامت

قال یلیت بینی و بینک بعد

تعبیر <بینی و بینک< خطاب رو در رو را می رساند.

گمراهی پیروان شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ پذیرندگان ولایت شیاطین، بی خبر از گمراهی خویش و در پندار برخوردار از توفیق هدایت هستند.

و یحسبون أنهم مهتدون

مبارزه با شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۶

۶ وجوب نبرد با یاوران شیطان (کافران و طاغوت ها)

و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت فقاتلوا اولیاء الشّیطان

مبارزه با شیاطین انسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ پیامبر اسلام (ص)، مانند سایر پیامبران، درگیر مبارزه با شیاطینی از جن و انس

و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا شيطيين الإنس و الجن

مبارزه با شیاطین جنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ پیامبر اسلام(ص)، مانند سایر پیامبران، درگیر مبارزه با شیاطینی از جن و انس

و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا شيطان الإنس و الجن

محدوده قدرت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۴

۴ - محدودیت توان و دامنه نفوذ شیاطین

و ما يستطيعون

محمد(ص) و وسوسه شیاطین انس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، مواجه با وسوسه گرانی از جن و انس که مردم را درباره ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت خداوند به تردید می افکندند .

قل أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ . مَلِكِ النَّاسِ . إِلَهِ النَّاسِ . مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ... مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

در برداشت یاد شده، مجموع سوره با این نگاه تفسیر شده است که پیامبر(ص)، در مسیر ابلاغ یکتایی خداوند در ربوبیت، فرمان روایی و الوهیت، با عده ای از جن و انس مواجه شده بود که در سینه های مردم وسوسه ایجاد کرده، هدایت آنان را بر آن حضرت دشوار می ساختند؛ خداوند، آن حضرت را در پناه خود قرار داده و او را به این پناهنده شدن فرا خوانده است تا وسوسه گران و اغواگران مردم را، از سر راه او بردارد.

محمد(ص) و وسوسه شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، مواجه با وسوسه گرانی از جن و انس که مردم را درباره ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت

خداوند به تردید می افکندند .

قل أعوذ ربّ الناس . ملك الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس ... من الجنّه و الن

در برداشت یاد شده، مجموع سوره با این نگاه تفسیر شده است که پیامبر(ص)، در مسیر ابلاغ یکتایی خداوند در ربوبیت، فرمان روایی و الوهیت، با عده ای از جن و انس مواجه شده بود که در سینه های مردم وسوسه ایجاد کرده، هدایت آنان را بر آن حضرت دشوار می ساختند؛ خداوند، آن حضرت را در پناه خود قرار داده و او را به این پناهنده شدن فرا خوانده است تا وسوسه گران و اغواگران مردم را، از سر راه او بردارد.

مراقبت از شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۸،۹

۸- شیاطین ، همواره در کمند نظارت و کنترل و مراقبت الهی .

من الشیطان . . . و کنا لهم حفظین

۹- امکان تمرد و سرپیچی شیاطین از فرمان های خداوند و نیاز فرمان بری آنها به نظارت و مراقبت الهی

و کنا لهم حفظین

این که خداوند مراقبت همیشگی خود را نسبت به شیاطین یادآور می شود، می رساند که آنان موجوداتی سرکش اند و نیاز به مراقبت دارند.

مسکن شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۹

۹ - زمین محل سکونت و قرارگاه شیاطین

اهبطوا . . . و لکم فی الأرض مستقر

برداشت فوق بر این مبناست که خطابها در جمله <اهبطوا> و . . . متوجه شیطان نیز باشد.

مقهوریت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ -

۹ - شیاطین ، مقهور اراده خداوند هستند .

فسخرنا له .. و الشیطان کلّ بناء و غواص

مکان نفوذ شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۱

۱ - قلب هر انسان دروغ پرداز و گنه پیشه ، محل واقعی نزول شیاطین

تنزل علی کلّ أفاک اثم

<أفاک> از ریشه <إفک> (قلب کردن حقیقت) مشتق شده است. بنابراین <أفاک> به کسی گفته می شود که دروغ پردازی کند. <اثم> نیز از ماده <إثم> (گناه) به معنای گنه پیشه است.

مکذبان آیات خدا و شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ کافران و منکران آیات الهی تحت نفوذ و ولایت شیاطین هستند.

ذک من ءایت الله .. إنا جعلنا الشیطان أولیاء للذین لا یؤمنون

جمله <ذک من آیات الله> در آیه قبل می تواند بیانگر متعلق <لا یؤمنون> باشد.

مکر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۳

۱۳ شیاطین ، همواره در صدد مکر و توطئه علیه مؤمنان

انّ كيد الشيطان كان ضعيفاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰ وسوسه و ظاهر سازی فریبکارانه، روش شیاطین است.

یوحی بعضهم إلى بعض زخرف القول غرورا

مکر شیاطین انسی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ لزوم هشیاری در برابر ترفندهای هنری و تبلیغی شیاطین انس و جن

و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا ..

یوحی بعضهم إلى بعض زخرف القول غرورا

مکر شیاطین جنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ لزوم هشیاری در برابر ترفندهای هنری و تبلیغی شیاطین انس و جن

و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا... يوحى بعضهم إلى بعض زخرف القول غرورا

ملاقات شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۲۴

۲۴ روی عن أبي جعفر(ع) فی معنی قوله: <یوحی بعضهم إلى بعض> إن الشیاطین یلقى بعضهم بعضا فیلقى الیه ما یغوی به الخلق...

از امام باقر(ع) درباره <یوحی بعضهم...> روایت شده است: بعضی از شیاطین با بعض دیگر ملاقات و آنچه باعث گمراه کردن مردم است، به آنان می آموزند...

ممانعت از استراق سمع شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹ - ۱

۱ - شیاطینی که به قصد استراق سمع به آسمان صعود کنند، به ذلت و خواری رانده شده و به این مقصد نخواهند رسید.

و یقذفون من کلّ جانب . دحورًا

<دحور> به معنای طرد و دور ساختن به وضع ذلت و خواری است (مفردات راغب).

ممنوعیت استراق سمع شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شیاطین ، ممنوع شده و عزل گشته از شنود پیام های آسمانی و گفتار فرشتگان

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعَزُولُونَ

منشأ اغواگری شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ -

۵- وسوسه گری ها و القآت تحریک آمیز شیاطین ، وابسته به اراده الهی است .

ألم تر أننا أرسلنا الشيطان على الكافرين توتّهم

منشأ وسوسه های شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۵

۵- وسوسه گری ها و القآت تحریک آمیز شیاطین ، وابسته به اراده الهی است .

ألم تر أننا أرسلنا الشيطان على الكافرين توتّهم

موانع استراق سمع شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۶

۶- شهاب های آسمانی ، مانع استراق سمع شیاطین از آسمانهاست .

إلا من استرق السمع فأتبعه شهاب مبين

موانع حاکمیت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۸

۱۸ ایمان به خداوند و آیات او مانع ولایت و حاکمیت شیاطین بر انسان

إنا جعلنا .. للذين لا يؤمنون

موانع نفوذ شیاطین به آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - ستارگان ، حافظان آسمان نزدیک از نفوذ شیطان ها

بزینه الكواكب . و حفظًا من كلّ شيطان

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که نصبِ <حفظا> به سبب عطف بر <بزینه> باشد (از نوع عطف بر معنا که در کلام عرب بسیار است). بر این اساس، تقدیر آیه چنین می شود: <إنا خلقنا الكواكب زينة للسماء و حفظا لها> (ما ستارگان را برای زینت آسمان و نیز برای محفوظ ماندن آن از نفوذ شیطان آفریدیم). بنابراین پیام آیه شریفه مانند آیه پنجم سوره ملک خواهد بود: <ولقد

زينا السماء الدنيا بمصاييح و جعلناها رجوما للشياطين <.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۵ - ۹

۹ - ستارگان پرفروغ ، مایه طرد شیطان ها و حفظ آسمان نزدیک از نفوذ آنها است .

و جعلنها رجوماً للشیطين

موانع وسوسه شیاطین انس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، پناهگاهی شایسته برای پیامبر (ص) ، در برابر تلاش جن و انس برای اغوای مردم و ایجاد تزلزل در دل های آنان

قل أعوذ .. الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

موانع وسوسه شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، پناهگاهی شایسته برای پیامبر (ص) ، در برابر تلاش جن و انس برای اغوای مردم و ایجاد تزلزل در دل های آنان

قل أعوذ .. الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

موانع ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۸

۱۸ ایمان به خداوند و آیات او مانع ولایت و حاکمیت شیاطین بر انسان

إنا جعلنا .. للذين لا يؤمنون

مؤاخذه اخروی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۹

۹ - شیاطین ، مورد مؤاخذه و مجازات در روز قیامت *

نقیض له شیطاناً .. أنکم فی العذاب مشترکون

عذاب شدن شیاطین، می تواند دال بر تکلیف آنان باشد.

مؤمنان و شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۳

۱۳ شیاطین ، همواره در صدد مکر و توطئه علیه مؤمنان

انّ كيد الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

ناظر عمل شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۷۸

۷- کنترل و نظارت خداوند بر شیاطین ، در فرمان برداری آنان از سلیمان (ع)

و من الشَّيْطَانِ . . . و كُنَّا لَهُمْ حَفِظِينَ

۸- شیاطین ، همواره در کمند نظارت و کنترل و مراقبت الهی .

من الشَّيْطَانِ . . . و كُنَّا لَهُمْ حَفِظِينَ

نافرجامی استراق سمع شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰ - ۵

۵ - شیاطین ، پیش از استفاده از اطلاعات و اخبار غیبی از آسمان ، نابود می شوند .

إِلَّا مَنْ خَطَفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ

نافرجامی تلاش شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹ - ۱

۱ - شیاطینی که به قصد استراق سمع به آسمان صعود کنند ، به ذلت و خواری رانده شده و به این مقصد نخواهند رسید .

و یقذفون من کلّ جانب . دحورًا

<دُحور> به معنای طرد و دور ساختن به وضع ذلت و خواری است (مفردات راغب).

نسل شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۷

۲۷- شیاطین و جن ها ، دارای ذریه و زاد و ولدند .

کان من الجنّ . . . أفْتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي

نشانه های بی کفایتی شیاطین

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۳

۳- حضور نداشتن شیاطین در کار آفرینش جهان ، نشان عدم صلاحیت آنان برای ولایت و تدبیر امور عالم است .

أَفْتَحْذَوْنَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي .. مَا أَشْهَدْتَهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

نشانه های نفوذ شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۲

۲ - دروغ پردازی و گناه ، نمود های تصرف شیاطین در قلب و روح انسان

تَنْزَلَ عَلَيَّ كُلِّ أِفَّاكٍ أَثِيمٍ

نفوذ شیاطین به آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷ - ۱،۴

۱ - خداوند ، آسمان پرستاره را از نفوذ هر شیطانی حفظ کرده است .

و حَفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که نصبِ <حَفْظًا>، به خاطر مفعول مطلق بودنِ آن به فعل مقدر <حفظناها> باشد.

۴ - تلاش شیطان ها ، برای شیطنت و نفوذ در آسمان نزدیک

و حَفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - برخی از شیاطین ، به صعود به آسمان نزدیک موفق شده و با سرعت و دزدانه به اطلاعات و اخبار ناچیزی دست خواهند یافت .

لا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى .. إِلَّا مِنْ خَطْفِ الْخَطْفَةِ

<خَطْفَ> به معنای اختلاس و ربودن با سرعت است و <خطفه> بر وزن <فعله> که دال بر <مژه> است مفعول مطلق و به معنای یک بار ربودن است. گفتمنی است که در این آیه، کنایه از ربودن کم و

ناچیز از اطلاعات و اخبار موجود در آسمان است.

۲ - اصرار برخی از شیاطین به صعود به آسمان نزدیک ، جهت کسب اطلاعات و اخبار غیبی

إِلَّا مِنْ خَطْفِ الْخَطْفَةِ

تلاش دزدانه شیاطین همراه با خطرپذیری آنان برای صعود به آسمان، می تواند حاکی از اصرار آنان بر این صعود باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۰

۱۰ - تلاش شیاطین ، برای نفوذ در آسمان جهت شنود اخبار آن

و جعلنها رجوماً للشیطین

از آیات مشابه (مانند آیات ۷ و ۸ سوره <صافات>) استفاده می شود که شیطان ها، به منظور استراق سمع و شنود اخبار آسمان، به آن جا نفوذ می کنند ولی هربار مورد هدف قرار می گیرند و رانده می شوند.

نقش شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۹، ۱۳

۱۳ بازگشت کننده به شرک (مرتد) مانند دیوانه ای سرگردان است که شیطانها (جنیان) عقل او را زایل کرده اند.

أندعوا من دون الله .. و نرد ... کالذی استهوته الشیطین

<استهوته الشیاطین> یعنی شیطانها عقل و فکر او را برده اند. همچنین جمله <استهوته الشیاطین> را در موردی که شخصی جن زده شده باشد، به کار می برند. (لسان العرب).

۱۹ مرتد به سرگردانی در بیابان می ماند که شیطانها او را به بی راهه می خوانند و گروهی نیز او را به راه هدایت دعوت می کنند.

کالذی استهوته الشیطین فی الأرض حیران له أصحاب یدعونه إلی الهدی ائتنا

<فی الأرض> متعلق به <استهوی> است، و <استهوی فی الأرض> به معنی عقل او را در بیابان

ر بوده اند، می تواند باشد و مراد از <اصحاب> در <له اصحاب يدعونه> ممکن است مشرکان و یا موحدان باشند که در برداشت فوق احتمال دوم برگزیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۲۴

۲۴ روی عن أبي جعفر(ع) فی معنی قوله: <یوحی بعضهم إلی بعض> إن الشیاطین یلقى بعضهم بعضا فیلقى الیه ما یغوی به الخلق . . .

از امام باقر(ع) درباره <یوحی بعضهم . . .> روایت شده است: بعضی از شیاطین با بعض دیگر ملاقات و آنچه باعث گمراه کردن مردم است، به آنان می آموزند . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۱۰

۱۰ شیاطین عامل بدعت و گناه و مبارزه با ادیان الهی و احکام آن هستند.

و إن الشیاطین لیوحون إلی أولیائهم لیجدلوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۷

۷ شیاطین همواره برای سد کردن راه هدایت بر آدمیان، در تلاش هستند.

إنهم اتخذوا الشیاطین أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۱

۱- شیاطین، فاقد کمترین دخالت و نظارت در کار آفرینش آسمان ها و زمین و نیز خلقت خودشان اند .

ما أشهدتهم خلق السموت والأرض و لا خلق أنفسهم

<إشهاد> یعنی، دیگری را به شهادت و حضور خواندن. نفی شاهد گرفته شدن شیاطین در آفرینش آسمان ها و زمین و

خلقت خود آن‌ها، کنایه از آن است که آنان، هیچ نقشی در الوهیت و تدبیر جهان نداشته

اند تا در موقع آفرینش، به حضور فراخوانده شده و شاهد خلقت باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۴

۴- شیاطین، موجوداتی دارای شعور و کارآیی هستند.

و من الشیطین من یغوصون له

برداشت یاد شده با توجه به نکته است که تسخیر شیاطین برای سلیمان(ع) و حرف شنوی آنان، ملازم با شعور آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۱

۱ - شیاطین، فاقد کمترین شایستگی برای نزول قرآن

و ما ینبغی لهم

ضمیر فاعل در <ینبغی> به <تنزل> (مصدر <تنزلت>) بازمی گردد <استطاعه> (مصدر <یستطیعون>) به معنای توانایی است، یعنی، <و ما ینبغی لهم أن یتنزلوا به و لایقدرون علی التّنزل به> نه می سزد که شیاطین قرآن را نازل کنند و نه می توانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۱ - ۱

۱ - پاسخ کوبنده و موضع گیری سخت خداوند، در برابر مدعیان دخالت شیاطین در نزول قرآن

هل أُتْبئکم علی من تنزل الشیطین

اصرار و تأکید خداوند بر ردّ گفتار و اتهام های مشرکان به قرآن و پیامبر(ص)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷ - ۳

۳ - شیطان ها، موجوداتی متمرّد از فرمان خدا و به دور از هرگونه خیر و نیکی اند.

من کلّ شیطن مارد

<مارد> یعنی، کسی که در وجودش اطاعت و فرمانبری و خیر و نیکی نباشد. از این رو به درخت بی برگ (که برگ های

آن ریخته باشد) گفته می شود: <شجر أمرد>.

وسوسه شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰ وسوسه و ظاهر سازی فریبکارانه، روش شیاطین است.

یوحی بعضهم إلى بعض زخرف القول غرورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۶

۶ - نقش مؤثر دعا در ایمن ماندن انسان ها از خطر وسوسه های شیاطین

و قل ربّ أعوذ بك من همزت الشیطان

وسوسه شیاطین انس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۱

۳ - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجنّه و الناس

۱۱ - برخی از انسان ها ، مانند برخی از جنیان ، شیطان اند و مخفیانه مردم را وسوسه می کنند .

الوسواس الخناس .. من الجنّه و الناس

عموم مفسران <شیطان> را مصداق <وسواس خناس> قرار داده اند. این آیه نیز او را از نوع جن و انس می داند بنابراین شیطان، عنوانی عام خواهد بود که بر افرادی از بشر و جنیان، تطبیق می کند.

وسوسه شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۳،۱۱

۳ - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجنّه و الناس

۱۱ - برخی از انسان ها ، مانند برخی از جنیان ، شیطان اند و مخفیانه مردم را وسوسه می کنند .

الوسواس الخناس . . . من الجنّه و الناس

عموم مفسران <شیطان> را مصداق <وسواس خناس>

قرار داده اند. این آیه نیز او را از نوع جن و انس می داند؛ بنابراین شیطان، عنوانی عام خواهد بود که بر افرادی از بشر و جنیان، تطبیق می کند.

وسوسه های شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۱،۲،۳

۱- کافران، گرفتار در دام تحریکات و وسوسه های شیاطین

أرسلنا الشیطان علی الکفرین توڑهم

<أز> به معنای تهییج و برانگیختن است و <توڑهم> یعنی، شیاطین، کافران را به سوی گمراهی و انحراف بیشتر سوق داده و تحریک می کنند.

۲- فرستاده شدن شیاطین برای تحریک و وسوسه کافران از دید پیامبر (ص) مخفی نیست .

ألم تر أننا أرسلنا الشیطان

۳- شیاطین، موجوداتی وسوسه گر و تحریک کننده در جهت گمراهی مردم

أرسلنا الشیطان علی الکفرین توڑهم

ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ کافران و منکران آیات الهی تحت نفوذ و ولایت شیاطین هستند.

ذلك من آیت الله .. إنا جعلنا الشیطان أولیاء للذین لا یؤمنون

جمله <ذلك من آیات الله> در آیه قبل می تواند بیانگر متعلق <لا یؤمنون> باشد.

ویژگیهای شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۱ - ۹

۹- گمراگري ، بزرگ ترين ويژگي شياطين است .

أفتتخذونه و ذرّيته أولياء . .. و ما كنت متخذ المضلّين عضداً

هشدار به پيروان شياطين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۲ - ۴

۴- بي نتيجه بودن كمك خواهي مشركان از معبودان خویش ، هشدار خداوند به

اهل شرك و پذيرندگان ولايت شياطين است .

و يوم يقول نادوا شركاءى ... فلم يستجيبوا لهم

هشيارى در برابر شياطين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ لزوم هشيارى در برابر ترندهاى هنرى و تبليغى شياطين انس و جن

و كذلك جعلنا لكل نبى عدوا ... يوحى بعضهم الى بعض زخرف القول غرورا

هلاكت شياطين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰ - ۵

۵ - شياطين ، پيش از استفاده از اطلاعات و اخبار غيبى از آسمان ، نابود مى شوند .

إلا من خطف الخطفه فأتبعه شهاب ثاقب

همنشينى با شياطين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - همدمى منحرفان با شياطين در دوزخ ، تأثيرى در تخفيف عذاب و يا آرامش آنان نخواهد داشت .

لن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم أنكم في العذاب مشتركون

برداشت ياد شده بر اين اساس است كه عبارت <أنكم فى...> فاعل <لن ينفع> باشد.

همنشينى با شياطين در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - مشاهده شیاطین در قیامت و همنشینی با آنان ، خود نوعی عذاب برای گمراهان است .

قال یلیت بینی و بینک بعد المشرقین

همنشینی شیاطین با معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - همنشینی شیاطین با ترک کنندگان یاد خدا در روز واپسین *

فهو له قرین . . . حتی

إذا جاءنا ... فيئس القرين

به قرینه <فبئس القرين>، می توان گفت: غایت در <حَتَّى إذا جاءنا> نقطه نهایی قرین بودن را نمی رساند؛ بلکه بعد از <حَتَّى> نیز مانند قبل از آن است.

هنر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۴، ۱۶

۱۴ شیاطین انس و جن از هنر و تبلیغات فریبده برای فریب دادن مردم و مبارزه با انبیا بهره می برند.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا

<زخرف القول> به کلام آراسته شده می گویند که از مصادیق هنر است و می توان گفت که این مورد به عنوان نمونه ذکر شده است. گفتنی است <غرورا> در برداشت فوق مفعول له واقع شده است.

۱۶ لزوم هشیاری در برابر ترفندهای هنری و تبلیغی شیاطین انس و جن

و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا... يوحى بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا

شیطان

{شیطان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۲۰

۲۰ شیطان، از مصادیق طاغوت

فمن يكفر بالطاغوت

امام صادق (ع) درباره آیه <فمن يكفر بالطاغوت> فرمود: انه الشيطان... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۵

۵ دوستی شیطان ، زمینه ساز ترس از غیر خدا

أَتَمَّا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۱

۱ - شیطان ، نام و مشخصه دیگری برای ابلیس

إِلَّا ابْلِيسَ . . . إِنَّ

هذا عدو... فوسوس إليه الشيطان

<شیطان> از ریشه <شطن> گرفته شده است که در معنای <دوری> و یا <ریسمان بلند> به کار می رود. این اشتقاق، اشاره به دوری ابلیس از رحمت خداوند و یا شرارت طولانی او است.

آثار اطاعت از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ تکبر، بخل و ریاکاری، پیامد همراهی شیطان با آدمی

مختالاً فخوراً. الذین ییخلون ... و الذین ینفقون اموالهم رءاء الناس ... و من یکن ا

ظاهراً جمله <من یکن...> بیان ریشه و علت صفات ذکر شده در این آیه و آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۸

۸ پیروی از شیطان موجب قرار گرفتن آدمی در زمره گمراهان می شود.

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۴۸

۴- اطاعت از شیطان، در حقیقت پرستش او است.

لَمْ تَعْبُدْ مَا لَا يَسْمَعُ... لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ

عبادت کردن بت ها و عبادت کردن شیطان دو مقوله است، ولی ابراهیم(ع) یکی را به منزله دیگری دانسته است. وجه این تنزیل ممکن است تلاش شیطان در برانگیختن آدمی به شرک باشد که قرآن اطاعت از او را، عبادت خوانده است.

۸- اطاعت از شیطان، ناسپاسی و قدرناشناسی رحمت واسعه الهی است.

لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

<رحمن> صیغه مبالغه و از نام های خداوند است. تکیه بر این نام در جمله <کان للرحمن...> به منزله تعلیلی بر زشتی

کار شیطان است، زیرا عصیان کردن او در برابر دارنده رحمت و اسعه و اصرار بر آن نشانه ناسپاس بودن او است. و جمله <لا تعبد...> دلالت دارد که هر کس از شیطان تبعیت نماید، او نیز چنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۳

۳- پرستش بت ها و اطاعت شیطان ، موجب گرفتاری به عذاب الهی است .

يَأْتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ ... إِنَّي أَخَافُ أَنْ يَمْسَكَ عَذَابَ مِنَ الرَّحْمَنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۵

۵ - عبادت نکردن خدای یکتا و پیروی از شیطان ، موجب دوزخی شدن است .

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ بَيْنِي وَأَدْمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ ... وَأَنْ أَعْبُدُونِي ... وَ لَقَدْ أَضَلَّ م

برداشت یاد شده از ارتباط میان این آیه و آیات پیشین به دست می آید؛ یعنی، آیه شریفه بیانگر نتیجه و پی آمد عمل نکردن به توصیه های الهی است.

آثار اغواپذیری از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۱۲

۱۲- تسلیم اغوا و ظاهرسازی های شیطان شدن ، ولایت او را در پی دارد .

فَزَيِّنْ لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَلَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ

آثار اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۳

۳ - شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما كانا فيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - نحل - ١٦ -

۹- افتراها و نسبت های ناروای مشرکان به خداوند ، برخاسته از اغوای شیطان بوده است .

و يجعلون لله البنت . . . و يجعلون لله ما يكرهون ... لقد أرسلنا إلى أمم من قبلك

ذکر قصه بعثت انبیا در میان امتهای پیشین و تحت تأثیر اغوای شیطان قرار گرفتن آنان، می تواند تعریضی باشد به مشرکان مکه که نسبتهای ناروا به خداوند می دادند.

۱۱- ظاهرسازی های شیطان ، از موانع حرکت و نهضت انبیا

تالله لقد أرسلنا إلى أمم من قبلك فزين لهم الشيطان أعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۲،۴

۲ - خداوند ، شیطان را به دلیل وسوسه گری و فریب دادن آدم ، از بهشت اخراج کرد و به فرود آمدن به زمین فرمان داد .

فوسوس إليه الشيطان . . . قال اهبطا منها جميعًا

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مخاطب در <اهبطا> آدم و شیطان باشند.

۴ - شیطان با وسوسه و اغواگری خود ، زمینه ساز اخراج آدم و حوا از بهشت و هبوط آنان به زمین گردید .

فوسوس إليه الشيطان . . . قال اهبطا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۲

۲ - یمار دلی و قساوت ، زمینه ای مناسب برای قرار گرفتن در دام فتنه ها و اغواگری های شیطان

ليجعل ما يلقى الشيطان فتنه . . . و القاسيه قلوبهم

آثار پیروی از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۴

۱۴- پیروی از شیطان ، ملامت و

پشیمانی اخروی در پی دارد .

دعوتکم فاستجبتم لی فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۳

۳- پیروی از شیطان ، خروج از عبودیت خداست .

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

اضافه <عباد> به <ی> متکلم برای بیان این نکته که کسانی از نسل آدم(ع) وجود دارند که ابلیس بر آنها سلطه نخواهد داشت؛ حکایت از آن دارد که بندگی خداوند، انسان را از سلطه ابلیس می رهاند و پیروی از او انسان را از صف و صفت عباد خارج می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۱،۴

۱- پیروی از شیطان ، به معنای پذیرش ولایت و سرپرستی او است .

و یتبع کل شیطن . . من تولاه فإنه یضله

۴- ضلالت و گمراهی ، پیامد قطعی قرار گرفتن در قلمرو ولایت شیطان و پیروی از او

من تولاه فإنه یضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۱۵، ۱۱، ۷، ۳

۳ - ناسازگاری ایمان با پیروی از شیطان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطٰنِ

از آن جا که خداوند مسلمانان را با وصف ایمان مورد خطاب قرار داده است، برداشت یاد شده به دست می آید.

۷ - نتیجه و ره آورد پیروی از شیطان ، فرو افتادن در منجلاب زشتی ها و ناپسندی ها (فحشا و منکرات) است .

و من يتبع خطوات الشيطان فإنه يأمر بالفحشاء والمنكر

۱۱ - ناسازگاری ایمان با پیروی از شیطان و ارتکاب فحشا و منکرات

يأينها الذين ءامنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان .. فإنه يأمر

برداشت فوق، به خاطر این نکته است که خداوند پیش از نهی از فحشا و منکرات، مسلمانان را با وصف ایمان مورد خطاب قرار داد.

۱۵ - پیروی از شیطان و ارتکاب فحشا و منکرات ، مانع از رشد و بالندگی و مایه ناپاکی و انحطاط انسان است .

لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ .. فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۶

۶ - دوزخ ، پی آمد پاسخ دادن به ندای شیطان و حرف شنوی از او است .

إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۲ - ۳

۳ - پیروی از شیطان ، عامل انحراف و بازماندن از صراط مستقیم

وَاتَّبِعُوا هَذَا صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . وَلَا يَصِدُّكُمْ الشَّيْطَانُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۸ - ۳

۳- پیروی از فریب ها و زیانمایی های شیطان و اطاعت از کافران ، مایه خشم الهی و عذاب

الشَّيْطَانِ سَوَّلَ لَهُمْ .. سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ ... ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهُ

برداشت بالا- بنابراین نکته است که <اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهُ> به آنچه در آیات پیشین تحت عنوان <الشَّيْطَانِ سَوَّلَ لَهُمْ> و

<قَالُوا .. سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ> آمده است، نظر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۶

۶- پیروی از دعوت های شیطان ، انحراف از راه مستقیم است .

و ما هو بقول

شیطن . . . لمن شاء منكم أن يستقيم

آثار دشمنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۱۴

۱۴- دشمنی شیطان با انسان ها ، عامل نفوذ و تلاش وی برای فتنه انگیزی در میان آنهاست .

إن الشیطن ینزغ بینهم إن الشیطن کان للإنسن عدوًّا مبینًا

جمله <إن الشیطان کان للإنسان . . .> که به منزله تعلیل برای جمله قبل (إن الشیطان ینزغ . . .) است بیانگر این نکته می باشد که عامل تلاش شیطان برای فتنه گری، دشمنی اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۹

۹ - دشمنی و بدخواهی شیطان برای انسان ، فلسفه توصیه خداوند به اطاعت نکردن از شیطان

أن لا تعبدوا الشیطن إنّه لکم عدوًّا مبین

آثار دعوتهای شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۹

۹- دعوت و القای شیطان از انسان سلب اختیار نمی کند و او مسؤول اعمال خویش خواهد بود .

و ما کان لی علیکم من سلطن إلاّ أن دعوتکم فاستجبتم لی فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

آثار دوستی با شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۲

۲ - همدمی با شیطان ، کیفر الهی برای اعراض کنندگان از یاد او

و من يعيش عن ذكر الرحمن نقیض له شیطاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۶

۶ دوست پنداشتن شیاطین، نابود کننده زمینه هدایت

و فریقا حق علیهم الضلله إنهم اتخذوا الشیطين

کلمه <ولی> می تواند به معنای دوست و نیز به معنای سرپرست باشد. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

آثار ذکر دشمنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۱۵

۱۵- توجه انسان به عداوت های دیرینه و شگرد های شیطان ، بازدارنده وی از گفتار ناشایست و نزاع و دشمنی

و قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن إن الشیطن ینزغ بینهم إن الشیطن کان للإنسن عدو

تعلیل <إن الشیطان کان للإنسان عدوا ..> برای <إن الشیطان ینزغ بینهم> به منزله هشدارى به انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۲ - ۶

۶ - توجه به دشمنی دیرین و آشکار شیطان ، بازدارنده انسان از پیروی او

و لایصدنکم الشیطن إنه لکم عدو مبین

آثار سلطه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۶

۶ - احساس هدایت یافتگی در اوج گمراهی ، نتیجه سلطه طولانی و همواره شیاطین بر خداگريزان است .

و إنهم لیصدونهم ... و یحسبون أنهم مهتدون

از فعل مضارع <یصدون> که دال بر استمرار است و نیز ارتباط <لیصدونهم..> با <یحسبون...>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- ارتداد ، معلول مقهور شدن انسان در برابر وسوسه ها و دسیسه های شیطانی است .

إِنَّ الدِّينَ ارْتَدَّوَا .. الشَّيْطَانَ سَوَّلَ لَهُمْ

آثار طرد شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ -

۷- مطرود بودن شیطان از درگاه الهی ، موجب شرآفرینی او برای انسان و فلسفه لزوم پناه بردن به خدا از شرّ اوست .

فاستعد بالله من الشیطن الرجیم

توصیف شیطان به <رجیم> می تواند مشعر به علیت بیان و فلسفه لزوم استعاذه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۴

۴ - مطرود بودن شیطان از درگاه خداوند ، شاهد واهی بودن پندار کسانی است که معارف الهی قرآن را القای شیطان می پنداشتند .

و ما هو بقول شیطن رجیم

آثار عصیان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۳

۲۳- تمرد شیطان از سجده بر آدم ، نمایانگر عداوت او با آدمیان است .

فسجدوا إلاّ إبلیس . . . و هم لكم عدوّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۷

۷- عصیانگر بودن شیطان در برابر خدای رحمان ، دلیلی کافی بر ضرورت پرهیز از اطاعت او است .

لا تعبد الشیطن إنّ الشیطن کان للرحمن عصیّا

آثار قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- ضلالت و گمراهی ، پیامد قطعی قرار گرفتن در قلمرو ولایت شیطان و پیروی از او

من تولاہ فإِنَّہ یضللہ

۵- گرفتار شدن به عذاب دوزخ ، سرنوشت محتوم و فرجام شوم کسی است که خود را در قلمرو ولایت شیطان قرار دهد و از او پیروی کند .

کتب علیہ أَنّہ من تولاہ .. ویهدیہ إلی عذاب السعیر

آثار نفوذ شیطان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۴

۴ توجیه ارتکاب کارهای زشت و ناپسند به پندار اجرای فرمان خداوند، برخاسته از نفوذ و ولایت شیطان است.

إنا جعلنا الشیطين أولیاء للذین لا یؤمنون .. الله أمرنا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۹

۹ رفتار های ناروای برادران یوسف (توطئه ، دروغ و فریب کاری) برخاسته از نفوذ شیطان در آنان بود .

إن الشیطن للإنس عدو مبین .. اقتلوا یوسف ... أرسله معنا غدا یرتع و یلعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۶

۶- خدمت کار موسی ، غفلت خود را از یادآوری ماجرای ماهی به موسی (ع) ، ناشی از نفوذ شیطان در خود دانست .

و ما أنسینہ إلا الشیطن أن أذکره

آثار وسوسه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۲

۲ پرهیز از گمراه گشتن بر اثر وسوسه های شیطان، توصیه و هشدار خداوند به انسانها

یبنی ءادم لا یفتنکم الشیطن

آثار وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۳

۳- تأثیر فزون تر وسوسه های شیطانی در مشرکان و افزایش گمراهی آنان بر اثر مهلت های الهی ، دلیل شتاب نورزیدن خداوند در عذاب آنان

فلا تعجل علیهم

<لا تعجل> به وسیله <فاء> بر آیات پیشین (نظیر <فلیمدد له الرحمن مدّاً> و <تؤزهم أزّاً>) تفریع شده است؛ یعنی، حال که تأخیر عذاب مایه

افزایش گمراهی مشرکان و فزونی فریب های شیطانی است، چه ضرورتی در تعجیل عذاب است؟ جمله <إنما ..> نیز که تعلیل برای <فلاتعجل علیهم> است، همین نکته را تأکید می کند؛ زیرا بر انبوه تر شدن مدارک عذاب مشرکان دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۳،۴

۳ - آدم و حوا (ع)، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند.

فأكلا منها .. و عصی اءادم ... قال اهبطا منها جميعاً

<هبوط>؛ یعنی، نزول (مصباح). فرمان <اهبطا> فرمانی تکوینی بوده است؛ زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدر نیست.

۴ - شیطان با وسوسه و اغواگری خود، زمینه ساز اخراج آدم و حوا از بهشت و هبوط آنان به زمین گردید.

فوسوس إليه الشیطن .. قال اهبطا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۲

۲ - استفاده از شیوه های نادرست در مبارزه با باطل، نتیجه القائنات شیطانی است.

ادفع بالتی هی أحسن السیئه .. و قل رب أعوذ بك من همزت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۹،۱۰،۴

۱- روی گردانی از حق، به رغم وضوح آن بر انسان، نتیجه وسوسه ها و فریب های شیطانی است.

إن الذین ارتدوا علی أدبرهم .. الشیطن سؤل لهم

۴- ارتداد، معلول مقهور شدن انسان در برابر

وسوسه ها و دسیسه های شیطانی است .

إِنَّ الدِّينَ ارْتَدَّوَا .. الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُم

۹- وسوسه ها و آرمان های شیطانی ، قفل اندیشه و قلب آگاهان حق گریز *

أم علی قلوب أفعالها .. الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُم و أملی لهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <إِنَّ الدِّينَ ارْتَدَّوَا ..> در مقام تبیین و توضیح ذیل آیه قبل باشد (أم علی قلوب أفعالها).
در این صورت وسوسه ها و آمال شیطانی منطبق بر <أفعالها> می شود.

۱۰- زیبایی ها و جلوه های راه کفر ، غیر واقعی و زاییده وسوسه های شیطانی است .

الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُم و أملی لهم

<سَوَّلَ> به معنای وارونه نمایاندن واقعیت ها است؛ یعنی، <زیبانمودن زشتی ها و متمایل ساختن نفس به جانب آن> و این
تعبیر نشان می دهد که راه کفر و ضد حق و هدایت، فاقد زیبایی واقعی است؛ ولی شیطان به دروغ آن را می آراید.

آثار ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۴

۴ توجیه ارتکاب کارهای زشت و ناپسند به پندار اجرای فرمان خداوند، برخاسته از نفوذ و ولایت شیطان است.

إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطَانَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ .. اللَّهُ أَمْرُنَا بِهَا

آثار مخالفت با شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۱۶

۱۶ - رشد و طهارت انسان در گرو مخالفت با شیطان و اجتناب از فحشا و منکرات است .

لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ .. فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

آدم(ع) و شیطان

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۶

۱۶ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجره

آزادی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۸

۸ - آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر، جلوه ای از علم و حکمت خداوند

ألقى الشیطن . . . و الله علیم حکیم

ابزار اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۱

۱۱ - دروغ، ابزار شیطان برای فریفتن انسان ها

هل أدلک علی شجره الخلد و ملک لایلی . . . فیدت لهما سوءتھما

ابزار شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۲،۹

۲ شراب و قمار، ابزار شیطان برای ایجاد کینه و عداوت

انما یرید الشیطن . . . فی الخمر و المیسر

۹ قماربازی و میگساری ابزار شیطان برای بازداشتن مردم از یاد خدا و برپایی نماز

انما یرید الشیطن . . . فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوه

اجابت استمهال شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۳

۳- خداوند ، به مهلت خواهی شیطان برای فریفتن مردم ، جواب مثبت داد .

لئن أخرجتن إلی یوم القیمه لأحتکن ذریته . . . قال اذهب فمن تبعك منهم

اجابت دعوت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۷۸،۱۱

۷- شیطان در قیامت به پیروان گمراه خویش اعلام خواهد کرد که وی هیچ سلطه ای بر آنها ندارد و صرفاً آنان به دعوت او پاسخ مثبت داده اند .

و قال الشیطن .. و ما کان لی علیکم من سلطن إلا أن دعوتکم فاستجبتم لی

۸- تابعان شیطان ، بی آنکه دلیل و برهانی از وی مشاهده کنند ، بی درنگ به فراخوانی او پاسخ مثبت می دهند .

و ما کان لی علیکم من سلطن إلا أن دعوتکم فاستجبتم لی

<سلطان> به حجت و برهان اطلاق شده است و مراد از آن استفاده از دلیل و برهان به منظور چیره شدن بر طرف مقابل است.

۱۱- رهبران مستکبر و پیروانشان از اجابت کنندگان دعوت شیطانند .

فقال الضعفاء للذین استکبروا إنا کنا لکم تبعًا .. و قال الشیطن لما قضی الأم

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب شیطان، به قرینه ذکر این آیه پس از ذکر ماجرای مستکبران و پیروان آنها در قیامت، مستکبران و پیروانشان باشد.

اجتناب از اطاعت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۱ - ۲

۲ - عبادت خداوند و پرهیز از اطاعت شیطان ، صراط مستقیم الهی

أن لاتعبدوا الشیطن .. و أن اعبدونی هذا صراط مستقیم

اجتناب از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۲ - ۵

۵ گریز از شیطان و پرهیز از کردار های شیطانی وظیفه اهل ایمان

يا ايها الذين ءامنوا انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلم .. و احذروا

برداشت فوق بر

اساس این احتمال است که متعلق <واحدروا> به قرینه آیه قبل ، پیروی از شیطان و انجام کارهای شیطانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۱۵

۱۵- هشدار خداوند به مشرکان مکه برای اجتناب از اغواها و ظاهرسازی های شیطان

تالله لقد أرسلنا إلى أمم من قبلك فزین لهم الشیطن أعملهم . . . و لهم عذاب أليم

اختفای شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ انسان در معرض دید شیاطین است و آنان از چشم آدمیان نهانند.

إنه یریکم هو و قبيله من حیث لا ترونهم

اختلاف افکنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۷۸

۷- شیطان ، برای ایجاد اختلاف و گفتار ناشایست و برخورد خشن میان انسان ها ، پیوسته در تلاش است .

يقولوا التي هي أحسن إن الشیطن ینزغ بینهم

۸- انسان ها حتی مؤمنان ، از فسادانگیزی ها و اختلاف افکنی های شیطان ، در امان نیستند .

إن الشیطن ینزغ بینهم

اختیار شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۷

۷- شیطان ، موجودی مختار و مکلف است .

اذهب فمن تبعك منهم فإن جهنم جزاؤکم جزاءً موفورًا

وعده جهنم به ابلیس و پیروان وی حکایت از این دارد که ابلیس مکلف به انجام تکلیفهایی است. چون اصولاً- کیفر، برای تمرد از انجام وظیفه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۷

شیطان ، موجودی مختار و با اراده

ما منعك أن تسجد لما خلقت بيدى

سؤال از انگیزه تمرد ابلیس، گویای مختار و با اراده بودن او است؛ زیرا تنها موجودات مختار و با اراده دارای انگیزه اند.

اخراج شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۲

۲ - خداوند ، شیطان را به دلیل وسوسه گری و فریب دادن آدم ، از بهشت اخراج کرد و به فرود آمدن به زمین فرمان داد .

فوسوس إليه الشیطن . .. قال اهبطا منها جميعاً

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مخاطب در <اهبطا> آدم و شیطان باشند.

اخراج شیطان از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۸

۸ - خداوند به شیطان فرمان داد تا از بهشت خارج شود و به زمین فرود آید .

و قلنا اهبطوا

<اهبطوا> - به صورت صیغه جمع - می نمایاند که: خطاب در آن، علاوه بر آدم(ع) و حوا متوجه شخص و یا اشخاص دیگری نیز هست. برخی بر این نظر هستند که شیطان نیز مخاطب آن امر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۳

۳ - خداوند ، شیطان را نیز از بهشت خارج کرد . *

قلنا اهبطوا منها جميعاً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: خطاب در <اهبطوا> علاوه بر آدم(ع) و حوا، شامل شیطان نیز باشد.

ادعاهای شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۷

۷ شیطان ، مدعی طغیان

گری مشرکان ، در نتیجه گمراهی عمیق خودشان و نه اغواگری های او

قال قرینه ربّنا ما أطمعته و لكن کان فی ضلل بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۷

۷ - شیطان ، مدعی خداترسی

قال .. إني أخاف الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

۲ - اظهار خداترسی و نیز تبری شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات او از کیفر اخروی

قال إني بريء منك إني أخاف الله .. فكان عقبتهما أنّهما في النار

ادعای دریافت قرآن از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۵

۵ - ادعای ارتباط پیامبر (ص) با شیطان و دریافت قرآن از او ، از ترفند های تبلیغاتی دشمنان اسلام در عصر بعثت

و ما هو بقول شیطن رجیم

ادعای شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۷

۷- شیطان در قیامت به پیروان گمراه خویش اعلام خواهد کرد که وی هیچ سلطه ای بر آنها ندارد و صرفاً آنان به دعوت او پاسخ مثبت داده اند .

و قال الشيطان . . . و ما كان لي عليكم من سلطان إلا أن دعوتكم فاستجبتم لي

استعاذه از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۶، ۱۱

۱۱ درخواست مادر مریم از خداوند ، برای حفظ همیشگی مریم و نسل او از شر شیطان

و ائی

اعیذها بک و ذریّتها من الشیطان الرجیم

از استعمال فعل مضارع <اعیذ>، دوام و استمرار استفاده شده است.

۱۶ خداوند ، پناه آدمیان ، از وسوسه های شیطان

و ائی اعیذها بک .. من الشیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۷ - ۲۸،۹

۲ اجابت دعای مادر مریم از سوی خداوند ، درباره حفظ مریم (س) از شر شیطان

ائی اعیذها .. فتقبّلها ... و انبتّها نباتاً حسناً

۸ محفوظ ماندن از شر شیطان و نیز پرورش معنوی ، دو جنبه تربیت خداوند برای مریم

و ائی اعیذها بک و ذریّتها من الشیطان الرجیم فتقبّلها ربّها .. و انبتّها نباتاً

۹ انسان برای رشد معنوی خویش ، نیازمند پناه بردن به خدا از شر شیطان است .

و ائی اعیذها بک و ذریّتها .. و انبتّها نباتاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۰ - ۳،۵

۳ پناه خواستن از خدا به هنگام مواجه شدن با وسوسه های شیطان ، فرمان خداوند به پیامبر (ص)

إما ینزغنک .. فاستغذ باللّٰه

۵ خداوند خشتی کننده وسوسه های شیطان در صورت پناه آوردن بندگان به درگاه او

فاستغذ باللّٰه إنه سمیع علیم

جمله <إنه سمیع علیم> به منزله تعلیلی است برای <فاستغذ باللّٰه> (به خدا پناه بر). و چون مجرد شنوایی و دانایی نمی تواند دلیل لزوم استعاذه باشد، می توان گفت شنوایی و دانایی خداوند کنایه از اجابت پناهخواهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۱ -

۳ تقوای پیشگان به هنگام احساس و سوسه گری های شیطان با یادآوری فرمان خدا (استعاذه) به وی پناه می برند و با بصیرت و آگاهی از دام شیطان می رهند.

إذ امسهم طئف من الشیطن تذکروا فإذا هم مبصرون

در برداشت فوق، به قرینه <فاستعد بالله> در آیه قبل، متعلق <تذکروا> لزوم استعاذه گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۱

۱- لزوم پناه بردن به خدا از شر شیطان، به هنگام قرائت قرآن

فإذا قرأت القرآن فاستعد بالله من الشیطن الرجیم

۱۰- همه انسان ها حتی پیامبر (ص)، نیازمند استعاذه به خداوند از شر شیطان

فإذا قرأت القرآن فاستعد بالله من الشیطن الرجیم

۱۱- <عن أبي جعفر (ع) قال: ... فإذا قرأت: بسم الله الرحمن الرحيم فلا تبالی إلا تستعید...>

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: ... هر گاه <بسم الله الرحمن الرحيم> را قرائت کردی باکی بر تو نیست که استعاذه (أعوذ بالله من الشیطن الرجیم) نگویی...>.

۱۲- <روی عبدالله بن مسعود قال: قرأت علی رسول (ص) فقلت: أعوذ بالله السميع العليم فقال لی: ... قل أعوذ بالله من الشیطن الرجیم هكذا أقرأینه جبرئیل>

عبدالله بن مسعود گوید: خدمت رسول خدا(ص) قرائت کردم، پس گفتم: <أعوذ بالله السميع العليم>، پس حضرت به من فرمود: ... بگو <أعوذ بالله من الشیطن الرجیم> که این چنین جبرئیل برای من خواند.>

۱۳- <عن سماعه عن أبي عبدالله (ع) فی قول الله

> و إذا قرأت القرآن فاستعد بالله من الشيطان الرجيم < قلت : كيف أقول قال : تقول : أستعذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم و قال : ان الرجيم أخبث الشياطين ;

سماعه گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدا> و إذا قرأت القرآن فاستعد بالله من الشيطان الرجيم < سؤال کردم که چگونه بگویم؟ حضرت فرمود: می گویی: >أستعذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم < و حضرت فرمود: همانا رجيم خبيث ترين شياطين است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۱

۱ - استعاذه (پناه بردن) به خدا از وسوسه های شیطان ، از رهنمود های الهی به پیامبر (ص)

و قل رب أعوذ بك من همزت الشيطان

<عوذ> (مصدر <أعوذ>) به معنای پناه بردن و <همزه> (مفرد <همزات>) به معنای وسوسه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۱،۱۰

۱ - لزوم استعاذه (پناه بردن) به خداوند ، در برابر وسوسه ها و تهییج های شیطان

و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

۱۰ - علم و آگاهی خداوند ، مقتضی استعاذه و پناه بردن به او در برابر وسوسه های شیطان

فاستعذ بالله إنّه هو السميع العليم

استكبار شيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ عن أبي عبدالله(ع): إن الملائكة كانوا يحسبون أن إبليس منهم و كان في علم الله أنه ليس منهم فاستخرج الله ما في نفسه بالحميه فقال: <خلقتني من نار و خلقتة من طين>.

روایت شده است: فرشتگان گمان می کردند ابلیس از آنهاست، ولی خداوند می دانست که او جزء ایشان نیست و خود برترینی درونی او را (به وسیله امر به سجده) آشکار نمود . . .

اضلال شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۹

۹ - شیطان ، وادار کننده انسان ها به شرک ورزی و ترغیب کننده آنها به دوستی با سران شرک و پیروی از آنان *

و من الناس من يتخذ من دون الله أنداداً .. إنما يأمرکم بالسوء و الفحشاء

از مصداقهای مورد نظر برای <سوء> و <فحشاء> به قرینه آیات قبل، شرک ورزی و . . . است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۱۰، ۱۱

۱۰ شیطان در کمین انسان ها برای کشاندن آنان به مسلک گمراهان

فانسلخ منها فأتبعه الشيطان

عطف جمله <أتبعه .. > بر <فانسلخ منها> به وسیله <فاء> دلالت بر این دارد که بین دور شدن بلعم باعورا از آیات الهی و تعقیب شدن از سوی شیطان فاصله ای نبوده است. و این حکایت از در کمین بودن شیطان برای اغواگری انسانها دارد.

۱۱ شیطان از عوامل گمراهی است .

فأتبعه الشيطان فكان من الغاوين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۰ - ۱، ۲

۱ شیطان با وسوسه های خود همواره در صدد واداشتن انسان ها به تخلف از فرمان های خداوند است .

و إما يترغنونك من الشيطان نزع

<ترغنه> یعنی او را اندکی تحریک کرد و <نزع> به کلامی گفته می شود که مایه

تحریک شود. (لسان العرب). <من الشیطان> حال برای <نزغ> می باشد. و مراد از <نزغ شیطان> وسوسه اوست، بنابراین <اما ینزغنک ...>، یعنی اگر وسوسه ای از سوی شیطان تو را تحریک کرد. گفتنی است با توجه به آیه قبل، مراد از تحریک، ترغیب کردن به مخالفت با دستورهای خداوند است.

۲ پیامبران بزرگ نیز مطمع شیطان برای واداشتن آنان به تخلف از فرمان های خدا

و إِمَّا ینزغنک من الشیطن نزغ

<إِما> مرکب از <إِنْ> شرطیه و <ما>ی زایده است. تأکید جمله شرطیه با <ما>ی زایده و نون تأکید ثقلیه برای رساندن این معناست که شرط محقق خواهد شد. بنابراین <إِما ینزغنک> یعنی اگر شیطان در صدد تحریک تو برآید، که برخواهد آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۲،۳

۲ شیاطین ، بی تقوایان را به گمراهی می کشانند و آنان را در ضلالت فرو می برند .

و إخوانهم یمدونهم فی الغی

ضمیر فاعلی در <یمدونهم> به شیاطین برمی گردد و ضمیر مفعولی به <اخوان>، یعنی <و اخوان الشیاطین یمدهم الشیاطین فی الغی>. <مد> (مصدر یمدون) به معنای کشیدن است و آوردن <فی> به جای <إلی> برای رساندن این معناست که شیطان بی تقوایان را به عمق گمراهی می برد.

۳ شیطان پس از گمراه ساختن بی تقوایان آنان را در رها نمی کند و همچنان در منجلاب گمراهی نگه می دارد .

ثم لا یقصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <لا یقصرون> به شیطان بازگردانده شود. <اقصار> (مصدر یقصرون) به معنای دست برداشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ شیطان ، مترصد زمینه های مساعد برای نفوذ در انسان و منحرف ساختن او

لا تقصص رءیاک .. . فیکیدوا ... إن الشیطن للاینسن عدو مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲

۲- رهبران مستکبر و پیروانشان ، سرانجام در قیامت شیطان را مسبب اصلی گمراهی خویش قلمداد می کنند .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا .. . قالوا ... وقال الشیطن لما قضی الأمر إن الل

ذکر سخنان شیطان در قیامت خطاب به گمراهان، پس از ذکر جریان مستکبران و پیروانشان، احتمال دارد از این جهت باشد که آنان گمراهی خویش را به شیطان نسبت می دهند و او درصدد پاسخ گویی برمی آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۲،۳

۲- شیطان ، عنصری است گمراهگر و دوزخی پرور .

کلّ شیطن مرید . کتب علیه... فانه یضلّه و یهدیه إلی عذاب السعیر.

۳- گمراه سازی و دوزخی پروری ، خمیره و سرشت تغییرناپذیر شیطان است .

کتب علیه.. . فإنه یضلّه و یهدیه إلی عذاب السعیر

جمله <کتب علیه> (بر او نوشته شد) بیانگر این نکته است که شیطان، مخلوقی است که سرشت او با گمراه گری و کشاندن مردم به سوی دوزخ، آمیخته شده و غیر قابل تغییر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۵

۵ - شیطان ، موجودی اغواگر و گمراه کننده

إلّا إذا تمنى ألقى الشیطن فی أمّیته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ -

۷ شیطان ، عامل جدا شدن آدمی از راه انبیا ، دوستی با افراد ناباب و گمراهی

یلتینی اتخذت مع الرسول سیلاً . یویلتی لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً. لقد أضلّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۶۸

۶ - نقش مهم شیطان در سد کردن طریق فطرت و منحرف ساختن مردم از خداوند یکتا

و زین لهم الشیطن أعملهم فصدّهم عن السبیل

۸ - شیطان ، عامل گمراهی انسان ها و محرومیت آنان از هدایت

و زین لهم الشیطن أعملهم فصدّهم عن السبیل فهم لایهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - شیطان ، دشمن انسان و عامل گمراهی وی

إنّه عدوّ مضلّ

اطاعت از دوستان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۱۴

۱۴ اطاعت از شیطان و اولیای آن، شرک است.

و إن أطعتموهم إنکم لمشركون

اطاعت از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ انتشار اخبار امتیّتی در جامعه ، زمینه گمراهی انبوه مردم و پیروی آنان از شیطان

و اذا جاءهم .. اذاعوا به ... لا تبعتم الشیطان الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ پرستش هر معبودی جز خداوند ، در حقیقت شیطان پرستی است .

ان يدعون .. و ان يدعون شیطاناً مریداً

۸ اطاعت از شیطان ، خاستگاه بت پرستی

ان يدعون من دونه الا اثناً و

إن يدعون شیطاناً مریداً

چون دو جمله <ان يدعون...> و <ان يدعون الا شیطاناً> دارای حصر است و مفهوم هر یک منطوق دیگر را نفی می کند، برای رفع تنافی می توان گفت جمله دوم بیانگر علت مضمون جمله اول است، یعنی بت پرستی برخاسته از اطاعت شیطان می باشد. گفتنی است بنابراین مبنا <یدعون> در جمله دوم به معنای اطاعت است نه پرستش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۸

۸ شرک و بت پرستی، عصیان از بندگی خداوند و پذیرش سلطه شیطان است.

ان يدعون من دونه الا اثناً .. قال لاتخذن من عبادك نصیباً مفروضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۳، ۱۶

۱۳ انسان های گمراه و در بند آرزو ها، فرمانبرانی گوش به فرمان شیطان

و لاضلنهم و لامنینهم و لامرنهم فلیبتکن .. فلیغیرن

با توجه به ترتیب ذکر شده در آیه، معلوم می شود که انسان پس از ضلالت و دل بستگی به آمال و آرزوهای تو خالی، مطیع خوبی برای شیطان می شود.

۱۶ اطاعت از دستورات شیطان، در حقیقت پذیرش ولایت اوست.

و لامرنهم فلیغیرن خلق الله و من یتخذ الشیطن ولیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۷

۷ انسان ها، حتی عالمان هدایت یافته، در خطر پیروی از شیطان و گام نهادن در مسیر گمراهی هستند.

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - ضرورت پرهیز از پیروی شیطان

و لا تتبعوا خطوت الشیطن

۱۳ - تحریم نعمت ها و امکانات زمین بر خویشان ، پیروی از شیطان است .

كلوا مما فی الأرض . . . و لا تتبعوا خطوت الشیطن

نهی از متابعت شیطان پس از توصیه به بهره برداری از امکانات و پرهیز از حرامها و پلیدیها، گویای این است که: استفاده نکردن از امکانات و یا خودداری نکردن از حرامها و خبیثها، مصداقی از پیروی شیطان است.

۱۴ - بهره گیری از محرمات و چیزی های پلید و ناپاک ، پیروی کردن از شیطان است .

كلوا مما فی الأرض حلالاً طیباً و لا تتبعوا خطوت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۸

۸ - تقلید های کورکورانه ، از دسیسه های شیطان برای بازداری انسان ها از پیروی قرآن و احکام دین

لا تتبعوا خطوت الشیطن . . . و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما أل

جمله <بل نتبع...> که گویای تقلید کورکورانه است - به قرینه آیات قبل - بیانگر مصداقی است برای <خطوات الشیطان>. قابل ذکر است که قید <کورکورانه> از جمله <أو لو کان آباؤهم...> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۸ - ۱۰،۱۲،۷

۷ تبعیت از شیطان ، عامل اختلاف و تفرقه

ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطن

ظاهراً جمله <و لا تتبعوا...>، بیانگر مانع صلح و اتحاد در میان جامعه ایمانی است. یعنی تبعیت از شیطان، عامل اختلاف و تفرقه است.

نافرمانی در برابر فرمان خداوند ، پیروی از شیطان است .

ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان

۱۲ هشدار الهی نسبت به پیروی از شیطان و گام نهادن در راه های وی

و لا تتبعوا خطوات الشیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۹ - ۳،۱۱

۳ متابعت از شیطان ، لغزش و انحراف است .

و لا تتبعوا خطوات الشیطان . .. فان زللتم

۱۱ متابعت از شیطان و ایجاد تفرقه ، ضرری به خداوند و دین او نمی زند .

ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا . .. فان زللتم ... ان الله عزیز حکیم

با توجه به توضیح فیش قبل .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۰ - ۱،۱۱

۱ تسلیم نشدن در برابر اوامر خداوند و پیروی از شیطان ، موجب عذاب الهی

ادخلوا فی السلم کافه . .. هل ينظرون الا ان یأتیهم الله فی ظلل

<ان یأتیهم الله> ، کنایه از عذاب الهی است ، به قرینه <فان الله عزیز حکیم> در آیه سابق .

۱۱ تهدید خداوند ، نسبت به کسانی که تسلیم فرمان های الهی نیستند و از شیطان پیروی می کنند .

و لا تتبعوا خطوات . .. هل ينظرون الا ان یأتیهم ... و الی الله ترجع الأمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۵

۵ دوستی شیطان ، زمینه ساز ترس از غیر خدا

أَتَمَّا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۱۴ اطاعت از شیطان و اولیای آن، شرک است.

و إن أطعتموهم إنکم لمشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۱۳، ۱۱، ۶، ۵

۵ حرام شمردن نعمتهای خداوند، بدون دلیل و یا به دلایل واهی، پیروی از راه و گام شیطان است.

و لا تتبعوا خطوت الشیطن

۶ امساک بی بدیل از خوردن گوشت چهارپایان (زهد بیجا) پیروی از راه شیطان است.

و من الأنعم .. کلوا ... و لا تتبعوا خطوت الشیطن

۱۱ دشمنی شیطان با انسان، فلسفه نهی شدن آدمی از پیروی اوست.

و لا تتبعوا .. إنه لکم عدو مبین

۱۳ روی عن أبی جعفر و أبی عبدالله(ع): إن من خطوات الشیطان الحلف بالطلاق و النذور فی المعاصی و کل یمین بغیر الله تعالی.

از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده است: سوگند بر مطلقه شدن همسر و نذر در گناهان و هر سوگندی به غیر نام خدای تعالی، پیروی از گامهای شیطان است.

اعراض از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۸ - ۴، ۳

۳ روح ایمان، تسلیم در برابر خداوند و پرهیز از پیروی شیطان است. *

یا ایها الذین .. ادخلوا فی السلم کأفّه و لا تتبعوا خطوات الشیطن

۴ تسلیم همه جانبه در برابر خداوند و پرهیز از پیروی شیطان، مرحله والایی از ایمان

يا ايها الذين امنوا ادخلوا في السلم كافة

با توجه به اینکه مؤمنان، مأمور به تسلیم و پرهیز از تبعیت شیطان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲

۱۲ آگاهی از عزت و حکمت الهی ، زمینه تسلیم در برابر خداوند و دوری از متابعت شیطان

ادخلوا فی السلم . . . و لا تتبعوا ... ان الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۰ - ۱۰

۱۰ توجه به بازگشت همه چیز به سوی خداوند ، زمینه تسلیم شدن در برابر او و پرهیز از پیروی شیطان

و لا تتبعوا خطوات . . . و الی الله ترجع الأمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۵ - ۲

۲ - لزوم پرهیز از دل سپردن به وسوسه های شیطانی و دقت در افکار و اندیشه های گرفته شده از دیگران

الذی یوسوس فی صدور الناس

<صدر> که جای گاه قلب است کنایه از ابزار شناختی است که خداوند، برای روح قرار داده است تا آموخته های خود را از دیگران، از این راه فرا گرفته، دانسته های خود را در آن نگه داری کند.

اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱،۶

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منیه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلهما الشیطن عنها

<ازلال> (مصدر ازَل) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنة> برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجره> برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و

حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

۶ - شیطان عنصری اغواگر و انسان موجودی اغواپذیر است .

فأزلهما الشيطان عنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۰

۱۰ - شیطان موجودی اغواگر و انسان موجودی اغواپذیر است .

ولا تتبعوا خطوات الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۱،۲،۶

۱ - شیطان ، با وسوسه های خویش انسان ها را به کار های بد و شنیع (گناهان کوچک و بزرگ) ترغیب می کند .

إنما يأمرکم بالسوء و الفحشاء

<امر> به معنای فرمان دادن است و در آیه شریفه - به مناسبت حکم و موضوع - مراد از آن وسوسه کردن و مانند آن می باشد. <فحشا> به بدی و زشتی بیش از حد گفته می شود که می توان از آن به گناه بزرگ تعبیر کرد و به قرینه مقابله، مراد از <سوء> گناه کوچک است.

۲ - شیطان ، ترغیب کننده آدمیان به افترا بستن به خداوند (بدعت گذاری و تحریف احکام دین)

إنما يأمرکم .. أن تقولوا علی الله ما لاتعلمون

<قول> و مشتقات آن هرگاه با <علی> متعدی شود به معنای نسبت دادن و افترا بستن است.

۶ - دعوتگری شیطان به بدی ها و بدعتگذاری ها ، نمودی از شیطنت او و دلیل دشمنی وی با انسانهاست .

إنه لكم عدو مبين. إنما يأمرکم بالسوء و الفحشاء و أن تقولوا علی الله ما لاتعلمون

جمله <إنما يأمرکم ..> دلیلی است برای <إنه

لکم عدو< یعنی، نشانه و دلیل دشمنی شیطان با شما انسانها این است که او شما را به کارهای ناروا ترغیب می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۸ - ۱،۲،۳،۴،۶

۱ شیطان، انسان را از فقر می ترساند و مانع انفاق می شود.

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ

۲ شیطان، بازدارنده انسان از انفاق اموال پاکیزه و مرغوب

انفقوا من طيبات ما كسبتم .. الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ

۳ ترس از فقر، مانعی شیطانی برای انفاق

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ

۴ شیطان، ترغیب کننده آدمیان به زشتیها

و يأمرکم بالفحشاء

۶ توجه به فحشاخواهی شیطان، عامل بازدارنده انسان از پذیرش وسوسه های او

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمُ بِالْفَحْشَاءِ

بنابراینکه جمله <يأمرکم بالفحشاء>، تعلیلی برای جمله <يعدکم الفقر> باشد. یعنی به وعده ها و وسوسه های او گوش فرا ندهید؛ چه اینکه شما را به فحشا فرامی خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۴

۴ شیطان، زینت دهنده محبت دنیا برای مردم *

زَيْنَ لِلنَّاسِ حَبَّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ

بنابراینکه فاعل محذوف از <زین>، شیطان باشد؛ چنانچه برخی از مفسرین گفته اند. زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ.

الدر المثور، ج ۲، ص ۱۶۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۳۸،۱۵

۳ لغزش (فرار از کارزار) برخی از مجاهدان احد ، بر اثر نفوذ شیطان در ایشان

انَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا .. انَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضَ مَا كَسَبُوا

۸ اثر نداشتن وسوسه های شیطان ، در انسان های بی

أَئِمَّا اسْتَرْلَهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضُ مَا كَسَبُوا

خداوند، گناه آدمی را وسیله به لغزش کشاندن او از سوی شیطان معرفی می کند؛ بنابراین قلبی که گناه در او نیست، وسوسه شیطان در آن کارگر نخواهد بود.

۱۵ فرار عقبه بن عثمان و عثمان بن سعد از رویارویی با دشمن در جنگ احد، در اثر وسوسه های شیطان

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ أَمَّا اسْتَرْلَهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضُ مَا كَسَبُوا

امام باقر و یا امام صادق (ع) درباره <أَمَّا اسْتَرْلَهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضُ مَا كَسَبُوا .. > فرمودند: فهو في عقبه بن عثمان و عثمان بن سعد.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۱۵۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۲، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۹

۹ ایجاد ترس، از شگرد های شیطانی برای جلوگیری مردم از گرایش به حق

أَمَّا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخُوفُ أَوْلِيَاءَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۶

۱۶ شیطان، همواره در صدد گمراه کردن مردم است.

و يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يَضَلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۲، ۳، ۴، ۵، ۷

۲ عزم راسخ شیطان بر گمراه ساختن و فریب دادن مردم

و قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً

لام قسم و نون تأکید در فعل <لاتخذن>، حکایت از تصمیم قاطع شیطان بر گمراه کردن مردم دارد.

۳ تأکید شیطان بر واداشتن مردم به بندگی خویش

قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً

بنابر اینکه <عبادك> ناظر به عبودیت تشریحی باشد، مراد

شیطان از <لاتخذن . . . > این است که: برخی از بندگانی که تو را اطاعت می کنند، به اطاعت خویش وادار خواهم ساخت.

۴ دوری شیطان از رحمت الهی ، خاستگاه تصمیم او بر اغوای بندگان خدا

لعنه الله و قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً

۵ شیطان ، مأیوس از گمراه شدن گروهی از مردم توسط وی

و قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً

شیطان، بی تردید خواهان گمراهی تمامی مردم است؛ بنابراین گفته او که برخی از بندگان را به اطاعت از خود خواهم گرفت، حکایت از ناامیدی او نسبت به اغوای همه مردم دارد.

۷ هشدار خداوند به مردم در مورد اغواگری شیطان و خطر منحرف شدن توسط او

و قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۱، ۱۱، ۹، ۷، ۲، ۱

۱ سوگند و عزم راسخ شیطان بر گمراه کردن مردم

و لاضلنهم

لام قسم و نون تأکید در فعل <لاضلنهم>، دلالت بر تصمیم قطعی شیطان دارد.

۲ سوگند و عزم راسخ شیطان بر سر گرم کردن مردم به آرزوهای پوچ

و لامینهم

<امین> از مصدر <تمنیه> به معنای القای آرزوهای موهوم و خیالی است.

۷ شیطان ، برانگیزنده مردم به قطع کردن و شکافتن گوش چهارپایان برای حرام پنداشتن استفاده از آنها

و لامرنهم فلیبتکن ءاذن الأنعم

<بتیک> از مصدر <بتیک> به معنای شکافتن و قطع کردن است. در میان مشرکان جاهلی رسم بوده که گوش دام را قطع

می کردند و یا می شکافتند تا نشانه حرمت گوشت او یا حرمت بارکشی از آن باشد.

۹ شیطان ، رواج دهنده اندیشه ها و گرایش های خرافی در

و لامرنهم فليبتكن ءاذن الأنعم

۱۱ شیطان ، عامل انحراف انسان از فطرت خویش

و لامرنهم فليغيرن خلق الله

۲۱ انحراف در تفکر و ایجاد آرزو های باطل و سپس تحت فرمان گرفتن ، راه و روش شیطان برای اغوای مردم و سرپرستی آنان

و لاضلنهم و لامننهم .. و لامرنهم فليغيرن خلق الله و من يتخذ الشيطان ولياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۰ - ۲،۴

۲ وعده های شیطان ، جز دروغ و فریب نیست .

يعدهم و يمنيههم و ما يعدهم الشيطان الا غروراً

۴ هشدار خداوند به مردم در مورد اغواگری شیطان

يعدهم و يمنيههم و ما يعدهم الشيطان الا غروراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۱

۱ دوزخ ، جایگاه و فرجام گمراهان و فریب خوردگان از شیطان

أولئك ماويههم جهنم و لايجدون عنها محيصاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۲۱

۲۱ قاییل ، به تحریک ابلیس برای آنکه نسلی از هابیل نماند تا بخاطر قبولی قربانی پدرشان برنسل قاییل افتخار کنند ، برادرش را کشت .

فطوعت له نفسه قتل اخيه فقتله

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از قرائت آیه فوق فرمود: .. ثم ان ابليس ... فقال له: يا قابيل قد تقبل قربان هابيل و لم يتقبل قربانك و انك ان ترکتہ يكون له عقب يفتخرون على عقبك و يقولون نحن ابناء الذی تقبل قربانه فاقتله كيلا يكون له عقب يفتخرون على عقبك فقتله ...

کافی، ج ۸

ص ۱۱۳، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۶

۶ شیطان اعمال ناروا و ناپسند آدمی را زیبا جلوه می دهد.

و زين لهم الشيطان ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۱۲

۱۲ عن أبي جعفر(ع): ان اصحاب محمّد(ص) قالوا: يا رسول الله... إذا كنا عندك فذكرتنا و رغبتنا و جلنا و نسينا الدنيا و زهدنا... فاذا خرجنا من عندك و دخلنا هذه البيوت و شممنا الاولاد و رأينا العيال و الاهل يكاد أن نحول عن الحال التي كنا عليها عندك... فقال لهم رسول الله(ص):... إن هذه خطوات الشيطان فيرغبكم في الدنيا... .

از امام باقر(ع) روایت شده که یاران رسول خدا(ص) به آن حضرت عرض کردند:.. هنگامی که ما نزد شما هستیم و ما را متذکر می کنید و ترغیب می نمائید احساس ترس می کنیم و دنیا را فراموش کرده و زهد میورزیم... اما چون از نزد شما خارج می شویم و به خانه های خود می رویم و فرزندان و خانواده را می بینیم، نزدیک است از آن حال معنوی که نزد شما داشتیم برگردیم... رسول خدا(ص) فرمود:... این از گامهای شیطان است که شما را به دنیا ترغیب می کند... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۱۱، ۱۰، ۸

۸ دروغ، اساس کار شیطان در وسوسه گری و فریب دادن آدم

ما نهیکما ربکما .. أو تکونا من الخلدین

۱۰ شیطان، تکلیف الهی را در نظر آدم و حوا مانع تکامل و پیشرفت آنان جلوه داد.

ما نهیکما ربکما .. إلا أن تکونا ملکین

<أن تکونا .. > به تقدیر کراهیه، مفعول له برای <ما نهاکما > است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: خداوند بدان جهت که فرشته نشوید و یا جاودانه نگردید، شما را از خوردن ثمره آن درخت بازداشت.

۱۱ شیطان، جلوه دهنده عوامل انحطاط و سقوط، به عنوان راه پیشرفت و تکامل

ما نهیکما ربکما .. أو تکونا من الخلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۱،۴

۱ شیطان با سوگند دروغ و مؤکد خویشتن را از خیرخواهان آدم و حوا قلمداد کرد.

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

به کارگیری فعل <قاسم > از باب مفاعله می تواند برای تأکید باشد. یعنی شیطان با سوگند مؤکد سخنش را به آنان القا کرد.

۴ سوء استفاده شیطان از خصیصه کمال طلبی و منفعت جویی انسان برای گمراه سازی ایشان

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۴، ۱۰، ۹، ۵، ۴، ۱

۱ شیطان همواره در صدد اغوای فرزندان آدم (انسانها) است.

بینی ءادم لا یفتنکم الشیطن

۴ سرگذشت آدم و حوا و فریب خوردنشان از شیطان، درس عبرتی برای همه انسانها

لا يفتننكم الشيطان كما أخرج أبويكم من الجنة

۵ شيطان، عنصری فریبکار و انسان، موجودی اغواپذیر

یبنیء ادم لا یفتننکم الشیطن کما أخرج أبویکم من الجنة

۹ نشان دادن شرمگاه آدم و حوا به آنان از

اهداف شیطان در فریفتن و برهنه کردن ایشان

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

۱۰ شیطان، حتی به هنگام خروج آدم و حوا از بهشت، در صدد برهنه ساختن آنان بود. *

أخرج أبویکم من الجنة ینزع عنھما لباسھما

جمله <ینزع...> حال برای فاعل <أخرج> است. یعنی شیطان به هنگام خروج آدم و حوا نیز برای بیرون آوردن لباس آنان در تلاش بود.

۱۴ ضرورت هشیاری کامل در برابر اغواگریهای شیطان به دلیل توان وی بر نفوذ مخفیانه بر آدمیان و سیطره و حاکمیت او بر اغواشدگان

لا یفتنکم الشیطن... إنا جعلنا الشیطن أولیاء للذین لا یؤمنون

دو جمله <إنه یراکم...> و <إنا جعلنا...> به منزله تعلیلی است برای تأکید خداوند به پرهیز از اغواگریهای شیطان. یعنی توصیه و تأکید ما بدان جهت است که وی راه نفوذ مخفیانه را دارد و پس از گمراه کردن آنان بر شما ولایت پیدا خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۷، ۲۳

۲ شیطان رفتارهای ناشایست کافران مکه را در نظرشان زیبا جلوه داد.

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

۳ نیکو پنداشتن اعمال ناهنجار، نشانی از نفوذ شیطان در افکار آدمی

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

۱۷ بیزاری شیطان از فریب خوردگان خود پس از قرار دادن آنان در دام های فریب خویش

و إذ زین لهم... فلما ترآءت الفتان... إنی أخاف الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۹

۱۹ شیطان ، در ایجاد دشمنی میان انسان ها و واداشتن

آنان به مکر و حيله عليه يکديگر ، نقشي بسزا دارد .

فيکيدوا .. . إن الشيطان للإنسن عدو مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۳

۲۳ شيطان عنصري اغواگر و انسان موجودی اغواپذير

من بعد أن نزع الشيطان بيني و بين إخوتي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۱۵، ۳

۳- شيطان ، اعمال زشت امت های گذشته را در نظر آنان زيبا جلوه داد .

لقد أرسلنا إلى أمم من قبلك فزین لهم الشيطان أعمالهم

تزئين کردارها و نیز ذيل آيه <و لهم عذاب أليم> قرينه است بر اینکه مراد از <اعمال>، کردارهای ناروا و قبيح است.

۱۵- هشدار خداوند به مشرکان مکه برای اجتناب از اغواها و ظاهرسازی های شيطان

تالله لقد أرسلنا إلى أمم من قبلك فزین لهم الشيطان أعمالهم .. . و لهم عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۶، ۷

۶- شيطان ، همواره در میان انسان ها به منظور فتنه انگیزی و فسادگری ، نفوذ و رخنه می کند .

إن الشيطان ينزغ بينهم

<نزغ> در لغت به معنای <ورود در امری برای فسادانگیزی> و نیز <فريب و خدعه> است (مفردات راغب و لسان العرب).

۷- شيطان ، برای ایجاد اختلاف و گفتار ناشايست و برخورد خشن میان انسان ها ، پيوسته در تلاش است .

يقولوا التي هي أحسن إن الشيطان ينزغ بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۳

۳- خداوند ، به مهلت خواهی شیطان برای فریفتن مردم

، جواب مثبت داد .

لئن أُخْرْتَن إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لِأَحْتَكِنَنَّ ذُرِّيَّتَهُ .. قَالَ أَذْهَبُ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۶،۱۶

۶- مصونیت برخی انسان ها از تحریک شدن به وسیله نغمه ها و تبلیغات شیطانی

استفزز من استطعت منهم بصوتك

۱۶- همه وعده ها و نوید های شیطان ، بی اساس و فریب است .

و ما يعدهم الشيطان إلا غرورًا

<غرور> مصدر فعل <غَرَّ> به معنای خدعه و مکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۲

۲- شگرد های مختلف شیطان در تسلط بر بندگان واقعی خدا ، بی تأثیر است .

و استفزز .. و أجب عليهم ... و شاركهم ... و عدهم ... إن عبادي ليس لك عليهم سلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۵،۷،۸

۵ - شیطان ، موجودی اغواگر و گمراه کننده

إلا إذا تمتى ألقى الشيطان فى أمئته

۷ - شبهه آفرینی شیطان به هنگام تلاوت آیات قرآن توسط پیامبر اسلام (ص) برای مردم

و ما أرسلنا .. ألقى الشيطان فى أمئته

۸ - آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر ، جلوه

ای از علم و حکمت خداوند

ألقى الشيطان . . . و الله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۷

۷ - شیطان ، مظهر وسوسه گری و انحراف و دارای افراد و نیرو

أعوذ بك من همزت الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۲

۲ - شیطان ، دارای راه های متعدد و وسایل گوناگون برای کشاندن انسان ها به فحشا و منکرات است .

لا تتبعوا خطوت الشيطان

برداشت فوق، از جمع آمدن <خطوات> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۸،۱۵

۸ - شیطان ، اعمال نادرست قوم عاد و ثمود ، را برای آنان به صورت خوب جلوه می داد .

و زين لهم الشيطان أعمالهم

قرینه حال، دلالت می کند بر این که مراد از <اعمال> کارهای ناروا و نادرست بوده است. چه این که کار خوب، نیاز به تزئین ندارد.

۱۵ - انسان های بصیر و آگاه نیز در معرض اغوای شیطان اند .

و زين لهم الشيطان أعمالهم .. و كانوا مستبصرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۲۲

۲۲ - شیطان ، از عوامل فریبنده انسان است .

و لا يغرنكم بالله الغرور

<غرور> صیغه مبالغه و به معنای <بسیار فریبنده> است و مراد از آن، در آیه، می تواند شیطان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۶،۷

۶ - هشدار خداوند از فریب خوردن به وسیله عوامل اغواگر (همچون شیطان) درباره خدا و لطف و بخشش او

و لا یغرنکم باللّٰه الغرور

<باء> در <بالله> برای ملابست است که بر سر مضاف مقدر (مانند <بشأن الله>) وارد شده است و مراد از <الغرور> به قرینه آیه بعد

شیطان می باشد. طبق نظر مفسران، مقصود از فریب خوردن درباره خدا، می تواند این باشد که شیطان انسان را به عفو و بخشش خداوند مغرور می سازد و او را به تکرار گناه، روی آوردن به متاع های دنیا و غفلت از آخرت سوق می دهد.

۷- شیطان ، موجودی بسیار فریبکار

و لا یغرنکم بالله الغرور

<غرور> صیغیه مبالغه و به معنای بسیار فریبکار است و به قرینه آیه بعد مقصود از آن شیطان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱،۵

۱ - هشدار خداوند به همه انسان ها ، در رابطه با وسوسه و فریبکاری های شیطان

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ

۵ - نقش شیطان ، فریب کاری و فراخواندن به بدی است .

إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

برداشت یاد شده، از آن جا است که در این آیه نسبت به تلاش شیطان، تعبیر <دعوت> به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۳ - ۱

۱ - بندگان مخلص (بندگان خالص شده و برگزیده خدا) ، از افتادن در دام اغواگری شیطان مصون و درامان اند .

لَا غُورِيْنَهُمْ أَجْمَعِيْنَ . إِلَّا عِبَادِكُ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِيْنَ

بیشتر مفسران بر این باوراند که مقصود و معنای <مخلصین> (خالص شدگان) این است: <الذین أخلصهم الله لنفسه و ولايته> کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۷

۷ - شیطان در وسوسه و به انحراف

کشاندن آدمیان ، از توانی گسترده برخوردار است .

و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نِزْغًا فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که پیامبر(ص) نیز در برابر وسوسه های شیطان، نیازمند به استعاذه و پناه بردن به خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۹

۹ - شیطان ، جلوه دهنده گمراهی به عنوان راه هدایت

و إِنْهُمْ لَيَصِدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ

ذکر پندار هدایت یافتگی، مبین این نکته است که شیطان افرادی این چنین را با وعده هدایت و رستگاری می فریبد و باطل را در شکل واقعی آن به ایشان نمی نمایاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۲ - ۱

۱ - تلاش پیوسته شیطان ، برای بازداشتن انسان از پذیرش دین

و اتَّبِعُونِ .. و لَإِيصِدُّنَكُمْ الشَّيْطَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۱۸، ۲۰ - ۱۷

۱۷ - شیطان ، موجودی بس حلیه گر و فریبکار

و غَرَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <الغرور> چنان که مفسران نیز احتمال داده اند شیطان باشد.

۱۸ - شیطان ، همواره درصدد فریب دادن انسان و غافل کردن او از خداوند است .

و غَرَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ

توصیف شیطان به <غرور>، نشان دهنده آن است که فریب کاری، با ذات شیطان درهم آمیخته و عجین شده است و او همواره در پی آن است که انسان را، از یاد خداوند غافل گرداند.

۲۰- افتادن در دام فریب شیطان، عامل بدبختی منافقان در آخرت

قالوا

بلی و لکنکم ... و غرکم بالله الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۳،۱۲

۳ - شیطان ، محرک و مشوق اصلی انسان ها به کفر

کمثل الشیطن إذ قال للإنسن اکفر

با توجه به این که <شیطان> مشبه به است؛ نقش محوری او در تحریک به کفر استفاده می شود.

۱۲ - > عن علی بن ابی طالب (ع) ان رجلاً کان یتعبد فی صومعته و ان امرأه کان لها إخوه فعرض لها شیء ، فأتوه بها ، فزینت له نفسه فوق علیها فجاءه الشیطان فقال : أقتلها فإنهم إن ظهروا علیک إفتضح فقتلها و دفنها فجاؤوه فأخذوه فذهبوا به فبینما هم یمشون إذ جاءه الشیطان فقال : إئی أنا الذی زینت لک فاسجد لی سجده أنجیک ، فسجد له ، فذلک قوله ، > کمثل الشیطان إذ قال للإنسان اکفر ... < ;

از امام علی(ع) روایت شده است: مردی در دیر و صومعه خود مشغول عبادت بود، و زنی بود که چند برادر داشت. برای زن چیزی (بیماری) پدید آمد و آن برادران خواهر خود را نزد آن عابد بردند. پس خواهش زشت نفسانی در نظر عابد جلوه کرد و عمل زشت را با زن انجام داد. شیطان نزد عابد آمده و گفت: زن را بکش؛ زیرا اگر آنان بر تو دست یابند، رسوا خواهی شد. پس آن عابد زن را کشته و دفن کرد. خویشاوندان زن نزد عابد آمدند و او را دستگیر کردند و بردند و در این حال شیطان نزد عابد آمد و گفت: من این عمل را

نزد تو خوب جلوه دادم، حال بر من سجده ای نما تا تو را نجات دهم. پس عابد برای شیطان سجده کرد و این سخن خدا است که فرموده: *كَمْثَل الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ...*

افساد شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۷

۱۷ دوری شیطان از رحمت الهی، زمینه اغواگری و ترویج خرافه پرستی و فساد از ناحیه او

لعنه الله و قال .. لا ضلنهم و لا منينهم و لا مرنهم فليبتكن ءاذان الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۱

۲۱ شیطان با وسوسه ها و دسیسه های خویش، میان یوسف (ع) و برادرانش فسادانگیزی کرد.

من بعد أن نزع الشيطان بيني و بين إخوتي

<نزع> به معنای تحریک کردن بر فساد است و مراد از <نزع شیطان> وسوسه هایی است که او برای ایجاد فساد به انسانها القا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۶،۱۰

۶- شیطان، همواره در میان انسان ها به منظور فتنه انگیزی و فسادگری، نفوذ و رخنه می کند.

إن الشيطان ينزغ بينهم

<نزع> در لغت به معنای <ورود در امری برای فسادانگیزی> و نیز <فرب و خدعه> است (مفردات راغب و لسان العرب).

۱۰- پیامبر (ص)، مصون از راه یابی شیطان و فسادانگیزی های او

إن الشيطان ينزغ بينهم

با اینکه مخاطب آیه، پیامبر(ص) می باشد و او مأمور ابلاغ پیام الهی است اما در اختلاف افکنی و دشمنی ایجاد کردن شیطان،

است. بنابراین استفاده می شود که پیامبر(ص)، مصون از نفوذ شیطان بود.

اقرار اخروی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۴

۴- اعتراف شیطان در قیامت به حقانیت وعده های خداوند و پوچی وعده های خود

و قال الشیطن .. . إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ

اقرار شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۵

۱۵- شیطان در قیامت به ناتوانی خویش و پیروانش برای یاری و فریادرسی یکدیگر اعتراف می کند .

و قال الشیطن .. . ما أنا بمصرخکم و ما أنتم بمصرخی

<صرخ> به معنای فریاد و <أصرخ> به معنای پاسخ گویی به آن است. بنابراین مراد از <مصرخ> فریادرس و نجات دهنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۸

۸ - اعتراف شیطان به ربوبیت خداوند بر هستی

کمثل الشیطن إذ قال .. . إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

القائات شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۱،۲،۳

۱ - نجوای آلوده به گناه ، تعدی به دیگران و نافرمانی از پیامبر اکرم (ص) ، از القائنات شیطان است .

إِنَّمَا النُّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ

الف و لام <النجوى> برای عهد است و به نجوای منافقان اشاره دارد که آلوده به <إثم> ، <عدوان> و <معصیت الرسول> است.

۲ - منافقان ، ابراز دست شیطان و تحت تأثیر القائنات او

أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ نَهَوْا عَنِ النُّجْوَى .. إِنَّمَا النُّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ

۳ - نجوا های منافقان ، از

القائات شیطان به آنان

ألم تر إلى الذين نهوا عن النجوى . . . إنما النجوى من الشيطان

امدادهای شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۲

۱۲- شیطان ، یاری دهنده حق گریزان ، در روی گردانی از ایمان و هدایت

و أملی لهم

مفاد <أملی> ممکن است امداد و یاری رساندن باشد.

امکان دفع توطئه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۹ - ۶

۶- انسان در برابر وسوسه ها و توطئه های شیطان ، مختار و بر مخالفت با او تواناست .

إنه ليس له سلطان على الذين ءامنوا و على ربهم يتوكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۲

۲- انسان در برابر وسوسه ها و توطئه های شیطان ، مختار و بر مخالفت با او تواناست .

إنما سلطنه على الذين يتوكلونه

امکان دفع وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۹ - ۶

۶- انسان در برابر وسوسه ها و توطئه های شیطان ، مختار و بر مخالفت با او تواناست .

إنه ليس له سلطان على الذين ءامنوا و على ربهم يتوكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۲

۲- انسان در برابر وسوسه ها و توطئه های شیطان ، مختار و بر مخالفت با او تواناست .

إنما سلطنه على الذين يتولونه

اوامر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۴

- امر و نهی کردن و فرمان دادن ، نقش شیطان در ارتباط با انسان ها است .

الم أعهد إليكم بيني و آدم أن لاتعبدوا الشيطان

با توجه به کاربرد <عبادت> در معنای <اطاعت> (در آیه شریفه)، برداشت یاد شده به دست می آید.

اهداف شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۹

۹ شیطان در هر بنده ای از بندگان خدا ، به دنبال سهم و نصیبی برای خویش است .

و قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً

جمله <لاتخذن> را می توان به دو گونه معنا کرد، یکی برخی از بندگان را به اطاعت خواهم گرفت و دیگر اینکه از هر بنده ای، نصیبی را سهم خویش خواهم ساخت تا بطور کامل مطیع خداوند نباشد. برداشت فوق ناظر به معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۶،۲۱

۶ گمراه ساختن ، اسیر آرزو ها نمودن و تحت فرمان گرفتن ، هدف شیطان از گزینش گروهی از مردم

و قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً. و لاضلنهم و لامنينهم و لامرنهم

۲۱ انحراف در تفکر و ایجاد آرزو های باطل و سپس تحت فرمان گرفتن ، راه و روش شیطان برای اغوای مردم و سرپرستی آنان

و لاضلنهم و لامنينهم .. و لامرنهم فليغيرن خلق الله و من يتخذ الشيطان ولياً

اهداف وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۵ - ۳

۳ - ایجاد انگیزه های درونی در مردم ، برای مقابله با ربوبیت ، فرمان روایی

و الوهیت خداوند ، هدف شیطان از القای وسوسه به قلب ها است .

برَبِّ النَّاسِ . ملك النَّاسِ . إله النَّاسِ . من شرِّ الوسواس الخناس . الذی یوسوس فی صدو

اهمیت وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۶

۶ - انسان ، نیازمند یاری خداوند ، حتی در برابر کوچک ترین وسوسه شیطان

و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نِزْغًا فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

برداشت یاد شده از تنکیر <نزغ> که برای تحقیر می باشد استفاده شده است.

ایمان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۶

۶ اعتراف شیطان به ربوبیت و مالکیت خداوند نسبت به تمامی مردمان

و قال . . . من عبادك

بخیل و شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ شیطان ، همراه با ریاکاران ، بخیلان و متکبران

الذین یبخلون . . . و الذین ینفقون اموالهم رثاء النَّاسِ . . . و من یکن الشیطان له قرین

مراد از <من یکن . . . > تمام کسانی هستند که در این آیه و آیه قبل مورد مذمت قرار گرفتند.

برادران شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۱،۵

۱ بی تقوایان ، برادران شیطان هستند .

و إخوانهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <إخوانهم> به <الشیطان> در آیه قبل برگردد، که به قرینه مقابله مراد از <إخوان> بی تقوایان است. گفتنی است که چون <ال> در <الشیطان> برای جنس است، ضمیر جمع

می تواند به آن ارجاع شود.

۵ شیطان برادر انسان های مشرک و بی تقواست .

و إخونهم یمدونهم فی الغی

ضمیر در <إخونهم> می تواند به مشرکان و بی تقوایان برگردد. بر این مبنا مراد از <اخوان>، به قرینه آیه قبل، شیطان است. قابل ذکر است که در این صورت ضمیر فاعلی در <یمدونهم> به <اخوان> و ضمیر مفعولی به مشرکان و بی تقوایان برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۱

۱- تبذیر کنندگان (هدر دهندگان امکانات و نعمت های خدا) برادران شیاطینند .

إن المبذّرین كانوا إخون الشیطن

برادران یوسف و اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲۰

۲۰ برادران یوسف ، در خطر گرفتاری به دام دشمنی های شیطان در صورت شنیدن رؤیای یوسف (ع)

فیکیدوا لک کیداً إن الشیطن للإنسن عدو مبین

بغی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۷ - ۶

۶ شیطان ، موجودی سرکش و فاقد هرگونه خیر و فضیلت

و إن یدعون شیطاناً مریداً

مرید از مصدر <مرود> به معنای سرکشی و خروج از طاعت است (مجمع البیان). مفردات راغب <مرید> را به معنای عاری

از خیر دانسته است.

بی تأثیری شبهه افکنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۱

۱ - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند ، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند

، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر ، به آن ایمان بیاورند .

فینسخ الله ما یلقى الشیطن . . . و لیعلم الذین أوتوا العلم ... فتخبث له قلوبهم

ضمیر در <أنه الحق> به قرآن باز می گردد که در آیه ۵۲ از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. <إخبات> (مصدر <تخبث>) مشتق از <تخبث> است. <تخبث> به زمین وسیع و همواری گفته می شود که بی فراز و نشیب است. <قلب مخبت>؛ یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله <فینسخ الله ما یلقى الشیطان...> است؛ یعنی، خداوند شبهه های شیطان را از آیات وحی می زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخوردارند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

پلیدی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۸

۸ شیطان ، موجودی با کردار های پلید و ناپاک

رجس من عمل الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۷

۷ - شیطان ، فریب کاری که پس از القای فکر پلید در انسان ، خود را کنار کشیده و متواری می شود .

من شرّ الوسواس الخنّاس

برای فعل <خَنَّسَ> چند معنا ذکر شده است؛ از جمله: عقب نشینی کرد؛ بازگشت، متواری و غایب شد (لسان العرب). براساس این معانی، آیه شریفه ترسیمی از وسوسه گری های شیطان دارد که پس از هر وسوسه، خود را عقب کشیده، مخفی

می

شود؛ تا آن وسوسه کار خود را کرده و زمینه را برای وسوسه بعدی فراهم سازد.

پنهانکاری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۶

۶ - شیطان ، موجودی بس وسوسه گر و پنهان کار

من شرّ الوسواس الخناس

یکی از مصداق های مورد نظر برای <وسواس> به قرینه کلمه <جَنَّهُ> در آخر سوره <شیطان> است.

پوچی بشارت های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۶

۱۶- همه وعده ها و نوید های شیطان ، بی اساس و فریب است .

و ما يعدهم الشیطن إلا غرورًا

<غرور> مصدر فعل <غَرَّ> به معنای خدعه و مکر است.

پوچی وعده های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۴،۵

۴- اعتراف شیطان در قیامت به حقانیت وعده های خداوند و پوچی وعده های خود

و قال الشیطن ... إِنَّ الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فأخلفتکم

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفوا .. قال الشیطن ... إِنَّ الله وعدکم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۶

۱۶- همه وعده ها و نوید های شیطان ، بی اساس و فریب است .

و ما يعدهم الشیطن إلا غرورا

<غرور> مصدر فعل <غَرَّ> به معنای خدعه و مکر است.

پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۱۰، ۱۲

۱۰ - بدکاران و مرتکبان فحشا و پلیدی ها ، پیروان شیطان هستند .

لا تتبعوا خطوات الشیطن .. . إنما یأمرکم بالسوء و الفحشاء

۱۲ - افترا زنندگان به خدا ، پیروان شیطان و کار گزاران او هستند .

لا تتبعوا خطوات الشیطن .. . إنما یأمرکم ... أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۹

۹ مشرکان عصر جاهلیت در اسارت گامها و راههای شیطان بودند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر .. . کلوا مما رزقکم الله و لا تتبعوا خطوات الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۵

۵ بدعتگذاران در دین، عناصری پیرو شیطان و تحت ولایت او هستند.

إنا جعلنا الشیطن أولیاء للذین لا یؤمنون .. . الله أمرنا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۶

۶ بلعم باعورا پس از دور شدن از معارف الهی به دام شیطان گرفتار و از گمراهان شد .

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

<غوايه>، مصدر <غاوین> به معنای گمراه شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ پافشاری مشرکان و بی تقوایان پیرو شیطان به گمراهی خویش

ثم لایقصرن

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <لایقصرن> به مشرکان و بی تقوایان برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ - رهبران مستکبر و پیروانشان

از اجابت کنندگان دعوت شیطانند .

فقال الضعفوا للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا .. و قال الشيطان لما قضي الأمر

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب شیطان، به قرینه ذکر این آیه پس از ذکر ماجرای مستکبران و پیروان آنها در قیامت، مستکبران و پیروانشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۶

۶- امت های پیشین ، فریفته شیطان شده و تسلیم انبیای خود نشدند .

لقد أرسلنا إلى أمم من قبلك فزین لهم الشيطان أعمالهم

جمله <زین لهم الشيطان أعمالهم> به قرینه وعده عذابی که در همین آیه به آن امتهها داده شده، کنایه از عدم تسلیم آنها در برابر انبیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۱۸

۱- تسلط و استیلای شیطان ، تنها بر دو گروه فرمانبران از او و مشرکان است .

إنما سلطنه على الذين يتولونه و الذين هم به مشرکون

۸- > أبی بصیر عن أبی عبدالله (ع) قال : قلت له : ... قوله تعالى : > إنما سلطانه على الذين يتولونه و الذين هم به مشرکون < قال : الذين هم بالله مشرکون یسلط على أبدانهم و على أديانهم ;

ابوبصیر گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدای تعالی .. > إنما سلطانه على الذين يتولونه و الذين هم به مشرکون < سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان که به خدا شرک ورزیدند، [شیطان] بر بدن و دینشان مسلط می شود.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۱،۱۲

بت پرستان ، هم سو با شیطانند و سرنوشت آنان هم سان فرجام او است .

فتکون للشیطن ولیّاً

<ولیّ> از ماده <وَلَّى> (نزدیک شدن یا در پی درآمدن) مشتق است و جمله <فتکون ..> حاکی از آن است که سرنوشت بت پرستان و شیطان، نزدیک به هم و در یک ردیف است.

۱۲- گرفتاران به عذاب الهی ، همراه و قرین شیطان خواهند بود .

یَمْسُکُ عَذَابٍ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونُ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۶

۶ - شاعران منحرف ، هم داستان شیطان و سرایندگان القائنات شیطانی

تَنْزَلَ عَلٰی كُلِّ اَفَّاكٍ .. و الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ... فِی كُلِّ وَادٍ یٰهیمون

آمدن نام شعرای منحرف، در پی آیاتی که بیانگر نزول شیاطین بر قلب دروغ پردازان گنه پیشه است؛ نوعی ارتباط میان شاعران منحرف و شیاطین را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۹ - ۱،۵

۱ - منافقان ، تحت اختیار شیطان و مقهور اراده او

استحوذ علیهم الشیطن

<استحوذ> به معنای چیره شدن است. ضمیر <علیهم>، در آیه شریفه، مربوط به اهل نفاق است؛ یعنی، شیطان بر آنان مستولی شده است.

۵ - منافقان ، حزب شیطان و دار و دسته وی

أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - منافقان ، ایفاگران نقش شیطان در تزویر و وسوسه گری

کمثل الشیطن

با توجه به این که در آیات پیشین منافقان به عنوان وعده دهندگان به یهود و متخلفان از وعده خویش معرفی شده اند؛ این تمثیل متوجه آنان

است.

پیروان شیطان در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳ - ۱۰

۱۰- جبهه ضد توحیدی در صدراسلام، متشکل از گروهی جاهل، بی منطق و پیرو بی چون و چرای شیطان بود.

ومن الناس من یجدل فی الله بغیر علم و یتبع کل شیطن مرید

پیروی از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۹،۲۰

۱۹- پیروی از شیطان نوعی شرک است .

و قال الشیطن .. دعوتکم فاستجبتم لی ... بما أشرکتون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از شرک، به قرینه اینکه شیطان مدعی است آنان دعوت او را اجابت کرده اند، شرک در اطاعت باشد، نه شرک در الوهیت.

۲۰- پیروان شیطان او را در اطاعت، شریک خداوند قرار می دهند و از القائات او تبعیت می کنند .

إلا أن دعوتکم فاستجبتم لی .. إنی کفرت بما أشرکتون من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۵

۵- پذیرش ولایت شیطان و پیروی از او، شرک به خداوند است .

الذین یتولّونه .. هم به مشرکون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <باء> در <به> برای سببیت باشد و ضمیر آن به <قبول و پذیرش> که در معنای <یتولّونه> (از او فرمان می برند) اشراب شده است برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۸

۸- انسان در پیروی و عدم پیروی از ابلیس ، توانا و مختار

است .

فمن تبعك منهم فإن جهنم جزاؤكم

نسبت دادن تبعیت به انسان از یکسو و مورد تهدید قرار دادن او از سوی دیگر، نشانگر اختیار انسان در انتخاب راه خود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳ - ۶

۶- مجادله و پافشاری بر عقاید موهوم و غیر علمی ، پیروی از شیطان است .

ومن الناس من یجدل. .. و یتبع کل شیطن مرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - اشاعه فحشا و بازی با حیثیت مؤمنان و بدنام کردن آنان ، فرمان برداری از شیطان و گام نهادن در راه او است .

و من یتبع خطوت الشیطن فإنه یأمر بالفحشاء و المنکر

نهی از پیروی شیطان پس از محکومیت ماجرای <افک> و ممنوعیت اشاعه فحشا می تواند هشدار می باشد به رواج دهندگان فحشا که رفتارشان، رفتاری است شیطانی و در حقیقت گام نهادن در راه شیطان می باشد.

تبذیر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۴

۴- شیطان ، مظهر اسراف و تبذیر نعمت های خداست .

إن المبذرين كانوا إخوان الشیطين و كان الشیطن لربّه کفورًا

تبری از پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - اظهار خداترسی و نیز تبری شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات او از کیفر اخروی

قال إنني بريء منك إنني أخاف الله .. فكان عقبتهما أنهما في النار

تبری شیطان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۷

۱۷ بیزاری شیطان از فریب خوردگان خود پس از قرار دادن آنان در دام های فریب خویش

و اذ زين لهم .. فلما ترآءت الفتان ... اِنى اُخاف الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۷

۱۷- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام خواهد کرد که وی در دنیا عقیده آنان را در شریک قرار دادن او برای خدا ، قبول نداشته است .

و قال الشیطن .. اِنى کفرت بما اُشركتمون من قبل

برداشت مبتنی بر این احتمال است که <ما> در آیه مصدری باشد و <اُشركتم> را به تأویل مصدر ببرد و مفعول آن ضمیر منفصل محذوف باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من شریک قرار داده شدن خودم را برای خدا از جانب شما قبول نداشتم و به آن کافر بودم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۲،۴

۲ تبرّی شیطان در قیامت ، از انحرافات و طغیان گری مشرکان

قال قرینه ربّنا ما اُطغیته

بنابراین که مراد از <قرین> شیطان باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۴ تمسّک شیطان به ربوبیت الهی در دادگاه اخروی ، برای مبرّا جلوه دادن خود از گناهان مشرکان *

قال قرینه ربّنا ما اُطغیته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۵

۵ - اظهار بیزاری شیطان از انسان ، پس از فروافکندن او در گرداب کفر

كمثل الشیطن إذ قال للإنسن اكفر فلما كفر قال

إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

۲ - اظهار خداترسی و نیز تبرّی شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات او از کیفر اخروی

قال إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ... فَكَانَ عَقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ

تجسّم شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۸

۸ تجسّم شیطان برای کافران مکه ، قبل از جنگ بدر

وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ

تداوم اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۴

۴- شیطان ، تا برپایی قیامت زنده و همواره به اغوای نسل آدم (ع) مشغول است .

لئن أُخْرِتَنَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأُحْتَكَنَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا . قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ

تداوم حیات شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۴

۴- شیطان ، تا برپایی قیامت زنده و همواره به اغوای نسل آدم (ع) مشغول است .

لئن أُخْرِتَنَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأُحْتَكَنَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا . قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ

ترس شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۶

۱۶ شیطان به دلیل ترس از گرفتار شدن به عذاب الهی با ضربه های سهمگین فرشتگان جنگ بدر از آن معرکه فرار کرد .

إِنِّي أُرِي مَا لَا تَرُونَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ

مراد از خوف خدا (إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ) به دلیل <إِنِّي أُرِي مَا لَا تَرُونَ> گرفتار شدن به

چنگ فرشتگان حاضر در کارزار بدر است.

تسخیر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۵

۵ - تمامی موجودات هستی ، حتی شیاطین ، مسخر خدا و محکوم اراده اویند .

و من يعيش عن ذكر الرحمن نقیضاً له شیطاناً

از این که خداوند، تسلط شیطان را بر غافلان از یاد خودش، به خود نسبت داده (نقیض)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۵

۵- شیاطین ، موجوداتی قابل رام شدن و فرمان بری برای انسان ها .

و سخرنا .. من الشیطين من یغوصون له

تشبیه به شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۸

۸ دوست ناباب ، چونان شیطان است .

یویلتی لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً . لقد أضلنی عن الذکر... و کان الشیطن للاین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و کان الشیطان..> دنباله سخن ظالمان باشد و مقصود از <شیطان> ابلیس نباشد؛ بلکه نامی باشد که ظالمان برای دوستان ناباب و گمراه گر خود انتخاب کرده باشند؛ زیرا عمل گمراهی، کار شیطان است و هر کس چنین کاری را انجام دهد، همچون شیطان خواهد بود.

تشخیص و سوسه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ اهل تقوا توانا بر تشخیص وسوسه های شیطان به هنگام مواجه شدن با آن وسوسه ها هستند .

إن الذين اتقوا إذ امسهم طئف من الشيطان تذكروا

تشویق شیطان

جلد - نام

۱۲ عن أبي جعفر(ع): ان اصحاب محمد(ص) قالوا: يا رسول الله .. إذا كنا عندك فذكرتنا و رغبتنا و جلنا و نسينا الدنيا و زهدنا ... فاذا خرجنا من عندك و دخلنا هذه البيوت و شممنا الاولاد و رأينا العيال و الاهل يكاد أن نحول عن الحال التي كنا عليها عندك ... فقال لهم رسول الله(ص): ... إن هذه خطوات الشيطان فيرغبكم في الدنيا

از امام باقر(ع) روایت شده که یاران رسول خدا(ص) به آن حضرت عرض کردند: .. هنگامی که ما نزد شما هستیم و ما را متذکر می کنید و ترغیب می نمائید احساس ترس می کنیم و دنیا را فراموش کرده و زهد میورزیم ... اما چون از نزد شما خارج می شویم و به خانه های خود می رویم و فرزندان و خانواده را می بینیم، نزدیک است از آن حال معنوی که نزد شما داشتیم برگردیم ... رسول خدا(ص) فرمود: ... این از گامهای شیطان است که شما را به دنیا ترغیب می کند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ شیطان با تأکید بر یاری بی دریغ خویش از لشکریان کافر بدر ، آنان را به رویارویی با مسلمانان ترغیب کرد .

ینی جار لکم

کلمه <جار> معانی متعددی دارد ؛ از جمله یاور، همساز، هم قسم، شریک و .. (لسان العرب). به نظر می رسد یاور نسبت به دیگر معانی مناسبتر باشد.

تشویقهای شیطان

جلد - نام سوره -

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۱،۲،۹

۱ - شیطان ، با وسوسه های خویش انسان ها را به کار های بد و شنیع (گناهان کوچک و بزرگ) ترغیب می کند .

إنما يأمرکم بالسوء و الفحشاء

<امر> به معنای فرمان دادن است و در آیه شریفه - به مناسبت حکم و موضوع - مراد از آن وسوسه کردن و مانع آن می باشد. <فحشاء> به بدی و زشتی بیش از حد گفته می شود که می توان از آن به گناه بزرگ تعبیر کرد و به قرینه مقابله، مراد از <سوء> گناه کوچک است.

۲ - شیطان ، ترغیب کننده آدمیان به افترا بستن به خداوند (بدعت گذاری و تحریف احکام دین)

إنما يأمرکم . . . أن تقولوا علی الله ما لاتعلمون

<قول> و مشتقات آن هرگاه با <علی> متعدی شود به معنای نسبت دادن و افترا بستن است.

۹ - شیطان ، وادار کننده انسان ها به شرک ورزی و ترغیب کننده آنها به دوستی با سران شرک و پیروی از آنان *

و من الناس من یتخذ من دون الله أنداداً . . . إنما يأمرکم بالسوء و الفحشاء

از مصداقهای مورد نظر برای <سوء> و <فحشاء> به قرینه آیات قبل، شرک ورزی و . . . است.

تظاهر به خیرخواهی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۷

۷ - پوشش خیرخواهی ، روش شیطان برای وسوسه در دل آدمیان و فریب آنان

فوسوس إلیه الشیطن فقال هل أدلک

تعقل در وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- لزوم تعقل و خردورزی در وسوسه های گمراه کننده شیطان و درس آموزی از سرنوشت شوم قربانیان فریب وی

و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً أفلم تكونوا تعقلون

تکبر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۶

۶- رفتار شیطان با پیروانش ، همچون رفتار فرادستان با زیر دستان ، دستوری و آمرانه است .

و من يتبع خطوات الشيطان فإنه يأمر بالفحشاء والمنكر

برداشت فوق به خاطر به کار رفتن ماده <أمر> می باشد که یکی از معانی آن فرمان است.

تکلیف شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۷

۷- شیطان ، موجودی مختار و مکلف است .

اذهب فمّن تبعك منهم فإن جهنم جزاؤكم جزاءً موفوراً

وعده جهنم به ابلیس و پیروان وی حکایت از این دارد که ابلیس مکلف به انجام تکلیفهایی است. چون اصولاً- کیفر، برای تمرد از انجام وظیفه است.

تلاش شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱۳

۱۳ شیطان در صدد است حکم حرمت حضور در مجلس یاوه گویان مغالطه گر درباره دین فراموش شود.

و إِمَّا يَنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانَ

نون <ينسينك> زائده در <اما>، که برای تأکید می باشد، بیانگر این است که شیطان در صدد به فراموشی کشاندن انسان در این گونه موارد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۷

۷- شیطان، برای ایجاد اختلاف و گفتار ناشایست و برخورد خشن میان انسان ها،

پیوسته در تلاش است .

يقولوا التي هي أحسن إن الشيطان ينزغ بينهم

تمایلات شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۴

۱۴ وجود خواسته ها و لذتهای نفسانی در جن (شیطان)

قد استكثرتم استمتع بعضنا ببعض

تنوع دامهای شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۲

۲ - شیطان ، دارای راه های متعدد و وسایل گوناگون برای کشاندن انسان ها به فحشا و منکرات است .

لا تتبعوا خطوات الشيطان

برداشت فوق، از جمع آمدن <خطوات> استفاده می شود.

تنوع راههای شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۲

۱۲ - شیطان برای انحراف انسان ها از راه های گوناگونی بهره می جوید .

ولا تتبعوا خطوات الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۷

۷ راههای شیطان متنوع و گوناگون است.

و لا تتبعوا خطوات الشیطن

محتمل است جمع آورده شدن <خطوات> به ملاحظه تعدد و تنوع راههای شیطان باشد.

تنوع روش اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳ - ۹

۹- گوناگونی راه های فریب و نیرنگ شیطان برای گمراه کردن انسان

و یتبع کل شیطن مرید

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <یتبع کل شیطان> به تقدیر <یتبع کل خطوه من خطوات الشیطان> باشد.

تنوع شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - شمار شیاطین ، بسیار و متنوع به

گوناگونی گمراهی ها و متعدد به تعدد گمراهان

نقیض له شیطاناً .. و إثمهم لیصدونهم عن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۷ - ۳

۳- شیاطین ، افراد متعدد و گوناگونی اند .

و حفظنها من کل شیطن رجیم

تهمت شیطان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۶

۶ شیطان در مورد آثار شجره نهی شده، خداوند را به دروغگویی متهم کرد.

قال ما نهیکما ربکما عن هذه الشجره إلا أن تکونا ملکین أو تکونا من الخلدین

جمله <إلا أن تکونا .. > در حقیقت تکذیب گفتار خداوند است که فرمود: فتکونا من الظالمین.

جرم پیروی از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۵

۵ - پیروی از شیطان ، جرم است و پیروان او مجرم اند .

و امتروا الیوم أیها المجرمون . ألم أعهد إلیکم بینی ءادم أن لاتعبدوا الشیطن

از ارتباط میان آیه شریفه و آیه پیش که خطاب به مجرمان بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جنگ با دوستان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ جنگ با دوستان شیطان (کافران و طاغوت ها) مصداق بارز نبرد در راه خدا

الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله .. فقاتلوا اولياء الشيطان

جوامع تحت امر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۳

۳ جوامعی که به پندار

اجرای فرمان خدا به رسوم ناروای نیاکان خویش پایبندند، جوامعی تحت نفوذ شیاطین می باشند.

إنا جعلنا الشيطان أولياء للذين لا يؤمنون .. الله أمرنا بها

جمله <إذا فعلوا .. > عطف بر <لا- يؤمنون> است و در حقیقت صله برای <الذين > می باشد. یعنی: إنا جعلنا الشيطان أولياء للذين إذا فعلوا فاحشه ...

حتمیت عذاب شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - همدمی منحرفان با شیاطین در دوزخ ، تأثیری در تخفیف عذاب و یا آرامش آنان نخواهد داشت .

لن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم أنكم في العذاب مشتركون

برداشت یاد شده بر این اساس است که عبارت <أنكم في.. > فاعل <لن ينفع > باشد.

حتمیت کیفر اخروی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

۲ - اظهار خداترسی و نیز تبّری شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات او از کیفر اخروی

قال إني بريء منك إني أخاف الله .. فكان عقبتهما أنهما في النار

حزب شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۹،۱۰

۹ - کافران و دنیاطلبان ، از حزب شیطان اند .

فلاتغرّنكم الحيوه الدنيا .. إنّ الشيطان لكم عدوّ .. إنّما يدعوا حزبه

برداشت یاد شده به این خاطر است که آیه پیش، از فریفته شدن به دنیا برحذر داشته و آیه مورد بحث فریفته شدگان به دنیا را حزب شیطان خوانده است.

۱۰ - گرفتار شدن به آتش برافروخته و پراشتهاب دوزخ ، سرنوشت و کیفر

پیروان حزب شیطان

إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

<سعیر> به معنای آتش افروخته و ملتهب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۹ - ۵

۵ - منافقان ، حزب شیطان و دار و دسته وی

أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۶

۲۶ - انسان ها ، در بینش الهی دو دسته اند : حزب خدا و حزب شیطان .

أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ .. أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ

حشر اخروی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۸

۸ - شیاطین نیز ، همچون آدمیان در قیامت محشور خواهند شد .

قال یلیت بینی و بینک بعد المشرقین

از خطاب <بینک> استفاده می شود که شیاطین نیز در روز قیامت محشور خواهند شد. البته برداشت یاد شده در صورتی

است که منظور از <شیاطین>، شیاطین جن یا اعم از شیاطین جن و انس باشد.

حقیقت اطاعت از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۳

۳ - اطاعت از شیطان ، به منزله عبادت او است .

ألم أعهد إليكم بيني وءادم أن لاتعبدوا الشيطان

حقیقت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۷ - ۴

۴- شیطان ، موجودی قدرتمند و توانا بر صعود و نفوذ بر آسمانها

و حفظها من كلّ شیطن رجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳ - ۷۸

۷- شیطان ، موجودی است

سراسر شرّ و عاری از هر نیکی و خیر .

و يَتَّبِعْ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ

<مرید> صفت توضیحی برای <شیطان> و به معنای عاری از خیر و نیکی است. (مفردات راغب)

۸- شیطان ، نه نوعی منحصر به فرد ، که دارای مصادیق و افرادی بسیار است .

و يَتَّبِعْ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۳، ۲

۲- شیطان ، عنصری است گمراهگر و دوزخی پرور .

كُلُّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ . كَتَبَ عَلَيْهِ... فَأَنَّهُ يَضَلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ.

۳- گمراه سازی و دوزخی پروری ، خمیره و سرشت تغییرناپذیر شیطان است .

كَتَبَ عَلَيْهِ.. فَأَنَّهُ يَضَلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ

جمله <کتب علیه> (بر او نوشته شد) بیانگر این نکته است که شیطان، مخلوقی است که سرشت او با گمراه گری و کشاندن مردم به سوی دوزخ، آمیخته شده و غیر قابل تغییر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۲

۱۲ - شیطان ، حقیقتی دارای مصادیق و افراد متعدد

للشَّيْطَانِ

حوا و شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۶

۱۶ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجره

خداترسی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۷

۷ - شیطان ، مدعی خداترسی

قال .. إني أخاف الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

اظهار خداترسی و نیز تبرّی شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات او از کیفر اخروی

قال إني بريء منك إني أخاف الله .. فكان عقبتهما أنّهما في النار

خدایشناسی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۸

۸ - اعتراف شیطان به ربوبیت خداوند بر هستی

كمثل الشيطان إذ قال .. إني أخاف الله ربّ العلمين

خطر اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - مؤمنان نیز همچون دیگر مردمان ، در معرض پیروی از شیطان و گرفتار شدن به زشتی ها و ناپسندی ها (فحشا و منکرات) قرار دارند .

يأيتها الذين ءامنوا لاتتبعوا خطوات الشيطان .. فإنه يأمر بالفحشاء والمنكر

هشدار خداوند به مؤمنان از ارتکاب به فحشا و منکر و پیروی از شیطان، گویای حقیقت یاد شده است.

خطر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۸،۲۲

۱۸ شیطان ، خطری در کمین انسان

و ائی اعینها بک و ذریتها من الشيطان الرجيم

۲۲ اجابت دعای همسر عمران ، در مورد حفظ مریم (س) و فرزندش از شرّ شیطان

وَأَنى اعِيذها بك و ذرِيَّتِها من الشَّيْطان الرِّجيم

رسول خدا (ص): .. و قال عيسى (ع) فيما يثنى على ربه: و اعاذنى و امى من الشَّيْطان الرِّجيم فلم يكن له علينا سبيل.

الدر المثور، ج ٢، ص ١٨٤.

خطر و سوسه هاى شيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١١ - طه -

۱۴ - زنان و مردان ، هر دو در خطر فریفته شدن به وسوسه های شیطانی اند .

فلايخر جنكما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۰

۱۰ - انسان ، همواره در خطر وسوسه های شیطان است .

من الجنّه

<شیطان> چنانچه در برخی از سوره های دیگر آمده است از جنس جن است.

خنثی سازی وسوسه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۰ - ۵

۵ خداوند خنثی کننده وسوسه های شیطان در صورت پناه آوردن بندگان به درگاه او

فاستغذ بالله إنه سمیع علیم

جمله <إنه سمیع علیم> به منزله تعلیلی است برای <فاستغذ بالله> (به خدا پناه بر). و چون مجرد شنوایی و دانایی نمی تواند دلیل لزوم استعاذه باشد، می توان گفت شنوایی و دانایی خداوند کنایه از اجابت پناهخواهی است.

خواستہ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ ارجاع داوری ها به طاغوت (کسانی که بر خلاف احکام خداوند ، حکم می کنند) ، خواسته شیطان است .

و یرید الشیطان ان یضلّهم

خیرخواهی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۱

۱ شیطان با سوگند دروغ و مؤکد خویشتن را از خیرخواهان آدم و حوا قلمداد کرد.

و قاسمها إني لكما لمن النصحين

به کارگیری فعل <قاسم> از باب مفاعله می تواند برای تأکید باشد. یعنی شیطان با سوگند مؤکد سخنش را به آنان القا کرد.

دامهای شیطان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۳

۱۳ طاغوت ها ، دام ها و ابزار کار شیاطین هستند .

یریدون ان یتحاكما الی الطاغوت . . . و یرید الشیطان ان یضللهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۱، ۱۲، ۱۴

۱۱- تلاش ابلیس در کشاندن مال و نسل انسان به سوی حرام و استفاده از آن در جهت هدف های خویش

و شارکهم فی الأموال و الأولد

۱۲- مال و فرزند ، دو زمینه مهم نفوذ شیطان و لغزش انسان

و شارکهم فی الأموال و الأولد

۱۴- وعده دادن و آرزو پروری ، از شگرد های شیطان در به دام افکندن انسان

و شارکهم . . . و عدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۱ - ۶

۶ - شرک ورزیدن به خدای یگانه ، فرو افتادن از اوج کمالات انسانی و تبدیل شدن به طعمه شیطان و گرفتار گشتن در دام او است .

و من یشرک باللّه فکأنما خرّ من السماء فتخطفه الطیر

دروغگویی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۸

۸ دروغ، اساس کار شیطان در وسوسه گری و فریب دادن آدم و حوا

ما نهیکما ربکما .. أو تکونا من الخلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۱

۱ شیطان با سوگند دروغ و مؤکد خویشتن را از خیرخواهان آدم و حوا قلمداد کرد.

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

به کارگیری فعل <قاسم> از باب مفاعله

می تواند برای تأکید باشد. یعنی شیطان با سوگند مؤکد سخنش را به آنان القا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۱

۱۱ - دروغ ، ابزار شیطان برای فریفتن انسان ها

هل أدلك على شجرة الخلد و ملك لا يبلى . . . فبدت لهما سوءتهما

دشمنان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ - انسان و شیطان دشمن یکدیگر در زندگی دنیوی

اهبطوا بعضکم لبعض عدو

چنانچه مخاطب کلمه <اهبطوا> آدم(ع)، حوا و شیطان باشد، مراد از <بعضکم لبعض عدو> دشمنی شیطان و انسان با یکدیگر خواهد بود.

دشمنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۶، ۹

۹ - شیطان دشمنی آشکار برای انسانهاست .

إنه لكم عدو مبين

۱۶ - واداشتن مردم به استفاده از حرام ها و پلیدی ها و نیز بازداشتن آنان از نعمت های حلال ، نمودی از دشمنی شیطان با انسان است .

كلوا مما فی الأرض حللاً طیباً و لاتتبعوا خطوت الشیطن إنه لكم عدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - دعوتگری شیطان به بدی ها و بدعتگذاری ها ، نمودی از شیطنت او و دلیل دشمنی وی با انسانهاست .

إنه لكم عدو مبين. إنما يأمركم بالسوء و الفحشاء و أن تقولوا على الله ما لا تعلمون

جمله <إنما يأمركم .. > دلیلی است برای <إنه لكم عدو> یعنی، نشانه و دلیل دشمنی شیطان با شما انسانها این است که او شما را به کارهای ناروا

ترغیب می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۸ - ۸،۱۱

۸ شیطان ، دشمن همبستگی مؤمنان

ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین

۱۱ شیطان ، دشمن آشکار مؤمنان

انه لکم عدو مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۱۱، ۱۰

۱۰ شیطان دشمن آشکار آدمی است.

انه لکم عدو مبین

۱۱ دشمنی شیطان با انسان، فلسفه نهی شدن آدمی از پیروی اوست.

و لا تتبعوا .. انه لکم عدو مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۶، ۱۴، ۱۳

۱۳ شیطان، دشمنی آشکار برای انسان است.

إن الشیطن لکما عدو مبین

۱۴ هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

۱۶ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدليهما بغرور فلما ذاقا الشجره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۲

۲ هبوط آدميان و شيطان به زمين همراه با عداوت و دشمنی با يکديگر

قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو

چنانچه مخاطب <اهبطوا>، آدم و حوا و شيطان باشد، مراد از <بعضكم لبعض>، شيطان از يکسو و آدميان از سوی ديگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۶، ۱۷، ۱۹

۱۶ شيطان دشمن آشکار انسان

إن الشيطان للإنسن عدو مبين

۱۷ شيطان ، مترصد زمينه های مساعد برای

نفوذ در انسان و منحرف ساختن او

لا تقصص رءياك .. فيكيدوا ... إن الشيطان للإنسن عدو مبين

۱۹ شیطان ، در ایجاد دشمنی میان انسان ها و واداشتن آنان به مکر و حيله عليه یکدیگر ، نقشی بسزا دارد .

فيكيدوا .. إن الشيطان للإنسن عدو مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۴،۵

۴- انسان به هنگام قراءت قرآن ، در معرض هجوم و خشم شیطان است .

فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم

۵- شیطان ، مخالف قراءت قرآن و آشنایی انسان با آموزه های آن است .

فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم

پناه بردن انسان از شرّ شیطان به خداوند، بیانگر این است که شیطان قراءت قرآن و آشنایی با آن را خوش ندارد. گفتنی است آیه بعدی که سخن از سلطه شیطان و مصونیت مؤمنان از این سلطه است مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۶،۱۳

۶- شیطان ، همواره در میان انسان ها به منظور فتنه انگیزی و فسادگری ، نفوذ و رخنه می کند .

إن الشيطان ينزغ بينهم

<نزغ> در لغت به معنای <ورود در امری برای فسادانگیزی> و نیز <فريب و خدعه> است (مفردات راغب و لسان العرب).

۱۳- شیطان ، بی تردید با انسان دشمنی آشکار و دیرینه دارد .

إن الشيطان كان للإنسن عدوًّا مبينًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹- پذيرش ولايت شيطان و نسل او از سوي برخي مردم ، با وجود عداوت

شیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

أَفْتَنَّاكَ مِنْ دُونِهَا وَلِيَاءَ مَنْ دُونِهَا وَمِنْ أَعْيُنِنَا مَنْ دُونِهَا وَمِنْ أَعْيُنِنَا مَنْ دُونِهَا وَمِنْ أَعْيُنِنَا مَنْ دُونِهَا

همزه <استفهام> در <أَفْتَنَّاكَ مِنْ دُونِهَا> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۴

۴- آدم و حوا (ع) ، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان ، تحت تأثیر سخنان او قرار گرفتند .

إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرِجَالِكَ .. فَأَكْلًا مِنْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۸

۸- انسان و شیطان دشمنانی آشتی ناپذیراند .

اهبطا .. بعضكم لبعض عدو

در برداشت یاد شده، <اهبطا> خطاب به آدم و ابلیس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - شیطان ، دشمن انسان و عامل گمراهی وی

إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۲

۲ - شیطان ، دشمن انسان ها است .

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۲ - ۴

۴ - شیطان ، دشمن آشکار آدمیان

إِنَّه لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۴

۴ - شیطان ، دشمن مؤمنان و در پی ناراحت و اندوهگین کردن آنان است .

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا

دعوت از پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره -

۵ - شیطان ، پیروانش را هرگز رها نمی کند ؛ بلکه مدام آنان را به انواع فحشا و منکرات فرا می خواند .

و من يتبع خطوات الشيطان فإنه يأمر بالفحشاء والمنكر

برداشت یاد شده از به کارگیری فعل مضارع <یأمر> استفاده شده است ؛ زیرا فعل مضارع بیانگر استمرار است.

دعوتهای شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - شیطان ، پیروانش را هرگز رها نمی کند ؛ بلکه مدام آنان را به انواع فحشا و منکرات فرا می خواند .

و من يتبع خطوات الشيطان فإنه يأمر بالفحشاء والمنكر

برداشت یاد شده از به کارگیری فعل مضارع <یأمر> استفاده شده است ؛ زیرا فعل مضارع بیانگر استمرار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - شیطان ، فراخوان حق ناپذیران به دوزخ

كان الشيطان يدعوهم إلى عذاب السعير

دلایل اضلال شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - قتل ناخواسته فرد قبطی به وسیله موسی (ع) ، نمود دشمنی و گمراه گری شیطان

هذا من عمل الشيطان إنه عدوٌ مضلٌ مبين

دلایل اعراض از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۷

۷- عصیانگر بودن شیطان در برابر خدای رحمان ، دلیلی کافی بر ضرورت پرهیز از اطاعت او است .

لا تعبد الشیطن إِنَّ الشیطن کان للرحمن عَصِيًّا

دوستان شیطان

جلد - نام سوره -

۱ شیطان با ایجاد ترس و وحشت ، دوستانش را از شرکت در جهاد بازمی دارد .

انَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ

۴ کسانی که به خاطر ترس از شرکت در جهاد خودداری می کنند ، از اولیاء و دوستان شیطان هستند .

انَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ

از <إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ>، معلوم می شود که شیطان (ابلیس و یا جاسوس دشمن)، همه مؤمنان را می ترساند، ولی از <يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ> استفاده می شود که تنها دوستانش را می ترساند. بنابراین مراد از <يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ>، فعلیت و تحقق ترس می باشد که مخصوص دوستان شیطان است. پس کسانی که به خاطر ترس، از جهاد خودداری کنند، اولیای شیطانند.

۷ لشگریان کفر و شرک و دشمنان اسلام ، دوستان شیطانند .

إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ . . . انَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ

برداشت فوق بر این اساس است که <كُفُّمُ> از <يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ> حذف شده باشد؛ یعنی <يُخَوِّفُكُمْ أَوْلِيَاءَهُ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ طاغوت ها و هموارکنندگان راه آنان ، دوستان و یاوران شیطانند .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ

مراد از اولیای شیطان به قرینه فای تفریع در <فقاتلوا>، کافران و طاغوتها هستند. گفتنی است که در برداشت فوق، شیطان، غیر طاغوت گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ جدال کنندگان در مورد احکام روشن خداوند دوستان شیطانند.

و إن الشیطان

ليوحون إلى أوليائهم ليجدلوكم

۱۲ دوستان شیطان در مسیر مبارزه با دین و احکام الهی آن هستند.

و إن الشیطين لیوحون إلى أوليائهم لیجدلوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۲

۱۲- گرفتاران به عذاب الهی ، همراه و قرین شیطان خواهند بود .

یَمْسُکُ عَذَابٍ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونُ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا

دوستی با شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ شیطان ، همدل و همراهی شوم و نامیمون است .

و من یکن الشیطان له قریناً فساء قریناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۴

۴ کیفر بخیلان و ریاکاران (عذاب ، محرومیت از محبت خداوند ، همراهی با شیطان) ، بازتاب عمل خود آنان است ، نه ستمی از جانب خداوند .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ .. الَّذِينَ يَبْخُلُونَ ... وَ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ ... وَ

جمله > إِنَّ اللَّهَ .. < می تواند پاسخی باشد برای این سؤال که چرا خداوند مردم را به عذاب و ... مبتلا می کند. خداوند می فرماید این عذابها ناشی از ستم او نیست، بلکه دستاورد خود بخیلان است.

راههای نجات از وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- تعقل و خرد ورزی ، راه نجات از وسوسه ها و دام های شیطان

و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً أفلم تكونوا تعقلون

رجم شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۹

۱۹ شیطان ، رانده شده از درگاه خداوند

من الشیطان الرجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۴

۴ - > روی عن أبی جعفر و أبی عبد الله علیهما السلام أنّ مواقع النجوم رجومها للشیاطین فكان المشرکون یقسمون بها . . . ;

از امام باقر و صادق (علیهما السلام) روایت شده که <مواقع نجوم> رجم شیاطین است که به وسیله ستارگان انجام می شود و مشرکان به آن قسم یاد می کردند.<

رذایل شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۸

۸ دروغ، اساس کار شیطان در وسوسه گری و فریب دادن آدم و حوا

ما نهیکما ربکما .. . أو تکونا من الخلدین

روش اضلال شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ - > قال الصادق (ع) : ان الشیطان لیأتی الرجل من أولیائنا عند موته عن یمینه و عن شماله لیضله عما هو علیه فیأبی الله عزوجل له ذلك و ذلك قول الله تعالی : > یشبث الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیاه الدنیا و فی الآخره < ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: همانا شیطان برای گمراه کردن دوستان ما به هنگام مرگشان، از چپ و راست به آنان نزدیک می شود. پس خداوند عزوجل از گمراهی او مانع می شود و این همان سخن خداوند است که می فرماید: <یشبث الله الذین آمنوا بالقول الثابت ...>.

روش اغواگری شیطان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۱،۱۲

۱۱ - شیطان ، به تدریج و گام به گام انسان ها را به انحراف و سقوط می کشاند .

و لا تتبعوا خطوت الشیطن

<خطوه> (مفرد خطوات) به معنای گام است و مراد از آن در آیه شریفه، مسیری است که شیطان برای انسانها ترسیم می کند. جمع آوردن کلمه خطوات اشاره به این است که: شیطان برای منحرف ساختن، راهها و مسیرهای گوناگونی دارد و یا حاکی از آن است که وی به تدریج و گام به گام آدمی را به سوی گمراهی سوق می دهد.

۱۲ - شیطان برای انحراف انسان ها از راه های گوناگونی بهره می جوید .

و لا تتبعوا خطوت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۰ - ۱

۱ وعده های دروغین و ایجاد آرزوهای موهوم ، از روش های شیطان برای گمراه ساختن مردم

و لا ضلنهم ... یعدهم و یمنیهم و ما یعدهم الشیطن الا غروراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۴

۴- تزئین اعمال ناروا ، از راه های اغواگری شیطان

فزین لهم الشیطن أعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۴

۱۴- وعده دادن و آرزو پروری ، از شگرد های شیطان در به دام افکندن انسان

و شارکهم ... و عدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۱۲، ۱۱، ۶

۶ - راهنمایی آدم به درخت جاودانگی و ملک و

سلطنت همیشگی ، پوشش شیطان برای فریب آدم و حوا و وادار ساختن آنان به خوردن از میوه درخت ممنوع

هل أدلك علی شجرة الخلد و ملك لا یبلی

مقصود از <شجره الخلد> درختی است که خوردن میوه آن موجب جاودانگی گردد. <ملك> به معنای مال و نیز سلطنت آمده است (قاموس). مراد از <ملك لا یبلی> مالکیت و حاکمیتی است که زوال نپذیرد و فرسوده نگردد.

۱۱ - شیطان ، از نیازها و خواسته های آدمی برای فریب و وسوسه در دل آنان بهره می برد .

هل أدلك علی شجرة الخلد و ملك لا یبلی

۱۲ - شیطان ، در جهت اهداف خود ، واقعیت ها را معکوس جلوه می دهد .

فلا یخرجنكما .. هل أدلك علی شجرة الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۴

۴ - فریب انسان توسط شیطان ، تدریجی و گام به گام است .

یا ایها الذین ءامنوا لاتتبعوا خطوت الشیطن

<خطوه> (مفرد <خطوات>) به معنای قدم برداشتن است. بنابراین شیطان در مسیر فریب انسان، تنها یک قدم بر نمی دارد؛ بلکه به دنبال هر گامی، گام دیگری برمی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - زیبا جلوه دادن اعمال گمراهان در نظرشان ، از شیوه های اغواگری شیطان

وزین لهم الشیطن أعملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۹

۹ - از جمله راه های شیطان ، برای فریب مردمان آراستن کارهای بد به شکلی زیبا است .

و زین لهم الشیطن أعمالهم فصدّهم عن السبیل

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۳

۳ - تزئین اعمال زشت و ناروا ، از راه های اغواگری شیطان و نمودی از دشمنی او نسبت به انسان

و لا یغرنکم بالله الغرور . إنَّ الشیطنَ لکم عدوٌّ... أفمن زین له سوء عمله فرءاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۵

۵ - برانگیختن حس انتقام جویی در انسان ، از شگرد های شیطانی است .

ادفع بالتی هی أحسن . . . و إما ینزغنک من الشیطن نزع

روش برخورد شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۶

۶ - رفتار شیطان با پیروانش ، همچون رفتار فرادستان با زیر دستان ، دستوری و آمرانه است .

و من یتبع خطوت الشیطن فإِنَّه یأمر بالفحشاء و المنکر

برداشت فوق به خاطر به کار رفتن ماده <أمر> می باشد که یکی از معانی آن فرمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۷

۷ - شیطان ، فریب کاری که پس از القای فکر پلید در انسان ، خود را کنار کشیده و متواری می شود .

من شرّ الوسواس الخنّاس

برای فعل <خَنَّسَ> چند معنا ذکر شده است ؛ از جمله: عقب نشینی کرد ؛ بازگشت، متواری و غایب شد (لسان العرب).

براساس این معانی، آیه شریفه ترسیمی از وسوسه گری های شیطان دارد که پس از هر وسوسه، خود را عقب کشیده، مخفی

می شود ؛ تا آن وسوسه کار خود را کرده و زمینه را برای وسوسه بعدی

فراهم سازد.

روش نفوذ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۱ - ۱

۱ شیطان با گردش در پیرامون آدمی در صدد نفوذ در افکار او و القای وسوسه های خویش است .

إذ امسهم طئف من الشیطن

<طائف> به کسی یا چیزی گفته می شود که پیرامون محوری در چرخش است. <من> در <من الشیطان> می تواند بیانیه باشد. بر این مبنا <طائف> همان شیطان است ؛ یعنی شیطان در پیرامون قلبها می چرخد. همچنین <من> می تواند نشویه باشد که در این صورت مراد از <طائف> وسوسه های شیطانی است که برای جایگیر شدن گرداگرد قلبها می چرخد تا راه نفوذ بیابد.

روش وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۷

۷ - پوشش خیرخواهی ، روش شیطان برای وسوسه در دل آدمیان و فریب آنان

فوسوس إليه الشیطن فقال هل أدلک

رؤیت اخروی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ - قابل رؤیت بودن شیاطین برای انسان ها در قیامت *

قال یلیت بینی و بینک

در صورتی که منظور از شیاطین، شیاطین جن و ابلیس باشد، تعبیر <بینک> حکایت از رویارویی و گفتوگوی حضوری

دارد.

رؤیت شیاطین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۹

۹ - مشاهده شیاطین در قیامت و همنشینی با آنان ، خود نوعی عذاب برای گمراهان است .

قال یلیت بینی و بینک بعد المشرقین

ریاکار و شیطان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ شیطان ، همراه با ریاکاران ، بخیلان و متکبران

الذین یبخلون .. و الذین ینفقون اموالهم رثاء الناس ... و من یکن الشیطان له قرین

مراد از <من یکن .. > تمام کسانی هستند که در این آیه و آیه قبل مورد مذمت قرار گرفتند.

زمینه اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ قساوت دل زمینه ای مناسب برای القای تزینات شیطان

و لكن قست قلوبهم و زین لهم الشیطن ما كانوا یعملون

جمله <زین لهم > می تواند از قبیل عطف مسبب بر سبب باشد / یعنی تزین شیطان پس از قساوت دل حاصل می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۹

۹- سخنان ناشایست و مشاجرات مردم ، بستر مناسب برای شیطنت ، فریب و فسادانگیزی شیطان

یقولوا الی هی أحسن إن الشیطن یتزغ بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۲

۱۲- مال و فرزند ، دو زمینه مهم نفوذ شیطان و لغزش انسان

و شارکهم فی الأموال و الأولاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- گرفتاری کافران به وسوسه ها و تحریکات شیطانی ، نمودی از < استدراج > و رهاشدن آنان در کفر و گمراهی است .

الرحمن مدًّا .. ألم تر أننا أرسلنا الشيطان

این آیه با آیه < من كان في الضلالة فليمدد له الرحمن مدًّا >

که بیانگر سنت <امهال> بود در ارتباط است و بیانگر نمونه و گواه دیگری بر جریان سنت <فلیمدد.. مدأ> است که همان <امهال> و <استدراج> می باشد.

زمینه افساد شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۹،۱۶

۹- سخنان ناشایست و مشاجرات مردم ، بستر مناسب برای شیطنت ، فریب و فسادانگیزی شیطان

يقولوا التي هي أحسن إن الشيطان ينزغ بينهم

۱۶- فسادانگیزی شیطان در میان انسان ها ، بسته به زمینه هایی است که خود آنان به وجود آورنده آن هستند .

يقولوا التي هي أحسن إن الشيطان ينزغ بينهم إن للشيطان كان للإنسن عدوًّا مبینًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <إن الشيطان ينزغ بينهم> تعلیل برای توصیه به قول احسن باشد؛ یعنی، چون شیطان از راه سخنان ناروای شما فتنه انگیزی می کند، پس قول احسن را انتخاب کنید. بنابراین، زمینه نفوذ و فتنه گری شیطان در دست انسانهاست.

زمینه پیروی از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۳

۱۳- محرومیت از رحمت الهی ، زمینه ساز همراهی با شیطان و دنباله روی کردن از او است .

إني أخاف أن يمسك عذاب من الرحمن فتكون للشيطان وليًّا

<فء> در <فتكون> برای تفریع است و مراد از <عذاب> به قرینه <من الرحمن> می تواند قطع رحمت باشد که از آن به خذلان تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۵

۵- پیروی از شیطان و گمراه شدن به دست او ، نتیجه و پی

آمد عدم تعقل و خردورزی است .

ألم أعهد إليكم بيني و آدم أن لاتعبدوا الشيطان . . . و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً

زمینه سلطه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۵

۱۵ - نیاز های طبیعی انسان ، زمینه ای برای انحراف وی و تسلط شیطان بر اوست .

كلوا مما فی الأرض حللاً طیباً و لاتتبعوا خطوت الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۹ - ۵

۵- مؤمنان غافل از توکل و اتکا بر خدا ، در معرض تسلط شیطانند .

إنه لیس له سلطان علی الذین ءامنوا و علی ربهم یتوکلون

مصونیت از تسلط شیطان بر دو اصل بنا شده است: B۱ ایمان، ۲ توکل بر پروردگار. بنابراین اگر ایمان باشد ولی توکل نباشد، مصونیت کامل تحقق پیدا نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۳،۶

۳- موضع گیری و عملکرد خود آدمیان ، زمینه تسلط یافتن شیطان را فراهم می آورد .

إنما سلطنه علی الذین یتولّونه

۶- شرک ، زمینه ساز سلطه و سیطره شیطان بر انسان

إنما سلطنه علی . . . الذین هم به مشرکون

برداشت فوق، بر این اساس است که ضمیر <به> به <الله> برگردد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: و نیز سلطه شیطان بر کسانی است که به خدا شرک میورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۱

۱ - روی گردانان از یاد خدا، همواره تحت سلطه نیرویی شیطانی و اغواگراند .

و من

يعش عن ذكر الرحمن نقيض له شيطاناً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۴

۴- انسان ها ، خود فراهم آورنده زمينه تسلط شيطان بر خویش

الشيطان سؤل لهم .. ذلك بأنهم قالوا... سنطيعكم

در صورتی که <ذالك> به تسويل های شيطان نظر داشته باشد؛ آيه در مقام بيان اين نکته است که تسلط شيطان بر انسان ها، جبر آفرين نيست؛ بلکه اين خود انسان هايند که نخست راه را بر نفوذ و تسلط وی می گشايند.

زمينه مصونيت از شيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۲

۲- تأثير استعاذه و پناه بردن به خدا ، در ايمن ماندن از شرّ شيطان

فاستعد بالله من الشيطان الرجيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۸

۸- راه در امان ماندن از گزند شيطان ، توکل و اعتماد کردن به خداوند است .

ليحزن الذين ءامنوا .. و على الله فليتوكل المؤمنون

زمينه نفوذ شيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۸

۱۸ حسادت ، زمينه ای مناسب برای بروز دشمنی شيطان با انسان

فیکیدوا لک کیداً إن الشیطن للإنسن عدو مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۶

۶- کفرورزی ، زمینه ساز و هموارکننده راه نفوذ شیطان و وسوسه های او در آدمی

أرسلنا الشیطن علی الکفرین توڑهم

تعبیر <علی الکافرین> دلالت دارد که خداوند پس از تحقق کفر کافران، شیاطین را مأمور گمراه

ساختن آنان می کند و در حقیقت ارسال شیاطین پی آمد کفر است.

زمینه و سوسه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۸

۸ - آمال و آرزوهای آدمی ، زمینه ساز و سوسه شیاطین و هم نشینان بد

فزیّنوا لهم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

برداشت یاد شده بنابر این احتمال است که مراد از <ما بین أیدیهم> وضعیت موجود و مقصود از <ما خلفهم> آینده ای باشد که در پیش دارند.

زمینه و سوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۹

۹- انسان در هر عمل صالح ، مورد هجوم و سوسه شیطان و نیازمند استعاذه و پناه بردن به خداوند است . *

من عمل صلحًا .. فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطن الرجیم

برداشت فوق، بدان احتمال است که قراءت قرآن به عنوان نمونه ای از عمل صالح ذکر شده باشد که در آیه قبل از آن سخن به میان آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۱۱

۱۱- خارج شدن از جاده صواب در گفتار ، پیامد و سوسه ها و تلاش های شیطان است .

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن إن الشیطن ینزغ بینهم

سفارش به گفتار پسندیده و نیکو، و سپس تعلیل به <إن الشیطن ینزغ ..> می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۶۸

۶- کفرورزی ، زمینه ساز و هموارکننده راه نفوذ شیطان و

وسوسه های او در آدمی

أرسلنا الشیطان علی الکفرین توڑهم

تعبیر <علی الکفرین> دلالت دارد که خداوند پس از تحقق کفر کافران، شیاطین را مأمور گمراه ساختن آنان می کند و در حقیقت ارسال شیاطین پی آمد کفر است.

۸- گرفتاری کافران به وسوسه ها و تحریکات شیطانی، نمودی از <استدراج> و رهاشدن آنان در کفر و گمراهی است.

الرحمن مدًّا .. ألم تر أننا أرسلنا الشیطان

این آیه با آیه <من كان فی الضلاله فلیمدد له الرحمن مدًّا> که بیانگر سنت <امهال> بود در ارتباط است و بیانگر نمونه و گواه دیگری بر جریان سنت <فلیمدد.. مدًّا> است که همان <امهال> و <استدراج> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - رنج ها و مصیبت ها، میدان و بستری مناسب برای وسوسه های شیاطین

أنتی مسنی الشیطن بنصب و عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۳

۳ - تمامی انسان ها حتی پیامبر (ص) در معرض تحریک ها و وسوسه های شیطان قرار دارند.

و إنا ینزعنک من الشیطن نزع

<نزع> در اصل به معنای تحریک کردن است و مراد از آن در آیه شریفه، وسوسه می باشد.

زمینه ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۱۲

۱۲- تسلیم اغوا و ظاهرسازی های شیطان شدن، ولایت او را در پی دارد.

فَزَيِّنْ لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَلَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ

زَمِينَهُ هَمْنَشِينِي بَا شَيْطَان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ - > عن أمير المؤمنين (ع) : من تصدّى بالاثم أعشى عن ذكر الله تعالى و من ترك الأخذ عمن أمر الله بطاعته قبيض له شيطاناً فهو له قرين ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده: هر کس مرتکب گناه شود از یاد خدا روی گردان شده و کوردل می گردد و کسی که ترک کند گرفتن [معارف دین] را از کسی که خداوند اطاعت او را فرمان داده است، خداوند شیطانی را برای او قرار می هد که همدم او خواهد بود.<

زیانکاری حزب شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۹ - ۶

۶ - حزب و دار و دسته شیطان ، فرجامی جز خسران و زیان ندارند .

ألا إنّ حزب الشيطان هم الخسرون

سبیل الله و شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۸

۸ تضاد راه خدا با راه طاغوت و شیطان

الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله و الَّذِينَ كَفَرُوا يقاتلون في سبيل الطّاغوت فقاتل

سپاه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۷

۷ - شیطان ، مظهر و سوسه گری و انحراف و دارای افراد و نیرو های متعدد

أعوذ بك من همزت الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٨ - مجادله - ٥٨ - ١٠ - ٢،٥

٢ - منافقان ، ابراز دست شيطان و تحت تأثير القائنات او

ألم تر إلى الذين نهوا عن النجوى .. إنما النجوى من

۵- شیطان، از راه نجوا های منافقان، درصدد اندوهگین کردن مؤمنان بود.

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا

سرزنش اخروی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۳، ۱۲

۱۲- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام می کند که آنان به جای سرزنش او باید خود را به سبب اطاعت بی دلیل از وی سرزنش کنند.

و قال الشیطن .. فلا تلو مونی و لوموا أنفسکم

۱۳- شیطان در قیامت مورد سرزنش و ملامت پیروان خود قرار خواهد گرفت.

فلا تلو مونی و لوموا أنفسکم

سرزنش اطاعت از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۸

۸ خوردن روزی خداوند و پیروی کردن از شیطان، کاری است ناشایست و نکوهیده.

كلوا مما رزقكم الله و لا تتبعوا خطوت الشیطن

سرزنش پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۲

۱۲- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام می کند که آنان به جای سرزنش او باید خود را به سبب اطاعت بی دلیل از وی سرزنش کنند.

و قال الشيطان .. فلاتلوموني و لوموا أنفسكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۲

۲ - کسانی که به توصیه خداوند مبنی بر اطاعت نکردن از شیطان توجه نکنند ، مورد سرزنش او قرار دارند .

ألم أعهد إليكم بيني و آدم أن لاتعبدوا الشيطان

برداشت یاد شده، از لحن سرزنش آمیز آیه شریفه به دست می آید.

سرزنش شیطان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۷ - ۶

۶ شیطان ، موجودی سرکش و فاقد هرگونه خیر و فضیلت

و إن یدعون شیطاناً مریداً

مرید از مصدر <مرود> به معنای سرکشی و خروج از طاعت است (مجمع البیان). مفردات راغب <مرید> را به معنای عاری از خیر دانسته است.

سرزنش قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۹

۱۹- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی مردم ، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شکفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

أفتتخذونه و ذرّیته أولیاء من دونی و هم لکم عدوّ

همزه <استفهام> در <أفتتخذونه> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

سرزنشهای اخروی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۳

۳- پس از اتمام حسابرسی اعمال اهل جهنّم ، شیطان آنان را سرزنش می کند و گمراهی آنان را معلول اندیشه و عمل خود آنان معرفی خواهد کرد .

و قال الشیطن لَمَّا قَضَى الْأَمْرَ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ

مفسّران، از جمله احتمالاتی که برای <قضى الأمر> برشمرده اند این است که وقتی به حسابهای اهل قیامت رسیدگی شد، شیطان به اهل جهنّم چنین خطابی خواهد کرد.

سرزنشهای پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۳

۱۳- شیطان در قیامت مورد سرزنش و ملامت پیروان خود قرار خواهد گرفت .

فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

سلطه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ از امام رضا (ع) روایت شده: >... فتسلط علیه (آدم (ع)) الشيطان... و تسلط علی حوا... فأخرجهما الله عز و جل عن جنته فاهبطهما عن جواره إلى الأرض... ;

... پس شیطان بر آدم (ع) ... و حوا مسلط گشت ... پس خدا آنان را از بهشت خود بیرون راند و از جوار خود به زمین فرو فرستاد...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۳،۶

۳ تمایلات و آرزوهای پوچ و بیجا، نشانه تسلط شیطان بر انسان

و لامنینهم

۶ گمراه ساختن، اسیر آرزوها نمودن و تحت فرمان گرفتن، هدف شیطان از گزینش گروهی از مردم

و قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً. و لاضلنهم و لامنینهم و لامرنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۱۴

۱۴- بیشتر انسان ها، در معرض ابتلا به وسوسه ها و استیلاي شیطانند .

لأحتكن ذریته إلا قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۳ - ۹

۹- خدمت كار موسى (يوشع) به شرارت شیطان و سلطه او بر ذهن انسان، آشنا بود .

ما أنسنیه إلا الشيطان أن أذکره

سلطه شیطان بر مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۱۸

۱- تسلط و استیلاى شیطان ، تنها بر دو

گروه فرمانبران از او و مشرکان است .

إنما سلطنه على الذين يتولونه و الذين هم به مشركون

۸- > أبى بصير عن أبى عبدالله (ع) قال : قلت له : . . . قوله تعالى : > إنما سلطانه على الذين يتولونه و الذين هم به مشركون <
< قال : الذين هم بالله مشركون يسلط على أبدانهم و على أديانهم ;

ابوبصير گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدای تعالی . . . >إنما سلطانه على الذين يتولونه و الذين هم به مشركون<
سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان که به خدا شرک ورزیدند، [شیطان] بر بدن و دینشان مسلط می شود.<

سوء استفاده شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۴

۴ سوء استفاده شیطان از خصیصه کمال طلبی و منفعت جویی انسان برای گمراه سازی ایشان

و قاسمهما إني لكما لمن النصحين

سوگند دروغ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۱

۱ شیطان با سوگند دروغ و مؤکد خویشتن را از خیرخواهان آدم و حوا قلمداد کرد.

و قاسمهما إني لكما لمن النصحين

به کارگیری فعل <قاسم> از باب مفاعله می تواند برای تأکید باشد. یعنی شیطان با سوگند مؤکد سخنش را به آنان القا کرد.

سوگند شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱،۲

۱ سوگند و عزم راسخ شیطان بر گمراه کردن مردم

و لاضلنهم

لام قسم و نون تأکید در فعل <لاضلنهم>، دلالت بر تصمیم قطعی شیطان دارد.

۲ سوگند و عزم راسخ شیطان بر

سرگرم کردن مردم به آرزوهای پوچ

و لامینهم

<امنین> از مصدر <تمنيه> به معنای القای آرزوهای موهوم و خیالی است.

شبهه افکنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۴،۷،۸

۴ - شبهه آفرینی شیطان به هنگام تلاوت آیات الهی توسط پیامبران برای مردم

و ما أرسلنا من قبلك من رسول ولا نبی إلا إذا تمنى ألقى الشیطن فی أمّته

۷ - شبهه آفرینی شیطان به هنگام تلاوت آیات قرآن توسط پیامبر اسلام (ص) برای مردم

و ما أرسلنا .. ألقى الشیطن فی أمّته

۸ - آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر، جلوه

ای از علم و حکمت خداوند

ألقى الشیطن .. و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۲ - ۲

۲ - تلاش شیطان، برای ایجاد شک و تردید در اعتقاد به قیامت

فلاتمترن بها .. و لا یصدنکم الشیطن

شرارت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳ - ۷

۷- شیطان ، موجودی است سراسر شرّ و عاری از هر نیکی و خیر .

و يَتَّبِعْ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ

<مَرِيد> صفت توضیحی برای <شیطان> و به معنای عاری از خیر و نیکی است. (مفردات راغب)

شرایط نجات از اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۳ - ۳

۳ - عبودیت خالصانه خدا ، موجب رهایی و مصونیت از وسوسه ها و اغواگری های

شیطان

لأغويّتهم .. إلاّ عبادك منهم المخلصين

شرک پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۷، ۱۸، ۲۰

۱۷- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام خواهد کرد که وی در دنیا عقیده آنان را در شریک قرار دادن او برای خدا، قبول نداشته است.

و قال الشیطن .. . إني کفرت بما أشركتمون من قبل

برداشت مبتنی بر این احتمال است که <ما> در آیه مصدری باشد و <أشركتم> را به تأویل مصدر ببرد و مفعول آن ضمیر منفصل محذوف باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من شریک قرار داده شدن خودم را برای خدا از جانب شما قبول نداشتم و به آن کافر بودم.

۱۸- شیطان در قیامت اظهار می دارد که وی قبل از شرک پیروانش، به خداوند کافر شده بود. *

إني کفرت بما أشركتمون من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <بما أشركتمون> موصول و به معنای <من> باشد و ضمیر صله هم محذوف و <من قبل> نیز متعلق به <کفرت> باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من پیش از آنکه شما مرا شریک خدا قرار دهید (در عهد آدم) به او کافر شدم.

۲۰- پیروان شیطان او را در اطاعت، شریک خداوند قرار می دهند و از القائات او تبعیت می کنند.

إلاّ أن دعوتکم فاستجبتم لی .. . إني کفرت بما أشركتمون من قبل

شگفتی قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۹

۱۹- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی

مردم ، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

همزه <استفهام> در <أَفْتَتَّخِذُونَهُ> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

شومی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ شیطان ، همدل و همراهی شوم و نامیمون است .

و من یکن الشیطان له قریناً فساء قریناً

شیطان انسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۲

۲ شایعه پراکنانی که مردم را از جهاد می ترسانند ، شیطانند .

قال لهم النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ . . . إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ

بنابر اینکه <ذلكم>، اشاره به همان مردمی باشد که مؤمنان را از جنگ می ترسانند.

شیطان در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۷

۷ - شیطان در بهشتِ آدم (ع) و حوا ، حضور داشت .

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - شیطان در بهشت آدم (ع)، حضور یافته بود .

قال یادم

شیطان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۱

۱ - شیطان و پیروان کافر او، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فكان عقبتهما أنّهما فی النار خلدین فیها

شیطان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۸

۸ برخی از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۶، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۶، ۴

۴ شیطان با توصیف کافران بدر به شکست ناپذیران ، آنان را علیه مسلمانان تشجیع کرد .

و قال لا غالب لکم الیوم من الناس

۶ شیطان ، خط دهنده به جبهه کفر در جنگ بدر

و اذ زین لهم الشیطن اعملهم

۹ شیطان با تأکید بر یاری بی دریغ خویش از لشکریان کافر بدر ، آنان را به رویارویی با مسلمانان ترغیب کرد .

ینی جار لکم

کلمه <جار> معانی متعددی دارد ؛ از جمله یاور، همساز، هم قسم، شریک و .. (لسان العرب). به نظر می رسد یاور نسبت به دیگر معانی مناسبتر باشد.

۱۰ شیطان به هنگام رویارویی دو لشکر کفر و ایمان از کارزار بدر عقب نشینی کرد .

فلما تراءت .. نکص علی عقبیه و قال ینی بریء منکم

<نکص> به معنای خودداری کردن است و چون با <علی> متعددی شده معنای رجوع در آن تضمین شده است. <عقب> به پاشنه پا گفته می شود ؛ یعنی شیطان از نبرد خودداری کرد و با چرخیدن بر پاشنه های پا عرصه را ترک گفت.

۱۱ شیطان به هنگام شروع جنگ بدر با اعلان بیزاری از کافران ، عهد خویش (یاری سپاه کفر) را گسست .

فلما تراءت الفئتان .. قال ینی بریء منکم

۱۲ شیطان در آغاز جنگ بدر با دیدن امداد های الهی به شکست

جبهه کفر مطمئن شد .

نکص علی عقبیه و قال إني بريء منكم إني أرى ما لاترون

۱۳ مشاهده فرشتگان الهی برای امداد مسلمانان ، دلیل عقب نشینی شیطان از کارزار بدر و اعلان بیزاری وی از لشکر کفر

نکص علی عقبیه و قال إني بريء منكم إني أرى ما لاترون

۱۶ شیطان به دلیل ترس از گرفتار شدن به عذاب الهی با ضربه های سهمگین فرشتگان جنگ بدر از آن معرکه فرار کرد .

إني أرى ما لاترون إني أخاف الله

مراد از خوف خدا (إني أخاف الله) به دلیل <إني أرى ما لاترون> گرفتار شدن به چنگ فرشتگان حاضر در کارزار بدر است.

شیطان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۲ - ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۳، ۱۲

۱۲- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام می کند که آنان به جای سرزنش او باید خود را به سبب اطاعت بی دلیل از وی سرزنش کنند .

و قال الشیطن .. فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

۱۳- شیطان در قیامت مورد سرزنش و ملامت پیروان خود قرار خواهد گرفت .

فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

۱۵- شیطان در قیامت به ناتوانی خویش و پیروانش برای یاری و فریادرسی یکدیگر اعتراف می کند .

و قال الشیطن .. ما أنا بمصرخکم و ما أنتم بمصرخی

<صرخ> به معنای فریاد و <أصرخ> به معنای پاسخ گویی به آن است. بنابراین مراد از <مصرخ> فریادرس و نجات دهنده است.

۱۷- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام خواهد کرد که وی در دنیا عقیده آنان را در شریک قرار دادن او برای خدا ، قبول

نداشته است .

وقال الشيطان . . . إني

کفرت بما أشرکتون من قبل

برداشت مبتنی بر این احتمال است که <ما> در آیه مصدری باشد و <أشرکتکم> را به تأویل مصدر ببرد و مفعول آن ضمیر منفصل محذوف باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من شریک قرار داده شدن خودم را برای خدا از جانب شما قبول نداشتم و به آن کافر بودم.

۱۸- شیطان در قیامت اظهار می دارد که وی قبل از شرک پیروانش ، به خداوند کافر شده بود . *

ینی کفرت بما أشرکتون من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <بما أشرکتون> موصول و به معنای <من> باشد و ضمیر صله هم محذوف و <من قبل> نیز متعلق به <کفرت> باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من پیش از آنکه شما مرا شریک خدا قرار دهید (در عهد آدم) به او کافر شدم.

۲۲- شیطان در قیامت پیروان خود را از عذابی بس دردناک خبر خواهد داد .

ما أنا بمصرخکم .. ینی کفرت بما أشرکتون من قبل إن الظالمین لهم عذاب أليم

<إن الظالمین لهم عذاب أليم> به قرینه وحدت سیاق می تواند ادامه کلام شیطان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۳ - ۵

۵ شیطان مسلط بر فرد کافر ، همراه با او تا لحظه حضور در دادگاه قیامت *

و قال قرینه هذا ما لدی عتید

برداشت بالا بنا بر این نکته است که مراد از <قرین> در این آیه <شیطان> باشد که بر منکران معاد تسلط دارد و آنان را آن گونه که می خواهد منحرف ساخته و تا دادگاه قیامت وی را همراهی می

کند و در آن جا به مخاصمه با او برمی خیزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۴

۴ تمسک شیطان به ربوبیت الهی در دادگاه اخروی ، برای مبرّا جلوه دادن خود از گناهان مشرکان *

قال قرینه ربّنا ما أظغیته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۱

۱ مخاصمه شیطان و مشرکان با یکدیگر ، در محکمه عدل الهی

قال قرینه ربّنا ما أظغیته .. قال لاتختصموا لدیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

۲ - اظهار خداترسی و نیز تبری شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات او از کیفر اخروی

قال إنّی بریء منک إنّی أخاف الله .. فکان عقبتهما أنّهما فی النار

شیطان و آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

و أقلّ لکما إنّ الشیطن لکما عدو مبین

شیطان و امداد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ شیطان در آغاز جنگ بدر با دیدن امداد های الهی به شکست جبهه کفر مطمئن شد .

نکص علی عقبیه و قال إني بريء منكم إني أرى ما لاترون

شیطان و امور مخفی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ شیطان

قادر به مشاهده اموری پنهان از دید آدمیان

إنی أری ما لاترون

شیطان و انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۰ - ۲

۲ پیامبران بزرگ نیز مطمع شیطان برای واداشتن آنان به تخلف از فرمان های خدا

و إما ینزغنک من الشیطن نزع

<إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زایده است. تأکید جمله شرطیه با <ما>ی زایده و نون تأکید ثقلیه برای رساندن این معناست که شرط محقق خواهد شد. بنابراین <إما ینزغنک> یعنی اگر شیطان در صدد تحریک تو برآید، که برخواهد آمد.

شیطان و انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ شیطان، دشمنی آشکار برای انسان است.

إن الشیطن لکما عدو مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱،۱۱

۱ شیطان همواره در صدد اغوای فرزندان آدم (انسانها) است.

بینی ءادم لا یفتنکم الشیطن

۱۱ شیطان در صدد برملا ساختن زشتیهای آدمیان و کندن لباس تقوای ایشان است.

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

هشدار به فریبکاری شیطان و مطرح کردن برهنه سازی آدم و حوا پس از بیان ارزش برتر لباس تقوا، بیدارباشی است به آدمیان که شیطان در تلاش است تا جامه تقوا را از اندام و قلب و روح آنان به درآورد.

شیطان و اهل بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ - انسان های بصیر و آگاه نیز در معرض اغوای شیطان اند .

و زین لهم الشیطن أعملهم .. و كانوا مستبصرین

شیطان و بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۵،۶

۵ شیطان در پی فاصله گرفتن بلعم باعورا از معارف الهی به تعقیب وی پرداخت .

فأتبعه الشیطن

<اتباع> (مصدر أتبع) به معنای دنبال کردن و تعقیب کردن است.

۶ بلعم باعورا پس از دور شدن از معارف الهی به دام شیطان گرفتار و از گمراهان شد .

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

<غوايه>، مصدر <غاوین> به معنای گمراه شدن است.

شیطان و بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۱،۲،۳،۵

۱ بی تقوایان ، برادران شیطان هستند .

و إخونهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <إخونهم> به <الشیطان> در آیه قبل برگردد، که به قرینه مقابله مراد از <إخوان> بی تقوایان است. گفتنی است که چون <ال> در <الشیطان> برای جنس است، ضمیر جمع می تواند به آن ارجاع شود.

۲ شیاطین ، بی تقوایان را به گمراهی می کشانند و آنان را در ضلالت فرو می برند .

و إخونهم یمدونهم فی الغی

ضمیر فاعلی در <یمدونهم> به شیاطین برمی گردد و ضمیر مفعولی به <إخوان>، یعنی <وإخوان الشیاطین یمدهم الشیاطین فی الغی> . <مد> (مصدر یمدون) به معنای کشیدن است و آوردن <فی> به جای <إلی> برای رساندن این

معناست که شیطان بی تقوایان را به عمق گمراهی می برد.

۳ شیطان پس از گمراه ساختن بی تقوایان آنان را در رها نمی کند و همچنان در منجلاب گمراهی نگه می دارد .

ثم لایقصرن

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <لایقصرن>

به شیطان بازگردانده شود. <اقصار> (مصدر یقصرن) به معنای دست برداشتن است.

۵ شیطان برادر انسان های مشرک و بی تقواست .

و إخونهم یمدونهم فی الغی

ضمیر در <إخوانهم> می تواند به مشرکان و بی تقوایان برگردد. بر این مبنا مراد از <اخوان>، به قرینه آیه قبل، شیطان است. قابل ذکر است که در این صورت ضمیر فاعلی در <یمدونهم> به <اخوان> و ضمیر مفعولی به مشرکان و بی تقوایان برمی گردد.

شیطان و تبرئه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ خروج یوسف (ع) از زندان و رفع اتهام از او ، ناسازگار با اهداف شیطان

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

شیطان و حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

شیطان و زاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۱

۱۱ کسانی که دنیاگرا نباشند و از پیروی هواهان نفسانی پرهیز کنند ، شیطان راه نفوذی در آنان نخواهد داشت .

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن . . . و لو شئنا لرفعنه بها و لکنه أخلد إلى الأرض

آیه قبل شیطان را سوق دهنده بلعم به گمراهی معرفی کرد، و آیه مورد بحث بیان می دارد که اگر او دنیاگرا و پیرو هوای خویش نبود، به درجات رفیع می رسید / یعنی شیطان به تعقیب او نمی

پرداخت. بنابراین تلاش شیطان برای گمراه سازی پس از تمایل آدمی به دنیا و هوای خویش است.

شیطان و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۹

۹ شیطان، عامل فراموشی ساقی از یاد آور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

شیطان و علمای متعهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۱۲

۱۲ شیطان ناتوان از گمراه کردن کسانی که معارف و آیات الهی را بخوبی بشناسند و به آنها پایبند باشند.

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن

از اینکه شیطان پس از فاصله گرفتن بلعم باعورا به تعقیب او می پردازد، معلوم می شود پیش از آن به وی دسترسی نداشته و از گمراه کردن او ناتوان بوده است.

شیطان و عوامل تکامل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ شیطان، جلوه دهنده عوامل انحطاط و سقوط، به عنوان راه پیشرفت و تکامل

ما نهیکما ربکما .. أو تکونا من الخلدین

شیطان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ شیطان با توصیف کافران بدر به شکست ناپذیران ، آنان را علیه مسلمانان تشجیع کرد .

و قال لا غالب لكم اليوم من الناس

۵ لشکرکشی برای رویارویی با اهل ایمان ، عملی پسندیده در نظر شیطان زده کفرپیشگان مکه

إذ زين لهم الشيطان أعمالهم

از مصادیق مورد نظر برای کلمه <أعمالهم>، به قرینه آیات قبل و فرازهای بعد، لشکرکشی کافران مکه

برای حضور در جنگ بدر است.

۷ سرمستی ، ریاکاری و بازداشتن مردم از راه خدا ، رفتاری نیکو در نظر شیطان زده کافران عصر بعثت *

إذ زين لهم الشيطان أعمالهم

از مصادیق <أعملهم> به قرینه آیه قبل، سرمستی و ریاکاری .. است.

۹ شیطان با تأکید بر یاری بی دریغ خویش از لشکریان کافر بدر ، آنان را به رویارویی با مسلمانان ترغیب کرد .

إني جار لكم

کلمه <جار> معانی متعددی دارد ؛ از جمله یاور، همساز، هم قسم، شریک و .. (لسان العرب). به نظر می رسد یاور نسبت به دیگر معانی مناسبتر باشد.

۱۱ شیطان به هنگام شروع جنگ بدر با اعلان بیزاری از کافران ، عهد خویش (یاری سپاه کفر) را گسست .

فلما تراءت الفئتان .. قال إني بريء منكم

۱۳ مشاهده فرشتگان الهی برای امداد مسلمانان ، دلیل عقب نشینی شیطان از کارزار بدر و اعلان بیزاری وی از لشکر کفر

نکص علی عقبیه و قال إني بريء منكم إني أرى ما لاترون

شیطان و کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۸

۸ تجسم شیطان برای کافران مکه ، قبل از جنگ بدر

و إذ زين لهم الشيطان أعمالهم

شیطان و متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۱ - ۳

۳ تقوای پیشگان به هنگام احساس وسوسه گری های شیطان با یادآوری فرمان خدا (استعاذه) به وی پناه می برند و با بصیرت و آگاهی از دام شیطان می رهند .

إذ امسهم طئف من الشیطن تذکروا فإذا

هم مبصرون

در برداشت فوق، به قرینه <فاستعذ بالله> در آیه قبل، متعلق <تذکروا> لزوم استعاده گرفته شده است.

شیطان و مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۵

۵ شیطان برادر انسان های مشرک و بی تقواست .

و إخوانهم یمدونهم فی الغی

ضمیر در <إخوانهم> می تواند به مشرکان و بی تقوایان برگردد. بر این مبنا مراد از <إخوان>، به قرینه آیه قبل، شیطان است. قابل ذکر است که در این صورت ضمیر فاعلی در <یمدونهم> به <إخوان> و ضمیر مفعولی به مشرکان و بی تقوایان برمی گردد.

شیطان و ملائکه امداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۴

۱۴ شیطان در آستانه جنگ بدر، فرشتگان امدادگر الهی را به روشنی مشاهده کرد .

إنی أری ما لاترون

به قرینه آیه ۹ و ۱۲ از همین سوره می توان گفت مراد از <ما لاترون> فرشتگانی بودند که برای امداد لشکر ایمان در کارزار بدر حاضر شدند.

شیطان و موانع تکامل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ شیطان، تکلیف الهی را در نظر آدم و حوا مانع تکامل و پیشرفت آنان جلوه داد.

ما نهیکما ربکما .. إلا أن تکونا ملکین

<أن تکونا .. > به تقدیر کراهیه، مفعول له برای <ما نهاکما> است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: خداوند بدان جهت که فرشته نشوید و یا جاودانه نگردید، شما را از خوردن ثمره آن درخت بازداشت.

شیطان و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱،۷

۱ شیطان همواره در صدد ایجاد دشمنی و کینه توزی میان اهل ایمان

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

۷ شیطان همواره در صدد بازداري مؤمنان از یاد خدا و برپایی نماز

انما یرید الشیطن .. فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوه

شیطان و نجات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ خروج یوسف (ع) از زندان و رفع اتهام از او ، ناسازگار با اهداف شیطان

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

شیطان هنگام تلاوت قرآن محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۷

۷ - شبهه آفرینی شیطان به هنگام تلاوت آیات قرآن توسط پیامبر اسلام (ص) برای مردم

و ما أرسلنا .. ألقى الشیطن فی أمّتیته

شیطنت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ شیطان ، برای باقی ماندن یوسف (ع) در زندان ، به دسیسه و شیطنت پرداخت .

فأنسيه الشيطان ذكر ربه فلبث في السجن

صفات پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۸

۸- تابعان شیطان ، بی آنکه دلیل و برهانی از وی مشاهده کنند ، بی درنگ به فراخوانی او پاسخ مثبت می دهند .

و ما كان لي عليكم من سلطان إلا أن دعوتكم فاستجبتم لي

<سلطان> به حجت و برهان

اطلاق شده است و مراد از آن استفاده از دلیل و برهان به منظور چیره شدن برطرف مقابل است.

صفات شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۰

۱۰ - شیطان موجودی اغواگر و انسان موجودی اغواپذیر است .

و لا تتبعوا خطوت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۷ - ۶

۶ شیطان ، موجودی سرکش و فاقد هرگونه خیر و فضیلت

و إن یدعون شیطاناً مریداً

مرید از مصدر <مرود> به معنای سرکشی و خروج از طاعت است (مجمع البیان). مفردات راغب <مرید> را به معنای عاری از خیر دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۳

۱۳- تزئین ضد ارزش ها ، برای متمایل ساختن انسان ها به آن ، خصلتی شیطانی است .

الشیطن سؤل لهم و أملی لهم

چنانچه <تسویل> به معنای زیبا نمایش دادن زشتی ها باشد.

ضعف شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۱۲

۱۲ شیطان ناتوان از گمراه کردن کسانی که معارف و آیات الهی را بخوبی بشناسند و به آنها پایبند باشند .

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن

از اینکه شیطان پس از فاصله گرفتن بلعم باعورا به تعقیب او می پردازد، معلوم می شود پیش از آن به وی دسترسی نداشته و از گمراه کردن او ناتوان بوده است.

طرد شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۷ - ۲

۲- شیطان ، موجودی مطرود و رانده شده

از درگاه خداوند

و حفظنها من کلّ شیطن رجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۱۴، ۶

۶- شیطان، مطرود درگاه الهی است.

من الشیطن الرجیم

۱۴- > عن علی بن محمدالعسکری (ع) يقول: معنی الرجیم انه مرجوم باللعن مطرود من مواضع الخیر لایذکره مؤمن إلا لعنه و إن فی علم الله السابق انه إذا خرج القائم (ع) لایبقی مؤمن فی زمانه إلا رجمه بالحجاره كما كان قبل ذلك مرجوماً باللعن؛

از امام هادی(ع) روایت شده است که در باره <رجیم> می فرمود: او (شیطان) با لعن مورد رجم واقع شده و از درهای خیر رانده و مطرود گشته است. مؤمنی از او یاد نمی کند مگر آنکه او را لعن می کند و چون در علم الهی از پیش روشن بود که هر گاه حضرت قائم(ع) خروج کرد، هیچ مؤمنی در زمان او نیست مگر آنکه شیطان را با سنگ رجم می کند؛ چنانچه قبل از آن با لعن رجم می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۶

۱۶- شیطان، مطرودترین گنه کاران از رحمت خداوند و گرفتارترین آنان به عذاب الهی است.

إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمْسَكَ عَذَابَ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا

تهدید بت پرستان به این که ممکن است خدای رحمان بر شما خشم گیرد و با شیطان هم دم شوید، نشانه عمق مطرود بودن شیطان و گرفتاری او به عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۳، ۲

- شیطان ، عنصری مطرود و رانده شده از درگاه خداوند

شیطن رجیم

<شیطان> مشتق از ماده <شَطَنَ> به معنای <بُعَدَ> (دور شد) است و <رَجِمَ> در معانی سنگ سار کردن، لعن، هجران، طرد و شتم استعمال شده است. (لسان العرب) سیاق آیه شریفه، با تمام این معانی سازگار است.

۳- مرحله نزول قرآن بر پیامبر (ص)، منزّه از القاءات شیطان و همراه با رانده شدن او از محدوده آن

و ما هو بقول شیطن رجیم

ظلم پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۹

۲۹- پیروان شیطان و گزینش کنندگان ولایت او، ظالم اند.

بئس للظلمین بدلاً

ظلم پیروی از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۴

۲۴- اطاعت از شیطان عملی ظالمانه است .

بما أشرکتهمون من قبل إن الظلمین لهم عذاب أليم

عبادت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۳

۳- اطاعت از شیطان، به منزله عبادت او است .

ألم أعهد إليكم بيني وادم أن لاتعبدوا الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۳

۳ تأکید شیطان بر واداشتن مردم به بندگی خویش

قال لاتخذن من عبادك نصیباً مفروضاً

بنابر اینکه <عبادك> ناظر به عبودیت تشریحی باشد، مراد شیطان از <لاتخذن ..> این است که: برخی از بندگان که تو را اطاعت می کنند، به اطاعت خویش وادار خواهم ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۰ - مریم

۲- بت پرستی ، در حقیقت شیطان پرستی است .

يَا بَتِّ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ .. يَا بَتِّ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ

آنچه مسلم و مصرح است، آن است که آزر بت بوده است؛ نه شیطان پرست، ولی حضرت ابراهیم، بت پرستی را به منزله شیطان پرستی دانسته و با تعبیر <لاتعبد> از آن یاد کرده است؛ بنابراین در دیدگاه ابراهیم(ع)، بت پرستی در حقیقت خضوع و انقیاد در برابر شیطان و نوعی پرستش او است.

۴- اطاعت از شیطان ، در حقیقت پرستش او است .

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ .. لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ

عبادت کردن بت ها و عبادت کردن شیطان دو مقوله است، ولی ابراهیم(ع) یکی را به منزله دیگری دانسته است. وجه این تنزیل ممکن است تلاش شیطان در برانگیختن آدمی به شرک باشد که قرآن اطاعت از او را، عبادت خوانده است.

عجز پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۵

۱۵- شیطان در قیامت به ناتوانی خویش و پیروانش برای یاری و فریادرسی یکدیگر اعتراف می کند .

و قَالَ الشَّيْطَانُ .. مَا أَنَا بِمَصْرُوحٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمَصْرُوحِي

<صرخ> به معنای فریاد و <أصرخ> به معنای پاسخ گویی به آن است. بنابراین مراد از <مصرخ> فریادرس و نجات دهنده است.

عجز شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۵

۱۵- شیطان در قیامت به ناتوانی خویش و پیروانش برای یاری و فریادرسی یکدیگر اعتراف می کند .

وقال الشيطان .. ما أنا بمصرخكم و ما أنتم بمصرخي

<صرخ> به معنای

فریاد و <أصرخ> به معنای پاسخ گویی به آن است. بنابراین مراد از <مصرخ> فریادرس و نجات دهنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۹ - ۱

۱- شیطان ، از هر گونه سلطه گری بر مؤمنان متوکل بر خدا ناتوان است .

الشیطن الرجیم . إنه لیس له سلطن علی الذین ءامنوا و علی ربهم یتوکلون

لفظ <سلطان> چون با <تنوین> آمده و بعد از حرف نفی قرار گرفته است، دلالت بر نفی مطلق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۷

۷- شیطان بدون اذن خداوند ، نمی تواند کمترین آسیبی به مؤمنان برساند .

و لیس بضارهم شیئا إلا بإذن الله

عذاب اخروی پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۶

۱۶- شیطان و پیروانش در آخرت گرفتار عذاب الهی خواهند شد .

ما أنا بمصرخکم و ما أنتم بمصرخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۷

۷- شیاطین و پیروان آنها ، شریک یکدیگر در عذاب قیامت

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا .. أنکم فی العذاب مشترکون

عذاب اخروی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۶

۱۶ - شیطان و پیروانش در آخرت گرفتار عذاب الهی خواهند شد .

ما أنا بمصرخکم و ما أنتم بمصرخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۷

۷ - شیاطین

و پیروان آنها، شریک یکدیگر در عذاب قیامت

و من يعيش عن ذكر الرحمن نقيض له شيطاناً .. أنكم في العذاب مشتركون

عذاب پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۲

۲۲- شیطان در قیامت پیروان خود را از عذابی بس دردناک خبر خواهد داد .

ما أنا بمصرخكم .. إني كفرت بما أشركتمون من قبل إن الظالمين لهم عذاب أليم

<إن الظالمين لهم عذاب أليم > به قرینه وحدت سیاق می تواند ادامه کلام شیطان باشد.

عذاب شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۶

۱۶- شیطان ، مطرودترین گنه کاران از رحمت خداوند و گرفتارترین آنان به عذاب الهی است .

إني أخاف أن يمشك عذاب من الرحمن فتكون للشيطان ولياً

تهدید بت پرستان به این که ممکن است خدای رحمان بر شما خشم گیرد و با شیطان هم دم شوید، نشانه عمق مطرود بودن شیطان و گرفتاری او به عذاب است.

عصیان از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۸

۸- انسان در پیروی و عدم پیروی از ابلیس ، توانا و مختار است .

فمن تبعك منهم فإن جهنم جزاؤكم

نسبت دادن تبعیت به انسان از یکسو و مورد تهدید قرار دادن او از سوی دیگر، نشانگر اختیار انسان در انتخاب راه خود است.

عصیان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۶

۶- شیطان ، موجودی بسیار نافرمان در برابر خداوند و ناسپاس و قدرناشناس در برابر نعمت

ها و رحمت واسعة او است .

إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانُ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

<عصی> برای مبالغه به کار می رود (مصباح).

عقب نشینی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ شیطان به هنگام رویارویی دو لشکر کفر و ایمان از کارزار بدر عقب نشینی کرد .

فلما تراءت .. نکص علی عقیبه و قال إنی بریء منکم

<نکص> به معنای خودداری کردن است و چون با <علی> متعدی شده معنای رجوع در آن تضمین شده است. <عقب> به پاشنه پا گفته می شود ؛ یعنی شیطان از نبرد خودداری کرد و با چرخیدن بر پاشنه های پا عرصه را ترک گفت.

عقیده شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۲۰

۲۰ شیطان معتقد به خداوند و آگاه به شدت عقوبت های وی

و الله شدید العقاب

مقتضای سیاق این است که گفته شود جمله <و الله شدید العقاب> سخن شیطان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۹

۹ - اعتقاد شیطان به جزا و کیفر خلق ، در برابر اعتقاد و عمل *

کمثل الشیطن إذ قال .. إنی أخاف الله ربّ العلمین

در صورتی که <إِنِّي أَخَافُ . ..> سخنی از روی واقعیت باشد و نه توجیه و استهزا تعبیر <أَخَافُ ...> نشانگر بیم شیطان از بازتاب کفر و اعتقاد او به کیفر و مجازات است.

علم شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۹

۹ شیطان

عنصری توانا بر آگاهی یافتن از درون آدمی و اندیشه های او

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن

ایمان به آیات و معارف الهی و نیز کفر به آنها از امور قلبی است، و از آنجا که شیطان پس از منسلخ شدن بلعم باعورا از آیات و معارف الهی به تعقیب او پرداخت، معلوم می شود وی به اندیشه ها و باورهای آدمی می تواند آگاهی یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۲۰

۲۰ شیطان معتقد به خداوند و آگاه به شدت عقوبت های وی

و الله شدید العقاب

مقتضای سیاق این است که گفته شود جمله <و الله شدید العقاب> سخن شیطان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۱۰

۱۰ - شیطان ، به خواسته ها و آرزو های انسان ، آگاه است .

هل أدلک علی شجرة الخلد و ملک لایلی

عمل شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۸

۸ شیطان ، موجودی با کردار های پلید و ناپاک

رجس من عمل الشیطن

عمومیت وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - همه انسان ها ، حتی خوبان و پاکان ، در معرض وسوسه های شیطان اند .

أَنْتِ مَسْنِي الشَّيْطَانِ بِنَصْبٍ وَ عَذَابٍ

برداشت یاد شده به خاطر این حقیقت است که وقتی انسان والایی چون ایوب(ع) از دست وسوسه های شیطان بنالد و به درگاه الهی شکوائیه ببرد، دیگر مردمان به طریق اولی با چنین وسوسه

هایی رو به رو خواهند شد.

عوامل اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۷

۱۷ دوری شیطان از رحمت الهی ، زمینه اغواگری و ترویج خرافه پرستی و فساد از ناحیه او

لعنه الله و قال .. لا ضلنهم و لا منینهم و لا مرنهم فلیتکن ء اذ ان الانعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۱۴

۱۴- دشمنی شیطان با انسان ها ، عامل نفوذ و تلاش وی برای فتنه انگیزی در میان آنهاست .

إن الشیطن یتزغ بینهم إن الشیطن کان للانس عدوًّا مبینًا

جمله <إن الشیطن کان للانس ..> که به منزله تعلیل برای جمله قبل (إن الشیطن یتزغ ...) است بیانگر این نکته می باشد که عامل تلاش شیطان برای فتنه گری، دشمنی اوست.

عوامل دشمنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۹

۹- انسان در هر عمل صالح ، مورد هجوم و وسوسه شیطان و نیازمند استعاذه و پناه بردن به خداوند است . *

من عمل صلحًا .. فإذا قرأت القرءان فاستعذ بالله من الشیطن الرجیم

برداشت فوق، بدان احتمال است که قراءت قرآن به عنوان نمونه ای از عمل صالح ذکر شده باشد که در آیه قبل از آن سخن به میان آمده بود.

عوامل سلطه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - گمراهی انسان و تسلط شیطان بر وی ، نتیجه عملکرد تباه کننده خود او است .

و من

يعش . . . نقيض له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۳

۳- تسلط شیطان بر روح منافقان ، معلول گرایش آنان به کافران و اظهار همدلی با ایشان

الشیطن سؤل لهم . . . ذلک بانهم قالوا... سنطیعکم

<ذلک> می تواند اشاره به تسلط شیطان باشد که از آیه قبل (الشیطان سؤل لهم) استفاده می شود و تعبیر <بانهم..> در مقام تعلیل است.

عوامل شرارت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۷

۷- مطرود بودن شیطان از درگاه الهی ، موجب شرآفرینی او برای انسان و فلسفه لزوم پناه بردن به خدا از شرّ اوست .

فاستعد بالله من الشیطن الرجیم

توصیف شیطان به <رجیم> می تواند مشعر به علیت بیان و فلسفه لزوم استعاذه باشد.

عوامل عقب نشینی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۳

۱۳ مشاهده فرشتگان الهی برای امداد مسلمانان ، دلیل عقب نشینی شیطان از کارزار بدر و اعلان بیزاری وی از لشکر کفر

نکص علی عقبیه و قال إنی بریء منکم إنی أری ما لاترون

عوامل فرار شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - > عن النبي (ص) قال : إِنَّ الشَّيْطَانَ وَاضِعٌ حَظْمَهُ عَلَى قَلْبِ ابْنِ آدَمَ فَإِنْ ذَكَرَ اللَّهَ خَنَسَ وَإِنْ نَسِيَ اِلْتَمَمَ قَلْبَهُ فَذَلِكَ >
الوسواس الخناس < ;

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: شیطان پوزه خود را بر قلب آدمیزاد قرار می دهد. پس اگر

او خدا را یاد کرد، شیطان خود را عقب می کشد و پنهان می شود و اگر [یاد خدا را] فراموش کرد، قلب او را می رباید و این است <الوسواس الخناس>».

عوامل نجات از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۱ - ۲،۳،۴،۶

۲ تقوای پیشگان به هنگام مواجه شدن با شیطان و وسوسه های او، فرمان های خدا را به یاد آورده و به راهی که مسیر تقواست، واقف می شوند.

إن الذین اتقوا إذ امسهم طئف من الشیطن تذکروا فإذا هم مبصرون

تذکر در اینجا به معنای توجه کردن و به خاطر آوردن دانسته هاست و مراد از دانسته ها، به قرینه آیه ۱۹۹، اوامر الهی است. <ابصار> (مصدر مبصرون) به معنای بینا شدن و آگاهی یافتن است و مراد از آن به دلیل <الذین اتقوا> قرار گرفتن در مسیر تقوای پیشگی و در نتیجه رهیدن از دام شیطان است.

۳ تقوای پیشگان به هنگام احساس وسوسه گری های شیطان با یادآوری فرمان خدا (استعاذه) به وی پناه می برند و با بصیرت و آگاهی از دام شیطان می رهند.

إذ امسهم طئف من الشیطن تذکروا فإذا هم مبصرون

در برداشت فوق، به قرینه <فاستعذ بالله> در آیه قبل، متعلق <تذکروا> لزوم استعاذه گرفته شده است.

۴ باور به شنوایی و آگاهی خدا، زمینه ساز دور ماندن از وسوسه های شیطان و رهیدن از دام اوست.

تذکروا فإذا هم مبصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که متعلق <تذکروا>، به قرینه فراز قبل (إنه سمیع علیم)، شنوایی و آگاهی خداوند باشد.

۶ تقوا عامل

توجه آدمی به خداوند و فرمان های او به هنگام وسوسه انگیزی های شیطان

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذْ آمَسَّهُمْ طُغْفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۱ - ۸

۸ - پرستش خدای یگانه و روی برتافتن از عبادت غیر او ، رهایی از دام شیطان و دستیابی به اوج کمال است .

حنفاء لله غير مشركين به .. فتخطفه الطير

عوامل نفوذ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۴،۵،۶،۷

۴ گناهان آدمی موجب نفوذ شیطان در او

أَمَّا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضَ مَا كَسَبُوا

بنابر اینکه مراد از <ما کسبوا> تمامی رفتار (پسندیده و ناپسندیده) باشد. بنابراین مراد از <بعض>، گناه و رفتار ناصواب خواهد بود.

۵ خودخواهی و دنیاپرستی برخی مجاهدان احد ، موجب نفوذ شیطان در آنان و گریزشان از صحنه کارزار

قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ .. إِنْ الَّذِينَ تَوَلَّوْا .. أَمَّا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضَ مَا كَسَبُوا

خودمحوری و دنیاطلبی، که معنای جمله <قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ> است، می تواند مصداق روشن و مورد نظر از جمله <بعض ما کسبوا> باشد.

۶ پاره ای از گناهان ، زمینه ساز نفوذ شیطان در انسان و گمراهی او

أَمَّا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضَ مَا كَسَبُوا

بنابر اینکه مراد از <ما کسبوا>، خصوص گناهان باشد، نه تمامی اعمال. بنابراین برخی از گناهان، زمینه نفوذ شیطان را فراهم می کند.

۷ خودمحوری و دنیاپرستی انسان ، زمینه نفوذ شیطان برای فرار از کارزار و ترک جهاد

قد اهتمتهم انفسهم .. انّ الذین تولّوا .. انما استزلّهم الشّیطان ببعض ما کسبوا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ دل های تهی از ایمان به خدا و قیامت ، جایگاه شیطان

لا يؤمنون بالله ولا باليوم الآخر و من یکن الشیطان له قریناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۴

۱۴ رجوع کنندگان به طاغوت ، تحت سیطره و نفوذ شیطان هستند .

یریدون ان یتحاكموا الى الطاغوت . . و یرید الشیطان ان یضللهم

عوامل وسوسه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۹

۹ فقدان آب برای تحصیل طهارت و برطرف کردن نجاست ها ، مایه وسوسه شیطان و ایجاد نگرانی در پیکارگران بدر

لیطهرکم به و یدهب عنکم رجز الشیطن

نبودن لام در <یدهب> بیانگر این است که <یدهب...> مترتب بر <لیطهرکم...> است. و تناسب تطهیر با برطرف شدن رجز شیطان اقتضا می کند که مراد از رجز شیطان وسوسه هایی باشد که شیطان بر اثر نبودن آب برای طهارت در مجاهدان ایجاد می کرده است.

عهدشکنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۱

۱۱ شیطان به هنگام شروع جنگ بدر با اعلان بیزاری از کافران ، عهد خویش (یاری سپاه کفر) را گسست .

فلما تراءت الفئتان .. قال إني بئريء منكم

فرار شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۶

۱۶ شیطان به دلیل ترس از گرفتار شدن به عذاب

الهی با ضربه های سهمگین فرشتگان جنگ بدر از آن معرکه فرار کرد .

إِنِّي أَرَى مَا لِاتْرُونَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ

مراد از خوف خدا (إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ) به دلیل <إِنِّي أَرَى مَا لِاتْرُونَ> گرفتار شدن به چنگ فرشتگان حاضر در کارزار بدر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۷

۷ - شیطان ، فریب کاری که پس از القای فکر پلید در انسان ، خود را کنار کشیده و متواری می شود .

مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

برای فعل <خَنَّسَ> چند معنا ذکر شده است؛ از جمله: عقب نشینی کرد؛ بازگشت، متواری و غایب شد (لسان العرب). براساس این معانی، آیه شریفه ترسیمی از وسوسه گری های شیطان دارد که پس از هر وسوسه، خود را عقب کشیده، مخفی می شود؛ تا آن وسوسه کار خود را کرده و زمینه را برای وسوسه بعدی فراهم سازد.

فرجام پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۰

۱۰ - گرفتار شدن به آتش برافروخته و پرالتهاب دوزخ ، سرنوشت و کیفر پیروان حزب شیطان

إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنَ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

<سعیر> به معنای آتش افروخته و ملتهب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۱

۱ - شیطان و پیروان کافر او ، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا

فرجام شوم پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - بیان عاقبت نیک

مؤمنان دارای عمل صالح و فرجام شوم پیروان شیطان، روشی است برای ایجاد انگیزش آدمیان به عاقبت اندیشی.

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفاء للذين استكبروا... فهل أنتم مغنون عنا من عذاب

فرجام شوم حزب شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۹ - ۶

۶ - حزب و دار و دسته شیطان، فرجامی جز خسران و زیان ندارند.

ألا إن حزب الشيطان هم الخسرون

فرجام شوم ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۵

۵- گرفتار شدن به عذاب دوزخ، سرنوشت محتوم و فرجام شوم کسی است که خود را در قلمرو ولایت شیطان قرار دهد و از او پیروی کند.

كتب عليه أنه من تولاه.. ويهديه إلى عذاب السعير

فرجام شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۱

۱۱- بت پرستان، هم سو با شیطانند و سرنوشت آنان هم سان فرجام او است.

فتكون للشيطان وليًا

<ولِيٍّ > از ماده <وَلِيَ > (نزدیک شدن یا در پی درآمدن) مشتق است و جمله <فتكون... > حاکی از آن است که سرنوشت بت پرستان و شیطان، نزدیک به هم و در یک ردیف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شیطان و پیروان کافر او ، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فكان عقبتهما أنّهما في النار خلدین فیها

فلسفه آزادی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حکمت آزاد گذاشته شدن شیطان از سوی خداوند ، برای القای شبهات پیرامون آیات الهی ، این بود که افراد بیمار دل و قسی القلب گمراه شوند و گرفتار دام فتنه های شیطان گردند .

و ما أرسلنا من قبلك .. ألقى الشيطان في أمته ... ليجعل ... و القاسيه قلوبهم

<فتنه> برای بیان چند معنا به کار می رود: یکی از معانی آن که در آیه فوق به همان معنا به کار رفته است اضلال و گمراه کردن است. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: <تا خدا آنچه را که شیطان القا می کند، برای کسانی که در دل هایشان بیماری است و نیز برای کسانی که سنگدل اند، مایه گمراهی قرار دهد>. گفتنی است که از آیه پیش دو مطلب استفاده می شود: ۱ خداوند اجازه می داد تا شیطان در آیات وحی که توسط پیامبران تلاوت می شد القای شبهه کند. ۲ خداوند شبهه های شیطان را محو می کرد و از چهره آیاتش می زدود. آیه مورد، بحث تعلیل برای مطلب اول است / یعنی، خداوند بدان جهت اذن می داد که شیطان در تلاوت آیات شبهه آفرینی کند تا آنها را مایه ضلالت و گمراهی بیمار دلان و سنگ دلان قرار دهد.

فلسفه استعاذه از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۷

۷- مطرود بودن شیطان از درگاه الهی ، موجب شرآفرینی او برای انسان و فلسفه لزوم پناه بردن به خدا از شرّ اوست .

فاستعد بالله من الشيطان الرجيم

توصیف

شیطان به <رجیم> می تواند مشعر به علیت بیان و فلسفه لزوم استعاذه باشد.

فلسفه اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۲

۲ نمایان سازی شرمگاه آدم و حوا، از اهداف شیطان در فریبکاری و توطئه علیه آنان

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوءتھما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۵ - ۱

۱ - انحراف آفرینی و اغواگری شیطان ، به منظور بازداشتن انسان ها از سجده به درگاه خدای یگانه

و زین لهم الشیطن .. ألایسجدوا لله

<ألایسجدوا> می تواند به تأویل مصدر و عطف بیان یا بدل برای <أعمالهم> در آیه پیش باشد. و هم چنین می تواند به تقدیر لام تعلیل و مفعول له برای <زین> باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است، یعنی، <زین لهم الشیطن ضلالتهم لئالیسجدوا لله> شیطان گمراهی و انحراف را در دیدگاه آنان زیبا جلوه داد، بدان منظور که آنان برای خدا سجده نکنند.

فلسفه تبری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۶

۶ - بیزاری جستن شیطان از کافران ، به منظور تبرئه خویش و بر دوش نکشیدن بار گناه آنان

قال إننی بریء منک

فلسفه نهی از پیروی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- پاک زیستن و آلوده نشدن به زشتی ها و ناپسندی ها (فحشا و منکرات) ، حکمت نهی الهی از پیروی کردن از شیطان

است .

لا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ .. فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

جمله <فإنه يأمر بالفحشاء و المنكر> تعلیل برای نهی از پیروی شیطان است (لا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ).

فلسفه نهی از عبادت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۹

۹ - دشمنی و بدخواهی شیطان برای انسان ، فلسفه توصیه خداوند به اطاعت نکردن از شیطان

أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۸

۸ شرک و بت پرستی ، عصیان از بندگی خداوند و پذیرش سلطه شیطان است .

أَنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ الْإِثْنَاءِ .. قَالَ لَا تَخْذَنْ مِنْ عِبَادِكُمْ نَصِيبًا مَفْرُوضًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۳، ۱۹، ۱۶، ۱۵

۱۵ وانهادن ولایت خداوند و پذیرش ولایت شیطان ، زیان آشکار

وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُّبِينًا

۱۶ اطاعت از دستورات شیطان ، در حقیقت پذیرش ولایت اوست .

و لا امرنهم فليغيرن خلق الله و من يتخذ الشيطان ولياً

۱۹ پذیرندگان ولایت شیطان ، مردمی زیانکار با خسارتی آشکار

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

۲۳ آدمی بر سر دو راهی پذیرش ولایت خداوند و یا پذیرش ولایت شیطان

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۲

۲ دوزخ ، فرجام پذیرندگان ولایت شیطان

و من يتخذ الشيطان ولياً .. أولئك ماويهم جهنم و

لايجدون عنها محيصاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۵

۵- پذیرش ولایت شیطان و پیروی از او ، شرک به خداوند است .

الذین يتولّونه . . . هم به مشرکون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <باء> در <به> برای سببیت باشد و ضمیر آن به <قبول و پذیرش> که در معنای <یتولّونه> (از او فرمان می برند) اشراب شده است برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۸، ۲۹ - ۲۱

۲۱- پذیرش ولایت شیطان ، غیرقابل جمع با پذیرش ولایت خدا است .

أفتتخذونه و ذرّيته أولياء من دوني

۲۸- گزینش ولایت شیطان به جای ولایت خدا ، انتخابی ظالمانه و زشت است .

أفتتخذونه . . . بئس للظلمين بدلاً

مخصوص به <ذم> در فعل <بئس> ابلیس است. و <بدلاً> تمیز برای آن، لذا معنای جمله، چنین می شود که: <شیطان، بدجایگزینی است (به جای خداوند) برای ظالمان>.

۲۹- پیروان شیطان و گزینش کنندگان ولایت او ، ظالم اند .

بئس للظلمين بدلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۱

۱- پیروی از شیطان ، به معنای پذیرش ولایت و سرپرستی او است .

و يتبع كلّ شيطان . . . من تولّاه فإنه يضله

قدرت بینایی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ انسان در معرض دید شیاطین است و آنان از چشم آدمیان نهانند.

إنه یریکم هو و قبیلہ من حیث لا ترونہم

قدرت دید شیطان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۵

۱۵ شیطان قادر به مشاهده اموری پنهان از دید آدمیان

ینی اری ما لاترون

قدرت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۴

۱۴ ضرورت هشیاری کامل در برابر اغواگریهای شیطان به دلیل توان وی بر نفوذ مخفیانه بر آدمیان و سیطره و حاکمیت او بر اغواشدگان

لا یفتنکم الشیطن .. . إنا جعلنا الشیطن اولیاء للذین لایؤمنون

دو جمله <إنه یراکم .. . > و <إنا جعلنا ... > به منزله تعلیلی است برای تأکید خداوند به پرهیز از اغواگریهای شیطان. یعنی توصیه و تأکید ما بدان جهت است که وی راه نفوذ مخفیانه را دارد و پس از گمراه کردنتان بر شما ولایت پیدا خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۹

۹ شیطان عنصری توانا بر آگاهی یافتن از درون آدمی و اندیشه های او

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن

ایمان به آیات و معارف الهی و نیز کفر به آنها از امور قلبی است، و از آنجا که شیطان پس از منسلخ شدن بلعم باعورا از آیات و معارف الهی به تعقیب او پرداخت، معلوم می شود وی به اندیشه ها و باورهای آدمی می تواند آگاهی یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۷ - ۴

۴- شیطان ، موجودی قدرتمند و توانا بر صعود و نفوذ بر آسمانها

و حفظنھا من کلّ شیطن رجیم

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ - کہف -

۸- شیطان ، بر زدودن مهم ترین خاطره ها از ذهن انسان ، توان دارد .

و ما أنسنیه إلا الشیطن أن أذکره

خاطره زنده شدن ماهی، با آن که به اعتراف همسفر موسی امری شگفت بود، با دخالت شیطان، به فراموشی کشانده شد. این، نشان دهنده امکان نفوذ عمیق شیطان در انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۷

۷- شیطان در وسوسه و به انحراف کشاندن آدمیان ، از توانی گسترده برخوردار است .

و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که پیامبر(ص) نیز در برابر وسوسه های شیطان، نیازمند به استعاذه و پناه بردن به خداوند است.

کار گزاران شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۱۲

۱۲ - افترا زنندگان به خدا ، پیروان شیطان و کار گزاران او هستند .

لا تتبعوا خطوت الشیطن . . . إنما يأمرکم ... أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون

کثرت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - شمار شیاطین ، بسیار و متنوع به گوناگونی گمراهی ها و متعدد به تعدد گمراهان

نقیض له شیطاناً . . . و إنهم لیصدونهم عن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷ - ۵

۵ - شیطان های متمرّد و به دور از خیر ، متعدد و بسیاراند .

من کلّ شیطن مارد

کفر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۹

۱۸- شیطان در قیامت اظهار می دارد که وی قبل از شرک پیروانش ، به خداوند کافر شده بود . *

إني كفرت بما أشركتمون من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <بما أشركتمون> موصول و به معنای <من> باشد و ضمیر صله هم محذوف و <من قبل> نیز متعلق به <كفرت> باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من پیش از آنکه شما مرا شریک خدا قرار دهید (در عهد آدم) به او کافر شدم.

کفران شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۳

۳- شیطان ، کفران کننده نعمت های خداوند است .

و كان الشيطان لربه كفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۶

۶- شیطان ، موجودی بسیار نافرمان در برابر خداوند و ناسپاس و قدرناشناس در برابر نعمت ها و رحمت واسعه او است .

إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

<عصی> برای مبالغه به کار می رود (مصباح).

کیفر اخروی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۹

۹ - شیاطین ، مورد مؤاخذة و مجازات در روز قیامت *

نقیض له شیطناً .. أنكم في العذاب مشتركون

عذاب شدن شیاطین، می تواند دال بر تکلیف آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۳

۱۳ - آتشِ فروزان ، کیفر شیاطین در قیامت

و أعتدنا لهم عذاب السعیر

کیفر اطاعت از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۶

۱۶ - سرانجام رویگردانی از آن چه که خداوند نازل کرده و گردن نهادن به راه شیطان ، آتش شعلهور است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله .. أو لو كان الشيطان يدعوهم إلى عذاب السع

کیفر پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۹

۹- دوزخ ، کیفری کامل و بی کم و کاست برای شیطان و پیروان او

فإن جهنم جزاؤکم جزاءً موفورًا

<موفور> از ریشه <وفر> به معنای تام و بی نقص است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۰

۱۰ - گرفتار شدن به آتش برافروخته و پراشتهای دوزخ ، سرنوشت و کیفر پیروان حزب شیطان

إنما يدعو حزبه ليكونوا من أصحاب السعیر

<سعیر> به معنای آتش افروخته و ملتهب است.

کیفر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۹

۹- دوزخ ، کیفری کامل و بی کم و کاست برای شیطان و پیروان او

فإن جهنم جزاؤکم جزاءً موفورًا

<موفور> از ریشه <وفر> به معنای تام و بی نقص است (مفردات راغب).

کیفر عصیان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۴

۴ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدلیهما بغرور .. قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

گامهای شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۸

۱۸ - از امام

باقر (ع) روایت شده که فرمود: > ان من خطوات الشيطان الحلف بالطلاق و النذور في المعاصي و كل يمين بغير الله ;

از گامهای شیطان است قسم خوردن به طلاق همسر و نذر در گناهان و هر سوگندی که به غیر خداوند باشد.<

گروه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ شیطان دارای قبیله و گروه

اینه یریکم هو و قبیله

گفتگوی شیطان با آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۵

۵ - گفت و گوی مستقیم شیطان با آدم

قال یادم

گمراهگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۱،۳،۴

۱ - گروه بسیاری از انسان ها به دست شیطان گمراه شدند .

ألم أعهد إليكم بيني و آدم أن لاتعبدوا الشيطان . . . و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً

>جبل< اسم جمع و مشتق از >جبل< (خلق) است و به معنای گروهی از مردم می باشد.

۳ - هشدار خداوند به فرزندان آدم ، درباره وسوسه های گمراه کننده شیطان

ألم أعهد إليكم بيني و آدم أن لاتعبدوا الشيطان . . . و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً

۴ - کسانی که بر اثر عدم تعقل و خردورزی به دست شیطان گمراه شدند ، مورد سرزنش خدا قرار دارند .

و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً أفلم تكونوا تعقلون

برداشت یاد شده از استفهام انکاری در جمله < أفلم تكونوا تعقلون > که در مقام سرزنش است به دست می آید.

گمراهی پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۷

۷- شیطان در قیامت به پیروان گمراه خویش اعلام خواهد کرد که وی هیچ سلطه‌ای بر آنها ندارد و صرفاً آنان به دعوت او پاسخ مثبت داده‌اند .

و قال الشیطن .. و ما کان لی علیکم من سلطن إلا أن دعوتکم فاستجبتم لی

گناه اطاعت از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۴

۴- بت پرستی و اطاعت از شیطان ، گناهی بزرگ است .

لِمَ تعبد ما لا یسمع .. لا تعبد الشیطن ... إنی أخاف أن یمسک عذاب من الرحمن

نسبت دادن <عذاب> به خدای رحمان که دارای رحمت وسیع است می تواند بیانگر این نکته باشد که گناه بت پرستی به قدری شدید است که مظهر رحمت و مهربانی را نیز به خشم می آورد.

لذا ید شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۴

۱۴ وجود خواسته‌ها و لذتهای نفسانی در جن (شیطان)

قد استکثرتم استمتع بعضنا ببعض

لعن بر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۱

۱ شیطان ، مورد لعنت خداوند و به دور از رحمت او

لعنه الله

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۱۴

۱۴- > عن علی بن محمد العسکری (ع) يقول: معنى الرجيم انه مرجوم باللعن مطرود من مواضع الخير لا يذكره مؤمن إلا لعنه
وإن في علم الله السابق انه إذا خرج القائم)

ع) لا یبقی مؤمن فی زمانه إلا رجمه بالحجاره كما كان قبل ذلك مرجوماً باللعن ۱

از امام هادی(ع) روایت شده است که در باره <رجیم> می فرمود: او (شیطان) با لعن مورد رجم واقع شده و از درهای خیر رانده و مطرود گشته است. مؤمنی از او یاد نمی کند مگر آنکه او را لعن می کند و چون در علم الهی از پیش روشن بود که هر گاه حضرت قائم(ع) خروج کرد، هیچ مؤمنی در زمان او نیست مگر آنکه شیطان را با سنگ رجم می کند؛ چنان چه قبل از آن با لعن رجم می شد.

مبارزه با شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۳

۳ - فرمان خداوند به مبارزه با شیطان ، چونان برخورد با دشمن

فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا

مبارزه با نفوذ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۳

۱۳- لزوم حساسیت فزونتر انسان در حفظ مال و فرزند خویش از هجوم و دخالت شیطان

و شارکهم فی الأموال و الأولاد

از اینکه خداوند، از جمله قلمروهای نفوذ شیطان را، مال و اولاد برشمرده است، در واقع هشدار و اعلام خطری است بر اینکه: انسان باید تلاش کند تا آنها، از دستبرد شیطان در امان بمانند.

متقین و شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۱ - ۲،۵

۲ تقوای پیشگان به هنگام مواجه شدن با شیطان و وسوسه های او ، فرمان های خدا را به یاد آورده و به راهی که مسیر تقواست ، واقف می

شوند .

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذْ أَمَسَهُمْ طُغْيَانُ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ

تذکر در اینجا به معنای توجه کردن و به خاطر آوردن دانسته هاست و مراد از دانسته ها، به قرینه آیه ۱۹۹، اوامر الهی است. <ابصار> (مصدر مبصرون) به معنای بینا شدن و آگاهی یافتن است و مراد از آن به دلیل <الذین اتقوا> قرار گرفتن در مسیر تقوای پیشگی و در نتیجه رهیدن از دام شیطان است.

۵ اهل تقوا توانا بر تشخیص وسوسه های شیطان به هنگام مواجه شدن با آن وسوسه ها هستند .

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذْ أَمَسَهُمْ طُغْيَانُ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا

متکبران و شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ شیطان ، همراه با ریاکاران ، بخیلان و متکبران

الذین یبخلون .. و الذین ینفقون اموالهم رءاء الناس ... و من یکن الشیطان له قرین

مراد از <من یکن ..> تمام کسانی هستند که در این آیه و آیه قبل مورد مذمت قرار گرفتند.

مجادله شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۲

۲ نهی الهی ، از جدال شیطان و مشرکان با یکدیگر در محضر او

قال لا تختصموا لدی

محدوده اضلال شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۰

۱۰- تلاش شیطان برای گمراهی و اغوای انسان ها ، محدود به دعوت و القاست ، نه غلبه و اجبار

و ما كان لي عليكم من سلطان إلا أن دعوتكم فاستجبتم لي

<سلطان> اسم مصدر <سلط> و به معنای قهر و غلبه

است.

محدوده سلطه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۹ - ۱،۳،۸

۱- شیطان، از هرگونه سلطه گری بر مؤمنان متوکل بر خدا ناتوان است.

الشیطن الرجیم . إنه لیس له سلطن علی الذین ءامنوا و علی ربهم یتوکلون

لفظ <سلطان> چون با <تنوین> آمده و بعد از حرف نفی قرار گرفته است، دلالت بر نفی مطلق می کند.

۳- تنها مؤمنان متوکل بر خداوند، از سلطه شیطان در امانند.

إنه لیس له سلطن علی الذین ءامنوا و علی ربهم یتوکلون

برداشت فوق، با توجه به این است که آیه در مقام بیان نقش شیطان نسبت به تمامی انسانهاست و استثنا کردن مؤمنان متوکل به صورت جمله وصفیه دلیل بر حصر است. گفتنی است آیه بعد (إنما سلطانه علی الذین یتولونه ...) مؤید همین برداشت است.

۸- > أبو بصیر عن أبي عبد الله (ع) قال : قلت له : > فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم انه ليس له سلطان على الذين آمنوا و علی ربهم یتوکلون ؟ فقال : یا ابا محمد یسلط والله من المؤمن علی بدنه و لا یسلط علی دینه . . . ;

ابو بصیر گوید: از امام صادق (ع) در باره > فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم إنه ليس له سلطان على الذين آمنوا و علی ربهم یتوکلون < سؤال کردم، پس حضرت فرمود: ای ابا محمد! به خدا سوگند [شیطان] بر بدن مؤمن مسلط می شود، ولی بر دین او مسلط نمی شود. <..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰

۱- تسلط و استیلای شیطان ، تنها بر دو گروه فرمانبران از او و مشرکان است .

إنما سلطنه علی الذین یتولّونه و الذین هم به مشرکون

۸- > أبی بصیر عن أبی عبدالله (ع) قال : قلت له : . . . قوله تعالی : > إنما سلطانه علی الذین یتولّونه و الذین هم به مشرکون <
< قال : الذین هم بالله مشرکون یسلط علی أبدانهم و علی أديانهم ;

ابوبصیر گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدای تعالی . . . >إنما سلطانه علی الذین یتولّونه و الذین هم به مشرکون < سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان که به خدا شرک ورزیدند، [شیطان] بر بدن و دینشان مسلط می شود.<

محدودیت بینایی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ انسان در معرض دید شیاطین است و آنان از چشم آدمیان نهانند.

إنه یریکم هو و قبيله من حیث لا ترونهم

محرومیت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۴

۴ دوری شیطان از رحمت الهی ، خاستگاه تصمیم او بر اغوای بندگان خدا

لعنه الله و قال لاتخذن من عبادك نصیباً مفروضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۷

۱۷ دوری شیطان از رحمت الهی ، زمینه اغواگری و ترویج خرافه پرستی و فساد از ناحیه او

لعنه الله و قال . . . لاضلنهم و لامنینهم و لامرنهم فلیتکنء اذان الأنعم

مشاجره رهبران مستكبر و شيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱- پس از درگیری لفظی رهبران مستکبر با پیروان خود در قیامت ، آنان با شیطان به منازعه می پردازند .

فقال الضعفاء للذين استكبروا .. قالوا ... و قال الشيطان لما قضي الأمر

ذکر قصه شیطان و سخنان وی در قیامت با جهنمیان، پس از گفت و گوهای رهبران مستکبر و پیروانشان، نشان دهنده ادامه ماجرای مستکبران و پیروان آنها با شیطان است.

مشاجرہ کافران پیرو و شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱

۱- پس از درگیری لفظی رهبران مستکبر با پیروان خود در قیامت ، آنان با شیطان به منازعه می پردازند .

فقال الضعفاء للذين استكبروا .. قالوا ... و قال الشيطان لما قضي الأمر

ذکر قصه شیطان و سخنان وی در قیامت با جهنمیان، پس از گفت و گوهای رهبران مستکبر و پیروانشان، نشان دهنده ادامه ماجرای مستکبران و پیروان آنها با شیطان است.

مشارکت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۷،۱۸،۱۹

۱۷- > عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر (ع) قال : سألته عن شرك الشيطان قوله : > و شاركهم في الأموال و الأولاد > قال : ما كان من مال حرام فهو شريك الشيطان ، . . . و يكون مع الرجل حين يجمع فيكون (الولد) من نطفته و نطفه الرجل إذا كان حراماً ؛

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) در باره شرکت شیطان در سخن خداوند > و شاركهم في الأموال و الأولاد > پرسیدم، فرمود: آنچه از مال

حرام است <سهم الشركه> شیطان است شیطان است و هر گاه مجامعت حرامی صورت گیرد شیطان همراه مرد می باشد، پس فرزند از نطفه شیطان و نطفه آن مرد پدید می آید.

۱۸- <عن أبي عبد الله (ع)... [فی قوله] > و شاركهم فی الأموال و الأولاد >... قال: إن الشيطان لیجیء حتی یقعد من المرأه كما یقعد الرجل منها و یحدث كما یحدث و ینکح كما ینکح قلت: بأی شیء یعرف ذلك؟ قال: بحبنا و بغضنا، من أحبنا كان من نطفه العبد و من أبغضنا كان نطفه الشيطان ;

از امام صادق(ع) در باره [سخن خداوند] <و شاركهم فی الأموال و الأولاد> روایت شده است که فرمود: همانا شیطان می آید و بر زنان می نشیند، همان گونه که مردان بر آنان می نشینند و همان می کنند که آنان انجام می دهند. [راوی می گوید] گفتم: به چه چیزی این مسأله شناخته می شود؟ حضرت فرمود: به حبّ و بغض نسبت به ما. هر کس ما را دوست بدارد، از نطفه پدرش می باشد و هر کس بر ما بغض بورزد، از نطفه شیطان می باشد.

۱۹- <قال الصادق (ع): من لم یبال ما قال و ما قیل فیه فهو شرک شیطان، و من لم یبال أن یراه الناس مسیئاً فهو شرک شیطان، و من اغتاب أخاه المؤمن من غیر تره بینهما فهو شرک شیطان، و من شغف بمحبه الحرام و شهوه الزنا فهو شرک شیطان... ;

امام صادق(ع) فرمودند: کسی که باکی ندارد

که چه می گوید و یا در باره او چه گفته می شود و کسی که ترسی ندارد از اینکه مردم او را گناهکار ببینند (در حال گناه ببینند) و کسی که غیبت برادر مؤمنش را می کند بدون اینکه بینشان دشمنی باشد و کسی که محبت به حرام و شهوت زنا دلش را فرا گیرد؛ [اینها از مواردی است که شیطان در او شرکت داشته است. <..>.

مشمولان ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۸

۸- امتهایی که تحت تأثیر اغوای شیطان ، تسلیم انبیا نشدند ، تحت ولایت شیطانند .

أُمَمٌ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَهَوَوْا لِئِهِمْ يَوْمَئِذٍ مُنْقَرَبِينَ

مصونیت از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۷ - ۱

۱- خداوند ، آسمان را از شرّ هر شیطانی ، مصون داشته است .

وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۹ - ۱،۳،۸

۱- شیطان ، از هرگونه سلطه گری بر مؤمنان متوکل بر خدا ناتوان است .

الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ . إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

لفظ <سلطان> چون با <تنوین> آمده و بعد از حرف نفی قرار گرفته است، دلالت بر نفی مطلق می کند.

۳- تنها مؤمنان متوکل بر خداوند ، از سلطه شیطان در امانند .

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

برداشت فوق، با توجه به این است که آیه در مقام بیان نقش شیطان نسبت به تمامی انسانهاست و استثنا

کردن مؤمنان متوکل به صورت جمله وصفیه دلیل بر حصر است. گفتنی است آیه بعد (إنما سلطانه علی الذین يتولونه...) مؤید همین برداشت است.

۸- > أبو بصیر عن أبي عبدالله (ع) قال: قلت له: > فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم انه ليس له سلطان علی الذین آمنوا و علی ربهم يتوکلون <؟ فقال: یا أبا محمد یسلط والله من المؤمن علی بدنه و لا یسلط علی دینه... ;

ابو بصیر گوید: از امام صادق (ع) در باره > فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم إنه ليس له سلطان علی الذین آمنوا و علی ربهم يتوکلون < سؤال کردم، پس حضرت فرمود: ای ابامحمد! به خدا سوگند [شیطان] بر بدن مؤمن مسلط می شود، ولی بر دین او مسلط نمی شود... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۴

۴- تنها مؤمنان و متوکلان بر خدا، رهیده از سلطه شیطانند.

لیس له سلطن علی الذین... إنما سلطنه علی الذین يتولونه و الذین هم به مشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۶

۶- مصونیت برخی انسان ها از تحریک شدن به وسیله نغمه ها و تبلیغات شیطانی

استفزز من استطعت منهم بصوتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۱۲، ۱۵، ۱

۱- بندگان مقرب خدا، مصون از سلطه شیطان هستند.

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

۵- عبودیت و بندگی خداوند، بیمه کننده و نیروبخش آدمیان در

برابر وسوسه ها و لشکر کشی های شیطان

لأحتكنّ ذریته .. . إن عبادی لیس لك علیهم سلطن

۱۲- پیامبر (ص) ، تحت ربوبیت ویژه خداوند و مصون از سلطه و نفوذ شیطان

إن عبادی لیس لك علیهم سلطن و كفی برّبك وکیلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ك> در <رّبك> چنانکه مفسّران نیز احتمال داده اند پیامبر(ص) باشد. بنابراین، با اینکه خداوند سلطه شیطان بر بندگان خود را منتفی دانسته است، اختصاص به ذکر پیامبر(ص) پس از آن، می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

مغضوبان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۴

۴- انسان به هنگام قراءت قرآن ، در معرض هجوم و خشم شیطان است .

فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطن الرجیم

مکاری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۸ - ۹

۹ فریبکاری و وسوسه شیطان ، از راه های گوناگون و تدریجی است .

و لا تتبعوا خطوات الشیطان

کلمه <خطوات> که به معنی <گامها> است ؛ بیانگر راههای متعدّد شیطان برای فریبکاری است. و چون گامها همیشه یکی پس از دیگری برداشته می شود، حکایت از تدریجی بودن آن می کند.

مکان زندگی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ زمین، عرصه حیات و مرگ شیاطین نیست.

قال فیها تحيون و فیها تموتون و منها تخرجون

تکرار کلمه <قال> (قال اهبطوا .. قال فیها تحيون) می تواند اشاره به تغییر مخاطب در دو جمله <اهبطوا ... >

و <فیها تحیون> داشته باشد. در آیه قبل انسانها و نیز شیطان مورد خطاب بودند و در این آیه تنها انسانها مخاطب هستند. و شیاطین مورد خطاب نیستند. بنابراین می توان گفت زمین عرصه حیات و مرگ شیاطین نیست.

مکان مبارزه با شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۷

۷- جایگاه عبادت و راز و نیاز با خدا، میدان نبرد با شیطان و دیگر موانع راه خدا *

المحراب

در وجه نام گذاری <محراب> گفته شده است که نمازگزار در آن جا، با شیطان محاربه می کند. هم چنین با پیدا کردن حضور قلب با نفس خود می جنگد (مصباح).

مکان مرگ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۵ - ۲

۲ زمین، عرصه حیات و مرگ شیاطین نیست.

قال فیها تحیون و فیها تموتون و منها تخرجون

تکرار کلمه <قال> (قال اهبطوا .. قال فیها تحیون) می تواند اشاره به تغییر مخاطب در دو جمله <اهبطوا ...> و <فیها تحیون> داشته باشد. در آیه قبل انسانها و نیز شیطان مورد خطاب بودند و در این آیه تنها انسانها مخاطب هستند. و شیاطین مورد خطاب نیستند. بنابراین می توان گفت زمین عرصه حیات و مرگ شیاطین نیست.

مکر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۰ - ۲

۲ وعده های شیطان، جز دروغ و فریب نیست.

يعدهم و يمنيهم و ما يعدهم الشيطان الا غروراً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٥ - اعراف - ٧

۱ شیطان با فریبکاریها و سوگند دروغ، آدم و حوا را به پای درخت ممنوع کشاند تا از ثمره آن تناول کنند.

و قاسمهما .. فدلیهما بغرور

<تدلیه>، مصدر <دلیّ>، به معنای فرستادن است، و مراد از آن نزدیک کردن آدم و حوا به شجره نهی شده برای خوردن از آن است. کلمه <غرور> می تواند مصدر و به معنای فریب دادن باشد و می تواند جمع غار (فریبنده) باشد، و مراد از آن سخنان دروغین و باطلی باشد که شیطان با سوگند به آدم و حوا القا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۳

۳ فریبکاریهای شیطان، عامل خروج آدم و حوا از بهشت شد.

كما أخرج أبوبکم من الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱

۱ شیطان، عنصری فریبکار

و إذ زين لهم الشيطان أعمالهم

منشأ مخالفت با شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ - هیچ کس بیرون از مشیت خدا و بدون برخورداری از فضل و رحمت او، قادر بر مخالفت با شیطان و اجتناب از فحشا و منکرات نیست.

لا تتبعوا خطوت الشيطان .. و لولا فضل الله عليكم و رحمته ما زکی منکم من أحد أب

موانع اطاعت از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۳ - ۲۲، ۲۰، ۱۷

۱۷ رهایی اکثریت مسلمانان از پیروی شیطان ، مرهون فضل و رحمت خاص الهی است .

لو

لا فضل الله عليكم و رحمته لا تبعتم الشيطان الا قليلا

با توجه به زمینه آیات این بخش از سوره، که درباره غزوه بدر صغراست، معنای آیه با عنایت به استثنا، چنین است: تنها گروهی اندک از مسلمانان بدون هدایت ویژه خداوند به حکم ضرورت دفاع از اسلام، راهی نبرد شدند و شایعات توانمندی دشمن، آنان را از انجام وظیفه بازداشت، بر خلاف بسیاری از آنان که به سبب آن شایعات تصمیمی بر شرکت در نبرد نداشتند، ولی ارشادات پیامبر (ص) عامل حرکت آنان شد.

۲۰ نقش مؤثر رهبری در جلوگیری از انحرافات و پیروی از شیطان

و لو ردوه الى الرسول و الى اولى الامر منهم و لو لا فضل الله عليكم و رحمته لات

۲۲ رهایی مسلمانان از پیروی شیطان در اکثر امور، مرهون فضل و رحمت خاص الهی

و لو لا فضل الله عليكم و رحمته لا تبعتم الشيطان الا قليلا

بنابر اینکه <قلیلا> صفت برای مصدر محذوف <اتباعاً> باشد.

موانع اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۱۲

۱۲- به کارگیری کلمات نیک و رفتار شایسته، مانع نفوذ شیطان و از بین برنده زمینه های اختلاف و خصومت است. *

و قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن إن الشیطن ینزغ بینهم

بنابر اینکه امر الهی به گفتار نیک، به منظور پیشگیری از نفوذ شیطان باشد، این برداشت به دست می آید.

موانع پیروی از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۲۱

۲۱ - توجه و اعتقاد به شنوا و دانا بودن خداوند به تمامی گفته ها

و رفتار های نهان و آشکار آدمی ، بازدارنده وی از ارتکاب فحشا و منکرات و پیروی از شیطان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ .. فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ..

جمله <و الله سمیع علیم> استینافیه تعلیلیه است و در مقام تعلیل برای جملات پیشین می باشد. بنابراین هشدار خداوند به شنوا و دانا بودن خویش، پس از نهی از پیروی شیطان، می تواند به منظور بازداشتن انسان از گناه و فحشا و تضمین این بازدارندگی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۲ - ۵،۶

۵ - راه شیطان ، در تضاد با درک فطری انسان

إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

واژه <مبین> می رساند که انسان، برای درک دشمنی شیطان و نادرستی وسوسه ها و القائات وی، نیاز به تأمل فراوان ندارد؛ بلکه به آسانی با ذخایر فطری و عقلی خود آن را در می یابد.

۶ - توجه به دشمنی دیرین و آشکار شیطان ، بازدارنده انسان از پیروی او

و لَا يَصِدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

موانع تأثیر وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۶

۶ - توجه به عهد ها و فرمان های الهی و به یاد داشتن همواره آن ، حفاظت کننده آدمی از گرفتار شدن در دام وسوسه های شیطانی است .

و لقد عهدنا .. فنسى ... فأكلا منها

موانع دوستی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- یاد خداوند ، ایمنی بخش انسان از سلطه شیطان و همدمی با

و من يعيش عن ذكر الرحمن نقیض له شیطاناً فهو له قرین

موانع سلطه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۹ - ۲،۴

۲- ایمان آمیخته با توکل بر خدا، مانع هرگونه تسلط شیطان بر انسان است.

إنه لیس له سلطان علی الذین ءامنوا و علی ربهم یتوکلون

۴- استعاذه به خداوند، نوعی توکل بر او و مانع از تسلط شیطان است.

فاستعذ بالله من الشیطن الرجیم . إنه لیس له سلطان علی الذین ءامنوا و علی ربهم ی

برداشت فوق، از جمله <إنه لیس له سلطان علی الذین ... یتوکلون> که تعلیل برای <فاستعذ بالله ...> است استفاده گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۳،۶

۳ - یاد خداوند، ایمنی بخش انسان از سلطه شیطان و همدمی با او

و من يعيش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً فهو له قرین

۶ - ایمان آورندگان به قرآن و پیام وحی، ایمن از سلطه شیاطین

و من يعيش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مراد از <ذکر>، قرآن باشد. شاهد آن، آیات پیشین است که در مورد قرآن بود.

موانع نفوذ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۱۲

۱۲ شیطان ناتوان از گمراه کردن کسانی که معارف و آیات الهی را بخوبی بشناسند و به آنها پایبند باشند .

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن

از اینکه شیطان پس از فاصله گرفتن بلعم باعورا به تعقیب او می پردازد، معلوم می

شود پیش از آن به وی دسترسی نداشته و از گمراه کردن او ناتوان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۱

۱۱ کسانی که دنیاگرا نباشند و از پیروی هواهان نفسانی پرهیز کنند، شیطان راه نفوذی در آنان نخواهد داشت.

فانسلخ منها فأتبعه الشيطان .. و لو شئنا لرفعنه بها و لکنه أخلد إلى الأرض

آیه قبل شیطان را سوق دهنده بلعم به گمراهی معرفی کرد، و آیه مورد بحث بیان می دارد که اگر او دنیاگرا و پیرو هوای خویش نبود، به درجات رفیع می رسید / یعنی شیطان به تعقیب او نمی پرداخت. بنابراین تلاش شیطان برای گمراه سازی پس از تمایل آدمی به دنیا و هوای خویش است.

مؤاخذه اخروی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۹

۹ - شیاطین، مورد مؤاخذه و مجازات در روز قیامت *

نقیض له شیطاناً .. أنکم فی العذاب مشترکون

عذاب شدن شیاطین، می تواند دال بر تکلیف آنان باشد.

مؤمنان و پیروی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - مؤمنان نیز همچون دیگر مردمان، در معرض پیروی از شیطان و گرفتار شدن به زشتی ها و ناپسندی ها (فحشا و منکرات) قرار دارند .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ .. فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

هشدار خداوند به مؤمنان از ارتکاب به فحشا و منکر و پیروی از شیطان، گویای حقیقت یاد شده است.

مؤمنان و شیطان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۴

۴ مؤمنان دارای اعمال صالح، خارج از نفوذ ولایت شیطان هستند.

و من يتخذ الشيطان ولياً .. و الذين آمنوا و عملوا الصلحت

چون پذیرندگان ولایت شیطان، اهل دوزخ شمرده شدند و در مقابل، مؤمنان صالح به بهشت وعده داده شده اند، معلوم می شود که مؤمنان هرگز ولایت شیطان را نپذیرفته اند.

نجات از سلطه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۱۱

۱۱- تنها خداوند می تواند انسان ها را از سلطه و نفوذ شیطان نجات بخشد.

ليس لك عليهم سلطان و كفى بربك و كياً

نجات از وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۱ - ۵

۵ - پرهیز از شرک و رهایی از وسوسه های شیطان، مقدمه و پیش شرط ورود به آستان بندگی خدا و گام نهادن در صراط مستقیم الهی است.

ألم أعهد إليكم ينيء آدم أن لاتعبدا الشيطان .. و أن اعبدوني هذا صراط مستقيم

از تقدم توصیه خداوند به پرهیز از اطاعت شیطان، بر فرمان به عبادت خالص خدا و دعوت به صراط مستقیم، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

نشانه های پیروی از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - سوگند بر ترک نیکی و انفاق به خویشاوندان ، مستمندان و مهاجران ، به صرف لغزش گذشته آنان ، نشانه تأثیر پذیری از

وسوسه

شیطان و پیروی از او است .

لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ... وَ لَا يَأْتِلْ أُولَآءِ الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ يُوتُوا أُولَى

جمله <و لا یأتل...> می تواند عطف بر <و لا تتبعوا خطوات الشیطان...> از نوع عطف خاص بر عام باشد که حاکی از اهمیت موضوع مورد بحث خاص است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین خواهد شد: <ای مؤمنان! از گام های شیطان، بویژه اگر شما را به ترک انفاق خویشاوندان و ... فرا بخواند پیروی نکنید.>

نشانه های دشمنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ نفوذ شیطان در انسان ها و ترغیب آنان به نفاق ، دروغ پردازی ، فریب کاری و طرح توطئه های شوم ، نمودی از دشمنی آشکار او با ایشان است .

إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ .. اِقْتُلُوا يُوسُفَ ... أَرْسَلَهُ مَعْنَا غَدًّا يَرْتَعُ وَ يَلْعَبُ وَ إِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۳

۲۳- تمرد شیطان از سجده بر آدم ، نمایانگر عداوت او با آدمیان است .

فَسَجِدُوا لِإِلَّا إِبْلِيسَ .. وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۳

۳- تزئین اعمال زشت و ناروا ، از راه های اغواگری شیطان و نمودی از دشمنی او نسبت به انسان

وَ لَا يَغْرَبْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ . إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ... أَفَمَنْ زَيْنَ لَهُ سَوْءَ عَمَلِهِ فَرَّاهُ

نشانه های نفوذ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ برهنگی و بی حیایی جوامع بشری نشانه نفوذ شیطان و سلطه وی بر آنان است.

لا یفتنکم الشیطن ... ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

نفرت از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۴

۴ - اظهار نفرت گمراهان ، از شیاطین و وسوسه گران خویش ، در صحنه قیامت و هنگام حضور در پیشگاه خداوند

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلِيتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينِ

نفوذ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۳

۳ نیکو پنداشتن اعمال ناهنجار ، نشانی از نفوذ شیطان در افکار آدمی

وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ نفوذ شیطان در انسان ها و ترغیب آنان به نفاق ، دروغ پردازی ، فریب کاری و طرح توطئه های شوم ، نمودی از دشمنی آشکار او با ایشان است .

إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ .. اَقْتُلُوا يُوسُفَ ... أَرْسَلَهُ مَعْنَا غَدًّا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَ إِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۶

۶- شیطان ، همواره در میان انسان ها به منظور فتنه انگیزی و فسادگری ، نفوذ و رخنه می کند .

إن الشیطن ینزغ بینهم

<نزغ> در لغت به معنای <ورود در امری برای فسادانگیزی> و نیز <فریب و خدعه> است (مفردات راغب و لسان العرب).

نفوذ شیطان به آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۷ - ۴

۴- شیطان ، موجودی قدرتمند و توانا بر صعود و نفوذ بر آسمانها

و حفظها من کلّ شیطن رجیم

نفی سلطه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۷،۹،۱۰

۷- شیطان در قیامت به پیروان گمراه خویش اعلام خواهد کرد که وی هیچ سلطه ای بر آنها ندارد و صرفاً آنان به دعوت او پاسخ مثبت داده اند .

و قال الشیطن . . . و ما کان لی علیکم من سلطن إلاّ أن دعوتکم فاستجبتم لی

۹- دعوت و القای شیطان از انسان سلب اختیار نمی کند و او مسؤول اعمال خویش خواهد بود .

و ما کان لی علیکم من سلطن إلاّ أن دعوتکم فاستجبتم لی فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

۱۰- تلاش شیطان برای گمراهی و اغوای انسان ها ، محدود به دعوت و القاست ، نه غلبه و اجبار

و ما کان لی علیکم من سلطن إلاّ أن دعوتکم فاستجبتم لی

<سلطان> اسم مصدر <سلط> و به معنای قهر و غلبه است.

نقش شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱،۳،۶

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلهما الشیطن عنها

<ازلال> (مصدر ازل) به معنای: لغزایدن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنة> برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجرة> برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع)

و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

۳ - شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما كانا فيه

۶ - شیطان عنصری اغواگر و انسان موجودی اغواپذیر است .

فأزلهما الشيطان عنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۱،۲،۹

۱ - شیطان ، با وسوسه های خویش انسان ها را به کار های بد و شنیع (گناهان کوچک و بزرگ) ترغیب می کند .

إنما يأمرکم بالسوء و الفحشاء

<امر> به معنای فرمان دادن است و در آیه شریفه - به مناسبت حکم و موضوع - مراد از آن وسوسه کردن و مانند آن می باشد. <فحشا> به بدی و زشتی بیش از حد گفته می شود که می توان از آن به گناه بزرگ تعبیر کرد و به قرینه مقابله، مراد از <سوء> گناه کوچک است.

۲ - شیطان ، ترغیب کننده آدمیان به افترا بستن به خداوند (بدعت گذاری و تحریف احکام دین)

إنما يأمرکم .. أن تقولوا علی الله ما لاتعلمون

<قول> و مشتقات آن هرگاه با <علی> متعدی شود به معنای نسبت دادن و افترا بستن است.

۹ - شیطان ، وادار کننده انسان ها به شرک ورزی و ترغیب کننده آنها به دوستی با سران شرک و پیروی از آنان *

و من الناس من یتخذ من دون الله أنداداً .. إنما يأمرکم بالسوء و الفحشاء

از مصداقهای مورد نظر برای <سوء> و <فحشاء> به قرینه آیات قبل، شرک ورزی و

... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۱،۵

۱ رباخواران ، همچون شیطان زدگان آشفته ، دیوانه و پریشان

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ

با توجه به معنای لغوی <تَخَبَّطَ> که دیوانگی و پریشانی است. (التَّخْبِطُ الْمَسِّ بِالْجَنُونِ وَالتَّخِيلُ).

۵ دخالت شیطان در اختلالات روانی

کَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱،۶،۸

۱ شیطان با ایجاد ترس و وحشت ، دوستانش را از شرکت در جهاد بازمی دارد .

أَتَمَّا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ

۶ شیطان مؤمنان را از رویارویی با دوستانش می ترساند .

أَتَمَّا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ

بنابر اینکه مفعول اول از فعل <يَخَوْفُ>، یعنی <کُم>، در تقدیر باشد. یعنی شیطان شما را از دوستانش می ترساند. جمله <فلا تخافوهم>، این احتمال را تأیید می کند.

۸ ایجاد ترس از دشمن در دل های مؤمنان مجاهد ، کار شیطان است .

أَتَمَّا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ شیاطین و طاغوت ها ، عناصری در برابر حکومت پیامبران الهی

الم تر الى الذين يزعمون .. و يريد الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۴ ، ۱۰ ، ۷۸

۷ شیطان ، برانگیزنده مردم به قطع کردن و شکافتن گوش چهارپایان برای حرام پنداشتن استفاده از آنها

و لا مرنهم فلیبتکن ءاذن الأنعم

<ببتک> از مصدر <تبتیک> به معنای شکافتن و

قطع کردن است. در میان مشرکان جاهلی رسم بوده که گوش دام را قطع می کردند و یا می شکافتند تا نشانه حرمت گوشت او یا حرمت بارکشی از آن باشد.

۸ شیطان ، دعوت کننده آدمی به حرام کردن حلال های خداوند

و لا مرنهم فلیتکن ءاذن الأنعم

۱۰ شیطان ، در صدد وادار ساختن انسان ها به تغییر مخلوقات الهی (همانند تبدیل کردن زن به مرد و ...)

و لا مرنهم فلیغیرن خلق الله

۲۴ شیطان ، برانگیزنده مردمان به تحریف دین خدا

لا مرنهم فلیغیرن خلق الله

امام باقر(ع) در مورد <خلق الله> در آیه فوق فرمود: دین الله.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۲۷۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۷، ۳، ۲، ۱

۱ شیطان همواره در صدد ایجاد دشمنی و کینه توزی میان اهل ایمان

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

۲ شراب و قمار ، ابزار شیطان برای ایجاد کینه و عداوت

انما یرید الشیطن . . . فی الخمر و المیسر

۳ جامعه آلوده به دشمنی و کینه توزی ، جامعه ای شیطان زده و مطرود در پیشگاه خداوند

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

۷ شیطان همواره در صدد بازداري مؤمنان از یاد خدا و برپایی نماز

انما يريد الشيطان .. في الخمر و الميسر و يصدكم عن ذكر الله و عن الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ شیطان مانع رشد و کمال و تضرع انسان به درگاه خداوند

فلولا

إذ جاءهم بأسنا تضرعوا .. و زين لهم الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۹، ۱۲، ۱۳

۹ شیطان عامل فراموشکاری انسان در مورد تکالیف الهی است.

و إنا ينسينك الشيطان

۱۲ شیطان دارای توان تأثیر و نفوذ در فعالیتهای ذهنی آدمی است.

و إنا ينسينك الشيطان

فراموشی حالتی است که بر انسان عارض می شود. در اینجا به وجود آمدن این حالت به شیطان اسناد شده است و لذا برداشت فوق استفاده می شود.

۱۳ شیطان در صدد است حکم حرمت حضور در مجلس یاوه گویان مغالطه گر درباره دین فراموش شود.

و إنا ينسينك الشيطان

نون <ینسینک> زایده در <اما>، که برای تأکید می باشد، بیانگر این است که شیطان در صدد به فراموشی کشاندن انسان در این گونه موارد است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۱۲

۱۲ عن أبي جعفر(ع): ان اصحاب محمّد(ص) قالوا: يا رسول الله .. إذا كنا عندك فذكرتنا و رغبتنا و جلنا و نسينا الدنيا و زهدنا ... فاذا خرجنا من عندك و دخلنا هذه البيوت و شممنا الاولاد و رأينا العيال و الاهل يكاد أن نحول عن الحال التي كنا عليها عندك ... فقال لهم رسول الله(ص): ... إن هذه خطوات الشيطان فيرغبكم في الدنيا ...

از امام باقر(ع) روایت شده که یاران رسول خدا(ص) به آن حضرت عرض کردند: .. هنگامی که ما نزد شما هستیم و ما را متذکر می کنید و ترغیب می نمائید احساس ترس می کنیم و دنیا را فراموش کرده و زهد میورزیم

... اما چون از نزد شما خارج می شویم و به خانه های خود می رویم و فرزندان و خانواده را می بینیم، نزدیک است از آن حال معنوی که نزد شما داشتیم برگردیم ... رسول خدا(ص) فرمود: ... این از گامهای شیطان است که شما را به دنیا ترغیب می کند ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ شیطان، تکلیف الهی را در نظر آدم و حوا مانع تکامل و پیشرفت آنان جلوه داد.

ما نهیکما ربکما .. إلا أن تکونا ملکین

<آن تکونا .. > به تقدیر کراهیه، مفعول له برای <ما نهاکما> است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: خداوند بدان جهت که فرشته نشوید و یا جاودانه نگردید، شما را از خوردن ثمره آن درخت بازداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۲، ۱۱، ۷، ۵، ۱

۱ شیطان همواره در صدد اغوای فرزندان آدم (انسانها) است.

بینی ءادم لا یفتنکم الشیطن

۵ شیطان، عنصری فریبکار و انسان، موجودی اغواپذیر

بینی ءادم لا یفتنکم الشیطن کما أخرج أبویکم من الجنة

۷ شیطان عامل برهنگی آدم و حوا و برملا سازنده زشتیهای آنان در بهشت

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

۱۱ شیطان در صدد برملا ساختن زشتیهای آدمیان و کندن لباس تقوای ایشان است.

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

هشدار به فریبکاری شیطان و مطرح کردن برهنه سازی آدم و حوا پس از بیان ارزش برتر لباس تقوا، بیدارباشی است به آدمیان که شیطان در تلاش است تا جامه تقوا را از اندام و قلب و روح آنان

به در آورد.

۱۲ برهنگی و بی حیایی جوامع بشری نشانه نفوذ شیطان و سلطه وی بر آنان است.

لا یفتنکم الشیطن ... ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۱۱، ۱۰، ۸

۸ پیروی از شیطان موجب قرار گرفتن آدمی در زمره گمراهان می شود.

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

۱۰ شیطان در کمین انسان ها برای کشاندن آنان به مسلک گمراهان

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن

عطف جمله <أتبعه...> بر <فانسلخ منها> به وسیله <فاء> دلالت بر این دارد که بین دور شدن بلعم باعورا از آیات الهی و تعقیب شدن از سوی شیطان فاصله ای نبوده است. و این حکایت از در کمین بودن شیطان برای اغواگری انسانها دارد.

۱۱ شیطان از عوامل گمراهی است.

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۰ - ۲، ۱

۱ شیطان با وسوسه های خود همواره در صدد واداشتن انسان ها به تخلف از فرمان های خداوند است.

و إما ینزغنک من الشیطن نزغ

<نزغه> یعنی او را اندکی تحریک کرد و <نزغ> به کلامی گفته می شود که مایه تحریک شود. (لسان العرب). <من الشیطان> حال برای <نزغ> می باشد. و مراد از <نزغ شیطان> وسوسه اوست، بنابراین <اما ینزغنک...>، یعنی اگر وسوسه ای از سوی شیطان تو را تحریک کرد. گفتنی است با توجه به آیه قبل، مراد از تحریک، ترغیب کردن به مخالفت با دستورهای خداوند است.

۲ پیامبران بزرگ نیز مطمع شیطان برای واداشتن آنان به تخلف از

و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ

<إِذَا> مرکب از <إِنْ> شرطیه و <مَا>ی زایده است. تأکید جمله شرطیه با <مَا>ی زایده و نون تأکید ثقلیه برای رساندن این معناست که شرط محقق خواهد شد. بنابراین <إِذَا يَنْزَغَنَّكَ> یعنی اگر شیطان در صدد تحریک تو برآید، که برخواهد آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۱ - ۱

۱ شیطان با گردش در پیرامون آدمی در صدد نفوذ در افکار او و القای وسوسه های خویش است .

إِذْ أَسْهَمَ طُفَّ مِنَ الشَّيْطَانِ

<طَائِفٌ> به کسی یا چیزی گفته می شود که پیرامون محوری در چرخش است. <مَنْ> در <مَنْ الشَّيْطَانُ> می تواند بیانیه باشد. بر این مبنا <طَائِفٌ> همان شیطان است ؛ یعنی شیطان در پیرامون قلبها می چرخد. همچنین <مَنْ> می تواند نشویه باشد که در این صورت مراد از <طَائِفٌ> وسوسه های شیطانی است که برای جایگیر شدن گرداگرد قلبها می چرخد تا راه نفوذ بیابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۲،۳

۲ شیاطین ، بی تقوایان را به گمراهی می کشانند و آنان را در ضلالت فرو می برند .

و إِخْوَانِهِمْ يَمْدُونَهُمْ فِي الْغَى

ضمیر فاعلی در <يَمْدُونَهُمْ> به شیاطین برمی گردد و ضمیر مفعولی به <إِخْوَانِهِمْ>، یعنی <و إِخْوَانِهِمْ الشَّيْطَانِ يَمْدُونَهُمْ> . <مَدٌّ> (مصدر يمدون) به معنای کشیدن است و آوردن <فِي> به جای <إِلَى> برای رساندن این معناست که شیطان بی تقوایان را به عمق گمراهی می برد.

۳ شیطان پس از گمراه ساختن بی تقوایان آنان را در رها

نمی کند و همچنان در منجلاب گمراهی نگه می دارد .

ثم لا يقصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <لا يقصرون> به شیطان بازگردانده شود. <اقصار> (مصدر يقصرون) به معنای دست برداشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۲، ۱۰، ۸

۸ برخی از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و يذهب عنكم رجز الشيطان

۱۰ نزول باران در آستانه جنگ بدر برای تطهیر مجاهدان ، زمینه ساز برطرف شدن نگرانی ها و وسوسه های ایجاد شده از سوی شیطان

و ينزل عليكم ... و يذهب عنكم رجز الشيطان

۱۲ شیطان ، مایه پلیدی ها و ناپاکیها

ليطهرکم به و يذهب عنكم رجز الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۴، ۶

۴ شیطان با توصیف کافران بدر به شکست ناپذیران ، آنان را علیه مسلمانان تشجیع کرد .

و قال لا غالب لكم اليوم من الناس

۶ شیطان ، خط دهنده به جبهه کفر در جنگ بدر

و اذ زين لهم الشيطان أعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۹

۱۹ شیطان ، در ایجاد دشمنی میان انسان ها و واداشتن آنان به مکر و حيله عليه يكدیگر ، نقشی بسزا دارد .

فیکیدوا .. إن الشیطن للاینسن عدو مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ نفوذ شیطان در انسان ها و ترغیب آنان به نفاق ، دروغ پردازی ، فریب کاری و طرح توطئه

های شوم ، نمودی از دشمنی آشکار او با ایشان است .

إن الشیطن للإنسن عدو مبین . .. اقتلوا یوسف ... أرسله معنا غداً یرتع و یلعب و إ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۹،۱۰

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یاد آور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

۱۰ نقش مؤثر شیطان در فراموش کاری انسان

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۲،۲۳،۲۵

۲۲ شیطان از عوامل ایجاد عداوت و کینه

من بعد أن نزع الشیطن بینی و بین إخوتی

۲۳ شیطان عنصری اغواگر و انسان موجودی اغواپذیر

من بعد أن نزع الشیطن بینی و بین إخوتی

۲۵ خداوند ، منشأ نعمت ها و تحقق نیکی ها و شیطان ، ترغیب کننده به فساد ها و تباهیهاست .

قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو من بعد أن نزع الشیطن بینی و بی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲،۹

۲- رهبران مستکبر و پیروانشان ، سرانجام در قیامت شیطان را مسبب اصلی گمراهی خویش قلمداد می کنند .

فقال الضعفاء للذین استکبروا ... قالوا ... و قال الشیطن لَمَا قَضَى الْأَمْرَ إِنَّ اللَّهَ

ذکر سخنان شیطان در قیامت خطاب به گمراهان، پس از ذکر جریان مستکبران و پیروانشان، احتمال دارد از این جهت باشد که آنان گمراهی خویش را به شیطان نسبت می دهند و او درصدد پاسخ گویی برمی آید.

۹- دعوت و القای شیطان از انسان سلب اختیار نمی

کند و او مسؤول اعمال خویش خواهد بود .

و ما کان لی علیکم من سلطن إلاّ أن دعوتکم فاستجبتم لی فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۷

۷- شیطان ، عامل اصلی شرک به خداوند است .

و الذین هم به مشرکون

برداشت فوق، بر این احتمال است که ضمیر <به> به شیطان برگردد و <باء> دال بر سببیت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۷

۷- شیطان ، برای عدم ملاقات موسی و خضر (ع) تلاش می کرد .

فإنی نسیت .. و ما أنسنيه إلاّ الشیطن أن أذکره

همسفر موسی با اداات حصر، فراموشی خود را، تنها، به شیطان منتسب کرد؛ یعنی، هیچ عامل دیگری در کار نبوده است. لذا این نتیجه به دست می آید که شیطان، به هر طریق، می خواسته که مانع ملاقات موسی و خضر(ع) شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۳

۳- شیطان ، سردمدار دعوت مردم به شرک و بت پرستی است .

لِمَ تعبد ما لا یسمع .. لا تعبد الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۳

۳- شیطان ، ترویج کننده کفر و انکار معاد

و يقول الإنس) .. لنحشرنهم والشيطان

یاد کردن از شیطان در این آیه به عنوان همراه و هم دوش کافران در صحنه قیامت، گویای نقش شیطان در کفرورزی ها و سردمداری او در این صحنه ها است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۱۳

۱۳ - شیطان ، نمی تواند انسان را به خواسته های خویش مجبور سازد .

فوسوس .. هل أدلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۴

۴ - شیطان با وسوسه و اغواگری خود ، زمینه ساز اخراج آدم و حوا از بهشت و هبوط آنان به زمین گردید .

فوسوس إلیه الشیطن .. قال اهبطا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۷

۷ - شیطان ، مظهر وسوسه گری و انحراف و دارای افراد و نیرو های متعدد

أعوذ بک من همزت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۶

۶ شیطان ، درافکننده آدمی به پست ترین مراتب ذلت و خواری

و کان الشیطن للإنسن خذولاً

<خذول> صیغه مبالغه از ماده <خذلان> است یعنی ، شدیدترین مرحله خواری.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۰ - ۱،۲

۱ - شیاطین ، فاقد کمترین نقش و دخالت در نزول آیات قرآن

و ما تنزّلت به الشیطان

۲- اتهام مشرکان به پیامبر (ص)، مبنی بر دریافت قرآن از شیاطین

و ما تنزّلت به الشیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- زیبا جلوه دادن اعمال گمراهان در نظرشان، از شیوه های اغواگری شیطان

و زین لهم الشیطان أعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص -

۱۳ - شیطان ، دشمن انسان و عامل گمراهی وی

إِنَّهٗ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ

۱۵ - قتل ناخواسته فرد قبطی به وسیله موسی (ع) ، نمود دشمنی و گمراه گری شیطان

هذا من عمل الشیطن إِنَّهٗ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ - شیطان ، قوم عاد و ثمود را ، از راه خدا بازداشت .

و زین لهم الشیطن أعملهم فصدّهم عن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ - شیطان ، بازدارنده انسان ها از تبعیت از دین است .

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ .. أَوْ لَوْ كَانَ الشیطن یدعوهم إلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۷

۷ - شیطان ، موجودی بسیار فریبکار

و لایغرّنکم بالله الغرور

<غرور> صیغیه مبالغه و به معنای بسیار فریبکار است و به قرینه آیه بعد مقصود از آن شیطان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۵

۵- نقش شیطان، فریب کاری و فراخواندن به بدی است.

إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

برداشت یاد شده، از آن جا است که در این آیه نسبت به تلاش شیطان، تعبیر <دعوت> به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۲

۲- شیطان، زیبا جلوه دهنده رفتار زشت مردم در نگاه آنان است.

و لا یغرنکم باللّٰه

الغرور . إن الشيطان لكم عدو... أظن زین له سوء عمله فرءاه

فعل <زین> مجهول و فاعل آن ذکر نشده است ولی به قرینه آیات پیشین، به دست می آید که فاعل و تزیین کننده، شیطان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۴،۶

۴ - امر و نهی کردن و فرمان دادن ، نقش شیطان در ارتباط با انسان ها است .

ألم أعهد إليكم بيني ءادم أن لاتعبدوا الشيطان

با توجه به کاربرد <عبادت> در معنای <اطاعت> (در آیه شریفه)، برداشت یاد شده به دست می آید.

۶ - نقش شیطان ، در پیدایش جرم و تبه کاری در میان بنی آدم

أيها المجرمون . ألم أعهد إليكم بيني ءادم أن لاتعبدوا الشيطان

سرزنش کردن مجرمان به علت اطاعت از شیطان، می تواند بیانگر این نکته باشد که شیطان، مشوق و تحریک کننده انسان به انجام جرم و تبه کاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۱،۲

۱ - گروه بسیاری از انسان ها به دست شیطان گمراه شدند .

ألم أعهد إليكم بيني ءادم أن لاتعبدوا الشيطان . .. و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً

<جبل> اسم جمع و مشتق از <جبل> (خلق) است و به معنای گروهی از مردم می باشد.

۲ - شیطان ، از عوامل گمراهی انسان ها

و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۷

۷- دشمنان خدا، گرفتار شیاطین و تحت نفوذ تبلیغات گسترده آنها

و قیضنا لهم قرناء فزینوا لهم ما

بین آید بهم و ما خلفهم

با توجه به این که بسیاری از مفسران <قرناء> را شیاطین دانسته اند، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۲

۲ - شیطان ، محرک انسان ها به نزاع ، دشمنی و کشمکش

ادفع بالتی هی أحسن . . . و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۱

۱ - شیاطین ، مانع بازگشت انسان های غافل از یاد خدا به راه حق

و إِنَّهُمْ لَيَصِدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۲، ۱۱، ۲

۲- شیطان ، از موانع جدی گرایش آگاهان ، به حق و هدایت

من بعد ما تبين لهم الهدى الشيطان سؤل لهم

۱۱- شیطان ، هموارکننده راه گناه و کفر ، در نگاه انسان ها

الشيطان سؤل لهم

واژه <سؤل> ممکن است به معنای <سهل> باشد.

۱۲- شیطان ، یاری دهنده حق گریزان ، در روی گردانی از ایمان و هدایت

و أملى لهم

مفاد <أملى> ممکن است امداد و یاری رساندن باشد.

۵ شیطان مسلط بر فرد کافر ، همراه با او تا لحظه حضور در دادگاه قیامت *

و قال قرینه هذا ما لدی عتید

برداشت بالا بنابر این نکته است که مراد از <قرین> در این آیه <شیطان> باشد که بر منکران معاد تسلط دارد و آنان را آن گونه که می خواهد منحرف ساخته و تا دادگاه قیامت

وی را همراهی می کند و در آن جا به مخاصمه با او برمی خیزد.

۶ کافر ، دست پرورده شیطان *

و قال قرینه هذا ما لدی عتید

برداشت یاد شده در صورتی است که <قرین> به معنای شیطان باشد، چه این که در آیات بعد <قرین> اشاره به <شیطان> دارد. واژه <عتید> می رساند که منکران معاد، دست آموز و دست پرورده شیطان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۲،۴

۲ - منافقان ، ابراز دست شیطان و تحت تأثیر القائنات او

ألم تر إلى الذين نهوا عن النجوى . . . إنما النجوى من الشيطان

۴ - شیطان ، دشمن مؤمنان و در پی ناراحت و اندوهگین کردن آنان است .

إنما النجوى من الشيطان ليحزن الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۹ - ۲،۴

۲ - شیطان ، در صورت چیره شدن بر انسان ، خدا را از یاد او می برد .

فأنسهم ذكر الله

۴ - فراموش شدن خدا در زندگی منافقان ، نتیجه استیلاى شیطان بر آنان

استحوذ عليهم الشيطان فأنسهم ذكر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۳،۴

۳ - شیطان ، محرک و مشوق اصلی انسان ها به کفر

کمثل الشیطن إذ قال للإنسن اکفر

با توجه به این که <شیطان> مشبه به است؛ نقش محوری او در تحریک به کفر استفاده می شود.

۴- انسان در گرایش به کفر، دارای آزادی و اختیارات بوده و وسوس های شیطان، فقط در حد دعوت و انگیزش است.

إذ

قال للإِنسَن اِکْفَر فَلَما کَفَر

امر <اُکْفَر>، نشانگر نقش شیطان در انگیزش انسان است و معنای <کفر> با انتساب آن به خود انسان، بیانگر اختیار آدمی در انتخاب راه است.

نواهی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۴

۴ - امر و نهی کردن و فرمان دادن، نقش شیطان در ارتباط با انسان ها است .

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَیکُمْ بَیْنِیْ وَأَدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّیْطَانَ

با توجه به کاربرد <عبادت> در معنای <اطاعت> (در آیه شریفه)، برداشت یاد شده به دست می آید.

نهی از پیروی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۱

۱ - خداوند، مؤمنان را از پیروی شیطان و گام نهادن در راه او، بر حذر می دارد .

يَأْتِهَا الذِّیْنُ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوٰتِ الشَّیْطَانِ

نهی از عبادت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۱،۱۰

۱ - اطاعت نکردن از شیطان و تسلیم نشدن در برابر او، توصیه خداوند به فرزندان آدم

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَیکُمْ بَیْنِیْ وَأَدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّیْطَانَ

بیشتر مفسران بر آنند که مقصود از <عهد> در آیه شریفه، <توصیه> است زیرا در این معنا به ویژه آن گاه که با <إلی> متعدی شود بسیار به کار رفته است. مقصود از <عبادت شیطان> نیز، اطاعت و حرف شنوی از شیطان است نه پرستش او.

تعبیر به عبادت می تواند به این دلیل باشد که او در برابر فرمان به عبادت خدا (و أن اعبدوننی)، به عبادت خدایان دیگر فرمان می دهد.

ضرورت اطاعت نکردن از دشمن ، امری است بدیهی و روشن .

أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ . إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

برداشت یاد شده از تعلیل < إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ > استفاده می شود؛ زیرا تعلیل در چنین مواردی، حاکی از تعمیم حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) ، آزر را از پرستش شیطان برحذر داشت .

يَأْتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ

وسوسه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۸ - ۹

۹ فریبکاری و وسوسه شیطان ، از راه های گوناگون و تدریجی است .

و لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ

کلمه <خطوات> که به معنی <گامها> است ؛ بیانگر راههای متعدّد شیطان برای فریبکاری است. و چون گامها همیشه یکی پس از دیگری برداشته می شود، حکایت از تدریجی بودن آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۵۸

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إِلَّا أَنْ تَكُونَ مَلَكِينَ أَوْ تَكُونَ مِنَ الْخَالِدِينَ

۸ دروغ، اساس کار شیطان در وسوسه گری و فریب دادن آدم و حوا

مَا نَهَيْكُمَا رَبُّكُمَا .. أَوْ تَكُونَ مِنَ الْخَالِدِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۰ - ۳،۶،۱

۱ شیطان با وسوسه های خود همواره در صدد واداشتن انسان ها به تخلف از فرمان های خداوند است .

و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ

<نزغه> یعنی

او را اندکی تحریک کرد و <نزغ> به کلامی گفته می شود که مایه تحریک شود. (لسان العرب). <من الشیطان> حال برای <نزغ> می باشد. و مراد از <نزغ شیطان> وسوسه اوست، بنابراین <اما ینزغنک ...>، یعنی اگر وسوسه ای از سوی شیطان تو را تحریک کرد. گفتنی است با توجه به آیه قبل، مراد از تحریک، ترغیب کردن به مخالفت با دستوره‌های خداوند است.

۳ پناه خواستن از خدا به هنگام مواجه شدن با وسوسه های شیطان ، فرمان خداوند به پیامبر (ص)

إما ینزغنک .. فاستغذ بالله

۶ باور به شنوایی و آگاهی گسترده خداوند مایه التجا به او در برابر وسوسه گری های شیطان

فاستغذ بالله إنه سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۱ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ شیطان با گردش در پیرامون آدمی در صدد نفوذ در افکار او و القای وسوسه های خویش است .

إذ امسهم طئف من الشیطن

<طائف> به کسی یا چیزی گفته می شود که پیرامون محوری در چرخش است. <من> در <من الشیطان> می تواند بیانیه باشد. بر این مبنا <طائف> همان شیطان است ؛ یعنی شیطان در پیرامون قلبها می چرخد. همچنین <من> می تواند نشویه باشد که در این صورت مراد از <طائف> وسوسه های شیطانی است که برای جایگیر شدن گرداگرد قلبها می چرخد تا راه نفوذ بیابد.

۲ تقوای پیشگان به هنگام مواجه شدن با شیطان و وسوسه های او ، فرمان های خدا را به یاد آورده و به راهی که مسیر تقواست ، واقف می شوند .

إن الذین اتقوا إذ امسهم

طئف من الشیطن تذکروا فإذا هم مبصرون

تذکر در اینجا به معنای توجه کردن و به خاطر آوردن دانسته هاست و مراد از دانسته ها، به قرینه آیه ۱۹۹، اوامر الهی است. <ابصار> (مصدر مبصرون) به معنای بینا شدن و آگاهی یافتن است و مراد از آن به دلیل <الذین اتقوا> قرار گرفتن در مسیر تقوای پیشگی و در نتیجه رهیدن از دام شیطان است.

۳ تقوای پیشگان به هنگام احساس وسوسه گری های شیطان با یادآوری فرمان خدا (استعاذه) به وی پناه می برند و با بصیرت و آگاهی از دام شیطان می رهند.

إذ امسهم طئف من الشیطن تذکروا فإذا هم مبصرون

در برداشت فوق، به قرینه <فاستعد بالله> در آیه قبل، متعلق <تذکروا> لزوم استعاذه گرفته شده است.

۴ باور به شنوایی و آگاهی خدا، زمینه ساز دور ماندن از وسوسه های شیطان و رهیدن از دام اوست.

تذکروا فإذا هم مبصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که متعلق <تذکروا>، به قرینه فراز قبل (إنه سمیع علیم)، شنوایی و آگاهی خداوند باشد.

۶ تقوا عامل توجه آدمی به خداوند و فرمان های او به هنگام وسوسه انگیزی های شیطان

إن الذین اتقوا إذ امسهم طئف من الشیطن تذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ نزول باران در آستانه جنگ بدر برای تطهیر مجاهدان، زمینه ساز برطرف شدن نگرانی ها و وسوسه های ایجاد شده از سوی شیطان

و ينزل علیکم ... و یذهب عنکم رجز الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶

۱ - هشدار خداوند به همه انسان ها ، در رابطه با وسوسه و فریبکاری های شیطان

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۴

۴ - انسان در گرایش به کفر ، دارای آزادی و اختیارات بوده و وسوسه های شیطان ، فقط در حد دعوت و انگیزش است .

إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ

امر <أكفر> ، نشانگر نقش شیطان در انگیزش انسان است و معنای <کفر> با انتساب آن به خود انسان، بیانگر اختیار آدمی در انتخاب راه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۶،۷

۶ - شیطان ، موجودی بس وسوسه گر و پنهان کار

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

یکی از مصداق های مورد نظر برای <وسواس> به قرینه کلمه <جَنَّةَ> در آخر سوره <شیطان> است.

۷ - شیطان ، فریب کاری که پس از القای فکر پلید در انسان ، خود را کنار کشیده و متواری می شود .

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

برای فعل <خَنَّسَ> چند معنا ذکر شده است؛ از جمله: عقب نشینی کرد؛ بازگشت، متواری و غایب شد (لسان العرب). براساس این معانی، آیه شریفه ترسیمی از وسوسه گری های شیطان دارد که پس از هر وسوسه، خود را عقب کشیده، مخفی می شود؛ تا آن وسوسه کار خود را کرده و زمینه را برای وسوسه بعدی فراهم سازد.

وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ آزادی انسان در پذیرش دعوت خدا و یا وسوسه شیطان

الشَّيْطَان

یعدکم .. و الله یعدکم مغفره منه و فضلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۱

۲۱ شیطان با وسوسه ها و دسیسه های خویش ، میان یوسف (ع) و برادرانش فسادانگیزی کرد .

من بعد أن نزع الشیطن بینی و بین إخوتی

<نزع> به معنای تحریک کردن بر فساد است و مراد از <نزع شیطان> وسوسه هایی است که او برای ایجاد فساد به انسانها القا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۱،۵

۱- بندگان مقرب خدا ، مصون از سلطه شیطان هستند .

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

۵- عبودیت و بندگی خداوند ، بیمه کننده و نیروبخش آدمیان در برابر وسوسه ها و لشکرکشی های شیطان

لأحتکنّ ذرّیّته .. إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۲،۳

۲ - شیطان ، موجودی وسوسه گر در دل های آدمیان

فوسوس إلیه الشیطن

۳ - شیطان با وسوسه آدم در بهشت ، سعی در زمینه سازی برای اخراج آنان از بهشت داشت .

فلا یخرجنکما .. فوسوس إلیه الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آدم و حوا (ع)، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إليه الشیطن . .. فأکلا منها

۵ - تأثیرپذیری آدم از وسوسه شیطان و تناول از درخت ممنوع ، نمودی از فراموش کاری آدم از عهد الهی بود .

و لقد عهدنا

... فَنَسِيَ ... فَأَكَلَا مِنْهَا

بیان داستان آدم و حوا، و خوردن از درخت ممنوع و پی آمدهای آن، جملگی در توضیح نخستین آیه این مجموعه و بیان فراموش کاری آدم(ع) در مورد عهد الهی و نبودن عزم جدی در او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۱،۴،۷

۱ - استعاذه (پناه بردن) به خدا از وسوسه های شیطان، از رهنمود های الهی به پیامبر (ص)

و قل ربّ أعوذ بك من همزت الشیطين

<عوذ> (مصدر <أعوذ>) به معنای پناه بردن و <همزه> (مفرد <همزات>) به معنای وسوسه است.

۴ - همه انسان ها، حتی پیامبران، در معرض هجوم وسوسه های شیطان

و قل ربّ أعوذ بك من همزت الشیطين

۷ - شیطان، مظهر وسوسه گری و انحراف و دارای افراد و نیرو های متعدد

أعوذ بك من همزت الشیطين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۵

۵ - مردم سبا، دلبسته و مفتخر به آداب و عقاید نادرست خود و گرفتار در دسیسه های شیطان

و زين لهم الشیطين أعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۳

۳ - هشدار خداوند به فرزندان آدم، درباره وسوسه های گمراه کننده شیطان

ألم أعهد إلیکم بینی ءادم أن لاتعبدوا الشیطن . . . و لقد أضلّ منکم جبلاً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۷۸

۷ - شیطان ، ایوب (ع) را به خاطر گرفتار

بودنش در رنج و عذاب سخت وسوسه می کرد .

أَنْتَى مَسْنَى الشَّيْطَانِ بِنَصْبٍ وَ عَذَابٍ

<مسّ شیطان> به معنای وسوسه و نزدیک شدن او برای فریب است و <باء> در <بنصب> برای سببیت است؛ یعنی، شیطان وقتی ایوب(ع) را گرفتار رنج و عذاب دید، به وسوسه او پرداخت.

۸- شکوه ایوب (ع) به درگاه الهی، از دست وسوسه های شیطان در مورد ابتلای آن حضرت به سختی ها و رنج ها

إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنْتَى مَسْنَى الشَّيْطَانِ بِنَصْبٍ وَ عَذَابٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۱،۴،۱۰

۱ - لزوم استعاذه (پناه بردن) به خداوند، در برابر وسوسه ها و تهییج های شیطان

وَ إِمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

۴ - تلاش شیطان، در واداشتن مؤمنان و پیامبر (ص) به انتقام جویی

ادفع بالتی هی أحسن .. و إِمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ

تأکید در فعل <ینزعَنَّک> اشعار به تلاش شیطان دارد و از آن جا که این آیه در پی توصیه به شیوه برخورد نیکو و به دور از انتقام جویی در برابر بدرفتاری دیگران آمده است، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۰ - علم و آگاهی خداوند، مقتضی استعاذه و پناه بردن به او در برابر وسوسه های شیطان

فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

وضوح اضلال شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ - دشمنی و گمراه گری شیطان، امری روشن و غیر قابل انکار

إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ

وضوح دشمنی شیطان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ - دشمنی و گمراه گری شیطان ، امری روشن و غیر قابل انکار

إِنَّهٗ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۷،۸

۷ - شیطان ، دشمن مسلّم و آشکار انسان است .

إِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

۸ - دشمنی شیطان نسبت به انسان ، امری روشن و تردیدناپذیر است .

أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

برداشت یاد شده از این رو است که جمله <إِنَّهٗ لَكُمْ..> (یعنی مسلّم بودن دشمنی شیطان نسبت به انسان)، تعلیل برای نهی از پیروی او قرار گرفته است و تعلیل به امری آن گاه صحیح است که آن امر، از امور مسلّم و روشن باشد.

وعدّه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۰ - ۱،۲،۳،۵

۱ وعدّه های دروغین و ایجاد آرزو های موهوم ، از روش های شیطان برای گمراه ساختن مردم

و لا ضلنهم .. یعدهم و یمنیهم و ما یعدهم الشیطان الا غروراً

۲ وعدّه های شیطان ، جز دروغ و فریب نیست .

یعدهم و یمنیهم و ما یعدهم الشیطان الا غروراً

۳ وعدّه های دروغین شیطان ، زمینه برانگیختن آرزو های پوچ در انسان

يَعْدُهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَمَا يَعْدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

۵ دلخوشی به وعده ها و آرزو های شیطانی ، زیانی آشکار

فقد خسر خسراً مبیناً. يعدهم و يمنيهم و ما يعدهم الشيطان الا غروراً

جمله <يعدهم و يمنيهم> دلیل برای جمله <فقد خسر خسراً مبیناً> است.

وعده های شیطان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۴

۱۴- وعده دادن و آرزو پروری ، از شگرد های شیطان در به دام افکندن انسان

و شارکهم ... و عدهم

ولایت بر پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۸

۸- امتهایی که تحت تأثیر اغوای شیطان ، تسلیم انبیا نشدند ، تحت ولایت شیطانند .

أَمْ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيْنَ لَهِمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَعُوْا وَلِيَهُمُ الْيَوْمَ

ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۹

۱۹ مؤمنان مجاهد ، از اولیای خداوند و دور از ولایت شیطان هستند . *

أَمَّا ذَلِكَمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ .. ان كنتم مؤمنين

چون دشمنان دین (کافران و منافقان) از اولیای شیطانند، بنابراین مجاهدان، دور از ولایت شیطان و در نتیجه از اولیای خدا خواهند بود. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که <يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ> به معنای <يخوفكم اولیاءه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۱

۲۱ انحراف در تفکر و ایجاد آرزو های باطل و سپس تحت فرمان گرفتن ، راه و روش شیطان برای اغوای مردم و سرپرستی آنان

و لا ضلنهم و لا منینهم .. و لا مرنهم فلیغیرن خلق الله و من یتخذ الشیطن ولیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۴

۴ مؤمنان دارای اعمالِ صالح ، خارج از نفوذِ ولایت شیطان هستند .

و من يتخذ الشيطان ولياً .. و الذين ءامنوا و

چون پذیرندگان ولایت شیطان، اهل دوزخ شمرده شدند و در مقابل، مؤمنان صالح به بهشت وعده داده شده اند، معلوم می شود که مؤمنان هرگز ولایت شیطان را نپذیرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۵

۵ بدعتگذاران در دین، عناصری پیرو شیطان و تحت ولایت او هستند.

إنا جعلنا الشیطن أولیاء للذین لا یؤمنون .. الله أمرنا بها

ویژگیهای شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۲

۲ - شیطان، موجودی وسوسه گر در دل های آدمیان

فوسوس إلیه الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۷

۷ - شیطان در وسوسه و به انحراف کشاندن آدمیان، از توانی گسترده برخوردار است .

و إِمَّا یَنزَغُنْكَ مِنَ الشَّیْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که پیامبر(ص) نیز در برابر وسوسه های شیطان، نیازمند به استعاذه و پناه بردن به خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۶

۶ - شیطان، موجودی بس وسوسه گر و پنهان کار

من شرّ الوسواس الخنّاس

یکی از مصداق های مورد نظر برای <وسواس> به قرینه کلمه <جَنّه> در آخر سوره <شیطان> است.

هبوط شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۸

۸ - خداوند به شیطان فرمان داد تا از بهشت خارج شود و به زمین فرود آید .

و قلنا اهبطوا

<اهبطوا> - به صورت

صیغه جمع - می نمایاند که: خطاب در آن، علاوه بر آدم(ع) و حوا متوجه شخص و یا اشخاص دیگری نیز هست. برخی بر این نظر هستند که شیطان نیز مخاطب آن امر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۳

۳ - خداوند، شیطان را نیز از بهشت خارج کرد. *

قلنا اهبطوا منها جميعاً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: خطاب در <اهبطوا> علاوه بر آدم(ع) و حوا، شامل شیطان نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۲،۴،۱

۱ خداوند به آدم، حوا و شیطان فرمان داد تا از بهشت به زمین فرو آیند.

قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو

مفعول <اهبطوا> به قرینه <و لکم فی الأرض مستقر> کلمه <الأرض> است.

۲ هبوط آدمیان و شیطان به زمین همراه با عداوت و دشمنی با یکدیگر

قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو

چنانچه مخاطب <اهبطوا>، آدم و حوا و شیطان باشد، مراد از <بعضکم لبعض>، شیطان از یکسو و آدمیان از سوی دیگر است.

۴ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدلیهما بغرور .. قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۲

۲ - خداوند، شیطان را به دلیل وسوسه گری و فریب دادن آدم، از بهشت اخراج کرد و به فرود آمدن به زمین فرمان داد.

فوسوس إليه الشيطان . . . قال اهبطا منها جميعًا

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مخاطب در <اهبطا>

آدم و شیطان باشند.

هماهنگی پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۷

۷ - طرفداران و پیروان شیطان ، گروهی هم سو و هم نوا

إنما يدعوا حزبه

از به کار رفتن تعبیر <حزب> درباره طرفداران و پیروان شیطان، برداشت یاد شده به دست می آید.

همدمی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۱،۸

۱ هر کافر و مشرک ، دارای قرین و همراهی از شیاطین

قال قرینه

<قرین> در این آیه، به قرینه محتوای <ما أطغیته> و نیز <قدّمت إلیکم بالوعید> در آیه بعد، قرینی است شیطانی و گمراه گر.

۸ > عن أبی عبد الله (ع) فی قول الله تبارک و تعالی ... > قال قرینه ربّنا ما أطغیته < قال : هو شیطان ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجلّ .. (قال قرینه ربّنا ما أطغیته) روایت شده که فرمود: آن قرین شیطان است.<

همنشینان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۹

۹ - روی گردانان از یاد خدا و پیام وحی ، هر یک گرفتار شیطان خاص خویش

و من يعيش عن ذكر الرحمن نقيض له شيطناً فهو له قرين

تکرار <له> ممکن است اشاره به این جهت داشته باشد که هر فردی، برای خود شیطانی خاص دارد.

همنشینی با شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۷ - ۴

۴ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله < و إذا النفوس زوجت >

قال : أمّا أهل الجنّة فزوّجوا الخيرات و الحسان و أمّا أهل النار فمع كلّ إنسان منهم شيطان ;

از امام باقر(ع) در تفسیر قول خداوند <و إذا النفوس زوّجت> روایت شده که فرمود: اهل بهشت با زنان زیبا و نیکو خلق ازدواج می کنند و اما اهل آتش، با هر انسانی از آنان شیطانی [قرین] است.<

هوشیاری در مقابل شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۴

۱۴ ضرورت هشیاری کامل در برابر اغواگریهای شیطان به دلیل توان وی بر نفوذ مخفیانه بر آدمیان و سیطره و حاکمیت او بر اغواشدگان

لا یفتنکم الشیطن ... إنا جعلنا الشیطن أولیاء للذین لا یؤمنون

دو جمله <إنه یراکم .. > و <إنا جعلنا ... > به منزله تعلیلی است برای تأکید خداوند به پرهیز از اغواگریهای شیطان. یعنی توصیه و تأکید ما بدان جهت است که وی راه نفوذ مخفیانه را دارد و پس از گمراه کردنتان بر شما ولایت پیدا خواهد کرد.

یأس شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۵

۵ شیطان ، مأیوس از گمراه شدن گروهی از مردم توسط وی

و قال لاتخذن من عبادک نصیباً مفروضاً

شیطان، بی تردید خواهان گمراهی تمامی مردم است؛ بنابراین گفته او که برخی از بندگان را به اطاعت از خود خواهم گرفت، حکایت از ناامیدی او نسبت به اغوای همه مردم دارد.

یعقوب(ع) و نقش شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲۱

رؤیای یوسف (ع) را به تحریک شیطان می دانست و یوسف (ع) را از آن برحذر داشت .

لا تقصص رءیاك على إخوتك .. إن الشیطن للإنسن عدو مبین

جمله <إن الشیطان ..> هم ناظر به <فیکیدوا...> است و هم ناظر به <لا تقصص رؤیاك>. بنابر وجه دوم، مفاد جمله <لا تقصص...> به ضمیمه <إن الشیطان> چنین می شود: شیطان درصدد است که تو را به افشای رؤیایت وا دارد، پس برحذر باش!

شیشه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شیشه

تاریخ شیشه گری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - صنعت شیشه و استفاده از آن برای روشنایی ، در عصر بعثت وجود داشت .

فی زجاجه الزجاجه کأنها کوب دری

شیشه های کاخ سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۴،۶،۳

۳ - قصر سلیمان ، قصری مجلل و باشکوه ، با صحنی مفروش از آبگینه های آب نما

قال إنه صرح ممرد من قواریر

<ممرد> معادل صاف و <قاروره> (مفرد <قواریر>) مرادف شیشه و آبگینه است؛ یعنی، این صحن از آبگینه صاف، مفروش شده است.

۴ - بلقیس ، برای عبور از آبگینه های آب نما ، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد .

فلما رآته حسبته لجه و کشف عن ساقیها

۶- اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجه .. قال إنه صرح ممرد من قواریر

فواید شیشه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۳

- ۱۳

شیشه ، موجب انعکاس بیشتر و بهتر نور است .

فی زجاجه الزجاجه كأنها كوكب درى

تشبیه در مقام، این است که نور را پر فروغ نشان دهد و از این روی مصباحی را مثل می زند که در شیشه است و شیشه نیز همانند ستاره درخشان است.

شیشه گری

تاریخ شیشه گری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - صنعت شیشه و استفاده از آن برای روشنایی ، در عصر بعثت وجود داشت .

فی زجاجه الزجاجه كأنها كوكب درى

شیعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

شیعه

فضایل شیعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۲۲

۲۲- > عن أبی جعفر (ع) قال : ... إن أبانا إبراهیم (ع) ... قال : > فاجعل أفئدة من الناس تهوی إلیهم < أما إنه لم یقل الناس کلهم ، أنتم أولئک رحمکم الله ... و ینبغی للناس ... أن یلقونا أینما کنا نحن الأدلاء علی الله ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:.. همانا پدر ما ابراهیم(ع) ... گفت: > فاجعل أفئدة من الناس إلیهم < آیا[چنین] نیست که تمام مردم را نگفته است؟ شما [شیعیان] همان [مردم در کلام ابراهیم(ع)] هستید ... و سزاوار است که مردم ... با ما ملاقات کنند در هر کجا که باشیم. ما راهنمایان به سوی خدا هستیم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۳ - ۵

٥ - > محمد بن فضيل عن أبي الحسن (ع) أنه قال :

أولئك أصحاب الخمسين صلاه من شيعتنا . . . ;

محمد بن فضیل از امام کاظم (ع) [درباره آیه <الذین هم علی صلاتهم دائمون>] روایت نموده که فرمود: آنان اصحاب پنجاه رکعت نماز، از شیعیان ما هستند. گفتنی است که: الف مقصود از <پنجاه رکعت نماز> نمازهای یومیه به علاوه نافله های آن است. ب تعداد رکعات نمازهای یومیه و نوافل آن ۵۱ رکعت است لکن در برخی روایات درباره نافله عشاء آمده که این یک رکعت از نوافل بشمار نمی آید بلکه مستحبی است که صرفاً به منظور دو برابر شدن تعداد رکعات نافله نسبت به نمازهای یومیه اضافه شده است. (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۵۵، ح ۱۳۱۸). براساس این روایات، مجموع عدد نمازهای یومیه و نوافل پنجاه رکعت است.

شیعیان

اغوانا پذیری شیعیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۱۳

۱۳- > عن محمد الخزاعي قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يذكر في حديث غدیر خم انه لما قال النبي (ص) لعليّ (ع) ما قال : . . قال النبي (ص) : . . . > إن عبادي ليس لك عليهم سلطان < . . . صرخ إبليس صرخه ، فرجعت إليه العفاريت فقالوا : يا سيدنا ما هذه الصرخه . . . ؟ قال : و الله من أصحاب عليّ . . . ;

محمد خزاعی گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که در باره حادثه غدیر خم می فرمود: هنگامی که رسول خدا (ص) با علی (ع) سخن می گفت در باره سخن خداوند عزوجل < إن عبادي ليس لك عليهم سلطان >

فرمود: .. آن گاه ابلیس نعره ای کشید، پس با آن صدا، عفریتها به وی رجوع کردند و گفتند: ای سید ما! این نعره برای چه بود؟ ابلیس گفت: به خدا سوگند به خاطر اصحاب علی(ع)...<

حاکمیت شیعیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۷

۲۷ - > عن علی بن الحسین (ع) انه قرء الآیه > و عد الله الذین آمنوا منکم ... < و قال : هم والله شیعتنا أهل البيت یفعل الله ذالک بهم علی یدی رجل منّا و هو مهدی هذه الأئمه ... ;

از حضرت علی بن الحسین(ع) روایت شده است که آن حضرت در پی تلاوت آیه <وعد الله الذی آمنوا منکم..> فرمود: سوگند به خدا! آنان شیعیان ما اهل بیت هستند که خداوند به سبب مردی از خاندان ما که مهدی(عج) این امت باشد آنان را خلیفه روی زمین قرار خواهد داد...<

حسابرسی شیعیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۶

۶ - > عن قبیصه بن یزید الجعفی قال : دخلت علی الصادق جعفر بن محمد (ع) ... قلت ... أسألك عن قول الله تعالی > إِنَّ إلینا إیابهم . ثمَّ إِنَّ علینا حسابهم < قال : نعم یا قبیصه إذا کان یوم القیامه جعل الله حساب شیعتنا علینا فما کان بینهم و بین الله استوهبه محمد (ص) من الله و ما کان فیما بینهم و بین الناس من المظالم أذاه محمد (ص) عنهم

و ما كان فيما بيننا و بينهم و هبناه لهم حتى يدخلون الجنة بغير حساب ۱

قبیصه بن یزید جعفی روایت کرده که خدمت امام صادق(ع) رسیدم و گفتم: از شما درباره سخن خدای تعالی >إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ . ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ< سؤال دارم امام فرمود: آری ای قبیصه! زمانی که قیامت برپا شود، خداوند حساب شیعیان ما را به ما واگذار می کند. پس هر چه [از خطا و گناه] که بین آنان و خدا باشد، [حضرت] محمد(ص) از خداوند بخشش آن را طلب می کند و آنچه از مظلومه و حقوق که بین آنان و مردم باشد، آن را نیز [حضرت] محمد(ص) پرداخت می کند و آنچه [از حقوق] این ما و آنان باشد، ما به آنان می بخشاییم ۲ تا این که بدون حساب وارد بهشت شوند.<

شیعیان و دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۱ - ۱۲

۱۲ عن الحسين بن علي(ع): ما احد على مله ابراهيم الا نحن و شيعتنا . . .

از امام حسین(ع) روایت شده است: هیچ کس، جز ما و شیعیان ما، پیرو آیین ابراهیم نیست . . .

فضایل شیعیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۲ - ۱۰

۱۰- > عن أبي عبد الله (ع) في قوله عزّوجلّ : > إن عبادي ليس لك عليهم سلطان < . . . ليس له على هذه العصابة خاصه سلطان ، قال : قلت : و كيف جعلت فداك و فيهم ما فيهم ؟ قال : ليس حيث تذهب ، إنما قوله

: < ليس لك عليهم سلطان > أن يحبب إليهم الكفر و يبغض إليهم الإيمان ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدای عزوجل <إن عبادي ليس لك عليهم سلطان> روایت شده است که فرمود: ... برای ابلیس فقط بر این جماعت خاص (شیعه) تسلطی نیست. روای گوید: به امام(ع) عرض کردم چگونه ابلیس بر شیعه تسلط ندارد با اینکه گناهانی در میان شیعه دیده می شود؟ فرمود: آن گونه نیست که تو می اندیشی؛ بلکه مراد از سخن خدا که می فرماید <ليس لك عليهم سلطان> این است که نمی توانی کفر را در نظر آنان محبوب کنی و ایمان را ناپسند نمایی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۱۳

۱۳- < عن محمد الخزاعي قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يذكر في حديث غدیر خم انه لما قال النبي (ص) لعليّ (ع) ما قال : .. قال النبي (ص) : ... > إن عبادي ليس لك عليهم سلطان < ... صرخ ابلیس صرخه ، فرجعت إليه العفاریت فقالوا : یا سیدنا ما هذه الصرخه ... ؟ قال : و الله من أصحاب عليّ ... ;

محمد خزاعی گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که در باره حادثه غدیر خم می فرمود: هنگامی که رسول خدا(ص) با علی(ع) سخن می گفت در باره سخن خداوند عزوجل < إن عبادي ليس لك عليهم سلطان > فرمود: .. آن گاه ابلیس نعره ای کشید، پس با آن صدا، عفریتها به وی رجوع کردند و گفتند: ای

سید ما! این نعره برای چه بود؟ ابلیس گفت: به خدا سوگند به خاطر اصحاب علی(ع)...<

مقامات شیعیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۱۰

۱۰ سئل أبو عبد الله(ع) .. عن قول الله عز و جل: <من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها>، يجرى لهؤلاء ممن لا يعرف منهم هذا الأمر؟ فقال: إنما هذه للمؤمنين خاصة ...

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از اینکه آیا آیه <من جاء بالحسنة ..> شامل آنان که شناختی به ولایت ندارند، می شود؟ فرمود: این آیه فقط برای مؤمنان (شیعیان) است ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۶،۷

۶- > جابر الجعفی قال : سألت أبا جعفر محمد بن علي الباقر (ع) عن قول الله عز وجلّ : <كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء...> قال : أمّيا الشجرة فرسول الله (ص) و فرعها علي (ع) و غصن الشجرة فاطمه بنت رسول الله (ص) و ثمرها أولادها (ع) و ورقها شيعتنا ... ;

جابر جعفی گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدا <کشجره طيبه..> سؤال کردم، آن حضرت فرمود: اما مراد از درخت، رسول خدا(ص) می باشد و شاخه های اصلی آن، علی(ع) است و شاخه های فرعی آن، فاطمه(س) دختر رسول خدا(ص) می باشد و میوه های آن، فرزندان او و برگهای آن درخت، شیعیان ما می باشند.<

۷- > عمرو بن حرith قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول

الله : > كشجره طيبه أصلها ثابت و فرعها فى السماء < قال : فقال : رسول الله (ص) أصلها و أميرالمؤمنين (ع) فرعها و الأئمه من ذريتهما أغصانها و علم الأئمه ثمرتها و شيعتهم المؤمنون ورقها . . . >

عمرو بن حريث گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدا >كشجره طيبه أصلها.. < سؤال کردم پس [آن حضرت] فرمود: رسول خدا(ص) ریشه آن درخت و أميرالمؤمنين(ع) شاخه آن و ائمه(ع) از نسل آن دو، شاخه های فرعی آن و علم ائمه(ع) میوه های آن درخت می باشد و شیعیان مؤمن آنان برگهای آن درختند...<.

وعدده به شیعیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۷

۲۷ - > عن على بن الحسين (ع) انه قرء الآيه > وعدالله الذين آمنوا منكم . . . < و قال : هم والله شيعتنا أهل البيت يفعل الله ذالك بهم على یدی رجل منّا و هو مهدى هذه الأئمه . . . >

از حضرت علی بن الحسین(ع) روایت شده است که آن حضرت در پی تلاوت آیه >وعد الله الذى آمنوا منكم.. < فرمود: سوگند به خدا! آنان شیعیان ما اهل بیت هستند که خداوند به سبب مردی از خاندان ما که مهدی(عج) این امت باشد آنان را خلیفه روی زمین قرار خواهد داد...<.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

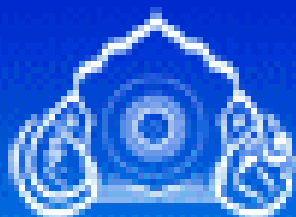
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

